مهجور لورد

۴۴
――
۹

اعمال سه ماهه رجب و شعبان و رمضان
تاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۳۶ از عرض کتابخانه
مبارکه شاهنشاهی روحی و روح العالمین
فداه گذشت

هذا کتاب

خزائن الجواهر السلطانی از تالیفات مولانا الفاضل میر محمد حسین الحسینی اوتی کتابه بیمینه

بسم الله الرحمن الرحیم

جواهر حمد و ثنائی که زیب و زینت بر دوش شاهدان جمال عالم ملکوت بوده باشد و درر درود
که آویزه گوش معتکفان صوامع جبروت گردد سپاس و ستایش جناب قاضی الحاجاتی است
قدسیان سما و ساکنان ملأ اعلی از تسبیح و تقدیس و تمجید ذاتش پیوسته در خروش و از
مشاهده اشعه جلال و کبریا و پرتو انوار طور سینای اسمای حسنی همواره بیخود و مدهوش
و ساکنان معابد سموات و قاطنان مساجد سرادقات بمقتضای منهم رکوع لا یسجدون
و سجود لا یرکعون و صافون لا یزایلون هریک بعبادتی خاص شرف امتیاز و اختصاص یافته
مجیب الدعواتی که کف دست عابدان را آشیانه مرغ اجابت و انامل ایدی دعاگویان قفس طایر
استجابت ساخته و طوطیان تحیات زاکیات در شکرستان نعت خاتم پیغمبران شکرخا نموده
صلوات نامیات در مدیح اشرف رسل مترنم و بنغمات جان افزا در وجد و اهتزاز است
رفیع جنابی که ضیا ملت بیضایش رشک فرمای ید بیضای موسی و نور مصباح شریعت غرایش
روشنی بخش بیت المعمور عالم بالا و کواکب نیره عترت ابرار و اهل بیت اخیارش از مطالع بروج
اثنی عشر طالع و ساطع گشته اراضی قلوب کافه مؤمنان و بساتین خواطر عامه متقیان را
بنور هدایت و ارشاد روشن ساخته‌اند صلوات بر ایشان مفتاح فلاح دنیا و عقبی
و سلام بر ایشان منهاج صلاح آخرت و اولی و موالات ایشان زاد معاد و مودت ایشان ذریعه
نجاح و سداد و اختیار متابعت ایشان جنة الامان طریق رشاد و جنة الایمان هدایت و سداد
و مشاهد مشرفه ایشان بلد الامین رستگاری و زیارت ایشان درع حصین پرهیزکاری

و برائت

و برائت از اعداء ایشان باعث خلاصی از عقاب و شفاعتشان موجب نجات یوم یقوم الحساب
فصلوات الله علیه و علیهم اجمعین و لعنة الله علی اعدائهم الی یوم الدین **اما بعد** چنین گوید
الفقیر الی عفو الله الغنی محمد حسین بن محمد صالح الحسینی اوتیا کتابهما عن الیمین یوم الدین
و وقفا یوم القیمة مواقف الآمنین که بر ارباب دانش و اصحاب بینش واضح و روشن و مدلل
و مبرهن است که غرض اصلی از ایجاد انسان که نخبه نتایج ارکانست معرفت خداوند کریم غفار
و عبادت حکیم علی الاطلاق است جل شانه و بمقتضای ان عدة الشهور عند الله اثنا عشر
شهرا فی کتاب الله ایام و لیالی شهور اثنی عشر و اصل شهور با یکدیگر بحسب رتبه متفاوت
و برای هر یک وظایف متعدده از صلوات و صیام و اذکار و اوراد و ادعیه بسیار وارد شده
و علمای امامیه رضوان الله علیهم در این باب کتب متعدده تالیف نموده‌اند و لیکن اکثر آنها
بلغت عربی و عامه خلق از عمل بمضمون آنها باین جهة محروم اند و بعضی که بلغت فارسی تالیف شده
اکثر آنها در نهایت اختصار است لهذا این فقیر حقیر حسب الامر بعضی که اطاعت ایشان بر این
فقیر متحتم بود بتالیف این کتاب اقدام نمود و آنچه در این باب از کتب اصحاب بنظر رسید
در این کتاب درج نمود و آنچه از مسایل شرعیه که متعلق بهر مقامی بود بتفصیل آنرا با بعضی از
فواید که از کتب اصحاب استفاده نموده با آنچه بخاطر فاتر این شکسته خاطر رسید اضافه نمود
و این کتاب را مسمی گردانید بخزاین الجواهر سلطانی و مرتب ساخت بر فاتحه و دوازده خزینه
و خاتمه **فاتحه** در بیان آداب دعا و شرایط آن و شرح مطالب متعلقه بآن و کیفیت و ادا
دیدن هر ماهی از ماهها و ذکر نماز اول ماه و ادعیه آنها و آن مشتمل است بر دو باب **باب اول**
در بیان آداب دعا و شرایط آن و مطالب متعلقه بآن و آن بچند مفتاح مفتوح میشود
مفتاح اول در بیان معنی حقیقت دعا و ذکر بدانکه دعا در اصل لغت بمعنی خواندن و ندا
کردن دیگریست و در اصطلاح عبارتست از طلب نمودن مطالب و مقاصد خود از درگاه
حق تعالی از روی تضرع و خضوع و خشوع و ذکر در اصل لغت بمعنی حضور معنی است
در نفس و اهل لغت گاهی از مجاز بر قول اطلاق نموده‌اند بجهت آنکه از شان قول آنست
که در نفس در آید و در دل حاضر شود و در اصطلاح عبارتست از کلامی که دلالت کند بر ثنا
الهی و حمد او یا اتصاف او بصفات کمالیه یا افعال و چون این کمال مستلزم حضور حق تعالی
و صفات کمالیه او در دل می باشد و آدمی را متذکر جناب الهی میگرداند لهذا آنرا ذکر نامیده‌اند

وبدانکه در این مقام اشکالی متوجه میشود که تنبیه بران با جواب آن ضروریست اما اشکال این است
که در معنی اصطلاحی دعا چنانچه مذکور شد طلب نمودن مقاصد و مطالب معتبر است و این
معنی منافی است با انچه در روایات و اخبار وارد شده است که دعا بر اذکار مشتمله بر حمد
وثنای الهی با اوصاف کمالیه و افعال او اطلاق شده چنانچه در کتاب محاسن از اصبغ بن نباته
روایت نموده که گفت بر در خانه حضرت امیر المومنین علیه السلام من بر کوع رفته بودم و دعا میکردم
ناگاه انحضرت بیرون امد و فرمود که ای اصبغ گفتم لبیک فرمود که چکار میکردی گفتم مشغول
رکوع بودم و دعا میکردم فرمود که میخواهی ترا تعلیم نمایم دعائی که از رسول خدا صلی الله
علیه و اله شنیده ام گفتم بلی فرمود بگو الحمد لله علی ما کان و الحمد لله علی کل حال بعد ازان دست
راست خود را بر دوش چپ من زد و فرمود که ای اصبغ اگر قدمت ثابت باشد بر دین حق
و ولایت کامل باشد و دستت گشاده باشد حق تعالی بتو رحمت خواهد بود از خودت
و از رسول خدا صلی الله علیه و اله منقولست که انحضرت در حدیث عرفه فرمود که اکثر دعا
من و دعاء پیغمبران پیش از من این دعاست لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له
الحمد و هو علی کل شیء قدیر و مخفی نماند که این دو کلام که لفظ دعا در این دو حدیث شریف
بر انها اطلاق شده مجرد ذکر است و مشتمل بر خواستن مطلبی نه دنیوی و نه اخروی
اصلا نیست و نظایر این در روایات و اخبار بسیار است چنانچه از تتبع ظاهر میشود و جواب
ازین اشکال بچند وجه میتوان گفت وجه اول بعضی از علما گفته اند که چون این اذکار
باعتبار اشتمال بر حمد و ثناء الهی نیز مانند دعا موجب اجر و ثواب است لهذا اسم دعا بران مجازا
اطلاق شده وجه دوم بعضی دیگر گفته اند که چون اذکار مشتمله بر حمد و ثنای الهی از مقدمات
دعاست زیرا که هر دعائی البته مشتمل بر حمد و ثنا میباشد لهذا اسم بران اطلاق شده
بخاطر قاصر این شکسته میرسد که چون تلفظ بجمیع اذکار و تهلیلات و تحمیدات و تقدیسات وجه سیم
حق تعالی موجب ثواب و اجر و باعث مزید قرب و منزلت میگردد و ادمی بهر یک از انها
که تلفظ مینماید البته بقصد توقع اجر و ثواب یا طلب مزید منزلت و قرب میخواند
پس طلب در مفهوم هر یک البته معتبر است و لفظی که دلالت بر طلب چیزی کند دران
صریحا مذکور نباشد و باین جهة لفظ دعائی که در مفهوم عرفی ان طلب و سوال معتبر است بران
اطلاق شده است و مخفی نماند که این جواب اظهر از دو جواب سابق است زیرا که بنا بر این جواب

اطلاق لفظ دعا بعنوان حقیقت خواهد بود و بنا بر دو جواب اول بعنوان مجاز و تسبیح در عرف
اصطلاح اهل شرع بمعنی گفتن سبحان الله و تحمید بمعنی گفتن الحمد لله و تهلیل بمعنی گفتن
لا اله الا الله و تکبیر بمعنی گفتن الله اکبر است چنانچه تسمیه و بسمله بمعنی گفتن بسم الله
و حمدله نیز بمعنی گفتن الحمد لله و حولقه بمعنی گفتن لا حول و لا قوة الا بالله است و بعضی
از انها مانند تهلیل و بسمله و حمدله و حولقه از قبیل اشتقاقات جعلیه است و سر در این
باب انست که کلامی که ظاهرا مشتمل بر دو کلمه و زیاده بوده باشد هرگاه کثیر الدوران بر السنه
عرب گردد از برای سهولت و اسانی لفظی را که مشتمل بر بعضی از حروف هر یک از ان کلمها بوده باشد
ازان اشتقاق و بران اطلاق مینمایند والله تعالی العلیم مفتاح دوم در بیان فضیلت دعا
و ثمرات و برکات ان بر عاقل خبیر و هوشمند بصیر مخفی و مستتر نیست که هر یک از افراد بنی نوع
انسانی مبتلی بنقایص امکانی و پیوسته در تحصیل ما یحتاج زندگانی این دار فانی و
اکتساب سعادات جاودانی که باعث نجات از اهوال شدیده و فوز بدرجات عالیه نشاء
باقیه است محتاج بلطف و احسان ایزد کریم منان میباشد و کلید این خزانه بی کران و
مفتاح این گنج بی پایان طریقه دعا و مسئلت و مناجاتست چه هرگاه مولی بنده خود را بهبند
که بغیر او ملجائی و پناهی ندارد و جمیع ما یحتاج خود را از او مسئلت مینماید او نیز البته متوجه
تمشیت او کما ینبغی میگردد و اهمال و مسامحه در هیچ جزئی از جزئیات امور او روا نمیدارد
و قطع نظر از این دو جمله فواید و منافع دیگر نیز بر دعا مترتب میشود زیرا که بکثرت دعا
و مناجات یقین بذات و صفات کمالیه الهی زیاده میگردد و توکل و توسل بجناب
مقدس او بیشتر میشود و علاقها و طمعها از خلق بریده میشود و رشته امال و امانی
از غیر او منقطع میگردد و ترک دنیا که اعظم عبادات است بسبب ان حاصل میشود بلکه
هم تحلیه بجمیع صفات حسنه و اخلاق جمیله و تخلیه از ملکات رذیله بدون دعا و تضرع
دست بهم نمیدهد و لهذا رسول خدا و ائمه هدی علیهم التحیة و الثنا که اشرف مخلوقات
و اکمل مکونات اند پیوسته این طریقه انیقه و شیوه مرضیه را مسلوک میداشته اند
خصوصا حضرت سید الساجدین و قبلة الزاهدین امام زین العابدین صلوات الله علیه
که همیشه مشغول بدعا و تضرع و مناجات و گریه و زاری بوده و صحیفه کامله که در فصاحت
الفاظ و بلاغت مضمون تحت کلام خالق و فوق کلام مخلوق است و مشتمل بر جمیع

مقاصد دنیا و اخرت و فی الحقیقة عروة الوثقی مطالب دارین و حبل المتین مآرب
نشأتین است از ان امام عالیمقام منقولست و بالجمله ثمرات و برکات دعا لا تعد و لا تحصی
و زبان قلم و بیان رقم از تحریر شمۀ از ان عاجز و ناتوانست و برای اهتمام شان این همین قدر
کافیست که خداوند حمید در چندین موضع از قران مجید کافه بندگان را بر وجه ابلغ و
اکمل تحریص و ترغیب بان فرموده چنانچه میفرماید و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان
الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین یعنی گفت پروردگار شما که
بخوانید مرا در جمیع مطلبها تا مستجاب کردانم دعای شما را بدرستی که جماعتی که سرکشی
و تکبر مینمایند از عبادت من بزودی داخل جهنم میشوند با خفت و خواری و این آیه
کریمه از چند وجه بر فضیلت دعا دلالت میکند اول آنکه حق تعالی بان امر فرموده
دوم وعدۀ استجابت نموده سیم دعا را عبادت نام کرده چهارم ترک دعا را تکبر خوانده
و بر ترکش وعدۀ دخول جهنم فرموده و در موضع دیگر میفرماید و اذا سألک عبادی عنی
فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلهم یرشدون
ترجمه آیت آنکه هرگاه سؤال نمایند از تو بندگان من از من یعنی از صفت من یا از نزدیکی
و دوری من یا از کیفیت دعا کردن من که آهسته دعا کنند یا بلند پس بگو با ایشان که من نزدیکم
با ایشان بعلم و احاطه و لطف و رحمت مستجاب میکردانم دعای هر دعا کننده را در هنگامی
که بخواند مرا پس باید بندگان اجابت کنند مرا در دعا کردن که از ایشان طلبیده ام یا آنکه چون
من اجابت میکنم دعای ایشان را باید که ایشان نیز مرا اجابت نمایند در جمیع تکالیف من و باید
که ایمان آورند بوعدۀ من در اجابت دعا و در ایمان خود ثابت باشند شاید که راه راست و رشد
و صلاح خود پی برند و این آیه نیز مانند آیه سابق بر فضیلت دعا از وجوه شتی دلالت دارد چنانکه
بعد از اندک تاملی ظاهر میشود یعنی این دو آیه و آیات کریمه در این باب بسیار است که تفسیر
بعضی از آنها در ضمن احادیث و اخبار این مطلب مذکور است و روایات این مطلب جسیم که از ائمه
اطهار علیهم صلوات الله الکریم الملک الغفار مروی و ماثور است از دایره عد و احصا
بیرونست و ماده این کتاب بجهت مزید رغبت اولوا الالباب معظم انها را ذکر مینمائیم بسند
معتبر منقولست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که کدام عبادت بهتر و افضلست
حضرت فرمود که هیچ عبادتی نزد حق تعالی بهتر نیست از آنکه از او سؤال نمایند و از خزانهای غیرمتناهیه

که

که نزد او دوست طلب نمایند و هیچکس نزد خدا دشمن تر و بدتر نیست از کسی که تکبر کند از عبادت
الهی که دعاست و از عطاها و رحمتهای الهی سؤال ننماید و ایضا زراره از آنحضرت روایت کرده
که آنحضرت آیه کریمه ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین را خواند و فرمود
که مراد از عبادت در این آیه کریمه دعاست و دعا افضل عبادات است زراره گفت آیه ان ابراهیم
لاواه حلیم که ترجمه اش اینست که بدرستیکه حضرت ابراهیم اواه و بسیار حلم کننده است پرسیدم
حضرت فرمود که اواه یعنی بسیار دعا کننده است و از میسر بن عبد العزیز منقولست که حضرت
صادق علیه السلام فرمود که ای میسر دعا بکن و مگو که هر چه مقدر شده است خواهد شد بدرستی
که نزد خدا منزلتی هست که بان نمیتوان رسید مگر بدعا و مسئلت و اگر کسی دهان خود را
ببندد و دعا نکند و سؤال ننماید از خدا چیزی باو نمیدهند پس بطلب تا عطا کنند ای
میسر هر که در را بسیار بکوبد البته بر رویش میگشایند و در حدیث دیگر فرمود که هر که از
فضل خدا سؤال ننماید فقیر میشود و فرمود که بر شما باد بدعا بدرستیکه شما را قرب بخدا
حاصل نمیشود بعبادتی مثل دعا و ترک مکنید طلب کردن حاجت کوچکی را برای خوردی
آن حاجت بدرستی که حاجت کوچک و بزرگ همه بدست خداست و ایضا از آنحضرت ماثورست
که بحماد بن عیسی فرمود که دعا کن و مگو که آنچه مقدر شده است خواهد شد بدرستی که دعا
عبادت حق تعالی است زیرا که میفرماید که ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم
داخرین و در جای دیگر میفرماید که ادعونی استجب لکم و در حدیث دیگر فرمود که حضرت
امیر المومنین علیه السلام میفرمود که محبوب ترین اعمال در زمین نزد خدا دعاست و فرمود
که حضرت امیر المومنین علیه السلام دعا بسیار میکرد و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که دعا حربه مؤمن است برای دفع دشمنان و عمود دین است که بان دین
مؤمن بر پاست و نور آسمان و زمین است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که
بصحابه فرمود که میخواهید دلالت کنم شما را بر حربه و سلاحی که شما را نجات دهد از شر
دشمنان شما و روزی شما را زیاد گرداند گفتند بلی یا رسول الله فرمود که دعا کنید و بخوانید
پروردگار خود را در شب و روز بدرستی که حربه مؤمن دعاست و از حضرت امیر المومنین
علیه السلام منقولست که فرمود که دعا سپر مؤمن است و هر گاه دری را بسیار بکوبی بر تو
گشوده میشود و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که فرمود که بر شما باد بحربه پیغمبران

کران دعاست واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمود که دعا از نیزه تند کارگرتر است
ودر حدیث دیگر فرموده که دعا رد میکند قضا را هرچند از اسمان نازل شده باشد ومحکم کرده
باشد ودر روایت دیگر فرموده که دعا رد میکند قضا را هرچند مبرم شده باشد پس بسیار
دعا کنید که دعا کلید جمیع رحمتهاست وموجب فیروزی یافتن بهمه حاجتهاست وبکرامتهای
الهی نمیتوان رسید مکر بدعا وهر دری را که بسیار میکوبند البته بروی ادمی میکشایند ودر
حدیث دیگر فرموده که برتو باد بدعا که شفای جمیع دردهاست واز حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام منقولست که هر بلائی که بر بنده مومن نازل شود وحق تعالی دعا را باو الهام فرماید
ان بلا بزودی ازاو زایل میشود البته وهر بلائی که بر مومن نازل شود وتوفیق دعا نیابد وترک نماید
البته ان بلا بطول می انجامد پس بر شما باد بدعا وتضرع بسوی حق تعالی واز حضرت رسول
صلی الله علیه واله منقولست که فرمود که دوا کنید بیماران خود را بتصدق ودفع کنید انواع
بلاها را بدعا وحفظ نمائید مالهای خود را بدادن زکوة بدرستی که هیچ مرغی بدام نمی افتد
مکر انکه تسبیح خود را ترک نماید واز حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که
فرمود که دفع کنید موجهای بلا را از خود بدعا پیش از انکه بلا نازل شود بحق خداوندی که
دانه را شکافته وانواع کیاه را از ان بیرون اورده وخلایق را خلق نموده است که بلا بسوی
مومن تندتر میاید از سیلی که از بلای کوه بپائین اید واز دویدن اسبان تند رو وهیچ
نعمتی وطراوت عیشی از بندکان برطرف نمیشود مکر بسبب کناهان ایشان واکر استقبال کنند
بلا را بدعا وتضرع وانابت وتوبه بر ایشان نازل نخواهد شد واکر وقتی که بلا نازل شود ونعمت
از ایشان زایل کردد بخدا پناه برند وتضرع نمایند بانیتهای درست وسستی ننمایند در
عبادت وبندکی وکناه را ترک نمایند البته حق تعالی هر فاسدی را برای ایشان باصلاح
می اورد وهر نعمتی را که از ایشان سلب نموده بایشان رد میفرماید واز حضرت صادق علیه السلام
منقولست که فرمود که سه چیزست که با انها هیچ چیز ضرر نمی رساند دعا کردن در هنکام
بلاها وشدتها واستغفار کردن بعد از کناه وشکر کردن در وقت نعمت ودر حدیث دیکر
فرمود که حق تعالی روزیهای مومنان را از جای چند مقرر فرموده که کمان نداشته باشند
زیرا که بنده هرکاه نداند که روزیش از کجا میرسد دعا بسیار میکند ودر حدیث دیکر فرمود که هرکه را
چهار چیز عطا فرماید اورا از چهار چیز محروم نمیکرداند هرکه را دعا داد از اجابت محرومش

نمیسازند

نمیسازند وهرکه را استغفار کرامت کردند توبه اش را قبول میفرمایند وهرکه را شکر عطا کردند
نعمتش را زیاده میکنند وهرکه را صبر دادند از اجر وثوابش محروم نمیسازند وایضا از انحضرت
منقولست که هیچ بنده دست خود را بدرکاه خداوند جبار بر نمیدارد مکر انکه حق تعالی حیا میکند
که او را دست خالی برکرداند تا انکه از فضل ورحمت خود هرقدر که خواهد بدست او میکذارد
پس هرکاه یکی از شما که دعا کند دست خود را برنکرداند تا انکه او را بر سر وروی خود بکشد واز رسول
صلی الله علیه واله منقولست که در روز قیامت داخل بهشت میکنند دو شخصی را که در عمل
مانند یکدیکر بودند پس یکی از ان دو شخص درجه رفیق خود را بلندتر میبیند پس میکوید پروردکارا
بچه جهت درجه این شخص را رفیع تر کردانیدۀ وحال انکه عمل من واو مساویست پس حق تعالی
در جواب میفرماید که او از من سوال نمود وتو سوال نکردی باین جهت درجه او را بلندتر نمودم
پس حضرت فرمود که سوال کنید از حق تعالی وامور بسیار عظیم را از او بخواهید بدرستی که هیچ چیز نزد حق
عظیم نیست ودر حدیث دیکر از انحضرت منقولست که از برای خداوند بندۀ چند هست که عمل صالح
میکنند وحق تعالی جزای اعمال ایشان را بایشان عطا میفرماید وبندکان دیکر هست که از روی
صدق وراستی از حق تعالی مسئلت مینمایند وبایشان نیز عطا میفرماید پس هر دو کروه را در بهشت
جمع میکنند پس کروه اول میکویند که پروردکارا ما عمل نیکو کردیم وبما عطا فرمودۀ بعضی از انها
کرایشان کروه دیکر عطا فرموده پس حق تعالی در جواب ایشان میفرماید که جزای عملهای شما را بشما دادم
بی انکه چیزی از ان را ناقص کنم واین طایفه از من سوال کردند پس منهم بایشان عطا کردم وغنی ساختم
ایشان را واین فضل منست بهرکه خواهم عطا میکنم وایضا از انحضرت منقولست که عاجزترین مردم
کسی است که از دعا عاجز باشد وبخیل ترین مردم کسی است که بسلام کردن بمردم بخل نماید واز حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی بحضرت ادم علیه السلام وحی فرمود که من برای تو
جمع میکنم همه نیکیها را در چهار کلمه کلمۀ اول برای منست وکلمۀ دوم برای توست وکلمۀ سیم
میان من وتوست وکلمۀ چهارم میان تو ومردمانست اما کلمۀ اول که برای منست انست
که مرا بپرستی وشریک برای من قرار ندهی وکلمه که برای توست انست که جزا دهم ترا بر عمل
صالحی که بکنی بهر چیزی که محتاج بان باشی وکلمه که میان من وتوست انست که تو دعا کنی ومن
مستجاب نمایم از تو وکلمۀ که میان تو ومردمانست انست که راضی باشی برای مردم انچه را برای خود
راضی هستی وایضا از انحضرت منقولست که بسیف تمار فرمود که بر شما باد بدعا بدرستی که بدرکاه خدا

تقرب نمیتوان جست بچیزی مانند دعا و هیچ حاجت کوچکی را وامگذارید که از حق تعالی نطلبید
بدرستی که آن خدائی که حاجتهای کوچک را میدهد همان خدائیست که حاجات عظیم بزرگ را
عطا میفرماید و از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی یک چیزی را دوست میدارد
که از برای خلق دشمن میدارد سوال کردن از خلق را دشمن میدارد و سؤال نمودن از خود را دوست میدارد
و هیچ چیز نزد خدا محبوب تر از سؤال کردن از او نیست پس هیچیک از شما حیا نکند در سؤال کردن
از فضل حق تعالی هرچند بند نعلین او باشد که او را نیز از خدا سؤال کند و از دیگری نطلبید و در حدیث
قدسی وارد شده است که حق تعالی بحضرت موسی علیه السلام فرمود که ای موسی سؤال کن از من
هرچه را محتاج باشی یا آن علف گوسفند و نمک خمیر خود را نیز از من سوال کن این است اکثر روایات
وارده در این باب و در این مقام ذکر بعضی از فواید ضروریه و لازم است و آنها در ضمن دو فصل ایراد
میشود ان شاء الله تعالی **فصل اول** در انواع دعا بدانکه چنانچه از تتبع آیات و اخبار منقوله از ائمه
اطهار علیهم السلام ظاهر میشود آنست که ادعیه بر چند نوع است **نوع اول** ادعیه ماثوره که در
خصوص بعضی از مطالب واقع شده مانند آنکه در حدیث وارد شده که هر که خواهد عمرش زیاد شود
فلان دعا بخواند و هر که خواهد توانگر و بی نیاز گردد فلان دعا بخواند و امثال اینها از ادعیه
مخصوصه که از برای مطالب معینه وارد شده و در این نوع از ادعیه ضروریست قصد نمودن
مطالب و کافیست خواندن دعا زیرا که خواندن آن دعا این خاصیت میبخشد که آن مطلب حاصل
میشود هرچند قصد ننموده باشد و از مدلول بعضی اخبار و احادیث مستنبط می شود
که قصد آن مطلب نمودن و دعا را بجهة حصول آن خواندن ادخل است در وقوع مطلب
مدعا **نوع دوم** ادعیه وارده که عموما در احادیث و اخبار وارد شده که هر که حاجتی و مطلبی داشته
باشد این دعا بخواند که حاجت او براورده میشود و در این نوع لازم است قصد حاجت داشتن
و تعیین حاجت نمودن تا خواندن دعا سبب حصول آن حاجت شود و هرگاه حوایج متعدده
داشته باشد اولی آنست که آن دعا را مکرر بخواند و در هر خواندنی قصد حاجت معینی کند و چنانچه
هرگاه ده حاجت داشته باشد ده مرتبه آن دعا را بخواند و دور نیست که یکمرتبه کافی باشد در
حصول همه آن مطالب هرگاه همه آنها را قصد نماید **نوع سیم** ادعیه وارده که در اخبار و احادیث وارد
شده که هر که این دعا را بخواند حق تعالی هفتاد حاجت یا هزار حاجت او را مثلا بر می آورد و در این
نوع لازم نیست قصد حوایج نمودن بلکه حق تعالی بهمان عدد معین که وعده فرموده حوایج را

که مصلحت داعی را در حصول آنها میداند بر می آورد هرچند قصد نکرده باشد و اگر قصد کند حاجت
معینی یا حوایج معینه چند را مطابق فحوی بعضی از اخبار اولی و ادخل است در حصول آن حوایج
نوع چهارم ادعیه منقوله که وارد شده که هر که این دعا را بخواند حق تعالی همه حوایج او را بر می آورد و این
نوع نیز حکم نوع سابق دارد و اگر حوایج خود را بخصوص قصد نماید و منظور نظر سازد باجابت اقرب
خواهد بود **نوع پنجم** دعائی که ماثور و مروی نباشد بلکه خود انشا کند و حاجات خود را خصوصا
یا عموما قصد نماید و از حق تعالی طلب کند بهر لغتی و عبارتی که خواهد خواه بلغت عربی یا فارسی
یا بلغات دیگر و این نوع از دعا موجب اجابت میشود ولیکن در مرتبه انواع سابقه که بالفاظ
و عبارات ماثوره است نیست و خواص عظیمه که بر آنها مترتبست بر این مترتب نیست این حال
انواع ادعیه نظر بحاجات و مطالب مقصوده و از تتبع کتب احادیث و کتب دعوات علما نوع دیگر
نیز ورای انواع سابقه معلوم میشود و آن نوع ادعیه ایست که در احادیث وارد شده که رسول خدا
و ائمه هدی علیهم السلام میخوانده اند یا دیگری را بخواندن آن ادعیه امر میفرموده اند بدون تعیین
وقت معینی یا با تعیین اوقات مخصوصه بدون آنکه وعده حصول مطلبی عموما یا خصوصا در خواندن
آن ادعیه فرموده باشند و این نوع از ادعیه بسیار است و اکثر ادعیه صحیفه کامله از این نوع است
و در این نوع ضروریست قصد نمودن حاجتی بلکه خواندن آن ادعیه سبب حصول مطالبی
که در آنها مذکور و آن ادعیه بر آنها مشتمل است میگردد خواه آن مطالب را قصد کنند یا نکنند
بلی هرگاه خواندن آن دعا از روی تذکر یا فهم مضامین آن باشد بحصول آن مطالب اقرب
خواهد بود **فصل دوم** در بیان نتایج و ثمراتی که بر خواندن ادعیه مترتب میشود
و تفصیل آنها **بدانکه** ثمراتی که از برای داعی حاصل میشود و بر دعا مترتب میگردد چنانچه از
ادله عقلیه و دلایل نقلیه از آیات کریمه و احادیث معتبره مفهوم و مستفاد میشود بسیار
و ما در اینجا بمعظم آن ثمرات اشاره می نمائیم **اول** آنکه ثواب عظیم از برای او حاصل میشود زیرا
که دعا از افضل عبادات است چنانچه بسند معتبر منقولست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند
که کدام عبادت افضل و بهتر است فرمود هیچ عبادتی نزد حق تعالی بهتر نیست از اینکه از او سؤال
کنند از رحمتهای نامتناهی که در نزد اوست طلب نمایند و هیچ کس نزد خدا دشمن تر و بدتر
نیست از آنکسی که تکبر کند و عبادت خدا را که دعاست ترک کند و عطایا و رحمتهای خدا را از او
سؤال ننماید **مؤلف گوید** که احادیث در این باب که کدام عبادت افضل عبادات است

مختلف وارد شده واز بعضی احادیث ظاهر میشود که بهترین اعمال نماز است واز بعضی حج واز
بعضی معرفت یعنی شناختن حق تعالی را وازین حدیث شریف معلوم میشود که دعا افضل
عبادات است ودر حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که رسول خدا
صلی الله علیه وآله از صحابه پرسید که کدام یک از عروهای ایمان اوثق ومحکم ترست صحابه
گفتند خدا ورسول خدا بهتر میدانند پس بعضی از صحابه گفتند نماز چنین است که فرمودید
وبعضی گفتند زکوة وبعضی گفتند روزه وبعضی گفتند حج وعمره وبعضی گفتند جهاد
پس آنحضرت بعد ازین سخنان فرمود که هر یک ازین عبادات که نام بردید فضیلتی هست در آن
ولیکن اوثق ومحکم ترین عروهای ایمان محبت ودوستی در راه خدا وبغض ودشمنی
خدا وتولی ودوستی کردن با دوستان خدا وبیزاری جستن از دشمنان خدا است وحق
در جمع میان این اخبار مختلفه آنست که گوئیم چون هر یک ازین عبادات را در حصول لذت
وفوز بسعادات ابدی مدخلیت عظیم هست باین جهت انرا افضل فرموده اند ونظیر این
آنست که هم چنانکه هر یک از ادویه را خاصیتی هست که بسبب آن خاصیت دوای مرضی
ودردی از دردهای جسمانیست وصاحبان امراض جسمانی در دفع امراض مختلفه ودفع
آلام متنوعه خود محتاجند باستعمال آن ادویه وبعد از آنکه طبیب حاذق واطبا ایشانرا
بیکی از آن ادویه ومشاهده می نمایند آثار عظیم آن دوا را حکم میکنند بنیکی این دوا
بلکه از بر همه ادویه ترجیح میدهند همچنین اصحاب امراض روحانی گناهان ومعاصی
در ازاله امراض نهانی خود وتحصیل سعادت جاودانی که عافیت حقیقیست محتاجند
باستشفا باین عبادات تا بوسیله آنها ایشانرا شفای حقیقی از آن امراض مهلکه حاصل شود
وپیغمبران واوصیای عالیشان ایشان که حکیمان وطبیبان نفوس خلایقند وبر نفع
عظیم هر یک از آن عبادات خبیر ومطلع اند هر یک از آن عبادات را نظر باین خاصیت
که از آن حاصل میشود از آن افضل فرموده اند واین مطلب طولی دارد وتنقیح آن موقوفست
بر مقدمات بسیار که در این مقام مناسب نیست واز آنچه تقریر نمودیم مستفاد میگردد نیز
سر اختلاف اخبار در باب فضیلت دعا بر تلاوت قرآن وافضلیت تلاوت بر دعا والله تعالی اعلم
دویم آنکه موجب قرب بجناب اقدس حق تعالی میگردد چنانچه در حدیث وارد شده که بر شما باد
بدعا زیرا که شما را بخدا قربی حاصل نمیشود مانند قربی که بسبب دعا حاصل میشود **سیم** آنکه

موجب قضای مطالب دنیوی ومآرب اخروی میگردد زیرا که حق تعالی فرموده ادعونی استجب لکم
یعنی دعا کنید وبخوانید مرا تا مستجاب کنم از برای شما وحاجت شما را بر آورم **مفتاح سیم**
در بیان شرایط وآداب دعاست که بسبب مراعات آنها نیز دعا بفعلیت قبول میرسد وبهدف استجابت
اشاره میکند وآنها چنانچه از تتبع روایات واخبار ظاهر میشود چند چیز است **اول** آنکه
نیت داعی صحیح باشد ودل خود را از ریا پاک سازد وبرای شهرت در میان مردم بصلاح وتقوی
دعا نکند بلکه غرض خالص وقصد او صحیح باشد وتفصیل این معنی آنست که دعا بر دو قسم است
قسم اول دعا کردن برای مطالب اخروی که باید قصد او حصول آن مطلب باشد وبرای خدا
مانند آمرزش گناهان ونجات از عقوبات نیران وفایز گردیدن به بهشت ودرجات عالیه آن
ورسیدن بمرتبه رضوان وخوشنودی خداوند عالمیان که اعلای مراتب واسنای درجات
سعادتمندانست واین مطالب اهم مطالبی است که آدمی بآنها محتاج است چه معلوم است
که بغیر پیغمبران واوصیای عالیشان که معصومند از گناهان ومعاصی وسایر مردمان
همگی مبتلا بخطایا واجرام واسیر ذنوب وآثامند واگر حق تعالی با ایشان بعدالت سلوک
نماید وبگناهان ومعاصی مؤاخذه نماید مستحق دخول جهنم وعقوبات اخروی نعوذ بالله
خواهد بود پس اهم مطالب واوجب حاجات ومآرب طلب مغفرت وعفو از گناهان است
ولهذا در احادیث واخبار تاکید بسیار وتحریص بیشمار واقع شده در باب استغفار
زیرا که استغفار در حقیقت نوعی از دعاست که مقصود از آن آمرزش گناهانست **قسم دویم**
مطالب دنیوی وامور یست که آدمی در زندگانی دنیا راغب است بحصول آنها واز آنها تمتع وبهره
می برند واین مطالب نسبت باشخاص مردمان مختلف میشود وما در اینجا بیشتر آنها که اکثر ناس
بآنها راغبند اشاره می نمائیم **اول** طول عمر وادعیه این مطلب در احادیث واخبار بسیار است
وبعضی از آن ادعیه مجرب علماست که مداومت بر آن موجب طول عمر میگردد **دویم** صحت
تن درستی وادعیه این مطلب بر دو نوع است **نوع اول** ادعیه که ثمره آنها حفظ صحت است
وهر که مداومت بر آنها نماید پیوسته صحیح وتن درست می باشد وبیماری وخستگی او را عارض
نمیشود مگر بیماری که منتهی بموت او شود وآنها را ادعیه حفظ صحت می نامند وبنا نکرده این مقام
اشکالی ایراد نموده اند وآن آنست که جمعی که برین ادعیه مداومت می نمایند مکرر بیمار میشوند
وشفا می یابند واین مخالف آن چیزیست که در حدیث وارد شده است وجواب آن چنانچه

بعضی از علما گفته‌اند اینست که ممکن است که بیماری که عارض ایشان شود مرض موت باشد و بسبب دعا
یا صله رحم یا تصدق و امثال اینها حق تعالی عمر ایشان را دراز کرده‌اند و از آن مرض شفا یابند
نوع دویم ادعیه کثیره ایست که از برای زوال مرضی است که حادث شده باشد و اینها را ادعیه شفای امراض می‌نامند
و این ادعیه در اخبار و احادیث و کتب دعوات علما بدو وجه وارد شده اول ادعیه که در مطلق
امراض وارد شده که هر که اینها را بخواند شفا یابد از مرضی که او را عارض شده باشد دویم ادعیه
که در خصوص امراض معینه وارد شده مانند آنکه هر که تب داشته باشد فلان دعا بخواند و هر که
درد چشم داشته باشد فلان دعا بخواند و امثال اینها سیم از مطالب دنیوی عافیت
از بلایا و مصایب است و ادعیه اینمطلب نیز مانند مطلب دویم بر دو نوع است نوع اول
ادعیه که از برای طلب عافیت و ایمن شدن از بلاهای متوقعه واقع شده مانند آنکه وارد شده
که هر که مواظبت نماید بر فلان دعا محفوظ باشد از بلایا و هیچ بلائی باو نرسد و از این قبیل است
دعای صحیفه کامله که حضرت سید الساجدین صلوات الله و سلامه علیه بجهت طلب عافیت
میخوانده است نوع دویم ادعیه که از برای دفع بلایای حاصل واقع شده خواه بطریق عموم
مانند آنکه وارد شده که هر که ببلائی مبتلا شده باشد فلان دعا بخواند تا حق تعالی آن بلا را
از او رفع نماید و از این قبیل است دعای صحیفه کامله که آنحضرت میخوانده است در حین عروض
حادثه و در حینی که اندوهی آنحضرت را عارض میشده است یا در خصوص بلاهای مخصوصه مانند
آنکه وارد شده که هر که بفلان بلا مبتلا شده باشد فلان دعا بخواند یا کسی که کار او مشکل شده باشد
فلان دعا بخواند و از قبیل این دو نوع است ادعیه که وارد شده است از برای ایمن شدن
از ستمی که برسد که از خلق باو رسد یا خلاصی یافتن از ستمی که از ظالمی باو رسیده باشد مانند
دعای صحیفه کامله که آنحضرت میخوانده است در هنگامی که ستمی بآنحضرت میرسیده یا از ستمکاران
میدیده آنچه آنحضرت را خوش نمی‌آمد چهارم طلب وسعت یعنی حصول توسعه در معاش
و توانگری چنانچه ادعیه بسیار از برای اینمطلب وارد شده و زوال تنگی معاش مانند دعای صحیفه کامله
که هرگاه روزی بر آنحضرت تنگ میشده این دعا را میخوانده یا ادای دیون مانند دعاء قضاء دین
صحیفه کامله که هرگاه آنحضرت قرضی بهم میرسانیده آنرا میخوانده و ادعیه دیگر که برای ادای دین
وارد شده پنجم طلب فرزند خواه فرزند نداشته باشد و طلب نماید یا کثرت اولاد و یا
فرزندان ذکور طلب نماید و ادعیه اینمطلب بسیار است ششم طلب رفعت و عزت

که درمیان خلق ذلیل و مغلوب نباشد و عزیز و غالب باشد و از این قبیل است طلب جاه و اعتبار هفتم
طلب لذات دیگر دنیا مانند زن جمیله صالحه و خانه واسعه و خادمان مرغوبه و ماکولات لذیذه
و ملبوسات فاخره و امثال اینها از اسباب تنقیه دنیا که آدمی در تعیش دنیا از آنها لذت میبرد
دویم آنکه معنی دعا را بفهمد و بداند که چه میگوید و دلش در فکر دیگر نباشد و رعایت اینمعنی از مهمات است
زیرا که اگر کسی حاجت خود را بنزد یکی از مخلوقین عرض کند و از روی مستی و بیخبری سخن گوید
و دلش از آنچه بر زبان او جاری میشود خبر نداشته باشد اگر آن بزرگ بر اینمعنی مطلع شود اگر آن
شخص را سیاست نکند بسخنش نیز اعتباری نخواهد کرد و بواسطه دعای او اثری مترتب نخواهد شد
پس در هنگام مناجات با قاضی الحاجات بطریق اولی باید که خبردار و هشیار باشد و بداند که چه
میگوید و تمام قوی و حواسش در خیال آن مطلب باشد و لهذا تاکید در این باب در احادیث بسیار
وارد شده است چنانچه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در وصیت خود بحضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی حق تعالی قبول نمیفرماید دعاء دل فراموش کار را و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که خدای عز و جل مستجاب نمیفرماید دعائی را که از روی
دل فراموشکار برخیزد پس هرگاه دعا کنید دل خود را با خدا دارید پس یقین کنید که دعای شما
مستجابست و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حق تعالی قبول نمیفرماید دعائی را
که از دل غافل صادر شود و فرمود که چون برای میت خود دعا کنید چنین دعا مکنید که دل شما
از آن غافل باشد و خبر نداشته باشد ولیکن باید که جد و سعی کنید از برای او در دعا و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هرگاه دعا کنی پس بدل خود رو کن بدرگاه الهی و حاجت خود را بر در
خانه خود گمان کن مؤلف گوید که رعایت اینمعنی بر عوام از عجم که عارف بلغت عربی نیستند
متعسر بلکه متعذر است پس بهتر آنست که ایشان هر مطلبی که خواهند بلغت خود از درگاه حق تعالی
طلب نمایند و اگر خواهند که ادعیه منقوله تلاوت نمایند و از برکات الفاظ صادره از معادن
وحی و الهام که فی الحقیقه کلام حضرت ملک علام است بالمره محروم نباشند باید که در حین خواندن
دل خود را مشغول جناب حق تعالی نمایند و صفات کمالیه او را منظور دارند و عظمت و جلال او را
در برابر خود متمثل سازند و در فکر امور دنیا و تدبیر معاش که اکثر اوقات در حین عبادات
در فکر اینها میباشند نباشند و بالجمله از یاد خدا غافل و ذاهل نباشند و پیوسته در فکر آن مطلبی
که دعا را برای آن میخوانند بوده باشند هرگاه چنین باشند ظاهر آنست که عمل باین شرط نموده

وداخل در فراموشکاران وغافلان که در احادیث مذکوره وارد شده است نبوده باشند واکر خواندن دعا
مترجم که الحال شایع ومتعارفست برای این طایفه میسر شود بهتر است واکر دعا را شخصی دیکر که معنی
بفهمد بخواند وایشان آمین بکویند نیز خوبست ودر ثواب با یکدیکر شریک خواهند بود چنانچه از
حضرت صادق صلوات الله علیه منقولست که دعا کننده وآمین کوینده در ثواب با هم با یکدیکر شریکند
وایضا از آنحضرت منقولست که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که حضرت موسی علیه السلام روزی
دعا کرد وهرون برادر او با ملائکه آمین کفتند پس حق تعالی وحی فرمود که دعای هر دو مستجاب کردیم
وایضا از آنحضرت مرویست که فرمود که پدرم هرکاه محزون وغمکین میشد زنان واطفال را
می طلبید پس خود دعا میکرد وایشان آمین میکفتند وبدانکه اکر داعی از جماعت حاضرین التماس
نماید که ایشان بکویند آمین آمین کفتن بر ایشان لازم است چنانچه از علی بن جعفر منقولست
که کفت از برادرم حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدم از مردی که دعا میکند وبرادران او
بر کرد او حاضرند آیا بر ایشان واجب است آمین کفتن یا نه حضرت فرمود که اکر خواهند میکویند
واکر خواهند ساکت میشوند پس اکر او از ایشان التماس نماید بر ایشان واجب است که آمین بکویند
والله تعالی هو الموفق سیم آنکه داعی لحن در دعا ننماید والفاظ واعراب آنرا هرکاه بلفظ عربی باشد
غلط نخواند زیرا که غرض از دعا مناجات با قاضی الحاجات وعرض مطلب وحاجت بدرکاه احدیت
وسؤال انجاح مطالب ومآرب اخروی ودنیوی است وهرکاه تغییر وتبدیل در کلمات وحرکات دعا
واقع شود معنی منقلب وخلاف مدعا بلکه فاسد ومنتج بنتیجه عکس مطلوب میشود مثلا در بسیار از
خطابهای معصوم میکنند ومیکویند که اشهد انک قُتلت وظُلمت وغُصبت بضم قاف وظا وغین
بنا بر آنکه افعال ثلثه مبنی از برای مفعول باشند ومراد آنست که تو مقتول کشتی ومظلوم ومغصوب شدی
پس هرکاه افعال ثلثه را بفتح حروف ثلثه بخوانند بنا بر آنکه مبنی از برای فاعل باشد معنی ظاهر آن
بدانست زیرا که اسناد قتل وظلم وغصب را بمعصوم داده ولحن عبارت از اینست واینست معنی
در بعض اخبار وارد شده که دعائی که در آن لحن باشد مقبول نیست ودعای ملحون را خدای تعالی
قبول نمیکند واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمود ما جماعت فصحائیم هرکاه روایتی
از ما بکنید اعراب او را خوب ظاهر سازید واز حضرت امام محمد تقی علیه السلام مرویست در
حدیثی که فرمودند افضل واعلم نزد خدای تعالی کسی است که دانا تر باشد بقرائت قرآن بنحوی
که نازل شده ودعای او بر وجهی باشد که لحن در آن نکند ولحن خطای در اعراب ولوازم آن

واین بجهت انست

واین بجهت آنست که دعائی که در آن لحن باشد ملائکه بالا نمی برند بجانب حق جل وعلا ودر این مقام
اشکالی کرده اند وجوابها کفته اند ودر این دو حدیث تاویلات کرده اند که طولی دارد ومناسب این مقام
نیست چهارم آنکه داعی باید معرفت کامل داشته باشد ببزرکواری حق تعالی وبیقین داند
که قضای حوایج دنیا وآخرت همه بدست اوست وبغیر او نفع وضرر رساننده نیست وهر نعمتی که بآدمی
میرسد از جانب اوست وهرچند معرفت او در این باب کاملتر است امید اجابت دعا در حق او
بیشتر است ودر حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که چه سبب
دارد که ما دعا میکنیم ودعای ما مستجاب نمیشود فرمود زیرا که شما کسی را میخوانید وحاجت خود را
از کسی میطلبید که او را نمی شناسید ودر حدیث دیکر فرمود که هرکاه احدی از شما خواهد که هر حاجتی
که از خدای تعالی سؤال نماید باو عطا فرماید باید که از همه مردم مأیوس ونا امید باشد واز غیر خدا
امیدی نداشته باشد زیرا که حق تعالی چون این حالت را در دل او بیابد هر حاجتی که سؤال کند
البته باو عطا فرماید پنجم آنکه توبه کند وحقوقی را که در ذمه او باشد ادا نماید واز محرمات
ومنهیات اجتناب کند واعمال صالحه وعبادات مقبوله بجا آورد واز کناهان معنوی که صفات ذمیمه
نفسانیست نفس خود را منزه وپاک کرداند وبصفات حسنه واخلاق حمیده آنرا محلی ومزین سازد
ودر حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض نمود
که حق تعالی میفرماید که دعا کنید تا دعای شما را مستجاب کردانم وما دعا میکنیم ومستجاب نمیشود
فرمود که دعای شما برای این مستجاب نمیشود که وفا نمیکنید بعهد وپیمانها که حق تعالی از شما کرفته در عمل
نمودن باوامر وترک نمودن مناهی وحق تعالی میفرماید که وفا کنید بعهد وپیمان من تا وفا کنم بعهد
وپیمان شما والله که اکر شما وفا کنید از برای خدا او نیز وفا میکند از برای شما ودر حدیث دیکر مرویست
که هرکه خواهد که دعای او مستجاب شود باید که کسب خود را حلال کند ودر حدیث دیکر منقولست که
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که بهترین دعاها آن دعائیست که صادر شود از سینه
که پاک وپاکیزه باشد از عیوب وصفات ذمیمه ودلی که پرهیزکار باشد وبروایت دیکر فرمود
که حق تعالی وحی نمود بحضرت عیسی علیه السلام که بکو به بنی اسرائیل که بخانه از خانهای من داخل مشوید
مکر با دلهای طاهر ودیدهای خاشع ودستهای پاکیزه از کثافت حرام وشبهه وبایشان بکو
که بدانید که هیچ یک از شما دعائی مستجاب نمیکنم هرکاه مظلمه کسی در نزد او باشد ومال کسی بظلم
در ذمه او باشد وحضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حق تعالی مستجاب نمیکند

دعائی را اگر با دل سخت و با قساوت دعا کند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که دعای بی عمل صالح از بابت تیر انداختن از کمان بی زه است ششم انکه دعا
عادت او شده باشد و در احوال رخا و عافیت نیز دعا میکرده باشد و در حدیث واقع شده که هر که
خواهد دعای او در حالت شدت مستجاب شود باید که در حالت رخا و نعمت نیز دعا بسیار کند و در
حدیث دیگر وارد شده که شخصی که پیش از نزول بلا دعا میکند چون بلائی بر او نازل شود دعای
او مستجابست و ملائکه چون صدای او را میشنوند میگویند این صدای اشناییست و دعای او را
از اسمان منع نمی نمایند و شخصی که دعا نمیکند پیش از نزول بلا چون بلائی بر او نازل شود دعایش
مستجاب نیست و ملائکه میگویند ما این صدا را نمیشناسیم و بروایت دیگر میگویند پیش از امروز
کجا بودی هفتم انکه پیش از شروع بدعا تصدقی بکند و در حدیث است که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که اگر احدی از شما بیمار شود طبیب را می طلبد و باو چیزی میدهد
و اگر حاجتی به پادشاهی داشته باشد بدربانان او رشوه میدهد پس هر گاه حاجتی بخدا
داشته باشد باید که تصدقی بکند خواه کم و خواه بسیار هشتم انکه چون شروع بدعا کند
افتتاح کند دعای خود را بحمد و ثنای الهی و صلوات بر محمد و ال محمد صلی الله علیهم اجمعین
و در حدیث وارد شده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر گاه یکی از شما
خواهد که از خداوند خود حاجتی از حاجتهای دنیا و اخرت سؤال نماید باید که ابتدا کند به
ثنا و مدح خداوند عالمیان و صلوات بر محمد و ال محمد صلی الله علیهم اجمعین انگاه حاجت خود را
طلب نماید و بروایت دیگر فرمود که هر گاه حاجتی داشته باشی حمد و ثنای پروردگار خود
بکوشید زیرا که هر کسی که از پادشاهی حاجتی طلب می نماید مهیا میکند از برای او از ستایش بهترین
سخنانی که قدرت دارد که او را ابتدا باید پس انحضرت فرمود که شخصی داخل مسجد حضرت رسول صلی الله
علیه و آله شد و دو رکعت نماز کرد و از خدای تعالی حاجتی سؤال نمود حضرت فرمود که این بنده
تعجیل کرد بر خداوند خود و دیگری امد و دو رکعت نماز کرد و بعد از ان خدا را ثنا گفت و صلوات
بر پیغمبر فرستاد حضرت فرمود که حاجت خود را طلب که حق تعالی عطا میفرماید و بروایت دیگر
فرمود که دعا محجوبست از اسمان و مستجاب نمیشود تا صلوات بر محمد و ال محمد صلوات الله علیهم اجمعین
نفرستند و بروایت دیگر هر که دعا کند و پیغمبر صلی الله علیه و آله را یاد ننماید دعا بر بالای سر او
ایستاده بال میزند و چون صلوات میفرستند بالا میرود نهم انکه دعای خود را ختم کند نیز

بصلوات و در حدیث وارد شده که هر که را بخدای تعالی حاجتی باشد صلوات بر محمد و ال محمد علیهم السلام
فرستد و حاجت خود را طلب نماید پس باز دعای خود را ختم کند بصلوات بر محمد و ال محمد صلوات الله
علیهم بدرستیکه خدا کریمتر است از انکه دو طرف دعا را قبول فرماید و میان را رد کند زیرا که صلوات
بر محمد و ال محمد صلوات الله علیهم اجمعین البته مقبولست و رد نمیشود دهم انکه در حین دعا کردن
بسجود رود و در حالت سجود حاجت خود را طلب نماید و در حدیثست که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام براوی فرمود که بتو باد دعا کردن در وقتی که در سجود باشی زیرا که بنده در حالت سجود
بحق تعالی نزدیکتر است از احوال دیگر خود یازدهم انکه سعی کند که رقت نماید و با حالت رقت
دعا کند و در حدیثست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر گاه شما را رقتی
حاصل شود دعا کنید زیرا که دل ادمی را رقت حاصل نمیشود مگر در هنگامی که از برای خدای تعالی
خالص گردیده باشد و متوجه خدا شده باشد و ان علامت استجابتست و بروایت دیگر فرمود
چون بدن تو بقشعریره درآید و بلرزد و دیدهای تو گریان شود در دعا اهتمام کن که در انحالت
رحمت الهی متوجه تو گردیده و هنگام اجابتست دوازدهم انکه حاجتی که داشته باشد از برای
برادر مؤمن خود طلب نماید تا بجهت او بیقین مستجاب شود و در حدیث وارد شده که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که هیچ دعائی زودتر مستجاب نمیشود از دعای غایبی از برای غایبی و در حدیث
دیگر مرویست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که نزدیکترین دعاها باجابت دعای
مؤمنیست که از برای برادر مؤمن خود غایبانه دعا کند زیرا که ملکی موکلست برانکه دعا کند میگوید
امین حق تعالی بتو عطا میفرماید دو برابر انچه برای برادر خود دعا کردی و در حدیث دیگر از
ابرهیم بن هاشم منقولست که عبد الله بن جندب را در عرفات دیدم که هیچ کس وقوفش در عرفات را
بهتر از او بجا نیاورده بود پیوسته دست باسمان بلند کرده بود و ابهای دیده بر دو طرف روی
جاری بود و بر زمین میریخت چون مردم از وقوف عرفات فارغ شدند و برگشتند با او گفتم
هر گز من وقوفی بخوبی وقوف تو ندیده بودم گفت والله که در این موقف دعا نکردم مگر برای
برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که هر که برای برادر مؤمن
خود دعا کند در غایبانه او از عرش او را ندا کنند که از برای توست صد هزار برابر انچه برای او
دعا کردی و نخواستم که صد هزار برابر محقق مضمون را ترک کنم برای یکی که ندانم مستجاب میشود یا نه
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر مؤمنی که از برای مؤمنین

ومؤمنات دعا کند حق تعالی باو برگرداند بعدد هر مومنی که در دنیا بوده یا خواهد امد از اول دنیا تا اخر دنیا
بمثل انچه برای ایشان دعا کرده است **مؤلف گوید** که ممکن است که این اختلاف نظر باختلاف دعا
کننده گان باشد و دو برابر اقل مراتب زیاده و صد هزار برابر اکثر مراتب ان باشد و اگر برای همه مومنین
و مؤمنات دعا کند ثمره اش ان باشد که در حدیث اخیر مذکور است والله تعالی یعلم و بدانکه در حدیث
معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که چهل مومن را مقدم دارد و از برای
ایشان دعا کند دعای او مستجابست و در حدیث دیگر مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و اله
فرمود که چون یکی از شما دعا کند دعای خود را عام کند و مخصوص خود نسازد تا باجابت نزدیکتر باشد
مؤلف گوید که از جمع بین الاخبار مفهوم میشود که اولی و سزاوارانست که داعی یکی از دو طریق را اختیار
نماید تا دعای او باجابت نزدیک شود **اول** انکه مطلب خود را بجهت برادر مومن خود طلب نماید خواه یک
مومن یا بیشتر و اولی انست که چهل مومن باشد یا بجهت مومنین و مؤمنات عموما انگاه همان مطلب را
برای خود طلب کند یا بدعائی که بجهت ایشان کرده است اکتفا نماید **دوم** انکه برای خود و دیگران
عموما طلب کند خواه جمعی مخصوص یا مطلق اقارب و خویشان یا صاحبان حقوق و امثال ایشان
یا مطلق مومنین و مومنات **سیم** انکه حاجت خود را صریح نام برد و بدرگاه حق تعالی عرض نماید
و در حدیث وارد شده که حق تعالی مراد بندگان خود را میداند در هنگامی که دعا میکنند ولیکن
دوست میدارد که بندگان حاجتهای خود را بزبان جاری سازند و بدرگاه خدا عرض نمایند
چهارم انکه الحاح کند در دعا و مبالغه نماید در اجابت و در حدیث وارد شده که حضرت امام
محمد باقر علیه السلام فرمود بخدا سوگند که هیچ بنده مومنی نزد حق تعالی الحاح نمی نماید در حاجت خود مگر
انکه حاجت او را برمی اورد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حق تعالی مکروه و دشمن دارد
الحاح مردم را در سؤال از یکدیگر و از برای خود این الحاح را پسندیده است و دوست میدارد که از
او سؤال نمایند و از انچه نزد اوست طلب کنند و حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود که حق تعالی
رحم میکند بنده را که طلب کند از حق تعالی حاجتی را و در دعا الحاح نماید خواه دعای او را
مستجاب کند یا نکند **پنجم** انکه جمعی را نیز در دعا کردن با خود شریک گردانند و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که چهار نفر جمع نمیشوند از برای دعا مگر انکه در هنگامی
که متفرق میشوند دعای ایشان مستجاب گردیده پس فرمود که چون پدرم را حاجتی رو میداد
زنان و کودکان را جمع میفرمود و خود دعا میکرد و ایشان امین میگفتند و بروایت دیگر فرمود

هرگاه

هرگاه چهل نفر جمع شوند و دعا کنند البته دعای ایشان مستجابست و اگر چهل نفر نباشند چهار نفر چون
هر یک ده نوبت خدا را در حاجتی بخوانند البته دعای ایشان را مستجاب میسازد و اگر چهار نفر نیز نباشند
یکنفر چون خدا را در حاجتی چهل نوبت بخواند البته خداوند عزیز جبار دعای او را مستجاب میکند
بدانکه در حدیث وارد شده که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که یک دعای مخفی که بکنی بهتر است از هفتاد
دعا که اظهار نمائی و بعلانیه کنی و مراد از این حدیث شریف مبالغه است در خلوص دعا و احتراز از
ریا نه اگر ایمن باشند از ریا شرکت دیگران با او در دعا اولی است و باجابت اقربست **ششم** انکه بعد از
فارغ از دعا امید عظیم بهرساند باجابت حق تعالی و در حدیث وارد شده که حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه براوی فرمود که چون دعا کنی گمان کن که حاجت تو بر در خانه تو حاضر است و حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که حق تعالی مستجاب نمیکند دعائی را که با دل غافل فراموشکار باشد
پس چون دعا کنی دل خود را با خدا دار و یقین خود را محکم کن که دعای تو مستجابست **مفتاح**
چهارم در بیان کیفیت خواندن ادعیه و توضیح انکه ثمراتی که بجهت انها وارد شده چگونه بر انها مترتب
میشود و در چه وقت حاصل میشود و بوقوع میرسد بدانکه ادعیه که در اخبار و احادیث وارد شده
بر دو نوع است **نوع اول** ادعیه که ثمره معینه از برای انها بخصوص در اخبار وارد نشده و ثمرات این
ادعیه ثمرات اخرویست که از عبادت دعا حاصل میشود و همچنین استجابت مطالبی که در این ادعیه
مذکور است و ثمرات دیگر که بر دعا مطلقا مترتب میشود **نوع دوم** ادعیه که ثمرات معینه از برای انها
در اخبار و روایات وارد شده خواه ثمرات اخروی یا ثمرات دنیوی یا هر دو و حصول ثمرات اخروی
ظاهر است که در نشاه اخرت واقع میشود و اما ثمرات دنیوی پس زمان وقوع انها در این ادعیه
مختلف میشود بسبب اختلاف اقسام انها زیرا که این ادعیه بعضی مخصوص است بوقت معینی و بعضی
مخصوص بوقتی نیست و برخی مقیدات بعدد معینی و بعضی مقید بعددی نیست پس ادعیه این
نوع بر چند قسم است **قسم اول** ادعیه که چنین وارد شده که هر که فلان دعا را در طرف صبح مثلا بخواند
در ان روز از فلان بلا یا از همه بلاها سالم باشد یا فلان نعمت از برای او حاصل شود یا هر که فلان
دعا را در طرف شام بخواند چنان و چنان خواهد بود و حکم این قسم انست که هر روز و هر شب
که ان دعا را میخواند بمقتضای وعده که در ان حدیث واقع شده ان ثمره برای او حاصل میشود
و اگر در روز یا شبی ترک نماید عمل بمضمون حدیث نکرده است و ان وعده نسبت باو واقع
نشده و اگر حق تعالی خواهد ان ثمره را باو عطا میفرماید و اگر نخواهد عطا نمیفرماید **قسم دوم**

و هر یک از این اقسام حکمی دارد صح

ادعیه که وارد شده که هر که فلان دعا را در اول ماه بخواند در انماه از مرض و بیماری مثلاً ایمن باشد سالم م
یا فلان دعا را در اول سال بخواند در ان سال چنان خواهد بود و این قسم نیز مانند قسم دوم است
و هر گاه خواهد که ان ثمره موعوده برای او حاصل شود باید که ترک ننماید و بدانکه در این دو قسم
لازم نیست تکرار خواندن ان ادعیه و بخواند یکمرتبه عمل بمضمون حدیث حاصل میشود و اگر مکرر بخواند
الحاح در دعا که در احادیث مرغوب شده بعمل می اید و باین جهة اولی است چنانچه بعد از این بیان
خواهیم نمود **قسم سیم** دعائی که مقید بوقت معینی نشده و عدد معینی نیز برای ان واقع نشده
مثلاً انکه وارد شده که هر که فلان دعا بخواند فلان ثمره برای او حاصل میشود و این قسم از دعا
وقت معینی ندارد و در هر وقت از اوقات روز و شب که خواهد میتواند خواند و اگر اوقات
استجابت دعا را که در اخبار وارد شده اختیار نماید اولی و باجابت اقرب خواهد بود و همچنین واحادیث صح
این قسم از دعا عدد معینی ندارد پس اگر یکمرتبه بخواند عمل بحدیث نموده است و ان ثمره حاصل
میشود و اگر مکرر بخواند عمل باحادیث الحاح در دعا نموده و باین جهة امید استجابت در بارهٔ او
بیشتر خواهد بود **قسم چهارم** ادعیه که مقید بوقت معینی نیست ولیکن عدد معینی برای انها
واقع شده مانند انکه وارد شده که هر گاه فلان دعا را ده بار بخواند مثلاً فلان ثمره می بخشد
و در این قسم هر گاه عمل بحدیث نماید و ان دعا را بهمان عدد بخواند بمقتضای وعدهٔ الهی
بعد از قراءت بان عدد ان ثمره موعوده مترتب میشود و بدانکه در این قسم هر گاه ان عدد را بی
کم و زیاد مرعی دارد معین عمل بحدیث نموده است و از کلام بعضی از علما ظاهر میشود که اگر
زیاده بخواند نیز خوبست زیرا که در اذکار و ادعیه زیاده مضرتی و قصوری ندارد و این سخن
در صورتی که ادعیه و اذکار مختلف وارد شده و فرموده باشد که فلان ذکر را ده مرتبه و ذکر
دیگر را ده مرتبه بخوان محل تامل است زیرا که محتمل است که خصوص ان عدد معین و مراعات
ترتیب بطریقی که وارد شده دخیل باشد در حصول ان ثمره چنانچه در باب تسبیح حضرت
فاطمه زهرا صلوات الله علیها گفته اند که باید عدد الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله مضبوط
باشد و بهمان عدد و بهمان ترتیب این اذکار گفته شود بلی در صورتی که ذکر یک دعا باشد
یا متعدد باشد و با تمام رسیده باشد ظاهر است که زیاده مخل نباشد زیرا که بعد از اتمام
ان عدد عمل بحدیث کرده است و زیاده که بعد از اتمام عمل بجا اورده باشد قصوری ندارد چنانچه
در مثال تسبیح هر گاه ان را تمام کند و یعنی وسه مرتبه سبحان الله بگوید اگر باز ذکر سبحان الله بگوید

چون ان عمل را بوضعی که ماثور است ان زیاده مخل نیست و یاد کار تسبیح محسوب نمیشود بلکه ذکری علیحده که
بعد از فراغ از تسبیح بجا اورده است **قسم پنجم** ادعیه که مقید بوقت معین و عدد معین شده باشد
مانند دعائی که وارد شده که هر که این دعا را چهل شب جمعه مثلاً بخواند فلان ثمره دارد و این قسم نیز
مانند قسم سابق است و زیاده خواندن ان دعا ضرری ندارد و منافی عمل بمضمون ان حدیث نیست و ظاهر
انست که در این قسم توالی شرط نیست پس اگر در لیله از لیالی جمعه ترک نموده باشد مضر نیست خصوصاً
هر گاه بسبب مانعی باشد بلی اگر در حدیث قید توالی شده باشد و بدون مانع ترک شده باشد عمل
بمضمون حدیث ننموده است و باید که عمل را از سر گیرد و بدانکه در بعضی از اعمال که توالی در انها شرط شده
مانند روزه دو ماه پی در پی در کفارهٔ افطار روزه ماه مبارک رمضان هر گاه ان عمل از نصف تجاوز
نموده باشد و یکروز یا دو روزه داشته باشد انعمل موافق فتاوی علما و احادیث مجزی است
و بعد از تجاوز نصف مراعات توالی در بقیهٔ ان عمل واجب نیست و هر گاه در اعمال واجبه چنین باشد
که اکتفا توان نمود بتجاوز از نصف پس در مرتبهٔ که در اعمال مستحبه مانند دعا بطریق اولی مجزی باشد
و خداوند کریم در این صورت نیز وفا بوعدهٔ خود فرماید والله یعلم **قسم ششم** ادعیه که وارد شده
که هر که در شب جمعه فلان دعا بخواند فلان ثمره دارد یا هر که هر روز فلان دعا یا بعد از هر نماز فریضه
صبح فلان دعا یا بعد از هر نماز فریضه فلان دعا بخواند چنان شود و قریب باینست ادعیه که بلفظ
مداومت و مواظبت وارد شده که هر که مداومت یا مواظبت نماید بر فلان دعا فلان ثمره برای او
حاصل میشود و در این قسم هر گاه بطریقی که در حدیث وارد شده عمل نماید و تخلف نکند ان ثمره
حاصل میشود و اگر گاهی بعمل اورد و گاهی ترک نماید پس اگر ان ترک نادر و قلیل باشد و بحدی
رسیده باشد قراءت ان دعا که در عرف و عادت گویند که انعمل را مستمر وارد و مداومت
و مواظبت مینماید عمل بحدیث نموده و ان ثمره حاصل میشود و اگر ترک خواندن دعا را بسیار کند و قراءت
دعا بحدی نرسیده باشد که بحسب عرف انرا مداومت و مواظبت گویند عمل بمضمون حدیث ننموده و توقف
و حصول ان ثمره بمقتضای وعده لازم نیست اینست حکم این قسم در باب حصول ثمره **والملکه** در جهة
ان ثمره حاصل میشود پس ان خالی از غموض و اشکالی نیست زیرا که مقتضای احادیث انست که قراءت
ان ادعیه در همهٔ لیالی جمعه در مثال اول و در همه ایام و در اعقاب همهٔ صلوات صبح یا همهٔ فرایض
در مثالهای دیگر یا بعد از حصول مداومت و مواظبت در صورت اخیره موجب وقوع
ان ثمرات است و معلوم است که این معنی تحقق بهمنیی ساند و وقوع نمی پذیرد مگر در هنگامی

که در تمام عمر خود چنان میکرده باشد و عمل بان احادیث حاصل نمیشود مگر با تمام عمر باین حالت
و هرگاه ترتب ثمره موقوف بر اتمام عمر باشد باید که ثمرات ان ادعیه بعد از زمان الحیات و انقضا
ایام عمر حاصل شود و اینمعنی در ثمرات اخروی اگرچه محذوری و قصوری ندارد زیرا که ان
ثمرات بعد از موت و در نشاه اخرت حاصل میشود اما ثمرات دنیوی چگونه میتواند بود که
بعد از موت و انقضا ایام حیات بوده باشد مثلا در حدیث وارد شده است که هر که هر روز
بعد از نماز صبح فلان دعا بخواند حق تعالی او را از کوری و نابینائی و از تنگدستی و پریشانی
نگاه دارد و ظاهر است که حصول این ثمره بعد از موت و انقضا ایام زندگانی بی وجه و بی صورت است
و حل این اشکال بچند وجه میتوان نمود و وقوع ثمره در این مثال چند احتمال دارد اول آنکه
مراد این باشد که در هر روزی که این عمل را بجا می اورد و ان دعا را میخواند در ان روز از نزول بلا
و از پریشانی و منع روزی ایمن خواهد بود و این احتمال مبتنی بر انست که ان عمل در حقیقت اعمال
متعدده و ثمرات متعدده باشد و هر یک از ان اعمال هرگاه واقع شود ثمرهٔ ان نیز بوقوع رسد
دوم انکه مقصود این باشد که مادام که مداومت بر این عمل می نماید این ثمره از برای او حاصل است
و در این صورت حصول ثمره موقوف بر انکه عمل او مکرر شود و بحدی رسد که در عرف گویند
که فلان شخص این دعا را بعد از هر نماز صبح میخواند و بدون حصول این معنی ان ثمره لازم نیست
پس در هنگام شروع باین عمل چون هنوز مکرر نشده و در عرف او را مواظبت بر ان عمل
نمینامند وقوع ثمره لازم نیست و بعد از حصول مواظبت هرگاه نادراً و احیاناً از او ترک
نماید مخالفتی نیست چنانچه اشاره بان نمودیم و بنا بر این احتمال ممکن است که مختلف شود احوال
و ثمره نظر بایام عمر او مانند انکه یکسال بر ان دعا مواظبت نماید و ثمرهٔ انرا بیابد و سال دیگر
ترک نماید و از وعدهٔ ثمره بهره نداشته باشد سیم انکه منظور این باشد که هرگاه در تمام عمر
مداومت نماید این ثمره برای او حاصل است و علم باینمعنی از برای حق تعالی که عالم بهمه چیز
حاصل است پس اگر در علم الهی چنان باشد که این شخص مادام حیات باین عمل مداومت
مینماید بمجرد شروع در این عمل ان ثمره را باو عطا میفرماید و اگر بر خلاف این باشد و در علم
الهی چنین نباشد و حق تعالی داند که مداومت نخواهد کرد بر او لازم نیست که ان ثمره را باو کرامت
فرماید والله تعالی یعلم حقایق الامور مفتاح پنجم در بیان از منه شریفه و امکنه متبرکه
و بعضی دیگر از وظایف و اداب حسنه بعد از ادعیه بدانکه مراعات این امور مؤید

ازکوری

اجابت

۱۳

اجابت و سبب سرعت استجابت میگردد خصوصاً هرگاه مطلب عظیم و حاجت عمده باشد و چون
این امور را در اجابت دعا مدخلیت عظیم هست معرفت انها مهم و فواید عظیمه دارد و مناسب دانست
که اکثر انها را مفصلا مذکور سازد و انها را در ضمن چند مطلب ایراد مینماید مطلب اول
در ساعات شریفه شب و روز که حق تعالی انها را شریف و محل استجابت دعا گردانیده و انها
بر دو قسم اند قسم اول ساعاتی که اختصاص بشب یا روز دارد اما ساعات شب و انها بر دو نوع است
نوع اول در ذکر ساعات شب عموما که اختصاص بشب خاصی ندارد و انها چند ساعت است
اول بعد از نماز شام هر شبی چنانچه در حدیث وارد شده است که دعا در چهار محل مستجاب است
و یکی از انها بعد از نماز شام را فرموده اند دوم بعد از نصف شب از هر شبی تا بعد از انکه سدس شب
بگذرد چنانچه در حدیث واقع شده که در شب ساعتی هست که هر که در ان ساعت نمازی بکند و دعا کند
و خدای تعالی را بخواند البته دعای او مستجاب میشود در هر شبی که بوده باشد و ان ساعت بعد از
نصف شب است تا انکه سدس شب بگذرد سیم در قنوت نماز مفردهٔ وتر و بعد از فارغ شدن
از ان و بعد از هشت رکعت از نماز شب و بهتر انست که دعائی که در صحیفه کامله مذکور است بعد از
مفرده وتر بخواند و اگر بعد از هشت رکعت از نماز شب بخوانند نیز خوب و هر دعا از دعاهای
مناجات صحیفه کامله یا غیر ان خصوصا مناجاتهای پانزده گانه را اگر بخوانند مناسب است
و حوایج دنیا و اخرت خود و برادران مؤمن را در انوقت طلب نمایند که وقت استجابت دعوات
چهارم در سحر و ثلث اخر شب در حدیث وارد شده که بهترین وقتها که حق تعالی را بخوانید
سحرهاست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در اخر شب منادی ندا میکند
که ایا سایلی هست که تا حاجتش را روا کنم ایا توبه کننده هست که توبه اش را قبول کنم ایا کسی هست که
طلب امرزش نماید تا بیامرزم او را و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه رویت که فرمودند
که هر که را بسوی پروردگار خود حاجتی باشد در سه ساعت طلب نماید و یکی از انها یک ساعت اخر شب
قریب بطلوع صبح را فرموده پس فرمود که بدرستی که در سحر در ملک از جانب حق تعالی ندا میکند
پس مذکور فرمودند قریب بانچه در حدیث سابق گذشت و از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست
که حق تعالی ملکی را در ثلث اخر هر شبی باسمان دنیا میفرستد و امر میکند او را که ندا کند که ایا
سوال کننده هست تا مطلب او را عطا کنم ایا توبه کننده هست که تا توبه او را قبول کنم ایا طلب امرزش
کننده هست تا گناهان او را بیامرزم ای طالب خیر رو کن ای طلب کننده شر باز ایست

پس آن ملک باین طریق ندا میکند تا صبح طلوع کند و هرگاه صبح طالع شود باز برمیگردد بمکان خود از
ملکوت آسمانها **نوع دویم** ساعات مخصوص بعضی از شبها و آنها چند ساعت است **اول** شب جمعه
چنانچه از امام محمد باقر صلوات الله علیه مرویست که پروردگار جل شانه از بالای عرش خود در هر شب جمعه
از اول شب تا آخر شب ندا میکند که آیا نیست بندهٔ مومنی که دعا کند مرا از برای دین خود یا دنیای خود پیش از
طلوع صبح تا دعای او را مستجاب کنم آیا نیست بندهٔ مومنی که روزی او را بر او تنگ کرده باشم که سوال زیادتی
روزی خود را از من سوال کند پیش از طلوع صبح تا روزی او را زیاده کردانم و توسعه دهم آیا نیست بندهٔ
مومنی که بیمار باشد و سوال کند از من که او را شفا دهم آیا نیست بنده مومنی که محبوس و غمگین باشد و سوال کند
از من که او را از زندان خلاص کردانم یا او را از حبس رهائی دهم آیا نیست بندهٔ مومنی که مظلوم باشد و سوال کند
از من پیش از طلوع صبح که حق او را از ظالم بگیرم یا انتقام او را از ظالم بکشم و حق او را از ظالم بستانم
پس حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که حق تعالی پیوسته در شب جمعه ندا میکند بانچه مذکور شد
تا طلوع صبح **دویم** لیالی ثلثه قدر که شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم ماه مبارک رمضانست چنانچه
احادیث فضیلت و استجابت دعا در آنها بتفصیل در این کتاب بعد از این مذکور میشود ان شاء الله تعالی
و همچنین اکثری از شبهای ماه مبارک رمضان بلکه کل آنها چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد **سیم** لیالی
اربعه یعنی شب اول ماه رجب و شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عید اضحی که دعا در آنها مستجابست البته
و بتفصیل خواهد آمد ان شاء الله و همچنین اکثر از شبهای ماه رجب و شعبان خصوصا شب نیمه رجب و اول شعبان
و لیالی بیض و شب آخر این دو ماه و شب جمعه اول رجب که آنرا لیلة الرغایب مینامند و شب بیست و هفتم ماه رجب
که روز آن مبعث پیغمبر ماست صلی الله علیه و آله و بعد از این همه اینها بتفصیل مذکور خواهد شد ان شاء الله
چهارم بعضی از شبهائی که در ظرف سال بخصوص فضیلت داشته باشد غیر شبهای گذشته مانند شب
پانزدهم ذی القعده و غیر آن و همچنین شبهائی که روز آنها شرافتی دارد مانند شب نوروز و شب عرفه
و شب عید غدیر و شب مولد و شب مبعث حضرت رسول صلی الله علیه و آله و غیر آن چنانچه در این کتاب
بتفصیل مذکور میشود ان شاء الله **اما** ساعات روز و آنها نیز بر دو نوع است **نوع اول** ساعات
روز عموما که تخصیص بروز خاصی ندارد و آن چند ساعت است **اول** وقت زوال آفتابست
از هر روز یعنی اول ظهر هر روز چنانچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که از پدر بزرگوار
خود نقل کرده است که هرگاه او را حاجتی بود از حق تعالی طلب می نمود در اول وقت ظهر
وقت زوال روز جمعه تا یکساعت که از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که آنحضرت

که سوال نمیکند کسی در آن ساعت از حق تعالی چیزی را مگر آنکه باو عطا میکند **دویم** بعد از عصر از هر روز
خصوصا بعد از نماز عصر چه در حدیث وارد شده که هرگاه حاجتی داشته باشی ختم نما قرآن را بعد از نماز عصر
و قرآن را بدست بگیر و از اول تا آخر قرآن را باز کن بعد از آن دست خود را با قرآن بلند کن بقدری که نتوانی
و بخوان این دعا را اللّهم انّی اتوجّه الیک بالقرآن العظیم من فاتحته الی خاتمته و فیه اسمک الاکبر
و کلماتک التامّات کلّها واسئلک بما نخاف منه و نرجو یا سامع کلّ صوت و یا باری النفوس بعد
الموت یا من لا تغشاه الظلمات و لا تشتبه علیه الاصوات ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و ان
تعطی محمّدا افضل ما سئلک له و افضل ما انت مسئول له الی یوم القیمة یا ذا الجلال و الاکرام و ان
تغفر لی و ترحمنی و ترزقنی الجنّة **سیم** وقت طلوع و غروب آفتاب از هر روزی و بخصوص دو مرتبه
تهلیل و دعاهای دیگر وارد شده و بعضی قایل بوجوب تهلیلات شده اند در این دو وقت و علما حمل
بتاکید استحباب نموده اند **چهارم** بدانکه وارد شده است تقسیم هر روزی از روزهای سال بدوازده
ساعت و هر ساعتی را منسوب بیکی از ائمه علیهم السلام و از برای هر ساعتی از آن دعای مخصوصی بآن
ساعت مذکور نموده اند چنانچه شیخ طوسی ره در کتاب مصباح و شیخ بهاء الدین محمد ره در مفتاح الفلاح
نقل نموده اند و ما از جهة طول کلام و مناسب نبودن در این مقام ادعیه این ساعات را مذکور نساخته
حواله بمصباح و مفتاح الفلاح مینمائیم مناسب آنست که آن ساعات را مذکور نمائید تا شیعیان توسل بجویند
بحق سبحانه و تعالی در آن اوقات به پیشوایان دین خود و در هر ساعتی از آن ساعات بامامی از ائمه
علیهم السلام متوسل شوند و بخوانند دعائی را که مخصوص آن ساعت است و حوایج خود را از جناب
قاضی الحاجات مسئلت نمایند که مستجاب است ان شاء الله تعالی و اما **ساعت اول** ما بین طلوع صبح تا طلوع
آفتابست و این منسوبست بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و دعای در این ساعت اینست
اللّهم ربّ الظلام و الفلق الخ **ساعت دویم** ما بین طلوع آفتاب تا برطرف شدن سرخی و این
ساعت منسوبست بحضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و میخوانی در این ساعت این دعا را اللّهم
یا خالق السّموات و الارض الخ **ساعت سیم** بعد از برطرف شدن سرخی آفتاب تا بلند شدن
روز و این منسوبست بحضرت امام حسین علیه السلام پس میخوانی در این ساعت این دعا را اللّهم
ربّ الارباب الخ **ساعت چهارم** از بلند شدن روز است تا پیشین و این ساعت منسوبست بحضرت
علی بن الحسین علیه السلام و دعای مخصوص این ساعت اینست اللّهم انت الملک الملیک الخ **ساعت**
پنجم از زوال آفتاب تا گذشتن مقدار چهار رکعت و این منسوبست بحضرت امام محمد باقر علیه السلام

ودعاي دران ساعت اينست اللهم انت الله الذي لا اله الا هو الخ **ساعت ششم** از گذشتن مقدار چهار رکعت
از زوال تا نماز ظهر واين منسوبست بحضرت امام جعفر صادق عليه السلام ميخواني دران ساعت اين دعا را
اللهم انت اترك العبث الخ **ساعت هفتم** پس از نماز ظهر است تا گذشتن مقدار چهار رکعت پيش از
عصر واين ساعت منسوبست بحضرت امام موسى كاظم عليه السلام ودعاي دران ساعت اينست
اللهم انت المرجو الخ **ساعت هشتم** پس از گذشتن چهار رکعت پيش از عصر تا نماز عصر واين منسوبست
بحضرت امام رضا عليه السلام پس ميخواني دران ساعت اين دعا را اللهم انت الكاشف الخ
ساعت نهم پس از نماز عصر است تا آنكه بگذرد دو ساعت واين منسوبست بحضرت امام محمد تقى
عليه السلام ودعاي دران ساعت اينست اللهم يا خالق الانوار الخ **ساعت دهم** پس از دو ساعت
بعد از نماز عصر تا نزديك آفتاب واين ساعت منسوب بحضرت امام على نقى عليه السلام است
ودعاي دران ساعت اينست اللهم انت اولى الخ **ساعت يازدهم** پس از نزديك شدن زردى آفتاب
تا زردى آن واين منسوبست بحضرت امام حسن عسكرى عليه السلام ودعاي دران ساعت اينست
اللهم انك منزل القرآن الخ **ساعت دوازدهم** پس از زرد شدن آفتاب تا غروب آن
وان منسوب بحضرت خلف حق وحجت بر خلق است صلوات الله عليه وعلى آبائه الطاهرين
وعجل فرجه ودعاي دران ساعت اينست اللهم يا خالق النفس الى آخر الدعا **نوع دويم**
اوقات مخصوصه روزها وان چند وقت است **اول** روز جمعه همه اوقات آن واحاديث آنرا
جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسى قدس الله روحه در ربيع الاسابيع ذكر نموده **دويم** وقت طلوع
آفتاب روز جمعه ودر بعضى از روايات وارد شده كه هر گاه در وقت طلوع آفتاب روز جمعه
كسى هفت مرتبه سوره قل يا ايها الكافرون را بخواند وبعد از آن دعا كند دعاي او مستجاب ميشود
سيم خصوص وقت عصر روز جمعه چنانچه منقولست كه دعاي سمات را در عصر جمعه
بخوانند وغير آن از ادعيه كه وارد شده كه بعد از عصر مطلقا يا بعد از نماز عصر واقع شده
چنانچه در ربيع الاسابيع مذكورست **چهارم** وقت ما بين ظهر وعصر روز چهارشنبه چنانچه
منقولست از جابر بن عبد الله انصارى كه حضرت پيغمبر صلى الله عليه وآله در جنگ احزاب
در روز دوشنبه وسه شنبه براي شكست كافران دعا كرد ودر ما بين وقت ظهر وعصر
در روز چهارشنبه مستجاب شد وجابر گفته است كه هر گاه نازل ميشد بمن چيزى كه مرا بغم
مى آورد در ساعت مذكور متوجه دعا ميشدم واجابت را مى يافتم **پنجم** ايام متبركه

واعياد

واعياد شريفه مانند روز عيد فطر واضحى وعرفه وغدير ومبعث ومباهله واستفتاح وغير اينها
از ايام وهمچنين روزهائى كه شب اينها شرافتى دارد مانند ايام ليالى قدر مثلا كه وارد شده كه روز اينها
مانند شب اينها فضيلت وشرافت دارد **قسم دويم** اوقاتى كه اختصاصى بشب يا روز ندارد ودعا
دران مستجابست وآنها چند وقت است **اول** وقت وزيدن بادهاست ووقت آمدن باران ووقتى
كه مومنى را بظلم بقتل رسانند واول قطره از خون او بر زمين بريزد چنانكه از حضرت امام جعفر صادق
عليه السلام منقولست كه طلب دعا كنيد در چهار ساعت نزد وزيدن بادها ونزد گرديدن سايه ها
يعنى وقت ظهر ونزد فرود آمدن باران ونزد اول قطره از خون كسى كه مومن باشد وكشته شود
پس بدرستى كه درهاي آسمان درين وقتها گشوده ميشود **دويم** بعد از قراءت قرآن وميان اذان
واقامه ووقتى كه از كسى ظلمى بكسى برسد ودل او بسوزد ودل سوخته داشته باشد واو را رقت
قلب حاصل شود واشكى از ديده او فرود ريزد چنانكه از حضرت صادق عليه السلام مرويست كه هر گاه
رقت كند احدى از شما پس دعا كنيد كه مستجابست زيرا كه رقت نميشود دل كسى تا خالص نباشد
سيم وقتى است كه روزه دار روزه اش را تمام كند وخواهد افطار كند قبل از افطار هر دعائى
كه بكند مستجاب ميشود ان شاء الله **چهارم** در عقب هر نماز واجبى دعا مستجابست چنانچه از حضرت
امير المومنين عليه السلام مرويست كه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود كه هر گاه آدمى بجا آورد نماز
فريضه را هر دعائى كه بعد از آن بكند مستجابست پس ابن فحام گويد كه در خواب ديدم آن حضرت را
وسوال كردم كه چنين حديثى از شما بما رسيده فرمود چنين است هر گاه فارغ شوى از نماز خود
پس بگو در حالت سجده كه اللهم بحق من رواه وبحق من روى عنه صل على جماعتهم وهر حاجتى
كه دارد از حق تعالى بخواهد كه بر آورده است وايضا از آنحضرت روايت شده كه بايد بنده از
نماز خود بر نخيزد تا آنكه سوال كند از خداي تعالى بهشت را وپناه بجويد از او از آتش جهنم وانكه تزويج نمايد
او را حور العين واحاديث درين باب بسيارست از ائمه هدى عليهم السلام باين قدر اكتفا شد **پنجم**
دعاي حاجى كه حج خانه خدا كرده باشد وهمچنين زيارت رسول خدا وائمه هدى عليهم السلام نموده وكسى
كه جهاد در راه خدا كرده وكسى كه بيمار باشد واحاديث درين باب بسيارست خصوصا مريض ودعاى
همگى مستجابست **ششم** دعاي سايلست براي معطى او نزد عطا چنانچه از حضرت امام زين العابدين
عليه السلام مرويست كه فرمود بخادم خود وقتى كه چيزى بسايل ميدادى كه اندك نگاه دار تا او دعا كند
وايضا از آنحضرت مرويست كه ميفرمود بخادم خود كه هر گاه چيزى بسايل ميدهى بسايل بگو تا

دعا کند بخیر که مستجاب هفتم وقتیست که قرآن مجید را ختم نماید بعد از آن هر دعائی که کند مستجاب
و غیر این از احادیث وارده در این باب و دیگر مواقع استجابت دعا بسیار است باین قدر اکتفا
نمود **مطلب دوم** در مکانهای استجابت دعا و آن چند مکانست **اول** در تحت قبر مبارکه
سید شهدا ابا عبد الله الحسین صلوات الله و سلامه علیه است چنانکه در احادیث وارد شده است
که حق تعالی بآن حضرت در عوض شهادت چهار چیز عطا کرده **اول** آنکه تربت شریفهٔ او را شفا گردانیده
دوم آنکه دعا را در تحت قبهٔ او مستجاب گردانیده **سیم** آنکه باقی ائمه علیهم السلام را از ذریهٔ او قرار
داده **چهارم** آنکه ایام زیارت او را از جملهٔ عمر زیارت کنندگان او حساب نفرموده و اگر کسی را حاجتی
باشد و خود در تحت قبهٔ مبارکهٔ آنحضرت حاضر نتواند شد دیگری را اجیر میتواند نمود تا بآن
مکان شریف رفته بنیابت او دعا کند چنانکه دلالت کرده است انچه روایت شده است
که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را درد چشم عارض شد پس امر فرمود که کسی را
اجیر نمایند و بنزد قبر منور حضرت امام حسین علیه السلام فرستند تا برای آنحضرت دعا کند
پس یکی از شیعیان از خانهٔ آنحضرت بیرون آمد و آن اجیر را در در خانه دید و حکایت را شنید پس
گفت که من باز میگردم بخدمت آنحضرت و میگویم که چنانکه حضرت امام حسین علیه السلام امام
واجب الاطاعة است پس چرا باید که نایب آنحضرت دعا کند پس آن مرد شیعه بازگردید و آن سخن را
بخدمت آنحضرت عرض کرد آنحضرت فرمود که چنین است که گفتی لیکن ندانسته که حق تعالی را مکانهاست
که دعا در آنها مستجابست و نزدیک قبر سید شهدا از جملهٔ آن مکانهاست **دوم** روضهٔ مقدسهٔ
حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین و باقی مشاهد مشرفهٔ اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم
اجمعین چنانچه احادیث آن در محلش مذکور است **سیم** موقف عرفات و مشعر الحرام چنانچه
در حدیث وارد شده که حق تعالی در آن روز در موقف عرفات بملائکه خطاب میفرماید که ای ملائکهٔ من
آیا نظر میکنید بسوی بندگان من که آمده اند از اطراف شهرها دور و همه گرد آلود و ژولیده
و ازارها و مشقتهای بسیار متحمل شده هیچ میدانید که حاجتهای ایشان چیست ملائکه میگویند
که ای پروردگار ما ایشان از تو طلب آمرزش از گناهان خود میکنند حق سبحانه و تعالی
میفرماید که ای ملائکه گواه باشید که من آمرزیدم ایشان را و در حدیث دیگر وارد شده
که بعضی از گناهان هست که آمرزیده نمیشود مگر بعرفات و مشعر الحرام چنانچه حق تعالی میفرماید
که فَاِذَا اَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْکُرُوا اللهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ یعنی چون برگردید از عرفات پس خدا را یاد کنید

آنحضرت نیز امام واجب الاطاعه است صح

نزد مشعر الحرام

نزد مشعر الحرام که موضعیست معین که در آن محل دعا مستجاب **چهارم** در حرم مکه و اصل کعبه و روایت
از حضرت امام رضا علیه السلام که نمی ایستد کسی در کوهی از کوههای مکه که دعا کند مگر آنکه مستجاب
میشود دعای ایشان اما مؤمنان دعائی که بجهت دنیا و آخرت خود میکنند همه مستجاب میشود
و اما کافران دعای دنیای ایشان مستجاب میشود و همچنین در سایر مواضع شریفه دعا مستجابست
مانند حطیم و تحت میزاب و مقام حضرت ابرهیم علیه السلام و نزد حجر الاسود و غیره چنانچه در محل
خود مذکور است **پنجم** مسجد الحرام و مسجد مدینه که مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله است
و مسجد کوفه و مسجد سهله و اکثر از مساجد واقعه در کوفه و غیر آن که بخصوص وارد شده که دعا در آن مستجابست
و سایر مساجد مطلقه خصوصاً مساجد جامعه زیرا که مسجد خانهٔ خداست و قصد کننده بجانب مسجد
قصد کننده است بسوی خدای تعالی و زیارت حق تعالی کرده است و در حدیث قدسی وارد شده است
که بدانید و آگاه باشید که خانهای من در زمین مساجد است پس خوشا حال آن بنده که خود را پاک و
پاکیزه و خوشبو گرداند در خانهٔ خود پس بیاید بزیارت من در خانهٔ من و خدای تعالی که حق است بر آنکه
نا امید نکند زایر و قاصد خود را **مطلب سیم** در آداب قبل از شروع بدعا و اذکار و آداب وارده
نزد شروع بدعا و آن در دو فصل بیان میشود **فصل اول** در آداب قبل از شروع بدعا بدانکه داعی هرگاه آداب
و شرایط مذکوره را بقدر مقدور رعایت نماید و خواهد شروع نماید در دعا و اظهار حاجات خود
نزد قاضی الحاجات نماید باید ابتدا نماید بتحمید و تمجید پروردگار تعالی شانه یعنی ذکر کند اسماء
و صفاتی را که دلالت کند بر بزرگواری حق تعالی و ثنا و ستایش او را بجا آورد و افضل آنست که
تمجید و تحمید را بطریقی که از معصومین صلوات الله علیهم نقل شده بجا آورد و در احادیث بجهة
این مطلب عبارات متعدده وارد شده و ما در اینجا اکتفا مینمائیم بذکر سه عبارت و اگر دعا کند
همه را بهتر از دعا نخوانده بهتر است **اول** مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند هر دعائی که نباشد پیش از آن تحمیدی آن دعا ناقص است راوی گوید که من عرض کردم که
نمیدانم که چه چیز کافیست از تحمید و تمجید آن حضرت فرمود که میگوئی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ
فَلَیْسَ قَبْلَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْآخِرُ فَلَیْسَ بَعْدَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَیْسَ فَوْقَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ
فَلَیْسَ دُونَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ **دوم** منقولست که کسی سؤال کرد از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که چیست که چیزی که مجزیست از تحمید پیش از دعا آنحضرت فرمود که میگوئی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِی عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی مَلَکَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی

یحیی الموتی و هو علی کل شیء قدیر سیم منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است
که در کتاب علی علیه السلام مسطور است که پیش از سؤال مدح و ستایش باید کرد پس هر گاه طلب حاجت
کنی از حق تعالی پس تمجید کن او را راوی گفته است که چگونه تمجید او کنم آنحضرت فرموده است که
میگوئی یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا فعالا لما یرید یا من یحول بین المرء و قلبه یا من
هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء و بعد از تمجید و تحمید و تسبیح و تهلیل کند باین طریق
که بگوید سبحان الله و لا اله الا الله چنانکه در بعضی از احادیث وارد شده و بعد از ان نعمتهائی را
که حق تعالی باو عطا کرده ذکر کند باین طریق که بلغت عربی یا لغتی دیگر که داند بگوید که خداوندا
بمن فلان نعمت و فلان نعمت را تفضل و انعام کرده و یک یک از نعمتهای الهی را که در ان وقت بخاطر
او رسد و وقت بگفتن انها وفا کند بزبان اورد و اگر خواهد که زود فارغ شود نعمتها را بطریق اجمال ذکر
کند و بعد از ان شکر کند حق تعالی را بر ان نعمتها و بعد از ان صلوات فرستد بر حضرت سید المرسلین
و اهل بیت طاهرین او صلوات الله علیهم اجمعین باین طریق که بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد
منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که دعا همیشه در پرده است تا وقتی که دعا کننده
صلوات فرستد بر حضرت پیغمبر و آل او و نیز از آنحضرت منقولست که هر که دعا کند و حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله را مذکور نسازد ان دعا باسمان رفع نمیشود و مانند کبوتری که پرواز نتواند کرد
بروی صاحبش بال بر هم میزند پس هر گاه دعا کننده یاد کرد آنحضرت را و بر او صلوات فرستاد
دعای او باسمان رفع میشود و بعد از صلوات گناهان خود را مذکور سازد و هر یک از گناهان را
که در ان وقت بخاطر تواند اورد و وقت گنجایش گفتن ان داشته باشد بتفصیل بزبان اورد و
اقرار بانها نماید و اگر خواهد که زود فارغ شود بطریق اجمال گناهان خود را ذکر کند و اقرار بانها کند
و بعد از ان بخدای جل شانه از گناهان پناه برد باین طریق که بعربی یا لغت دیگر که داند بگوید
که خداوندا پناه میبرم بتو از گناهان و بعد از ان حاجت خود را ذکر کند و برامدن ان از جناب
اقدس ارحم الراحمین سؤال نماید و چنانچه قبل از این مذکور شد الحاح نماید و سعی کند در ذکر تعیین
و ذکر مطلب را طول دهد و تعجیل در فارغ شدن از دعا ننماید چنانکه منقولست که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرموده است که هر گاه کسی تعجیل نماید در دعا و خود را بزودی فارغ سازد
و از پی کار خود رود حق تعالی میفرماید آیا نمیداند بندهٔ من که منم انکسی که حوائج خلایق را بر میاورم
و در دوایتی دیگر هست که حق تعالی میفرماید که تعجیل کرده بندهٔ من گویا گمان میکند که حوائج او

بدست کسی است غیر من و دلالت میکند بر بعضی از مقدمات مذکوره و انچه منقولست که مردی بخدمت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام امد و عرض کرد که دو ایه است در کتاب خدا که مضمون انها را
طلب میکنیم و نمی یابیم پس انحضرت فرمود که کدام است ان دو ایه گفت یکی قول حق تعالی است که فرموده
ادعونی استجب لکم یعنی دعا کنید تا مستجاب کنم از برای شما و ما دعا میکنیم و حاجات را از حق تعالی
سوال میکنیم و نمی بینیم اجابت را انحضرت فرمود که ایا چنین میدانی که حق تعالی وعده خود را
خلف کرده ان مرد گفت که نمیدانم پس انحضرت فرمود که لیکن خبر دهم ترا از کسی که اطاعت حق تعالی
کند در انچه امر کرده و بعد از ان دعا کند و حاجت خود را از حق تعالی سوال کند بطریقی که بان
طریق دعا باید کرد حق تعالی دعای او را مستجاب میگرداند ان مرد گفت که طریق دعا چیست حضرت
فرمود که ابتدا میکنی پس حمد خدا میکنی و ذکر میکنی نعمتهای او را که نزد تو است و بعد از ان
شکر او را بجا می اوری و بعد از ان صلوات میفرستی بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و بر آل او و
و بعد از ان گناهان خود را ذکر میکنی و اقرار بانها میکنی بعد از ان استعاذه میکنی از گناهان پس دعا
میکنی بانچه میخواهی که مستجاب شود انشاء الله تعالی اینست طریق دعا **فصل دوم** در اذکار وارده نزد
شروع بدعا از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که ده مرتبه یا الله بگوید یا ده مرتبه
یا رب بگوید در جواب او گفته میشود که لبیک حاجت تو چیست و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
مرویست که هر که صد ایه از قران مجید را که خود اختیار کند بخواند و بعد از ان هفت مرتبه یا الله بگوید
و بعد از ان دعا کند دعای او مستجاب میشود بحدی که اگر بر سنگی نفرین کند حق تعالی ان سنگ را
میشکافد و مرویست که هر که در حال سجده یا الله یا رباه یا سیداه سه مرتبه بگوید باو ندا میرسد
که لبیک حاجت خود را بگو تا داده شود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که
هر گاه ترا از حق تعالی حاجتی باشد پس بگو اللهم انی اسئلک بحق محمد و علی فان لهما
عندک شانا من الشان و قدرا من القدر فبحق ذلک الشان و بحق ذلک القدر ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا و کذا و بجای کذا و کذا حاجت خود را بگو و انحضرت فرمود
که هر گاه روز قیامت شود نماند ملک مقربی و نه پیغمبر مرسلی و نه بنده مؤمنی که حق تعالی دل او را
بجهت ایمان امتحان کرده باشد مگر انکه محتاج باشند در ان روز بمحمد و علی صلوات الله علیهما و علی
ذریتهما و از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی فرموده است
که من حیا میکنم که بندهٔ من دست خود را بجانب من بلند کرده اند و در دست او انگشتر فیروزه

ازاباب مع

باشد ومن ورا نا امید برکردانم ودر احادیث اهل بیت صلوات الله علیهم از برای طلب حوائج
بطریقهای بسیار وارد شده است وبعضی از آنها مشتمل است بر گذاردن نماز حاجت وبعضی
بروزه داشتن چنانکه در کتب علما رضوان الله علیهم مسطور است از جهت احتراز از طول کلام
بهمین قدر اکتفا نمود **مفتاح ششم** در آداب بعد از دعا وآن چند امر است **اول** صلوات بر پیغمبر
وآل او واجبی بجز مرویست از حضرت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیه السلام که هر که را حاجتی
باشد باید ابتدا کند بصلوات بر محمد وآل محمد صلی الله علیهم وبعد از آن حاجت خود را سؤال
کند وبعد از آن نیز صلوات فرستد بر محمد وآل او پس بدرستی که حق تعالی کریمتر از آنست که اول
وآخر ا قبول کند ووسط را رد کند زیرا که صلوات بر آنحضرت البته مستجاب است **دوم** از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که هر گاه دعا کند کسی پس بعد از دعا بگوید که ما شاء الله لا قوة
الا بالله حق تعالی فرماید که بنده من مردی از خلق گردانیده وروی بمن آورده حاجت او را
بر آورید **سیم** بعد از دعا بخواند ذکری را که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده
وآن حضرت فرموده است که هر که دوست دارد که مستجاب شود دعای او پس بخواند این ذکر را
بعد از انکه از دعا کردن فارغ شود وآن ذکر اینست ما شاء الله استکانةً لله ما شاء الله
تضرّعاً الی الله ما شاء الله توجّهاً الی الله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
چهارم مداومت نمودن بر دعا والحاح در آن ومکرر نمودن طلب حاجت وسؤال را هر گاه
تاخیر در اجابت آن بعمل آید ولیکن این امور در مفتاح دوم گذشت **پنجم** آنکه بعد از فراغ
از دعا مسح کند دست بکشد بهر دو دست بر روی خود چنانکه از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که برنمیدارد بنده دست خود را بسوی خداوند عزیز جبار مگر آنکه شرم میدارد که خالی
باز گرداند دست تا آنکه بر میکند دست او را از فضل ورحمت خود بقدری که خواهد پس دست خود را
بر سر وروی خود بکشد تا فضل ورحمت خدای تعالی شامل حال بنده شود ودر حدیث دیگر
مرویست که بر روی وسینه خود بکشد **ششم** آنکه می باید حال دعا کننده بعد از دعا بهتر باشد
از حال او قبل از دعا زیرا که گناهان بسبب دعا آمرزیده میشود وچون روی بخدا آورده ودست
از خلق برداشته پس باید که بنده یقین کامل بقدرت خدای تعالی بهم رساند وآنکه او کافی است
در قضای حوائج ودر هر باب احتیاج باوست واین معنی را داند که خدای تعالی خیر او را
بهتر از خود میداند پس هر گاه تاخیر در قضای حاجت او نماید واثر استجابت دعای او

دیر ظاهر شود یقین داند که انجه شده خیر اوست والبته مصلحت این بنده در اینست که دعای او
دیر مستجاب میشود وهر وقت که خدا خود صلاح او را داند مستجاب میکرداند یا آنکه صلاح این بنده
در عدم استجابت است وعوض از خدا باین بنده ثوابهای غیر متناهی میدهد واز این معنی ملال
بدل خود راه ندهد وراضی بقضای خالق خود باشد وترک سؤال از درگاه او هرگز ننماید رزقنا الله
الرضا بالقضاء ووفقنا لما یحب ویرضی ودیگر از آداب وشرایط استجابت دعا بسیار است وزیاده
بر این مناسب این مقام نیست بهمین قدر اکتفا نمود **باب دوم** در بیان کیفیت دیدن هلال
هر ماهی از ماههای دوازده گانه سال که اختصاص بماه مخصوصی ندارد بدانکه احکامی که مذکور میشود
خواهد شد بعضی بیانست که در شب اول در وقت دیدن هلال بعمل آید واگر در شب اول میسر
نشد تا سه شب موافق قول لغویین وفقها نیز میتوان بعمل آورد واگر در سه شب نیز میسر نشود بقول بعضی
از علما تا هفت شب بقصد احتیاط میتوان بعمل آورد واما احکام این باب در ضمن دو مطلب
بیان میشود **مطلب اول** در بیان اعمالی که در وقت دیدن هلال وارد شده است وآنها
چند چیز است **اول** محمد بن یعقوب کلینی وابن بابویه وشیخ طوسی قدس الله اسرارهم از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت نموده اند که فرموده که چون ماه را ببینی از جای خود حرکت
مکن واین دعا را بخوان اللّهمّ انّی اسألک خیر هذا الشّهر وفتحه ونوره ونصره وبرکته
وطهوره ورزقه اسألک خیر ما فیه وخیر ما بعده واعوذ بک من شرّ ما فیه وشرّ ما
بعده اللّهمّ ادخله علینا بالامن والایمان والسّلامة والاسلام والبرکة والتّوفیق لما تحبّ
وترضی **دوم** از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت از پدران
بزرگوارش روایت فرموده که رسول خدا صلی الله علیه وآله چون هلال را میدید این دعا را میخواند
اللّهمّ ارزقنا خیره ونصره وبرکته وفتحه ونعوذ بک من شرّه وشرّ ما بعده **مؤلف گوید**
که چون دعای سابق مشتمل بر این دعا هست ظاهرا خواندن آن از این مجزی باشد واگر هر دو
خوانده شود شاید بهتر باشد **سیم** ابن بابویه ره در کتاب عیون اخبار الرضا از حضرت امام رضا
علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت از پدران بزرگوارش روایت فرموده که رسول خدا صلی
الله علیه وآله هر گاه هلال را میدید این دعا را میخواند ایّها الخلق المطیع الدّائب السّریع المتصرّف فی ملکوت
الجبروت بالتّقدیر ربّی وربّک الله اللّهمّ اهلّه علینا بالامن والایمان والسّلامة
والاسلام والاحسان وکما بلغتنا اوّله فبلّغنا آخره واجعله شهرا مبارکا تمحو فیه السّیّئات

کیفیت دیدن هلال

دعای دیدن هلال

انعقاد دعای دیدن هلال

وَتُثبِتُ لَنا فيهِ الحَسَناتِ وَتَرفَعُ لَنا فيهِ الدَّرَجاتِ يا عَظيمَ الخَيراتِ **چهارم** شیخ طوسی قدس الله روحه
در کتاب مجالس از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
چون نظر بهلال میفرمود دستهای مبارک را بالا میبرد و اینْ دعا را میخواند بسم الله اللّهمّ اَهِلَّه علینا
بالأمنِ وَالإيمانِ وَالسَّلامَةِ وَالإسلامِ رَبّي وَرَبُّكَ اللهُ **پنجم** ایضاً در کتاب مذکور از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت از پدران بزرگوارش روایت فرمود که رسول
صلی الله علیه و آله هر گاه هلال را میدید رو بقبله میکرد و تکبیر میگفت و این دعا را میخواند هلال الله
اللّهمّ اَهِلَّهُ علینا بِيُمنٍ وَإيمانٍ وَسَلامَةٍ وَإسلامٍ وَهُدىً وَمَغفِرَةٍ وَعافِيَةٍ وَرِزقٍ
واسعٍ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ راوی گوید که من این دعا را در وقت هلال خواندم پس خیر
خوبی در آنماه دیدم **ششم** قطب راوندی در کتاب دعوات از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه روایت کرده است که آنحضرت چون هلال را میدید این دعا را میخواند اللّهمّ اِنَّ النّاسَ
اِذا نَظَروا اِلَى الهِلالِ نَظَرَ بَعضُهُم في وُجوهِ بَعضٍ وَرَجا بَعضُهُم بَرَكَةَ بَعضٍ اللّهمّ اِنّي اَنظُرُ
اِلى وَجهِكَ جَلَّ ثَناؤُكَ وَوَجهِ نَبِيِّكَ وَوَجهِ اَولِيائِكَ اَهلِ بَيتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيهِم
فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعطِني ما اُحِبُّ اَن تُعطِيَنيهِ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ وَاصرِف عَنّي
ما اُحِبُّ اَن تَصرِفَهُ عَنّي فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ وَاَحيِنا عَلى طاعَتِكَ وَطاعَةِ اَولِيائِكَ
وَطاعَةِ وَلِيِّكَ صَلَواتُكَ وَرَحمَتُكَ عَلَيهِم وَالتَّسليمِ لِاَمرِكَ وَتَوَفَّنا عَلَيهِ وَلا تَبتَلِنا
وَتَفَضَّل عَلَينا بِرَحمَتِكَ پس سه مرتبه بگوید ما شاءَ اللهُ لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ
و دو مرتبه اللّهمّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ میفرمود پس دست مبارک خود را میکشید و میفرمود
رَبّي وَرَبُّكَ اللهُ رَبُّ العالَمينَ اللّهمّ بَيِّنّا عَلَى السَّلامَةِ وَالإسلامِ وَالأَمنِ وَالإيمانِ
وَرَفعِ الأَسقامِ وَالمُسارَعَةِ فيما تُحِبُّ وَتَرضى مِن طاعَتِنا اِلَيكَ **هفتم** در کتاب مکارم الاخلاق
کفعمی گفته که در وقت دیدن هلال اینست که با انگشت سبابه دست راست خود بر دست چپ بنویسد
محمد • علی • فاطمه • الحسن • الحسین • علی بن الحسین • محمد بن علی • جعفر بن محمد • موسی بن جعفر •
علی بن موسی • محمد بن علی • علی بن محمد • حسن بن علی • محمد بن الحسن • صلوات الله علیهم اجمعین
پس سوره قل هو الله احد را بخواند پس این دعا را بخواند اللّهمّ اِنَّ النّاسَ اِذا نَظَروا اِلَى الهِلالِ
نَظَرَ بَعضُهُم اِلى وُجوهِ بَعضٍ وَتَبَرَّكَ بَعضُهُم بِبَعضٍ وَاِنّي نَظَرتُ اِلى اَسمائِكَ وَاسمِ نَبِيِّكَ
وَوَلِيِّكَ وَاَولِيائِكَ عَلَيهِمُ السَّلامُ وَاِلى كِتابِكَ فَاَعطِني كُلَّ الَّذي اُحِبُّ اَن تَصرِفَهُ

عَنّي مِنَ الشَّرِّ وَزِدني مِن فَضلِكَ ما اَنتَ اَهلُهُ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظيمِ
مؤلف گوید که ظاهر اینست که این دعا مخصوص بزمان غیبت عترت حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله و دعای سابق مخصوص زمان حضور ایشان باشد و چون حضرت امیر المؤمنین صلوات
علیه السلام خود از عترت طاهره و حضرت فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم در زمان آنحضرت
بودند حضرت ماه و ابروی ایشان میدیده باشد و در این اعصار که خورشید سپهر امامت
در تحت سحاب احتجاب مستور شده اسامی مقدسه ایشان باید بر کف دست نوشته شود در
وقت دیدن هلال نظر بآن کرده شود و این دو حدیث اشعاری دارد که دیدن ماه بروی سادات
خصوصاً صلحا و عبّاد از ایشان نیکو باشد **هشتم** دعای صحیفه کامله و آن دعای چهل و
سیم است و دعا اینست اَيُّهَا الخَلقُ المُطيعُ الدّائِبُ السَّريعُ المُتَرَدِّدُ في مَنازِلِ التَّقديرِ
المُتَصَرِّفُ في فَلَكِ التَّدبيرِ آمَنتُ بِمَن نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ وَاَوضَحَ بِكَ البُهَمَ وَجَعَلَكَ
آيَةً مِن آياتِ مُلكِهِ وَعَلامَةً مِن عَلاماتِ سُلطانِهِ وَامتَهَنَكَ بِالزِّيادَةِ وَالنُّقصانِ
وَالطُّلوعِ وَالاُفولِ وَالإنارَةِ وَالكُسوفِ في كُلِّ ذلِكَ اَنتَ لَهُ مُطيعٌ وَاِلى اِرادَتِهِ سَريعٌ
سُبحانَهُ ما اَعجَبَ ما دَبَّرَ في اَمرِكَ وَاَلطَفَ ما صَنَعَ في شَأنِكَ جَعَلَكَ مِفتاحَ شَهرٍ حادِثٍ
لِاَمرٍ حادِثٍ فَاَسأَلُ اللهَ رَبّي وَرَبَّكَ وَخالِقي وَخالِقَكَ وَمُقَدِّري وَمُقَدِّرَكَ وَ
مُصَوِّري وَمُصَوِّرَكَ اَن يُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَن يَجعَلَكَ هِلالَ بَرَكَةٍ لا تَمحَقُها الاَيّامُ
وَطَهارَةٍ لا تُدَنِّسُهَا الآثامُ هِلالَ اَمنٍ مِنَ الآفاتِ وَسَلامَةٍ مِنَ السَّيِّئاتِ هِلالَ سَعدٍ
لا نَحسَ فيهِ وَيُمنٍ لا نَكَدَ مَعَهُ وَيُسرٍ لا يُمازِجُهُ عُسرٌ وَخَيرٍ لا يَشوبُهُ شَرٌّ هِلالَ اَمنٍ وَ
ايمانٍ وَنِعمَةٍ وَاِحسانٍ وَسَلامَةٍ وَاِسلامٍ اللّهمّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجعَلنا
مِن اَرضى مَن طَلَعَ عَلَيهِ وَاَزكى مَن نَظَرَ اِلَيهِ وَاَسعَدَ مَن تَعَبَّدَ لَكَ فيهِ وَوَفِّقنا
فيهِ لِلتَّوبَةِ وَاعصِمنا فيهِ مِنَ الحَوبَةِ وَاحفَظنا فيهِ مِن مُباشَرَةِ مَعصِيَتِكَ وَاَوزِعنا
فيهِ شُكرَ نِعمَتِكَ وَاَلبِسنا فيهِ جُنَنَ العافِيَةِ وَاَتمِم عَلَينا بِاستِكمالِ طاعَتِكَ فيهِ
المِنَّةَ اِنَّكَ المَنّانُ الحَميدُ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ **نهم** مولانا
محسن کاشانی ره در کتاب خلاصة الاذکار ذکر نموده که در وقت دیدن هلال این دعا
بخواند اللّهمّ عَرِّفنا فَضلَ هذَا الشَّهرِ المُبارَكِ وَاَكرِمنا بِاغتِنامِ اَوقاتِهِ وَوَفِّقنَا لِلجِدِّ

وَالاجتهادِ فی طاعَتِهِ وارزُقنا صیامَهُ وَقیامَهُ صَبراً واحتِساباً ورجاءً لاِدراکِ مثوباتِه
واعِذنا مِنَ السَّامَةِ وَالکَسَلِ خوفاً لِفَواتِ دَرَجاتِهِ واسعِدنا لمِیامِنِ ساعاتِهِ وَافِض عَلَینا
مِن عوائِدِ بَرَکاتِهِ وَزَیِّنّا بجمیعِ حَسَناتِهِ وَخَیراتِهِ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ **دهم** سید بن طاوس
در کتاب دروع واقیه روایت کرده است که هر که در وقت دیدن هلال هفت مرتبه سوره حمد
بخواند دران ماه از درد چشم نه بیند **یازدهم** علما گفته اند که خوردن اندکی پنیر دهان از شیر بن
و خوشبو کند و اشتهای طعام می آورد و باعث هضم طعام میشود و هر که در اول ماه بخورد حاجت
او روا میشود و رد نمیشود **مؤلف گوید** که این حدیث بر خصوص خوردن پنیر در وقت دیدن
هلال دلالت ندارد بلکه مطلق است و شامل روز اول نیز هست چنانچه مخفی نیست
دوازدهم در بعضی از کتب از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر گاه
از کسی ترسی و خواهی که شر او بتو نرسد در شب اول ماه نگاه بهلال مکن و بدست خود بجانب
خانه آن شخص اشاره کن و این آیه را بخوان اَیَوَدُّ اَحَدُکُم اَن تَکُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِن نَخیلٍ وَاَعنابٍ
تَجری مِن تَحتِهَا الاَنهارُ لَهُ فیها مِن کُلِّ الثَّمَراتِ وَاَصابَهُ الکِبَرُ وَلَهُ ذُرِّیَّةٌ ضُعَفاءُ فَاَصابَها
اِعصارٌ فیهِ نارٌ فَاحتَرَقَت پس این دعا را بخوان اَللّهُمَّ طُمَّه بِالبَلاءِ طَمّاً وَعُمَّهُ بِالبَلاءِ عَمّاً
وَارمِهِ بِحِجارَةٍ مِن سِجّیلٍ وَطَیرٍ اَبابیلَ یا عَلِیُّ یا عَظیمُ پس در شب دوم و سیم نیز این عمل
بجا آورد پس اگر دشمن هلاک شود مقصود حاصل رسیده و اگر اثر نکند در ماه آینده نیز این عمل را
چنانچه در ماه گذشته کرده بکن و اگر اثر نکند در ماه سیم نیز بکن که البته شر او از تو دفع میشود
مطلب دوم در بیان آداب دیدن هلال و آن چند امر است **اول** آنکه در همان مکانی که ماه
دیده میشود بایستد دعای مذکور خوانده شود قبل از آنکه از آن مکان حرکت واقع شود چنانچه
در حدیث دعای اول مذکور شد **دوم** آنکه اشاره بماه نکند نه بدست و نه بسر و نه بسایر جوارح
و اعضا **سیم** آنکه رو بجانب ماه نایستد بلکه رو بقبله کند و هر دو دست را بلند کند و ادعیه
مذکوره را بخواند چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون هلال ماه مبارک رمضان را
ببینی اشاره بسوی آن مکن و لیکن روی خود را بجانب قبله بگردان و دستهای خود را بلند کن
و فلان دعا را بخوان و این حدیث اگر چه مخصوص دیدن هلال ماه مبارک رمضانست لیکن
از فحوای کلام امام علیه السلام مفهوم میشود که در دیدن هلال سایر ماهها نیز باید این دو امر را
رعایت نمود **چهارم** آنکه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب اول ماه

در آداب رؤیت

دو رکعت نماز بکند و در هر رکعتی بعد از سوره حمد سوره انعام بخواند و از حق تعالی مسئلت نماید
که او را از ترسها و دردها ایمن کرداند نه بیند دران ماه امری را که مکروه خاطر او باشد
و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که چون ماه تازه داخل شود در روز اول آن دو رکعت
نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سی نوبت قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سی نوبت
سوره انا انزلناه را بخواند و بعد از نماز تصدق بکن چون چنین کنی سلامتی آن ماه را از حق تعالی
خریده و در روایتی هر یک از سوره توحید و قدر را یکنوبت وارد شده **مؤلف گوید** که ظاهر
آنست که محمول باشد بر صورتی که ضرورتی باشد که بکردن این نماز بطریق اول از هم او فوت
شود یا ضرری باو برسد یا آدمی وقتی بخاطرش آید که زمان وسعت کردن طریق اول را نداشته
باشد یا غیر آن پس در این صورت بروایت یک مرتبه عمل نماید تا بالمرة از ثواب این نماز محروم نباشد
و فی الجمله سلامتی خود را خریده باشد و محتمل است که روایت یک مرتبه بر مرتبه اقل و روایت
سی مرتبه بر اکثر و اکمل محمول باشد و بالجمله هر گاه وقت وسعت داشته باشد و مانعی نداشته
باشد بهتر آنست که طریق اول را اختیار نماید و ترک نکند و بروایت دیگر وارد شده که
بعد از دو رکعت این دعا را بخوانند بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ وَما مِن دابَّةٍ فِی الاَرضِ اِلّا
عَلَی اللهِ رِزقُها وَیَعلَمُ مُستَقَرَّها وَمُستَودَعَها کُلٌّ فی کِتابٍ مُبینٍ بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ
وَاِن یَمسَسکَ اللهُ بِضُرٍّ فَلا کاشِفَ لَهُ اِلّا هُوَ وَاِن یُرِدکَ بِخَیرٍ فَلا رادَّ لِفَضلِهِ یُصیبُ بِهِ
مَن یَشاءُ مِن عِبادِهِ وَهُوَ الغَفُورُ الرَّحیمُ بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ سَیَجعَلُ اللهُ بَعدَ عُسرٍ
یُسراً ما شاءَ اللهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ حَسبُنَا اللهُ وَنِعمَ الوَکیلُ وَاُفَوِّضُ اَمری اِلَی اللهِ
اِنَّ اللهَ بَصیرٌ بِالعِبادِ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ سُبحانَکَ اِنّی کُنتُ مِنَ الظّالِمینَ رَبِّ اِنّی لِما
اَنزَلتَ اِلَیَّ مِن خَیرٍ فَقیرٌ رَبِّ لا تَذَرنی فَرداً وَاَنتَ خَیرُ الوارِثینَ **خزینه اول از کتاب**
خزائن الجواهر سلطانی در بیان فضائل و اعمال ماه مبارک رجب و آن مشتمل بر چند مفتوح است
باب اول در بیان فضیلت و ثواب عبادت در آن بدانکه اینماه از جمله اشهر حرم و ماههای با عظمت
و محترم و باین جهت او را رجب مینامند زیرا که رجب بمعنی بزرگیست و بعضی وجوه بعیده
دیگر گفته اند و عرب آنرا اصم نیز میگویند زیرا که مردم همگی در اینماه منبسط و عدالت و تقوی
و پرهیز کاری سلوک می نموده اند و بیکدیگر ظلم و ستم نمیکرده اند و باین جهت صدای استغاثه
مظلومان بگوش احدی نمیرسیده و آنرا اصب نیز میگویند بجهة آنکه حق تعالی رحمتهای

در نماز اول ماه

بی‌منتهای خود را در این ماه بر بندگان خود فرو میریزد و باین جهة عبادت در آن ثواب عظیم دارد
و روزه داشتن اینماه و ماه شعبان هر دو مستحب است و ثواب بسیار دارد لیکن روزه ماه شعبان
از جمله سنن و ثواب آن بیشتر و روزه اینماه از جمله تطوعات و ثواب آن کمترست و توضیح این مطلب
و تنقیح این مدعا چنانچه والد علامه ام ادام الله ظلاله در بعضی از مؤلفات خود تحقیق نموده آنست
که عبادت صوم از جمله عبادات عظیمه است و در حدیث وارد شده است که حق تعالی میفرماید
الصوم لی و انا اجزی به یعنی روزه از برای منست و من جزا میدهم آنرا و این روزه بر سه نوع است
نوع اول روزه واجب که حق تعالی آنرا در سالی یکماه واجب گردانیده و آن روزه ماه مبارک رمضانست
نوع دوم روزه که در بعضی از احیان بر مکلفان واجب میشود مانند روزه کفاره و روزه
بدل قربانی که در حج واجب میشود و روزه نذر و عهد و یمین که مکلف بر خود واجب میسازد
نوع سیم روزه مستحب که واجب نیست و ترك آن موجب عقاب نیست و هرگاه مکلفی اتیان بآن
نماید ثواب عظیم از برای او حاصل میشود و قرب خاصی او را بجناب اقدس حق تعالی بهم میرسد و این
نوع از روزه بر دو قسم است **قسم اول** روزه که از جمله سنن است و مراد از سنن عبادات مستحبه ایست
که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مداومت می نموده و مواظبت بر آنها داشته است و تا حین
رفتن از دنیا ترك نمیفرموده و این روزه چنانچه از احادیث معتبره مفهوم و مستفاد میگردد روزه
تمام ماه شعبان و روزه سه روز از ده ماه بقیه ماههای سالست که باین وضع روزه میدارند
که پنجشنبه دهه اول و چهارشنبه دهه دوم و پنجشنبه دهه سیم ماه را روزه دارند و در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله در اول بعثت
انقدر روزه می گرفت که مردم گفتند که دیگر ترك نخواهد فرمود پس مدتی ترك روزه
کرد که گفتند دیگر روزه نخواهد گرفت پس مدتی یکروز روزه میداشت و یکروز افطار میفرمود
بطریق حضرت داود علیه السلام پس این طریقه را نیز ترك فرمود و سنتش بر آن قرار یافت که در
هر ماه پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اول از دهه وسط ماه را روزه میداشت
و بر این طریقه می بود تا بجوار رحمت ایزدی پیوست و ماه شعبان را تمام روزه میداشت و این قسم
از استحباب تالی واجبات و در اخبار و احادیث تاکید بسیار در اتیان بآنها وارد شده است
و در حدیث وارد شده که هرگاه یکی از این سنن فوت شود سنت است که آنرا قضا کنند و حکمة
در این تاکیدات آنست که حق تعالی این سنن را مکمل واجبات گردانیده که اگر نقصی در آنها باشد

تدارك آن باین سنن بشود و بعضی از محققان گفته‌اند که حق تعالی این سنت را که متمم فریضه است ضعف
فریضه و دو مثل آن مقرر فرموده است چنانچه نمازهای واجب هفده رکعت است و نوافل آنها که در
عرض شبانه روز که بجا میآورند سی و چهار رکعت است و سر اینمعنی آنست که اکثر ناس هرگاه طالب حضور
باشند یکثلث عبادت را با حضور قلب واقع میسازند لهذا سنت را دو مثل فریضه قرار داده‌اند
که از مجموع واجب و سنت ثلثی که معادل واجبست خالی از خلل و با حضور قلب از مکلف صادر گردد
و باین جهت است که روزه که از جمله سنن و در حکم نافله روزه ماه رمضانست شصت روزست
سی روز ماه شعبان و از ده ماه دیگر نیز سی روز که در هر ماه سه روز باشد **قسم دوم** روزه که از جمله
تطوعات است و مراد از تطوع آنست که هر که این عبادت را بکند طاعتی از طاعات را کرده است و ثواب
دارد و لیکن آن طاعت متمم و مکمل فریضه نیست و تاکید عظیمی که در باب سنن واقع است در آن واقع نیست
و باین جهت است که آنحضرت مواظبت بر آن نمی نموده است و گاه اتیان بآن میفرموده و گاه نمیفرموده
و روزهای تطوع بسیارست مانند روزه ایام سال بغیر از واجب که ایام ماه رمضانست
و بغیر از سنن که آن ایامیست که ذکر نمودیم و این ایام مشترکند با یکدیگر در ثواب فی الجمله و بعضی
ثوابش بیشترست مانند ایام ماه رجب خصوصا بعضی از ایام آن چنانچه از احادیثی که در
فضیلت آن روزها واقع شده و بعد از این مذکور میسازیم معلوم میشود و مانند روز
دحو الارض در ماه ذی قعده و بعضی از ایام ماه ذی حجه خصوصا روز عید غدیر و روز
مباهله و مانند روز مولد در ماه ربیع الاول و ایام دیگر که بجهت خصوصیتی فضیلت روزه
آن ایام زیاده باشد چنانچه هر یك تفصیل در محل خود ان شاء الله تعالی مذکور میشود
و بدانکه علما از ادله و شواهد ضابطه کلی استنباط نموده‌اند و آن اینست که هر عبادت
واجبی ثوابش زیاده از عبادت مستحب است مگر در چند صورت که از این ضابطه کلیه
استثنا نموده‌اند و بعضی از متاخرین علما بنا بر مراعات این ضابطه هر روزی را که روزه
میداشته‌اند روزه آن روز را بطریق نذر بر خود واجب میساخته‌اند تا ثواب آن بیشتر باشد
و باید دانست که اگر روزه قضا در ذمه کسی بوده باشد و در ماه رجب و شعبان یا سایر ایام
متبرکه آن روزه را بگیرد فضیلت روزه آن روز را دریافته و بری الذمه از روزه واجب نیز
شده و اما اخباری که در باب فضیلت روزه اینماه و سایر عبادات در آن وارد شده
پس شیخ بزرگوار عالیمقدار محمد بن علی بن بابویه قدس الله روحه در کتاب امالی و ثواب الاعمال

در فضیلت صوم رجب

حضرت رسالت صلی الله علیه وآله روایت نموده است که فرموده بدرستی که رجب شهر الله الاصم است
وان ماهیست بزرگ وبدرستی که اصم نامیده شده است برای انکه نمیرسد باینماه ماه دیگر در حرمت
وفضیلت نزد حق تعالی واهل جاهلیت انرا تعظیم میکردند وچون اسلام امد تعظیم وفضل
ان زیاده شد بدرستی که رجب ماه خداست وشعبان ماه منست وماه رمضان ماه امت منست
هرکه یکروز از رجب را روزه بدارد از روی ایمان وطلب ثواب مستوجب شود خوشنودی ورضوان کبیر
حق تعالی را وخاموش گرداند این روزهٔ او غضب حق تعالی را وببندد بر روی او دری از درهای جهنم
واگر عطا کند در راه خدا از طلا بقدر انچه روی زمین را پر کند بهتر نباشد ثواب ان از ثواب روزه
این روز وچیزی از چیزهای دنیا مزد او نتواند شد بلکه حسنات وثوابهای اخرت مضاعف با
هرگاه نیت خود را خالص کرده باشد وچون ان روز را شب اورد برای او ده دعای مستجاب
باشد اگر دعا کند بامری از امور دنیا او را عطا فرماید واگر عطا نکند ذخیره فرماید برای او نیکوتر
از انچه دعا کرده باشد ومثلت نموده باشد از او دعا کننده از اولیا ودوستان خدا وهرکه
دو روز از اینماه را روزه دارد وصف نکنند وصف کننده کان از اهل اسمان وزمین انچه او را باشد
نزد حق تعالی از کرامت وبنویسند برای او مثل مزد وثواب ده نفر از صادقان که بوده‌اند در مدت عمر
خود با صدق وراستی باشد هر قدر که رسیده باشد عمرهای ایشان وشفاعت کند در قیامت در مثل
انچه شفاعت کنند ایشان ومحشور گردد در زمرهٔ ایشان وداخل بهشت شود با ایشان وگردد از
رفیقان ایشان باشد وهرکه سه روز از اینماه را روزه دارد بگرداند حق تعالی میانه او ومیان اتش جهنم
خندقی وحجابی که طول ان هفتاد ساله راه باشد وحق تعالی در وقت افطار باو خطاب فرماید
که واجب است حق تو بر من ولازم است برای تو محبت وولایت من گواه میگیرم شما را ای ملائکه
که امرزیدیم گناهان گذشته وایندهٔ او را وهرکه چهار روز از اینماه را روزه دارد ایمن باشد از همه
بلاها از دیوانگی وخوره وپیسی وفتنه که در هنگام خروج دجال در میان مردم ظاهر خواهد شد
وپناه داده شود از عذاب قبر وبنوشته شود برای او مثل ثواب گروهی که از صاحبان عقل وهوش باشند
وبدرگاه حق تعالی رجوع وبازگشت نموده در زمرهٔ توابان داخل شده باشند وداده شود نامهٔ
عمل او بدست راست او در زمرهٔ گروهی که بر سایر عابدان سبقت وپیشی گرفته باشند وهرکه پنج روز
از اینماه را روزه دارد بر حق تعالی لازم باشد که در قیامت او را راضی وخوشنود گرداند
ومبعوث گردد در قیامت در حالتی که روی او چون ماه شب چهارده باشد وبنویسد برای او

از حسنات

از حسنات بعدد ریک بیابان عالج واو را داخل بهشت گردانند بیحساب وباو گویند که سؤال کن از پروردگار خود
انچه خواهی وهرکه شش روز از اینماه را روزه دارد چون مبعوث شود بیرون اید از قبر وروی او را نوری
باشد درخشان که سفیدتر وروشن تر باشد از نور افتاب وحق تعالی او را بنوری دیگر کرامت فرماید
که همه اهل محشر بان نور روشنی یابند تا انکه عبور کند از پل صراط بیحساب وحق تعالی نگاه دارد او را
از عقوق والدین وقطع رحم وهرکه هفت روز از اینماه را روزه دارد حق تعالی ببندد بعدد روزه او
هر روزی بر روی او دری از درهای جهنم را وحرام فرماید جسد او را بر اتش جهنم وهرکه هشت روز
از اینماه را روزه بدارد حق تعالی بگشاید بروزه داشتن هر روزی بر روی او دری از درهای
بهشت را وباو گویند از هر دری که خواهی داخل شو وهرکه نه روز از اینماه را روزه دارد چون از قبر
بیرون اید بگوید لا اله الا الله ونگرداند روی خود را بسوی غیر بهشت واو را نوری باشد که بدرخشد
برای اهل محشر تا انکه گمان کنند که او پیغمبر برگزیده ایست از پیغمبران خدا وکمتر عطائی که حق تعالی
باو کند این باشد که داخل بهشت فرماید او را بیحساب وهرکه ده روز از اینماه را روزه دارد حق تعالی
باو عطا کند دو بال سبز مرصع بدر ویاقوت که پرواز کند بان بالها وبگذرد از پل صراط چون برق
جهنده بسوی بهشت وحق تعالی سیئات او را بحسنات مبدل گرداند وبنویسد او را از مقربان
که ایستاده باشند بقسط وعدالت برای خدا وچنان باشد که هزار سال در عبادت وبندگی خدا
ایستاده باشد با صبر ونیکی ونیت خالص وهرکه یازده روز از اینماه را روزه دارد هیچ بنده
حق تعالی نکرده باشد در قیامت نیکوتر از او مگر بنده که مثل او یا زیاده از او اینماه را روزه داشته باشد
وهرکه دوازده روز از اینماه را روزه دارد حق تعالی در قیامت باو بپوشاند دو حله سبز از سندس
واستبرق بهشت که اگر یک حله از ان در دنیا باشد روشن کند ما بین مشرق ومغرب را وبگرداند
تمام دنیا را خوشبوتر از مشک وهرکه سیزده روز از اینماه را روزه دارد حق تعالی در روز
قیامت برای او بگسترانند مائده از یاقوت سبز در سایه عرش خود که قائمهای ان از در باشد
واز دنیا بهفتصد برابر بزرگتر باشد وبران مائده ظرفها از در ویاقوت باشد ودر هر ظرفی
هفتاد هزار لون باشد که هیچ لونی بلون دیگر شبیه نباشد وبوی هیچیک بدیگری نماند پس تناول
کند او از ان مائده واهل محشر در شدت وبلای عظیم گرفتار باشند وهرکه چهارده روز از اینماه را
روزه دارد حق تعالی عطا فرماید باو از ثواب انچه هیچ چشمی ندیده باشد وگوشی نشنیده باشد
ودر خاطر خطوری خطور نکرده باشد از قصرهای بهشت که بنا شده باشد از در ویاقوت

بقصرها

وهر که پانزده روز ازین ماه را روزه دارد بایستد در قیامت در مواقف ایمنان و نگذرد بر او هیچ
ملکی و نه نبیی و نه رسولی مگر آنکه باو بگویند خوشا حال تو تویی ایمن و مقرب درگاه الهی و یافتی
کرامت و رتبت بوده شده و عطا کرده شده و سکنا کنید در مراتب عالیه بهشت و هر که شانزده روز
ازین ماه را روزه دارد در آید در سلک اول گروهی که سوار شوند بر مرکبهای نور و پرواز کنند
بآن مرکبها در عرصه جنان نبوی خانه کرامت خداوند رحمن و هر که هفده روز ازینماه را روزه دارد
بنهند برای او در قیامت بر سر پل صراط هفتاد هزار چراغ از نور تا بگذرد از صراط بنور آن چراغها
و برساند بسوی مراتب عالیه بهشت و مشایعت کنند او را گروه ملائکه در حالتی که سلام بر او کنند
و مرحبا باو گویند و هر که هجده روز ازین ماه را روزه دارد با حضرت ابرهیم علیه السلام باشد
در قبه او در جنة الخلد بر بالای کرسیهای در و یاقوت و هر که نوزده روز ازینماه را روزه دارد
حق تعالی برای او قصری از مروارید تر بنا کند در برابر قصر آدم و ابرهیم علیهما السلام در جنت عدن
و او بر ایشان سلام کند و ایشان بر او سلام کنند بجهت کرامت او و لازم داشتن حق او و بنویسد
حق تعالی برای او بهر روزی که روزه داشته باشد ثواب روزه هزار سال را و هر که بیست روز
ازین ماه را روزه دارد چنان باشد که حق تعالی را بیست هزار سال را عبادت کرده باشد و هر که
بیست و یک روز ازینماه را روزه دارد حق تعالی او را شفیع گرداند در قیامت در مانند قبیله ربیعه
و مضر که دو قبیله عظیم از قبایل عرب اند که همه از گناه کاران باشند و هر که بیست و دو روز ازین
ماه را روزه دارد منادی از آسمان ندا کند که بشارت باد ترا ای دوست خدا از جانب خدا بکرامتی
بزرگ و رفاقت گروهی که حق تعالی انعام کرده بر ایشان از پیغمبران و صدیقان و شهدا و صالحان
و چه نیکو رفیقانند ایشان و هر که بیست و سه روز ازینماه را روزه دارد منادی از آسمان ندا کند
که خوشا حال تو ای بنده خدا اندک تعب کشیدی و بنعمت بی پایان رسیدی خوشا حال تو در
هنگامی که پرده از روی کار تو برخیزد و برسی بثواب عظیم پروردگار کریم خود و در جوار ابرهیم خلیل
و در دار السلام رب جلیل قرار گیری و هر که بیست و چهار روز ازین ماه را روزه دارد چون
فرود آید ملک موت بقبض روح او بصورت جوانی باشد ساده روی و پوشیده باشد
حلها از دیبای سبز و سوار باشد بر اسبی از اسبهای بهشت و با خود داشته باشد حریر سبزی
معطر بمشک خوشبو و در کف داشته باشد قدحی از طلا پر از شراب بهشت پس بیاشاماند
ازان قدح باو در نزد بیرون آمدن روح او و آسان شود بر او بسبب سکرات مرگ و قبض

روح او را دران حریر بپیچد ظاهر گردد ازان رایحه که استنشاق کنند از اهل آسمانهای هفتگانه و چون او را
در قبر گذارند آسایش کند در قبر سیراب ازان شراب بهشت که آشامیده باشد و مبعوث گردد
سیراب تا هنگامی که برسد بحوض کوثر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و هر که بیست و پنج روز
ازین ماه را روزه دارد چون بیرون آید از قبر ملاقات کنند او را هفتاد هزار ملک و در دست هر ملکی
علمی باشد از در و یاقوت و با خود داشته باشند حلی و حلل پاکیزه و باو گویند که ای دوست خدا ترا
نجات و رستگاری در درگاه پروردگار خود و او اول کسی باشد که داخل جنات عدن شود با مقربانی
که خدا از ایشان خوشنود و ایشان از خدا خشنود باشند و اینست فوز و رستگاری عظیم و هر که
بیست و شش روز ازینماه را روزه دارد حق تعالی برای او در سایه عرش خود بنا کند صد قصر از در
و یاقوت و بر سر هر قصری خیمه سرخی باشد از حریر بهشت و با رام در آن قصرها با نعمت و فراغت
ساکن گردد و هنوز اهل محشر در موقف قیامت بحساب گرفتار باشند و هر که بیست و هفت روز
ازینماه را روزه دارد حق تعالی فراخ گرداند قبر او را بقدر چهارصد ساله راه و همه آن مکان
معطر باشد بمشک و عنبر و هر که بیست و هشت روز ازینماه را روزه دارد بگرداند حق تعالی
میان او و آتش جهنم هفت خندق که هر خندقی مانند میان آسمان و زمین پانصد ساله راه باشد
و هر که بیست و نه روز ازین ماه را روزه دارد حق تعالی او را بیامرزد اگر چه عشار باشد یا زنی
باشد که هفتاد مرتبه زنا کرده باشد بدبختی که هر گاه غرض او ازان روزه رضای الهی و خلاصی از
جهنم باشد حق تعالی بیامرزد او را و هر که سی روز ازین ماه را روزه دارد منادی از آسمان ندا کند
که ای بنده خدا اما گذشتهایت آمرزیده شد برای تو پس از سر گیر عمل را در آینده و عطا کند باو حق تعالی
هزار دم
در بهشتها در هر بهشتی چهل هزار مدینه از طلا و در هر مدینه هزار قصر و در هر قصری چهل
هزار خانه و در هر خانه چهل هزار مائده از طلا و بر هر مائده چهل هزار هزار ظرف و بر هر ظرفی
چهل هزار هزار لون طعام و شراب که لون هر یک غیر لون دیگری باشد و در هر خانه چهل
هزار هزار کرسی از طلا که طول هر یک دو هزار هزار ذراع و عرضش دو هزار ذراع باشد
و بر هر کرسی جاریه باشد از حوریان بهشت که سیصد هزار گیسو داشته باشد از نور که
هر گیسویی ازان گیسوها را هزار هزار کنیز برداشته باشند و معطر گردانند از مشک و عنبر
تا آنکه بیایند او و برای کسی که تمام ماه رجب را روزه داشته باشد پس یکی از اصحاب عرض نمود
که یا رسول الله صلی الله علیه و آله کسی که بجهة ضعفی یا مرضی که او را عارض شده باشد هر گاه

نتواند که این ماه را روزه دارد یا زنی که حایض باشد چه عمل بکند تا برسد بثوابی که وصف فرمودی
فرمود که تصدق کند بعوض هر روزی یک گرده نانی بر مساکین بحق آنکه نفس من در قبضهٔ قدرت
اوست که هر گاه هر روز این صدقه را بدهد میرسد بثواب انچه وصف کردم و بیشتر و اگر همه خلایق
از اهل آسمانها و زمین جمع شوند که تقدیر نمایند و باندازه در آورند ثواب او نتوانند رسید بمرتبه یک
انچه باو عطا می کنند در مراتب عالیه بهشت از فضایل و درجات پس عرض کردند که یا رسول الله
کسی که قادر نباشد بر تصدق چه کند تا برسد بان ثوابها فرمود که در هر روز از اول ماه رجب تا آخر ماه
این تسبیح را صد نوبت بگوید سُبْحَانَ الْإِلَهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ
الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ مولف گوید که در بعضی از روایات معتبره
وارد شده است که بدل روزه مستحب یک درهم تصدق و درهم موافق این زمان هفتاد دو نخود
تقریبا بود در روایت دیگر وارد شده است که بعوض هر روزه سنت یک مد از گندم یا جو تصدق
کند و مد یک چارک تبریز و چهار مثقال تخمینا بنا بر مشهور میان علما و ظاهرا صد درم
کافی باشد و صد درم شاهی احوط است و در خصوص روزه ماه رجب چنانچه در این حدیث
شریف مذکور است گرده نان واقع شده است و این اختلاف ممکن است که از راه تفاوت حال
مردم در پریشانی و توانگری باشد و محتمل است که باعتبار مراتب فضل و ثواب باشد یا این نحو
که تصدق نمودن بدرهم در غالب افضل باشد از مد و مد افضل باشد از گرده نان و شیخ طوسی
علیه الرحمه در کتاب مصباح جزو اول این حدیث را که مشتمل بر ذکر تسبیحات ذکر نموده و در بعضی
از نسخ مصباح بعد از سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ این تسبیح نیز موجود است سُبْحَانَ مَنْ
تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ و بدانکه آنچه در این حدیث شریف مذکور است از آنکه اهل
جاهلیت این ماه را تعظیم مینمودند و اسلام شرافت و بزرگی او را زیاده نمود رد بر احمد
جنبل علیه اللعنه است که از اعاظم علمای اهل سنت است و گفته است که روزه داشتن
تمام این ماه مکروه است مگر نسبت بکسی که تمام سال را روزه دارد و بحدیث که از
طریق اهل سنت وارد شده متمسک شده است اول از خرشة بن الحر روایت کرده
که گفت دیدم عمر علیه اللعنه را که تازیانه میزد بر کف دست جماعتی که ماه رجب را روزه
میداشتند تا آنکه دست بطعام دراز کنند و از آن تناول نمایند و میگفت که طعام
بخورید که این ماه را اهل جاهلیت تعظیم می نمودند و در اسلام حرمتی ندارد دوم

ازابن عمر

از ابن عمر روایت کرده است که او چون میدید که مردم برای روزه ماه رجب تهیه می کنند
خویش نمی ماند او و میگفت که بعضی از او را روزه بدارید و بعضی را افطار کنید سیم از ابوبکره
روایت کرده است که روزی داخل شد بر اهل خانه خود دید که نزد ایشان سبوها و کوزها
گذاشته است پرسید که اینها چیست گفتند که چون ماه رجب داخل شده اینها را بجهت روزه
داشتن این ماه مهیا نموده ایم ابوبکره گفت آیا رجب را رمضان گردانیده اید پس سبوها را
و کوزها را شکست و بر خبیر بصیر پوشیده نیست که قول این سه کس دلیل و حجت بر امری نمیشود
چه ایشان جاهل بمسائل شریعت و احکام کتاب و سنت بوده اند و عادت عمر بوده که هر گاه
در مسائلی که از او سؤال می نموده اند عاجز میشده از حضرت امیر المومنین علیه السلام سؤال می نموده
حتی آنکه در حضور مردم گفت لَوْلَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عُمَرُ یعنی اگر علی علیه السلام نمی بود هر آینه
عمر هلاک میشد و این سخن چون نیز بر زبان او جاری گردید که كُلُّ النَّاسِ أَفْقَهُ مِنْ عُمَرَ
حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ یعنی همه کس دانا تراست از عمر حتی زنان که در حجلها مستورند
و با وجود این جهل که اهل سنه اکثر اینها را در کتب خود ایراد نموده اند چگونه سخن ایشان حجت
میشود با آنکه در باب فضیلت این ماه از طریق اهل سنه نیز روایات بسیار وارد شده است
والله تعالی یهدی الی سواء السبیل و در کتاب بشارة الشیعه از حضرت امیر المومنین علیه السلام
منقولست که آنحضرت تمام این ماه را روزه میداشت و میفرمود که رجب ماه منست و شعبان
ماه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و ماه رمضان ماه حق تعالی است مؤلف گوید
که این حدیث شریف بحسب ظاهر منافی با حدیث سابق است زیرا که ماه رجب در حدیث
سابق بجناب مقدس الهی منسوب گردیده و ماه رمضان بامت حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله و گویا بجهت اشعار بکمال شرافت ماه رجب در حدیث سابق او را حق تعالی نسبت
داده اند و ماه مبارک رمضان چون محل عبادت متعبدان و متقیان این امت در این ماه
از آتش جهنم آزاد و باین سبب سعادتمند و رستگار میشوند لهذا او را بامت منسوب گردانیده اند
شیخ طوسی ره در کتاب تهذیب از کثیر نوا روایت کرده است که گفت شنیدم از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که حضرت نوح علیه السلام صدای کشتی را شنید
چون کشتی بجودی قرار گرفت پس ترسید از آن صدا و سر خود را از جانب کشتی بیرون آورد
و دست خود را بلند گردانید و اشاره بانگشت خود نمود و گفت رَهْمَانْ أَتْقِنْ و معنی این کلام

بزبان عربی یا رب احسن است یعنی ای خدایا نیکو کن و بدرستی که نوح علیه السلام در روز اول رجب
بر کشتی سوار شد و امر فرمود جماعتی را که با او داخل کشتی گردیده بودند از جن و انس بروزه داشتن
این روز پس حضرت فرمود که هر که روزه دارد این روز را از او دور شود آتش جهنم بقدر یکساله راه
و هر که هفت روز از رجب را روزه دارد درهای هفتگانه جهنم بر او بسته شود و هر که هشت روز
از اینها را روزه دارد هشت در بهشت بر روی او گشاده شود و هر که پانزده روز از اینها را روزه
دارد حق تعالی حاجات او را باو عطا فرماید و هر که زیاده از این را روزه دارد حق تعالی زیاده
فرماید برای او و شیخ مفید و ابن بابویه نیز همین مضمون را با اندک تفاوتی بسندهای بسیار روایت
نموده اند و ابن طاوس علیه الرحمة در کتاب اقبال بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که سه روز از رجب را روزه دارد حق تعالی
برای او بعوض هر روزه روزه سالی بنویسد و هر که هفت روز از اینماه را روزه دارد ببندد
بر روی او هفت در جهنم را و هر که هشت روز از اینها را روزه دارد بگشاید برای او هشت در
بهشت را و هر که پانزده روز از اینماه را روزه دارد حساب را بر او آسان گرداند و هر که تمام اینماه
روزه دارد بنویسد برای او رضوان و خوشنودی خود را و کسی را که خدا رضای خود را برای او
نویسد دیگر او را عذاب نفرماید و ابن بابویه رحمه الله در کتاب مجالس از حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه روایت کرده است که فرمود که هر که روزه بدارد یک روز از رجب را از اول یا
با وسط یا آخر آن حق تعالی بهشت را برای او واجب گرداند و بگرداند او را در روز قیامت
با ما در درجه ما و کسی که دو روز از اینها را روزه دارد باو گویند که از سر گیر عمل را بدرستی که
آمرزیده شد گناهان گذشته تو و کسی که سه روز از اینماه را روزه دارد باو گویند باو گویند
که آمرزیده شد گناهان گذشته و آینده تو پس شفاعت کن برای هر گناهکاری از برادران
و اهل دین خود و کسی که هفت روز از اینماه را روزه دارد بسته شود بر روی او هفت در جهنم
و کسی که هشت روز از اینماه را روزه دارد گشوده شود بر روی او هشت در بهشت پس داخل شود
از هر دری که خواهد و ایضا در کتاب فضایل سه ماه رجب از حضرت امام رضا علیه السلام روایت
کرده است که هر که روز اول ماه رجب را روزه دارد حق تعالی در قیامت از او خشنود باشد
و هر که دو روز از اینماه را روزه دارد خدا تعالی از او خوشنود شود و راضی گردد و او را خشنود
گرداند و هر که سه روز از اینماه را روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد و خصمهای او را

از او راضی گرداند در قیامت و هر که هفت روز از اینماه را روزه دارد چون بمیرد درهای هفت
آسمان برای روح او گشوده شود تا بملکوت اعلا برسد و هر که هشت روز از اینماه را روزه دارد
هشت در بهشت بر روی او گشوده شود و هر که پانزده روز از این ماه را روزه دارد هر حاجتی که
از حق تعالی بطلبد برآورده مگر آنکه سوال او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که
تمام اینماه را روزه دارد از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد
و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت گردد با برگزیدگان و نیکوکاران و شیخ طوسی در مصباح
بسند مرسل روایت کرده است که هر که روزه بدارد از اول ماه رجب هفت روز پی در پی البته بسته
شود بر روی او هفت در جهنم پس اگر روزه بدارد هشت روز را گشوده شود برای او هشت در بهشت
و اگر پانزده روز را روزه بدارد مسئلت او باو عطا شود و اگر تمام ماه را روزه دارد آزاد فرماید
خداوند کریم او را از آتش و برآورده شود حوائج دنیا و آخرت او و نوشته شود در میان صدیقان
و شهیدان **تحقیق** بدانکه در اکثر روایات سابقه مذکور است که هر که هفت روز از ماه رجب را
روزه دارد هفت در جهنم بر روی او بسته شود و هر که هشت روز از اینماه را روزه بدارد
هشت در بهشت بر روی او گشوده شود و در احادیث بسیار وارد شده است که حق تعالی
برای جهنم هفت در و برای بهشت هشت در قرار داده است و بعضی از محققین علما
در بیان سر این معنی گفته اند که چنانچه برای جهنم هفت در ظاهر می باشد که از آن درها گناهکاران
داخل جهنم می گردند همچنین در انسان هفت در می باشد که بسبب آنها داخل جهنم میشود و آن
درها گوش و چشم و زبان و شکم و فرج و دست و پاست و این اعضا را حق تعالی بانسان عطا فرموده
و برای هر یک وظیفه مقرر فرموده که از آنجا تجاوز ننماید پس هرگاه این اعضا مخالفت الهی نمایند
و انسان این اعضا را در غیر وظیفه مقرره استعمال نماید مستوجب جهنم میشود و چون
عدد این اعضا هفت است لهذا عدد درهای ظاهری جهنم را نیز هفت گردانیده و هرگاه
آدمی هفت روز از این ماه را روزه بدارد حق تعالی قوای شهوانی او را منکسر میگرداند
و او را توفیق میدهد که این اعضای سبعه را در وظایف مقرره ایشان از طاعات استعمال
نماید مثل آنکه گوش را در شنیدن مواعظ و نصایح و آیات قرآنی و احادیث نه استماع لهو و لعب
مصروف دارد و چشم را در دیدن آیات آفاقی و انفسی و امثال آنها نه در دیدن نامحرم و
امثال آنها استعمال نماید و زبان را پیوسته صرف اذکار و اوراد و امثال آنها نموده بجهة غیبت

ولهو و باطل تلفظ ننماید و شکم را در خوردن ماکولات حلال بجهة قوت عبادت مشغول سازد ختم
از حرام اجتناب نماید و فرج مخصر در طرف حلال بجهة تحصیل فرزند صالح نموده از حرام محجب باشد
ودست و پا را در تحصیل عبادات و مکاسب مباحه استعمال نموده از تحصیل امور دنیویه محترز
محترز باشد و هرگاه ادمی این درهای باطنی جهنم را مسدود نماید حق تعالی درهای ظاهری
جهنم را بر روی ادمی میبندد و هم چنین برای بهشت چنانچه هشت در ظاهر می باشد که از ان
درها نیکو کاران داخل بهشت میکنند همچنین در انسان هشت در میباشد که بسبب انها
داخل بهشت میشود و ان درها همین اعضای هفتگانه مذکور است با درگاه دل که از اعظم
از همه است پس هرگاه کسی هشت روز از اینماه را روزه دارد حق تعالی او را توفیق این معنی میدهد
که اعضای سبعه را در مصارف مقرره مصروف سازد و دل را که مکان قرب حق تعالی است
مملو از ان نموده غیر خدا را در ان راه ندهد و باین جهت هشت در بهشت در اخرت بر روی او
مفتوح کردد والله تعالی تعلیم و ابن بابویه رحمه الله در کتاب ثواب الاعمال و دیگران از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام روایت نموده اند که رجب نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از
عسل شیرین تر پس هر که یکروز از رجب را روزه دارد حق تعالی از ان نهر او را بیاشاماند
و در کتاب مجالس از انس روایت کرده است که گفت شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله
که هر که روزه دارد یکروز از رجب را از روی ایمان و توقع ثواب بگرداند حق تعالی میان
او و اتش جهنم هفتاد خندق که عرض هر خندقی بقدر ما بین اسمان و زمین باشد و در کتاب
فضایل رجب از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که روزه دارد هفت روز
از اینماه را حق تعالی او را بر صراط بگذراند و از اتش پناه دهد و واجب گرداند برای او غرفهای
بهشت را وایضا از انحضرت روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان
عرش ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور روهای ایشان جمیع محشر را روشن
سازد و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل بمروارید و یاقوت باشد و با هر یک از ایشان
هزار ملک باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ باشد و همه ندا کنند او را که گوارا
باد تو را کرامتهای حق تعالی ای بنده خدا پس خداوند رحمن ندا فرماید ایشان را که ای بندگان
و کنیزان من بعزت و جلال خودم سوگند که شما را در ماوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای
شما را عظیم گردانم و در بهشت غرفها چند بشما عطا کنم که در زیر انها نهرهای جاری باشد

و همیشه در ان غرفها باشید و نیکو مزدیست مزد عمل کنندگان برای من بجهة انکه بر شما واجب گردانم
روزه داشتید برای من در ماهی که حرمتش را عظیم گردانیده بودم و حق انرا واجب ساخته بودم
ای گروه ملائکه بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت کنید پس فرمود که اینهمه ثوابها برای کسی است
که چیزی از ماه رجب را روزه دارد اگر چه یکروز از اول یا وسط یا اخر اینماه باشد و از حضرت
امام موسی کاظم یا حضرت امام رضا علیهما السلام روایت کرده است که رجب ماه عظیمی است حق تعالی
مضاعف میکرداند در ان حسنات را و محو میفرماید در ان سیئات را و هر که روزه بدارد یکروز را
از ان دور میشود اتش از او بقدر یکساله راه و کسی که سه روز از انرا روزه بدارد بهشت برای او واجب شود
و در بعضی از کتب منقولست که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بقبرستانی گذشت و با انحضرت
دو کس همراه بودند پس حضرت در ان مقبره ایستاد و گریست و روی مبارک را بان دو کس کرد و
فرمود که این مردگان معذب بودند در قبرهای خود پس من دعا کردم و از خدا سؤال نمودم
تا عذاب ایشانرا تخفیف داد و اگر ایشان یکروز از ماه رجب را روزه میداشتند و یکشب از
شبهای انرا عبادت بر پا میداشتند البته خدا ایشانرا در قبرهاشان عذاب نمیفرمود و سید بن طاوس
طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده است که حق تعالی
در اسمان هفتم ملکی هست که او را داعی میگویند و چون ماه رجب داخل شود هر شب تا طلوع
صبح ندا کند که خوشحال ذکر کنندگان خوشحال اطاعت کنندگان و حق تعالی میفرماید
که من همنشین کسی ام که با من همنشینی کند و اطاعت کننده کسی ام که اطاعت من نماید
و امرزنده کسی ام که طلب امرزش از من کند ماه ماه من است و بنده بنده منست و رحمت رحمت منست
پس هر که سوال کند عطا میکنم و هر که طلب هدایت کند او را هدایت می نمایم و گردانیده ام اینماه را
ریسمانی در میان خود و بندگان خود پس هر که چنگ در ان زند برحمت و مغفرت من میرسد
و شیخ مفید علیه الرحمة در کتاب مقنعه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که
روزه بدارد تمام ماه رجب را بنویسد حق تعالی برای او رضا و خوشنودی خود را و کسی را
که خدا رضای خود را برای او نوشت دیگر او را عذاب نمیفرماید و شیخ طبرسی در کتاب
احتجاج از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری روایت کرده است که او عریضه بخدمت حضرت
صاحب الامر علیه السلام نوشت که نزد ما جمعی از مردان پیر و زنان عجوزه هستند که مدت سی سال
و زیاده است که تمام ماه رجب را روزه میدارند و ماه شعبانرا نیز روزه میدارند و انرا

بماه رمضان وصل میکنند وبعضی از اصحاب ما روایت میکنند که روزه ماه رجب معصیت است
حضرت در جواب نوشت که هر که فقیه ودانا باشد پانزده روز از ماه رجب را روزه بدارد وبعد از آن
قطع میکند مگر آنکه بقیه ماه را بقصد قضای سه روز که از او فوت شده باشد روزه بدارد
که در این وقت روزه داشتن بقیه ماه رجب نیکوست بجهت حدیثی که وارد شده که ماه رجب
نیکو ماهی است برای روزه قضا **مؤلف کوید** که علما این حدیث را بر نفی تاکد استحباب روزه
تمام این ماه حمل نموده اند تا مخالف نباشد با احادیثی که دلالت بر فضیلت روزه تمام ماه می کند
وظاهر ایراد از سه روز در این حدیث سه روزیست که در هر ماه غیر شعبان وماه رمضان
سنتست روزه گرفتن آنها واز این حدیث ظاهر میشود که روزه مستحب را قضا میتوان نمود
بلکه اگر کسی روزه واجب قضا داشته باشد ودر این ماه بگیرد ثواب آن عظیم خواهد بود
والله تعالی تعلیم **وبدانکه** بغیر احادیث مذکوره احادیث دیگر در باب فضیلت این ماه وثواب
عبادت در آن وتصدق نمودن واحیا داشتن لیالی آن در کتب علما مسطورست وچون
بعضی با احادیث مذکوره متحد المضمون واکثر آنها بعد از این در ضمن بیان اعمال مذکور میشود
لهذا در این مقام باین قدر اکتفا شد **حکایت عجیبه** بدانکه از خصایص این ماه آنست که دعا در آن
مستجاب میشود وسید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال نقل نموده اند که چند نفر با یکدیگر رفیق
بودند ناگاه گذشتند بر مرد کور زمین گیری یکی از این جماعت گفت که چرا این مرد از حق تعالی
سؤال نمیکند عافیت خود را که از این آزار خلاصی یابد دیگری از رفقا با او گفتند که آیا
این مرد را نمی شناسی این مردیست که عیاض او را نفرین کرده پس آن شخص عیاض را طلبید وحقیقت
حال را از او پرسید عیاض گفت که قصه زمان جاهلیت واقع شده است ودانستن آن نفعی
ندارد او گفت که قصه زمان جاهلیت سزاوارتر است بر نقل نمودن برای من این قصه را
نقل کن عیاض گفت که این مرد کور زمین گیر با نه برادر دیگر از فرزندان صنیعا بودند
وخواهر ایشان در حباله من بود وایشان خواستند که خواهر خود را از من بگیرند پس من
ایشان را سوگند دادم بخدا وقرابت ورحم وخویشی وفایده نبخشید وخواهر خود را از من میخواستند
ومن صبر کردم تا ماه رجب داخل شد وایشان را نفرین کردم وگفتم خداوندا نفرین میکنم من
بر فرزندان صنیعا پس هر ایشان را هلاک کن ویکنفر از ایشان را زنده بدار وپای او را بشکن
واو را زمین گیر ونابینا گردان پس حق تعالی چنان کرد که من خواسته بودم واین مرد کور

زمین گیر از جمله ایشانست پس آن شخص گفت که والله که چنین امر عجیبی من تا بحال ندیده بودم
دیگری از جماعت رفقا گفت که آیا میخواهی نقل کنم برای تو حکایتی از این عجیب تر آن شخص گفت که نقل کن
تا همگی رفقا بشنوند او گفت که من بودم از قبیله از قبایل عرب وآن قبیله همه مردند واموال ایشان
بمیراث بمن رسید ورفتم بمیان قبیله دیگر که ایشان را بنی مؤمل میگفتند ومدت مدیدی در آنجا
بودم در آخر کار آن قبیله خواستند که اموال مرا بگیرند من ایشان را بخدا قسم دادم وقبول نکردند
واز جمله آن قبیله مردی بود که رباح نام داشت او نیز بایشان گفت که ای بنی مؤمل این مرد همسایه
شما ودر امان شماست سزاوار نیست که مال او را بگیرید ایشان قبول ننمودند وفایده نبخشید واموال
مرا گرفتند پس من ایشان را مهلت دادم تا ماه رجب داخل شد وبر ایشان نفرین کردم وگفتم
بار خدایا مالهای مرا از بنی مؤمل بگیر وبزن بر عقب ایشان زلزله یا لشکری عظیم مگر
رباح را که او با من بدی نکرد پس در همان ایام روزی آن قبیله در دامن کوهی میرفتند ناگاه
قطعه از آن کوه جدا شد وبر سر ایشان فرود آمد وهمه هلاک شدند بغیر از رباح پس آن شخص
گفت که تا امروز حکایتی از این عجیب تر نشنیده بودم پس دیگری از رفقا گفت که آیا نقل کنم قصه
از این قصه ها عجیب تر آن شخص گفت بگو تا همگی بشنویم گفت پدر وعموی من از پدر خود میراث
بردند وبعد از وفات پدر مال او بمیراث بمن رسید وعموی مال خود را تلف نمود وبعد از
وفات او پسران او خواستند که اموال مرا بگیرند ومن چند آنکه ایشان را بخدا وحق قرابت ورحم
سوگند دادم فایده نبخشید واموال مرا گرفتند من نیز ایشان را مهلت دادم تا ماه مبارک رجب
داخل شد وبر ایشان نفرین کردم وگفتم ای پروردگار هر امین وخایف وشنونده ندای هر تظلم
این جماعت حق مرا بردند وبا من انصاف ننمودند ایشان را جزا بده وایشان ده نفر بودند
وبرای حاجتی میان چاهی رفته بودند که ناگاه چاه بر سر ایشان خراب شد وهمه هلاک شدند
وآن چاه قبر ایشان شد پس آن شخص گفت که والله تا اکنون چنین حدیث عجیبی نشنیده بودم
پس آن جماعت گفتند که هر گاه ماه رجب در زمان جاهلیت این قدر حرمت داشته باشد
ودعا باین زودی در آن مستجاب شود چرا در زمان اسلام چنین نیست وباین زودی دعا
در آن مستجاب نمیشود پس یکی از ایشان گفت که سبب این آنست که اهل جاهلیت بر دین حق نبودند
وباین جهت حق تعالی جزای اعمال ایشان را در دنیا زودی بایشان میداد تا بر یکدیگر ظلم نکنند
واهل اسلام چون بر دین حق ثابت وراسخ اند حق تعالی جزای اعمال ایشان را باخرت انداخته

پس سید گوید که ناقل این قصه حکایات بسیار دیگر در باب استجابت دعا در اینماه نقل نموده است
وما بهمین قدر اکتفا نمودیم **مولف گوید** که انچه در اخر این قصه مذکور است که دعای اهل اسلام
لازم نیست که در اینماه مستجاب شود در صورتی است که منافی حکمتی ومصلحتی باشد واگر کسی از
روی خلوص نیت وصفای طویت در اینماه دعا نماید ومطلب او منافی مصالح وحکم الهی نباشد
البته مستجاب میشود واز جمله انها که در عهد قریب بعصر ما واقع شده حکایتی است که جد علامه ام
مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در کتاب بحار الانوار ذکر نموده وگفته است که این قصه
از متواترات وشعرا اینرا بنظم در اورده اند وفی الحقیقه از معجزات مرقد مطهر حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه است وکیفیت این قصه چنانچه از مرحوم مبرور از ثقات استماع
نموده انست که در سنه هزار وهفتاد ودو ۱۰۷۲ هجری در نجف اشرف زن عجوزه پیری که نام او
مریم ومعروف بصلاح وتقوی بوده ببیماری شدیدی مبتلا گردید وازار او بطول کشید
تا انکه مقعد وزمین گیر شد وقریب بده سال بر این حالت ماند پس در شب نهم ماه رجب
مشغول دعا وتضرع بدرگاه حق تعالی گردید وتوسل بحضرت امیر المومنین علیه السلام
جسته شکایت احوال خود با نحضرت نمود والتماس شفا نموده بخواب رفت در خواب دید
که سه زن که یکی از ایشان در نور وصفا مانند ماه شب چهارده بود بر او داخل شدند وبا او گفتند
که دلگیر مباش که در شب دوازدهم از ماه مبارک فرج تو میرسد پس از فرح وسرور بیدار شد
وخواب خود را بمردم نقل نمود وانتظار شب دوازدهم ماه رجب میکشید ودر ان شب اثری ظاهر
نشد پس انتظار شب دوازدهم ماه شعبان کشید وباز اثری ظاهر نشد تا شب نهم ماه مبارک
رمضان داخل شد ودر ان شب نیز ان سه زن را در خواب دید که باز بشارت شفا باو دادند
وگفتند که در شب دوازدهم اینماه برو بروضه منوره که وسه نفر از زنان معروفه سکنه
ان بلده طیبه را نام بردند که با خود همراه ببر پس مسرور از خواب بیدار شد ودر شب دوازدهم
جامها وبدن خود را تطهیر نمود وان سه زن را خبر نمود وایشان او را بر دوش گرفته
داخل روضه مطهره شدند وچون قریب بربعی از شب گذشت یکی از ان سه زن
معذرت طلب نموده بیرون رفت ودو زن دیگر با او در روضه منوره ماندند وسایر
مردم همگی بجاهای خود مراجعت نمودند ودرها را بستند وبغیر ایشان کسی در رواق نماند
وچون وقت سحر شد ان دو زن بعزم خوردن سحوری یا کشیدن قلیان رفتند بجایی.

درگاهی که در پشت سر مبارک بصحن مفتوح میبود ودر عقب ان شبکه هست وداخل ان شبکه شدند ودریچه را
نبستند وانزن را در پیش روی ضریح مبارک در سمت قبله گذاشتند وبعد از قضاء حاجت چون مراجعت
نمودند انزن را در ان موضع نیافتند پس از هر جانب رفته وجمیع ضریح مطهر تفحص نمودند ودیدند که در نهایت
صحت واعتدال راه میرود وشفا یافته است از سبب ان پرسیدند گفت که چون شما بجانب شبکه رفتید
گردیدند ان سه زن که من در خواب دیده بودم بنزد من امدند ومرا برداشتند وداخل قبه منوره
ومن ندانستم که چگونه داخل شدم وانچه راه باندرون قبه رفتیم وچون بضریح مقدس رسیدیم صدائی
شنیدیم از قبر مبارک که حرکت دهید این زن صالحه را واو را سه مرتبه بر دور قبر طواف دهید پس
آن زنان سه مرتبه مرا بر دور قبر طواف فرمودند پس صدای دیگر از قبر شنیدیم که بیرون ببرید
زن صالحه را از در فرج پس مرا از جانب غربی کسی که نماز کنند ما بین دو درگاه در برابر سر
مبارک بیرون بردند ودر عقب ان دو جوانان دیبا ایستاده بودند وان درگاه قبل از این واقعه
باین اسم معروف نبود پس گفت که الحال ان زنان رفتند وشما امدید ومن اصلا اثری از ضعف در خود
اثری نمی بینم وچون اخر شب شد وکلید دار امد ودر روضه مقدسه را گشود ان سه زن را
دید که همه راه میروند ومعلوم نیست که ان زمین گیر کدام یک از این سه زن است وجد علامه ام
در کتاب مذکور گفته است که در وقت تحریر این قصه در این کتاب ان سه زنی که با او
بروضه مقدسه رفته بودند در حیات هستند ومن از مولانا محمد طاهر کلیددار وجمع کثیری از صلحا
نجف اشرف که در ان شب بروضه مقدسه رفته بودند شنیدم که می گفتند که او را در اول شب زمین گیر
دیدیم که بر دوش گرفته بروضه اوردند ودر اخر شب در نهایت صحت خود بپای خود راه میرفت
تتمه قطب راوندی در کتاب قصص الانبیا روایت کرده است بسند خود از ابن بابویه
رحمه الله علیه وسند را متصل نموده بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام که ان حضرت فرمود
که در کتاب حضرت دانیال پیغمبر علیه السلام نوشته است که هر سالی که در ماه رجب افتاب بگیرد زمین
معمور وابادان شود ودر کوهستانها ونواحی مشرق باران بسیار ببارد ودر ناحیه فارس ملخ فرود
اید اما ضرری با ایشان نرساند وهر سالی که در ماه رجب ماه بگیرد در ناحیه مغرب طاعون وقحط
ظاهر شود ودر زمین بابل باران بسیار ببارد ودرد چشم در همه شهرها بسیار باشد والله تعالی اعلم
ختام بدانکه در روایات معتبره وارد شده است که هر که بمنزل برادر مومن خود وارد شود
وقصد روزه واجب یا سنت کرده باشد واو طعامی حاضر سازد واو را تکلیف افطار نماید

ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است بهفتاد یا نود برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام ثوابش
بیشتر و برابر یکسال روزه است و اگر واجب غیر معین باشد بعوض ان یک روزه ده روز روزه در نامه عملش نوشته
میشود و اگر چه در طرف عصر و نزدیک بغروب افتاب باشد که افطار کردن بهتر است و اگر اظهار نکند ثواب
یکسالش میدهند و اگر اظهار کند بهمین ربع ان و اگر اظهار کند و منت گذارد نه تنها ربعش میدهند و
منقولست که حضرت صادق علیه السلام بعبد الله بن سنان و اسحق فرمودند که روزه سنت را تا ظهر میتوان
خورد و بعد از ظهر نمیتوان خورد و منقولست از صالح که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام از شخصی که نیت روزه کرده باشد و برادر مؤمنی که هم مذهب ان باشد تکلیف میکند او را که
افطار کند حضرت فرمودند که افطار میکند اگر روزه سنت باشد در نامه عملش ثواب دو روزه هفتاد
سال نوشته میشود یا سیصد و شصت برابر و اگر روزه قضا یا نذر غیر معین باشد روزه دیگر قضا
میکند اگر در شب یا پیش از ظهر نیت کرده باشد و اگر در روز بعد از ظهر نیت کرده باشد و قضای
غیر معین باشد خلافست و اگر قضای معین باشد قضا و کفاره هر دو را بعمل میاورد در هر وقت که باشد
و منقولست از سماعه که گفت سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام که صایم تا پیشین مختارست در صوم
و افطار حضرت فرمودند که این حکم در فرض مخصوص است از قضاء ماه رمضان و نذر مطلق و کفاره و غیر ان
و اما روزه سنت هر وقتی که خواهد تا شام افطار میتواند کرد و مثل حج سنت و نماز سنت نیت کردن
بمحض شروع در ان واجب شود و منقولست که انحضرت فرمودند که شخصی که قضای ماه رمضان میکند تا
اول ظهر اختیار دارد و اگر روزه سنت باشد تا غروب افتاب مختار است و در حدیثی وارد شده
که اگر نیت کرده باشد در شب میباید بگیرد و اگر در روز نیت کرده باشد تا زوال اختیار دارد و
بعد از ظهر میباید بگیرد و این حدیث شامل قضا و سنت هر دو است و در حدیث دیگر منقولست
که روزه سنت را تا ظهر میتوان خورد و بعد از ظهر نمیتوان خورد و در بعضی اخبار وارد شده
که اگر نیت روزه را در شب کرده باشد ان روزه را نخورد و اگر بخورد عوض بگیرد در روز دیگر و از
ابو بصیر منقولست که سؤال کردم از زنی که قضا کند روزه ماه رمضان را و شوهرش او را افطار فرماید
بنوعی حضرت فرمودند که سزاوار نیست زن را اگر اکراه کنند با فطار بعد از زوال افتاب و ظاهرش
کراهت چون مرد را جماع جایز است و زن را باختیار جایز نیست پس اگر جبر کند و با زن جماع کند مشهور
انست که روزه زن صحیح است مگر انکه در اثنای جماع راضی شود در این صورت زن را قضا و کفاره هر دو
لازمست خواه در ادا و خواه در قضا و بلزانا ابو بصیر منقولست که سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام

از صایمی که روزه سنت گرفته باشد و از کاری پیش اید که نتواند روزه بگیرد چه کند حضرت فرمودند که تا
عصر اختیار دارد میتواند خورد و اگر تا عصر چیزی نخورده باشد و بخاطرش رسد که ان روز را روزه بدارد
و نیت نکرده باشد در ان وقت نیت میتواند کرد ولیکن ثواب از ان وقت تا شام دارد و هر یک از اینها که
وارده در این مطلب اختلاف بسیار در ان وارد شده است و بعضی رد و نقیض یکدیگراند بحسب ظاهر
در ثواب اینان و قابل توجیه و تحویلات بسیارند ان شاء الله چند کلمه بیان خواهد شد بچند شرط
اول انکه اگر روزه نذر معین باشد افطار نباید کرد که موجب قضا و کفاره میشود بلا خلاف دوم انکه
اگر قضای ماه رمضان یا نذر غیر معین باشد و در شب نیت کرده باشد احوط انست که افطار نکند خصوصا
بعد از ظهر هر چند بعضی تجویز کرده اند نظر ببعضی احادیث وارده در این باب که مطلق روزه وارد
شده است و اما اگر در روز نیت کرده باشد افطار کردن جایز است اما اگر نکند احوط است نظر
ببعضی احادیث دیگر سیوم انکه اگر روزه سنت باشد در افطار کردن ان ثواب بسیار وارد شده
چنانچه مذکور شد بحسب مراتب عالیه ایمان از جمله انها اینست که فرموده اند که هر گاه وارد شوی
بر برادر مؤمن خود که هم مذهب تو باشد و حاضر باشد یا حاضر کند طعامی و تکلیف افطار فرماید
ترا افطار کن که ثوابهای مذکور از تو خواهد بود ان شاء الله بشرط انکه پیش از ظهر باشد و در شب
نیت نکرده باشی که هم در ان خلافیست بحسب قضا و ثواب بنا بر حدیثی چند که مطلق روزه را فرموده اند
و اگر در روز نیت کرده باشی بی ثواب و بی اجر خواهی بود بلکه افطار نکردن اولی خواهد بود خصوصا
در واجبات که در بعضی مواضع موجب قضا و کفاره هر دو و بعضی موجب قضای تنها میشود
چنانچه از سؤالات چند علامه مولانا محمد باقر مجلسی رحمه الله و از کلام اقا محمد باقر بهبهانی سلمه الله
معلوم میشود که انقدر چیزی که حاضر نباشد یا حاضر نکنند که او سیر شود افطار کردن صورت شرع
ندارد و بلقمه نان و دانه خرما و فنجان قهوه افطار کردن جایز نیست و ثوابی ندارد چنانچه در
حدیثهای پیش مذکور شد و اگر زن و فرزند انکس افطار فرمایند انکس را از ایشان و از بوی او
هیچ ثوابی نخواهد بود و روزه سنت داشتن زن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز بی رخصت اقا
و فرزند بی رخصت پدر و مادر و مهمان بی رخصت صاحب خانه و صاحب خانه بی رخصت مهمان
از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان علما انست که روزه سنت بنده بی اذن اقا
صحیح نیست و همچنین روزه سنت زن بی اذن شوهر صحیح نیست و در فرزند مشهور انست که روزه
سنت او بی اذن پدر و مادر مکروه است و باطل نیست و بعضی گفته اند که بی اذن پدر باطلست

واحوط انست که اذن از هر دو تحصیل نماید و در روزه سنت مهمان بی اذن صاحب خانه نیز خلاف
احوط انست که مهمان و صاحب خانه هیچیک بی رخصت دیگری روزه مستحب ندارند والله تعالی یعلم

در آداب دیدن هلال ماه رجب

باب دوم در بیان آداب دیدن ماه رجب بدانکه ادعیه و آدابی که مخصوص دیدن انماه است سه چیز است
اول سید جلیل نبیل سید بن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال از رسول خدا صلی الله علیه واله
روایت کرده است که انحضرت هرگاه هلال ماه رجب را میدید این دعا را میخواند اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ
عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِیْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ رَبِّیْ وَرَبُّكَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ **دوم** ایضا سید در
کتاب مذکور از انحضرت روایت کرده است که انحضرت در وقت دیدن هلال انماه این دعا را میخواند
اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِیْ رَجَبٍ وَشَعْبَانَ وَبَلِّغْنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَاَعِنَّا عَلَی الصِّیَامِ وَالْقِیَامِ وَحِفْظِ
اللِّسَانِ وَغَضِّ الْبَصَرِ وَلَا تَجْعَلْ حَظَّنَا مِنْهُ الْجُوْعَ وَالْعَطَشَ **سیم** سید جلیل میر محمد باقر داماد
قدس الله روحه در بعضی از مولفات خود گفته که از اکابر منقولست که در وقت دیدن هلال
ماه رجب باید در خط قران مجید و دست خود نگاه کند **مؤلف گوید** که این معنی در حدیثی و روایتی
بنظر نرسیده و در کتب معتمده هیچیک از علما مذکور نیست و بدانکه تفصیل ادعیه و آداب دیدن هلال
در اخر کتاب در بیان اعمال مطلق ماه عربی بتفصیل مذکور میشود انشاء الله تعالی اگر کسی خواهد
که انها را بعمل اورد رجوع بان مقام نماید **باب سیم** در بیان بعضی از اعمال مشترکه میان ماه رجب
و ماه شعبان و ماه رمضان و انها سه چیز است **اول** دیلمی رضی الله عنه در کتاب اعلام الدین
و کفعمی علیه الرحمه در کتاب بلد الامین از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه روایت نموده اند
که رسول صلی الله علیه واله فرمود که هر که در هر روز و هر شب از ماه رجب و ماه شعبان و ماه مبارک
رمضان هر یک از سوره حمد و ایة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس
و قل اعوذ برب الفلق را سه نوبت بخواند پس سه نوبت بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ و سه نوبت اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
و سه نوبت اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و چهارصد نوبت اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ
بگوید بحق انکه نفس من در قبضه قدرت اوست که هر که این اعمال را بجا اورد و چیزی از اینها از او
فوت نشود حق تعالی گناهان او را بیامرزد اگرچه مانند قطرات باران و برگ درختان و کف دریاها
باشد و در روز عید فطر از جانب حق تعالی منادی ندا کند که ای بنده من تو ولی منی و دوست من
حقا و از برای تو هست نزد من بسبب کرامت تو بیش از هر چیزی شفاعتی در برادران و خواهران خود

بحق انکه مرا بحق و راستی به پیغمبری فرستاده است که هر که بخواند این سوره ها را و بعمل اورد این عمل را
در روزها و شبهای این سه ماه اگرچه در تمام عمر یک مرتبه باشد حق تعالی باو عطا فرماید بهر حرفی
هفتاد هزار حسنه که هر حسنه سنگین تر باشد نزد خدا از کوههای دنیا و براورد برای او هفتصد حاجت
در وقت قبض روح او و هفتصد حاجت در قبر و هفتصد حاجت در وقت بیرون امدن از قبر
و هفتصد حاجت در وقت پرواز نمودن نامهای عمل و هفتصد حاجت در وقت گذشتن از صراط
و هفتصد حاجت در وقت برپا شدن میزان و او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب او را اسان
گرداند و او را هفتاد هزار ملک مشایعت نمایند تا به بهشت داخل شود و در انجا مهیا شده باشد
برای او چیزی چند که هیچ دیده ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد **مؤلف گوید** که کفعمی علیه الرحمه
در حواشی کتاب جنة الامان نیز این حدیث را ذکر نموده و سه نوبت اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ را نقل نکرده است و ظاهرا سهو نموده است والله تعالی یعلم **فایده** بدانکه مشهور میان
محدثین شیعه رضوان الله علیهم انست که مراد از ایة الکرسی هر جا مطلق وارد شده باشد در روایات
تا العلی العظیم است و جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه میفرمود که از تتبع روایات
و احادیث ظاهر میشود که تا هم فیها خالدون است بنابراین احوط در جائی که مطلق وارد شده باشد
انست که تا هم فیها خالدون خوانده شود والله تعالی یعلم **دوم** سید بن طاوس قدس الله روحه
در کتاب اقبال بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است
که حق تعالی سه ماه باین امت عطا فرموده که به هیچیک از امتهای گذشته نداده و ان ماه رجب و
ماه شعبان و ماه رمضان است و سه شب باین امت کرامت فرموده که بامتهای دیگر نداده
و ان شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم از هر ماه هست و سه سوره باین امت عطا فرموده
که بامتهای دیگر نداده و ان سوره یس و تبارک و قل هو الله احد است پس هر که جمع کند میان این
سه فضیلت جمع کرده خواهد بود افضل انچه را باین امت عطا شده است پس کسی عرض نمود
که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در
هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت بگذارد هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت نماز
بجا اورد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند چون
این عمل را بجا اورد فضیلت این سه ماه را دریابد و جمیع گناهانش امرزیده شود بغیر از شرک بخدا

سیم در بعضی از کتب از ابن عباس مرویست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که هر که
در ماه رجب و ماه شعبان و ماه مبارک رمضان ما بین نماز عصر و نماز شام این دعا را بخواند
حق تعالی وحی فرماید بان دو ملکی که بر او موکلند که محو نویسید بر او سیئات را بدرستی که من
امرزیدم سیئات او را و دعا اینست استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم غفار الذنوب
و اتوب الیه توبة عبد ظالم لا یملک لنفسه موتا و لا حیوة و لا نشورا مولف گوید که ظاهر
سیاق حدیث انست که این استغفار در هر روز از این سه ماه باید گفته شود باب چهارم
در بیان اعمالی که در همه اوقات اینماه میتوان بجا آورد و اختصاص بروز و شب مخصوصی ندارد
و اعمال مذکوره بر دو قسم است قسم اول سوره قرآنی و ادعیه و اذکار و آنها چند چیز است
اول خواندن سوره قل هو الله احد سید بن طاوس علیه الرحمه در کتاب اقبال از حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله در ماه رجب با نیت خالص بخواند بیاید روز قیامت در حالتی که از گناهان
خود بیرون آمده باشد مثل روزی که از مادر متولد شده باشد پس استقبال او کنند هفتاد ملک
که بشارت دهند او را به بهشت و در حدیث دیگر از آنحضرت روایت نموده است که هر که هزار
نوبت سوره قل هو الله احد بخواند بیاید در روز قیامت با عمل هزار پیغمبر و هزار ملک و کسی از او
نزدیکتر بجناب الهی نباشد مگر کسی که زیاده از او این سوره را خوانده باشد پس فرمود که ثواب
خواندن این سوره در اینماه مضاعف است و در حدیث دیگر از آنحضرت روایت نموده است که هر که
سوره قل هو الله احد را صد نوبت بخواند حق تعالی برکت دهد برای او و فرزندان او و اهل و
همسایگان او و هر که این سوره را در ماه رجب صد نوبت بخواند حق تعالی برای او در بهشت
بنا کند دوازده قصر که مکلل بدر و یاقوت باشد و بنویسد برای او ده هزار حسنه پس ملائکه را
امر کند که ببرید این بنده مرا و بنمائید بخدمه برای او مهیا ساخته ام پس بیایند بنزد او ده هزار
قهرمان و ایشان ملکی چند اند موکل بر مسکنها و خانهای او در بهشت پس بگشایند برای او
هزار هزار قصر از در و هزار هزار قصر از یاقوت سرخ که همه آنها مکلل باشد بدر و یاقوت و حلی
و حلل آنقدر که وصف نتوانند کرد وصف کنندگان و احاطه نتوانند کرد بان مگر علم خداوند
عالمیان و او چون ببیند این قصرها و مراتب عالیه را در بهشت دهشت کند و متحیر شود و گوید
که اینها برای کدام ملک از پیغمبرانست پس باو گویند که اینها برای تو است بسبب خواندن سوره
قل هو الله احد دوم گفتن لا اله الا الله سید بن طاوس علیه الرحمه در کتاب اقبال از رسول خدا

در روایت کرده است که هر که در ... سوره قل هو الله احد را

صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در ماه رجب هزار نوبت لا اله الا الله بگوید حق تعالی
بنویسد برای او صد هزار حسنه و صد شهر در بهشت برای او بنا نماید سیم استغفار
احمد بن محمد عیسی طاب ثراه در کتاب نوادر بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده که رجب ماه استغفار است برای امت من
پس بسیار استغفار نمائید در اینماه بدرستی که حق تعالی آمرزنده رحیم کننده است و در ماه رجب
بسیار بگوئید استغفر الله را و سؤال کنید از حق تعالی که در گذرد از گناهان شما و قبول فرماید
توبه شما را در گناهان گذشته و نگاه دارد شما را از گناهان در بقیه اجلهای شما و سید بن طاوس
رضی الله عنه در کتاب اقبال از جناب مقدس نبوی صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که
در ماه رجب صد نوبت بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده لا شریک له و اتوب الیه
پس تصدقی بکند حق تعالی زندگانی او را برحمت و آمرزش ختم نماید و هر که چهار صد نوبت این
استغفار را بگوید حق تعالی بنویسد برای او ثواب صد شهید پس چون خدا را در روز قیامت
ملاقات کنند باو فرماید که بدرستی که تو در دنیا اقرار کردی بملک و پادشاهی من پس آرزو کن
از من هر چه را خواهی تا بتو عطا فرمایم بدرستی که هیچکس صاحب قدرت و توانائی نیست بغیر من
و ایضا سید در کتاب مذکور از آنحضرت روایت کرده است که هر که در ماه رجب هفتاد نوبت
در صبح و هفتاد نوبت در شام بگوید استغفر الله و اتوب الیه پس دستهای خود را بلند کند و بگوید
اللهم اغفر لی و تب علی اگر در اینماه بمیرد حق تعالی از او راضی باشد و آتش جهنم باو نرسد
ببرکت اینماه و ابن بابویه علیه الرحمه در کتاب عیون اخبار الرضا روایت کرده است که حق تعالی
در شب معراج بحضرت رسالت صلی الله علیه و آله خطاب فرمود که ای محمد صلی الله علیه و آله
هر که در ماه رجب هزار نوبت بگوید استغفر الله ذا الجلال و الاکرام من جمیع الذنوب
و الاثام او را بیامرزم و سه نوبت فرمود که اگر نیامرزم پروردگار شما نباشم چهارم
سید بن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال بسند معتبر از یونس بن ظبیان روایت کرده است
که گفت نزد مولای خود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم در ماه رجب که داخل شد
بر ما معلی بن خنیس پس در آن مجلس مذکور شد دعای در ماه رجب پس معلی بخدمت آنحضرت
عرض کرد که ای سید من تعلیم فرما مرا دعائی که جامع همه دعاها باشد که شیعیان در کتابهای
خود ودیعه کرده اند پس حضرت فرمود که بگو ای معلی اللهم انی اسئلک صبر الشاکرین

وَلَكَ وَعَمَلَ الخَائِفِينَ مِنْكَ وَيَقِينَ العَابِدِينَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ العَلِيُّ العَظِيمُ وَأَنَا
عَبْدُكَ البَائِسُ الفَقِيرُ وَأَنْتَ الغَنِيُّ الحَمِيدُ وَأَنَا العَبْدُ الذَّلِيلُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَامْنُنْ بِغِنَاكَ عَلَى فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِي
يَا قَوِيُّ يَا عَزِيزُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الأَوْصِيَاءِ المَرْضِيِّينَ وَاكْفِنِي
مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس فرمود که ای معلی والله که
این دعا برای تو جمع کرده است انبیا از زمان ابرهیم خلیل تا زمان محمد صلی الله علیه وآله
بوده است **مؤلف گوید** که شیخ طوسی علیه الرحمة این حدیث را در کتاب مصباح روایت نموده با
این عنوان که حضرت صادق علیه السلام بمعلی بن خنیس فرمود که در ماه رجب این دعا را بخوان
وظاهر این حدیث آنست که این دعا را در همه اوقات اینماه توان خواند خواه روز وخواه شب
وخواه یکمرتبه وخواه زیاده ولیکن علما مانند سید ابن طاوس وکفعمی این دعا را از جمله ادعیه
هر روز ماه نقل کرده اند والله تعالی یعلم **تحمید** سید ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب
اقبال روایت نموده است که از ناحیه مقدسه بر دست ابی القاسم حسین بن روح قدس الله
روحه که یکی از نواب حضرت صاحب الامر صلوات الله وسلامه علیه است این دعا برای ایام ماه
رجب بیرون آمد اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي
وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ المُنْتَجَبِ وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ القُرَبِ يَا مَنْ إِلَيْهِ المَعْرُوفُ
طُلِبَ وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ
وَأَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الخَطَايَا دُؤُوبُهُ وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ يَسْأَلُكَ
التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الأَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ عَنِ الحَوْبَةِ وَمِنَ النَّارِ فَكَاكَ رَقَبَتِهِ وَالعَفْوَ
عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ فَأَنْتَ مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ
الشَّرِيفَةِ وَوَسَائِلِكَ المُنِيفَةِ أَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ
وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ إِلَى نُزُولِ الحَافِرَةِ وَمَحَلِّ الآخِرَةِ وَمَا هِيَ إِلَيْهِ
صَائِرَةٌ **مؤلف گوید** که علما از این حدیث نیز چنین فهمیده اند که این دعا را هر روز از ماه رجب
باید خواند و این عبارت صریح نیست در آنکه هر روز از اینماه باید این دعا خوانده شود
بلکه ظاهر آنست که اگر در بعضی از ایام اینماه خوانده شود کافی باشد و مؤید این احتمال آنکه

٣١

جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه ذکر نموده که در کتاب کهنه دیدم که احمد بن محمد بن عیاش
از حسین بن عبدالله روایت نموده که گفت نوشتم از توقیع مبارک که از ناحیه مقدسه بسوی
حسین بن روح روح الله روحه بیرون آمده بود که بخوان در هر روزی از روزهای ماه رجب
این دعا را **سیم** شیخ طوسی و سید ابن طاوس و علامه و کفعمی در کتاب مصباح و اقبال
از محمد بن ابی الرواد رواسی روایت نموده است که گفت روزی از روزهای ماه رجب
با محمد بن جعفر دهان بمسجد سهله رفتیم پس محمد بن جعفر گفت که بیا تا بمسجد صعصعه برویم
که آن مسجد مبارکی است و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در آن نماز کرده است و
حجتهای خدا قدم مبارکشان بآن رسیده پس رفتیم بآن مسجد و در آنجا نماز میکردیم ناگاه مردی
دیدیم که از ناقه خود فرود آمد و آنرا در موضع سایه عقال کرد و داخل مسجد شد و دو رکعت نماز طول داد
بجا آورد پس دستهای خود را بلند کرد و دعائی که مذکور خواهد شد خواند و چون فارغ شد بر ناقه خود
سوار شد و خواست که برود محمد بن جعفر گفت که بیا برخیزیم و سؤال کنیم از این مرد که کیست پس رفتیم بنزد
او و او را سوگند بخدا دادیم که تو کیستی فرمود که من نیز ترا بخدا قسم میدهم که مرا چه کس گمان داری محمد بن
جعفر گفت که ترا خضر گمان میبریم پس بمن فرمود که تو نیز چنین گمان داری گفتم بلی فرمود که والله من
آنکسم که خضر محتاج است بدیدن او برگردید که من امام زمانم و شیخ شهید و محمد بن المشهدی
قدس الله روحهما از علی بن محمد بن عبدالله شوشتری این حدیث را چنین روایت نموده اند
که گفت گذشتم بطایفه بنی رواس پس یکی از ایشان گفت بیا برویم بمسجد صعصعه و در آنجا
نماز کنیم که این ماه ماه رجب است و سنت است که در اینماه زیارت مواضع مشرفه که امامان ما
قدمهای مبارک خود را بآنها رسیده و در آنها نماز کرده اند و مسجد صعصعه از آنهاست پس رفتیم
بسوی آن مسجد دیدیم ناقه را که در در مسجد عقال کرده اند چون داخل شدیم مردی را دیدیم که
جامه و عمامه مثل اهل حجاز پوشیده و نشسته است و دعائی که مذکور خواهد شد میخواند پس سجده
طولانی کرد و برخواست و بر ناقه سوار شد و رفت رفیقم گفت که این خضر علیه السلام بود چرا
با او سخن نگفتیم گویا زبان ما را بسته بودند چون بیرون آمدیم ابن ابی رواد رواسی بما برخورد و پرسید
که از کجا می آیید گفتیم ما از مسجد صعصعه و خبر را با او نقل نمودیم گفت این سواره هر دو روز
یا سه روز یکمرتبه باین مسجد می آید و با کسی سخن نمیگوید پس پرسید که شما گمان دارید که کی بود
گفتیم که گمان ما آنست که خضر علیه السلام باشد گفت والله من نمی بینم او را مگر کسی که خضر

نیز محتاج است بدین او یعنی حضرت صاحب الامر صلوات الله وسلامه علیه و دعا اینست
اللهم یا ذا المنن السابغة والآلاء الوازعة والرحمة الواسعة والقدرة الجامعة والنعم
الجسیمة والمواهب العظیمة والایادی الجمیلة والعطایا الجزیلة یا من لا ینعت بتمثیل
ولا یمثل بنظیر ولا یغلب بظهیر یا من خلق فرزق والهم فانطق وابتدع فشرع
وعلا فارتفع وقدر فاحسن وصور فاتقن واحتج فابلغ وانعم فاسبغ واعطی
فاجزل ومنح فافضل یا من سما فی العز ففات خواطر الابصار ودنا فی اللطف فجاز
هواجس الافکار یا من توحد بالملک فلا ند له فی ملکوت سلطانه وتفرد بالکبریاء
والآلاء فلا ضد له فی جبروت شانه یا من حارت فی کبریاء هیبته دقائق لطائف
الاوهام وانحسرت دون ادراک عظمته خطائف ابصار الانام یا من عنت الوجوه لهیبته
وخضعت الرقاب لعظمته ووجلت القلوب من خیفته اسألک بهذه المدحة التی لا تنبغی
الا لک وبما وایت به علی نفسک لداعیک من المؤمنین وبما ضمنت الاجابة فیه علی نفسک
للداعین یا اسمع السامعین ویا انظر الناظرین ویا اسرع الحاسبین ویا احکم الحاکمین
ویا ارحم الراحمین صل علی محمد خاتم النبیین وعلی اهل بیته الطاهرین الاخیار وان
تقسم لی فی شهرنا هذا خیر ما قسمت وان تحتم لی فی قضائک خیر ما حتمت وتختم لی بالسعادة
فیمن ختمت واحینی ما احییتنی موفورا وامتنی مسرورا ومغفورا وتول انت نجاتی من
مسائلة البرزخ وادرأ عنی منکرا ونکیرا وارعینی مبشرا وبشیرا واجعل لی الی رضوانک
وجنانک مصیرا وعیشا قریرا وملکا کبیرا وصلی الله علی محمد وآله بکرة واصیلا
یا ارحم الراحمین وسید علیه الرحمه گفته که یافتم این دعا را منقول از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
و ابن تمیم بعد از آنکه مذکور بود اللهم انی اسألک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک ومنتهی رحمتک
من کتابک واسمک الاعظم وذکرک الاعلی وکلماتک التامات کلها ان تصلی علی محمد
وآله واسألک ما کان اوفی بعهدک واقضی لحقک وارضی لنفسک وخیرا لی فی المعاد
عندک والمعاد الیک ان تعطینی جمیع ما احب وتصرف عنی جمیع ما اکره انک علی کل شیء
قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین مؤلف گوید که علما این دعا را نیز مانند دعای سابق از

الاعظم
الاعلی

دعوات

دعوات هر روز این ماه نقل کرده اند و عبارت حدیث اصلا دلالت بر این ندارد بلکه در روایت
که مطلقا این دعا اختصاص بماه رجب نداشته باشد و چون در غایت بلاغت مضمون و
فصاحت الفاظ و مشتمل بر مطالب دنیا و آخرت است حضرت اولی آنست که در این ماه مبارک در امکنه
شریفه خوانده باشد و بنا بر این خواندن این دعا در اوقات دیگر خصوصا اوقات شریفه
و امکنه دیگر خصوصا امکنه متبرکه مناسب خواهد بود والله تعالی یعلم هفتم شیخ طوسی در مصباح
و سید ابن طاوس در اقبال رضوان الله علیهما از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت
نموده اند که آنحضرت در ماه رجب بجهت عمره بمکه معظمه داخل شد و در اکثر اوقات شب و روز
نزد کعبه نماز میکذارد و بسجده میرفت و در سجده میفرمود عظم الذنب من عبدک فلیحسن
العفو من عندک و در مدت اقامت در مکه زیاده از این عبارتی نمیفرمود هشتم بجا آوردن عمره ابن
بابویه علیه الرحمه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که از آن
حضرت سؤال کردند که عمره در ماه رجب افضل است یا ماه رمضان حضرت فرمود که در
ماه رجب افضل است و احادیث فضیلت عمره در این ماه بسیار است و ذکر جمیع آنها موجب
اطناب نهم شیخ طوسی در کتاب مصباح و سید ابن طاوس در کتاب اقبال از حسین بن
روح روایت کرده اند که گفت بخیر بن عبدالله که در ماه رجب زیارت کن هر یک از مشاهد
مشرفه را که حاضر شوی باین نحو که چون داخل شوی بگو الحمد لله الذی اشهدنا مشهد
اولیائه فی رجب واوجب علینا من حقهم ما قد وجب وصلی الله علی محمد المنتجب
وعلی اوصیائه الحجب اللهم فکما اشهدتنا مشاهدهم فانجز لنا موعدهم واوردنا
موردهم غیر محلئین عن ورد فی دار المقامة والخلد والسلام علیکم انی قد قصدتکم
واعتمدتکم بمسألتی وحاجتی وهی فکاک رقبتی من النار والمقر معکم فی دار القرار
مع شیعتکم الابرار والسلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار انا سائلکم وآملکم
فیما الیکم التفویض وعلیکم التعویض فبکم یجبر المهیض ویشفی المریض وما تزداد الارحام
وما تغیض انی بسرکم مؤمن ولقولکم مسلم وعلی الله بکم مقسم فی رجعی بحوائجی وقضائها
وامضائها وانجاحها وابراحها وبشؤونی لدیکم وصلاحها والسلام علیکم سلام مودع
ولکم حوائجه مودع یسأل الله الیکم المرجع وسعیه الیکم غیر منقطع وان
یرجعنی من حضرتکم خیر مرجع الی جناب ممرع وخفض عیش موسع ودعة ومهل

المُقبِلُ
السَّلسَلُ
فيه

جبين الاجلِ وخيرِ مصيرٍ ومحلٍّ في النّعيمِ الازلِ والعيشِ المُقتَبَلِ ودوامِ الاكلِ وشربِ
الرَّحيقِ والسَّلسَبيلِ وعلٍّ ونهلٍ لا سأمَ منهُ ولا مللَ ورحمةُ اللهِ وبركاتهُ
وتحيّاتهُ عليكم حتّى العودِ الى حضرتكم والفوزِ في كرّتكم والحشرِ في زمرتكم
والسَّلامُ عليكم ورحمةُ اللهِ وبركاتهُ عليكم وصلواتهُ وتحيّاتهُ وهو حسبُنا
ونعمَ الوكيلُ دهم زيارت حضرت امام رضا صلوات الله وسلامه عليه شيخ طوسی قدس الله
روحه در كتاب مصباح از محمد بن سليمان ديلمی روايت نموده است كه گفت عرض نمودم
بخدمت حضرت امام محمد تقی عليه السلام كه كسی كه توفيق حجة الاسلام بيابد و بعد از آنكه
بلوازم حج و عمره اتيان نمايد به زيارت رسول خدا صلی الله عليه وآله بمدينه منوره رود
و بعد از آن بزيارت بدر بزرگوارت امير المؤمنين عليه السلام آيد در حالتی كه عارف بحق
او باشد و داند كه آنجناب حجت حق تعالی است بر خلق او و باب رحمت اوست پس بر او سلام
كند و بعد از آن بزيارت حضرت ابی عبد الله الحسين عليه السلام رفته بر او سلام كند
و بعد از آن ببغداد رود و بر حضرت امام موسی كاظم عليه السلام سلام كند و به بلد خود
رود پس چون سال آينده وقت رفتن حج شود حق تعالی روزی كند باو آنقدر كه تواند
حج رود و حج مستحب بكند كدام افضل است آيا حج سنت برود يا بخراسان بزيارت پدر
بزرگوارت علی بن موسی الرضا صلوات الله وسلامه عليه برود حضرت فرمود كه بخراسان
رود و آنحضرت را زيارت كند و بايد كه اين زيارت در ماه رجب بوده باشد مؤلف گويد
كه سيد جليل نبيل مير محمد باقر داماد طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود گفته است كه زيارت
جامعه كه در اول رجب امام رضا عليه السلام را بآن زيارت كنند اين است و زيارت
سابق را كه الحمد لله الذي اشهدنا مشهد اوليائه في رجب است تا آخر نقل نموده و در آخر
اين تتمه نيز هست نعم المولى ونعم النصير غفرانك ربنا واليك المصير اللهم صل على
محمد وآل محمد الاوصياء المرضيين واجعلني معهم في الدنيا والآخرة ولا تفرق بيني
وبينهم طرفة عين ابدا واوردني حياضهم ولا تمنعني لقائهم يوم الورود الموعود
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته استودعكم الله واقرأ عليكم السلام آمنا
بالله وبالرسول وبما جئتم به ودللتم عليه فاكتبنا مع الشاهدين واختصاص اين زيارت

زيارت حضرت امام محمد تقی عليه السلام در ماه رجب

بآنحضرت در خصوص اين روز در روايتی بنظر نرسيده وظاهر اين زيارت چون مخصوص ايام
وارد شده و بزيارت آنحضرت در ايام فضيلت بسيار وارد وچنانچه در ايامی كه در شبان ايام اتيان
روز اول نزديد فضيلت ممتاز است لهذا آنكه اين زيارت را در خصوص اين روز بجهت ان نيز
نقل نموده و بدانكه بغير از اين زيارت نيز زيارت مخصوصی براي آنحضرت در روز اول وارد
نشده بلكه بخصوص ايام نيز زيارت مخصوصی در كتب علما مذكور نيست ولكن جد علامه ام مولانا
محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در كتاب بحار الانوار گفته كه در كتاب كهنه كه از مولفات قدمای
علمای شيعه رضوان الله عليهم بود و تاريخ كتابت آن كتاب سال هفتصد وچهل و شش هجری بود
ديدم كه زيارتی براي آنحضرت نقل نموده و گفته است كه آنحضرت را در همه اوقات باين زيارت
ميتوان زيارت نمود و در ماه رجب افضل است و اين زيارت از خلف بزرگوار آنحضرت
كه حضرت امام محمد تقی عليه السلام است روايت شده و زيارت اينست السَّلامُ عليكَ
يا وليَّ اللهِ السَّلامُ عليكَ يا حجّةَ اللهِ السَّلامُ عليكَ يا نورَ اللهِ في ظلماتِ الارضِ السَّلامُ
عليكَ يا عمودَ الدّينِ السَّلامُ عليكَ يا وارثَ آدمَ صفوةِ اللهِ السَّلامُ عليكَ يا وارثَ
ابرهيمَ خليلِ اللهِ السَّلامُ عليكَ يا وارثَ موسى كليمِ اللهِ السَّلامُ عليكَ يا وارثَ عيسى
روحِ اللهِ السَّلامُ عليكَ يا وارثَ محمّدٍ رسولِ اللهِ السَّلامُ عليكَ يا وارثَ اميرِ المؤمنينَ
عليِّ بنِ ابي طالبٍ السَّلامُ عليكَ يا وارثَ الحسنِ والحسينِ سيّدَي شبابِ اهلِ الجنّةِ
السَّلامُ عليكَ يا وارثَ عليِّ بنِ الحسينِ سيّدِ العابدينَ السَّلامُ عليكَ يا وارثَ محمّدِ بنِ
عليٍّ باقرِ علمِ الاوّلينَ والآخرينَ السَّلامُ عليكَ يا وارثَ جعفرِ بنِ محمّدٍ الصّادقِ
البرِّ التّقيِّ السَّلامُ عليكَ يا وارثَ موسى بنِ جعفرٍ العالمِ الحفيِّ السَّلامُ عليكَ ايّها
الصّدّيقُ الشّهيدُ السَّلامُ عليكَ ايّها الوصيُّ البرُّ التّقيُّ اشهدُ انّكَ قد اقمتَ
الصّلوةَ وآتيتَ الزّكوةَ وامرتَ بالمعروفِ ونهيتَ عنِ المنكرِ وعبدتَ اللهَ مخلصًا
حتّى اتاكَ اليقينُ السَّلامُ عليكَ يا ابا الحسنِ ورحمةُ اللهِ السَّلامُ عليكَ من امامٍ غصيبٍ وامامٍ نجيبٍ وبعيدٍ وقريبٍ و
مسمومٍ غريبٍ السَّلامُ عليكَ ايّها العالمُ النّبيهُ والقدرُ الوجيهُ النّازحُ عن تربتِهِ

جدّه وابيه السلام على من أمر أولاده وعياله بالنياحة عليه قبل وصول القتل اليه
السلام على ديار كم الموحشات كما استوحشت منكم منى وعرفات السلام على سادات
العبيد وعدة الوعيد والبئر المعطلة والقصر المشيد السلام على غوث اللهفات ومن
صارت به ارض خراسان خراسان السلام على قليل الزائرين وقرة عين فاطمة سيدة
نساء العالمين السلام على البهجة الرضوية والاخلاق الرضية والغصون المتفرعة
عن الشجرة الاحمدية السلام على من انتهى اليه رياسة الملك الاعظم وعلم كل شيء لتمام
الامر المحكم السلام على من اسمائهم وسيلة السائلين وهياكلهم امان المخلوقين
وحججهم ابطال شبه الملحدين السلام على من كثرت له وسادة والده امير المؤمنين
حتى خصم اهل الكتب وثبت قواعد الدين السلام على علم الاعلام ومن كسر قلوب
شيعته بغربته الى يوم القيام السلام على السراج الوهاج والبحر العجاج الذي
صارت تربته مهبط الاملاك والمعراج السلام على ائمة الاسلام وملوك
الاديان وطاهري الولادة ومن اطلعهم الله على علم الغيب والشهادة وجعلهم
اهل السعادة السلام على كهوف الكائنات وظلها ومن ابتهجت به معالم
طوس حيث حل بربعها **شعر** يا قبر طوس سقاك الله رحمته • ماذا ضمنت من الخيرات
يا طوس • طابت بقاعك في الدنيا وطاب بها • شخص ثوى بسناباد مرموس •
شخص عزيز على الاسلام مصرعه • في رحمة الله مغمور ومرموس • يا قبره انت قبر
قد تضمنه • حلم وعلم وتطهير وتقديس • فخرا بانك مغبوط بجثته • وبالملائكة
الاطهار محروس • في كل عصر لنا منكم امام هدى • فربعه اهل منكم ومانوس •
امست نجوم سماء الدين افلة • وظل اسد الثرى قد ضمها الخيس • غابت ثمانية
منكم واربعة • ترجى مطالعها ما حنت العيس • حتى متى يزهر الحق المنير بكم • فالحق في

عزّ

عالم الورى

السيادة

يا انهمي

مرموس

غيركم داج ومطموس • السلام على مفخر الابرار وثاني المزار • وشرط دخول الجنة والنار •
السلام على من لم ينقطع الله عنهم صلواته في اناء الساعات وبهم سكنت السواكن
وتحركت المتحركات السلام على من جعل الله امامتهم مميزة بين الفريقين كما تعبد
بولايتهم اهل الخافقين السلام على من احيى الله به دارس حكم النبيين وتعبدهم بولايته
لتمام كلمة الله رب العالمين السلام على شهور الحول وعدد الساعات وحروف
لا اله الا الله في الرقوم المسطرات السلام على اقبال الدنيا وسعودها ومن
سئلوا عن كلمة التوحيد فقالوا نحن والله من شروطها السلام على من تعلل
وجود كل مخلوق بلولاهم ومن خطبت لهم الخطباء ببيعة آبائهم ما هم هم
افضل من يشرب صوب الغمام السلام على علي مجدهم وبنائهم ومن انشد في فخرهم
وعلائهم بوجوب الصلوة عليهم وطهارة ثيابهم السلام على قمر الاقمار وفخر الابرار
المتكلم مع اهل كل لغة بلسانهم القائل لشيعته ما كان الله ليولي اماما على امة
حتى يعرفه بلغاتهم السلام على فرحة القلوب وفرج المكروب وشريف الاشراف
ومفخر عبد مناف بالبتي من الطائفين بعرصته وحضرته ستشهد البهجة
مؤانسته اطوف ببابكم في كل حين كان ببابكم جعل الطواف السلام على الامام
الرؤف الذي هيّج احزان يوم الطفوف بابائك الاطهار وبابنائك
المنتجبين الابرار لولا بعد الشقة حيث شطت بكم الدار لقضيت بعض واجبكم
بتكرار المزار والسلام عليكم يا حماة الدين واولاد النبيين وسادة المخلوقين
ورحمة الله وبركاته پس بعد از نماز زیارت بگوید تسبیح فاطمه زهرا صلوات الله علیها را بگوید و ثواب آن تسبیح را به آنحضرت هدیه کند پس بخواند
اللهم اني اسئلك يا الله الدائم في ملكه القائم في عزه
المطاع في سلطانه المتفرد في كبريائه المتوحد في ديمومية بقائه العادل
في بريته العالم في قضيته الكريم في تأخير عقوبته الهي حاجاتي مصروفة اليك

نماز دوم

وآمالي موقوفة لديك وكلما وفقتني من خير فانت دليلي عليه وطريقي اليه يا قديرا
لا تؤوده المطالب يا مليا يلجأ اليه كل راغب ما زلت مصحوبا منك بالنعم جاريا على
عادات الاحسان والكرم اسئلك بالقدرة النافذة في جميع الاشياء وقضائك المبرم
الذي تحجبه بايسر الدعاء وبالنظرة التي نظرت بها الى الجبال فتشامخت والى الارضين
فتسطحت والى السموات فارتفعت والى البحار فتفجرت يا من جل عن ادوات لحظات
البشر ولطف عن دقائق خطرات الفكر لا تحمد يا سيدي الا بتوفيق منك تقتضي
حمدا ولا تشكر على اصغر منة الا استوجبت بها شكرا فمتى تحصى نعماؤك يا الهي وتجازى
آلاؤك يا مولاي وتكافى صنائعك يا سيدي ومن نعمك يحمد الحامدون ومن شكرك
يشكر الشاكرون وانت المعتمد للذنوب في عفوك والناشر على الخاطئين جناح سترك
وانت الكاشف للضر بيدك فكم من سيئة اخفاها حلمك حتى دخلت وحسنة خلت
ضاعفها فضلك حتى عظمت عليها مجازاتك جللت ان يخاف منك الا العدل وان
يرجى منك الا الاحسان والفضل فامنن علي بما اوجبه فضلك ولا تخذلني بما يحكم
به عدلك سيدي لو علمت الارض بذنوبي لساخت بي او الجبال لهدتني او السموات بها
لاختطفتني او البحار لاغرقتني سيدي سيدي سيدي مولاي مولاي مولاي قد تكرر
وقوفي لضيافتك فلا تحرمني ما وعدت المتعرضين لمسألتك يا معروف العارفين يا معبود
العابدين يا مشكور الشاكرين يا جليس الذاكرين يا محمود من حمده يا موجود من طلبه يا موصوف
من وحده يا محبوب من احبه يا غوث من اراده يا مقصود من اناب اليه يا من لا يعلم الغيب
الا هو يا من لا يصرف السوء الا هو يا من لا يدبر الامر الا هو يا من لا يغفر الذنب الا هو
يا من لا يخلق الخلق الا هو يا من لا ينزل الغيث الا هو صل على محمد وآل محمد واغفر لي
يا خير الغافرين رب اني استغفرك استغفار حياء واستغفرك استغفار رجاء واستغفرك
استغفار انابة واستغفرك استغفار رغبة واستغفرك استغفار رهبة واستغفرك
استغفار طاعة واستغفرك استغفار ايمان واستغفرك استغفار اقرار واستغفرك
استغفار اخلاص واستغفرك استغفار تقوى واستغفرك استغفار توكل

واستغفرك

واستغفرك استغفار ذلة واستغفرك استغفار عامل لك هارب منك اليك فصل على محمد
وآل محمد وتب علي وعلى والدي بما تبت وتتوب على جميع خلقك يا ارحم الراحمين
يا من تسمى بالغفور الرحيم يا من تسمى بالغفور الرحيم يا من تسمى بالغفور الرحيم صل على
محمد وآل محمد واقبل توبتي وزك عملي واشكر سعيي وارحم ضراعتي ولا تحجب صوتي
ولا تخيب مسئلتي يا غوث المستغيثين وابلغ ائمتي سلامي ودعائي وشفعهم في
جميع ما سألتك واوصل هديتي اليهم كما ينبغي لهم وزدهم من ذلك ما ينبغي لك
باضعاف لا يحصيها غيرك ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على
طيب المرسلين محمد وآله الطاهرين **قسم دوم** نمازی چند که مستحبست بجا آوردن
آنها در ایام ماه رجب چند چیز است **اول** سید ابن طاوس قدس الله روحه از سلمان فارسی
رضی الله عنه روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که در یکی از شبهای
ماه رجب ده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل
یا ایها الکافرون یکنوبت وقل هو الله احد سه نوبت بخواند حق تعالی گناه کند شتر او را بیامرزد
و بعدد هر رکعتی برای او عبادت شصت سال بنویسد و بعدد هر سوره قصری از مروارید در
بهشت باو عطا کند و بنویسد برای او ثواب کسی را که در آن سال روزه داشته باشد و نماز کرده
باشد و حج و عمره بجا آورده باشد و در راه خدا جهاد نموده باشد و بنویسد برای او در هر روزی
تا سال آینده حجی و عمره و از نماز فارغ نشود مگر آنکه حق تعالی بیامرزد او را وچون فارغ شود
ملکی از زیر عرش او را ندا کند که ای دوست خدا عمل خود را از سر گیر که خدا تو را از آتش جهنم
آزاد گردانید و بنویسد او را حق تعالی از نماز کنندگان در تمامی آن سال و اگر در آن سال
بمیرد شهید مرده باشد وحق تعالی دعای او را مستجاب گرداند وحوائج او را برآورد و نامه عمل
او را بدست راست او دهند و روی او را سفید گرداند و بگرداند میان او و آتش جهنم
هفت خندق **دیگر** سید ابن طاوس علیه الرحمه از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله روایت
کرده است که هر که در یکی از شبهای ماه رجب صد نوبت قل هو الله احد را در دو رکعت
نماز بخواند چنان باشد که صد سال در راه خدا روزه داشته باشد وعطا فرماید حق تعالی
باو صد قصر در بهشت که هر قصری در جوار پیغمبری از پیغمبران علیهم السلام باشد **مؤلف گوید**
که مقتضای عبارت حدیث آنست که صد مرتبه قل هو الله احد باید در تمام این دو رکعت

خوانده شود وظاهر سیاق کلام انست که در هر رکعتی پنجاه نوبت خوانده شود پس اگر باین کیفیت نماز را
بگذارد احوطاست **سیم** سید ابن طاوس علیه الرحمه از ابن عباس روایت کرده است که جناب مقدس
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله فرموده که هر که روزه بگیرد روزی از ماه رجب را و در ان روز چهار
رکعت نماز بگذارد در هر رکعت بیک سلام و در رکعت اول هر یک بعد از حمد آیة الکرسی صد نوبت
و در رکعت دوم هر یک قل هو الله احد دویست مرتبه بخواند از دنیا نرود تا نموده شود با و جای او در
بهشت **باب پنجم** در بیان اعمالی که در هر روز یا در هر شب یا در هر روز و هر شب از انماه
وارد شده است اما اعمال هر روز پس انها چند چیز است **اول** سید ابن طاوس طیب الله
رمسه در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده است که چون
ماه رجب داخل میشد انحضرت در هر روز از روزهای انماه این دعا را میخواند خاب
الوافدون علی غیرک وخسر المتعرضون الا لک وضاع الملمون الا بک واجدب المنتجعون
الا من انتجع فضلک بابک مفتوح للراغبین وخیرک مبذول للطالبین وفضلک
مباح للسائلین ونیلک متاح للاملین ورزقک مبسوط لمن عصاک وحلمک معترض
لمن ناواک عادتک الاحسان الی المسیئین وسبیلک الابقاء علی المعتدین اللهم فاهدنی
هدی المهتدین وارزقنی اجتهاد المجتهدین ولا تجعلنی من الغافلین المبعدین واغفر
لی یوم الدین **دوم** شیخ طوسی و سید ابن طاوس نور الله مرقدهما از خیر بن عبد الله روایت
کرده اند که گفت من نوشتم از توقیع همایون که از ناحیه مقدسه بسوی محمد بن عثمن بن سعید
رضی الله عنه بیرون امده بود بسم الله الرحمن الرحیم بخوان در هر روز از ماه رجب این دعا را
اللهم انی اسألک بمعانی جمیع ما یدعوک به ولاة امرک المأمونون علی سرک المستبشرون
بامرک الواصفون لقدرتک المعلنون لعظمتک اسألک بما نطق فیهم من مشیتک
فجعلتهم معادن لکلماتک وارکانا لتوحیدک وایاتک ومقاماتک التی لا تعطیل
لها فی کل مکان یعرفک بها من عرفک لا فرق بینک وبینها الا انهم عبادک وخلقک
فتقها ورتقها بیدک بدؤها منک وعودها الیک اعضاد واشهاد ومناة واذواد وحفظة
ورواد فبهم ملأت سماءک وارضک حتی ظهر ان لا اله الا انت فبذلک اسألک
وبمواقع العز من رحمتک وبمقاماتک وعلاماتک ان تصلی علی محمد واله وان تزیدنی

مباح ل
دعای هر روز ماه رجب
المستبشرون
تورثنی

ایمانا

ایمانا وتثبیتا یا باطنا فی ظهوره وظاهرا فی بطونه ومکنونه یا مفرقا بین النور والدیجور
یا موصوفا بغیر کنه ومعروفا بغیر شبه حاد کل محدود وشاهد کل مشهود وموجد کل
موجود ومحصی کل معدود وفاقد کل مفقود لیس دونک من معبود اهل الکبریاء والجود یا من
لا یکیف بکیف ولا یؤین باین یا محتجبا عن کل عین یا دیموم یا قیوم وعالم کل معلوم صل علی
عبادک المنتجبین وبشرک المحتجبین وملائکتک المقربین وبهم الصافین الحافین
وبارک لنا فی شهرنا هذا المرجب المکرم وما بعده من اشهر الحرم واسبغ علینا فیه النعم
واجزل لنا فیه القسم وابرر لنا فیه القسم باسمک الاعظم الاجل الاکرم الذی
وضعته علی النهار فاضاء وعلی اللیل فاظلم واغفر لنا ما تعلم منا ولا نعلم واعصمنا
من الذنوب خیر العصم واکفنا کوافی قدرک وامنن علینا بحسن نظرک ولا تکلنا الی
غیرک ولا تمنعنا من خیرک وبارک لنا فیما کتبته لنا من اعمارنا واصلح لنا خبیئة اسرارنا
واعطنا منک الامان واستعملنا بحسن الایمان وبلغنا شهر الصیام وما بعده من الایام
والاعوام یا ذا الجلال والاکرام **سیم** شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب مصباح و کفعمی
قدس الله روحه در جنة الامان از جمله دعاهای هر روز انماه این دعا را نقل نموده اند
یا من یملک حوائج السائلین ویعلم ضمیر الصامتین لکل مسألة منک سمع حاضر وجواب
عتید اللهم ومواعیدک الصادقة وایادیک الفاضلة ورحمتک الواسعة فاسألک
ان تصلی علی محمد وال محمد وان تقضی حوائجی للدنیا والاخرة انک علی کل شیء قدیر
چهارم سید جلیل نبیل میر محمد باقر داماد طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود ذکر
نموده است که از حضرت امام محمد جواد صلوات الله علیه منقولست که برای طلب مغفرت
اگر خواهی از اول ماه رجب شروع کن و هر روز صد نوبت تسبیح انماه را بخوان و ان اینست
سبحان الاله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان الاعز الاکرم سبحان
من لبس العز وهو له اهل و بعد از ان چهار صد نوبت سوره قل هو الله احد را بخوان و
بعد از ان صد وسی و چهار نوبت بگو اللهم صل علی النبی الامی محمد وال محمد وسلم
و بعد از ان دوازده نوبت این مناجات را بخوان تا اخر ماه و اگر ماه را سلخ نباشد بگیر روز از
ماه شعبان را داخل کن تا سی روز تمام شود و مناجات اینست بسم الله الرحمن الرحیم

وتبشرنی
غیرک

اللهم ارسل علي سجال رزقك مدرارا وامطر علي سحائب افضالك غزارا وادم غيث
نيلك الي سجالا واسبل مزيد نعمك على خلتي اسبالا وافقرني بجودك اليك
واغنني عمن يطلب ما لديك وداو داء فقري بدواء فضلك وانعش صرعة عيلتي
بطولك وتحنن كسر خلتي بنولك وتصدق على اقلالي بكثرة عطائك وعلى اختلالي بكريم
حبائك وسهل رب سبيل الرزق الي وثبت قواعده لدي وبجس لي عيون سعته
برحمتك وفجر انهار رغد العيش قبلي برأفتك ورحمتك واجدب ارض فقري واخصب
جدب ضري واصرف عني في الرزق العوائق واقطع عني من الضيق العلائق وارمني
من سعة الرزق اللهم باخصب سهامه واحبني من رغد العيش باكثر دوامه واكسني
اللهم رب سرابيل السعة وجلابيب الدعة فاني يا رب منتظر لانعامك بحذف
الضيق ولتطولك بقطع التعويق ولتفضلك بازالة التقتير ولوصول حبلي بكرمك
بالتيسير وامطر اللهم علي سماء رزقك بسجال الديم واغنني عن خلقك بعوائد النعم
وارم مقاتل الاقتار مني واحمل كشف الضر عني على مطايا الاعجال واضرب عني الضيق
بسيف الاستيصال واتحفني رب منك بسعة الافضال وامددني بنمو الاموال واحرسني
من ضيق الاقلال واقبض عني سوء الجدب وابسط لي بساط الخصب واسقني من ماء
رزقك غدقا وانهج لي من عميم بذلك طرقا وفاجئني بالثروة والمال وانعشني به
من الاقلال وصبحني بالاستظهار ومسني بالتمكن من اليسار انك ذو الطول العظيم
والفضل الجسيم وانت الجواد الكريم الملك الغفور الرحيم پس سيد گفته كه مستحب
كه بعد از آنكه صد نوبت تسبيح انبياء را بخوانند سه نوبت اين دعا را بخوانند و اگر نتواني يكبار بخوا
يا من يملك حوائج السائلين ويعلم ضمير الصامتين لكل مسألة منك سمع حاضر
وجواب عتيد اللهم ومواعيدك الصادقة واياديك الفاضلة ورحمتك
الواسعة فاسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تقضي لي حوائج الدنيا والآخرة
مؤلف گويد كه تسبيح انبياء همان تسبيحات كه در باب اول مذكور شد و اگر كسي قادر بر
روزه داشتن وتصدق كردن نباشد بايد هر روز اين تسبيح را صد مرتبه بگويد و دعاي آخر
دعا نيست كه در عمل آبي مذكور شد وباقي خصوصيات اين عمل در روايتي وحديثي

نظر نمي رسد و در كتب مشهوره علما نيز مذكور نيست و چون سيد اين عمل را بروايت مسنون نموده
اگر كسي اين عمل را بجا آورد شايد بد نباشد و بدانكه فقرة آخر تسبيح چنانچه سيد نقل نموده
با انچه سابق مذكور شد اندك تفاوتي دارد چه انچه در سابق مذكور شد وهو له اهل
بدون ضمير است وانچه سيد نقل نموده وهو له اهله با ضمير است و همچنين فقرة آخر دعاي اخير
بالنجم در عمل سيم مذكور شد اندك تفاوتي دارد چنانچه مخفي نيست و ظاهرا سيد سهو در نقل
نموده است والله تعالى عليم **ياتما** اعمال هر شب كه ازان نيز چند چيز است **اول** سيد ابن طاوس
عليه الرحمه نقل نموده است كه عبد الرحمن بن محمد بن علي حلواني در كتاب تحفه از حضرت رسالت
صلى الله عليه وآله روايت كرده است كه هر كه در ماه رجب شصت ركعت نماز بگذارد در هر شبي
دو ركعت و در هر ركعتي حمد يكنوبت وقل يا ايها الكافرون سه نوبت وقل هو الله احد يكنوبت
بخواند پس چون سلام دهد دستها را بلند كند و بگويد لا اله الا الله وحده لا شريك له
له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على
كل شيء قدير واليه المصير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم صل على
محمد وآل محمد النبي الامي وآله و بعد از آن دستها را بروي خود بكشد پس حق تعالى دعاي
او را مستجاب گرداند و باو عطا فرمايد ثواب شصت حج و ثواب شصت عمره **دوم** ايضا سيد
عليه الرحمه در كتاب اقبال الاعمال شب اول انبياء را از كتاب مختصر از كتاب منتخب نماز و دعائي در شب اول
نقل كرده چنانچه بعد از اين مذكور خواهد شد و بعد از آن گفته كه بعد از آن دعا در اين شب
و در هر شبي از شبهاي انبياء هزار مرتبه لا اله الا الله بگو **ياتما** اعمال هر روز و هر شب پس سيد ابن
طاوس رحمه الله عليه از محمد بن سجاد روايت كرده است كه گفت بخدمت حضرت امام جعفر
صادق عليه السلام عرض كردم كه فداي تو شوم انبياء رجب است مرا دعائي تعليم فرما كه حق تعالى
مرا بآن نفع بخشد حضرت فرمود كه در هر روز ماه رجب در صبح و شام و بعد از همه نمازها
در شب و روز اين دعا را بخوان يا من ارجوه لكل خير وآمن سخطه عند كل شر يا من يعطي
الكثير بالقليل يا من يعطي من سأله يا من يعطي من لم يسأله ومن لم يعرفه تحننا منه
ورحمة اعطني بمسألتي اياك جميع خير الدنيا وجميع خير الآخرة واصرف عني بمسألتي
اياك جميع شر الدنيا وشر الآخرة فانه غير منقوص ما اعطيت وزدني من فضلك
يا كريم راوي گويد كه پس حضرت ريش مبارك خود را بدست چپ گرفت و انگشت سبابه دست

راست خود را بجانب آسمان است و چپ حرکت میداد و این دعا را خواند پس بعد از آن فرمود یا
ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا النَّعْمَاءِ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ حَرِّمْ شَيْبَتِي عَلَى النَّارِ و بروایت
دیگر پس دست مبارک خود را بر ریش گرفت و برداشت تا کف مبارکش از آب دیده اش پر شد

باب ششم در بیان اعمال شب جمعه و روز جمعه ماه است و آنچه بخبر از تتبع
روایات ظاهر میشود چند چیز است **اول** عمل شب رغایب و آن شب جمعه اول ماه است و آن شبیست
بسیار عظیم و متبرک و حق تعالی عطایا و مواهب بسیار به بندگان خود در این شب کرامت
میفرماید و باین جهت او را لیلة الرغایب مینامند زیرا که رغایب جمع رغیبه و آن بمعنی
بخشش بسیار است و سید ابن طاوس قدس الله روحه از جناب مقدس حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله روایت نموده است که فرمود که غافل مشوید از شب جمعه اول ماه رجب
بدرستیکه آن شبی است که ملائکه او را لیلة الرغایب می نامند و چون ثلث اول از آن شب بگذرد
هیچ ملکی در آسمانها و زمین نماند مگر آنکه در کعبه و حوالی آن جمع شوند و حق تعالی بایشان
خطاب میفرماید که ای ملائکه من طلب کنید از من آنچه خواهید پس ملائکه گویند که پروردگارا
حاجت ما آنست که بیامرزی روزه داران ماه رجب را پس حق تعالی فرماید که آمرزیدم ایشانرا
پس آنحضرت فرمود که هر که روزه دارد پنجشنبه اول رجب را و چون شب شود میانه نماز شام
و خفتن دوازده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره
انا انزلناه فی لیلة القدر سه نوبت و قل هو الله احد دوازده نوبت بخواند و چون از تمام
رکعات نماز فارغ شود هفتاد نوبت صلوات بفرستد باین طریق که اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِهِ پس بسجده کند و هفتاد نوبت بگوید سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ
وَالرُّوحِ پس سر بردارد و بگوید رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ
الْأَعْظَمُ پس بار دیگر بسجده رود و هفتاد نوبت بگوید آنچه را در سجده اول گفته و از حق
حاجت خود را طلب نماید البته حاجتش برآورده شود ان شاء الله تعالی پس فرمود
بحق آنکه نفس من در قبضهٔ قدرت اوست که نگذارد هیچ بندهٔ مردی یا زنی این نماز را مگر
آنکه حق تعالی بیامرزد همه گناهان او را اگرچه بعدد کف دریاها و ریگ بیابان و گرانی
کوهها و عدد برگ درختان باشد و شفاعت کند او در روز قیامت هفتصد نفر از اهل
بیت خود را که مستوجب جهنم شده باشند و برانگیزاند حق تعالی برای او در شب اول قبر

ثواب این نماز را به بهترین صورتی که آید بنزد او با روی شکفته و زبانی نیکو و گوید
که ای دوست من بشارت باد ترا که نجات یافتی از هر شدتی پس آنکس گوید که تو کیستی که ندیده‌ام
روئی نیکوتر از روی تو و نه بوئیده‌ام بوئی خوشبوتر از بوی تو جواب گوید که ای دوست من
من ثواب آن نمازم که کردی در فلان شب در فلان بلد در فلان ماه در فلان سال اکنون
آمده‌ام تا قضای حق تو بکنم و مونس تنهائی تو باشم و وحشت را از تو دور کنم و چون نفخ د
صور بدمند در عرصهٔ قیامت سایه افکنم بر سر تو و بدرستیکه تو هرگز از خیر و ثواب پروردگار
دور و محروم نخواهی بود **مؤلف گوید** که سید ابن باقی علیه الرحمه در مصباح و علامه
حلی طاب ثراه در منهاج الصلاح نیز این عمل را ذکر نموده اند و صلوات بعد از نماز را باین
عبارت ذکر نموده اند اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ و کفعمی در جنة الامان بالکل این عمل را از
مصباح سید ابن باقی نقل نموده لیکن عبارت مخصوصی برای این صلوات ذکر ننموده بلکه
گفته است که بعد از نماز سلام و صلوات بر آنحضرت و آل او بفرست و اگر کسی باین عبارت بگوید
که اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ شاید عمل بهمه نموده باشد والله تعالی یعلم **فائده**
بدانکه سید ابن طاوس و دیگران ذکر نموده اند که هرگاه غرهٔ ماه رجب روز جمعه باشد آن شب رغایب
و از بعضی از متاخرین علمای شیعه منقولست که در این صورت شب جمعه دوم شب رغایب است
و بعضی از علمای عامه تصریح باین معنی نموده اند و آخر این حدیث شریف مذکور است از
روزه داشتن پنجشنبه اول ماه رجب مؤید احتمال ثانی است و میتوان این عبارت را حمل
بر غالب احوال نمود تا موافق شود با فهم سید و سایر علمای شیعه و اگر در چنین صورتی
عمل مذکور را در هر دو شب بعمل آورد شاید اولی و احوط باشد و بدانکه حدیث این عمل
از انس بن مالک که از رواة احادیث اهل سنت است منقولست و در کتب ایشان مسطور است
و علمای شیعه رضوان الله علیهم از کتب عامه این حدیث را نقل نموده اند و باین جهة بعضی
از علمای شیعه اهتمام تمامی در باب این عمل ننموده اند و جد علامه ام مولانا محمد باقر
مجلسی طاب ثراه در کتاب زاد المعاد نقل ننموده نهایت چون در اکثر کتب دعوات علمای
شیعه رضوان الله علیهم مسطور است و در اعمال مستحبه باحادیث ضعیفه عمل نمودن
مجوز یا که مستحسن است لهذا اولی آنست که ترک نشود والله تعالی یعلم **تکمله** بدانکه
از سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد طاب ثراه منقولست که هر که در روز پنجشنبه اول ماه رجب

بر روی نگین نقره انگشتری این کلمات را نقش کند و آن انگشتر را در دست کند اگر بوستان و خانه
باشد ایمن گردد و اگر بر پادشاهی داخل شود در نظر او عزیز باشد و حوائج او را بر آورد و اگر در
میان آب باران بیندازد و آن آب را بپاشد از هر دردها ایمن گردد و اگر زنی که شوهر نداشته
باشد این انگشتر را در دست کند شوهر نماید و اگر این انگشتر را بر روی مصروعی بگذارند بیهوشی
و صرع از او زایل شود و اگر این کلمات را بر روی کسی بکشند و کسی را بپوشانند چنانچه دود آن
برسد بکسی که او را سحر نموده باشند آن سحر در او اثر نکند و اگر بر چیزی نقش کنند و آن را در آب
حل کنند و کسی او را مار یا عقرب یا امثال او گزیده باشد یا سم خورده او را دهد یا
آن را بخورد شفا یابد بحول و قوة الهی و کلمات اینست وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ
خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ الم المص المر كهيعص حمعسق طه يس
ص حم ق ن و در نسخهٔ مصححه بعد از ذکر این حروف مقطعه مذکوره را از خط سید مذکور
طاب ثراه چنین نقل نموده اند و این تمام تر و نظر بترتیب واقع در اوایل سور قرآنی درست تر
و آن اینست الم المص المر كهيعص طه طسم طس يس ص حم حمعسق ق ن مولف گوید
که نقش کردن این کلمات بر کندن یا بر چیزی که در میان آب حل کنند ظاهرا اختصاص بماه رجب
ندارد و در همه وقت نیکوست لیکن اصل نقش نمودن این کلمات بر نگین نقره و غیر آن در روز
و حدیثی بنظر نرسیده والله تعالی اعلم دویم اعمالی که در روز جمعه این ماه وارد شده است و این
اعمال را در هر جمعه از جمعه های این ماه میتوان واقع ساخت و آنها دو چیز است اول سید ابن طاووس
علیه الرحمه در اقبال بسند خود از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله فرمود که هر که در روز جمعه ماه رجب میان نماز ظهر و عصر چهار رکعت نماز بگذارد
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد آیة الکرسی هفت نوبت و قل هو الله احد
پنج نوبت بخواند و بعد از فراغ ده نوبت بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَأَسْأَلُهُ
التَّوْبَةَ حق تعالی بنویسد برای او از روزی که این نماز را گذارده باشد تا روزی که از دنیا
برود در هر روز هزار حسنه و عطا فرماید باو بهر آیه که خوانده باشد در این نماز مدینه
در بهشت از یاقوت سرخ و بهر حرفی قصری از در سفید و تزویج فرماید باو از حور العین
و خشنود شود از او خشنودی که بعد از آن هرگز باو خشمناک نشود و بنویسد او را
از عابدان و آخر کار او را بعبادت و مغفرت ختم نماید و بنویسد برای او بهر رکعتی نماز هزار نماز

اعمال روز جمعه رجب

و بگذارد

و بگذارد بر سر او هزار تاج و ساکن بهشت شود با صدیقان و از دنیا نرود تا به بیند جای خود را
در بهشت دویم ایضا سید در کتاب مذکور گفته که در حدیثی دیدم که هر که در روز جمعه
ماه رجب سورهٔ قل هو الله احد را صد نوبت بخواند در موقف قیامت با او نوری باشد
که پیش پیش او برود تا داخل بهشت شود مولف گوید که سید بعد از ذکر این حدیث گفته
که اگر روز اول ماه رجب روز جمعه اتفاق افتد پس زیاده بر این عمل نماز دیگر در آن
هست و کیفیتی برای آن نماز نقل نموده است و در این صورت اگر کسی بعد از صد قل هو الله
احد دو رکعت نماز سنت بکند شاید بد نباشد والله تعالی اعلم تتمه بدانکه شیخ مفید
طاب ثراه روایت کرده است که هر که در ماهی از ماههای حرام روز پنجشنبه و جمعه و شنبه
روزه دارد حق تعالی برای او ثواب عبادت نهصد سال را بنویسد مولف گوید که مراد
از ماههای حرام ماه رجب و ذی قعده و ذی حجه و محرم است سیم عمل روز جمعه آخر
این ماه جمعی از علما ذکر نموده اند که هر که هر سال در جمعه آخر ماه رجب دوازده رکعت نماز
بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد آیة الکرسی و سورهٔ انا انزلنا و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک یکمرتبه و بعد از هر دو رکعت که سلام بگوید این دعا
بخواند حق تعالی عمر او را زیاد گرداند و دعا اینست يَا أَجَلَّ مِنْ كُلِّ جَلِيلٍ وَيَا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ
وَيَا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ وَيَا أَعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزِيزٍ أَغِثْنِي يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ
وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ مُدَّ عُمْرِي بِالْعَافِيَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ باب هفتم
در بیان اعمال شبها و روزهای این ماه بترتیب شب اول بدانکه این شب شبی است با فضیلت و
برکت و عبادت در آن موجب ثواب جزیل و اجر جمیل است و از جملهٔ لیالی اربع معتبره که
و بعد از لیالی معتبره که ماه مبارک رمضان شبی بفضیلت این چهار شب نیست و آنها این شب و
نیمهٔ شعبان و شب عید رمضان و شب عید قربانست و اعمال آن چند چیز است اول احیا
داشتن آن بعبادت شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب مصباح از حضرت امام جعفر صادق از پدر
از جدش علیهما السلام روایت کرده است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه میفرمود
که خوش میآید مرا از فارغ نمودن خود در سالی چهار شب برای عبادت و این چهار شب را
ذکر فرمود و ایضا شیخ علیه الرحمه در کتاب مذکور از حضرت امیر المومنین علیه السلام روایت کرده
که آنحضرت بحارث بن عبدالله فرمود که اگر توانی محافظت نمائی بر شب عید فطر و شب

عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب و شب نیمه شعبان بیم محافظت کن و در این
شبها دعا و نماز و تلاوت قران بسیار بکن دویم غسل سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال
از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت کرده است که هر کس دریابد ماه رجب را و این غسل کند در
اول و وسط و اخر ان بیرون اید از گناهان خود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد
مولف گوید که لفظ اول و وسط و اخر در عبارت حدیث احتمال روز و شب هر دو را دارد
اگر چه احتمال اول اظهر است پس اگر غسل در روز و شب هر دو واقع شود احوط است سیم
سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله روایت
کرده است که هیچ مرد مومن و زن مومنه نیست که در شب اول ماه رجب سی رکعت نماز بکند
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل یا ایها الکافرون یکنوبت و قل
هو الله احد را سه نوبت بخواند مگر انکه حق تعالی بیامرزد همه گناهان صغیره و کبیره او را و او را
در زمره نماز گذارندگان تا سال اینده بنویسد و بری شود از نفاق مولف گوید که این حدیث
حدیث طویلی است مشتمل بر بعضی نمازها هر نمازی برای یکی از شبهای این ماه و سید در اقبال این
حدیث را متفرق نموده و در هر شبی جزوی از او را که مشتمل بر نماز ان شب است نقل نموده و کفعمی
علیه الرحمه در جنة الامان تمام این حدیث را یکجا نقل نموده و در بعضی از مواضع با اقبال مخالفت
دارد و تا حال احدی از علما باین معنی متفطن نشده است و ما بجهة مزید اهتمام در ضبط اعمال
در هر مقام اشاره بمواضع اختلاف می نمائیم و از غرایب انست که کفعمی علیه الرحمه گفته است
که این حدیث طولانی در کتاب مصباح الزائر سید ابن طاوس مذکور است و بخط جد علامه ام
مولانا محمد تقی مجلسی قدس الله روحه دیدیم که او نیز تمام این حدیث را نقل نموده و نسبت بکتاب
مصباح الزائر سید داده و در کتاب مصباح الزائر بغیر از نماز شب اول و شب نیمه این ماه
نمازی دیگر مذکور نیست و ذکر صلوات باقی ایام ماه بکتاب مصباح الزائر مناسبت ندارد
زیرا که موضوع ان کتاب زیارات ائمه علیهم السلام است و چون در این دو شب زیارت حضرت
امام حسین علیه السلام وارد شده سید بتقریب زیارت اکثر اعمال این دو شب را در ان
کتاب مذکور ساخته و باین جهة این دو نماز را ذکر نموده است و ممکن است که کفعمی علیه الرحمه
اقبال را بمصباح الزائر اشتباه نموده باشد و مولانا محمد تقی علیه الرحمه از کفعمی نقل نموده باشد
بنا بر نقل مولانا محمد تقی علیه الرحمه با نقل کفعمی نیز در چندین موضع اختلاف دارد و چنانچه

بان نیز میشود و محتمل است که این اختلاف از جهت اختلاف نسخ جنة الامان باشد زیرا که اکثر
نسخ ان کتاب مغلوط و غیر مصحح است لیکن نسخه که نزد فقیر هست اصح نسخها است و چون کفعمی
و مولانا محمد تقی علیهما الرحمه هر دو این حدیث را نسبت بسید ابن طاوس داده اند که در اسم کتاب
اشتباه شده باشد لهذا اعتماد بر نقل سید بیشتر است و جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی
قدس الله روحه نیز در کتاب زاد المعاد این صلوات را نقل نموده و نقل او با نقل والد شریف
مولانا محمد تقی مطابق است و گویا از خط او نقل نموده است و از جمله مواضع اختلاف این موضع
زیرا که در جنة الامان سوره قل یا ایها الکافرون مانند سوره قل هو الله احد سه مرتبه است
و اگر هر دو سوره سه مرتبه خوانده شود شاید بهتر بود عمل کرده شود و الله تعالی یعلم تحقیق بدانکه
جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه گفته است که سند معتبری برای این حدیث بنظر نرسید
لیکن بسیار مشهور و در کتب علما مسطور است و اگر کسی بقصد انکه مطلق نماز خوبست بکند
بدعت نیست و بگمان فقیر انست که چون در اعمال مستحبه باحادیث ضعیفه عمل نمودن مجوز است و اکثر
علما این حدیث را ذکر نموده اند و ثوابهای بسیار برای این در ان حدیث مذکور است بهتر انست که
حسب المقدور ترک نشود و الله تعالی یعلم چهارم سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از
کتاب روضة العابدین نقل نموده که از حضرت رسالت صلی الله علیه و اله منقولست که انحضرت
باصحاب خود فرمود که هر که در شب اول رجب بعد از نماز مغرب بیست رکعت نماز بگذارد هر دو
رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد یکنوبت بخواند ایا ثواب انرا
میدانید گفتند خدا و رسول او داناترند حضرت فرمود که بدرستیکه جبرئیل تعلیم کرد بمن ثواب انرا
پس حضرت ذراع دستهای مبارک خود را برهنه کرد و فرمود که بخدا سوگند که محفوظ گردد او و اهل
و مال او و فرزندان او و ایمن گردد از عذاب قبر و بگذرد از صراط چون برق جهنده بیحساب مولف گوید
که این عمل مشکل است که پیش از دخول نماز خفتن واقع شود و جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی
طاب ثراه در کتاب زاد المعاد گفته است که بعضی از نمازها که طولی دارد و میان نماز شام و خفتن
واقع شده و باید که بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود که ذمه خالی از اشکال باشد و بگمان
فقیر انست که بعضی از اعمال که بحسب سند معتبر باشد که دلش بجهت باشد و الله تعالی یعلم پنجم
اینکه سید در کتاب مذکور از کتاب روضة الواعظین نقل نموده است که از جناب مقدس خاتم
المرسلین صلی الله علیه و اله منقولست که هر که در این شب بعد از نماز عشا دو رکعت نماز بگذارد

ودر رکعت اول بعد از حمد سوره الم نشرح وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس
هر یکرا یکنوبت بخواند وچون سلام نماز گوید سی نوبت لا اله الا الله بگوید وسی نوبت صلوات
بر حضرت رسالت صلی الله علیه واله بفرستد حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد
واو را بیرون آورد از گناه مانند روزی که از مادر متولد شده باشد **ششم** سید ابن طاوس
قدس الله سره بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه روایت نموده است
که آنحضرت بیکی از اصحاب خود فرمود که میخوانی در شب اول ماه رجب بعد از نماز خفتن این دعا
اللهم انی اسالک بانک ملیک وانک علی کل شیء مقتدر وانک ما تشاء من امر
یکون اللهم انی اتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمة صلی الله علیه واله یا محمد
یا رسول الله انی اتوجه الی الله ربی وربک لینجح بک طلبتی اللهم بنبیک محمد وبالائمة
من اهل بیته انجح طلبتی پس حوائج خود را سؤال نماید **مؤلف گوید** که سید ابن باقی در
مصباح وعلامه حلی در منهاج الصلاح وکفعمی در جنة الامان این دعا را از ادعیه شب اول
ماه نقل نموده اند ودر هیچیک از این کتب مذکور نیست که باید این دعا بعد از نماز خفتن خوانده
شود وهمچنین شیخ طوسی در مصباح نیز چنین نقل نموده ودر اکثر نسخ این خصوصیت مذکور نیست
بلی در بعضی مصباح مذکور است که باید بعد از نماز خفتن خوانده شود ورعایت این معنی اولی است
هفتم ایضا سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از کتاب مختصر از کتاب منتخب
نقل نموده که در شب اول ماه رجب ده رکعت نماز بگذارد یا هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعتی
حمد یکنوبت وسوره قل هو الله احد سه نوبت میخوانی پس هفتاد مرتبه میگوئی اللهم انی
استغفرک لما تبت الیک منه ثم عدت فیه واستغفرک لما اعطیتک من نفسی ثم
لم اوف لک به واستغفرک لما اردت به وجهک الکریم فخالطه ما لیس لک واستغفرک
للذنوب التی قویت علیها بنعمتک وسترک واستغفرک للذنوب التی بارزتک بها
خلقک واستغفرک لکل ذنب اذنبت ولکل سوء عملت واستغفر الله الذی لا اله
الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام غافر الذنب وقابل التوب استغفار من لا یملک
لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا حیوة ولا نشورا الا ما شاء الله پس میگوئی بعد از این
سبحانک بما تعلم ولا اعلم وسبحانک بما تبلغه احکامک ولا ابلغه وسبحانک بما انت
مستحقه ولا یبلغه الحیوان من خلقک وسبحانک بالتسبیح الذی یوجب عفوک

وسبحانك بالتسبيح الذي لم تطلع عليه احدا من خلقك وسبحانك بعلمك في خلقك
كلهم ولو علمتني اكثر من هذا لقلته اللهم لا اخاف على ما عمرت ولا افتقر على
ما اغنيت ولا اخوف على ما امنت وانا بين يديك وانت عالم بحاجتي فاقضها
يا ارحم الراحمين اللهم يا رافع السماء في الهواء وكابس الارض على الماء ومنبت
الخضرة بماء الثرى صل على محمد وعلى آل محمد وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا
اهله يا ارحم الراحمين اللهم اني عبدك ابن عبدك ناصيتي بيدك ماض في حكمك
عدل في قضاؤك اسالك بكل اسم هو لك سميت به نفسك او انزلته في كتابك او علمته
احدا من خلقك ان تجعل القرآن ربيع قلبي وجلاء حزني وذهاب همي وغمي
اللهم رحمتك ارجو يا الله يا رحمن يا ذا الجلال والاكرام اللهم خشعت الاصوات
لك وضلت الاحلام فيك وضاقت الاشياء دونك وملاء كل شيء نورك ووجل
كل شيء منك وهرب كل شيء اليك وتوكل كل شيء عليك انت الرفيع في جلالك
وانت البهي في جمالك وانت العظيم في قدرتك وانت الذي لا يؤدك شيء وانت
العلي العظيم يا قاضي حاجتي ويا مفرج كربتي ويا ولي نعمتي اعطني مسئلتي لا اله الا
انت اصبحت وامسيت على عهدك ووعدك ما استطعت اعوذ بك من سيئات اعمالي
واستغفرك من الذنوب التي لا يغفرها غيرك فاغفر لي وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين
يا من هو في علوه دان وفي دنوه عال وفي اشراقه منير وفي سلطانه عزيز اغنني برزق
من عندك لا تجعل لاحد علي فيه منة ولا لك في الآخرة علي تبعة انك ارحم الراحمين
اللهم اني اعوذ بك من الحرق والغرق والهدم والردم وان اقتل في سبيلك
مدبرا او اموت لديغا اللهم اني اسالك بانك ملك وانت على كل شيء مقتدر
وما تشاء من امر يكون ان تصلي على محمد وعلى آل محمد وان تفرج عني وتكشف ضري
وتبلغني امنيتي وتسهل لي محبتي وتيسر لي ارادتي وتوصلني الى بغيتي سريعا عاجلا
وتجمع لي خير الدنيا والآخرة برحمتك يا ارحم الراحمين **ومیگوئی** بعد از این ودر هر شب
از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله **مؤلف گوید** که نماز ودعائی که مذکور شد مخصوص

شب اول است و در ساير شبها هزار مرتبه لا اله الا الله دا بدون عان و دعا بايد خواند
و در اعمال هر شب ايماء اشاره بان شده هم شيخ طوسي و سيد ابن طاوس طاب ثراهما
بسند معتبر از علي بن حديد روايت نموده اند كه حضرت موسى بن جعفر صلوات الله
عليهما بعد از فراغ از نماز شب بسجده ميرفت و اين دعا را در سجده ميخوانده اند لَكَ المَحمَدَةُ اِن اَطَعتُكَ
وَلَكَ الحُجَّةُ اِن عَصَيتُكَ لا صُنعَ لي وَلا لِغَيري في اِحسانٍ اِلّا بِكَ يا كائِنَ قَبلَ (يا كائناً)
كُلِّ شَيءٍ وَيا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيءٍ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ اَللّهُمَّ اِنّي اَعوذُ بِكَ مِنَ العَديلَةِ
عِندَ المَوتِ وَمِن شَرِّ المَرجِعِ فِي القُبورِ وَمِنَ النَّدامَةِ يَومَ الآزِفَةِ فَاَسأَلُكَ اَن تُصَلِّيَ
عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَن تَجعَلَ عَيشي عيشَةً نَقِيَّةً وَميتَتي ميتَةً سَوِيَّةً وَمُنقَلَباً (عيشتي)
كَريماً غَيرَ مُخزٍ وَلا فاضِحٍ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الاَئِمَّةِ يَنابيعِ الحِكمَةِ وَاُولِي
النِّعمَةِ وَمَعادِنِ العِصمَةِ وَاعصِمني بِهِم مِن كُلِّ سوءٍ وَلا تَاخُذني عَلى غِرَّةٍ
وَلا غَفلَةٍ وَلا تَجعَل عَواقِبَ اَعمالي حَسرَةً وَارضَ عَنّي فَاِنَّ مَغفِرَتَكَ لِلظّالِمينَ
وَاَنا مِنَ الظّالِمينَ اَللّهُمَّ اغفِر لي ما لا يَضُرُّكَ وَاَعطِني ما لا يَنقُصُكَ فَاِنَّكَ الوَسيعُ
رَحمَتُهُ البَديعُ حِكمَتُهُ وَاَعطِنِي السَّعَةَ وَالدَّعَةَ وَالاَمنَ وَالصِّحَّةَ وَالنُّجوعَ
وَالقُنوعَ وَالشُّكرَ وَالمُعافاتَ وَالتَّقوى وَالصَّبرَ وَالصِّدقَ عَلَيكَ وَعَلى اَولِيائِكَ (اول)
وَاليُسرَ وَالشُّكرَ وَاعمُم بِذلِكَ يا رَبِّ اَهلي وَوُلدي وَاِخواني فيكَ وَمَن اَحبَبتُ
وَاَحَبَّني وَوَلَدتُ وَوَلَدَني مِنَ المُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ وَالمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ يا
رَبَّ العالَمينَ و نيز شيخ و سيد از ابن هاشم نقل نموده اند كه او گفته كه چون هشت ركعت
نماز شب را گذاردي و دعائي كه سابق گذشت خواندي پس دو ركعت نماز شفع
و وتر را بگذار و چون سلام گوئي بنشين و اين دعا را بخوان اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذي لا تَنفَدُ
خَزائِنُهُ وَلا يَخافُ آمِنُهُ رَبِّ اِنِ ارتَكَبتُ المَعاصي فَذلِكَ ثِقَةٌ مِنّي بِكَرَمِكَ
اِنَّكَ تَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِكَ وَتَعفو عَن سَيِّئاتِهِم وَتَغفِرُ الزَّلَلَ فَاِنَّكَ مُجيبٌ (وانك)
لِداعيكَ وَمِنهُ قَريبٌ فَاَنا تائِبٌ اِلَيكَ مِنَ الخَطايا وَراغِبٌ اِلَيكَ في تَوفيرِ حَظّي (وانا)
مِنَ العَطايا يا خالِقَ البَرايا يا مُنقِذي مِن كُلِّ شَديدٍ يا مُجيري مِن كُلِّ مَحذورٍ

درود

٤٢

(فانك)

وَفَرِّح عَلَى السُّرورِ وَاكفِني شَرَّ عَواقِبِ الاُمورِ فَاِنَّكَ اللهُ عَلى نَعمائِكَ وَجَزيلِ عَطائِكَ
مَشكورٌ وَلِكُلِّ خَيرٍ مَذخورٌ مؤلف گويد كه نماز شب گاهي بر هشت ركعت و گاهي بر
يازده ركعت كه بضميمه نماز شفع و وتر است و گاهي بر سيزده ركعت كه با نافله
فجر است اطلاق ميشود وانچه در اول حديث مذكور است كه بعد از نماز شب بايد
خوانده شود مراد معني اول است چنانكه ابن هاشم تصريح بان نموده است و ظاهر عبارت
شيخ و سيد انست كه دعاي اخر در روايت علي بن حديد مذكور نباشد و ممكن است
كه از نسخه ايشان كه بنظر شيخ و سيد رسيده ساقط شده باشد و ابن هاشم در همان روايت
يا روايت ديگر بتمامه را ديده باشد والله تعالى يعلم نيز ايضا شيخ و سيد طاب ثراهما
از حضرت امام علي نقي صلوات الله وسلامه عليه روايت كرده است كه ان
حضرت در اين ساعت يعني بعد از فراغ از نماز وتر اين دعا را ميخوانده اند يا نورَ النّورِ
يا مُدَبِّرَ الاُمورِ يا مُجرِيَ البُحورِ يا باعِثَ مَن فِي القُبورِ يا كَهفي حينَ تُعيِيني المَذاهِبُ
وَكَنزي حينَ تُعجِزُنِي المَكاسِبُ وَمونِسي حينَ تَجفوني الاَباعِدُ وَيَمَلُّنِي الاَقارِبُ
وَمُنَزِّهي بِمُجالَسَةِ اَولِيائِهِ وَمُرافَقَةِ اَحِبّائِهِ في رِياضِهِ وَساقِيَّ بِمُؤانَسَتِهِ
مِن غَديرِ حِياضِهِ وَرافِعي بِمُجاوَرَتِهِ مِن وَرطَةِ الذُّنوبِ اِلى رَبوَةِ التَّقريبِ
وَمُسَدِّدي لي بِوِلايَتِهِ عِزَّةَ العَطايا مِن ذِلَّةِ الخَطايا اَسأَلُكَ يا مَولايَ بِالفَجرِ
وَاللَّيالِي العَشرِ وَالشَّفعِ وَالوَترِ وَاللَّيلِ اِذا يَسرِ وَبِما جَرى بِهِ قَلَمُ الاَقلامِ
بِغَيرِ كَفٍّ وَلا اِبهامٍ وَبِاَسمائِكَ العِظامِ وَبِحُجَجِكَ عَلى جَميعِ الاَنامِ عَلَيهِم مِنكَ (وبحججك)
اَفضَلُ السَّلامِ وَبِمَا استَحفَظتَهُم مِن اَسمائِكَ الكِرامِ اَن تُصَلِّيَ عَلَيهِم وَتَرحَمَنا
في شَهرِنا هذا وَما بَعدَهُ مِنَ الشُّهورِ وَالاَيّامِ وَاَن تُبَلِّغَنا شَهرَ الصِّيامِ في
عامِنا هذا وَفي كُلِّ عامٍ يا ذَا الجَلالِ وَالاِكرامِ وَالمِنَنِ الجِسامِ وَعَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
مِنّا اَفضَلُ السَّلامِ مؤلف گويد كه محتمل است كه اين عمل و عمل سابق از اعمال
هر شب باشد و اختصاص بشب اول نداشته باشد بلكه ممكن است كه عمل سابق مخصوص
بماه رجب نيز نبوده باشد لكن شيخ هر دو عمل را در تلو اعمال شب اول نقل نموده و سيد
از عبارت او چنين فهميده كه مخصوص شب اول است و در عبارت لفظي كه منافي اين معني

دعاي بعد از نماز وتر

بوده باشد مذکور نیست لهذا این دو عمل را از جملهٔ اعمال رجب اینجا مذکور ساختیم والله تعالی اعلم
دهم بعضی از علما زیارت حضرت امام حسین صلوات الله وسلامه علیه را در این شب نقل
نموده اند چنانچه در روزان وارد شده و کفعمی رحمه الله در جنة الامان زیارت مخصوصی
از برای شب اول و روز اول نقل نموده چنانچه بعد از این مذکور خواهیم نمود و حدیثی و روایتی
در این باب بنظر نرسید لیکن بمقتضای اخبار بسیار که زیارت این بزرگوار در اوقات متبرکه
فضیلت بسیار دارد و این شب از لیالی متبرکه است پس اگر کسی توفیق حضور مشهد مشرف
آنحضرت را در یابد بزیارات مطلقه که در کتب مزار مذکور است یا بزیارت روز اول که انشاء الله
بعد از این مذکور میشود یا بزیارت جامعه که در خصوص ماه رجب واقع شده و در عمل
نهم از باب چهارم مذکور شد زیارت نماید و اگر دور باشد بیکی از زیارات بعیده که وارد شده
زیارت نماید و این حقیر همگی زیارات بعیده را در رسالهٔ وسیلة النجاة ذکر نموده ام و در این
کتاب بذکر یکی از آنها که مختصر و معتبر است اکتفا مینمایم بسندهای معتبر از سدیر صراف
منقولست که گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بمن فرمود که چه مانع است تو را
از آنکه زیارت کنی قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در هر هفته پنج مرتبه یا در هر روز یکمرتبه
گفتم فدای تو شوم میان من و آنحضرت فرسخهای بسیار است فرمود که بالای بام خانه
خود بر سر خود را بجانب آسمان بلند کن و رو بجانب قبر آنحضرت کن و بگو که
السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک ورحمة الله
وبرکاته تا نوشته شود برای تو ثواب حجی و عمره سدیر گوید که بسیار است که من در روزی
زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و اگر یکی از زیارات مبسوطه را اعمال نماید بهتر است
چنانچه جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی رحمه الله در کتاب زاد المعاد اشاره بآن نموده است
و از جمله آنها اینست السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث
نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیک یا وارث موسی کلیم الله
السلام علیک یا وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام
علیک یا وارث امیر المؤمنین ولی الله السلام علیک یا بن محمد المصطفی السلام علیک
یا بن علی المرتضی السلام علیک یا بن فاطمة الزهراء السلام علیک یا بن خدیجة الکبری
السلام علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور اشهد انک قد اقمت الصلوة وآتیت الزکوة

وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر واطعت الله ورسوله حتی اتاک الیقین فلعن الله
امة قتلتک ولعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به یا مولای
یا ابا عبد الله اشهد انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة
لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسک من مدلهمات ثیابها واشهد انک
من دعائم الدین وارکان المؤمنین واشهد انک الامام البر التقی الرضی
الزکی الهادی المهدی واشهد ان الائمة من ولدک کلمة التقوی واعلام الهدی
والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا واشهد الله وملائکته وانبیائه ورسله
انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع دینی وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری
لامرکم متبع صلوات الله علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی اجسامکم وعلی
شاهدکم وعلی غائبکم وعلی ظاهرکم وعلی باطنکم پس دو رکعت نماز زیارت بکند و اگر
نماز را بیشتر از زیارت بکند خوبست و اگر از دور زیارت کند پس قصد زیارت علی بن الحسین کند
و بگوید السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک یا بن نبی الله السلام علیک
یا بن امیر المؤمنین السلام علیک یا بن الحسین الشهید السلام علیک ایها الشهید
السلام علیک ایها المظلوم وابن المظلوم لعن الله امة قتلتک ولعن الله امة ظلمتک
ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به پس قصد زیارت سایر شهدا رضی الله عنهم بکند و بگوید
السلام علیکم یا اولیاء الله واحبائه السلام علیکم یا اصفیاء الله واودائه
السلام علیکم یا انصار دین الله السلام علیکم یا انصار رسول الله السلام علیکم
یا انصار امیر المؤمنین السلام علیکم یا انصار فاطمة سیدة نساء العالمین
السلام علیکم یا انصار ابی محمد الحسن بن علی الزکی الناصح السلام علیکم یا انصار
ابی عبد الله بابی انتم وامی طبتم وطابت الارض التی فیها دفنتم وفزتم فوزا عظیما
فیا لیتنی کنت معکم فافوز معکم و در شب اول و روز اول ماه رجب و در شب و روز نیمهٔ
ماه شعبان و شبهای ماه مبارک رمضان و شبهای عید و سایر ایامی که زیارت آنحضرت مستحب

بهمین طریق زیارت میتوان کرد **روز نهم** شیخ طبرسی و ابن شهر آشوب و دیگران روایت کرده اند که ولادت
مولود المسعود حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این روز که مصادف جمعه یا سه شنبه بوده
واقع شده و بعضی سیم ماه صفر گفته اند در مدینه طیبه در سال پنجاه و هفتم از هجرت
مقدسه و بعضی ولادت حضرت صادق علیه السلام را نیز در این روز نقل کرده اند و اسم
هفدهم ماه ربیع الاول است و در این روز حضرت نوح علیه السلام بر کشتی سوار شد چنانچه
در باب اول مذکور شد و روزه این روز بخصوص فضیلت عظیم دارد چنانچه سید ابن طاوس
علیه الرحمة در کتاب اقبال از شیخ جعفر بن محمد دوریستی در کتاب حسنی نقل نموده که او بسند خود
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش از جد بزرگوارش روایت نموده که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود که هر که روزه دارد روز اول ماه رجب را بهشت برای او واجب شود و
ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب امالی و عیون اخبار الرضا از حضرت امام رضا صلوات الله علیه
روایت کرده است که هر که روزه دارد روز اول ماه رجب را از روی رغبت در ثواب الهی
واجب شود برای او بهشت و کسی که روزه دارد یک روز از وسط این ماه را رخصت شفاعت
دهند باو در مثل قبیله ربیعه و مضر و کسی که روزه دارد یک روز از آخر این ماه را یکرداند
حق تعالی او را از پادشاهان بهشت و رخصت شفاعت دهد باو در باره پدر و مادر و پسر و
دختر و برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله او و آشنایان و همسایگان او هر چند این
جماعت مستوجب آتش جهنم شده باشند و ایضاً در کتاب مجالس و کتاب فضایل رجب
از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که آنحضرت از آبای کرام خود
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهم اجمعین روایت فرموده است که هر که یک روز
از اول ماه رجب یا آخر یا وسط آنرا روزه بدارد گناهان گذشته اش آمرزیده شود و هر که
سه روز از اول و سه روز در وسط و سه روز در آخر این ماه را روزه بدارد گناهان
گذشته و آینده او آمرزیده شود و هر که شبی از شبهای این ماه را احیا کند حق تعالی او را از
آتش جهنم آزاد فرماید و قبول شفاعت او در باره هفتاد هزار مرد گناهکار نماید و هر که
تصدقی در این ماه برای خدا بکند حق تعالی گرامی دارد او را در قیامت در بهشت بچیزی
که هیچ دیده ندیده و گوشی نشنیده و بخاطر کسی خطور نکرده باشد **فایده** بدانکه علامه
علیه الرحمه در کتاب منتهی گفته است که روزه داشتن سه روز از اول این ماه سنت مؤکدات
و روز اول تاکیدش زیاده است و گویا این معنی را از احادیث مذکوره استنباط نموده با

بلکه از احادیث مذکوره ظاهر میشود که روزه سه روز وسط و سه روز آخر نیز سنت مؤکد و روز
وسط و روز آخر تاکیدش زیاده است چنانچه بر متامل خبیر پوشیده نیست و احادیث دیگر
در این باب در باب اول مذکور شد و اعمال این روز چند چیز است **اول** غسل بنابر احتمال
اظهر و تفصیل آن در بحث گذشته مذکور شد **دوم** شیخ طوسی و سید ابن طاوس و دیگران
از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت نموده اند که گفت داخل شدم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
در روز آخر ماه جمادی الاخر در وقتی که داخل نشده بودم بر آنحضرت در آن وقت پیش از آن روز
پس فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی میخواهی برای تو حدیثی بگویم گفتم بلی فدای تو باد پدر
و مادر من یا رسول الله فرمود که ای سلمان هر مرد مومن یا زن مومنه که در این ماه سی رکعت نماز
بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون را هر یک سه
نوبت بخواند حق تعالی محو کند از او هر گناهی را که در کودکی و بزرگی کرده باشد و عطا کند
ثواب کسی را که تمام این ماه را روزه داشته باشد و او را از نماز گذارندگان بنویسند تا سال
آینده و برای او در هر روز از روزهای این ماه باسمان بالا برند ثواب عمل شهیدی از شهدای
بدر را و بهر روزی که روزه دارد از این ماه عبادت سالی برای او بنویسند و هزار درجه
برای او بلند گردانند و اگر تمام این ماه را روزه دارد حق تعالی او را از آتش جهنم نجات دهد و بهشت را
برای او واجب گرداند ای سلمان مرا این نماز خبر داد جبرئیل علیه السلام و گفت ای محمد صلی الله
علیه و آله این علامتی است میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز را نمیکنند پس سلمان
بخدمت حضرت عرض نمود که یا رسول الله صلی الله علیه و آله خبر ده مرا که چگونه این نماز را بکنم
و در چه وقت بجای آورم آنحضرت فرمود که ای سلمان در اول این ماه ده رکعت نماز بکن
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون
هر یک سه نوبت بخوان و بعد از هر سلام دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو لا اله الا الله
وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ
وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اللّهُمَّ لا مانِعَ لِما أَعْطَیْتَ وَلا مُعْطِیَ لِما مَنَعْتَ وَلا یَنْفَعُ
ذَا الْجَدِّ مِنْکَ الْجَدُّ پس دستها را بروی خود بکش و در وسط ماه ده رکعت بهمان نحو
بجا آور و بعد از هر سلام دستها را بسوی آسمان بردار و بگو لا اله الا الله وحده لا شریک
لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

کیفیت نماز سلمان

الهًا واحدًا احدًا صمدًا فردًا لم یتخذ صاحبةً ولا ولدًا پس دستها را بر روی خود بکشد و در اخر ماه
نوزده رکعت نماز بهمان طریق بجا آورد و بعد از هر سلام دستهای خود را بسوی آسمان بردارد و بگوید
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت
بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم پس دستها را بر روی خود بکشد و حاجت خود را طلب کند که حق تعالی
بر آورد و بگرداند میان تو وجهنم هفت خندق که عرض هر خندقی بقدر ما بین آسمان و زمین
باشد و بنویسد برای تو بهر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت و بنویسد بجهة تو برات بیزاری از آتش جهنم
وگذشتن از صراط گفت سلمان که چون این حدیث را از حضرت رسول صلی الله علیه وآله شنیدم
بروی در افتادم و خدا را سجده کردم و باگریه و زاری شکر الهی بجا آوردم **مؤلف گوید**
که سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد قدس الله روحه این نماز را در بعضی از مؤلفات خود ذکر
نموده و نقل او متضمن چند امر هست که تنبیه بر آنها ضرور است **اول** آنکه لفظ اول و وسط و اخر را
بر عشر اول و عشر وسط و عشر اخر حمل نموده و سایر علما بر روز اول و روز وسط و روز اخر حمل
نموده اند و این معنی اظهر و احوط است بلکه احوط آنست که ده رکعت اخر در روز بیست و نهم ماه
رجب کرده شود و اگر ماه تمام باشد در روز سیم نیز کرده شود تا آنکه بر هر تقدیر عمل بان حدیث
شده باشد **دوم** سید گفته که در منتهی مذکور است که سوره توحید را مقدم دارد و بعضی
گفته اند که سوره جحد را مقدم دارد زیرا که در روایات وارد است که سوره توحید را در صلوات
مؤخر باید خواند که آن متصل بقنوت باشد و در ترتیب قرآنی نیز جحد مقدم است و بگمان
این حقیر تقدیم سوره توحید بر جحد در این نماز متعین است زیرا که متابعت لفظ حدیث
لازم است و در حدیث چنانچه اکثر علما مانند شیخ طوسی و ابن طاوس و ابن باقی رضوان الله علیهم
و دیگران ضبط نموده اند سوره توحید بر جحد مقدم است چنانچه ما ذکر نمودیم و بغیر از این
روایت روایت دیگر در این باب در کتب علما بنظر نرسید و آنچه سید گفته که در روایات
وارد است که سوره توحید را در صلوات مؤخر باید خواند نیز در محل اشکال است و ممکنست
که ماخذ کلام سید این باشد که ابن بابویه رحمة الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته که
افضل آنست که در نمازهای شبانروزی در رکعت اول انا انزلنا و در رکعت دوم توحید
خوانده شود مگر در نماز عشاء شب جمعه زیرا که انا انزلنا سوره رسول خدا صلی الله علیه وآله

واهل بیت

واهل بیت او علیهم السلام است و چون مصلی بوساطت آن بزرگواران متوسل بمعرفت حق تعالی شده است
در رکعت اول نماز نیز ایشان را وسیله بسوی حق تعالی نماید و سوره توحید چون دعا در عقب آن
مستجاب میشود است در رکعت دوم بخوانند و بعد از آن قنوت نماز را بخوانند تا هر دعائی که در قنوت میخوانند
مستجاب شود و صاحب کتاب مدارک الاحکام قدس الله روحه گفته که موید قول ابن بابویه است
این حدیث شریف که محمد بن یعقوب کلینی از علی بن راشد روایت کرده است که عرض کردم بخدمت
حضرت ابی الحسن علیه السلام که فدای تو شوم تو نوشته بمحمد بن فرج که افضل در نمازهای واجبی سوره
انا انزلناه و قل هو الله احد است و من دلتنگ میشوم بقراءت این دو سوره در نماز صبح پس
حضرت فرمود که دلتنگ مشو والله که فضیلت در این دو سوره است و مخفی نماناد که قول صدوق
و این حدیث شریف مخصوص نمازهای واجب شبانروزی است بلکه در همه نمازهای شبانه
روزی نیز جاری نیست زیرا که روایات بسیار وارد شده است که سورهای طولانی در بعضی از صلوات
و متوسطه در بعضی و قصیره در بعضی سنت است و در بعضی از اوقات مخصوصه سوره مخصوصه
نیز وارد شده است و تفصیل این معنی در کتب فقها مسطور است و بالجمله قول صدوق و این
حدیث شریف اگر بر عموم باقی باشند مخالف مشهور میان علما و احادیث بسیار است و لهذا
بعضی از متاخرین اخباریین که گاهی در نمازهای واجبی سوره قدر و توحید میخوانده اند
و سوره توحید را مقدم میداشته اند و علی ای حال در نمازهای نافله متابعت کیفیتی که در
روایات آنها وارد شده متعین و لازم است و آنچه سید داماد گفته که در ترتیب قرآنی
سوره جحد مقدم است نیز دلالت ندارد بر آنکه در این نماز که در روایت سوره جحد و توحید
مقدم مذکور است سوره جحد مقدم خوانده شود و متابعت حدیث بعمل نیاید یا آنکه ترتیب
قرآنی ترتیبی نیست که حضرت رسالت صلی الله علیه وآله یا حضرت امیر المومنین علیه السلام
نموده باشد بلکه عثمان علیه اللعنه قرآن مجید را باین نحو ترتیب داد و تفصیل این معنی از کتب
احادیث ظاهر میشود والله تعالی یعلم **سیم** ایضا سید گفته که در بعضی از روایات چنانست
که بعد از هر دو رکعت دست را برداشته دعا را بخوانند و بعضی گفته اند که بعد از هر ده رکعت
دعا را بخوانند زیرا که مجموع بمنزله یک نماز است و [illegible] که روایت دیگر در باب این نماز
بنظر نرسید بلی در لفظ این روایت این دو احتمال میرود و احتمال اخر اظهر و معمول به
اکثر است والله تعالی یعلم **چهارم** سید ابن طاوس علیه الرحمه در کتاب اقبال از سلمان

فارسی رضی الله عنه روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بمن فرمود که ای سلمان ایا
میخواهی تعلیم نمایم تو کنجی از کنجهای عرش را گفتم بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که چون
روز اول ماه رجب داخل شود ده رکعت نماز بکن هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد
سوره قل هو الله احد سه نوبت بدرستی که چون این نماز را بجا اوری حق تعالی بیامرزد جمیع
گناهان ترا از روزی که قلم تکلیف بر تو جاری شده تا این شب و نگاه دارد ترا از فتنه
قبر و عذاب روز قیامت و صرف شود از تو مرض خوره و پیسی و ذات الجنب **مؤلف گوید**
که انچه در این حدیث شریف وارد شده است از امرزش گناهان از روز تکلیف تا این شب
خصوص روز تکلیف و شب اول مراد نیست بلکه مراد اول زمان تکلیف تا وقت کردن نماز
و در میان عرب شایع است که لفظ یوم و لیله را بر مطلق زمان اطلاق میکنند و ممکن است
که مراد از شب بعد از این روز باشد یعنی برکت این نماز سرایت میکند بتمام این روز
تا شب بعد و الله تعالی یعلم **نهم** ایضا سید در کتاب مذکور گفته که در دست بعضی از اصحا
کتابی از کتب عبادات دیدیم که در ان کتاب از جناب مقدس رسول خدا علیه و آله التحیة و الثنا
روایت نموده که در روز اول ماه رجب چهار رکعت نماز میکنی بیک سلام و در رکعت اول
بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده مرتبه و در رکعت دوم بعد از حمد قل هو الله احد ده مرتبه
و قل یا ایها الکافرون سه مرتبه و در رکعت سیم بعد از حمد قل هو الله احد ده مرتبه و الهیکم التکاثر
یکمرتبه و در رکعت چهارم بعد از حمد قل هو الله احد بیست و پنج مرتبه و ایة الکرسی سه مرتبه
میخوانی **مؤلف گوید** که این حدیث مخالف مشهور میان علما است زیرا که مشهور انست که نمازهای
نافله همگی دو رکعتی است بغیر نماز اعرابی **ششم** ایضا سید قدس الله روحه در کتاب
مذکور بسند خود از ابی حمزه ثمالی روایت نموده که گفت در سالی که ابن زبیر بر مکه معظمه
مستولی شده بود دیدم که جناب مقدس سید الساجدین صلوات الله علیه را در حجر اسمعیل
در روز اول رجب که این دعا را میخواندند یا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَ يَعْلَمُ ضَمِيرَ
الصَّامِتِينَ لِكُلِّ مَسْئَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَ جَوَابٌ عَتِيدٌ اللَّهُمَّ وَ مَوَاعِيدُكَ
الصَّادِقَةُ وَ اَيَادِيكَ الْفَاضِلَةُ وَ رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَ الْاخِرَةِ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ راوی گوید
که بقیه این دعا را حضرت اهسته خواندند و من نشنیدم **مؤلف گوید** که شیخ طوسی و سید ابن باقی

دعای روز اول رجب

وکفعمی علیهم الرحمه این دعا را از دعاهای هر روز نقل نموده اند چنانچه سابق بر این مذکور شد و عبارت
این حدیث چنانچه اباء از ان میکند دلالت بر ان نیز ندارد و ممکن است حدیث دیگر در این باب
بایشان رسیده باشد لیکن بعید است و الله تعالی یعلم **هفتم** ایضا سید رضی الله عنه در کتاب مذکور
از کتاب مختصر از کتاب منتخب نقل نموده که میخوانی در روز اول ماه رجب این دعا را اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ اَنْتَ اللّٰهُ الْقَدِيمُ الْاَزَلِيُّ الْمَلِكُ الْعَظِيمُ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَيُّ
الْقَيُّومُ الْمَوْلَى السَّمِيعُ الْبَصِيرُ يَا مَنِ الْعِزُّ وَ الْجَلَالُ وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْعَظَمَةُ وَ الْقُوَّةُ وَ الْعِلْمُ
وَ الْقُدْرَةُ وَ النُّورُ وَ الرُّوحُ وَ الْمِنَّةُ وَ الْحَنَانُ وَ الرَّحْمَةُ وَ الْمُلْكُ لِرُبُوبِيَّتِهِ تَوَاضَعَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ
لَهُ كُلُّ نُورٍ وَ خَمَدَ لَهُ كُلُّ نَارٍ وَ انْحَسَرَ لَهُ كُلُّ الظُّلُمَاتِ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ
مِنْ قِدَمِكَ وَ اَزَلِكَ وَ نُورِكَ وَ بِالْاِسْمِ الْاَعْظَمِ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ كِبْرِيَائِكَ وَ جَبَرُوتِكَ
وَ عَظَمَتِكَ وَ عِزِّكَ وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا
مِنْ رَاْفَتِكَ وَ بِرَاْفَتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهُمَا مِنْ جُودِكَ وَ بِجُودِكَ الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ غَيْبِكَ
وَ بِغَيْبِكَ وَ اِحَاطَتِكَ وَ قِيَامِكَ وَ دَوَامِكَ وَ قِدَمِكَ وَ اَسْئَلُكَ بِجَمِيعِ اَسْمَائِكَ
الْحُسْنَى لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْوَاحِدُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ الْحَيُّ الْاَوَّلُ الْاخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ وَ لَكَ
كُلُّ اسْمٍ عَظِيمٍ وَ كُلُّ نُورٍ وَ غَيْبٍ وَ عِلْمٍ وَ مَعْلُومٍ وَ مُلْكٍ وَ شَاْنٍ وَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ تَقَدَّسْتَ
وَ تَعَالَيْتَ عُلُوًّا كَبِيرًا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ طَيِّبٍ مُبَارَكٍ
مُقَدَّسٍ اَنْزَلْتَهُ فِي كُتُبِكَ وَ اَجْرَيْتَهُ فِي الذِّكْرِ عِنْدَكَ وَ تَسَمَّيْتَ بِهِ لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ
اَوْ سَاَلَكَ بِهِ اَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ اَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ بِخَيْرٍ تُعْطِيهِ فَاَعْطَيْتَهُ اَوْ شَرٍّ
تَصْرِفُهُ فَصَرَفْتَهُ يَنْبَغِي اَنْ اَسْئَلَكَ بِهِ فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّي اَنْ تَنْصُرَنِي عَلَى اَعْدَائِي
وَ تَغْلِبَ ذِكْرِي عَلَى نِسْيَانِي اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِعَقْلِي عَلَى هَوَايَ سُلْطَانًا مُبِينًا وَ اقْرِنْ
اِخْتِيَارِي بِالتَّوْفِيقِ وَ اجْعَلْ صَاحِبِيَ التَّقْوَى وَ اَوْزِعْنِي شُكْرَكَ عَلَى مَوَاهِبِكَ وَ فِي
اَللّٰهُمَّ اهْدِنِي بِهُدَاكَ اِلَى سَبِيلِكَ الْمُقِيمِ وَ صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَ لَا تُمَلِّكْ زِمَامِيَ الشَّهَوَاتِ
فَتَحْمِلَنِي عَلَى طَرِيقِ الْمَخْذُولِينَ وَ تَحُولَ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْمُنْكَرَاتِ وَ اجْعَلْ لِي عِلْمًا نَافِعًا

واغرس في قلبي حب المعروف ولا تاخذني بغتة وتب علي انك انت التواب الرحيم
وعرفني بركة هذا الشهر ويمنه وارزقني خيره واصرف عني شره وقني المحذور
فيه واعني على ما احببته من القيام بحقه ومعرفة فضله واجعلني فيه من الفائزين
يا ارحم الراحمين اللهم اني اسالك باسمك المتعال الجليل العظيم وباسمك الواحد
الصمد وباسمك العزيز الاعلى وباسمائك الحسنى كلها يا من خشعت له الاصوات
وخضعت له الرقاب وذلت له الاعناق ووجلت منه القلوب ودان له كل
شيء وقامت به السموات والارض تشهد انك لا تدركك الابصار وانت
تدرك الابصار وانت اللطيف الخبير يا رب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وجميع
الملائكة المقربين والكروبيين والكرام الكاتبين وجميع الملائكة المسبحين
بحمدك ورب ادم وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابرهيم واسمعيل واسحق
ولوط ويعقوب ويوسف والاسباط وايوب وموسى وهرون وشعيب وداود
وسليمان وارميا وعزير وحزقيل وشعيا والياس واليسع ويونس وذي الكفل حزقيال
وزكريا ويحيى وعيسى وجرجيس ومحمد صلى الله عليهم اجمعين وعلى ملائكة الله
المقربين والكرام الكاتبين وجميع الاملاك المسبحين وسلم تسليما كثيرا
انت ربنا الاول الاخر الظاهر الباطن الذي خلقت السموات والارضين
ثم استويت على العرش المجيد باسمائك الحسنى تبدئ وتعيد وتغشي الليل النهار
يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم والفلك والدهور والخلق مسخرون
بامرك تباركت وتعاليت يا رب العالمين لا اله الا انت الحنان المنان
بديع السموات والارض ذو الجلال والاكرام لو كان البحر مدادا لكلمات ربي
لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا نعلم مثاقيل
الجبال ومكاييل البحار وعدد الرمال وقطر الامطار وورق الاشجار ونجوم السماء

وما اظلم

وما اظلم عليه الليل واشرق عليه النهار لا يواري منك سماء سماء ولا ارض ارضا ولا
بحر مطابق ولا ما بين سد الرتوق ولا ما في القرار من الهباء المبثوث اسالك باسمك
المخزون المكنون النور المنير الحق المبين الذي هو نور من نور ونور على نور ونور
فوق كل نور ونور مع كل نور وله كل نور منك يا رب النور واليك يرجع النور و
بنورك الذي تضيء به كل ظلمة وتبطل به كيد كل شيطان مريد وتذل به كل جبار عنيد
ولا يقوم لها شيء من خلقك وتتصدع لعظمته البر والبحر وتستقل الملائكة
حين تتكلم به وترعد من خشيته حملة العرش العظيم الى تخوم الارضين السبع السابعة
الذي انفلقت به البحار وجرت به الانهار وتفجرت به العيون وسارت به النجوم واركم
به السحاب واجري واعتدل به الضباب وهالت به الرمال ورست به الجبال وانفرقت
به الارضون وتنزل به القطر وخرج به الحب وتفرقت به جبلات الخلق وخفقت به
الرياح وانتشرت وتنفست به الارواح يا الله انت المتسمي بالالهية باسمك الكبير
الاكبر العظيم الاعظم الذي عنت له الوجوه يا ذا الطول والالاء لا اله الا انت
يا قريب انت الغالب على كل شيء اسالك اللهم بجميع اسمائك كلها ما علمت منها
وما لم اعلم وبكل اسم هو لك ان تصلي على محمد وعلى ال محمد وان تكفيني امر اعدا
وتبلغني مناي يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وعلى ال محمد وبارك على محمد
وعلى ال محمد كما صليت ورحمت وباركت وترحمت على ابرهيم وعلى ال ابرهيم انك
حميد مجيد اللهم اعط محمدا الوسيلة والشرف والرفعة والفضيلة على خلقك
واجعل في المصطفين محبته وفي العليين درجته وفي المقربين منزلته اللهم
صل على جميع ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك اللهم اغفر للمؤمنين
والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات والف بين قلوبنا
وقلوبهم على الخيرات اللهم اجز محمدا صلى الله عليه واله افضل ما جزيت نبيا

عن امته كما تلا آياتك وبلغ ما ارسلته به ونصح لامته وعبدك حتى اتاه اليقين صلى الله
عليه وعلى آله الطيبين تبارك الله رب العالمين تبارك الله احسن الخالقين
تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيرا الذي له ملك السموات
والارض ولم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك وخلق كل شيء فقدره تقديرا
تبارك الذي ان شاء جعل لك خيرا من ذلك جنات تجري من تحتها الانهار ويجعل لك
قصورا تبارك الذي له ملك السموات والارض وما بينهما وعنده علم الساعة
واليه ترجعون تبارك اسم ربك ذي الجلال والاكرام تبارك الذي بيده الملك
وهو على كل شيء قدير الذي خلق الموت والحيوة ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو العزيز
الغفور تبارك الذي جعل في السماء بروجا وجعل فيها سراجا وقمرا منيرا
اعوذ بكلمات الله كلها التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ابليس وجنوده ومن شر
كل شيطان وسلطان وساحر وكاهن وشر كل ذي شر اللهم اني استودعك
نفسي وديني وسمعي وبصري وجسدي وجميع جوارحي واهلي ومالي واولادي
وجميع من يعنيني امره وخواتيم عملي وسائر ما ملكتني وخولتني ورزقتني وانعمت به
علي وجميع المؤمنين والمؤمنات يا خير مستودع ويا خير حافظ ويا ارحم الراحمين
اللهم اني اسألك باسمك الله الله الله الله الله الذي لا اله الا هو رب العرش
العظيم ان تصلي على محمد وعلى آل محمد وان تفرج عني يا رب السموات والارضين
ومن فيهن ومجري البحار ورازق من فيهن وفاطر السموات واطباقها ومسخر السحاب
ومجري الفلك وجاعل الشمس ضياء والقمر نورا وخالق آدم صلى الله عليه وآله
ومنشئ الانبياء عليهم السلام من ذريته ومعلم ادريس عدد النجوم والحساب
والسنين والشهور واوقات الازمان ومكلم موسى وجاعل عصاه ثعبانا
ومنزل التورية في الالواح على موسى عليه السلام ومجري الفلك لنوح وفادي اسمعيل

من الذبح والمبتلي يعقوب بفقد يوسف وراد يوسف عليه بعد ان ابيضت عيناه من البكاء
ففرج قلبه من الحزن والنجا ورازق يحيى زكريا على الكبر بعد الاياس ومخرج الناقة
لصالح ومرسل الصيحة على مكذبي هود وكاشف البلاء عن ايوب ومنجي لوط من القوم
الفاحشين وواهب الحكمة للقمان وملقي روح القدس بكلماته على مريم وخالقك
منها عيسى عبدك عليه السلام والمنتقم من قتلة يحيى بن زكريا عليهما السلام واسألك
برفعك عيسى عليه السلام الى سمائك وبابقائك له الى ان تنتقم له من اعدائك
وبارسال محمد صلى الله عليه وآله وسلم خاتم انبيائك الى اشر عبادك برابعك الحنيف
ودينك القيم وملة ابرهيم خليلك عليه السلام واظهار دينه واعلائك كلمته يا
ذا الجلال والاكرام يا من لا تاخذه سنة ولا نوم يا احد يا صمد يا عزيز يا قادر يا قاهر
يا ذا القوة والسلطان والجبروت والكبرياء يا علي يا قدير يا قريب يا مجيب يا حليم
يا معيد يا مبدي يا بعيد يا رؤف يا رحيم يا كريم يا عفو يا ذا الصفح يا مغيث يا مطعم
يا شافي يا كافي يا كاسي يا معافي يا شافي الضر يا عليم يا حكيم يا ودود يا غفور يا رحيم
يا رحمن الدنيا والاخرة يا ذا المعارج يا ذا القدس يا خالق يا عليم يا مفرج يا تواب
يا ذا الطول يا خبير يا من خلق ولم يخلق يا من لم يلد ولم يولد يا من بان من الاشياء
وبانت الاشياء منه بقهره لها وخضوعها له يا من خلق البحار واجرى الانهار
وانبت الاشجار واخرج منها النار ومن يابس الارضين النبات والاعناب
وسائر الثمار ويا فالق البحر لعبده موسى عليه السلام ومكلمه ومغرق فرعون وجنوده
ومهلك نمرود واشياعه وملين الحديد لخليفته داود عليه السلام ومسخر الجبال
يسبحن بالعشي والاشراق ومسخر الطير والهوام والرياح والجن والانس لعبدك سليمان
عليه السلام واسألك بالاسم الذي اهتز له عرشك وفرحت به ملائكتك
فلا اله الا انت خالق النسمة وبارئ النوى وفالق الحبة وباسمك العزيز

الجليل الكبير المتعال وباسمك الذي نفخ به عبدك وملكك اسرافيل عليه السلام
في الصور فيقوم به اهل القبور سراعا الى المحشر ينسلون وباسمك الذي رفعت
به السموات من غير عماد وجعلت به للارضين اوتادا وباسمك الذي سطحت به
الارضين فوق الماء المحبوس وباسمك الذي حبست به ذلك الماء وباسمك الذي
حكمت به الارضين من اخرتة لحملها وجعلت له من القوة ما استعان به على
حملها وباسمك الذي تجري به الشمس والقمر وباسمك الذي سلخت به النهار من الليل
وباسمك الذي اذا دعيت انزلت ارزاق العباد وجميع خلقك وارضك وبحارك
وسكان البحار والهوام والجن والانس وكل دابة انت اخذ بناصيتها وبانك
على كل شيء قدير وباسمك الذي جعلت به لجعفر عليه السلام جناحا يطير به
مع الملائكة وباسمك الذي دعاك به يونس في بطن الحوت فاخرجته منه وباسمك
الذي انبت به عليه شجرة من يقطين فاستجبت له وكشفت عنه ما كان فيه من
ضيق بطن الحوت اسالك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك وعلى آله الطيبين وان
تفرج عني وتكشف ضري وتستنقذني من ورطتي وتخلصني من محنتي وتقضي
عني ديوني وتؤدي عني اماناتي وتكبت عدوي ولا تشمت بي حسادي ولا تبتليني
بما لا طاقة لي به وان تبلغني امنيتي وتسهل لي محبتي وتيسر لي ارادتي وتوصلني
الى بغيتي وتجمع لي خير الدارين وتحرسني وكل من يعنيني امره بعينك التي لا تنام
في الليل والنهار ياذا الجلال والاكرام والاسماء العظام اللهم يا رب انا عبدك
وابن عبدك وابن امتك ومن اولياء اهل بيت نبيك صلى الله عليه وآله وعليهم
الذين باركت عليهم ورحمتهم وصليت عليهم كما صليت وباركت على ابرهيم وآل
ابرهيم انك حميد مجيد وبمجدك وطولك اسالك يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه
يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه يا رباه بحق محمد عبدك ورسولك صلى الله عليه وعلى آله

وبحقك على نفسك الا خصمت اعدائي وحسادي وخذلتهم وانتقمت لي منهم
واظهرتني عليهم وكفيتني امرهم ونصرتني عليهم وحرستني منهم ووسعت علي
في رزقي وبلغتني غاية املي انك سميع مجيب مؤلف گوید که ناقل این دعا اگرچه ازرا
نسبت بمعصوم نداده لیکن در نهایت فصاحت و بلاغت و مشتمل بر مضامین عالیه
و محتوی بر مطالب دنیا و آخرت و باین جهت باید که از ائمه علیهم السلام منقول
باشد بنا براین بعبارات که حسب المیسور ترک نشود والله تعالی یعلم هشتم زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام شیخ طوسی و سید ابن طاوس قدس الله روحهما
و دیگران از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده اند که هر که زیارت کند
حضرت امام حسین علیه السلام را در روز اول رجب حق تعالی البته او را بیامرزد مؤلف
گوید که باین جهت علما زیارت آنحضرت را در این روز زیارت [illegible] می نامند و اما
کیفیت زیارت آنحضرت در این روز پس شیخ مفید طاب ثراه در بعضی از کتبش و سید ابن
طاوس قدس الله روحه در کتاب مصباح الزائر و اقبال گفته اند که هرگاه اراده کنی زیارت
حضرت امام حسین صلوات الله و سلامه علیه را در روز اول رجب و شب نیمه شعبان پس غسل کن
و پاکترین جامه‌های خود را بپوش و بر در روضه رو بقبله بایست و سلام کن بر رسول خدا
صلی الله علیه وآله و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و حضرت فاطمه صلوات الله علیها
و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین و سایر ائمه علیهم السلام پس داخل شو و نزد ضریح
مبارک بایست و صد مرتبه الله اکبر بگو پس این زیارت را بخوان السلام علیک یا ابن رسول الله
السلام علیک یا ابن خاتم النبیین السلام علیک یا ابن سید المرسلین السلام علیک
یا ابن سید الوصیین السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا حسین بن علی
السلام علیک یا ابن فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیک یا ولی الله وابن
ولیه السلام علیک یا صفی الله وابن صفیه السلام علیک یا حجة الله وابن
حجته السلام علیک یا حبیب الله وابن حبیبه السلام علیک یا سفیر الله وابن
سفیره السلام علیک یا خازن الکتاب المسطور السلام علیک یا وارث التوریة
والانجیل والزبور السلام علیک یا وارث امین الرحمن السلام علیک یا شریک القرآن

السَّلامُ عَلَيكَ يا عَمودَ الدّينِ السَّلامُ عَلَيكَ يا بابَ حِكمَةِ رَبِّ العالَمينَ السَّلامُ عَلَيكَ
يا بابَ حِطَّةِ الَّذي مَن دَخَلَهُ كانَ مِنَ الآمِنينَ السَّلامُ عَلَيكَ يا عَيبَةَ عِلمِ اللهِ
السَّلامُ عَلَيكَ يا مَوضِعَ سِرِّ اللهِ السَّلامُ عَلَيكَ يا ثارَ اللهِ وَابنَ ثارِهِ وَالوِترَ المَوتورَ السَّلامُ
عَلَيكَ وَعَلَى الأَرواحِ الَّتي حَلَّت بِفِنائِكَ وَأَناخَت بِرَحلِكَ بِأَبي أَنتَ وَأُمّي وَنَفسي
يا أَبا عَبدِ اللهِ لَقَد عَظُمَتِ المُصيبَةُ بِكَ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَينا وَعَلى جَميعِ أَهلِ
الإِسلامِ فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسَّسَت أَساسَ الظُّلمِ وَالجَورِ عَلَيكُم أَهلَ البَيتِ وَلَعَنَ اللهُ
أُمَّةً دَفَعَتكُم عَن مَقامِكُم وَأَزالَتكُم عَن مَراتِبِكُمُ الَّتي رَتَّبَكُمُ اللهُ فيها بِأَبي أَنتَ وَأُمّي
وَنَفسي يا أَبا عَبدِ اللهِ أَشهَدُ لَقَدِ اقشَعَرَّت لِدِمائِكُم أَظِلَّةُ العَرشِ مَعَ أَظِلَّةِ الخَلائِقِ
وَبَكَتكُمُ السَّماءُ وَالأَرضُ وَسُكّانُ الجِنانِ وَالبَرِّ وَالبَحرِ صَلَّى اللهُ عَلَيكَ عَدَدَ ما في
عِلمِ اللهِ لَبَّيكَ داعِيَ اللهِ إِن كانَ لَم يُجِبكَ بَدَني عِندَ استِغاثَتِكَ وَلِساني عِندَ
استِنصارِكَ فَقَد أَجابَكَ قَلبي وَسَمعي وَبَصَري سُبحانَ رَبِّنا إِن كانَ وَعدُ رَبِّنا
لَمَفعولًا أَشهَدُ أَنَّكَ طُهرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِن طُهرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ طَهُرتَ وَطَهُرَت بِكَ البِلادُ
وَطَهُرَت أَرضٌ أَنتَ فيها وَطَهُرَ حَرَمُكَ أَشهَدُ أَنَّكَ قَد أَمَرتَ بِالقِسطِ وَالعَدلِ
وَدَعَوتَ إِلَيهِما وَأَنَّكَ صادِقٌ صِدّيقٌ صَدَقتَ فيما دَعَوتَ إِلَيهِ وَأَنَّكَ ثارُ اللهِ
فِي الأَرضِ وَأَشهَدُ أَنَّكَ قَد بَلَّغتَ عَنِ اللهِ وَعَن جَدِّكَ رَسولِ اللهِ وَعَن أَبيكَ
أَميرِ المُؤمِنينَ وَعَن أَخيكَ الحَسَنِ وَنَصَحتَ وَجاهَدتَ في سَبيلِ رَبِّكَ وَعَبَدتَ اللهَ
مُخلِصًا حَتّى أَتاكَ اليَقينُ فَجَزاكَ اللهُ خَيرَ جَزاءِ السّابِقينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَيكَ
وَسَلَّمَ تَسليمًا اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الحُسَينِ المَظلومِ الشَّهيدِ
الرَّشيدِ قَتيلِ العَبَراتِ وَأَسيرِ الكُرُباتِ صَلاةً نامِيَةً زاكِيَةً مُبارَكَةً يَصعَدُ
أَوَّلُها وَلا يَنفَدُ آخِرُها أَفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى أَحَدٍ مِن أَولادِ أَنبِيائِكَ المُرسَلينَ
يا إِلهَ العالَمينَ پس ضريح مبارك را ببوس و جانب راست وجهه روی خود را بر آن گذار

بنا، | وعبدته

و بر دو رو ضریح بگرد و چهار جانب آن را ببوس و شیخ مفید طاب ثراه گفته که پس برو بجانب ضریح
علی بن الحسین علیه السلام و بایست و بگو السَّلامُ عَلَيكَ أَيُّهَا الصِّدّيقُ الطَّيِّبُ الزَّكِيُّ
الحَبيبُ المُقَرَّبُ وَابنَ رَيحانَةِ رَسولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيكَ مِن شَهيدٍ مُحتَسِبٍ وَرَحمَةُ اللهِ
وَبَرَكاتُهُ ما أَكرَمَ مَقامَكَ وَأَشرَفَ مُنقَلَبَكَ أَشهَدُ لَقَد شَكَرَ اللهُ سَعيَكَ وَأَجزَلَ
ثَوابَكَ وَأَلحَقَكَ بِالذِّروَةِ العالِيَةِ حَيثُ الشَّرَفُ كُلُّ الشَّرَفِ وَفِي الغُرَفِ كَما مَنَّ
عَلَيكَ مِن قَبلُ وَجَعَلَكَ مِن أَهلِ البَيتِ الَّذينَ أَذهَبَ اللهُ عَنهُمُ الرِّجسَ وَطَهَّرَهُم تَطهيرًا
صَلَواتُ اللهِ عَلَيكَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَرِضوانُهُ فَاشفَع أَيُّهَا السَّيِّدُ الطّاهِرُ إِلى رَبِّكَ
في حَطِّ الأَثقالِ عَن ظَهري وَتَخفيفِها عَنّي وَارحَم ذُلّي وَخُضوعي لَكَ وَلِلسَّيِّدِ أَبيكَ
صَلَّى اللهُ عَلَيكُما پس خود را بر ضریح بچسبان و بگو زادَ اللهُ في شَرَفِكُم فِي الآخِرَةِ كَما شَرَّفَكُم
فِي الدُّنيا وَأَسعَدَكُم كَما أَسعَدَ بِكُم وَأَشهَدُ أَنَّكُم أَعلامُ الدّينِ وَنُجومُ العالَمينَ وَالسَّلامُ
عَلَيكُم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ پس متوجه شو بجانب شهدا رضوان الله علیهم و بگو
السَّلامُ عَلَيكُم يا أَنصارَ اللهِ وَأَنصارَ رَسولِهِ وَأَنصارَ عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ عَلَيهِ السَّلامُ
وَأَنصارَ فاطِمَةَ وَأَنصارَ الحَسَنِ وَالحُسَينِ وَأَنصارَ الإِسلامِ أَشهَدُ لَقَد نَصَحتُم للهِ وَجاهَدتُم
في سَبيلِهِ فَجَزاكُمُ اللهُ عَنِ الإِسلامِ وَأَهلِهِ أَفضَلَ الجَزاءِ فُزتُم وَاللهِ فَوزًا عَظيمًا
يا لَيتَني كُنتُ مَعَكُم فَأَفوزَ فَوزًا عَظيمًا أَشهَدُ أَنَّكُم أَحياءٌ عِندَ اللهِ رَبِّكُم تُرزَقونَ
أَشهَدُ أَنَّكُمُ الشُّهَداءُ وَالسُّعَداءُ وَأَنَّكُمُ الفائِزونَ في دَرَجاتِ العُلى وَالسَّلامُ عَلَيكُم
وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ پس عود کن بجانب سر حضرت امام حسین علیه السلام و نماز زیارت
بکن و بجهة خود و پدر و مادر و برادران دعا کن و سید ابن طاوس قدس الله روحه گفته که
برو بجانب ضریح علی بن الحسین علیهما السلام و رو بقبله بایست و بگو السَّلامُ
مِنَ اللهِ وَالسَّلامُ مِن مَلائِكَتِهِ المُقَرَّبينَ وَأَنبِيائِهِ المُرسَلينَ وَعِبادِهِ الصّالِحينَ
وَجَميعِ أَهلِ طاعَتِهِ مِن أَهلِ السَّماواتِ وَالأَرَضينَ عَلى أَبي عَبدِ اللهِ الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ

زيارت علي بن الحسين | زيارت شهدا | الله | عن | الدرجات | استغفار علي ... جلس

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ مِنْ سُلَالَةِ إِبْرٰهِيمَ
الْخَلِيلِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ إِذْ قَالَ فِيكَ قَتَلَ اللهُ قَوْماً قَتَلُوكَ يَا بُنَيَّ مَا أَجْرَأَهُمْ
عَلَى الرَّحْمٰنِ وَعَلَى انْتِهَاكِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا أَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ حُجَّةِ اللهِ
وَابْنُ أَمِينِهِ حَكَمَ اللهُ لَكَ عَلَى قَاتِلِيكَ وَأَصْلَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيراً وَجَعَلَنَا اللهُ
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنْ مُلَاقِيكَ وَمُرَافِقِيكَ وَمُرَافِقِي جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَعَمِّكَ وَأَخِيكَ وَأُمِّكَ
الْمَظْلُومَةِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ أَبْرَأُ إِلَى اللهِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَقَتَلَكَ وَأَسْأَلُ اللهَ مُرَافَقَتَكُمْ
فِي دَارِ الْخُلُودِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللهِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى أَبِي بَكْرِ بْنِ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى عُثْمَانَ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى الْقَاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
السَّلَامُ عَلَى أَبِي بَكْرِ بْنِ الْحَسَنِ السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللهِ بْنِ الْحَسَنِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ
جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ عَقِيلٍ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي سَعْدِ بْنِ عَقِيلٍ
السَّلَامُ عَلَى عَوْنِ بْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الْمُصْطَفَى
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الشُّكْرِ وَالرِّضَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللهِ وَرِجَالَهُ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ
وَالْبَلْوَى وَالْمُجَاهِدِينَ عَلَى بَصِيرَةٍ فِي سَبِيلِهِ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَمَا قَالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ وَكَأَيِّنْ
مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا
وَاللهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ فَمَا ضَعُفْتُمْ وَلَا اسْتَكَنْتُمْ حَتَّى لَقِيتُمُ اللهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ وَنُصْرَةِ
وَكَلِمَةِ اللهِ التَّامَّةِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَبْدَانِكُمْ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً فُزْتُمْ
وَاللهِ وَلَوَدِدْتُ أَنِّي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ
إِنَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ أَشْهَدُ أَنَّكُمُ النُّجَبَاءُ وَسَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَشْهَدُ
أَنَّكُمْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللهِ وَقُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللهِ وَأَنْتُمُ السَّابِقُونَ الْمُجَاهِدُونَ
أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللهِ وَأَنْصَارُ رَسُولِهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَعْدَهُ وَأَرَاكُمْ

محزون

مَا تُحِبُّونَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ بِرِعَايَتِ بِسْمِهَا مُلتفت شويد السَّلَامُ عَلَى سَعِيدِ بْنِ
عَبْدِ اللهِ الْحَنَفِيِّ السَّلَامُ عَلَى حُرِّ بْنِ يَزِيدَ الرِّيَاحِيِّ السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ الْقَيْنِ السَّلَامُ عَلَى
حَبِيبِ بْنِ مُظَاهِرٍ السَّلَامُ عَلَى مُسْلِمِ بْنِ عَوْسَجَةَ السَّلَامُ عَلَى عُقْبَةَ بْنِ سِمْعَانَ السَّلَامُ عَلَى
بُرَيْرِ بْنِ خُضَيْرٍ السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَيْرٍ السَّلَامُ عَلَى نَافِعِ بْنِ هِلَالٍ السَّلَامُ عَلَى مُنْذِرِ بْنِ
الْمُفَضَّلِ الْجُعْفِيِّ السَّلَامُ عَلَى عَمْرِو بْنِ قُرَظَةَ الْأَنْصَارِيِّ السَّلَامُ عَلَى أَبِي ثُمَامَةَ الصَّائِدِيِّ
السَّلَامُ عَلَى جَوْنٍ مَوْلَى أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْأَزْدِيِّ
السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمٰنِ وَعَبْدِ اللهِ ابْنَيْ عُرْوَةَ السَّلَامُ عَلَى سَيْفِ بْنِ الْحَارِثِ السَّلَامُ عَلَى مَالِكِ بْنِ
عَبْدِ اللهِ الْحَارِثِيِّ السَّلَامُ عَلَى حَنْظَلَةَ بْنِ أَسْعَدَ الشَّامِيِّ السَّلَامُ عَلَى الْقَاسِمِ بْنِ الْحَارِثِ
الْكَاهِلِيِّ السَّلَامُ عَلَى بِشْرِ بْنِ عَمْرٍو الْحَضْرَمِيِّ السَّلَامُ عَلَى عَابِسِ بْنِ شَبِيبٍ الشَّاكِرِيِّ السَّلَامُ
عَلَى حَجَّاجِ بْنِ مَسْرُوقٍ الْجُعْفِيِّ السَّلَامُ عَلَى عَمْرِو بْنِ خَلَفٍ وَسَعِيدٍ مَوْلَاهُ السَّلَامُ عَلَى حَيَّانَ بْنِ
الْحَارِثِ السَّلَامُ عَلَى مُجَمِّعِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْعَائِذِيِّ السَّلَامُ عَلَى نُعَيْمِ بْنِ عَجْلَانَ السَّلَامُ عَلَى
السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ يَزِيدَ السَّلَامُ عَلَى عُمَرَ بْنِ أَبِي كَعْبٍ السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ عَوْفٍ الْحَضْرَمِيِّ
السَّلَامُ عَلَى قَيْسِ بْنِ مُسْهِرٍ الصَّيْدَاوِيِّ السَّلَامُ عَلَى عُثْمَانَ بْنِ فَرْوَةَ الْغِفَارِيِّ السَّلَامُ
عَلَى غَيْلَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ السَّلَامُ عَلَى قَيْسِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْهَمْدَانِيِّ السَّلَامُ عَلَى عُمَرَ بْنِ كِنَادٍ
السَّلَامُ عَلَى جَبَلَةَ بْنِ عَبْدِ اللهِ السَّلَامُ عَلَى مُسْلِمِ بْنِ كِنَادٍ السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ
الْأَزْدِيِّ السَّلَامُ عَلَى حَمَّادِ بْنِ حَمَّادٍ الْخُزَاعِيِّ الْمُرَادِيِّ السَّلَامُ عَلَى عَامِرِ بْنِ مُسْلِمٍ وَمَوْلَاهُ مُسْلِمٍ
السَّلَامُ عَلَى بَدْرِ بْنِ رُقَيْطٍ وَابْنَيْهِ عَبْدِ اللهِ وَعُبَيْدِ اللهِ السَّلَامُ عَلَى رُمَيْثِ بْنِ عَمْرٍو
السَّلَامُ عَلَى سُفْيَانَ بْنِ مَالِكٍ السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ سَيَّارٍ السَّلَامُ عَلَى قَاسِطٍ وَكُرْشٍ ابْنَيْ
زُهَيْرٍ السَّلَامُ عَلَى كِنَانَةَ بْنِ عَتِيقٍ السَّلَامُ عَلَى عَامِرِ بْنِ مَالِكٍ السَّلَامُ عَلَى مَنِيعِ بْنِ زِيَادٍ السَّلَامُ
عَلَى نُعْمَانَ بْنِ عَمْرٍو السَّلَامُ عَلَى جَلَّاسِ بْنِ عَمْرٍو السَّلَامُ عَلَى عَامِرِ بْنِ جُلَيْدَةَ السَّلَامُ عَلَى زَائِدَةَ
مُهَاجِرٍ السَّلَامُ عَلَى شَبِيبِ بْنِ عَبْدِ اللهِ النَّهْشَلِيِّ السَّلَامُ عَلَى حَجَّاجِ بْنِ يَزِيدَ السَّلَامُ عَلَى جُوَيْنِ بْنِ مَالِكٍ

السلام علی ضبیعة بن عمرو السلام علی زهیر بن بشر السلام علی مسعود بن الحجاج السلام علی عمار بن
حسان السلام علی جندب بن حجیر السلام علی سلیمان بن کثیر السلام علی زهیر بن سلیمان
السلام علی قاسم بن حبیب السلام علی انس بن الکاهل الاسدی السلام علی الحر بن
یزید الریاحی السلام علی ضرغامة بن مالک السلام علی زاهر مولی عمرو بن الحمق
السلام علی عبد الله بن یقطر رضیع الحسین علیه السلام السلام علی نجیح مولی الحسین
علیه السلام السلام علی سوید مولی شاکر السلام علیکم ایها الربانیون انتم خیرة
اختارکم الله لابی عبد الله علیه السلام وانتم خاصة اختصکم الله اشهد انکم
قتلتم علی الدعاء الی الحق ونصرتم ووفیتم وبذلتم مهجکم مع ابن رسول الله صلی الله
علیه وآله وانتم السعداء سعدتم وفزتم بالدرجات العلی فجزاکم الله من اعوان و
اخوان خیر ما جازی من صبر مع رسول الله صلی الله علیه وآله هنیئا لکم ما اعطیتم
وهنیئا لکم ما به حبیتم طافت علیکم من الله الرحمة وبلغتم بها شرف الآخرة وسید
در مصباح الزائر گفته است که عدد شهدا واسامی ایشان در این زیارت مخالفت است
با آنچه در زیارت عاشورا وارد شده وآنچه را در این مقام ذکر نموده ایم موافق است با آنکه
در روایات دیده ایم یا از کتب علما نقل نموده ایم وچون فارغ شدی از آنچه ذکر کردیم
پس برگرد بجانب سر حضرت امام حسین علیه السلام ونماز زیارت وهر نمازی که خواهی بکن
ودعا برای خود وپدر ومادر وبرادران بسیار بکن که انشاء الله تعالی مستجاب میشود وچون
خواهی که آنحضرت را وداع نمایی بیکی از وداعها که در عقب زیارت آنحضرت وارد شده وداع
ودر اقبال گفته که چون خواهی وداع کنی پس بایست ووداع کن در بعضی از وداعات آنحضرت
دیده ام وداع کن وبگو السلام علیک یا مولای السلام علیک یا حجة الله السلام
علیک یا صفوة الله السلام علیک یا خالصة الله السلام علیک یا قتیل الظماء السلام
علیک یا غریب الغرباء السلام علیک سلام مودع لا سئم ولا قال فان امض فلا عن
ملالة وان اقم فلا عن سوء ظن بما وعد الله الصابرین لا جعله الله آخر العهد منی
لزیارتک ورزقنی الله العود الی مشهدک والمقام بفنائک والقیام فی حرمک وایاه

وداع

یا غریب الغرباء

السلام

اسأل الله ان یسعدنی بکم ویجعلنی معکم فی الدنیا والآخرة وکفعمی علیه الرحمة در جنة الامان
برای حضرت امام حسین علیه السلام زیارت اولا ذکر نموده وبعد از آن گفته که زیارت کن علی بن
الحسین علیه السلام وشهدا وعباس را بزیارت روز عرفه ودر زیارت روز عرفه از آن ایراد خواهیم نمود
مؤلف گوید که جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه در کتاب تحفة الزائر زیارت مخصوصی
برای روز اول رجب وشب نیمه شعبان ذکر نکرده وگفته است که آنچه را علما در خصوص این دو وقت
ذکر نموده اند چون بروایت ثبت نداده اند ما ایراد ننمودیم وظاهر کلام سید ابن طاوس در مصباح
الزائر که همه این زیارت یا بعضی از آن منقول باشد چنانچه مخفی نیست وبالجمله چون علما
این زیارت را در خصوص این دو وقت ذکر نموده اند متابعت ایشان اولی است واگر زیارت
جامعه مخصوصی انبیاء که سابق مذکور شد نیز خوانده شود دانی وافضل است وبدانکه اینها همه نظر بحال
کسی است که بشرف حضور کربلای معلی مشرف باشد واگر در بلاد بعیده باشد بزیارت بعیده
که سابق مذکور شد یا سایر زیارات بعیده زیارت نماید والله تعالی یعلم اکمال بدانکه جد
علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه در کتاب بحار الانوار گفته است که زیارت هر یک از
ائمه علیهم السلام در روزهای متبرکه واوقات مخصوصه بآن امام مانند روز ولادت یا وفات
یا روزی که فضیلتی از فضایل آن امام در آن روز ظاهر شده باشد فضیلت دارد وچون سابق
بر این مذکور شد که ولادت حضرت امام محمد باقر علیه السلام بنا بر قول اشهر وولادت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بقولی در این روز واقع شده زیارت این دو بزرگوار در این روز
فضیلت دارد اگر کسی نزد مرقد مطهر ایشان حاضر باشد بزیارت جامعه مخصوص انبیاء که سابق
گذشت یا باین زیارات مطلقه ایشان را زیارت نماید واگر دور باشد بر بام خانه بالا رود
ودو رکعت نماز بکند بهر لفظی که خود انشا نماید زیارت کند زیرا اگر زیارت مخصوصی ایشان ندارند
هیچیک از ائمه علیهم السلام یعنی حضرت امام حسین وحضرت صاحب الامر صلوات الله
علیهما منقول نیست زایران خود انشا نمایند چنانچه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که ناحیه اش دور باشد از ما بالا رود بر بام خانه خود ودو رکعت نماز بکند واشاره کند بسوی
قبرهای ما که آن سلام بما میرسد والله تعالی هو الموفق شب دوم سید ابن طاوس قدس الله روحه
در کتاب اقبال از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت
نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعت بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون یکمرتبه

بخواند حق تعالی گناهان کبیره و صغیره او را بیامرزد و بنویسد او را از نماز گذارندگان تا سال آینده و بری شود از نفاق **روز دوم** بروایت ابن عیاش چنانچه شیخ طوسی در مصباح از او نقل نموده و قول بعضی دیگر از علما ولادت باسعادت حضرت امام علی نقی علیه السلام در این روز بوده و بعضی سیم ایشان و بعضی سه شنبه پنجم ایشان و بعضی سه شنبه سیزدهم ایشان و بعضی بیست و هفتم ذی حجه و بعضی پانزدهم ذی حجه گفته اند و قول آخر مشهور میان علما است و فقره مذکوره اول دعائی که در عمل پنجم از باب چهارم گذشت دلالت بر صحت یکی از سه قول اول میکند و بنا بر قول اول زیارت آنحضرت در این روز فضیلت دارد و اگر در سر قبر مطهر او کسی حاضر باشد بزیارت جامعه مخصوصه ایشان که گذشت یا بزیارت مطلقه آنحضرت را زیارت نماید و اگر دور باشد بر بام خانه رود و دو رکعت نماز بکند و بهر لفظی که خواهد زیارت نماید و روزه این روز مستحب مؤکد است **شب سیم** سید ابن طاوس علیه الرحمه در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند از هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از سوره حمد سوره اذا جاء نصر الله و الفتح پنج نوبت بخواند حق تعالی بنا کند برای او قصری در بهشت که طول و عرض آن وسیع تر از دنیا باشد و هفت بار منادی از آسمان ندا کند که بشارت دهید این دوست خدا را بکرامت عظمی و رفاقت انبیا و صدیقان و شهدا و صالحان **روز سیم** بروایت سید ابن طاوس قدس الله روحه در اقبال ولادت شریف حضرت امام علی نقی علیه السلام در این روز بوده و بروایت ابرهیم بن هاشم قمی رحمه الله و قول بعضی دیگر از علما وفات آنحضرت نیز در روز دوشنبه سیم ایشان بوده و اقوال دیگر در باب وفات آنحضرت هست که در محل خود مذکور خواهد شد و چون این روز بنا بر این دو روایت روز ولادت و وفات آن بزرگوار بوده زیارت او از نزدیک و دور مانند روز سابق فضیلت دارد و روزه این روز نیز سنت مؤکد است بلکه تاکیدش زیاده از دو روز سابق است چنانچه گذشت و سید ابن طاوس علیه الرحمه در کتاب اقبال گفته که در بعضی از کتب عبادات عجم این حدیث را که مروی بود از رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که در این روز چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد این آیات را بخواند **شهد الله** و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار و الفلک التی تجری فی البحر بما ینفع الناس و ما انزل الله من السماء من ماء فاحیا

به الارض بعد موتها و بث فیها من کل دابة و تصریف الریاح و السحاب المسخر بین السماء و الارض لآیات لقوم یعقلون و من الناس من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله و الذین آمنوا اشد حبا لله و لو یری الذین ظلموا اذ یرون العذاب ان القوة لله جمیعا و ان الله شدید العذاب **حق تعالی** باو عطا کند از اجر و ثواب آنقدر که وصف نتوانند نمود از اوصف کنندگان **شب چهارم** سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول هر یک بعد از حمد سوره قل اعوذ برب الفلق یک نوبت و در رکعت دوم هر یک بعد از حمد سوره قل اعوذ برب الناس یک نوبت بخواند از هر آسمانی ملکی فرود آید و بنویسد برای او ثواب این نماز را تا روز قیامت و بیاید در موقف قیامت و حال آنکه روی او مانند ماه شب چهارده باشد و نامه عمل او بدست راست او دهند و حساب را بر او آسان کرداند **شب پنجم** سید در کتاب مذکور از جناب اقدس رسالت پناهی صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب شش رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد بیست و پنج نوبت بخواند حق تعالی باو عطا کند ثواب چهل پیغمبر و چهل صدیق و چهل شهید و بگذرد بر صراط چون برق لامع در حالتی که سوار باشد بر اسبی از نور **روز پنجم** بروایت ابن عیاش چنانچه شیخ در مصباح نقل نموده ولادت باسعادت حضرت امام علی نقی علیه السلام در این روز بوده است **مؤلف گوید** که شیخ در کتاب مذکور ایضا از ابن عیاش روایت نموده که مولد آنحضرت علیه السلام در روز دوم ایشان بوده و سابقا مذکور شد و ممکن است که دو روایت با ابن عیاش رسیده باشد و بعضی وفات حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را نیز در این روز گفته اند و سهو است بیست و پنجم ایشان است و قول دیگر در این باب هست که در محل خود مذکور میشود و زیارت این دو بزرگوار در این روز از نزدیک و دور مناسب است **شب ششم** سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی حمد یک نوبت و آیة الکرسی هفت نوبت منادی از آسمان ندا کند که ای بنده خدا تو بی دوست خدا حقا حقا و برای تو است بعدد هر حرفی که قراءت کرده در این نماز شفاعت گروهی از مسلمانان و برای تو است هفتاد هزار حسنه که ثواب هر حسنه نزد حق تعالی گرانتر است از کوههای دنیا **روز ششم** کفعمی علیه الرحمه در جنة الامان وفات حضرت امام موسی

در این روز نقل نموده اند و باین جهت زیارت آنحضرت از نزدیک و دور در این روز مناسب است
شب هفتم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه واله روایت نموده است که
هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره
قل هو الله احد را سه نوبت و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را هر یک یک نوبت بخواند
و چون فارغ شود ده نوبت صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه واله و آل آنحضرت بفرستد و
ده نوبت باقیات صالحات را بخواند و باقیات صالحات سُبحان الله و الحمد لله و لا اله الا
الله و الله اکبر است حق تعالی او را در سایه عرش خود جا دهد و عطا فرماید باو ثواب کسی را
که ماه رمضان را روزه داشته باشد و استغفار کنند برای او ملائکه تا از آن نماز فارغ شود
و آسان شود بر او جان کندن و فشار قبر و از دنیا بیرون نرود تا منزل خود را در بهشت مشاهده
نماید و ایمن کرداند حق تعالی او را از فزع اکبر یعنی قیامت مؤلف گوید که کفعمی علیه الرحمه
در جنة الامان چنین نقل نموده توحید و معوذتین سه مرتبه و محتملست که مراد او خواندن
سوره توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه یا خواندن توحید یک مرتبه و هر یک از معوذتین
سه مرتبه بوده باشد و بر هر تقدیر با نقل سید مخالف و اعتماد بر نقل سید بیشتر است
و الله تعالی یعلم شب هشتم سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه واله
روایت کرده است که هر که در این شب بیست رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
بعد از حمد سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را
هر یک سه نوبت بخواند حق تعالی عطا فرماید باو ثواب شکر کنندگان و صبر کنندگان و نام او را
بلند کرداند در میان تصدیق کنندگان و برای او بعوض هر حرفی ثواب صدیقی و شهیدی بوده باشد و چنان
باشد که قرآن را ختم نموده باشد در ماه رمضان و چون از قبر بیرون آید ملاقات کنند او را
هفتاد ملک که بشارت دهند او را به بهشت و مشایعت نمایند او را تا به بهشت داخل شود
شب نهم سید رضی الله عنه در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه واله روایت کرده
که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند در هر رکعتی بعد از حمد سوره الهیکم التکاثر پنج نوبت
بر نمی خیزد از جای خود مگر آنکه حق تعالی او را می آمرزد و عطا میفرماید باو ثواب صد حج و صد عمره
و فرو میفرستد باو هزار هزار رحمت و ایمن میسازد او را از آتش جهنم و اگر تا هشتاد روز دیگر
بمیرد شهید مرده باشد شب دهم سید قدس الله روحه در کتاب مذکور از حضرت رسالت

صلی الله علیه واله روایت کرده است که هر که در این شب بعد از نماز مغرب دوازده رکعت نماز
بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را سه نوبت
بخواند حق تعالی بنا کرداند برای او قصری بر بالای عمودی از یاقوت سرخ پس صحابه گفتند
یا رسول الله صلی الله علیه واله و الرحمه چه قدر است آن عمود فرمود مثل ما بین مشرق و مغرب و در آن عمود
هفتصد غرفه باشد که هر غرفه وسیع تر از دنیا باشد و این غرفه ها همگی از طلا و نقره و یاقوت
و زبرجد باشد و در آن قصر خانها باشد بعدد ستارهای آسمان و در آن خانها چیزی چند
باشد که هیچ بشری وصف آن نتوان نمود روز دهم بروایت سید ابن طاوس در اقبال و روایت
ابن عیاش چنانچه شیخ در مصباح نقل نموده و قول کفعمی در جنة الامان ولادت با سعادت حضرت
امام محمد تقی علیه السلام در این روز بوده و اشهر میان علما پانزدهم یا نوزدهم ماه مبارک رمضانست
و فقره اول دعائی که در عمل پنجم از باب چهارم گذشت فی الجمله شهادت بر حقیقت قول اول
میدهد و وفات آنحضرت بقول کفعمی علیه الرحمه در جنة الامان نیز در این روز بوده و اشهر میان
علما آخر ماه ذی الحجه است و اقوال دیگر هست که در مواضع خود مذکور خواهد شد و چون این
روز اختصاصی با آنحضرت دارد زیارت آنحضرت از نزدیک بزیارت جامعه مخصوص بامام یا بزیارت
مطلقه مناسب است و اگر دور باشد بر بام خانه بالا رود و دو رکعت نماز کند و بهر لفظی که اشنا باشد
زیارت نماید و سید در اقبال بسند مرسل روایت کرده است که از برای حق تعالی در هر سالی
در روز دهم هر یک از اشهر حرم امر عظیمی هست در روز دهم ماه ذی حجه نحر واقع میشود و در روز
دهم ماه محرم روز عاشوراست که قضیه داهیه سید شهدا صلوات الله علیه در آن روز واقع
و هر سال مصیبت آنحضرت در آن روز بر مسلمانان تازه میشود و در روز دهم ماه رجب حق تعالی
محو میفرماید آنچه را میخواهد و اثبات میفرماید آنچه را میخواهد و دهم ماه ذی قعدة الحرام در آن
حدیث مذکور نیست سید گوید که در باب دهم ماه ذی قعده در کتاب جامع الدعوات
که تالیف نضر بن یعقوب دینوری است دیدم حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه واله که
دهم ماه ذی قعده حق تعالی به بنده اش نظر رحمت میفرماید مؤلف گوید که چون در حدیث
آخر شب دهم ذی قعده واقع شده است مناسبت با حدیث اول ندارد چه در حدیث اول
روز دهم از اشهر حرم وارد شده و ظاهرا روز دهم ذی قعده از حدیث اول ساقط شده است
و الله تعالی یعلم شب یازدهم سید طاب ثراه در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه واله

روایت نموده است که هر که در این شب دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر
رکعت بعد از حمد آیة الکرسی دوازده نوبت حق تعالی عطا فرماید باو ثواب کسی را که خوانده
باشد توریه و انجیل و زبور را و قرآن مجید و هر کتابی را که فرود فرستاده بر پیغمبران و منادی
از عرش ندا کند که عمل از سر گیر که آمرزیده شدی **روز یازدهم** سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد
طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود گفته که روز یازدهم ماه رجب نحس است چنانچه هر طفلی
که متولد شود در این روز نماند و هر که بیمار شود معالجه نپذیرد و خوب نشود و درختی که بنشانند
خشک شود و اگر کسی در این روز بجنگ رود کشته شود و اگر بسفر رود باز نیاید و هر کاری
که در این ایام بکند باتمام نرسد **مؤلف گوید** که اینمعنی در روایتی و حدیثی بنظر نرسید
شب دوازدهم سید رحمه الله علیه در کتاب مذکور از حضرت خاتم المرسلین صلی الله علیه
وعلی آله الطاهرین روایت کرده است که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت
بعد از حمد آیه آمن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون کل آمن بالله وملائکته وکتبه ورسله
لا نفرق بین احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر لا یکلف الله
نفسا الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا
ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف
عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین را ده نوبت بخواند حق تعالی
عطا فرماید باو ثواب امر کنندگان بمعروف و نهی کنندگان از منکر و ثواب آزاد نمودن هفتاد بنده
از فرزندان اسمعیل علیه السلام و هفتاد رحمت باو عطا فرماید **روز دوازدهم** جد علامه ام مولانا
محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در بعضی از کتب از حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که روز دوازدهم ماه رجب روز نحسی است و
نیکو نیست مرتکب شدن هیچ عملی از اعمال دنیا در این روز مگر خلوت گزیدن از مردمان و عبادت کردن
پروردگار عالمیان و روزه داشتن **شب سیزدهم** و اعمال آن چند چیز است **اول** احیا داشتن
آن بعبادت و حدیث آن در فضیلت روز ایضا مذکور میشود **دوم** سید رضوان الله علیه در
کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت
نماز کند هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول هر یک بعد از حمد سوره والعادیات و در رکعت
دوم هر یک بعد از حمد سوره الهکم التکاثر بخواند حق تعالی گناهان او را بیامرزد اگر چه عاق

والدین

والدین باشد و راضی شود حق تعالی از او و منکر و نکیر بنزد او نیایند و او را نترسانند و
بگذرد از صراط چون برق جهنده و نامه عمل او را بدست راست او دهند و میزان عملش ثقیل و سنگین
باشد و در جنة الفردوس هزار شهر باو عطا کنند **سیم** دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد
سوره یس و تبارک و قل هو الله احد و دیگر اعمال مشترکه ماه رجب و شعبان و ماه رمضان مذکور
شد **روز سیزدهم** مشهور میان محدثین و مورخین خاصه و عامه است که حضرت امیر المؤمنین

ایام البیض رجب

علیه السلام در روز جمعه سیزدهم این ماه بعد از سی سال از عام الفیل در میان کعبه معظمه متولد شد
و در آن وقت عمر شریف حضرت رسالت صلی الله علیه وآله بیست و هشت سال بود و دوازده سال
و بقولی ده سال پیش از بعثت آنحضرت بود و اقوال دیگر در این باب هست که در مواضع مناسبه مذکور
میشود و بروایت ابرهیم بن هاشم چنانچه شیخ در مصباح نقل نموده ولادت حضرت امام علی نقی
علیه السلام در روز سه شنبه سیزدهم این ماه است و ایضا چون این روز اختصاصی باین دو
بزرگوار دارد زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسبست و سید جلیل نبیل امیر محمد باقر
داماد قدس الله روحه در بعضی از مؤلفات خود گفته که روز سیزدهم ماه رجب مانند روز
یازدهم نحس است چنانچه هر طفلی که متولد شود در این روز نماند و هر که بیمار شود معالجه نپذیرد
و درختی را که بنشانند خشک شود و هر که بجنگ رود در این روز کشته شود و هر که
بسفر رود باز نیاید و کاری که در این روز شروع شود باتمام نرسد **مؤلف گوید** که این معنی در
روایتی بنظر نرسید بلکه از احادیث ظاهر میشود که این روز بمزید فضیلت ممتاز است
و روزه آن بخصوص فضیلت عظیم دارد چنانچه در اعمال روز اول مذکور شد و ایضا این روز
از جمله ایام البیض است و ایام البیض هر ماه فضیلت بسیار دارد و روزه داشتن آنها ثواب
عظیم دارد و در اواخر کتاب مذکور خواهد شد و ایام بیض ماه رجب و لیالی آنها بخصوصه در
میان سایر ماهها بمزید فضیلت ممتاز است چنانچه سید ابن طاوس در اقبال از حضرت
رسالت صلی الله علیه وآله روایت نموده است که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب
روزه دارد و بپا دارد شبهای آنها را بعبادت قسم بآنکه بحق و راستی مرا مبعوث گردانیده است
که چنین کسی از دنیا بیرون نرود مگر با توبه نصوح و عوض هر روزی که روزه داشته هفتاد
گناه کبیره او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او بر آورده شود در نزد فزع اکبر و هفتاد حاجت
چون داخل قبر شود و هفتاد حاجت چون از قبر بیرون آید و هفتاد حاجت چون میزان عمل

نصب شود و هفتاد حاجت نزد صراط و بعوض هر روزی که روزه داشته چنان باشد که هفتاد بنده
از فرزندان اسمعیل علیه السلام آزاد کرده باشد و هفتاد هزار مرتبه قرآن ختم نموده و هفتاد سال
در راه خدا مرابطه کرده و هفتاد دیل در راه خدا ساخته باشد و شفاعت او در حق هفتاد نفر
از اهل بیت او که مستوجب جهنم شده باشند مقبول شود و حق تعالی بنا کند برای او در جنات
فردوس هفتاد هزار شهر که در هر شهری هفتاد هزار قصر و در هر قصری هزار حور و هر حوری
هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ در مصباح و سید در اقبال از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام روایت نموده اند که هر که در ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی
برای او بعوض هر روزی ثواب روزه یکساله و عبادت یکساله را بنویسد و در روز قیامت
بایستد در محل ایمنان که هیچ بیم و خوفی نداشته باشد شب چهاردهم و در این شب چند چیز
سنت است اول احیا داشتن آن بعبادت چنانچه در شب سیزدهم مذکور شد دویم
سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب
سی رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را
یکنوبت و آیه آخر سوره کهف قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان
یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا را بخواند بحق آنکه نفس من در قبضه
قدرت اوست که اگر گناهانش زیاده از ستارههای آسمان باشد فارغ نشود از این نماز مگر آنکه طاهر
و مطهر باشد از همه گناهان و چنان باشد که خوانده باشد هر کتابی را که حق تعالی فرو فرستاده
سیم چهار رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک
و قل هو الله احد هر یک یک مرتبه و در اعمال مشترکه رجب و شعبان و ماه رمضان گذشت
روز چهاردهم روزه این روز مستحب مؤکد است چنانچه گذشت شب پانزدهم این شب فرموده
لیالی بیض اینماه بمزید فضیلت و برکت امتیاز دارد سید ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال
از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله روایت کرده است که چون شب نیمه رجب داخل شود
حق تعالی امر فرماید خازنان دیوان خلایق و کاتبان اعمال ایشان را که نظر کنید در دیوان
بندگان من و هر گناهی را که بیابید محو کنید و بجای آن حسنات را بنویسید و اعمال این شب
بسیار است اول احیا داشتن آن بعبادت چنانچه گذشت در شب سیزدهم و چهاردهم
و بخصوص این شب فضیلت آن زیاده است چنانچه صاحب کتاب تنزیه القلوب از حضرت

رسول

رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده است که فرمود احیا کنید شب نیمه رجب را که حق تعالی بذات
مقدس خود سوگند یاد نموده که در این شب هیچ سائلی را از درگاه خود ناامید نگرداند پس هر که
از شما در این شب دعا کند طلب نکند از خدا امر حرامی را و در این شب بسیار استغفار کنید که هر که
در شب نیمه رجب یا روز نیمه رجب هزار نوبت استغفار کند حق تعالی گناهان او را در میانه
اینماه و ماه رجب آینده یا ماه رجب گذشته بیامرزد و او را در وقت مرگ از عذاب قبر نگاه
دارد دویم غسل بنابر احتمالی و در اعمال شب اول مذکور شد سیم بسیار استغفار از
گناهان خود کردن در این شب و اگر هزار نوبت استغفار کرده شود ثوابش عظیم تر است و در
عبارت استغفار استغفر الله کافی است و اگر بگوید استغفر الله و اتوب الیه بهتر است
و استغفر الله ربی و اتوب الیه افضل و کاملتر است چهارم سید رضی الله عنه در کتاب
مذکور از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب سی رکعت نماز
بگذارد هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را ده نوبت
بخواند فارغ نشود از این نماز مگر آنکه عطا کرده شود باو ثواب هفتاد شهید و بیاید در روز
قیامت در حالتی که نور او روشنی دهد گروهی را از اهل محشر که مجتمع شده باشند در موقفی
مانند ما بین مکه و مدینه و عطا فرماید باو حق تعالی برائتی از آتش جهنم و برائتی از نفاق
و رفع نماید از او عذاب قبر را و ایضا در اقبال این نماز را بسند دیگر از آنحضرت روایت کرده
و در آن حدیث چنین است که هر که در این شب این نماز را بکند حق تعالی او را از آتش جهنم
آزاد کند و برای او بعوض هر رکعتی عبادت چهل شهید را بنویسد و عطا فرماید باو بعوض
هر آیه دوازده نور و بنا کند برای او بعوض هر سوره از قل هو الله احد که خوانده باشد دوازده
شهر از مشک و عنبر و بنویسد برای او ثواب هر که را که روزه داشته و نماز گذارده باشد
در اینماه از مرد و زن و اگر بمیرد تا سال آینده شهید مرده باشد و حفظ کرده شود از فتنه قبر
مؤلف گوید که سید در مصباح الزائر بتقریب زیارت نیمه رجب بقیه اعمال شب نیمه
و روز آن را ذکر نموده و از جمله شب نیمه این نماز را ذکر نموده و سوره قل هو الله احد را
یازده مرتبه نقل نموده و کفعمی نیز در جنة الامان سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه
نقل نموده و ظاهر آنچه در اقبال است اصح است و سید در مصباح الزائر و کفعمی هر دو سهو
نموده اند و گویا جهت این سهو آنست که عبارت حدیث چنان است که قل هو الله احد عشر مرات

وسید و کفعمی لفظ احد را جزء قل هو الله نگرفته بلکه با لفظ عشر ترکیب نموده احد عشر خوانده اند پس از
وجد علامه ام مولانا محمد تقی در این مقام مطابق اقبال نقل نموده است والله تعالی یعلم **پنجم** شش رکعت
هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک و قل هو الله احد و در اعمال
سه ماه رجب و شعبان و ماه رمضان مذکور شد **ششم** شیخ طوسی در مصباح بسند صحیح از
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که آنحضرت بداود بن سرحان
فرمود که در شب نیمه رجب دوازده رکعت نماز میکنی هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از
حمد هر سوره که خواهی و چون فارغ شدی از نماز هر یک از سوره حمد و معوذتین و قل هو الله
احد و آیة الکرسی را چهار نوبت میخوانی و بعد از آن چهار نوبت میگوئی سُبْحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ پس یک نوبت میگوئی اَللهُ اَللهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَمَا شَاءَ اللهُ
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و در شب بیست و هفتم ایضا نیز این عمل را بهمین نحو بجا می آوری
و شیخ بعد از نقل این روایت میگوید که ابن ابی عمیر گفته که در روایت دیگر وارد شده که بعد از
دوازده رکعت نماز سوره حمد و معوذتین و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون هر یک را هفت
نوبت میخوانی و بعد از آن میگوئی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا پس میگوئی بعد از این اَللّٰهُمَّ إِنِّي بِمَعَاقِدِ عِزِّكَ عَلَى اسئلک
أَرْكَانِ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَذِكْرِكَ الْأَعْلَى
الْأَعْلَى الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَسْأَلُكَ مَا كَانَ أَوْفَى
بِعَهْدِكَ وَأَقْضَى لِحَقِّكَ وَأَرْضَى لِنَفْسِكَ وَخَيْرًا لِي فِي الْمَعَادِ عِنْدَكَ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ أَنْ تُعْطِيَنِي
السَّاعَةَ السَّاعَةَ كَذَا وَكَذَا و بجای کذا و کذا حوایج خود را می طلبی و هر دعا که میخواهی میکنی
مؤلف گوید که در روایت ابن ابی عمیر مذکور نیست که این عمل مخصوص شب نیمه است یا در شب بیست و
هفتم نیز باید کرده شود و در عبارت هر دو احتمال میرود و احوط آنست که در شب بیست و هفتم
نیز این عمل کرده شود و سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال طریق اول این عمل را
مخصوص شب نیمه ذکر نموده و در کتاب مصباح الزائر هر دو طریق را مخصوص شب نیمه نقل
نموده است لیکن طریق اول را مخالف نقل نموده با آنچه خود در اقبال و شیخ در مصباح نقل نموده است
زیرا که در طریق اول گفته که بعد از آنکه سوره مذکوره و آیة الکرسی را چهار نوبت بخوانی بگو لَا إِلٰهَ
إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

ظاهرا

و ظاهرا در مصباح الزائر سهو نموده زیرا که در شب بیست و هفتم دوازده رکعت نماز بطریق دیگر منقول است
که سید در اقبال ذکر نموده و ما بعد از این ایراد خواهیم نمود و بعد از آن نماز اذکار باین کیفیت وارد
شده و چون عادت سید بوده که در تالیفات گاهی از حفظ املا می نموده و کاتب می نوشته است
چنانچه خود در چند موضع از کتاب اقبال و غیر آن تصریح باین معنی نموده است بنابراین ظاهر است
که در این موضع از مصباح الزائر نیز چنین شده باشد و الفاظ این دو ذکر بیکدیگر اشتباه شده باشد
و بدانکه سید جلیل نبیل میر محمد باقر داماد علیه الرحمه نیز در بعضی از مؤلفاتش طریق اول این عمل را
ذکر نموده و تسبیحات اربع را مطلقا نقل نموده و ذکر اخیر را که الله الله ربی تا آخر است یک مرتبه
نقل نموده و گفته است که اگر چهار نوبت خوانده شود بهتر است و گویا او نیز از حفظ این عمل را
نقل کرده و باین جهت سهو نموده است والله تعالی یعلم **هفتم** بعضی گفته اند که زیارت حضرت
امام حسین علیه السلام در این شب مستحب است و روایتی که صریح در این باب باشد بنظر نرسیده و تفصیل این
معنی در اعمال روز این شب مذکور میشود لیکن چون این شب از لیالی متبرکه است اگر زایر در کربلای
معلی حاضر باشد بزیارتی که در روز این شب مذکور میشود بلکه بزیارت جامعه که در عمل نهم از باب
چهارم مذکور شد یا بابو بزیارات مطلقه آنحضرت را زیارت نماید و اگر دور باشد بزیارات
روز پانزدهم بعیدی که در اعمال شب اول مذکور شد یا بابو بزیارات بعیده منقوله زیارت نماید
شیخ طوسی در مصباح گفته است که در این روز رسول خدا صلی الله علیه و آله از شعب ابی طالب
علیه السلام بیرون آمد و در این روز بعد از پنجماه از هجرت حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بحضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه تزویج فرمود و ملائکه شاهد شدند و سن شریف حضرت فاطمه
صلوات الله علیها در آن وقت سیزده سال بروایتی نه سال بروایتی و ده سال بروایتی بود و روایات
دیگر در باب سن شریف آنحضرت نیز وارد شده است و در این روز تحویل قبله از بیت المقدس
بسوی کعبه واقع شد و مردم در نماز عصر بودند پس گردیدند از بیت المقدس بسوی بیت الحرام
و بعضی از نماز ایشان بجانب بیت المقدس و بعضی بجانب بیت الحرام واقع شد **مؤلف گوید**
که شیخ طوسی علیه الرحمه در کتاب امالی زفاف حضرت امیر المومنین و فاطمه علیهما السلام را در ماه
شوال نقل نموده و بعضی سه شنبه ششم ماه ذی حجه گفته اند و صاحب کشف الغمه از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که تزویج در ماه مبارک رمضان و زفاف در ذی حجه بود
و بعضی از مخالفین در ماه صفر گفته اند و اکثر اعاظم علما تزویج کثیر التهییج را در شب پنجشنبه

بیست و یکم ماه محرم از سال سیم هجرت نقل کرده اند و بعضی وفات حضرت صادق علیه السلام را نیز
در پانزدهم رجب نقل نموده اند و اشهر انست که در ماه شوال واقع شد و بر هر تقدیر زیارت ان
بزرگواران در این روز از نزدیک و دور مناسب است و روزه این روز تاکیدش زیاده از دو روز
سابق است و بعضی از روایات داله بر این معنی سابق مذکور شد و بعضی بعد از این در ضمن
بیان اعمال مذکور میشود و اعمال این روز بسیار است اول غسل بنا بر احتمال اظهر چنانچه در
اعمال شب اول مذکور شد و بعد از این نیز مذکور میشود دوم انچه در این حدیث شریف وارد
شده است سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از ابن عباس روایت نموده است
که حضرت ادم علیه السلام از حق تعالی سؤال نمود که پروردگارا خبر ده مرا بمحبوب ترین روزها
و وقتها نزد تو پس وحی نمود حق تعالی بسوی او که ای ادم محبوب ترین اوقات بسوی من روز
نیمه رجب است ای ادم تقرب بجو بسوی من در روز نیمه رجب بقربان و ضیافت نمودن
و روزه داشتن و دعا و استغفار و گفتن لا اله الا الله ای ادم بدرستی که قضا کرده ام
در انچه قضا کرده ام و نوشته ام در انچه نوشته ام انکه مبعوث کردانم از فرزندان تو پیغمبری
که غلیظ القلب و سنگین دل نباشد و اواز او در بازارها بلند نکردد و بردبار و مهربان
و صاحب کرم و صاحب برکت عظیم باشد و مخصوص کردانم او را و امت او را بروز نیمه
رجب پس سؤال نکنند ایشان در ان روز از من چیزی مگر انکه عطا کنم از بابایشان و طلب امرزش
نکنند مگر انکه بیامرزم ایشانرا و طلب روزی نکنند مگر انکه روزی دهم ایشانرا و از گناهان
توبه نکنند مگر انکه توبه ایشانرا قبول نمایم و طلب رحمت نکنند مگر انکه رحمت کنم برایشان
ای ادم بدرستیکه هر که صبح کند روز نیمه رجب را در حالتی که روزه باشد و مشغول ذکر الهی
و با خشوع باشد و محافظت نماید فرج خود را در این روز و از مال خود چیزی تصدق کند
نباشد جزای او نزد من مگر بهشت ای ادم بگو بفرزندان خود که نگاه دارند خود را در ماه رجب
از گناهان بدرستیکه گناه در انماه بسیار عظیم و بزرگ است مؤلف گوید که مخفی نماند که
از این حدیث شریف هشت عمل در این روز مستفاد میشود اول تقرب جستن بقربان بجناب
حق تعالی و لفظ قربان در لغت عرب بمعنی هر چیزی است که بان قصد قرب و نزدیکی برحمت
الهی کنند از اعمال خیر و گاهی بقربانی که کشتن گوسفند یا امثال انست در راه خدا اطلاق
میکنند و در این مقام هر دو محتمل است و بنا بر معنی اول شامل نماز و دعا و تصدق

و سایر اعمال خیر همگی هست دوم ضیافت نمودن سیم روزه داشتن و مخفی نیست که روزه
بودن با ضیافت نمودن جمع نمیشود و ظاهر انست که مراد از ضیافت کردن طلبیدن مؤمنان
برای افطار باشد چهارم دعا و بهر لفظی که واقع شود خوب است و اگر ادعیه منقوله خوانده شود
بهتر است پنجم استغفار و ان لفظی است که دلالت بر طلب مغفرت کند مانند استغفر الله
و اگر ربی و اتوب الیه اضافه شود تمام تر است و اگر هزار مرتبه گفته شود ثواب ان عظیم است
چنانچه در حدیثی که از تنزیه القلوب در فضیلت احیای شب این روز نقل شد مذکور است
ششم گفتن لا اله الا الله هفتم محافظت نمودن فرج از همه انواع تمتعات حرام و حلال
خواه بطریق مجامعت باشد یا غیر ان و مراد از محافظت نمودن فرج در این حدیث اینمعنی است
نه خصوص مجامعت چه روزه داشتن این روز مستلزم ترک مجامعت هشتم تصدق نمودن
والله تعالی یعلم سیم خواندن سوره قل هو الله احد هزار نوبت صاحب کتاب تنزیه القلوب از
ابو سعید خدری روایت کرده که گفت داخل شدم بر رسول خدا صلی الله علیه واله در روز اول
ماه رجب چون نظر مبارکش بر من افتاد فرمود که ای ابو سعید چه نیکو ماهی است اینماه و چه بسیار
خیر و نیکی اینماه و چه با برکت است روزهای اینماه گفتم که چگونه است نیکی اینماه یا رسول الله
فرمود که خبر داد مرا جبرئیل علیه السلام که چون شب اول ماه رجب شود منادی ندا کند در اسمانها
که اینک ماه توبه داخل شد پس خوشا حال کسی که طلب امرزش کند از خدا در اینماه ای ابو سعید
هیچ بنده در اینماه طلب امرزش نکند مگر انکه حق تعالی بیامرزد او را ای ابو سعید در اینماه روز بزرگی
هست عرض کردم که کدام روز است ان روز یا رسول الله صلی الله علیه واله فرمود که ان روز نیمه رجب است
گفتم فدای تو شود پدر و مادرم یا رسول الله صلی الله علیه واله چه ثواب است برای ان روز فرمود که
بدرستی که حق تعالی در این روز مطلع میشود بر همه اهل زمین و هیچ مرد مؤمنی و زن مؤمنه نمیماند
مگر انکه حق تعالی او را میامرزد ای ابو سعید هر که روز نیمه رجب را روزه دارد روزه او کفاره
گناهان دویست سال او باشد و عبادت شب ان روز برابر باشد با عبادت هزار شب و اگر تو دوست داری
این روز را و در خواهی یافت پس در ان روز هزار نوبت قل هو الله احد بخوان زیرا که هر که در این روز
هزار نوبت قل هو الله احد بخواند بنا کند حق تعالی برای او در بهشت هزار قصر در هر قصری هزار خانه
در هر خانه هزار صفه در هر صفه هزار غرفه در هر غرفه هزار کرسی در هر کرسی هزار فرش در هر فرشی
هزار حوری که بهتر از ماه باشند و موکل کرداند حق تعالی با و چهل هزار ملک که صلوات بر او فرستند

تا روز قیامت و هر که زیاده از این بخواند حق تعالی ثواب او را زیاده بدهد **چهارم** ده رکعت نمازی
که سلمان فارسی رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است و کیفیت آن در اعمال
روز اول مذکور شد **پنجم** سید ابن طاوس طاب ثراه در اقبال بسند معتبر از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که فرمود که عدی بن ثابت انصاری در روز نیمه
رجب داخل شد بر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در حالتی که آنحضرت مشغول نماز بود چون
حضرت دانست که او داخل شده بدست مبارک خود اشاره فرمود که بایست عدی بن ثابت گوید
که پس ایستادم و دیدم که حضرت چهار رکعت نماز کرد و من احدی را ندیدم پیش از آنحضرت
و بعد از آن که این نماز را بکند و چون سلام نماز را فرمود دست مبارک را گشود و این دعا را خواند
اللَّهُمَّ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَأَنْتَ بَارِئُ
خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ
مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا
وَمُنْشِئَ الْبَرَكَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ يَا مَنْ
وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهَا فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ
الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كِبْرِيَائِكَ وَأَسْأَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَأَسْأَلُكَ
بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ **پس** آهسته بچیزی تکلم فرمود که من او را نشنیدم و بعد از آن
بمن التفات فرمود و گفت ای عدی آیا شنیدی گفتم بلی فرمود آیا حفظ کردی گفتم بلی فرمود
که حفظ کن این دعا را و اعراب کن پس بآن خداوندی که دانه را شکافته و کعبه را نصب کرده و
خلایق را خلق کرده است که نیست این دعا نزد احدی از اهل زمین و نخوانده است این دعا را هیچ مکروبی
غمگینی مگر آنکه حق تعالی کرب و الم او را زایل کرده است **مؤلف گوید** که نماز مذکور باید بعد
واقع شود و در هر رکعتی حمد و هر سوره که خواهد بخواند و از سیاق حدیث معلوم میشود که دعای
مذکور لازم نیست که بعد از این نماز خوانده شود بلکه در هر وقتی برای هر مطلب مهمی اگر خوانده شود
بانجاح مقرون میگردد بلکه دور نیست که نماز مذکور نیز اختصاص بروز نیمه نداشته باشد
و در سایر اوقات نیز توان بجا آورد والله تعالی یعلم **ششم** ایضا سید رحمه الله در اقبال
از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در روز نیمه رجب

در وقت

المفضوحين
اعناقهم وذلا

در وقت ارتفاع آفتاب پنجاه رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره
قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک یکنوبت بیرون آید از گناهان خود
مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و محشور شود از قبر با شهیدان و داخل بهشت شود با پیغمبران
و معذب نشود در قبر و تنگی قبر و تاریکی آن از او برداشته شود و بیرون آید از قبر و حال آنکه روی او
درخشنده باشد **هفتم** شیخ طوسی رضی الله عنه در مصباح بسند خود از ریان بن صلت روایت
کرده است که گفت حضرت امام محمد تقی علیه السلام در وقت اقامت ببغداد روز نیمه ماه رجب و روز
بیست و هفتم از او روزه داشت و جماعتی که با آنحضرت همراه بودند همگی نیز روزه داشتند و امر فرمود
ما را که بجا آوریم دوازده رکعت نمازی را که باین کیفیت است که هر دو رکعت بیک سلام میکنی در هر رکعتی
بعد از حمد هر سوره که خواهی پس چون فارغ شدی سوره حمد و قل هو الله احد و معوذتین را هر یک
چهار نوبت میخوانی پس چهار نوبت میگوئی لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و چهار نوبت اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً و چهار نوبت
لَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَداً **مؤلف گوید** که شیخ طوسی در مصباح و سید ابن طاوس در اقبال و علامه
حلی در منهاج الصلاح و سید ابن باقی در مصباح این عمل را در روز بیست و هفتم نقل نموده اند
و گویا از عبارت حدیث چنین فهمیده اند که این نماز مخصوص روز بیست و هفتم است چون در عبارت
ذکر نماز متصل بروزه آن روز مذکور است و ظاهر سیاق حدیث چنانچه بر متامل پوشیده نیست
آنست که این عمل در هر دو روز باشد والله تعالی یعلم **هشتم** عمل مشهور بعمل استفتاح که مشتمل است
بر دعای ام داود و ابن بابویه و شیخ طوسی و سید ابن طاوس و علامه حلی و کفعمی قدس الله
ارواحهم و دیگران بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه این عمل را بام داود تعلیم فرمود بجهت تخلیص داود پسرش از حبس و در روایات سید مسند است
و بعضی بحضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه و بعضی بام داود منتهی میشود و صورت حکایت
این حال چنانچه از مجموع روایات مستفاد و مضمون اکثر است سید در اقبال ذکر نموده آنست که ام داود
مادر داود بن الحسن بن الحسن بن امیر المؤمنین علیهم السلام که پسرزاده حضرت امام حسن علیه السلام
دایه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود و بشیر او داود آنحضرت را شیر داده بود و چون محمد بن
عبدالله بن الحسن در مدینه خروج کرد و منصور دوانقی علیه اللعنه لشکری فرستاد و او را کشتند
و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبدالله بن الحسن پدر ایشان را با جمعی از سادات گرفته

باغل و زنجیر از مدینه بعراق بردند و داود نیز در میان ایشان بود مام داود گوید که چون مدتی از
حبس فرزندم گذشت و از او خبری بمن نرسید پیوسته دعا و تضرع میکردم و از برادران مؤمن
دیانت شعار و صلحا و متعبدان زهادت آثار درخواست دعا می نمودم و مطلقا اثر اجابت نیافتم
و گاهی خبر بمن میرسید که داود را کشتند و گاه می گفتند که او را با پسران عم او در زیر عمارت زنده
گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیم تر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم هجران او گداخته
و پیر شدم و از ملاقات او مایوس شدم تا آنکه روزی شنیدم که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
آزاری عارض شده است بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال آن بزرگوار را گرفتم و او را دعا کردم و
خواستم که برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود را بآنحضرت داده بودم چون
نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم داود کجاست او در عراق محبوس است و من قطع امید
از او کرده ام و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید که او برادر رضاعی شماست حضرت فرمود چرا غافلی
از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح و آن دعائیست که درهای آسمان برای آن گشوده
میشود و ملائکه استقبال میکنند کسی را که آن را میخواند و بشارت میدهند او را باجابت و آن دعائیست
که از مجیب الدعوات محجوب نمیگردد و خواننده آن را جزائی بغیر بهشت نمیباشد ام داود گفت که ای فرزند
پاکیزگان وراثت گویان چگونه است آن دعا فرمود ای مادر داود ماه محترم یعنی ماه رجب نزدیک
شده است و آن ماهیست مبارک و حرمت آن عظیم است و دعاها در آن مستجاب چون آن ماه
درآید روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آن را که ایام البیض نامند روزه بدار پس حضرت
کیفیت آن عمل را باو تعلیم نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و بهمه کس تعلیم مکن که می ترسم بدست
کسی افتد که برای امر باطلی و نامشروعی بخواند بدرستیکه این دعای بسیار شریفیست و مشتمل است
بر اسم اعظم الهی که هرکه بخواند البته برآورده میشود و اگر درهای آسمان و زمین همه بسته شود
یا دریاها حایل باشند میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته حق تعالی آسان میگرداند
رسیدن ترا بمطلب تو و حاجت ترا برمی آورد و هرکه این دعا را بخواند خدا مستجاب میگرداند
خواه مرد و خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن فرزند تو باشند خداوند قادر کفایت شر ایشان میکند
و زبان ایشان را از تو بندد و ایشان را منقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت که نوشتم این دعا را
و بخانه برگشتم و چون ماه رجب داخل شد آنچه حضرت فرموده بود بعمل آوردم و در شب پانزدهم
نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار نمودم و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم و آخر

در خواب

در خواب دیدم حضرت رسالت صلی الله علیه و آله را با جمیع آن جماعتی که درخواست دعا برایشان صلوات
فرستاده بودم از ملائکه و پیغمبران و حضرت رسول صلی الله علیه و آله بمن خطاب نمود که ای مادر داود
بشارت باد ترا که این جماعت که می بینی همه برادران و یاوران و شفیعان تواند و از برای تو طلب آمرزش
میکنند و بشارت میدهند ترا بآنکه حاجت تو برآورده است پس بشارت باد ترا بآمرزش خدا و خدا
جزای خیر دهد و شاد باش که حق تعالی حفظ میکند ترا و فرزندان ترا و داود را بتو برمیگرداند ان شاء الله تعالی
ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن نگذشت زمانی مگر بقدر راه آنکه سوار بسیار تند روی
از عراق بمدینه آید که داود بسوی من آمد پس سؤال کردم از حال او گفت که ای مادر من در عراق محبوس بودم
در زندان بسیار تنگی و بند و زنجیر من بسیار سنگین بود و از خلاصی ناامید بودم تا روز نیمه رجب
چون شب شد در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود
نشسته بودی و بدور تو مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان و پاهای ایشان در زمین بود
و تسبیح و تنزیه خدا میکردند پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر و خوشبوتر و جامهای بسیار پاکیزه
در بر داشت و گمان کردم که جدم حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله است خطاب کرد با من
که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه صالحه که حق تعالی دعای مادر ترا در حق تو مستجاب کرد چون
بیدار شدم دیدم که رسولان منصور دوانقی بر در زندان حاضر شده بطلب من آمده بودند
در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که گویند
که زیاده از هزار تومان بوده بحساب آن زمان بمن عطا کرد و امر کرد که مرا بر چهارپای رهواری سوار کنند
و در نهایت سرعت بمدینه آوردند ام داود گفت که پس من داود را بخدمت حضرت صادق علیه السلام
بردم حضرت بداود فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب
دید که باو فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا در این آتش می اندازم چون نظر کرد دریای آتشی در
زیر پای خود دید پس از دهشت بیدار شد و از کرده خود پشیمان گردید و ترا رها کرد و اما کیفیت عمل شریف
چنانچه در روایات سید ابن طاوس مذکور و در اقبال نقل نموده است که ام داود گوید که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که در ماه رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه
بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن پس هشت رکعت نافله ظهر بجا آور و بروایتی
قنوت و رکوع و سجود آنها را نیکو بکن پس نماز ظهر را بگذار و بعد از نماز ظهر دو رکعت نماز بکن
بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یا قاضی حوائج الطالبین پس هشت رکعت نافله

عمل ام داود
بعنوان استفتاح

عصر را کن و بروایتی در هر رکعت از این هشت رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد را یک نوبت
و سوره انا اعطیناک الکوثر یک نوبت بخوان پس نماز عصر را کن و باید که نماز تو در جامه پاکیزه باشد
و بروایتی چون از نماز عصر فارغ شوی بپوش پاکیزه ترین جامهای خود را و بنشین در حجره پاکیزه
بر روی حصیر پاکی و سعی کن که داخل نشود بر تو کسی که ترا مشغول کند و اندیشه و رو بقبله کن و
سوره حمد و قل هو الله احد را هر یک صد نوبت و آیة الکرسی را ده نوبت بخوان پس سوره انعام
و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و صافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا
و اذا وقعت و تبارک الذی بیده الملک و ن و القلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن بخوان و اگر
نیکو ندانی این سورها را و از قرآن نیز نیکو نتوانی خواند سوره قل هو الله احد را هزار مرتبه بخوان
پس بتحقیق که شیخ ما شیخ مفید رضی الله عنه گفته است که هر گاه نیکو نتوانی خواند این سورهای
مخصوصه را یا طاقت خواندن نداشته باشی پس سوره حمد را صد نوبت و آیة الکرسی را ده نوبت
و قل هو الله احد را هزار نوبت بخوان و من در بعضی از روایات دیدم که سوره قل هو الله احد
صد مرتبه مجزیست و این روایت بحال ضرورت یا سفر یا بیمی دیگر از مهمات محمول است پس حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام در یکی از روایات فرمود که چون فارغ شدی از خواندن اینها بخوان
این دعا را رو بقبله بسم الله الرحمن الرحیم صدق الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم
ذو الجلال و الاکرام الرحمن الرحیم الحلیم الکریم الذی لیس کمثله شیء و هو السمیع العلیم
البصیر الخبیر شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزیز الحکیم و بلغت رسله الکرام و انا علی ذلک من الشاهدین اللهم لک الحمد و لک
المجد و لک العز و لک الفخر و لک النعمة و لک العظمة و لک الرحمة و لک المهابة و لک
السلطان و لک البهاء و لک الامتنان و لک التسبیح و لک التقدیس و لک التهلیل
و لک التکبیر و لک ما یری و لک ما لا یری و لک ما فوق السموات العلی و لک ما تحت
الثری و لک الارضون السفلی و لک الآخرة و الاولی و لک ما ترضی به من الثناء و الحمد
و الشکر و النعماء اللهم صل علی جبرئیل امینک علی وحیک و القوی علی امرک و
المطاع فی سمواتک و محال کراماتک الناصر لانبیائک المدمر لاعدائک اللهم

صل علی میکائیل ملک رحمتک و المخلوق لرأفتک و المستغفر المعین لاهل طاعتک
اللهم صل علی اسرافیل حامل عرشک و صاحب الصور المنتظر لامرک و الوجل المشفق
من خیفتک اللهم صل علی عزرائیل قابض ارواح عبادک جمیع خلقک اللهم صل
علی حملة العرش الطاهرین و علی السفرة الکرام البررة الطیبین و علی ملائکتک الکرام الکاتبین
و علی ملائکة الجنان و خزنة النیران و ملک الموت و الاعوان یا ذا الجلال و الاکرام اللهم
صل علی ابینا آدم علیه السلام بدیع فطرتک الذی کرمته بسجود ملائکتک و ابحته
جنتک اللهم صل علی امنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس
المترددة بین محال القدس اللهم صل علی هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح
و ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و یوسف و الاسباط و لوط و شعیب و ایوب و موسی
و هارون و یوشع و میشا و الخضر و ذی القرنین و یونس و الیاس و الیسع و ذی الکفل
و طالوت و داود و سلیمان و زکریا و شعیا و یحیی و تورخ و ارمیا و حیقوق و دانیال
و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس و الحواریین و الاتباع و خالد و حنظلة اللهم
صل علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد کما صلیت
و رحمت و بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید اللهم صل علی الاوصیاء
و السعداء و ائمة الهدی اللهم صل علی الابدال و الاوتاد و السیاح و العباد و
المخلصین و الزهاد و اهل الجد و الاجتهاد و اخصص محمدا و اهل بیته بافضل صلواتک
و اجزل کراماتک و بلغ روحه و جسده منی تحیة و سلاما و زده فضلا و شرفا
و کرما حتی تبلغه اعلی درجات اهل الشرف من النبیین و المرسلین و الافاضل
المقربین اللهم و صل علی من سمیت و من لم اسم من ملائکتک و انبیائک و رسلک
و اهل طاعتک و اوصل صلواتی الیهم و الی ارواحهم و اجعلهم اخوانی فیک و اعوانی
علی دعائک اللهم انی استشفع بک الیک و بکرمک و بجودک الی جودک و برحمتک الی

الی کرملک

برحمتك وباهل طاعتك اليك اللهم بكل ما سالك به احد منهم من مسئلة شريفة
غير مردودة وبما دعوك به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم
يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا مبير
يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر
يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ يا مجير يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ
يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد
يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح
يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا نفاع يا رءوف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا مكافي
يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد
يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادئ يا متعالي يا مصور
يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا باري يا بار يا سار يا عدل يا فاصل
يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا بديع يا خفير يا معين يا ناشر يا غافر يا قديم
يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني
يا خالق يا راصد يا واحد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض ودر
بعض روايات ابن ذياد في نيزهت يا منيب يا مبين يا ظاهر يا مجيب يا متفضل يا مستجيب
يا عادل يا بصير يا مؤمل يا مبدئ يا اواب يا وافي يا راصد يا مالك يا رب يا مذل يا معز
يا ماجد يا رازق يا ولي يا فاضل يا سبحان يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من
قرب فدنى وبعد فنأى وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير ويا من
العسير عليه سهل يسير ويا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح
يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات يا شامل
يا رازق من يشاء ويا فاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم

يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا انت بديع السموات والارض يا الهي
صل على محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت
وترحمت على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي
ووحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي عليك وتضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع
الذليل الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير المقر بذنبه
المستغفر منه المستكين لربه دعاء من اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت
فجيعته دعاء حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم واسالك
بانك مليك وانك ما تشاء من امر يكون وانك على ما تشاء قدير واسالك بحرمة
هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشعر الحرام والمشاعر
العظام وبحق نبيك محمد عليه واله السلام يا من وهب لادم شيثا ولابرهيم اسمعيل
واسحق يا من رد يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى
على امه ويا زائد الخضر في علمه ويا من وهب لداود سليمان ولزكريا يحيى ولمريم
عيسى يا حافظ بنت شعيب ويا كافل ولد ام موسى اسالك ان تصلي على محمد
وال محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني من عذابك وتوجب لي رضوانك
وامانك واحسانك وغفرانك وجنانك واسالك ان تفك عني كل حلقة
بيني وبين من يؤذيني وتفتح لي كل باب وتلين لي كل صعب وتسهل لي كل
عسير وتخرس عني كل ناطق بشر وتكف عني كل باغ وتكبت عني كل عدو لي وحاسد
وتمنع عني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول بيني وبين ولدي ويحاول ان يفرق
بيني وبين طاعتك ويثبطني عن عبادتك يا من الجم الجن المتمردين وقهر عتاة الشياطين
واذل رقاب المتجبرين ورد كيد المتسلطين عن المستضعفين اسالك بقدرتك
على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء كيف تشاء ان تجعل قضاء حاجتي فيما تشاء

پس سجده کن بر خاک و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و بگو اللّهمّ لک سجدت
و بک آمنت فارحم ذلّی و فاقتی و اجتهادی و تضرّعی و مسکنتی و فقری الیک یا ربّ
و سعی کن که آب از دیدهای تو بیرون آید اگر چه بقدر سر مگسی باشد که این علامت اجابت
دعاست پس سید گوید که این دعای سجده در یکی از روایات وارد شده است و هرگاه
محل استجابت دعا سجده باشد پس سزاوارست که احتیاط در دعا این سجده بعمل آید و اذکاری
که برای این سجده در روایات دیگر وارد شده است نیز خوانده شود پس در روایات دیگر
وارد شده است که حضرت بام داود فرمود که بعد از دعا سجده کن بر خاک و پهلوهای روی
خود را بر خاک بگذار و بگو اللّهمّ لک سجدت و بک آمنت و علیک توکّلت فارحم
ذلّی و کبوّی لحرّ وجهی و فقری و فاقتی و سعی کن در دعا که آب از چشمهات بیرون آید
اگر چه بقدر سر سوزنی باشد که این علامت اجابت دعاست و در روایت دیگر وارد
شده است که بام داود فرمود که پس سجده کن بر خاک و پهلوهای روی خود را بر خاک
بگذار و بگو اللّهمّ لک سجدت و بک آمنت فارحم ذلّی و خضوعی بین یدیک
و فقری و فاقتی الیک و ارحم انفرادی و خشوعی و اجتهادی بین یدیک و توکّلی
علیک اللّهمّ بک استفتح و بک استنجح و بمحمّد صلّی الله علیه و اله عبدک و رسولک
اتوجّه الیک اللّهمّ سهّل لی کلّ حزونة و ذلّل لی کلّ صعوبة و اعطنی من الخیر
اکثر ممّا ارجو و عافنی من الشرّ و اصرف عنّی السّوء پس بصلوات بگو یا قاضی حوائج
الطّالبین اقض حاجتی بلطفک یا خفیّ الالطاف پس حضرت فرمود که سعی کن که قطرات
اشک از دیدها جاری شود اگر چه بقدر سر سوزنی باشد بدرستی که علامت اجابت
دعا سوزش دل و ریختن اشک است و در روایت دیگر چنین است که پس سجده بر خاک
بکن و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و در سجده بگو اللّهمّ لک سجدت و لک
صلّیت و بک آمنت و علیک توکّلت و ارحم ذلّی و فاقتی و خضوعی و ذلّی و انفرادی
و مسکنتی و فقری و کبوّی و لوجهک و الیک یا ربّ یا ربّ و سعی کن که قطرات اشک
از دیدهایت جاری شود اگر چه بقدر سر مگسی باشد که علامت اجابت دعا سوزش دل
و ریختن اشک است مؤلف گوید که آنچه در بیان کیفیت این عمل شریف مذکور شد
مطابق است با روایات سید که در اقبال ذکر نموده و چون بعضی دیگر از علما مانند شیخ

وکفعمی

وکفعمی و علامه حلی رضی الله تعالی عنهم و غیر ایشان این عمل شریف را بطریق دیگر در کتب خود
ایراد کرده اند و روایات سید بعضی با بعضی مخالف و با روایات سایر علما در بعضی از خصوصیات
مخالفت تمام دارد لهذا لازم دانست که مواضع اختلاف را بطریق احتیاط در اینجا و بعضی از
فواید متعلقه باین مقام را مذکور نماید تا کسی که این عمل شریف را بجا آورد عارف بمجمل احکام
بوده باشد از خصوصیات این موهبت کبری محروم نگردد و امور مذکوره چند چیز است
اوّل وقت غسل این عمل در روایات سید وقت زوال واقع شده چنانچه دانستی و در
دیگر قریب بزوال مذکور است و احوط آنست که قبل از ظهر متصل بظهر واقع شود تا عمل بهر دو
روایت شده باشد و بدانکه ظاهر حال آنست که این غسل مجزی باشد از غسل روز جمعه بنا بر
احتمال اظهر چنانچه مذکور شد والله تعالی یعلم دوم وقت پوشیدن جامه پاک در روایات
سید مختلف است در بعضی قبل از نمازهای و در بعضی بعد از نماز عصر است و ظاهرا
این دو روایت محمول بر تخییر و اول افضل باشد و اگر جمع میان هر دو شود که دو جامه پوشد
یکی بعد از غسل و قبل از نمازها و یکی بعد از نماز عصر احوط است سیم وقت رفتن بخانه
خلوت در روایات سید بعد از نماز عصر واقع شده و شیخ در مصباح و کفعمی در جنة
الامان بعد از غسل ذکر نموده اند و روایت سید اصح است زیرا که اداء فرایض بجماعت خصوصا
در مساجد که محل اجتماع مسلمانانست افضل است چهارم در جنة الامان کفعمی و اکثر نسخ
مصباح شیخ زیاده از نماز ظهر و عصر نمازی و ذکری مذکور نیست حتی نوافل ظهرین نیز
ذکر نشده و ممکن است که ایشان بنوافل مراد باشد و عدم ذکر از راه ظهور آن باشد زیرا که
نوافل فرایض از لوازم است و ورع و تقوی مقتضی آنست که بی جهة شرعی ترک نشود و اگر ترک شود
قضا شود چنانچه در احادیث بسیار تاکید در این باب وارد شده است پس ایشان بنوافل
محتاج بتصریح نیست و در بعضی از نسخ مصباح چنین است که بعد از نماز ظهر هشت رکعت نماز
نافله عصر را بجا می آوری و بعد از آن دو رکعت نماز میکنی و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج
بار شهد الله انّه لا اله الّا هو و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الّا هو العزیز
الحکیم انّ الدّین عند الله الاسلام و ما اختلف الّذین اوتوا الکتاب الّا من بعد ما جاءهم
العلم بغیا بینهم و من یکفر بآیات الله فانّ الله سریع الحساب و صحیح آنست صد نوبت
یا قاضی حوائج الصّالحین میگوئی بعد از آن گفته که در روایت دیگر چنین است که بعد

نماز عصر را بجا می آورد و مخفی نماناد که عبارت این نسخه مصباح مشتبه و چندین احتمال دارد اول آنکه مراد
زیرا که صد نوبت خواندن یا قاضی حوائج الصالحین ممکن است که در دو رکعت نماز بعد از بیست و
پنج نوبت آیه شهد الله باشد یا بعد از اتمام نماز بلکه صد نوبت خوانده شود و احتمال آخر اظهر است
بقرینه روایت اقبال چنانچه گذشت و محتمل است روایت اخر که نقل نموده ممکن است که هفت
نوبت آیة الکرسی و صد نوبت یا قاضی حوائج السائلین در دو رکعت نماز مذکور بعوض
آیه شهد الله و یا قاضی حوائج الصالحین باشد یا هر دو و بعد از نماز یا آیة الکرسی در نماز
و صد نوبت یا قاضی حوائج السائلین بعد از نماز باشد و علامه حلی علیه الرحمه در کتاب
منهاج الصلاح در بیان کیفیت عمل مذکور از حضرت صادق علیه السلام چنین روایت کرده
که نزد زوال آفتاب غسل کن و هشت رکعت نافله ظهر را بکن با رکوع و سجود و قنوت نیکو و در
رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قل یا ایها
الکافرون و در رکعات دیگر بعد از حمد یکی از سوره‌های کوچک را بخوان پس نماز ظهر را
بجا آور با حدود و شرایطش و رکوع و سجودش را نیکو بکن پس هشت رکعت نافله عصر را بکن
با رکوع و سجود و قنوت نیکو و بعد از آن دو رکعت نماز بگذار و در هر رکعت بعد از حمد
آیه شهد الله انه لا اله الا هو را تا آخر بیست و پنج نوبت بخوان و صد نوبت یا قاضی حوائج
السائلین بگو پس نماز عصر را بکن و این کیفیت نزدیک است بکیفیتی که در نسخه آخر مصباح
مذکور است و صد مرتبه یا قاضی حوائج السائلین نیز ممکن است که در نماز باشد یا بعد
نماز و احتمال آخر اظهر است و بدانکه عمل بجمیع روایات با کثرت اختلافات و رعایت
جمیع شقوق و احتمالات متعسر و محتاج بتکرار بعضی از اعمالست که وقت بآن وفا نمی‌نماید
و ظاهر آنست که بنای اختلافات مذکوره بر تخییر باشد پس بهر یک که عمل شود نیکوست لیکن روایات
سید اصح و مواضع اختلاف اینها کمتر است پس بهتر آنست که عمل بروایات سید نمود و اگر
این عمل را با این نحو بجا آورد که متصل بظهر غسل کند و جامه پاکی بپوشد و هشت رکعت
نافله ظهر را با رکوع و سجود و قنوت نیکو و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد
و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون و در باقی سوره کوچکی و بعد از آن نماز ظهر با آداب
و شرایط و بعد از آن دو رکعت نماز با حمد و هر سوره که خواهد پس صد نوبت یا قاضی دیگر
حوائج الطالبین پس هشت رکعت نافله عصر با رکوع و سجود و قنوت نیکو پس دو رکعت نماز

در هر رکعت

در هر رکعت بعد از حمد آیه شهد الله بیست و پنج نوبت و بعد از این نماز صد مرتبه یا قاضی حوائج السائلین
و صد مرتبه یا قاضی حوائج الصالحین و هفت نوبت آیة الکرسی و بعد از آن نماز عصر را بجا آورد
و جامه پاک دیگر بپوشد و در خانه تنهائی بر روی حصیر پاکی رو بقبله بنشیند و صد مرتبه سوره
حمد و صد مرتبه قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخواند پس سوره انعام را با باقی سوره‌ها چنانچه
سید ذکر نموده بخواند و چون در بعضی از نسخ اقبال بعد از سوره لقمان سوره الم سجده و در
بعضی از نسخ مصباح بعد از سوره ن و القلم چنین است که در بعضی از روایات سوره هل اتی نیز
وارد شده است اگر این دو سوره نیز خوانده شود بهتر است و در روایت دیگر وارد شده است که
پیش از حمد صد مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و بعد از آیة الکرسی
صد مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و اگر آیة الکرسی نیز درست تواند خواند صد مرتبه
سوره حمد و هزار مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از آن تمام دعا را بخواند و در سجده نیز دعاهائی
که در روایات سید وارد شده است بخواند عمل باکثر روایات و احتمالات ظاهر کرده خواهد بود
والله تعالی یعلم **تتمه** بدانکه در آخر حکایت ام داود موافق بعضی از روایات مذکور است که ام داود
بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که ای سید و آقای من آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان
خواند حضرت فرمود بلی در روز عرفه خواندن آن نیکوست و اگر روز عرفه با روز جمعه موافق افتد
صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را بیامرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آن ماه را روزه
بدارد و روز پانزدهم این دعا را بخواند بنحوی که ذکر کردیم حاجتش برآورده میشود و در روایت دیگر
وارد شده که در روز عرفه و هر روز که این دعا را بخواند برآورده میشود **مؤلف گوید** که از این احادیث
ظاهر میشود که این عمل از اعمال مخصوصه ماه رجب نیست بلکه در ایام البیض هر ماه و سایر ایام متبرکه
مانند عرفه بلکه سایر ایام میتوان بجا آورد و در روایتی که بدون روزه خوب باشد بلکه خواندن
این دعا بتنهائی بدون سایر اعمال خوب باشد و جد علامه‌ام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه
در کتاب زاد المعاد ذکر نموده که هرگاه در غیر اشهر حرم که ذی القعده و ذی الحجه و محرم و رجب است
این دعا را کسی خواند بجای بحرمة هذا الشهر الحرام بگوید بحرمة الشهر الحرام و هذا ابتدا از
بهتر است والله تعالی یعلم **تابع** بدانکه در روایت تلعکبری از حضرت صادق علیه السلام
چنانچه علامه علیه الرحمه در کتاب منهاج الصلاح نقل نموده مذکور است که مادر داود فاطمه بنت
عبدالله بن ابراهیم بوده است و کفعمی در حواشی جنة الامان نیز چنین نقل نموده است که

وسید ابن طاوس طاب ثراه در اقبال از جمعی از علمای انساب نقل نموده که او کنیز ام ولدی بوده
معروف بام خالد و بربریه بوده یعنی از طوایف اهل مغرب بوده است و در مصباح الزایر گفته است
که او کنیز ام ولد حسن مثنی رضی الله عنه بوده و اسم او حبیبه و کنیه او ام خالد و بربریه بوده و
بعضی گفته اند که رومیه بوده است و چون ام داود جده سید ابن طاوس است چنانچه در اقبال
و مصباح الزایر مذکور است و سید تتبع تامی در این باب نموده شاید قول سید اصح باشد
والله تعالی یعلم **تتمه** زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سید ابن طاوس قدس الله لطیفه
و دیگران بسندهای صحیح و غیر صحیح از ابن ابی نصر روایت کرده اند که از حضرت امام رضا علیه السلم
سؤال نمود که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در چه وقت بهتر است فرمود که در نصف رجب
و نصف شعبان **مؤلف گوید** که محتمل است که روز نصف رجب و نصف شعبان یا شب نصف
مراد باشد و اکثر علما حمل بر احتمال اول نموده اند و ان اظهر است و اما کیفیت زیارت پس شیخ
مفید قدس الله روحه در بعضی از مولفات خود ذکر نموده است که از زیارات مخصوصه زیارت نصف
رجب است که اول غسل میباید کرد پس چون این زیارت را اراده نمائی و داخل صحن مقدس شوی
پس داخل روضه شو و سه مرتبه الله اکبر بگو و رو بقبر مبارک بایست **و بگو** السلام علیکم یا آل الله
السلام علیکم یا صفوة الله السلام علیکم یا سادة السادات السلام علیکم یا لیوث
الغابات السلام علیکم یا سفن النجاة السلام علیک یا ابا عبد الله الحسین السلام
علیک یا وارث علم الانبیاء و رحمة الله و برکاته السلام علیک یا وارث اسمعیل
ذبیح الله السلام علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله
السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک یا ابن محمد المصطفی السلام
علیک یا ابن علی المرتضی السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء السلام علیک یا ابن
خدیجة الکبری السلام علیک یا شهید ابن الشهید السلام علیک یا قتیل ابن القتیل
السلام علیک یا ولی الله و ابن ولیه السلام علیک یا حجة الله و ابن حجته
علی خلقه اشهد انک قد اقمت الصلوة و اتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن
المنکر و رزقت بالذلک و جاهدت عدوک و اشهد انک تسمع الکلام و ترد الجواب
و انک حبیب الله و خلیله و نجیبه و صفیه و ابن صفیه یا مولای زدنک مشتاقا

در نصف رجب و نصف شعبان زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بخوانند

علی البیوت

ثم

فکن لی شفیعا الی الله یا سیدی و استشفع الی الله بجدک سید النبیین و بابیک سید
الوصیین و بامک فاطمة سیدة نساء العالمین الا لعن الله قاتلیک و لعن الله ظالمیک
و لعن الله سالبیک و مبغضیک من الاولین و الاخرین و صلی الله علی سیدنا و نبینا
محمد و آله الطیبین الطاهرین **پس** ضریح مبارک را ببوس و متوجه شو بسوی علی بن الحسین علیهما السلام
و او را باین زیارت زیارت کن السلام علیک یا مولای و ابن مولای لعن الله قاتلیک
و لعن الله ظالمیک انی اتقرب الی الله بزیارتکم و بمحبتکم و ابرء الی الله من اعدائکم و السلام
علیک یا مولای و رحمة الله و برکاته پس برو بنزد پای قبور شهدا و بایست و بگو السلام
علی الارواح المنیخة بقبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام السلام علیکم یا طاهرین من
الدنس السلام علیکم یا مهدیون السلام علیکم یا ابرار الله السلام علیکم و علی
الملائکة الحافین بقبورکم اجمعین جمعنا الله و ایاکم فی مستقر رحمته و تحت عرشه
انه ارحم الراحمین و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته پس برو بجانب قبر عباس بن امیر المؤمنین
علیهما السلام و برو در قبه بایست و بگو سلام الله و سلام ملائکته المقربین و انبیائه
المرسلین و عباده الصالحین و جمیع الشهداء و الصدیقین و الزاکیات الطیبات
فیما تغتدی و تروح علیک یا ابن امیر المؤمنین اشهد لک بالتسلیم و التصدیق و
الوفاء و النصیحة لخلف النبی صلی الله علیه و آله المرسل و السبط المنتجب و الدلیل
العالم و الوصی المبلغ و المظلوم المهتضم فجزاک الله عن رسوله و عن امیر المؤمنین
و عن الحسن و الحسین صلوات الله علیهم افضل الجزاء بما صبرت و احتسبت و اعنت
فنعم عقبی الدار لعن الله من قتلک و لعن الله من جهل حقک و استخف بحرمتک و لعن الله
من حال بینک و بین ماء الفرات اشهد انک قتلت مظلوما و ان الله منجز لکم ما وعدکم
جئتک یا ابن امیر المؤمنین وافدا الیکم و قلبی مسلم و تابع و انا لکم تابع و نصرتی لکم
معدة حتی یحکم الله و هو خیر الحاکمین فمعکم معکم لا مع عدوکم انی بکم

وَبِآبائِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمَنْ خالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكافِرِينَ قَتَلَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْاَيْدي
وَالْاَلْسُنِ **مولف گوید** که این زیارت را غفیله می نامند بجهة آنکه اکثر مردم از فضیلت و
ثواب آن غافل میباشند و باین جهت از این موهبت کبری و عطیه عظمی محروم میگردند
و بدانکه ظاهر کلام شیخ مفید آنست که این زیارت برای خصوص این روز منقول باشد و کفعمی
در جنة الامان زیارت طولانی اول رجب را که سابق مذکور شد برای روز نیمه نقل نموده
و سید ابن طاوس طاب ثراه در مصباح الزائر و اقبال گفته که واقف نشدم بر زیارت مخصوصی
برای این روز پس بهتر آنست که زیارت جامعه مخصوصه ماه رجب یا سایر زیارات مطلقه
منقوله خوانده شود و قول سید اصح و اقوی است زیرا که زیارتی که شیخ مفید علیه الرحمة
ذکر نموده است زیارتی است که جابر بن عبد الله انصاری رضی الله عنه در روز اربعین
آنحضرت را بآن زیارت نموده و ظاهرا چون اصل زیارت در این روز ثواب عظیم دارد جناب شیخ
مذکور شد و زیارت مخصوصی نقل نشده و این زیارت با وجود اختصار فصاحت و
بلاغت دارد شیخ اختیار نموده است والله تعالی عالم و اگر کسی در بلاد بعیده باشد بزیارت
بعیدی که مذکور شد یا سایر زیارات بعیده زیارت نماید **شب شانزدهم و شب هفدهم** سید در
کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله سی رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام در هر
رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده نوبت روایت نموده مانند شب پانزدهم در کیفیت
و ثواب **مولف گوید** که کفعمی در جنة الامان نیز در این دو شب سوره قل هو الله احد را
یازده مرتبه نقل نموده و گویا سهو نموده و جهت سهو در شب پانزدهم مذکور شد و بخط جد علامه ام
مولانا محمد تقی علیه الرحمه سوره این دو موضع با اقبال موافق است **شب هجدهم** سید در کتاب
مذکور از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب دو رکعت نماز
بکند و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را
هر یک ده نوبت بخواند چون فارغ شود حق تعالی بملائکه فرماید که اگر گناهان این مرد زیاده
از گناهان عشارین باشد که او را باین نماز آمرزیدم و بگردانید میان او و آتش جهنم شش خندق
که هر خندقی بقدر میان آسمان و زمین باشد **مولف گوید** که کفعمی علیه الرحمه در جنة الامان
سوره قل هو الله احد را یک مرتبه ذکر نموده است **روز هجدهم** شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب
مصباح گفته است که وفات ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله در این روز بوده و جد

علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه در کتاب زاد المعاد گفته است که باین جهت در
این روز حزن و اندوه و لعن بر آنها که در این مصیبت شماتت کردند مناسب است خصوصا
عایشه علیها اللعنة **شب نوزدهم** سید در کتاب مذکور از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت
نموده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد
آیة الکرسی و سوره قل هو الله احد را هر یک پانزده نوبت بخواند عطا فرماید حق تعالی باو ثوابی
مانند ثواب حضرت موسی علیه السلام و از برای او بعوض هر حرفی ثواب شهیدی باشد و حق تعالی
با ملائکه بشارت برای او فرستد او را ملائکه رسوا نکنند و او را در موقف قیامت دو نیم
حساب نفرماید او را داخل بهشت گرداند او را بی حساب و چون در برابر حق تعالی در موقف
قیامت بایستد باو خطاب فرماید که ای بنده من مترس و اندوهناک مباش که من از تو
خوشنودم و بهشت برای تو مباح است **شب بیستم** سید در کتاب مذکور از حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب دو رکعت نماز کند و در هر
رکعت بعد از حمد سوره انا انزلناه پنج نوبت بخواند عطا فرماید باو حق تعالی ثواب حضرت ابرهیم
و موسی و یحیی و عیسی علیهم السلام را و هر که این نماز را بکند ضرر نرساند باو هیچ بلائی از جن و
انس و حق تعالی باو نظر رحمت کند **شب بیست و یکم** سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله
علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب شش رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعتی بعد از حمد سوره انا اعطینا و قل هو الله احد را هر یک ده نوبت بخواند حق تعالی
امر فرماید ملائکه کرام کاتبین اعمال را که تا یکسال بر او هیچ گناهی ننویسند و حسنات بنویسند
برای او پس فرمود که قسم بخداوندی که نفس من در قبضه قدرت اوست و مرا بحق و راستی به پیغمبری
فرستاده است که هر که دوست دارد مرا و خدا را و این نماز را بجا آورد و اگر ایستاده عاجز باشد
نشسته بکند پس حق تعالی مباهات میفرماید باو بملائکه خود و میگوید که آمرزیدم او را **روز**
بیستم شیخ طوسی در مصباح از ابن عیاش نقل نموده است که در این روز حضرت فاطمه
زهرا صلوات الله علیها بعالم بقا ارتحال نمود و جد علامه ام قدس الله روحه در کتاب زاد
المعاد گفته که این قول اگر چه خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان آن جگر گوشه حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله که عمده آنها عمر ابن الخطاب علیه اللعنة و العذاب است و زیارت آنحضرت
احتیاطا مناسب است **مولف گوید** که این قول بعید است و وجه بعد آن این است که اکثر علما

شیعه را اعتقاد آنست که حضرت رسالت صلی الله علیه وآله در بیست و هشتم صفر بعالم بقا
ارتحال فرمود و احادیث معتبره بسیار دلالت میکند بر آنکه حضرت فاطمه صلوات الله علیها
هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله در حیات بود بنا بر این باید که وفات
یا رحلت حضرت فاطمه علیها السلام در اوایل ماه جمادی الاول واقع شده باشد و اکثر
علمای امامیه سیم ماه جمادی الثانیه گفته اند و اقوال دیگر نیز هست که در مواضع خود مذکور خواهد شد
و هم بعید است و بدانکه زیارت مخصوصی از دور برای حضرت فاطمه صلوات الله علیها وارد نشده
بلکه بغیر از حضرت رسالت و حضرت امام حسین و حضرت صاحب الامر برای سایر ائمه علیهم السلام
از دور زیارت مخصوصی وارد نشده و این حقیر تفصیل این مطالب را در رساله وسیلة النجاح
ذکر نموده ام بنا بر این زایر بهر لفظی که خود تالیف نماید آنحضرت را زیارت میتواند نمود مانند آنکه بگوید
السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ وَخَیْرَ خَلْقِهِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا زَوْجَةَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ
وَضَجیعَتَهُ وَکُفْوَهُ السَّلامُ عَلَیْکِ یا اُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ سَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ
اَجْمَعینَ السَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَةَ الزَّهْراءَ سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمینَ صَلَّی اللهُ عَلَیْکِ وَ
عَلی اَبیکِ وَعَلی زَوْجِکِ وَعَلی بَنیکِ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَکِ وَآذاکِ وَجَفاکِ وَغَصَبَ حَقَّکِ
وَعَذَّبَهُمْ عَذاباً اَلیماً و اگر قبل از زیارت دو رکعت نماز بکند بهتر است چنانچه در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است که کسی که ناحیه اش بعید و خانه اش
دور باشد از ما پس بالا رود ببام خانه خود و دو رکعت نماز بکند و اشاره کند بسوی
قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و چون زیارت مخصوصی برای آنحضرت در این روز از دور
نیز وارد نشده اگر کسی در نزد مرقد منور آن بزرگوار حاضر باشد بزیارات مطلقه
منقوله یا بزیارت جامعه که در خصوص ایشان وارد شده و سابق گذشت زیارت نماید
والله تعالی یعلم شب بیست و دوم سید در کتاب مذکور از حضرت خاتم المرسلین صلی الله
علیه و آله اجمعین روایت کرده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز بکند هر دو رکعت
بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون هفت نوبت و بعد از نماز
ده مرتبه صلوات بر آنحضرت و آل او بفرستد و ده نوبت استغفار کند بیرون نرود از دنیا
تا جای خود را در بهشت ببیند و بر مذهب اسلام بمیرد و برای او ثواب هفتاد پیغمبر باشد
مؤلف گوید که کفعمی علیه الرحمه در جنة الامان بعد از نماز ده مرتبه صلوات و سلام بر آنحضرت

و آل او هر دو را ذکر نموده است پس اگر اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ یا امثال آن که مشتمل بر صلوات
و سلام هر دو باشد گفته شود بهتر است و در استغفار بلفظ اَسْتَغْفِرُ اللهَ کافی و اَسْتَغْفِرُ اللهَ
رَبّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ اکمل است روز بیست و دوم شیخ مفید و شیخ طوسی علیهما الرحمه گفته اند که در این
روز معویه علیه اللعنه بجحیم واصل شد و والد علامه ام در کتاب ذریعة النجاح وجد علامه ام
در کتاب زاد المعاد گفته اند که باین جهت سزاوار است که این روز را روز عیش و سرور خود
دانسته شکر این هلاکت آن ملعون ازل و ابد و مطرود درگاه احد صمد این روز مبارک
صیام نیز ادا روزه بدارد شب بیست و سیم سید در کتاب مذکور از حضرت خاتم الانبیاء
علیه و آله التحیة والثناء روایت کرده است که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعت
بعد از حمد سوره والضحی پنج نوبت عطا فرماید باو حق تعالی بعدد هر حرفی که خوانده است
و عدد هر مرده کافر و زن کافر که در دنیا بوجود آمده درجه در بهشت او را و بدهد باو ثواب
هفتاد حج را و ثواب کسی که تشییع هزار جنازه کرده باشد و ثواب کسی که بعیادت هزار مریض
رفته باشد و ثواب کسی که هزار حاجت برادران مؤمن را بر آورده باشد روز بیست و سیم
شیخ طوسی در مصباح و دیگران گفته اند که در این روز خارجیان بخنجر زهر آلود بر ران مبارک
حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه زدند وجد علامه ام طاب ثراه در زاد المعاد
گفته است که باین جهت در این روز لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسب است شب
بیست و چهارم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است
که هر که در این شب چهل رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد
آیة امن الرسول را یکنوبت و سوره قل هو الله احد را یکنوبت بخواند حق تعالی بنویسد برای او
هزار حسنه و محو کند از او هزار سیئه و بلند گرداند برای او هزار درجه و فرود آیند از آسمان
هزار ملک در حالتی که دستها را بر داشته صلوات بر او فرستند و روزی کنند او را حق
سلامتی در دنیا و آخرت را و چنان باشد که شب قدر را دریافته باشد مؤلف گوید که در
این موضع نیز کفعمی علیه الرحمه در جنة الامان سهو نموده و اکتفا بسوره قل هو الله احد نموده و آیه
امن الرسول را نقل ننموده است وجد علامه ام مولانا محمد تقی علیه الرحمه باسند مطابق نقل
نموده است روز بیست و چهارم شیخ طوسی در مصباح و سید ابن طاوس در اقبال
و دیگران نقل نموده اند که در این روز فتح خیبر بر دست معجز نمای اسد الله الغالب علی بن

ابی طالب صلوات الله علیه جاری شد و مرحب یهودی بدست انحضرت کشته شد وجد علامه طاب ثراه
در زاد المعاد گفته که علما گفته اند که روزه این روز بشکر این نعمت و زیارت انحضرت مستحب است
مولف گوید که چون زیارت مخصوصی برای انحضرت از ائمه منقول نیست چنانچه سابق
مذکور شد پس زایر هر لفظی که تالیف نماید مانند انکه بگوید السلام علیک یا امیر المؤمنین
السلام علیک یا امام المتقین السلام علیک و رحمة الله و برکاته خوب است
و اگر در روز در مرقد مطهر حاضر باشد بزیارات مطلقه منقوله یا بزیارت جامعه که در خصوص
ائمه وارد شده و بیشتر گذشت زیارت نماید والله تعالی یعلم **شب بیست و هفتم** سید در کتاب
مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه واله روایت کرده است که هر که در این شب دوازده رکعت
نماز ما بین نماز مغرب و عشا بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد ایة
امن الرسول یکنوبت و سوره قل هو الله احد یکنوبت حق تعالی حفظ کند او را در نفس و اهل
و دین و مال و دنیا و اخرت او و برنخیزد از جای خود تا او را بیامرزد **مولف گوید** که کفعمی علیه الرحمه
در جنة الامان در این موضع برعکس سابق اکتفا بایه اخر امن الرسول نموده و سوره قل هو الله احد را
ذکر نکرده است **روز بیست و هفتم** مشهور میان علما چنانچه شیخ در مصباح و دیگران نقل نموده اند
انست که وفات حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه در این روز بوده است و باین جهت
زیارت انحضرت در این روز از نزدیک و دور مناسب است و سید ابن طاوس علیه الرحمه
در اقبال گفته که ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب مقنع و کتاب مرشد و صاحب کتاب
دستور المذکرین گفته اند که در این روز حضرت رسالت صلی الله علیه واله مبعوث بر رسالت
گردید پس هر که روزه دارد این روز را کفاره دویست سال گناه او باشد و این قول ضعیف است
چه تمام علمای شیعه رضوان الله علیهم روز بیست و هفتم را روز مبعث میدانند چنانچه
در احادیث معتبره بسیار وارد شده است و بعد از این مذکور خواهد شد و سید
در جمع میان این دو قول گفته است که ممکن است که بشارت به بعثت انحضرت در این روز
و اصل بعثت در روز بیست و هفتم باشد و بر هر تقدیر روزه این روز فضیلت عظیم دارد
چنانچه این دو بزرگوار نقل نموده اند و شیخ در مصباح نیز گفته است که در روایتی وارد
شده است که هر که روزه دارد این روز را کفاره دویست سال گناه او باشد و سید
در اقبال بسند بسیار معتبر از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است

که هر که این روز را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره هفتاد سال گناه گرداند و والد علامه
رحمه الله تعالی در کتاب ذریعة النجاح گفته که ممکن است که اختلاف عدد در سال گناه از اشتباه
یکی از رواة ناشی شده باشد یا باعتبار اختلاف حال مردم در رعایت اداب و شرایط روزه
و اختلاف مراتب خلوص نیت مردم باشد پس حدیث اول نسبت بجمعی و حدیث دوم نسبت بجماعت
دیگر باشد یا انکه عدد هفتاد در حدیث دوم کنایه از کثرت باشد و خصوص عدد در ان مراد نباشد
چنانچه مفسرین در ایه کریمه ان تستغفر لهم سبعین مرة گفته اند یا گوئیم که در حدیث اول مدح
از زیاده نشده پس منافات با حدیث ثانی ندارد و این خالی از بعدی نیست والله تعالی یعلم **شب بیست و**
ششم سید در کتاب مذکور از سید کائنات صلی الله علیه واله روایت کرده است که هر که در این شب
دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد چهل نوبت
مصافحه کنند با او ملائکه و کسی که ملائکه با او مصافحه کنند ایمن گردد از وقوف بر صراط و حساب
و میزان و بفرستد حق تعالی بسوی او هفتاد ملک که استغفار نمایند برای او و بنویسند ثواب
و تهلیل کنند برای او و هر وقت که از مکان خود حرکت کند تا صبح ان هفتاد ملک گویند که
خداوندا این بنده را بیامرز **مولف گوید** که در جنة الامان سوره حمد در این نماز مذکور نیست
و گویا نزد ایشان از راه ظهور باشد چون در هر نمازی خواندن سوره حمد البته لازم است و بخط
جد علامه مولانا محمد تقی مجلسی طاب ثراه چنان است که در روایتی سوره قل هو الله احد چهار مرتبه
در این نماز وارد شده است والله تعالی یعلم **روز بیست و ششم** شیخ طوسی در مصباح از ابن عباس
نقل نموده است که در این روز حضرت ابوطالب علیه السلام از دنیا رحلت نمود و روزه این روز
فضیلت عظیم دارد چنانچه سید ابن طاوس طاب ثراه در اقبال از حضرت امام رضا علیه السلام
روایت کرده است که هر که روزه دارد این روز را حق تعالی روزه او را کفاره هشتاد سال
گناه او گرداند **شب بیست و هفتم** این شبی است بسیار متبرک و عبادت در ان ثواب عظیم دارد
و ابن فهد علیه الرحمه در کتاب عدة الداعی گفته که دعا در این شب مستجاب و بعضی معراج حضرت
رسالت صلی الله علیه واله را در این شب نقل کرده اند و احادیث بسیار در باب عظم شان
و فضیلت ان وارد شده است و در ضمن اعمال بیان خواهد شد و اعمال ان چند چیز است **اول**
شیخ طوسی علیه الرحمه در مصباح و علامه طاب ثراه در منهاج الصلاح و سید ابن باقی در اختیار
گفته اند که غسل در این شب مستحب است **مولف گوید** که در این باب حدیثی بنظر نرسید لهذا سید ابن

و دیگران هم نقل نکرده اند **دوم** سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است
که هر که در این شب دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره
سبح اسم ربك الاعلی و انا انزلناه را هر یک ده نوبت بخواند و چون فارغ شود صد نوبت صلوات
بر آنحضرت و آل او بفرستد و صد نوبت استغفار کند حق تعالی بنویسد برای او ثواب ملائکه را
مؤلف گوید که در جنة الامان صلوات و سلام بر آنحضرت و آل او هر دو مذکور است پس
بهتر آنست که لفظ مشتمل بر صلوات و سلام هر دو گفته شود **سیم** سید ابن طاوس در اقبال
بسندهای معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت کرده اند که در ماه رجب شبی هست
که بهتر است برای مردم از آنچه آفتاب بر آن تابیده است و آن شب بیست و هفتم ایماه است و در صبح آن
حضرت رسول صلی الله علیه و آله برسالت مبعوث شده و برای عمل کننده در این شب از شیعیان ما
ثواب عمل شصت سالست پرسیدند که عمل این شب چیست فرمود که چون نماز عشا را بکنی و بخوابی
و از خواب استراحت کنی پس بیدار شوی در هر ساعتی از ساعتهای شب که باشد پیش از نصف شب یا بعد از
نصف شب دوازده رکعت نماز بگذارد در هر رکعت بعد از حمد سوره کوچکی از سورهای مفصل
که ما بعد یس تا آخر قرآنست بخوان پس چون سلام بگوئی بعد از هر دو رکعت بنشین و بخوان حمد
و معوذتین و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی هر یک را هفت نوبت
و بعد از آن این دعا را **بخوان** الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ
فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ عِزِّكَ
عَلَى أَرْكَانِ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَبِذِكْرِكَ
الْأَجَلِّ الْأَعْلَى الْأَعْلَى الْأَعْلَى وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ پس هر حاجت که خواهی بطلب که هر چه طلبی
مستجاب میشود مگر آنکه دعای بطلبی یا قطع رحمی یا هلاک جمعی از مومنان را طلب کنی و روز آنرا
روزه بدار که از برای تو حساب میشود بروزه یکسال **مؤلف گوید** که شیخ طوسی در مصباح
و کفعمی در جنة الامان و سید ابن باقی در اختیار نیز این روایت را بسند مرسل نقل نموده اند
و در روایت ایشان پیش از نصف شب وارد شده و بعد از معوذتین سوره قل هو الله احد نیز
هفت نوبت واقع شده و سید در مصباح الزائر این روایت را با ایشان مطابق نقل نموده و القصه
ظاهر عبارت کفعمی آنست که سورهای مذکوره با دعای مذکور بعد از تمام دوازده رکعت خوانده

شود

59

شود نیز بعد از هر دو رکعت و در روایت اقبال اصح است لیکن اگر کسی این نماز را قبل از نصف شب بکند
و بعد از هر دو رکعت سوره مذکوره را با دعای مذکور بخواند و قل هو الله احد را نیز هفت نوبت
بعد از معوذتین بخواند عمل بهمه طرق کرده خواهد بود **چهارم** شیخ طوسی رحمه الله در مصباح و سید ابن
طاوس در اقبال از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه و علامه علیه الرحمه در منهاج الصلاح
مرسلا روایت کرده اند که در شب بیست و هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز
بکن هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد هر یک از سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس و قل هو الله احد را چهار نوبت بخوان و چون از دوازده رکعت فارغ شوی در همان مکان
چهار مرتبه بگو لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ پس هر حاجت که خواهی بطلب **پنجم** ایضا دوازده رکعت نماز با بعضی از سور قرآنی و
اذکار بعد از آن که شیخ طوسی در مصباح از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که بداود ابن سرحان
تعلیم فرموده که در شب نیمه رجب بجا آورد و در آخر آن مذکور است که در شب بیست و هفتم ایماه
نیز این عمل را بهمین نحو بجا می آوری و این روایت در شب نیمه مذکور شد **مؤلف گوید** که شیخ در مصباح
بعد از نقل روایت داود بن سرحان گفته که ابن ابی عمیر گفته است که در روایت دیگر سور قرآنی و اذکار
بعد از دوازده رکعت بنحو دیگر وارد شده و ما آنرا در عمل شب نیمه ایماه مذکور ساختیم و ذکر نمودیم
که در روایت دوم مذکور نیست که این عمل مخصوص شب نیمه یا در شب بیست و هفتم نیز باید کرده شود
و احوط آنست که در هر دو شب کرده شود و بدانکه سید ابن طاوس در اقبال در شب نیمه روایت
داود بن سرحان را ذکر نموده و آخر آنرا که مذکور است که در شب بیست و هفتم نیز این عمل را
باین نحو بجا می آوری در روایت سید مذکور نیست و در شب بیست و هفتم در اقبال گفته است
که ما در شب نیمه رجب ذکر نمودیم حدیثی را که هرین بن عبد الله از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که در شب نیمه رجب دوازده رکعت نماز باید کرد بنحوی که ما ذکر نمودیم و
محمد بن علی طرازی گفته است که در شب بیست و هفتم رجب نیز این نماز را باید کرد و گفته است که
چون فارغ شوی در همان مکان که نشسته سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد
هر یک چهار نوبت بخوان پس چهار نوبت **بگو** اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا پس دعا کن بانچه
خواهی و مخفی نماناد که سید در این مقام دو اشتباه نموده است **اول** آنکه در شب نیمه بغیر روایت
داود بن سرحان روایتی را که مشتمل بر دوازده رکعت نماز باشد ذکر ننموده و در آن روایت اصلا نام

هریزبن عبدالله مذکور نیست دوم آنکه بر فرضی که سند اسم راوی را سهو نموده باشد سوره واذکار
بعد از دوازده رکعت را که از محمد بن علی طرازی نقل نموده مخالف است با آنچه در روایت داود بن سرحان
مذکور است و ممکن است که بناء کلام سید بر این باشد که آنچه در مصباح در روایت داود مذکور است
کرده نیست و هفتم نیز این عمل را بجامی آورد یا این تتمه جزو روایت داود نباشد بلکه از محمد بن علی
طرازی نقل کرده باشد و سوره واذکار بعد را مخالف با روایت داود نقل نموده باشد لهذا سید کلام
محمد بن علی طرازی را در اتمام ذکر نموده این نهایت توجیه کلام سید است در اتمام و تکلف و بعد
آن پوشیده نیست بر ذوی الافهام والله تعالی یعلم حقایق الاحکام **فایده** بدانکه دوازده رکعت
نماز به پنج شش طریق در این شب در روایت وارد شده چنانچه دانستی و ظاهر حال آنست که یک طریق
از ائمه معصوم فرموده باشد و اختلافات مذکوره از اشتباه رواة و عدم ضبط ایشان
ناشی باشد یا ادعیه خبر باشد میان این چند طریق و بهر یک که عمل نماید نیکو باشد و چون روایتی
که سید و شیخ و کفعمی علیهم الرحمه از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت کرده اند اصح طرق است
اگر بعمل بیاورد شاید بهتر باشد و اگر کسی قبل از نصف شب بیدار نبود دوازده رکعت نماز بدو رکعت
بیک سلام در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سوره سبح اسم و انا انزلناه هر یک ده مرتبه و معوذتین و قل هو الله احد
هر یک را چهار مرتبه بخواند و بعد از هر دو رکعت که سلام گوید سوره حمد و معوذتین و قل هو الله احد
و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی را هر یک هفت مرتبه بخواند و بعد از سلام آخر بعد از
نوبت هفتم آیة الکرسی در همان مکان که نشسته است صد نوبت صلوات و سلام بر رسول خدا
صلی الله علیه و آله بفرستد و صد نوبت استغفار کند پس این دعا را یک نوبت بخواند الحمد لله الذی
لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا
اللهم انی اسالک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و باسمک
الاعظم الاعظم الاعظم و بذکرک الاجل الاجل الاعلی الاعلی الاعلی و بکلماتک التامات
التی تمت صدقا و عدلا ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی ما انت اهله و اسالک
ما کان اوفی بعهدک و اقضی لحقک و ارضی لنفسک و خیرا لی فی المعاد عندک و المعاد
الیک ان تعطینی الساعة الساعة کذا و کذا و بجای کذا و کذا حاجات خود را ذکر کند پس چهار
نوبت بگوید لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم و باز حوائج خود را طلبد پس چهار نوبت سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
بگوید

والله اکبر و چهار نوبت الله الله ربی لا اشرک به شیئا و یک نوبت ما شاء الله لا قوة الا
بالله العلی العظیم بگوید و باز مطالب خود را سؤال کند و عمل بجمیع طرقی که در روایات سابقه مذکور شد
کرده خواهد و چون سند دوازده رکعت نمازی که در عمل دوم مذکور شد ضعیف است و سایر
طرق از آن معتبر است اگر کسی در این نماز ده مرتبه سوره سبح اسم و انا انزلناه را ترک نماید و صد مرتبه
صلوات و سلام و صد مرتبه استغفار را بعد از نماز نیز ترک کند و سایر اعمال را چنانچه مذکور شد
بعمل آورد شاید نزد عمل بجمیع طرق معتبره کرده خواهد بود والله تعالی و رسوله و اهل بیته اعلم بحقایق
الامور **ششم** سید ابن طاوس در کتاب مصباح الزایر و کفعمی در جنة الامان و سید ابن باقی
در مصباح قدس الله اسرارهم گفته اند که در این شب مستحب است که این دعا را بخواند اللهم انی
اسالک بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر المعظم و المرسل المکرم ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تغفر لنا ما انت به منا اعلم یا من یعلم و لا نعلم اللهم و بارک لنا
فی لیلتنا هذه التی بشرف الرسالة فضلتها و بکرامتک اجللتها و بالمحل الشریف احللتها
اللهم انا نسالک بالمبعث الشریف و السید اللطیف و العنصر العفیف ان تصلی علی محمد
و آله و ان تجعل اعمالنا فی هذه اللیلة و فی سایر اللیالی مقبولة و ذنوبنا مغفورة و قلوبنا
بحسن القول مسرورة و ارزاقنا بالیسر مدرورة اللهم انک تری و لا تری و انت
بالمنظر الاعلی و ان الیک الرجعی و المنتهی و ان لنا الممات و المحیا و ان لنا الاخرة و الاولی
اللهم انا نعوذ بک ان نذل و نخزی و ان نأتی ما عنه تنهی اللهم انا نسالک الجنة
برحمتک و نستعیذ بک من النار فاعذنا منها بقدرتک و نسالک من الحور العین فارزقنا
بعزتک و اجعل اوسع ارزاقنا عند کبر سننا و احسن اعمالنا عند اقتراب آجالنا و اطل فی
طاعتک و ما یقرب الیک و یحظی عندک و یزلف لدیک اعمارنا و احسن فی جمیع احوالنا
و امورنا معرفتنا و لا تکلنا الی احد من خلقک فیمن علینا و تفضل علینا بجمیع حوائجنا
للدنیا و الاخرة و ابدأ بآبائنا و امهاتنا و جمیع اخواننا المؤمنین فی جمیع ما سالناک
لانفسنا یا ارحم الراحمین اللهم انا نسالک باسمک العظیم و ملکک القدیم ان تصلی

بالتجلی
و آله
القبول
من لدنک
و لک الممات
الخیر
فاعذنا
و ابنائنا
ما سالناک

على محمد وآل محمد وان تغفر لنا الذنب العظيم انه لا يغفر العظيم الا العظيم اللهم وهذا
رجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم اكرمتنا به من بين الامم فلك الحمد يا
ذا الجود والكرم اللهم فانا نسألك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل
الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك فاسألك ان
تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والآملين
فيه برعايتك اللهم واهدنا الى سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل
في ظل ظليل وملك جزيل فانك حسبنا ونعم الوكيل اللهم اقلبنا مفلحين منجحين
غير مغضوب علينا ولا ضالين برحمتك يا ارحم الراحمين
ودر جنة الامان و مصباح سید ابن باقی این زیادتی نیز هست
اللهم اني اسألك بعزائم مغفرتك وبواجب رحمتك السلامة من كل اثم والغنيمة
من كل بر والفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم دعاك الداعون ودعوتك وسألك
السائلون وسألتك وطلب اليك الطالبون وطلبت اليك اللهم انت الثقة
والرجاء واليك منتهى الرغبة والدعاء اللهم فصل على محمد وآله واجعل اليقين
في قلبي والنور في بصري والنصيحة في صدري وذكرك بالليل والنهار على لساني
ورزقا واسعا غير ممنون ولا محظور فارزقني وبارك لي فيما رزقتني واجعل غناي
في نفسي ورغبتي فيما عندك برحمتك يا ارحم الراحمين پس بسجده برو و بگو الحمد لله الذي
هداني لمعرفته وخصني بولايته ووفقني لطاعته شكرا شكرا تا صد مرتبه تمام شود
پس سید ابن طاوس گفته که حاجت خود را سؤال کن و هر دعائی که خواهی بکن و کفعمی و سید ابن
باقی گفته که پس سر از سجده بردار و بگو اللهم اني قصدتك بحاجتي واعتمدت عليك
بمسألتي وتوجهت اليك بائمتي وسادتي اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم
وارزقنا مرافقتهم وادخلنا الجنة في زمرتهم برحمتك يا ارحم الراحمين **هفتم**
بدانکه شیخ مفید و سید ابن طاوس و شیخ شهید قدس الله ارواحهم زیارت مخصوصی برای حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده اند چنانچه بعد از این ایراد خواهیم نمود و ظاهر بعضی از عبارات

فاسألك بحقه
في ظلك
والآملين فيه لشفاعتك
وخصنا ووفقنا

ایشان

ایشان است که آن زیارت برای شب و روز هر دو وارد است پس اگر نزد مرقد منور حاضر باشد
بهمان زیارت یا بزیارات مطلقه یا بزیارت جامعه مخصوص ائمه که گذشت زیارت نماید
و اگر دور باشد بهر لفظی که انشا نماید زیارت نماید و بدانکه بعضی از علما زیارت رسول خدا صلی الله
علیه و آله را نیز در روز ایشب نقل نموده اند چنانچه مذکور خواهد شد و کلام بعضی مشعر بآنست که زیارت
آن بزرگوار در این شب نیکوست بنابر این اگر کسی در مدینه منوره حاضر باشد بزیارات مطلقه
یا بزیارت جامعه که گذشت زیارت نماید و اگر دور باشد بهر لفظی که خود تألیف نماید زیارت
کند والله تعالی یعلم **روز بیست و هفتم** این روز در میان روزهای ائمه بلکه تمام سال بمزید
فضیلت ممتاز است و همین معنی در باب فضیلت آن کافی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
در آن روز برسالت مبعوث گردید و جن و انس ببرکت این عطیه عظمی و موهبت کبری از لجهای
موجه بحر ضلالت بساحل هدایت رسیدند و باین سبب روزه آن اجر عظیم دارد شیخ طوسی
علیه الرحمه در کتاب مصباح از اسحق بن عبدالله عریضی روایت نموده است که گفت پدرم و
عموهایم اختلاف نموده اند در ایام اربعه سال که روزه آنها فضیلت بسیار دارد پس سوار شدند
و رفتند بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات الله و سلامه علیه و حضرت در صریا اقامت فرموده بود
قبل از آنکه بسر من رای تشریف ارزانی دارد پس عرض کردند که ای سید ما آمدیم بخدمت تو از
جهت امری که اختلاف در آن نموده ایم حضرت از روی اعجاز فرمود که بلی آمده اید که از من سؤال کنید
از ایام اربعه سال که روزه آنها فضیلت دارد ایشان عرض کردند که بنا آمده ایم مگر برای این مطلب
پس حضرت فرمود که این چهار روز هفدهم ربیع الاول است که در آن روز رسول خدا صلی الله علیه و آله
متولد شد و بیست و هفتم رجب که آنحضرت برسالت مبعوث شد و بیست و پنجم ذی القعده
که زمین در آن روز پهن شد و کشتی نوح بر جودی قرار گرفت و روزه آن کفاره گناهان
هفتاد ساله است و روز هجدهم ذی الحجه که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام را بامامت و خلافت نصب کرد و روزه آن کفاره گناهان شصت ساله است
و ابن بابویه علیه الرحمه در کتاب امالی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که
روز بیست و هفتم رجب را روزه دارد حق تعالی برای او ثواب روزه هفتاد سال بنویسد
و همین مضمون را سید در اقبال از جعفر بن محمد دوریستی در کتاب حسنی نقل نموده که او از
حضرت صادق علیه السلام روایت نموده است و از شیخ مفید علیه الرحمه نقل نموده که روز بیست و هفتم

رجب روز مبعث حضرت رسالت صلی الله علیه وآله است هر که این روز را روزه دارد حق تعالی
برای او ثواب روزهٔ شصت سال بنویسد وایضاً سید از کتاب حسن نقل نموده که حضرت
صادق علیه السلام فرمود که ترک مکن روزه روز بیست وهفتم رجب را که در این روز
نبوت بر رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل شد وثواب آن مثل ثواب شصت ماه است برای شما
مولف گوید که کمیت ثواب روزهٔ این روز در روایات مذکوره مختلف وارد شده چنانچه
دانستی ووجوهی که در جمع بین الاخبار در روز بیست وهفتم از ذریعة النجاح نقل نمودیم
همگی در اینمقام جاری میشود وسید در اقبال در جمع میان حدیث هفتاد سال وشصت ماه
گفته که در حدیث هفتاد سال خصوص روزه وارد شده وممکنست که مراد از شصت ماه
مطلق عبادت در شصت ماه باشد یا باعتبار اختلاف احوال مردم در خلوص نیت باشد
واز ابن بابویه علیه الرحمه نقل نموده که او در کتاب مرشد حدیث شصت ماه را چنین روایت
نموده که ثواب آن کفارهٔ گناهان شصت ماه است وبنابراین احتیاج بتاویلی ندارد
وبدانکه حدیثی وارد شده است که بعثت آنحضرت در روز سیم اینماهست وآن روایتیست که
ابن بابویه در کتاب فضایل رجب از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است
که حق تعالی محمد صلی الله علیه وآله را مبعوث گردانید وقتی که سه شب از ماه رجب گذشته بود
لیکن ابن بابویه گفته که پدرم علی بن بابویه از سعد بن عبدالله بسخنان رضی الله عنهما نقل
نموده که این غلط از کاتب ناشی شده وعبارت حدیث چنانست که آنحضرت مبعوث شد
وقتی که سه شب از ماه رجب باقی مانده بود والله تعالی یعلم واخبار دیگر در باب فضیلت
این روز وارد شده ودر ضمن اعمال مذکور میشود واعمال آن چند چیز است اول غسل
چنانچه شیخ وسید وعلامه وکفعمی قدس الله ارواحهم ودیگران در کتب خود نقل
نموده اند مولف گوید که در روایتی در این باب بنظر نرسید دویم سید علیه الرحمه در اقبال
گفته است که در این روز مستحبست تصدق نمودن بر فقرا واتیان بخیرات وادخال سرور بر
اهل ایمان مولف گوید که اینمعنی اگرچه بخصوص در روایتی وارد نشده است لیکن این روز
چون مبعث حضرت رسالت صلی الله علیه وآله واعظم اعیاد رسالت است اتیان باعمال خیر در آن
ثواب عظیم دارد سیم بسیار صلوات فرستادن بر مبعوث این روز وآل او صلی الله علیهم اجمعین چنانچه
شیخ در مصباح وسید در اقبال از حسن بن راشد روایت کرده اند که گفت عرض کردم

بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که آیا در میان اعیاد روزی هست که از همه بهتر باشد
فرمود بلی اشرف واکمل آن روزیست که در آن حضرت رسالت صلی الله علیه وآله بر پیغمبری
مبعوث شد گفتم کدام روز است آن فرمود که روزها میگردد وآن روز شنبه بیست وهفتم
رجب بود گفتم چکار کنیم در آنروز فرمود که روزه بدار وبسیار صلوات بر آنحضرت وآل او بفرست
چهارم شیخ طوسی وسید ابن طاوس در مصباح واقبال از ریان بن الصلت روایت
کرده اند که گفت حضرت امام محمد تقی علیه السلام در وقت اقامت بغداد روز نیمهٔ رجب وروز
بیست وهفتم آنرا روزه داشت وجماعتی که با حضرت همراه بودند همگی نیز روزه داشتند وامر فرمود
ما را که بجا آوریم دوازده رکعت نمازی را که باین کیفیت است که هر دو رکعت بیک سلام میگفت
در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که خواهی وچون فارغ شدی سوره حمد وقل هو الله احد
ومعوذتین را هر یک چهار نوبت میخوانی پس چهار نوبت میگوئی لا اله الا الله والله
اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وچهار نوبت
الله الله ربی لا اشرک به شیئا وچهار نوبت لا اشرک بربی احدا مولف گوید که این
روایت در روز نیمه نیز مذکور شد وبجهت طول فاصله در اینمقام اعاده شد واز غرائب
انست که سید ابن باقی علیه الرحمه در حاشیهٔ مصباح این روایت را در عمل روز مبعث
نقل کرده وکیفیت عمل را حواله نموده بآنچه در شب نیمه نقل نموده است ودر شب نیمه روایت
داود بن سرحان را که ما نیز ایراد نمودیم ذکر نموده وکیفیت عمل در این دو روایت با یکدیگر
مخالفست چنانچه بر متتبع پوشیده نیست بر کسی که دو روایت را با یکدیگر ملاحظه نماید والله تعالی یعلم
پنجم شیخ طوسی در مصباح وسید ابن طاوس در مصباح الزائر واقبال وسید ابن باقی
در مصباح از ابی القاسم بن روح روایت کرده اند که در این روز دوازده رکعت نماز میکنی
هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که خواهی وبعد از هر دو رکعت بعد از
سلام می نشینی واینها را بخوان الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک
ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی ویا صاحبی فی شدتی
ویا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی
فی وحدتی یا انیسی فی وحشتی انت الساتر عورتی فلک الحمد وانت المقیل
عثرتی فلک الحمد وانت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد وآل محمد واستر عورتی

وحشتی د
یا انیسی در وحدتی

وآمن روعتي واقلني عثرتي واصفح عن جرمي وتجاوز عن سيئاتي في اصحاب الجنة وعد
الصدق الذي كانوا يوعدون پس چون فارغ شدی از نماز ودعا هر یک از سوره حمد و
قل هو الله احد ومعوذتین وقل یا ایها الکافرون وانا انزلناه وآیة الکرسی را هفت نوبت بخوانی
پس هفت نوبت لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وهفت نوبت الله الله ربی لا اشرک به شیئا بگوئی پس دعا بکنی بانچه خواهی مؤلف گوید
که سید در اقبال این روایت را از محمد بن علی طرازی نیز نقل نموده وچهار نوبت لا اله الا الله
والله اکبر تا آخر در آن مذکور نیست وسوره قل یا ایها الکافرون قبل از معوذتین مذکورست
وظاهرا طرازی سهو در نقل نموده است وبدانکه ظاهر عبارت این حدیث آنست که سوره
قرانی واذکار بعد از آن بعد از تمام دوازده رکعت خوانده شود ومحتمل است که بعد از هر دو
رکعت اول دعای الحمد لله الذی تا آخر خوانده شود وبعد از آن سوره قرانی واذکار بعد خوانده
شود لیکن بعید است والله تعالی یعلم ششم محمد بن یعقوب کلینی قدس الله روحه در کافی
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که روز بیست وهفتم ماه رجب روز بعثت
حضرت رسالت صلی الله علیه وآله است هر که در این روز در هر وقتی از اوقات این که خواهد
دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام ودر هر رکعتی بعد از حمد سوره یس را بخواند
وچون فارغ شود بر جای خود بنشیند وسوره حمد را چهار نوبت بخواند پس چهار نوبت لا اله
الا الله والله اکبر والحمد لله وسبحان الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وچهار نوبت الله الله ربی لا اشرک به شیئا را بگوید پس دعا کند که البته مستجاب میشود
مگر آنکه بر قومی نفرین کند یا قطع رحمی را سؤال نماید هفتم سید در اقبال از کتاب
مقنعه شیخ مفید قدس الله روحه نقل نموده است که حق تعالی در روز بیست وهفتم رجب
حضرت رسالت صلی الله علیه وآله را برسالت مبعوث گردانیده وباین جهت او را بزرگ
وشریف گردانیده وثوابهای عظیم را در آن بر بندگان خود قسمت فرموده وما باشان در این روز
از گناهان عظیم ایمن گردانیده است واز آل رسول صلی الله علیهم اجمعین وارد شده که هر که
در این روز دوازده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره
یس بخواند وچون فارغ شود در جای خود بنشیند وسوره حمد وقل هو الله احد ومعوذتین
هر یک را چهار مرتبه بخواند پس چهار مرتبه الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله

ولا حول

ولا حول ولا قوة الا بالله وچهار مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
الله الله ربی لا اشرک به شیئا بگوید پس حوائج خود را سؤال کند که البته بر آورده میشود
مگر آنکه نفرین کند قومی را یا قطع رحمی را سؤال نماید هشتم ایضا سید از شیخ مفید
قدس الله روحهما نقل نموده که در کتاب تواریخ شرعیه همین نماز را ذکر کرده لیکن سوره و
اذکار بعد از نماز را مخالف سابق ذکر نموده باین طریق که چون از نماز فارغ شود سوره
حمد را سه نوبت ومعوذتین وقل هو الله احد را هر یک چهار نوبت بخواند وچهار نوبت
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر وچهار نوبت الله الله ربی لا اشرک به
شیئا را بگوید پس مطالب خود را سؤال کند که البته مستجاب میشود مگر آنکه نفرین کند بر قومی یا قطع
رحمی را سؤال کند مؤلف گوید که دوازده رکعت نماز بجمیع طریق چنانچه دانستی در این روز
منقولست وظاهر حال آنست که هر یک عمل باشد واختلافات مذکوره از اشتباه رواة ناشی
شده باشد یا آدمی مخیر باشد میان این طرق وهر یک که عمل نماید خوب باشد واگر خواهد
که عمل بجمیع طرق نماید دوازده رکعت را با سوره یس بجا آورد وبعد از هر سلامی نشسته
دعای الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا را تا آخر که در روایت ابو القاسم بن روح مذکورست
بخواند وبعد از سلام آخر چون از دعا فارغ شود سوره حمد وقل هو الله احد ومعوذتین و
قل یا ایها الکافرون وانا انزلناه وآیة الکرسی را هر یک هفت نوبت بخواند ولا اله الا الله
والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم را هفت نوبت
وچهار نوبت الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله ولا حول ولا قوة الا
بالله وچهار نوبت سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر وهفت نوبت الله
الله ربی لا اشرک به شیئا وچهار نوبت لا اشرک بربی احدا بخواند پس حوائج خود را
سؤال کند تکمله بدانکه اکثر روایات سابقه چون مطلق وارد شده دوازده رکعت را
بهر طریقی که اختیار نمائی در هر وقتی از اوقات این روز که خواهی میتوانی کرد ودر روایت
کلینی تصریح باین معنی شده لیکن سید در اقبال از شیخ مفید در رساله غریه نقل نموده که نماز
روز بعثت در اول روز باید کرده شود واز شیخ سلیمان بن الحسن در کتاب بدایه نقل نموده
که قبل از ظهر باید کرده شود وممکن است که روایتی در این باب بایشان رسیده باشد
والله تعالی یعلم نهم سید ابن طاوس در اقبال از محمد بن علی طرازی روایت نموده است
که چون حضرت امام موسی کاظم صلوات الله وسلامه علیه را ببغداد آوردند ماه رجب سال

صد و هفتاد و نهم هجرت بود و انحضرت در روز بیست و هفتم انجماه کرمبعث حضرت رسالت صلی الله علیه و آله الزات اینه عا را خوانند و اینه عا از جمله ادعیه مکنونه ماه رجبست و در مصباح الصلاح وجنة الامان و بلد الامین و مصباح الزائر و مصباح ابن باقی و اکثر نسخ مصباح شیخ نیز این دعا مذکور است

ودعا اینست یا من امر بالعفو والتجاوز وضمن نفسه العفو والتجاوز یا من عفی وتجاوز اعف عنی وتجاوز یا کریم اللهم وقد اکدی الطلب واعیت الحیلة والمذهب ودرست الامال وانقطع الرجاء الا منك وحدك لا شريك لك اللهم انی اجد سبل المطالب اليك مشرعة ومناهل الرجاء لديك مترعة وابواب الدعاء لمن دعاك مفتحة والاستعانة لمن استعان بك مباحة واعلم انك لداعيك بموضع اجابة وللصارخ اليك بمرصد اغاثة وان فی اللهف الی جودك والضمان بعدتك عوضا من منع الباخلين ومندوحة عما فی ايدی المستاثرين وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الاعمال دونك وقد علمت ان افضل زاد الراحل اليك عزم ارادة يختارك بها وقد ناجاك بعزم الارادة قلبی واسالك بكل دعوة دعاك بها راج بلغته امله او صارخ اليك اغثت صرخته او ملهوف مكروب فرجت عن قلبه كربه او مذنب خاطئ غفرت له او معافا اتممت نعمتك عليه او فقير اهديت غناك اليه ولتلك الدعوة عليك حق وعندك منزلة الا صليت على محمد وال محمد وقضيت حوائجی حوائج الدنيا والاخرة وهذا رجب المكرم الذی اكرمتنا به اول اشهر الحرم اكرمتنا به من بين الامم يا ذا الجود والكرم فنسالك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذی خلقته فاستقر فی ظلك فلا يخرج منك الی غيرك ان تصلی علی محمد واهل بيته الطاهرين وتجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والاملين فيه بشفاعتك اللهم واهدنا الی سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل فی ظل ظليل فانك حسبنا ونعم الوكيل والسلام علی عباده المصطفين وصلواته عليهم اجمعين اللهم وبارك لنا فی يومنا هذا الذی فضلته وبكرامتك جللته

وبالمنزل العظيم الاعلی منك انزلته وصل علی من فيه الی عبادك ارسلته وبالمحل الكريم احللته اللهم صل عليه صلوة دائمة تكون لك شكرا ولنا ذخرا واجعل لنا من امرنا يسرا واختم لنا بالسعادة الی منتهی اجالنا وقد قبلت اليسير من اعمالنا وبلغنا برحمتك افضل امالنا انك علی كل شیء قدير وصلی الله علی سيدنا محمد واله وسلم

دعا سيد در اقبال ذكر نموده كه از جمله دعاهای روز بيست و هفتم ماه رجب است اللهم انی اسالك بالتجلی الاعظم فی هذا اليوم من الشهر المعظم والمرسل المكرم ان تصلی علی محمد وال محمد وان تغفر لنا ما انت به منا اعلم يا من يعلم ولا نعلم اللهم وبارك لنا فی يومنا هذا الذی بشرف الرسالة فضلته وبكرامتك جللته وبالمحل الشريف احللته اللهم انا نسالك بالمبعث الشريف والسيد اللطيف والعنصر العفيف ان تصلی علی محمد واله وان تجعل اعمالنا فی هذا اليوم وفی ساير الايام مقبولة وذنوبنا مغفورة وقلوبنا بحسن القبول مسرورة وارزاقنا بالخير مدرورة اللهم انك تری ولا تری وانت بالمنظر الاعلی وان اليك الرجعی والمنتهی وان لك الممات والمحيا وان لك الاخرة والاولی اللهم انا نعوذ بك ان نذل ونخزی وان ناتی ما عنه تنهی اللهم انا نسالك الجنة برحمتك ونستعيذ بك من النار فانقذنا منها بقدرتك ونسالك من الحور العين فارزقنا بعزتك واجعل اوسع ارزاقنا عند كبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب اجالنا واطل فی طاعتك وما يقرب اليك ويحظی عندك ويزلف لديك اعمارنا واحسن فی جميع احوالنا وامورنا معرفتنا ولا تكلنا الی احد من خلقك وتفضل علينا بجميع حوائجنا للدنيا والاخرة وابدا بابائنا وابنائنا وامهاتنا وجميع اخواننا المؤمنين فی جميع ما سالناك لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا نسالك باسمك العظيم وملكك القديم ان تصلی علی محمد وال محمد وان تغفر لنا الذنب العظيم انه لا يغفر العظيم الا العظيم اللهم

ضمن علی نفسه

المرحبة
واله
فی
فاسالك

القول
ولك الممات
الجنة
فاعذنا
معرفتنا
سائلك

وهذا رجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم اكرمتنا به من بين الامم فلك
الحمد يا ذا الجود والكرم اللهم فانا نسألك به وباسمك الاعظم الاعظم الاجل
الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك فاسألك
ان تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا من العاملين فيه بطاعتك
والآملين فيه بشفاعتك اللهم واهدنا الى سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك
خير مقيل في ظل ظليل وملك جزيل فانك حسبنا ونعم الوكيل اللهم اقلبنا
مفلحين منجحين غير مغضوب علينا ولا ضالين برحمتك يا ارحم الراحمين پس
بسجده رو وبگو الحمد لله الذي هدانا لمعرفته وخصنا بولايته ووفقنا لطاعته
شكرا شكرا صد مرتبه وحاجت خود را سؤال كن وهر دعا كه خواهى بكن مؤلف گويد
كه سيد در مصباح الزائر وابن باقى وكفعمى اين دعا را با دعاى كوچكى كه بعد از سجده
بايد خوانده شود از اعمال شب مبعث نقل نموده اند چنانچه در اعمال شب ما از ايشان نقل
نموديم وممكن است كه در هر دو وقت منقول باشد لكن اگر در روز خوانده شود در مواضعى
كه لفظ ليله يا ليالى مذكور است بايد تبديل بيوم وايام شود با رعايت تذكير و تأنيث
ضماير بعد چنانچه سيد مرعى داشته است لهذا در اين مقام نيز اين دعا را ذكر نموده حواله
بسابق ننموديم يازدهم سيد ابن طاوس طاب ثراه در اقبال گفته كه سزاوار است در اين
روز كه زيارت كنى رسول خدا صلى الله عليه وآله را بزيارتى كه در روز مولد آنحضرت كه
هفدهم ماه ربيع الاول است وارد شده مؤلف گويد كه روايتى در اين باب بنظر نرسيد
لكن چون زيارت آن بزرگوار در ازمنه متبركه واوقات مخصوصه بآنحضرت نيكو است
چنانچه سابق مذكور شد پس اگر زاير در مدينه منوره حاضر باشد بزيارات مطلقه
منقوله يا زيارت جامعه مخصوصه انبياء كه سابق مذكور شد زيارت نمايد واگر دور
باشد بزيارت مولد كه مخصوص امكنه بعيده است وبعد از اين در اعمال ماه ربيع الاول
ايراد خواهيم نمود يا بزيارتى كه خود انشا نمايد زيارت نمايد والله تعالى يعلم دوازدهم
زيارت حضرت امير المؤمنين صلوات الله وسلامه عليه شيخ مفيد وسيد ابن طاوس و
شيخ شهيد قدس الله اسرارهم گفته اند كه هرگاه اراده زيارت آنحضرت نمائى در اين وقت
پس برو در قبه شريفه مقابل ضريح منور آن سرور بايست وبگو اشهد ان لا اله

فاسألك
ظلك
والآملين فيه بشفاعتك

الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا صلى الله عليه وآله عبده ورسوله وان
علي بن ابي طالب امير المؤمنين عبد الله واخو رسوله وان الائمة الطاهرين من
ولده حجج الله على خلقه پس داخل قبه مبارك شو ونزد ضريح مطهر رو بضريح و پشت بقبله
بايست وصد مرتبه الله اكبر بگو وبعد از آن بگو السلام عليك يا وارث آدم خليفة الله
السلام عليك يا وارث نوح صفوة الله السلام عليك يا وارث ابراهيم خليل الله
السلام عليك يا وارث موسى كليم الله السلام عليك يا وارث عيسى روح الله السلام
عليك يا وارث محمد سيد رسل الله السلام عليك يا امير المؤمنين السلام عليك
يا امام المتقين السلام عليك يا سيد الوصيين السلام عليك يا وصي رسول رب العالمين
السلام عليك يا وارث علم الاولين والآخرين السلام عليك ايها النبأ العظيم
السلام عليك ايها الصراط المستقيم السلام عليك ايها المهذب الكريم السلام
عليك ايها الوصي التقي السلام عليك ايها الرضي الزكي السلام عليك ايها
البدر المضيء السلام عليك ايها الصديق الاكبر السلام عليك ايها الفاروق
الاعظم السلام عليك ايها السراج المنير السلام عليك يا امام الهدى السلام
عليك يا علم التقى السلام عليك يا حجة الله الكبرى السلام عليك يا خاصة الله
وخالصته وامين الله وصفوته وباب الله وحجته ومعدن حكم الله وسره وعيبة
علم الله وخازنه وسفير الله في خلقه اشهد انك اقمت الصلوة وآتيت
الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر واتبعت الرسول وتلوت الكتاب حق
تلاوته وبلغت عن الله ووفيت بعهد الله وتمت بك كلمات الله وجاهدت
في الله حق جهاده ونصحت لله ولرسوله صلى الله عليه وآله وجدت بنفسك صابرا محتسبا
مجاهدا عن دين الله موقيا لرسول الله صلى الله عليه وآله طالبا ما عند الله راغبا
فيما وعد الله ومضيت للذي كنت عليه شهيدا وشاهدا ومشهودا فجزاك الله

خليفة
حجته
بعهده

عن رسوله وعن الاسلام واهله من صديق افضل الجزاء اشهد انك كنت اول
القوم اسلاما واخلصهم ايمانا واشدهم يقينا واخوفهم لله واعظمهم عناء
واحوطهم على رسول الله صلى الله عليه واله وافضلهم مناقب واكثرهم سوابق
وارفعهم درجة واشرفهم منزلة واكرمهم عليه فقويت حين وهنوا ولزمت
غلبة
منهاج رسول الله صلى الله عليه واله اشهد انك كنت خليفته حقا لم تنازع
برغم المنافقين وغيظ الكافرين وضغن الفاسقين وقمت بالامر حين فشلوا و
هدي
نطقت حين تتعتعوا ومضيت بنور الله اذ وقفوا فمن اتبعك فقد اهتدى كنت اولهم
كلاما واشدهم خصاما واصوبهم منطقا واسدهم رايا واشجعهم قلبا واكثرهم يقينا
واحسنهم عملا واعرفهم بالامور كنت للمؤمنين ابا رحيما اذ صاروا عليك عيالا فحملت
اثقال ما عنه ضعفوا وحفظت ما اضاعوا ورعيت ما اهملوا وشمرت اذ جبنوا وعلوت
اذ هلعوا وصبرت اذ جزعوا كنت على الكافرين عذابا صبا وغلظة وغيظا وللمؤمنين
غيثا وخصبا وعلما لم تفلل حجتك ولم يزغ قلبك ولم تضعف بصيرتك ولم تجبن
نفسك كنت كالجبل لا تحركه العواصف ولا تزيله القواصف كنت كما قال رسول الله
صلى الله عليه واله قويا في بدنك متواضعا في نفسك عظيما عند الله كبيرا في الارض
جليلا في السماء لم يكن لاحد فيك مهمز ولا لقائل فيك مغمز ولا لخلق فيك مطمع
فيك
ولا لاحد عندك هوادة يوجد الضعيف الذليل عندك قويا عزيزا حتى تاخذ له
بحقه والقوي العزيز عندك ضعيفا ذليلا حتى تاخذ منه الحق القريب والبعيد
عندك في ذلك سواء شانك الحق والصدق والرفق وقولك حكم وحتم وامرك
حلم وعزم ورايك علم وجزم اعتدل بك الدين وسهل بك العسير واطفئت بك
النيران وقوي بك الايمان وثبت بك الاسلام وهدت مصيبتك الانام فانا
لله وانا اليه راجعون لعن الله من قتلك ولعن الله من خالفك ولعن الله من افترى

عليك

عليك ولعن الله من ظلمك وغصب حقك ولعن الله من بلغه ذلك فرضي به انا الى الله
منهم براء لعن الله امة خالفتك وجحدت ولايتك وتظاهرت عليك وقتلتك وحادت
عنك وخذلتك الحمد لله الذي جعل النار مثواهم وبئس الورد المورود اشهد لك يا
ولي الله وولي رسوله صلى الله عليه واله بالبلاغ والاداء واشهد انك جنب الله
والنصيحة
وبابه وانك حبيب الله ووجهه الذي منه يؤتى وانك سبيل الله وانك عبد الله
واخو رسوله صلى الله عليه واله اتيتك زائرا لعظيم حالك ومنزلتك عند الله
جلالتك
وعند رسوله متقربا الى الله بزيارتك راغبا اليك في الشفاعة ابتغي بشفاعتك
خلاص نفسي متعوذا بك من النار هاربا من ذنوبي التي احتطبتها على ظهري فزعا اليك
رجاء رحمة ربي اتيتك استشفع بك يا مولاي الى الله واتقرب بك اليه ليقضي
بك حوائجي فاشفع لي يا امير المؤمنين الى الله فاني عبد الله ومولاك وزائرك ولك
عند الله المقام المعلوم والجاه العظيم والشان الكبير والشفاعة المقبولة
اللهم صل على محمد وال محمد وصل على عبدك وامينك الاوفى وعروتك
الادنى
الوثقى ويدك العليا وكلمتك الحسنى وحجتك على الورى وصديقك الاكبر
سيد الاوصياء وركن الاولياء وعماد الاصفياء امير المؤمنين ويعسوب
المتقين وقدوة الصديقين وامام الصالحين المعصوم من الزلل والمفطوم من الخلل
والمهذب من العيب والمطهر من الريب اخي نبيك ووصي رسولك والبائت على
فراشه والمواسي له بنفسه وكاشف الكرب عن وجهه الذي جعلته سيفا
لنبوته ومعجزا لرسالته ودلالة واضحة لحجته وحاملا لرايته ووقاية لمهجته
وهاديا لامته ويدا لباسه وتاجا لراسه وبابا لنصره ومفتاحا لظفره حتى
هزم جنود الشرك بايدك واباد عساكر الكفر بامرك وبذل نفسه في مرضات
رسولك وجعلها وقفا على طاعته ومجنا دون نكبته حتى فاضت نفسه صلى الله

عليه وآله في كفه واستلب بردها ومسحه على وجهه وأعانته ملائكتك على غسله
وتجهيزه وصلى عليه ووارى شخصه وقضى دينه وأنجز وعده ولزم عهده واحتذى
مثاله وحفظ وصيته وحين وجد أنصاراً نهض مستقلاً بأعباء الخلافة مضطلعاً
بأثقال الإمامة فنصب راية الهدى في عبادك ونشر ثوب الأمن في بلادك وبسط
العدل في بريتك وحكم بكتابك في خليقتك وأقام الحدود وقمع الجحود و
قوّم الزيغ وسكّن الغمرة وأباد الفترة وسدّ الفرجة وقتل الناكثة والقاسطة
والمارقة ولم يزل على منهاج رسول الله صلى الله عليه وآله ووتيرته ولطف
شاكلته وجمال سيرته مقتدياً بسنته متعلقاً بهمته مباشراً لطريقته وأمثلته
نصب عينيه يحمل عبادك عليها ويدعوهم إليها إلى أن خضبت شيبته من دم
رأسه اللهم فكما لم يؤثر في طاعتك شكاً على يقين ولم يشرك بك طرفة
عين صلّ عليه صلاة زاكية نامية يلحق بها درجة النبوة في جنتك وبلّغه
منا تحية وسلاماً وآتنا من لدنك في موالاته فضلاً وإحساناً ومغفرة و
رضواناً إنك ذو الفضل الجسيم برحمتك يا أرحم الراحمين پس ضریح مبارک را ببوس
وجانب راست وچپ رو را ببوس و بمال و بجانب قبله میل کن و نماز زیارت و هدیه را که خواهی بکن
و تسبیح فاطمه زهرا صلوات الله علیها را بگو و بعد از آن این دعا را بخوان اللهم إنك بشرتني
على لسان نبيك ورسولك محمد صلواتك عليه وآله فقلت وبشر الذين آمنوا
أن لهم قدم صدق عند ربهم اللهم إني مؤمن بجميع أنبيائك ورسلك صلواتك
عليهم فلا تقفني بعد معرفتهم موقفاً تفضحني فيه على رؤوس الأشهاد بل قفني معهم
وتوفني على التصديق بهم اللهم وإني عبدك وزائرك متقرباً إليك بزيارة
أخي رسولك وعلى كل مأتي ومزور حق لمن أتاه وزاره وأنت خير مأتي
وأكرم مزور فأسألك يا الله يا رحمن يا رحيم يا جواد يا ماجد يا أحد يا صمد

يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد ولم يتخذ صاحبة ولا ولداً أن تصلي على محمد
وآل محمد وأن تجعل تحفتك إياي من زيارتي أخا رسولك فكاك رقبتي من النار وأن
تجعلني ممن يسارع في الخيرات ويدعوك رغباً ورهباً وتجعلني لك من الخاشعين اللهم
إنك مننت علي بزيارة مولاي علي بن أبي طالب وولايته ومعرفته فاجعلني ممن ينصره
وينتصر به ومنّ علي بنصرك لدينك اللهم واجعلني من شيعته وتوفني على دينه
اللهم أوجب لي من الرحمة والرضوان والمغفرة والإحسان والرزق الواسع الحلال
الطيب ما أنت أهله يا أرحم الراحمين والحمد لله رب العالمين پس چون خواهی که
وداع نمائی نزد ضریح مقدس بایست بگو السلام عليك يا أمير المؤمنين السلام عليك يا حجة
الأوصياء السلام عليك يا وارث علم الأنبياء السلام عليك يا رأس الصديقين
السلام عليك يا باب الأحكام السلام عليك يا ركن المقام أستودعك الله
وأسترعيك وأقرأ عليك السلام آمنا بالله وبالرسول وبما جاء به ودعا إليه
ودل عليه اللهم فاكتبنا مع الشاهدين اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارتي
إياه ولا تحرمني ثواب من زاره واستعملني بالذي افترضت له علي وارزقني العود
إليه فإن توفيتني قبل ذلك فإني أشهد أنهم أعلام الهدى والعروة الوثقى
والكلمة العليا والحجة العظمى والنجوم العلى والعترة البالغة بينك وبين
خلقك وأشهد أن من رد ذلك في أسفل درك من الجحيم اللهم واجعلني من
وفد المباركين ومن زوار المخلصين وشيعته الصادقين ومواليه الميامين
وأنصاره المكرمين وأصحابه المؤيدين اللهم اجعلني أكرم وافد وأفضل وارد
وأنبل قاصد قصدك إلى هذا الحرم الكريم والمقام العظيم والمنهل الجليل الذي
أوجبت فيه غفرانك ورحمتك اللهم إني أشهدك وأشهد من حضر من ملائكتك
أن الذي من سكن هذا الرمس وحل هذا الضريح طهر مقدس منتجب رضي مرضي

طوبى لك من تربة ضمنت كنزاً من الخير وشمساً من النور وينبوع الحكمة وعيناً من الرحمة
ومبلغ الحجة انا ابرأ الى الله من قاتليك والناصبين لك والمعينين عليك والمحاربين
لك اللهم ذلّل قلوبنا لهم بالطاعة والمناصحة والموالاة وحسن المبايعة والتسليم
حتى نستكمل بذلك طاعتك ونبلغ به مرضاتك ونستوجب به ثوابك ورحمتك
اللهم وفقنا لكل مقام محمود واقلبني من هذا الحرم بكل خير موجود يا ذا الجلال و
الاكرام اودعك يا مولاي يا امير المؤمنين وداع محزون على فراقك لا جعله الله
اخر العهد منك ولا زيارتي لك انه قريب مجيب والسلام عليك ورحمة الله وبركاته
پس رو بقبله كن و دستها را بردار **وبگو** اللهم صل على محمد وآل محمد وابلغ عنا الوصي الخليفة
والداعي اليك والى دار السلام صديقك الاكبر في الاسلام وفاروقك بين الحق والباطل
ونورك الزاهر ولسانك الناطق بامرك بالحق المبين وعروتك الوثقى وكلمتك العليا
ووصي رسولك المرتضى علم الدين ومنار المسلمين وخاتم الوصيين وسيد المؤمنين
علي بن ابي طالب امير المؤمنين وامام المتقين وقائد الغر المحجلين صلوة ترفع بها ذكره
وتحيي بها امره وتظهر بها دعوته وتنصر بها ذريته وتفلج بها حجته وتعطيه بها
بصيرته اللهم واجزه عنا خير جزاء المكرمين واعطه سؤله يا رب العالمين فانا
نشهد انه قد نصح لرسولك وهدى الى سبيلك وقام بحقك وصدع بامرك ولم يجر في
حكمك ولم يدخل في ظلم ولم يسع في اثم وانه اخو رسولك واول من امن به وصدقه
واتبعه ونصره وانه وصيه ووارث علمه وموضع سره واحب الخلق اليه فابلغه
عنا السلام ورد علينا منه السلام يا ارحم الراحمين **مؤلف گويد** كه اين زيارت را سيد
در مصباح الزائر نقل نموده و از كلام او و كلام شيخ مفيد و شيخ شهيد مستفاد ميشود كه اين زيارت
براي خصوص اين وقت منقول باشد و در اقبال گفته كه در اين روز زيارت كن آنحضرت را
بزيارتي كه در روز مولد رسول خدا صلى الله عليه وآله براي آنحضرت وارد شده و از اين كلام
مستفاد ميشود كه اين زيارت مطلقه باشد و جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسي طاب ثراه

ومبلغ — آخر عهدي — زيارتي

دركتاب

در كتاب بحار الانوار گفته كه من مطلع نگرديدم بر سند اين زيارت بلكه استحباب زيارت آنحضرت را
در خصوص اين روز در روايات نديديم لكين در ميان شيعه مشهور و معروف است و زيارت
آنحضرت در اوقات متبركه و ازمنه مخصوص با آنحضرت فضيلت عظيم وارد و چون اين روز
بسيار شريف است زيارت آنحضرت در آن نيكوست بلكه نهايت اختصاص با آنحضرت نيز دارد
بجهت آنكه آنحضرت بمنزله نفس مقدس رسول خدا صلى الله عليه وآله است چنانچه آيه كريمه مباهله
شهادت بآن ميدهد ولهذا در روز مولد نيز زيارت وارد شده است و چون اين زيارت مختص
قريب است پس در بلاد بعيده بهمين زيارتي كه خود انشا نمايند زيارت نمايد والله تعالى هو الموفق
شب بيست و هفتم سيد در كتاب مذكور از حضرت رسالت صلى الله عليه وآله روايت كرده است
كه هركه در اين شب دوازده ركعت نماز بكند هر دو ركعت بيك سلام و در هر ركعتي بعد از حمد سوره سبح اسم
ربك و انا انزلناه را هر يك ده نوبت بخواند و چون فارغ شود صد نوبت صلوات بر آنحضرت وآله
بفرستد و صد نوبت استغفار نمايد حق تعالى بنويسد براي او ثواب ملائكه را **مؤلف گويد**
كه اين نماز مطابق است با نمازي كه سيد بهمين سند در شب سابق نقل كرده چنانچه ما ايراد نموديم
و در جنة الامان صلوات و سلام هر دو مذكور است پس بهتر آنست كه بلفظ مشتمل بر هر دو گفته شود
روز بيست و نهم روزه اين روز بخصوص فضيلت عظيم دارد چنانچه سيد در كتاب اقبال از كتاب روايات
حسني كه تاليف جعفر بن محمد دوريستي نقل نموده كه او از حضرت امام رضا صلوات الله عليه روايت
نموده كه هركه روزه دارد بيست و نهم اين ماه را روزه او كفاره نود سال گناه او باشد و ايضا
فضيلت روزه سه روز آخر اين ماه زياده از ساير ايام است چنانچه بعضي روايات آن در فضيلت
روز اول مذكور شد و ابن بابويه در كتاب مجالس بسند معتبر از سالم روايت كرده است كه گفت رفتم
بخدمت حضرت صادق عليه السلام در اواخر ماه رجب كه چند روز از آن باقي مانده بود چون
نظر مبارك آنحضرت بر من افتاد پرسيد كه آيا روزه گرفته در اين ماه گفتم نه والله اي فرزند رسول خدا
فرمود كه آنقدر ثواب از تو فوت شده است كه قدر آن را بغير از خدا كسي نميداند بدرستيكه اينماهيست
كه خدا آنرا بر ماههاي ديگر فضيلت داده و حرمت آنرا عظيم گردانيده و بر خود واجب ساخته
گرامي داشتن روزه دارنده آنرا پس گفتم يا ابن رسول الله اگر در بقيه اين ماه روزه بدارم آيا
ببعضي از ثواب روزه داران آن فائز گردم فرمود كه اي سالم هركه يك روز از آخر اين ماه را روزه
بدارد حق تعالى او را ايمن گرداند از شدت سكرات مرگ و از هول بعد از مرگ و عذاب قبر و هركه

دو روز آخر شعبان را روزه بدارد ایمن گردد از ترس عظیم روز قیامت و شدتها و هولهای آن روز
و برات نجات از آتش جهنم را باو عطا کند **شب بیست و نهم** سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله
علیه و آله در این شب دوازده رکعت نماز مانند دو شب سابق در کیفیت و ثواب روایت کرده است
و در جنة الامان با صلوات و سلام را نیز ذکر نموده است **مؤلف گوید** که در اعمال شب اول مذکور شد
که احوطات که در شب اول و شب وسط و شب آخر و روزها همگی غسل واقع شود و چون محتمل است
که ماه ناقص و این شب آخر باشد پس غسل در این شب و روز آن نیز احوط است **روز بیست و نهم**
روزهٔ این روز بخصوص فضیلت بسیار وارد چنانچه در روز سابق مذکور شد و سید در اقبال
از کتاب حسنی نقل نموده که از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که هر که روزه دارد روز بیست و
نهم شعبان را روزهٔ او کفارهٔ صد سال گناهان او شود **مؤلف گوید** که غسل در این روز احتیاطا
باید واقع شود چنانچه دانستی و همچنین ده رکعت نماز که سلمان فارسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله
روایت کرده که باید در روز آخر شعبان کرده شود بطریق خاصی که در اعمال روز اول مذکور شد
احوطات که در این روز کرده شود بعلت احتمال نقصان ماه **شب سی ام** سید در کتاب مذکور
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند
و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده مرتبه بخواند حق تعالی عطا فرماید باو در
جنة الفردوس هفت شهر و چون از قبر بیرون آید روی او چون ماه شب چهارده درخشنده
باشد و بگذرد از صراط مانند برق جهنده و نجات یابد از آتش جهنم **مؤلف گوید** که کفعمی علیه الرحمه
در جنة الامان در این موضع نیز اشتباه نموده و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه نقل نموده است
و جهت این اشتباه سابق بر آن مذکور شد و کردن غسل در این شب احوطات چنانچه مکرر مذکور شد
روز سی ام روزهٔ این روز بخصوص نیز فضیلت وارد و تاکیدش زیاده از دو روز سابق است
چنانچه گذشت و صاحب کتاب حسنی چنانچه سید در اقبال از او نقل نموده است بسند خود از
حضرت امام رضا علیه السلم روایت نموده است که هر که روزه دارد روز سی ام شعبان را حق تعالی
گناهان گذشتهٔ او و آیندهٔ او را بیامرزد و اعمال این روز غسل است بنابر احتمال الغره و ده
رکعت نماز سلمان که کیفیت آن در اعمال روز اول مذکور شد والله تعالی هو الموفق للاتیان
بتلک الاعمال والحمد لله و صلی الله علی محمد و آله **خزینهٔ دویم** از کتاب خزاین الجواهر سلطانی
در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک شعبان و آن بچند باب مفتوح میشود **باب اول**

در بیان فضیلت و ثواب عبادت در آن بدانکه شرافت و فضیلت و برکت این ماه زیاده
از ماه سابق است و عبادات در آن ثوابش بیشتر است و لحظه بلحظه فیوضات الهی بر گروه بندگان
وارد میشود و باین جهت این ماه شعبان نامیده میشود زیرا که روزیهای مؤمنان در این ماه منشعب
میسازند و می افزایند و برکات بسیار بر ایشان افاضه میشود و فضیلت روزهٔ این ماه زیاده
از ماه سابق است چنانچه ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب فضایل شهر شعبان از زید بن
اسلم روایت کرده است که از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله پرسیدند از فضیلت
روزهٔ ماه رجب فرمود که چرا غافلید از روزهٔ ماه شعبان یعنی روزهٔ ماه شعبان افضلست
و ایضا روزهٔ ماه رجب از جملهٔ تطوعات و روزهٔ این ماه از جملهٔ سنن است و فضیلت سنن و
ثواب آن و تاکید در اتیان بان زیاده از تطوعات است و تحقیق این معنی بتفصیل در مفتتح باب اول
از خزینهٔ اول سبق ذکر یافت و از بعضی روایات ظاهر میشود که در امم سابقه نیز روزهٔ این ماه
فضیلت داشته چنانچه احمد بن محمد بن عیسی در کتاب نوادر از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم روایت کرده است که فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماه شعبان بسیار روزه
میداشت و میفرمود که اهل کتاب روزهٔ این ماه را ضایع کرده اند پس شما مخالفت کنید ایشان را
و احادیث فضیلت این ماه بسیار و بعضی بتقریب در بیان فضیلت ماه سابق مذکور شد
و ابن بابویه علیه الرحمه در کتاب امالی و ثواب الاعمال از ابن عباس روایت کرده است که صحابه
در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فضایل ماه شعبان مذکور ساختند پس آنحضرت
فرمود که این ماهی است شریف و آن ماه منست و حاملان عرش او را تعظیم می نمایند و حق او را
می شناسند و آن ماهی است که روزیهای مؤمنان در آن زیاده میشود برای ماه مبارک رمضان
و زینت می کنند بهشت را در این ماه و بدرستی که آن را شعبان مینامند برای آنکه منشعب و فراخ
میگردد در آن روزیهای مؤمنان و آن ماه عمل است بدرستی که حسنات در آن ماه ثوابش
هفتاد برابر مضاعف میگردد و سیئات کم میشود و گناهان آمرزیده میشود و اعمال حسنه
مقبول میگردد و خداوند جبار جل جلاله در این ماه بر بندگان خود مباهات می نماید و از عرش
عظمت و جلالش بروزه داران و عبادت کنندگان نظر ملاطفت میفرماید پس حاملان
عرش الهی بایشان مباهات میکنند پس برخاست حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و
فرمود که فدای تو باد پدر و مادرم یا رسول الله قدری از فضایل این ماه برای ما بیان فرما تا رغبت

ما در روزه داشتن و عبادت کردن ان زیاده کردد و از روی جد و اهتمام عبادت خداوند جلیل
غانم دران پس جناب مقدس نبوی صلی الله علیه واله فرموده که هر که روزه دارد روز اول ماه
شعبان را بنویسد حق تعالی برای او هفتاد حسنه که هر حسنه برابر باشد با عبادت یکساله
و هر که دو روز از این ماه را روزه دارد دفع کند حق تعالی از او کناهان مهلکه او را و هر که سه روز
از این ماه را روزه دارد بلند کرداند حق تعالی برای او هفتاد درجه در بهشت از در و یاقوت
و هر که چهار روز از این ماه را روزه دارد فراخ کند حق تعالی روزی او را و هر که پنج روز از این ماه را
روزه دارد محبوب همه مردمان کردد و هر که شش روز از این ماه را روزه دارد دفع کند حق تعالی
از او هفتاد نوع بلا را و هر که هفت روز از این ماه را روزه دارد حفظ کند حق تعالی او را در تمام
عمرش از شر شیطان و لشکرهای او و هر که هشت روز از این ماه را روزه دارد بیرون نرود از دنیا
تا انکه از حوضهای قدس سیراب کردد و هر که نه روز از این ماه را روزه دارد منکر و نکیر مهربانی کنند
با او در قبر چون از او سوال نمایند و هر که ده روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی وسیع کرداند
قبر او را هفتاد ذراع در هفتاد ذراع و هر که یازده روز از این ماه را روزه دارد حق تعالی یازده مناره از نور بر قبر او بزند
و هر که دوازده روز از این ماه را روزه بدارد زیارت نمایند او را در قبر او هر روز نود هزار ملک
تا نفخ صور و هر که سیزده روز از این ماه را روزه بدارد استغفار کنند برای او ملائکه اسمانهای
هفتکانه و هر که چهارده روز از این ماه را روزه بدارد حق تعالی الهام فرماید بجمیع حیوانات و
درندکان حتی ماهیان دریاها که استغفار نمایند برای او و هر که پانزده روز از این ماه را روزه
دارد خداوند رب العزت او را ندا کند که بعزت و جلال خود سوکند یاد کردم که ترا باتش جهنم
نسوزانم و هر که شانزده روز از این ماه را روزه بدارد خاموش کرداند حق تعالی از او هفتاد دریا
از اتش جهنم را و هر که هفده روز از این ماه را روزه دارد بسته شود بر او همه درهای جهنم و هر که
هجده روز از این ماه را روزه دارد کشوده شود برای او همه درهای بهشت و هر که نوزده روز
از این ماه را روزه دارد عطا کند باو در بهشت هفتاد هزار قصر از در و یاقوت و هر که بیست روز
از این ماه را روزه دارد هفتاد هزار زن از حور العین را باو تزویج کنند و هر که بیست و یک روز از این ماه را (در هفتادوم)
روزه دارد مرحبا کویند باو ملائکه و پر و بال خود را باو عالند برای برکت و هر که بیست و دو روز
از این ماه را روزه دارد بپوشانند باو هفتاد هزار حله از سندس و استبرق بهشت و هر که بیست و سه
روز از این ماه را روزه دارد برای او بیاورند در وقت بیرون آمدن از قبر چهارپایی از نور و بر او سوار شود

و پرواز کنان داخل بهشت شود و هر که بیست و چهار روز از این ماه را روزه دارد قبول کنند
شفاعت او را در حق هفتاد هزار کس که خدا را بیکانکی پرستنده باشند و هر که بیست و پنج روز
از این ماه را روزه دارد برات بیزاری از نفاق را باو عطا کند و هر که بیست و شش روز از این ماه را
روزه دارد کذشتن از پل صراط را حق تعالی برای او بنویسد و هر که بیست و هفت روز
از این ماه را روزه دارد برات سلامتی از اتش جهنم را حق تعالی برای او بنویسد و هر که بیست و هشت روز
از این ماه را روزه دارد روی او در روز قیامت مانند ماه نورانی شود و هر که بیست و نه روز
از این ماه را روزه دارد برسد برضوان اکبر حق تعالی و هر که سی روز از این ماه را روزه بدارد ندا کند
او را جبرئیل از پیش عرش که ای فلان عمل را از سر کیر بدرستی که امرزیده شد کناهان کذشته تو
و بپرورد کار جلیل میفرماید که اکر کناهان تو بعدد ستارهای اسمان و قطرهای باران و برک
درختان و ریک بیابان و ایام دنیا باشد که همه را امرزیدیم برای تو و بعد از آن حضرت فرمود
کاین معنی از خداوند عالمیان عجیب نیست بعد از انکه ماه شعبان را روزه داشته باشی و شیخ طوسی
طاب ثراه در مصباح و سید ابن طاوس رحمه الله در اقبال از صفوان بن مهران جمال روایت
کرده اند که کفت حضرت صادق صلوات الله و سلامه علیه بمن فرمود که ترغیب کن جماعتی
که در ناحیه تو هستند بروزه داشتن ماه شعبان عرض کردم که فدای تو شوم ایا فضیلتی میدانی
دران فرمود بلی بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه واله چون هلال شعبان را میدید منادی را
امر میفرمود که در مدینه ندا کند که ای اهل یثرب بدرستیکه من از جانب رسول خدا صلی الله علیه واله
بسوی شما رسولم و میفرماید که شعبان ماه منست خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من
پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که از وقتی
که نداء منادی انحضرت را شنیدم فوت نشد از من روزه این ماه و نخواهد شد انشاء الله تعالی
پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که روزه دو ماه پی در پی توبه ایست از جانب حق تعالی و شیخ
مفید قدس الله روحه در کتاب مقنعه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که
روزه بدارد ماه شعبان را از برای کرداندن روزه او را از هر لغزش و هر وصمه و هر بادره پس در یافته
او را دعوت رسول خدا صلی الله علیه واله زیرا که انحضرت فرموده که رحمت کند خدا کسی را که یاری
کند مرا بر ماه من و ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه از ابو حمزه ثمالی روایت
کرده است که کفت که انحضرت فرمود که هر که ماه شعبان را روزه بدارد این روزه پاک کرداند او را

[illegible]

از هر لغزشی و هر وصمه و هر بادره عرض کردم که چیست وصمه فرمود که سوگند یاد نمودن و نذر کردن
در معصیت پس عرض کردم که چیست بادره فرمود که سوگند خوردن در وقت غضب و توبه از آن پشیمانی
از آنست و در کتاب فضایل شهر شعبان از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت
از پدران بزرگوار خود از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که هر که روزه بدارد ماه شعبان را
از برای محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله و تقرب جستن بحق تعالی حق تعالی او را محبوب خود گرداند
و او را در روز قیامت بکرامت خود نزدیک گرداند و بهشت را برای او واجب گرداند و ایضا
در کتاب مذکور باسانید متعدده از عایشه روایت کرده است که گفت من ندیدم رسول خدا صلی الله
علیه و آله را که روزه دارد در ماهی زیاده از ماه شعبان و ایضا در کتاب مذکور از حضرت امام رضا
صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بسیار روزه میداشت
در ماه شعبان و میفرمود که ماه شعبان ماه من است و آن بهترین ماهها است بعد از ماه مبارک رمضان
هر که یکروز از این ماه را روزه بدارد من شفیع او خواهم بود در روز قیامت و سید ابن طاوس رحمه الله
در اقبال از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که آن حضرت از پدران بزرگوار خود
روایت فرمود که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که شعبان ماه من است و رمضان ماه خداست
هر که یکروز از ماه مرا روزه بدارد در قیامت شفیع او باشم و هر که دو روز از آن را روزه دارد گناهان
گذشته او آمرزیده شود و هر که سه روز از آن روزه دارد باو گویند که عمل را از سر گیر **مؤلف گوید**
که احادیث بسیار وارد شده است که ماه شعبان منسوب بحضرت رسالت صلی الله علیه و آله
و ماه رمضان بخداوند عالمیان منسوبست و ماه رجب بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام منسوبست
و در بعضی روایات ماه رجب بحق تعالی نسبت داده شده و در بعضی ماه رمضان بآنحضرت
رسالت صلی الله علیه و آله منسوب گردیده است و وجه جمع بین الاخبار در باب اول این رساله
مذکور شد و ابن بابویه رحمه الله علیه در کتاب ثواب الاعمال از انس بن مالک روایت کرده است
که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که کدام روزه افضل است حضرت فرمود روزه
ماه شعبان از جهت تعظیم ماه رمضان و ایضا در کتاب مذکور از ابی سعید روایت کرده است
که گفت از اسامة بن زید شنیدم که گفت که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله گاهی آنقدر
روزه میداشت که مردم میگفتند که دیگر افطار نخواهد فرمود و گاهی آنقدر افطار میفرمود
که مردم میگفتند که دیگر روزه نخواهد داشت پس از او پرسیدم که هیچیک از ماهها را روزه

میداشت

میداشت آنقدر که در باقی ماههای دیگر بقدر آن روزه نداشت گفت بلی گفتم که آن کدام ماه است
گفت ماه شعبان و آن ماهیست که غافلند مردم از فضیلت آن و آن ماه میان ماه رجب و ماه
مبارک رمضانست و آن ماهیست که بالا میرود در آن عملهای مردم بسوی خداوند عالمیان
پس دوست میدارم که عمل من بالا رود در حالتی که من روزه باشم و ایضا در کتاب مذکور از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که در خدمت آنحضرت مذکور شد فضیلت ماه شعبان که
حضرت فضیلت و ثواب بسیار برای آن ذکر نمودند آخر فرمود که اگر کسی در خون ناحق داخل شده
باشد و روزه بدارد ماه شعبان را این روزه نفع میرساند باو و آمرزیده میشود ببرکت این روزه و در
کتاب مجالس از آنحضرت روایت کرده است که روزه شعبان ذخیره است برای بنده در روز قیامت
و هیچ بنده نیست که بسیار روزه بدارد در ماه شعبان مگر آنکه حق تعالی باصلاح آورد امر معیشت او را
و کفایت نماید شر دشمن او را و کمتر چیزی که می باشد برای کسی که یکروز از این ماه را روزه دارد
آنست که بهشت برای او واجب میشود و شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب مقنعه از زید شحام
روایت کرده است که گفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که آیا احدی از پدران
بزرگوارت ماه شعبان را روزه داشته است فرمود که بلی پدران بزرگوار من روزه میداشتند
آنرا و من نیز روزه میدارم آنرا و امر میکنم شیعیان خود را به روزه داشتن آن پس هر که از شما روزه دارد
ماه شعبان را تا آنکه وصل کند او را بماه مبارک رمضان سزاوار است بر حق تعالی که عطا فرماید
باو دو بهشت و ندا کند او را ملکی از زیر عرش در وقت افطار او در هر شب که ای فلان
بدرستی که تو خوشنود نمودی رسول خدا صلی الله علیه و آله را بعد از رحلت آنحضرت از دنیا و محمد بن
یعقوب کلینی و ابن بابویه و شیخ مفید قدس الله اسرارهم و دیگران بسندهای معتبر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده اند که بعضی از اصحاب آنحضرت از آنحضرت پرسیدند که هیچیک از
پدران بزرگوارت ماه شعبان را روزه داشته اند حضرت فرمود که بهترین پدرانم رسول خدا
صلی الله علیه و آله آنرا روزه داشته است **مؤلف گوید** که کلینی و شیخ طوسی طاب ثراهما بعد از ذکر
این روایت گفته اند که در بعضی از روایات وارد شده است که از آنحضرت پرسیدند که پدران
بزرگوارت آیا ماه شعبان را روزه داشته اند حضرت فرمود که نه رسول خدا آنماه را روزه نداشته است
و هیچیک از پدرانم او را نیز روزه نداشته اند و بعد از آن در جمع بین الاخبار گفته اند که مراد از این
حدیث آنست که رسول خدا و ائمه علیهم السلام ماه شعبان را بقصد وجوب روزه نداشته اند

[illegible] شعبان

بلکه بقصد استحباب روزه داشته اند و منظور حضرت رد بر ابی الخطاب و اتباع اوست چون
چون ایشان قایل شده اند که روزه تمام ماه شعبان واجب است و اگر کسی یکروز از آن افطار
نماید کفاره بر او واجب میشود و شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب تهذیب الاحکام
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت امام زین
العابدین صلوات الله و سلامه علیه وصل میفرمود روزه ماه شعبان را بماه مبارک رمضان
و میفرمود که روزهٔ دو ماه پی در پی توبه ایست از جانب حق تعالی و ابن بابویه رضوان الله علیه
در کتاب خصال از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که روزه ماه شعبان نیکوست برای
کسی که او روزه بدارد زیرا که نیکوکاران روزه داشته اند آنرا و رغبت بروزه داشتن آن نموده اند
و رسول خدا صلی الله علیه و آله وصل میفرمود روزهٔ ماه شعبان را بماه مبارک رمضان و در کتاب
ثواب الاعمال از ابی سلمه روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از ماههای سال
هیچ ماهی را تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان را که تمام آنرا روزه میداشت و وصل میفرمود
آنرا بماه مبارک رمضان و شیخ طوسی طیب الله ثراه در کتاب تهذیب الاحکام و ابن بابویه
در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که رسول
خدا صلی الله علیه و آله ماه شعبان و ماه مبارک رمضان را روزه میداشت و هر دو را بیکدیگر
وصل میفرمود و مردم را نهی میکرد از اینکه ماه شعبان را بماه مبارک رمضان وصل نمایند و میفرمود
که این دو ماه ماه خداوند عالمیانند و روزه این دو ماه کفاره گناهانی است که پیش از این
دو ماه واقع شده باشد و بعد از آن واقع شود **تحقیق** بدانکه آنچه در اواخر این حدیث شریف
مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود مردم را از وصل نمودن روزه ماه شعبان
بماه مبارک رمضان مخالف است با چند امر **اول** آنچه در صدر همین حدیث اول مذکور شد که روزه
تمام ماه شعبان از جمله سنن است و تاکید زیاد در آن واقع شده است **دوم** مخالف است با
اکثر روایات داله بر فضیلت روزهٔ تمام ماه شعبان و فضیلت وصل نمودن روزهٔ این ماه
بماه مبارک رمضان چنانچه مذکور شد **سیم** مخالف است با روایاتی که وارد شده است در باب
خصوص فضیلت روزهٔ سه روز آخر این ماه چنانچه بعد از این در محل خود مذکور میشود انشا
و علمای ما رضوان الله علیهم در بیان جمع بین الروایات چند وجه گفته اند **اول** ابن بابویه
رضوان الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته که مراد از نهی کردن رسول خدا صلی الله علیه و آله

مردم را

مردم را از وصل نمودن معنی حقیقی نهی نیست بلکه کلام محمول بر استفهام انکاری است
و مراد آنست که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله خود هر دو ماه را بیکدیگر وصل نموده باشند
چگونه مردم را نهی از وصل کردن میفرمایند و این توجیه بسیار بعید است **دوم** شیخ طوسی طاب
ثراه گفته که مراد از وصل نمودن ماه شعبان بماه مبارک رمضان آنست که در روز آخر ماه شعبان
افطار واقع نشود و بماه مبارک رمضان وصل شود و این روزه را روزهٔ وصال مینامند و گرفتن
آن حرام است و لهذا رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی از آن فرموده و این توجیه اگرچه مانند
توجیه سابق بعید است لیکن مؤید این توجیه است حدیثی که شیخ طوسی و شیخ مفید و دیگران
روایت کرده اند از سلیمان که گفت عرض کردم بخدمت حضرت صادق علیه السلام که چه میفرمائی
در باب کسی که ماه شعبان و ماه مبارک رمضان را روزه بدارد فرمود که این دو ماه همان دو ماه
که حق تعالی درباره اینها فرموده که روزهٔ دو ماه پی در پی توبه ایست از جانب خدا پس عرض
کردم که میان این دو ماه فصل نکند حضرت فرمود که هرگاه شب افطار نماید پس آن فصل است
و بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که وصال در صیام حرام است و مراد حضرت
آنست که کسی دو روز پی در پی را روزه بدارد که در میان آن دو روز افطار نکند و چون مستحب است
برای بنده که سحور بخورد پس ماه شعبان را بماه مبارک رمضان وصل نکرده است **سیم**
سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال گفته که رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام
ماه شعبان را روزه میداشته است و نهی آنحضرت مخصوص امت است بجهة نهی کردن مردم
از وصل بتسهیل امر و تخفیف بر مردم و گفته است که روایاتی که دلالت بر فضیلت روزهٔ سه روز
آخر این ماه میکند نسبت بکسی است که تمام ماه شعبان را روزه نداشته باشد در این صورت نظر باو
سه روز آخر فضیلت عظیم دارد و مؤید این چند حدیث نقل نموده **اول** حدیثی که از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود که پدرم فصل میفرمود میان ماه شعبان و ماه
مبارک رمضان بیکروز **دوم** ایضا از آنحضرت روایت نموده که مجملی فرمود که روزهٔ ماه شعبان
نیکوست و لیکن فصل کن میان این دو ماه بیکروز یا دو روز و این توجیه ظاهرا مناسبت ندارد
با حدیثی که دلالت میکند بر فضیلت روزهٔ تمام این ماه عموما و آنکه ائمه ما علیهم السلام تمام این ماه را
روزه داشته اند و در آخر حدیث اول که ذکر نموده این تتمه نیز هست که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام تمام این ماه را روزه میداشت و میفرمود که روزهٔ دو ماه پی در پی توبه ایست از جانب

حق تعالی و سید از جهت عدم ملائمت این جزو با مدعای خود آن نقل ننموده است و بعضی از
متاخرین علما این دو حدیث را بر تخییر حمل کرده اند و گفته اند که وصل نمودن این دو ماه
بیکدیگر و فصل نمودن میان آنها با فطار نمودن یک روز یا دو روز هر دو فضیلت دارد و آدمی
مخیر است میان این دو شق هر یک را که عمل نماید نیکوست و در فصل نمودن احتمال تقیه نیز داده است
بجهة آنکه اهل سنت روزهٔ یوم الشک را حرام میدانند و این دو احتمال ظاهرا منافات دارد با آنچه
در حدیث سابق مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله خود وصل میفرمود و مردم را نهی
میفرمود از وصل کردن و تحقیق این مقام چنانچه بخاطر قاصر این شکسته میرسد آنست که رسول
خدا صلی الله علیه و آله عامهٔ مردم را نهی از وصل نفرموده باشد بلکه نهی آنحضرت نظر بجمعی باشد
که روزه بر ایشان شاق باشد و مانع حضور قلب و خلوص نیت ایشان بشود و باین سبب
ائمه علیهم السلام بهر یک از اصحاب در مقام جواب آنچه مناسب حال ایشان بوده فرموده اند اگر
ایشان طاقت روزه داشتن دو ماه پی در پی را داشته اند و این معنی مانع رغبت ایشان نمیشده
فضیلت و ثواب آن را بیان فرموده اند و اگر بعلت ضعف مزاج یا امثال آن طاقت روزه گرفتن
دو ماه را نداشته اند امر بفصل و افطار فرموده اند و لهذا در بعضی از روایات امر بفصل در آخرها
واقع شده چنانچه در دو روایتی است که سید نقل نموده و آن نظر بحال کسی است که طاقت روزه داشتن
اکثر ماه را داشته باشد و در بعضی از روایات امر بفصل بعد از پانزدهم واقع شده است
و آن نظر بکسی است که طاقت او کمتر باشد چنانچه در کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن
سماعه روایت کرده است که گفت سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام از ماه شعبان که آیا
رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را روزه داشته است یا نه فرمود که بلی و لیکن تمام آن را روزه نداشت
عرض کردم که چه قدر از آن افطار نمود فرمود که افطار نمود و بیان نفرمود که چه قدر از آن
افطار فرموده پس من سؤال را اعاده نمودم سه مرتبه و حضرت همان جواب مجمل را فرمود
پس سال آینده باز همین سؤال را از آنحضرت کردم و حضرت بهمان نحو جواب فرمود پس پرسیدم
که آیا وصل کنم ماه شعبان را بماه مبارک رمضان یا فصل نمایم فرمود که فصل کن عرض کردم
که چه وقت فصل کنم فرمود که چون نیمهٔ ماه بگذرد و بعد از آن یک روز از آن را افطار نمائی
پس فصل کرده و در کتاب قرب الاسناد از بکر بن محمد روایت کرده است که گفت عرض کردم
بخدمت حضرت صادق علیه السلام که چه میفرمائی در روزهٔ ماه شعبان فرمود که روزه

بدار ای

بدار ای عزیز عرض کردم که آیا فصل کنم روزهٔ این ماه را با فطار فرمود که یک روز بعد از نیمه را افطار کن و بعد از آن
وصل کن و در بعضی از روایات امر بفصل مطلقا واقع شده خواه در اول و خواه در وسط و خواه
در آخر چنانچه سماعه از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت کرده است که با فرمود
که هر گاه افطار کنی از ماه شعبان یک روز را خواه در اول و خواه در وسط و خواه در آخر
پس فصل کرده خواهی بود و همچنین ائمه علیهم السلام اگر بر ایشان نیز صعوبت نداشته تمام دو ماه را
روزه داشته اند و اگر بجهتی صعوبت داشته افطار فرموده اند و اینست سر آنچه از بعضی
احادیث سابقه ظاهر میشود که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فصل میفرموده و یک روز را در اول
افطار میفرموده زیرا که آنحضرت جسیم و بطین بوده و در هواهای گرم مانند مدینهٔ طیبه
روزه بر آنحضرت شاق بوده لهذا در بعضی از سنوات فصل با فطار میفرموده و گاهی که
مزاج شریف آن بزرگوار طاقت روزه داشته تمام ماه را روزه میداشته چنانچه ابن بابویه
رحمه الله علیه در کتاب ثواب الاعمال از عنبسه عابد روایت کرده است که حضرت امام
محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق علیهما السلام تمام ماه شعبان را روزه میداشتند و چون
این عذر در باقی ائمه مانند حضرت سید الساجدین و حضرت صادق علیهما السلام نبوده همیشه
وصل میفرموده اند و اما رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از روایات چنین ظاهر میشود که در
اوایل حال تمام ماه شعبان را روزه نمیداشته بلکه بعضی از آن را روزه میداشته و باین معنی محمول است
حدیثی که از کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی نقل شده که آنحضرت تمام ماه شعبان را روزه
نداشته بلکه بعضی از آن را افطار فرموده و همچنین احادیثی که سابق بر این نقل شد که روزه آن
حضرت در ماه شعبان زیاده از ماههای دیگر بوده است و در اواخر عمر شریف تمام ماه را روزه
میداشته و وصل میفرموده است چنانچه ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال از عنبسه عابد
روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت در حالتی که تمام ماه شعبان
و ماه مبارک رمضان را و سه روز از دهٔ ماه دیگر که پنجشنبهٔ اول و آخر و چهارشنبهٔ وسط بود
روزه میداشت و بعضی احادیث دال بر این معنی در باب اول مذکور شد والله تعالی هو الموفق
تتمه بدانکه نظر بزن شوهر دار افضل آنست که روزه را اگر در ماه مبارک رمضان بعلت
حیض افطار نموده قضاء آن را تا ماه شعبان تاخیر نماید که مبادا شوهر ارادهٔ مقاربت با او داشته
باشد و روزه مانع شود چنانچه محمد بن یعقوب کلینی و شیخ طوسی و ابن بابویه رضی الله عنهم از حضرت

از خزینه اول صحه

جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند که زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله هر که ماه قضا
روزه داشتند تاخیر مینمودند تا ماه شعبان که مبادا مانع آنحضرت شوند پس چون ماه شعبان
داخل میشد ایشان روزه میداشتند و آنحضرت نیز با ایشان روزه میداشت و میفرمود که
ماه شعبان ماه منست و بعضی روایات دیگر در باب فضیلت اینماه واقع شده و بعد از این
در ضمن بیان اعمال مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی **خاتمه** قطب راوندی در کتاب قصص الانبیا
بسند خود از ابن بابویه رضی الله عنه روایت کرده است که او بسند از آنحضرت امام جعفر صادق
علیه السلام متصل کردانیده که آنحضرت فرمود که در کتاب دانیال پیغمبر علیه السلام نوشته است که هر سالی
که در ماه شعبان آفتاب بگیرد همگی مردم از شر پادشاه سالم باشند و پادشاه ظفر یابد بر دشمنان
خود در مغرب و در آن سال در کوهستانات طاعون و وبا بهم رسد و بزودی بر طرف شود
و هر سالی که در ماه شعبان ماه بگیرد پادشاه کشته شود یا بمیرد و لشکرش پادشاه شود و نرخها
گران شود و باین سبب جوع بر مردم غالب شود والله تعالی اعلم **باب دوم** در بیان آداب
دیدن هلال ماه شعبان و آنها چند چیز است **اول** سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد
قدس الله روحه در بعضی از مولفات خود گفته است که هلال ماه شعبان را بر روی صالحان
و بزرگان ببیند **دوم** سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال گفته که اگر در وقت دیدن
هلال ماه شعبان دعاهای منقوله حاضر نباشد باید دعا را بخواند اللهم هذا هلال
شَهرٍ قَد وَرَدَ مِنَ الاِحسانِ فَاجعَلهُ اللّهُمَّ هِلالَ بَرَکاتٍ وَسَعاداتٍ
کامِلَةِ الاَمانِ وَالغُفرانِ وَالرِّضوانِ وَماحِیَةِ الخَطایا وَالاَوزارِ وَحامِیَةِ
مِن اَذی اَهلِ العِصیانِ وَالبُهتانِ وَشَرِّفنا بِاشتِمالِ مَراسِمِهِ وَاِحیاءِ مَواسِمِهِ وَاَلحِقنا
بِشُمولِ مَراحِمِهِ وَمَکارِمِهِ وَطَهِّرنا فیهِ تَطهیراً نَصلُحُ بِهِ لِلدُّخولِ عَلی شَهرِ رَمَضانَ
مُظَفَّرینَ بِاَفضَلِ ما ظَفِرَ بِهِ اَحَدٌ مِن اَهلِ الاِسلامِ وَالاِیمانِ بِرَحمَتِکَ یا
اَرحَمَ الرّاحِمینَ **مولف گوید** که اکثر دعاها را سید داماد نقل نموده در روایتی و حدیثی بنظر
نمیرسد و دعائی را که ابن طاوس ذکر نموده منقول نیست و چنانچه عادت سید است
که خود تالیف ادعیه می نماید این دعا را خود نیز تالیف نموده بهتر آنست که ادعیه منقوله
مطلقه که در هر ماه باید خوانده شود و در فاتحه کتاب بتفصیل مذکور شد و بعد از این
ان شاء الله تعالی نیز بعضی از آنها در ادعیه دیدن هلال ماه مبارک رمضان مذکور میشود

در دعای هلال ماه شعبان

ذا الاحسان

خوانده شود

٨٤

خوانده شود والله تعالی هو الموفق **باب سیم** در بیان اعمالی که در همه اوقات اینماه میتوان
بجا آورد و اختصاص بروز و شب مخصوصی ندارد و اعمال مذکوره چند چیز است **اول**
تصدق نمودن سید ابن طاوس رضوان الله علیه در کتاب اقبال بسند خود از زید رقی
روایت کرده است که گفت سوال نمودم از حضرت صادق صلوات الله و سلامه علیه از روزه
ماه رجب فرمود که کجا شدید شما از روزه ماه شعبان پس گفتم یا ابن رسول الله چه چیز است ثواب کسی
که یک روز از ماه شعبان را روزه بدارد فرمود بخدا قسم که ثواب او بهشت است پس گفتم که یا ابن رسول الله
صلی الله علیه و آله بهتر چیزی که در اینماه کرده شود چه چیز است فرمود صدقه و استغفار و هر کم
تصدق کند در ماه شعبان بصدقه حق تعالی تربیت فرماید آن صدقه را چنانچه یکی
از شما بچه شتر خود را تربیت میکند تا آنکه برساند آن صدقه را باو در روز قیامت و حال
آنکه آن صدقه ببزرگی کوه احد شده باشد و ابن بابویه رحمه الله علیه در کتاب خصال
و عیون اخبار الرضا از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که
آنحضرت در حدیث طولانی فرمود که هر که تصدق کند در ماه شعبان بصدقه اگر چه
بنصف خرما باشد حق تعالی جسد او را بر آتش حرام کرداند **دوم** صلوات فرستادن در
کتاب حسین بن سعید و نوادر احمد بن محمد بن عیسی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که شعبان ماه من است پس در اینماه بسیار بفرستید
صلوات بر من و بر آل من و شعبان را ماه شفاعت میگویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند
کسی را که در اینماه صلوات بر او و بر آل او بفرستد **سیم** سید ابن طاوس علیه الرحمة
در کتاب اقبال از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در ماه شعبان
هزار مرتبه بگوید لا اله الا الله و لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون
حق تعالی برای او ثواب عبادت هزار ساله بنویسد و گناه هزار ساله او را محو نماید و بیرون
آید او از قبر در روز قیامت و حال آنکه روی او مانند ماه شب چهارده درخشان باشد
و نزد حق تعالی از جمله صدیقان نوشته شود **چهارم** سید طاب ثراه در اقبال
بسند معتبر از ابن خالویه که از اعاظم علما و محدثین شیعه است و در شهر حلب ساکن بوده
و از اطراف و نواحی آفاق مردم بدیدن او می آمده اند حدیث از او فرا میگرفته اند روایت
نموده که او می گفته است که این دعا از جمله مناجاتهای حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

دعاى ماه شعبان

صلوات الله عليه و امامان از فرزندان اوست عليهم الصلوة والسلام كه در ماه شعبان ميخوانده اند
ودعا اينست اللهم صل على محمد وآل محمد واسمع دعائي اذا دعوتك واسمع ندائي اذا ناديتك
واقبل علي اذا ناجيتك فقد هربت اليك ووقفت بين يديك مستكينا لك متضرعا
اليك راجيا لما لديك ثوابي وتعلم ما في نفسي وتخبر حاجتي وتعرف ضميري
ولا يخفى عليك امر منقلبي ومثواي وما اريد ان ابدئ به من منطقي واتفوه
به من طلبتي وارجوه لعاقبتي وقد جرت مقاديرك علي يا سيدي فيما يكون
مني الى آخر عمري من سريرتي وعلانيتي وبيدك لا بيد غيرك زيادتي ونقصي
ونفعي وضري الهي ان حرمتني فمن ذا الذي يرزقني وان خذلتني فمن ذا الذي
ينصرني الهي اعوذ بك من غضبك وحلول سخطك الهي ان كنت غير مستاهل
لرحمتك فانت اهل ان تجود علي بفضل سعتك الهي كاني بنفسي واقفة
بين يديك وقد اظلها حسن توكلي عليك فقلت ما انت اهله وتغمدتني
بعفوك الهي ان عفوت فمن اولى منك بذلك وان كان قد دنا اجلي ولم
يدنني منك عملي فقد جعلت الاقرار بالذنب اليك وسيلتي الهي قد جرت على
نفسي في النظر لها فلها الويل ان لم تغفر لها الهي لم يزل برك علي ايام حيوتي
فلا تقطع برك عني في مماتي الهي كيف آيس من حسن نظرك لي بعد مماتي وانت
لم تولني الا الجميل في حيوتي الهي تول من امري ما انت اهله وعد بفضلك
على مذنب قد غمره جهله الهي قد سترت علي ذنوبا في الدنيا وانا احوج
الى سترها علي منك في الاخرى الهي قد احسنت الي اذ لم تظهرها لاحد
من عبادك الصالحين فلا تفضحني يوم القيمة على رؤس الاشهاد الهي جودك
بسط املي وعفوك افضل من عملي الهي فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين
عبادك الهي اعتذاري يا كريم يا اكرم من اعتذر اليه المسيئون الهي لا ترد

مستكينا

تفضلك سعتك

ففعلت

يدن

ولا اكرم

اليك اعتذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل عذري

حاجتي ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي واملي الهي لو اردت هواني لم تهدني
ولو اردت فضيحتي لم تعافني الهي ما اظنك تردني في حاجة قد افنيت عمري
في طلبها منك الهي فلك الحمد ابدا ابدا دائما سرمدا يزيد ولا يبيد كما تحب وترضى
الهي ان اخذتني بذنوبي اخذتك بمغفرتك واذا ادخلتني النار اعلمت اهلها اني
احبك الهي ان كان صغر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في جنب رجائك
املي الهي كيف انقلب من عندك بالخيبة محروما وقد كان حسن ظني بجودك
ان تقلبني بالنجاة مرحوما الهي وقد افنيت عمري في شرة السهو عنك وابليت شبابي
في سكرة التباعد منك الهي فلم استيقظ ايام اغتراري بك وركوني الى سبيل سخطك
الهي وانا عبدك وابن عبدك قائم بين يديك متوسل بكرمك اليك الهي انا
عبد اتنصل اليك مما كنت اواجهك به من قلة استحيائي من نظرك واطلب العفو منك
اذ العفو نعت لكرمك الهي لم يكن لي حول فانتقل به عن معصيتك الا في وقت
ايقظتني لمحبتك وكما اردت ان اكون كنت فشكرتك بادخالي في كرمك ولتطهير
قلبي من اوساخ الغفلة عنك الهي انظر الي نظر من ناديته فاجابك واستعملته
بمعونتك فاطاعك يا قريبا لا يبعد عن المغتر به ويا جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه الهي
هب لي قلبا يدنيه منك شوقه ولسانا يرفع اليك صدقه ونظرا يقربه منك حقه
الهي ان من تعرف بك غير مجهول ومن لاذ بك غير مخذول ومن اقبلت عليه غير
مملول الهي ان من انتهج بك لمستنير وان من اعتصم بك لمستجير وقد لذت بك الهي يا سيدي
فلا تخيب ظني من رحمتك ولا تحجبني عن رافتك الهي اقمني في اهل ولايتك مقام
من رجا الزيادة من محبتك الهي والهمني ولها بذكرك الى ذكرك واجعل همتي الى
روح نجاح اسمائك ومحل قدسك الهي بك عليك الا الحقتني بمحل اهل
طاعتك والمثوى الصالح من مرضاتك فاني لا اقدر لنفسي دفعا ولا املك

تعافني

ان اخذتني بجرمي اخذتك بعفوك

عبدك

من كرمك

برفعه

همتي في ذكر

لها نفعا الهي انا عبدك الضعيف المذنب ومملوكك المنيب المعيب فلا تجعلني ممن صرفت عنه وجهك وحجبه سهوه عن عفوك الهي هب لي كمال الانقطاع اليك وانر ابصار قلوبنا بضياء نظرها اليك حتى تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الى معدن العظمة وتصير ارواحنا معلقة بعز قدسك الهي واجعلني ممن ناديته فاجابك ولاحظته فصعق لجلالك فناجيته سرا وعمل لك جهرا الهي لم اسلط على حسن ظني قنوط الاياس ولا انقطع رجائي من جميل كرمك الهي ان كانت الخطايا قد اسقطتني لديك فاصفح عني بحسن توكلي عليك الهي ان حطتني الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهني اليقين الى كرم عطفك الهي ان انامتني الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد نبهتني المعرفة بكرم الائك الهي ان دعاني الى النار عظيم عقابك فقد دعاني الى الجنة جزيل ثوابك الهي فلك اسئل واليك ابتهل وارغب واسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعلني ممن يديم ذكرك ولا ينقض عهدك ولا يغفل عن شكرك ولا يستخف بامرك الهي والحقني بنور عزك الابهج فاكون لك عارفا وعن سواك منحرفا ومنك خائفا مراقبا يا ذا الجلال والاكرام وصلى الله على محمد رسوله واله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا **باب چهارم** در بيان اعمالي كه در هر روز يا هر روز وهر شب از اين ماه بايد كرده شود واعمال مذكوره چند چيز است **اول** استغفار ابن بابويه رضوان الله عليه در كتاب خصال وعيون اخبار الرضا از حضرت امام رضا صلوات الله عليه روايت كرده است كه انحضرت در حديث طولاني فرمود كه هر كه در هر روز از ماه شعبان شصت مرتبه استغفار نمايد محشور ميشود در روز قيامت در زمره رسول خدا صلى الله عليه واله وواجب ميشود براي او انكه حق تعالى كرامي دارد او را **مؤلف گويد** كه بقرينه احاديثي كه بعد از اين مذكور ميشود ظاهر انست كه حضرت استغفار را هفتاد مرتبه فرموده باشد وچون صورت شصت وهفتاد در خط عربي نزديك بيكديگر است نساخ كتاب شصت مرتبه ضبط نموده بلسند والله يعلم وايضا ابن بابويه در كتاب امالي از انحضرت روايت نموده اند كه هر كه در ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفار نمايد بيامرزد حق تعالى گناهان او را هر چند بعدد ستارهاي

اسمان باشد **مؤلف گويد** كه در اين حديث نيز گويا سهوي از كتاب واقع شده زيرا كه در احاديثي كه بعد از اين مذكور ميشود استغفار در هر روز از اين ماه هفتاد مرتبه واقع شده ولفظ هر روز ظاهرا از اين حديث ساقط شده است والله تعالى يعلم وايضا ابن بابويه در كتاب امالي وعيون اخبار الرضا از انحضرت روايت كرده است كه هر كه در هر روز از ماه شعبان هفتاد نوبت بگويد استغفر الله واسئله التوبة حق تعالى براي او برات بيزاري از اتش جهنم وگذشتن بر صراط بنويسد واو را در دار القرار بهشت جاي دهد وايضا ابن بابويه در كتاب خصال وثواب الاعمال وشيخ طوسي در مصباح از حضرت صادق عليه السلام روايت نموده اند كه هر كه در هر روز از ماه شعبان هفتاد نوبت بگويد استغفر الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم الحي القيوم واتوب اليه بنويسد حق تعالى نام او را در افق مبين راوي پرسيد كه كدام است افق مبين فرمود كه صحراي هموار است در پيش روي عرش كه در ان صحرا نهرها جاري شده وبر لب ان نهرها قدحها نهاده شده است بعدد ستارها وسيد در اقبال نيز اين روايت را از كتاب محمد بن الحسن الصفار روايت نموده ودر روايت او چنين است كه استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم الرحمن الرحيم واتوب اليه **دوم** شيخ طوسي در مصباح وسيد ابن طاوس در اقبال وكفعمي در جنة الامان وبلد الامين وعلامه حلي در منهاج الصلاح وسيد ابن باقي در مصباح بسند معتبر روايت نموده اند كه حضرت امام زين العابدين عليه السلام در هر روز از ماه شعبان در وقت زوال افتاب ودر شب نيمه اين ماه دعا ميفرمود وصلوات بر رسول خدا واله صلى الله عليه وعليهم باين صلوات ميفرستاد اللهم صل على محمد وال محمد شجرة النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة ومعدن العلم واهل بيت الوحي اللهم صل على محمد وال محمد الفلك الجارية في اللجج الغامرة يامن من ركبها ويغرق من تركها المتقدم لهم مارق والمتاخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل على محمد وال محمد الكهف الحصين وغياث المضطر المستكين وملجا الهاربين ومنجا الخائفين وعصمة المعتصمين اللهم صل على محمد وال محمد صلوة كثيرة طيبة تكون لهم رضى ولحق محمد وال محمد اداء وقضاء بحول منك وقوة يا رب العالمين اللهم صل على محمد وال محمد الطيبين الابرار الاخيار الذين اوجبت حقوقهم وفرضت طاعتهم

دعاي نيمه شعبان

المضطر المستكين

حقهم

وَوَلاتُتِمَّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ (ولا تخزني)
وَارْزُقْنِي مُوَاسَاةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ
عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَاَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهٰذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ (رسولك)
عَلَيْهِ وَآلِهِ شَعْبَانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْأَبُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ وَاَيَّامِهِ بُخُوعًا لَكَ فِي اِكْرَامِهِ
وَاِعْظَامِهِ اِلٰى مَحَلِّ حِمَامِهِ اَللّٰهُمَّ فَاَعِنَّا عَلَى الْاِسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ
لَدَيْهِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعًا مُشَفَّعًا وَطَرِيقًا اِلَيْكَ مَهْيَعًا وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا
حَتّٰى اَلْقَاكَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَنِّي رَاضِيًا وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِيًا قَدْ اَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ
وَالرِّضْوَانَ وَاَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْاَخْيَارِ **سیم** در هر روز و هر شب اینماه هر یک
از سوره حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و معوذتین را سه نوبت
بخواند پس سه نوبت بگو سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و سه نوبت اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه نوبت اَللّٰهُمَّ
اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و چهارصد نوبت اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ بگو و این عمل
فضیلت عظیم و ثواب بسیار دارد چنانچه در باب سیم از اعمال ماه رجب که در بیان اعمال
مشترکه ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان است مذکور شد **چهارم** هر روز ما بین نماز
عصر و نماز شام این استغفار را بخواند اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
غَفَّارُ الذُّنُوبِ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ ظَالِمٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً وَلَا نُشُورًا
و روایت این عمل در باب سیم از خزینه اول مذکور شد **باب پنجم** در بیان فضیلت
روز پنجشنبه و روز دوشنبه ماه شعبان و اعمال اینها سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که زینت کرده میشود آسمانها در هر روز پنجشنبه ماه شعبان پس ملائکه میگویند که ای
خداوند ما بیامرز این روزه داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان پس هر که
در این روز دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد صد نوبت
بخواند و چون سلام گوید صد مرتبه صلوات بر رسول خدا و آل او صلی الله علیه و آله
(حاشیه: روز پنجشنبه و دوشنبه ماه)

بفرستد حق تعالی هم حاجات دنیا و آخرت او را بر آورد و کسی که روزه دارد در اینماه یکروز بدن
حق تعالی حرام کرداند جسد او را بر آتش **مؤلف گوید** که والد علامه ام سلمه الله تعالی در کتاب
ذریعة النجاح ذکر نموده که گویا مراد حضرت از روزه داشتن روزی از اینماه روزه مخصوصی باشد
و احتمال دارد که مراد خصوص روز پنجشنبه باشد و ایضاً سید از رسول خدا صلی الله علیه و آله
روایت نموده است که فرمود که بدرستی که هر که روزه دارد روز دوشنبه و پنجشنبه ماه شعبان را
حق تعالی نصیب و بهره کاملی باو عطا فرماید پس کسی که این دو روز را روزه دارد بیست حاجت
از حوائج دنیا و بیست حاجت از حوائج آخرت او بر آورده شود **باب ششم** در بیان
اعمال شبها و روزهای اینماه بترتیب **سنوات** و اعمال آن چند چیز است **اول** سید ابن طاوس
طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب
صد رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیکسلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد
یکنوبت بخواند و چون فارغ شود سوره حمد را پنجاه نوبت بخواند قسم بآن خداوندی که مرا
بحق و راستی به پیغمبری فرستاده است که هرگاه بنده این نماز را بجا آورد و روزه بدارد حق تعالی
دفع نماید از او شر اهل آسمان و زمین و شر شیاطین و شر سلاطین را و هفتاد هزار گناه کبیره
او را بیامرزد و عذاب قبر را از او بردارد و نترساند او را منکر و نکیر و بیرون آید از قبر در حالی
که روی او مانند ماه شب چهارده باشد و مانند برق از صراط بگذرد و نامه عمل او را
بدست راست او دهند **مؤلف گوید** که ظاهر مراد از روزه در این حدیث روزه روز اول اینماه است
اگرچه محتمل است که روزه تمام ماه مراد باشد و بدانکه این حدیث حدیث طویلی است مشتمل بر
هر نمازی برای شبی از شبهای اینماه و سید در اقبال این حدیث را متفرق نموده و برای عمل
هر شبی جزوی از آن که مشتمل بر نماز آن شب است نقل نموده و کفعمی علیه الرحمه در جنة الامان
تمام حدیث را یکجا نقل نموده و نقل کفعمی با نقل سید در بعضی از مواضع مخالفت دارد
چنانچه در هر مقامی اشاره بآن میشود و بخط جد علامه ام مولانا محمد تقی طاب ثراه نیز تمام این
حدیث را دیدم و ظاهر حال آنست که او از جنة الامان نقل نموده باشد و لیکن در بعضی از
مواضع با او مخالف است چنانچه اشاره بآن نیز میشود و در زاد المعاد جد علامه ام مولانا محمد
باقر مجلسی قدس الله روحه نیز تمام این صلوات مذکور است و با نقل والدش مطابق است
مگر در این موضع که سوره حمد را بعد از نماز هفتاد مرتبه نقل نموده و ظاهر اسهو در نقل
(حاشیه: اعمال شبها و روزهای یکیک اینماه)

واقع شده است والله تعالی یعلم **دوم** ایضا سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله
علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب دوازده رکعت نماز بکند در هر رکعتی حمد یک نوبت
و سوره قل هو الله احد پانزده نوبت حق تعالی ثواب دوازده هزار شهید را باو عطا فرماید و ثواب
عبادت دوازده سال را برای او بنویسد و بیرون اید از گناهانش مانند روزی که از مادر متولد
شده باشد و عطا فرماید باو بعدد هر ایه از قران مجید قصری در بهشت **سیم** ایضا سید
رحمه الله در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که در این شب
دو رکعت نماز بجا اورد در هر رکعتی سوره حمد یک مرتبه و سوره قل هو الله احد سی مرتبه و چون سلام
بگوید اللهم هذا عهدی عندک الی یوم القیمة محفوظ گردد از شر شیطان و لشکرهای او
و حق تعالی عطا فرماید باو ثواب صدیقان را **چهارم** ایضا سید علیه الرحمه در کتاب مذکور
از سید کاینات صلی الله علیه وآله روایت نموده که هر که روزه بدارد سه روز اول ماه شعبان را
و شبهای این سه روز را بعبادت و بندگی بپا دارد و در هر شبی از این سه شب دو رکعت نماز بکند
در هر رکعتی حمد یک نوبت و سوره قل هو الله احد یازده نوبت بخواند حق تعالی دفع نماید از او شر
اهل اسمانها و زمین و شر شیطان و لشکرهای او و شر پادشاهان جابر را و سوگند بان خداوندی
که مرا بحق و راستی به پیغمبری مبعوث نموده است که بیامرزد حق تعالی هفتاد هزار گناه کبیره او را که
فیما بین او و حق تعالی باشد و دفع نماید از او عذاب قبر و جان کندن و شدتهای ان را **مولف گوید**
که این حدیث شریف دلالت بر استحباب احیا داشتن سه شب اول انماه نیز می کند و بدانکه
اگر در شب اول کسی صد رکعت نماز بجا اورد و در دو رکعت اول بعد از حمد سی نوبت سوره قل
هو الله احد را بخواند و چون سلام گوید بگوید اللهم هذا عهدی عندک الی یوم القیمة
و در ده رکعت بعد از ان بعد از حمد سوره قل هو الله احد را پانزده نوبت بخواند و در باقی
رکعات بعد از حمد سوره قل هو الله احد را یک نوبت بخواند و چون از همگی فارغ شود پنجاه
نوبت قل هو الله احد را بخواند ظاهر حال انست که عمل بهمه روایات مذکوره نموده باشد
والله تعالی یعلم **روز اول** روزه این روز و روز دوم و سیم انماه فضیلت عظیم دارد
چنانچه در حدیث سابق مذکور شد و در باب خصوص روزه روز اول نیز روایات وارد شده است
چنانچه بعضی از انها در باب اول مذکور شد و ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه و ثواب
الاعمال از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که روزه بدارد روز اول ماه شعبان را

بهشت

بهشت برای او واجب شود البته و هر که دو روز از انماه را روزه بدارد حق تعالی در دنیا در هر روز
و هر شب نظر رحمت باو نماید و در بهشت پیوسته نظر رحمت باو کند و هر که سه روز انماه را
روزه بدارد در بهشت هر روز زیارت حق تعالی را در عرش نماید **مولف گوید** که انچه در این
حدیث شریف وارد شده از زیارت حق تعالی در عرش بحسب ظاهر منطبق است بر قول طایفه
مشبهه از اهل سنه که حق تعالی را جسم میدانند و میگویند که در عرش می باشد و باین جهة
علمای شیعه متوجه حل این حدیث شده چند وجه گفته اند **اول** ابن بابویه رحمه الله علیه
بعد از نقل این حدیث گفته که مراد از زیارت حق تعالی زیارت انبیا و اوصیا علیهم التحیة
و الثنا است و هر که ایشانرا زیارت کند گویا حق تعالی را زیارت کرده و مراد زیارت حق تعالی
نیست چنانچه مشبهه میگویند و این توجیه بعید است زیرا که انبیا و اوصیا علیهم السلام در بهشت میباشند
نه در عرش مگر انکه گوییم گاهی بالا میروند بعرش و مؤید اینست احادیثی که وارد شده که ارواح
مقدسه رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین پیش از خلق دنیا بعرش الهی محیطه
بودند و تسبیح و تقدیس خداوند عالمیان می نمودند **دوم** سید ابن طاوس طاب ثراه
در اقبال بعد از نقل این روایت گفته که ممکن است که طایفه از اهل بهشت در عرش جا
داشته باشند و مراد این باشد که هر که سه روز از انماه را روزه دارد حق تعالی او را از جمله
این طایفه میگرداند و در عرش خود جا میدهد او را و عرش چون منزل اختصاصی بحق تعالی
دارد مانند خانه کعبه پس هر که در ان داخل شود گویا حق تعالی را زیارت کرده است **سیم**
وجهی که بخاطر قاصر این شکسته میرسد انست که کلام محمول بر تشبیه باشد و مراد این باشد
که هر که این عمل را بجا اورد انقدر سعادت و کرامت برای او هست که گویا حق تعالی را
در عرش زیارت نموده است و این معنی مستلزم این نیست که حق تعالی عیاذا بالله جسم باشد
و در عرش قرار گرفته باشد بلکه مقصود اینست که اگر حق تعالی را مکانی می بود و در عرش
قرار میداشت و زیارت او ممکن می بود هر اینه این عمل در ثواب مستلزم ان مرتبه
می بود والله تعالی یعلم **و بدانکه** معصیت خداوند عالمیان در این روز گناه عظیم دارد
چنانچه در بعضی از روایات از سید کاینات صلی الله علیه وآله منقولست که فرمود که بحق
ان خداوندی که مرا به پیغمبری فرستاده است که هر که در روز اول ماه شعبان در [illegible]
و معصیت را بکند [illegible] بدستی که بشاخی از شاخهای درخت زقوم چسبیده و الناخ الیه

بجهنم میرساند و سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود
عمل طولانی بجهت طلب روزی نقل نموده که از روز اول ماه رجب باید شروع نمود تا سی روز
تمام و اگر ماه رجب سلخ نداشته باشد در روز اول ماه شعبان نیز آن عمل را باید بجا آورد
تا سی روز تمام شود و کیفیت این عمل در باب پنجم از خزینه اول مذکور شد **شب دوم**
سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که در این شب
پنجاه رکعت نماز بکند در هر رکعتی سوره حمد و سوره قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس هر یک یک نوبت بخواند حق تعالی امر فرماید کرام کاتبان اعمال را که ننویسند
برای این بنده هیچ گناهی تا آنکه سال بر او بگذرد و بگرداند حق تعالی برای او نصیبی در عبادت
اهل آسمان و زمین پس فرموده آن خدائی که بحق و راستی مرا به پیغمبری فرستاده است
سوگند که ترک نمیکند بر پا داشتن این شب را بعبادت مگر شقی و منافق و یا کافر و فضایل
بسیار دیگر نیز برای این شب بیان فرموده **مؤلف گوید** که در این شب دو رکعت نماز در هر رکعتی
حمد یک نوبت و سوره قل هو الله احد یازده نوبت سنت است چنانچه در حدیث سابق که در
عمل چهارم از شب اول گذشت مذکور است و احیا داشتن این شب بعبادت نیز فضیلت
عظیم دارد چنانچه از حدیث سابق و از این حدیث شریف مفهوم میشود **روز دوم** این روز
چون از جمله سه روز اول ابتدای ماه است روزه داشتن آن فضیلت عظیم دارد چنانچه در
حدیث عمل چهارم از شب اول مذکور است **شب سیم** سید در کتاب مذکور از رسول
خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعتی
حمد یک نوبت و سوره قل هو الله احد بیست و پنج نوبت بخواند حق تعالی برای او در قیامت
هشت در بهشت بگشاید و هفت در جهنم بر روی او ببندد و بپوشاند باو هزار حله
و هزار تاج **مؤلف گوید** که احیای این شب نیز بنابر فضیلت دارد چنانچه در حدیث عمل
چهارم از شب اول مذکور است **روز سیم** این روز نیز چون از سه روز اول ابتدای ماه است
روزه آن فضیلت عظیم دارد و بخصوص این روز تأکیدش زیاده است زیرا که اشهر میان
علمای شیعه مطابق روایات معتبره بسیار آنست که ولادت با سعادت حضرت سید الشهداء
ابی عبدالله الحسین صلوات الله علیه و علی آبائه و ابنائه الطاهرین در این روز در روز
پنجشنبه سال چهارم از هجرت واقع شده و بعضی سه شنبه گفته اند و اول اقوی است

دو دعا

و در بعضی از روایات پنجم ماه شعبان واقع شده و این قول خلاف مشهور است و شیخ طوسی
و ابن طاوس و دیگران روایت نموده اند که فرمان حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بیرون
آمد بسوی قاسم بن علاء همدانی وکیل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که مولای ما حضرت
امام حسین علیه السلام در روز پنجشنبه سیم ماه شعبان متولد شده است پس روزه بدار آن روز را و بخوان
بخوان اللهم إني أسألك بحق هذا المولود في هذا اليوم الموعود بشهادته قبل استهلاله
وولادته بكته السماء ومن فيها والأرض ومن عليها ولما يطأ لابتيها قتيل العبرة
وسيد الأسرة الممدود بالنصرة يوم الكرة المعوض من قتله أن الشفاء في تربته والفوز
معه في أوبته والأوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته حتى يدركوا الأوتار ويثأروا الثار
ويرضوا الجبار ويكونوا خير أنصار صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار اللهم فبحقهم
إليك أتوسل وأسأل سؤال مقترف ومعترف مسيء إلى نفسه مما فرط في يومه وأمسه
يسألك العصمة إلى محل رمسه اللهم وصل على محمد وعترته واحشرنا في زمرته
وبوئنا معه دار الكرامة ومحل الإقامة اللهم وكما أكرمتنا بمعرفته فأكرمنا بزلفته
وارزقنا مرافقته وسابقته واجعلنا ممن يسلم لأمره ويكثر الصلاة عليه عند ذكره
وعلى جميع أوصيائه وأهل اصطفائه الممدودين منك بالعدد الاثني عشر النجوم الزهر
والحجج على جميع البشر اللهم وهب لنا في هذا اليوم خير موهبة وأنجح لنا فيه كل طلبة
كما وهبت الحسين لمحمد جده وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد
تربته وننتظر أوبته آمين رب العالمين **پس شیخ و سید گفته اند که بعد از این دعا**
دعای حضرت امام حسین علیه السلام را بخوانند
و این است دعائی که آنحضرت خواند در روزی که مغلوب کافران گردیده بود اللهم
أنت متعالي المكان عظيم الجبروت شديد المحال غني عن الخلائق عريض الكبرياء
قادر على ما تشاء قريب الرحمة صادق الوعد سابغ النعمة حسن البلاء قريب
إذا دعيت محيط بما خلقت قابل التوبة لمن تاب إليك قادر على ما أردت ومدرك
ما طلبت وشكور إذا شكرت وذكور إذا ذكرت أدعوك محتاجا وأرغب إليك
فقيرا وأفزع إليك خائفا وأبكي إليك مكروبا وأستعين بك ضعيفا وأتوكل

فصل خ ل
اصفيائه خ ل
الثاني خ ل
بيدك خ ل
وذكور خ ل

عَلَيْكَ كافِياً اُحْكُمْ بَيْنَنا وَبَيْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ فَاِنَّهُمْ غَرُّونا وَخَذَلُونا وَخَدَعُونا وَغَدَرُوا بِنا
وَقَتَلُونا وَنَحْنُ عِتْرَةُ نَبِيِّكَ وَوُلْدُ حَبِيبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ بِالرِّسالَةِ
وَائْتَمَنْتَهُ عَلى وَحْيِكَ فَاجْعَلْ لَنا مِنْ اَمْرِنا فَرَجاً وَمَخْرَجاً بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ
نیز گفته اند که ابن عیاش گفت که شنیدم از حسین بن علی بزوفری که گفت شنیدم از حضرت
صادق علیه السلام که در این روز این دعا را میخواند و سبب بود که از دعاهای روز سیم ماه شعبان
که روز مولود حضرت امام حسین علیه السلام است **مؤلف گوید** که ظاهر آنست که دعای اول بتمامها
از ناحیه مقدسه بیرون آمده باشد و دعای ثانی را بتمامها ابن عیاش روایت کرده پس اگر
هر یك از دعاها بتمامها خوانده شود یا دعای ثانی قبل از دعای اول خوانده شود نیز خوب
و لازم نیست که دعای ثانی البته بعد از دعای اول خوانده شود چنانچه شیخ و سید گفته اند
و مؤید اینست که علامه علیه الرحمة در منهاج الصلاح اکتفا بدعای اول نموده و دعای ثانی
نقل نکرده است و بدانکه فقرات آخر دعای ثانی مخصوص باهل بیت رسالت است صلوات الله
علیهم اجمعین و والد علام ادام الله ظلاله در حاشیه عدة النجاح گفته که شاید این دو بیت
که هر گاه غیر ایشان این دعا را خوانند باید باین نحو بخوانند فَاِنَّهُمْ غَرُّوا اَئِمَّتَنا وَخَذَلُوهُمْ وَ
غَدَرُوا بِهِمْ وَقَتَلُوهُمْ وَهُمْ عِتْرَةُ نَبِيِّكَ وهکذا فَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ اَمْرِهِمْ فَرَجاً بخوانند و محتمل است
که بهمان نحوی که ایشان میخوانده اند دیگران نیز تعبدا بخوانند و چون آن بعد کوارا آن بلیه حقیقی
این امه مرحومه و عترت آنجناب نفس شیعیانند و مصایبی که بر ایشان واقع شده چنانست
که فی الحقیقه بر شیعیان واقع شده باشد پس ایشان میتوانند بگویند که بر ما ظلم کرده اند
و ما را کشته اند و بخاطر این قاصر چنان میرسد که اگر یکی از سادات خصوصا سادات حسینی
این دعا را بخوانند بتغییر فقرات احتیاج نباشد والله تعالی یعلم و سید جلیل نبیل امیر محمد
باقر داماد قدس الله روحه در بعضی از مؤلفات خود گفته که باید در روز سیم ماه شعبان
این دعا بخوانند يا دارُ النّارِ وَيا دارُ النّارِ وَبَرْصُوهُ و ایضا گفته که روز سیم ایام نحوست
چنانچه هر طفلی که در این روز بوجود آید نماند و هر که بیمار شود معالجه نشود و درختی که بنشانند
خشك شود و اگر کسی در این روز بجنك رود کشته شود و اگر بسفر رود بر نگردد و هر کاری دیگر
که بکند باتمام نرسد **مؤلف گوید** که الفاظ دعای مذکور مشتبه و سندی برای آن
و برای نحوست این روز هیچ جا بنظر نرسید والله تعالی یعلم **تکمیل** بدانکه در خزینه اول

مذکور شد

مذکور شد که هر روزی که ولادت یا وفات یکی از ائمه علیهم السلام در آن روز واقع شده باشد یا
فضیلتی از فضایل ایشان در آن روز ظاهر شده باشد یا اندوهی و مصیبتی بر ایشان واقع شده
باشد زیارت ایشان از نزدیك و دور مناسب است لهذا این روز چون مولود حضرت سید الشهدا است
زیارت آنحضرت در آن مناسب است و دعائی که مذکور شد اگر چه خواندن آن معتبر از زیارت است
لیکن اگر این دعا را با زیارت کسی جمع نماید اتم و افضل است پس اگر در نزد مرقد مطهر حاضر باشد زیارت
مطلقه زیارت نماید و اگر دور باشد بر بام خانه یا بصحرا رود و نظر بجانب راست و چپ خود کند
و بعد از آن بآسمان نظر کند و رو بقبر مبارك نماید **و بگوید** اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ **شب چهارم** سید در کتاب مذکور از حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب چهل رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی حمد
یکنوبت و سوره قل هو الله احد بیست و پنج نوبت بخواند حق تعالی برای او بعوض هر رکعتی ثواب
عبادت هزار هزار سال و بنا کند برای او بعوض هر سوره هزار هزار شهر و عطا فرماید باو ثواب هزار
هزار شهید **شب پنجم** سید در کتاب مذکور از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده
که هر که در این شب دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد پانصد نوبت
و چون سلام دهد هفتاد نوبت صلوات بر رسول خدا و آل او صلوات الله علیه و علیهم بفرستد
حق تعالی هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرت او را بر آورد و عطا فرماید بعدد ستارهای آسمان
شهری در بهشت **روز پنجم** بروایت شیخ طوسی در تهذیب و مصباح ولادت حضرت
امام حسین علیه السلام در این روز واقع شده و این قول خلاف مشهور است و اقوی یوم ثالثه است
چنانکه گذشت و شیخ طوسی در مصباح روایات این قول را نیز ذکر نموده و متوجه توجیه احدی از
روایتین نشده است و شیخ شهید علیه الرحمه گفته است که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه
نیز در روز شنبه پنجم ماه متولد شده و اشهر پانزدهم ماه جمادی الاولی است و اقوال دیگر نیز هست
که در محل خود مذکور میشود و چون احتمال ولادت این دو بزرگوار در این روز میرود زیارت ایشان
از نزدیك و دور مناسب است **شب ششم** سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب چهار رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی حمد
یکنوبت و سوره قل هو الله احد پنجاه نوبت حق تعالی قبض روح او فرماید در حالتی که سعادتمند
و نیکوکار باشد و قبر او را وسیع گرداند و بیرون آید از قبرش و حال آنکه رویش ماند

ماه می باشد و سکفته باشد اشهد ان لا اله الا الله وان محمداً صلی الله علیه وآله عبده ورسوله
یعنی گواهی میدهم که خدائی نیست بغیر حق تعالی وانکه محمد صلی الله علیه وآله بنده وپیغمبر اوست **مولف**
گوید که کفعمی در جنة الامان سوره قل هو الله احد را ده نوبت نقل نموده واگر عمل بروایت اقبال
کرده شود شاید بهتر بود طریق عمل شده باشد والله تعالی یعلم **روز ششم** سید جلیل نبیل
امیر محمد باقر داماد طاب ثراه در بعضی مولفاتش گفته که روز ششم این ماه نیز نحس است چنانچه
هر طفلی که در ان متولد شود بمیرد وهر که بیمار شود معالجه نشود ودرختی که بنشانند خشک شود
وکسی که بجنگ رود کشته شود وهر که کبفر رود برنگردد وکاری که در ان روز شروع کنند باتمام
نرسد **مولف گوید** که این معنی در روایتی بنظر نرسید **شب هفتم** سید طاب ثراه در کتاب مذکور
از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند ودر رکعت اول
حمد یکنوبت وقل هو الله احد صد نوبت ودر رکعت دوم حمد یکنوبت وآیة الکرسی صد نوبت
بخواند بهشتی که هر مؤمن ومؤمنه که این نماز را بجا اورد حق تعالی دعای ورا مستجاب کرداند
وحوائج اورا براورد ونوشته شود برای او هر روزی ثواب شهیدی واورا در درگاه خدا گناهی نباشد
مولف گوید که کفعمی در جنة الامان در رکعت دوم بعد از حمد آیة الکرسی را اکبر به نقل نموده
وبخط جد علامه ام مولانا محمد تقی طاب ثراه در هر دو رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله احد صد مرتبه
در روایت اقبال اصح است والله تعالی یعلم **روز هفتم** شیخ طوسی رضی الله عنه در مصباح از صفوان
جمال روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در روز یکشنبه هفتم ماه شعبان متولد شد
وانچه سیزدهم ماه رجب است چنانچه گذشت لیکن سند این روایت چون صحیح است اگر هر دو روز را
احترام نمایند بهتر است وباین جهت زیارت انحضرت در این روز از نزدیک ودور مناسب است
والله تعالی یعلم **شب هشتم** سید طاب ثراه در کتاب مذکور از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
روایت نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بجا اورد ودر رکعت اول حمد یکنوبت وآیه آمن الرسول
تا آخر سوره یکنوبت وسوره قل هو الله احد را پانزده نوبت بخواند ودر رکعت دوم حمد یکنوبت
وآیه قل انما انا بشر تا آخر یکنوبت وسوره قل هو الله احد را پانزده نوبت بخواند پس اگر گناهان او زیاده
از کف دریاها باشد که حق تعالی ورا از دنیا بیرون نبرد مگر طاهر وپاک وچنان باشد که خوانده
باشد توریة وانجیل وزبور وفرقان را **مؤلف گوید** که در این موضع کفعمی در جنة الامان در رکعت
اول آیه آمن الرسول را نقل نکرده وظاهراً سهو نموده باشد یا از قلم نساخ ساقط شده است وآیه

آمن الرسول

آمن الرسول آیات آخر سوره بقره است وآیات **اینست** آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا اُنْزِلَ اِلَیْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ
کُلٌّ آمَنَ بِاللهِ وَمَلٰئِکَتِهِ وَکُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا
غُفْرَانَکَ رَبَّنَا وَاِلَیْکَ الْمَصِیرُ • لَا یُکَلِّفُ اللهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا کَسَبَتْ وَعَلَیْهَا مَا اکْتَسَبَتْ
رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِینَا اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَیْنَا اِصْرًا کَمَا حَمَلْتَهُ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِنَا
رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلٰینَا فَانْصُرْنَا
عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ • وآیه قل انما انا بشر تا آخر سوره کهف است وآیه **اینست** قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ
یُوحٰی اِلَیَّ اَنَّمَا اِلٰهُکُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ کَانَ یَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا یُشْرِکْ بِعِبَادَةِ
رَبِّهِ اَحَدًا **روز هشتم** بعضی ولادت کثیر السعادت حضرت صاحب الامر علیه السلام را
در این روز نقل نموده اند واشهر واقوی شب پانزدهم این ماه است ولیکن باعتبار رعایت
این قول زیارت آن بزرگوار از نزدیک ودور بکیفیتی که در اعمال شب نیمه مذکور خواهد شد
مناسب است **شب نهم** سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله روایت
نموده که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند در هر رکعتی حمد یکنوبت وسوره اذا جاء نصر الله
والفتح ده نوبت حق تعالی البته جسد اورا بر آتش جهنم حرام گرداند وعطا فرماید باو بعوض
هر آیه ثواب دوازده شهید از شهدای بدر وثواب علما **روز نهم** بعضی از علما ولادت موفور
السعادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام را در این روز نقل کرده اند واین قول اگرچه
خلاف مشهور است لیکن چون احتمال میرود زیارت انحضرت در این روز از نزدیک ودور مناسب است
شب دهم سید در کتاب مذکور از جناب حضرت سید الانبیا صلی الله علیه وآله روایت نموده که هر که
در این شب چهار رکعت نماز بکند در هر رکعتی حمد یکنوبت وآیة الکرسی یکنوبت وسوره انا
اعطیناک الکوثر سه نوبت بخواند حق تعالی بملائکه میفرماید که بنویسید برای او صد هزار حسنه
وبلند کنید برای او صد هزار درجه وبگشائید برای او هزار در وهر که این درها را برای او بسته اید
وبیامرزید او را واولیه ومادر اورا وهمسایگان اورا **مؤلف گوید** که کفعمی رحمه الله در جنة
الامان آیة الکرسی را نیز سه مرتبه نقل نموده وظاهرا سهو در نقل نموده لیکن متابعت ان
شاید احوط باشد وبدانکه مراد از گشودن هزار در گشودن هزار در بهشت است واین منافات
ندارد با آنچه در روایات معتبره مستفیضه وارد شده است که برای بهشت هشت در است زیرا
که ممکن است که هر یک از درهای هشت گانه بهشت ابواب متعدده باشد والله تعالی یعلم

شب یازدهم سید در کتاب مذکور از سید کاینات صلوات الله علیه و آله روایت نموده که هر که
در این شب هشت رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل
یا ایها الکافرون ده نوبت سوگند بان خداوندی که مرا بحق و راستی مبعوث گردانیده است که
بجا نیاورد این نماز را مگر مومنی که ایمان او کامل باشد و حق تعالی عطا فرماید باو عوض هر
رکعتی روضه از روضهای بهشت را شب دوازدهم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله
علیه و آله روایت نموده که هر که در اینشب دوازده رکعت نماز بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر
رکعتی حمد یکنوبت و سوره الهیکم التکاثر ده نوبت حق تعالی بیامرزد گناهان چهل سال او را
و بلند گرداند برای او چهل درجه و استغفار کنند برای او چهل هزار ملک و از برای او ثواب
کسی باشد که شب قدر را دریافته باشد شب سیزدهم بدانکه این شب اول لیالی بیض است
و فضیلت لیالی بیض عموماً در روایات بسیار وارد شده و بخصوص لیالی بیض این ماه و ماه رجب
و ماه رمضان نیز در روایتی وارد شده که در باب سیم اعمال ماه رجب گذشت و اعمال مخصوصه ان
چند چیز است اول سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که
در اینشب دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره والتین و الزیتون یکنوبت بخواند
چنان باشد که دو بنده از فرزندان حضرت اسمعیل علیه السلام را آزاد کرده باشد و بیرون آید
از گناهان مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و حق تعالی برات از اتش جهنم باو عطا فرماید
و با حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و حضرت ابرهیم علیه السلام رفاقت نماید دوم دو رکعت
نماز در هر رکعتی بعد از حمد سوره یس و تبارک و قل هو الله احد هر یک یکنوبت و فضیلت ان
عظیم و ثواب ان بسیار است و در باب سیم از اعمال ماه رجب مذکور شد شب چهاردهم شب دویم
لیالی بیض و فضیلت عظیم دارد و اعمال ان چند چیز است اول سید در کتاب مذکور از حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب چهار رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی
حمد یکنوبت و سوره والعصر پنجنوبت حق تعالی بنویسد برای او ثواب نمازگذارندگان از زمان
ادم علیه السلام تا روز قیامت او را مبعوث گرداند او را در حالتی که روی او روشن تر از
افتاب و ماه باشد و او را بیامرزد دوم چهار رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی
بعد از حمد هر یک از سوره یس و تبارک و قل هو الله احد یکنوبت و فضیلت عظیم دارد و در باب
سیم اعمال ماه رجب گذشت شب پانزدهم این شب شب سیم لیالی بیض است و افضل از

دو شب سابق است بلکه بعد از شب قدر افضل از شبهای سال است و از جمله لیالی اربع و ثواب
عبادت و نماز و تلاوت و ذکر و زیارت در ان احادیث بسیار وارد شده است چنانچه در ضمن بیان
اعمال مذکور میشود و اشهر میان علمای شیعه رضوان الله علیهم مطابق روایات معتبره که بعد از این
مذکور میشود انست که ولادت موفور السعادت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در اینشب
که مصادف شب جمعه بوده از سال دویست و پنجاه و پنج از هجرت واقع شده و بعضی پنجاه و شش و بعضی
پنجاه و هفت نیز گفته اند و باین جهت زیارت ان بزرگوار در اینشب از زمان و مکان و دور مناسبات
و کیفیت ان بعد از این مذکور میشود و اعمال این شب بر دو قسم است قسم اول اعمالی که مخصوص
کربلای معلی نیست و در سایر بلاد هم توان بعمل اورد و اعمال مذکوره چند چیز است اول احیا
داشتن ان بعبادت شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب مصباح از حضرت امام جعفر صادق
از پدر بزرگوارش صلوات الله علیهما روایت کرده است که حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه میفرمود که خوش میاید مرا از فارغ گردانیدن برای عبادت در سالی چهار شب شب عید ماه
رمضان و شب عید قربان و شب نیمه شعبان و شب اول رجب و ایضاً از حضرت امام رضا صلوات
الله علیه روایت نموده است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه در سه شب نمیخوابید
شب بیست و سیم ماه رمضان و شب عید رمضان و شب نیمه شعبان و در ان قسمت اجلها
و روزیها و انچه در عرض سال واقع میشود مولف گوید که این حدیث منافی است با احادیث
بسیار که تقدیر اجال و ارزاق و وقایع سال در شب قدر واقع میشود و وجه جمع نمودن
بین الروایات بعد از این مذکور خواهد شد و سید ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال
از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که احیا دارد شب عید و شب نصف
شعبان را نمیرد دل او در روزی که دلها در ان روز مرده باشد مولف گوید که گویا مراد از شب عید
شب عید رمضانست والله تعالی یعلم و احادیث دیگر در باب فضیلت احیای اینشب بسیار است
و بعد از این بتقریب ذکر سایر اعمال مذکور میشود دوم غسل کردن شیخ طوسی سقی الله ثراه در
مصباح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که روزه بدارید
ماه شعبان را و غسل کنید در شب نیمه ان بدرستی که این تخفیفی است از جانب پروردگار شما
و رحمتی است برای شما مولف گوید که چون در حدیث مذکور نیست که در چه وقت شب
غسل واقع شود پس در هر اوقات این شب غسل مجزی خواهد بود و دور نیست که اگر

در اول شب واقع شود افضل باشد چون تمام عبادات این شب با غسل واقع خواهد شد والله تعالی یعلم
سیم تلاوت قرآن شیخ طوسی قدس الله روحه در مصباح از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه روایت نموده است که آنحضرت بحارث بن عبد الله فرمود که اگر توانی محافظت نمای بر شب
عید فطر و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب و شب نیمه شعبان پس
محافظت نما و در این شبها دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن مؤلف گوید که در دعا و نماز
که در این احادیث وارد شده بهتر آنست که با دعیه و صلوات مخصوصه که در این شب وارد شده
و بعد از این بتفصیل مذکور میشود عمل نمود چهارم استغفار شیخ طوسی روح الله روحه در مصباح
از زید بن حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که گفت پدرم حضرت سید الساجدین
جمع میکرد همه ما را در شب نیمه شعبان و شب را سه جزو قسمت میفرمود در یک حصه با ما نماز
میگذارد و در حصه دیگر با ما دعا میکرد و ما آمین میگفتیم و در حصه دیگر استغفار میکرد و ما
نیز استغفار میکردیم و بخشش را از حق تعالی سؤال می نمودیم تا صبح طالع میشد مؤلف گوید که آنچه
در این حدیث وارد شده است که در یک حصه شب با ما نماز میفرمود ظاهر مراد رفاقت در اصل
نماز کردن است نه در کردن نماز بجماعت زیرا که نافله را بجماعت نمیتوان کرد و از این حدیث شریف مفهوم میشود
که جمع نمودن اتباع و اولاد و ترغیب نمودن ایشان بعبادات در این شب فضیلت عظیم دارد و انکه
عبادات موظفه در این شب در مجامع بهتر است از خلوات زیرا که باعث استجابت دعا میشود
والله تعالی یعلم پنجم سید در کتاب اقبال از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که
در این شب میان نماز شام و خفتن چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده نوبت بخواند و چون فارغ شود ده نوبت یا رب اغفر لنا
و ده نوبت یا رب ارحمنا و ده نوبت یا رب تب علینا بگوید و بعد از آن سوره قل هو الله احد را
بیست و یک نوبت بخواند و ده مرتبه سبحان الله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی
کل شیء قدیر بگوید حق تعالی دعای او را مستجاب گرداند و حوائج دنیا و آخرت او را برآورد
و نامه او را بدست راست او دهد و در حفظ الهی باشد تا سال آینده مؤلف گوید که سید در کتاب
مذکور روایت دیگر نیز نقل نموده که در آن روایت بعد از حمد سوره قل هو الله احد یازده نوبت
وارد شده و کفعمی رحمه الله در جنة الامان بعوض یا رب اغفر لنا اللهم اغفر لنا نقل نموده
و ده نوبت یا رب تب لنا با بیست و یک نوبت قل هو الله را نقل نموده است ششم شش رکعت نماز

هر دو رکعت

هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد هر یک از سوره یس و تبارک و قل هو الله احد یک نوبت
و این نماز ثواب عظیم دارد و در باب سیم اعمال ماه رجب گذشت هفتم دعائی که حضرت سید الساجدین
صلوات الله علیه در هر روز نزد زوال آفتاب و در شب نیمه شعبان میخوانده و آن دعا اللهم صل
علی محمد و آل محمد شجرة النبوة است تا آخر آن و در باب چهارم در اعمال هر روز ماه رجب
بیان آن گذشت هشتم سید رضی الله عنه در اقبال بسند خود از هرون بن موسی تلعکبری رضی الله عنه
روایت کرده است که در شب نیمه ماه شعبان چهار رکعت نماز بکن هر دو رکعت بیک سلام در هر
رکعتی حمد یک نوبت و قل هو الله احد صد نوبت بخوان و چون فارغ شوی این دعا بخوان اللهم
انی الیک فقیر و من عذابک خائف و بک مستجیر رب لا تبدل اسمی و لا تغیر جسمی رب
لا تجهد بلائی رب لا تشمت بی اعدائی اعوذ بعفوک من عقابک و اعوذ برحمتک من
عذابک و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ بک منک جل ثناؤک انت کما اثنیت علی
نفسک و فوق ما یقول القائلون فیک پس دعا کن بانچه خواهی مؤلف گوید که این نماز
و دعا اصح اعمال وارده در این شب است و شیخ طوسی قدس سره در مصباح و علامه علیه الرحمة
در منهاج الصلاح و ابن باقی در مصباح نیز این عمل را نقل نموده اند و شیخ ابو یحیی صنعانی
روایت کرده که او از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام این عمل را روایت
کرده اند و بعد از آن گفته که سی نفر از ثقات اصحاب این دو بزرگوار این عمل را از ایشان روایت
نموده اند نهم سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از کتاب محمد بن علی طرازی
نقل نموده است که در شب نیمه شعبان چهار رکعت نماز بکن هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی
حمد یک نوبت و سوره قل هو الله احد پنجاه نوبت و اگر خواهی قل هو الله احد را صد نوبت بخوان و اگر
خواهی دویست و پنجاه نوبت بخوان و چون سلام گوئی این دعا بخوان اللهم انی الیک فقیر
و من عذابک خائف و بک مستجیر رب لا تبدل اسمی رب لا تغیر جسمی و لا تجهد بلائی
و لا تشمت بی اعدائی اللهم انی اعوذ بعفوک من عقوبتک و اعوذ برضاک من سخطک
و اعوذ برحمتک من عذابک و اعوذ بک منک لا اله الا انت جل ثناؤک لا احصی
مدحتک و لا الثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک و فوق ما یقول القائلون
ان تصلی علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا و حاجت خود را بطلب
مؤلف گوید که شیخ طوسی طیب الله ثراه در مصباح بسند خود از حضرت امام موسی کاظم

علیهما این عمل را روایت نموده و در روایت او سوره قل هو الله احد دویست و پنجاه مرتبه وارد شده
و بخیر میان پنجاه و صد و دویست و پنجاه در آن مذکور نیست و جد علامه امام مولانا محمد باقر مجلسی
قدس الله روحه در کتاب زاد المعاد گفته که اگر پنجاه مرتبه را اختیار نماید موافق میشود با عمل
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و در فضیلت آن احادیث بسیار است و بدانکه ظاهر کلام شیخ و
سید آنست که این عمل غیر عمل سابق است و ظاهر حال چنانچه از توافق عدد رکعات نماز و تطابق
عبادات دعای بعد ظاهر میشود آنست که این عمل با عمل سابق متحد باشد و ادعی در سوره قل هو الله
احد مخیر میان پنجاه و صد و دویست و پنجاه بوده باشد و اگر دویست و پنجاه را اختیار نماید افضل
و شاید بجمیع روایات عمل نموده باشد والله تعالی یعلم **دهم** سید ابن طاوس رفع الله درجته
در اقبال ذکر نموده که در کتاب محمد بن علی طرازی بعد از ذکر عمل سابق مذکور است که از جمله
دعاهای شب نیمه شعبان این دعاست اللهم انت الحی القیوم العلی العظیم الخالق البارئ
المحیی الممیت البدیء البدیع لک الکرم و لک الفضل و لک الحمد و لک المن و لک الجود
و لک الکبر و لک الامر وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد
و لم یولد و لم یکن له کفوا احد اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی و ارحمنی
و اکفنی ما اهمنی و اقض دینی و وسع علی و ارزقنی فانک فی هذه اللیلة کل امر تفرق
من تشاء من خلقک ترزق فارزقنی و انت خیر الرازقین فانک قلت و انت خیر
القائلین الناطقین واسئلوا الله من فضله فمن فضلک اسئل و ایاک قصدت
و ابن نبیک اعتمدت و لک رجوت فارحمنی یا ارحم الراحمین **مؤلف گوید**
که شیخ و علامه و ابن باقی و کفعمی قدس الله اسرارهم نیز این دعا را نقل نموده اند و همگی
از او غیر مطلقه این شب ذکر نموده اند و ظاهر حال آنست که این دعا برای کسی است که در
کربلای معلی حاضر باشد چنانچه از فقره آخر دعا که و ابن نبیک اعتمدت ظاهر میشود
والله تعالی یعلم **یازدهم و دوازدهم** شیخ طوسی و سید ابن طاوس قدس الله روحهما
در مصباح و اقبال بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت
کرده اند که فرمود از پدرم امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند از فضیلت شب نصف
شعبان فرمود که این شب بعد از شب قدر افضل شبهاست و حق تعالی بفضل خود

در این شب

در این شب بر بندگان عطا میفرماید و باحسان خود گناهان ایشان را می‌آمرزد پس سعی کنید در تقرب
جستن بسوی خداوند عالمیان در این شب که این شبی است که حق تعالی بذات مقدس خود سوگند
یاد کرده که سایلی را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه معصیتی از خدا طلب نماید و این شب را خدا
از برای ما اهل بیت قرار داده است بازای شب قدر که از برای پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام
نمائید در این شب در دعا و ثنا کردن بر خدا بدرستی که هر که در این شب صد مرتبه سبحان الله و صد
الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد
و حاجتهای دنیا و آخرت او را بر آورد آنچه را طلب نماید و آنچه حق تعالی داند که او احتیاج بآن دارد
اگر چه طلب نکرده باشد راوی گوید که عرض کردم که بهترین دعاها در این شب کدام است فرمود
که چون از نماز عشا فارغ شدی دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول حمد و سوره قل یا ایها
الکافرون و در رکعت دوم حمد و سوره قل هو الله احد بخوان و چون سلام گفتی سی و سه نوبت
سبحان الله و سی و سه نوبت الحمد لله و سی و چهار نوبت الله اکبر بگو **پس این دعا را بخوان** یا من الیه
ملجأ العباد فی المهمات و الیه یفزع الخلق فی الملمات یا عالم الجهر و الخفیات و یا من
لا تخفی علیه خواطر الاوهام و تصرف الخطرات یا رب الخلائق و البریات یا من بیده
ملکوت الارضین و السموات انت الله لا اله الا انت امت بلا اله الا انت فیا
لا اله الا انت اجعلنی فی هذه اللیلة ممن نظرت الیه فرحمته و سمعت دعائه
فاجبته و علمت استقالته فاقلته و تجاوزت عن سالف خطیئته و عظیم جریرته
فقد استجرت بک من ذنوبی و لجأت الیک فی ستر عیوبی اللهم فجد علی بکرمک
و فضلک و احطط خطایای بحلمک و عفوک و تغمدنی فی هذه اللیلة بسابغ کرامتک
فاجعلنی فیها من اولیائک الذین اجتبیتهم لطاعتک و اخترتهم لعبادتک و جعلتهم
خالصتک و صفوتک اللهم اجعلنی فی هذه اللیلة ممن سعد جده و توفر من الخیرات
حظه و اجعلنی ممن سلم فنعم و فاز فغنم و اکفنی شر ما اسلفت و اعصمنی من الازدیاد
فی معصیتک و حبب الی طاعتک و ما یقربنی منک و یزلفنی عندک سیدی الیک
یلجأ الهارب و منک یلتمس الطالب و علی کرمک یعول المستقیل التائب ادبت

ملجأ العباد

امنت قبلاء

عبادك بالتكرم وانت اكرم الاكرمين وامرت بالعفو عبادك وانت الغفور الرحيم
اللهم فلا تحرمني ما رجوت من كرمك ولا تؤيسني من سابغ نعمك ولا تخيبني من جزيل
قسمك في هذه الليلة لاهل طاعتك واجعلني في جنة من شرار بريتك رب خلقك
ان لم اكن من اهل ذلك فانت اهل الكرم والعفو والمغفرة وجد علي بما انت
اهله لا بما استحقه فقد حسن ظني بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك
وانت ارحم الراحمين واكرم الاكرمين اللهم واخصصني من كرمك بجزيل فانت
قسمك واعوذ بعفوك من عقوبتك واغفر لي الذنب الذي يحبس عني الخلق اعذني
ويضيق علي الرزق حتى اقوم بصالح رضاك وانعم بجزيل عطائك واسعد بسابغ عطاياك
نعمائك فقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك واستعذت بعفوك من عقوبتك
وبحلمك من غضبك فجد لي بما سألتك وانل ما التمست منك اسألك بك لا بشيء اسألك لا بشيء
هو اعظم منك پس بسجده میروی ومیگوئی بیست مرتبه یا رب هفت مرتبه یا الله هفت مرتبه لا حول
ولا قوة الا بالله هفت مرتبه ما شاء الله لا قوة الا بالله ده مرتبه لا قوة الا بالله
ده مرتبه پس صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه وآله میفرستی و حاجت خود را از حق
سؤال میکنی پس بخدا سوگند که اگر بعدد قطرات باران حاجت بطلبی حق تعالی ترا بالتماس تو
بکرم و فضل خود **مؤلف گوید** که این روایت را شیخ طوسی طاب ثراه در مصباح کبیر و مصباح
صغیر و علامه علیه الرحمه در منهاج الصلاح و کفعمی در جنة الامان ذکر نموده اند لیکن
اذکار سجده را مختلف ضبط نموده اند و نقل علامه با روایت اقبال اوفق است زیرا که او
مطابق اقبال نقل کرده مگر آنکه در ما شاء الله لا قوة الا بالله که باید ده مرتبه گفته شود
لا قوة الا بالله را نقل نموده و اکتفا بما شاء الله کرده است و کفعمی بیست مرتبه یا رب و
هفت مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله هفت مرتبه ما شاء الله لا قوة الا بالله ده مرتبه
لا قوة الا بالله نقل نموده و شیخ طوسی در مصباح کبیر مطابق نسخه که جد علامه ام مولانا
محمد تقی طاب ثراه مقابله و تصحیح نموده بیست مرتبه یا رب هفت مرتبه یا الله ده مرتبه
لا حول ولا قوة الا بالله هفت مرتبه ما شاء الله نقل نموده و در مصباح صغیر
مطابق نسخه که بعضی از فضلا با نسخه که بخط علی بن السکون قدس الله روحه که از اعاظم

محدثین

95

محدثین علمای شیعه است بوده مقابله و تصحیح نموده بیست مرتبه یا رب هفت مرتبه یا الله ده مرتبه لا قوة
الا بالله نقل نموده و ظاهر حال آنست که اختلافات مذکوره از راه عدم اعتنا در ضبط ناشی شده باشد
زیرا که همگی یک روایت را که روایت ابو یحیی صنعانی است نقل نموده اند و بدانکه سید در اقبال نیز
بعد از آنکه این روایت را ذکر نموده گفته است که محمد بن علی طرازی در کتاب خود این عمل را بطریق دیگر
که فی الجمله مخالف است با این طریق وارد ذکر نموده است **اول آنکه** در سجده بیست مرتبه یا رب هفت مرتبه
یا رب محمد و آل محمد هفت مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله هفت مرتبه ما شاء الله ده مرتبه لا
قوة الا بالله میگوئی پس صلوات بر رسول خدا و اهل بیت او صلی الله علیه و علیهم میفرستی صل علی محمد
هر قدر که خواهی پس بعد از این نماز و پیش از نماز شب چهار رکعت نمازی که بهزار قل هو الله احد
کرده میشود میگزاری و گویا مراد طرازی از چهار رکعت نماز با هزار قل هو الله احد نمازی است که در عمل
نیمه بروایت طرازی و شیخ طوسی مذکور شد و روایت طرازی اگر چه مشتمل بر تخییر میان پنجاه مرتبه
و صد مرتبه و دویست و پنجاه مرتبه قل هو الله احد است لیکن طرازی در این مقام بنا را بر دویست و
پنجاه مرتبه که فرد اکمل تخییرات است گذاشته است و چون طرازی از اعاظم محدثین شیعه است و ظاهر
حال آنست که در این باب تقدیم و تأخیر این دو عمل نظر بکتب حدیث دیده باشد لهذا اولی آنست که
این عمل را قبل از هفتم چنانچه او گفته است بجا آورند **دوم** طرازی در کتاب خود روایت کرده
که مولای ما حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه این نماز را در شب نیمه شعبان بجا
آورد و بعد از آن خواندن دعائی را که مذکور شد پس بسجده رفت و در سجده بیست مرتبه یا رب
هفت مرتبه یا الله هفت مرتبه یا رب محمد ده مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله فرمود و چون
روایت اول سید با دو روایت طرازی بحسب سند مختلف است ظاهر حال آنست که اختلاف
میان اینها محمول بر تخییر باشد و اگر در سجده بیست مرتبه یا رب یا رب هفت مرتبه یا الله
هفت مرتبه یا رب محمد صل علی محمد و آل محمد ده مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله ده مرتبه
ما شاء الله لا قوة الا بالله ده مرتبه ما شاء الله ده مرتبه لا قوة الا بالله گفته شود شاید
عمل بهمه طرق شده باشد و الله تعالی یعلم **سیوم دعا** شیخ طوسی در مصباح و علامه حلی
در منهاج الصلاح بعد از آنکه عمل سابق را ذکر نموده اند گفته اند که بعد از آن بخوان الهی تعرض
لك في هذا الليل المتعرضون وقصدك القاصدون وامل فضلك ومعروفك
الطالبون ولك في هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا ومواهب تمن بها على من تشاء

مِن عِبادِكَ وَمَنَعْتَها مَن لَمْ تَسْبِقْ لَهُ العِنايَةُ مِنْكَ وَها أَنا ذا عُبَيْدُكَ الفَقِيرُ إِلَيْكَ المُؤَمِّلُ فَضْلَكَ
وَمَعْرُوفَكَ فَإِنْ كُنْتَ يا مَوْلايَ تَفَضَّلْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَعُدْتَ
عَلَيْهِ بِعائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ الخَيِّرِينَ الفاضِلِينَ
وَجُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ يا رَبَّ العالَمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ
وَسَلَّمَ تَسْلِيماً إِنَّ اللهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَما أَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِي كَما وَعَدْتَ إِنَّكَ لا
تُخْلِفُ المِيعادَ **مؤلف گوید** که سید نیز دعا و اقبال این دعا را از شیخ در مصباح نقل نموده
و از کلام شیخ فهمیده است که این دعا تتمهٔ عمل سابق است و ظاهر حال آنست که عمل برأسه باشد
چنانچه جد علامه‌ام قدس الله روحه در زاد المعاد گفته که این دعای بسیار خوبی است و از دعاهای
این شب است اما ظاهرا جزو عمل سابق نیست و از غرایب آنست که سید ابن باقی قدس الله روحه
در مصباح عمل سابق را نقل کرده و گفته است که بعد از دعای یا من الیه ملجأ العباد بسجده میروی
و در سجده دعای الهی تعرض لک را میخوانی و مطلقا اذکار سابق را نقل نکرده است با آنکه او
اعمال را از کتاب مصباح متهجد شیخ طوسی نقل نموده و شیخ اذکار را نقل نموده بلکه سایر علما همگی این
عمل اذکار را نقل نموده اند هرچند در کیفیت با یکدیگر مختلف است چنانچه دانستی والله تعالی یعلم
چهاردهم سید ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
روایت کرده که هر که در شب نیمهٔ شعبان وضو بسازد و افعال وضو را نیکو بجا آورد و دو جامهٔ
پاک بپوشد و بجای نماز خود در رود و نماز خفتن را بجا آورد و بعد از آن دو رکعت نماز بکند
و در رکعت اول حمد یک مرتبه و سه آیه از اول سورهٔ بقره و بعد از آن آیة الکرسی و بعد از آن سه آیه
از آخر سورهٔ بقره بخواند و در رکعت دوم حمد یک مرتبه و قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه و قل
اعوذ برب الناس هفت مرتبه و قل هو الله احد هفت مرتبه بخواند و چون سلام گوید چهار
رکعت دیگر بکند هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ یس و در رکعت
دوم بعد از حمد سورهٔ حم دخان و در رکعت سیم بعد از حمد الم سجده و در رکعت چهارم بعد از
حمد تبارک بخواند پس بعد از آن صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت حمد
یک مرتبه و سورهٔ قل هو الله احد ده مرتبه بخواند حق تعالی سه حاجت او را یا در دنیا یا در آخرت
بر آورد پس اگر از خدا سؤال نماید که مرا در آن شب در خواب ببیند خواهد دید **مؤلف گوید** مشتاق
که مراد از نیکو بجا آوردن افعال وضو آنست که رعایت مقدمات وضو مانند مسواک و مضمضه

و شستن دستها و ادعیهٔ وارده در هر یک بکند و مراد از دو جامه پوشیدن یکی پیراهن و یکی رداست
چون در میان عرب شایع بوده است که همین دو جامه را می‌پوشیده اند و در بلاد عجم اگر چنانچه همان جامهای
پاک متعارف را بپوشند شاید مجزی باشد و اگر ردائی بر روی آنها بر دوش گیرند افضل است و مراد از
سه آیهٔ اول سورهٔ بقره بغیر بسم الله آنست و احوط آنست که بسم الله را بعد از حمد بگوید و بعد از آن آیات
بخواند و آیات اینست **الم** ذٰلِكَ الكِتابُ لا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ • الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالغَيْبِ وَ
يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَمِمّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ • وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِما أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ
وَبِالآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ • أُولٰئِكَ عَلىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولٰئِكَ هُمُ المُفْلِحُونَ • و سه آیهٔ آخر سورهٔ بقره
این آیات است آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللهِ وَمَلائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ
وَرُسُلِهِ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقالُوا سَمِعْنا وَأَطَعْنا غُفْرانَكَ رَبَّنا وَإِلَيْكَ المَصِيرُ •
لا يُكَلِّفُ اللهُ نَفْساً إِلّا وُسْعَها لَها ما كَسَبَتْ وَعَلَيْها مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا إِنْ نَسِينا
أَوْ أَخْطَأْنا رَبَّنا وَلا تَحْمِلْ عَلَيْنا إِصْراً كَما حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنا رَبَّنا وَلا تُحَمِّلْنا ما لا طاقَةَ
لَنا بِهِ وَاعْفُ عَنّا وَاغْفِرْ لَنا وَارْحَمْنا أَنْتَ مَوْلانا فَانْصُرْنا عَلَى القَوْمِ الكافِرِينَ • و بدانکه شیخ
طوسی علیه الرحمه نیز این روایت را در مصباح نقل نموده و در رکعت دوم دو رکعت اول سورهٔ قل
اعوذ برب الناس را مقدم بر قل اعوذ برب الفلق نقل نموده و اعتماد بر نقل سید بیشتر است و صد رکعت
نمازی که در آخر این روایت مذکور است بعد از این بروایات متعدده معتبره مذکور میشود
پانزدهم سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
روایت نموده است که حضرت فرمود که در شب نیمهٔ شعبان در خواب بودم که جبرئیل علیه السلام
نازل شد و گفت ای محمد صلی الله علیه و آله آیا بخواب میروی در این شب گفتم این چه شب است گفت
شب نیمهٔ شعبان است برخیز ای محمد صلی الله علیه و آله پس برخیزانید مرا و با خود به بقیع برد و گفت بلند
سر خود را بلند کن که این شبی است که درهای آسمان در آن گشوده میشود پس باز میشود درهای رحمت
و درگاه خوشنودی خدا و درگاه آمرزش و درگاه تفضل و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود
و بخشش و درگاه احسان حق تعالی در این شب از آتش جهنم آزاد میفرماید از بندگان بعدد موهای
چهارپایان و ثبت میفرماید در این شب اجلهای مردم و روزیهای ایشان تا سال آینده و حوادثی که در این
سال میشود همگی را در این شب تقدیر میفرماید ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن الله اکبر
و سبحان الله و لا اله الا الله و دعا خواندن و نماز کردن و تلاوت قرآن و طلب آمرزش از گناهان

بهشت منزل و محل استراحت او باشد و گناهان گذشته و اینده او امرزیده شود ای محمد
صلی الله علیه واله هر که در این شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکبار
و قل هو الله احد ده نوبت بخواند و چون از همه فارغ شود ده مرتبه ایة الکرسي و ده مرتبه سوره حمد
بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی صد گناه کبیره هلاک کننده او و اگر بسبب انها مستوجب
جهنم شده باشد بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیح قصری در بهشت باو عطا فرماید و شفاعت او را
در حق صد نفر از اهل بیت او قبول نماید و او را در ثواب شهدا و ثواب روزه داران انبیاء و عبادت
کنندگان این شب شریك گرداند پی انکه از ثواب ایشان چیزي کم شود پس احیا کن این شب را ای محمد
صلی الله علیه واله و امر کن امت خود را که احیا کنند انرا و تقرب جویند بسوي خدا بعبادت ان که این
شبي است بسیار شریف و بدرستی که من امدم بنزد تو و حال انکه در اسمان ملکی نبود مگر انکه قدمهای
خود را صف کرده بود پس بعضي در رکوع و بعضي ایستاده و بعضي در سجود و بعضي مشغول بودند
بدعا و بعضي بتکبیر و بعضي باستغفار و بعضي به تسبیح ای محمد بدرستی که حق تعالی در این شب بسوي
بندگان خود نظر رحمت می افکند و می امرزد هر مومنی را که ایستاده مشغول نماز باشد یا نشسته
تسبیح کند یا برکوع رفته باشد یا در سجود باشد یا مشغول ذکر باشد و این شبي است که دعا نمیکند
احدي مگر انکه مستجاب میشود و سؤال نمیکند احدي مگر انکه تو به اش مقبول میشود محروم کسي است
که از خیر اینشب محروم گردد و ایضا سید در کتاب مذکور روایت دیگر در باب فضیلت این صد رکعت
نقل نموده که راوي گوید که سي نفر از صحابه رسول خدا صلی الله علیه واله حدیث کردند مرا که انحضرت
فرمود که هر که این صد رکعت نماز را بکیفیتي که گذشت بجا اورد حق تعالی هفتاد نظر رحمت
باو بیندازد و در هر نظري هفتاد حاجت او را براورد که کمترانها امرزش گناهان او باشد و اگر
از جمله اشقیا باشد و طلب سعادت نماید هر اینه او را حق تعالی سعادتمند نماید پس این را
تلاوت فرمود یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب یعنی محو میفرماید حق تعالی
انچه را خواهد و ثبت میفرماید انچه را خواهد و نزد اوست ام الکتاب و اگر بدبخت و مادرا و از اهل
جهنم باشد و دعا کند از براي ایشان از جهنم بیرون ایند اگر زنان بخدا بنا و روه باشند و کسي که این
نماز را بکند او را حق تعالی براورد براي او هر حاجتي را که طلب کند و مهیا فرماید براي او در بهشت
چیزي چند که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشي نشنیده باشد سوگند بان خدائی که مرا بحق مبعوث
فرموده است که هر که این نماز را بکند براي محض رضاي خداي تعالی قرار دهد براي او بهشت را از نو

از ملائکه دوبه میکند
احدي مگر انکه تم

هر که عبادت کند خدا را در این شب و امر فرماید ملائکه کرام کاتبین اعمال را که حسنات براي او
بنویسند و سیئات را در نامه عمل او محو نمایند تا انکه هیچ سیئه باقی نماند و از دنیا بیرون نرود
تا منزل خود را در بهشت ببیند و حق تعالی ملکی چند را بفرستد که با او مصافحه نمایند و سلام
کنند براو و در قیامت محشور شود با کرامان نیکوکار پس اگر بمیرد پیش از سال اینده شهید مرده
باشد و شفاعت او در حق هفتاد هزار کس از اهل توحید مقبول شود و تقصیر نمیکند از
احیا داشتن این شب بعبادت مگر کسي که شقي باشد مؤلف گوید که از این حدیث و حدیثي
که سابق در فضیلت احیای این شب مذکور شد و بعضي از احادیث که بعد از این خواهد امد
ظاهر میشود که تقدیر اجال و ارزاق و وقایع سال در این شب واقع میشود و در احادیث متواتره
و روایات متظافره وارد شده است که همه تقدیرات در شب قدر واقع میشود و سید
در جمع بین الاخبار چند وجه گفته است اول انکه تقدیرات محتومه در شب قدر مقدر شود
و غیر محتومه که بدا در انها واقع تواند شد در این شب مقدر گردد دوم انکه تقدیر این امور و قسمت
در علم الهي در اینشب و قسمت در میان بندگان در شب قدر مقدر شود سیم انکه تقدیر انها در لوح
محفوظ در این شب و اعلام انها بامام زمان در شب قدر بشود چهارم انکه وعده تقدیرات در
اینشب و اصل تقدیر در شب قدر بشود والله تعالی یعلم و ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت
امیر المومنین علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه واله فرمود که هر که
در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند باخلاص قل هو الله احد یعنی در هر رکعتي ده مرتبه
نمیرد دل او در روزي که دلها مرده باشد و نمیرد تا انکه صد ملك را ببیند که او را ایمن گردانند
از عذاب الهي سي نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سي نفر انها باشند که نگاه میداشتند
او را در دنیا از شر شیطان و سي نفر انها باشند که در ساعات شب و روز براي او استغفار میکردند
و ده نفر از انها باشند که او را حفظ میکردند از شر دشمنان و شیخ طوسی در مصباح از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود که هر که در شب نیمه
شعبان صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد
ده مرتبه نمیرد تا جاي خود را در بهشت ببیند مؤلف گوید که چون روایات صد رکعت نماز
بسیار و ثوابهاي عظیم براي ان وارد شده است بهتر انست که ترك نشود و اگر کسي بعد از عمل
چهارم هم سوره واقعه كاري كه در روایت اول عمل با او هم مذکور است بجا اورد عمل بجمیع روایات

صد رکعت کرده خواهد بود والله تعالی یعلم **شانزدهم** سید علیه الرحمه در اقبال در طی ذکر
روایت اول عمل پانزدهم گفته که منقولست که حضرت رسالت صلی الله علیه واله در این شب این دعا
میخواند اللهم اقسم لنا من خشیتک ما یحول بیننا وبین معصیتک ومن طاعتک ما
تبلغنا به رضوانک ومن الیقین ما یهون علینا به مصیبات الدنیا اللهم امتعنا
باسماعنا وابصارنا وقوتنا ما احییتنا واجعله الوارث منا واجعل ثارنا علی من ظلمنا
وانصرنا علی من عادانا ولا تجعل مصیبتنا فی دیننا ولا تجعل الدنیا اکبر همنا ولا مبلغ
علمنا ولا تسلط علینا من لا یرحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین **مؤلف گوید** که این دعای جامع
کاملیست ومتضمن مطالب دنیا واخرتست چنانچه از فقرات ان ظاهر ولایح است [illegible]
که ترک نشود والله الموفق **هفدهم** شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب مصباح از حسن بصری
روایت کرده است که او از عایشه در حدیث طولانی در باب شب نیمه شعبان روایت نموده
که رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود که جبرئیل علیه السلام در این شب بر من نازل شد و گفت
ای محمد صلی الله علیه واله امر کن امت خود را که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت
بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد ده نوبت پس بسجده روند و در سجده بگویند
اللهم لک سجد سوادی وخیالی وبیاضی یا عظیم کل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم فانه
لا یغفره غیرک یا عظیم پس هر که این عمل را بجا اورد محو کند حق تعالی از او هفتاد و دو هزار
سیئه ومثل ان حسنه در نامه عمل او بنویسد و محو فرماید از پدر و مادر او هفتاد هزار سیئه را
هجدهم شیخ طوسی وسید ابن طاوس قدس الله روحهما در مصباح واقبال از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده اند که فرمود که رسول خدا صلی الله علیه واله در شب نیمه شعبان در حجره عایشه
تشریف داشت و چون شب نصف شد حضرت برخاست از فراش او و عایشه چون بیدار شد
وحضرت را ندید گمان کرد که حضرت بحجره زن دیگر تشریف وغیرت زنان او را گرفت پس برخاست
وجامه خود را بر خود پیچید و بخدا سوگند که ان جامه از کج و کتان و پنبه نبود بلکه تار ان از مو و پود ان
از پشم شتر بود و بطلب حضرت در سایر حجرهای زنان دیگر میگردید ناگاه نظرش بر حضرت افتاد
که مانند جامه که بر زمین افتاده باشد بسجده در امده پس نزدیک حضرت رفت وشنید که حضرت
در سجود این دعا را میخواند سجد لک سوادی وخیالی وامن بک فؤادی هذه یدای وما جنیته
علی نفسی یا عظیم ترجی لکل عظیم اغفر لی العظیم فانه لا یغفر الذنب العظیم الا الرب العظیم

واجعلها
زاد المعاد

بما جنیت

پس سر از سجده

پس سر از سجده برداشت وبار دیگر بسجده رفت واین دعا را خواند اعوذ بنور وجهک الذی
اضاءت له السموات والارضون وانکشفت له الظلمات وصلح علیه امر الاولین
والاخرین من فجاءة نقمتک ومن تحویل عافیتک ومن زوال نعمتک اللهم ارزقنی قلبا
تقیا نقیا ومن الشرک بریئا لا کافرا ولا شقیا پس گونهای مبارک را بر خاک گذاشت و فرمود
عفرت وجهی فی التراب وحق لی ان اسجد لک وچون حضرت اراده فرمود که برگردد
عایشه تند امد بفراش خود وحضرت بفراش او تشریف برد و دید که او تند نفس میزند فرمود
که چه میشود ترا ایا نمیدانی که این چه شبی است این شب نیمه شعبانست در این شب روزیها
قسمت میشود واجلها نوشته میشود وحاجیان بیت الله نوشته میشوند وحق تعالی
در این شب میامرزد از خلایق زیاده از عدد موی بزهای قبیله کلب وفرو میفرستد ملائکه
خود را از اسمان بزمین در مکه معظمه **نوزدهم** شیخ وسید در کتاب مذکور ایضا از عایشه
روایت کرده اند که او گفت که رسول خدا صلی الله علیه واله در شبی که ان شب نوبت من [illegible]
در حجره من تشریف داشت که ناگاه از لحاف من بیرون امد ومن بیدار شدم و گمان کردم
که بحجره زن دیگر رفته است وغیرتی که بر زنان غالب است مرا گرفت پس برخاستم و بطلب حضرت
رفتم ودیدم که مانند جامه که بر زمین افتاده باشد حضرت بسجود در امده واطراف انگشتان
قدمهای مبارک را بر زمین گذاشته است واین دعا را میخواند اصبحت الیک فقیرا خائفا مستجیرا
فلا تبدل اسمی ولا تغیر جسمی ولا تجهد بلائی واغفر لی پس سر مبارک را از سجده
برداشت وبسجده دوم رفت واین دعا را خواند سجد لک سوادی وخیالی وامن بک
فؤادی هذه یدای بما جنیت علی نفسی یا عظیم ترجی لکل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم
فانه لا یغفر العظیم الا العظیم پس سر برداشت وبسجده سیم رفت واین دعا را خواند
اعوذ بعفوک من عقابک واعوذ برضاک من سخطک واعوذ بمعافاتک من عقوبتک
واعوذ بک منک انت کما اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون پس سر برداشت
وبسجده چهارم رفت واین دعا را خواند اللهم انی اعوذ بنور وجهک الذی اشرقت
له السموات والارض وقشعت به الظلمات وصلح به امر الاولین والاخرین
ان یحل علی غضبک او ینزل علی سخطک اعوذ بک من زوال نعمتک وفجاءة
نقمتک وتحویل عافیتک وجمیع سخطک لک العتبی فیما استطعت ولا حول

[illegible]

یحل علی

ولا نوع الا بك عائشه گويد که چون اين را ديدم بمنزله خود بر گشتم و نفس نفس ميزدم پس حضرت [امد] و فرمود که چرا نفس ميزني گفتم که در نزد تو بودم يا رسول الله صلي الله عليه و آله فرمود که آيا ميداني
که اين چه شبي است اين شب نيمه شعبانست که نسخ اعمال و قسمت ارزاق و کتابت اجلها در اين شب
ميشود و حق تعالي بيامرزد همه کس را مگر کسي که مشرك بخدا يا دشمن خدا باشد يا قطع رحم کرده [باشد]
يا شراب خواره يا مصر بر گناه باشد يا شاعر يا کاهن باشد مؤلف گويد که ظاهر حال آنست که اين
حديث با حديث سابق يك واقعه باشد و اختلافات الفاظ وزيادتي و کمي بعضي از ادعيه از اشتباه
روات ناشي شده باشد و چون سند روايت اول اصح است عمل کردن بان نيکو است و ليکن چون
روايت ثانيه اتم و مشتمل بر روايت اولي است با زيادتي اگر باز عمل شود شايد افضل باشد و اختلا[ف]
قليلي که در بعضي از الفاظ ادعيه مشترکه است شايد مخل نباشد و اگر اين سجدات بعد از دو رکعت
کرد عمل سابق مذکور شد يا بعد از صد رکعت که در عمل يوم [يازدهم] گذشت واقع شود اولي و عمل
بچندين روايت شده خواهد بود بلکه دور نيست که حضرت رسالت صلي الله عليه و آله نيز قبلاً
سجدات مذکوره در رکعت يا صد رکعت غافله بکيفيتي که گذشت بجا آورده باشد و عائشه
مطلع نشده باشد والله تعالي يعلم **نوزدهم** دعاي [مشهور] به دعاي کميل شيخ طوسي در مصباح
و علامه در منهاج الصلاح و سيد ابن باقي در مصباح از کميل بن زياد نخعي که از اصحاب
اسرار حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه است روايت کرده اند که گفت ديدم آنحضرت را
در شب نيمه شعبان که بسجود در آمده اين دعا را ميخواند و سيد ابن طاوس در اقبال [العمال] ذکر
اين روايت کفته که من در اين باب روايتي ديگر نيز يافتم منقول از کميل که گفت من با جماعتي از اصحاب
حضرت امير المؤمنين عليه السلام در خدمت آنحضرت در مسجد بصره نشسته بوديم که يکي از ما از آنحضرت
سؤال کرد از معني اين آيه که فيها يفرق کل امر حکيم يعني هر امر محکمي در آن شب مفروق ميکردد پس فرمود
که اين شب نيمه شعبانست و بان خدائي که جان من در قبضه قدرت اوست سوگند که هيچ بنده [نيست]
مگر آنکه هر امر خير و شري که بر او جاري کردد تا سال آينده در اين شب تقدير ميشود و هيچ بنده [نيست]
که احيا کند اين شب را و بخواند دعاي خضر عليه السلام را مگر آنکه دعاي او مستجاب و چون حضرت
بمنزل مراجعت فرمود شب بخدمت او شتافتم چون مرا ديد فرمود که بچکار آمده اي کميل عرض کردم
که يا امير المؤمنين صلوات الله عليه بطلب دعاي خضر آمده ام فرمود که بنشين اي کميل چون اين دعا را
حفظ نمائي در هر شب جمعه يا در ماهي يکمرتبه يا در سالي يکبار يا در عمري يکبار بخوان تا کفايت

شر دشمنان از تو بگردد و ياري کرده شوي و روزي داده شوي و البته آمرزيده شوي اي کميل طول صحبت
و خدمت تو باعث آنست که عطا کنيم بتو آنچه را خواهي پس فرمود که بنويس و دعا را املا فرمود

هذا دعاء الکميل

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اني اسألك برحمتك التي وسعت كل شيء وبقوتك التي قهرت بها كل شيء و
خداوندا بدرستيكه من سؤال ميکنم از تو بحق رحمت تو که فرا گرفته است هر چيز را و بحق توانائي تو که قهر کرده ان هر چيز را
خضع لها كل شيء وذل لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت بها كل شيء وبعزتك التي
خاضع گشته او را و ذليل کرده است هر چيز و بحق بزرگي تو که غالب کرده است آن هر چيز را و بعزت تو که
لا يقوم لها شيء وبعظمتك التي ملأت كل شيء وبسلطانك الذي علا كل شيء وبوجهك
نمي ايستد چيزي و بعظمت تو که پر کرده است هر چيز را و بپادشاهي تو که برتري است هر چيز را و بذات مقدس تو
الباقي بعد فناء كل شيء وباسمائك التي غلبت اركان كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء
که باقيست بعد از فاني شدن هر چيز و بنامهاي تو که پر کرده است اركان هر چيز و بدانائي تو که فرا گرفته است هر چيز را
وبنور وجهك الذي اضاء له كل شيء يا نور يا قدوس يا اول الاولين ويا آخر الآخرين
و بروشني ذات تو که روشن شده است براي آن هر چيز اي روشني اي پاک اي اول پيشينيان و اي آخر پسينيان
اللهم اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم
خداوندا بيامرز براي من گناهاني را که ميدرد پردهاي عصمت خداوندا بيامرز براي من گناهاني که فرو ميآورد عذابها را
اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم اللهم اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم
خداوندا بيامرز براي من گناهاني که تغيير ميدهد نعمتها را خداوندا بيامرز براي من گناهاني که حبس ميکند دعا را خداوندا
اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء اللهم
بيامرز براي من گناهاني که نازل ميکرداند بلا را خداوندا بيامرز براي من گناهاني را
كل ذنب اذنبته وكل خطيئة اخطأتها اللهم اني اتقرب اليك بذكرك واستشفع
هر گناهي که کرده ام و هر خطائي که بجا آورده ام خداوندا بدرستيکه من نزديکي ميجويم بسوي تو بياد کردن تو و شفيع ميگيرم
بك الى نفسك واسألك بجودك ان تدنيني من قربك وان توزعني شكرك وان تلهمني
ترا بسوي تو و سؤال ميکنم از تو بسبب بخشش تو که نزديك گرداني مرا بقرب خود و توفيق دهي مرا بشکر خود و الهام نمائي مرا
ذكرك اللهم اني اسألك سؤال خاضع متذلل خاشع ان تسامحني وترحمني وتجعلني
ذکر خود خداوندا بدرستيکه من سؤال ميکنم از تو سؤال کسي که با خضوع است و اظهار مذلت نمايد و با خشوع که ببخشائي مرا و رحم کني مرا

بقسمك راضيا قانعا وفي جميع الاحوال متواضعا اللهم واسالك سؤال من اشتدت
فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك
وعلا مكانك وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن
الفرار من حكومتك اللهم لا اجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي
القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي
وسكنت الى قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي كم من قبيح سترته وكم من فادح
من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته وكم من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست
اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت
بي اغلالي وحبسني عن نفعي بعد املي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بخيانتها
ومطالي يا سيدي فاسالك بعزتك ان لا يحجب عنك دعائي سوء عملي وفعالي
ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في
خلواتي من سوء فعلي واساءتي ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي وغفلتي
وكن اللهم بعزتك لي في الاحوال كلها رؤوفا وعلي في جميع الامور عطوفا الهي

وربي من لي غيرك اساله كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي اجريت علي حكما
اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى واسعده على
ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك
الحمد علي في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك
وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا
مستقيلا مستغفرا منيبا مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه
اليه في امري غير قبولك عذري وادخالك اياي في سعة من رحمتك اللهم فاقبل
عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي
ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك
وسالف برك بي يا الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد ما انطوى
عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده ضميري من حبك وبعد صدق
اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك هيهات انت اكرم من ان تضيع من ربيته او تبعد
من ادنيته او تشرد من اويته او تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري

شعبان

يا سيدي والهي ومولاي أتسلط النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى ألسن نطقت
بتوحيدك صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بإلهيتك محققة وعلى ضمائر
حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح سعت إلى أوطان تعبدك طائعة
وأشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك ولا أخبرنا بفضلك عنك يا كريم
يا رب وأنت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره
على أهلها على أن ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي
لبلاء الآخرة وحلول وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا
يخفف عن أهله لأنه لا يكون إلا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا ما لا تقوم
له السموات والأرض يا سيدي فكيف بي وأنا عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين
المستكين يا الهي وربي وسيدي ومولاي لأي الأمور إليك أشكو ولما منها
أضج وأبكي لأليم العذاب وشدته أم لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات
مع أعدائك وجمعت بيني وبين أهل بلائك وفرقت بيني وبين أحبائك وأوليائك
فهبني يا الهي وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف أصبر على فراقك

وهبني

وهبني صبرت على حر نارك فكيف أصبر عن النظر إلى كرامتك أم كيف أسكن في النار ورجائي
عفوك فبعزتك يا سيدي ومولاي أقسم صادقا لئن تركتني ناطقا لأضجن إليك بين
أهلها ضجيج الآملين ولأصرخن إليك صراخ المستصرخين ولأبكين عليك بكاء الفاقدين
ولأنادينك أين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين يا
حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين أفتراك سبحانك يا الهي وبحمدك تسمع فيها
صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس بين أطباقها
بجرمه وجريرته وهو يضج إليك ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك بلسان أهل توحيدك
ويتوسل إليك بربوبيتك يا مولاي فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من
حلمك ورأفتك ورحمتك أم كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك أم كيف
يحرقه لهيبها وأنت تسمع صوته وترى مكانه أم كيف يشتمل عليه زفيرها وأنت تعلم
ضعفه أم كيف يتقلقل بين أطباقها وأنت تعلم صدقه أم كيف تزجره زبانيتها
وهو يناديك يا ربه أم كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما
ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من

وَاحسانك فبا اليقين اقطع لولا ما حكمت به من تعذيب جاحديك وقضيت به

واحسان تو بی یقین قطع دارم که اگر نه آن بود که حکم کرده که عذاب کنی منکران خدایی خود را و حکم کرده به

من اخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا وسلاما وما كان لاحد فيها مقرا

که همیشه در جهنم بداری معاندان خود را هر اینه میگردانیدی آتش را همه سردی و سلامت و نبود احدی را در آن محل قراری

ولا مقاما لكنك تقدست اسماؤك اقسمت ان تملاها من الكافرين من الجنة

و نه جای اقامتی و لیکن تو که مقدس است نامهای تو قسم یاد کردی که پر کنی جهنم را از کافران از جنیان

والناس اجمعين وان تخلد فيها المعاندين وانت جل ثناؤك قلت مبتديا وتطولت

و مردمان همه و آنکه همیشه بداری در جهنم معاندان را و تو که بزرگ است ثنای تو گفتی ابتدا کرده و بخشش کردی

بالانعام متكرما افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون الهي وسيدي فاسالك

به نعمت دادن کرم کرده آیا کسی که مؤمن باشد مانند کسی است که بوده فاسق مساوی نیستند ای خدای من و آقای من پس سؤال میکنم

بالقدرة التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه اجريتها

به قدرتی که مقدر کرده‌ای آن را و به حکمی که حتم کرده‌ای آن را و حکم کرده‌ای آن را و غالب شده‌ای بر کسی که جاری کرده‌ای آن را

ان تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة كل جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته

آنکه ببخشی به من در این شب و در این ساعت هر جرمی که کرده‌ام آن را و هر گناهی که مرتکب شده‌ام آن را

وكل قبيح اسررته وكل جهل عملته كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته وكل

و هر کار زشتی که پنهان کرده‌ام آن را و هر نادانی که بعمل آورده‌ام پنهان کرده باشم آن را یا آشکار کرده باشم و هر

سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم

بدی که امر کرده‌ای به نوشتن آنها بزرگواران نویسندگان را که موکل کردانیده‌ای ایشان را که حفظ کنند آنچه صادر شود از من و گردانیده‌ای ایشان را

شهودا علي مع جوارحي وكنت انت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي

گواهان بر من با اعضای من و بودی تو نگاهبان بر من از پس ایشان و گواه بر آنچه پنهان از ایشان

عنهم وبرحمتك اخفيته وبفضلك سترته وان توفر حظي من كل خير تنزله

از ایشان و برحمت خود پنهان کردی آن را و بفضل خود پوشیدی آن را و آنکه وافر گردانی بهره مرا از هر نیکویی که فرو فرستی

او احسان تفضله او بر تنشره او رزق تبسطه او ذنب تغفره او خطا تستره يا رب

یا احسانی که تفضل نمایی یا نیکویی که پهن کنی یا روزی که گشاده کنی یا گناهی که بیامرزی یا خطایی که بپوشانی ای پروردگار

يا رب يا رب يا الهي وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي

ای پروردگار من ای خدای من و آقای من و صاحب اختیار من و مالک بندگی من ای کسی که بدست اوست موی پیشانی من ای دانا به بدحالی من

يا خبيرا بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب اسالك بحقك وقدسك واعظم صفاتك

ای مطلع بر فقر من و احتیاج من ای پروردگار من سؤال میکنم از تو بحق تو و بپاکی تو و بزرگترین صفات تو

واسمائك ان تجعل اوقاتي في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة واعمالي

و نامهای تو که بگردانی اوقات مرا در شب و روز بیاد خود آبادان و بخدمت تو پیوند شده و اعمال مرا

عندك مقبولة حتى تكون اعمالي واورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك سرمدا

نزد خود پسندیده تا آنکه بوده باشد کارهای من و وردهای من همه یک ورد و حال من در خدمت تو همیشه

يا سيدي يا من عليه معولي يا من اليه شكوت احوالي يا رب يا رب يا رب قو على

ای آقای من ای آنکه بر اوست اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کردم احوال خود را ای پروردگار من قوی گردان بر

خدمتك جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام

خدمت خود اعضای مرا و محکم کن بر عزم دل مرا و ببخش مرا جد در ترس تو و دوام

في الاتصال بخدمتك حتى اسرح اليك في ميادين السابقين واسرع اليك في

در متصل بودن در خدمت تو تا روان شوم بسوی تو در میدانهای پیش روان و تند روم بسوی تو در

المبادرين واشتاق الى قربك في المشتاقين وادنو منك دنو المخلصين واخافك

پیشی گیرندگان و مشتاق گردم بسوی قرب تو در مشتاقان و نزدیک شوم به تو نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو

مخافة الموقنين واجتمع في جوارك مع المؤمنين اللهم ومن ارادني بسوء فارده

ترسیدن صاحبان یقین و گرد آیم در همسایگی تو با مؤمنان خداوندا و هر که اراده کند مرا به بدی پس اراده کن او را

ومن كادني فكده واجعلني من احسن عبادك نصيبا عندك واقربهم منزلة منك

و هر که مکر کند با من تو به او مکر کن و بگردان مرا از نیکوترین بندگان خود از روی بهره نزد خود و نزدیکترین ایشان از روی منزلت از خود

واخصهم زلفة لديك فانه لا ينال ذلك الا بفضلك وجد لي بجودك واعطف

و مخصوص ترین ایشان در قرب نزد تو زیرا که نمی‌توان رسید به این مگر بفضل تو و بخشش کن برای من بجود خود و مهربانی کن

علي بمجدك واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما ومن

بر من به بزرگواری خود و نگاهدار مرا برحمت خود و بگردان زبان مرا بیاد خود گویا و دل مرا به دوستی خود بیتاب و منت نه

علي بحسن اجابتك واقلني عثرتي واغفر لي زلتي فانك قضيت على عبادك بعبادتك

بر من به نیکویی اجابت خود و درگذر از لغزش من و بیامرز گناه مرا بدرستی که تو حکم کرده بر بندگان خود به بندگی خود

وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب نصبت وجهي واليك يا رب

و امر کرده ایشان را به دعای خود و ضامن شده برای ایشان استجابت را پس بسوی تو ای پروردگار من داشتم روی خود را و بسوی تو ای پروردگار

مددت يدي فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني شر
کشیده‌ام دست خود را پس بعزت تو سوگند میدهم که مستجاب کن برای من دعای مرا و برسان مرا بآرزوی خود و قطع مکن از فضل خود امید مرا و کفایت کن
الجن والانس من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك الا الدعاء فانك فعال لما تشاء — یا سریع
جنیان و آدمیان دشمنان مرا ای زود خشنود شونده بیامرز کسی را که مالک نیست مگر دعا را پس بدرستی که تو کننده آنچه میخواهی
يا من اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من راس ماله الرجاء وسلاحه البكاء — غناءٌ
ای کسی که نام او دوای دردها و یاد او شفای بیماریها و فرمان برداری او توانگری است رحم کن بکسی که سرمایه او امید و حربه او گریه است
يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور المستوحشين في الظلم يا عالما لا يعلم صل على محمد وآل محمد — یا سابغ
ای تمام کننده نعمتها ای دفع کننده عذابها ای روشنائی وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانائی که تعلیم نیافته صلوات فرست بر محمد و آل محمد
وافعل بي ما انت اهله وصلى الله على محمد وآله والائمة الميامين من آله وسلم تسليما — رسوله — اجمعین — کثیراً
و بکن بمن آنچه تو سزاوار آنی و درود فرستد خدا بر محمد و آل او و پیشوایان صاحب میمنت که از آل اویند و سلام فرستد

مقسم نماز جعفر بن ابی طالب علیهما السلام شیخ طوسی قدس الله روحه در مصباح و دیگران از ابن فضال
روایت کرده اند که پرسیدم از حضرت امام رضا علیه السلام از فضیلت شب نیمه شعبان فرمود که
این شبی است که حق تعالی بندگان را از آتش جهنم آزاد میفرماید و گناهان بزرگ را می آمرزد عرض کردم که
در نماز جعفر طیار
آیا در این شب نمازی زیاده بر نمازهای دیگر هست فرمود که امر موظفی در این شب نیست ولیکن اگر خواهی
که تطوعی بکنی پس نماز جعفر بن ابی طالب علیهما السلام را بکن و ذکر الهی و استغفار و دعا را در این شب
بسیار بکن بدرستی که پدرم علیه السلام میفرمود که دعا در این شب مستجاب است عرض کردم که مردم یعنی اهل سنت
میگویند که این شب لیلة الصکاک است یعنی شب نوشتن تقدیرات است فرمود که آن شب قدر است
که در ماه رمضان میباشد مؤلف گوید که والد علامه ام خلد الله ظلاله در [illegible] النجاح
ذکر نموده که ممکن است مراد از آنکه در این شب امر موظفی نیست این باشد که در آن چیزی از سنن
مقرره نیست و اعمال وارده در این شب که اکثر آنها گذشت و بعضی بعد از این مذکور میشود از جمله
تطوعات باشد و آنچه بخاطر این شکسته میرسد آنست که شاید مراد این باشد که در این شب امر موظفی
نیست که مخصوص آن باشد و در غیر آن نتوان بجا آورد مانند نماز عیدین بلکه نماز عید غدیر که کردن
آنها در غیر وقت مخصوص بآنها بدعت است بنابراین محتملست که نمازها و دعاهائی که در این شب
وارد شده است در غیر این شب از سایر اوقات سیما اوقات متبرکه نیز میتوان بجا آورد و مؤید
اینست آنچه در شرح دعای کمیل وارد شده که در شب یا در ماهی یا در سالی یکمرتبه از آن بخوان
بلکه در بسیاری از ادعیه و غیر آن وارد شده است که در غیر آن وقت نیز میتوان خواند

بنابراین

بنابراین محتملست که اکثر اعمال وارده در اوقات مخصوصه از این قبیل بوده باشد والله تعالی یعلم
فایده چون نماز جعفر از عبادات جلیله و در روایات عدیده مثوبات جزیله برای آن وارد شده است
لهذا ما در این مقام بعضی از فضایل و کیفیات آنرا مذکور میسازیم بدانکه این نماز از جمله متواترات و
عامه و خاصه بسندهای بسیار این را روایت کرده اند و اهل سنت نیز این نماز را مستحب میدانند مگر
نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر صلی الله علیه و آله منسوب نموده اند و بعد از نوافل
شبانه روزی نمازی بحسب صحت و سند و کثرت ثواب باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت
امام زین العابدین صلوات الله علیه منقولست که چون جعفر طیار برادر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر بدست معجز نمای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
شده بود حضرت رسول صلی الله علیه و آله بقدر مسافت یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون
جعفر نظرش بجمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مستانه بجانب آنحضرت شتافت حضرت او را
در بر گرفت و دست در گردن او در آورد و ساعتی با او سخن گفت پس بر ناقه غضباء سوار شد و جعفر را
ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد حضرت فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی بخشش بتو کنم
میخواهی بتو عطیه گران بهائی بدهم میخواهی بتو [illegible] کنم مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم
خیبر باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو
تعلیم نمود و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقولست که در روز فتح خیبر خبر قدوم جعفر را
برای حضرت خیر البشر صلی الله علیه و آله آوردند پس حضرت فرمود بخدا سوگند که نمیدانم بکدام یک
خوشحالی بیشتر کنم آیا بقدوم جعفر یا بفتح قلعه خیبر پس اندک زمانی نگذشت که جعفر آمد پس حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله برخاست و دوازده گام استقبال او فرمود و چون خود را باو رسانید او را
تنگ در بغل گرفت و میان دو چشمهای او را بوسید پس فرمود ای جعفر میخواهی که بخشش بتو کنم
تا آخر روایت سابق و بروایت دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که صفت این نماز اینست
کیفیت نماز جعفر
که آن چهار رکعت است بدو سلام و در رکعت اول بعد از سوره حمد سوره اذا زلزلت میخواند
و در رکعت دوم سوره والعادیات و در رکعت سیم سوره اذا جاء و در رکعت چهارم سوره قل هو الله احد
و در باب سورها که در این نماز باید خواند اقوال دیگر هست که مذکور خواهد شد و در هر رکعت بعد از
فراغ از قراءت پانزده مرتبه میگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و در رکوع

همین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون سر از رکوع بر می دارد ده مرتبه و در سجدهٔ اول ده مرتبه و بعد از
سر برداشتن ده مرتبه و در سجدهٔ دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه
و در هر چهار رکعت چنین میکند که در هر رکعتی هفتاد و پنج تسبیح میخواند پس در مجموع چهار رکعت
سیصد مرتبه میشود و چون هر یک از این تسبیحات چهار است هزار و دویست تسبیح میشود و هر تسبیحی را
ده حسنه میدهند که مجموع دوازده هزار حسنه باشد که هر حسنه از کوه احد بزرگتر باشد و این ثواب
برای شیعیان امامان است و بس و در روایتی وارد شده که راوی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که آیا این
ثوابی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از برای نماز جعفر رضی الله عنه بیان فرمود مارا نیز هست حضرت
فرمود که آری والله و بروایت معتبر دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که اگر هر روز بکنی
بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه در آن هست و اگر هر دو روز یکبار بکنی گناهی که در میان دو نماز
کرده آمرزیده شود و اگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماهی یکمرتبه یا در سالی یکمرتبه بکنی هر گناهی که در
میان دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایات معتبرهٔ دیگر اگر بقدر کف دریاها و ریگ بیابان گناه تو
باشد خدا بیامرزد و اگرچه از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهانست و بروایت دیگر اگر توانی
هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و اگر نتوانی
در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان صغیره و کبیره و تازه و کهنه و عمد و خطای ترا بیامرزد **واما**
دعاهائی که در این نماز مستحب است دعای در سجدهٔ آخر این نماز کلینی بسند معتبر از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که در سجدهٔ آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو سُبْحَانَ مَنْ
لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ
سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ
سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ
وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ پس حاجت خود را ذکر
کند و شیخ در مصباح این دعا را روایت کرده با این زیادتی سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ
ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تا آخر دعا **دعای دیگر** در سجده
سید ابن طاوس طاب ثراه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در آخر رکعت
نماز جعفر این دعا بخوان یعنی در سجدهٔ آخر نماز سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي

وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً سُبْحَانَ
مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ
عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْفَضْلِ وَالطَّوْلِ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْأَمْرِ
سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ
سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ السَّمَاءُ بِأَكْنَافِهَا سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرَضُونَ وَمَنْ عَلَيْهَا
سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ الطَّيْرُ فِي أَوْكَارِهَا سُبْحَانَ مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ السِّبَاعُ فِي آكَامِهَا سُبْحَانَ
مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ حِيتَانُ الْبَحْرِ وَهَوَامُّهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى
كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا ذَا النِّعْمَةِ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ يَا ذَا الْقُوَّةِ وَالْكَرَمِ أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ
الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ
كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید **دعای دیگر**
تعقیب این نماز شیخ و سید از مفضل بن عمر روایت کرده اند
که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را که نماز جعفر بجا آورد
پس این دعا را خواند یَا رَبِّ یَا رَبِّ بقدر یکنفس و گفت یَا رَبَّاهُ یَا رَبَّاهُ بقدر یکنفس رَبِّ رَبِّ
بقدر یکنفس یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ بقدر یکنفس یَا رَحِيمُ یَا رَحِيمُ بقدر یکنفس یَا رَحْمٰنُ یَا رَحْمٰنُ هفت مرتبه
یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هفت مرتبه پس این دعا را خواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَأَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ
عَلَيْكَ وَأُمَجِّدُكَ وَلَا غَايَةَ لِمَدْحِكَ وَأُثْنِي عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ وَأَمَدَ مَجْدِكَ
وَأَنَّى لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ وَأَيُّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً بِفَضْلِكَ مَوْصُوفاً بِمَجْدِكَ
عَوَّاداً عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكَّانُ أَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً
بِجُودِكَ جَوَاداً بِفَضْلِكَ عَوَّاداً بِكَرَمِكَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
پس حضرت فرمود که ای مفضل هر گاه ترا حاجت ضروری بوده باشد نماز جعفر را بکن و این دعا را
بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن که بر آورده میشود ان شاء الله تعالی **دعای دیگر**
تعقیب این نماز بروایت شیخ رحمه الله و سید رحمه الله سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَتَرَدَّى بِهِ
سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ جَلَّ جَلَالُهُ

تعظّم

الارض

آجامها

یا حیّ یا حیّ بقدر یکنفس سبع

لمجدک

القوّة

التامّة

اهل بیته

دعای دیگر

سبحان من احصى كل شيء بعلمه وخلقه بقدرته سبحان ذي المن والنعم سبحان ذي
القدرة والكرم اللهم اني اسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك
وباسمك الاعظم وكلماتك التامات التي تمت صدقا وعدلا ان تصلي على محمد وال
محمد الطيبين الطاهرين وان تجمع لي خير الدنيا والآخرة بعد عمر طويل اللهم انت الحي
القيوم العلي العظيم الخالق الرازق المحيي المميت البدئ البديع لك الكرم ولك المجد
ولك المن ولك الجود ولك الامر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم
يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة يا ارحم الراحمين يا
عفو يا غفور يا ودود يا شكور انت أبر بي من ابي وامي وارحم بي من نفسي ومن الناس اجمعين
يا كريم يا جواد اللهم اني صليت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك
ورجاء رفدك وجائزتك وعظيم عفوك وقديم غفرانك اللهم فصل على محمد وال محمد
وارفعها في عليين وتقبلها مني واجعل نائلك ومعروفك ورجاء ما ارجو منك فكاك
رقبتي من النار والفوز بالجنة وما جمعت من انواع النعيم ومن حسن الحور العين واجعل
جائزتي منك العتق من النار وغفران ذنوبي وذنوب والدي وما ولدا وجميع
اخواني واخواتي المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات
وان تجيب دعائي وترحم صرختي وندائي ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني منجحا
مفلحا مرحوما مستجابا دعائي مغفورا لي يا ارحم الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم
قد عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة من عندك
يا باسط اليدين بالرحمة يا نفاحا بالخيرات يا معطي المسؤلات يا فكاك الرقاب السؤالات
من النار صل على محمد وال محمد وفك رقبتي من النار واعطني سؤلي واستجب دعائي
وارحم صرختي وتضرعي وندائي واقض لي حوائجي كلها للدنيا والآخرة
ودنياي ما ذكرت منها وما لم اذكر واجعل لي في ذلك الخيرة ولا تردني خائبا خاسرا

واقلبني

واقلبني مفلحا منجحا مستجابا لي دعائي مغفورا لي مرحوما يا ارحم الراحمين يا محمد صلى الله عليه
واله يا ابا القاسم يا رسول الله يا علي صلوات الله عليه يا امير المؤمنين انا عبدكما يا ابا الحسن
ومولاكما غير مستنكف ولا مستكبر بل خاضع ذليل عبد مقر متمسك بحبلكما خاشع
معتصم من ذنوبي بولايتكما اتقرب الى الله تعالى بكما واتوسل الى الله بكما
واقدمكما بين يدي حوائجي الى الله جل وعز فاشفعا لي في فكاك رقبتي من النار الفرج
وغفران ذنوبي واجابة دعائي اللهم فصل على محمد وآله وتقبل دعائي واغفر لي
يا ارحم الراحمين **دعاي ديكر بعد از اين نماز** يا نوري في كل ظلمة ويا انيسي في كل وحشة العفو
ويا ثقتي في كل شدة ويا رجائي في كل كربة ويا دليلي في الضلالة اذا انقطعت
دلالة الادلاء فان دلالتك لا تنقطع عند كل خير ولا يضل من هديت انعمت علي خيبت
فاسبغت ورزقتني فوفرت ودعوتني فاحسنت واعطيتني فاجزلت بلا استحقاق عوذتني فما
مني لذلك بفعل ولكن ابتداء منك بكرمك وجودك وانفقت رزقك في معاصيك تحيرت
وتقويت بنعمتك على سخطك وافنيت عمري فيما لا تحب ولم يمنعك جرائتي عليك
وركوبي ما نهيتني عنه ودخولي فيما حرمت علي ان عدت علي بفضلك واظهرت
مني الجميل وسترت علي القبيح ولم يمنعني عودك علي بفضلك ان عدت في معاصيك
فانت العواد بالفضل وانا العواد بالمعاصي فيا اكرم من اقر له بذنب واعز
من خضع له بذل لكرمك اقررت بذنبي ولعزك خضعت بذلي فما انت صانع
بي في كرمك باقراري بذنبي وعزك وخضوعي بذلي صل على محمد وال محمد وافعل بي
ما انت اهله يا ارحم الراحمين **دعاي ديكر** كه بعد از اين نماز وارد است سيد ابن طاوس
از حسن بن قاسم روايت كرده است كه رفتم بخدمت حضرت امام موسى عليه السلام در بغداد در شعبان
ودر مسجد ديدم كه حضرت نماز جعفر ميكرد پس چون از نماز فارغ شد دست بجانب آسمان
برداشت واين دعا را خواند يا من لا يخفى عليه اللغات ولا تتشابه عليه الاصوات
ويا من هو كل يوم في شان يا من لا يشغله شان عن شان يا مدبر الامور يا باعث

من في القبور يا محيي العظام وهي رميم يا بطاش يا ذا البطش الشديد يا فعالا لما يريد يا رازق
من يشاء بغير حساب يا رازق الجنين والطفل الصغير ويا راحم الشيخ الكبير ويا جابر العظم
الكسير يا مدرك الهاربين ويا غاية الطالبين يا من يعلم ما في الضمير وما تكن الصدور
يا رب الارباب وسيد السادات واله الالهة وجبار الجبابرة وملك الدنيا والاخرة
ويا مجري الماء في النبات ويا مكون طعم الثمار اسالك باسمك الذي لا يقوم له شيء
ولا تقوم له الارض ولا السماء واسالك باسمك الذي اشتققته من عظمتك واسالك بعظمتك
التي اشتققتها من كبريائك واسالك بكبريائك التي اشتققتها من كينونيتك واسالك
بكينونيتك التي اشتققتها من جودك واسالك بجودك الذي اشتققته من عزتك و
اسالك بعزتك الذي اشتققته من كرمك واسالك بكرمك الذي اشتققته من
رحمتك واسالك برحمتك التي اشتققتها من رأفتك واسالك برأفتك التي اشتققتها
من حلمك واسالك بحلمك الذي اشتققته من لطفك واسالك بلطفك الذي
اشتققته من قدرتك واسالك باسمائك كلها واسالك باسمك المهيمن العزيز القدير
على ما تشاء من امرك يا من سمك السماء بغير عمد واقام الارض بغير سند وخلق الخلق
من غير حاجة به اليهم الا افاضة لاحسانه ونعمه وابانة لحكمته واظهارا لقدرته
اشهد يا سيدي انك لم تأنس بابداعهم لاجل وحشة بتفردك ولم تستعن بغيرك
على شيء من امرك اسالك بغناك عن خلقك وبحاجتهم اليك وفقرهم وفاقتهم
اليك ان تصلي على محمد خيرتك من خلقك واهل بيته الطيبين الائمة الراشدين
وان تجعل لعبدك الذليل بين يديك من امره فرجا ومخرجا يا سيدي صل على محمد
وآله وارزقني الخوف منك والخشية لك ايام حياتي سيدي ارحم عبدك الاسير
بين يديك سيدي ارحم عبدك المرتهن بعمله يا سيدي انقذ عبدك الغريق في
بحر الخطايا يا سيدي ارحم عبدك المقر بذنبه وجرائته عليك يا سيدي الويل قد حل

مالك
باتبداعهم
وجراءته

بي ان لم ترحمني يا سيدي هذا مقام المستجير بعفوك من عقوبتك هذا مقام المسكين المستكين هذا
مقام الفقير البائس الحقير المحتاج الى ملك كريم رحيم يا وليا ما اغفلني عما يراد بي يا سيدي
وهذا مقام المذنب المستجير بعفوك من عقوبتك هذا مقام من انقطعت حيلته وخاب رجاؤه
الا منك هذا مقام العاني الاسير هذا مقام الطريد الشريد يا سيدي اقلني عثراتي يا مقيل
العثرات يا سيدي اعطني سؤلي سيدي ارحم بدني الضعيف وجلدي الرقيق الذي لا قوة له
على حر النار يا سيدي ارحمني فاني عبدك وابن عبدك وابن امتك بين يديك وفي قبضتك
لا طاقة لي بالخروج من سلطانك سيدي وكيف لي بالنجاة ولا تصاب الا لديك وكيف لي
بالرحمة ولا تصاب الا من عندك يا اله الانبياء وولي الاتقياء وبديع مزيد الكرامة اليك
قصدت وبك انزلت حاجتي واليك شكوت اسرافي على نفسي وبك استغثت فاغثني وانقذني
برحمتك مما اجترأت عليك يا سيدي يا وليا ان اهرب عني الخلائق كلهم في قبضته والنواصي
كلها بيده يا سيدي منك هربت اليك ووقفت بين يديك متضرعا اليك راجيا لما عندك
يا الهي وسيدي حاجتي التي ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني
ما اعطيتني اسالك فكاك رقبتي من النار سيدي قد علمت وايقنت بانك اله
الخلق والملك الحق الذي لا سمي له ولا شريك له يا سيدي انا عبدك مقر لك بوحدانيتك
وبوجودك وبربوبيتك انت الله الذي خلقت خلقك بلا مثال ولا تعب ولا نصب انت
المعبود وباطل كل معبود غيرك اسالك باسمك الذي تحشر به الموتى الى المحشر يا من لا
يقدر على ذلك احد غيره اسالك باسمك الذي تحيي به العظام وهي رميم ان تغفر لي
وترحمني وتعافيني وتعطيني وتكفيني ما اهمني اشهد انه لا يقدر على ذلك احد غيرك
يا من اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون يا من احاط بكل شيء علما واحصى كل شيء
عددا اسالك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك ونبيك وخاصتك وخالصتك و
صفيك وخيرتك من خلقك وامينك على وحيك وموضع سرك ورسولك الذي

ارسلته الى عبادك وجعلته رحمة للعالمين ونوراً استضاء به المؤمنون فبشّر بالجزيل
من نوالك وانذر بالاليم من عقابك اللهم فصلّ عليه بكل فضيلة من فضائله وبكل
منقبة من مناقبه وبكل حال من حالاته وبكل موقف من مواقفه صلوة تكرم بها
وجهه واعطه الدرجة والوسيلة والرفعة والفضيلة اللهم شرّف في القيمة
مقامه وعظّم برهانه واعل درجته وتقبّل شفاعته في امته واعطه سؤله وارفعه
في الفضيلة الى غايتها اللهم صلّ على اهل بيته ائمة الهدى ومصابيح الدجى وامنائك
في خلقك واصفيائك من عبادك وحججك في ارضك ومنارك في بلادك الصابرين على
بلائك الطالبين رضاك الموفين بوعدك غير شاكّين فيك ولا جاحدين عبادتك
واوليائك وسلائل اوليائك وخزان علمك الذين جعلتهم مفاتيح الهدى ونور الدجى
عليهم صلواتك ورحمتك ورضوانك اللهم صلّ على محمد وآل محمد وعلى منارك في
عبادك الداعي اليك باذنك القائم بامرك المؤدي عن رسولك عليه وآله السلام اللهم
اذا اظهرته فانجز له ما وعدته وسق اليه اصحابه وانصره وقوّ ناصريه وبلّغه
افضل امله واعطه سؤله وجدّد به عن محمد واهل بيته بعد الذلّ الذي قد نزل
بهم بعد نبيك فصاروا مقتولين مطرودين مشردين خائفين غير آمنين لقوا في جنبك
الاذى ابتغاء مرضاتك وطاعتك والتكذيب فصبروا على ما اصابهم فيك راضين
بذلك مسلّمين لك في جميع ما ورد عليهم وما يرد اليهم اللهم عجّل فرج قائمهم بامرك
وانصره وانصر به دينك الذي غيّر وبدّل وجدّد به ما امتحى منه وبدّل بعد نبيك
صلى الله عليه وآله اللهم صلّ على جميع النبيين والمرسلين الذين بلّغوا عنك الهدى
واعتقدوا لك المواثيق بالطاعة اللهم صلّ عليهم وعلى ارواحهم واجسادهم
والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم صلّ على محمد وعلى ملائكتك المقربين
واولي العزم من انبيائك المرسلين وعبادك الصالحين اجمعين واعطني سؤلي

الموقنين بعهدك
ووسائلك
مصابيح
ان يصلّ الله
فيجاهدهم ... الاذى

في دنياي

في دنياي وآخرتي يا ارحم الراحمين اللهم كما دعوتك لنفسي لعاجل الدنيا وآجل الآخرة
فاعطه جميع اهلي واخواني فيك وجميع شيعة آل محمد المستضعفين في ارضك بين
عبادك الخائفين منك الذين صبروا على الاذى والتكذيب فيك وفي رسولك واهل
بيته عليهم السلام افضل ما يأملون واكفهم ما اهمّهم يا ارحم الراحمين اللهم اجزهم
عنا جنات النعيم واجمع بيننا وبينهم برحمتك يا ارحم الراحمين **دعاي ديگر** بروايت ديگر
اضافه دعاي اول اللهم اني اسألك توفيق اهل الهدى واعمال اهل التقوى ومناصحة اهل
التوبة وعزم اهل الصبر وحذر اهل الخشية وطلب اهل الرغبة وعرفان اهل العلم وفقه
اهل الورع حتى اخافك اللهم مخافة تحجزني عن معاصيك وحتى اعمل بطاعتك عملاً
استحق به كريم كرامتك وحتى اناصحك في التوبة خوفاً لك وحتى اخلص لك في النصيحة
حبّاً لك وحتى اتوكل عليك في الامور كلها محسن ظنّي بك سبحان خالق النور سبحان الله
وبحمده اللهم صلّ على محمد وآله وتفضّل على امري كلها بما لا يملكه غيرك ولا يقف
عليه سواك واسمع ندائي واجب دعائي واجعله من شأنك فانه عليك يسير وهو عندي
عظيم يا ارحم الراحمين وشيخ رضي الله عنه نيز در مصباح هر دو دعا را روايت كرده است **احكام**
اين نماز در چند مقصد ياد ميشود **اول** بدانكه بعضي گفته اند كه چهار ركعت را بيكسلام ميكند
چون در اكثر اخبار تصريح بدو سلام نشده است ليكن مشهور است كه اين نماز بدو سلام
ميبايد كرد چنانكه در روايت ابي حمزه ثمالي از حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه وحديث
رجاء بن ابي ضحاك كه از حضرت امام رضا صلوات الله عليه مذكور است و در فقه رضوي
نيز تصريح بدو سلام شده و از حديث صحيحي كه بعد از اين مذكور ميشود و در جواز تفريق اين نماز
معلوم ميشود كه اين دو نماز است با آنكه در احاديث وارد شده كه نوافل هر دو ركعت بيكسلامست
بر اقوي واحوط عمل بمشهور است بلكه متعين است **دوم** خلافاست در تعيين سورها كه مستحبست
كه در اين نماز خوانده شود و مشهور است كه در ركعت اول اذا زلزلت و در دوم والعاديات و در سيم
اذا جاء و در چهارم قل هو الله ميخوانند و ابن بابويه و پدرش در ركعت اول والعاديات و در دوم ركعت
دوم اذا زلزلت گفته اند و در دو دعا در اول اذا زلزلت و در دوم اذا جاء و در سيم انا انزلناها

حبائك
التقى
الزهد
كرامتك

و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت صحیحی وارد شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون
و قل هو الله احد هر بعد الحمد بخواند و در روایتی وارد شده است که هر سوره که خواهند بخوانند و ابن
بابویه گفته است که همه را با سوره توحید میتوان خواند و ظاهرا همه خوب است اگرچه اول و سیم افضل است
سیم مشهور در ترتیب تسبیح این نماز است که بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
چنانچه در روایات صحیحه و معتبره وارد شده است و ابن بابویه رحمه الله گفته است که مصلی اختیار
دارد میخواهد بترتیب مذکور بگوید یا بگوید الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
چنانچه در روایت ابی حمزه وارد است و هر دو جایز است و عمل بمشهور اولی است بلکه متعین است
چون روایات قول مشهور بیشتر و صحیحتر است و مخالف مذهب عامه و ترتیب وارد در روایت
ابی حمزه موافق مذهب عامه است چهارم مشهور آنست که در رکعت دوم و رکعت چهارم بازوه
تسبیح را بعد از قراءت میخوانند چنانچه روایات معتبره دلالت بر این می‌کند و لیکن در روایت
ابی حمزه مذکور است که تسبیح را قبل از قراءت بخواند و ابن بابویه قایل بتخییر شده و عمل بهر دو را
نیکو میداند و اولی عمل بمشهور است هرچند خالی از قوتی نیست پنجم مشهور آنست که تسبیحات
بعد از سجدهٔ دوم را در رکعت اول و سیم نشسته میخوانند و بعضی گفته‌اند بعد از برخاستن
برکعت دیگر پیش از قراءت میخوانند و عمل بمشهور اولی است ششم اکثر اصحاب متعرض قنوت
این نماز نشده‌اند و در بسیاری از روایات نیز مذکور نیست لیکن شیخ طبرسی در کتاب احتجاج حدیثی ذکر
کرده است که حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در جواب عریضهٔ حمیری نوشتند که در نماز
جعفر دو قنوت مقرر است یکی در رکعت دوم قبل از آنکه برکوع رود و یکی در رکعت چهارم
بعد از رکوع و در حدیث رجاء بن ابی ضحاک مذکور است که حضرت امام رضا صلوات الله علیه
چون نماز جعفر را بجا می‌آوردند بعد از هر دو رکعت بیک سلام می‌گفتند و در دو رکعت دوم
و چهارم قنوت میخواندند بعد از تسبیح پیش از آنکه برکوع میرفتند و عمل بهر یک از این دو روایت که
بکند خوب است هفتم روایت معتبری از حضرت قائم علیه السلام وارد شده که کسی که تسبیحات نماز
جعفر را فراموش کند در هر وقت که بخاطرش آید بخواند و در فقه رضوی نیز تصریح باین شده
و از علما کسی متعرض این حکم نشده و اگر باین روایت عمل کنند ظاهرا بد نباشد هشتم اکثر علما
گفته‌اند و در روایات نیز وارد شده است که کسی که ضرورتی و تعجیلی داشته باشد میتواند
نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و بعد از آن قضا کند تسبیحات را و در راه بخواند
نهم در حدیث صحیح وارد شده است که کسی که دو رکعت از نماز جعفر را بکند و او را
امر ضروری رو دهد می‌تواند پی آن کار رود و دو رکعت دیگر را در وقت دیگر

بکند

بکند و اگر بعد وقت عذر چنین نکند و همه را با هم بکند بهتر است دهم بدانکه مشهور میان
علما و اقوی آنست که نماز جعفر را بجای نوافل شبانه روزی میتوان کرد که بهر دو حساب
شود و بعضی بنیت قضای نافله میتوان کرد و احادیث باین مضامین وارد شده است
و بعضی تجویز کرده‌اند که نماز فریضه را ادا و قضاء بکیفیت نماز جعفر بکنند و خالی از
قوتی نیست و لیکن احوط ترک است یازدهم شیخ شهید در کتاب ذکری نقل کرده که نماز
جعفر را در سفر و حضر هر دو میتوان کرد و در سفر در محاوه جایز است و حدیثی از حضرت
قائم علیه السلام روایت کرده که این نماز را در سفر جایز است و در حدیث صحیحی وارد شده است
که هرگاه در سفر باشی این نماز را در محمل بجا آور و محقق و علامه عمل باین روایت کرده‌اند
و این اولی است با آنکه در روایات وارد شده که مطلق نافله را در حضر و سفر پیاده و سواره
میتوان کرد پس این حدیث محمول بر فضل این نماز است که بهر حالی که باشد ترک ننمائی
اگرچه مسافر و در محاوه باشد دوازدهم بدانکه نماز جعفر را در جمیع اوقات ایام سال
در شب و روز بلکه در هر شب و هر روز میتوان بجا آورد و از حضرت صادق صلوات الله
علیه روایت است که این نماز را بکن در هر وقت که خواهی در شب یا روز مادام که در وقت نماز واجب
نباشد و نیز در همین حدیث مذکور است که آنحضرت فرموده بود بابی بصیر که اگر در هر روز
نتوانی بجا آوری این نماز را پس در هر جمعه بجا آور و اگر نتوانی پس در هر ماه و اگر نه در هر سال
و ایضا شیخ شهید در کتاب اربعین روایت کرده است در حدیث طولانی که روایت شده
که رسول خدا صلی الله علیه و آله بجعفر فرمودند که عطا میکنم بتو چیزی را که اگر هر روز بجا آوری
بهتر باشد از برای تو از دنیا و آنچه در آنست و اگر هر دو روز یکبار بکنی آمرزیده شود گناهی که
در میان این دو روز کرده باشی و اگر در هر جمعه یا در هر ماه یا در هر سال بجا آوری آمرزیده شود
گناهان ما بین آنها و بجا آوردن این نماز در اوقات شریفه افضل است مانند شب نیمه شعبان
که بخصوص وارد شده چنانکه گذشت و در شب جمعه و روز جمعه بخصوص فضیلت وارد شده
و اول روز جمعه افضل است از سایر روز چنانچه حمیری عریضه بخدمت حضرت قائم صلوات الله
علیه نوشت و سؤال چند در باب نماز جعفر نمود از آنجمله آنکه نماز جعفر در کدام وقت افضل است
جواب فرمودند اول روز جمعه افضل است از سایر اوقات بعد از آن هر روزی از روزها
و هر وقتی از اوقات از شب و روز که خواهی بکنی خوب است و جمعی از اصحاب نقل کرده‌اند

و در روایات نیز وارد شده است که هرگاه نوافل بوسیر ملک مطلق نوافل را بطریق نماز جعفر
بجا آورند بهتر و محسوب میشود و هر دو ثواب را می‌برد خصوصاً نماز شب که در حدیث رجا منقول است
که حضرت امام رضا علیه السلام هرگاه دو رکعت از نماز شب را سفر بودند چهار رکعت از آن را
بطریق نماز جعفر بجا آورند و ایضاً مرویست که هرگاه نماز نیابات ائمه طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین را بطریق نماز جعفر بجا آورند افضل و هر دو ثواب برای او خواهد بود
ملیت و بکر شیخ طوسی و سید ابن طاوس طاب ثراهما در مصباح و اقبال و دیگران ذکر نموده اند
که در شب نیمه شعبان هرگاه خواهی نماز شب بکنی پس دو رکعت اول را بکن و بعد از آن این دعا
بخوان اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ شجرة النبوّة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة
ومعدن العلم واهل بيت الوحي واعطني في هذه الليلة امنيتي وتقبّل وسيلتي
فاني بمحمّدٍ وعليٍّ واوصيائهما اليك اتوسّل وعليك اتوكّل ولك اسأل يا
مجيب دعوة المضطرّين يا ملجأ الهاربين ومنتهى رغبة الراغبين ونيل الطالبين
اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ صلوةً كثيرةً طيّبةً تكون لك رضاً ولحقّهم قضاءً
اللّهمّ اغن قلبي بطاعتك ولا تخزني بمعصيتك وارزقني مواساة من قترت
عليه من رزقك بما وسّعت عليّ من فضلك فانّك واسع الفضل ووازع العدل
لكلّ خيرٍ اهل پس دو رکعت دیگر بکن و بعد از آن این دعا بخوان اللّهمّ انت المدعوّ
وانت المرجوّ وانت رازق الخير وكاشف السوء الغفّار والعفوّ الرفيع والدعاء النميع
اسألك في هذه الليلة الاجابة وحسن الانابة والتوبة والاوبة وخير ما
قسمت فيها وفرقت من كلّ امرٍ حكيمٍ فانت بحالي عليمٌ ولي رحيمٌ امنن عليّ بما
مننت به على المستضعفين من عبادك واجعلني من الوارثين وفي جوارك من اللابثين
في دار القرار ومحلّ الاخيار پس دو رکعت دیگر بکن و بعد از آن این دعا بخوان
سبحان الواحد الذي لا اله غيره القديم الذي لا بدء له الدائم الذي لا نفاد له
الدائب الذي لا فراغ له الحيّ الذي لا يموت خالق ما يرى وما لا يرى عالم كلّ
شيءٍ بغير تعليمٍ السابق في علمه ما لا يحسّ المرء في وهمه سبحانه وتعالى عمّا يشركون

اللّهمّ انّي اسألك سؤال معترفٍ ببلائك القديم ونعمائك ان تصلّي على محمّدٍ خير انبيائك
واهل بيته اصفيائك واحبّائك وان تبارك لي في لقائك پس دو رکعت دیگر بکن و بعد
از آن این دعا بخوان يا كاشف الكرب ويا معدّ لكلّ صعبٍ ومبتدئاً بالنعم قبل استحقاقها
ويا من مفزع الخلق اليه وتوكّلهم عليه امرت بالدعاء وضمنت الاجابة فصلّ على محمّدٍ
وآل محمّدٍ وابدأ بهم في كلّ خيرٍ وافرج همّي وغمّي وارزقني برد عفوك وحلاوة ذكرك
وشكرك وانتظار امرك انظر اليّ نظرةً رحيمةً من نظراتك واحيني ما احييتني موفوراً
مستوراً واجعل الموت لي جذلاً وسروراً واقدر لي ولا تفرّق بيني في حبوتي الى حين وفاتي
حتّى القاك من العيش سئماً والى الآخرة قرماً انّك على كلّ شيءٍ قدير پس دو رکعت دیگر بکن
و بعد از این رکعت پس از نماز و هر چه میخواهی این دعا بخوان اللّهمّ ربّ الشفع والوتر والليل
اذا يسر في هذه الليلة المقسوم فيها بين عبادك ما تقسم والمحتوم فيها ما تحتم اجل فيها
قسمي ولا تبدّل اسمي ولا تغيّر جسمي ولا تعم الرشد عنّي واختم لي بالسعادة والقبول
يا خير مرغوبٍ اليه ومسئولٍ پس بجهت نماز و دعا ... و چون فارغ شدی از دعای و پیش
انکه برکوع روی در حالتی که ایستاده این دعا بخوان اللّهمّ يا من شانه الكفاية وسرادقه
الرعاية يا من هو الرجاء والامل وعليه في الشدائد المتّكل مسّني الضرّ وانت ارحم
الراحمين وضاقت عليّ المذاهب وانت خير الرازقين كيف اخاف وانت رجائي
وكيف اضيع وانت لسندي ورخائي اللّهمّ انّي اسألك بما واريت الحجب من جلالك
وجمالك وبما اطاف العرش من بهاء كمالك وبمعاقد العزّ من عرشك الثابت الاركان
وبما تحيط به قدرتك من ملكوت السلطان يا من لا رادّ لامره ولا معقّب لحكمه
اضرب بيني وبين اعدائي ستراً من سترك وكافيةً من امرك يا من لا تخرق قدرته
عواصف الرياح ولا تقطعه بواتر الصفاح ولا تنفذ فيه عوامل الرماح يا شديد
البطش يا عالي العرش اكفني ضرّي يا كاشف ضرّ ايّوب واضرب بيني وبين من يرميني

بوآئقه وتبري إلى طوارقه بكافية من كوافيك وواقية من دواعيك وفرج
همي وغمي يا فارج غم يعقوب واغلب لي من غلبني يا غالباً غير مغلوب ورد الله
الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيراً وكفى الله المؤمنين القتال وكان الله قوياً عزيزاً
فأيدنا الذين آمنوا على عدوهم فأصبحوا ظاهرين يا من نجى نوحاً من القوم الظالمين يا من
نجى لوطاً من القوم الفاسقين يا من نجى هوداً من القوم العادين يا من نجى محمداً صلى الله
عليه وآله من القوم المستهزئين أسألك بحق شهرنا هذا وأيامه الذي كان رسولك
صلى الله عليه وآله يدأب نفسه في صيامه وقيامه مدى عمره وأعوامه أن تجعلني فيه
من المقبول أعمالهم البالغين آمالهم والقاضين في طاعتك آجالهم وأن تدرك بي
صيام الشهر المفترض شهر الصيام على التكملة والتمام وأن تلحقني بأسلافي من الأنام
فإني متحصن بك ذو اعتصام بأسمائك العظام وموالاة أوليائك الكرام أهل النقض
والإبرام إمام منهم بعد إمام مصابيح الظلام وحجج الله على جميع الأنام عليهم منك أفضل
السلام اللهم وإني أسألك بحق البيت الحرام والركن والمقام والمشاعر العظام أن تهب لي
الليلة الجزيلة من عطائك والإعاذة من بلائك اللهم صل على محمد وأهل بيته
الأوصياء الهداة وأن لا تجعل حظي من هذا الدعاء تلاوته واجعل حظي منه إجابته
إنك على كل شيء قدير **مؤلف گوید** که نماز وتر را گاهی بر مفردهٔ وتر که یک رکعت بعد از شفع
اطلاق میکنند و گاهی بر مجموع شفع و وتر که تمام سه رکعت است اطلاق میکنند و مراد در این
حدیث معنی ثانی است و مراد از دعای وتر دعاهائی است که در قنوت وتر وارد شده است
و این دعای آخر در قنوت مفردهٔ وتر بعد از فراغ از ادعیه وارده در آن باید خوانده شود و سید
طاب ثراه در اقبال گفته است که در کتاب بخطی در مشهد اشرف دیدیم حدیثی که نماز شب مطلقا
خواه در شب نیمه شعبان و خواه غیر آن با این کیفیت از حضرت امام زین العابدین علیه السلام
منقول بود لیکن دعای آخر در این حدیث بعد از فراغ از مفرده وتر وارد شده بود والله تعالی اعلم
بیست و دوم شیخ طوسی و سید ابن طاوس رحمهما الله تعالی در مصباح و اقبال ذکر نموده اند
که چون در این شب ولادت با سعادت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه واقع شده مستحب
است این دعا خوانده شود اللهم بحق ليلتنا هذه ومولودها وحجتك وموعودها التي

قرنت

وقرنت إلى فضلها فضلاً فتمت كلمتك صدقاً وعدلاً لا مبدل لكلماتك ولا معقب لآياتك
نورك المتألق وضياؤك المشرق والعلم النور في طخياء الديجور الغائب المستور
جل مولده وكرم محتده والملائكة شهده والله ناصره ومؤيده إذا آن ميعاده والملائكة
أمداده سيف الله الذي لا ينبو ونوره الذي لا يخبو وذو الحلم الذي لا يصبو مدار الدهر
ونواميس العصر وولاة الأمر والمنزل عليهم الذكر وما ينزل في ليلة القدر وأصحاب الحشر
والنشر تراجمة وحيه وولاة أمره ونهيه اللهم فصل على خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم
وأدرك بنا أيامه وظهوره وقيامه واجعلنا من أنصاره واقرن ثأرنا بثأره واكتبنا
في أعوانه وخلصائه وأحينا في دولته ناعمين وبصحبته غانمين وبحقه قائمين ومن
السوء سالمين يا أرحم الراحمين والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم النبيين
والمرسلين وعلى أهل بيته الصادقين وعترته الناطقين والعن جميع الظالمين
واحكم بيننا وبينهم يا أحكم الحاكمين **مؤلف گوید** که کفعمی علیه الرحمه در جنة الامان بعد از ذکر
این دعا ادعیه دیگر نیز نقل نموده که بعضی از آنها از اصحاب مزارات از جمله زیارات بعیده نقل نموده اند
و بعضی از ادعیه مطلقه که متضمن لعن و براءت از اعادی اهل بیت رسالت و غاصبین حقوق
خاندان عصمت و جلالت است و اگر چه هیچیک از این ادعیه در خصوص این شب وارد نشده
لیکن چون خواندن آنها در این شب بنهایت مناسبت دارد و کفعمی نیز از جمله اعمال این شب نقل
نموده و غرض اصلی از تالیف این کتاب استیفاء تمام اعمال است لهذا بذکر آنها بترتیب مبادرت نمود
و آنها چند دعا است **اول** کفعمی در کتاب مذکور گفته اند که بعد از دعای سابق صلوات بفرست
بر رسول خدا صلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام باین صلوات که از حضرت صاحب الامر صلوات الله
علیه منقول است و صلوات اینست بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على سيد المرسلين
وخاتم النبيين وحجة رب العالمين المنتجب في الميثاق المصطفى في الظلال المطهر
من كل آفة البريء من كل عيب المؤمل للنجاة المرتجى للشفاعة المفوض إليه دين الله اللهم
شرف بنيانه وعظم برهانه وأفلج حجته وأضئ نوره وبيض وجهه وأعطه الفضل
والفضيلة والوسيلة والدرجة الرفيعة وابعثه مقاماً محموداً يغبطه به الأولون

شیخ طوسی در مصباح

وارفع درجته

والمنزلة

والآخرون وصل على علي امير المؤمنين ووارث المرسلين وقائد الغر المحجلين وسيد الوصيين
وحجة رب العالمين وصل على الحسن بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب
العالمين وصل على الحسين بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على علي بن الحسين امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل
على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على جعفر بن محمد
امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على موسى بن جعفر امام
المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على علي بن موسى امام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين وصل على علي بن محمد امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصل على الحسن بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة
رب العالمين وصل على الخلف الهادي المهدي امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين اللهم صل على محمد واهل بيته الائمة الهادين العلماء الصادقين
الابرار المتقين دعائم دينك واركان توحيدك وتراجمة وحيك وحججك على خلقك وخلفائك في
ارضك الذين اخترتهم لنفسك واصطفيتهم على عبادك وارتضيتهم لدينك وخصصتهم
بمعرفتك وجللتهم بكرامتك وغشيتهم برحمتك وربيتهم بنعمتك وغذيتهم بحكمتك
والبستهم نورك ورفعتهم في ملكوتك وحففتهم بملائكتك وشرفتهم بنبيك صلواتك
عليه واله اللهم صل على محمد وعليهم صلوة كثيرة دائمة طيبة لا يحيط بها الا انت
ولا يسعها الا علمك ولا يحصيها احد غيرك اللهم صل على وليك المحيي سنتك
القائم بامرك الداعي اليك الدليل عليك حجتك على خلقك وخليفتك في ارضك
وشاهدك على عبادك اللهم اعز نصره ومد في عمره وزين الارض بطول بقائه
اللهم اكفه بغي الحاسدين واعذه من شر الكائدين وازجر عنه ارادة الظالمين

وخلصه من ايدي الجبارين اللهم اعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته
وعامته وعدوه وجميع اهل الدنيا ما تقر به عينه وتسر به نفسه وبلغه افضل ما امله في الدنيا والآخرة اللهم جدد به ما محي من دينك واحي به ما بدل
من كتابك واظهر به ما غير من حكمك حتى يعود دينك به وعلى يديه غضا جديدا
خالصا مخلصا لا شك فيه ولا شبهة معه ولا باطل عنده ولا بدعة لديه اللهم
نور بنوره كل ظلمة وهد بركنه كل بدعة واهدم بعزته كل ضلالة واقصم به كل جبار
واخمد بسيفه كل نار واهلك بعدله كل جور واجر حكمه على كل حكم واذل بسلطانه
كل سلطان اللهم اذل كل من ناواه واهلك كل من عاداه وامكر بمن كاده واستأصل
من جحد حقه واستهان بامره وسعى في اطفاء نوره واراد اخماد ذكره اللهم صل على محمد
المصطفى وعلي المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن الرضا والحسين المصفى وجميع الاوصياء
مصابيح الدجى واعلام الهدى ومنار التقى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم
وصل على وليك وولاة عهده والائمة من ولده ومد في اعمارهم وزد في آجالهم
وبلغهم اقصى آمالهم دنيا وآخرة انك على كل شيء قدير مؤلف كويد كه اين دعا
اكرچه در خصوص شب وارد نشده ليکن چون بر طلب ظهور واستدعاء خروج آن امام
عالیمقام ورفع بدع ودفع ظلمها كه در زمان غيبت بر فلك امامت در تحت افق اختفا
بر شيعيان ومواليان واقع شده مشتمل است خواندن آن درين شب بغايت مناسبت وارد
دوم بعد ازين دعائي است كه يونس بن عبد الرحمن از حضرت امام رضا صلوات الله
عليه روايت كرده است كه آنحضرت شيعيان را امر ميفرمود كه براي صاحب الامر عليه السلام دعا نمايند
باين دعا اللهم ادفع عن وليك وخليفتك وحجتك على خلقك ولسانك المعبر
عنك الناطق بحكمتك وعينك الناظرة باذنك وشاهدك على عبادك الجحجاح المجاهد
العائذ بك العابد لك واعذه من شر جميع ما خلقت وبرأت وانشات وصورت
واحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن فوقه ومن تحته بحفظك
الذي لا يضيع من حفظته به واحفظ فيه رسولك وآباءه ائمتك ودعائم دينك

واجعله في ودايعك التي لا تضيع وفي جوارك الذي لا يخفر وفي منعك وعزك (ووديعتك)
الذي لا يقهر وامنه بامانك الوثيق الذي لا يخذل من امنته به واجعله
في كنفك الذي لا يرام من كان فيه وانصره بنصرك العزيز وايده بجندك الغالب
وقوه بقوتك واردفه بملائكتك ووال من والاه وعاد من عاداه والبسه درعك
الحصينة وحفه بالملائكة حفا اللهم اشعب به الصدع وارتق به الفتق وامت
به الجور واظهر به العدل وزين بطول بقائه الارض وايده بالنصر وانصره بالرعب
وقو ناصريه واخذل خاذليه ودمدم على من نصب له ودمر على من غشه واقتل
به جبابرة الكفر وعمده ودعائمه واقصم به رؤس الضلالة وشارعة البدع و (الكفر)
مميتة السنة ومقوية الباطل وذلل به الجبارين وابر به الكافرين وجميع
الملحدين في مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها حتى لا
تدع منهم ديارا ولا تبقي لهم اثارا اللهم طهر منهم بلادك واشف منهم عبادك (عبادك / صدور)
واعز به المؤمنين واحي به سنن المرسلين ودارس حكم النبيين وجدد به ما امتحى
من دينك وبدل من حكمك حتى تعيد دينك به وعلى يديه جديدا غضا محضا
صحيحا لا عوج فيه ولا بدعة معه وحتى تنير بعدله ظلم الجور وتطفئ به نيران الكفر
وتوضح به معاقد الحق ومجهول العدل فانه عبدك الذي استخلصته لنفسك واصطفيته
على غيبك وعصمته من الذنوب وبرأته من العيوب وطهرته من الرجس وسلمته
من الدنس اللهم فانا نشهد له يوم القيمة ويوم حلول الطامة انه لم يذنب ذنبا
ولا اتى حوبا ولم يرتكب معصية ولم يضيع لك طاعة ولم يهتك لك حرمة
ولم يبدل لك فريضة ولم يغير لك شريعة وانه الهادي المهدي الطاهر التقي النقي
الرضي المرضي الزكي اللهم اعطه في نفسه واهله وولده وذريته وامته
وجميع رعيته ما تقر به عينه وتسر به نفسه وتجمع له ملك المملكات قريبها

وبعيدها

وبعيدها وعزيزها وذليلها حتى تجري حكمه على كل حكم وتغلب بحقه على كل باطل
اللهم اسلك بنا على يديه منهاج الهدى والمحجة العظمى والطريقة الوسطى التي
يرجع اليها الغالي ويلحق بها التالي وقونا على طاعته وثبتنا على مشايعته وامنن (مشايعته)
علينا بمتابعته واجعلنا في حزبه والقوامين بامره والصابرين معه الطالبين رضاك
بمناصحته حتى تحشرنا يوم القيمة في انصاره واعوانه ومقوية سلطانه اللهم واجعل (بمتابعته)
ذلك لنا خالصا من كل شك وشبهة ورياء وسمعة حتى لا نعتمد به غيرك ولا نطلب (نعتمد)
به الا وجهك وحتى تحلنا محله وتجعلنا في الجنة معه واعذنا من السامة والكسل
والفترة واجعلنا ممن تنتصر به لدينك وتعز به نصر وليك ولا تستبدل بنا غيرنا
فان استبدالك بنا غيرنا عليك يسير وهو علينا كبير اللهم صل على ولاة عهده
والائمة من بعده وبلغهم امالهم وزد في اجالهم واعز نصرهم وتمم لهم ما اسندت
اليهم من امرك لهم وثبت دعائمهم واجعلنا لهم اعوانا وعلى دينك انصارا فانهم
معادن كلماتك وخزان علمك واركان توحيدك ودعائم دينك وولاة امرك
وخالصتك من عبادك وصفوتك من خلقك واولياؤك وسلائل اوليائك
وصفوة اولاد نبيك والسلام عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته مؤلف گوید که سید ابن طاوس (عليه)
طاب ثراه در کتاب مصباح الزائر گفته که هرگاه خواهی از سر من رای بیرون ابی پس برو بر در غیبت
انحضرت عود کن وهر قدر که خواهی نماز بکن پس رو بقبله بایست واین دعا را بخوان وهمین
دعا را نقل نموده تا فقرهٔ وهو علینا کبیر وبعد از ان این تتمه را نقل نموده
اللهم نور به كل ظلمة وهد بركنه كل بدعة واهدم بعزته كل ضلالة واقصم
به كل جبار واخمد بسيفه كل نار واهلك بعدله جور كل جائر واجر حكمه على كل
حكم واذل بسلطانه كل سلطان اللهم اذل كل من ناواه واهلك كل من عاداه (حاكم)
وامكر بمن كاده واستاصل من جحد حقه واستهان بامره وسعى في اطفاء نوره
واراد اخماد ذكره اللهم صل على محمد المصطفى وعلي المرتضى وفاطمة الزهراء

وخديجة الكبرى والحسن الزكي الرضي والحسين المصفى وجميع الاوصياء مصابيح الدجى
واعلام الهدى ومنار التقى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم وصل على
وليك وولاة عهدك والائمة من ولده ومد في اعمارهم وزد في آجالهم وبلغهم
اقصى آمالهم دينا ودنيا وآخرة انك على كل شيء قدير وكفعمی گفته که این دعا را باید که در هر گرد
در حالتی که سجاده تمدید باشی ان شاء الله تعالى واز کلام سید مفهوم میشود که این دعا مخصوص
سرداب مقدس باشد وظاهر عبارت کفعمی آنست که در اماکن بعیده نیز این دعا را می توان خواند
وممکن است که در این باب دو روایت وارد شده باشد واختلاف ثمرات این دعا مؤید این معنی است
وبر هر تقدیر در خصوص اینجا وارد نشده لیکن چون مشتمل بر طلب ظهور ونصرت آن بزرگوار
بر اعادی واستدعاء تشرف بیعت وقرب خدمت وادراک معاونت آنحضرت است در این
که مولد آن جناب است زیارتها واوقات است وبدانکه در روایات کفعمی بحسب ظاهر اشکالی
زیرا که این دعا را حضرت امام رضا علیه السلام که امام هشتم است بشیعیان خود تعلیم فرموده وچگونه
می توانند بود که در زمان امام هشتم شیعیان انتظار ظهور وخروج امام دوازدهم را داشته باشند
با آنکه زمان طولانی در میان فاصله است وجواب این اشکال آنست که چون در زمان ائمه ما
علیهم السلام تقیه شدید بوده وشیعیان پیوسته در شدت وتعب وخوف بوده منتظر فرج وخروج
قائم آل محمد صلى الله علیه وآله می بوده اند وهمیشه از ائمه علیهم السلام استدعا خروج می نموده اند
آن بزرگواران از راه ضعف یقین اکثر اصحاب ومصالح دیگر بهمه کس صریح نفرموده اند که امام
دوازدهم قائم آل محمد صلى الله علیه وآله خواهد بود وبخواص اصحاب که بقوت ایمان ویقین
ممتاز بوده اند گاهی اظهار فرموده اند که قائم صلوات الله علیه امام دوازدهم است
واو مدتی غائب خواهد بود وهر وقت که مشیت الهی اقتضا نماید ظاهر خواهد شد وبا
بسیاری از شیعیان امید فرج از امام زمان خود میداشته اند ومنتظر خروج او می بوده اند
بنا بر این ممکن است که حضرت امام رضا علیه السلام این دعا را بجمعی از اصحاب که گمان می بوده که
آنحضرت قائم آل محمد صلى الله علیه وآله است تعلیم فرموده باشد ومحتمل است که بخواص اصحاب
نیز تعلیم فرموده باشد وچون در زمان حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه مطابق
روایات معتبره مؤمنان خالص زنده میشوند ودر خدمت آنحضرت جهاد می نمایند لهذا
در این دعا طلب ادراک خدمت آنحضرت را در زمان رجعت می نموده باشد سیم
کفعمی گفته که بخوانی دعای عهد را که از حضرت صادق علیه السلام منقولست ودعا اینست

اللهم

اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع ورب البحر المسجور ومنزل التوراة والانجيل والزبور
ورب الظل والحرور ومنزل الفرقان العظيم ورب الملائكة المقربين والانبياء والمرسلين
اللهم اني اسألك باسمك الكريم وبنور وجهك المنير وملكك القديم يا حي يا قيوم اسألك
باسمك الذي اشرقت به السموات والارضون يا حيا قبل كل حي ويا حيا بعد كل حي
يا حيا لا اله الا انت اللهم بلغ مولانا الامام الهادي المهدي القائم بامرك صلى الله عليه
وعلى آبائه الطاهرين عني وعن جميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض ومغاربها
برها وبحرها سهلها وجبلها وعني وعن والدي وولدي واخواني من الصلوات زنة
عرشك ومداد كلماتك وما احصاه كتابك واحاط به علمك اللهم اني اجدد له في صبيحة
يومي هذا وما عشت فيه من ايام حياتي عهدا وعقدا وبيعة له في عنقي لا احول عنها
ولا ازول ابدا اللهم اجعلني من انصاره واعوانه والذابين عنه والمسارعين
في حوائجه والممتثلين لاوامره ونواهيه والسابقين الى ارادته والمحامين عنه
والمستشهدين بين يديه اللهم فان حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك
حتما مقضيا فاخرجني من قبري مؤتزرا كفني شاهرا سيفي مجردا قناتي ملبيا دعوة الداعي
في الحاضر والبادي اللهم ارني الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل مرهي بنظرة
مني اليه وعجل فرجه وسهل مخرجه واوسع منهجه واسلك بي محجته وانفذ امره واشدد
ازره واعمر اللهم به بلادك واحي به عبادك فانك قلت وقولك الحق
ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك وابن وليك وابن
بنت نبيك المسمى باسم رسولك صلواتك عليه وآله في الدنيا والآخرة حتى لا يظفر بشيء
من الباطل الا مزقه ويحق الله به الحق ويحققه اللهم واجعله مفزعا للمظلوم من
عبادك وناصرا لمن لا يجد له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من احكام كتابك ومشيدا
لما ورد من اعلام دينك وسنن نبيك صلى الله عليه وآله واجعله اللهم ممن حصنته

من بابه المعتدين اللهم وسر نبيك محمدا صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه على
دعوته وارحم استكانتنا من بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره
وعجل اللهم ظهوره انهم يرونه بعيدا ونريه قريبا برحمتك يا ارحم الراحمين
پس سجده کند و بگوید [illegible] في العجل العجل يا مولاي يا صاحب الزمان
مؤلف گوید که سید در مصباح الزائر نیز از حضرت صادق علیه السلام این دعا را روایت کرده
و در روایت او چنین است که حضرت فرمود که هر که چهل صباح این دعا را بخواند از انصار
قائم ما علیه السلام میگردد و اگر قبل از خروج قائم علیه السلام بمیرد حق تعالی او را در زمان
او زنده گرداند و از قبر بیرون می آورد و بهر کلمه از این دعا هزار حسنه باو عطا میفرماید
و هزار سیئه را از او محو مینماید و مخفی نماند که اشکال سابق با دو جواب که مذکور شد در این حدیث
نیز جاری است و آخر در این روایت مذکور است که اگر قبل از خروج بمیرد او را حق تعالی زنده
خواهد کرد مؤید جواب ثانی است **چهارم** ایضا در کتاب مذکور گفته که پس بخوان این دعا را
که از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه منقول است

دعای صنمی قریش

اللهم صل على محمد
وآل محمد والعن صنمي قريش وجبتيهما وطاغوتيهما وافكيهما وابنتيهما اللذين خالفا
امرك وانكرا وحيك وجحدا انعامك وعصيا رسولك وقلبا دينك وحرفا كتابك
واحبا اعداءك وعاديا اولياءك وواليا اعداءك وخربا بلادك وافسدا عبادك
اللهم العنهما واتباعهما واولياءهما واشياعهما ومحبيهما فقد اخربا بيت النبوة
وردما بابه ونقضا سقفه والحقا سماءه بارضه وعاليه بسافله وظاهره بباطنه
واستاصلا اهله وابادا انصاره وقتلا اطفاله واخليا منبره من وصيه ووارث علمه
وجحدا امامته واشركا بربهما فعظم ذنبهما وخلدهما في سقر وما ادريك ما سقر
لا تبقي ولا تذر اللهم العنهم بعدد كل منكر اتوه وحق اخفوه ومنبر علوه ومؤمن
ارجوه ومنافق ولوه وولي اذوه وطريد اووه وصادق طردوه وكافر نصروه و
امام قهروه وفرض غيروه واثر انكروه وشر اثروه ودم اراقوه وخير بدلوه وكفر
نصبوه وارث غصبوه وفيء اقتطعوه وسحت اكلوه وخمس استحلوه وباطل اسسوه

وجور بسطوه

١١٧

وجور بسطوه ونفاق اسروه وغدر اضمروه وظلم نشروه ووعد اخلفوه وامان خانوه وعهد
نقضوه وحلال حرموه وحرام احلوه وبطن فتقوه وضلع دقوه وصك مزقوه
وشمل بددوه وعزيز اذلوه وذليل اعزوه وحق منعوه وكذب دلسوه وحكم قلبوه
اللهم العنهم بكل اية حرفوها وفريضة تركوها وسنة غيروها ورسوم منعوها
واحكام عطلوها وبيعة نكثوها ودعوى ابطلوها وبينة انكروها وحيلة احدثوها
وخيانة اوردوها وعقبة ارتقوها ودباب دحرجوها وازياف لزموها وشهادات
كتموها ووصية ضيعوها اللهم العنهما في مكنون السر وظاهر العلانية لعنا كثيرا
ابدا دائما دائبا سرمدا لا انقطاع لامده ولا نفاد لعدده لعنا يعود اوله ولا يروح
اخره لهم ولاعوانهم وانصارهم ومحبيهم ومواليهم والمسلمين لهم والمائلين اليهم
والناهضين باحتجاجهم والمقتدين بكلامهم والمصدقين باحكامهم پس چهار مرتبه بگوید
اللهم عذبهم عذابا يستغيث منه اهل النار امين رب العالمين **مؤلف گوید** که این
دعای صنمی قریش مشهور و در اکثر کتب دعوات مذکور است و کفعمی در حاشیه کتاب مصباح
گفته که این دعا از غوامض اسرار و کرائم اذکار است و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
وسلامه علیه در اکثر اوقات لیل و نهار خصوصا اسحار که محل استجابت دعوات است بر این دعا مواظبت
میفرموده و در روایتی وارد شده که هر که این دعا را از روی اخلاص بخواند حق تعالی حوائج او را
برآورد پس بنابر این خواندن این دعا اگرچه در همه اوقات نیکو است لیکن چون مشتمل بر لعن
اعادی ائمه علیهم السلام خصوصا ابوبکر و عمر است و انکار ایشان و غصب حقوق ایشان نموده‌اند
و تحریف کتاب خدا و شریعت نموده‌اند و فی الحقیقه ایشان باعث غیبت امام زمان گردیده‌اند
پس خواندن این دعا در این شب که مولد قائم آل محمد علیهم السلام است انسب اوقات است
پنجم ایضا در کتاب مذکور گفته که از جمله ادعیه که بعد از این دعا خواندن آن مناسب است
دعائیست که سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب مهج الدعوات از حضرت امام رضا صلوات الله علیه
روایت کرده است که هر که این دعا را در سجده شکر بخواند مانند کسی است که در جنگ بدر
واحد و حنین با رسول خدا صلی الله علیه وآله هزار هزار تیر بر اعادی دین انداخته باشد و دعا این است
اللهم العن اللذين بدلا دينك وغيرا نعمتك واتهما رسولك صلى الله عليه وآله وخالفا ملتك

خالفا ملتك

وصدّا عن سبيلك وكفرا الائك وردّا عليك كلامك واستهزاء برسولك وقتلا ابن نبيّك

وحرفا كتابك وجحدا اياتك وتجرّيا بايائك واستكبارا عن عبادتك وقتلا اوليائك وجلسا بإمامك

في مجلس لم يكن لهما بحق وحملا الناس على اكتاف آل محمد اللهم العنهما لعنا يتلو بعضه بعضا

واحشرهما الى جهنم زرقا اللهم انا نتقرب اليك باللعنة عليهما والبراءة منهما في الدنيا

والاخرة اللهم العن قتلة امير المؤمنين وقتلة الحسين بن علي عليهما السلام ابن بنت رسول الله

صلى الله عليه وآله اللهم زدهما عذابا فوق العذاب وهوانا فوق هوان وذلا فوق ذل و

خزيا فوق خزي اللهم دعهما الى النار دعا واركسهما في اليم عذابك ركسا اللهم احشرهما وأركسهما عقابك

واتباعهما الى جهنم زمرا اللهم فرق جمعهم وشتت امرهم وخالف بين كلمتهم وبدد

جماعتهم والعن ائمتهم واقتل قادتهم وسادتهم والعن رؤسائهم وكبرائهم واكسر رايتهم وكبرائهم

والق البأس بينهم ولا تبق منهم ديارا اللهم العن ابا جهل والوليد لعنا يتلو بعضه بعضا

ويتبع بعضه بعضا اللهم العنهما لعنا يلعنهما به كل ملك مقرب وكل نبي مرسل وكل

مؤمن امتحنت قلبه للايمان اللهم العنهما لعنا يتعوذ منه اهل النار ومن عذابهما اللهم

العنهما لعنا لم يخطر لاحد ببال اللهم العنهما في مستسر سرك وظاهر علانيتك وعذبهما

عذابا في التقدير وفوق التقدير وشارك معهما ابنتيهما واشياعهما ومحبيهما ومن

شايعهما انك سميع الدعاء **مؤلف گويد** كه اين دعا نيز مانند دعاي سابق مشتمل بر لعن قاتلين

ائمه عليهم السلام است و باين جهت خواندن در اين شب انسب از ساير اوقات **ششم** در حاشيه

كتاب مذكور گفته كه ابن بابويه رضوان الله عليه در كتاب غيبت از عبد الله بن سنان روايت كرده

كه حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمود كه زود باشد كه شما مبتلا شويد بشبهه پس بمانيد

كه ظاهر باشد و امام رهنمائي كه شما را هدايت نمايد و در آن زمان نجات نيابد مگر كسي كه دعاي غريق

بخواند عرض كردم كه دعاي غريق كدام است فرمود كه ميگوئي يا الله يا رحمن يا رحيم يا مقلب القلوب

ثبت قلبي على دينك عرض كردم يا مقلب القلوب والابصار فرمود كه حق تعالى مقلب القلوب والابصار

ولكن چنان بخوان كه من گفتم وايضا در حاشيه كتاب مذكور گفته كه سيد ابن طاوس قدس الله

روحه در مهج الدعوات گفته كه در خواب ديدم كسي را كه بمن تعليم نمود دعائي را كه در زمان غيبت امام

عليه السلام خوانده شود يا من فضل ابرهيم وآل اسرائيل على العالمين واظهر في ملكوت السموات باخليلك

غيبته

والارض عزة اقتدارة واودع محمدا صلى الله عليه وآله واهل بيته غرائب اسراره صل على عزة واقتداره

محمد وآله واجعلني من اعوان حجتك على عبادك وانصاره **مؤلف گويد** كه اين دو دعا نيز

مانند دعاي سابق چون مشتمل بر طلب ظهور آنحضرت وادراك سعادت خدمت اوست خواندن آنها

در اين شب انسب از ساير اوقات و بدانكه زيارت آنحضرت در اين شب اگرچه مخصوص وارد نشده است

لكن چون زيارت ائمه عليهم السلام در اوقات مخصوصه بايشان فضيلت وارد پس اگر كسي در شب من واي

باشد بهتر اين است كه مقدس بزيارت منقوله مبسوطه كه در كتب زيارات مذكور است زيارت نمايد

و اگر در سامره نباشد با دعيه مذكوره كه بعضي از آنها را علما از جمله زيارات بعيده آنحضرت نقل

نموده اند مانند دعاي دوم و سيم اكتفا نمايد و اگر بر بام خانه خود برآيد و دو ركعت نماز كند و بر آنحضرت

سلام كند بهر لفظي كه خود انشا نمايد احسن و افضل است والله تعالى هو الموفق **قسم دوم** در اعمالي

كه مخصوص كربلاي معلي است و آنها چند چيز است **اول** زيارت حضرت امام حسين صلوات الله

وسلامه عليه شيخ بزرگوار عالم مقدار محمد بن يعقوب كليني و ابن بابويه و شيخ مفيد و شيخ طوسي قدس الله

اسرارهم از حضرت صادق صلوات الله وسلامه عليه روايت كرده اند كه چون شب نيمه شعبان شود

منادي از افق اعلى ندا كند كه اي زيارت كنندگان حسين عليه السلام برگرديد كه گناهان شما آمرزيده

و ثواب شما بر پروردگار شما و پيغمبر شما است و سيد ابن طاوس بسند معتبر از آن حضرت روايت كرده است

كه چون روز اول ماه شعبان داخل شود منادي از زير عرش ندا كند كه اي گروه مهمانان حسين خالي

شب نيمه اين ماه را از زيارت آنحضرت و اگر بدانيد كه چه قدر ثواب در آن هست هر آينه از بسياري

انتظار سال بر شما دير بگذرد تا شب نيمه شعبان در آيد وايضا سيد از ابو حمزه ثمالي روايت كرده است

كه گفت شنيدم از حضرت امام زين العابدين عليه السلام كه فرمود هر كه خواهد كه مصافحه كنند با او

صد و بيست و چهار هزار پيغمبر پس بايد كه زيارت كند قبر حضرت امام حسين عليه السلام را در شب نيمه شعبان بدرستي كه

ملائكه و پيغمبران عليهم السلام رخصت مي طلبند در زيارت آنحضرت و رخصت مي يابند پس خوشا

حال كسي كه مصافحه كند با ايشان و ايشان با او مصافحه كنند و از جمله اين پيغمبران پنج نفر اولي العزم اند

كه آنها حضرت نوح و ابرهيم و موسي و عيسي و محمد صلى الله عليه وآله و عليهم اجمعين اند ابو حمزه گويد

كه پرسيدم چرا ايشان را اولي العزم مي نامند فرمود بجهت آنكه ايشان بمشرق و مغرب و جن و انس

مبعوث گرديده اند وايضا سيد از يونس ابن يعقوب روايت كرده است كه حضرت صادق عليه السلام

باو فرمود كه اي يونس در شب نيمه شعبان آمرزيده ميشود گناهان گذشته هر كه زيارت كند حضرت

امام حسین علیه السلام از مؤمنین وبایشان می گویند که عمل را از سر گیرید یونس گوید که گفتم این همه ثواب
برای کسی است که آنحضرت را در نیمهٔ شعبان زیارت کند فرمود که ای یونس اگر خبر دهم مردم را بثواب
زیارت آنحضرت در این شب هر اینه بسیاری از مردم را بر دار خواهند کشید **مؤلف گوید** که سید
ابن طاووس گفته که ظاهر مراد آنحضرت آنست که مردم را بر دار خواهند کشید از جهت آنکه فضیلت زیارت
آنحضرت را بسیار روایت خواهند نمود واظهار آنست که مردم چون رغبت زیاد خواهند نمود در زیارت
آنحضرت باین جهت ایشانرا بر دار خواهند کشید وبعضی گفته اند که مراد آنست که از راه زیادتی
ثواب این زیارت مردم بر چوب سوار خواهند شد وبزیارت خواهند رفت اگر چه دار باشد استر با
واین وجه بعید است ووجوه بعیدهٔ دیگر نیز بعضی گفته اند والله تعالی یعلم وایضا سید از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که پرسیدند از آنحضرت از ثواب زیارت حضرت امام حسین
صلوات الله علیه در نیمهٔ شعبان حضرت فرمود که هر که زیارت کند آنحضرت را در نیمهٔ شعبان از برای
رضای حق تعالی وبقا بهای خدا نزد برای مردم حق تعالی گناهانش را بیامرزد هر چند بعدد موی
بزهای قبیلهٔ کلب باشد راوی تعجب کردم که همه گناهانش آمرزیده شود فرمود که ای ابن ثواب را برای
زیارت کنندهٔ حسین علیه السلام بسیار میدانی چگونه خدا او را نیامرزد واو بمنزلهٔ کسی است که خدا را
در عرش زیارت کرده باشد وبروایت دیگر خدا می آمرزد برای زیارت کنندهٔ حسین علیه السلام
در نیمهٔ شعبان گناهان گذشته وآیندهٔ او را وابن بابویه رحمه الله در کتاب امالی از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که زیارت کند قبر حسین بن علی علیهما السلام را در یکی از سه شب
حق تعالی گناه گذشته وآیندهٔ او را بیامرزد راوی گوید که عرض کردم که آن سه شب کدام است
فرمود شب عید رمضان وشب عید قربان وشب نیمهٔ شعبان **وبدانکه** اگر در یکسال در این سه شب و
عید رمضان وشب عرفه کسی بزیارت آنحضرت فایز شود ثواب عظیم دارد چنانچه ابن بابویه رضوان الله علیه
در امالی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود که هر که زیارت کند
حسین بن علی علیهما السلام را در شب نیمهٔ شعبان وشب عید رمضان وشب عرفه در یکسال حق تعالی
برای او ثواب هزار حج مبرور وهزار عمرهٔ مقبول بنویسد وهزار حاجت از حوائج دنیا وآخرت
او را برآورد واگر در دو سال متوالی کسی بزیارت آنحضرت مشرف شود نیز ثواب عظیم دارد واگر
سه سال متوالی این نعمت عظمی میسر شود ثوابش اعظم است چنانچه در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست که زیارت کنندهٔ حسین علیه السلام در نصف شعبان

گناهانش آمرزیده شود ودر حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که سه سال
متوالی در نصف شعبان آنحضرت را زیارت کند گناهانش آمرزیده میشود البته واز بعضی
روایات ظاهر میشود که زیارت آنحضرت در نیمهٔ رجب ونیمهٔ شعبان افضل از سایر اوقات است
چنانچه سید ابن طاووس وغیر او باسندهای صحیح وغیر صحیح از ابن ابی نصر روایت کرده اند که گفت
عرض کردم بخدمت حضرت امام رضا صلوات الله علیه که کدام وقت افضلست که ما زیارت
کنیم در آن حضرت امام حسین علیه السلام را فرمود که در نصف رجب ونصف شعبان **وبدانکه** بعضی
از روایات که بلفظ نصف واقع شده احتمال شب نیمه وروز نیمه را هر دو دارد وبعضی تصریحات کرده
روز وشب هر دو زیارت کرده شود **ما گفته** زیارت آنحضرت پس در هر نیمه اول در اعمال
روز اول رجب سابق ذکر یافت که شیخ مفید وسید ابن طاووس قدس الله روحهما زیارتی مخصوص
برای اول رجب ونیمهٔ شعبان ذکر کرده اند وجد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه گفته
که ظاهر حال آنست که زیارات مذکوره مخصوص این دو وقت نباشد ولهذا در کتاب تحفة الزائر
هیچیک از آنها را ذکر ننموده ولیکن چون ظاهر عبارات شیخ مفید وسید آنست که این زیارات در این
اوقات وارد شده باشد متابعت ایشان اولی است پس تصریحات که زایر باین زیارات زیارت
نماید وچون در هر نیمه اول مذکور شده در این مقام ایراد ننمودیم **وبدانکه** کفعمی علیه الرحمه در جنة
الامان وبلد الامین گفته که در زیارت شب نیمهٔ شعبان وروز آن بعد از آنکه غسل کرده باشی
واستیذان نموده باشی وصد مرتبه الله اکبر گفته باشی اینجا زیارت که از حضرت صادق صلوات الله
علیه منقولست الْحَمْدُ لِلّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّكِيُّ اُودِعُكَ
شَهَادَةً مِنِّي لَكَ تُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ فِي يَوْمِ شَفَاعَتِكَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ بَلْ بِرَجَاءِ
حَيَاتِكَ حَيِيَتْ قُلُوبُ شِيعَتِكَ وَبِضِيَاءِ نُورِكَ اهْتَدَى الطَّالِبُونَ اِلَيْكَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ
نُورُ اللّهِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ وَلَا يُطْفَأُ اَبَداً وَاَنَّكَ وَجْهُ اللّهِ الَّذِي لَمْ يَهْلِكْ وَلَا يُهْلَكُ اَبَداً
وَاَشْهَدُ اَنَّ هٰذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتُكَ وَهٰذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ وَهٰذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ بَدَنِكَ لَا ذَلِيلَ
وَاللّهِ مُعِزُّكَ وَلَا مَغْلُوبَ وَاللّهِ نَاصِرُكَ هٰذِهِ شَهَادَةٌ لِي عِنْدَكَ اِلَى يَوْمِ قَبْضِ رُوحِي
بِحَضْرَتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس این زیارت را بخوان که از حضرت
امام علی نقی علیه السلام منقولست اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
حُجَّةَ اللّهِ فِي اَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

يا بن علي المرتضى السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء اشهد انك اقمت الصلوة واتيت الزكوة
وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله حتى اتاك اليقين فصلى الله
عليك حيا وميتا پس طرف راست روی خود را بر قبر بگذارد و بگوید اشهد انك على بينة من
ربك جئتك مقرا بالذنوب لتشفع لي عند ربك يا بن رسول الله پس براى ائمه عليهم السلام
يك يك سلام بكن و بگويد اشهد انكم حجة الله فاكتب لي يا مولاي عندك ميثاقا وعهدا
اني اتيتك اجدد الميثاق فاشهد لي عند ربك انك انت الشاهد پس بعد از اين اعمال زيارت
آنحضرت را بزيارتي كه در اول رجب گذشت پس بعد از آن زيارت كن علي بن الحسين عليهما السلم
و شهدا و عباس را بزيارتي كه براي ايشان در روز عرفه وارد شده و ما در آن مقام ايراد خواهيم نمود
پس نزد سر مبارك حضرت امام حسين عليه السلم دو ركعت نماز بكن و بعد از نماز بگو آنچه را در زيارت
عاشورا بعد از نماز زيارت بايد خواند و در محل خود مذكور خواهد شد اين است عبارت كفعمي و
ظاهر آن است كه اين اعمال زايده را كه در اين وقت نقل نموده از اعمال المطلقه باشد و خصوصيت
بنيمه شعبان نداشته باشد و چون نقل كفعمي متضمن نقل سيد و شيخ مفيد نيز هست اگر بآن عمل
شود متابعت همگی شده خواهد بود وبالجمله همه اين زيارات نسبت بقربيات و در بلاد بعيده
بزيارت بعيد آنحضرت كه سابق مذكور شد يا باين زيارات بعيده از اين زيارت غايبه والله تعالى هو
الموفق دوم سيد ابن طاوس عليه الرحمه در اقبال از محمد بن علي طرازي نقل كرده است كه او از
خط محمد بن هرون نقل كرده است كه از نماز شب نيمه شعبان نزد قبر سيد ما ابي عبد الله الحسين عليه السلم
چهار ركعت است كه در هر ركعت پنجاه مرتبه فاتحة الكتاب و پنجاه مرتبه قل هو الله احد بخواند
و هر ركعت الحمد و قل هو الله را در ركوع ده مرتبه و بعد از سر برداشتن از ركوع ده مرتبه و در هر
از سجدها ده مرتبه بخواند همچنانكه در نماز جعفر و بعد از نماز اين دعا بخواند انت الله الذي
استجبت لادم وحوا حين قالا ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن من
الخاسرين وناداك نوح فاستجبت له ونجيته واهله من الكرب العظيم واطفأت نار نمرود
عن خليلك ابرهيم فجعلتها بردا وسلاما عليه وانت الذي استجبت لايوب حين ناداك
اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فكشفت ما به من ضر واتيته اهله ومثلهم
معهم رحمة من عندك وذكرى لاولي الالباب وانت الذي استجبت لذي النون حين

ناداك

ناداك في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فنجيته من الغم وانت
الذي استجبت لموسى وهرون دعوتهما حين قلت قد اجيبت دعوتكما واغرقت فرعون
وقومه وغفرت لداود ذنبه وتبهت قلبه وارضيت خصمه منك وانت الذي
فديت الذبيح بذبح عظيم حين اسلما وتله للجبين فناديته بالفرج والروح وانت الذي
ناداك زكريا نداء خفيا قال رب اني وهن العظم مني واشتعل الرأس شيبا ولم اكن
بدعائك رب شقيا وقلت يدعوننا رغبا ورهبا وكانوا لنا خاشعين وانت الذي
استجبت للذين امنوا وعملوا الصالحات لتزيدهم من فضلك رب فلا تجعلني اهون الراغبين
اليك واستجب لي كما استجبت لهم بحقهم عليك طهرني وتقبل صلواتي وحسناتي
وطيب بقية حيوتي وطيب وفاتي واخلفني فيمن اخلف واحفظهم رب بدعائي
واجعل ذريتي ذرية طيبة تحوطها بحياطتك من كل ما حطت منه ذرية
اوليائك بحولك يا رحيم يا من هو على كل شيء قدير وعلى كل شيء رقيب
ومن كل سائل قريب ولكل داع من خلقه مجيب انت الله لا اله الا انت الحي
القيوم الاحد الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد علمك القدرة
التي علوت بها فوق عرشك ورفعت بها سمواتك وارسيت بها جبالك و
فرشت بها ارضك واجريت بها الانهار وسخرت بها السحاب والشمس والقمر
والليل والنهار وخلقت بها الخلائق اسألك بعظمة وجهك الكريم الذي
اشرقت به السموات واضاءت به الظلمات ان تصلي على محمد وال محمد
وان تكفيني امر من يعاديني وامر معادي ومعاشي واصلح يا رب شأني ولا
تكلني الى نفسي طرفة عين واصلح امر ولدي وعيالي واغنني واياهم من خزائنك
وسعة رزقك وفضلك وارزقني الفقه في دينك وانفعني وانفعهم به
من ارتضيت من عبادك واجعلني للمتقين اماما كما جعلت ابرهيم فان بتوفيقك
يفوز المتقون ويتوب التائبون ويعبدك العابدون وبتسديدك وارشادك

تبت عليه رحمة ل

العفة د

نجا الصالحون من النار اللهم آت نفسي تقواها وانت وليها ومولاها وانت خير
من زكّيها اللهم بيّن لها رشادها وتقويها ونزّلها من الجنان اعلاها وطيّب وفاتها
ومحياها واكرم منقلبها ومثواها ومستقرّها ومأواها انت ربّها ومولاها اللهم
اسمع واستجب برحمتك ومنزلة محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين
ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي و
علي بن محمد والحسن بن علي والحجة بن الحسن القائم صلوات الله عليه وعليهم عندك
وبمنزلتهم لديك يا ارحم الراحمين مؤلف گويد كه ظاهر عبارت حديث آنست كه اين نماز
در اصل روضهٔ مطهره كرده شود نه غير روضه از ساير مواضع كربلاي معلى والله تعالى يعلم
سيم ابن قولويه بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه هر كه در شب
نيمهٔ شعبان از اول تا آخر شب در زمين كربلا باشد وهزار مرتبه قل هو الله احد بخواند
وهزار مرتبه استغفار كند وهزار مرتبه الحمد لله بگويد پس برخيزد وچهار ركعت نماز
بگذارد هر دو ركعت بيك سلام ودر هر ركعتي بعد از حمد هزار مرتبه آية الكرسي بخواند
حق تعالى موكل كرداند با او دو ملك را كه حفظ نمايند او را از هر بدي واز هر شيطان
وسلطاني وحسنات او را براي او بنويسند وگناهي براي او ننويسند وتا با او باشند
از براي او استغفار نمايند مؤلف گويد كه ظاهر عبارت اين حديث آنست كه هر كه در اصل
بلدهٔ طيبهٔ كربلاي معلى باشد تواند اين عمل را بجا آورد ولازم نباشد كه در اصل روضهٔ
مطهره واقع شود وليكن چون روضهٔ منوره اشرف بقاع روي زمين است بهتر آنست كه در
روضه واقع شود والله تعالى هو الموفق روز پانزدهم روزهٔ اين روز بخصوص فضيلت دارد
سيد ابن طاوس طاب ثراه در اقبال از حضرت امير المؤمنين عليه السلام روايت كرده است
كه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود كه چون شب نيمهٔ شعبان شود شب را بپا داريد بعبادت
ودر روزش را روزه بداريد بدرستي كه از اول تا آخر اين شب از جانب حق تعالى ندا ميرسد
كه آيا استغفار كننده هست كه بيامرزم او را آيا طلب كنندهٔ روزي هست كه روزي او را
فراخ گردانم واز اعمال مخصوصهٔ اين روز بغير زيارت حضرت امام حسين عليه السلام
بتفصيلي كه گذشت چيزي بنظر نرسيد شب شانزدهم سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب
مذكور از رسول خدا صلى الله عليه وآله روايت كرده كه هر كه در اين شب دو ركعت نماز بكند

درهم

در هر ركعتي حمد يكمرتبه وآية الكرسي يكمرتبه وسورهٔ قل هو الله احد پانزده مرتبه بدرستي كه حق تعالى
بمن فرمود كه من عطا كردم باو مثل انچه بتو عطا كردم ثم در عوض پيغمبري تو و بنا ميشود براي او
هزار قصر در بهشت مؤلف گويد كه شايد مراد از مثل انچه به پيغمبر عطا فرموده است در عوض
پيغمبري چيزي باشد كه في الجمله شباهتي بان داشته باشد واز ان عالم باشد والله تعالى يعلم
شب هفدهم سيد در كتاب مذكور از حضرت رسالت صلى الله عليه وآله روايت نموده است
كه هر كه در اين شب دو ركعت نماز بكند ودر هر ركعتي حمد يكمرتبه وسورهٔ قل هو الله احد
هفتاد ويكمرتبه بخواند وچون فارغ شود هفتاد مرتبه استغفار نمايد بر نخيزد از جاي خود
تا حق تعالى او را بيامرزد وگناهي براو ننويسد مؤلف گويد كه كفعمي در جنة الامان سورهٔ
قل هو الله احد را هفتاد مرتبه نقل نموده است وظاهر آنست كه سيد در نقل سهو نموده باشد
ليكن متابعت روايت سيد احوط است والله تعالى يعلم شب هيجدهم سيد در كتاب مذكور از
حضرت رسالت پناه صلى الله عليه وآله روايت نموده كه هر كه در اين شب ده ركعت نماز بكند
هر دو ركعت بيك سلام ودر هر ركعتي حمد يكنوبت وسورهٔ قل هو الله احد پنج نوبت بخواند
حق تعالى بر آورد هر حاجتي را كه در اين شب طلبد واگر شقي باشد او را سعيد گرداند
واگر بميرد در اين سال بمرتبهٔ شهيد مرده باشد مؤلف گويد كه كفعمي در جنة الامان سورهٔ قل هو الله
را پنجاه مرتبه نقل نموده است وظاهر سهو نموده باشد والله تعالى يعلم شب نوزدهم سيد در كتاب
مذكور از رسول خدا صلى الله عليه وآله روايت نموده كه هر كه در اين شب دو ركعت نماز بكند ودر
هر ركعتي حمد يكمرتبه واين قل اللهم مالك الملك را تا آخر يكمرتبه بخواند حق تعالى گناهان
كه نوشته است او را بيامرزد وقبول فرمايد هر نمازي را كه بعد از اين بكند واگر پدر ومادر او
در آتش باشند ايشانرا از آتش بيرون آورد مؤلف گويد كه ابتداي اين آيات قل اللهم
مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء و
تذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج
النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء
بغير حساب شب بيستم سيد در كتاب مذكور از حضرت رسالت صلى الله عليه وآله
روايت كرده است كه هر كه در اين شب چهار ركعت نماز بكند هر دو ركعت بيك سلام ودر هر
ركعت حمد يكنوبت وسورهٔ اذا جاء نصر الله پانزده نوبت بخواند پس قسم بخدا او نديكه مرا

بحق و براستی مبعوث گردانیده است که از دنیا بیرون نرود تا آنکه در خواب پیغمبر خود را در بهشت ببیند
و جای خود را با نیکوکاران محشور گردد و سید جلیل نبیل میر محمد باقر داماد رحمه الله تعالی در بعضی از
مؤلفات خود گفته که اگر کسی خواهد که خوف و خشیت الهی در دل او بهم رسد و ایمن از جحیم او باید در شب
بیستم ماه شعبان تا آخر ماه مبارک رمضان که چهل شب باشد هر شب وقت سحر بعد از نماز شب در وتر
شعبان و بعد از دعای سحر در ماه مبارک رمضان قبل از طلوع فجر صد نوبت بگوید یا الله یا رب یا باری
و صد نوبت یا مخشی البطش و العقاب یا مطلع الفضل و الرحمة بگوید **مؤلف گوید** که این
معنی در روایتی و حدیثی بنظر نرسیده والله تعالی یعلم **شب بیست و یکم** سید در کتاب مذکور از
رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب هشت رکعت نماز بگذارد در هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعتی حمد یک نوبت و هر یک از سوره قل هو الله احد و معوذتین را یک نوبت بخواند
حق تعالی بعدد ستارهای آسمان برای او حسنات بنویسد و بهمین عدد درجات او را
بلند گرداند و بهمین عدد سیئات را از او محو فرماید **شب بیست و دوم** سید در کتاب مذکور
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند در هر
رکعتی حمد یکمرتبه و سوره قل یا ایها الکافرون یکمرتبه و قل هو الله احد پانزده مرتبه بنویسد
حق تعالی نام او را در جمله نامهای صدیقان و محشور شود در قیامت در زمره مرسلین و در
حفظ و پناه حق تعالی باشد **مؤلف گوید** که کفعمی در جنة الامان سوره قل یا ایها الکافرون را
دو مرتبه نقل نموده و ظاهرا سهو نموده است والله یعلم **شب بیست و سیم** سید در کتاب مذکور
از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب سی رکعت نماز بکند هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره اذا زلزلت یکمرتبه بخواند حق تعالی غل و غش را
از دل او دور گرداند و از کرده های باشد که حق تعالی سینه ایشان را برای اسلام شکافته باشد
و مبعوث گرداند او را و حال آنکه روی او مانند ماه شب چهارده باشد **مؤلف گوید** که کفعمی
جنة الامان اکتفا بذکر سی رکعت نموده و سوره مخصوصی نقل نکرده و ظاهرا از قلم نساخ ساقط
شده است و عمل بروایت سید مستلزم عمل بروایت کفعمی نیز هست والله یعلم **شب بیست و چهارم** سید
در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند
در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره اذا جاء نصر الله ده نوبت حق تعالی او را گرامی دارد و آزادی
از آتش جهنم و نجات از عذاب [illegible] و عذاب قبر و آسانی حساب و زیارت آدم و نوح علیهما السلام

و سایر پیغمبران علیهم السلام و شفاعت در روز قیامت او را روزی شود **شب بیست و پنجم** سید در کتاب مذکور
از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام
در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره الهیکم التکاثر یکمرتبه حق تعالی عطا فرماید باو ثواب امر کنندگان
بمعروف و نهی کنندگان از منکر را و ثواب هفتاد پیغمبر **شب بیست و ششم** سید در کتاب مذکور از
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام
در هر رکعتی حمد یکمرتبه و آمن الرسول تا آخر سوره ده مرتبه حق تعالی عافیت از آفات دنیا و آخرت را
باو کرامت فرماید و در روز قیامت شش نور باو کرامت فرماید **روز بیست و ششم** جد علامه ام مولانا محمد
باقر مجلسی قدس الله روحه در کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در بعضی از کتب از حضرت امام حسن عسکری
علیه السلام روایت شده که روز بیست و ششم ماه شعبان روز نحسی است و مرتکب شدن اعمال دنیوی
در آن روز نیکو نیست مگر خلوت گزیدن از خلق و عبادت نمودن خالق و روزه داشتن **شب بیست و**
هفتم سید در کتاب مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در این شب دو رکعت
نماز بکند در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره سبح اسم ربک الاعلی ده مرتبه بنویسد حق تعالی برای او هزار
هزار حسنه و محو فرماید از او هزار هزار سیئه و رفیع گرداند برای او هزار هزار درجه و بر سر او تاجی
از نور بگذارد **شب بیست و هشتم** سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت
کرده که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند بیک سلام در هر رکعتی حمد یکمرتبه و هر یک از سوره قل
هو الله احد و معوذتین یکمرتبه مبعوث گرداند حق تعالی او را از قبر و حال آنکه روی او مانند
ماه شب چهارده باشد و دفع کند از او اهوال روز قیامت را **روز بیست و نهم** روزه این روز
و دو روز بعد از این که سه روز آخر ماه باشد مخصوص فضیلت عظیم دارد ابن بابویه رضی الله عنه از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود که هر که سه روز آخر شعبان را روزه دارد و وصل نماید آنرا
بماه رمضان حق تعالی ثواب روزه دو ماه پی در پی را برای او بنویسد **مؤلف گوید** که سید
گفته است که ظاهرا گرفتن این سه روز نسبت بکسی است که تمام ماه را روزه نداشته باشد و آنچه در
احادیث دیگر وارد شده از نهی از وصل نمودن ماه شعبان بماه رمضان و امر بفصل بیک روز یا دو روز
نسبت بکسی است که تمام ماه را روزه داشته باشد و در بیان سر این معنی گفته که کسی که تمام ماه را روزه
نداشته باشد هرگاه سه روز آخر را روزه بدارد قدری از لوث گناهان پاک میشود و مستعد و قابل
دخول ماه رمضان میگردد و کسی که تمام ماه را روزه داشته باشد باطن خود را قدری صفا داده

ومستعد وقابل شده لهذا الصلح است که گویند از دو روز افزون افطار نماید تا او را برای روزه ماه
مبارك رمضان قوت بهم رسد وتحقیق این مقام ووجه جمع این روایت با روایات داله بر فضیلت
روزه تمام این ماه بتفصیل در باب اول سبق ذکر یافت **شب بیست ونهم** سید در اقبال از حضرت
رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت نماز بکند در هر دو رکعت بیک سلام
در هر رکعتی حمد یکمرتبه وسوره الهیکم التکاثر ومعوذتین وقل هو الله احد هر یك ده نوبت حق تعالی
با او ثواب مجتهدین را عطا فرماید ومیزان عمل او سنگین شود وحساب بر او آسان کرده شود وبگذرد بر
صراط مانند برق جهنده **مؤلف گوید** که کفعمی در جنة الامان سوره قل هو الله احد را مقدم بر معوذتین
نقل نموده است وبهر تقدیر که عمل شود شاید نیکو باشد والله یعلم **شب سیم** اعمال این شب دو چیز است
اول سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که در این شب ده رکعت
نماز بکند در هر رکعتی حمد یکمرتبه وسوره سبح اسم ربك الاعلی ده مرتبه وچون فارغ شود صد مرتبه صلوات
بر محمد وآل محمد صلی الله علیهم اجمعین بفرستد عطا کرده شود باو هزار شهر در جنة المأوی وهزار شهر
در جنة النعیم واگر جمع شوند خلایق بر احصای ثواب آن هر آینه عاجز شوند **دوم** شیخ طوسی وسید ابن
طاوس قدس الله روحهما از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند که آنحضرت در
شب آخر شعبان وشب اول ماه رمضان این دعا را میخواند اللّهم انّ هذا الشهر المبارك الذی انزلت
فیه القرآن وجعلته هدی للناس وبیّنات من الهدی والفرقان فقد حضر فسلّمنا فیه وسلّمه
لنا وتسلّمه منّا فی یسر منك وعافیة یا من اخذ القلیل وشکره وستر الکثیر وغفره
اغفر لی الکثیر من معصیتك واقبل منّی الیسیر من طاعتك اللّهم انّی اسئلك ان تجعل
لی الی کلّ خیر سبیلا ومن کلّ ما لا تحبّ مانعا یا ارحم الراحمین یا من عفی عنّی وعمّا خلوت
به من السیّئات یا من لا یؤاخذنی بارتکاب المعاصی عفوك عفوك یا کریم الهی
وعظتنی فلم اتّعظ وزجرتنی عن المعاصی فلم انزجر فما عذری فاعف عنّی یا کریم عفوك عفوك
اللّهم انّی اسئلك الراحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم الذنب من عبدك
فلیحسن العفو من عندك یا اهل التقوی ویا اهل المغفرة عفوك عفوك اللّهم انّی عبدك
وابن عبدك وابن امتك ضعیف فقیر الی رحمتك وانت منزل الغنی والبرکة
علی العباد قاهر قادر مقتدر احصیت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة
السنتهم والوانهم خلقا من بعد خلق لا یعلم العباد علمك ولا یقدر العباد قدرك وکلّنا فقراء الی

رحمتك فلا تصرف وجهك عنّی واجعلنی من صالحی خلقك فی العمل والامل والقضاء
والقدر اللّهم ابقنی خیر البقاء وافننی خیر الفناء علی موالاة اولیائك ومعاداة اعدائك
والرغبة الیك والرهبة منك والخشوع والوفاء والتسلیم لك والتصدیق بکتابك واتّباع
سنّة رسولك صلواتك علیه وآله اللّهم ما کان فی قلبی من شكّ او ریبة او جحود او قنوط
او فرح او مرح او بذخ او بطر او فخر او خیلاء او ریاء او سمعة او شقاق او نفاق او کبر
او فسوق او عصیان او عظمة او شیء لا تحبّ فاسئلك یا ربّ ان تبدّلنی مکانه ایمانا
بوعدك ووفاء بعهدك ورضی بقضائك وزهدا فی الدنیا ورغبة فیما عندك واثرة
وطمأنینة وتوبة نصوحا اسئلك ذلك یا ربّ بمنّك ورحمتك یا ارحم الراحمین ویا ربّ العالمین
الهی انت من حلمك تعصی فکانّك لم تر ومن کرمك وجودك تطاع فکانّك لم تعص وانا ومن
لم یعصك سکّان ارضك فکن علینا بالفضل جوادا وبالخیر عوّادا یا ارحم الراحمین وصلّ علی
محمّد وآله صلوة دائمة لا تحصی ولا تعدّ ولا یقدر قدرها غیرك یا ارحم الراحمین **مؤلف گوید**
که احوط آنست که این دعا در شب بیست ونهم نیز خوانده شود چون ممکن است که ماه ناقص باشد وآن
شب آخر ماه باشد **روز سیم** این روز چون از جمله سه روز آخر ماه است روزه آن فضیلت
عظیم وارد ومخصوص این روز نیز ثواب عظیم وارد ومخصوص این روز نیز ثواب عظیم وارد شده
چنانچه ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب امالی وثواب الاعمال از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله
روایت کرده است که هر که روز سیم ماه شعبان را روزه بدارد جبرئیل علیه السلام از پیش عرش
او را ندا کند که عمل را از سر گیر که گناهان گذشته ات همه آمرزیده شد وخداوند جلیل میفرماید
که اگر گناهان تو بعدد ستارههای آسمان وقطرههای باران وبرگ درختان وریگ روان وذرّات
خاك وعدد روزهای دنیا باشد که همه را بیامرزم اینها را واین بر خداوند عالمیان که شواهد نیست
بعد از آنکه ماه شعبان را روزه داشته باشی **تتمه** بدانکه شیخ بزرگوار عالیمقدار محمد بن بابویه
رحمه الله علیه در کتاب عیون اخبار الرضا بسند خود از عبد الله بن صالح روایت کرده که داخل شدم
بر حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام در جمعه آخر ماه شعبان پس آنحضرت فرمود که ای
ابا الصلت بدرستی که اکثر شعبان گذشته واین جمعه آخر آنست پس تدارك کن در بقیه این ماه تقصیر
که کرده در اول آن وتدارك کن آنچه گذشته است از این ماه وبر تو باد باقبال بعبادت ونیکو متوجه کارها

وبازی کند از طاعات و عبادات و بسیار بکن در بقیهٔ این ماه از دعا و استغفار و تلاوت قرآن
و توبه از همه گناهان تا آنکه داخل شود بر تو ماه رمضان در حالتی که خود را برای حق تعالی خالص
گردانیده باشی و باید که نباشد بر گردن تو امانتی مگر آنکه بصاحبش رد کرده باشی و نباشد در سینهٔ تو
کینهٔ از شخص مومنی مگر آنکه از سینهٔ خود بیرون کرده باشی و نباشد گناهی که از آن مرتکب بوده مگر آنکه
از آن استغفار نموده باشی و پرهیزکار باش ای ابا الصلت و توکل کن بر حق تعالی در امور پنهان و آشکار
خود زیرا که هر که بر خدا توکل کند پس بس است او را خدا بدرستی که حق تعالی امر خود را کامل و تمام
میگرداند و برای هر چیز قدری و اندازهٔ قرار داده و بسیار بگو ای ابا الصلت در بقیهٔ این ماه
اللّهمّ إن لم تکن غفرتَ لنا فیما مضی من شعبان فاغفر لنا فیما بقی منه بدرستی که حق تعالی
در این ماه بسیاری را از آتش جهنم آزاد میکند برای حرمت ماه مبارک رمضان **مؤلف گوید** که از فحوای
این حدیث چنانچه بر متأمل خبیر پوشیده نیست مفهوم میشود که باید عادت در اکثر اوقات نصف
از ماه شعبان توان خواند که قبل از جمعه آخر بوده باشد وفقنا الله و سایر المومنین للاتیان بتلک
الاعمال بحرمة محمد و آله الطاهرین خیر ال **خزینهٔ سیم از کتاب خزائن الجواهر السلطانی در بیان**
فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان و این خزینه بچند باب مفتوح میشود **باب اول**
در بیان حقیقت روزه و شرایط آن و در آن دو مقصد است **مقصد اول** در بیان حقیقت صوم
بدانکه روزه عبارت است از باز داشتن خود را از چیزی چند که روزه را باطل میکند از صبح تا شام
از برای خدا و مراد از صبح صبح صادق است نه صبح کاذب باجماع علمای شیعه و حقیقت صبح صادق
و صبح کاذب آنست که اولا سفیدی از جانب مشرق ظاهر میشود که شبیه بدم گرگ و طولانی و
دراز است و این را صبح کاذب میگویند زیرا که در واقع هنوز صبح نشده است و او را ذنب السرحان
اندازند و بعد از اندک زمانی این سفیدی پهن میشود و عرض افق را فرو میگیرد و این را صبح صادق
میگویند و در این وقت صبح واقعی حقیقی شده است و در باب وقت شام میان علمای شیعه رضوان الله
تعالی علیهم خلاف است مشهور میان ایشان آنست که وقتی که سرخی آفتاب از جانب مشرق بالا رود
بسمت الراس و بجانب مغرب برسد شام شده است و بعضی از علما گفته اند که وقتی که قرص آفتاب
غروب کند شام شده است و غروب قرص باین معلوم میشود که شعاع آفتاب از کوهها و عمارات
مرتفعه زایل و برطرف شود و قول اول احوط است و چیزهائی که روزه را باطل میکند چند چیز است
اول داخل شدن چیزی در جوف و این بچهار نوع است **نوع اول** خوردن و آشامیدن

چیزی چند که حلال باشد و عادت بخوردن آنها شده باشد مانند نان و گوشت و میوهها و امثال
آن و آب و گلاب و سایر عرقها و امثال آن و در این باب در میان علما خلافی نیست که اینها روزه را
باطل میکند و بفعل آن عمدا قضا و کفاره واجب میشود و اگر سهوا باشد بر او چیزی نیست از قضا
و کفاره و روزه او باطل نمیشود و فرقی نیست میان روزه واجب و سنت و قضا و نذر و کفاره
و غیر اینها خواه یکمرتبه و خواه چند مرتبه خورده و آشامیده باشد پس اگر روزهٔ ماه رمضان یا
واجب معین باشد واجب است که او را اتمام کند بنا بر حدیثی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
از جناب امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است و نگوید که حال که خوردم باید بخورم بلکه بعد از این
چیزی نخورد بلکه لقمهٔ که در دهان اوست می باید که فرو نبرد که اگر عمدا فرو برد قضا و کفاره باید داد
و اگر فرو برد بگمان آنکه ضرر ندارد مشهور آنست که در این صورت قضا و کفاره باید داد و در قضا
و عذر نیت اگر بکند و در کفاره خلاف است و اگر واجب غیر معین باشد قبل از ظهر خلاف است
مشهور آنست که میتواند بخورد اگر در روز نیت کرده باشد و اگر در شب نیت کرده باشد احتیاط
که نخورد بنا بر حدیثی که از حضرت صادق علیه السلام مطلق روزه وارد شده است و ابن ابی عقیل
جایز نمیداند افطار قضای ماه رمضان را قبل از ظهر و ابو الصلاح در جمیع روزهای واجبی خواه
قضای ماه رمضان باشد و خواه غیر آن بعد از طلوع صبح افطار را حرام میداند و بعد از ظهر
موجب قضا و کفاره میداند و اگر روزهٔ سنت باشد بعد از ظهر در خوردن آن مخیر است و احوط
گرفتن است بنا بر حدیث مطلقی که از حضرت صادق در ماه رجب گذشت و اختلاف بسیار
از احادیث و اقوال علما در این مسئله وارد شده است که این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و چون در نظر
این فقیر تحقیقات انواع بود باین قدر اکتفا نمود والله تعالی العالم و این انواع فروع بسیار دارد که
تنبیه بر آنها ضرور است **اول** جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که
آن وقتی که خورده یا آشامیده صبح بوده است اگر ملاحظه کرده باشد و خورده باشد قضا واجب نیست
و اگر ملاحظه نکرده باشد بگمان اینکه شب باقی است و خورده باشد قضا واجب است و کفاره
واجب نیست موافق مشهور میان اصحاب و اگر دیگری خبر دهد که صبح نشده و چیزی بخورد
و در واقع صبح شده باشد در این صورت موافق مشهور قضا واجب است و کفاره لازم نیست
و بعضی از متاخرین گفته اند که اگر دو عادل خبر دهند قضا ساقط است و بعضی سقوط قضا را
بقول یک عادل نیز قوی دانسته اند و هرگاه معلوم شود که صبح طالع شده است و در دهان

او چيزي باشد واجب است كه بيندازد واگر فرو برد عمداً قضا وكفاره هر دو واجب است **دوم** انچه بعد از چيزي خوردن در ميان دندانها باقي مانده باشد اگر كسي از خلال يا بغير ان بيرون اورد وعمداً فرو برد قضا وكفاره هر دو واجب ميشود وبعضي بوجوب قضاي تنها قايل شده اند واگر خود بخود فرو رود وتقصير در ضبط ان كرده باشد بعضي قضا وكفاره را هر دو واجب دانسته اند **سيم** چشيدن مرق طعام ومضغ نمودن چيزي ونرم كردن بدندان بوضعي كه چيزي از ان فرو نرود اكثر علما جايز دانسته اند وشيخ طوسي عليه الرحمه چشيدن مرق طعام را نسبت بطباخي كه خوف فساد طعام داشته باشد ونرم كردن طعام را بدندان درباره زني كه براي طفلي كه تربيت مي نمايد از براي كسي كه دانه بخورد مرغي دهد وخوف هلاك ان داشته باشد اكثر علما تجويز نموده اند ودر غير اين دو صورت منع نموده اند وقول شيخ احوط است واگر بي اختيار بحلق فرو رود بعضي گفته اند كه مطلقا ضرر ندارد وبعضي گفته اند كه اگر غرض صحيحي در چشيدن ومضغ كردن داشته ضرر ندارد واگر بعبث چشيده يا مضغ كرده قضا واجب است نه كفاره وقول اخير احوط است خصوصاً اگر تقصير در ضبط ان كرده باشد **چهارم** خاييدن انگشتر وامثال ان كه چيزي از ان جدا نشود جايز است وخاييدن قندران ومصطكي وامثال ان اگر اب از ان فرو نبرد مكروه است واگر فرو برد بعضي حرام دانسته وبعضي موجب قضا دانسته اند واقوي نزد جمعي از محققين جواز است واحوط انست كه تا ضرورتي باشد بعمل نياورد ودر باب خاييدن هسته خرما مشهور كراهت واحوط ترك است چنانچه در روايتي وارد شده است **پنجم** مضمضه واستنشاق در حال روزه جايز است ومبالغه نمودن در انها مكروه است چنانچه از حضرت صادق عليه السلام منقولست كه از انحضرت سؤال نمودند از مضمضه واستنشاق براي روزه دار فرمود كه بلي جايز است اما باشرايطي چند وليكن مبالغه در انها ننمايد ودر روايتي وارد شده كه افضل براي صايم ترك مضمضه است وعلما باين حديث عمل ننموده اند زيرا كه در چند حديث استحباب ان وارد شده وكمال احتياط در انست كه در وضوي نماز واجب اكتفا بمضمضه واستنشاق خفيفي بكند ومبالغه ننمايد وبعد از مضمضه سه مرتبه اب دهان را بيندازد چنانچه در روايتي مذكور است يا يكمرتبه چنانچه در روايت ديگر مذكور است بيندازد ودر غير وضوي نماز واجب خواه نماز سنت يا بقصد تبريد يا غير ان اصلا مضمضه واستنشاق نكند واگر بكند مبالغه نكند ودر مضمضه سه مرتبه يا يكمرتبه اب دهان را بيندازد واگر بي اختيار در مضمضه اب بحلق او رود اقوي نزد جمعي از

محققين

محققين انست كه اگر مضمضه را براي وضوي نماز واجب كرده قضا بر او لازم نيست واگر براي نماز سنت بعضي قضا را واجب دانسته اند واگر عبث مضمضه كرده باشد جمعي قضا را واجب دانسته اند واحوط در دو صورت اخير قضا است **ششم** مشهور ميان فقها انست كه مسواك كردن بچوب خشك وتر در اول روز واخر روز جايز است ودر بعضي از روايات نهي از چوب تر وارد شده وجمعي از علما حمل بر كراهت نموده اند واحوط ترك است واگر اب دهان را بيندازد بدين نيت وبايد ملاحظه نمايد كه مسواك تر را كه از دهان بيرون اورده باز داخل دهان نكند كه اگر اب ان را فرو برد دغدغه قضا وكفاره جمع ميشود زيرا كه اب دهان چون از دهان بيرون امد خوردن ان حرام است موافق مشهور ميان فقها **نوع دوم** خوردن واشاميدن چيزي چند است كه حرام باشد مانند شراب انگور وامثال ان وفعل اينها عمداً موجب قضا وكفاره جمع است **نوع سيم** خوردن واشاميدن چيزهاي غير معتاد است مانند سنگ وچوب وگياههاي غير معتاد واب فشرده بعضي از اينها وامثال ان ودر اين باب خلافست مشهور ميان علما انست كه مبطل وموجب قضا وكفاره است وجمعي بعضي موجب قضاي تنها دانسته اند وبعضي گفته اند كه اصلا مبطل نيست وليكن باعث نقص روزه ميشود وقول مشهور اقوي واحوط است واين نوع نيز چند فرع دارد كه تنبيه بر انها ضرور است **اول** غبار غليظ بحلق ودر ان خلافست جمعي از اصحاب مفسد روزه وموجب قضا وكفاره ميدانند وجمعي موجب قضاي تنها ميدانند وظاهر كلام محقق عليه الرحمه در كتاب شرايع انست كه مطلق غبار خواه غليظ وخواه رقيق مفسد قضا است وجمعي از محققين اصلا مبطل نميدانند وقول اول احوط است ومشهور انست كه رفتن بحلق در ان غبار غليظ بوده باشد عمداً جايز است وبعضي موجب قضا دانسته اند واحوط ترك است **دوم** جمعي از متاخرين علما ملحق ساخته اند بغبار غليظ دود غليظ وبخار غليظ را كه اجزاء از ان منفصل شود مانند دود تنباكو وبخار ديك وامثال ان نه مثل دود عود وامثال ان كه رقيق باشد ودر اين مسئله نيز مناسب است در رسانيدن ان بحلق احوط قضا وكفاره است ودر دود [illegible] احوط ترك است وبا فعل احتياط در قضا است **سيم** بلغمي كه از سينه كنده ميشود يا از دماغ فرود ايد ودر ان سه قول است **قول اول** جايز است فرو بردن انچه از سينه بدهان ايد مادام كه از فضاي دهان بيرون نرفته باشد وحرام است فرو بردن انچه از دماغ فرود ايد هر چند باصل دهان نيز نرسيده باشد **قول دوم** حرام است فرو بردن هر دو اگر بدهان رسيده باشد وجايز است اگر باصل دهان نرسيده باشد **قول سيم** جايز است فرو بردن هر دو مادام كه از دهان منفصل نشده باشد وجمعي كه حكم بفساد كرده اند بعضي قضاي تنها وبعضي كفاره نيز واجب دانسته اند وبعضي بكفاره جمع قايل شده اند واحتياط انست كه بعد از انكه بفضاي دهان

امده باشد فرو نبرد **چهارم** فرو بردن اب دهان مادام که در دهان است ضرر ندارد و اگر از فضای دهان
جدا شود خوردن ان حرام و مفسد است بلکه دغدغه کفاره جمع میشود و هرگاه با زبان بیرون اید
و باندرون برد و فرو برد ظاهرا ضرر نداشته باشد و احوط ترکست و همچنین خوردن اب دهان
دیگری حرام و مفسد است و در روایتی جواز مکیدن شوهر زبان زن را و بر عکس وارد شده است
و علما حمل بصورت فرو نرفتن اب دهان نموده اند و در روایت دیگر جواز داخل شدن اب دهان
دختر کوچک در جوف دهن پدر در هنگام بوسیدن وارد شده و علما حمل بر حالت عدم
اختیار نموده اند و احوط ترکست **پنجم** اگر پشه و مگس و امثال ان بی اختیار و بدون تقصیر
بحلق رود ضرر ندارد و روزه اش صحیحست **نوع چهارم** داخل شدن چیزی در جوف از غیر راه
دهان و این نوع اقسام بسیار دارد **اول** چکانیدن دوا در گوش و بینی هرگاه بتعدی بحلق
نکند اقوی نزد جمعی از محققین کراهت و عدم افساد است و بعضی موجب قضا و کفاره
دانسته اند و احوط ترکست با عدم ضرورت و با وجود ضرورت و بتعدی بحلق احتیاط در قضاست
و در باب بوئیدن رایحه غلیظ اشهر میان علما و اقوی نزد جمعی از محققین انست که مفطر نیست
و بعضی گفته اند که بوئیدن رایحه غلیظی که بجوف دماغ رسد موجب قضا و کفاره است و احتیاط
ترکست و همچنان بوی خوشی که سائیده باشد و بدماغ بالا رود احتیاط در ترک انست چنانچه
در روایتی وارد شده است **دوم** بحلق کشیدن چیزی که طعمی داشته باشد که بحلق رسد یا
داخل ان باشد مشهور در این باب کراهتست بلکه قول بحرمت یا فساد بنظر نمیرسد و لیکن
در بعضی از روایات نهی از ان وارد شده بلکه نهی از مطلق سرمه کشیدن وارد شده است
باین جهت احتیاط در ترکست **سیم** هرگاه جراحتی در بدن باشد و دوا در ان بریزد و داخل
جوف شود اکثر قایل بعدم فساد شده اند و بعضی مفسد روزه دانسته اند و در اینجا نیز مانند
سابق احوط با عدم ضرورت ترکست و با وجود ضرورت قضاست **چهارم** حقنه و بعضی موجب قضا
و کفاره هر دو و بعضی موجب قضای تنها دانسته اند و بعضی گفته اند که حرامست و لیکن موجب
هیچیک نیست و بعضی حقنه مایع را موجب قضا و حقنه جامد را مانند شیاف مکروه دانسته اند
و بعضی مطلقا بکراهت قایل شده اند و اقوی نزد جمعی از محققین قول اخیر است و احوط در
این باب نیز ترکست با عدم ضرورت و با وجود ضرورت احتیاط در قضاست **پنجم** اگر دوا
بذکر بچکانند و داخل جوف شود اشهر و اقوی نزد جمعی از محققین عدم فساد صوم است

و بعضی قایل بفساد شده اند و احوط با عدم ضرورت ترک و با ضرورت قضاست **نوع دوم** از مبطلات
روزه وطی است بدانکه جماع در قبل زن مطلقا خواه انزال بشود و خواه نشود مبطل روزه است و فعل
ان موجب قضا و کفاره است باجماع اصحاب و همچنین جماع در دبر خواه مرد و خواه زن هرگاه
انزال شود مفسد و موجب قضا و کفاره است و اگر انزال نشود خلافست بعضی مبطل نمیدانند
و مشهور میان علما در این صورت نیز ابطال روزه و وجوب قضا و کفاره است و این قول نزد
جمعی از محققین اقوی است و رعایت ان احوطست و باین مسئله نیز بعضی از فروع متفرع
میشود **اول** جایز است جماع کردن از اول شب تا انقدر که چون از جماع فارغ شود و غسل کند
صبح نشده باشد و اگر گمانش این باشد که وقت وفا بجماع و غسل دارد و میکند و در واقع
انقدر بصبح نمانده باشد غسل میکند و روزه اش صحیح است اگر خود ملاحظه وقت کرده
باشد و اگر خود ملاحظه نکرده باشد و چون از جماع فارغ شود صبح شود احوط قضاست
و اگر گمان کند که شب باقیست و در واقع صبح شده باشد چنانچه تمام زمان جماع بعد از صبح باشد
موافق مشهور میان علما قضا واجبست و احتیاط نیز در اینست **دوم** اگر جماع برضا
و خواهش مرد و زن هر دو واقع شود بر هر دو کفاره واجبست و هر یک را ببیست و پنج تازیانه
نیز میزنند و اگر مرد زن را جبر نماید بر جماع کفاره زن را نیز مرد میدهد و پنجاه تازیانه بر مرد میزنند
موافق مشهور میان علما و احتیاط نیز در اینست و اگر زن اولا مجبور باشد و در اثنای
جماع راضی شود مرد دو کفاره و زن یک کفاره میدهد و اگر با زنی جبرا زنا کند یک کفاره
میدهد و احوط تعدد است و در جمیع صور اکراه روزه زن صحیح است مگر در صورتی که زن
در اثنای جماع راضی شود **سیم** اگر جاهل بمسئله باشد و مجامعت نماید اولی انست که قضا و
کفاره را هر دو بر نیت احتیاط بعمل اورد **چهارم** وطی کردن بهایم با انزال موجب قضا و کفاره است
باجماع علما و با عدم انزال خلافست بعضی موجب قضا و کفاره هر دو و بعضی موجب قضا
بتنهائی دانسته اند و قول اول احوطست **سیم** از مبطلات روزه استمناست یعنی طلب نزول
منی کردن بغیر طریق جماع با حصول ان و خلافی در این باب بنظر نمیرسد که این مفسد روزه
و موجب قضا و کفاره است و باین مسئله نیز بعضی از فروع متفرع میشود **اول** مشهور
میان علما انست که هرگاه ملاعبه و ملاعبه کند و قصد انزال نداشته باشد و انزال شود
قضا و کفاره لازم میشود و بعضی در این باب تامل نموده اند خصوصا وقتی که نسبت

بحلال خود باشد و عادت او انزال نباشد و اقوی نزد جمعی از محققین قضا و کفارات مطلقا
واین احوط است دوم در نظر کردن بزن حلال یا حرام یا پسران امرد یا صدای ایشان شنیدن
یا بخیال خود در آوردن هرگاه باعث آمدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد و یا بان معتاد
نباشد و انزال شود خلاف است بعضی قضا و کفاره هر دو لازم دانسته اند و اظهر نزد جمعی از محققین
عدم وجوب قضا و کفارات است و احوط رعایت قول اول است سیم اگر با زنی ملاعبه کند و مذی
بیاید در روایتی وارد شده که استغفار نماید و روزه را قضا کند و بعضی این حدیث را طرح کرده اند
و بعضی بر استحباب و بعضی بر تقیه حمل نموده اند و عمل بان چنانچه بعضی از متاخرین گفته اند چهارم
جمعی از علما اصل بوسیدن زنان و ملامسه و ملاعبه با ایشان را مطلقا مکروه دانسته اند و اظهر آنست
که کراهت مخصوص در صورتیست که انها محرک شهوت او و خوف وقوع در جماع باشد و کراهت
در باب جوانان باین جهت اشد است پنجم اگر در روز محتلم شود روزه اش باطل نمیشود و در روز
غسل میکند و بجهت استبرا بول میکند و اگر منی در مجرای بول بوده باشد و بسبب بول کردن دفع شود
بروزه ضرر ندارد و این را استمنا در عرف نمیگویند و اگر گویند دلیلی قایم نیست بر آنکه هر استمنائی
مفسد روزه است و اگر مشکل باشد و بول را تا شام تاخیر نماید شاید احوط باشد چنانچه از فاضل
جلیل مولانا احمد اردبیلی قدس الله روحه منقولست که در ماه مبارک رمضان هرگاه محتلم میشد
بول نکرده غسل مینموده و بعد از شام بول میکرده و غسل را احتیاطا اعاده میکرده است و این
نهایت احتیاط در این باب است ششم بعد از احتلام خواه در روز و خواه در شب مستحب است
که خواب نکند تا غسل کند چهارم از مبطلات باقی ماندن بر جنابت است تا صبح و اشهر میان
علما و اقوی نزد جمعی از محققین آنست که موجب قضا و کفاره است و بعضی قضا تنها واجب
دانسته اند و بعضی مبطل نمیدانند و قول اول احوط است و این مسئله بعضی از فروع دارد اول
خوابیدن بعد از جنابت جایز است اگر نیت غسل داشته باشد و احتمال بیدار شدن قبل از صبح در حق
خود دهد و اگر تا صبح بیدار نشود مشهور آنست که قضای آن روز بر او واجب نیست و بعضی واجب
دانسته اند و این احوط است و اگر بعد از جنابت بخوابد و نیت غسل نداشته باشد و تا صبح
خواب باشد موافق مشهور قضا و کفاره هر دو لازم میشود و جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی
رفع الله درجته در این باب تامل نموده و احوط رعایت مشهور است و اگر نیت غسل داشته باشد
و بعد از بیدار شدن از خواب اول مرتبه دویم باز بخواب رود و تا صبح بیدار نشود مشهور

وجوب قضا است بلکه خلاف در آن ظاهر نیست و اگر از خواب دوم بیدار شود و مرتبه سیم نیز بخوابد
تا صبح با نیت غسل جمعی قضا و کفاره را هر دو واجب دانسته اند و بعضی قضای تنها را و قول اول احوط است
دوم در باب خواب بعد از بیدار شدن از خوابی که در آن خواب احتلام واقع شده است خلاف است
جمعی در حکم خواب اول و بعضی از متاخرین در حکم خواب ثانی میدانند و احوط قول اخیر است سیم اگر
غسل میسر نشود احوط آنست که تیمم کند و تیمم را نشکند تا صبح طالع شود چهارم احوط آنست که اگر زن
حایض پاک شود پیش از صبح غسل کند و اگر نکند احوط آنست که بعد از صبح غسل کند و آن روز را روزه بگیرد
و قضا نیز بکند پنجم در روزه غیر ماه مبارک رمضان خلاف است که آیا باید صبح را پاک دریابد یا نه
و اقوی نزد جمعی از محققین اینست که در قضای ماه مبارک رمضان می باید صبح جنب نباشد و در غیر
قضا اگر صبح جنب باشد خواه عمدا و خواه بر جنابت باقی مانده باشد تا صبح با نذر نیز اگر آن روزه واجب معین نباشد
احوط آنست که آن روز را روزه ندارد و اگر واجب معین باشد و عمدا بر جنابت نموده باشد احوط آنست
که آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر عمدا بر جنابت باقی مانده باشد تا صبح بعضی از محققین
کفاره را در کار نمیدانند و اگر بعد احوط است و اگر روزه سنت باشد و عمدا بر جنابت باقی
بماند تا صبح و قبل از زوال غسل کند و نیت روزه بکند بزعم جمعی از محققین روزه اش صحیح است
پنجم از مبطلات روزه ارتماس است یعنی سر فرو بردن در آب و جمعی آن را موجب قضا و کفاره
و بعضی موجب قضای تنها میدانند و بعضی گفته اند حرام است و موجب هیچیک نیست و بعضی
مکروه دانسته اند و اظهر نزد جمعی از محققین حرمت است و قول اول احوط است و بر این مسئله
نیز بعضی از فروع متفرع میشود اول اگر منافذ سر مانند دهان و گوش و چشم را دفعة با آب فرو برد
و منافذ را موکرا اصل کاشه سر است بیرون باشد آیا حکم ارتماس دارد یا نه جمعی آن را در حکم ارتماس
نمیدانند و بعضی میدانند و قول اخیر احوط است دوم اگر سر را با آب فرو برد تا کردن و بدن
آب باشد آیا نیز مانند سابق جمعی در حکم ارتماس نمیدانند و بعضی میدانند و این احوط است
در روزه سنت بعضی ارتماس را تجویز نموده اند و احوط ترک است سیم مشهور میان علما آنکه
مکروه است که زنان در میان آب بنشینند و بعضی گفته اند که هرگاه تا کمر در آب بنشیند قضا
لازم است و بعضی کفاره را نیز واجب دانسته اند و جمعی از محققین قول اول را اقوی میدانند
و قول اخیر احوط و احتیاط در ترک است ششم از مبطلات روزه قی کردن است از روی عمد
و اکثر اصحاب موجب قضای تنها و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و بعضی موجب هیچیک نمیدانند

ومسئله محل اشکالست ونزد جمعی از محققین قول مشهور قوی است واحوط ترک است واکر بها اختیار قی کند
موافق مشهور قضا لازم نیست وبعضی قضا را ضروری دانسته اند واین قول اکرچه ضعیف است ولکن
احوط است **هشتم** از مبطلات روزه دروغ کفتن بر خدا ورسول خدا وائمه هدی علیه وعلیهم التحیة
والثناء است یا انکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله غلطی بکوید بلکه اکر درست بکوید واهلیت مسئله
کفتن نداشته باشد ودر حرمت ان شکی نیست وبعضی برانکه روزه موجب قضا وکفاره میدانند
وبعضی مفسد روزه اصلاً نمیدانند ومسئله خالی از اشکالی نیست واحوط رعایت قول اولست وبدانکه
احادیث ضعیفه بلکه احادیث صحیحه نیز ممکن است که از معصوم صادر نشده باشد ومضمون ان خلاف
واقع باشد ومجتهدین فتوائی را که مجتهد دهد ممکن است که مطابق حکم الله واقعی نباشد ولکن اینمعنی داخل
در کذب بر خدا وائمه علیهم السلام نیست زیرا که بعنوان جزم وقطع احادیث را نقل نمیکنند بلکه حقیقت نقل
احادیث خصوصاً در این زمان که عهد بعیدی میان ما وائمه علیهم السلام فاصل شده باین راجع میشود
که محتملات که امام علیه السلام این حدیث را فرموده باشد وفتوای مجتهد اکرچه در بعضی از موارد
بعنوان جزم وقطع است ولکن حقیقت ان نیز واقعا باین عاید میشود که من از ادله شرعیه این مسئله را
چنین می فهمم وممکن است که حکم الله در واقع ونفس الامر چنین نباشد وغیر این باشد وباین جهة نقل
احادیث وکفتن فتاوی از روی دقت واحتیاط ضرر ندارد والله تعالی یعلم حقائق الامور **تتمیم**
بدانکه بسیاری از مکروهات روزه بتقریبات مناسبه در این باب مذکور شد وبقیه مکروهات که
باقیمانده چند امر است **اول** بوئیدن کلها خصوصاً نرکس ودر روایات نهی از ان وارد شده
وبر کراهت حمل نموده اند ووجه کراهت چنانچه از اخبار ظاهر میشود دو چیز است **اول** لذت بردن
چنانچه ابن بابویه رضوان الله علیه بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که انحضرت
درحالت روزه هیچ کلی را نمی بوئید پس جهة این را از انحضرت پرسیدند فرمود که من کراهت دارم
که روزه خود را مخلوط بلذت سازم **دویم** درخصوص نرکس ایضا ابن بابویه رضی الله عنه از ابی زیاد
روایت کرده است که کفت شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که نهی میفرمود بوئیدن نرکس برای
روزه دار پس من عرض کردم که فدای تو شوم جهة این چیست فرمود بجهة انکه نرکس کل عجمان است **مؤلف**
کوید که انچه حضرت فرموده که نرکس کل عجمان است اشاره است برسم قدیمی که در میان عجم شایع بوده است
چنانچه شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب مقنعه ذکر نموده که پادشاهان عجم در سالی یک روز مخصوصی
روزه میداشته اند ودر ان روز نرکس بسیاری مهیا می نموده اند ومی بوئیده اند ومیکفته اند که بوئیدن

نرکس

نرکس رفع کرسنکی وتشنکی میکند پس شیخ مفید کفته که این معنی چون درمیان ایشان سنت کردیده
بود ولهذا ال محمد صلی الله علیه وعلیهم نهی از ان فرمودند بجهة رد بر ایشان هرچند مفسد روزه
نباشد **دویم** بوئیدن مشک وممکن است که سر در این باب لذت باشد چنانچه در باب بوئیدن
کل مذکور شد والله تعالی یعلم وبدانکه بوی خوش مالیدن ضرر ندارد بلکه سنت است چنانچه
بعد از این مذکور میشود **سیم** شعر خواندن هرچند مضمون ان حق باشد یا در مدح ائمه علیهم السلام
بوده باشد چنانچه شیخ طوسی رضی الله عنه بسند خود از حماد بن عثمان روایت کرده است که از
حضرت صادق صلوات الله علیه شنیدم که مکروه است خواندن شعر برای روزه دار ومحرم ودر
حرم ودر روز جمعه ودر شب ان مطلقا پس عرض کردم که اکرچه شعر حقی باشد فرمود که بلی اکرچه
مضمون ان شعر حق باشد وایضا از حماد بن عثمان وغیر او روایت کرده است که انحضرت فرمود
که انشاد شعر میکنند در شب ونزد در ماه رمضان ونزد در شب ان ونزد در روز ان پس اسمعیل فرزند
انحضرت عرض کرد که ای پدر هرچند در شان ما اهل بیت باشد حضرت فرمود بلی هرچند در شان
ما بوده باشد **مؤلف کوید** که از این دو حدیث مفهوم میشود که کراهت شعر خواندن در شبهای
ماه رمضان زیاده از روزها باشد زیرا که از دو جهة کراهت بهم رسانیده بلکه در روز جمعهای ان ماه
نیز از دو جهة کراهت دارد ودر شبهای جمعه ان ماه از سه جهة واکر کسی در مکه معظمه بوده باشد
از چهار جهة کراهت خواهد داشت والله تعالی یعلم **چهارم** حجامت کردن ودر روایات بسیار نهی
از ان وارد شده وبعضی از روایات دلالت بر تجویز ان میکند بلکه در روایتی وارد شده است
که رسول خدا صلی الله علیه واله درحالت روزه حجامت فرمود وحق در جمع بین الاخبار چنانچه
از بعضی روایات نیز ظاهر میشود انست که هرکاه خوف ضعفی باشد مکروه است زیرا که ممکن است
که باعث ازاری شود وافطار نماید واکر خوف ضعف نباشد کراهت ندارد خصوصا هرکاه احتیاج
بان شده باشد واز بعضی روایات ظاهر میشود که در ماه رمضان بهتر انست که در شب حجامت
واقع شود وائمه ما علیهم السلام هرکاه در ان ماه محتاج می شده اند در شب حجامت میکرده اند
واین روایات محمولست بر صورتی که اکر تاخیر شود تا شب ضرر نکند واکر فی الحال ضرور شود ودر
تاخیر ان ضرر داشته باشد البته در روز باید واقع شود والله تعالی یعلم **پنجم** دندان کندن
چنانچه کلینی رضی الله عنه بسند موثق از عمار بن موسی ساباطی روایت کرده است که از حضرت
صادق علیه السلام سؤال نمود از انکه صایم دندان خود را می تواند کند حضرت فرمود که نه ودهان خود را

نیز بخورن نبیند اند و مسواک بچوب تر نیز نکند و علما این حدیث را نیز حمل نموده اند بر صورتی که کندن
دندان باعث ضعف شود و همچنین حکم نموده اند در هر خونی که از بدن بیرون آید و باعث ضعف شود
مانند فصد کردن و غیر آن و در همه اینها قایل بکراهت شده اند ششم حمام رفتن که باعث ضعف شود
چنانچه کلینی رضی الله عنه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که پرسیدند
از آنحضرت از مردی که داخل حمام میشود در حالت روزه فرمود که باکی نیست مادام که خوف ضعف
نداشته باشد و در بعضی از روایات تجویز آن وارد شده و آن محمولست بر صورت اباحت یا صورتی
که خوف ضعف نداشته باشد یا ضرور شده باشد والله تعالی اعلم تذنیب بدانکه اشهر میان علمای شیعه
رضوان الله علیهم در باب کفاره افطار روزهٔ ماه مبارک رمضان آنست که مخیرست میان بنده
آزاد کردن و دو ماه روزه داشتن و شصت مسکین طعام دادن و بعضی بترتیب قایل شده اند
یعنی واجبست اولاً بنده آزاد کردن و اگر قادر بر آن نباشد دو ماه روزه بگیرد و اگر بر آن نیز قدرت
نداشته باشد شصت مسکین را طعام دهد و قول اول نزد جمعی از محققین اقوی و احتیاط
در رعایت قول ثانی است و مراد از بنده آزاد کردن مطلق بنده است و شامل غلام و کنیز و بالغ
و نابالغ هر هست و اما ایمان در آن شرط است یا آزاد کردن بندهٔ غیر مؤمن نیز مجزی است در این
باب خلافست و احوط رعایت ایمانست و مشهور آنست که غلام و کنیز که گریخته را آزاد میتوان
کرد تا علم بمرگش بهم نرسد و بعضی شرط کرده اند که باید خبری از او برسد و بعضی ظن حیات را شرط
کرده اند و باید که آن بنده کور و صاحب خوره و پیسی و زمین گیر نباشد و مولی جراحتی که موجب
عتق او باشد باو نرسانیده باشد و بعضی گفته اند که باید خصی و لال و کر نباشد و ولد الزنا نیز
نباشد و مراد از دو ماه روزه داشتن آنست که متوالی و پی در پی باشد و توالی بیکماه و یکروز
که متصل بگیرد بعمل می آید باین معنی که اگر بعد از آن بدون عذر افطار نماید نباید از سر بگیرد و اما تفریق
بعد از یکماه و یکروز بدون عذر جایز است یا حرام در این باب خلاف است و احوط رعایت توالی
در مجموع است بی عذر و اگر پیش از یکماه و یکروز بی عذری افطار کند از سر بگیرد و اگر بجهت عذری
باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری و سفر ضروری بعد از زایل شدن عذر
بنا میگذارد و تمام میکند و مراد از طعام دادن شصت مسکین موافق مشهور میان علما آنست
که بهر یک آنقدر طعام بخورانند که سیر شوند و ظاهر اینست که نان گندم و جو و خرما و طعام برنج
هم مجزی باشد و احوط آنست که نان خورشی با نان ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی

گفته اند

۱۲۹

گفته اند که چاشت و شام هر دو باید بمسکین بخورانند نقدی که سیر شوند و این احوط است و اگر خواهد
طعام را بمسکین می توان داد و در مقدار آن خلافست بعضی یکمد گفته اند و بعضی دو مد و احوط
دو مد است و احوط آنست که با آن نان خورشی بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند و در طعام دادن
کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط آنست که حصهٔ اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر طعام
خورانند ظاهرا صغیر و کبیر را باهم تواند ضم کرد و اگر دو طفل را بجای یکمرد حساب کند احوط است و در
یک کفاره دو حصه را بیک مسکین نمیتوان داد مگر آنکه مستحق یافت نشود و احوط آنست که تا ممکن
باشد بغیر مؤمن ندهد و بمؤمنان بسیار پریشان بدهد که مسکین بر او صادق باشد و مد چهار یک
صاع است و صاعی یکمن تبریز و چهارده مثقال و ربعی است بنا بر مشهور و چون در احادیث در تحدید
صاع و مد اختلاف هست احوط آنست که بجای دو مد نیم من شاه بدهد و بدانکه اگر کسی از این سه امر
یعنی بنده آزاد کردن و دو ماه روزه داشتن و شصت مسکین طعام دادن عاجز باشد هجده روز روزه بگیرد
و احوط آنست که پی در پی بگیرد و اگر از این نیز عاجز باشد مشهور اینست که واجبست که استغفار
نماید از روی توبه بقصد وجوب و در استغفار بلفظ استغفر الله کافی است و اگر بعد از عجز
و اتیان به بدل قدرت بر یکی از کفارات ثلث بهم رساند احوط آنست که آن را نیز بعمل آورد
و در باب افطار ماه رمضان اگر پیش از ظهر افطار نماید جایز است و کفاره ندارد و اگر بعد از ظهر
یا قلیلی بظهر مانده باشد افطار حرام است و لیکن کفاره ندارد بنا بر مشهور چنانچه
بتفصیل در نوع اول در مقصد اول گذشت و اگر بعد از ظهر افطار نماید مشهور میان اصحاب
حرمت و وجوب کفاره است و کفارهٔ آن اینست که ده مسکین را طعام بدهد و اگر عاجز بود
سه روز روزه بگیرد و اگر از این نیز عاجز شود استغفار نماید بنا بر مشهور والله تعالی اعلم
بحقایق الامور مقصد دویم در بیان شرایط صحت روزه ماه مبارک رمضانست بدانکه
شرایط روزه چند امر است اول بلوغ و بلوغ پسر بچند چیز حاصل میشود اول بتمام شدن
پانزده سال دویم باحتلام سیم بروئیدن موی درشت بر عانه و بلوغ دختر بدو علامت
[illegible] حاصل میشود و بچند چیز دیگر اول تمام شدن نه سال دویم دیدن خون حیض
سیم حامله شدن و سنت است که ولی طفل در هفت سالگی او را بروزه داشتن باز دارد
هر قدر که تواند کرد اگر چه بعضی از روز باشد و در باب پسر در نه سالگی مبالغه
بیشتر بکند و در سیزده سالگی بیشتر و احوط در سیزده سالگی آنست که ترک روزه نماید

تقریباً صح

بلکه تمام بگیرد دوم عقل پس صحیح نیست روزه دیوانه و مغمی علیه یعنی کسی بیهوش شده باشد بلکه بر ایشان واجب نیز نیست و بعد از آنکه دیوانه عاقل شود یا مغمی علیه بهوش آید قضا هم بر ایشان واجب نیست و بر مغمی علیه مستحب است که روزه ایام اغما را قضا کند اگر به اختیار بیهوش شده باشد و اگر عمداً چیزی خورده باشد و بیهوش شده باشد قضا بر او لازم است سیم اسلام پس صحیح نیست روزه کافر هر چند بر او واجب است ولیکن بعد از اسلام قضا بر او واجب نیست ببرکت اسلام چهارم آنکه صحیح باشد پس صحیح نیست روزه بیمار هر گاه روزه ضرر رساند به بیماری او بآنکه سبب زیادتی مرض او شود یا به سبب آن از طول بهم رساند ولیکن واجب است که بعد از صحت روزه ایام مرض را قضا نماید و در ضرر رجوع بنفس خود میکند اگر خود بیابد که روزه مضر است افطار میکند و اگر خود نیابد رجوع باطبای حاذق عادل میکند پس اگر دو طبیب حاذق عادل تصدیق ضرر نمایند افطار میکند و اگر ایشان اختلاف نمایند یا حاذق نباشند یا عادل نباشند احوط آنست که روزه را بگیرد اگر ضرری بیابد افطار کند و الا روزه را بگیرد و قضا نیز بکند و اگر یک طبیب حاذق عادل تصدیق ضرر نماید جمعی گفته اند که افطار میکند و احوط در این صورت گرفتن روزه و قضاست پنجم آنکه مسافر بسفر شرعی نباشد پس اگر بسفر واجب یا مستحب یا مباح رفته باشد افطار می نماید و بعد از انقضاء سفر قضا می کند ولیکن سنت است که چیزی بسیار نخورد و آب بسیار نیاشامد و با زنان در روز مقاربت ننماید و بعضی جماع را حرام دانسته اند و اگر سفر او سفر معصیت باشد یا برای صید لهو باشد یا کثیر السفر باشد مانند مکاری و ملاح و صحرا نشینان که طالب آب و علف اند روزه را میگیرد و جمعی از علما گفته اند که هر گاه بر شخصی طلب علم واجب باشد و در سفر ممکن نباشد هر گاه این شخص بسفر رود اگر چه بقصد زیارت قبور ائمه معصومین علیهم السلام باشد می باید که نماز را تمام کند و روزه را بگیرد و منقول است که فاضل جلیل متقی مولانا احمد اردبیلی قدس الله روحه هر گاه از نجف اشرف بکربلای معلی بعزم زیارت می آمد در اثنای سواری مطالعه میکرده و مع هذا احتیاطاً جمع میان قصر و تمام مینموده که مبادا سفر معصیت باشد چون در حضر مطالعه را بیشتر می توان کرد و این نهایت احتیاطات است در این باب و بدانکه مسافر بسفر شرعی اگر جاهل مسئله باشد و روزه بدارد روزه اش صحیح است و قضا نمیکند بنا بر مشهور میان علما و اگر در اثنای روز عالم بمسئله وجوب افطار شود افطار میکند و قضا می کند و اگر پیشتر مسئله را داند و فراموش کند و روزه

بگیرد احوط آنست که قضا کند ششم خالی بودن از جنابت و حیض و نفاس بلکه بودن با استحاضه با اخلال باعمال استحاضه بنا بر بعضی اقوال مفسد است چنانکه مذکور میشود و بدانکه حکم جنابت بتفصیل در فصل اول مذکور شد و حایض و نفسا در حالت حیض و نفاس روزه ایشان صحیح نیست و افطار میکنند و بعد ماه رمضان قضا می کنند و اگر پیش از صبح پاک شوند واجب است که آن روز را روزه بدارند و احوط آنست که اگر ممکن شود پیش از صبح غسل کنند و الا تیمم کنند احتیاطاً و بیدار باشند تا صبح و اما مستحاضه پس اگر استحاضه او قلیله باشد از برای هر نمازی وضو میسازد و احوط آنست که در نیت وضو قصد صحت روزه نیز بکند یا آنکه قصد کند که وضو میسازم برای مباح بودن نماز و هر چه مباح میشود بوضو قربة الی الله تعالی و اگر استحاضه متوسطه باشد احوط آنست که برای هر نمازی وضو بقصدی که مذکور شد بسازد و پیش از صبح قریب بصبح غسل را واقع سازد اگر ممکن باشد و الا تیمم کند و بیدار باشد تا صبح را با تیمم دریابد و برای نماز صبح نیز غسلی احتیاطاً بکند و اگر ممکن نشود تیمم بکند و اگر کثیره باشد اعمال قلیله و متوسطه را بنحوی که متضمن احتیاط باشد چنانچه مذکور شد می کند و غسلی که برای نماز ظهر و عصر میکند احوط آنست که در نیت او صحت روزه را نیز ضم کند یا آنکه قصد کند که غسل میکنم برای مباح بودن نماز و آنچه بغسل مباح میشود قربة الی الله و همچنین احوط آنست که در نیت غسلی که برای نماز شام و خفتن میکند صحت روزه را بطریقی که در غسل نماز ظهر و عصر مذکور شد ضم کند و نهایت احتیاط در آنست که در متوسطه نیز دو غسل کثیره را بطریق مذکور بکند و چون این مسئله در غایت اشکال و اقوال متعارضه در آن هست بنا بر بعضی از اقوال اگر اخلال نماید بآنچه مذکور شد روزه اش فاسد بلکه موجب قضا و کفاره میشود لهذا نهایت احتیاط در این باب را مذکور کردیم والله تعالی اعلم و بدانکه اگر طفل بالغ شود یا دیوانه عاقل شود یا مغمی علیه بهوش آید یا کافر مسلمان شود پیش از صبح آن روز را واجب است که روزه بدارد و اگر بعد از صبح واقع شود پس اگر قبل از ظهر واقع شده و هنوز فعل مفطری بجا نیاورده است احوط آنست که بقیه آن روز را امساک نماید و نیت را چنین بکند که امساک میکنم این روز را که اگر بعنوان صوم مطلوب شارع بوده باشد صوم باشد و الا امساک صحیح قربة الی الله تعالی و اگر بعد از ظهر موانع ایشان رفع شود یا قبل از ظهر و مفطری بعمل آمده باشد مستحب است امساک بقیه روز و همچنین هر گاه مریض صحت یابد بعد از ظهر یا قبل از ظهر و افطار کرده باشد سنت است که بقیه آن روز را امساک نماید و اگر پیش از ظهر صحیح شود و چیزی نخورده باشد واجب است که روزه

بدارد و همچنین مسافر اگر قبل از ظهر بحد ترخص خانهٔ خود رسد یا بحد ترخص شهری که قصد اقامت
ده روز در آن شهر داشته برسد تا بحد ترخص ملکی که در آنجا شش ماه اقامت داشته برسد و مفطری
بعمل نیاورده باشد واجب است که آن روز را روزه بدارد و اگر بعد از ظهر باشد یا قبل از آن و افطار کرده باشد
امساک می کند استحبابا و همچنین حایض و نفسا هرگاه پاک شوند در اثنای روز امساک می کنند
بقیهٔ آن روز را استحبابا اگرچه بعد از صبح بیک لحظه پاک شوند و روزهٔ آن روز از ایشان جایز نیست بلکه
قضا می کنند والله تعالی یعلم **باب دوم** در بیان آداب روزه و بعضی از فضایل آن شیخ بزرگوار
عالیمقدار محمد بن یعقوب کلینی و شیخ طوسی رفع الله درجتهما و دیگران بسندهای معتبر از محمد بن مسلم
روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام با او فرمود که هرگاه روزه باشی پس باید که روزه باشد گوش تو
و چشم تو و موی تو و پوست تو و شمرد چیزی چند غیر اینها را و فرمود که باید روز روزهٔ تو مانند روز
افطار تو نباشد و ایضا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله
بجابر بن عبد الله انصاری فرمود که ای جابر اینک ماه مبارک رمضان است هر که روزه دارد روز
آن را و بپا دارد قدری از شب آن را بعبادت و عفت نگاه دارد شکم و فرج خود را و زبانش را نگاه دارد بیرون
آید از گناهانش مانند بیرون آمدن او از ماه پس جابر عرض نمود که یا رسول الله صلی الله علیه و آله چه
نیکو حدیثی است این حدیث پس حضرت فرمود که چه بسیار شدید است این شرطها و ابن بابویه
رحمه الله علیه در کتاب مجالس از حضرت صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله
علیه و آله و علیهم روایت کرده اند که آن بزرگوار فرمود که هر که ماه رمضان را روزه بدارد و حفظ کند
فرج و زبان خود را و ترک نماید اذیت مردم را حق تعالی گناهان گذشته و آیندهٔ او را بیامرزد
و آزاد کند او را از آتش جهنم و او را در دار القرار ساکن گرداند و قبول شفاعت او کند در بارهٔ گناهکاران
که خدا را بیگانگی پرستیده باشند بعدد ریگ بیابان عالج و در کتاب عقاب الاعمال بسند خود
روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه فرمود که هر که ماه رمضان را روزه بدارد
با خاموشی و سکوت و گوش و چشم و زبان و فرج و سایر جوارح خود را از دروغ و حرام و غیبت نگاه
دارد برای رضای الهی حق تعالی او را مقرب درگاه خود گرداند در بهشت تا آنکه زانوهای او بزانوهای
حضرت ابراهیم علیه السلام برسد و شیخ جلیل سعید شیخ مفید رفع الله درجته در کتاب مقنعه از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که روزه
دارد ماه رمضان را از روی ایمان و توقع اجر و ثواب و نگاه دارد گوش خود و چشم خود و زبان خود را

از مردم حق تعالی روزهٔ او را قبول نماید و بیامرزد گناهان گذشته و آیندهٔ او را و عطا کند باو ثواب
صابرین را پس فرمود که آنحضرت فرمود که بدرستی که کمتر چیزی که حق تعالی بر صایم در روزه اش واجب گردانیده
ترک طعام و شراب است و سید ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از محمد بن عجلان روایت کرده است
که حضرت صادق علیه السلام فرمود که روزه همین از طعام و شراب نیست که انسان همین چیزی نخورد
و نیاشامد و لیکن هرگاه روزه بداری پس باید که روزه باشد گوش و چشم و زبان و شکم و فرج تو
و دست و فرج خود را از محارم الهی محافظت نما و اکثر اوقات ساکت باش مگر از حرف خیر و با
خادم خود بهمواری سلوک کن و احمد بن محمد بن عیسی در کتاب نوادر از آنحضرت روایت کرده است
که بجراح مداینی فرمود که هرگاه روزه بداری باید که گوش و چشم تو از حرام و جمیع اعضا و جوارح تو
از قبیح روزه باشد و ترک کن هذی و اذیت رسانیدن بخادم را و باید با تو وقاری باشد و وقار روزه
و بر خود لازم گردان هر قدر که توانی از صمت و سکوت مگر از ذکر الهی و مگردان روز روزه ات را
مانند روز افطارت و زنهار که با زنان مباشرت مکن و مبوس ایشان را و خنده قهقهه مکن که اینها
حق تعالی را بغضب می آورد و کلینی رحمه الله علیه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت
کرده است که فرمود که صایم همین امساک از طعام و شراب تنها ننماید بدرستی که مریم دختر عمران
علیها السلام فرمود إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا یعنی بدرستی که من نذر کرده ام که برای حق تعالی روزه
بدارم فرمود که مراد او از روزه سکوت بود پس نگاه دارید زبانهای خود را و بپوشید چشمهای خود را
و بر یکدیگر حسد مبرید و با هم نزاع مکنید بدرستی که حسد ایمان را میخورد چنانچه آتش هیزم را
میخورد و ایضا از آنحضرت روایت نموده اند که فرمود که صایم همین از طعام و شراب روزه نمیدارد
پس فرمود که مریم دختر عمران علیها السلام گفت إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا و مراد او از روزه سکوت بود
پس هرگاه روزه بدارید پس حفظ کنید زبانهای خود را و بپوشانید چشمهای خود را و منازعه
مکنید و حسد بر هم مبرید پس فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی شنید که زنی دشنام
میگفت کنیز خود را و روزه بود پس طعامی طلبید فرمود و با آن زن گفت که بخور این طعام را زن گفت که روزه ام
حضرت فرمود چگونه روزه ای و حال آنکه دشنام دادی کنیز خود را بدرستی که روزه از طعام و شراب
تنها نمی باشد راوی گوید که پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه روزه بگیری پس باید
که گوش و چشم تو از حرام و قبیح روزه باشد و ترک کن جدال و اذیت رسانیدن بخادم را و باید
که با تو باشد وقار روزه و مگردان روز روزه ات را مانند روز افطارت و احمد بن محمد بن عیسی

در کتاب نوادر از انحضرت روایت نموده است که فرمود که صایم از طعام و شراب تنها روزه نمیدارد بلکه
از برای روزه شرط دیگر هست که باید از ان محافظت نمود تا روزه تمام شود وان صمت است که داخل
در حقیقت صوم است ایا نشنیدی قول مریم دختر عمران را که گفت انی نذرت للرحمن صوما
فلن اکلم الیوم انسیا یعنی من برای خدا نذر کرده ام که روزه بدارم پس با هیچ انسانی سخن نمیکویم و مراد
او از روزه سکوت بود پس هرگاه روزه بدارید حفظ کنید زبانهای خود را از دروغ و بپوشانید
چشمهای خود را و منازعه مکنید و حسد بر هم مبرید و غیبت مکنید و مراء و جدال مکنید و دروغ
مکوئید و مباشرت با زنان مکنید و فحش بد مکنید و با یکدیگر غضب مکنید و دشنام و فحش مکوئید
و بلقبهای بد با یکدیگر خطاب مکنید و مجادله باهم منمائید و اذیت بیکدیگر مرسانید و ظلم مکنید
و در لئلت مشوید و غافل مشوید از ذکر الهی و از نماز و ملازم خود را بر صمت و سکوت و بردباری
و صبر و راست کوئی و از اهل شر دوری بکزینید و اجتناب کنید از گفتن ناحق و دروغ و افترا
و خصومت و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و مشرف بر اخرت باشید در حالتی که
مشتاق روز عود خود باشید که ان اخرت و انتظار بر بدن چیزهائی را که خدا وعده فرموده است
بشما و خواهش بلقاء حق تعالی داشته باشید و بر شما باد به ارام دل و ارام تن و خشوع و خضوع و تذلل
مانند تذلل بنده که از اقای خود خایف باشد حال کونی که خوف و رجا و رغبت و رهبت داشته باید
و پاک کرده باشید دلهای خود را از عیوب و سینه های خود را از غل و غش و جسدهای خود را
از نجاسات و باید که برات جسته باشی از دشمنان خدا و دوست داشته باشی خدا و دوستان
خدا را در حالت روزه و ساکت و صامت باشی از جمیع جهات از چیزهائی که حق تعالی نهی فرموده
از کردن انها در پنهان و اشکار و در این دو حالت کمال خشیت الهی در دل تو باشد و نفس خود را
بحق تعالی بخشیده باشی در ایام روزه و خاطر خود را برای خدا فارغ کرده باشی و نصب کرده باشی
دل خود را در انچه خدا بان امر فرموده و ترا بان خوانده است پس هرگاه همه اینها را بجا اوردی روزه حقیقی
برای خدا گرفته خواهی بود و بامر الهی عمل کرده و بهر قدر که خلل رسانی با اینها روزه تو باز نقدر
ناقص شده است پس فرمود که روزه همین از طعام و شراب نیست بلکه حق تعالی امساک از طعام و شراب را
حجابی برای سایر منهیات کردانیده است پس فرمود که چه کند روزه داران و بسیار ند که کرسنکان
و محمد بن یعقوب کلینی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا
صلی الله علیه و اله فرمود که صایم پیوسته در عبادت الهی است هر چند در فراش خود خوابیده

باشد مادام که غیبت مسلمانی نکند و ایضا کلینی و ابن بابویه قدس الله روحهما از انحضرت روایت
کرده اند که انحضرت از پدران بزرگوارش روایت فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود که هر که
روزه باشد و با او دشنام دهند پس او کوید که سلام علیک من روزه ام بتو دشنام نمیدهم چنانچه
تو دشنام دادی مرا حق تعالی فرماید که بنده من پناه اورده بروزه من از شر بنده دیگر من بد رستی
که این سلاح او را از اتش جهنم و ایضا کلینی و شیخ طوسی عطر الله مرقدهما بسند خود از انحضرت روایت
کرده اند که فرمود که هر گاه یکی از شما سه روز از هر ماه را روزه بدارد پس مجادله با کسی نکند و جهل
نورزد و مسارعت نبوی سوکند بخدا و ندعالمیان نکند و اگر کسی با او جدال کند و جهل بورزد
پس متحمل شود و حلم کند و سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده است که بلک دروغ و نظر بعد از نظر بنا محرم و ظلم کردن خواه اندک و خواه بسیار
مفطر صوم اند و روزه را می شکنند مؤلف کوید که مراد از نظر بعد از نظر نظر دوم است دروقتی
که نظر اول از روی عمد نباشد و بسبب اتفاق نظر او بنا محرم افتاده باشد و امور وارد شده که
اینها روزه را می شکنند اثر او والله تعالی یعلم و بعضی از این اداب در ضمن روایات دیگر نیز مذکور است
و در ابواب اینده مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی باب سیم در بیان تکلیف بصوم
و سبب تعیین عدد ان و بعضی از فضایل ان بدانکه از اخبار و احادیث در باب علت و سبب تکلیف
باصل عبادت صوم چند وجه ظاهر میشود و چنانچه شیخ بزرگوار ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی
رفع الله درجته بسند خود از حمزة بن محمد روایت کرده است که او عریضه بخدمت حضرت امام
حسن عسکری علیه السلام نوشت که بچه جهة حق تعالی روزه را بر مردم واجب کردانیده حضرت
در جواب نوشت که از برای انکه غنی و مالدار الم کرسنکی را بیابد و بر فقیر رحم و مهربانی نمایند
و ابن بابویه رضوان الله در کتاب من لا یحضره الفقیه بسند صحیح روایت کرده است که هشام بن الحکم
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال نمود از علت واجب شدن روزه حضرت فرمود که
حق تعالی روزه را واجب کردانیده برای انکه بسبب ان غنی و فقیر با یکدیگر مساوی شوند
زیرا که اغنیا چون هر چه خواهند بران قدرت دارند و برای ایشان میسر است نمیابند الم کرسنکی را
هر گز که ترحم بر فقرا کنند پس حق تعالی خواست که همه خلایق را با یکدیگر مساوی کند و الم کرسنکی
بتوانکران بچشاند تا رقت کنند بر ضعیفان و ترحم نمایند بر کرسنکان و ایضا در کتاب علل بسند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که انحضرت در جواب مسایل

[illegible]

محمد بن سنان نوشت که علت روزه داشتن آنست که آدمی تعب گرسنگی و تشنگی را بیابد تا ذلیل
و خاکسار و محتاج و مسکین گردد و کار و صبر کننده بر مشقت و ازان باشد و این دلیلی بر راه عاقبت
باشد او را بر محنتهای آخرت با آنکه بسبب روزه داشتن شوکت شهوات و خواهشهای نفسانی
شکسته میشود و روزه پند دهنده او است در دنیا که شکر نعمت کند و گرسنگی فقرا را بداند و راه
غنائی بر گرسنگی روز قیامت و شیخ طوسی طاب الله ثراه در کتاب تهذیب بسند خود از عثمان بن
مظعون روایت کرده است که گفت عرض کردم بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله که میخواهم
چند چیز را در خدمت تو سؤال نمایم فرمود چه چیزهاست آنها ای عثمان عرض کردم که میخواهم
که رهبانیت را اختیار نمایم فرمود مکن ای عثمان بدرستی که رهبانیت امت من آنست که در مساجد
بنشینند و انتظار نماز بکشند بعد از آنکه نماز پیش را کرده باشند پس عرض کردم که یا رسول الله
صلی الله علیه و آله میخواهم خود را اخته کنم فرمود مکن ای عثمان بدرستی که خصی کردن امت من
در روزه است **مؤلف گوید** که چون روزه باعث کسر شهوات میشود چنانچه در حدیث سابق
اشاره بان شده بود پس بمنزله آنست که آدمی خود را خصی نماید و چنانچه بعضی امم سابقه
مردم مکلف بودند که برای دفع قوت شهوت خود را خصی نمایند حق تعالی از راه تفضل و رحمت
بر این امت و تسهیل امر ایشان بعوض اختصا روزه را برای کسر قوای شهوانی بر ایشان تکلیف
فرموده است و ایضا شیخ در کتاب مذکور بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
از پدران بزرگوار خود از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهم روایت کرده است که آنحضرت
فرمود که سه چیز است که بلغم را برطرف میکند و حافظه را زیاد میکند مسواک کردن و روزه
داشتن و قرائت قرآن **مؤلف گوید** که چون روزه باعث تخفیف رطوبات بدن میشود
لهذا بلغم را برطرف میکند و برطرف شدن بلغم باعث زیادتی حافظه میشود **و اما** سبب تعیین
عدد آن پس ابن بابویه رحمه الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه بسند خود از حضرت امام حسن
مجتبی علیه السلام روایت کرده است که جماعتی از یهود بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله
آمدند پس داناترین ایشان از آنحضرت سؤال نمود از مسئله چند و از جمله آنها این بود که چرا
حق تعالی بر امت تو روزه سی روز را واجب گردانیده و حال آنکه بر امتهای دیگر زیاده از این
واجب گردانیده است حضرت فرمود بدرستی که آدم علیه السلام چون از شجره منهیه تناول نمود
سی روز در شکم او باقی ماند پس حق تعالی بر فرزندان او گرسنگی و تشنگی سی روز را

واجب گردانید و آنچه را در شب تناول می نمایند تفضل است از جانب حق تعالی بر ایشان و بر آدم نیز
سی روز واجب بود پس حق تعالی همان سی روز را بر امت من واجب گردانید پس حضرت این
آیه را تلاوت فرمود كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ
که ترجمه ظاهر آیه اینست که نوشته شد و واجب گردیده است بر شما روزه چنانچه واجب شده است بر
جماعتی که پیش از شما بودند شاید که پرهیزکار شوید و روزه در چند روز معدود بر شما واجب شده است
یهودی گفت راست گفتی ای محمد صلی الله علیه و آله پس چه چیز است جزای کسی که این سی روز را
روزه دارد فرمود که هیچ مؤمنی نیست که روزه دارد ماه رمضان را از برای خالص رضای حق تعالی مگر آنکه حق تعالی
برای او هفت خصلت را واجب میگرداند **اول** میگدازد گوشت حرامی را که در جسد او
روئیده است **دوم** آنکه نزدیک میشود برحمت الهی **سیم** کفاره گناه پدر خود آدم علیه السلام را کرده
چهارم سکرات مرگ را بر او آسان می سازد **پنجم** از الم گرسنگی و تشنگی روز قیامت ایمن میشود
ششم حق تعالی برات نجات از آتش جهنم را باو عطا میفرماید **هفتم** اطعام مینماید او را از
طیبات بهشت یهودی گفت راست فرمودی ای محمد صلی الله علیه و آله **مؤلف گوید** که از این حدیث
شریف بعضی از وجوه دیگر غیر وجوه سابقه برای تکلیف اصل روزه ظاهر میشود چنانچه بر متامل
مخفی پوشیده نیست و ایضا در کتاب مذکور بسند صحیح از حفص بن غیاث روایت کرده است که گفت شنیدم
از حضرت صادق علیه السلام که میفرمود حق تعالی روزه ماه مبارک را بر هیچ امتی قبل از ما واجب
نگردانیده است من عرض کردم پس چیست معنی فرموده حق تعالی در این آیه کریمه يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ
الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ فرمود که حق تعالی روزه ماه رمضان را بر پیغمبران گذشته
واجب کرده بود نه امتهای ایشان و این امت را بر امتهای دیگر فضیلت داد و روزه ماه
رمضان را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و امت او واجب گردانید چنانچه بر پیغمبران گذشته
واجب کرده بود و شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب تهذیب بسند خود از آن حضرت روایت
کرده است که حق تعالی بر بندگان خود زیاده از طاقت ایشان تکلیف نفرموده است پس حضرت
همه واجبات را بر ایشان فرموده و فرمود که در سالی روزه یکماه را بر ایشان واجب ساخت و حال
آنکه ایشان زیاده از این طاقت دارند **باب چهارم** در بیان فضیلت صوم و ثواب آن
شیخ بزرگوار عالی مقدار محمد بن یعقوب کلینی احله الله اعلی غرفات الجنان بسند معتبر از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود بنا گذاشته است اسلام بر پنج چیز

اول نماز بعد از زکوة سیم حج چهارم روزه پنجم ولایت ما اهل بیت وایضاً بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله
باصحاب خود فرمود که آیا میخواهید خبر دهم شما را از چیزی که اگر آن را بجا آورید شیطان از شما دوری شود
که نزدیک بقدر دوری مشرق از مغرب ایشان گفتند بلی فرمود روزه روی شیطان را سیاه می کند
وصدقه پشت او را میشکند و محبت در راه خدا و مداومت بر عمل صالح عقب او را قطع می کند
واستغفار رگ دلش را میبرد و از برای هر چیزی زکوتی هست و زکوة بدنها روزه است وایضاً
از آنحضرت روایت کرده است که بعلی بن عبد العزیز فرمود که آیا میخواهی خبر دهم ترا بدرهای خیر
ونیکی بدرستی که روزه سپری است از آتش جهنم وایضاً از آنحضرت روایت کرده است که فرمود که
پدرم میفرمود که گاه هست کسی روزه سنت میگیرد برای آنچه نزد حق تعالی هست از ثواب پس
حق تعالی باین سبب او را داخل بهشت میکند وابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب مجالس از
آنحضرت از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و
آله فرمود که هر که یک روزه سنت بگیرد برای طلب ثواب الهی واجب شود برای او مغفرت
وکلینی رضوان الله علیه بسند خود از آنحضرت روایت کرده است که هر که از برای خدا یک روز را
در وقت شدت گرما روزه دارد و برسد باو تشنگی حق تعالی موکل گرداند باو هزار ملک را
که روی او را پاک کنند و بشارت دهند او را تا چون افطار کند حق تعالی باو فرماید
که چه طیب و پاکیزه است بوی تو ای ملائکه من گواه باشید که من امرزیدم او را وشیخ مفید
رفع الله درجته در کتاب مقنعه بسند خود از آنحضرت از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت کرده است
که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که خوشا حال کسی که تشنه یا گرسنه شود در راه خدا ایشانند
که در روز قیامت سیر میگردند وکلینی رضی الله عنه از آنحضرت روایت کرده است که هر که روزه
خود را کتمان کند و اظهار ننماید حق تعالی فرماید بملائکه که بنده من پناه آورده است بمن از
عذاب من پس پناه دهید او را و موکل فرموده است ملائکه خود را بدعا کردن برای روزه داران
وحق تعالی امر نفرموده است ملائکه را بدعا کردن برای کسی مگر آنکه مستجاب میفرماید وابن بابویه
رحمه الله علیه در کتاب فضایل شهر رمضان بسند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت
کرده که از برای خدا ملکی چند هست که موکلند بصایمین وصایمات و بالهای خود را برایشان
میمالند و گناهان را از ایشان فرو میریزند و از برای خدا ملکی چند هست که ایشان را موکل نموده است

برها

بدعا برای صائمین وصائمات که عدد ایشانرا کسی نمیداند بغیر خدا وکلینی رضی الله عنه از حضرت
صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم روایت نموده است که رسول خدا
صلی الله علیه وآله فرمود که حق تعالی جمعی از ملائکه را موکل فرموده است بدعا کردن برای صائمین
وفرمود که جبرئیل علیه السلام بمن خبر داد از جانب حق تعالی که فرموده است که من امر نکردم
ملائکه خود را بدعا کردن برای احدی از خلق مگر آنکه دعای ایشانرا درباره او مستجاب نمودم
وایضاً از آنحضرت روایت نموده است که خواب صایم عبادتست و نفس او تسبیح است وابن بابویه
رحمه الله علیه در کتاب ثواب الاعمال از آنحضرت روایت کرده است که خواب صایم عبادت
وسکوت او تسبیح است و عمل او مقبولست و دعای او مستجابست وکلینی رضی الله عنه بسند خود
از آنحضرت روایت نموده است که حق تعالی وحی فرمود بحضرت موسی علیه السلام که چه چیز مانع
شده است ترا از مناجات من گفت که پروردگارا ترا بزرگتر میدانم از آنکه مناجات کنم با وجود
بوی بد دهان روزه دار خوشتر است نزد من از بوی مشک وایضاً از آنحضرت روایت نموده اند
که صایم هر گاه ببیند جماعتی را که چیزی میخورند اعضای او تسبیح می نمایند برای او و هر موئی که در بدن
اوست مؤلف گوید که ظاهر مراد این است که بعدد هر موئی که در بدن اوست باو ثواب تسبیح میدهند
والله یعلم وابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب مجالس بسند خود از زید پسر حضرت امام زین
العابدین علیه السلام از پدر بزرگوارش از جدش صلوات الله علیهم روایت کرده است که حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که در بهشت درختی هست که از بالای آن بیرون می آید حلی
و زیورها و از پایین او بیرون می آید اسبهای ابلق زین کرده لجام کرده صاحب بال که سرگین نمی کنند
پس سوار میشوند برآن اسبها دوستان خدا و طیران میکنند در بهشت بهرجا که خواهند پس جمعی که درجه
ایشان در بهشت پستتر است میگویند که پروردگارا چه چیز این بندگان ترا باین کرامت رسانیده
حق تعالی میفرماید که ایشان شبها را بعبادت بر پا میداشتند و خواب نمیکردند و روزها را روزه
میداشتند و چیزی نمیخوردند و با دشمنان خدا جهاد میکردند و نمی ترسیدند و تصدق میکردند
و بخل نمی ورزیدند و صاحب کتاب صفات الشیعه بسند خود از حضرت صادق از پدران
بزرگوارش علیهم الصلوة والسلام روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه وآله فرمود
که قوت مؤمن در دل اوست آیا نمی بینید که شما بدن مومن را ضعیف و جسد او را لاغر و نحیف
می یابید و او شب را بعبادت برپا داشته و روز را روزه داشته است وابن بابویه رضوان الله علیه

در کتاب فضایل شهر شعبان بسند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که قلم بر
صایم جاری نمیشود تا افطار نماید و شیخ مفید رفع الله درجته در کتاب مقنعه از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که صایم سیر میکند در باغهای بهشت و ملائکه برای او استغفار
میکنند تا افطار کند **مؤلف گوید** که ظاهر عبارت حدیث آنست که سیر کردن در باغهای
بهشت در حالت روزه باشد و مراد این باشد که آنقدر ثواب باو میدهند که گویا در باغهای بهشت
سیر میکند و محتملست که سیر کردن در باغهای بهشت در آخرت باشد و استغفار ملائکه
در دنیا باشد و کلینی رضی الله عنه بسند مرسل از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
روایت کرده است که هرگاه حادثه بکسی نازل شود روزه بدارد بدرستی که حق تعالی میفرماید
واستعینوا بالصبر والصلوة یعنی استعانت جوئید بصبر و نماز و مراد از صبر روزه است
وایضاً از علی بن سوید روایت نموده است که گفت شکایت کردم بحضرت امام موسی کاظم صلوات الله
علیه از تنگی حضرت فرمود که روزه بدار و تصدق بکن و کلینی رضی الله عنه بسند خود از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که حق تعالی
میفرماید روزه از برای من است و من جزای او میدهم و ابن بابویه در کتاب خصال بسند خود
از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله فرمود که حق تعالی
میفرماید که همه عملهای فرزند آدم برای اوست مگر روزه که از برای من است و من جزا میدهم
او را و روزه سپر بنده مؤمن است از آتش جهنم در روز قیامت چنانچه سلاح در کار دنیا
نگاه میدارد شما را و بوی دهان صایم نزد خدا خوشتر است از بوی مشک و از برای صایم
دو فرحت و خوشحالی هست یکی در وقت افطار که طعام و شراب تناول میکند و دیگری
وقتی که مرا ملاقات می کند پس او را داخل بهشت میکنم **محقق** بدانکه آنچه در این دو روایت وارد
شده که روزه از برای من است و من جزا میدهم او را در روایات بسیار باسانید معتبره وارد
شده است و در بعضی از آنها چنانچه در روایت ثانی مذکور است این تتمه نیز هست که همه
عملهای فرزندان آدم برای اوست بغیر روزه که برای من است و در این مقام دو اشکال متوجه
میشود **اشکال اول** آنکه همه عملها از حیثیت نفع و ثواب و جزای در دنیا و آخرت از برای
صاحب عملست و از جهت خلوص نیت و خلو از شوایب ریا از برای خداست پس چگونه
میفرماید که همه اعمال فرزندان آدم برای اوست بغیر روزه که از برای من است **وجواب** حق

از این اشکال

از این اشکال آنست که روزه از جمله اعمال باطنیه است و محتاج باستعمال جوارح و اعضا نیست و باین سبب
مخفی و مستور از نظرهاست و بغیر جناب مقدس حق تعالی احدی برا او اطلاع حاصل نیست چه حقیقت
روزه عبارتست از کف نفس از مفطرات و این امر قلبی است و اکل و شرب و سایر مفطرات چیزی
چند است که در خلوات می توان مرتکب نباشد که احدی بران مطلع نگردد و سایر اعمال چون باستعمال
جوارح و آلات بدنی و افعال و اعمال ظاهری موقوفست البته جمعی را اطلاع بر آنها حاصل
میشود و باین سبب سایر اعمال از طاعات و عبادات اگرچه بحسب باطن و خلوص نیت نیز مخصوص
حق تعالی است ولیکن بحسب ظاهر و استعمال الجوارح و اعضا بصاحب عمل منسوبست لیکن روزه
علاوه و جهت هست که بیک جهت بصاحب عمل منسوب و بجهت دیگر بحق تعالی منسوبست بغیر روزه
که جهت اول در آن مفقود و جهت ثانی بتنهائی در او موجود هست و باین جهت حق تعالی فرموده
که همه اعمال فرزند آدم برای اوست یعنی بحسب ظاهر بغیر عمل روزه که از برای من است **اشکال دوم**
آنکه جزای همه اعمال خیر بلکه اعمال شر را نیز حق تعالی میدهد پس چگونه در خصوص روزه میفرماید
که من جزای او را خود میدهم **وجواب** این اشکال آنست که مراد از جزا دادن حق تعالی آنست که
ما جزای عمل روزه را بملائکه نمیگذاریم بلکه خود جزای او را میدهیم زیرا که این عمل مستحق جزای
بسیار است که ملائکه اطلاع بر کمیت آن ندارند چنانچه ابن بابویه رحمه الله علیه در کتاب معانی
الاخبار بسند خود از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله روایت نموده است که حق تعالی فرموده
که همه جزای اعمال فرزند آدم بالامر بود باضعاف آنها از ده برابر تا هفتصد برابر مگر صبر
که آن از برای من است و من جزا میدهم او را پس ثواب صبر در علم الهی مخزون است و مراد از صبر
روزه است و محقق نماند که این معنی باعتبار مزید شرافت و کرامت روزه است در میان اعمال
و بعضی از علما در بیان وجه شرافت آن گفته اند که چون روزه مخفی و مستور از خلایق است بخیال
مذکور شد باین جهت از ریا دورتر از سایر اعمال است و باین جهت مزید کرامت ممتاز است و بجمعی وجوه
دیگر گفته اند **اول** آنکه روزه متضمن ترک مشتهیات و مستلذات نفسانیات از اکل و شرب
و مباشرت زنان و سایر محرمات و مکروهات و باین جهت مزید کرامت ممتاز است **دوم** آنکه
روزه متضمن خلاء جوف از کثافات و فضلات ظاهری و صفای باطن از صفات ذمیمه
نفسانیات و این صفت شبیه بصفت صمدیت حق تعالی است **سیم** آنکه بسبب روزه قوای بدنی
شهوی ضعیف و منکسر میگردد و قوت عاقله غالب و مستقل میشود و باین جهت استعداد ادراک

ومعارف وحکم بیشتر بهم میرسد ولهذا در حدیث وارد شده که حکمت داخل نمیشود در دلی که
پر از طعام باشد **چهارم** آنکه جماعت مشرکین سایر اعمال را برای غیر خدا از آلهه که از برای خود ساخته‌اند
میکردند بغیر از روزه که هیچ فرقه از فرق کفار این عبادت را برای خدایان خود بجا نیاورده‌اند
مگر طایفهٔ قلیلی از جماعتی که کواکب را عبادت میکردند و بعضی از متأخرین کرامت روزه
را مستند بجمیع وجوه مذکوره نموده‌اند و گمان فقیر آنست که این وجوه اگرچه باعث امتیاز
روزه و مزید کرامت آن هست لیکن علت زیاده بودن ثواب آن از سایر اعمال آنست که
روزه متضمن صبر است و ثواب صبر در نظر حق تعالی عظیم است و لهذا ثواب آن زیاده از ده
برابر و هفتصد برابر میدهد و در قرآن مجید میفرماید إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ
بِغَيْرِ حِسَابٍ یعنی اجر و جزای صبر کنندگان داده میشود بی حساب و اینمعنی از حدیثی که
از معانی الاخبار نقل شده ظاهر میشود چنانچه بر متأمل خبیر پوشیده نیست بلکه ظاهر میشود که
در اینکه عدد نیز مراد اینست که جزای صابرون بی‌حساب است یعنی زیاده از ده برابر است و کمیت زیادتی آن را
حق تعالی مقدار آن را میداند والله تعالی یعلم و شیخ مفید رفع الله درجته در کتاب مقنعه بسند خود
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده است که مؤمن هرگاه شب را بعبادت بر پا دارد و روز را بروزه
بدارد گناهی بر او نوشته نمیشود و گامی بر نمیدارد مگر آنکه برای او حسنه می‌نویسند و بکلمهٔ تکلم
نمیکند مگر آنکه برای او حسنه ثبت میفرمایند و اگر در آن روز بمیرد روح او را با علیین بالا میبرند
و اگر زنده باشد تا افطار نماید او را در زمرهٔ اوابین می‌نویسند **و بدانکه** بعضی از فضیلت روزه
و ثواب آن در ضمن احادیث باب سابق مذکور شد و بعضی در ضمن اخبار ابواب آینده مذکور میشود
ان شاء الله تعالی هو الموفق **باب پنجم** در بیان فضایل ماه مبارک رمضان **بدانکه**
این ماه در میان ماههای سال افضل و اشرف و اکمل از همه است و باین جهت حق تعالی روزه آن را
واجب گردانیده و آن را محل عبادت و دعا و مناجات و ثنای خود قرار داده و بیان سر آن یعنی
بر سبیل اجمال آنست که چون غرض اصلی و مقصد کلی از ایجاد عالم امکان و تکلیف بنی نوع
انسان معرفت حق تعالی و عبادت ایزد جل و علا است پس تمام اوقات زندگانی که سرمایه
تجارت معارف ربانی است باید در تحصیل این موهبت عظمی مصروف گردد و چون حکمت
بالغهٔ حکیم علی الاطلاق و مصلحت شاملهٔ معبود باستحقاق چنان اقتضا نمود که
هر فردی از افراد این نوع در امور معاش نیز محتاج و سرانجام زندگانی هر یک بسعی

و هفتصد

و تلاش باقی افراد منوط باشد لاجرم صرف تمام اوقات عمر در تحصیل معرفت و اشتغال بعبادت
متعذر است لهذا در میان ماههای سال چند ماه را ممتاز و در میان آنها یکی را اشرف و افضل
از همه گردانیده و روزه آن را واجب گردانیده و ثواب عبادت در آن را مضاعف نموده و دو ماه قبل
از آن که ماه رجب و شعبان است نیز در میان باقی ماهها بمزید کرامت ممتاز و مربوط بماه مبارک
رمضان نموده از قبیل ربطی که نوافل را با فرایض هست پس این دو ماه گویا از مقدمات ماه مبارک
رمضان و بمنزلهٔ نافلهٔ آن ماه است و بسبب عبادت در این ماه صفای باطن و خلوص نیتی
حاصل میشود و استعداد عبادت ماه رمضان تمام میشود و اگر مساهله و مسامحه در اعمال ماه
رمضان واقع شود جبران بعبادات این دو ماه واقع میشود چنانچه در سایر فرایض نیز اگر نقصی واقع
شود جبران بنوافل میشود و چنانچه نوافل در همه موارد ضعف فرایض میباشد همچنین این دو ماه
که در حکم نافلهٔ ماه رمضانست ضعف ماه مبارک رمضانست و سر در این باب در صفحهٔ اخر نیز اول
مذکور شد و از این تحقیق ظاهر میشود سر آنکه حق تعالی در میان اوقات ماه لیالی بعض و ایام بعض
بمزید فضیلت امتیاز داده و همچنین در میان اوقات هفته شب جمعه و روز آن را ممتاز و در میان
اجزای شبانه روز اوقات صلوات را امتیاز داده است و این تحقیق از جملهٔ افادات والد ماجد
علامهٔ ادام الله تعالی تأییداته است که در بعضی از مؤلفات خود ذکر نموده **و بدانکه** تسمیهٔ این ماه
مبارک برمضان بجهت آنست که رمضان مشتق از رمض است و رمض بمعنی شدت گرمی و حرارت است
و چون روزه باعث گرمی و حرارت دلهای صائمین از آتش جوع و عطش میشود باین جهة باین نام
نامیده‌اند و بعضی گفته‌اند که بجهت سوختن گناهان روزه داران و برطرف شدن آنها باین نام نامیده‌اند
و بعضی دیگر گفته‌اند که در وقت تسمیهٔ این ماه باین اسم عین شدت گرمای تابستان بوده و باین جهة
باین اسم نامیده‌اند و از احادیث و اخبار ظاهر میشود که رمضان اسم جناب مقدس الهی است و بآن جهة
نهی از گفتن رمضان بتنهائی وارد شده است چنانچه کلینی رضی الله عنه از سعد روایت کرده
که گفت ما هشت نفر در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودیم و رمضان را مذکور ساختیم
فرمود مگوئید که این رمضانست و نه رمضان رفت و نه رمضان آمد زیرا که رمضان اسمی از
اسمای مقدسهٔ خداست و ایضاً از حضرت صادق صلوات الله علیه از پدر بزرگوارش صلوات الله
علیه روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود که رمضان مگوئید و لیکن
ماه رمضان بگوئید بدرستی که شما نمیدانید که رمضان چه چیز است و اکثر علمای این نهی را

برکراهت حمل نموده اند زیرا که در روایات بسیار لفظ رمضان به تنهائی بدون لفظ شهر مستعمل شده است
واحوط رعایت این معنی است و ممکن است که استعمال لفظ رمضان به تنهائی در اخبار از عدم ضبط
واهتمام روات حدیث ناشی شده باشد والله تعالی یعلم و بدانکه احادیث و روایات در باب فضیلت
وثواب عبادت در این ماه زیاده از حد عد واحصاست چنانچه بعضی از آنها در ابواب سابقه مذکور
شد و بعضی تقریبات اعمال در ابواب آینده مذکور میشود انشاء الله و معظم آنها را بجهت مزید
رغبت مؤمنان در این ماه بطاعات و قربات در این باب مذکور میسازیم شیخ جلیل نبیل محمد بن
بابویه قمی رضوان الله علیه در کتاب عیون اخبار الرضا بسند خود از حضرت امام رضا صلوات الله علیه
از آباء طاهرین آنحضرت صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی برای ما خطبه ادا نمود و فرمود که ایها الناس
بدرستی که رو کرده است بجانب شما ماه خدا با برکت و رحمت و مغفرت ماهی که نزد حق تعالی افضل ماههاست
و روزهای آن افضل روزها و شبهای آن افضل شبها و ساعات آن افضل ساعات است ماهی که
خوانده شده اید در این ماه بضیافت خدا و گردیده اید از اهل کرامت خدا نفسهای شما در این ماه تسبیح است
و خواب شما در این ماه عبادت است و عمل شما در این ماه مقبول است و دعای شما در این ماه مستجاب است پس
سؤال کنید از حق تعالی با نیتهای صادقه و دلهای پاکیزه اینکه توفیق دهد شما را برای روزه داشتن
این ماه و تلاوت نمودن قرآن در این ماه بدرستی که شقی کسی است که محروم باشد از آمرزش حق تعالی در این ماه
بزرگ و بیاد آورید بگرسنگی و تشنگی خود در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق
کنید بر فقرا و مساکین خود و توقیر و تعظیم نمائید بزرگان خود را و ترحم کنید بر خوردسالان خود
و با ارحام و خویشان صله و مهربانی کنید و نگاه دارید زبانهای خود را از آنچه روا نباشد گفتن آن
و بپوشید دیدهای خود را از آنچه حلال نباشد نظر کردن بسوی آن و محافظت کنید گوشهای خود را
از آنچه جایز نباشد شنیدن آن و ترحم کنید بر یتیمان تا حق تعالی بر یتیمان شما ترحم کند و توبه کنید
بدرگاه حق تعالی از گناهان خود و بلند کنید دستهای خود را بدعا در اوقات نمازها بدرستی که اوقات
صلوات بهترین ساعات است و حق تعالی در آن اوقات نظر رحمت میکند بر بندگان خود و جواب
میگوید ایشان را هر گاه مناجات کنند او را و لبیک میگوید هر گاه ندا کنند او را و اجابت دعای
ایشان میکند هر گاه دعا کنند او را ایها الناس بدرستی که جانهای شما در گرو عملهای شماست پس
از گرو بدر آرید جانهای خود را باستغفار نمودن و پشتهای شما گران است از بار گناهان شما پس سبک گردانید

خود را بطول دادن سجود و بدانید که حق تعالی بعزت خود سوگند یاد نموده که عذاب نکند نمازکنندگان
و سجود کنندگان را و نترساند ایشان را باتش جهنم در روزی که ایستاده باشند بندگان در برابر پروردگار
عالمیان ایها الناس هر که افطار فرماید از شما مؤمن روزه داری را در این ماه او را ثواب آزاد کردن بنده
باشد و آمرزش برای گناهان گذشته او صحابه گفتند یا رسول الله صلی الله علیه و آله همه کس از ما
چنین نیست که قدرت بر این داشته باشد فرمود که بپرهیزید از خدا و اگر چه بنصف دانه
خرما باشد بپرهیزید از خدا اگر چه بشربت آبی باشد ایها الناس هر که در این ماه خلق خود را نیکو
کند آسان گذرد از صراط در روزی که بلغزد از آن قدمها و هر که در این ماه تخفیف نماید بر بندگان
خود خدمت را حق تعالی تخفیف نماید حساب او را و هر که در این ماه باز دارد از مردمان شر خود را
حق تعالی از او باز دارد غضب خود را در روزی که ملاقات نماید خدا را و هر که در این ماه یتیمی را
بنوازد حق تعالی او را بنوازد در روزی که ملاقات کند او را و هر که در این ماه صله کند رحم خود را
حق تعالی صله کند با او در روزی که ملاقات کند او را و هر که در این ماه قطع کند رحم خود را حق تعالی
قطع نماید از او رحمت خود را در روزی که ملاقات کند او را و هر که در این ماه سنتی بجا آورد حق
تعالی برای او برات آزادی از آتش جهنم بنویسد و هر که در این ماه فریضه ادا نماید او را ثواب کسی باشد که در
غیر این ماه هفتاد فریضه ادا کرده باشد و هر که در این ماه بسیار صلوات بفرستد بر من حق تعالی
میزان عمل صالح او را گران گرداند در روزی که میزانها سبک باشد و هر که در این ماه آیه از قرآن
مجید بخواند او را ثواب کسی باشد که ختم قرآن در غیر این ماه کرده باشد ایها الناس بدرستی که درهای
بهشت در این ماه گشوده است پس از حق تعالی سؤال کنید که نبندد آن درها را بر روی شما و درهای
جهنم در این ماه بسته است پس از پروردگار خود طلب کنید که نگشاید آن درها را بر شما و شیاطین
در این ماه غل کرده شده اند پس از خداوند خود مسئلت نمائید که مسلط نگرداند آنها را بر شما پس حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه برخواست و گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله افضل اعمال
در این ماه چیست فرمود که یا ابا الحسن بهترین اعمال در این ماه پرهیزکاری از محرمات خداست
و کلینی رضی الله عنه بسند معتبر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله
علیه و آله چون نظر میکرد بهلال ماه رمضان رو بجانب قبله میکرد و دعائی میخواند پس رو بمردم میکرد
و میفرمود که ای گروه مسلمانان بدانید که هر گاه طلوع میکند هلال ماه رمضان غل کرده میشود
متمردان شیاطین و گشوده میشود درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت و بسته میشود

درهای جهنم و مستجاب میشود دعا و حق تعالی را در هر شب آزاد کردها از آتش جهنم می باشد و هر شب
منادی ندا می کند که آیا هست سؤال کننده تا حاجتش را برآوریم آیا هست استغفار کننده تا
گناهانش را بیامرزیم خداوندا عطا کن هر که را انفاق کند در راه تو خلفی و عوضی و هر که امساک کند
و انفاق نکند مالش را تلف کن و پیوسته این ندا را در هر شب میکند تا طلوع کند ماه شوال پس ندا میکند
در شب عید مؤمن را که صباح زود بیایید بسوی جایزهای خود که آن روز جایزه است پس حضرت
امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود که بحق آن خداوندی که جان من در قبضهٔ قدرت اوست که نیست
آن جایزه مانند جایزه دینار و درهم و ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب ثواب الاعمال از آنحضرت
روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمعهٔ آخر ماه شعبان خطبه فرمود و فضایل بسیار
برای ماه مبارک رمضان ذکر نمود پس فرمود که اینماهی است که اولش رحمت است و وسطش مغفرت
گناهانست و آخرش اجابت دعواتست و آزادی از آتش جهنم و شما را در اینماه ناچار است از چهار
خصلت دو خصلت که خداوند خود را بآن راضی کنید و دو خصلت که خود محتاجید بآن
اما آن دو خصلت اول پس آنکه گواهی دهید که خداوندی نیست بجز خداوند یگانه و آنکه من
رسول و فرستاده و رسول اویم و اما دو خصلت دیگر پس آنکه از حق تعالی حاجات خود را و بهشت و
عافیت را طلب کنید و از جهنم و عقوبات بآن بخدا پناه برید و ایضا در کتاب مذکور از آن
حضرت روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که چون ماه رمضان میشد
رسول خدا صلی الله علیه و آله بر میخواست و حمد و ثنای الهی را بجا می آورد و میفرمود ایها الناس
حق تعالی کفایت کرده است از شما شر دشمن شما را از جن و انس و فرموده است ادعونی استجب
لکم یعنی دعا کنید تا مستجاب نمایم برای شما و وعدهٔ اجابت دعا بشما داده است و بدرستی که حق تعالی
هفت ملک موکل ساخته که رها نمیکند او را تا اینماه تمام شود و درهای آسمان گشوده است
در شب اول اینماه تا آخر آن و دعا در آن مقبولست و در کتاب عیون اخبار الرضا از حضرت امام
رضا علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که ماه رمضان
ماه بزرگی است حسنات در آن مضاعف میشود و سیئات در آن محو میشود و درجه ها
در آن بلند میشود و هر که تصدق کند در اینماه بصدقه حق تعالی او را بیامرزد و هر که بر بندهٔ خود
در اینماه نیکی کند خدا او را بیامرزد و کسی که خلق خود را در آن نیکو کند او را بیامرزد و کسی که خشم خود را
در آن فرو خورد او را بیامرزد و کسی که صله رحم کند در آن خدا او را بیامرزد پس فرمود که اینماه شما

مانند سایر ماهها نیست هرگاه رو می کند بشما رو میکند ببرکت و رحمت و چون پشت میکند پشت
می کند با آمرزش گناهان اینماهیست که حسنات در آن مضاعف است و اعمال خیر در آن مقبول است
هر که از شما در اینماه نماز کند و گناهان او آمرزیده نشود زیان کار خواهد بود در هنگامی که نیکو
کاران بجایزهای پروردگار کریم خود فایز شده باشند مؤلف گوید که نماز کردن که در اخر حدیث
کنایه از اسلام و ایمانست یعنی کسی که مؤمن باشد و نماز گذارنده باشد و آمرزیده نشود زیان کار است
و احتمال دارد که مراد نماز عید باشد یعنی کسی که تمام ماه را دریابد و نماز عید را بکند و گناهان
او آمرزیده نشود زیان کار و خاسر خواهد بود والله تعالی العلیم و در کتاب امالی و ثواب الاعمال
از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله چون ماه رمضان داخل میشد
همگی اسیران را از حبس رها میداد و هر سائلی که از آنحضرت سؤال میکرد چیزی باو عطا میفرمود
و کلینی رضی الله عنه بسند خود از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده است که ماه رمضان
ماه خداست و روزه آن بر شما واجبست پس هر که آنرا روزه بدارد با ایمان و نیت صحیح از گناهان
خود بیرون رود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و ابن بابویه رحمه الله علیه در کتاب عقاب
از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که اگر بدانید نعمتهای مقرر
شده در ماه رمضان هر آینه شکر حق تعالی را زیاده میکردید پس فرمود که چون شب اول ماه رمضان
شود بیامرزد حق تعالی همه گناهان امت مرا گناهان پنهان و آشکار ایشان را و بلند کند درجه برای شما
دو هزار هزار درجه و بنا کند برای شما پنجاه هزار هزار مدینه و در روز دوم بنویسد برای شما بهر
گامی که بردارید در آن روز عبادت یکساله را با ثواب پیغمبری و بنویسد برای شما روزه یکساله را و در روز
سیم عطا فرماید بشما بموئی که در بدن شما باشد قبهٔ در فردوس از در سفید که در بالای آن قبه
دوازده هزار خانه باشد از نور و در هر خانه هزار سریر و بر هر سریری حوری نشسته باشد و بر شما
داخل شود در هر روز هزار ملک و با هر ملکی هدیه باشد برای شما و در روز چهارم عطا نماید
بشما در جنة الخلد هفتاد هزار قصر و در هر قصری هفتاد هزار خانه و در هر خانه پنجاه هزار
سریر که بر هر سریری حوری نشسته باشد و با هر حوری هزار کنیزک بوده باشد که یکی از آنها
بهتر باشد از دنیا و آنچه در دنیاست و در روز پنجم عطا کند بشما در جنة الماوی هزار
هزار مدینه و در هر مدینه هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار مایده و هر مایده
هفتاد هزار ظرف و در هر ظرفی شصت هزار لون طعام که بعضی ببعضی شبیه

باشد و در روز ششم کرامت فرماید بشما در دار السلام صد هزار مدینه و در هر مدینه صد هزار سرا
و در هر سرای صد هزار خانه و در هر خانه صد هزار سریر طلا که طول هر سریری هزار ذراع باشد
و بر هر سریری زنی نشسته باشد از حور العین که بر سر او سی هزار گیسو باشد بافته شده به در و یاقوت
و هر گیسوی را صد کنیز برداشته باشد و در روز هفتم عطا فرماید بشما در جنة النعیم
ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق و در روز هشتم عطا نماید بشما ثواب عمل شصت
هزار عابد و شصت هزار زاهد را و در روز نهم عطا کند بشما اجر عطا فرماید بهزار عالم
و هزار معتکف و هزار مرابط و در روز دهم برآورد هفتاد هزار حاجت شما را و استغفار
کند برای شما آفتاب و ماه و ستارگان و چهارپایان و مرغان و درندگان و هر سنگی و کلوخی
و هر تری و خشکی و همه ماهیان دریا و برگهای درختان و در روز یازدهم کرامت فرماید
بشما ثواب چهار حج و چهار عمره که هر حجی با پیغمبری از پیغمبران و هر عمره با صدیقی یا شهیدی کرده باشید
و در روز دوازدهم سیئات شما را بحسنات مبدل سازد و حسنات شما را با ضعاف مضاعف
گرداند و بهر حسنه برای شما هزار هزار حسنه بنویسد و در روز سیزدهم بنویسد برای شما
مثل عبادت اهل مکه و مدینه و عطا کند بشما بعدد هر سنگ و کلوخی که در ما بین مکه و
مدینه است شفاعتی و در روز چهاردهم چنان باشید که گویا ملاقات کرده باشید آدم
و نوح و ابرهیم و موسی و داود و سلیمان علیهم السلام او گویا عبادت کرده باشید حق تعالی را
با هر پیغمبری دویست سال و در روز پانزدهم قضا نماید حق تعالی پانزده حاجت از حوائج
دنیا و آخرت شما را و عطا فرماید بشما اجری که عطا نموده باشد بایوب علیه السلام و دعای شما را مستجاب
گرداند و حاملان عرش برای شما استغفار کنند و در روز قیامت عطا فرماید بشما چهل نور
ده نور از جانب راست و ده نور از جانب چپ و ده نور از پیش رو و ده نور از پشت سر شما
و در روز شانزدهم عطا کند بشما شصت حله که چون از قبر بیرون آیید بپوشید و ناقه که سوار
شوید و ابری بفرستد برای شما که سایه افکند بر سر شما از حرارت آن روز و در روز هفدهم
فرماید که بدرستی که آمرزیدم شما را و پدران شما را و دفع کردم از شما شداید روز قیامت را
و در روز هجدهم امر فرماید جبرئیل و میکائیل و اسرافیل علیهم السلام را و حاملان
عرش و کروبیان را که استغفار کنند برای امت محمد صلی الله علیه و آله تا سال آینده و عطا
کند بشما در روز قیامت ثواب اهل بدر را و در روز نوزدهم این کرامت را بشما عطا کند

که چون از دنیا بروید هیچ ملکی در آسمانها و زمین نماند مگر آنکه هر روزه طلب رخصت کند از پروردگار
عالمیان در زیارت کردن قبور شما و چون بزیارت شما آیند هر ملکی با خود هدیه و شرابی
برای شما آورده باشد و در روز بیستم بفرستد بسوی شما هفتاد هزار ملک که محافظت
کنند شما را از هر شیطان رجیمی و بنویسد برای شما هر روزی که روزه داشته باشید روزه صد سال را
و بگرداند میان شما و آتش جهنم خندقی و عطا کند بشما ثواب کسی که خوانده باشد توریة و انجیل و زبور
و فرقان را و بنویسد برای شما بعدد هر پری که جبرئیل دارد عبادت سالی و عطا کند بشما
ثواب تسبیح عرش و کرسی را و تزویج نماید بشما بعدد هر آیه از قرآن هزار حوری و در روز بیست و یکم
این کرامت را فرماید که چون در قبر قرار گیرید فراخ گرداند از برای شما هزار فرسخ را و دفع کند
از شما ظلمت و وحشت را و بگرداند قبور شما را مانند قبور شهدا و بگرداند روهای شما را مانند روی
حضرت یوسف علیه السلام و در روز بیست و دوم تفضل کند بر شما که چون ملک موت روح را بقبض
شما بفرستد بیاید و چنانچه برای قبض روح پیغمبران می آمده و رفع کند از شما هول منکر و نکیر را
و دفع نماید از شما هم دنیا و عذاب آخرت را و در روز بیست و سیم تفضل نماید بر شما آنکه عبور
کنید از صراط با پیغمبران و صدیقان و شهدا و چنان باشید که سیر کرده باشید هر یتیمی از امت مرا
و پوشانیده باشید هر عریانی از امت مرا و در روز بیست و چهارم کرامت فرماید بشما آنکه بیرون
نروید از دنیا تا ببینید مکان خود را در بهشت و عطا نماید هر که از شما ثواب هزار مریض و
هزار غریب که در طاعت خدا از منزل خود بیرون رفته باشد و عطا کند بشما ثواب آزاد کردن
هزار بنده از فرزندان اسمعیل را و در روز بیست و پنجم بنا کند حق تعالی برای شما در زیر
عرش خود هزار قبه سبز که بر سر هر قبه خیمه از نور بوده باشد و حق تعالی فرماید که ای امت
احمد صلی الله علیه و آله من پروردگار شمایم و شما بندگان و کنیزان منید در سایه عرش من در آیید
در این قبها و بخورید و بیاشامید گوارا باد شما را بدرستی که نیست خوفی بر شما و نه اندوهی
ای امت احمد صلی الله علیه و آله بعزت و جلال خودم سوگند که شما را بسوی بهشت میفرستم که تعجب
کنند از شما اولین و آخرین و بهر یک از شما تاجی از نور عطا فرمایم و سوار کنم هر یک از شما را بر ناقه
که آنرا از نور خلق نموده باشم و افسار آن ناقها از نور باشد و در آن افسار هزار حلقه باشد
از طلا و بر هر حلقه ملکی از ملائکه چسبیده باشند و بیست هر ملکی عمودی از نور باشد تا آنکه
داخل بهشت شوید بی حساب و در روز بیست و ششم حق تعالی نظر رحمت کند بسوی شما و بیامرزد

همه گناهان شما را مگر اینکه خون کسی یا مال کسی بر ذمهٔ شما باشد و نگاه دارد شما را هر روز هفتاد مرتبه
از غیبت و دروغ و بهتان و در روز **بیست و هفتم** چنان باشد که گویا هر مومن و مومنه را نصرت
و یاری نموده باشید و هفتاد هزار عریان را کسوه داده باشید و هزار مرابطه را خدمت کرده باشید
و خوانده باشید هر کتابی را که حق تعالی فرستاده است بر پیغمبران خود و در روز **بیست و هشتم**
کرامت فرماید در جنة الخلد صد هزار مدینه از نور و در جنة المأوی صد هزار قصر از نقره و در جنة
النعیم صد هزار خانه از عنبر خوشبو و در جنة الفردوس صد هزار شهر و در هر شهری صد هزار حجره
و در جنة الخلد صد هزار منبر از مشک که در جوف هر منبری هزار خانه از زعفران و در هر خانه
هزار سریر از در و یاقوت که بر هر سریری زنی نشسته باشد از حور العین و در روز **بیست و نهم**
عطا فرماید بشما هزار هزار محله که در جوف هر محله قبهٔ سفیدی باشد و در هر قبه سریری از کافور
سفید باشد و بر هر سریری هزار فرش گسترده باشد از سندس سبز و بر بالای هر فرشی حوری
باشد و آن حوری هفتاد هزار حله پوشیده باشد و هشتاد هزار گیسو داشته و هر گیسوئی
مکلل بدر و یاقوت باشد پس چون روز **سیم** شود بنویسید برای شما بعدد هر روزی که گذشته است
برای شما ثواب هزار شهید و هزار صدیق و بنویسید برای شما عبادت پنجاه ساله را و بنویسید برای شما
بعدد هر روزی روزهٔ دو هزار روزی و بلند گرداند درجات شما را بعدد آنچه رویانیده است
در زمین از آب نیل و بنویسید برای شما خلاصی از آتش جهنم و گذشتن بر صراط را و امانی
و ایمن بودن از عذاب الهی و برای بهشت دریست که آنرا ریان گویند و آن گشوده نمیشود تا
روز قیامت و آنرا بگشایند برای مردان روزه دار و زنان روزه دار امت محمد صلی الله علیه و آله
و رضوان خازن بهشت گوید که ای امت محمد صلی الله علیه و آله بیائید بسوی ریان پس امت من داخل
شوند از آن در بسوی بهشت و ابن بابویه رضی الله عنه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که برای حق تعالی در هر شب از شبهای ماه رمضان آزاد کردها
از آتش جهنم مگر کسی که بمسکر افطار کرده باشد یا عداوت با خدا و رسول داشته باشد یا صاحب
شاهین باشد یعنی شطرنج بازی کند و چون شب آخر ماه شود بقدر آنچه در تمام ماه آزاد
کرده در آنشب آزاد کند و سید ابن طاوس نور الله مضجعه در کتاب اقبال از آنحضرت روایت
کرده است که چون شب اول ماه رمضان شود حق تعالی بیامرزد هر که را خواهد از خلایق
و چون شب دوم شود دو مثل شب گذشته را بیامرزد و همچنین هر شب را مضاعف نماید

تا چون شب آخر ماه شود دو برابر تمام شبهای گذشته را در آنشب بیامرزد و ابن بابویه رحمة الله علیه
در کتاب ثواب الاعمال از آنحضرت روایت نموده است که هر که آمرزیده نشود در ماه رمضان
آمرزیده نشود تا سال آینده مگر آنکه موقف عرفات را دریابد و ایضا در کتاب مذکور از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که از برای خدا ملکی چند هست موکل بروزه داران
و استغفار میکنند برای ایشان در روزهای ماه رمضان تا آخر آن و در هر وقت افطار
ندا میکنند ایشان را که ای بندگان خدا بشارت باد شما را به سببی که گرسنه شده اید اندکی و زود
باشد که بسیار سیر شوید با برکت شدید و برکت در میان شما بهم رسید و چون شب آخر شود
ندا کنند ایشان را که ای بندگان خدا حق تعالی گناهان شما را آمرزید و توبهٔ شما را قبول نمود پس نظر
کنید که بعد از این چگونه خواهید بود و احمد بن محمد بن عیسی در کتاب نوادر از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام در حدیث طویلی روایت کرده است که ماه رمضان ماه حق تعالی است
تهلیل و تکبیر و تحمید و تسبیح در این ماه بسیار بکنید و این ماه بهار فقراست چنانچه حق تعالی عید
قربان را برای سیری مساکین از گوشت مقرر فرموده است پس اطعام کنید از آنچه زیاد آید نعمتهای
الهی بر عیال خود و همسایگان خود و نیکو مجاورت نمائید با نعمتهای الهی و با برادران خود صله
و مهربانی کنید و فقرا و مساکین از برادران خود را اطعام کنید به سببی که هر که افطار فرماید
صائمی را برای اوست ثواب روزه آن صائم بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و ماه رمضان
ماه عتق نامیده می شود زیرا که برای خدا در هر شبانه روزی ششصد عتیق از آتش جهنم
هست و در آخر ماه بقدر آنچه در تمام ماه آزاد کرده آزاد می نماید و شیخ طوسی قدس الله روحه
در کتاب امالی از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده است که حق تعالی
بعد از نماز واجب از هیچ نمازی سؤال نمیکند و بعد از دادن زکوة از هیچ صدقه سؤال نمیکند
و بعد از گرفتن روزه ماه مبارک رمضان از هیچ روزه سؤال نمیکند و ابن بابویه رحمة الله علیه
در کتاب خصال از حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که ده ماه
رمضان متوالی را روزه دارد داخل بهشت میشود و در این مقام چند فایده که تنبیه بر آنها
ضرورست مذکور میسازیم **فایدهٔ اول** بدانکه در بسیاری از روایات سابقه مذکور است
که شیاطین را در این ماه در غل و زنجیر میکنند و بر آن اشکالی متوجه میشود که فایدهٔ حبس شیاطین
آنست که مردم ترک متابعت شیاطین کنند و معاصی را مرتکب نشوند و خلاف این معنی

بحسب ظاهر از احوال بعضی از مردم مشاهده میشود چه معصیت کفار و ارباب ملل فاسده و عقاید
باطله ثابت و محکوم بهر است و همچنین متابعت شهوات نفسانی نسبت بفساق و فجره ناجیه
امامیه معلوم است بلکه از غیر معصومین صلوات الله علیهم اجمعین معصیت و خطا در
اینماه صادر میشود و از معصوم اگرچه صادر نمیشود ولکن اختصاص باینماه ندارد و سید ابن طاوس
قدس الله روحه در کتاب اقبال بعد از ذکر اخبار و اثر باین مطلب گفته است که یکی از اهل دین
این شبهه را از من پرسید و گفت که من تفاوتی در حال خود در ماه رمضان و پیش از آن نمی
یابم بلکه همان غفلتی را که قبل از ماه رمضان برای من بود در ماه رمضان نیز در خود می بینم
پس سید گفته که من چند جواب باو گفتم **اول** آنکه ممکن است که در حبس نیز قدری اذیت ایشان
برسد و اگر شیاطین محبوس و مغلول نباشند ضرر اخروی و دنیوی ایشان بیشتر باشد پس ثمره
حبس ایشان دفع زیادتی ضرر ایشان است نه اصل ضرر ایشان **دویم** آنکه ممکن است که بحسب ظاهر حدیث طائفه
از شیاطین اختصاص داشته باشد و شیاطین اینماه را غل کنند و شیاطین ماههای دیگر
مطلق العنان باشند و از ایشان اذیت بمردم رسد **سیم** آنکه ممکن است که شیاطین را
از اذیت و اغوای مومنین منع کرده باشند و از اغوای کفار و فسقه ممنوع نباشند **چهارم**
آنکه ممکن است که شیاطین را همگی در غل کرده باشند بغیر ابلیس که شیطان بزرگ و پدر همه
و اغوای که بمردم میرسد از او باشد **پنجم** آنکه همگی شیاطین محبوس و مغلول باشند و نفس
اماره و شیاطین انس باعث اغوای مردم شوند **ششم** آنکه همگی شیاطین محبوس باشند و فطن
و گناهانی که بندگان قبل از ماه رمضان کرده اند باعث غفلت ایشان شود و بر صد بر
پوشیده نیست که بعضی از این جوابها رفع اشکال اصلا نمیکند و بعضی در نهایت ضعف است
بغیر جواب پنجم که بحسب ظاهر صحیح و اشکال را نیز دفع می نماید و جد علامه ام مولانا محمد باقر
مجلسی قدس الله روحه نیز او را در دفع این شبهه اختیار نموده است و الحجر در دفع این اشکال
بخاطر این حقیر شکسته میرسد آنست که الطاف خاصه حق تعالی و توفیقات و تاییدات
کریم جل و علا در اینماه زیاده از ماههای دیگر است چنانچه در هر شب چندین هزار کس را
از آتش جهنم آزاد میکند و ثواب طاعات و عبادات در اینماه نیز چندین برابر مضاعف است
و هر که توفیق یک عمل خالص در اینماه بیابد هر چند بسیار قلیل باشد البته امرزیده میشود
و جزای معاصی نیز اگرچه در اینماه مضاعف است ولکن بسیار نادر است که عمل خیری از اهل

معاصی صادر نشود و بسبب آن امرزیده نشود لااقل توفیق اصل عمل خیر را می یابد و باین سبب مستحق
ثوابهای نامتناهی میشود و اذیت و اغوای شیاطین اگرچه بندگان را بمعصیت میاندازد لیکن
ثمره بر آن مترتب نمیشود چه فیوضات خاصه الهی و الطاف مخصوصه غیر متناهی تدارک آنها
میکند زیرا که بآن سبب توفیق اعمال خیر می یابد هر چند بسیار قلیل باشد و امرزیده میشود پس
غل کردن شیاطین کنایه است از عدم تاثیر آن و فقدان حصول ثمره اغوای ایشان و الله تعالی
یعلم **فایده دویم** بدانکه در روایات بسیار وارد شده است که ماه مبارک رمضان اول سال است
چنانچه بعضی از آنها گذشت و بعضی بعد از این بتقریب اعمال مذکور میشود و ایضا سید ابن طاوس
قدس الله روحه در کتاب اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده
که ماه رمضان اول سال است و در بعضی از روایات وارد شده است که اول سال شب قدر است
چنانچه بعد از این مذکور میشود ان شاء الله تعالی و در بعضی از روایات مذکور است که روز
عید رمضان اول سال است چنانچه در خزینه چهارم ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد و مشهور
میان عرب و مفهوم از بعضی روایات آنست که اول سال محرم است و وجه جمع میان این روایات
آنست که این امور باختلاف عبادات مختلف میشود پس اول سال شرعی از حیثیت اشتغال
بطاعات و عبادات ماه مبارک رمضان است و ممکن است که نکته در این باب چنانچه سید ابن
طاوس قدس الله نفسه در کتاب اقبال ذکر نموده این باشد که شواهد عقلی و نقلی شهادت
میدهد باینکه ابتداء دخول در هر کاری نمونه آن کار است چنانکه اگر اول شغل در ساعت
نیک اتفاق افتد و بخیر و خوبی محفوف باشد آن شغل بر نیکی باتمام میرسد و بقیه آن بخیر
و خوبی میسر گردد و چون ماه مبارک رمضان اشرف و افضل ماههای سال و محل عبادت
خداوند کریم متعال است و فیوضات لایتناهی در آن ماه آناً فآناً بمردم افاضه میشود لهذا آنرا اول سال
عبادات گردانیده که اول سال بخیر و خوبی و عبادت و طاعت محفوف باشد و این معنی باعث آن شود
که بقیه سال نیز بطاعت ایزد کریم و عبادت خداوند واجب التعظیم طی شود و اول سال تقدیرات امور و ارزاق
و آجال و وقایع سالها در آن سال شب قدر است و اول سال جواز اکل و شرب روز عید ماه مبارک
رمضان است و اول سال عرفی بجهت تشخیص آجال معاملات و ضبط تواریخ وقایع سالها و امثال
اینها محرم است و الله تعالی یعلم **فایده سیم** بدانکه اینماه چنانچه در میان ماهها افضل از همه است همچنین
در میان اوقات اینماه بعضی نسبت بسایر اوقات اشرف و اکمل است مانند شب نوزدهم و بیست و یکم

وبیست وسیم وماند عشر آخر نظر به عشر اول وماند شبهای طاق نسبت بشبهای جفت وتفصیل
هر یک در محل مناسب انشاء الله تعالی مذکور میشود وماند جمعهای این ماه نظر بسایر اوقات چنانچه
ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب ثواب الاعمال از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است
بدرستی که روزهای جمعهای ماه مبارک رمضان فضیلت وزیادتی هست بر جمعهای ماههای دیگر
مانند فضیلت ماه رمضان بر ماههای دیگر ودر نسخهٔ دیگر چنین است که مانند فضیلت حضرت
رسالت صلی الله علیه وآله بر پیغمبران دیگر **ختام** شیخ جلیل نبیل قطب راوندی رضی الله عنه در
کتاب قصص الانبیا بسند خود از رئیس المحدثین شیخ صدوق ابن بابویه رحمه الله علیه روایت کرده
وسند را متصل نموده ببحر مواج حقایق حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه وعلی آبائه
الطاهرین وابنائه المطهرین که آنحضرت فرموده که در کتاب حضرت دانیال پیغمبر علیه السلام نوشته است
که هر سالی که در ماه مبارک رمضان آفتاب بگیرد در رمضان هرکجا پادشاه فارس اطاعت کنند وروم
بر عرب واهل علیه غلبه عظیم بهم رسد وثانیا ایشان بر روم غالب شوند وغنیمت واسیران بسیار از ایشان بگیرند
وهر سالی که در ماه رمضان ماه بگیرد در بلاد جبل سرمای سخت شود وبرف وباران بسیار بسیار ودر دواب
بسیار باشد ودر زمین فارس [illegible] بسیار بهم رسد ودر شهرهای ماه مرگ اطفال وزنان بسیار شود
والله تعالی یعلم حقایق الامور **باب ششم** در بیان بعضی از فواید واحکام
متعلقه بماه مبارک رمضان ودر آن چند لمعه است **لمعهٔ اول** در بیان کیفیت دخول ماه
مبارک رمضان بدانکه مشهور میان علمای شیعه رضوان الله علیهم آنست که مناط دخول ماه مبارک
رمضان وخروج آن مانند سایر ماههای دیگر از رؤیت هلال است وهر شبی که هلال ماه مبارک
رمضان مرئی شود روز آن شب غرهٔ ماه مبارک رمضان است خواه از غرهٔ ماه شعبان بیست ونه
روز گذشته باشد یا سی روز وهمچنین هر شبی که هلال شوال نمودار شود روز آن عید وغرهٔ
ماه شوال است خواه از غرهٔ ماه رمضان بیست ونه روز گذشته باشد یا سی روز وبر این مدعا
شواهد بسیار هست مثل ظاهر آیات کریمه وصریح اخبار متکثره متظافره وکلام لغویین وارباب
محاورات واهل لسان نیز بر این قول دلالت دارد وجمعی دیگر از قدمای علما مانند جعفر بن محمد بن
قولویه ومحمد بن علی بن بابویه وشیخ سعید شیخ مفید قدس الله ارواحهم وبعضی دیگر از قدما قایل شده اند
که ماه شعبان همیشه ناقص وبیست ونه روز است وماه رمضان همیشه تمام وسی روز است ومیگویند
که ابتدای سال قمری غرهٔ محرم است وماه ذی الحجه تمام میشود وماه اول سال تمام است وماه دوم

در احکام متعلقه بماه رمضان

ناقص است وسیم تمام وچهارم ناقص وهمچنین یک درمیان تمام وناقص می باشد تا آنکه ماه آخر که ذی الحجه است
ناقص است پس شش ماه تمام اند که آن محرم وربیع الاول وجمادی الاولی ورجب وماه رمضان وذی القعده
وشش ماه همیشه ناقص است که آن صفر وربیع الثانی وجمادی الثانی وشعبان وشوال وذی الحجه است
واین طایفه را اصحاب عدد میگویند وظاهر بسیاری از احادیث واخبار بر این قول نیز دلالت میکند
ولیکن بعضی از آنها مقدوح السند وبرخی مقدوح الدلالة است چنانچه شیخ طایفه شیخ طوسی رحمه الله
درجه ودر کتاب تهذیب اکثر آنها را تاویل نموده وبعضی را بالمره طرح کرده است وذکر روایات
طرفین وجرح وتعدیل آنها مناسب این کتاب نیست وقول اول اقوی واشهر بلکه مجمع علیه میان
متاخرین علماست حتی آنکه شیخ طوسی در کتاب تهذیب گفته که اصحاب عدد قومی اند شذاذ از مسلمین
وقریب به پنجاه حدیث بر رد آنکه هر یک از آنها صریح در مذهب مشهور است ذکر نموده وگفته است که
اخبار این مطلب زیاده از این است وانتقاد کتب ایشان اثبات مدعا می نماید وسید ابن طاوس قدس
روحه در کتاب اقبال گفته که این اختلاف قبل از زمان ما بوده والحال اصلا در میان شیعه
جماعتی از علما که من دیده ام یا قول ایشان را شنیده ام قایل بمذهب مشهورند وگفته که کتابی تالیف
محمد بن علی کراجکی دیدم که او نیز در اول حال از جمله اصحاب عدد بوده وبعد از آن کتابی دیگر
تالیف نموده مسمی بکافی ودر آن کتاب رجوع از قول اول نموده بمذهب مشهور قایل شده
ودر آن کتاب گفته که شیخ مفید علیه الرحمه در کتاب لمح البرهان از جمله اصحاب عدد بوده ومبالغه
زیاد در آن باب نموده وثانیا کتابی تالیف نموده مسمی بمصابیح النور ودر آن کتاب رجوع
از مذهب اهل عدد نموده قایل بمذهب مشهور شده است واز غرایب آنست که ابن بابویه
رضوان الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه اولا بابی عقد نموده واحادیث دال بر مذهب مشهور را نقل
نموده وتاویلی نقل نکرده است وبعد از آن در ابواب بعد از آن دو سه حدیث که دلالت بر عدد
میکند ذکر نموده ونهایت مبالغه در حقیت عدد نموده است وبالجمله متابعت قول مشهور متحتم
ولازم است ومناط روزه داشتن وافطار نمودن بر دیدن هلال است یا گذشتن سی روز
تمام از غرهٔ ماه شعبان یا ماه رمضان پس اگر خود دیده باشد هر چند تنها باشد اگر ماه رمضان باشد
روزه واجب میشود واگر ماه شوال باشد افطار واجب است وآن روز عید است واگر خود
ندیده باشد شرعا باید رؤیت دیگران ثابت شود پس اگر شهادت بشود بحد شیاع رسد یا علم
وعلم از شهادت ایشان حاصل شود بلا خلاف رؤیت شرعا ثابت است واگر بحد شیاع نرسد

جمعی از علما بشهادت دو عادل اکتفا نموده اند خواه ایشان از اهل آن بلد باشند یا خارج آن و خواه
هوا ابر باشد یا صاف باشد و بعضی گفته اند که اگر هوا صاف باشد و ابر و غبار و بخاری نباشد بگفته
از پنجاه شاهد یا دو شاهد عادل از خارج بلاد قریبه مانند مسافت میان بغداد تا کوفه و قول
اول اقوی و موافق روایات معتبره صحیحه است و اگر نزد حاکم شرع بثبوت شرعی برسد آیا برای دیگران
کافی است و بحکم حاکم شرع عمل میتواند نمود یا نزد هر کس باید ثابت شود و حکم حاکم شرع بی فایده است
در این باب خلافست شیخ شهید علیه الرحمه و بعضی از اعاظم متاخرین قول اول را اختیار نموده اند و
والد علامه ام ادام الله ظلاله قول ثانی را ترجیح نموده و در این باب رساله علیحده مبسوط مشتمل بر تحقیقات
جلیله تالیف فرموده است و این قول اقوی و احوط است و اگر کسی ماه را قبل از ظهر ببیند
یا نزد او بثبوت رسد آیا آن روز غره آن ماه است یا این رؤیت اعتبار ندارد و این روز سلخ ماه سابق است
در این باب نیز خلافست و اقوی نزد جمعی از محققین قول اول است و مسئله محل تامل و اشکال است
والله تعالی یعلم و بدانکه بعضی از قراین و امارات برای دانستن غره ماه در کتب علما مسطور است
که اکثر علما بآنها عمل ننموده اند و لیکن چون بعضی از آنها در روایات وارد شده و نادری از علما
بر بعضی نیز عمل نموده اند لهذا در این کتاب بذکر آنها مبادرت می نمایم اول اخبار منجمین بآنکه اول ماه
فلان روز است چنانچه در تقاویم می نویسند و علمای شیعه بآن عمل ننموده اند مگر نادر شاذی
که اسم قایل آن نیز معلوم نیست چنانچه شیخ طوسی در کتاب خلاف از شاذ نادری از شیعه و علامه
در منتهی از بعضی از اهل سنه قول بثبوت ماه از تقویم را نقل نموده و این قول بسیار ضعیف و فاسد است
دویم غایب شدن هلال بعد از زوال شفق سیم طوق زدن هلال و این دو علامت در روایات
وارد شده است چنانچه بسند ضعیف از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هلال
هرگاه پیش از شفق غایب شود یک شبه است و اگر بعد از شفق غایب شود دو شبه است و ایضا
بسند معتبر از آنحضرت مرویست که هرگاه هلال طوق زند دو شبه است و هرگاه سایه سر خود را در
روشنائی آن ببینی بیان سه شبه است و ابن بابویه رحمه الله علیه در کتاب مقنع بعلامت اول
عمل نموده و شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب تهذیب در حالتی که هوا صاف نباشد و ابر یا غباری
باشد بهر دو علامت عمل نموده و باقی علما هیچیک از این دو علامت را اصلا مناط اعتبار ندانسته اند
این دو روایت را طرح نموده اند و بگمان فقیر طرح این دو حدیث ضروری نیست و ممکنست که این
دو علامت علامت دخول ماه در واقع و نفس الامر باشد و لیکن شارع از آن اعتبار ننموده

در دانستن غره ماه

بلکه

بلکه مناط تکلیف بروزه و افطار بر رؤیت هلالست نه علامات واقعی والله تعالی یعلم چهارم
سید ابن طاوس قدس الله نفسه در کتاب اقبال بسند خود از ابو الهیثم محمد بن ابراهیم روایت کرده است
که او از پدرش روایت نموده که داخل شدم بر حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه در روزی
که مردم شک داشتند که آن روز از ماه مبارک رمضان بود یا نه پس چون نظر حضرت بر من افتاد فرمود
که ای ابراهیم تو از کدام طایفه امروز را روزه داشته یا نه عرض کردم که فدای تو شوم برای تحقیق
این معنی بخدمت تو آمده ام فرمود که من بتو تعلیم می نمایم اصلی را که هرگاه ضبط نمائی از آن هرگز شک
برای تو حاصل نشود عرض کردم که ای مولای من منت گذار بر من باین ضابطه فرمود که هرگاه روز
اول ماه محرم را بدانی کافی است برای تو از دانستن اول ماه رمضان عرض کردم که چگونه روز اول
ماه رمضان را از اول محرم طلب نمایم فرمود که چون اول ماه محرم را ببینی که چه روز است پس اگر
یکشنبه اول محرم باشد یکی را ضبط کن و اگر دوشنبه باشد دو تا را ضبط کن و اگر سه شنبه باشد
سه و همچنین تا اگر شنبه باشد هفت را ضبط کن و عدد ماههای خود را که دوازده است بر او زیاد کن
و از مجموع این عدد هفت هفت طرح کن و ببین چه قدر باقی می ماند اگر هفت باقی ماند شنبه را
روزه بدار و اگر شش باقی ماند جمعه را روزه بدار و اگر پنج باقی ماند پنجشنبه و همچنین تا اگر یک باقی
ماند یکشنبه را روزه بدار و علما باین روایت عمل ننموده اند و سید ابن طاوس گفته که شاید این
روایت مخصوص وقتی دون وقتی و حالی دون حالی و انسانی دون انسانی بوده باشد و ظاهر
سید نخواسته است که روایت را بالمره طرح نماید لهذا این کلام مجمل مبهم را ذکر نموده و مراد او ظاهرا
این است که شاید این روایت مخصوص بعضی از اوقات یا بعضی از احوال یا بعضی اشخاص باشد
و حقیقت آن بر ما معلوم نباشد و جد علامه ام مولانا محمد تقی رفع الله درجته گفته است که ضابطه
که در این روایت مذکور است با طریقه اصحاب عدد که یکماه از سال را تمام و یکی را ناقص میدانند
چنانچه در صدر مقصد اشاره بآن شد موافق است زیرا که موافق این قاعده هرگاه اول ماه محرم
روز یکشنبه باشد عدد یک را ضبط می نمائیم و دوازده را بآن اضافه می کنیم سیزده می شود و چون
هفت را از او اسقاط نمائیم شش باقی می ماند و روز غره ماه مبارک رمضان جمعه خواهد بود
و این قاعده با قاعده اصحاب عدد که ابتدا از ماه محرم می نمایند و آن را تمام و صفر را ناقص و همچنین
یکی را تمام و یکی را ناقص حساب میکنند مطابق است زیرا که اول محرم هرگاه یکشنبه باشد و ماه
محرم را سی تمام حساب میکنیم اول ماه صفر روز سه شنبه میشود و ماه صفر چون ناقص است

و بیست و نه است اول ماه ربیع الاول چهارشنبه میشود و ماه ربیع الاول چون تمام است اول ماه
ربیع الثانی جمعه میشود و چون ماه ربیع الثانی ناقص است اول ماه جمادی الاولی شنبه
میشود و ماه جمادی الاولی چون تمام است اول ماه جمادی الثانی دوشنبه میشود و ماه جمادی
الثانی چون ناقص است اول ماه رجب سه شنبه میشود و ماه رجب چون تمام است اول ماه
شعبان پنجشنبه میشود و ماه شعبان چون ناقص است اول ماه رمضان جمعه میشود و همچنین
اول ماه محرم اگر دوشنبه باشد موافق ضابطه که در روایت مذکور است اول ماه رمضان
شنبه میشود و مطابق ضابطه اصحاب عدد نیز چنین است و همچنین سایر ایام هفته هر روزی
که اول محرم باشد مطابق این دو ضابطه اول ماه رمضان استخراج میشود و هر دو قاعده
با یکدیگر مطابق است و اختلافی ندارد و ضابطه آسان تر درین باب آنست که هر روزی که
اول محرم است اول ماه رمضان قبل از آن روز بدو روز خواهد بود پس اگر اول محرم یکشنبه
باشد اول رمضان جمعه است و علی هذا القیاس و مخفی نماند که این روایات موافق است بر تحقیق
اگرچه صحیح است لیکن مانند سایر روایات دال بر مذهب اصحاب عدد این روایت نیز دلالت
بر مذهب ایشان میکند و لهذا علما بآن عمل ننموده اند والله تعالی یعلم **پنجم** کلینی رضی الله عنه
و سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت
کرده اند که با ابو بصیر فرمود که هرگاه روز اول ماه رجب را ابدا فی ثنا تا روز پنجاه و نه روز بشمار
و روز شصتم روزه بدار و سید گفته که این روایت منبی است بر آنکه ماه رجب یا شعبان یکی کدام
ناقص باشد و ممکن است که در آن سالی که حضرت این حدیث را با ابو بصیر فرموده چنین
اتفاق افتاده باشد و منظور حضرت خصوص آن سال باشد نه ضابطه کلیه که در جمیع سنوات
جاری شود و جد علامه ام مولانا محمد تقی رفع الله درجته این روایت را نیز مانند روایت سابق
بر طریقه اصحاب عدد حمل نموده زیرا که موافق طریقه ایشان ماه رجب از شهور تامه و ماه شعبان
از شهور ناقصه است پس البته روز شصتم از اول ماه رجب غره ماه رمضان خواهد بود پس این روایت
نیز دلالت بر مذهب اصحاب عدد میکند و باین جهت علما عمل بآن نکرده اند **ششم** کلینی و شیخ طوسی
قدس الله روحهما و دیگران از عمران زعفرانی روایت نموده اند که گفت بخدمت حضرت صادق
علیه السلام عرض کردم که در عراق گاه هست که یک روز و دو روز و سه روز ابر میشود و آسمان
گرفته میشود و هلال ظاهر نمیگردد پس ما چه روز را روزه بداریم فرمود که ملاحظه کن که در سال

کذشته

گذشته چه روز را روزه داشته و از آن روز بشمار و روز پنجم را روزه بدار و بر این مضمون چند حدیث
دیگر نیز وارد شده است چنانچه سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال ذکر نموده و شیخ طوسی
رضی الله عنه در کتاب تهذیب این حدیث را حمل نموده بر آنکه روز پنجم را بنیت روزه بدارد اگر
ظاهر شود که از ماه رمضان بوده بروزه ماه رمضان حساب میشود و اگر از ماه رمضان نبوده ثواب
روزه سنت برای او خواهد بود زیرا که این روز یوم الشک است و روزه یوم الشک مستحب است
نه واجب و اگر آخر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده بروزه واجب محسوب میشود چنانچه بعد از این
حکم آن بتفصیل مذکور میشود و عبارت حدیث ابا از این معنی ندارد زیرا که در حدیث مذکور نیست
که روز پنجم از ماه رمضان است بلکه فرموده است که آن روز را روزه بدارد و مخفی نماند که این تاویل
دور و علامت سابق نیز جاری میشود چنانچه بر متامل خبیر پوشیده نیست و جد علامه ام مولانا
محمد تقی قدس الله سره این حدیث را نیز مانند دو روایت سابق بر طریقه اصحاب عدد حمل نموده زیرا
که هرگاه فرض کنیم که غره ماه رمضان گذشته شنبه باشد و ماه رمضان بنا بر طریقه ایشان از
شهور تامه است پس اول شوال دوشنبه میشود و چون شوال از شهور ناقصه است اول ذی قعده
سه شنبه میشود و ذی قعده از شهور تامه و اول ذی الحجه پنجشنبه و ذی الحجه ناقص و اول محرم جمعه
و محرم تمام و اول صفر یکشنبه و صفر ناقص و اول ربیع الاول دوشنبه و ربیع الاول تمام و اول
ربیع الثانی چهارشنبه و ربیع الثانی ناقص و اول جمادی الاولی پنجشنبه و جمادی الاولی تمام و اول
جمادی الثانی شنبه و جمادی الثانیه ناقص و اول رجب یکشنبه و رجب تمام و اول شعبان سه شنبه
و شعبان ناقص و اول ماه مبارک رمضان چهارشنبه میشود و چون اول ماه رمضان گذشته
شنبه بوده چون از آن روز بشماریم پنجم آن چهارشنبه میشود پس این حدیث نیز مانند سایر احادیث دلالت
بر طریقه اصحاب عدد و دلالت بر مذهب ایشان میکند و باین جهت علما بمضمون آن عمل ننموده اند
و بدانکه ماه ذی الحجه موافق طریقه اصحاب عدد در اکثر سنوات از شهور ناقصه است مگر در بعضی
از سنوات که بر بعضی از جهات آن را از شهور تامه و سی روز تمام اعتبار میکنند و آنها را سال
کبیسه مینامند و تحقیق معنی کبیسه و ذکر جهت اعتبار آن در بعضی از سنوات بطول میخواهد که مناسب
این کتاب نیست و این علامت که در این حدیث مذکور است در سال غیر کبیسه بنا بر طریقه ارباب
عدد مستقیم است چنانچه دانستی و در سال کبیسه صحیح نیست زیرا که ماه ذی الحجه در آن سال تمام است
بلکه در سال کبیسه صحیح نیست زیرا که ماه ذی الحجه در آن سال تمام است بلکه در سال کبیسه روز ششم

از غرهٔ ماه رمضان گذشته غرهٔ ماه رمضان امسال خواهد بود چنانچه بعد از تامل در جدول ظاهر
میشود والله تعالی یعلم **تحقیق** بدانکه سید ابن طاوس طیب الله رمسه در کتاب اقبال گفته که مذاکره
از شیوخ بمن رسیده است و سند از ندیده‌ام که از یکی از ائمه علیهم السلام مرویست که فرموده که
روز روزهٔ شما روز نحر شماست یعنی روز غرهٔ ماه رمضان و روز عید قربان یک روز است و
جد علامه امام مولانا محمد تقی مجلسی قدس الله روحه این حدیث را نیز بطریقهٔ اصحاب عدد تنزیل نموده است
زیرا که هرگاه غرهٔ ماه رمضان روز شنبه باشد بطریقهٔ اصحاب عدد روز اول ماه ذی الحجه پنجشنبه
میشود چنانچه در شرح حدیث سابق مذکور شد و هرگاه پنجشنبه غرهٔ ذی الحجه باشد عید قربان
روز شنبه میشود و با غرهٔ رمضان موافق میشود و جد علامه امام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه
در مجلد سما و عالم از کتاب بحار الانوار ذکر نموده که در روایتی تتمه نیز برای این حدیث مذکور است
که روز عاشورا و روز عید رمضان یکیست و این معنی در سال غیر کبیسه صحیح نیست زیرا که در صورت
مفروضه هرگاه اول ذی الحجه پنجشنبه و ذی الحجه از شهور ناقصه در غیر سال کبیسه است غرهٔ محرم
جمعه میشود و عاشورا روز یکشنبه میشود و چون غرهٔ ماه رمضان در این سال شنبه بوده و ماه
رمضان از شهور تامه است پس روز عید دوشنبه میشود و با عاشورا مطابق نمیشود و در سال کبیسه
صحیحست زیرا که ذی الحجه در آن سال تمام است و غرهٔ محرم شنبه میشود و عاشورا دوشنبه میشود
و با روز عید رمضان مطابق میشود و بدانکه سید ابن طاوس در این مقام اشتباه غریبی نموده
زیرا که این حدیث را از جملهٔ امارات و علامات غرهٔ ماه مبارک رمضان نقل نموده است و بر متفکر
خبیر مستور نیست که علامت غرهٔ ماه رمضان از این حدیث معلوم نمیشود بلکه علامت غرهٔ ماه
ذی الحجه و عید قربان از آن مفهوم میشود لهذا امام علیه السلام فرموده که روز روزهٔ شما روز نحر
شماست و نفرموده که روز نحر شما روز روزهٔ شماست و بیان این معنی آنست که هرگاه اول ماه رمضان
شنبه باشد اول ذی الحجه پنجشنبه میشود چنانچه دانستی پس از غرهٔ ماه رمضان غرهٔ ذی الحجه و عید
قربان معلوم میشود و از غرهٔ ذی الحجه غرهٔ ماه رمضان بانطریق معلوم نمیتواند شد زیرا که
هرگاه غرهٔ ذی الحجه پنجشنبه باشد و عید قربان شنبه باشد غرهٔ ماه رمضان آینده چهارشنبه
میشود چنانچه در شرح حدیث سابق بتفصیل مذکور شد و روز عید قربان با روز غرهٔ ماه
رمضان مطابق نمیشود والله تعالی یعلم حقایق الاحکام **هفتم** سید ابن طاوس نور الله تربته
در کتاب اقبال گفته که بعد از تالیف کتاب اقبال کتاب عتیق کهنه دیدم که در آن کتاب ضابطهٔ

برای معرفت غرهٔ هلال هر ماه نوشته بود و ضابطهٔ مذکوره اینست که هرگاه خواهی که روز عرفه را که
روز نهم ذی الحجه است و روز اول ماه رمضان را از هر سالی بدانی پس ملاحظه کن هلال ماه
محرم را و غرهٔ ماه محرم را ضبط کن و از آن روز بشمار پنجم آن روز عرفه و ششم آن روز غرهٔ ماه رمضانست
مثلا هرگاه غرهٔ ماه محرم شنبه باشد چهارشنبه عرفه و پنجشنبه غرهٔ ماه رمضان خواهد بود و اگر هلال
ماه محرم از تو مخفی و مستور شود پس ملاحظه هلال ماه صفر بکن و از غرهٔ ماه صفر بکن و از
غرهٔ ماه صفر بشمار سیم آن عرفه و چهارم آن غرهٔ ماه رمضانست پس هرگاه غرهٔ صفر شنبه باشد
دوشنبه عرفه و سه شنبه غرهٔ ماه رمضانست و اگر هلال صفر بر تو مشتبه شود هلال ماه ربیع
الاول را ضبط کن و از روز اول آن بشمار روز دوم آن عرفه و سیم آن غرهٔ ماه رمضانست و اگر
هلال ربیع الاول را ندانی اول ماه ربیع الثانی را ضبط کن و از آن روز بشمار هفتم آن عرفه
و هشتم آن غرهٔ ماه رمضانست و اگر اول ربیع الثانی را ندانی از اول جمادی الاولی بشمار ششم
آن عرفه و هفتم آن غرهٔ ماه رمضانست و اگر اول جمادی الاولی را ندانی اول جمادی الثانی را
بشمار چهارم آن عرفه و پنجم آن غرهٔ ماه رمضانست و اگر اول جمادی الثانی را ندانی از اول
ماه رجب بشمار سیم آن عرفه و چهارم آن اول ماه رمضانست و اگر اول ماه رجب را ندانی
از اول ماه شعبان بشمار اول آن عرفه و دوم آن غرهٔ ماه رمضانست و اگر اول ماه شعبان را
ندانی هلال ماه مبارک رمضان را ببین و از آن روز بشمار هفتم آن عرفه و پنجم آن غرهٔ ماه
رمضان آینده است و اگر غرهٔ ماه رمضان بر تو مشتبه شود هلال شوال را ببین و از آن روز بشمار
پنجم آن عرفه و سیم آن غرهٔ ماه رمضانست و اگر اول شوال مشتبه شود از اول ذی القعده بشمار
چهارم آن عرفه و پنجم آن اول ماه رمضانست و اگر اول ذی القعده را ندانی از اول ذی الحجه
بشمار نهم آن عرفه و هفتم آن غرهٔ ماه مبارک رمضانست و جد علامه امام مولانا محمد تقی قدس الله
روحه این ضابطه را نیز بطریقهٔ اصحاب عدد تنزیل نموده است و ذکر حساب آن موجب اطناب
و از کلمات سابقه بر متدبر بصیر پوشیده و مستور نیست والله تعالی هو الموفق للحق و العفو
فی کل باب **لمعهٔ دوم** در بیان حکم روزهٔ یوم الشک بدانکه یوم الشک روز سی‌ام ماه
شعبانست هرگاه در شب آن ماه دیده نشود و برای مردم شک حاصل شود که این روز سلخ ماه
شعبانست یا غرهٔ ماه مبارک رمضان و موافق طریقهٔ اصحاب عدد و طریقهٔ جمعی که
بامارات سابقه عمل نموده اند چنانچه در لمعهٔ سابق مذکور شد روزهٔ این روز واجب است

وموافق طریقهٔ مشهور میان علما که من حیث الدلیل اقوی و معمول به اعاظم علما در اکثر اعصار است
که مدار وجوب صوم وافطار بر رؤیت هلال است چنانچه تفصیل این قول نیز در صدر لمعه
سابق مذکور شد روزه این روز واجب نیست و در میان ایشان خلافی نیست که اگر این روز را
بر نیت ماه شعبان روزه بدارد و اظهر ثابت شود که از ماه رمضان بوده است این روزه هر چند
بر نیت سنت واقع شده از روزه ماه رمضان مجزی است و قضا در کار نیست و بر طبق این روایات
بسیار وارد شده است چنانچه بسند صحیح از سعید اعرج منقول است که گفت بخدمت حضرت
صادق علیه السلام عرض کردم که من یوم الشک را روزه داشتم و ظاهر شد که از ماه رمضان بود
آیا این روز را قضا کنم حضرت فرمودند نه بلکه روزی است که توفیق یافته بروزه داشتن آن
و در روایت دیگر از محمد بن حکیم منقول است که گفت سؤال کردم از حضرت ابی الحسن علیه السلام
از روزه یوم الشک و گفتم که مردم یعنی اهل سنت میگویند که هر که روزه باشد در این روز عاصی
کسی است که افطار کرده باشد در ماه مبارک رمضان فرمودند که دروغ میگویند اگر از ماه رمضان
بود روزیست که توفیق یافته بروزه داشتن آن و اگر از ماه رمضان نیست بمنزلهٔ روزهای گذشته
ماه شعبان است و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است
که روز یوم الشک را باید روزه داشت بنیت ماه شعبان نه بر نیت ماه رمضان زیرا که نهی
از آن وارد شده است پس اگر اظهر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده است مجزی است از روزه
ماه رمضان بتفضل حق تعالی و نه بنیت قربت و نه بنیت دیگر زیرا که اگر یقین باشد که از
ماه رمضان است نیت قربت کافی نیست و نیت قربت در جائی کافی است که مستند ظاهری نداشته
باشد و در یوم الشک سندش معلوم است و احادیث بر این مضمون بسیار و معمول به است
بالجمله در باب اجزاء روزهٔ این روز بر نیت شعبان از روزهٔ ماه رمضان اگر ظاهر شود که از
ماه رمضان بوده خلافی بنظر نرسید ولیکن آیا مستحب است روزه داشتن این روز بر نیت ماه
شعبان یا نه در این باب خلاف است اکثر علما باستحباب مطلقا قایل شده اند و محقق در
معتبر از شیخ مفید علیه الرحمه نقل نموده است که مستحب است روزهٔ این روز هر گاه هوا ابر باشد
و شک در دیدن هلال بهم رسد و اگر هوا صاف باشد و ماه دیده نشود و شک حاصل نشود
مستحب نیست بلکه مکروه است مگر کسی که قبل از این روز را روزه داشته که نسبت باو مستحب است
و این قول بسیار ضعیف و مستند ظاهری برای او بنظر نرسید و اگر این روز را بر نیت واجب

وانیکه از ماه مبارک رمضان روزه بدارد مشهور میان علما آنست که مجزی نیست آن روزه نه از ماه
شعبان و نه از ماه رمضان و اگر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده واجب است که آن روز را قضا کند
و ابن ابی عقیل و ابن جنید و شیخ طوسی در بعضی از کتبش در این صورت مجزی داشته اند و قضا
لازم ندانسته اند و قول اول اقوی و احوط و موافق روایات معتبره است چنانچه بسند صحیح از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که فرمود در باب کسی که یوم الشک را روزه دارد بقصد ماه رمضان
که قضا بر او لازم است هر چند ظاهر شود که از ماه رمضان بوده و از حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه
منقول است که ما شما را در باب روزه یوم الشک امر میکنیم و نهی میکنیم امر میکنیم که روزه بدارید
بقصد ماه شعبان و نهی میکنیم که روزه بدارید آنرا بر نیت ماه رمضان و اگر کسی قضای ماه رمضان
یا روزه نذر یا عهد یا یمین بر او لازم شده باشد و این روز را بر نیت یکی از آنها روزه دارد مشهور
میان اصحاب آنست که مجزی نیست نه از روزهٔ ماه رمضان و نه از آن واجبی که نیت کرده هر چند ظاهر
شود که از ماه رمضان نبوده و اگر کسی روزه دارد این روز را و در نیت تردید کند که اگر از ماه
رمضان باشد روزه واجب داشته باشد و الا سنت بعضی گفته اند مجزی است و جمعی بعدم
اجزا قایل شده اند بلکه اگر ظاهر شود که از ماه رمضان بوده واجب است که قضا کند والله تعالی یعلم
حقایق الاحکام و حججه الکرام علیهم التحیة و الاکرام **لمعه ششم** در بیان نیت روزه ماه مبارک
رمضان بدانکه در هر عبادتی واجب است که نیت مقارن جزو اول آن عبادت واقع شود بغیر از
روزه که مقارنت نیت با جزو اول آن شرط نیست بلکه هر جزوی از اجزاء شب بعضی صلاحیت دارد
که نیت در آن واقع شود و خلاف واضحی در این باب بنظر نرسید مگر آنکه جمعی از سید مرتضی علیه الرحمه
نقل کرده اند که او گفته وقت نیت روزهٔ واجب قبل از طلوع صبح تا زوال آفتاب است و علما کلام او را
بر حالت اضطرار حمل نموده اند نه بر حالت اختیار چنانچه بعد از این ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد
پس اگر کسی در اول شب نیت روزه بکند و بخواب رود و بعد از طلوع صبح بیدار شود روزه اش صحیح است
و سر در این باب دو چیز میتواند بود **اول** آنکه جزو اول وقت روزه ابتدای طلوع صبح است و آن
معلوم نمیتواند شد مگر بعد از انقضای قدری از زمان طلوع پس دانستن جزو اول حقیقی از
اجزاء زمان روزه متعذر است لهذا شارع در روزه مقارنت نیت را با جزو اول آن اعتبار
نفرموده است بخلاف سایر عبادات که مقارنت با جزو اول آنها نهایت سهولت دارد **دویم**
آنکه وقت نیت روزه شب است و شب محل استراحت و خواب و اکثر مردم ممکن است که در آخر شب

در خواب باشد لهذا از راه تسهیل امر بر مردم شارع ظرف نیت روزه را تمام شب قرار داده که در هر جزئی
از اجزاء آن میتواند نیت کند و اگر در زمان مقارن طلوع در خواب بوده باشد ضرر نداشته باشد
و در این باب نیز خلافی نیست که اگر بعد از نیت در شب فعل منافی روزه از او صادر شود مانند اکل و شرب
و مباشرت زنان و مانند آن نیت فاسد نمیشود و احتیاج بتجدید نیت بعد از آن فعل نیست مگر شیخ
شهید علیه الرحمه که در کتاب بیان در مثل مباشرت زنان و امثال آن مانند استمنا و احتلام که موجب
جنابت است تامل نموده و احتمال وجوب تجدید نیت بعد از آن داده و این احتمال هر چند بسیار ضعیف است
و لیکن تجدید نیت بعد از غسل در این صورت احوط است و همچنین خلافی نیست در آنکه جایز نیست
تاخیر نیت از جزء آخر شب در حالت اختیار مگر ظاهر کلام سید مرتضی طاب ثراه چنانچه مذکور شد
و ابن جنید علیه الرحمه گفته است که در روزه واجب و سنت تجدید نیت بعد از زوال نیز میتوان کرد هرگاه
در شب بخاطرش باشد یا فراموش کرده باشد و اگر نیت را در شب فراموش کند مشهور میان علما آنست
که تا قبل از زوال نیت میتواند کرد اگر مفطری بعمل نیاورده باشد و لیکن در هر وقت که بخاطرش
آید واجب است که فی الفور نیت کند و تاخیر ننماید بلکه ظاهر کلام محقق در معتبر و علامه در منتهی
و تذکره آنست که اجماع علمای امامیه بر این معنی منعقد شده است و لیکن بعضی از علما از ابن ابی عقیل نقل
کرده اند که در میان عامد و ناسی فرقی نکرده و در هر دو صورت اگر نیت در شب واقع نشده باشد
ببطلان روزه قایل شده و بعضی از محققین متاخرین نیز در این مقام تامل نموده اند لهذا احوط
در این صورت قضا است و اگر عمداً نیت را در شب ترک نماید و بعد از طلوع صبح قبل از زوال نیت
کند پس اگر واجب معین است مانند ماه رمضان یا نذر معین مشهور میان علما آنست که روزه اش
باطل است و قضا میکند و کفاره لازم نیست و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و این احوط است
و اگر واجب غیر معین است مانند قضای ماه مبارک رمضان و نذر مطلق پس بالاجماع ضرر ندارد
و آن روزه صحیح است و تا قبل از ظهر نیت میتواند کرد و در ظهر و بعد از ظهر خلاف است و مشهور میان
علما آنست که وقت نیت گذشته است و آن روزه صحیح نیست و ظاهر کلام ابن جنید استمرار وقت نیت است
مادام که قدری از روز باقی مانده باشد در این صورت و این قول نزد بعضی از محققین متاخرین
قوی و قول مشهور احوط است و اگر روزه سنت باشد پس خلافی نیست که تا اول زوال نیت
میتواند کرد و در ما بعد زوال خلاف است بعضی گفته اند که تا نزدیک بشام نیت میتواند کرد
و این قول مختار جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی رفع الله درجته و جمعی از محققین است

و بعضی گفته اند که اگر قبل از زوال نیت کند ثواب روزه تمام روز را دارد و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب آن
روزه بعد از نیت تا شام را دارد و بدانکه روزه هر روزی از روزهای ماه مبارک رمضان بر تنهائی
عبادت مستقلی است و محتاج بنیت جدیدی است و لیکن سید مرتضی و شیخ مفید و شیخ طوسی قدس
الله ارواحهم و جمعی دیگر از فقها قایل شده اند که یک نیت برای تمام ماه رمضان در اول آن کافی است
و سید بر این معنی دعوی اجماع نموده است و احوط تجدید نیت است برای هر روزی بر تنهائی و اگر
قبل از ماه رمضان نیت روزه تمام ماه را بکند و بعد از دخول ماه سهوا تجدید نیت نکند موافق مشهور مجزی
نیست و شیخ طوسی رحمه الله باجزا قایل شده است و این قول ضعیف و از احتیاط بعید است اینست کیفیت و
آداب نیت در شب **واما** روزه باید که صایم فعلی که منافی روزه باشد در اثنای روز بعمل نیاورد مثل
خوردن و آشامیدن و جماع کردن و مانند آن پس اگر شخصی در اثنای روزه قصد آن چیز فعل کند
گناه کار است اگر چه آن را بعمل نیاورد و میان مجتهدین خلاف است که آیا بمجرد این قصد روزه باطل
میشود یا نه مشهور عدم بطلانست و استدلال کرده اند بر آن بآنکه منافی صوم را اگر فقها تعداد کرده اند
قصد افطار را از آنجمله نشمرده اند و بآنکه نیت افطار منافی نیت صوم است نه منافی بقای حکم صوم
که بنیت محقق میشود و لهذا بخواب و غفلت از آن باطل نمیشود باجماع و همه علما اتفاق کرده اند که اگر
خواب کند یا غفلتی دست دهد تجدید نیت در کار نیست و همان نیت اول کافی است و از ابو الصلاح
نقل شده که او حکم بفساد صوم بآن کرده است و گفته است که موجب قضا است نه کفاره چنانچه
در کتاب بیت و استدلال کرده است بآنکه در حکم نیت بودن تا آخر روز را شرط کرده اند
و آن با نیت افطار جمع نمیشود و اصل آنست که با نیت باشد در جمیع اجزای روز و چون آن بنهایت تعسر دارد
در حکم آن بودن را بدل آن قرار داده اند و در حکم نیت بودن غیر این معنی ندارد که قطع آن نیت منافی
نکند پس چون نیت منافی حکم نیت باقی نمی ماند و بانتفاء شرط که در حکم نیت بودن است مشروط که
صوم است منتفی میشود بآنکه در آن جزو از روز که در آن نیت افطار واقع میشود بیقین نیت صوم
محقق نیست نه حقیقتا و نه حکما و چون عبادت بی نیت نمیباشد صوم او در آن جزو منتفی خواهد بود
و انتفاء جزو مستلزم انتفاء کل است و در دلیل جانبین جای حرف هست و حق آنست که مرجع خلاف در این
مسئله آنست که بر حکم نیت بودن در جمیع اجزای صوم شرط است یا نه شیخ طوسی و سید مرتضی
و شیخ ابو القاسم در معتبر بر عدم اشتراط رفته اند و از سید در مدارک رجحان این قول مفهوم
میشود بواسطه آنکه اصل براءت ذمه است از اشتراط آن و فتوی در این باب وارد نیست فی الجمله

مسئله جای تردد است و جمعی که روزه را بآن باطل میدانند بعضی گفته اند که بعد از آن تجدید نیت
لازم است چنانچه علامه در منتهی تصریح بآن کرده است و گفته است اگر تجدید نیت نکند تا آخر روز
روزهٔ او صحیح نخواهد بود و قضای آن بر او واجب است و سید در مدارک این رای را پسندیده است
و گفته است که نزاع بر سر آنست که قصد افطار مفسد صوم است یا نه اگر هست روزه باطل است و
قضا باید کرد و اگر نیت مبطل صوم بفعل نیامده است روزه صحیح است و تجدید نیت روزهٔ باطل را
صحیح نمیکند و بر تقدیر بطلان آیا همین قضا لازم است یا کفاره نیز لازم میشود در اینجا نیز خلاف است
و اصح آنست که قضا لازم است اما کفاره لازم نیست والله یعلم **واما** کیفیت نیت روزه پس در ماه مبارک
رمضان نیت میکند که فردا روزه میدارم قربة الی الله تعالی و اکثر محققین همین قدر را کافی دانسته اند
و تقیید بوجوب و خصوص روز معین را در کار ندانسته اند و بعضی باستحباب قید تعیین و وجوب
قایل شده اند و در روزه نذر معین خلاف است جمعی از فقها خصوصا بعضی از متاخرین در این صورت
نیز مانند روزه ماه رمضان تعیین و وجوب را لازم نمیدانند و شیخ طوسی و جماعتی قید تعیین را و بعضی
قید وجوب را نیز ضرور دانسته اند و قول اول اقوی و قول دوم احوط است و در روزه واجب غیر
معین اکثر فقها بلکه همگی تعیین را واجب میدانند و در قصد وجوب خلاف است و اقوی آنست
که در کار نیست و احتیاط در تقییدات و همچنین در روزهای سنتی قصد تعیین لازم است و تقیید
باستحباب علی الاقوی ضرور نیست و احوط تقییدات والله تعالی یعلم **واما تحقیق** حقیقت نیت و بیان
معنی آن پس در این باب اشتباه بسیار واقع شده و اکثر حقیقت آنرا حسب الواقع نفهمیده اند و چون
تحقیق این مسئله از مهمات است زیرا که نیت بمنزله روح عبادات است و عبادات به نیت از عادات
امتیاز می یابد و شرط عمدهٔ همگی اعمال نیت است لهذا در این کتاب کشف قناع از حقیقت آن
مینماییم بدانکه تحقیق در این باب آنست که بعضی از عوام و اوساط الناس را گمان این است که نیت آن
لفظی است که در هنگام شروع در اعمال مانند وضو و نماز و غیر آن بآن تلفظ می نمایند هر چند در
خاطر ایشان معنی نیت نباشد و این باجماع علما و شهادت عقل بی فایده و لغو است و بعضی
از این مرتبه ترقی نموده اند نیت را بخاطر گذرانیدن آن الفاظ و تصور معانی آنها میدانند
و این نیز خطاست زیرا که ثمرهٔ نیت اخلاص در عمل است و عمل را از ریا و شرک بخدا بعید بودن
و ظاهر است که این تصور و تعقل این ثمره را نمی بخشد مثلا اگر کسی تارک الصلوة باشد و هرگز نماز
نکند و روزی بشنود که بزرگی بمسجد آمده و زری بطلبها قسمت می نماید و از برای همین غرض

در نیت صوم

وضو بسازد و بمسجد آید و در برابر آن بزرگ بهمین قصد متوجه نماز شود و لیکن در خاطر بگذراند
که نماز واجب بجا می آورم قربة الی الله تعالی و همهٔ اعمال نماز را بجا آورد البته نماز او باطل است
بالکه معانی آن الفاظ را تعقل و تصور نموده است پس معلوم شد که تعقل و تخیل آن الفاظ و
احضار معانی آنها در خاطر نیز نیت نیست بلکه تحقیق در این باب آنست که نیت بر دو معنی اطلاق
میشود **اول** آنکه مقارن فعل قصد و عزم بر اتیان آن فعل داشته باشد و آن فعل از روی غفلت
و سهو از او صادر نشود مثلا هرگاه کسی بقصد غسل جنابت داخل حمام شود و جنابت را فراموش کند
و بقصد تطهیر و تنظیف سر را در آب فرو برد و بیرون آید این شخص نیت غسل نکرده و این فرو رفتن
او در آب بغسل او محسوب نیست بالاجماع و باید مرتبهٔ دیگر نیت کند و غسل نماید و اگر جنابت را در
خاطر داشته و باین جهت سر را در آب فرو برد غسل کرده و نیت داشته هر چند تلفظ بلفظی نکند و آن
معانی را نیز در خاطر نگذرانیده و تحصیل نیت باین معنی در نهایت آسانی است و بسیار نادر است که
کسی از آن خالی باشد و لهذا بعضی از محققین گفته اند که اگر ما را تکلیف می نمودند که عبادات را
بی نیت بجا آوریم این تکلیف ما لا یطاق بود **دوم** علت غائی و محرک و باعث بر ارتکاب آن عمل
چه افعال اختیاریه عقلا خالی از غرض و داعی نمیباشد و باین معنی عزم معنی اول است مثلا هرگاه
شخصی متوجه بازار شود و از او سؤال کنی که بکجا میروی در جواب میگوید ببازار میروم این نیت
بمعنی اول است که در نفس او هست و اگر بگوید که بجای دیگر میروم دروغ گفته است و از خلاف
نیت خود خبر داده است و اگر از او بپرسی که چرا ببازار میروی میگوید میروم که متاع بگیرم
این نیت بمعنی دوم است زیرا که باعث حرکت او همین امر شده است و چون هیچ فعلی بدون
باعث و محرکی و سببی در نفس الامر نمیباشد لاجرم عبادات و طاعات را نیز محرکی و سببی در نفس
الامر می باشد که آن نیت بمعنی دوم است و اصل این نیت مشکل نیست و لیکن اخلاص در آن
در نهایت اشکال است و مدار کمال و صحت عبادت بر اخلاص در این نیت است و این اخلاص را
در وقت نماز بمجرد بهم گذاشتن و حرکات و سواسیانه کردن تحصیل نمی توان نمود بلکه
در مدتهای مدید بریاضات و مجاهدات و تفکرات صحیح بعد از توفیق الهی تدریجی از آن
ممکن است تحصیل شود زیرا که این نیت تابع حالت آدمی است و تا حال خود را متبدل نسازی
این نیت متبدل نمیشود و توضیح و تفصیل این معنی موقوف بذکر بعضی از مراتب نیات است بدانکه
بنای این عالم بر عشق و محبت است و هر کسی را معشوقی و مقصودی می باشد که مطمح نظر او

وباقي چيزها را بر تبعيت ان طلب ميکند ودر جميع اعمال وافعال وطاعات وعبادات نيت او تحصيل
ان مطلوب مي باشد وان مطلوب بر دو قسم است قسم اول مطلوب فاسد واين قسم افراد بسيار دارد
ودر اين مقام بذکر دو فرد که غالب مردم مفتون بانها گرديده اند اکتفا مي نمائيم اول محبت مال وچنين
کسي پيوسته فکر وخيال او متوجه تحصيل مال است ودر ميان عبادات هر عبادتي که ثمرات اخرويه
مانند رفع درجات وقرب درگاه قاضي الحاجات را داشته باشد اصلا متوجه نمي شود واقدام
بانها نميکند وعبادات واجبه را مانند نمازهاي شبانه روزي وامثال ان که بجا مي اورد نيز بان قصد
ميکند که مبادا مردم باو بي اعتقاد شوند ومال او را بگيرند يا حق تعالي مال او را از او سلب نمايد وفقير شود
وچنين کسي تا اين حالت با اوست مال پرست است ومعبود حقيقي او مال است ونيت او در جميع
افعال واعمال وعبادات وطاعات تحصيل وابقاي مال است وباين جهة در حديث نبوي صلي الله
عليه واله وارد شده که ملعون ملعون من عبد الدينار والدرهم يعني ملعون ودور از رحمت الهي است
هر که دينار ودرهم را بپرستد زيرا که هيچ کس دينار ودرهم را خداي خود قرار نداده وانها را سجده نکرده است
بلکه مراد از پرستيدن همين معني است که بيان شد دويم محبت جاه واعتبار وچنين شخصي را ابدا
اعتباري در نظر او ندارد وپيوسته طالب جاه واعتبار مي باشد ودر جميع اعمال خود ملاحظه مي نمايد
که اگر سود با اعتبار وجاه او هست ميکند والا ترک ميکند ودر ميان عبادات هر عبادتي را که در
ثواب ان نوشته اند که در نظرها عزيز ميشوند تفحص مي نمايد وانرا بجا مي اورد وباقي عبادات که ثواب
او رفع درجات اخرويست هر چند بحسب سند صحيحه باشد اصلا رغبت نميکند ولهذا اگر صاحب منصبي را
ببيند باو ميل مي نمايد وان صاحب منصب نيز فريب ميخورد وگمان ميکند که اين شخص از راه کمال
او با او محشور ومختلط است واگر اعتبار او زايل شود وبديگري برسد بجانب ان ميل کند ومطلق
ومعشوق خود را هر که ببيند با او مربوط ميکند واين فرد منشعب بشعبهاي بسيار ميشود مثل
انکه يکي مجرد عزت ميان مردم را خواهش دارد وديگري حب رياست وسرکردگي دارد وديگري
ميخواهد که ميان مردم معروف بصلاح وسداد باشد وهر يک مطلب باطلي را پيش نهاد خاطر کرده
درميان عبادات انچه معين بران باشد انتخاب ميکند وباقي را ترک مي نمايد وافراد ديگر نيز براي
مطلوب فاسد هست که حال اينها از حال اين دو فرد مذکوره ظاهر ميشود وشکي نيست که اگر غرض وباعث
او بر عبادت محض اين اغراض فاسده مذکوره باشد عبادات او باطل است واگر اغراض مذکوره
استقرار تمامي در نفس او بهم نرسانيده ومبطل اخروي نيز منظور او هست مرائي است ودر بطلان

عبادتش اشکالي هست ومشهور بطلانست وبالجمله اعظم افات عبادات اين نيات فاسده است
ودر مرتبه شرک بخداست چنانچه ابن بابويه رحمه الله عليه بسند معتبر از حضرت صادق صلوات الله
عليه روايت کرده است که حضرت رسالت پناه صلي الله عليه واله فرمود که اجتناب کنيد از ريا
بدرستي که ان شرک بخداست ومرائي را در روز قيامت بچهار نام ندا ميکنند که اي کافر اي بدکردار
اي مکار اي زيانکار ثواب عمل تو بر طرف شد ومزد تو باطل شد وتو امروز بهره نيست
ومزد خود را از انکسي که براي او کار کردة طلب کن وايضا بسند صحيح از حضرت امام موسي کاظم
عليه السلام روايت کرده که رسول خدا صلي الله عليه واله فرمود که روز قيامت حق تعالي جماعتي را
امر ميفرمايد که بجهنم برند پس خطاب ميفرمايد بمالک که بگو باتش که قدمهاي ايشانرا نسوزاند که ايشان
بپاي خود بمساجد ميرفتند وروهاي ايشانرا نسوزاند که وضو را تمام وکامل ميساختند ودستهاي
ايشانرا نسوزاند که بدعا بدرگاه من برميداشتند وزبانهاي ايشانرا نسوزاند که قران بسيار ميخواندند
پس خازن جهنم بايشان گويد که اي اشقيا چه کرده ايد که باوجود اين اعمال مستحق جهنم شده ايد ايشان در جواب
گويند که ما عبادات را براي غير خدا ميکرديم در اين روز بما گفتند که مزد خود را از کسي بگيريد که
عبادت براي او ميکرديد وايضا بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام روايت کرده است که لقمان
پسر خود را وصيت نمود که مرائي را سه علامت است چون تنهاست در عبادت سستي ميکند
ودر حضور مردم مردانه بعبادت قيام مي نمايد وهر کار ميکند توقع دارد که او را بان کار ستايش کنند
وعلي بن ابرهيم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه روايت کرده که رسول خدا صلي الله عليه واله
فرمود که هر که براي مردم نماز کند مشرک است وهر که زکوة براي مردم دهد مشرکست وهر که براي مردم
روزه بدارد مشرک است وهر که براي مردم حج کند مشرک است وهر که اوامر الهي را براي مردم بجا
اورد مشرکست وخدا قبول نميفرمايد عمل ريا کننده را وروايات واخبار در اين باب بسيارست و
معالجه ريا باين نحو ميشود که شجره ملعونه حب دنيا را که منشاء اغراض فاسده ومطالب باطله است
از بستان دل خود قطع نمايد بلکه ريشه انرا از دل بيرون اورد که مبادا بعد از ان ديگر سبز شود
چنانچه نقل کرده اند که شخصي در پاي درختي نشسته بود ومناجات مشغول ذکر خدا شود
وبا حضور قلب عبادت کند جانوري چند امده بران درخت نشستند واوازها بلند کردند
از حضور قلب باز ماند برخاست وانها را دفع کرده ونشست وچون مشغول شد باز جمع شدند
واوازها بلند کردند وچند انکه انها را ميراند فايده نميکرد شخصي رسيد وگفت اي برادر تا اين

باقی است ازان جانوران خلاصی ممکن نیست اگر میخواهی خلاص شوی درخت را بر کن چنین کرد
وفارغ شد واین سخن فی الحقیقه تنبیهی است برانمعنی که تا در دل آدمی درخت محبت دنیا
ریشه دارد مرغان خواهشها وخیالات را دفع نمیتوان کرد وبرای خلاصی ازانها قطع وقلع
آن درخت ضرورت وقلع آن بریاضات مشروعه وتفکرات صحیحه میشود که تفصیل آنها از اخبار
واحادیث مفهوم میشود وسرمایه آن توسل بجناب اقدس ربانی وتفکر در فنای این نشأه فانی
وبی اعتباری جاه ومال وسرعت زوال مشتهیات وآمال وتامل در عدم حصول نفع وضرر
از اهل دنیا بدون اعانت ومشیت خالق البرایا وتدبر در عظمت عقوبات ووسعت
رحمت ومثوبات خداوند مفیض الخیر والبرکات است تا آنکه آن مطالب در نظرش عظیم شود
ومطالب سهل دنیا وحقارت آنها براو منکشف گردد قسم دوم مطلوب صحیح واین قسم
نیز افراد بسیار دارد اول درجه اوساط ناس که از راه خوف از عقاب یا طمع در ثواب عبادت
میکنند واین جماعت عمل خود را از اغراض فاسده مذکوره ونیات باطله مذمومه که تفصیل یافت
مبرا ساخته اند وغرض ایشان تحصیل آخرت وگاه خوف عظیم برایشان غالب وعبادات را
از ترس جهنم بجا آورند وگاه رجا برایشان غالب وبرای طمع بهشت عبادت میکنند وبعضی از
علما اگرچه گفته اند که عبادات با این نیت نیز صحیح نیست اما اکثر محققان قایل شده اند
وحق هم نیز صحت است چه اگر صحیح نباشد عبادات غالب مردم صحیح نخواهد بود بلکه نسبت
بایشان تکلیف مالایطاق خواهد بود وظاهر آیات کریمه بسیار که تخویف از عقوبات وتطمیع
در مثوبات است با اخباری که متضمن شرح فواید اعمال از رفع درجات صوری بهشت
وتخلیص از شداید واهوال قبر ومحشر وجهنم است شاهد صدق اینمعنی است ولیکن این
عبادت در مرتبه نقص است وادنی مراتب نیات صحیحه است زیرا که این مرد فی الحقیقه خود را
میپرستد نه خدا را چه مطلب او دفع ضرر از خود وجلب نفع بسوی خود است ولهذا
چنین کسی باعمالی که باعث قرب وخوشنودی خداست رغبت زیادی نمیکند واگر بشنود
که فلان عمل باعث است که حق تعالی در بهشت باو حوری عطا میفرماید یا کاسه باو
عطا میکند که چندین هزار لون طعام در او هست از روی جد واهتمام تمام متوجه آن عمل
میشود دوم عبادت شاکران که از راه شکر منعم عبادت میکنند چه عقل حکم میکند
که شکر منعم واجب است خصوصا چنین منعمی که نعمای او غیر متناهی ونعمای دیگران نیز باو منتهی شود

واصل

واصل نعمتهایی که وجود است از او وجمیع قوی وجوارح واعضا از عطایای اوست ودر هر نفسی
بر بدن هر فردی از افراد از حفظ وتربیت وتغذیه وتنمیه چندین هزار نعمت دارد وبرارواح مخلصان
در هر لحظه صد هزار نوع لطف ورحمت از افاضات وهدایات وتوفیقات میفرماید ودر عین کفران
این نعمای غیر متناهی منعم لطف نمیفرماید چنانچه در حدیث وارد شده است که حق تعالی با هر یک از بندگان
نوعی لطف میفرماید که گویا بغیر این بنده بنده دیگر ندارد وهزار گونه احتیاج باو دارد با آنکه خالق بندگان
وبی نیاز از عالمیان است وبنده با خداوند خود بنوعی سلوک میکند که گویا خدایان دیگر دارد وباو
هیچ احتیاج ندارد با آنکه خدائی بجز او ندارد ومالک ضرر ونفع بغیر او نیست واین دو جزء اکمل از درجه
سابق وخلافی در صحت وکمال او نیست ومستلزم حصول درجات آینده که بعد از این مذکور خواهد شد
ان شاء الله تعالی نیز میشود وبسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که اگر خدا مردم را امید
نمیکرد ایشان را به بهشت ونمیترسانید از دوزخ هر آینه بر مردم واجب بود که او را اطاعت کنند وعصیان
نمایند بجهت تفضل واحسانها که نسبت بایشان کرده است ونعمتها که قبل از استحقاق بایشان کرامت
فرموده است وتفکر در آلاء ونعمای الهی نهایت ندارد چنانچه حق تعالی میفرماید وان تعدوا نعمة الله
لا تحصوها یعنی اگر خواهید که بشمارید نعمتهای الهی را نمیتوانید که همه آنها را بشمارید واین تفکر
از اعظم عبادات است چنانچه وارد شده است که تفکر ساعة خیر من عبادة سنة یعنی تامل نمودن
در نعمتهای خدا وتفکر در آیات آفاقی وانفسی در مرتبه یکساعت بهتر است از عبادت یکساله واین
معنی موجب مزید قرب ومحبت وباعث حصول درجات آینده میشود وبکمال این مرتبه وقصور
مرتبه سابق حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه اشاره فرموده است در حدیثی که فرموده است
که جمعی عبادت الهی کردند برای رغبت در ثواب واین عبادت تاجران است وجمعی عبادت الهی کردند
از ترس عذاب واین عبادت غلامانست وجمعی عبادت الهی کردند برای شکر او واین عبادت آزادانست
سیم عبادت مقربان یعنی جمعی که باعث ایشان بر عبادت تحصیل قرب حضرت باری جل شانه است
ومراد از قرب نزدیکی مکان وزمانی نیست زیرا که خداوند عالمیان از زمان ومکان منزه است
بلکه قرب بحق تعالی معانی بسیار دارد وما دراینمقام بذکر دو معنی از آنها اکتفا مینمائیم اول تشبه بجناب
اقدس حق تعالی که تعبیر از آن بتخلق باخلاق الله میکنند وباینمعنی عبادت از آن است که بعبادت آدمی در مقام
تخلیه نفس از اوصاف رذیله وتحلیه آن باخلاق جمیله باشد وچون جناب حق تعالی کامل تام
بالذات ونقص در ذات وصفات او راه ندارد بالضروره همه اوصاف او صفات کمالات وممکن

نقص و عجز و احتیاج پس نهایت تباین میان ممکن و واجب می‌باشد و هرچند ممکن نقصی از نقایص خود را
ازاله میکند و از فیاض مطلق صفت کمالی بر او فایض میکردد او را فی الجمله قرب و نزدیکی بهم میرسد و این
مانند آنست که دو کس هرگاه با یکدیگر در اخلاق تباین و تضاد داشته باشند میگویند که از یکدیگر بسیار
دورند و اگر یکی از ایشان اخلاق دیگری را کسب نماید میگویند که قدری بآن نزدیک شده است و اگرچه
صفات واجب و ممکن را بیکدیگر ربطی نیست و ممکن هرچند تحصیل کمال نماید بصد هزار نقص و تغیرات
ولیکن بکنوع انسانی و ارتباطی بهم میرساند که از او بقرب تعبیر میتوان نمود و چون عبادات را در تصفیه باطن
تاثیری می‌باشد و هر عبادتی موجب تکمیل کمال و خلقتست در نفس پس ممکن است که منظور و مقصود
از عبادت تحصیل این امر باشد و درجات و مراتب این قرب غیر متناهی است و بیان آنها علی التفصیل مناسب
افهام نیست دوم محبت و دوستی معنوی و قرب را باین معنی اطلاق میکنند و لهذا اگر کسی در مشرق باشد
و دوستی از او در مغرب پیوسته در ذکر و خیال او باشد و بزبان نشر محامد و کمالات او نماید و با عضا
و جوارح مشغول کارهای او باشد میگویند که این شخص بر دوست خود نزدیکتر است از بیکانه یا دشمنی
که در پهلوی او نشسته باشد و ظاهر است که از کثرت عبادت و ذکر این معنی حاصل میشود سوم عبادت
جمعی است که باعث ایشان حیای از حق تعالی است و تحصیل این معنی باین میشود که تصدیق نماید بآنکه
خداوند در همه جا حاضر و در پنهان و آشکار بر حال او مطلع است و حسن طاعات و قبح سیئات
کماهی بر او ظاهر و در دل و بنور ایمان منور شود و در مقام معرفت بدرجه کمال رسیده پیوسته در یاد خدا
باشد و متذکر این معنی باشد که خداوند عالم السرایر بر دقایق ضمایر و نیات همه خلایق مطلع است و
عظمت و جلال الهی و نعما و آلاء غیر متناهی او همیشه در ساحت دل او جلوه نماید و چنین کسی در آشکارا
و پنهان از خداوند عالمیان شرم و حیا میکند و طبع او از معاصی متنفر میکردد و پیوسته در یاد خدا
می‌باشد و لهذا در حضور مردم و تمامی عبادت او اصلا تفاوت نمیکند و باین جهت عبادت او بنهایت
خلوص بهم میرساند و دیگری را اصلا با خدای خود در عبادت شریک نمیکند چه اگر کسی غلامی و ملازمی
داشته باشد در حضور او از ارتکاب قبایح احتراز مینماید پس هرگاه از خداوند خود بالتمام نفهمد
شرم نکند البته می‌پندارد که خدا بر او مطلع نمیشود و لهذا در حدیث وارد شده است که حضرت لقمان
بفرزند خود وصیت میفرمود که ای فرزند اگر خواهی که معصیت خدا کنی مکانی را پیدا کن که خدا
در آنجا نباشد و باسانید معتبره از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود از خداوند
خود حیا بدارید چنانچه حق شرم و حیاست صحابه گفتند که چکار کنیم که حیا بعمل آمده باشد فرمود که اگر

خواهید

خواهید که چنین باشید باید که اجل شما در برابر دیده شما باشد و سر و چشم و گوش و زبان و غیر اینها را از معصیت
الهی باز دارید و شکم را از حرام و فرج را از محرمات نگاه دارید و یاد کنید قبر و پوسیدن و خاک شدن
در قبر را و کسی که آخرت را خواهد باید زینت زندگانی دنیا را ترک نماید و این مرتبه درجه بزرگان
و لهذا رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیت ابوذر باو امر میفرماید که اعبد الله کانک تراه فان لم
تکن تراه فانه یراک یعنی ای ابوذر عبادت کن خدا را که گویا تو او را می‌بینی پس اگر تو او را نمی‌بینی او ترا می‌بیند
پنجم عبادت جمعی است که لذت عبادت را چشیده اند و عبادت پروردگار معشوق و محبوب ایشانست
و طاعت و فرمان برداری الهی را دوست میدارند و معصیت الهی در نظر ایشان قبیح کردیده و باین جهت
طبع ایشان از معاصی متنفر و پیوسته در مقام اطاعت و انقیاد حق تعالی میباشند و مشقت
عبادت بر ایشان نمی‌نماید بلکه نهایت لذت از تعب عبادت می‌برند و در هر قطره اشک چندین بحر
می‌یابند از قطره لذت شوق و از قطره لذت ذوق و از قطره لذت خوف و از قطره لذت رجا و امید
بی انتها میبرند و کمال بندگی را فهمیده اند و هیچ لذت را بر طاعت و عبادت ترجیح نمیدهند و هیچ المی نزد
ایشان بدتر از ارتکاب معصیت نیست و باین جهت قوای شهوانی ایشان منکسر و قوت عاقله
مستقل کردیده است و مدح این درجه در روایات بسیار وارد شده است چنانچه بسند صحیح از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که بهترین مردم کسی
که عاشق عبادت شده باشد و دست در گردن آن در آورده باشد و محبتش را از دل بر گرفته باشد و محبت
بندگی در دل او جا کرده باشد و بجمیع بدن و اعضا و جوارح مباشر آن شده باشد و بسبب عبادت خود را
از جمیع مشاغل دنیا فارغ ساخته باشد و پروا نکند که روزگار او باسانی گذرد یا بدشواری و صاحب
این درجه را از لذات جسمانی چندان لذتی نباشد بلکه در صحبت نیز عمده لذت او از عبادت و قرب
رب العزه باشد چنانچه از آنحضرت نیز مرویست که خداوند عالم میفرماید که ای بندگان بسیار تصدیق
کننده که تصدیق پیغمبران من چنانچه باید کرده شد و فرمان مرا قبول نموده شد متنعم شوید و لذت برید
از عبادت من در دنیا بدرستی که بعبادت متنعم خواهید کرد در آخرت ششم عبادت محبانست یعنی جمعی که
محبت الهی در دل ایشان جا کرده و هرگاه محبت کسی در دل قرار گرفت و کار فرمای بدن او شد
دیگر باعث او در افعال و اعمال بغیر محبت چیزی نیست و بغیر رضای محبوب مطلبی ندارد و چنانچه
جاهل در عشق مجازی بمرتبه میرسد که اگر عبادت میکند معشوق را میخواهد و اگر معصیت میکند
برای معشوق میکند و اگر به بازار میرود برای این میرود که شاید او را ببیند و اگر بباغ و بستان میرود

باو او میرود و در خدمت معشوق هرگز بجا طرش نمیرسد که از او نفعی بمن خواهد رسید یا ازری بمن خواهد
بخشید و محرك او در جمیع کارها همان محبت فاسد است همچنین محبت محبوب حقیقی که غالب شد
جمیع کارهای او منوط بهمان محبت است و بهشت و دوزخ در ان مقام منظور نیست بلکه بهشت را
برای او میخواهد که دوست او را میخواهد و جهنم را برای ان دشمن دارد که دوست او را نمیخواهد و این
درجه اعظم از درجات سابقه و رتبهٔ انبیا و اوصیا علیهم التحیة والثنا است چنانچه حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله وسلامه علیه در دعای کمیل فقرهٔ چند میفرماید که مضمون انها اینست که الهی اگر مرا بجهنم
ببری و از دوستان خود جدا کنی اگر بر عذاب صبر کنم چگونه بر فراق تو صبر نمایم و اگر بر گرمی اتش
شکیبائی نمایم چگونه تاب اورم جدائی از کرامتها و لطفهای تو را و صاحب این مرتبه مرتکب معصیت نمیشود
که پسندیدهٔ محبوبش نیست و اطاعت را بجان برای محبوب میکند و مزد منظورش نیست و محبت خواب و
غفلت را بر او حرام میگرداند چنانکه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دوست خدا نیست انکه
معصیت خدا میکند بعد از ان شعری چند خواند که مضمونش اینست که تو معصیت الهی میکنی و محبت او را
اظهار می نمائی بسیار دورست کار تو از گفتار تو اگر در محبت او صادق بودی اطاعت او را ترك نمیکردی
بدرستیکه دوست مطیع دوست خود می باشد و ایضاً بسند معتبر از انحضرت منقولست که فرمود که مردم
عبادت الهی را بر سه وجه میکنند جمعی عبادت را برای طمع ثواب میکنند و این عبادت حریصانست
که حرص و خواهش لذات موجب بندگی ایشان شده و طایفهٔ دیگر عبادت را از ترس اتش میکنند این
عبادت غلامانست که از خوف سیاست اقا کار میکنند ولیکن من عبادت را برای محبت او میکنم
و این عبادت کرام و بزرگوارانست و این مرتبهٔ ایمنی است چنانچه حق تعالی میفرماید وهم من فزع
یومئذ آمنون یعنی ایشان از ترس روز قیامت ایمن اند و میفرماید که بگو ای محمد صلی الله علیه وآله
که اگر خدا را دوست میدارید پیروی من کنید تا خدا شما را دوست دارد و گناهان شما را بیامرزد پس فرمود
که کسی که خدا را دوست میدارد خدا او را دوست میدارد و هر که خدا او را دوست دارد او از ایمانست یعنی
از شر شیاطین و هواهای نفسانی ایمن و در قیامت از خوف و بیم عذاب الهی نجات دارد و ایضاً
از انحضرت مرویست که خداوند عالمیان بحضرت موسی بن عمران علی نبینا وآله وعلیه السلام وحی فرمود
که ای پسر عمران دروغ میگوید کسی که گمان میکند که مرا دوست میدارد و چون شب شد بخواب میرود و از من
غافل میشود اخر هر دوستی که میخواهد که با محبوب خود خلوت کند اینك من ای پسر عمران مطلعم بر احوال
دوستان خود و نظر لطف بسوی ایشان دارم چون پردهٔ شب ایشان را فرو گرفت دیدهای دل ایشان را

میگشایم

میگشایم و عقوبتهای خود را در برابر دیدهای ایشان میدارم و با من مخاطبه میکنند که گویا رو برو
با من سخن میگویند و گویا مرا می بینند و حاضرانه با من سخن میگویند ای پسر عمران از دل خود خشوع و رقت
برای من بیاور و بدن خود را برای من شکسته و خاضع گردان و از دیدهای خود در تاریکی شب اب بریز
و مرا بخوان که من بسیار نزدیکم و بدانکه از احادیث مذکوره چند معنی مفهوم میشود که از لوازم
این درجات است اول انکه محبت خداوند عالمیان سبب محبت حق تعالی نیز بان شخص میشود چنانچه
در این احادیث مذکورست و لهذا حق تعالی در وصف حضرت امیر المؤمنین و اولاد اطهار او صلوات الله
علیهم اجمعین میفرماید که یحبهم و یحبونه یعنی خدا ایشان را دوست میدارد و ایشان نیز خدا را دوست
میدارند دوم انکه محبت الهی مستلزم محبت دوستان او نیز هست زیرا که دوستی مقتضی اینست که دوست
دوست بلکه دوست دوست را نیز دوست داشته باشی و همچنین و لهذا رسول خدا
صلی الله علیه وآله در شان امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که خدا و رسول را دوست میدارد و
خدا و رسول نیز او را دوست میدارند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که رسول خدا
صلی الله علیه وآله باصحاب خود فرمود که خدا را دوست دارید برای نعمتهای که روزی شما کرده است و
و مرا دوست دارید برای من بلکه باید دشمنان دوست و دوستان دشمنان دوست را نیز دشمن
داشت و این معنی نیز در روایات بسیار وارد شده است سیم انکه این درجه هرگاه برای کسی
حاصل شد گویا حق تعالی را برای العین مشاهده مینماید و این مرتبه اعظم است از انکه بداند
که حق تعالی او را می بیند چنانچه درجه ایمان ابوذر است لهذا حضرت رسالت صلی الله علیه وآله
اولا این درجه را بابوذر رضی الله عنه تعلیم فرمود که عبادت الهی بکن بنوعی که گویا تو او را می بینی
و چون تحصیل این مرتبه در نهایت اشکالست و غالبا برای غیر انبیا و اوصیا حاصل نمیشود لهذا ثانیاً
فرمود که اگر تو او را نمی بینی پس او ترا می بیند و بدانکه تحصیل این مرتبه بر تفکر در الاء و نعماء غیر متناهیه
حاصل میشود چه محبتهای بشری چنانچه بتجربه رسیده بر بسیاری الطاف و مهربانی محبوب چنانچه
در تزاید میباشد محبین عشق حقیقی نیز بتذکر نعمتها و لطفهای معشوق حقیقی که در هر لحظه
صدهزار نوع از ان بهره فردی از افراد مخلوقات دارد زیاده میگردد چنانچه بسند معتبر از حضرت
امام رضا علیه التحیة والثنا مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که خداوند عالمیان
بهمراز خود موسی بن عمران فرمود که ای موسی مرا دوست دار و مردم را دوست من گردان موسی علیه السلام
گفت خداوندا من ترا دوست دارم و بدوستی تو قایل گردیده‌ام ولیکن مردم را چگونه دوست تو گردانم فرمود

خدا و اهل مرا دوست دارید از برای من

که نعمتهای ما برایشان بخوان واحسانهای نامتناهی مرا بیاد ایشان بیاور چون بدانند که جمیع نعمتها
وکمالات از من است وازجانب من بایشان رسیده است غیرمرا یاد نکنند وبسوی غیر در یاد من
باشند **هفتم** عبادت عارفانست که باعث ایشان بر عبادت کمال معبود است وانکه او سزاوار
عبادتست چنانچه حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه فرموده که ما عَبَدْتُکَ خَوْفاً مِنْ نارِکَ
وَلا طَمَعاً فی جَنَّتِکَ وَلکِنْ وَجَدْتُکَ اَهْلاً لِلْعِبادَةِ فَعَبَدْتُکَ یعنی نپرستیدم ترا از ترس
آتش تو ونه از برای طمع در بهشت ولیکن ترا سزاوار پرستیدن یافتم پس عبادت کردم ترا واین درجه
اعلای درجات مقربانست وکسی این دعوی را میتوان نمود که بسبب از نفس خود نخوت ده باشد
ویقین داند که اگر نام بهشت ودوزخ نشنیده بود هم عبادات را چنین که الحال میکند میکرد بلکه
اگر العیاذ بالله عبادت کننده را بجهنم برند چون معبود را سزاوار عبادت میداند ترک نمیکرد
تذنیب بدانکه بالاتر از مرتبه اخیره درجهٔ نمیباشد ونیت نیز از دو درجهٔ اول مرتبه نمیباشد ودرجاتی
که در میانه متوسط است هر یک فوق دیگر ومشتمل بر مراتب غیر متناهیه است وصاحب هر مرتبه
در خور مرتبهٔ خود نیتی دارد که اعمالش منوط بان نیت است وهر درجه شاهد وگواهی چند از
اطوار واخلاق دارد که دعوی مدعی وکمال واقعی بانها ممتاز میشود لهذا رتبهٔ هر عملی برتبهٔ
نیت آن بسته است ولهذا در حدیث وارد شده است که اِنَّمَا الْاَعْمالُ بِالنِّیّاتِ یعنی بدرستی که هر
عملی منوط به نیت آنست اگر نیت آن مشوب بریا و فاسد است آن عمل نیز فاسد است واگر نیت صحیح است
در هر مرتبهٔ که هست عمل نیز آن رتبه را دارد وکلینی بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود که نیت مؤمن بهتر است از عمل او ونیت کافر
بدتر است از عمل او وهر عمل کنندهٔ موافق نیت خود عمل میکند وایضا از آنحضرت روایت نموده
که در تفسیر آیه لِیَبْلُوَکُمْ اَیُّکُمْ اَحْسَنُ عَمَلاً یعنی تا بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارترید که حضرت
فرموده مراد این نیست که هر که بیشتر عمل کرده باشد بلکه مراد اینست که هر که عملش درست تر وصوابتر
و
حق نزد یکتر باشد وعمل صواب آنست که با خوف الهی ونیت صادق ودرست باشد و باقی ماندن
بر یک عمل وسعی نمودن که از برای خدا خالص کردد بهتر است از اصل عمل وعمل خالص آنست که
نخواهی که کسی غیر خدا ترا بران کار مدح وستایش نماید ونیت بهتر است از عمل بلکه همین نیت عملست
وپس بعد از این فرمود قُلْ کُلٌّ یَعْمَلُ عَلی شاکِلَتِهِ یعنی بگو ای محمد صلی الله علیه واله که هر کس کار
میکند بر شاکلهٔ خود وحضرت فرمود که شاکله بمعنی نیت است پس معلوم شد که در نیت

تلفظ بلفظی واخطار بمعنی در خواطر در کار نیست ووسواس در نیت از عدم معرفت بمعنی نیت ناشی
میباشد وانچه رحمها و مشقتها که اهل وسواس در وقت شروع بعبادت میکشند لغو وبی ثمر است
والغرض مراد آنست که آدمی سعی در خلوص نیت آن عبادت نماید ویکی از درجات عالیه را که
مذکور شد تحصیل نماید ونیز معلوم شد که در نیت روزه ماه مبارک رمضان همین قدر کافیست
که بداند که ماه رمضان داخل شده وقصد روزه داشته باشد ودیگر احتیاج بلفظ نیت ولیکن
سعی در خلوص این نیت بکند وبرای تحصیل مال وجاه یا انکه مردم او را صالح ومتقی بشناسند
وسایر اغراض باطله روزه ندارد بلکه منظور او از روزه داشتن تحصیل یکی از درجات عالیه
سابقه بوده باشد والله تعالی هو الموفق والمعین للوصول الی اعلی درجات السالکین
باب هفتم در بیان مطالب متعلقه بشب قدر ودران نیز چند معراج است **معراج اول**
در بیان وجه تسمیهٔ این شب باین اسم چند وجه ظاهر میشود **اول** انکه قدر بمعنی تقدیر باشد
وچون حق تعالی در این شب اجال وارزاق وسایر سوانح در این سال را تقدیر میفرماید لهذا
این شب را باین اسم نامیده اند **دوم** بعضی گفته اند که لفظ قدر بمعنی جاه ومنزلت است چنانچه
نزد عرب شایع است که فلانی صاحب قدر ومنزلت است وچون هر که این شب را بعبادت
احیا کند نزد حق تعالی صاحب قدر ومنزلت میگردد هر چند پیشتر قدر ومنزلت نباشد
لهذا این شب را اضافه بلفظ قدر نموده باین اسم مسمی نموده اند وبعضی بنابران تقدیر گفته اند
که چون عبادت در این شب قدر ومنزلت عظیم دارد مسمی باین اسم گردیده است وبعضی دیگر
گفته اند که چون کتاب با قدر ومنزلت که قرآن مجید است بسوی پیغمبر با قدر ومنزلت که حضرت
خاتم الانبیاء علیه وعلی آله التحیة والثناء است بجهة امت با قدر ومنزلت که امت آن بزرگوار
بدست ملک با قدر ومنزلت که جبرئیل امین علیه السلام است در این شب نازل شده لهذا باین
اسم مسمی شده است **سیم** بعضی دیگر گفته اند که لفظ قدر بمعنی تنگی است وچون افواج ملائکه
بسیار در این شب بر امام زمان نازل میشوند وعرصهٔ زمین بر ایشان تنگی مینماید لهذا ازا
باین اسم نامیده اند والله تعالی یعلم **معراج دوم** در بیان شرافت وفضیلت این شب بدانکه این
در میان شبها وروزهای سال اشرف وافضل واکمل آنهاست وقرآن مجید واحادیث متکثره
متظافره برین معنی دلالت دارد **اما قرآن مجید** پس در چند موضع از آن فضیلت این شب وارد
شده است **اول** سوره مبارکه انا انزلناه که در شان این نازل شده است چنانچه میفرماید

انا انزلناه في ليلة القدر يعني بدرستي كه ما نازل كردانيديم قران مجيد را در شب قدر وما ادريك
ما ليلة القدر وچه چيز فهمانيده است ترا كه چه چيز است شب قدر ليلة القدر خير من الف شهر
يعني شب قدر بهتر است از هزار ماه تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر نازل
ميشوند ملائكه وروح باذن پروردگار ايشان در اين شب از براي تقدير هر امري كه در ان سال
واقع ميشود ودر حقيقت روح چند قول است بعضي گفته اند كه مراد جبرئيل عليه السلام است
وبعضي ديگر گفته اند كه ملكي است اعظم از جبرئيل وساير ملائكه وبعضي ديگر گفته اند كه از
جنس ملك نيست بلكه خلقي است اعظم از ملك واين قول اقوي است وروايات بسيار از طرق ما
بر اين مضمون وارد شده است كه ائمه عليهم السلام باين ايه وايه كريمه يوم يقوم الروح
والملائكة صفا استدلال بر مغايرت روح وملك نموده اند زيرا كه واو عطف در اين دو ايه
ميان ملك وروح فاصل شده وعطف دلالت بر مغايرت ميان معطوف عليه ومعطوف ميكند
وبدانكه از احاديث بسيار كه بعد از اين مذكور خواهد شد انشاء الله تعالى مفهوم ميشود كه ملائكه
وروح در اين شب بخدمت امام زمان نازل ميشوند وبر او وبر دوستان او سلام ميكنند وامور
وتقديرات سال را باو معروض ميدارند واين يكي از طرق علم ائمه ما عليهم السلام است سلام هي حتي
مطلع الفجر سالم است اين شب از جميع افات وشرور وبا بركت وفضيلت است از اول ان تا
اخر ان كه وقت طلوع فجر است وبعضي از علماي عامه كه شب بيست وهفتم ماه مبارك را شب قدر
دانسته اند متمسك شده است باينكه حق تعالى كلمات اين سوره مباركه را بر شبهاي ماه مبارك
تقسيم نموده چنانچه بازاء هر شبي كلمه از اين سوره افتاده وبازاء شب بيست وهفتم كلمه هي
افتاده كه راجع بشب قدر ميشود وباين جهة اين شب قدر است وگويا تقسيم اين سوره را بهر كلمه
باين عنوان نموده است انا ۱ انزلناه ۲ في ليلة ۳ القدر ۴ وما ۵ ادريك ۶ ما ۷ ليلة ۸
القدر ۹ ليلة ۱۰ القدر ۱۱ خير ۱۲ من الف ۱۳ شهر ۱۴ تنزل ۱۵ الملائكة ۱۶ والروح ۱۷ فيها ۱۸
باذن ۱۹ ربهم ۲۰ من كل ۲۱ امر ۲۲ سلام ۲۳ هي ۲۴ حتي ۲۵ مطلع ۲۶ الفجر ۲۷ واين خيال خالي از غرابت
نيست وضعف ووهن ان بسيار ظاهر است وبدانكه در اين مقام ذكر بعضي از تحقيقات ودفع
اشكالات ضرور است وچون فهم انها موقوف بر بعضي از تحقيقات مذكوره در معراج اينه
است لهذا در اين مقام بذكر ترجمه ظاهر اين سوره مباركه اكتفا نموديم وتفصيل ان مراتب را
در معراج اخر اين باب بيان خواهيم نمود انشاء الله تعالى دويم در سوره حم والكتاب المبين

ميفرمايد انا انزلناه في ليلة مباركة انا كنا منذرين فيها يفرق كل امر حكيم يعني بدرستيكه
ما نازل كردانيديم قران مجيد را در شبي كه با بركت است بدرستيكه ما ترسانندهايم بندگان خود را
از عذاب خود ودر اين شب جدا ميشود وتقدير ميشود هر امر محكمي وبدانكه از اين ايه وايه تنزل
الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر استدلال بر مذهب شيعه ميتوان نمود كه در هر عصري
از اعصار حجت حق تعالى بر روي زمين بايد باشد وبايد عالم بعلوم ما يحتاج امت ومعصوم از سهو
وخطا ومعصيت بوده باشد وبيان اين مدعي انست كه كلمه تنزل در ايه اولي وكلمه يفرق در ايه
ثانيه صيغه مضارع استقبالي هست كه دلالت بر استمرار تجددي مي نمايد پس بايد در هر سال از شب
قدر تا اخر دهر ملائكه وروح براي تقديرات سال از اسمان بزمين نزول نمايند واگر در زمين كسي
نباشد كه ملائكه وروح بر او نازل شوند وتقديرات را باو عرض نمايند پس نزول ايشان از اسمان بزمين
بي فايده خواهد بود ومعلوم است كه بر خلفاي جور كه باعتقاد اهل سنت اولي الامر اند ملائكه وروح
نازل نميشوند وايشان نيز در هيچ عصري از اعصار اين ادعا نكرده اند كه ما صاحب وحي ايم وايشان
امري را مسئلت نمايد وايشان در جواب عاجز شوند زيرا كه ايشان بر هيچ امري از امور واقف
علم واطلاع نداشته باشند چه جاي امور مستقبله كه در ظرف تمام سال واقع خواهد شد پس بايد
كه در هر عصري امام زمان كه حجت خداوند عالميانست بر روي زمين باشد ومعصوم از جميع خطايا
وگناهان باشد كه قابليت نزول ملائكه وروح را داشته باشد وملائكه وروح بر او نازل شوند وتقديرات
ووقايع سال را بخدمت او معروض دارند وهر كه از ايشان از هر كسي باو وقايع سال خود را سؤال نمايد
از عهده جواب ان بيرون تواند امد وائمه ما عليهم السلام براي سؤال بوده اند چنانچه از تتبع احوال
ايشان كه در كتب احاديث وسير مضبوطست معلوم ميشود وباين جهت است كه در احاديث ما وارد
شده است كه شيعيان امر فرموده اند كه مخاصمه كنيد با اهل سنت بسوره كريمه انا انزلناه في ليلة القدر
وبايه كريمه انا انزلناه في ليلة مباركة انا كنا منذرين فيها يفرق كل امر حكيم كه بر ايشان ظفر مي يابيد
واما اخبار دالّه بر فضيلت اين شب پس بر دو نوع است نوع اول رواياتي كه مشتمل است بر فضيلت
وتعيين شب مخصوصي با ذكر عمل مخصوصي براي ان شب وانها بعد از اين در باب اعمال شبها وروزها
مذكور ميشود انشاء الله تعالى نوع دويم رواياتي كه تعيين شب خاصي با عملي در انها مذكور نيست
بلكه اصل فضيلت شب قدر در انها مذكور است وبعضي از انها در ضمن روايات داله بر فضيلت ماه مبارك
مذكور شد وشيخ طبرسي رضي الله عنه در تفسير مجمع البيان از ابن عباس روايت كرده است كه رسو

دفضيلت شب قدر

فرموده که چون شب قدر در اید ملائکه سکان سدرة المنتهی فرود ایند و از جمله ایشان جبرئیل علیه السلام
و با جبرئیل لوای چند باشد پس لوا را بر قبر من نصب کند و لوای دیگر را در بیت المقدس و لوای دیگر را در مسجد الحرام
و لوای دیگر را در طور سینا نصب کند و هیچ مؤمن و مؤمنه را در این شب وا نگذارد مگر انکه سلام بروی کند
مگر کسی که شراب خوار باشد یا گوشت خوک خورده یا زعفران بر بدن خود مالیده و ایضا در کتاب مذکور
از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که در شب قدر شیطان لعین بیرون نمی اید تا صبح
و قادر نیست بر انکه مبتلا سازد احدی را بدیوانگی یا ازاری یا فسادی در زمین بکند و سحر هیچ ساحری
در او اثر نمیکند و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهشت را هر سال از برای داخل
شدن ماه مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش میوزد که ان را
مثیره میگویند و بصدا می اورد درختان و حلقهای درهای بهشت را پس نغمه از ان میشنوند که
هرگز شنوندگان از ان خوشتر نشنیده اند پس حوریان از غرفهای بهشت بیرون می ایند
و ندا میکنند که ایا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا با اعمال صالحه خود پس از رضوان
خازن بهشت می پرسند که این چه شب است رضوان میگوید لبیک ای نیکو رویان نیکو کاران
این شب اول ماه رمضانست درهای بهشت گشوده شده است برای روزه داران امت محمد صلعم
پس حق تعالی میفرماید که ای رضوان بگشا درهای بهشت را ای مالک ببند درهای جهنم را از روزه
داران امت محمد صلی الله علیه و آله ای جبرئیل برو بسوی زمین و در بند کن شیاطین متمرد را
و غلها در گردن ایشان کن و ایشان را در لجههای دریا بینداز تا فاسد نکنند روزه امت حبیب من
محمد صلی الله علیه و آله روزهای ایشان را و حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از شبهای ماه رمضان
سه مرتبه میفرماید که ایا سؤال کننده هست که سؤال او را عطا کنم ایا توبه کننده هست که توبه او را
قبول کنم ایا استغفار کننده هست که گناهانش را بیامرزم کیست که قرض دهد بخدا [illegible]
که هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده است بوعدهای خود و ستم نمیکند و فرمود که در اخر هر روزی
از روزهای ماه رمضان در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را از اتش جهنم ازاد میکند و چون
شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعتی هزار هزار کس را از اتش جهنم ازاد میکند که همه مستحق
عذاب شده باشند و در شب اخر و روز اخر ماه بعدد انچه در تمام ماه ازاد کرده است ازاد میکند و چون
شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل را که بزمین می اید با لشکر عظیمی از ملائکه و با خود علم
سبزی می اورد و بر بالای کعبه معظمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و دو بال را نمی گشاید

مگر در شب قدر و چون در شب قدر ان دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرد و پهن میکند جبرئیل
ان ملائکه را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشد
و با ایشان مصافحه میکنند و چون ایشان دعا میکنند ملائکه امین میگویند و پیوسته مشغول بکارند
تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه جانب اسمان شوید پس ملائکه
میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج مؤمنان از امت محمد صلی الله علیه و آله جبرئیل میگوید خدا گناهان
همه را امرزید مگر کسی که همیشه شراب خورده یا عاق پدر و مادر شده یا قطع رحم کند یا با مؤمنان عداوت
کند و چون شب عید فطر میشود و ان را شب جوایز میگویند خدا مزد میدهد عمل کنندگان ماه رمضان را
بیحساب و چون بامداد روز عید میشود حق تعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد که بزمین می ایند و بر سر کوچها
و بازارها و راهها می ایستند و میگویند ای امت محمد صلی الله علیه و آله بیرون روید بسوی درگاه پروردگار
کریمی که عطاهای بزرگ می بخشد و گناهان عظیم را می امرزد پس چون بمصلی میروند برای نماز عید ما
حق تعالی بملائکه میگوید ای ملائکه من چیست جزای مزدوری که عمل خود را بکند ملائکه میگویند ای خداوند
و اقای ما جزای او انست که مزدش تمام داده شود و حق تعالی میفرماید ای ملائکه من شما را گواه میگیرم که ثواب
ایشان را از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای ان عطا کردم و از ایشان راضی شدم و گناهان
ایشان را امرزیدم پس ندا میفرماید مؤمنان را که در این مجمع حاضر شده اند که ای بندگان من هر چه خواهید از من
سؤال کنید بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که در این مجمع شما هر حاجت که برای اخرت و دنیای خود سؤال
کنید البته عطا میکنم و عیبهای شما را می پوشانم تا از من رو گردان نشوید و مزدهای شما را مضاعف میدهم
و شما را در میان گناهکاران رسوا نمیکنم برگردید از مصلی امرزیده بمنزلهای خود که خوشنود کردید مرا و خوشنود
شدم از شما پس ملائکه مسرور و شاد میگردند و یکدیگر را مبارک باد میگویند بانچه حق تعالی با امت محمد صلی الله
علیه و آله عطا کرده و ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه بسند خود از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام روایت کرده است که انحضرت بفرزندان خود وصیت میکرد و میفرمود که هرگاه ماه
مبارک رمضان داخل شود پس بتعب اندازید نفسهای خود را بعبادت بدرستی که در ان ماه روزیها
قسمت میشود و اجلها نوشته میشود و در ان ماه حجاج بیت الله الحرام که مهمان خداوند عالمیانند و حجاج
او نیز ولیعهدها نوشته میشوند و در ان ماه شبی هست که عمل در ان بهتر است از هزار ماه **تذنیب**
بدانکه از ایات مذکوره مستفاد میگردد که حق تعالی برای شب قدر دو وظیفه مقرر فرموده **اول** انکه
در ان شب تقدیر اعمار و ارزاق و سایر وقایع سال مختصر در ظرف ان سال واقع میشود و ملائکه

و روح در این شب بخدمت امام زمان نازل میشوند و آن تقدیرات را بر او عرض مینمایند و لهذا فرموده تَنَزَّلُ
الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ و در آیه دیگر فرموده فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ دیگر آنکه عبادت این شب
بهتر است از هزار ماه چنانچه فرموده که لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ **معراج سیم** در بیان تعیین این شب بدانکه
قاطبه علمای شیعه رضوان الله علیهم قایل شده اند بآنکه شب قدر بزمان حیات با برکات سید کاینات علیه و آله
اکمل الصلوات و التحیات اختصاص نداشته بلکه تا انقطاع زمان دنیا مستمر و در هر سالی یکی از شبهای آن شب
قدر است و علمای عامه نیز در این معنی با شیعه موافقت نموده اند مگر نادری از ایشان که شب قدر را مخصوص
زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله میدانسته اند و میگویند که بعد از ارتحال آن بزرگوار بعالم بقا برطرف شد
و این قول بنا ضعیف و فاسد است حتی آنکه بعضی از اعاظم علمای ایشان نیز گفته اند که جماعتی که اعتنا
بشأن ایشان هست اجماع نموده اند بر وجود شب قدر و دوام آن تا آخر دهر زیرا که احادیث بسیار بر آن
دلالت میکند و صالحان هر عصر او را مشاهده نموده اند و از جمله روایات داله بر این معنی از طریق اهل سنت
حدیثی هست که از ابوذر رضی الله عنه منقول است که گفت بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله
عرض نمودم که شب قدر را مخصوص زمان پیغمبرانست و بعد از رحلت ایشان بعالم بقا او را بالا میبرند
پس حضرت فرمودند که نه بلکه شب قدر تا روز قیامت مستمر است و از طریق شیعه نیز احادیث داله
بر این معنی نیز وارد شده است چنانچه کلینی رضی الله عنه بسند خود از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام روایت کرده است که شخصی از آنحضرت سؤال نمود که شب قدر را پیشتر بود و برطرف شد
یا بعد از این نیز در هر سالی خواهد بود حضرت فرمود که اگر شب قدر رفع شده باشد باید که قرآن
مجید نیز رفع شده باشد و گویا مراد آنحضرت آنست که نص قرآن مجید چنانچه در معراج دوم مذکور شد
که ملائکه و روح در این شب نازل میشوند چنانچه فرموده تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ
مِنْ كُلِّ أَمْرٍ و در آیه دیگر فرموده فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ و کلمه تنزل در آیه اول و کلمه یفرق در آیه
ثانیه دلالت بر استمرار تجددی میکند چنانچه سابق بر این مذکور شد پس این دو آیه کریمه دلالت
بر استمرار شب قدر میکند و اگر شب قدر رفع شده باشد باید این دو آیه نیز رفع شده باشد و العیاذ بالله
و از آنچه گفتیم معلوم شد که استمرار این شب تا آخر زمان تکلیف امری است محکوم به و ثابت و لیکن
در تعیین آن میان علمای عامه و خاصه خلافات است **اما** علمای عامه پس بعضی از ایشان گفته اند
که این شب مخصوص نیست بلکه حق تعالی در هر سالی یکی از شبهای آن سال را شب قدر میگرداند
و این طایفه احادیث مختلفه را که در باب خصوص شب قدر وارد شده بر این معنی تنزیل مینمایند

در تعیین این شب

و ابو حنیفه

١٥٢

و ابو حنیفه گفته که شب مخصوصی است و لیکن در میان شبهای سال مشتبه است و بعضی گفته اند که در میان
شبهای ماه شعبان و ماه مبارک رمضان مشتبه است و از بعضی روایات وارد شده در طریق شیعه
معلوم میشود که بعضی از اهل سنت شب پانزدهم شعبان را شب قدر میدانسته اند و اکثر محققین ایشان
قایل شده اند که از ماه مبارک رمضان بیرون نیست چنانچه بعضی از این طایفه شب اول ماه
رمضان را و بعضی دیگر شب هفدهم و بعضی دیگر شب بیست و هفتم را گفته اند و اکثر گفته اند که از شب
نوزدهم و شب بیست و یکم و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی منحصر در دو شب آخر دانسته اند و بعضی
اقوال نادره و شاذه دیگر نیز در میان ایشان هست و هر یک بر طبق مدعای خود بروایتی یا امارتی
و علامتی مستند گردیده اند چنانچه بعضی از آنها قبل از این مذکور شد **و اما** علمای شیعه رضوان الله
علیهم پس خلافی ظاهر در میان ایشان نیست که از این سه شب بیرون نیست و از کلام شیخ طوسی
رضی الله عنه در کتاب تبیان اجماع علما بر دو شب آخر ظاهر میشود و احادیث طریق شیعه در این باب
نیز نهایت اختلاف دارد چنانچه در بعضی ابهام و اجمال شده و هر چند سایلان الحاح در باب تعیین
آن نموده اند تصریح نفرموده اند و در بعضی دیگر وارد شده که از ماه مبارک رمضان یا از عشر اخیر
آن ماه بیرون نیست و در بعضی دیگر انحصار در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم وارد شده و بعضی
از روایات بر خصوص شب اول از این سه شب و بعضی بر شب ثانی و بعضی بر شب ثالث دلالت میکند
و لیکن روایات ثالث زیاده از روایات شب ثانی و روایات شب ثانی زیاده از روایات شب اول است
و در روایتی شب بیست و چهارم نیز مذکور است و فقرات ادعیه لیالی عشر اخیر ماه مبارک رمضان که دلالت
بر هر یک از لیالی عشر اخیر میکند زیرا که هر یک از آن دعاها مشتمل بر این فقره هست اِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ
فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ حَكِيمٍ فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ اسْمِي فِي السُّعَدَاءِ
وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ تا آخر دعا یعنی خداوندا اگر تقدیر کرده در این شب نزول ملائکه و روح را بامر هر امر
محکمی پس صلوات فرست بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او و بگردان اسم مرا در زمره سعدا و روح مرا
با جمله شهدا و در آخر این ادعیه این فقره نیز هست وَوَفِّقْ لِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ عَلَىٰ أَفْضَلِ مَا رَآهَا أَحَدٌ
یعنی کرامت کن بمن توفیق دریافتن شب قدر را بنیکوترین وضعی که دریافته باشد او را احدی بلکه دعای
هر روز ماه مبارک رمضان نیز بر این فقره مشتمل است و دلالت بر احتمال شب قدر در هر شب می‌نماید
مجملا روایات در این باب ابهام و اجمال و تشویش و اختلاف زیادی دارد و حکمت و سر این اختلاف
چنانچه از تتبع اقوال علمای شیعه ظاهر میشود چند چیز میتواند بود **اول** شیخ جلیل نبیل شیخ ابو علی طبرسی

رضی الله عنه در تفسیر مجمع البیان گفته که ممکن است که غرض از اختلاف و اجمال روایات و اخفاء این شب باشد
مجمل آنکه بندگان شبهای بسیار را بعبادت احیا نمایند تا شب قدر را در میان آنها بیقین دریابند و بثواب
آن فایز شوند و تفصیل این سخن آنست که هر گاه کسی شب قدر در نظر او در تمام ماه رمضان محتمل باشد
چون خواهد که بیقین شب قدر را دریابد باید تمام شبهای این ماه مبارک را بعبادت بپا دارد تا براو
معلوم شود که شب قدر را دریافته و بثواب آن فایز گشته است و کسی که در نظر او عشر اخیر این ماه
محتمل باشد تمام لیالی این عشر را برای دریافتن شب قدر احیا می نماید و چون طبقات و اصناف
مردم بحسب استعداد و مواد و قوت ایمان و یقین بالیکدیگر نهایت اختلاف دارند لهذا ائمه علیهم السلم
در این باب در مقام جواب رعایت حال سایل فرموده اند چنانچه سایل اگر مردی بوده که شب قدر را
اگر بخصوص میدانسته در شبهای دیگر اصلا عبادت نمی نموده و اقتصار بر شب قدر میکرده بچنین
مردی اصل ماه را تفسیر فرموده اند تا آنکه تمام ماه را برای دریافتن این سعادت عظمی عبادت کند و اگر
سایل در قوت ایمان و یقینش زیاده بوده و گاهی اوقات خود را بعبادت صرف می نموده در جواب او
فرموده اند که از عشر اخیر بیرون نیست تا آنکه اهتمام در عبادت بیشتر نماید و اگر یقینش دیگر زیاده
بوده سه شب را باو فرموده اند و اگر در مراتب ایمان و یقین بحد کمال رسیده بود و دانستن خصوص
شب قدر در باره او تفاوتی نمیکرده خصوص یک شب قدر را تفسیر فرموده اند و لهذا بخواص اصحاب
شب بیست و سیم و بجمعی که از ایشان در مرتبه پست تر بوده اند سه شب را فرموده اند و اگر ایشان
الحاح در سؤال تعیین یکی از این سه شب مخصوص نموده اند در جواب فرموده اند که چه سهل
که کسی سه شب یا دو شب را احیا نماید برای دریافتن چنین فضیلتی تذنیب جد علامه امام مولانا محمد باقر
مجلسی رفع الله درجته در بعضی از مؤلفاتش در بیان سر اخفاء این شب گفته که اگر شب قدر بخصوص
معلوم باشد ممکن است که اکثر مردم خصوصا اوساط ناس که معرفت زیادی ندارند برای مطالب
دینیه و دنیویه که مصلحت در انجام آنها نیست و عداوتها و خصومتهای بیجا که حصول آنها
منافی حکمت کامله باری تعالی است در آن شب دعا کنند و بالضروره مستجاب شود و مفاسد
عظیمه بر آن مترتب شود و این معنی باعث اختلال نظام عالم شود و الحال چون در میان چند
شب مشتبه است و احیای همه متعسر است لهذا جمعی که معرفت ایشان کم باشد اقلا اهتمام
در عبادت عبث نمایند و جمعی که اهتمام ایشان در عبادات بسیار است غالب ایشان در مراتب معرفت
کامل اند و برای امور دنیویه بالکلیه دعا نمی نمایند بلکه مطمح نظر ایشان امور آخرت و از امور

تکمیل نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم الحاج از عهد امام ...

دنیا آنچه معین بر تحصیل آخرت باشد از امثال آن می نمایند و لهذا این شب مستور و مخفی شده است
و مؤید این وجه نیز میشود آنچه در دو حدیث سابق مذکور شد که ائمه علیهم السلام در تعیین این شب نظر
بحال سایل تفسیر نموده اند و هر چند معرفت سایل بیشتر بوده کمتر ابهام می نموده اند لهذا برای جمعی که معرفت
ایشان کامل بوده مخصوص شب بیست و سیم را تعیین فرموده اند و بجمعی که معرفتشان کمتر بوده سه شب
یا دو شب را و بجمعی دیگر که پست تر بوده اند عشر اخیر یا تمام ماه را فرموده اند و بدانکه این دو وجه
در اخفاء بعضی دیگر از مخفیات مانند اخفاء اسم اعظم الهی در میان اسماء حسنی و اخفاء
ساعت استجابت دعا در میان ساعات روز جمعه و شب آن بلکه در هر شبی چنانچه در بعضی از روایات
جاری میشود چنانچه بر متدبر بصیر پوشیده نیست سیم اینکه جد علامه امام طاب ثراه در بعضی
از مؤلفاتش گفته که ممکن است که هر یک از سه شب را که شب نوزدهم و شب بیست و یکم و شب بیست و
سیم است در شب قدر دخلی باشد چنانچه از بعضی روایات ظاهر میشود که تقدیر در شب اول و ابرام
در شب دوم و امضا در شب سیم است چنانچه بسند معتبر از اسحق بن عمار منقولست که جمعی در خدمت حضرت
صادق علیه السلام حاضر بودند پس یکی از ایشان گفت که قسمت ارزاق در شب نیمه شعبان واقع
میشود حضرت فرمود نه والله این واقع نمیشود مگر در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان
بدرستیکه در شب نوزدهم التقاء جمعین میشود و در شب بیست و یکم هر امر حکیمی مفروق میگردد و در
شب بیست و سیم آنچه را حق تعالی اراده نموده امضا می نماید و این شب قدریست که فرموده که بهتر
از هزار ماه است راوی گوید که پرسیدم از اسحق بن عمار که مراد از التقاء جمعین که در شب نوزدهم واقع
میشود چیست گفت یعنی آنکه حق تعالی جمع می نماید در این شب آنچه را اراده نموده از تقدیم و تاخیر و اراده
و قضای خود پرسیدم که مراد از امضا نمودن در شب بیست و سیم چیست گفت آنچه در شب بیست و یکم
مفروق شده در آن احتمال بدا می باشد و چون شب بیست و سیم شود بحد امضا میرسد و محتوم میگردد
و بعد از آن در آن بدا راه نمی یابد و توضیح این معنی آنست که چنانچه بلا تشبیه در افعال و احکام ملوک
و پادشاهان که ظل الله و بحسب ظاهر مراتب قبض و بسط اشیا در کف اهتمام و بید امر و نهی ایشان
قرار گرفته چند مرتبه می باشد چه [illegible] تعلیقه نوشته میشود و ثانیا بر طبق تعلیقه رقم صادر
میگردد و ثالثا چون بمهر ایشان مزین میگردد و تغییر آن حکم در حالت اول که تعلیقه است بسعی
تلاش ممکن است و چون رقم نوشته شد از تغییر دورتر و چون بمهر رسید تغییر آن در نهایت
اشکال است همچنین تعالی الله سبحانه عن المشاکله و المشابهه در تقدیرات الهی نیز مراتب

بسیار می‌باشد زیرا که حکمت بالغه و مقتضی این است که پیوسته بندگان بجناب اقدس او متوجه
باشند و بدستگاه او تضرع نمایند و در همگی امور باو توسل جویند لهذا از برای هر امری اسباب
و تقدیرات چند قرار داده و برای تقدیرات مراتب مختلفه مقرر فرموده و تغییر مرتبهٔ اول
که مرتبهٔ تقدیر و وظیفهٔ شب اول است بدعا و تضرع می‌تواند شد و چون بمرتبهٔ ابرام رسید
که وظیفهٔ شب دویم است باز تغییرات بدعوات و تضرعات و عبادات و صدقات میتوان نمود
ولیکن این تغییر اصعب است از مرتبهٔ اول و چون بمرتبهٔ امضا رسید که وظیفهٔ شب سیم است محتوم
و مختوم میشود و مخفی نماند که باین وجه توفیق میان روایات این سه شب بحسب وظیفهٔ اولی
شب قدر که حکایت تقدیرات میشود ولیکن تعارض روایات بحسب وظیفهٔ دویم که افضلیت
عبادت آن از هزار ماه است باقی میماند چنانچه بر متدبر پوشیده نیست و والد علامه‌ام ادام الله
ظلاله در بعضی از مؤلفاتش در مقام جمع بین الروایات بحسب وظیفهٔ دویم بتحقیق لطیفی متفطن
شده و گفته است که اما وظیفهٔ دویم که فضیلت عبادت است پس ممکن است که گوئیم که شب قدر بحقیقت
شب بیست و سیم است و شب نوزدهم و شب بیست و یکم را ارتباطی باشب قدر هست مانند ارتباط
نافله بفریضه و متمم و مکمل شب قدر است چنانچه نافله متمم و مکمل فریضه است و غرض از آنکه
حق تعالی این دو شب را بمنزلهٔ نافله برای شب قدر قرار داده آنست که اگر تقصیری در عبادات
یا در شرایط آنها از حضور قلب و سایر شرایط در آن شب واقع شود و باین سبب عبادات شب قدر
ناقص باشد تدارک آن نقص حاصل شود بعبادات با شرایط که در این دو شب واقع شود و از اینجاست
که هر نافله را ضعف فریضه قرار داده اند زیرا که اکثر مکلفین حال ایشان چنین است که بعد از
مجاهده و سعی تمام یک ثلث عبادت را با شرایط و حضور قلب بجا میآورند پس هرگاه نافله
که مربوطات بافریضه ضعف فریضه باشد و در آن نیز مراعات حضور قلب واقع شود
از مجموع فریضه و نافله بمقدار فریضه که یک ثلث مجموع است عبادتی مستجمع شرایط قبول که خالی
از جهات نقص بعمل میآید و از این تحقیق معلوم میشود که این دو شب نیز حکم شب قدر دارند و عبادات
در آنها امری مطلوب است مانند شب قدر و بدانکه بعضی از نوافل کاهی مؤکد و در تعلق بفریضه
بیشتر می‌باشد و بعضی دیگر چنین است و لهذا بحق بوده‌اند وارد شده مانند نافلهٔ ظهر که
هشت رکعت است و چهار رکعت از آن هشت رکعت مؤکد است و بر کثرت روایت و چهار رکعت دیگر
اگر چه از جملهٔ نافلهٔ ظهر است اما در مرتبه چهار رکعت نیست و بر کثرت روایات و لهذا در بعضی احادیث

نافله

نافلهٔ ظهر چهار رکعت وارد شده است هرگاه این مقدمه معلوم شد گوئیم که شب بیست و یکم در حکم نافله
مؤکده است و شب نوزدهم در حکم نافلهٔ غیر مؤکده و از آنچه گفتیم ظاهر میشود سر اختلاف روایات در باب
شب قدر و آنکه در بعضی روایات خصوص شب بیست و سیم و در بعضی این شب با شب بیست و یکم و در
بعضی این دو شب با شب نوزدهم وارد شده است و پوشیده نماند که این تحقیق در نهایت متانت و اکثر
روایات متعارضهٔ این مطلب باین تحقیق بایکدیگر متوافق و متلایم میگردد ولیکن بقیه از اشکال محل
زیرا که روایتی که دلالت بر شب بیست و چهارم میکند و عبارات ادعیهٔ لیالی عشر اخیر که دلالت بر نزول
ملائکه و روح بسوی امام زمان در هر یک از شبهای عشر اخیر میکند و فقرهٔ دعای هر یک از شبها
که دلالت بر هر یک از شبهای آنجا میکند باشکال باقی و باین تحقیق رفع نمیشود و تمام تحقیق این مبحث
بوضعی که جمیع ادله با یکدیگر موافقت نماید چنانچه بخاطر قاصر این شکسته میرسد آنست که چنانچه
برای هر عبادتی نافله مقرر کرده که اگر نقصی در آداب آن عبادت از حضور قلب و غیر آن واقع
شده باشد جبران نقص بفعل آن نافله بشود همچنین حق تعالی برای هر عبادتی مقدماتی که
قبل از نافله و فریضه باید بعمل آید و متمماتی که بعد از آنها باید بعمل آید نیز مقرر فرموده که آنها
نیز مانند نافله باعث تکمیل آن عمل میگردد مثلا نماز که اشرف عبادات فریضهٔ آن در شبانه روزی
هفده رکعت است و نافلهٔ آن سی و چهار رکعت و مقدمات آن اذان و اقامه و تکبیرات است قبل
از تکبیرة الافتتاح و ادعیهٔ وارده در خلال اینهاست بلکه ادعیهٔ وارده در وقت برخواستن
از خواب برای نماز و در وقت خلا رفتن و مسواک کردن و وضو ساختن و امثال اینها نیز از جملهٔ
مقدمات نماز است و متممات آن تعقیبات و اذکار و تسبیحات وارده بعد از صلوات است که مشتمل بر
دعا و تضرع و توسل بجناب حق تعالی و مسئلت حوائج دین و دنیاست و چنانچه ترغیب و تحریص
در باب فرایض و نوافل صلوات وارد شده همچنین ترغیب و تحریص در باب مقدمه و متمم نیز
در روایات و احادیث بسیار وارد شده است و چنانچه روزهٔ واجب در سالی یکماهست و نافلهٔ آن
دو ماه دیگر که ماه شعبان و از ده ماه بقیه ماهی سه روز است همچنین روزهٔ ماه رجب از مقدمات
و باقی روزهای مستحب مانند ستهٔ تشییع باب و قول باستحباب آن و روز دحو الارض و روز
اول ذی الحجه و غدیر و مباهله و مولود و باقی ایام متبرکه بمنزلهٔ متمم و مکمل روزهٔ واجب است
و گویا سر در این باب آنست که چون بنی نوع انسانی بر وفق حکمت کاملهٔ ربانی مبتلا بقوای شهوی
و غضبی گردیده و عقل که سرمایهٔ تحصیل سعادات جاودانی است باین سبب در تحصیل معاد فی

ربانی استقلال ندارد ولهذا غالب افراد بنی نوع بپوسته بزخارف دنیای چشم دوخته در اکثر احوال
در فکر و خیال تحصیل جاه و اعتبار و اولاد و اموال یا کسب مستلذات جسمانی که مقتضای قوای شهوانیّت
یا در مقام انتقام از احدی که مقتضای قوای غضبی است میباشند و باین جهت در وقت اشتغال
بعبادات از شرط عمدهٔ آن که حضور قلب است غافل و از روح آن عبادت که توجه تام بجناب احدیّت
و انقطاع از ماسوا و توسّل بجناب عالم السرّ و الخفیات ذاهل میباشند و این قسم عمل بی ثمره و خالی
از فایده است چه این صورت عمل است نه اصل عمل و چون جناب اقدس باری تعالی فیّاض مطلق
و رحمتش بر غضب سبقت گرفته و سفرهٔ مائده انعام عامش بر روی خواص و عوام گسترده است لهذا
وقت هر عملی را عرض عریضی و زمان طولی گردانیده و برای هر عبادتی مقدمهٔ و نافلهٔ و متممی قرار
داده پس اگر کسی برهنمائی قاید توفیق الهی باتیان بمقدمه و نافله و فریضه و متمم همگی کما هی نموده
از یاد خدا غافل نباشد و توسّل و توکّلش بخداوند خود تمام و کامل باشد و از ماسوای او قطع تعلّق
بالمرّه نموده باشد و انچه را بزبان کوید در دل او نیز بقصد و بیاد کم با کریم سخن میکوید و هر حاجت را که
طلب میکند البته چنین کسی بمجرّد این عبادت مقرّب درگاه ربّ العزّه میگردد و این حالت در هر اوقات
میسّر نمیشود مگر برای انبیا و اوصیا و صدّیقان که آتش قوای شهوی و غضبی را از نسیم لطف خاص
الهی فرو نشانیده اند و در مراتب قوت ایمان بمرتبهٔ حقّ الیقین رسیده و لهذا در حدیث وارد شده است
که دو رکعت نمازی که حضرت رسالت صلّی الله علیه و آله بجا می آورد از تمام عبادت ثقلین افضل بود
و اگر این حالت برای کسی میسّر نشود و همگی اجزاء آن عبادت را از مقدمه و نافله و فریضه و متمم
نتواند با حضور قلب بجا آورد بلکه در بعضی از اجزاء آن با حضور قلب باشد بالمرّه از ثمرهٔ آن
عبادت محروم نمیگردد بلکه مرحمت الهی شامل حال او میشود مثلاً در نماز هر گاه کسی در جزوی
از اجزاء مقدمات یا نوافل آن یا اصل فریضه یا در متمم آن که تعقیبات است با حضور قلب باشد
و معترف بگناهان خود بوده متوجه درگاه حق تعالی گردد البته لطف و مرحمت بی نهایت ارحم الراحمین
شامل حال او میگردد و بسبب این قدر از تیقّظ و آگاهی هر چند بسیار کم باشد آمرزیده میشود و بهرهٔ
خود را از آن نماز می‌یابد که در سایر اجزاء آن نماز غافل و خالی از حضور قلب بوده باشد پس اگر در جزوی
از اجزاء آن نماز غافل و خالی از حضور قلب بوده باشد اگر در جزوی از اجزاء مقدمه متنبّه
و متیقّظ و آگاه باشد و از روی اخلاص آن دعا را بخواند اصل نماز با نوافل و تعقیبات او همگی
بدرجهٔ قبول میرسد و اگر در مقدمه و نافله و فریضه غافل باشد و در تعقیب بتسبیحی برای او بهم رسد

ولیك

ولیك دعا را از روی اخلاص و توجه تام بخواند نیز مرحمت الهی شامل حال او میشود و همچنین باعث میشود
که افعال سابقهٔ او از فریضه و نافله و سایر مقدمات نیز مقبول میشود و لیکن این عبادت بحسب رتبه پست تر است
از عبادت کسی که مقدمات و نوافل و فرایض و متمم را همگی با آداب و شرایط بعمل آورده باشد و مؤیدات این
سخن در روایات و اخبار بسیار است و بعد از تمهید این مقدمه کوییم که شب قدر واقعی شب بیست و سیم
ماه مبارک رمضان است و شب نوزدهم و بیست و یکم بمنزلهٔ نافلهٔ آن شب است چنانچه سابق تفصیلش یافت
و لیکن تمام اینها چون با برکت و فضیلت است کویا همه را فی الجمله مدخلیتی در شب قدر هست پس همهٔ شب اول
بمنزلهٔ مقدمات شب قدر است و شب نوزدهم و بیست و یکم بمنزلهٔ نافلهٔ شب قدر است و شب بیست و دوم و بیست
و دوم شب استراحت است و هفت شب بعد از شب بیست و سیم متمم و مکمل شب قدر است و در شب بیست
سیم ملائکه و روح بخدمت امام زمان نازل میشوند و تقدیرات را بخدمت او معروض میدارند و لیکن
چون محتمل است که احدی در شب قدر تکاهل در باب عبادت نموده باشد و اسم او در دیوان سُعَدا
مرقوم نکشته باشد و لیکن بعد از آن شب متیقظ و آگاه شود و تدارک مافات را در باقی لیالی عشر اخیره
نماید و حق تعالی اجل و اکرم از آنست که چنین شخصی را نیامرزد و او را در زمرهٔ سعدا داخل نکند پس ممکن است
که ملائکه و روح در هر شب از لیالی عشر اخیره نیز بخدمت امام زمان نازل شوند و اسم چنین شخصی را از دیوان
اشقیا محو نمایند و در زمرهٔ سعدا بنویسند و اگر کسی کوید که در شب قدر جمیع امور از سعادت و شقاوت
بندگان و غیر آن تقدیر میشود و بحدّ امضا میرسد و محتوم و مختوم میگردد چنانچه از روایات اسحق بن عمار
که سابق مذکور شد مفهوم میشود جواب کوییم که از بعضی روایات دیگر ظاهر میشود که تغییر این سعادت
تر متعذّر بود و بعد از این مرتبه کاهی بر وفق حکمت کاملهٔ الهی در بعضی از امور تغییر واقع میشود یا آنکه
لیالی عشر اخیره چنانچه کفتیم متمم و مکمل شب قدر است و ممکن است که در شب قدر ملائکه و روح بخدمت
امام علیه السلام عرض نمایند که فلان شخص امشب از عبادت تکاهل ورزیده و اسم او الحال در دیوان اشقیاست
و لیکن در فلان شب مرحمت الهی شامل حال او خواهد شد و تدارک مافات را خواهد نمود و اسم او
از دیوان اشقیا محو خواهد شد و در دیوان سعدا ثبت خواهد شد و چون آن شب در آید و این شخص
تدارک تقصیر خود را بکند باز ملائکه و روح نازل شوند و اسم او را از دیوان اشقیا محو و در دیوان سعدا
ثبت نمایند لهذا در ادعیهٔ هر یك از لیالی عشر اخیره واقع شده که اگر در این شب تقدیر فرموده نزول
ملائکه و روح را پس اسم مرا در دیوان سعدا ثبت فرما و همچنین اگر کسی در همه شب اول اینها که بمنزلهٔ
مقدمهٔ شب قدر است توفیق عبادت کاملی نیافته از روی تیقّظ و آگاهی بدرگاه الهی متوجه شود

مرحمت حق تعالی شامل حال او میشود و درهمان شب ملائکه و روح بخدمت امام زمان نازل میشوند و عرض
می نمایند که فلان شخص امشب توفیق چنین عبادتی یافته و حق تعالی اسم او را از جملهٔ سعدا در شب قدر جزو اهل
نوشت و چون شب قدر رسد هرچند این مرد از اهل غفلت شده بود که بان ملائکه و روح باعتبار عمل
سابقی که از او صادر شده اسم او را در دیوان سعدا ثبت می نماید و بدانکه چنانچه نوافل بعضی موکد و افضل
از بعضی می باشد چنانچه قبل از این مذکور شد همچنین مقدمه و متمم نیز بعضی موکد و افضل از بعضی میباشند
و لهذا شبهای طاق هجده شب اول افضل از شبهای زوج است و در میان شبهای طاق نیز بعضی افضل اند
از بعضی دیگر مانند شب نیمه و شب هفدهم و همچنین بعضی از شبهای هفت شب آخر بعضی از بعضی افضل اند
مانند شب بیست و چهارم زیرا که این شب شب اول از شبهای متمم است و اقرب بشب قدر از سایر شبها است
و مانند شب بیست و هفتم بجهتی که بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و مانند شب آخر زیرا
که بعد از آن اثر شب قدر منقطع میشود و لهذا در بعضی از روایات خصوص شب بیست و چهارم و شب
آخر نیز مذکور است و همچنین عبادات ادعیه شب بیست و هفتم زیاده از سایر شبهای عشر اخیر دلالت
بر خواص شب قدر میکند و از آنچه گفتیم معلوم میشود که تمام ماه رمضان را فی الجمله مدخلیتی در شب
قدر هست و اگر کسی خواهد که بثواب شب قدر حسب الواقع فایز شود باید که تمام ایام او را با خلوص نیت
و اعتقاد و مراعات آداب و شرایط بعبادت بسر برد و در قیام نماید و مؤید این معنی است حدیثی
که ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه بسند خود از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون از عرفات مراجعت فرمود بجانب
منی داخل مسجد شد پس گروه مردم بر گرد آن بزرگوار در آمدند و از شب قدر مسئلت نمودند پس حضرت
برخواست و خطبهٔ ادا فرمود و بعد از حمد و ثنای الهی فرمود که اما بعد پس بدرستی که شما از من شب قدر را مسئلت
نمودید و من آنرا برای شما بیان ننمودم نه از راه آنکه علم بان نداشتم بلکه بنابر آنکه گروه مردم که هر که
ماه مبارک رمضان برو بگذرد و بدن او صحیح و سالم باشد و روزهای آن ماه را روزه بدارد
و قدری از شبهای آنرا بعبادت بر پا دارد و بر نمازها مواظبت نماید و در جمعهای آن بنماز جمعه
مبادرت نماید و صبح عید بنماز عید حاضر شود پس شب قدر را دریافته و بجایزهٔ پروردگار خود
فایز شده است و دلالت این حدیث شریف بر آنچه مذکور شد ظاهر و واضح است بلکه دلالت میکند
بر آنکه شب عید و روز عید را نیز در باب شب قدر مدخلیتی هست چنانچه پوشیده نیست و لهذا
در فضیلت شب عید وارد شده است که در آن شب نیز جمع کثیری آمرزیده میشوند و تخفیف

که ما بین صبح

که این سخن جمیع احادیث متعارضه وارده در باب شب قدر با یکدیگر ملایم میشود و عبارات ادعیه
عشر اخیر و حدیثی که دلالت بر شب بیست و چهارم میکند و عبارت دعای هر روزه هیچیک محتاج
بتاویل نیست بلکه ممکن است که گوییم ماه رجب که از مقدمات ماه رمضانست و ماه شعبان که از
جملهٔ نوافل است آنها را نیز دخلی در شب قدر هست و لهذا بعضی از روایات دلالت میکند بر آنکه
در شب نیمهٔ شعبان تقدیرات واقع میشود و مراد آنست که آنشب را فی الجمله دخلی در باب تقدیرات
هست چنانچه شیخ طبرسی طاب ثراه در تفسیر مجمع البیان از ابن عباس روایت کرده است که حق تعالی
در شب نیمهٔ شعبان قضایا و وقایع سال آینده را قضا میفرماید و در شب قدر آنها را بارباب آنها تسلیم
میفرماید و گویا مراد ابن عباس آنست که در شب نیمهٔ شعبان خداوند عالمیان در علم کامل خود تقدیر
امور میفرماید و ملائکه و روح که ارباب تقدیراتند اطلاع از آنها ندارند و در شب قدر ایشان
مطلع میشوند و بخدمت امام زمان نازل میشوند و همگی آنها را بخدمت آنحضرت عرض میکنند و
همچنین شوال متبرکه که بعد از ماه رمضانست چون بمنزلهٔ متمم و مکمل ماه رمضانست ایام و لیالی متبرکهٔ
آنها را نیز فی الجمله دخلی در باب شب قدر هست و گاه هست که جمعی که در ماه مبارک رمضان اصلا
توفیق عمل خالصی نیافته اند در ایام و لیالی متبرکه که بعد از ماه مبارک رمضان توفیق عمل مشکوری
مانند حج مبروری مثلا می یابند البته آمرزیده میشوند و لهذا در حدیث وارد شده است که هر که در
ماه مبارک رمضان آمرزیده نشود دیگر آمرزیده نمیشود مگر آنکه در موقف عرفات حاضر باشد
پس فی الحقیقه همه لیالی و ایام متبرکه تمام سال را در شب قدر فی الجمله مدخلیتی هست و ابتدای
آن از شب غرهٔ ماه رجب است و در آن شب شروع بتمهید شب قدر میشود و هر چند بماه رمضان
نزدیکتر میشود دخل آن بیشتر میشود و چون ماه مبارک رمضان داخل میشود مدخلیت آن زیاده میشود
تا شب بیست و سیم و بعد از آن شروع بمتمم میشود تا آخر ماه رمضان و بعد از ماه رمضان نیز متمم
ماه رمضانست و لیالی و ایام متبرکه آنها را نیز اندک دخلی هست بتفصیلی که مذکور شد والله تعالی یعلم
و بدانکه در باب آنکه چرا خصوص شب بیست و سیم شب قدر گردیده است نکتهٔ بخاطر رسیده و بیان آن
نکته موقوف بر تمهید مقدمه ایست و آن مقدمه آنست که بعضی از افراد عدد را بر سایر افراد
مزیت و امتیازی می باشد و لهذا اکثر ادعیه و اذکار در احادیث و اخبار بعددهای خاص وارد
شده و بعضی گفته اند که اگر دعا یا ذکری که بعدد خاصی وارد شده اگر از آن عدد تجاوز نماید
اثری که برای آن وارد شده بر آن مترتب نمیشود و تمثیل برای اینمطلب زده اند که این بمنزلهٔ

که کنجی را بکسی نشان داده باشد که از فلان موضع مثلا چهل کام بفلان جانب اکر برداری بر کنج میرسی پس اکر
کفته اول بمخالفت عامی و چهل کام بر نداری بکنج ظفر نخواهی یافت همچنین در تاثیر دعا این عدد مخصوص
معتبر است و اکر از ان تجاوز کند از ان کذشته است و بران ظفر نیافته است و از جمله عددهای ممتاز
عدد چهل است که اکثر احوال مولود از حالت نطفه بودن و علقه بودن و مضغه و غیر اینها در مدت
چهل روز حاصل میشود و علما در تفسیر حدیث من اخلص لله اربعین صباحا تفجرت ینابیع الحکمة من قلبه
الی لسانه خواص و مزایای بسیار برای عدد چهل کفته اند و عدد دوازده نیز از ان جمله است و لهذا عدد ائمه
علیهم السلم و عدد نقبای بنی اسرائیل و عدد بروج اسمانی و بعضی امور دیکر که بر تتبع معلوم میشود نیز بر دوازده
کذاشته شده و همچنین عدد هفت نیز از جمله عددهای ممتاز است و لهذا عدد ایام هفته و سموات و طبقات
ارض و اقالیم روی زمین و مساجد سبع در حالت نماز و غیر اینها چنانچه بعد از تتبع معلوم میکردد و
باین عدد مقرر کردیده و شیخ جلیل نبیل شیخ بهاء الدین محمد عاملی قدس الله روحه الشریف در بعضی از
مؤلفات خود کفته که در میان اعداد احاد عددی اکمل از عدد هفت نیست زیرا که طاق است و عدد طاق
اکمل است از عدد زوج و لهذا در حدیث وارد شده است که ان الله وتر یحب الوتر یعنی بدرستی که حق تعالی
طاق است و دوست میدارد طاق از هر چیزی را وایضا عدد هفت اول عدد طاق است که مشتمل است
بر اکثر انواع عدد زیرا که عدد یا زوج است یا فرد اول یا فرد غیر اول و یا منطقات یا اصم و یا مجذور است
یا غیر مجذور و یا تام است و یا زاید است یا ناقص و یا زوج زوج است یا زوج فرد و عدد هفت بر جمیع
این اقسام مشتمل است مکر عدد زاید و بیان معانی این اعداد مناسب این مقام نیست و بالجمله عدد
هفت اکمل اعداد احاد و بدیع ترتیب در میان جمیع اعداد ممتاز است و چون این مقدمه تمهید
یافت کوییم که بیست و یک شب که مشتمل بر سه هفت شب است مقدمه شب قدر است و شب بیست و یکم
که بمنزله نافله متممه شب قدر است در اخر مقدمه و اقرب از سایر اجزاء مقدمه بذی المقدمه است
و چون این نافله متممه نیز در شرافت تالی شب قدر است و حسب المقدور بعبادت و احیای ان
باید قیام نمود لهذا شب بیست و دوم شب استراحت کردیده و بعد از حصول این استراحت چون
بعد از مقدمات و عبادات دو شب نافله شب قدر استعداد دخول شب قدر بکمال رسیده شب بیست
سیم را شب قدر کردانیده و بعد از شب قدر هفت شب دیکر را متمم و مکمل شب قدر کردانیده بلکه هفت
از ماه شوال که اول شب عید و شش شب بعد از ان که لیالی ایام سته تشییع است نیز متمم و مکمل است برای
شب قدر پس در مقدمه و متمم هر دو رعایت عدد هفت که اکمل اعداد است واقع شده است و مؤید این

معنی

١٥٨

معنی چند حدیث وارد شده است اول شیخ بزرکوار ابی علی طبرسی در تفسیر مجمع البیان روایت کرده
که روزی عمر بن الخطاب علیه اللعنة و العذاب از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه سؤال نمود که شما میدانید که حضرت
رسالت صلی الله علیه و اله در باب شب قدر فرموده که طلب کنید ان را در شبهای طاق عشر اخر ماه مبارک رمضان
پس شما ان را در کدام یک از شبهای طاق مییابید پس هر یک از ایشان سخنی کفتند ابن عباس کوید که من نیز
میان ایشان بودم پس عمر بمن کفت که تو چرا در این باب سخنی نمیکویی من کفتم که من چنین دیده ام که حق
تعالی در قران مجید عدد هفت را بسیار ذکر فرموده چنانچه اسمانها را هفت و زمینها را هفت و عدد
شوطهای طواف را هفت و عدد رمی جمار را هفت مقرر فرموده و از ان چیزهایی که حق تعالی انها را
بعدد هفت بنا کذاشته انسانست که خلقت او را در هفت چیز قرار داده پس عمر کفت که همه را فهمیدم
بغیر از خلقت و روزی انسان که چکونه انها نیز بهفت چیز مقرر کردیده پس کفتم که حق تعالی میفرماید
و لقد خلقنا الانسان من سلالة من طین ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین ثم خلقنا النطفة
علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما فکسونا العظام لحما ثم انشاناه خلقا اخر
یعنی بدرستی که خلق کردیم انسان را از طعام و شراب پاکیزه که اصل ان از خاک است پس کردانیدیم انسان را
نطفه که در رحم قرار کرفته پس خلق کردیم نطفه را علقه یعنی خون غلیظ منجمد پس خلق کردیم
علقه را مضغه یعنی قطعه کوشت پس خلق کردیم مضغه را استخوان پس پوشانیدیم بر روی استخوان
کوشت را پس او را کردانیدیم خلق دیکر که روح در ان دمانیدیم پس معلوم شد که خلقت انسان در هفت
حالت است و در جای دیکر میفرماید انا صببنا الماء صبا ثم شققنا الارض شقا فانبتنا فیها
حبا و عنبا و قضبا و زیتونا و نخلا و حدائق غلبا و فاکهة و ابا متاعا لکم و لانعامکم
یعنی بدرستی که فرو ریختیم ما ابر یعنی باران را فرو ریختنی پس شکافتیم زمین را برای بیرون
امدن کیاه شکافتنی پس رویانیدیم در زمین دانها را که کندم و جو و سایر حبوبات است و انکور
و یونجه و زیتون و درخت خرما و باغستانهای عظیم و میوه و علف را از برای تمتع شما و چهارپایان
شما پس روزی انسان نیز در هفت چیز است که انها حبوبات و انکور و یونجه و زیتون و خرما و میوه
و علف است پس ابن عباس کفت که بمن چنین مینماید که شب قدر نیست مکر در شب بیست و سیم که هفت شب از ماه
مبارک رمضان باقی مانده است پس عمر تعجب کرد و کفت که شما عاجز شدید از انچه فهمیده بود این جوان
که هنوز موهای سرش بیرون نیامده است پس بمن کفت که رای من نیز با رای تو مطابق است
و دست بر منکب من زد و کفت علم تو کمتر از علم قوم تو نیست دویم ایضا شیخ طبرسی رحمه الله در کتاب

و در بعضی نسخ انسان را در هفت چیز قرار داده

مذکور از عبد الله بن عمر روایت کرده است که مردی بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض نمود که من در
خواب دیدم که شب قدر شبی است که بعد از آن شب هفت شب از ماه رمضان باقی مانده باشد پس حضرت
فرمود که خواب تو دلالت میکند بر انکه شب قدر شب بیست و سیم بوده باشد پس هر یک از شما که خواهد شبی
از ماه رمضان را احیا بدارد باید شب بیست و سیم را احیا بدارد و دلالت این دو حدیث بر انچه مذکور
شد ظاهر و واضح است **وبدانکه** بعد از بیان شرافت عدد هفت در میان اعداد و احاد شرافت شب
بیست و هفتم فی الجمله در میان هفت شب اخر ظاهر میشود و لهذا بعضی از روایات و ادعیه دلالت
میکند بر انکه ان شب قدر است چنانچه سابق بر این مذکور شد والله تعالی و رسوله و عترته
الکرام یعلم حقایق الاحکام **تذنیب** بدانکه در بعضی از روایات بعضی از علامات برای شب قدر
وارد شده است و بعضی از انها بعد از این ان شاء الله تعالی در ضمن ذکر اعمال بیان خواهد شد و بقیه
در این مقام مذکور میسازیم محمد بن یعقوب کلینی رضی الله عنه از محمد بن مسلم روایت نموده است که از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما سؤال نمودم از علامت
شب قدر فرمود علامتش انست که هوای ان شب طیب و خوشبو است و اگر در فصل زمستان باشد
گرم است و اگر در تابستان باشد سرد و خوشبو است و شیخ طبرسی رضی الله عنه در کتاب مجمع البیان از طریق
اهل سنه از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود که شب قدر شبی است
با برکت و عطا نه بسیار سرد و نه بسیار گرم و طلوع میکند افتاب در صبح ان در حالتی که گویا شعاع ندارد
و ایضا در کتاب مذکور از انحضرت روایت کرده است که فرمود افتاب طلوع میکند در صبح شب قدر
بنوعی که گویا طشتی است که شعاع ندارد **معراج چهارم** در بیان جواب اشکالات وارده در اینجا
بدانکه در این مقام چند اشکال بحسب ظاهر وارد میشود **اشکال اول** انکه در ایات سابقه و احادیث
ماضیه وارد شده که قران مجید در شب قدر نازل شده است چنانچه کریمه انا انزلناه فی لیلة القدر
صریح در این معنی است با انکه ظاهر است که ایات و سور قرانی بر وفق مصالح و وقایع متفرقا نازل
میشده چنانچه اکثر مفسرین گفته اند که در مدت بیست سال تمام قران مجید نازل شد و بعضی بیست
سه سال گفته اند و علما از این اشکال چند جواب گفته اند **اول** بعضی گفته اند که ابتداء نزول
قران مجید در این شب بوده است **دویم** بعضی گفته اند که ایات نازله در هر سالی اولا در شب قدر
بر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله نازل میشد و بعد از ان در ظرف سال بر طبق وقایع و مصالح
نازل میشد **سیم** فاضل جلیل مولانا محسن کاشانی طاب ثراه در تفسیر صافی گفته

که از بعضی روایات مستفاد میشود که قران در هر سالی در شب قدر بر محبت حق تعالی در زمین که
رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین اند نازل میشود و مراد از این انست که در هر سالی ملائکه
و روح در این شب بر امام نازل میشوند و انچه از ایات قرانی که متعلق بوقایع و سوانح ان سال است
برای او بیان می نمایند و مجملات ان ایات را تفصیل و متشابهات را تاویل و مطلقات را تقیید مینمایند
و محکمات را از متشابهات جدا میکنند و لهذا حق تعالی میفرماید شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ
الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ یعنی ماه رمضانی که نازل شده است در ان قران
یعنی در شب قدر از ان ماه حالکونی که راهنمائی میکند مردم را براه راست و ظاهر و هویدا میکند
هدایت و فرقان را و مراد از فرقان ایات محکمات است که عمل بانها واجب است و دیگر میفرماید فِيهَا يُفْرَقُ
كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ یعنی جدا میشود در شب قدر هر امر حکیمی یعنی هر امر محکمه از امر متشابه و در موضع دیگر
خطاب برسول خدا صلی الله علیه و آله میفرماید إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ یعنی بدرستی که بر ماست جمع
قرات در سینه تو و اثبات قراءت ان بر زبان تو یعنی در ازمنه متفرقه نزول ایات فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ
قُرْآنَهُ پس هر گاه خواندیم ایات را بر تو در حین نزول ایات پس پیروی کن همه انها را ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ
پس بدرستی که بر ماست بیان ان یعنی در هر شب قدری ملائکه و روح را میفرستیم بسوی تو و اهل
بیت تو بعد از تو که محکمات را از متشابهات جدا کنند و تقدیر اشیا و احکام خصوص وقایعی که در
هر سالی واقع میشود بیان نمایند پس مراد از نزول القران در شب قدر انست که اتمام و اکمال نزول ان
در شب قدر است این است کلام این فاضل و مراد او از حدیثی که دلالت بر تکرر نزول ان در شب قدر
میکند حدیثی است که از حمران بن اعین منقول است که گفت از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال
نمودم از قول حق تعالی إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ حضرت فرمود که لیله مبارکه شب قدر است
و ان در هر سالی در عشر اخر ماه مبارک رمضان است و نازل نشده است قران مگر در شب قدر حق تعالی
میفرماید فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ یعنی تقدیر میشود در این شب هر چه در اول سال تا اخر سال واقع
میشود از خیر و شر و طاعت و معصیت و ولادت موالید و اجال و ارزاق و مردم و این روایت
اگر چه بحسب ظاهر دلالت بر انچه مقدم این مدعا میکند لکن صریح در این معنی نیست چنانچه بعد از
تامل در عبارت حدیث معلوم میشود والله تعالی یعلم **چهارم** جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی
طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود گفته که ممکن است که تمام قران مجید اولا بر رسول خدا صلی الله
علیه و آله نازل شده باشد و ثانیا بر طبق وقایع منجما نیز نازل شده باشد **پنجم** بعضی گفته اند که

در شب قدر از لوح محفوظ به ملائکه سفره که کاتبان و ضابطان و رسولانند نازل شد و بعد از آن
منجماً نازل شد ششم بعضی دیگر گفته‌اند که در شب قدر به بیت المعمور نازل شد و بعد از آن
نجوماً نازل شد و این معنی در بعضی از روایات نیز وارد شده است چنانکه کلینی رضی الله عنه
از حفص بن غیاث روایت کرده است که گفت که بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمودم
که چگونه حق تعالی میفرماید شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن با آنکه قرآن مجید
در مدت بیست سال نازل شد حضرت فرمود که تمام قرآن مجید در ماه مبارک رمضان
به بیت المعمور نازل شد و بعد از آن در مدت بیست سال متفرق نازل شد پس حضرت
فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در شب اول ماه مبارک رمضان صحف
حضرت ابرهیم علیه السلام نازل شد و در هفتم ماه رمضان توریة بر حضرت موسی علیه السلام
نازل شد و در چهاردهم آن انجیل بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شد و در نوزدهم آن
زبور نازل شد و در شب بیست و سیم آن قرآن مجید نازل شد و مولانا محسن کاشانی طاب ثراه
گفته که مراد از بیت المعمور در این حدیث قلب منور رسول خدا صلی الله علیه و آله است
و پوشیده نیست که ضرورتی داعی بر این معنی نیست و قرینه که بر آن دلالت کند در عبارت
این حدیث نیز مذکور نیست والله تعالی العالم هفتم بعضی دیگر گفته‌اند که در شب قدر از
بیت المعمور بسماء دنیا که فلک قمر است نازل شد و بعد از آن نجوماً نازل شد و این وجه
نیز در بعضی روایات وارد شده است اینست وجوهی که علما در دفع این اشکال
گفته‌اند و ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه اولا حدیثی بسند
از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که فرمود که عدد ماهها نزد حق تعالی
دوازده ماه است در کتاب خدا روزی که آسمانها و زمین را خلق کرد پس بهترین ماهها
ماه خداوند عالمیانست و آن ماه مبارک رمضانست و قلب ماه رمضان شب قدر است
و قرآن در شب اول ماه رمضان نازل شد و باستقبال ابتدای قرآن آمد و بعد از ذکر این
روایت گفته است که کامل شدن نزول قرآن در شب قدر و این کلام نهایت ابهام و اجمال دارد
و مولانا محمد محسن کاشانی رحمه الله تعالی بر وجهی که در دفع اشکال گفته و تفصیل آن مذکور شد
تنزیل نموده است و صاحب کتاب فواید مدنیه مولانا محمد امین استرابادی قدس الله
روحه الشریف گفته که چون از احادیث دیگر مفهوم میشود که قرآن در شب قدر از لوح

محفوظ بسماء دنیا و از آنجا بزمین در مدت بیست و سه سال تدریجاً نازل شد لهذا صدوق علیه الرحمه
در مقام رفع تناقض میان احادیث این کلام را ذکر نموده است و مراد او از تکامل نزول وصول
بسماء دنیاست و ظاهر این توجیه آنست که تمام قرآن مجید در شب اول ماه از لوح محفوظ فرود آمده
و در شب قدر بسماء دنیا رسیده باشد و این معنی بسیار بعید است چنانچه بر متدبر پوشیده نیست
و جد علامه ام مولانا محمد تقی طاب ثراه در مقام جمع میان روایات مختلفه این مطلب و تصحیح قول
صدوق رحمه الله گفته است که در شب اول ماه از لوح محفوظ به بیت المعمور و در شب قدر از بیت
المعمور بسماء دنیا نازل شد و بعد از آن متفرقاً نازل شد و این سخن نیز بعید است زیرا که در روایت
حفص بن غیاث که مذکور شد اگرچه مذکور نیست که در شب قدر تمام قرآن به بیت المعمور نازل شد
باشد و محتمل است که در شب اول ماه نازل شده باشد و لیکن جزء آخر روایت دلالت میکند
بر آنکه نزول به بیت المعمور در شب قدر است و ظاهر آنست که مراد صدوق رحمه الله چنانچه فاضل
مرحوم خلیفه سلطان رحمه الله گفته آن باشد که ابتدای نزول قرآن مجید بسماء دنیا در شب اول
ماه و اتمام آن در شب قدر بوده است پس تمام نزول قرآن بسماء دنیا و کمال آن در شب قدر است
و تحقیق این مقام بوضعی که جمیع روایات متعارضه با یکدیگر متلایم شود چنانچه بخاطر فاتر
این شکسته قاصر میرسد آنست که نزول قرآن مجید بر دو قسم متصور است اول آنکه معانی
و مضامین قرآن مجید بر قلب منور سید کاینات صلی الله علیه و آله افضل التحیات و الصلوات
القا شود و آنحضرت را علم بجمیع آنها از راه الهام ربانی و وحی بیانی حاصل شود دوم آنکه
الفاظ و کلمات آیات بر آنحضرت خوانده شود بنا بر این ممکن است که گوییم در شب اول ماه
رمضان تمام قرآن مجید بطریق اول بر آنحضرت نازل شده چنانچه میفرماید نزل به الروح
الامین علی قلبک یعنی نازل شده است بقرآن مجید روح الامین بر قلب تو در شب قدر بطریق
دوم مجموع الفاظ قرآن مجید از لوح محفوظ اولاً به بیت المعمور و از بیت المعمور بسماء دنیا
نازل شده باشد و بعد از آن منجماً در مدت بیست و سه سال نیز بطریق دوم نازل شده باشد
بلکه ممکن است که در شب قدر از سماء دنیا نیز بطریق دوم بر آن حضرت نازل شده باشد و بعد از آن
متفرقاً نیز نازل شده باشد پس مراد از نزول در آیه کریمه نزل به الروح الامین علی قلبک
نزول بمعنی اول است و در آیه انا انزلناه فی لیلة مبارکة و آیه انا انزلناه فی لیلة القدر نزول
بمعنی دوم و در آیه شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن اگرچه هر دو محتملات و لیکن حدیث

حفص بن غیاث دلالت بر معنی ثانی میکند و سید در این باب ممکن است این باشد که چون تمام ماه
مبارک رمضان بابرکت و فضیلت و محل عبادت است لهذا در شب اول ماه رمضان از سال بعثت
معانی و مضامین قرآن مجید بآنحضرت الهام و القا شد که از اول این ماه تا آخر آن معرفت آنجناب
و علم او بما کان و یکون الی یوم القیمة کامل و تمام باشد و در شب قدر که اشرف اوقات است تمام
تمام قرآن بطریق ثانی باماکن شریفه که آن بیت المعمور که معبد ملائکه مقربانست و سماء دنیا که محل
نجوم و کواکب شریفه است نازل شده باشد و اکثر آثار دال است نیز بزمین فرود آمده باشد ممکن است
که در مسجد الحرام که اشرف بقاع روی زمین است بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرود آمده باشد
و محتملات که گوئیم بنا بر این چهار مرتبه قرآن مجید نازل شده و حکایت تنزیل هم در چهار موضع
قرآن مذکور است و ممکن است که هر اثری اشاره بنزولی باشد چنانچه آیه نزل به الروح الامین علی قلبک
اشاره بنزول بطریق اول در شب اول ماه باشد و آیه شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن
اشاره بنزول به بیت المعمور و آیه فیها یفرق کل امر حکیم و آیه انا انزلناه فی لیلة القدر اشاره
بدو نزول دیگر باشد والله تعالی یعلم حقائق الامور اشکال دوم آنکه وظیفه اولی شب قدر
چنانچه در معراج دوم مذکور شد آنست که عبادت در آن شب بهتر است از هزار ماه چنانچه صریح آیه
لیلة القدر خیر من الف شهر و هزار ماه هشتاد و سه سال و چهار ماه است و در هر سالی
یک شب قدر است و این معنی مستلزم تفضیل شب قدر است بر هشتاد و سه شب قدر و علما در مقام
جواب این اشکال دو مسلک اختیار نموده اند مسلک اول مسلک شیخ طبرسی رضی الله عنه در کتاب
مجمع البیان که بطریق اهل سنه از ابن عباس روایت نموده است که روزی در خدمت رسول خدا صلی الله
علیه و آله مذکور شد که شخصی از بنی اسرائیل در مدت هزار ماه شمشیر بر دوش خود گرفته در راه خدا
جهاد نموده آنحضرت تعجب عظیم نمودند آرزو کردند که کاش این سعادت در امت آنحضرت نیز می بود
پس در مقام مناجات فرمود که بار خدایا عمرهای امت مرا از سایر امتها کوتاه تر و عملهای ایشانرا
باین سبب کمتر کردانیدی پس حق تعالی شب قدر را باو کرامت فرمود و فرمود که شب قدر بهتر است از
هزار ماه که آن اسرائیلی سلاح بر دوش گرفته در راه خدا جهاد کرده است و این شب را برای تو
و امت تو مقرر فرمودیم در هر ماه رمضان تا روز قیامت و خلاصه جواب بنا بر این راجع
میشود بآنکه مراد از هزار ماه خصوص هزار ماه زمان حیوة بنی اسرائیلی است و شب قدر در آن
نبوده بلکه شب قدر در زمان حضرت رسالت پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله بهم رسیده و مسلم

خواهد بود تا آخر زمان دنیا مسلک دوم مسلک جمعی از علما که گفته اند مراد از هزار ماه مدت پادشاهی
خلفای بنی امیه لعنهم الله تعالی است و این معنی در بسیار روایات وارد شده است چنانچه در حدیث
سند صحیفه کامله سجادیه صلوات الله علی من الهمها مذکور است و ایضا کلینی رضی الله عنه از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب دید که بنی امیه لعنهم الله
بعد از آنحضرت بر منبر آنحضرت بالا رفته اند و مردم را از راه راست بقهقری میبرانند و آنحضرت
صبح کرد با حزن و اندوه پس جبرئیل علیه السلام فرود آمد و عرض نمود که یا رسول الله صلی الله علیه و آله
چرا غمگین و محزون میبینم حضرت فرمود که ای جبرئیل در خواب دیدم دیشب که
بنی امیه لعنهم الله بعد از من بر منبر من بالا رفته اند و مردم را از راه راست بقهقری گمراه میکنند جبرئیل
عرض نمود که سوگند باین خدائی که ترا بحق مبعوث بنبوت نموده است که من بر این مطلع نگردیده ام
و باسمان عروج نمود و زمانی نگذشت که فرود آمد و این آیه را آورد که آنحضرت را از اندوه و غم
برهاند افرایت ان متعناهم سنین ثم جاءهم ما کانوا یوعدون ما اغنی عنهم ما کانوا یمتعون
یعنی اگر دیدی که ما بهره ور گردانیدیم بنی امیه را چند سال پس در خواهد یافت ایشان را آن
جزهائی که با ایشان وعده شده است یعنی در آخرت از عذابهای الیم و سوره انا انزلناه را نیز آورد
پس حضرت صادق صلوات الله علیه فرمود که حق تعالی شب قدر را از برای پیغمبرش بهتر گردانید
از هزار ماه ملک بنی امیه لعنهم الله و علی بن ابراهیم قمی رضوان الله علیه در تفسیر خود و دیگران روایت
کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب دید که میمونهای بسیار بر منبر آنحضرت بالا میروند
و باین سبب غمگین شد پس حق تعالی برای تسلی آنحضرت سوره انا انزلناه را فرستاد و شب قدر
بآنحضرت عطا فرمود و شب قدر بهتر است از هزار ماه پادشاهی بنی امیه که در آن مدت شب قدر
نباشد و از طریق اهل سنت قاضی میر حسین میبدی در شرح دیوان از ترمذی روایت نموده
که حضرت امام حسن صلوات الله علیه چون با معویه ملعون مصالحه فرمود شخصی برخاست
و گفت که روهای مؤمنان را سیاه کردی پس حضرت علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله
در خواب دید که بنی امیه بر منبر او بر آمده اند و آنحضرت اندوهناک گردید پس این آیه نازل شد
انا اعطیناک الکوثر یعنی عطا کردیم ما بتو کوثر را و کوثر نهری است در بهشت و سوره انا
انزلناه فی لیلة القدر نیز نازل شد و مراد از هزار ماه هزار ماه پادشاهی بنی امیه است و بعضی
این حدیث از طریق خاصه و عامه در روایات دیگر نیز در این باب وارد شده است و بنا

بر این اسئلت جواب این شبهه را بچند وجه تقریر میتوان نمود **اول** انکه ممکن است که حق تعالی بسبب ظلم و طغیان ملاعین بنی امیه بر ایشان غضب فرموده فضیلت شب قدر را در مدت پادشاهی ایشان از هر کس سلب فرموده باشد بغیر ائمه علیهم السلام پس مراد اینست که عبادت این شب قبل از پادشاهی ایشان و بعد از پادشاهی ایشان بهتر است از عبادت هزار ماه ملک ایشان و این وجه خالی از بعدی نیست **دویم** محتمل است که شب قدر در ان مدت از شیعیان نیز سلب نشده باشد بلکه از فراعنه و اتباع ایشان بر تهمائی مسلوب شده باشد بنا بر این مراد اینست که اکر بالفرض عبادتهای ایشان صحیح باشد از عبادت یک شب قدر که احدی از شیعیان بعمل اورد بهتر است از عبادت هزار ماه مدت ملک ان ملاعین اکر عبادت میکردند و صحیح می بود و این وجه اظهر وجوه است **سیم** ممکن است که مراد این باشد که ثواب عبادت شب قدر بهتر است از پادشاهی بنی امیه لعنهم الله در مدت هزار ماه و اکر کسی کوید که اینمعنی خصوصیت بشب قدر ندارد بلکه هر عبادات هر چند بسیار قلیل باشد بهتر است از پادشاهی بنی امیه لعنهم الله بلکه پادشاهی تمام دوی زمین که در همه اوقات دنیا است چه ثواب عمل در اخرت امریست دایمی و پادشاهی دنیا هر چند زمان او بسیار باشد منقطع است و امر قلیل دائمی بهتر است از کثیر منقطع **جواب کویم** که مراد اینست که امتیاز ثواب عبادت شب قدر در میان مثوبات اخروی زیاده از امتیاز پادشاهی بنی امیه لعنهم الله است نسبت بسایر ممکها و سلطنتهای دنیا و این وجه اکر چه بلفظ ایه کریمه بسیار موافقت دارد لیکن با احادیث سابقه مخالفت چنانچه بعد از تامل ظاهر میشود والله تعالی یعلم **اشکال سیم** انکه وظیفه ثانی شب قدر چنانچه سابق بر این معلوم شد انست که ملائکه و روح در این شب بخدمت امام زمان نازل میشوند و تقدیرات سال را بخدمت او عرض می نمایند چنانچه صریح ایه تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ و در اخبار بسیار و احادیث بیشمار وارد شده که رسول خدا و ائمه هدی علیهم و علیهم التحیة والثنا در همه اوقات امامت و خلافت بما کان و ما یکون الی یوم القیمة عالم بوده اند و با وجود علم ایشان بوقایع و تقدیرات نزول ملائکه و روح بی فایده و خالی از ثمره است و جد علامه امام مولانا محمد باقر مجلسی طاب ثراه در بعضی از مؤلفات خود چند جواب از این اشکال کفته است **اول** انکه ممکن است که علم ایشان بوقایع و تقدیرات بنحوی باشد که در لوح محو و اثبات ثبت شده و احتمال بدا در آن تمامی بوده و اخبار در شب قدر با ایشان عرض میشود مطابق لوح محفوظ است و بدا در ان راه ندارد و این وجه مخالفت با اخبار سابق بر این مذکور شد

کر بعد از

کر بعد از تقدیر شب قدر نیز تغییر محتملات هر چند متعسر باشد **دویم** محتملات که علم ایشان بما کان و ما یکون بطریق اجمال باشد و در شب قدر وقایع و تقدیرات سال را بعنوان تفصیل با ایشان عرض نمایند و اکر کسی کوید که بنا بر این لازم می اید که تفاصیل وقایع سالهای بعد از ان سال را نتوانند اخبار نمود جواب کویم نزول ملائکه در این شب و اخبار ایشان یکی از طرق علم ان بزرکواران است و بغیر از این طریق طرق دیکر برای علم ایشان بسیار است مثل الهام و رؤیا و دیدن مصحف فاطمه و کتاب علی صلوات الله علیهما و غیر انها که از احادیث و اخبار ظاهر میشود و تفصیل انها در کتاب حدایق المقربین تالیف والد علامه ام ادام الله ظلاله الی یوم القیمة مذکور است لهذا بعضی از وقایع از منه لاحقه که ایشان خبر داده اند بیکی از این طرق علم بان بهم رسانیده اند **سیم** احتمال دارد که در علم ایشان اصلا زیاده و نقصانی واقع نشود ولیکن ایشان در اظهار و اخبار انها ماذون نباشند و چون در این شب باذان علوم تا ذکی برایشان عرض شود در اظهار و اخبار مرخص باشند و این وجه بعید و منافی با روایات بسیار است که ایشان بوقایع از منه بعیده اخبار نموده اند **چهارم** ممکن است که غرض از نزول ملائکه تعلیم و رخصت نباشد بلکه برای تعظیم و تکریم امام عصر نازل شوند و برای انکه بخدمت ان بزرکوار مشرف شوند و اقتباس انوار از ایشان نمایند و عهد و ولایت و امامت و مودت ایشان را تجدید نمایند و اینمعنی اکر چه حق است چنانچه روایات بسیار دلالت بر ان میکند ولیکن اظهر در جواب اشکال وجه ثانی است والله تعالی یعلم **اشکال چهارم** انکه بسبب اختلاف اقالیم و بلدان هلال ماهها مختلف میشوند و بنا بر این سبب شب قدر نیز مختلف میشود و در این صورت خواص و وظایف شب قدر را بانسبت بهر دو شب است یا بیکی و جواب این اشکال انست که وظیفه اولی شب قدر که فضیلت عبادات است در هر بلدی تابع شب قدر ان بلد است و در هر افقی و ناحیه ان فضیلت برای شب قدر ان ناحیه می باشد و اما وظیفه ثانی که نزول ملائکه و روح است پس محتمل است که در شب قدر بلد امام علیه السلام باشد یا انکه امام زمان در شب قدر هر بلدی در ان بلد حاضر شود و تقدیرات ان بلد را بخدمت او عرض نمایند یا با وجود انکه در بلد خود باشد در شب قدر هر بلدی احکام ان بلد را بان عرض نمایند والله تعالی یعلم حقایق الاحکام و رسوله و خلفائه علیه و علیهم السلام **باب هشتم** در بیان ادعیه و اداب دیدن هلال ماه مبارک رمضان و انها چنانچه از تتبع روایات ظاهر میشود چند امر است **اول** سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از محمد بن حنفیه رضی الله عنه روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که حضرت رسالت صلی الله علیه و اله

در بیان ادعیه و اداب دیدن هلال

دعای دیدن هلال

چون هلال ماه مبارک رمضان را ببیند روی خود را بقبله میکرد و این دعا را میخواند اللّهمّ اهلّه
علینا بالامن و الایمان و السلامة و الاسلام و العافیة المجلّلة و دفاع الاسقام و العون
علی الصلوة و الصیام و القیام و تلاوة القرآن اللّهمّ سلّمنا لشهر رمضان و تسلّمه
منّا و سلّمنا فیه حتّی ینقضی عنّا شهر رمضان و قد عفوت عنّا و غفرت لنا و رحمتنا مؤلف گوید
که کلینی رضی الله عنه در کتاب کافی و شیخ طوسی طاب ثراه در تهذیب بسند خود از حضرت امام محمّد
باقر علیه السلام و ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه مرسلا از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون هلال ماه مبارک رمضان را میدید
روی مبارک را بجانب قبله میکرد و دستها را بلند میکرد و این دعا را میخواند اللّهمّ اهلّه علینا
بالامن و الایمان و السلامة و الاسلام و العافیة المجلّلة و الرزق الواسع و دفع الاسقام
اللّهمّ ارزقنا صیامه و قیامه و تلاوة القرآن فیه سلّمه لنا و تسلّمه منّا و سلّمنا فیه — اللّهمّ
و کلینی و شیخ طوسی طاب ثراهما نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه هرگاه هلال ماه رمضان را میدید رو بقبله میکرد و این دعا را میخواند و همین
دعا را نقل نموده ولیکن در این روایت کلمه و الرزق الواسع و دفع الاسقام موجود نیست
و ابن بابویه در موضع دیگر از کتاب من لا یحضره و در کتاب امالی و ثواب الاعمال از حضرت امام
محمّد باقر صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله چون
هلال ماه مبارک رمضان را میدید روی مبارک خود را بجانب قبله میکرد و این دعا را میخواند
اللّهمّ اهلّه علینا بالامن و الایمان و السلامة و الاسلام و العافیة المجلّلة و الرزق
الواسع و دفع الاسقام و تلاوة القرآن و العون علی الصلوة و الصیام اللّهمّ سلّمنا
لشهر رمضان و سلّمه لنا و تسلّمه منّا حتّی ینقضی شهر رمضان و قد غفرت لنا
و ظاهر آنست که دعا در همه روایات متحد است و اختلاف کلمات و زیاده و نقصان فقرات
از عدم ضبط نسّاخ یا رواة ناشی شده است و اگر جمع میان همه بشود شاید اولی باشد
والله تعالی یعلم دوم ایضا سید در کتاب اقبال از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده
که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه هلال را میدید این دعا را میخواند الحمد لله الذی خلقک
و قدّرک و جعلک مواقیت للناس اللّهمّ اهلّه علینا اهلالا مبارکا مؤلف گوید
که در این روایت خصوص ماه رمضان مذکور نیست و ظاهر آنست که در دیدن هر هلال

هر ماهی این دعا را توان خواند والله یعلم سیم ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در وقت اقامت
کوفه هرگاه از خانه بیرون می آمد برای دیدن هلال ماه مبارک رمضان مردم نیز با آنحضرت
می آمدند و چون هلال را میدید این دعا را میخواند اللّهمّ اهلّه علینا بالامن و الایمان و السلامة
و الاسلام و صحّة من السقم و فراغ لطاعتک من الشغل و اکفنا بالقلیل من النوم یا رحیم
ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است که هرگاه
هلال را ببینی از جای خود حرکت مکن و این دعا را بخوان اللّهمّ انّی اسئلک خیر هذا الشهر
و فتحه و نوره و نصره و برکته و طهوره و رزقه اللّهمّ اسئلک خیر ما فیه و خیر ما
بعده و اعوذ بک من شرّ ما فیه و شرّ ما بعده اللّهمّ ادخله علینا بالامن و الایمان
و السلامة و الاسلام و البرکة و التقوی و التوفیق لما تحبّ و ترضی مؤلف گوید
که کلینی و شیخ طوسی قدس الله روحهما در کافی و تهذیب نیز این روایت را در باب ادعیه هلال
ماه رمضان نقل نموده اند و در روایت خصوص ماه رمضان مذکور نیست بنا بر این در وقت
دیدن هلال هر ماهی این دعا را می توان خواند والله تعالی یعلم چهارم ابن بابویه رضوان الله علیه
در کتاب من لا یحضره الفقیه در باب ادعیه هلال ماه رمضان ذکر نموده که از دعای حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه در وقت دیدن هلال ماه رمضان این دعا است ایّها الخلق
المطیع الدائب السریع المتردّد فی فلک التدبیر المتصرّف فی منازل التقدیر آمنت بمن نوّر
بک الظلم و اضاء بک البهم و جعلک آیة من آیات سلطانه و امتحنک بالزیادة
و النقصان و الطلوع و الافول و الانارة و الکسوف فی کل ذلک انت له مطیع و الی
ارادته سریع سبحانه ما احسن ما دبّر و اتقن ما صنع فی ملکه و جعلک الله هلال
شهر حادث لامر حادث جعلک الله هلال امن و ایمان و سلامة و اسلام هلال امن
من العاهات و سلامة من السیّئات اللّهمّ اجعلنا اهدی من طلع علیه و ازکی من
نظر الیه و صلّ علی محمّد و آله و افعل بی کذا و کذا یا ارحم الراحمین و بجای افعل

حاجات خود را طلب میفرمود **ششم** سید طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت کرده است که آنحضرت از پدر بزرگوار خود از جد امجدش علیهم السلام روایت فرموده که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه روزی براهی میرفت نظر مبارکش بهلال ماه مبارک رمضان افتاد در آنجا وایستاد و این دعا را خواند

ایضا دعای دیدن هلال

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَرَدِّدُ فِي فَلَكِ التَّقْدِيرِ الْمُتَصَرِّفُ فِي مَنَازِلِ التَّدْبِيرِ آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهَمَ وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ وَعَلَامَةً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ فَحَدَّ بِكَ الزَّمَانَ وَامْتَهَنَكَ بِالْكَمَالِ وَالنُّقْصَانِ وَالطُّلُوعِ وَالْأُفُولِ وَالْإِنَارَةِ وَالْكُسُوفِ فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ وَإِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا أَظْهَرَ فِي مِنْ أَمْرِكَ وَأَلْطَفَ مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لِأَمْرٍ حَادِثٍ جَعَلَكَ اللَّهُ هِلَالَ بَرَكَةٍ لَا تَمْحَقُهَا الْأَيَّامُ وَطَهَارَةٍ لَا تُدَنِّسُهَا الْآثَامُ هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْآفَاتِ وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ هِلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ وَيُمْنٍ لَا نَكَدَ فِيهِ وَيُسْرٍ لَا يُمَازِجُهُ عُسْرٌ وَخَيْرٍ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ هِلَالَ أَمْنٍ وَإِيمَانٍ وَنِعْمَةٍ وَإِحْسَانٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضَى مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَأَزْكَى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ وَأَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ وَوَفِّقْنَا اللَّهُمَّ فِيهِ لِلطَّاعَةِ وَالتَّوْبَةِ وَاعْصِمْنَا مِنَ الْآثَامِ وَأَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ النِّعَمِ وَأَلْبِسْنَا فِيهِ جُنَنَ الْعَافِيَةِ وَاخْتِمْ وَأَتْمِمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَاجْعَلْ لَنَا فِيهِ عَوْنًا عَلَى مَا نَدَبْتَنَا إِلَيْهِ مِنْ مُفْتَرَضِ طَاعَتِكَ وَتَقَبَّلْهَا إِنَّكَ الْأَكْرَمُ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ وَالْأَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

مؤلف گوید که ظاهر آنست که این دعا و دعای سابق با دعای هلال صحیفه کامله متحد باشد و اختلاف بعضی از کلمات و زیاده و نقصان بعضی از فقرات از عدم ضبط ناسخ یا رواة ناشی باشد با آنکه این ادعیه مطلقات است و در وقت دیدن هلال هر ماه میتوان خواند زیرا که عنوان این دعا در صحیفه کامله مطلقات است و مقید بماه رمضان نیست و مجبر روایت مرا لحصر اگرچه از عنوان باب و ظاهر میشود که این دعا مانند سایر ادعیه مخصوص هلال ماه رمضان باشد لیکن کلام صدوق در مقام ذکر دعا مطلقات است و مقید بماه رمضان نیست و روا

وَالْكُلِّ وَوَفِّقْنَا لِأَدَاءِ ... وَارْضِكَ بِأَسْبَغِ النِّعَمِ الْكَرِيمَةِ وَاخْصُصْنَا بِأَعْظَمِ الْمِنَنِ الْجَسِيمَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

سید اگرچه مشتملات بر آنکه حضرت سید الساجدین چون هلال ماه رمضان را دید این دعا را خواند ولیکن ایضا منافات ندارد با آنکه این دعا را در هلال ماههای دیگر نیز توان خواند و علی ای تقدیر اگر این دعا را در هلال هر ماهی بخواند طریق خواندنش بهتر است **هفتم** کلینی رضی الله عنه بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده است که هرگاه هلال ماه رمضان طالع میشد آنحضرت این دعا را میخواند

اللَّهُمَّ أَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْيَقِينِ وَالْإِيمَانِ وَالْبِرِّ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

هشتم سید طاب ثراه در کتاب اقبال گفته که ابن بابویه رحمه الله در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه هلال ماه رمضان را ببینی پس اشاره بآن مکن و رو بقبله کن و دستهای خود را بجانب حق تعالی بلند کن و باهلال خطاب کن و بگو رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ

مؤلف گوید که سید در اینمقام اشتباه در نقل نموده است زیرا که این دعا در کتاب من لا یحضره از حضرت صادق علیه السلام منقول نیست بلکه منسوب برساله والد شیخ علی بن بابویه رضوان الله علیه داده چنانچه از ملاحظه کتاب مذکور ظاهر میشود **نهم** ایضا در کتاب مذکور از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت نموده است که هرگاه هلال ماه رمضان را ببینی پس بگو اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ فَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَسَلِّمْنَا فِيهِ وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **دهم** ایضا سید طاب ثراه در کتاب مذکور ذکر نموده که این دعا را که در کتاب کهنه از کتب اصول شیعه یافتم بعنوان

رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهِلَّهُ عَلَيْنَا وَعَلَى أَهْلِ بُيُوتِنَا وَأَشْيَاعِنَا بِأَمْنٍ وَإِيمَانٍ وَسَلَامَةٍ وَإِسْلَامٍ وَبِرٍّ وَتَقْوَى وَعَافِيَةٍ مُجَلِّلَةٍ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَسَنٍ وَفَرَاغٍ مِنَ الشُّغُلِ وَاكْفِنَا بِالْقَلِيلِ مِنَ النَّوْمِ وَالْمُسَارَعَةِ فِيمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى وَثَبِّتْنَا عَلَيْهِ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَارْزُقْنَا بَرَكَتَهُ وَخَيْرَهُ وَعَوْنَهُ وَغُنْمَهُ وَنُورَهُ وَغِنَاهُ وَرَحْمَتَهُ وَمَغْفِرَتَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا شَرَّهُ وَضُرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ اللَّهُمَّ مَا قَسَمْتَ فِيهِ مِنْ رِزْقٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ فَضْلٍ أَوْ مَغْفِرَةٍ أَوْ رَحْمَةٍ فَاجْعَلْ نَصِيبَنَا

عونه و خیره

سیئة

فيه الاكبر وحظنا فيه الاوفر مؤلف گويد كه از عبارت سيد ظاهر نميشود كه اين دعا مخصوص هلال
ماه رمضان باشد ليكن از الفاظ دعا ظاهر ميشود كه مخصوص ماه رمضانست پانزدهم ايضاً سيد
در كتاب مذكور ذكر نموده است كه در كتاب كهنه كه مشتمل بر دعوات بسيار منقوله از طريق شيعه بود
وگويا ان كتاب از كتب اصول شيعه است ديدم كه هرگاه ماه را ببيني اين دعا را بخوان الله اكبر
الله اكبر الله اكبر ربي وربك الله لا اله الا هو رب العالمين الحمد لله الذي خلقني
وخلقك وقدرك منازل وجعلك اية للعالمين يباهي الله بك الملائكة اللهم اهله
علينا بالامن والايمان والسلامة والاسلام والغبطة والسرور والبهجة والحبور
وثبتنا على طاعتك والمسارعة فيما يرضيك اللهم بارك لنا في شهرنا هذا وارزقنا
خيره وبركته ويمنه وعونه وقوته واصرف عنا شره وبلائه وفتنته برحمتك يا
ارحم الراحمين مؤلف گويد كه در اين مقام نيز از عنوان دعا ظاهر نميشود كه مخصوص ماه مبارك رمضان
باشد وظاهر انست كه در هر ماهي اين دعا را توان خواند دوازدهم ايضاً سيد طاب ثراه در كتاب
مذكور ذكر نموده كه پس بعنوان اين دعا را كه يافتم از او در نسخه كهنه كه بعضي ميگفتند كه بخط سيد رضي موسوي
رضي الله عنه است اللهم اني اسالك يا مبدئ البلايا ويا خالق الارض والسماء ويا اله
من بقي واله من مضى ويا من رفع السماء وسطح الارض الهي واسالك بانك تبعث ارواح
اهل البلى بعد نتنك وامرك وسلطانك على عبادك واماتتك الاذلاء الهي واسالك
بانك تبعث الموتى وتميت الاحياء وانت رب الشعرى ومنات الثالثة الاخرى
ان تصلي على محمد وعلى اهل بيت محمد عدد الحصى والثرى وصل على محمد وعلى اهل
بيت محمد صلوة تكون لك رضى وارزقني في هذا الشهر التقى والنهى والصبر على البلاء
والعون عند القضاء واجعلني الهي من اهل العافية والمعافات وهب لي يقين اهل التقى
واعمال اهل النهى وصبر اهل البلوى فانك تعلم يا الهي ضعفي عند البلاء وقلة صبري في
الشدة والرخاء لا تبتليني ببلاء ارحم ضعفي واكشف كربي وفرج همي وارحمني رحمة
نطوي بها خطك عني واعف عني وجد علي بعفوك وجودك يا غني واستجب لي

في شهرك المبارك الذي عظمت حرمته وبركته واجعلني الهي ممن امن واتقى في الدنيا
والاخرة مع من اتوالى واتولى ولا تلحقني بمن مضى من اهل الجحود في هذه الدنيا واجعلني
الهي مع محمد واهل بيت محمد عليه وعليهم السلام في كل عافية وبلاء وكل شدة ورخاء
واحشرني معهم لا مع غيرهم في الدين والدنيا ابدا وفي الاخرة غدا يوم يحشر الناس
ضحى واجعل الاخرة خيرا لي من الاولى واصرف عني بحرمتهم عذاب الاخرة وخزي الدنيا
وفقرها ومسكنتها وما فيها يا رباه يا رباه يا رباه يا مولاياه يا ولي نعمتاه امين امين
اختم لي ذلك على ما اقول يا رباه پس صلوات بفرست بر رسول خدا وال او صلوات الله عليه وعليهم
اجمعين وحاجات خود را بخواه كه برآورده ميشود ان شاء الله تعالى مؤلف گويد كه از عنوان اين دعا
نيز ظاهر نميشود كه مخصوص ماه رمضان باشد ليكن از بعضي فقرات ان اختصاص بماه مبارك رمضان ظاهر
ميشود سيزدهم ابن ابي عقيل رحمه الله كه از قدماي علماي شيعه رضوان الله عليهم است گفته كه
واجبست در وقت ديدن هلال ماه رمضان خواندن اين دعا الحمد لله الذي خلقني
وخلقك وقدر منازلك وجعلك مواقيت للناس اللهم اهله علينا اهلالا مباركا
اللهم ادخله علينا بالسلامة والاسلام واليقين والايمان والبر والتقوى و
التوفيق لما تحب وترضى مؤلف گويد كه سيد جليل نبيل امير محمد باقر داماد قدس الله روحه
در بعضي از مؤلفات خود اين دعا را از ابن ابي عقيل نقل نموده وگفته كه بر وجوب ان قايل نيست
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي خلقني وخلقك وقدر منازلك اللهم سلمه
لنا وسلمنا فيه وتسلمه منا الله اكبر الله اكبر الله اكبر ربي وربك الله الحمد لله
الذي ذهب بشهر شعبان وجاء بشهر رمضان اللهم ارزقنا صيامه وقيامه
وتلاوة القران فيه برحمتك يا ارحم الراحمين وظاهرا سيد اشتباه در نقل نموده است
زيرا كه اكثر علما كه اين قول را از ابن ابي عقيل نقل نموده اند دعاي اول را ذكر نموده اند
وبلكه ابن ابي عقيل در اين قول منفردست وديگري از علما با او موافقت ننموده
وشيخ بهاء الدين محمد عاملي رفع الله درجته در بعضي از مؤلفات خود گفته است كه ظاهرا ابن
ابي عقيل حديثي ديده است كه امر بخواندن اين دعا در ان شده است وامر را بر وجوب
حمل نموده است وبعضي از علما وجوب را در كلام او بر تاكيد استحباب حمل نموده اند

چهاردهم سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد رفع الله درجته در بعضی از مؤلفات خود گفته که هلال ماه رمضان را
در روی اهل و عیال خود باید دید مؤلف گوید که این معنی در روایتی و حدیثی بنظر نرسید والله تعالی
یعلم **باب نهم** در بیان آداب و اعمالی که در همه اوقات اتیان میتوان بجا آورد و اختصاص
بروز و شب مخصوصی ندارد بدانکه بعضی از آداب و اعمال مانند تصدق و غیر آن در اتیان ثواب
عظیم دارد و روایات در آن در ابواب سابقه مذکور شد و بقیه اعمال مذکوره چنانچه از تتبع
احادیث و روایات ظاهر میشود چند چیز است **اول** تلاوت قرآن مجید بدانکه قرآن مجید حبل
المتین رحمت بیکران و عروة الوثقی فیض و احسان خداوند عالمیان است که گمگشتگان بوادی ضلالت
و تابهان فیافی غوایت بدلالت و راهنمائی تلاوت و تدبر و خوض در آیات آن بطریق قویم
دین داری و صراط مستقیم اطاعت و فرمان برداری میرسند و لهذا جناب مقدس خاتم الانبیاء
علیه و آله التحیة والثنا از زوال عترت اطهار و ثانی اثنین اهل بیت اخیار خود گردانیده
چنانچه در دهان گوهر بار بر اصداف این در تابدار نموده که انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و
عترتی اهل بیتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض یعنی بدرستی که من میگذارم در میان شما
دو چیز عظیم بزرگ که آن کتاب خدا و عترت من که اهل بیت من اند و آن از یکدیگر جدا نمیشوند
تا بر من آیند در نزد حوض کوثر و از انجا که خوان این انعام بر روی خواص و عوام گسترده
هدایت مواریث نبوی علی قائلها وآله الصلوة والسلام وارد شده است که القرآن مأدبة الله
یعنی قرآن مجید مائده خداوند حمید است که هر یک از بندگان از این سفره بی پایان در خور
استعداد و بقدر قابلیت مواد بهره میبرند چون جمعی بتلاوت فقرات و بعضی بتفکر در آیات
و برخی باستنباط علوم و احکام و حریفی بعبرت گرفتن از احوال امم ماضیه هلاکت انجام
و چون برای تلاوت آن در اخبار مرویه مثوبات جزیله و آداب جمیله وارد شده لاجرم
مطالب نما در ضمن سه سوره بیان میشود **سوره اوله** در بیان ثواب تلاوت قرآن عموما
شیخ بزرگوار عالیمقدار ابوعلی طبرسی رضی الله عنه در کتاب مجمع البیان از رسول خدا صلی الله
علیه و آله روایت کرده است که فرمود هر که قراءت قرآن نماید گویا که نبوت در میان جبین او جا
گرفته است لیکن فرقی که هست اینست که وحی باو نرسیده است و کلینی رضوان الله علیه
بسند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که آنحضرت فرمود که منور
کنید خانهای خود را بتلاوت قرآن و مباشید مانند یهود و نصاری که همه عبادات را از ربع

در ثواب تلاوت قرآن

وکتابها

۱۶۹

وکتابها میکنند و خانهای خود را معطل میگذارند بدرستیکه خانه هرگاه تلاوت قرآن در آن بسیار شود
خیر آن بسیار میشود و اهل آن خانه بفراوانی نعمت زندگانی میکنند و آن خانه در نظر اهل آسمان میدرخشد
چنانچه ستارهای آسمان برای اهل زمین میدرخشد و ایضا از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که خانه که مرد مسلمانی در آن تلاوت قرآن کند اهل آسمان آن خانه را بیکدیگر نشان میدهند
چنانچه اهل زمین ستاره درخشنده را بیکدیگر نشان میدهند و ایضا از آنحضرت روایت کرده است
که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که خانه که قرآن در آن خانه خوانده شود و ذکر حق تعالی در آن
بشود برکت آن بسیار میشود و ملائکه حاضر میشوند در آن و شیاطین بیرون میروند از آن و ایضا
از آنحضرت روایت نموده است که فرمود که پدرم حضرت امام محمد باقر علیه السلام کثیر الذکر بود
و جمع میکرد ما همگی را و امر میکرد که میفرمود تا طلوع آفتاب و هر یک از ما که قرآن می توانست بخواند
او را امر بخواندن قرآن میفرمود و هر کدام که قرائت نمی توانستند خواند او را امر میکرد که میفرمود
و میگفت که خانه که قرآن در آن خوانده میشود و ذکر حق تعالی بسیار کرده میشود برکت آن خانه
زیاد میشود و ملائکه در آن خانه حاضر میشوند و شیاطین از آن بیرون میروند و شیخ جلیل
احمد بن فهد حلی قدس الله روحه در کتاب عدة الداعی از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت
کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که بگردانید برای خانهای خود نصیبی از قرآن
بدرستیکه هر خانه که قرآن در آن خوانده شود اهل آن خانه غنی شوند و خیر آن خانه بسیار میشود
و روز بروز در زیادتی باشد و خانه که قرآن در آن خوانده نشود تنگ گذرد بر اهل آن خانه و خیر
آن کم شود و روز بروز در کمی باشد و شیخ کشی رحمه الله در کتاب رجال از ابی هرون روایت کرده
که گفت من در خانه حسن بن حسین سکنا نموده بودم و او چون دانست که من از موالیان و محبان
حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما هستم مرا از خانه خود بیرون کرد
پس حضرت صادق علیه السلام بمن رسید و فرمود که ای ابی هرون بمن رسیده است که این مرد تو را
از خانه خود بیرون کرده است عرض کردم که بلی فرمود که بمن رسیده است که تو در آن خانه تلاوت
کتاب خدا بسیار مینمودی و هر خانه که در آن کتاب خدا تلاوت کرده شود برای او نوری هست
که درخشنده باشد در آسمان و در میان سایر خانها معروف است و کلینی رحمه الله علیه بسند خود
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فرمود
که اهل قرآن در اعلای درجات هستند بعد از پیغمبران پس سهل مشمارید حقوق ایشان را

رمضان

که درجهٔ ایشان نزد حق تعالی بلند است و ایضاً از آنحضرت روایت نموده است که فرمود قرآن را یاد گیرید
زیرا که قرآن در روز قیامت بصورت جوانی خوشرو می آید بنزد حامل خود و میگوید که منم قرآنی
که بسبب من شبها بیدار بودی و روزها از روزه خود را بر تشنگی صبر داشتی و بسبب کثرت تلاوت من
آب دهانت خشک میشد و آب دیده ات جاری میشد امروز من با توام هر جا که میروی و هر که تجارتی
کرده امروز از پی تجارت خود میرود و من بعوض تجارت هر تاجر امروز برای تو می بودی کرامت را
پروردگار بتو میرسد پس خوشحال باش پس تاجی می آورند و بر سر او میگذارند و نامهٔ امان از عذاب
بدست راستش میدهند و نامهٔ مخلد بودن در بهشت را بدست چپش میدهند و دو حله باو می پوشانند
و میگویند که قرآن بخوان و بالا رو پس هر آیه که میخواند بیک درجه بالا میرود و بر پدر و مادرش دو حله
می پوشانند اگر مؤمن باشند و میگویند بایشان که این برای آنست که بفرزند خود قرآن تعلیم
نموده اید و ایضاً از آنحضرت روایت نموده است که هر مؤمنی که در جوانی قرآن بخواند قرآن با گوشت
و خون او مخلوط شود و حق تعالی او را با رسولان نیکوکار محشور گرداند و قرآن مانع از عذاب
او است در قیامت زیرا که میگوید پروردگارا هر عمل کنندهٔ اجر خود را گرفت بغیر این شخص که بمن
عمل کرده است پس بوستان باو گرامی ترین عطائی خود را پس حق تعالی دو حله از حلهای بهشت
بپوشانند باین شخص و تاج کرامت بر سر او بگذارد و بقرآن فرماید که آیا راضی شدی قرآن گوید
پروردگارا زیاده از این میخواهم پس برات امان از جهنم را بدست راستش دهند و برات مخلد بودن
در بهشت را بدست چپش دهند و او را داخل بهشت کنند و باو گویند که آیه بخوان و یک درجه بالا رو
و پس بقرآن خطاب رسد که آیا راضی شدی جواب گوید که بلی پس حضرت فرمود که هر که قرآن را بسیار
بخواند و بمشقت یاد و را حفظ کند حق تعالی اجر او را دو برابر کرامت فرماید و ایضاً از حضرت امام
محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام روایت کرده است که قرآن در روز قیامت به بهترین
صورتی می آید و بگروه مسلمین میرسد ایشان نیز میگویند که این شخص از فرقهٔ ماست پس میگذرد
از ایشان و به پیغمبران میرسد ایشان نیز میگویند که از ماست پس از ایشان نیز میگذرد تا بنزد
خداوند عالمیان میرسد و میگوید پروردگارا من فلان پسر فلان را در روز بر تشنگی در روزها انداختم
و در شب بر بیداری در دار دنیا و فلان پسر فلان را نه در روز بر تعب تشنگی و نه در شب بر تعب بیداری
انداختم پس حق تعالی باو فرماید که قاریان خود را داخل بهشت کن بقدر منازل ایشان پس برخیزد
و قاریان از عقب او روان شوند پس بهر یک از ایشان که مؤمن باشند گوید قرآن بخوان و بالا رو

برد

پس او قرآن بخواند و بالا رود تا همه بمنازل خود برسند و در آن ساکن گردند و ایضاً از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که دیوانهای قیامت سه دیوانست دیوان نعمتها و دیوان حسنات و دیوان
سیئات پس دیوان نعمت و دیوان حسنات را با یکدیگر مقابله می نمایند و دیوان نعمت زیادتی میکند
بر دیوان حسنات و دیوان سیئات می ماند پس فرزند آدم را بحساب می طلبند در این حال قرآن به
بهترین صورتی می آید و در پیش روی او می ایستد و میگوید پروردگارا منم قرآن و این بندهٔ مؤمن تو است
که خود را بر تعب می انداخت بتلاوت من در شبهای دراز مرا بترتیل میخواند و چون مرا در وقت
تهجد میخواند آب از دیده اش میریخت پس او را راضی کن چنانچه او مرا راضی کرد پس خداوند عزیز جبار فرماید
که ای بندهٔ من دست راست خود را بگشا پس پر کند حق تعالی او را از رضا و خوشنودی خود و دست چپش را
پر کند از رحمت الهی پس باو گویند که اینک بهشت برای تو مباح است پس بخوان قرآن را و بالا رو پس هر آیه
که میخواند بیک درجه بالا رود و از حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه منقولست که فرمود که
بر شما باد بقرآن بدرستی که حق تعالی بهشت را آفرید از طلا و نقره خلق فرموده و بجای گل
مشک خوشبو و بعوض خاک زعفران و بجای سنگ ریزه مروارید مقرر گردانید و درجات را بعدد
آیات قرآن قرار داده پس کسی که قرآن خوانده باشد باو گویند بخوان و بالا رو و از او هیچکس در بهشت
درجاتش بالاتر نیست مگر پیغمبران و صدیقان و ایضاً از آنحضرت روایت کرده است که رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود که کسی را که حق تعالی با قرآن عطا فرموده باشد و گمان کند که حق تعالی بدیگری زیاده از
او عطا فرموده است پس بدرستی که حقیر شمرده است چیزی را که حق تعالی او را عظیم شمرده است و عظیم
شمرده چیزی را که خدا حقیر شمرده است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که
قرآن را در نماز ایستاده بخواند حق تعالی بعوض هر حرفی از آن صد حسنه برای او بنویسد و هر که در نماز
نشسته بخواند بعوض هر حرفی پنجاه حسنه برای او بنویسد و هر که در غیر نماز بخواند بهر حرفی ده حسنه
برای او بنویسد و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه روایت نموده است که هر که یک آیه از قرآن
مجید در نماز ایستاده بخواند حق تعالی بهر حرفی از آن برای او صد حسنه بنویسد و اگر در غیر نماز
بخواند بهر حرفی ده حسنه برای او بنویسد و اگر بصدای قرآن گوش دهد بهر حرفی یک حسنه برای او
بنویسد و اگر قرآن را در شب ختم نماید ملائکه تا صبح برای او صلوات فرستند و اگر در روز ختم نماید
ملائکه کاتبان اعمال برا او صلوات فرستند تا شام و برای او بعد از ختم قرآن یک دعای مستجاب
باشد و این عمل برای او بهتر است از ما بین آسمان و زمین راوی گوید که عرض کردم که این ثواب

که فرمودی برای کسی بشارت که قرآن نتواند خواند پس کسی که نتواند بخواند چکند فرمود که حق تعالی بخشنده
و کریم است هر که بخواند از قرآن مجید اجر را واند حق تعالی این ثواب را با و کرامت فرماید و از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که بصاعقه مبتلا نمیشود کسی که ذاکر باشد راوی گوید که از آن
حضرت پرسیدم که ذاکر چه کس است فرمود کسی که صد آیه بخواند و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام
روایت نموده است که هر که گوش دهد بحرفی از کتاب خدا بی آنکه او را بخواند حق تعالی برای او یک حسنه
بنویسد و یک سیئه او را محو فرماید و یک درجه برای او بلند گرداند و هر که حرفی از قرآن بنوا با نظر کرده حق تعالی
برای او ده حسنه بنویسد و ده سیئه او را محو فرماید و ده درجه برای او بلند سازد پس فرمود که نمیگویم
بحرفی با و این ثوابها را میدهند بلکه بهر حرفی مانند با و تا و امثال اینها و هر که حرفی از قرآن را در نماز نشسته
بخواند حق تعالی برای او پنجاه حسنه بنویسد و پنجاه سیئه محو فرماید و پنجاه درجه بلند سازد و هر که
حرفی از او را در نماز ایستاده بخواند حق تعالی برای او صد حسنه بنویسد و صد سیئه محو فرماید
و صد درجه بلند گرداند و کسی که قرآن ختم نماید برای او یک دعا مستجاب باشد یا در دنیا یا در آخرت
و شیخ طبرسی قدس الله روحه در مجمع البیان از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت کرده است
که قرآن مجید حبل الله است و آن نور مبین و شفاء نافع است پس فرمود که تلاوت کنید آنرا بدرستی که
حق تعالی بعوض هر حرفی از آن ده حسنه بشما کرامت میفرماید و نمیگویم که الف لام میم یک حرف است
بلکه بالف ده حسنه و بلام ده حسنه و بمیم ده حسنه عطا میفرماید و احادیث این مطلب بسیار است
و اینمقام گنجایش ذکر زیاده از آن ندارد و بعضی در ضمن مطالب حقه نیز مذکور خواهد شد انشاء الله
تکمله بدانکه از روایات و اخبار ظاهر میشود که در هر شب و هر روز قدری از قرآن باید خوانده
شود و اما هر شب پس کلینی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که در هر شبی
ده آیه از قرآن مجید بخواند از جمله غافلان نوشته نشود و اگر پنجاه آیه بخواند در زمره ذاکران
نوشته شود و اگر صد آیه بخواند در زمره قانتان نوشته شود و اگر دویست آیه بخواند از جمله خاشعان
نوشته شود و اگر سیصد آیه بخواند در زمره فایزان نوشته شود و اگر پانصد آیه بخواند از جمله مجتهدان
نوشته شود و اگر هزار آیه بخواند نوشته شود برای او قنطاری که پانزده هزار مثقال طلا است و هر
مثقالی بیست و چهار قیراط است و کوچک ترین آنها مثل کوه احد است و بزرگترین آنها ما بین آسمان
و زمین است و ایضا از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که بفضیل بن یسار
فرمود که چه مانع است تاجر شما را و کسی که در بازار مشغول کسبی باشد از شما و بخانه مراجعت نماید که

نخوابد تا سوره از قرآن مجید را بخواند تا آنکه بنویسد حق تعالی برای او بعوض هر آیه ده حسنه و ده سیئه او را
محو فرماید و از این حدیث ظاهر میشود که کمتر از ده آیه نیز مجزی نیست زیرا که سوره گاهی کمتر از ده آیه میباشد
مانند انا اعطیناک الکوثر که سه آیه است و محتمل است که روایت اول نسبت بکسی باشد که شغلی و کسبی نداشته
باشد و روایت ثانی نظر بتجار و اهل کسب باشد که روز را بتعب کسب گذرانیده باشد و در شب خواب بر ایشان
غالب شود و در این صورت باید که قبل از خواب سوره از سورهای قرآنی را بخواند هر چند سوره کوچکی مثل سوره
قل هو الله احد و انا اعطیناک الکوثر باشد و محتمل است که دو روایت محمول بر اختلاف مراتب فضیلت
و ثواب باشد با آنکه اقل سوره کافی باشد و ده آیه افضل باشد یا آنکه اگر از ابتدای قرآن شروع بتلاوت
نموده باشد ده آیه در هر شبی معتبر است که در عالم بخواند و اگر از ابتدا شروع نکرده باشد در هر وقت چون که
اراده تلاوت نماید که سوره از سورهای قرآنی را تلاوت نماید معتبر است که در هر شبی یک سوره تلاوت کند
و الله تعالی یعلم و اما هر روز پس از روایات و اخبار ظاهر میشود که کمتر از پنجاه آیه نخواند چنانچه کلینی بسند
معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود که قرآن عهد و پیمان خداوند
عالمیانست بسوی بندگان و برای هر مسلمان سزاوار است که نظر کند در عهد خدا و بخواند هر روز از
قرآن پنجاه آیه و شیخ طوسی رضی الله عنه بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که
فرمود سزاوار است برای آدمی که چون صبح کند بعد از تعقیب نماز پنجاه آیه از قرآن بخواند و ابن بابویه
رضوان الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه بسند خود از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت
نموده است که بفرزند خود محمد بن الحنفیه وصیت طولانی فرمود از آن جمله اینست که بر تو باد بقرائت
قرآن و عمل کردن بمضامین آن و ملازمت فرایض و شرایع آن و متابعت حلال و حرام و امر و نهی وارده
در آن و تهجد بآن و تلاوت آن در شب و روز زیرا که قرآن عهد و پیمان خداوند عالمیانست بسوی بندگان
پس بر هر مسلمانی واجب است که هر روز در این عهد نظر کند هر چند بتلاوت پنجاه آیه از آن باشد و
پوشیده نماند که از این حدیث شریف نهایت تاکید در این باب ظاهر میشود زیرا که بلفظ وجوب وارد
شده است و لهذا بعضی از اخباریین باعتبار این حدیث بوجوب آن قایل شده اند و اینمعنی اگر چه
خلاف تحقیق است و لفظ وجوب محمول بر تاکد استحباب است چنانکه اکثر علما بر آن حمل نموده اند
و لیکن مراعات آن اولی است **سوره دوم** در بیان روایات داله بر فضیلت تلاوت در خصوص
ماه مبارک رمضان کلینی رضی الله عنه بسند خود از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است
که برای هر چیزی بهاری هست و بهار قرآن ماه مبارک رمضانست و ابن بابویه رضوان الله علیه

در کتاب عیون اخبار الرضا بسند خود از حضرت امام رضا صلوات الله علیه از پدران بزرگوار خود صلوات الله
علیهم اجمعین روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله روزی خطبه طولانی در وصف ماه مبارک
رمضان ادا فرمود و از جمله این بود که پس سؤال کنید از حق تعالی با نیتهای صادقه و دلهای پاکیزه
و اینکه توفیق دهد شما را برای روزه داشتن اینماه و تلاوت نمودن قرآن در اینماه بدرستی که شقی کسی است
که محروم باشد از آمرزش حق تعالی در اینماه و ایضاً آنحضرت در این حدیث فرمود که هر که در اینماه آیه
از قرآن مجید بخواند او را ثواب کسی باشد که تمام قرآن را در غیر اینماه ختم نموده باشد و ایضاً در کتاب امالی
بسند خود از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله در حدیث
طولانی فضیلت بسیار برای روزه هر روزی از روزهای ماه مبارک رمضان بیان فرموده و در ثواب
روزه روز بیستم فرمود که حق تعالی در روز بیستم اینماه بفرستد بسوی شما هفتاد هزار ملک را که محافظت
کنند شما را از شر هر شیطان رجیم و بنویسد برای شما بهر روزی که روزه داشته باشید روزه صد سال را
و بگردانند میان شما و آتش جهنم خندقی و عطا کند شما را ثواب کسی که خوانده باشد توریة و انجیل و زبور
و فرقان را و بنویسد برای شما بعدد هر پری که جبرئیل دارد عبادت سالی و عطا فرماید شما را ثواب تسبیح
عرش و کرسی را و تزویج نماید شما را بعدد هر آیه از قرآن مجید هزار حوری را و کلینی و ابن بابویه رضوان الله
علیه بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که بدرستی که عدد ماهها
نزد خدای تعالی دوازده ماه است در کتاب خدا از آن روزی که آسمانها و زمین را خلق کرده و اول
ماهها یا بهترین ماهها ماه خدا است که آن ماه مبارک رمضان است و قلب آن شب قدر است و قرآن
در شب اول ماه رمضان نازل شده است پس استقبال کنید ماه رمضان را بتلاوت قرآن ولیکن باید
که بترتیل بخوانی و چون بآیه بگذری که در آن ذکر آتش شده باشد توقف کن و پناه بر بخدا از آتش جهنم
ایضاً بدانکه از این حدیث شریف ظاهر میشود که در شب اول ماه رمضان بلکه در ابتداء این شب
باید که شروع بتلاوت بشود و ایضاً از این روایت دو سر برای تأکد استحباب تلاوت قرآن در ماه مبارک
رمضان ظاهر میشود **اول** آنکه قرآن مجید در اینماه نازل شده است پس تلاوت در اینماه انسب از سایر ماهها است
دوم آنکه چون اینماه اشرف و افضل است از سایر ماهها پس مطلق عبادات در اینماه افضل است
و باین جهة تلاوت قرآن نیز در اینماه افضل از سایر ماهها است و بدانکه چون فضیلت تلاوت در اینماه
بیشتر است و تأکید آن زیاده از سایر ماهها است پس باید که اکثر اوقات اینماه بتلاوت مصروف گردد
و باین جهت اگر تند تر خوانده شود ضرر ندارد ولیکن بحدی نرسد که حروف و کلمات از یکدیگر ممتیز نشود

[illegible]

ولهذا در حدیث سابق مذکور است که باید بترتیل بخوانی و در نزد آیه رحمت سؤال رحمت و نزد آیه عذاب
استعاذه از عذاب بکنی و بعد از این در ضمن آداب و شرایط تلاوت بعمل آوردن تحقیق معنی ترتیل
بتفصیل و بیان سؤال رحمت و استعاذه از عذاب و سایر آنچه در حین تلاوت آن مستحب است مذکور میشود
انشاء الله تعالی ولیکن در قدر تلاوت در ماه رمضان و غیر آن احادیث اختلافی دارد چنانچه
سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده است
که فرمود خوش نمی آید مرا که خوانده شود قرآن در کمتر از یکماه و کلینی رضی الله عنه نیز بسند خود از آنحضرت
روایت نموده است که فرمود راوی از آنحضرت پرسید که قرآن را در یکشب بخوانم فرمود که مرا خوش
نمی آید که در کمتر از یکماه خوانده شود و ایضاً بسند خود از حسین بن خالد روایت کرده است که گفت بخدمت
آنحضرت عرض نمودم که در چند روز قرآن را ختم نمایم فرمود که در پنج روز یا هفت روز بخوان بدرستی که قرآن را
نزد من هست که بچهارده حصه قسمت شده است **مؤلف گوید** که این حدیث دلالت میکند بر آنکه آنحضرت
گاهی که از این قرآن تلاوت میفرموده چهارده روز یک ختم مینموده است و ابن طاوس قدس الله روحه
در کتاب اقبال بسند خود از وهب بن حفص روایت نموده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم
که در چند روز قرآن را بخوانم فرمود که در شش روز و بیشتر عرض کردم که در ماه مبارک رمضان در چند روز
بخوانم فرمود که در سه روز و بیشتر و کلینی رحمة الله علیه بسند خود از علی بن ابی حمزه روایت کرده است
که گفت ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام پرسید و من حاضر بودم که فدای تو شوم قرآن را در یکشب بخوانم
فرمود نه پس گفت در دو شب بخوانم فرمود نه تا آنکه بشش شب رسید پس بدست مبارک اشاره فرمود که بلی
پس فرمود که ای ابو محمد بدرستی که جماعتی که پیش از شما بودند از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله قرآن را
در یکماه یا کمتر ختم می نمودند و بدرستی که قرآن را تند نباید خواند و کلمات و حروف از او داخل یکدیگر نباید
کرد بلکه بترتیل باید خوانده شود و هرگاه بآیه برسی که در آن یاد بهشت شده باشد توقف کن و از خدا
بهشت را سؤال کن و هرگاه بآیه برسی که در آن ذکر آتش شده باشد در نزد آن توقف کن و پناه بر بخدا از آتش
جهنم پس ابو بصیر پرسید که در ماه رمضان در یکشب قرآن را بخوانم فرمود نه پس در دو شب را پرسید فرمود نه پس
سه شب را پرسید فرمود بلی پس فرمود که ماه رمضان ماهی است که نظیر نیست با و ماهی دیگر بدرستی که از
برای آن حق و حرمت زیادتیست پس هر قدر نمازی که توانی در اینماه بکن و ابن بابویه رضوان الله علیه در
کتاب عیون اخبار الرضا از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت قرآن مجید را
در هر سه روز ختم می کرد و میفرموده که اگر خواهم در کمتر از سه روز نیز میتوانم ختم کرد ولیکن

نمیگذارم بایشان مگر هرگز مگر انکه فکر میکنم دران و در انکه در چه چیز و چه وقت نازل شده پس باین جهت در هر
سه روز یکختم میتمام و کلینی و دیگران از علی بن مغیره روایت کرده اند که گفت بخدمت حضرت امام رضا
علیه السلم عرض کردم که پدرم از جدت صلوات الله علیه سؤال نموده بود از ختم کردن قران در هر شب حضرت
فرموده بود که بلی و پدرم در ماه مبارک رمضان چهل ختم میکرد و من گاهی چهل ختم و گاهی زیاده و گاهی
کمتر میکردم بقدر فراغ و شغل و نشاط و کسالت خود و چون روز عید میشود یکختم را برای رسول خدا
صلی الله علیه واله و یکی را برای حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و یکی را برای حضرت فاطمه صلوات الله
علیها و برای هریک از ائمه یکی تا بشما برسد برای شما نیز یکی قرار میدهم و پیوسته چنین کرده‌ام تا حال چه
ثواب برای من خواهد بود بسبب این عمل فرمود که بسبب این عمل حق تعالی چنین خواهد کرد که در قیامت
با ایشان باشی راوی گفت الله اکبر چنین ثوابی برای من خواهد بود حضرت سه مرتبه فرمود بلی این است
روایات مختلفه این مطلب و سبب این اختلاف چند چیز میتواند بود **اول** اختلاف احوال فراغ بال
و وفور اشغال و حالت تعب و اندوه و کسالت و نشاط و رغبت و میل بعبادت و امثال اینها زیرا که در
حالت فراغ و نشاط و میل بعبادت تلاوت بیشتر میسر است و ثواب آن نیز مضاعف است و در حالت
تعب و اندوه رغبت کمتر و ثواب آن اندک است و لهذا در احادیث وارد شده است که هرگاه کسالت
داشته باشی و در خود اقبال بعبادت نیابی متوجه آن مشو **دوم** اختلاف اشخاص زیرا که اشخاص نیز بحسب
بعضی از اوصاف درین باب متفاوت میباشند چه بسیار است که کسی باعتبار طلاقت لسان یا حفظ
داشتن قران در مدت قلیلی قدر زیادی تلاوت میکند و دیگری باعتبار ثقل لسان یا عدم ربط تام بقران
کریان سبب در خواندن کلمات محتاج بتامل است و امثال اینها در مدت زیادی قلیلی تلاوت میکند
و ظاهر آنست که تجویز حضرت امام رضا صلوات الله علیه نسبت بعلی بن مغیره و رخصت حضرت امام محمد
باقر علیه السلم نسبت بمغیره باین جهات مذکوره بوده باشد و انچه از خواص اصحاب ائمه علیهم السلم درین باب
نقل نموده اند نیز ازین قبیل است چنانچه از ابو اسحق سبیعی که از خواص اصحاب سید الساجدین صلوات الله
علیه است نقل نموده اند که در مدت چهل سال روزها روزه داشت و شبها قران را ختم مینمود چند سال
قبل ازین مرد مردی متعبد زاهدی بود که این حقیر نیز او را مشاهده نموده بودم که در ماه مبارک رمضان
در هر روزی یکختم مینمود و اینمعنی برای کم کسی میسر است و بغیر تایید الهی و توفیق غیر متناهی میسر
ندارد و ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و سایر مردم که آنقدر طلاقت لسان و شوق عبادت
و نشاط و فراغ را در خود نیابند بهتر آنست که در غیر ماه مبارک رمضان در کمتر از شش روز و در ماه

مبارک رمضان در کمتر از سه روز ختم نکنند والله تعالی هو الموفق **سوم** بعد بیان وظایف و آداب
تلاوت و اینها چنانچه از تتبع روایات و اخبار ظاهر میشود چند چیز است **اول** انکه با طهارت باشد
چنانچه ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب خصال از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
روایت نموده است که فرمود قراءت نکند هیچ بنده قران را تا انکه وضو بسازد و حمیری در کتاب قرب الاسناد
بسند معتبر از محمد بن الفضیل روایت کرده است که گفت بخدمت حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا
عرض نمودم که گاه هست که قران میخوانم و بول بر من غلبه میکند بر میخیزم و بول میکنم و استنجا مینمایم و بر میگردم
و مشغول تلاوت میشوم فرمود چنین مکن تا وضو نسازی **مولف گوید** که نهی درین و در روایت بر کراهت
محمول است و مراد این است که وضو در حالت تلاوت سنت است و بدون آن مکروه است و مؤید این معنی
آنچه ابن فهد طاب ثراه در کتاب عدة الداعی از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین روایت نموده
که فرمود برای قاری قران بهر حرفی که میخواند در نماز ایستاده صد حسنه و نشسته پنجاه حسنه مینویسند
و چون در غیر نماز بخواند با وضو بیست و پنج حسنه و بی وضو ده حسنه مینویسند پس فرمود که
نمیگویم که الف لام را یکحرف بلکه با الف ده ثواب و بلام ده ثواب و بمیم ده ثواب و برا ده ثواب
باو میدهند و در انتقام تنبیه بر چند امر ضرور است **اول** انکه ظاهر آنست که در حین
تلاوت قاری باید که با طهارت باشد پس اگر وضو داشته باشد تجدید آن ضرور نیست هر چند
موافق مشهور میان علما سنت است و غسل جنابت درین باب نیز حکم وضو دارد بلکه
با غسال دیگر نیز خواه واجب و خواه مستحب موافق احادیث معتبره وضو ساختن ضرور
نیست **دوم** مشهور میان علما آنست که حرام است بر جنب و حایض خواندن چهار سوره سجده
واجب و جایز است خواندن سورهای دیگر خواه اصلا سجده نداشته باشد یا سجده
مستحب داشته باشد و لیکن زیاده از هفت آیه مکروه هست تا هفتاد آیه و چون به هفتاد
آیه رسید کراهت شدید میشود و بخط جد علامه امام قدس الله روحه القدوسی در بعضی
از فتاوی ایشان ملاحظه شده که زن در حالت حیض و نفاس بلکه نیز جمیع اذکار و ادعیه
و قران مجید را می تواند خواند مگر چهار سوره که سجده واجب دارد یعنی الم سجده و حم
سجده و والنجم و اقرأ که این چهار سوره را حرام است بر ایشان خواندن و سایر قران را می توانند
خواند و بهتر آنست که در وقت خواندن دست بحاشیه قران و جلد آن نگذارند و بدستمالی یا
جامه بگیرند و موافق مشهور دست بر روی نوشته قران و نام خدا و رسول و ائمه علیهم السلم نگذارند

ووالد علامه ام ادام الله ظلاله الی یوم القیمه در رساله وظایف التلاوة ذکر نموده که احادیث
صحیح دلالت میکند بر انکه غیر سوره سجده را می توانند خواند هر قدر که خواهد و سنت است و کراهت
ندارد دوم انکه رو بقبله باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که بهترین مجالس انست که
رو بقبله باشد واین شرط در صورتیست که در محل معینی قرار داشته باشد خواه ایستاده
وخواه نشسته لیکن اگر براهی رود سواره یا پیاده این شرط مرعی و معتبر نیست سیم انکه مادام
که مشغول تلاوت باشد هرابی بنا شامد چنانچه از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه واله
منقولست که فرمود هر که قران خواند و با خواندن قرآن هرابی بیاشامد یا محبت دنیا و زینتها
دنیا را بر قرآن اختیار نماید مستوجب غضب الهی گردد مگر توبه کند واگر بی توبه بمیرد روز
قیامت قران حجت خود را براو تمام نماید و او را هیچ عذری نباشد چهارم انکه از مصحف
تلاوت نماید هر چند در حفظ داشته باشد چنانکه کلینی وابن بابویه باسانید بسیار از
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند که فرمود هر که قراءت کند
قران را از مصحف از دیدهٔ خود تمتع و بهره برد و تخفیف دهند عذاب را از پدر و مادر او
هر چند کافر باشند وابن بابویه بسند دیگر از اسحق بن عمار روایت نموده است که گفت
عرض نمودم بخدمت انحضرت که فدای تو شوم من قرآن را حفظ دارم ایا افضل انست که
از حفظ بخوانم یا از روی مصحف فرمود بلکه از روی مصحف افضل است ایا نمیدانی که نظر
کردن بمصحف عبادتست و در حدیث دیگر وارد شده است که سه چیز است که شکایت خواهند کرد
بخدا وند عز وجل یکی مسجد خرابی که در ان نماز نکنند و عالمی که در میان جهال باشد و حرمت
او را نگاه ندارند و مصحفی که او بحجره باشد و غبار بران نشسته باشد و از ان تلاوت ننمایند پنجم
خواندن ادعیه ماثوره در حین تلاوت و انها بر دو نوع است نوع اول دعائی که قبل از شروع
باید خوانده شود و اجزا این باب در روایات بنظر رسیده چند دعا است اول کلینی رضی الله عنه
بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که انحضرت
در نزد قراءت قران مجید این دعا را میخواندند اللّهُمَّ رَبَّنا لَكَ الْحَمْدُ وَانْتَ الْمُتَوَحِّدُ
بِالْقُدْرَةِ وَالسُّلْطانِ الْمَتِينِ وَلَكَ الْحَمْدُ انْتَ الْمُتَعالِي بِالْعِزِّ وَالْكِبْرِياءِ وَفَوْقَ
السَّمواتِ وَالْعَرْشِ الْعَظِيمِ رَبَّنا وَلَكَ الْحَمْدُ انْتَ الْمُكْتَفِي بِعِلْمِكَ وَالْمُحْتاجُ
اِلَيْكَ كُلُّ ذِي عِلْمٍ رَبَّنا وَلَكَ الْحَمْدُ يا مُنْزِلَ الاياتِ وَالذِّكْرِ الْعَظِيمِ رَبَّنا

دعای غیر که قبل از تلاوت قران باید خواند

علیها

فَلَكَ الْحَمْدُ بِما عَلَّمْتَنا مِنَ الْحِكْمَةِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الْمُبِينِ اللّهُمَّ انْتَ عَلَّمْتَناهُ قَبْلَ
رَغْبَتِنا فِي تَعَلُّمِهِ وَاخْتَصَصْتَنا بِهِ قَبْلَ رَغْبَتِنا بِنَفْعِهِ اللّهُمَّ فَاِذا كانَ ذلِكَ مَنّاً
مِنْكَ وَفَضْلاً وَجُوداً وَلُطْفاً بِنا وَرَحْمَةً لَنا وَامْتِناناً عَلَيْنا مِنْ غَيْرِ حَوْلِنا وَلا حِيلَتِنا
وَلا قُوَّتِنا اللّهُمَّ فَحَبِّبْ اِلَيْنا حُسْنَ تِلاوَتِهِ وَحِفْظَ اياتِهِ وَايماناً بِمُتَشابِهِهِ وَعَمَلاً
بِمُحْكَمِهِ وَسَبَباً فِي تَأْوِيلِهِ وَهُدًى فِي تَدَبُّرِهِ وَبَصِيرَةً بِنُورِهِ اللّهُمَّ وَكَما انْزَلْتَهُ شِفاءً
لِاَوْلِيائِكَ وَشَقاءً عَلى اَعْدائِكَ وَعَمًى عَلى اَهْلِ مَعْصِيَتِكَ وَنُوراً لِاَهْلِ طاعَتِكَ اللّهُمَّ
فَاجْعَلْهُ لَنا حِصْناً مِنْ عَذابِكَ وَحِرْزاً مِنْ غَضَبِكَ وَحاجِزاً عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَعِصْمَةً
مِنْ سَخَطِكَ وَدَلِيلاً عَلى طاعَتِكَ وَنُوراً يَوْمَ نَلْقاكَ نَسْتَضِيءُ بِهِ فِي خَلْقِكَ وَنَجُوزُ
بِهِ عَلى صِراطِكَ وَنَهْتَدِي بِهِ اِلى جَنَّتِكَ اللّهُمَّ اِنّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الشِّقْوَةِ فِي حَمْلِهِ
وَالْعَمى عَنْ عِلْمِهِ وَالْجَوْرِ عَنْ حُكْمِهِ وَالْغُلُوِّ عَنْ قَصْدِهِ وَالتَّقْصِيرِ دُونَ حَقِّهِ اللّهُمَّ
احْمِلْ عَنّا ثِقْلَهُ وَاَوْجِبْ لَنا اَجْرَهُ وَاَوْزِعْنا شُكْرَهُ وَاجْعَلْنا نُراعِيهِ وَنَحْفَظُهُ
اللّهُمَّ اجْعَلْنا نَتَّبِعُ حَلالَهُ وَنَجْتَنِبُ حَرامَهُ وَنُقِيمُ حُدُودَهُ وَنُؤَدِّي فَرائِضَهُ
اللّهُمَّ ارْزُقْنا حَلاوَةً فِي تِلاوَتِهِ وَنَشاطاً فِي قِيامِهِ وَوَجَلاً فِي تَرْتِيلِهِ وَقُوَّةً
فِي اسْتِعْمالِهِ فِي آناءِ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ اللّهُمَّ وَاشْفِنا مِنَ النَّوْمِ بِالْيَسِيرِ وَايْقِظْنا
فِي ساعَةِ اللَّيْلِ مِنْ رُقادِ الرّاقِدِينَ وَنَبِّهْنا عِنْدَ الْاَحايِينِ الَّتِي يُسْتَجابُ فِيهَا الدُّعاءُ
مِنْ سِنَةِ الْوَسْنانِينَ اللّهُمَّ اجْعَلْ لِقُلُوبِنا ذَكاءً عِنْدَ عَجائِبِهِ الَّتِي لا تَنْقَضِي وَ
لَذاذَةً عِنْدَ تَرْدِيدِهِ وَعِبْرَةً عِنْدَ تَرْجِيعِهِ وَنَفْعاً بَيِّناً عِنْدَ اسْتِفْهامِهِ اللّهُمَّ
اِنّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَخَلُّفِهِ فِي قُلُوبِنا وَتَوَسُّدِهِ عِنْدَ رُقادِنا وَنَبْذِهِ وَراءَ ظُهُورِنا
وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ قَساوَةِ قُلُوبِنا لِما بِهِ وَعَظْتَنا اللّهُمَّ انْفَعْنا بِما صَرَّفْتَ فِيهِ مِنَ الاياتِ
وَذَكِّرْنا بِما ضَرَبْتَ فِيهِ مِنَ الْاَمْثالِ وَكَفِّرْ عَنّا بِتَأْوِيلِهِ السَّيِّئاتِ وَضاعِفْ لَنا

تعلیمه

فضلك

جودك

تهمها

سببا

القيمة

عمله

الاجابين

لقلوبنا

المثلات

فِي الحَسَنَاتِ وَارْفَعْنَا بِهِ ثَوَابًا فِي الدَّرَجَاتِ وَلَقِّنَا بِهِ البُشْرَى بَعْدَ المَمَاتِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا
زَادًا تُقَوِّينَا بِهِ فِي المَوْقِفِ وَفِي الوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَطَرِيقًا وَاضِحًا نَسْلُكُ بِهِ إِلَيْكَ وَعِلْمًا نَافِعًا
نَشْكُرُ بِهِ نَعْمَاءَكَ وَتَخَشُّعًا صَادِقًا نُسَبِّحُ بِهِ أَسْمَاءَكَ اللَّهُمَّ فَإِنَّكَ اتَّخَذْتَ بِهِ عَلَيْنَا حُجَّةً
قَطَعْتَ بِهِ عُذْرَنَا وَاصْطَنَعْتَ بِهِ عِنْدَنَا نِعْمَةً قَصُرَ عَنْهَا شُكْرُنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا وَلِيًّا
يُثَبِّتُنَا مِنَ الزَّلَلِ وَدَلِيلًا لِصَالِحِ العَمَلِ وَعَوْنًا وَهَادِيًا يُقَوِّمُنَا مِنَ المَيْلِ وَعَوْنًا يُقَوِّينَا مِنَ المَلَلِ
حَتَّى يَبْلُغَ بِنَا أَفْضَلَ الأَمَلِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا يَوْمَ اللِّقَاءِ وَسِلَاحًا يَوْمَ الارْتِقَاءِ
وَحَجِيجًا يَوْمَ القَضَاءِ وَنُورًا يَوْمَ الظُّلْمَاءِ يَوْمَ لَا أَرْضَ وَلَا سَمَاءَ يَوْمَ يُجْزَى كُلُّ سَاعٍ بِمَا
سَعَى اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا رِيًّا يَوْمَ الظَّمَاءِ وَفَوْزًا يَوْمَ الجَزَاءِ مِنْ نَارٍ حَامِيَةٍ قَلِيلَةِ البُقْيَا عَلَى
مَنْ بِهَا اصْطَلَى وَبِحَرِّهَا تَلَظَّى اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا بُرْهَانًا عَلَى رُؤُوسِ المَلَاءِ يَوْمَ يُجْمَعُ فِيهِ أَهْلُ
الأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَعَيْشَ السُّعَدَاءِ وَمُرَافَقَةَ الأَنْبِيَاءِ
إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ **مولف گويد** كه ظاهر لفظ اين روايت انست كه اين دعا قبل از تلاوت بايد خوانده شود
و محتمل است كه مراد خواندن ان بعد از تلاوت باشد واگر در هر دو وقت خوانده شود اولى است **وجه دوم**
سيد ابن طاوس قدس الله روحه در كتاب اقبال بسند معتبر روايت كرده كه چون حضرت امام جعفر
صادق عليه السلام اراده تلاوت ميفرمود مصحف را بدست مبارك ميگرفت و پيش از انكه بكشايد اين دعا
ميخواند بسم الله اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ المُنْزَلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكِتَابُكَ النَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ رَسُولِكَ وَشَرَائِعُ دِينِكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ
وَجَعَلْتَهُ عَهْدًا مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي نَشَرْتُ
عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظَرِي فِيهِ عِبَادَةً وَقِرَاءَتِي فِيهِ تَفَكُّرًا وَفِكْرِي فِيهِ اعْتِبَارًا
وَاجْعَلْنِي مِمَّنِ اتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَاجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ وَلَا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرَاءَتِي
كِتَابَكَ عَلَى قَلْبِي وَلَا عَلَى سَمْعِي وَلَا تَجْعَلْ عَلَى بَصَرِي غِشَاوَةً وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً
لَا تَدَبُّرَ فِيهَا بَلِ اجْعَلْنِي أَتَدَبَّرُ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ آخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَلَا تَجْعَلْ نَظَرِي

فِيهِ غَفْلَةً وَلَا قِرَاءَتِي هَذْرَمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ **مولف گويد** كه ظاهر عبارت حديث
بلكه ظاهر فقرات دعا انست كه اين دعا مخصوص كسى باشد كه از روى مصحف تلاوت نمايد نه انكه
از حفظ بخواند واگر مطلقا قبل از تلاوت اين دعا خوانده شود شايد بجز باشد **سيم** از رسول خدا
صلى الله عليه واله منقولست كه هر كه مصحف را در دست بگيرد باراده تلاوت واول اين دعا را بخواند
حق تعالى بعوض هر حرفى ده هزار حسنه باو عطا فرمايد ودعا اينست اللَّهُمَّ بِالحَقِّ أَنْزَلْتَهُ
وَبِالحَقِّ نَزَلَ اللَّهُمَّ عَظِّمْ فِيهِ رَغْبَتِي وَاجْعَلْهُ نُورًا لِبَصَرِي وَشِفَاءً لِصَدْرِي وَذَهَابًا
لِهَمِّي وَحُزْنِي اللَّهُمَّ زَيِّنْ بِهِ لِسَانِي وَجَمِّلْ بِهِ وَجْهِي وَقَوِّ بِهِ جَسَدِي وَارْزُقْنِي تِلَاوَتَهُ
عَلَى طَاعَتِكَ آنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ وَاحْشُرْنِي مَعَ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الأَخْيَارِ **مولف گويد**
كه اين دعا فيما بين قراء مشهور ومعروفست وليكن در كتب شيعه تا حال بنظر نرسيده و چون
بحضرت رسالت صلى الله عليه واله منسوبست ودر اعمال مستحبه باحاديث ضعيفه عمل مى توان نمود
لهذا عمل نمودن بان نيكوست **نوع دوم** دعائى كه بعد از ختم تلاوت بعضى از قرآن بايد خوانده شود
ودر اين باب نيز چند دعا بنظر رسيده **اول** سيد ابن طاوس قدس الله روحه در كتاب اقبال
ذكر نموده كه در روايت سابق كه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه در باب دعاى
قبل از تلاوت منقولست مذكوراست كه انحضرت چون از تلاوت فارغ ميشد اين دعا را ميخواند
اللَّهُمَّ إِنِّي قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ لِي مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ
وَرَحْمَتُكَ فَلَكَ الحَمْدُ رَبَّنَا وَلَكَ الشُّكْرُ وَالمِنَّةُ مَا قَدَّرْتَ وَوَفَّقْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي
مِمَّنْ يُحِلُّ حَلَالَكَ وَيُحَرِّمُ حَرَامَكَ وَيَجْتَنِبُ مَعَاصِيَكَ وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ وَمُتَشَابِهِهِ وَ
نَاسِخِهِ وَمَنْسُوخِهِ وَاجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَرَحْمَةً وَحِرْزًا وَذُخْرًا اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي أُنْسًا
فِي قَبْرِي وَأُنْسًا فِي حَشْرِي وَأُنْسًا فِي نَشْرِي وَاجْعَلْهُ لِي بَرَكَةً بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأْتُهَا وَارْفَعْ
لِي بِكُلِّ حَرْفٍ دَرَسْتُهُ دَرَجَةً فِي أَعْلَا عِلِّيِّينَ آمِينَ يَا رَبَّ العَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
نَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَنَجِيِّكَ وَدَلِيلِكَ وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَعَلَى أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ
وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ وَعَلَى أَوْصِيَائِهِمَا المُسْتَحْفِظِينَ دِينَكَ المُسْتَوْدَعِينَ

حقك وعليهم اجمعين السلام ورحمة الله وبركاته دوم در كتاب مكارم الاخلاق
ايد عا را براي بعد از فراغ از تلاوت ذكر نموده اللهم قد قرأت ما قضيت من كتابك
الذي انزلت على نبيك الصادق صلى الله عليه واله فلك الحمد ربنا اللهم اجعلني
ممن يحل حلاله ويحرم حرامه ويؤمن بمحكمه ومتشابهه واجعله انسا في قبري وانسا
في حشري واجعلني ممن ترقيه بكل اية قرأها درجة في اعلا عليين امين يا رب العالمين
و بدانكه اكر تلاوت قارئ قرائت عام شود مستحب است كه دعاء ختم قران نيز بخواند وانها بعد از اين
مذكور ميشود انشاء الله تعالى ششم انكه در ابتداء قران تلفظ باستعاذه نمايد تا خداوند
عالميان اورا از شر شيطان و وساوس او پناه دهد واز شر وان ملعون ايمن كردد وبا حضور قلب
متوجه تلاوت شود چنانچه حق تعالى ميفرمايد فاذا قرأت القران فاستعذ بالله من الشيطان
الرجيم يعني هركاه اراده كني قرائت قران را پس پناه ببر بخدا از شيطان رجيم ودر كيفيت ان در روايات
مختلفه وارد شده است اول اعوذ بالله من الشيطان الرجيم دوم اعوذ بالله السميع العليم من
الشيطان الرجيم سوم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم ان الله هو الفتاح العليم چهارم اعوذ
بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم واعوذ بالله ان يحضرون ششم استعيذ بالله من
الشيطان الرجيم ان الله هو السميع العليم واولي بحسب روايات دو قسم اولست و بدانكه
اولي وافضل انست كه در اثناي قرائت اكر با كسي سخن كويد يا سكوت طولاني كند استعاذه را اعاده
كند بلكه در غير حال تلاوت نيز هركاه ابتدا از قران خواند بدون استعاذه نباشد هفتم انكه
در قراءت رعايت ترتيل نمايد چنانچه حق تعالى ميفرمايد ورتل القران ترتيلا يعني ترتيل كن
اي محمد صلى الله عليه واله در قراءت قران ترتيل كردني وعلما براي ترتيل دو معني كفته اند اول
اداء حروف از مخارج ومحافظت احكام وقف ووصل يعني هر حرفي را از مخرج خود ادا كند
وثا را از مخرج سين وسين را از مخرج صاد وضاد را از مخرج ظاء ادا ننمايد وبالجمله حروفي كه مخارج
انها با هم متقاربست در اداء ان حروف احتياط تمام نمايد ودر باب وقف ووصل اين ضابطه را مرعي دارد
كه اكر وصل كند وكلمات را با يكديكر متصل خواند وفاصله ننمايد بقطع نفس يا بسكت طويل كلمه را
كه ران وقف ميننمايد ساكن كرداند ووقف بحركت ننمايد وترتيل باين معني موافق مشهور ميان علما
واجبست دوم تاني وشمرده خواندن كلمات بوضعي كه حروف انها از يكديكر ممتاز شوند وليكن
بحدي نرسد كه از يكديكر جدا باشد وكلام از اتصال بيفتد وتحسين صفات حروف ومدها

واقسام وقفها كه قرا ضبط نموده اند همه كي را مرعي دارد وترتيل باين معني مستحبست وواجب نيست
ودر حديث وارد شده است كه از حضرت امير المومنين صلوات الله عليه پرسيدند كه ترتيل چه
معني دارد فرمود كه حروف را نيكو ظاهر وهويدا كردان وازهم مپاش مانند ريكي كه بپاشند وتند مخوان
بنحوي كه عربان شعر را ميخوانند بلكه بخوف وفزع او دلها را بكوبيد بخواندن قران ودلهاي سخت را
وچنان مباشيد كه همت براخر سوره كماشته باشيد وتند بخوانيد كه زود تمام شود ودر حديث ديكر از
انحضرت مرويست كه سوال نمودند از معني ترتيل فرمود كه ترتيل حفظ وقفهاست واداء حرفهاست
از مخارج وپوشيده نماند كه حديث اول اشارتست بمعني ثاني وظاهر حديث ثاني معني اولست
ومحتملست كه ناظر بهر دو معني باشد والله تعالى يعلم بدانكه از اخبار واحاديث مفهوم ميشود
كه ترتيل در قراءت بمعني اول وثاني در صورتي مرعي ومنظورست كه قدرت بران داشته باشد
وبوضع ترتيل تواند خواند پس اكر قادر نباشد ولهجه او بنحوي باشد كه حروف نتواند حروف را از
مخارج تلفظ نمايد ترتيل از او ساقطست وبروش مقدور تلاوت ميتواند نمود وحق تعالى بكرم
خود ثواب تمام وكامل باو عطا ميفرمايد ودر حديث وارد شده است كه حضرت رسول صلى الله عليه واله
وسلم فرمود كه بسا باشد كه عجمي از امت من قران بخواند بروش عجمي خود نه بروش عربان وملائكه بالا برند
تلاوت او را بروش عربان هشتم انكه بخضوع وخشوع ورقت وحزن واندوه قراءت نمايد چنانچه
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه منقولست كه فرمود قران بحزن نازل شده است پس انرا
بحزن واندوه بخوانيد ودر حديث ديكر از حفص مرويست كه حضرت امام موسى كاظم صلوات الله عليه
بحفص فرمود كه در دنيا ميخواهي باقي بماني كفت بلي فرمود براي چه چيز ميخواهي كفت براي انكه سوره
قل هو الله احد را بسيار بخوانم پس انحضرت بعد از زماني خطاب بمن كرد وفرمود اي حفص هركه
از دوستان وشيعيان ما بميرد وقران نداند حق تعالى در قبر قران را باو تعليم ميفرمايد تا درجات اورا
باين سبب بلند كرداند زيرا كه درجات بهشت بقدر ايات قرانيست وبقاري قران ميكويند كه
بخوان وبالا رو وهر ايه كه ميخواند بدرجه بالا ميرود پس حفص كفت كسي را نديدم كه خوفش يا اميدش
زياده از انحضرت باشد وچون قران ميخواند بحزن واندوه ميخواند وبنحوي ميخواند كه كويا با كسي مشافهه
خطاب ميفرمايد نهم انكه بصوت حسن وآواز خوش بخواند چنانچه بسند معتبر منقولست كه حضرت رسول
صلى الله عليه واله فرمود كه براي هر چيزي زينتي هست وزينت قران آواز خوشست ودر حديث ديكر مرويست
كه انحضرت فرمود كه قران را با آواز خوش بخوانيد كه آواز خوش زياده ميكند حسن قرانرا ودر حديث معتبر ديكر

مرویست که ابو بصیر گفت پرسیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از تفسیر این کریمه ورتل القرآن ترتیلا
فرمود یعنی قرآن را بتأنی بخوان و بیا و از خوش بخوان و در حدیث دیگر وارد شده است که نوفلی گفت عرض کردم بخدمت
حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه آواز خوش را فرمود بدرستی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
قراءت قرآن می نمود و گاه بود که راه گذاران می گذشتند و از حسن صدای آنحضرت بیهوش می گشتند
و بدرستی که امام زمان اگر ظاهر سازد چیزی از خوش آوازی خود را هر آینه تاب نمی آورند آنرا مردم از
زیادتی حسن آن راوی گفت عرض کردم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون نماز میگذارد بمردم آواز را
بلند نمیکرد بخواندن قرآن فرمود بدرستی که آنحضرت تحمل میکرد بمردم آنچه را طاقت داشتند و تاب
می آوردند مؤلف گوید که والد محقق علامه ام رفع الله درجته فی النشأتین مقامه در رساله وظائف
التلاوة ذکر نموده که احادیث در باب تحسین صوت و تزئین آن در تلاوت قرآن بسیار است و لهذا
بعضی از متأخرین علما غنا را در قراءت تجویز نموده اند زیرا که تحسین صوت کشیدن آواز و تزیین و
تحزین آن در غالب اوقات جدا نمیشود از کلام اهل لغت و غیر ایشان مستفاد میشود بدون غنا نمی باشد
و شیخ طبرسی قدس الله روحه در تفسیر مجمع البیان در بیان آداب قراءت قرآن گفته فی سابع در بیان
تحزینست است از برای قاری از تحسین لفظ و تزیین صوت در قراءت قرآن و احادیث بسیار از طرق
عامه در این باب نقل نموده و از جمله آنها حدیث عبدالرحمن بن سایب است که گفت بنزد سعد بن وقاص
رفتم و سلام کردم گفت مرحبا برادرزاده من پس گفت بمن رسیده است که تو خوش آوازی در خواندن
قرآن گفتم بلی الحمد لله گفت من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که میفرمود قرآن بحزن نازل
شده است چون قرآن میخوانید بگریید و اگر گریه نیاید خود را بگریه بدارید و تغنی کنید بقرآن
بدرستی که هر که تغنی نکند بقرآن از ما نیست و شیخ علیه الرحمه بعد از ایراد این حدیث گفته که بعضی
علما تاویل کرده اند این حدیث را و گفته اند که تغنی یعنی استغنا است یعنی هر که مستغنی نشود بقرآن
از ما نیست و اکثر علما را اعتقاد آنست که تغنی یعنی زینت دادن آواز و بحزن خواندن قرآنست و نوشته
غنا نماد که ظاهر این کلام آنست که غنای در قرآن نزد او جایز بلکه مستحب بوده است و بگمان او اکثر علما
سلف نیز سنت میدانسته اند و کلام سید مرتضی علم الهدی رضی الله عنه در کتاب غرر و درر نیز
اشعار باینمعنی دارد و کلینی قدس الله روحه در کتاب کافی بابی عقد کرده است در بیان ترتیل
قرآن بصوت حسن و اکثر احادیث که نوشتیم در آن باب ایراد نموده است اما بیشتر اقاویل علمای
متقدمین قدس الله ارواحهم در باب جواز غنا در تلاوت قرآن و لکن شیخ ابوالقاسم محقق

وجمع کثیری از علمای متأخرین اتفاق نموده اند بر حرمت غنا مطلقا هر چند در قرآن مجید بوده باشد
این است کلام والد علامه ام ادام الله ظلاله الی یوم القیمة و بخیر در این باب بخاطر این شکسته
قاصر میرسد آنست که احادیث حرمت غنا مطلقا بسیار است و روایات در باب خواندن قرآن
مجید بصوت حسن نیز بسیار است و بعضی از آنها نیز بلفظ غنا وارد شده است و وجه جمع بین الروایات
میتوان گفت که صوت حسن غیر غنا است زیرا که غنا آنست که صدا از مخرج طبیعی بیرون رود و تحریرات
بسیار در آواز بهم رسد و حروف و کلمات باعتبار کششهای بسیار که در صدا بهم رسانند واضح از هم
نباشد و صوت حسن عبارت از آنست که صدا از وضع خلقی اصلا بیرون نرود و حروف و کلمات
از هم بباشد و لیکن بنوعی قراءت و تلاوت را بکند که حسن صوتی از او ظاهر شود و مستمعان
از طور خواندن آن محظوظ شوند بی آنکه تحریر و کشش زیادتی در صدا بهم رسد که حروف و کلمات
از هم بپاشد مراد از غنا در احادیث حرمت غنا معنی اول و مراد از صوت حسن در احادیث
جواز تغنی در قرآن معنی دوم است و مؤید اینمعنی است در آنکه اگر مراد از تغنی در قرآن معنی اول
باشد مخالف میشود با دو ایتی که در باب ترتیل قرآن وارد شده چنانچه مذکور شد و اگر کسی گوید
که معنی حسن صوت نیز مستلزم غنی است زیرا که خارج از مقامات نخواهد بود بلکه بالضروره
با یکی از مقامات دوازده گانه مطابق خواهد بود جواب گوئیم که در علم موسیقی ثابت شده است
که دوازده مقام و بیست و چهار گوشه و چهل و هشت شعبه میباشد و هیچ صدائی و آوازی
از اینها بیرون نیست بلکه اصوات حیوانات نیز بالضروره با یکی از اینها موافق است و در این صورت
نهی از تغنی و استماع غنی مستلزم نهی از جمیع انواع تکلم و تنطق و استماع آن خواهد بود و
فساد آن ظاهر و واضح است پس معلوم میشود که مراد از غنا صدائی است که تحریرات زیاد و مد
و کشش بسیار داشته باشد و حسن صوت لازم ندارد که بدین گونه بوده باشد و بالجمله شکی نیست
که ترک غنا بمعنی که مذکور شد در قرآن مجید احوط است والله تعالی یعلم **دوم** آنکه متوسط
بخوانند و بسیار آهسته و بسیار بلند نخوانند چنانچه بسند معتبر از ابوبصیر منقولست که گفت بخدمت
حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم که هرگاه قرآن میخوانم و آواز خود را بلند میکنم شیطان
می آید بنزد من و میگوید که ریا میکنی برای اهل خانه خود و برای مردم پس آنحضرت فرمود ای ابو محمد
بوضعی بخوان که میانه قراءت بلند و قراءت آهسته باشد که اهل خانه تو بشنوند و ترجیع
بخواندن قرآن آواز خود را زیرا که حق تعالی دوست میدارد آواز خوش را که ترجیع کنند

در آواز ترجیع کردنی و بسند صحیح از معویة بن عمار مرویست که گفت عرض کردم بخدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که آدمی چنین می پندارد که هیچ کاری نکرده است در وقت خواندن
و وقت خواندن قرآن تا آنکه صدای خود را بلند نسازد پس آنحضرت فرمود با کی نیست که صدا بلند سازی
بدرستی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام خوش آوازترین مردم بود بقرآن و آواز خود را بلند
میکرد بخواندن قرآن تا بحدی که همگی اهل خانه اش میشنیدند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام
نیز خوش آوازترین مردم بود بخواندن قرآن و چون آخر شب برمیخواست و قرآن تلاوت میفرمود آواز
خود را بلند میکرد و راه گذاران از سقایان و غیر ایشان می ایستادند و گوش بقراءت آنحضرت
میدادند و بروایت دیگر فرمود که هرگاه حضرت امام زین العابدین علیه السلام تلاوت میفرمود
سقایان بر در خانه مکرمه آنحضرت می ایستادند و گوش بقراءت آنحضرت میدادند و بروایت
دیگر از حسن صوت آنحضرت مدهوش میشدند **مؤلف گوید** که حدیث اول دال بر قراءت وسط
و احادیث اخیر شاهد بلند خواندن است و در وقتی که مراتب قراءت نسبت بحال مردم
متفاوت باشد و میانه نظر بحال کسی باشد که در بلند خواندن ریا کند و بلند خواندن نسبت بکسی
که ایمن باشد از ریا مانند ائمه هدی علیهم التحیة والثناء و گروهی از اهل تقوی که جهاد نفس
نموده خود را از ریا که عنبر شرک با جناب اقدس حق تعالی است بری و عری ساخته باشند
والله تعالی یعلم **یازدهم** آنکه بتدبر و تفکر قراءت نماید و متوجه معانی و مضامین الفاظ
و عبارات آن باشد چنانچه باسانید بسیار از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه
و سایر ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین منقولست که فرمودند خیری نیست در قرائتی
که در آن تدبر نباشد و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مرویست که فرمود که آیات قرآنی
خزینهای حکمت ربانی است پس در هر خزینه را که می گشائی باید که در آن نظر نمائی و بتفکر
جواهر معانی و حکمتها را از آن خزاین بیرون آوری **مؤلف گوید** که حقیقت تدبر در قراءت
آنست که قاری اقتصار ننماید بر قراءت الفاظ و عبارات قرآن بلکه هر آیه که خواند در آن تا بر
تدبر و تفکر نماید و بداند که خداوند کریم مهربان قراءت قرآن مجید و فرقان حمید چراغهای
هدایت برای او افروخته است و انوار حکمت در آن هویدا کرده اند و چنانچه بدیده ظاهر را
در آن بجولان می آورد بدیده دل او نیز مطالعه انوار آن می کشاید و بداند که با خداوند خود در
مقام مناجات و سخن میگوید و راز و نیاز در میان دارد گاهی خدا با او خطاب میفرماید

باید که از دل و جان لبیک در جواب گوید و گاهی پیغمبران خدا با او سخن میگویند چنان داند که با او مخاطب
بخطاب بنیانات و گاهی حق تعالی او را بوعدهٔ حور و قصور و طعام و شراب تطمیع مینماید باید که
آنها را طلب نماید و گاهی بوعید انواع زجر و عذاب تهدید میفرماید باید که از آنها پناه جوید و گاهی مانند
پدر مشفق و ادیب مهربان او را موعظه و نصیحت مینماید باید که از آنها پند گیرد و گاهی برای او قصص و احوال
گذشتگان را نقل می نماید باید که از آنها عبرت گیرد و گاهی خانهای الوان نعیم بهشت را برای او
میگشایند و گاهی اوصاف جمال و جلال خود را برای او بیان میفرماید و او را در گلستان و بوستان
صفات کمالیه خود سیر میفرماید و گاهی ابواب کنوز علوم و معارف نامتناهیه را بر روی او میگشاید
و از انوار جواهر حقایق آنچه دیده اش تاب آورد بر نظرش جلوه میدهد و گاهی احوال دوستان خود
و کمالات ایشان را برای او نقل مینماید و نعمتها که با ایشان عطا فرموده ایشان را بآنها میستاید و شفقتها
که در راه او کشیده اند و تلافی و تدارک لطف خود را که نسبت با ایشان بعمل آورده بیان میفرماید و از بیان وسعت
حلم و مزید کرم خود در حق گذشتگان در ساحه امید و پیشگاه رجا را برای مؤمنان وسیع میگرداند
و بالجمله هر که از روی تدبر و تأمل و تفکر در قرآن نظر نماید و درهای گلستان فیوض یزدانی برویش
عقل او مفتوح و دیدهٔ دلش بانواع ادراک حقایق و معارف منور باشد در هر صفحه از صفحات قرآنی
گلستانی از شقایق حقایق بنظرش می آید و چراغانی از الوان انوار معارف در پیش دیده اش جلوه
مینماید و محفلی می بیند مملو از دوستان و برگزیدگان با ایشان انس و الفت میگیرد و مجلسی مشاهده
میکند اهل مجلس پیغمبران و اوصیا و صدیقان با ایشان همنشینی و مصاحبت مینماید میزبانش
خداوند مهربان و مصاحبانش بزرگواران عالیشان نعمای محفل مائدهٔ سبحانی مزین بالوان نعمتهای
روحانی و اقسام لذتهای عقلانی و از اینجاست که در حدیث وارد شده است که جناب اقدس امام
الزاهدین و سید الساجدین امام زین العابدین سلام الله علیه و علی آبائه و اولاده الطاهرین
میفرمودند که اگر چنانچه کسی که در مابین مشرق و مغرب اند همگی بمیرند و در دنیا تنها مانم
بعد از آنکه قرآن با من باشد وحشت بهم نمیرسانم **دوازدهم** آنکه اگر بعد از آیات رحمت طلب
رحمت و بعد از آیات عذاب طلب نجات از عذاب نماید و در هنگام خواندن بعضی از آیات الفاظ
و اذکاری که در روایات وارد شده است با آنها اتیان نماید چنانچه بسند معتبر از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که فرمود که سزاوار است کسی را که قرآن خواند چون بگذرد بآیه که در آن
امری یا سؤالی باشد سؤال کند از خدا بهتر آنچه امید دارد و سؤال کند عافیت از آتش جهنم و عذابها

و در حدیث دیگر از رجاء بن ابی الضحاک که در سفر خراسان ملازم رکاب حضرت امام رضا علیه السلام بود
و طریق سلوک آنحضرت را در آن سفر در حدیث طولانی نقل نموده مرویست که گفت چون آنحضرت
بجای رخت خواب میرفت تلاوت بسیار میفرمود و چون بآیه میرسید که یاد بهشت و دوزخ بوده میگریست
و از حق تعالی طلب بهشت و استعاذه از جهنم مینمود و چون سوره قل هو الله احد را میخواند بعد از
احد آهسته میفرمود الله الصمد و بعد از فراغ از سوره سه مرتبه میفرمود کذلک الله ربنا و چون
سوره قل یا ایها الکافرون را میخواند بعد از لفظ الکافرون آهسته میفرمود یا ایها الکافرون
و بعد از فراغ سوره سه مرتبه میفرمود ربی الله دینی و دینی الاسلام و چون از سوره و التین
فارغ میشد میفرمود بلی و انا علی ذلک من الشاهدین و چون سوره لا اقسم را میخواند بعد از
تمام سوره میفرمود سبحانک اللهم بلی و چون از سوره حمد فارغ میشد میفرمود الحمد لله
رب العالمین و چون سوره سبح اسم ربک الاعلی را میخواند بعد از اعلی آهسته میفرمود سبحان
ربی الاعلی و هرجا در قرآن یا ایها الذین آمنوا را میخواند آهسته میفرمود لبیک اللهم لبیک
مؤلف گوید که در این حدیث بعد از خواندن سوره توحید سه مرتبه کذلک الله ربنا وارد شده و در
حدیث دیگر کذلک الله ربی سه مرتبه و در حدیث دیگر دو مرتبه و در حدیث دیگر کذلک الله ربی
یا کذلک الله ربی یک مرتبه واقع شده و بهر یک از این احادیث که عمل نماید خوبست و در باب سوره
قل یا ایها الکافرون در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بداود بن الحصین
فرمود که چون بخوانی قل یا ایها الکافرون بگو یا ایها الکافرون و چون بخوانی لا اعبد ما تعبدون
بگو اعبد الله وحده و چون بخوانی لکم دینکم ولی دین بگو ربی الله و دینی الاسلام و در حدیث دیگر
وارد شده که چون آنحضرت این سوره مبارکه را میخواند بعد از لا اعبد ما تعبدون میفرمود اعبد ربی
و بعد از اتمام سوره میفرمود دینی الاسلام علیه احیا و علیه اموت ان شاء الله و در حدیث دیگر از آن
حضرت مرویست که هر که سوره الرحمن را بخواند و چون این کریمه فبای آلاء ربکما تکذبان را تمام کند
بگوید لا بشیء من آلائک رب اکذب اگر در شب خوانده باشد و در آن شب بمیرد شهید مرده باشد
و اگر در روز خوانده باشد و بمیرد شهید مرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر گاه بخوانید سوره
تبت را نفرین کنید بر ابو لهب که او از کروهی بود که تکذیب کرد پیغمبر صلی الله علیه و آله را و تکذیب
آنچه از آنحضرت از جانب حق تعالی آورده بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله و سلامه علیه منقولست که میفرمود چون سوره مسبحات را بخوانید بگوئید سبحان الله الاعلی

و چون

و چون بخوانید ان الله و ملائکته یصلون علی النبی صلوات بفرستید خواه در نماز و خواه در غیر نماز و چون
سوره و التین را بخوانید در آخرش بگوئید و نحن علی ذلک من الشاهدین و چون بخوانید قولوا آمنا
بگوئید آمنا بالله و اشهد بانا مسلمون مؤلف گوید که مراد از مسبحات سورهائیست که در اول آنها تسبیح
واقع است بلفظ سبح مانند سوره اعلی و بسند معتبر دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که فرمود که چون کسی سوره و الشمس را بخواند بعد از اتمام سوره بگوید صدق الله و صدق
رسوله و چون بخواند آلله خیر اما یشرکون بگوید الله خیر الله خیر الله اکبر و چون بخواند ثم
الذین کفروا بربهم یعدلون بگوید کذب العادلون بالله و چون بخواند الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا
و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا بگوید سه مرتبه الله اکبر
راوی سؤال نمود که اگر چیزی از اینها را که فرمودید نگوید چونست فرمود که بر او چیزی نیست و قصوری نکرده
و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که فرمود که هر که آیه شهد الله بخواند و بعد از آن بگوید و انا اشهد
بما شهد الله به و استودع الله هذه الشهادة و هی لی عند الله ودیعة چون روز قیامت شود حق تعالی
گوید که صاحب این آیه از من عهدی هست او را داخل بهشت کنید سیزدهم آنکه هر گاه بآیه سجده
رسد واجبست که سجده کند اگر سجدهای عزایم باشد و سنت است اگر از غیر عزایم باشد و مراد از عزایم
چهار سجده واجبست که در چهار سوره است اول سوره الم سجده دویم حم سجده سیم و النجم
چهارم اقرأ باسم ربک و سجدهای سنت موافق مشهور میان علما در ده سوره است اول سوره اعراف
و آیه سجده اینست افزایست دویم سوره رعد و آیه سجده و ظلالهم بالغدو و الآصال است سیم سوره نحل
و آیه سجده اینست و یفعلون ما یؤمرون است چهارم سوره بنی اسرائیل و آیه سجده و یزیدهم خشوعا است پنجم
سوره مریم و آیه سجده اینست خروا سجدا و بکیا است ششم سوره حج و آیه سجده در این سوره دو آیه است یکی
ان الله یفعل ما یشاء و دیگری و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون است هفتم سوره فرقان و آیه سجده
اینست و زادهم نفورا است هشتم سوره نمل و آیه سجده اینست رب العرش العظیم است نهم سوره ص
و آیه سجده اینست و خر راکعا و اناب است دهم سوره اذا السماء انشقت و آیه سجده و اذا قرئ علیهم
القرآن لا یسجدون است و ابن بابویه رضوان الله علیه گفته است که سنت است که سجده کنند
در هر سوره که در آن سجده باشد و در کتاب علل الشرایع از جابر روایت نموده که حضرت امام محمد باقر
علیه السلام میفرمود که پدرم حضرت امام زین العابدین علیه السلام یاد نمینمود نعمتی از نعمتهای حق تعالی
را مگر آنکه سجده میکرد و نمیخواند آیه از کتاب خدا را که در آن آیه حرف سجده بود مگر آنکه سجده مینمود

لبرصفر مود بعد انه کلامی که از این محبت آنحضرت را استجابه مینامند و ابن ادریس در کتاب سرایر بسند صحیح روایت
کرده است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام را خوش می آمد که سجده کند در هر سورهٔ که در آن سورهٔ
آیه سجده بوده باشد و بنا بر این قول و این دو حدیث شریف استحباب سجده بیازده آیه سابق که مذکور شد
اختصاص ندارد بلکه در هر آیه که سجده مذکور باشد سجده کردن سنت است مانند آیه یا مریم اقنتی لربک
واسجدی در سورهٔ آل عمران و امثال آن در سورهٔ دیگر ولیکن شیخ شهید علیه الرحمه نقل اجماع نموده است
بر آنکه سجدات واجبه و مستحبهٔ قرآن پانزده است و محتمل است که مراد شیخ شهید و سایر علما از استحباب سجده
موضع مذکوره تاکد استحباب باشد و مراد صدوق علیه الرحمه مطلق استحباب باشد چنانچه در دو روایت
وارد شده است بنا بر این دعوای اجماع با قول صدوق و مضمون دو روایت مذکوره منافات ندارد و
بالجمله متابعت قول صدوق و مضمون این دو روایت اولی است والله تعالی یعلم و بدانکه اداب و وظایف
این سجده چند چیز است اول مشهور میان علما است که این سجده واجب فوریست یا مستحب یعنی که بعد از
اتمام آیه سجده بی فاصله باید بسجود رود و ظاهر آنست که اتصال عرفی کافی است و اتصال حقیقی در کار نیست
و اگر تاخیر کند معاقب است و قضا میشود بمذهب محقق و ادا است بقول شیخ شهید و اولی در این صورت
ترک تعیین ادا و قضا است در نیت دویم وقت نیت هنگام رفتن بسجود است و نزد بعضی وقت گذاشتن
پیشانی بر موضع سجود است سیم احوط آنست که در این سجده مانند سجود نماز پیشانی را بر چیزی دیگر
نگذارد مگر بر خاک یا غیر خاک از چیزهایی که سجود بر آنها صحیح است و بعضی از علما در این سجده
سجود بر هر چیز را تجویز نموده اند چهارم احوط آنست که شش عضو دیگر را از اعضای سبعه را که کف
دستها و زانوها و انگشتان پاها است چنانچه در سجود نماز بر زمین میگذارد هر چند دلیلی بر وجوب او
ثابت نیست پنجم اشهر میان علما آنست که ستر عورت و طهارت بدن و لباس و استقبال قبله در این
سجده شرط نیست و والد علامه ام ادام الله ظلاله در رسالهٔ وظایف التلاوة گفته که این قول اقوی
بلکه اقرب مطابق حدیث معتبر آنست که وضو و طهارت نیز در این سجده شرط نیست ولیکن بعضی از
علما شرط دانسته اند و در باب سجدهٔ حایض احادیث مختلفه وارد شده است و احوط آنست که سجده
کند و بعد از آنکه از حیض پاک شود غسل کند و باز سجده را قضا کند ششم بعضی گفته اند که واجب است
که چون سر از سجده بردارد الله اکبر بگوید و بعضی باستحباب آن قایل شده اند و احوط آنست که ترک نکند
هفتم مشهور میان علما آنست که در این سجده ذکری و دعایی واجب نیست بلکه سنت است که
ذکری در آن بخوانند و صورت ذکر در کتب علما و متون احادیث بچند طریق مذکور است

ابن جنید علیه الرحمه گفته و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق نیز مرویست وان اینست که بگوید
سبحان ربی الاعلی وبحمده بنحوی که در سجود نماز میگوید دویم کلینی رضی الله عنه بسند صحیح از آنحضرت
روایت کرده است که فرموده هر گاه یکی از شما آیه سجده از سورهای عزایم را بخواند در سجده آن این
ذکر را بخواند سجدت لک تعبدا ورقا لا مستکبرا عن عبادتک ولا مستنکفا ولا متعظما بل
انا عبد ذلیل خائف مستجیر سیم ابن بابویه رضوان الله علیه بسند مرسل روایت کرده که در سجدهٔ
عزایم این ذکر را بخوانند لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا وتصدیقا لا اله
الا الله عبودیة ورقا سجدت لک یا رب تعبدا ورقا لا مستنکفا ولا مستکبرا بل انا عبد ذلیل
خائف مستجیر و شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب بیان نیز بسند مرسل این روایت را ذکر نموده
ولیکن فقرهٔ لا مستنکفا را اخیر در روایت او مذکور نیست چهارم ابن جمهور احسائی رحمه الله
در کتاب عوالی اللئالی بسند مرسل روایت کرده که چون آیه آخر سورهٔ اقرأ نازل شد حضرت رسول
صلی الله علیه وآله بسجود در آمد و این ذکر را خواند اعوذ برضاک من سخطک وبمعافاتک من عقوبتک
واعوذ بک منک لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک پنجم ایضا شیخ شهید قدس الله
روحه در کتاب بیان از کتاب معتبر راوندی بسند مرسل نقل نموده که هر که در نماز نافله سورهٔ اقرأ
بخواند سجده کند و این ذکر را بگوید الهی امنا بما کفروا وعرفنا منک ما انکروا واجبناک الی
ما دعوا الهی العفو العفو و شهید ثانی طاب ثراه در کتاب شرح نفلیه همین ذکر را نیز بسند مرسل
روایت کرده است ولیکن در روایت او حکایت نماز نافله مذکور نیست بلکه چنین است که در سجدهٔ
سورهٔ اقرأ این ذکر را بخوانند و علامه علیه الرحمه در کتاب منتهی گفته که مستحب است در این سجده این ذکر را
نقل نموده ولیکن فالعفو العفو بجای الهی العفو العفو نقل نموده است و ظاهر از اختلاف روایات
در این باب مفهوم میشود آنست که در این سجده ذکر مخصوصی لازم نیست بلکه مطلق ذکر و دعا مجزیست
و لهذا ائمه علیهم السلام در هر وقتی ذکری را در این سجود اختیار فرموده اند و بجمعی که از ایشان مشتمل
نموده اند اذکار مختلفه فرموده اند ولیکن شکی نیست که متابعت یکی از روایات مذکوره اولی و احوط
است و چون روایات ثانی که کلینی رضی الله عنه نقل نموده بحسب سند صحیح است متابعت آن اولی
از سایر روایات و اگر در سجدهٔ سورهٔ اقرأ دو ذکری و اگر در روایت چهارم و پنجم مذکور است با ذکر
روایت ثانی ضم نماید بهتر است و اگر خواهد که بجمیع روایات مذکوره عمل شده باشد باین طریق بخواند
سبحان ربی الاعلی وبحمده لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا وتصدیقا

لا اله الا الله عبودیة ورقا سجدت لک یا رب تعبدا ورقا لا مستنکفا ولا مستکبرا
بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر سجدت لک تعبدا ورقا لا مستکبرا عن عبادتک ولا مستنکفا
ولا مستعظما بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر اعوذ برضاک من سخطک وبمعافاتک من
عقوبتک واعوذ بک منک لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک الهی امنا
بما کفروا وعرفنا منک ما انکروا واجبناک الی ما دعوا الهی فالعفو العفو **هشتم**
این سجده چنانچه واجبست بر کسی که این سجده را بخواند همچنین واجبست بر مستمع یعنی کسی که دانسته گوش دهد
وایه سجده را بشنود ودر باب سامع یعنی کسی که قصد شنیدن نداشته باشد وایه سجده بگوشش
رسد خلافست شیخ طوسی رضی الله عنه گفته که در این صورت سجده واجب نیست وابن ادریس علیه الرحمه
بوجوب قایل شده است وهر یک دعوای اجماع بر مذهب خود نموده اند وروایات واخبار در این
باب نیز مختلف است ومیتوان جمع بین الروایات در دو وجه نمود **اول** انکه روایات داله
بر عدم وجوب محمول بر جواز وروایات داله بر وجوب محمول بر استحباب باشد **دوم** انکه چون
عامه بعدم وجوب قایل اند پس محتمل است که روایات عدم وجوب محمول بر تقیه یا اتقاء باشد
واحوط سجده کردنست بر نیت قربت **نهم** بعضی از علما موافق بعضی از روایات داله گفته اند که هر گاه
کسی سواره یا پیاده براهی رود وسجده کردن ممکن ومیسر باشد واجب است واگر ممکن نباشد بعوض
سجود ایما واشاره کند **دهم** بعضی از علما گفته اند که واجبست تکرار سجده بتکرار خواندن
یا شنیدن ایه سجده هر چند که در یک مجلس باشد ووالد محقق خلد الله ظلاله در رساله وظایف
التلاوه ذکر نموده که اقرب واقوی نظر بعموم ادله داله بر تداخل انست که هر گاه بخواند یا بشنود
چند ایه سجده نکرده باشد ودر اخر یک سجده کند کافیست لیکن احتیاط در تکرار سجده است والله
تعالی اعلم بحقایق الاحکام **چهاردهم** در احادیث بسیار وارد شده که سزاوارست متصل گردانند
ختم قران بافتتاح قران وظاهر ان در انست که فاصله عرفی در میان واقع نشود در پس خواندن دعای
ختم قران که بعد از این ان شاء الله تعالی مذکور میشود در ما بین اختتام وافتتاح ضرر ندارد
یازدهم در حدیث وارد شده که هر گاه تو را حاجتی باشد ختم نما قران را بعد از نماز عصر وقران را
بدست خود بگیر واز اول تا اخر انرا باز کن وبعد از ان هر دو دست خود را بلند کن بسوی اسمان
بقدری که توانی وبخوان این دعا را اللهم انی اتوجه الیک بالقران العظیم من فاتحته
الی خاتمته وفیه اسمک الاکبر وکلماتک التامات کلها واسألک عما نخاف منه حته

ونرجوا

ونرجوا یا سامع کل صوت ویا بارئ النفوس بعد الموت یا من لا تغشاه الظلمات ولا تشتبه
علیه الاصوات ان تصلی علی محمد وال محمد وان تعطی محمدا افضل ما سألک له وافضل
ما انت مسئول له الی یوم القیمة یا ذا الجلال والاکرام وان تغفر لی وترحمنی وترزقنی الجنة
وحوایج خود را مسئلت نماید **سیزدهم** مستحبست که بعد از تمام شدن کل قران بضمیمه ادعیه بعد از
فراغ از تلاوت که سابق مذکور شد ادعیه ختم قران را نیز بخوانند واحقر از انها بنظر رسیده چند دعاست
اول دعای ختم قران صحیفه کامله که دعای چهل ودوم است ودوم سید ابن طاوس قدس الله روحه
این دعا را در کتاب اقبال ذکر نموده وروایت سید با روایت صحیفه فی الجمله فرقی دارد وهذا روایت
سید را مذکور میسازیم سید بسند صحیح از ابی المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب الشیبانی روایت نموده
که او بسند خود از حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه وعلی ابائه وابنائه روایت کرده که از جمله
دعاهای انحضرت این دعا که بعد از ختم قران مجید میخوانده است اللهم انک اعنتنی علی ختم کتابک الذی
انزلته نورا وجعلته مهیمنا علی کل کتاب انزلته وفضلته علی کل حدیث قصصته — وهدی
وفرقانا فرقت به بین حلالک وحرامک وقرانا اعربت به عن شرایع احکامک وکتابا
فصلته لعبادک تفصیلا ووحیا انزلته علی نبیک محمد صلی الله علیه واله تنزیلا وجعلته
نورا نهتدی به من ظلم الضلالة والجهالة باتباعه وشفاء لمن انصت بفهم التصدیق الی استماعه — یهتدی
ومیزان قسط لا یحیف علی الخلق لسانه ونور هدی لا یطفی علی الشاهدین برهانه وعلم
نجاة لا یضل من ام قصد سنته ولا تنال ایدی الهلکات من تعلق بعروة عصمته اللهم — سنیه
ولو قد افدتنا المعونة علی تلاوته وسهلت حواشی السنتنا بحسن عبارته فاجعلنا ممن — حواشی
یرعاه حق رعایته ویدین لک باعتقاد التسلیم لمحکم ایاته ویفزع الی الاقرار بمتشابهه — محکم
ومحکم بیناته اللهم انک انزلته علی نبیک محمد صلی الله علیه واله مجملا والهمته
علم عجائبه مکملا وورثتنا علمه مفسرا وفضلتنا علی من جهل علمه وقویتنا علیه — مکملا
لترفعنا فوق من لم یطق حمله اللهم فان قد جعلت قلوبنا له حملة وعرفتنا
برحمتک شرفه وفضله فصل علی محمد الخطیب به وعلی اله الخزان له واجعلنا ممن یعترف

بأنه من عندك حتى لا يعارضنا الشك في تصديقه ولا يختلجنا الزيغ عن قصد طريقه
اللهم واجعلنا ممن يعتصم بحبله ويأوي من المتشابهات إلى حرز معقله ويسكن في
ظل جناحه ويهتدي بضوء صباحه ولا يلتمس الهدى في غيره اللهم وكما نصبت به
محمداً صلى الله عليه وآله علماً للدلالة عليك وأنهجت بآله عليهم السلام سبل الرضا
إليك فصل على محمد وآله واجعل القرآن وسيلة لنا إلى أشرف منازل الكرامة وسلماً
نعرج فيه إلى محل السلامة وسبباً نجزى به النجاة في عرصة القيمة وذريعة نقدم بها
على نعيم دار المقامة اللهم صل على محمد وآله واحطط بالقرآن عنا ثقل الأوزار وهب
لنا حسن شمائل الأبرار واقف بنا آثار الذين قاموا لك به آناء الليل وأطراف النهار
حتى تطهرنا من كل دنس بتطهيره وتقفو بنا آثار الذين استضاؤوا بنوره ولم يلههم الأمل
عن العمل فيقطعهم بخدع غروره اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل القرآن لنا في ظلم
الليالي مونساً ومن نزغات الشيطان وخطرات الوساوس حارساً ولأقدامنا عن نقلها إلى
المعاصي حابساً ولألسنتنا عن الخوض في الباطل من غير ما آفة مخرساً ولجوارحنا عن اقتراف
الآثام زاجراً ولما طوت الغفلة عنا من تصفح الاعتبار ناشراً حتى توصل إلى قلوبنا فهم
عجائبه وزواجر أمثاله التي ضعفت الجبال الرواسي على صلابتها عن احتماله اللهم صل
على محمد وآله وأدم بالقرآن صلاح ظاهرنا واحجب به خطرات الوساوس عن صحة
ضمائرنا واغسل به درن قلوبنا وعلائق أوزارنا واجمع به منتشر أمورنا وأرو به في موقف
العرض عليك ظمأ هواجرنا واكسنا به حلل الأمان يوم الفزع الأكبر في نشورنا اللهم صل
على محمد وآله واجبر بالقرآن خلتنا من عدم الإملاق وسق إلينا به رغد العيش وخصب
سعة الأرزاق وجنبنا به من الضرائب المذمومة ومداني الأخلاق واعصمنا به من هوة
الكفر ودواعي النفاق حتى يكون لنا في القيمة إلى رضوانك وجنانك قائداً ولنا

في الدنيا عن سخطك وتعدي حدودك ذائداً ولما عندك بتحليل حلاله وتحريم حرامه شاهداً
اللهم صل على محمد وآله وهون بالقرآن عند الموت على أنفسنا كرب السياق وجهد الأنين
وترادف الحشارج إذا بلغت النفوس التراقي وقيل من راق وتجلى ملك الموت لقبضها
من حجب الغيوب ورماها عن قوس المنايا بأسهم وحشة الفراق ودنا منا إلى الآخرة رحيل
وانطلاق وكانت القبور هي المأوى إلى ميقات يوم التلاق اللهم صل على محمد وآله وبارك
لنا في حلول دار البلى وطول المقامة بين أطباق الثرى واجعل القبور بعد فراق الدنيا
خير منازلنا وافسح لنا برحمتك في ضيق ملاحدنا ولا تفضحنا في حاضري القيمة بموبقات
آثامنا وارحم بالقرآن في موقف العرض عليك ذل مقامنا وثبت به عند اضطراب جسر جهنم
يوم المجاز عليها زلل أقدامنا ونجنا به من كل كرب يوم القيمة وشدائد أهوال يوم الطامة
وبيض وجوهنا يوم تسود وجوه الظلمة في يوم الحسرة والندامة واجعل لنا في صدور المؤمنين
وداً ولا تجعل الحياة علينا نكداً اللهم صل على محمد عبدك ورسولك كما بلغ رسالتك
وصدع بأمرك ونصح لعبادك اللهم اجعل نبينا صلواتك عليه وآله يوم القيمة أقرب
النبيين منك مجلساً وأمكنهم منك شفاعة وأجلهم عندك قدراً وأوجههم عندك جاهاً
اللهم صل على محمد وآل محمد وشرف بنيانه وعظم برهانه وثقل ميزانه وتقبل
شفاعته وقرب وسيلته وبيض وجهه وأتمم نوره وارفع درجته وأحينا على سنته
وتوفنا على ملته وخذ بنا منهاجه واسلك بنا سبيله واجعلنا من أهل طاعته واحشرنا
في زمرته وأوردنا حوضه واسقنا بكأسه وصل على محمد وآله صلاة تبلغه بها أفضل
ما يأمل من خيرك وفضلك وكرامتك إنك ذو رحمة واسعة وفضل كريم اللهم اجزه بما بلغ
من رسالاتك وأدى من آياتك ونصح لعبادك وجاهد في سبيلك أفضل ما جزيت أحداً
من ملائكتك المقربين وأنبيائك المرسلين المصطفين والسلام عليه وآله الطيبين

الطاهرین ورحمة الله وبرکاته **مؤلف گوید** که سید در کتاب اقبال گفته است که فقره و ورثتنا علمه
مفسراً تا فصل علی محمد الخطیب به حضرت سید الساجدین و آباء طاهرین و اولاد طیبین آنحضرت اختصاص
دارد و هرگاه شیعیان خواهند این دعا را بخوانند باید این فقرات را تغییر دهند بنحوی که مناسب حال
ایشان باشد مثل آنکه باین عنوان بخوانند وورثت ائمتنا علمه مفسراً وفضلتهم علی من جهل
علمه وقویتهم علیه لترفعهم فوق من لم یطق حمله اللهم فاذ قد جعلت قلوبهم له حملة و
عرفتهم بذلک شرفه وفضله فصل علی محمد الخطیب به تا آخر دعا والله تعالی یعلم **دوم** شیخ طوسی رحمه الله
در متهجد و در مصباح مرسلاً از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است که آنحضرت هرگاه
قرآن مجید را ختم میفرمود این دعا را میخواند اللهم اشرح بالقرآن صدری واستعمل بالقرآن بدنی
ونور بالقرآن بصری واطلق بالقرآن لسانی واعنی علیه ما ابقیتنی فانه لا حول ولا قوة الا بک
سیم از طریق عامه در کتاب مناقب خوارزمی از عاصم قاری منقولست که از زر بن حبیش روایت
کرده است که گفت در مسجد جامع کوفه قرآن مجید را از اول تا آخر نزد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه خواندم و چون بسورهای حوامیم رسیدم فرمود که بعرائس قرآن رسیدی و چون باول عشر دوم
از سوره حمعسق باین آیه رسیدم والذین آمنوا وعملوا الصالحات فی روضات الجنات لهم ما
یشاؤون عند ربهم ذلک هو الفضل الکبیر حضرت گریان شد تا صدای او بگریه بلند شد پس سر مبارک
با آسمان کرد و فرمود که ای زر آمین بگو بدعای من پس گفت
ابن دعا را خواند اللهم انی اسألک اخبات المخبتین واخلاص الموقنین ومرافقة الابرار
واستحقاق حقائق الایمان والغنیمة من کل بر والسلامة من کل اثم ووجوب رحمتک و
عزائم مغفرتک والفوز بالجنة والنجاة من النار پس فرمود که ای زر هرگاه قرآن را ختم نمائی
این دعا را بخوان که حبیب من رسول خدا
صلی الله علیه وآله مرا امر فرموده که این دعا را نزد ختم قرآن بخوانم **مؤلف گوید** که حق آنست که آنحضرت
این دعا را نزد این آیه که غیر ظاهر از جهت مناسبت دعا با مضمون آیه است و منافاتی نیست میان آنکه
این دعا بعد از ختم قرآن و نزد این آیه هر دو خوانده شود بلکه محتمل است که در نزد هر آیه رحمتی که این دعا خوانده شود
نیکو باشد **ختم** در بعضی از روایات مذکور است که آیاتی که مذکور میشود کفاره مجالس است یعنی هرگاه
در آخر مجلس خوانده شود کفاره گناهان آن مجلس خواهد بود و ختم تعقیب نماز نیز باین آیات وارد شده چنانچه
ابن بابویه و شیخ طوسی و کفعمی و دیگران از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که هر که خواهد
ثواب دهد بکیال اکمل وافی در روز جزا پس بعد از تعقیب نماز این آیات را بخواند و در روایتی دیگر
منظور نیست که بعد از تلاوت قرآن نیز باید خوانده شود ولیکن چون میشود میان خواص و عوام بلکه دائر است از
سلف و خلف از علمای اعلام چنین بوده که بعد از فراغ از تلاوت خواه بعضی از قرآن یا کل آن بوده

این آیات را بخوانند که خوانده شود نیکوست و آیات این است سبحان ربک رب العزة عما یصفون
وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین **تکمله** بدانکه در بعضی از کتب دعوات بخط بعضی از علما
و ثقات ملاحظه شد طریق ختم قرآن مجید که منقول است از ابن عباس بکیفیتی که بعد از این مذکور میشود
و مشهور است بختم احزاب و این حقیر بخط والد علامه ام طاب ثراه دیدم مروی از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه که هرگاه کسی حاجتی شرعی داشته باشد از حوائج دنیا یا آخرت ابتدا کند از روز جمعه
تا روز پنجشنبه و بخواند در هر روز از روزهای ایام هفته سورهائی که در آن روز مقرر است و مذکور خواهد شد
و بعد از تمام شدن هر سوره این دعا را بخواند اللهم لک الحمد والیک المشتکی وبک المستعان وانت
المستعان ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و کیفیت تقسیم سورها در ایام هفته و ترتیب
آنها باین نحو است **روز جمعه** از سوره حمد تا سوره انعام تلاوت نماید **روز شنبه** از سوره انعام
تا سوره توبه تا سوره یونس **روز یکشنبه** از سوره یونس تا سوره طه **روز دوشنبه** از سوره طه تا سوره عنکبوت
و روز سه شنبه از سوره عنکبوت تا سوره زمر **و روز چهارشنبه** از سوره زمر تا سوره واقعه **و روز پنجشنبه** از
سوره واقعه تا آخر قرآن قرائت نماید و بعد از آن حوائج خود را از حق تعالی مسئلت نماید که روا کرده
میشود ان شاء الله **تحقیق** بدانکه ثواب تلاوت قرآن مجید را هدیه ارواح مقدسه رسول خدا
و ائمه هدی و فاطمه زهرا صلوات الله علیهم نمودن ثواب عظیم دارد چنانچه گذشت و در روایت علی بن
مغیره از حضرت امام رضا صلوات الله علیه که در ماه رمضان چهل ختم یا زیاده یا کمتر میکرده و ثواب آنها
در روز عید با ارواح مطهره هر یک از حضرت رسول و اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
هدیه مینموده و حضرت فرموده که فایده بخشیدن ثواب بایشان آنست که در روز قیامت با ایشان
محشور خواهی بود بلکه بخشیدن ثواب مطلق عبادات بائمه معصومین ظاهراً خوب باشد در باب
حج و غیره وارد شده هر چند ایشان از احتیاج بعبادت ما نباشند و فی الحقیقه مثل صلوات بر ایشان
که ثوابش بما عاید میشود نه بایشان چنانچه در موضعش بیان شده و همچنین جایز است تلاوت قرآن
و سایر عبادات و خیرات و مبرات برای مردگان و زندگان خصوصاً والدین و خویشان و
صاحبان حقوق یا ثواب اعمال خیر و حج و عمره و ثواب بر والدین و احسان بمؤمنان و ثواب صله رحم
و سایر امور خیر را برای ایشان قرار میتوان داد بلکه بعضی از آن عمل را میتوان قربت نمود و از حضرت
امام موسی کاظم صلوات الله علیه مروی است که اسحق بن عمار از آنحضرت سؤال کرد از شخصی که حج کند
و حج خود را یا عمره خود را یا بعضی از طوافش را یا نصف یا ثلث مراد باشد یا طواف عمره یا طواف حج

از برای بعضی از اهل خود قرار دهد و ان شخص در شهری دیگر باشد خوب است حضرت فرمودند که بلی اسحق
عرض کرد که از اجر او چیزی کم میشود حضرت فرمودند که نه هم از برای او خواهد بود و هم از برای او قرار
داده است و ثوابی دیگر دارد که احسان ببرادران مؤمن کرده است اسحق عرض کرد که اگر شخصی که از
برای او میکنند مرده باشد آیا این باو میرسد حضرت فرمودند که بلی یا آنکه گاه باشد که مستوجب عذاب
الهی شده باشد او را می‌آمرزند یا در تنگی باشد از او برطرف میی نماید عرض کرد که میت میداند که این
عمل را برای او کرده اند فرمودند بلی عرض کرد اگر چه ناصبی باشد نفع باو میرسد حضرت فرمودند که عذابش
سبک میشود **و بدانکه** شریک در عمل با ثواب میتوان قرار داد چنانچه از حضرت امام رضا صلوات الله
علیه در حدیث صحیح مرویست که راوی عرض کرد که چند کس را میتوانم شریک کرد در حج با ثواب حج حضرت
فرمودند بلی هر قدر که خواهی و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و علی آبائه و ابنائه
منقولست که اگر هزار کس را شریک کردانی در حج خود حق تعالی هر یک را ثواب حجی میدهد بی آنکه از ثواب
تو چیزی کم شود و فرقی نیست میان اعمال الخیر در تشریک بکی یا زیاده بجهة غیر یا بر نیابت است
با تشریک یا ثواب را دادن و ان غیر را حی باشد یا میت و تفصیل این مطلب و ذکر اخبار مناسب این مقام
نیت و ختم کردن را در ابتدای فعل شریک بکند و در نیت تشریک ثواب اعمال خواه واجب و خواه
سنت قصد میکند که مثلا این نماز یا روزه یا حج یا ختم قران را میکنم و پدرم یا مادرم مثلا در این
شریک میکنم قربة الی الله تعالی **اما** بعبارات که امثال این عبادات بعد از ادای فعل شریک
نکند بلکه بعد از فعل شریک کند مثل آنکه بعد از نماز مثلا بگوید که خداوندا ثواب نصف نماز
خود را یا نصف این قرآن را که ختم نمودم بپدر یا مادر خود یا غیر ایشان بخشیدم خوبست و اگر همه را
بر بخشد ظاهر ضرر نداشته باشد اما بعبارات که درست جمیعها هر چه خواهد بر بخشد و در دوا
هم را از بخشد و هر گاه ثواب تلاوت قرآن را اولا با رواح مقدسه چهارده معصوم یا یکی از
ایشان هدیه نماید و بعد از آن این ثواب عظیم را برای پدر یا مادر یا غیر ایشان هر که را خواهد
قرار نماید بهتر و ثوابش بیشتر خواهد بود والله تعالی یعلم و بحجج الکرام علیهم السلام **دوم** بیان خواندن
سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر بنا بر احتمالی چنانچه شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب تهذیب سند
خود روایت کرده است که مردی بخدمت حضرت صادق صلوات الله علیه عریضه نوشت و از
نوافل ماه مبارک رمضان زیاده بر سایر اوقات سؤال نمود پس حضرت در جواب او نوشت
که در بیست شب از شبهای ماه مبارک رمضان در هر شبی بیست رکعت نماز بکن هشت رکعت میانه

بلکه اگر داند که چند هر را میبخشد همان ثوابش باقیست بلکه مضاعف میشود بافضل میکند که این عبادت بکاری نمی آید چون شرایطی که در عبادات معتبرات بعمل نیامد این رای بخشم یا حق تعالی بعوض آنها عبادت مجزی باشد بخشد چون اگر ... در این صورت نیز خوبست اما اگر بسبب تحقیقات عبادت باطل است

و خفتن و دوازده رکعت بعد از نماز خفتن و در هر یک از ده شب آخر بیست و دو رکعت بعد از نماز
خفتن مگر در شب بیست و یکم که در آن شب صد رکعت نماز کرد و ان بایدکرده شود تو را کافی است و این نمازها
غیر پنجاه رکعت نماز است که در هر شبانه روزی باید کرده شود و بسیار بخوان سورهٔ انا انزلناه را **سیم** و این
که این حدیث از جملهٔ روایاتیست که در باب هزار رکعت نافلهٔ ماه رمضان وارد شده است و تفصیل
بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و مجرد وارد این حدیث وارد شده است از بسیار
خواندن سورهٔ انا انزلناه ممکن است که مراد خواندن آن در تمام ماه باشد و محتمل است که در خصوص
شب بیست و یکم بوده باشد والله تعالی یعلم **سیم** دعای معروف بدعای جوشن کبیر چنانچه شیخ عظیم
الشأن ابرهیم بن علی کفعمی علیه الرحمة والرضوان در کتاب بلد الامین از حضرت سید الساجدین
امام زین العابدین صلوات الله علیه از پدر بزرگوارش سید الشهدا از جد عالی مقدار ش
حضرت امیر المؤمنین علی مرتضی صلوات الله علیهما روایت کرده است که حضرت سید انبیا
محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در یکی از جنگها زره سنگینی پوشیده بود و ثقل آن بر آن حضرت
دو ادا حضرت جبرئیل علیه السلام بر آن حضرت نازل شد و گفت یا محمد صلی الله علیه و آله پروردگارت
سلام میرساند و میفرماید که این جوشن را از بکن و این دعا را بخوان که این دعا امان است
برای تو و امت تو از بلاها و شدتها و هر که در هنگام بیرون آمدن از خانهٔ خود این دعا
بخواند حق تعالی او را از بلاها حفظ نماید و بمیت را برای او واجب کرده اند و او را توفیق
اعمال شایسته کرامت فرماید و چنان باشد که قران مجید و تورات و انجیل و زبور را خوانده
باشد و بعدد هر حرفی خداوند کریم دو خانه و دو حوری در بهشت باو عطا فرماید و باو
ثواب بعضی از اعمال ابرهیم و موسی و عیسی علیهم السلام و ثواب جمعی که در عقب مغرب آفتاب
ساکنند و یک چشم زدن معصیت خدا نکرده اند و چندان از بیم الهی گریسته اند که رودها
ایشان پاره پاره شده است و عطا ایشان را بغیر از خدا کسی نمیداند باو تفضل نماید و بیت
که بیت المعمور در آسمان چهارم است و هر روز هفتاد هزار ملک بزیارت او میروند و داخل
میشوند و بیرون می آیند که دیگر هرگز ایشان عود نمیکنند و در روز دیگر گروه دیگر میروند
حق تعالی ثواب آن ملایکه را بخواننده این دعا عطا کند و ثواب مؤمنین و مؤمنات را
باو کرامت فرماید و هر که این دعا را بنویسد و در خانهٔ خود بگذارد دزد از آن خانه چیزی نبرد
و آتش در آنجا نسوزد و هر که این دعا را بر پوست آهو یا بر کاغذی بنویسد و با خود نگاه دارد

همه چیز ایمن کردد وهرکه این دعا را بخواند ودر ان روزی بمیرد شهید مرده باشد وثواب شهیدی از شهدای احد بیابد
برای او نوشته شود وبعد از خواندن این دعا هر حاجتی که از حق تعالی بطلبد براورده شود وهرکه هفتاد
مرتبه بنیت خالص وبیماری بخواند البته شفا یابد اگرچه بیماری او دیوانکی یا خوره یا پیسی بوده باشد
وهرکه این دعا را بکافور وکلاب بنویسد وباب بشوید وان اب را بر کفن مرده بپاشد حق تعالی
در قبر او هزار نور فرو فرستد واو را از هول منکر ونکیر که در قبر از او سؤال میکنند ایمن کرداند
وعذاب قبر را از او بردارد وهر روز هفتاد هزار ملک در قبر بسوی او ایند واو را بشارت دهند
ببهشت ودر قبر مونس او باشند ودری از بهشت بسوی قبر او بکشایند وقبرش را کشاده کرداند
وهرکه این دعا را بر کفن خود بنویسد خدا شرم کند از انکه او را باتش جهنم عذاب کند وخداوند
عالم این دعا را بر ساقهای عرش نقش کرده پنجاه هزار سال پیش از انکه دنیا را بیافریند وهرکه
این دعا را بنیت خالص در اول ماه مبارک رمضان بخواند خالق عالم هفتاد هزار فرشته بیافریند
که تسبیح وتقدیس خداوند خود کنند وثوابش برای او باشد یا محمد صلی الله علیه واله هرکه این دعا را
بخواند میان او وخدا حجابی نماند وهر حاجتی بطلبد روا کردد وچون از قبر خود بیرون اید خداوند
کریم هفتاد هزار ملک نزد قبر او فرستد وهریک از ایشان مهار شتری از نور در دست داشته
باشد که شکم ان شتر از مروارید باشد وپشتش از زبرجد وپایهایش از یاقوت وبر پشت هر شتر
قبه از نور باشد که ان قبه چهارصد درکاه داشته باشد وبر هر درکاهی پرده از سندس واستبرق
بهشت اویخته باشد ودر هر قبه هزار کنیز از کنیزان بهشت بوده باشد وهر کنیزی تاجی از طلا بر سر
داشته باشد واز ایشان بوی مشک ناب ساطع باشد وحق تعالی همه ایشان را باو عطا فرماید
پس بر درکاه رحیم هفتاد هزار ملک دیکر باستقبال او فرستد که هریک کاسه از مروارید
سفید در کف داشته باشند مملو از شراب بهشت وبر هریک از ان کاسها بقلم قدرت سبحانی
نوشته باشد لا اله الا الله وحده لا شریک له این هدیه ایست از افریننده عالم عز وجل
برای فلان پسر فلان وخداوند مهربان او را ندا کند که ای بنده من داخل شو در بهشت بی حساب
یا محمد صلی الله علیه واله هرکه این دعا را در ماه مبارک رمضان سه مرتبه یا یکمرتبه بخواند خداوند
امرزنده بدن او را بر اتش جهنم حرام کرداند وبهشت را برای او واجب کرداند وموکل کرداند با او
دو ملک که حفظ نمایند او را از شر معاندان ودر ایام حیوة وبعد از ممات در امان خالق ارضین
وسموات بوده باشد یا محمد صلی الله علیه واله این دعا را تعلیم مکن بغیر مؤمن پرهیزکاری وبکافران

بیامرزد که اگر اینها بخوانند این دعا را در دنیا حاجت ایشان براورده میشود پس حضرت امام حسین
صلوات الله علیه فرمود که پدرم مرا وصیت کرده که این دعا را محافظت نمایم وتعظیم کنم او را ودر کفنش بنویسم
وتعلیم نمایم ان را خویشان وشیعیان خود وتعلیم نمایم واین دعا مشتمل بر هزار نام است از نامهای جمیل خداوند
جلیل واسم اعظم خدا در اینها داخل است واین دعا صد فصل است وهر فصلی ده نام است وبعد از هر
فصلی میکوید سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب ودر روایت دیکر بعد از
هر فصل بسم الله الرحمن الرحیم بکوید ودر اخر فصل این دعا را بخواند سبحانک یا لا اله الا انت الغوث
الغوث صل علی محمد وال محمد وخلصنا من النار یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین
واکر بغیر از نماز صبح که اعظم اوقات حاجات اکر حاجتی داشته باشد وبعد از هر فصل انرا یاد کند
بهترست واکر بعد از اتمام دعا حاجت خود را یاد کند بهتر خواهد بود ودعای جوشن کبیر اینست

بسم الله الرحمن الرحیم

اول

اللهم انی اسالک باسمک یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم یا مقیم یا عظیم یا قدیم یا علیم یا حلیم یا حکیم
دوم یا سید السادات یا مجیب الدعوات یا رافع الدرجات یا ولی الحسنات یا غافر الخطیئات
یا معطی المسألات یا قابل التوبات یا سامع الاصوات یا عالم الخفیات یا دافع البلیات سیم
یا خیر الغافرین یا خیر الفاتحین یا خیر الناصرین یا خیر الحاکمین یا خیر الرازقین یا خیر الوارثین
یا خیر الحامدین یا خیر الذاکرین یا خیر المنزلین یا خیر المحسنین چهارم یا من له العزة والجمال
یا من له القدرة والکمال یا من له الملک والجلال یا من هو الکبیر المتعال یا منشئ السحاب الثقال
یا من هو شدید المحال یا من هو سریع الحساب یا من هو شدید العقاب یا من هو عنده حسن الثواب یا من
هو عنده ام الکتاب پنجم اللهم انی اسالک باسمک یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا سلطان
یا رضوان یا غفران یا سبحان یا مستعان یا ذا المن والبیان ششم یا من تواضع کل شیء لعظمته
یا من استسلم کل شیء لقدرته یا من ذل کل شیء لعزته یا من خضع کل شیء لهیبته
یا من انقاد کل شیء من خشیته یا من تشققت الجبال من مخافته یا من قامت السموات بامره
یا من استقرت الارضون باذنه یا من یسبح الرعد بحمده یا من لا یعتدی علی اهل مملکته هفتم
یا غافر الخطایا یا کاشف البلایا یا منتهی الرجایا یا مجزل العطایا یا واهب الهدایا یا رازق البرایا

يا قاضي المنايا يا سامع الشكايا يا باعث البرايا يا مطلق الأسارى **هشتم** يا ذا الحمد والثناء
يا ذا الفخر والبهاء يا ذا المجد والسناء يا ذا العهد والوفاء يا ذا العفو والرضاء يا ذا المن (والرضاء)
والعطاء يا ذا الفصل والقضاء يا ذا العز والبقاء يا ذا الجود والسخاء يا ذا الآلاء
والنعماء **نهم** اللهم إني أسألك باسمك يا مانع يا دافع يا رافع يا صانع يا نافع يا (يا ذا الفضل)
سامع يا جامع يا شافع يا واسع يا موسع **دهم** يا صانع كل مصنوع يا خالق كل (يا موسع)
مخلوق يا رازق كل مرزوق يا مالك كل مملوك يا كاشف كل مكروب يا فارج كل
مهموم يا راحم كل مرحوم يا ناصر كل مخذول يا ساتر كل معيوب يا ملجأ كل مطرود
يازدهم يا عدتي عند شدتي يا رجائي عند مصيبتي يا مونسي عند وحشتي يا صاحبي (يا غناء)
عند غربتي يا وليي عند نعمتي يا غياثي عند كربتي يا دليلي عند حيرتي يا غنائي عند (يا غياثي)
افتقاري يا ملجأي عند اضطراري يا معيني عند مفزعي **دوازدهم** يا علام الغيوب (مغيثي)
يا غفار الذنوب يا ستار العيوب يا كاشف الكروب يا مقلب القلوب يا طبيب القلوب
يا منور القلوب يا أنيس القلوب يا مفرج الهموم يا منفس الغموم **سيزدهم** اللهم إني أسألك
باسمك يا جليل يا جميل يا وكيل يا كفيل يا دليل يا قبيل يا مديل يا منيل يا مقيل يا
محيل **چهاردهم** يا دليل المتحيرين يا غياث المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا جار
المستجيرين يا أمان الخائفين يا عون المؤمنين يا راحم المساكين يا ملجأ العاصين يا
غافر المذنبين يا مجيب دعوة المضطرين **پانزدهم** يا ذا الجود والإحسان يا ذا الفضل
والامتنان يا ذا الأمن والأمان يا ذا القدس والسبحان يا ذا الحكمة والبيان يا ذا الرحمة
والرضوان يا ذا الحجة والبرهان يا ذا العظمة والسلطان يا ذا الرأفة والمستعان يا ذا العفو
والغفران **شانزدهم** يا من هو رب كل شيء يا من هو إله كل شيء يا من هو خالق كل شيء (يا ذا الرفعة)
يا من هو صانع كل شيء يا من هو قبل كل شيء يا من هو بعد كل شيء يا من هو فوق
كل شيء يا من هو عالم بكل شيء يا من هو قادر على كل شيء يا من هو يبقى ويفنى

كل شيء **هفدهم** اللهم إني أسألك باسمك يا مؤمن يا مهيمن يا مكون يا ملقن يا مبين يا مهون
يا ممكن يا مزين يا معلن يا مقسم **هجدهم** يا من هو في ملكه مقيم يا من هو في سلطانه قديم يا من
هو في جلاله عظيم يا من هو على عباده رحيم يا من هو بكل شيء عليم يا من هو بمن عصاه حليم
يا من هو بمن رجاه كريم يا من هو في صنعه حكيم يا من هو في حكمته لطيف يا من هو في لطفه
قديم **نوزدهم** يا من لا يرجى إلا فضله يا من لا يسأل إلا عفوه يا من لا ينظر إلا بره يا من لا (لا ينتظر)
يخاف إلا عدله يا من لا يدوم إلا ملكه يا من لا سلطان إلا سلطانه يا من وسعت كل شيء
رحمته يا من سبقت رحمته غضبه يا من أحاط بكل شيء علمه يا من ليس أحد مثله
بيستم يا فارج الهم يا كاشف الغم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا خالق الخلق يا صادق
الوعد يا موفي العهد يا عالم السر يا فالق الحب يا رازق الأنام **بيست ويكم** اللهم إني أسألك
باسمك يا علي يا وفي يا غني يا ملي يا حفي يا رضي يا زكي يا بدي يا قوي يا ولي **بيست ودوم** يا من
أظهر الجميل يا من ستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة يا من لم يهتك الستر يا عظيم العفو
يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى
بيست وسوم يا ذا النعمة السابغة يا ذا الرحمة الواسعة يا ذا المنة السابقة يا ذا الحكمة البالغة
يا ذا القدرة الكاملة يا ذا الحجة القاطعة يا ذا الكرامة الظاهرة يا ذا العزة الدائمة
يا ذا القوة المتينة يا ذا العظمة المنيعة **بيست وچهارم** يا بديع السماوات يا جاعل الظلمات يا راحم
العبرات يا مقيل العثرات يا ساتر العورات يا محيي الأموات يا منزل الآيات يا مضعف (يا مضاعف)
الحسنات يا ماحي السيئات يا شديد النقمات **بيست وپنجم** اللهم إني أسألك باسمك يا
مصور يا مقدر يا مدبر يا مطهر يا منور يا ميسر يا مبشر يا منذر يا مقدم يا مؤخر **بيست وششم**
يا رب البيت الحرام يا رب الشهر الحرام يا رب البلد الحرام يا رب الركن والمقام يا رب المشعر
الحرام يا رب المسجد الحرام يا رب الحل والحرام يا رب النور والظلام يا رب التحية والسلام

يا ربّ القدرة في الانام بيست وهفتم يا احكم الحاكمين يا اعدل العادلين يا اصدق الصادقين
يا اطهر الطاهرين يا احسن الخالقين يا اسرع الحاسبين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين
يا اشفع الشافعين يا اكرم الاكرمين بيست وهشتم يا عماد من لا عماد له يا سند من لا سند
يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز له يا غياث من لا غياث له يا فخر من لا فخر له
يا عزّ من لا عزّ له يا معين من لا معين له يا انيس من لا انيس له يا امان من لا امان له
بيست ونهم اللهمّ انّي اسألك باسمك يا عاصم يا قائم يا دائم يا راحم يا سالم يا حاكم يا عالم
يا قاسم يا قابض يا باسط سي ام يا عاصم من استعصمه يا راحم من استرحمه يا غافر من استغفره
يا ناصر من استنصره يا حافظ من استحفظه يا مكرم من استكرمه يا مرشد من استرشده
يا صريخ من استصرخه يا معين من استعانه يا مغيث من استغاثه سي ويكم يا عزيزا
لا يضام يا لطيفا لا يرام يا قيّوما لا ينام يا دائما لا يفوت يا حيّا لا يموت يا ملكا لا يزول
يا باقيا لا يفنى يا عالما لا يجهل يا صمدا لا يطعم يا قويّا لا يضعف سي ودوم اللهمّ انّي
اسألك باسمك يا احد يا واحد يا شاهد يا ماجد يا حامد يا راشد يا باعث يا وارث يا ضارّ
يا نافع سي وسيم يا اعظم من كلّ عظيم يا اكرم من كلّ كريم يا ارحم من كلّ رحيم يا اعلم من كلّ
عليم يا احكم من كلّ حكيم يا اقدم من كلّ قديم يا اكبر من كلّ كبير يا الطف من كلّ لطيف يا اجلّ
من كلّ جليل يا اعزّ من كلّ عزيز سي وچهارم يا كريم الصفح يا عظيم المنّ يا كثير الخير يا قديم الفضل
يا دائم اللطف يا لطيف الصنع يا منفّس الكرب يا كاشف الضرّ يا مالك الملك يا قاضي الحقّ
سي وپنجم يا من هو في عهده وفيّ يا من هو في وفائه قويّ يا من هو في قوّته عليّ يا من
هو في علوّه قريب يا من هو في قربه لطيف يا من هو في لطفه شريف يا من هو في
شرفه عزيز يا من هو في عزّه عظيم يا من هو في عظمته مجيد يا من هو في مجده حميد سي وششم
اللهمّ انّي اسألك باسمك يا كافي يا شافي يا وافي يا معافي يا هادي يا داعي يا قاضي

يا باقي
يا راضي يا عالي سي وهفتم يا من كلّ شيء خاضع له يا من كلّ شيء خاشع له يا من كلّ شيء كائن
له يا من كلّ شيء موجود به يا من كلّ شيء منيب اليه يا من كلّ شيء خائف منه يا من كلّ شيء
قائم به يا من كلّ شيء صائر اليه يا من كلّ شيء يسبّح بحمده يا من كلّ شيء هالك الّا وجهه
سي وهشتم يا من لا مفرّ الّا اليه يا من لا مفزع الّا اليه يا من لا مقصد الّا اليه يا من لا
منجى منه الّا اليه يا من لا يرغب الّا اليه يا من لا حول ولا قوّة الّا به يا من لا يستعان
الّا به يا من لا يتوكّل الّا عليه يا من لا يرجى الّا هو يا من لا يعبد الّا ايّاه سي ونهم يا خير
المرهوبين يا خير المرغوبين يا خير المطلوبين يا خير المسئولين يا خير المقصودين يا خير
المذكورين يا خير المشكورين يا خير المحبوبين يا خير المدعوّين يا خير المستأنسين
چهلم اللهمّ انّي اسألك باسمك يا غافر يا ساتر يا قادر يا قاهر يا فاطر يا كاسر يا جابر
يا ذاكر يا ناظر يا ناصر چهل ويكم يا من خلق فسوّى يا من قدّر فهدى يا من يكشف
البلوى يا من يسمع النجوى يا من ينقذ الغرقى يا من ينجي الهلكى يا من يشفي المرضى يا من
اضحك وابكى يا من امات واحيى يا من خلق الزوجين الذكر والانثى چهل ودوم يا من في
البرّ والبحر سبيله يا من في الآفاق آياته يا من في الآيات برهانه يا من في الميزان قضاؤه يا من
في الجنّة ثوابه يا من في النار عقابه چهل وسيم يا من اليه يهرب الخائفون يا من اليه
يفزع المذنبون يا من اليه يقصد المنيبون يا من اليه يرغب الزاهدون يا من اليه
يلجأ المتحيّرون يا من به يستأنس المريدون يا من به يفتخر المحبّون يا من في عفوه يطمع الخاطئون
يا من اليه يسكن الموقنون يا من عليه يتوكّل المتوكّلون چهل وچهارم اللهمّ انّي اسألك بإسمك
يا حبيب يا طبيب يا قريب يا رقيب يا حسيب يا مهيب يا مثيب يا مجيب يا خبير يا بصير
چهل وپنجم يا اقرب من كلّ قريب يا احبّ من كلّ حبيب يا ابصر من كلّ بصير يا اخبر
من كلّ خبير يا اشرف من كلّ شريف يا ارفع من كلّ رفيع يا اقوى من كلّ قويّ يا اغنى من كلّ

يا من في الممات قدرته يا من في القبور عبرته يا من في القيامة ملكه يا من في الحساب هيبته

غني يا اجود من كل جواد يا ارئف من كل رؤف (چهل و شش) يا غالبا غير مغلوب يا صانعا غير
مصنوع يا خالقا غير مخلوق يا مالكا غير مملوك يا قاهرا غير مقهور يا رافعا غير مرفوع يا
حافظا غير محفوظ يا ناصرا غير منصور يا شاهدا غير غائب يا قريبا غير بعيد (چهل و هفتم)
يا نور النور يا منور النور يا خالق النور يا مدبر النور يا مقدر النور يا نور كل نور يا نورا
قبل كل نور يا نورا بعد كل نور يا نورا فوق كل نور يا نورا ليس كمثله نور (چهل و هشتم)
يا من عطاؤه شريف يا من فعله لطيف يا من لطفه مقيم يا من احسانه قديم يا من
قوله حق يا من وعده صدق يا من عفوه فضل يا من عذابه عدل يا من ذكره حلو
يا من فضله عميم (چهل و نهم) اللهم اني اسالك باسمك يا مسهل يا مفصل يا مبدل يا مذلل
يا منزل يا منول يا مفضل يا مجزل يا ممهل يا مجمل (پنجاهم) يا من يرى و لا يرى يا من يخلق
و لا يخلق يا من يهدي و لا يهدى يا من يحيي و لا يحيى يا من يسال و لا يسال يا من يطعم
و لا يطعم يا من يجير و لا يجار عليه يا من يقضي و لا يقضى عليه يا من يحكم و لا يحكم عليه
يا من لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد (پنجاه و یکم) يا نعم الحسيب يا نعم الطبيب يا نعم
الرقيب يا نعم القريب يا نعم المجيب يا نعم الحبيب يا نعم الكفيل يا نعم الوكيل يا نعم المولى يا
نعم النصير (پنجاه و دوم) يا سرور العارفين يا منى المحبين يا انيس المريدين يا حبيب التوابين
يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين يا قرة عين العابدين يا منفس عن المكروبين
يا مفرج عن المغمومين يا اله الاولين و الاخرين (پنجاه و سیم) اللهم اني اسالك باسمك يا ربنا
يا الهنا يا سيدنا يا مولانا يا ناصرنا يا حافظنا يا دليلنا يا معيننا يا حبيبنا يا طبيبنا
(پنجاه و چهارم) يا رب النبيين و الابرار يا رب الصديقين و الاخيار يا رب الجنة و النار
يا رب الصغار و الكبار يا رب الحبوب و الثمار يا رب الانهار و الاشجار يا رب الصحاري
و القفار يا رب البراري و البحار يا رب الليل و النهار يا رب الاعلان و الاسرار (پنجاه و پنجم)

يا من نفذ في كل شيء امره يا من لحق بكل شيء علمه يا من بلغت الى كل شيء قدرته يا من لا
تحصي العباد نعمه يا من لا تبلغ الخلائق شكره يا من لا تدرك الافهام جلاله يا من لا تنال
الاوهام كنهه يا من العظمة و الكبرياء رداؤه يا من لا ترد العباد قضاؤه يا من لا ملك
الا ملكه يا من لا عطاء الا عطاؤه (پنجاه و ششم) يا من له المثل الاعلى يا من له الصفات
العليا يا من له الاخرة و الاولى يا من له الجنة المأوى يا من له الايات الكبرى يا من له
الاسماء الحسنى يا من له الحكم و القضاء يا من له الهواء و الفضاء يا من له العرش و الثرى
يا من له السموات العلى (پنجاه و هفتم) اللهم اني اسالك باسمك يا عفو يا غفور يا صبور يا شكور
يا رؤف يا عطوف يا مسؤل يا ودود يا سبوح يا قدوس (پنجاه و هشتم) يا من في السماء عظمته
يا من في الارض اياته يا من في كل شيء دلائله يا من في البحار عجائبه يا من في الجبال
خزائنه يا من يبدؤ الخلق ثم يعيده يا من اليه يرجع الامر كله يا من اظهر في
كل شيء لطفه يا من احسن كل شيء خلقه يا من تصرف في الخلائق قدرته (پنجاه و نهم)
يا حبيب من لا حبيب له يا طبيب من لا طبيب له يا مجيب من لا مجيب له يا شفيق من
لا شفيق له يا رفيق من لا رفيق له يا مغيث من لا مغيث له يا دليل من لا دليل له
يا انيس من لا انيس له يا راحم من لا راحم له يا صاحب من لا صاحب له (شصتم) يا كافي
من استكفاه يا هادي من استهداه يا كالي من استكلاه يا راعي من استرعاه يا
شافي من استشفاه يا قاضي من استقضاه يا مغني من استغناه يا موفي من استوفاه
يا مقوي من استقواه يا ولي من استولاه (شصت و یکم) اللهم اني اسالك باسمك
يا خالق يا رازق يا ناطق يا صادق يا فالق يا فارق يا فاتق يا راتق يا سابق يا سامق
(شصت و دوم) يا من يقلب الليل و النهار يا من جعل الظلمات و الانوار يا من خلق
الظل و الحرور يا من سخر الشمس و القمر يا من قدر الخير و الشر يا من خلق الموت

صاحبةً ولداً

وَالحَيوةِ يا مَن لَهُ الخَلقُ وَالاَمرُ يا مَن لَم يَتَّخِذ وَلَداً يا مَن لَيسَ لَهُ شَريكٌ فِي المُلكِ يا مَن
لَم يَكُن لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ شصت و سیم يا مَن يَعلَمُ مُرادَ المُريدينَ يا مَن يَعلَمُ ضَميرَ الصّامِتينَ
يا مَن يَسمَعُ اَنينَ الواهِنينَ يا مَن يَرى بُكاءَ الخائِفينَ يا مَن يَملِكُ حَوائِجَ السّائِلينَ
يا مَن يَقبَلُ عُذرَ التّائِبينَ يا مَن لا يُصلِحُ عَمَلَ المُفسِدينَ يا مَن لا يُضيعُ اَجرَ المُحسِنينَ
يا مَن لا يَبعُدُ عَن قُلوبِ العارِفينَ يا اَجوَدَ الاَجوَدينَ شصت و چهارم يا دائِمَ البَقاءِ
يا سامِعَ الدُّعاءِ يا واسِعَ العَطاءِ يا غافِرَ الخَطاءِ يا بَديعَ السَّماءِ يا حَسَنَ البَلاءِ يا جَميلَ
الثَّناءِ يا قَديمَ السَّناءِ يا كَثيرَ الوَفاءِ يا شَريفَ الجَزاءِ شصت و پنجم اَللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ
بِاسمِكَ يا سَتّارُ يا غَفّارُ يا قَهّارُ يا جَبّارُ يا صَبّارُ يا بارُّ يا مُختارُ يا فَتّاحُ يا نَفّاحُ يا
مُرتاحُ شصت و ششم يا مَن خَلَقَني وَسَوّاني يا مَن رَزَقَني وَرَبّاني يا مَن اَطعَمَني وَسَقاني
يا مَن قَرَّبَني وَاَدناني يا مَن عَصَمَني وَكَفاني يا مَن حَفِظَني وَكَلاني يا مَن اَعَزَّني وَاَغناني
يا مَن وَفَّقَني وَهَداني يا مَن آنَسَني وَآواني يا مَن اَماتَني وَاَحياني شصت و هفتم يا مَن يُحِقُّ الحَقَّ
بِكَلِماتِهِ يا مَن يَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ يا مَن يَحولُ بَينَ المَرءِ وَقَلبِهِ يا مَن لا تَنفَعُ الشَّفاعَةُ
اِلّا بِاِذنِهِ يا مَن هُوَ اَعلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبيلِهِ يا مَن لا مُعَقِّبَ لِحُكمِهِ يا مَن لا رادَّ لِقَضائِهِ
يا مَنِ انقادَ كُلُّ شَيءٍ لِاَمرِهِ يا مَنِ السَّماواتُ مَطوِيّاتٌ بِيَمينِهِ يا مَن يُرسِلُ الرِّياحَ بُشراً بَينَ يَدَي
رَحمَتِهِ شصت و هشتم يا مَن جَعَلَ الاَرضَ مِهاداً يا مَن جَعَلَ الجِبالَ اَوتاداً يا مَن جَعَلَ الشَّمسَ
سِراجاً يا مَن جَعَلَ القَمَرَ نوراً يا مَن جَعَلَ اللَّيلَ لِباساً يا مَن جَعَلَ النَّهارَ مَعاشاً يا مَن
جَعَلَ النَّومَ سُباتاً يا مَن جَعَلَ السَّماءَ بِناءً يا مَن جَعَلَ الاَشياءَ اَزواجاً يا مَن جَعَلَ
النّارَ مِرصاداً شصت و نهم اَللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِاسمِكَ يا سَميعُ يا شَفيعُ يا رَفيعُ يا مَنيعُ
يا سَريعُ يا بَديعُ يا كَبيرُ يا قَديرُ يا خَبيرُ يا مُجيرُ هفتادم يا حَيّاً قَبلَ كُلِّ حَيٍّ يا حَيّاً
بَعدَ كُلِّ حَيٍّ يا حَيُّ الَّذي لَيسَ كَمِثلِهِ حَيٌّ يا حَيُّ الَّذي لا يُشارِكُهُ حَيٌّ يا حَيُّ الَّذي

لا يَحتاجُ اِلى حَيٍّ يا حَيُّ الَّذي يُميتُ كُلَّ حَيٍّ يا حَيُّ الَّذي يَرزُقُ كُلَّ حَيٍّ يا حَيّاً لَم يَرِثِ الحَيوةَ
مِن حَيٍّ يا حَيُّ الَّذي يُحيِي المَوتى يا حَيُّ يا قَيّومُ لا تَأخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَومٌ هفتاد و یکم يا مَن لَهُ
ذِكرٌ لا يُنسى يا مَن لَهُ نورٌ لا يُطفى يا مَن لَهُ نِعَمٌ لا تُعَدُّ يا مَن لَهُ مُلكٌ لا يَزولُ يا مَن لَهُ ثَناءٌ
لا يُحصى يا مَن لَهُ جَلالٌ لا يُكَيَّفُ يا مَن لَهُ كَمالٌ لا يُدرَكُ يا مَن لَهُ قَضاءٌ لا يُرَدُّ يا مَن لَهُ
صِفاتٌ لا تُبَدَّلُ يا مَن لَهُ نُعوتٌ لا تُغَيَّرُ هفتاد و دوم يا رَبَّ العالَمينَ يا مالِكَ يَومِ الدّينِ
يا غايَةَ الطّالِبينَ يا ظَهرَ اللّاجينَ يا مُدرِكَ الهارِبينَ يا مَن يُحِبُّ الصّابِرينَ يا مَن يُحِبُّ
التَّوّابينَ يا مَن يُحِبُّ المُتَطَهِّرينَ يا مَن يُحِبُّ المُحسِنينَ يا مَن هُوَ اَعلَمُ بِالمُهتَدينَ هفتاد و سیم
اَللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِاسمِكَ يا شَفيقُ يا رَفيقُ يا حَفيظُ يا مُحيطُ يا مُقيتُ يا مُغيثُ يا مُعِزُّ
يا مُذِلُّ يا مُبدِئُ يا مُعيدُ هفتاد و چهارم يا مَن هُوَ اَحَدٌ بِلا ضِدٍّ يا مَن هُوَ فَردٌ بِلا نِدٍّ يا مَن
هُوَ صَمَدٌ بِلا عَيبٍ يا مَن هُوَ قاضٍ بِلا حَيفٍ يا مَن هُوَ رَبٌّ بِلا وَزيرٍ يا مَن هُوَ عَزيزٌ بِلا ذُلٍّ يا مَن
هُوَ غَنِيٌّ بِلا فَقرٍ يا مَن هُوَ مَلِكٌ بِلا عَزلٍ يا مَن هُوَ مَوصوفٌ بِلا شَبيهٍ هفتاد و پنجم يا مَن ذِكرُهُ
شَرَفٌ لِلذّاكِرينَ يا مَن شُكرُهُ فَوزٌ لِلشّاكِرينَ يا مَن حَمدُهُ عِزٌّ لِلحامِدينَ يا مَن طاعَتُهُ نَجاةٌ لِلمُطيعينَ
يا مَن بابُهُ مَفتوحٌ لِلطّالِبينَ يا مَن سَبيلُهُ واضِحٌ لِلمُنيبينَ يا مَن آياتُهُ بُرهانٌ لِلنّاظِرينَ
يا مَن كِتابُهُ تَذكِرَةٌ لِلمُتَّقينَ يا مَن رِزقُهُ عُمومٌ لِلطّائِعينَ وَالعاصينَ يا مَن رَحمَتُهُ قَريبٌ
مِنَ المُحسِنينَ هفتاد و ششم يا مَن تَبارَكَ اسمُهُ يا مَن تَعالى جَدُّهُ يا مَن لا اِلهَ غَيرُهُ يا مَن جَلَّ
ثَناؤُهُ يا مَن تَقَدَّسَت اَسماؤُهُ يا مَن يَدومُ بَقاؤُهُ يا مَنِ العَظَمَةُ بَهاؤُهُ يا مَنِ الكِبرِياءُ
رِداؤُهُ يا مَن لا تُحصى آلاؤُهُ يا مَن لا تُعَدُّ نَعماؤُهُ هفتاد و هفتم اَللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِاسمِكَ
يا مُعينُ يا اَمينُ يا مُبينُ يا مَتينُ يا مَكينُ يا رَشيدُ يا حَميدُ يا مَجيدُ يا شَديدُ يا شَهيدُ هفتاد و هشتم يا ذَا العَرشِ
المَجيدِ يا ذَا القَولِ السَّديدِ يا ذَا الفِعلِ الرَّشيدِ يا ذَا البَطشِ الشَّديدِ يا ذَا الوَعدِ وَالوَعيدِ يا مَن
هُوَ الوَلِيُّ الحَميدُ يا مَن هُوَ فَعّالٌ لِما يُريدُ يا مَن هُوَ قَريبٌ غَيرُ بَعيدٍ يا مَن هُوَ عَلى كُلِّ شَيءٍ شَهيدٌ

شنبه

يا من هو ليس بظلام للعبيد هفتاد ونهم يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له ولا نظير
يا خالق الشمس والقمر المنير يا مغني البائس الفقير يا رازق الطفل الصغير يا راحم الشيخ الكبير
يا جابر العظم الكسير يا عصمة الخائف المستجير يا من هو بعباده خبير بصير يا من هو على كل شيء
قدير هشتادم يا ذا الجود والنعم يا ذا الفضل والكرم يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذر
والنسم يا ذا البأس والنقم يا ملهم العرب والعجم يا كاشف الضر والألم يا عالم السر والهمم
يا رب البيت والحرم يا من خلق الأشياء من العدم هشتاد ويكم اللهم اني اسألك باسمك
يا فاعل يا جاعل يا كامل يا قابل يا فاصل يا فاضل يا عادل يا غالب يا طالب يا واهب
هشتاد ودوم يا من انعم بطوله يا من اكرم بجوده يا من جاد بلطفه يا من تعزز بقدرته يا من
قدر بحكمته يا من حكم بتدبيره يا من دبر بعلمه يا من تجاوز بحلمه يا من دنا في علوه يا من
علا في دنوه هشتاد وسيم يا من يخلق ما يشاء يا من يفعل ما يشاء يا من يهدي من يشاء يا من
يضل من يشاء يا من يعذب من يشاء يا من يغفر لمن يشاء يا من يعز من يشاء يا من يذل من
يشاء يا من يصور في الارحام ما يشاء يا من يختص برحمته من يشاء هشتاد وچهارم يا من لم يتخذ مختص
صاحبة ولا ولدا يا من جعل لكل شيء قدرا يا من لا يشرك في حكمه احدا يا من جعل الملائكة
رسلا يا من جعل في السماء بروجا يا من جعل الارض قرارا يا من خلق من الماء بشرا يا من جعل
لكل شيء امدا يا من احاط بكل شيء علما يا من احصى كل شيء عددا هشتاد وپنجم اللهم اني
اسألك باسمك يا اول يا آخر يا ظاهر يا باطن يا بر يا حق يا فرد يا وتر يا صمد يا سرمد هشتاد وششم
يا خير معروف عرف يا افضل معبود عبد يا اجل مشكور شكر يا اعز مذكور ذكر يا اعلى محمود حمد
يا اقدم موجود طلب يا ارفع موصوف وصف يا اكبر مقصود قصد يا اكرم مسئول سئل
يا اشرف محبوب علم هشتاد وهفتم يا حبيب الباكين يا سيد المتوكلين يا هادي المضلين
يا ولي المؤمنين يا انيس الذاكرين يا مفزع الملهوفين يا منجي الصادقين يا اقدر القادرين

يا اعلم العالمين يا اله الخلق اجمعين هشتاد وهشتم يا من علا فقهر يا من ملك فقدر يا من
بطن فخبر يا من عبد فشكر يا من عصي فغفر يا من لا تحويه الفكر يا من لا يدركه
بصر يا من لا يخفى عليه اثر يا رازق البشر يا مقدر كل قدر هشتاد ونهم اللهم اني اسألك
باسمك يا حافظ يا بارئ يا ذارئ يا باذخ يا فارج يا فاتح يا كاشف يا ضامن يا آمر يا ناهي
نود يا من لا يعلم الغيب الا هو يا من لا يصرف السوء الا هو يا من لا يخلق الخلق الا
هو يا من لا يغفر الذنب الا هو يا من لا يتم النعمة الا هو يا من لا يقلب القلوب الا هو
يا من لا يدبر الامر الا هو يا من لا ينزل الغيث الا هو يا من لا يبسط الرزق الا هو يا من
لا يحيي الموتى الا هو نود ويكم يا معين الضعفاء يا صاحب الغرباء يا ناصر الاولياء
يا قاهر الاعداء يا رافع السماء يا انيس الاصفياء يا حبيب الاتقياء يا كنز الفقراء يا
اله الاغنياء يا اكرم الكرماء نود ودوم يا كافيا من كل شيء يا قائما على كل شيء يا من
لا يشبهه شيء يا من لا يزيد في ملكه شيء يا من لا يخفى عليه شيء يا من لا ينقص من خزائنه
شيء يا من ليس كمثله شيء يا من لا يعزب عن علمه شيء يا من هو خبير بكل شيء يا من
وسعت رحمته كل شيء نود وسيم اللهم اني اسألك باسمك يا مكرم يا مطعم يا منعم
يا معطي يا مغني يا مقني يا محيي يا مرضي يا منجي نود وچهارم يا اول كل شيء وآخره
يا اله كل شيء ومليكه يا رب كل شيء وصانعه يا بارئ كل شيء وخالقه يا قابض كل شيء
وباسطه يا مبدئ كل شيء ومعيده يا منشئ كل شيء ومقدره يا مكون كل شيء
ومحوله يا محيي كل شيء ومميته يا خالق كل شيء ووارثه نود وپنجم يا خير ذاكر
ومذكور يا خير شاكر ومشكور يا خير حامد ومحمود يا خير شاهد ومشهود يا خير
داع ومدعو يا خير مجيب ومجاب يا خير مؤنس وانيس يا خير صاحب وجليس يا خير مقصود
ومطلوب يا خير حبيب ومحبوب نود وششم يا من هو لمن دعاه مجيب يا من هو لمن اطاعه

حبیبٌ یا من هو الی من احبه قریبٌ یا من هو بمن استحفظه رقیبٌ یا من هو بمن رجاه کریمٌ
یا من هو بمن عصاه حلیمٌ یا من هو فی عظمته رحیمٌ یا من هو فی حکمته عظیمٌ
یا من هو فی احسانه قدیمٌ یا من هو بمن اراده علیمٌ **بند نود و هفتم** اللهم انی اسألک باسمک
یا مسبب یا مرغب یا مقلب یا معقب یا مرتب یا مخوف یا محذر یا مذکر یا مسخر یا مغیر
بند نود و هشتم یا من علمه سابقٌ یا من وعده صادقٌ یا من لطفه ظاهرٌ یا من امره غالبٌ یا من
کتابه محکمٌ یا من قضاؤه کائنٌ یا من قرآنه مجیدٌ یا من ملکه قدیمٌ یا من فضله
عمیمٌ یا من عرشه عظیمٌ **بند نود و نهم** یا من لا یشغله سمعٌ عن سمعٍ یا من لا یمنعه فعلٌ
عن فعلٍ یا من لا یلهیه قولٌ عن قولٍ یا من لا یغلطه سؤالٌ عن سؤالٍ یا من لا یحجبه
شیءٌ عن شیءٍ یا من لا یبرمه الحاح الملحین یا من هو غایة مراد المریدین یا من هو منتهی
همم العارفین یا من هو منتهی طلب الطالبین یا من لا یخفی علیه ذرةٌ فی العالمین
صد یا حلیماً لا یعجل یا جواداً لا یبخل یا صادقاً لا یخلف یا وهاباً لا یمل یا قاهراً لا
یغلب یا عظیماً لا یوصف یا عدلاً لا یحیف یا غنیاً لا یفتقر یا کبیراً لا یصغر یا حافظاً
لا یغفل سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب **مؤلف گوید**
که کفعمی علیه الرحمة در کتاب جنة الامان نیز این روایات را با اختصار قلیلی و تغییر یسیری نقل
نموده است و این دعا بسیار عظیم الشان و جلیل القدر است و در اکثر اعصار زهاد و علما و اتقیا
بر آن مداومت می نموده اند و در اکثر مطالب مهمه که رو میداده میخوانده اند و اثر اجابت بزودی
می یافته اند و اکثر علما آن را از ادعیه مطلقه که اختصاص بوقت معینی ندارد یاد نموده اند و چون
این روایت که مذکور شد در خصوص ابتدای ماه مبارک خواندن آن ثواب عظیم وارد شد لهذا آن را در این مقام
مذکور نمودیم و مجمل در این روایت وارد شده که در اول ماه خوانده شود شامل شب اول و روز اول
و اگر در هر وقت خوانده شود اولی است **چهارم** دعای جوشن صغیر است سید ابن طاوس قدس الله
روحه در کتاب مهج الدعوات این دعا را با روایت مشهوره ذکر نموده و بعد از آن در اکثر نسخهای
آن کتاب مذکور است که شیخ جلیل نبیل ابو طالب بن رجب گفته که یافتم در کتاب [illegible]
تقی الدین حسن بن داود روایت دیگر را در باب جوشن صغیر و روایتی که در باب جوشن کبیر

صل علی محمد و آله

یا ارحم الراحمین

مذکور

جوشن صغیر

مذکور شد بالاتر که فقیر از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت نموده است و این تتمه از کلام
ابن طاوس نیست بلکه ابو طالب ابن رجب رضی الله عنه از الحاق نموده و ممکن است که باعتبار
اطلاق لفظ جوشن بر هر یک از این دو دعا سهوی از کفعمی یا از ابو طالب ابن رجب واقع شده باشد
یا آنکه این دو دعا هر دو یکمرتبه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده باشد و بهر تقدیر خواندن
این دعا نیز در شب اول و روز اول و سایر اوقات ماه سه مرتبه یا یکمرتبه مانند دعای سابق اولی
و افضل است **و دعا این است** الهی کم من عدوٍ انتضی علیّ سیف عداوته و شحذ لی ظبة
مدیته و ارهف لی شبا حده و داف لی قواتل سمومه و سدد نحوی صوائب سهامه
و لم تنم عنی عین حراسته و اضمر ان یسومنی المکروه و یجرعنی زعاق مرارته فنظرت الی
ضعفی عن احتمال الفوادح و عجزی عن الانتصار ممن قصدنی بمحاربته و وحدتی فی
کثیر ممن ناوانی و ارصادهم لی فیما لم اعمل فیه فکری فی الارصاد لهم بمثله فایدتنی
بقوتک و شددت ازری بنصرک و فللت لی شبا حده و خذلته بعد جمع عدیده و حشده
و اعلیت کعبی علیه و وجهت ما سدد الیّ من مکائده الیه و رددته و لم یشف غلیله
و لم تبرد حرارات غیظه و قد عض علیّ انامله و قد اخفقت سرایاه فلک الحمد یا رب
من مقتدر لا یغلب و ذی اناة لا یعجل صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی لانعمک من الشاکرین
و لآلائک من الذاکرین **الهی** و کم من باغ بغانی بمکائده و نصب لی اشراک مصائده
و وکل بی تفقد رعایته و اضبأ الیّ اضباء السبع لطریدته انتظاراً لانتهاز فرصته
و هو یظهر لی بشاشة الملق و یبسط لی وجهاً غیر طلق فلما رایت دغل سریرته
و قبح ما انطوی علیه لشریکه فی ملته و اصبح مجلباً لی فی بغیه ارکسته لام راسه و اتیت بنیانه
من اساسه فصرعته فی زبیته و ردیته فی مهوی حفیرته و جعلت خده طبقاً للتراب
رجله و شغلته فی بدنه و رزقه و رمیته بحجره و خنقته بوتره و ذکیته بمشاقصه
و کببته لمنخره و رددت کیده فی نحره و ربقته بندامته و فسأته بحسرته و استخذأ
فاستخذل و تضاءل بعد نخوته و انقمع بعد استطالته ذلیلاً مأسوراً فی ربق حبائله التی کان

يؤمّل أن يراني فيها بسطوته وقد كدت يا رب لولا رحمتك يحلّ بي ما حلّ بساحته
فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صلّ على محمد وآل محمد واجعلني
لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من حاسد شرق بحسده وشجي
بغيظه وسلقني بحدّ لسانه ووخزني بموق عينه وجعل عرضي غرضاً لمراميه وقلّدني خلالاً
لم تزل فيه فناديتك يا رب مستجيراً بك واثقاً بسرعة اجابتك متوكلاً على ما لم أزل أعرفه
من حسن دفاعك عالماً أنه لن يضطهد من أوى إلى ظل كنفك ولن تقرع الفوادح
من لجأ إلى معقل الانتصار بك فحصّنتني من بأسه بقدرتك فلك الحمد يا رب من مقتدر لا
يغلب وذي أناة لا يعجل صلّ على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين الهي وكم من سحائب مكروه جلّيتها وسماء نعمة أمطرتها وجداول كرامة
أجريتها وأعين أحداث طمستها وناشئة رحمة نشرتها وجنّة عافية ألبستها وغوامر
كربات كشفتها وأمور جارية قدّرتها لم تعجزك إذ طلبتها ولم تمتنع عليك إذ أردتها
فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صلّ على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من ظنّ حسن حقّقت ومن عدم إملاق جبرت
ومن مسكنة فادحة حوّلت ومن صرعة مهلكة أنعشت ومن مشقة أرحت لا تسأل يا سيدي عما
تفعل وهم يسألون ولا ينقصك ما أنفقت ولقد سئلت فأعطيت ولم تسأل فابتدأت واستميح
باب فضلك فما أكديت أبيت إلا إنعاماً وامتناناً وإلا تطوّلاً يا رب وإحساناً وأبيت
يا رب إلا انتهاكاً لحرماتك واجتراءً على معاصيك وتعدّياً لحدودك وغفلة عن وعيدك
وطاعة لعدوي وعدوك لم يمنعك يا الهي وناصري إخلالي بالشكر عن إتمام إحسانك
ولا حجزني ذلك عن ارتكاب مساخطك اللهم وهذا مقام عبد ذليل اعترف لك بالتوحيد
وأقرّ على نفسه بالتقصير في أداء حقك وشهد لك بسبوغ نعمتك عليه وجميل عادتك

عنده وإحسانك إليه فهب لي يا الهي وسيدي من فضلك ما أريده إلى رحمتك وأتخذه سلّماً أعرج
فيه إلى مرضاتك وآمن به من سخطك بعزتك وطولك وبحق محمد نبيك والأئمة صلواتك
عليه وعليهم فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صلّ على محمد وآل محمد
واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من عبد أمسى وأصبح في
كرب الموت وحشرجة الصدر والنظر إلى ما تقشعر منه الجلود وتفزع له القلوب وأنا
في عافية من كل ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صلّ على
محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وسيدي
وكم من عبد أمسى وأصبح سقيماً موجعاً مدنفاً في أنين وعويل يتقلّب في غمّه ولا يجد محيصاً
ولا يسيغ طعاماً ولا يستعذب شراباً ولا يستطيع ضرّاً ولا نفعاً وهو في حسرة وندامة
وأنا في صحة من البدن وسلامة من العيش كل ذلك منك فلك الحمد يا رب من مقتدر لا
يغلب وذي أناة لا يعجل صلّ على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين الهي وكم من عبد أمسى وأصبح خائفاً مرعوباً مسهداً مشفقاً وجيداً وجلاً
هارباً طريداً أو منجحراً في مضيق ومخبأة من المخابي قد ضاقت عليه الأرض برحبها
لا يجد حيلة ولا منجى ولا مأوى ولا مهرباً وأنا في أمن وطمأنينة وعافية من ذلك كله
فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صلّ على محمد وآل محمد واجعلني
لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وسيدي وكم من عبد أمسى وأصبح
مغلولاً مكبّلاً بالحديد بأيدي العداة لا يرحمونه فقيداً من أهله وولده منقطعاً عن إخوانه
وبلده يتوقع كل ساعة بأية قتلة يقتل وبأي مثلة يمثّل به وأنا في عافية من ذلك
كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صلّ على محمد وآل محمد واجعلني
لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وسيدي وكم من عبد أمسى

واصبح يقاسي الحرب ومباشرة القتال بنفسه قد غشيته الاعداء من كل جانب والسيوف
وآلة الحرب يتقعقع في الحديد يبلغ مجهوده ولا يعرف حيلة ولا يجد مهربا قد اذنف
بالجراحات او متشحطا بدمه تحت السنابك والارجل يتمنى شربة من ماء او نظرة
الى اهله وولده ولا يقدر عليها وانا في عافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر
لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين
ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح في ظلمات البحار وعواصف الرياح
والاهوال والامواج يتوقع الغرق والهلاك لا يقدر على حيلة او مبتلى بصاعقة
او هدم او غرق او شرق او حرق او خسف او مسخ او قذف وانا في عافية من ذلك
كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد
واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى و
اصبح مسافرا شاخصا عن اهله ووطنه وولده متحيرا في المفاوز تائها مع الوحوش
والبهائم والهوام وحيدا فريدا لا يعرف حيلة ولا يهتدي سبيلا او متاذيا ببرد
او حر او جوع او عري او غيره من الشدائد مما انا منه خلو وفي عافية من ذلك كله
فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني
لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح
فقيرا عائلا عاريا مملقا مخفقا مجهودا خائفا جائعا ظمآنا ينتظر من يعود عليه بفضل
او عبد وجيه هو اوجه مني عندك واشد عبادة لك مغلولا مقهورا قد حمل ثقلا
من تعب العناء وشدة العبودية وكلفة الرق وثقل الضريبة او مبتلى ببلاء
شديد لا قبل له به الا بمنك عليه وانا المخدوم المنعم المعافى المكرم في عافية
مما هو فيه فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد

واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي ومولاي وسيدي وكم
من عبد امسى واصبح شريدا طريدا حيران متحيرا جائعا خائفا خاسرا في الصحاري والبراري
قد احرقه الحر والبرد وهو في ضر من العيش وضنك من الحيوة وذل من المقام ينظر الى
نفسه حسرة لا يقدر لها على ضر ولا نفع وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا
اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد
واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم
الراحمين الهي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح عليلا مريضا سقيما مدنفا على فرش
العلة وفي لباسها يتقلب يمينا وشمالا لا يعرف شيئا من لذة الطعام ولا من لذة الشراب
ينظر الى نفسه حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك
فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد
واجعلني لك من العابدين ولانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك
يا ارحم الراحمين الهي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح قد دنا يومه من حتفه
وقد احدق به ملك الموت في اعوانه يعالج سكرات الموت وحياضه تدور عيناه
يمينا وشمالا ينظر الى احبائه واودائه واخلائه قد منع من الكلام وحجب عن الخطاب
الى نفسه حسرة فلا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا
اله الا انت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني
لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين الهي ومولاي
وسيدي وكم من عبد امسى واصبح في مضائق الحبوس والسجون وكربها وذلها وحديدها
يتداوله اعوانها وزبانيتها فلا يدري اي حال يفعل به واي مثلة يمثل به فهو في
ضر من العيش وضنك من الحيوة ينظر الى نفسه حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا

وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا تغلب وذي اناة
لا تعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لك من العابدين ولانعمك من الشاكرين ولالائك من
الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين مولاي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح
قد استمر عليه القضاء واحدق به البلاء وفارق اوداءه واحباءه واخلاءه
وامسى حقيرا اسيرا ذليلا في ايدي الكفار والاعداء يتداولونه يمينا وشمالا قد حصل في المطامير
وثقل بالحديد لا يرى شيئا من ضياء الدنيا ولا من روحها ينظر الى نفسه حسرة لا يستطيع
لها ضرا ولا نفعا وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت سبحانك من
مقتدر لا تغلب وذي اناة لا تعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لك من العابدين ولنعمائك
من الشاكرين ولالائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين مولاي وسيدي
وكم من عبد امسى واصبح قد اشتاق الى الدنيا للرغبة فيها الى ان خاطر بنفسه وماله
حرصا منه عليها قد ركب الفلك وكسرت به فهو في افاق البحار وظلمها ينظر الى نفسه
حسرة لا يقدر لها على ضر ولا نفع وانا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا اله الا انت
سبحانك من مقتدر لا تغلب وذي اناة لا تعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لك
من العابدين ولنعمائك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا ارحم
الراحمين مولاي وسيدي وكم من عبد امسى واصبح قد استمر عليه القضاء واحدق
به البلاء والكفار والاعداء واخذته الرماح والسيوف والسهام وجدل صريعا
وقد شربت الارض من دمه واكلت السباع والطير من لحمه وانا خلو من ذلك كله بجودك
وكرمك لا باستحقاق مني يا لا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا تغلب وذي اناة
لا تعجل صل على محمد وال محمد واجعلني لنعمائك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين وارحمني
برحمتك يا ارحم الراحمين وعزتك يا كريم لاطلبن مما لديك ولالحن عليك ولامدن

ولامدن يدي نحوك مع جرمها اليك فبمن اعوذ يا رب وبمن الوذ لا احد لي الا انت
افتردني وانت معولي وعليك متكلي واسالك باسمك الذي وضعته على السماء
فاستقلت وعلى الارض فاستقرت وعلى الجبال فرست وعلى الليل فاظلم وعلى النهار
فاستنار ان تصلي على محمد وال محمد وان تقضي لي جميع حوائجي وتغفر لي ذنوبي كلها
صغيرها وكبيرها وتوسع علي من الرزق ما تبلغني به شرف الدنيا والاخرة يا ارحم
الراحمين مولاي بك استعنت فصل على محمد وال محمد واعني وبك استجرت فصل على
محمد وال محمد واجرني واغنني بطاعتك عن طاعة عبادك وبمسالتك عن مسالة خلقك
وانقلني من ذل الفقر الى عز الغنى ومن ذل المعاصي الى عز الطاعة فقد فضلتني
على كثير من خلقك جودا منك وكرما لا باستحقاق مني الهي فلك الحمد على ذلك كله
صل على محمد وال محمد واجعلني لنعمائك من الشاكرين ولالائك من الذاكرين وارحمني
برحمتك يا ارحم الراحمين مولف كويد كفعمي رضوان الله عنه در كتاب بلد الامين
زيادتي در اقبال نموده كه پس بسجده ميروي وميكويي سجد وجهي الذليل لوجهك العزيز
الجليل سجد وجهي البالي الفاني لوجهك الدائم الباقي سجد وجهي الفقير لوجهك
الغني الكبير سجد وجهي وسمعي وبصري ولحمي ودمي وجلدي وعظمي وما اقلت
الارض مني لله رب العالمين اللهم عد على جهلي بحلمك وعلى فقري بغناك وعلى
ذلي بعزك وسلطانك وعلى ضعفي بقوتك وعلى خوفي بامنك وعلى ذنوبي وخطاياي
بعفوك ورحمتك يا رحمن يا رحيم اللهم اني ادرا بك في نحر فلان بن فلان واعوذ
بك من شره فاكفنيه بما كفيت به انبياءك واولياءك من خلقك وصالحي عبادك من
فراعنة خلقك وطغاة عداتك وشر جميع خلقك برحمتك يا ارحم الراحمين انك
على كل شيء قدير وحسبنا الله ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير سجده

خواندن دعاى تهليل چنانچه كفعمى رضى الله عنه در كتاب بلد الامين از رسول خدا صلى الله
عليه روايت كرده است كه فرمود كه جبرئيل عليه السلام اين دعا را از جانب خداوند جليل براى من
آورد و گفت اين دعا بر قوايم عرش نوشته است پيش از خلق مخلوقات بصد هزار سال و كسى
كه اين دعا را بخواند حق تعالى مظالم همه بندگان خود را از او قضا كند و هر كه بنويسد او را بجام
شيشه و بياشامد او را زياده شود فهم و حفظ او و شفا يابد از بيمارى و كسى كه بنويسد او را
بر كفن خود با كافور حق تعالى قبر او را از روضهاى بهشت گرداند و مونس او باشد در قبر او و آن را
گرداند بر او هول منكر و نكير را و ببوى قبر او هفتاد هزار ملك فرستد كه با هر ملكى طبقى باشد
از ميوهاى بهشت و او را بشارت دهند به بهشت و براى او درى بگشايند ببوى بهشت و
قبر او را وسيع و فراخ گرداند بقدر انكه چشم او تواند ديد و او را عذاب نفرمايد و هر كه او را
بانيت صحيح در شبهاى ماه رمضان بخواند شب قدر را دريابد و خلق كند حق تعالى براى او
در هر آسمانى هزار ملك و در مكه معظمه هفتاد هزار ملك و در روضه حضرت رسالت صلى الله
عليه و آله هفتاد هزار ملك و در مشرق هفتاد هزار ملك و همچنين در مغرب نيز هفتاد هزار ملك
كه تسبيح حق تعالى كنند بلغتهاى مختلفه و حق تعالى ثواب همه را بخواننده اين دعا كرامت فرمايد
و حوائج او را بر آورد و عطا فرمايد باو در بهشت چيزى چند را كه چشمى نديده باشد و گوشى نشنيده
باشد و بر دل بشرى خطور نكرده باشد و استقبال كنند او را در وقت بيرون آمدن از قبر هفتاد هزار
ملك كه با هر ملكى غلامى از نور باشد و بدست هر غلامى شتر بسيار نفيسى باشد كه شكمهاى او
از مرواريد سفيد و پشتهاى او از زمرد سبز و چشمهاى شان از ياقوت سرخ باشد و بر هر يك
از اينها قبه باشد و بر هر قبه چهار صد پرده از سندس و استبرق باشد و در هر قبه حورى باشد
كه هر حورى هزار گيسو از مشك و مانند آن از كافور داشته باشد و بدست هر ملكى قدحى از مرواريد
سفيد باشد و بر هر قدحى چهار چيز باشد آب و عسل و شير و شراب كه لذت برند از آن ملكها
از اينها و بر هر قدحى نوشته باشد لا اله الا الله اين قدح از فلان پسر فلان است تا محشور شود
و حال آنكه روى او مانند ماه بدر رخشد تا آنكه گمان كنند اهل موقف كه او از پيغمبران است و هر كه
در عمر خود يكمرتبه اين دعا را بخواند بهشت براى او واجب شود و كسى كه صبح او را بخواند دو ملك
حق تعالى موكل گرداند باو كه او را محافظت نمايند تا شام و همچنين اگر در شام بخواند تا صبح او را
محافظت نمايند و كسى كه اين دعا را در ماه رمضان سه نوبت بخواند درهاى بهشت براى او گشوده
شود و درهاى جهنم بر روى او بسته گردد و در امان الهى باشد تا سال آينده و عطا كند باو ثواب
هفتاد ضعف از عبادت ملائكه را كه هر ضعيفى بقدر هزار سال است و صرف سكند حق تعالى ان

هزار بنده

دعاى تهليل

خواننده اين دعا هر بلائى و شدتى را و اين دعا بدعاى تهليل ناميده ميشود و دعا اينست
لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله بعدد كل تهليل هلله المهللون والله اكبر والله
اكبر والله اكبر بعدد كل تكبير كبره المكبرون والحمد لله والحمد لله والحمد لله بعدد
كل تحميد حمده الحامدون وسبحان الله وسبحان الله وسبحان الله بعدد كل تسبيح سبحه
المسبحون واستغفر الله واستغفر الله واستغفر الله بعدد كل استغفار استغفره
المستغفرون ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلى
العظيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم بعدد ما قالها القائلون اللهم صل
على محمد وآل محمد اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم صل على محمد وآل محمد بعدد ما صلى عليه
المصلون وحسبنا الله ونعم الوكيل ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن اشهد ان الله على
كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علما واحصى كل شيء عددا والحمد لله على كل
حال والحمد لله عند انقطاع الاحوال والحمد لله بعدد كل من حمده والحمد لله بعدد من
لم يحمده وسبحان الله من ليس كمثله شيء سبحان من لا يغادره شيء سبحان الله الحكيم
الكبير الخالق سبحان الحنان المنان سبحان الحليم الكريم سبحان الخالق البارئ سبحان
الصادق البادئ سبحان المصور الكافي سبحان الشافي المعافي سبحان من لا يعادله
شيء سبحان من لا يجاذه شيء سبحان من لا يعلمه شيء سبحان من لا يغيره شيء
سبحان من لا يقهره شيء في ملكه سبحان من لا يجحده الجاحدون سبحان من لا يصفه
الواصفون سبحان من لا يشبهه المشبهون سبحان من لا اب له سبحان من لا قرين له
سبحان من لا شبيه له سبحان القادر المقتدر سبحان العلي المتعال سبحان من لا
يفوته شيء سبحان من لا يخفى عليه شيء سبحان من لا تدركه العيون سبحان من
لا تخالطه الظنون سبحان منشئ الاشياء بمشيته سبحان المدبر بتدبيره سبحا

من جلّ عن الاشياء والعرش باثنائه سبحان من انشأ الليل والنهار بعد ربه
سبحان من انشأ السموات العلى سبحان من قدّر الحجب من غير ان يستعين باحد سبحان
خالق سورة النور سبحان من اقام السموات بغير عمد ولا معين سبحان من خلق العرش
وانفرد بتقدير الاشياء سبحان من خلق عجائب خلقه من غير شريك معه جلّ عن
الاشياء فلا يبدء كشيء سبحان الخالق المصوّر له الاسماء الحسنى يسبّح له ما في
السموات والارض وهو العزيز الحكيم سبحان من اثبت الارض بعد ربه سبحان
من خلق الخلق بعظمته سبحان من انشأ الرياح ويرسلها حيث يشاء سبحان من
لا ينقطع رزقه عن احد من خلقه سبحان من يسبّح له الملائكة بانواع اللغات
سبحان من يسبّح له الجنة بغرائب التسبيح سبحان من يسبّح له النيران باغلالها سبحان
من يسبّح له الجبال باكنافها سبحان من يسبّح له الاشجار عند نور يد اوراقها سبحانه
وتعالى عمّا يشركون يا ربّ يا ربّ يا ربّ يا ربّ الارباب ويا مسبّب الاسباب ويا معتق الرقاب
من العذاب سبحان من يسبّح له البحار عند تلاطم امواجها سبحان من يسبّح له الذرّ في
مساكنها سبحان من يسبّح له الرياح عند هبوب جريانها سبحان من يسبّح له الحيتان
في قرار بحارها سبحان من يسبّح له الجنّ بلغاتها سبحان من يسبّح له بنو آدم على اختلاف
لغاتها سبحان القائم الدائم سبحان الجليل الجميل يا علّام الغيوب يا غفّار الذنوب
يا ستّار العيوب يا من لا يخفى عليه مكان يا من هو كلّ يوم في شأن يا عظيم الشأن
يا من لا يشغله شأن عن شأن يا ذا الجلال والاكرام يا دائم يا قائم يا قديم يا ملك
يا قدّوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبّار يا متكبّر يا خالق يا بارئ يا مصوّر
يا من ليس كمثله شيء وهو السميع البصير لا اله الّا انت سبحانك انّي كنت من الظالمين
ششم سيد ابن طاوس قدّس الله روحه در كتاب اقبال از كتاب ابن ابي قرّه رضي الله عنه
نقل نموده كه او از ائمهٔ طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين روايت كرده است كه مكرّر در

بايست وسيم ماه مبارك رمضان بسيار وارد شده و بر هر حالى از احوال و در تمام اوقات اين ماه
مبارك و در غير اين ماه از بسيار اوقات عمر بعد از تمجيد الهى و صلوات بر حضرت رسالت پناهى و آل و
اجداد او ائمه عليهم السلام و در اين دعا **اين است** اللّهمّ كن لوليّك القائم بامرك الحجّة بن الحسن المهدي
عليه وعلى آبائه افضل الصلوة والسلام في هذه الساعة وفي كلّ ساعة وليّا وحافظا
وقائدا وناصرا ودليلا ومؤيّدا حتّى تسكنه ارضك طوعا وتمتّعه فيها طولا وعرضا وتجعله
وذريّته من الائمّة الوارثين اللّهمّ انصره وانتصر به واجعل النصر منك له وعلى يده
واجعل النصر له والفتح على وجهه ولا توجّه الامر الى غيره اللّهمّ اظهر به دينك وسنّة
نبيّك حتّى لا يستخفي بشيء من الحقّ مخافة احد من الخلق اللّهمّ انّي ارغب اليك في دولة
كريمة تعزّ بها الاسلام واهله وتذلّ بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى
طاعتك والقادة الى سبيلك وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
واجمع لنا خير الدارين واقض عنّا جميع ما تحبّ فيهما واجعل لنا في ذلك الخيرة برحمتك
ومنّك في عافية آمين ربّ العالمين وزدنا من فضلك ويدك الملأى فانّ كلّ معط ينقص
من ملكه وعطاؤك يزيد في ملكك **باب دهم** در بيان ادعيهٔ دخول ماه مبارك رمضان
بدانكه مراد از ادعيهٔ دخول دعاهاى چندست كه در روايات وارد شده باشد كه چون ماه رمضان
داخل شود يا حاضر شود بايد دعا را بخوانند يا در اول ماه رمضان بايد دعا را بخوانند يا امثال آن از عبارات
كه مفاد آن اين باشد كه در ابتداء ماه رمضان بايد خوانده شود و اكثر علما مثل ابن بابويه و شيخ طوسي
قدّس الله روحهما و بعضى ديگر از عبارات چنين فهميده اند كه در روز اول بايد خوانده شود و سيد ابن
طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال گفته كه در شب اول بايد خوانده شود زيرا كه شب غرّهٔ هر ماهى اول
آن ماه است و دخول در آن ماه بداخل شدن شب اول محقّق ميشود و بنا بر اين خواندن اين ادعيه
در ابتداء شب اول اولى خواهد بود از اواخر آن و اگر در شب و روز هر دو خوانده شود اولى است
و اين ادعيه چنانچه از تتبّع روايات ظاهر ميشود چند دعا است **اول** دعاى حضرت سيد
الساجدين صلوات الله عليه و آن دعاى چهل و چهارم از صحيفهٔ كامله است و چون شيخ طوسي
در مصباح و كفعمى در جنّة الامان و بلد الامين و سيد در اقبال نيز نقل نموده اند و روايت ايشان
با روايت صحيفهٔ كامله اختلافى دارد و ما از ايراد سبب آن اثبت الحمد لله الذي هدانا لحمده وجعلنا

مِن اهلِه لنكونَ لإحسانِه من الشاكرين وليجزينا على ذلك جزاء المحسنين والحمد لله الذي
حبانا بدينه واختصّنا بملّته وسبّلنا في سُبُل احسانه لنسلكها بمنّه الى رضوانه
حمداً يتقبّله منّا ويرضى به عنّا والحمد لله الذي جعل من تلك السبل شهره شهر رمضان
شهر الصيام وشهر الاسلام وشهر الطهور وشهر التمحيص وشهر القيام الذي انزل
فيه القرآن هدىً للناس وبيّناتٍ من الهدى والفرقان فابان فضيلته على سائر الشهور
بما جعل له من الحرمات الموفورة والفضائل المشهورة فحرّم فيه ما احلّ في غيره اعظاماً
له وحجر فيه المطاعم والمشارب اكراماً له وجعل له وقتاً بيّناً لا يجوز ان يقدّم
قبله ولا يجوز ان يؤخّر عنه ثم فضّل ليلةً واحدةً من لياليه على ليالي الف شهر وسمّاها ليلة القدر
تنزّل الملائكة والروح فيها باذن ربّهم من كل امر سلامٌ دائم البركة الى طلوع الفجر على
من يشاء من عباده بما احكم من قضائه اللهم صلّ على محمد وآله والهمنا معرفة فضله
واجلال حرمته والتحفّظ ممّا حظرت فيه واعنّا على صيامه بكفّ الجوارح عن معاصيك
واستعمالها فيه بما يرضيك حتى لا نصغي باسماعنا الى لغوٍ ولا نسرع بابصارنا الى لهوٍ ولا
نبسط ايدينا الى محظورٍ ولا نخطو باقدامنا الى محجورٍ وحتى لا تعي بطوننا الا ما احللت
ولا تنطق السنتنا الا ما قلت ولا نتكلّف الا ما يدني من ثوابك ولا نتعاطى الا الذي
يقي من عقابك ثم خلّص ذلك كلّه من رئاء المرائين وسمعة المسمعين حتى لا نشرك فيه
احداً دونك ولا نبتغي به مراداً سواك اللهم وقفنا فيه على مواقيت الصلوات الخمس
بحدودها التي حدّدت وفرائضها التي فرضت واوقاتها التي وقّت وانزلنا فيها
منزلة المصيبين لاوقاتها على سنّة محمد عبدك ورسولك صلى الله عليه وآله في
ركوعها وسجودها وجميع فواضلها على اتمّ الطهور واسبغه وابين الخشوع وابلغه
ووفّقنا فيه لان نصل ارحامنا بالبرّ والصلة وان نتعاهد جيراننا بالافضال

والعطية

والعطيّة وان نخلّص اموالنا من التبعات وان نطهّرها باخراج الزكوات وان نميل بنا
الى ان نراجع من هجرنا وان ننصف من ظلمنا وان نسالم من عادانا حاشا من عودي فيك
ولك فانه العدوّ الذي لا نواليه والحزب الذي لا نصافيه وان نتقرّب اليك فيه
من الاعمال الزاكية بما تطهّرنا به من الذنوب وتعصمنا فيما نستأنف من العيوب حتى لا يورد
عليك احدٌ من ملائكتك الا دون ما نورد من انواع القربة وابواب الطاعة لك اللهم
اني اسألك بحقّ هذا الشهر وبحقّ من تعبّد لك فيه من ابتدائه الى وقت فنائه من ملكٍ
قرّبته او نبيٍّ ارسلته او عبدٍ صالحٍ اختصصته وجنّبنا الالحاد في دينك
والتقصير في تمجيدك والشكّ في توحيدك والعمى عن سبيلك والكسل عن خدمتك
والتواني في العمل بمحبّتك والمسارعة الى سخطك والانخداع لعدوّك الشيطان الرجيم
اللهم اهّلنا فيه لما وعدت اولياءك من كرامتك واوجب لنا ما اوجبت لاهل
الاستقصاء لطاعتك واجعلنا في نظم من استحقّ الرفيع الاعلى برحمتك اللهم وانّ
لك في كل ليلةٍ من ليالي شهرنا هذا رقاباً يعتقها عفوك او يهبها صفحك فاجعل
رقابنا من تلك الرقاب واجعلنا لشهرنا من خير اهلٍ واصحاب وامحق ذنوبنا
مع امحاق هلاله واسلخ عنّا تبعاتنا مع انسلاخ ايامه حتى ينقضي عنّا وقد صفّيتنا
من الخطيئات وخلّصتنا من السيئات اللهم وان ملنا فيه فعدّلنا وان زغنا فيه
فقوّمنا وان اشتمل علينا عدوّك الشيطان الرجيم فاستنقذنا منه اللهم صلّ
على محمد وآله واشحنه بعبادتنا وزيّن اوقاته بطاعتنا لك واعنّا في نهاره
على صيامه وفي ليله على قيامه بالصلوة لك والتضرّع اليك والخشوع لك
والذلّة بين يديك حتى لا يشهد نهاره علينا بغفلةٍ ولا ليله بتفريطٍ اللهم
واجعلنا في سائر الشهور والايام وما يأتي من السنين والاعوام كذلك

ما عمرتنا واجعلنا من عبادك المخلصين الذين يؤتون ما آتوا وقلوبهم وجلة انهم الى ربهم
راجعون اولئك يسارعون في الخيرات وهم لها سابقون الذين يرثون الفردوس هم فيها
خالدون اللهم فصل على محمد وآله الطيبين وسلم كثيرا **دويم** سيد ابن طاوس رضي الله عنه
در کتاب اقبال از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که فرمود رسول خدا صلی الله
علیه وآله چون ماه رمضان داخل میشد این دعا را میخواند اللهم انه قد دخل شهر رمضان اللهم
رب شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن وجعلته بينات من الهدى والفرقان اللهم
فبارك لنا في شهر رمضان واعنا على صيامه وصلواته وتقبله منا **سیم** محمد بن یعقوب
کلینی طاب ثراه در کتاب کافی بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده است که چون
ماه رمضان حاضر شود این دعا را بخوان اللهم قد حضر شهر رمضان وقد افترضت علينا
صيامه وانزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان اللهم اعنا
على صيامه اللهم تقبله منا وسلمنا فيه وتسلمه منا في يسر منك وعافية انك على كل شيء
قدير يا ارحم الراحمين **چهارم** سید در کتاب اقبال گفته که یافتم در کتابی که در آن دعاهای بسیار
نوشته شده بود و نوشته شده بود که کاتب آن سید رضی موسوی رضی الله عنه است و از جمله
دعاهای آن این دعا بود که چون ماه رمضان داخل شود بخواند اللهم ان هذا شهر رمضان
الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان قد حضر يا رب اعوذ
بك فيه من الشيطان الرجيم ومن مكره وحيله وخدعه وحبائله وجنوده وخيله ورجله
وحبائله ووساوسه ومن الضلال بعد الهدى ومن الكفر بعد الايمان ومن النفاق
والرياء والخيانات ومن شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور الناس من الجنة
والناس اللهم وارزقني صيامه وقيامه والعمل فيه بطاعتك وطاعة رسولك واولي
الامر عليه وعليهم السلام وما قرب منك وجنبني معاصيك وارزقني فيه التوبة والانابة
والاجابة واعذني فيه من العسرة والكسل والفشل واستجب لي فيه الدعاء واصح لي
فيه جسمي وعقلي وفرغني فيه لطاعتك وما قرب منك يا كريم يا جواد يا كريم صل
على محمد وعلى اهل بيت محمد عليه وعليهم السلام وكذلك فافعل بنا يا ارحم الراحمين

الصائمين

اللهم صل على محمد وآل محمد في كل وقت وكل اوان وعلى كل حال في كل ساعة

خدا عز

پنجم سید ابن باقی طاب ثراه در کتاب اختیار از جمله دعاهای شب اول این دعا را از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده و از لفظ دعا ظاهر میشود که از او قبل دخول ماه مبارک رمضان باشد
و دعا این است اللهم قد حضر شهر رمضان فاذا بلغتنيه فاعني على صيامه وتقبله مني في يسر
منك وعافية يا كريم **ششم** کلینی رحمه الله در کتاب کافی و ابن بابویه رضوان الله در کتاب من لا یحضره
الفقیه و سید ابن طاوس در کتاب اقبال و شیخ طوسی در مصباح با اختلاف
بسیار بسند صحیح از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت نموده اند که آنحضرت بعلی بن یقطین
فرمود که بخوان این دعا را در ماه مبارک رمضان در اول سال و هر که این دعا را برای رضای حق تعالی
از روی اخلاص بخواند در آن سال بر سد باو فتنه و آفتی در دین او و نه در بدن او و حق تعالی حفظ
نماید او را از شر آنچه در آن سال واقع شود از بلاها و دعا این است اللهم اني اسألك باسمك الذي
دان له كل شيء وبرحمتك التي وسعت كل شيء وبعزتك التي قهرت بها كل شيء وبعظمتك التي
تواضع لها كل شيء وبقوتك التي خضع لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت كل شيء وبعلمك
الذي احاط بكل شيء يا نور يا قدوس يا اول قبل كل شيء ويا باقيا بعد كل شيء يا الله
يا رحمن صل على محمد وآل محمد واغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي
تنزل النقم واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي تديل الاعداء
واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي يستحق بها نزول البلاء واغفر
لي الذنوب التي تحبس غيث السماء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب
التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم
والبسني درعك الحصينة التي لا ترام وعافني من شر ما احاذر بالليل والنهار في مستقبل
سنتي هذه اللهم رب السموات السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم ورب
السبع المثاني والقرآن العظيم ورب اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب محمد خاتم
النبيين وسيد المرسلين اسألك بك وبما سميت به نفسك يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع
كل محذور وتعطي كل جزيل وتضاعف من الحسنات الكثير بالقليل وتفعل ما تشاء

دعای بعلی بن یقطین

یا اول کل شیء ویا باقی

نزول البلاء

سید المرسلین وخاتم النبیین

الحسنات بالقلیل

یا قدیر یا الله یا رحمن صل علی محمد وآل محمد والبسنی فی مستقبل سنتی هذه سترک واضئ
وجهی بنورک واحببنی بمحبتک وبلغنی رضوانک وشریف کرامتک وجسیم عطیتک
واعطنی من خیر ما عندک ومن خیر ما انت معطیه احدا من خلقک والبسنی مع ذلک عافیتک
یا موضع کل شکوی ویا شاهد کل نجوی ویا عالم کل خفیة ویا دافع ما تشاء من بلیة
یا کریم العفو یا حسن التجاوز توفنی علی ملة ابرهیم وفطرته وعلی دین محمد صلی الله علیه وآله
وسنته وعلی خیر الوفاة فتوفنی موالیا لاولیائک ومعادیا لاعدائک اللهم وجنبنی فی هذه
السنة کل عمل او فعل او قول یباعدنی منک واجلبنی الی کل عمل او فعل او قول یقربنی منک
فی هذه السنة یا ارحم الراحمین وامنعنی من کل عمل او فعل او قول یکون منی اخاف ضرر
عاقبته واخاف مقتک ایای علیه حذارا ان تصرف وجهک الکریم عنی فاستوجب به نقصا
من حظ لی عندک یا رؤوف یا رحیم اللهم اجعلنی فی مستقبل هذه السنة فی حفظک وفی جوارک
وفی کنفک وجللنی عافیتک وهب لی کرامتک عز جارک وجل ثناؤک ولا اله غیرک اللهم
اجعلنی تابعا لصالحی من مضی من اولیائک والحقنی بهم واجعلنی مسلما لمن قال بالصدق علیک
منهم فاعوذ بک یا الهی ان تحیط بی خطیئتی وظلمی واسرافی علی نفسی واتباعی لهوای واشتغالی
بشهواتی فیحول ذلک بینی وبین رحمتک ورضوانک فاکون منسیا عندک متعرضا لسخطک
ونقمتک اللهم وفقنی لکل عمل صالح ترضی به عنی وقربنی الیک زلفی اللهم کما کفیت نبیک
محمدا صلی الله علیه وآله هول عدوه وفرجت همه وکشفت کربه وصدقته وعدک
وانجزت له عهدک اللهم فبذلک فاکفنی هول هذه السنة وآفاتها واسقامها
وفتنتها وشرورها واحزانها وضیق المعاش فیها وبلغنی برحمتک کمال العافیة بتمام
دوام النعم عندی الی منتهی اجلی اسألک سؤال من اساء وظلم واستکان واعترف
واسألک ان تغفر لی ما مضی من الذنوب التی حصرتها حفظتک واحصتها کرام ملائکتک

علی وان تعصمنی الهی من الذنوب فیما بقی من عمری الی منتهی اجلی یا الله یا رحمن یا رحیم
صل علی محمد واهل بیت محمد وآتنی کل ما سألتک ورغبت الیک فیه فانک امرتنی بالدعاء
وتکفلت لی بالاجابة یا ارحم الراحمین **مؤلف گوید** که ممکن است که مراد حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام در شرح این دعا این باشد که این دعا را در ماه مبارک رمضان که اول سال است بخوانند با
این اختصاص بشب اول و روز اول ندارد بلکه در همه اوقات آنماه خوانده میتواند شد و محتمل است که در
هر شب و هر روز آنماه باید خوانده شود لیکن احتمال بعید است والله تعالی یعلم **هفتم** سید ابن طاوس
طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت صادق روایت کرده است که چون ماه رمضان حاضر شود این دعا
بخوان اللهم قد حضر شهر رمضان وقد افترضت علینا صیامه وانزلت فیه القرآن هدی
للناس وبینات من الهدی والفرقان اللهم فصل علی محمد وآله واعنا علی صیامه و
تقبله منا وسلمنا فیه وتسلمه منا فی یسر منک وعافیة انک علی کل شیء قدیر یا ارحم الراحمین
مؤلف گوید که این دعا را سید از دعاهای شب اول آنماه نقل نموده و ظاهر لفظ روایت است که از ادعیه
دخول باشد والله یعلم **هشتم** سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود که در نزد حضور ماه مبارک رمضان این دعا
بخوانید اللهم هذا شهر رمضان المبارک الذی انزلت فیه القرآن وجعلته هدی
للناس وبینات من الهدی والفرقان قد حضر فسلمنا فیه وسلمه لنا وتسلمه منا فی یسر
منک وعافیة واسألک اللهم ان تغفر لی فی شهری هذا وترحمنی فیه وتعتق رقبتی
من النار وتعطینی فیه خیر ما اعطیت احدا من خلقک وخیر ما انت معطیه ولا تجعله
آخر شهر رمضان صمته لک منذ اسکنتنی ارضک الی یومی هذا اجعله علی اتمه نعمة
واعمه عافیة واوسعه رزقا واجزله واهنأه اللهم انی اعوذ بک وبوجهک الکریم
وملکک العظیم ان تغرب الشمس من یومی هذا او ینقضی بقیة هذا الیوم او یطلع الفجر
من لیلتی هذه او یخرج هذا الشهر ولک قبلی معه تبعة او ذنب او خطیئة ترید
ان تقایسنی بذلک او تؤاخذنی به او توقفنی به موقف خزی فی الدنیا والآخرة
او تعذبنی به یوم القاک یا ارحم الراحمین اللهم انی ادعوک لهم لا یفرجه

غيرك ورحمة لا تنال الا بك وكرب لا يكشفه الا انت ورغبة لا تبلغ الا بك وحاجة
لا تقضى دونك اللهم فكما كان من شانك ما اردتني به من مسالتك ورحمتني به من ذكرك
فليكن من شانك سيدي الاجابة لي فيما دعوتك والنجاة لي فيما قد فزعت اليك منه اللهم
صل على محمد وال محمد وافتح لي من خزائن رحمتك رحمة لا تعذبني بعدها ابدا في الدنيا والاخرة
وارزقني من فضلك الواسع رزقا واسعا حلالا طيبا لا تفقرني بعده الى احد سواك ابدا
تزيدني بذلك لك شكرا واليك فاقة وفقرا وبك عمن سواك غنى وتعففا اللهم اني
اعوذ بك ان يكون جزاء احسانك الاساءة مني اللهم اني اعوذ بك ان اصلح عملي
فيما بيني وبين الناس وافسده فيما بيني وبينك اللهم اني اعوذ بك ان تحول سريرتي
بيني وبينك ان تكون مخالفة لطاعتك اللهم اني اعوذ بك ان يكون شيء من الاشياء
آثر عندي من طاعتك اللهم اني اعوذ بك ان اعمل من طاعتك قليلا او كثيرا
واريد به احدا غيرك او اعمل عملا يخالطه رياء اللهم اني اعوذ بك من هوى يردي
من يركبه اللهم اني اعوذ بك ان اجعل شيئا من شكري فيما انعمت به علي لغيرك
اطلب به رضا خلقك اللهم اني اعوذ بك ان اتعدى حدا من حدودك ازين
بذلك للناس واركن به الى الدنيا اللهم اني اعوذ بعفوك من عقوبتك واعوذ برضاك
من سخطك واعوذ بطاعتك من معصيتك واعوذ بك منك جل ثناء وجهك لا
احصي الثناء عليك ولو حرصت وانت كما اثنيت على نفسك سبحانك وبحمدك اللهم
اني استغفرك واتوب اليك من مظالم كثيرة لعبادك عندي فايما عبد من عبادك او
امة من امائك كانت له قبلي مظلمة ظلمته اياها في ماله او بدنه او عرضه لا استطيع
اداء ذلك اليه ولا تحللها منه فصل على محمد وال محمد وارضه انت عني بما شئت
وكيف شئت وهبها لي وما تصنع يا سيدي بعذابي وقد وسعت رحمتك كل شيء

وما عليك يا رب ان تكرمني برحمتك ولا تهينني بعذابك ولا ينقصك يا رب ان تفعل
بي ما سالتك فانت واجد لكل شيء لك اللهم اني استغفرك واتوب اليك من كل ذنب
تبت اليك منه ثم عدت فيه ومما ضيعت من فرائضك واداء حقك من الصلوة والزكوة
والصيام والجهاد والحج والعمرة واسباغ الوضوء والغسل من الجنابة وقيام الليل وكثرة
الذكر وكفارة اليمين والاسترجاع في المعصية والصدود من كل شيء قصرت فيه من فريضة
او سنة فاني استغفرك واتوب اليك منه ومما ركبت من الكبائر واتيت من المعاصي و
عملت من الذنوب واجترحت من السيئات واصبت من الشهوات وباشرت من الخطايا
مما عملته من ذلك عمدا او خطا سرا او علانية فاني اتوب اليك منه ومن سفك الدم وعقوق
الوالدين وقطيعة الرحم والفرار من الزحف وقذف المحصنات واكل اموال اليتامى ظلما
وشهادة الزور وكتمان الشهادة وان اشتري بعهدك في نفسي ثمنا قليلا واكل الربا
والغلول والسحت والسحر والكهانة والطيرة والشرك والرياء والسرقة وشرب الخمر
ونقص المكيال وبخس الميزان والشقاق والنفاق ونقض العهد والفرية والخيانة
والغدر واخفار الذمة والحلف والغيبة والنميمة والبهتان والهمز واللمز والتنابز
بالالقاب واذى الجار ودخول بيت بغير اذن والفخر والكبر والاشراك والاصرار و
الاستكبار والمشي في الارض مرحا والجور في الحكم والاعتداء في الغضب وركوب
الحمية وتعضد الظالم وعون على الاثم والعدوان وقلة العدد في الاهل والمال والولد
وركوب الظن واتباع الهوى والعمل بالشهوة والامر بالمعروف والنهي عن المنكر وفساد
في الارض وجحود الحق والادلاء الى الحكام بغير حق والمكر والخديعة والبخل وقول
فيما لا اعلم واكل الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل لغير الله به والحسد والبغي
والدعاء الى الفاحشة والتمني بما فضل الله والاعجاب بالنفس والمن بالعطية

الظن
بالمنكر
المعروف

الفرقان

والارتكاب الى الظلم وجحود القرآن وقهر اليتيم وانتهار السائل والحنث في الايمان
وكل يمين كاذبة فاجرة وظلم احد من خلقك في اموالهم واشعارهم وابشارهم واعراضهم
وما رآه بصري وسمعه سمعي ونطق به لساني وبسطت اليه يدي ونقلت اليه قدمي
وباشره جلدي وحدثت به نفسي مما هو لك معصية وكل يمين زور ومن كل فاحشة
وذنب وخطيئة عملتها في سواد الليل وبياض النهار في ملأ او خلاء مما علمته او لم
اعلمه ذكرته او لم اذكره سمعته او لم اسمعه عصيتك فيه ربي طرفة عين وفيما
سواها من حل او حرام تعديت فيه او قصرت عنه منذ يوم خلقتني الى يوم جلست مجلسي
هذا فاني اتوب اليك منه وانت يا كريم تواب رحيم اللهم يا ذا المن والفضل والمحامد
التي لا تحصى صل على محمد وآل محمد واقبل توبتي ولا تردها لكثرة ذنوبي وما اسرفت
على نفسي حتى ارجع في ذنب تبت اليك منه فاجعلها يا عزيز توبة نصوحا صادقة مبرورة
لديك مقبولة مرفوعة عندك في خزائنك التي ذخرتها لاوليائك حين قبلتها
منهم ورضيت بها عنهم اللهم ان هذه النفس نفس عبدك واسألك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تحصنها من الذنوب وتمنعها من الخطايا وتحرزها من السيئات
وتجعلها في حصن حصين منيع لا يصل اليها ذنب ولا خطيئة ولا يفسدها
عيب ولا معصية حتى القاك يوم القيامة وانت عني راض وانا مسرور تغبطني ملائكتك
وانبياؤك ورسلك وجميع خلقك وقد قبلتني وجعلتني تائبا طاهرا زاكيا عندك
من الصادقين اللهم اني اعترف لك بذنوبي فصل على محمد وآله واجعلها ذنوبا
لا تغفرها لاحد من خلقك يا غفار الذنوب يا ارحم الراحمين سبحانك اللهم
وبحمدك عملت سوءا وظلمت نفسي فصل على محمد وآل محمد واغفر لي انك انت
الغفور الرحيم اللهم ان كان من عطائك ومنك وفضلك وفي علمك وقضائك ان

ترزقني التوبة فصل على محمد وآله واعصمني بقية عمري واحسن معونتي في الجد والاجتهاد
والمسارعة الى ما تحب وترضى والنشاط والفرح والصحة حتى ابلغ في عبادتك وطاعتك
التي يحق لك على رضاك وان ترزقني برحمتك ما اقيم به حدود دينك وحتى اعمل في
ذلك بسنن نبيك صلواتك عليه وآله وافعل ذلك بجميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق
الارض ومغاربها اللهم انك تشكر اليسير وتغفر الكثير وانت الغفور الرحيم

[illegible]

سه مرتبه میگوید اللهم انك تشكر [illegible] وانت الغفور الرحيم پس میگوید
اللهم اقسم لي كل ما تطفئ به عني نائرة كل جاهل وتخمد عني شعلة كل قائل واعطني
هدى من كل ضلالة وغنى من كل فقر وقوة من كل ضعف وعزا من كل ذل ورفعة
من كل ضعة وامنا من كل خوف وعافية من كل بلاء اللهم ارزقني عملا يفتح لي باب
كل يقين ويقينا يسد عني باب كل شبهة ودعاء تبسط به الاجابة وخوفا
تيسر لي به كل رحمة وعصمة تحول بيني وبين الذنوب برحمتك يا ارحم الراحمين
پس تضرع و زاری بکنی و بعد کار خود را و میگوید يا من نهاني عن المعصية فعصيته فلم يهتك ستري
عند معصيته يا من ابتلاني عافيته فعصيته ولم يبتلني عند ذلك عافيته يا من اكرمني
واسبغ علي نعمه فعصيته فلم يزل عني نعمته يا من نصح لي فتركت نصيحته فلم يبتدئني
عند ترك نصيحته يا من اوصاني بوصايا كثيرة لا احصي اشفاقا منه علي ورحمة منه
لي فتركت وصيته يا من كتم سيئتي واظهر محاسني حتى كاني لم ازل اعمل بطاعته
يا من اوصيت عباده بخطر فلم يكلني اليهم ورزقني من سعته يا من دعاني الى الجنة
فاخترت النار فلم يمنعه ذلك ان فتح لي باب توبته يا من اقالني عظيم العثرات
وامرني بالدعاء وضمن لي اجابته يا من اعصيه فيستر علي ويغضب لي ان عير
بمعصيته يا من نهى خلقه عن انتهاك محارمي وانا مقيم على انتهاك محارمه يا من اغضبته

ما اعطاني في معصيته فلم يحبس عني عطيته يا من قوّيت على المعاصي بكفايته فلم يخذلني ولم يخرجني
من كفايته يا من بارزته بالخطايا فلم يمثّل بي عند جرأتي على مبارزته يا من أمهلني حتى
استغنيت من لذاتي ثم وعدني على تركها مغفرته يا من ادعوه وانا على معصيته فيجيبني
ويقضي حاجاتي بقدرته يا من عصيته بالليل والنهار وقد وكّل بالاستغفار لي ملائكته
يا من عصيته في الشباب والشيب وهو يتأنّى ويفتح لي ابواب رحمته يا من ستر الكبير من عملي
ونبّئني الكثير من كرامته يا من خلّصني بقدرته وحباني بلطفه يا من استدرجني حتى جانبت
محبته يا من فرض الكثير لي من اجابته على طول الاساءة بي وتضييعي فريضته يغفر ظلمنا وجرأتنا
وهو لا يجور علينا في قضيته يا من تبطأ لم فلا يؤاخذ بعلمه ويمهل حتى يحضر
المظلوم بيّنته يا من نزلت به عبده وهو خلقه فلا يتعاظمه ان يغفر لجرأته يا من منّ
عليّ بتوحيده واحصى عليّ الذنوب وارجو ان يغفرها لي بمشيته يا من اعذر وانذر ثم
عدت بعد الاعذار والانذار في معصيته فلم يغلق عني باب توبته يا ويلي ما اقل حيائي
ويا سبحان هذا الرب ما اعظم هيبته ويا ويلي ما اقطع لساني عند الاعذار وما عند ربي وقد
ظهرت عليّ حجته ها انا ذا بائع بجرمي مقر بذنبي لربي ليرحمني ويتغمدني بمغفرته يا من الارضون
والسموات جميعا في قبضته يا من تخفقت عقوبته ها انا ذا مقر بذنبي يا من وسع كل شيء برحمته
ها انا ذا عبدك الحقير الخاطئ اغفر له خطيئته يا من يجيرني في محياي ومماتي يا من هو عدتي
لظلمة القبر ووحشته يا من هو ثقتي ورجائي وعدتي لعذاب القبر وضغطته يا من هو غياثي
ومفزعي وعدتي للحساب ودقته يا من عظم عفوه وكرم صفحه واشتدت نقمته الهي
لا تخذلني يوم القيمة فانك عدتي للميزان وخفته ها انا ذا بائع بجرمي مقر بذنبي معترف بخطيئتي
الهي وخالقي ومولاي صل على محمد وال محمد واختم لي بالشهادة والرحمة اللهم اني اسالك
بكل اسم هو لك يحق عليك فيه اجابة الدعاء اذا دعيت به واسالك بحق كل ذي حق

عليك وبحقك على جميع من دونك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك وال محمد عبيدك النجباء
الميامين ومن ارادني فخذ بسمعه وبصره ومن بين يديه ومن خلفه وامنعه عني بحولك
وقوتك انك على كل شيء قدير اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام
واهله وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك
وترزقنا بها كرامة الدنيا والاخرة برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انا نشكو اليك غيبة
نبينا عنا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا فصل على محمد
وال محمد واعنا على ذلك يا رب بفتح منك تعجله ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة
منك تجللناها وعافيتك فالبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني لم اعمل الحسنة
حتى اعطيتنيها ولم اعمل السيئة الا بعد ان زينها لي الشيطان الرجيم اللهم فصل على محمد وال محمد
وعد علي بعطائك وداو دائي بدوائك فان دائي الذنوب القبيحة ودواؤك وعد عفوك و
حلاوة رحمتك اللهم لا تهتك ستري ولا تبد عورتي وامن روعتي واقلني عثرتي ونفس
كربتي واقض عني ديني واماناتي واخز عدوك وعدو ال محمد وعدوي وعدو المؤمنين من الجن
والانس في مشارق الارض ومغاربها اللهم حاجتي حاجتي حاجتي التي ان اعطيتنيها لم يضرني
ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني وهي فكاك رقبتي من النار فصل على محمد
وال محمد وارض عني وارض عني وارض عني وفقره وارض عني وامكر بسكوتي يا نفس منقطع
سود ثم يسكت اللهم اياك تعمدت بحاجتي وبك انزلت مسكنتي فلتسعني رحمتك يا
وهاب الجنة يا وهاب المغفرة لا حول ولا قوة الا بك اين اطلبك يا موجود في كل
مكان في الفيافي مرة وفي القفار اخرى لعلك تسمع مني النداء فقد عظم جرمي
وقل حيائي مع تقلقل قلبي وبعد مطلبي وكثرة اهوالي رب اي اهوالي اتذكر
وايها انسى فلو لم يكن الا الموت لكفى فكيف وما بعد الموت اعظم وادهى يا نقلي ودماري

سيدي ان لم تغثني واي شقي اشقى مني ان لم ترحمني فنعم الرب انت يا سيدي ونعم
المولى وبئس العبد انا يا سيدي وجدتني اي رباه ها انا ذا بين يديك معترف بذنوبي
مقر بالاساءة والظلم على نفسي من انا يا رب فتقصد لعذابي ام من يدخل في مسالتك
ان انت رحمتني اللهم اني اسالك من الدنيا ما اسد به لساني واحصن به فرجي واؤدي
به عن امانتي واصل به رحمي واتجر به لاخرتي ويكون لي عونا على الحج والعمرة فانه
لا حول ولا قوة الا بك وعزتك يا كريم ولا الحن عليك ولا اطلبن اليك ولا انقض عن
اليك ولا انبطنها اليك مع ما اقترفنا من الاثام يا سيدي فبمن اعوذ وبمن الوذ كل من
اتيته في حاجة وسالته فائدة فاليك يرشدني وعليك يدلني وفيما عندك يرغبني
فاسالك بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن
محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة
القائم بالحق صلواتك يا رب عليهم اجمعين وبالشان الذي لهم عندك فان لهم عندك
شانا من الشان ان تصلي على محمد وال محمد وان تفعل بي كذا وكذا وحاجتي كذا وكذا
حوائج دنيا واخرت خود را سؤال كن كه براورده ميشود انشاء الله تعالى پس بگو اللهم ربنا
ورب كل شيء منزل التورية والانجيل والزبور والفرقان العظيم فالق الحب والنوى
اعوذ بك من شر كل دابة انت اخذ بناصيتها انت الاول فليس قبلك شيء وانت
الاخر فليس بعدك شيء وانت الظاهر فليس فوقك شيء وانت الباطن فليس دونك
شيء فصل على محمد واله واقض عني الدين واغنني من الفقر يا خير من عبد ويا اشكر
من حمد ويا احلم من قهر ويا اكرم من قدر ويا اسمع من نودي ويا اقرب من نوجي ويا امن
من استجير ويا ارءف من استغيث ويا اكرم من سئل ويا اجود من اعطى ويا ارحم من
استرحم صل على محمد وال محمد وارحم [illegible] وامنن علي بالجنة طولا منك وفك

وسوء سعيي وقلة نظري لنفسي حتى متى والى متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد عندي
صدقا ولا وفاء اسالك بحق الذي كنت له انيسا في الظلمات وبحق الذين لم يرضوا ايصال
النهار بمكابدة الليل حتى مضوا على الاسنة فدما تخضبوا اللحاء بالدماء ورملوا الوجوه
بالثرى الا عفوت عمن ظلم واساء يا غوثاه بالله يا رباه اعوذ بك من هوى قد غلبني
ومن عدو قد استكلب علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم
ربي فان كنت سيدي قد رحمت مثلي فارحمني وان كنت سيدي قد قبلت مثلي فاقبلني
يا من قبل السحرة اقبلني يا من يغذيني بالنعم صباحا ومساء قد تراني فريدا وحيدا
شاخصا بصري مقلدا عملي قد تبرء جميع الخلق مني نعم وابي وامي ومن كان له كدي
وسعيي الهي فمن يقبلني ويسمع ندائي ومن يونس وحشتي ومن ينطق لساني اذا غيبت
في الثرى وحدي ثم سالتني عما انت اعلم به مني فان قلت نعم فعلت فاين المهرب من
عدلك وان قلت لم افعل قلت الم اكن اشاهدك واراك يا الله يا كريم العفو من لي
غيرك ان سالت غيرك لم يعطني وان دعوت غيرك لم يجبني رضاك يا رب قبل ان انادي
فلا اجاب النداء يا احق من تجاوز وعفى وعزتك لا اقطع منك الرجاء وان عظم
جرمي وقل حيائي فقد لزق بالقلب داء ليس له دواء يا من لم يلذ اللائذون
بمثله يا من لم يتعرض المتعرضون لاكرم منه ويا من لم يشد الرحال الى مثله صل على محمد
وال محمد واشغل قلبي بعظيم شانك وارسل محبتك اليه حتى القاك واوداجي
تشخب دما يا واحد يا اجود المنعمين المتكبر المتعال صل على محمد وال محمد وافكك
رقبتي من النار برحمتك يا ارحم الراحمين الهي فكل شكري سيدي فلم تحرمني
عظمت خطيئتي سيدي فلم تفضحني ورايتني على المعاصي سيدي فلم تمنعني ولم
تهتك ستري وامرتني سيدي بالطاعة فضيعت ما به امرتني فاي فقير افقر مني

سيدي

رقبتي من النار تفضلا اللهم اني اطعتك في احب الاشياء اليك وهو التوحيد ولم
اعصك في اكره الاشياء اليك وهو الشرك فصل على محمد وال محمد واكفني امر عدوي
اللهم ان لك عدوا لا يألوني خبالا بصيرا بعيوبي حريصا على غوايتي يراني هو وقبيله
من حيث لا اراهم اللهم فصل على محمد وال محمد واعذني من شر شياطين الجن والانس
انفسنا واموالنا واهالينا واولادنا وما اغلقت عليه ابوابنا وما احاطت به عوراتنا
اللهم وحرمني عليه كما حرمت عليه الجنة وباعد بيني وبينه كما باعدت بين السماء والارض
وابعد من ذلك اللهم اني اعوذ بك من الشيطان الرجيم ومن رجله ونصبه وهمزه
ولمزه ونفخه وكيده ومكره وسحره ونزغه وفتنته وغوائله اللهم اني اعوذ بك
منهم في الدنيا والاخرة وفي المحيا والممات باسمي نفسه بالاسم الذي قضى ان حاجة
من يدعو به مقضية اسألك به اذ لا شفيع لي عندك اوثق منه ان تصلي على محمد وال
محمد وان تفعل بي كذا وكذا وبحاجتي كذا وكذا حاجات خود را سؤال كن كه براورده ميشود ان شاء الله
تعالى ديگر اللهم ان ادخلتني الجنة فانت محمود يا من هو محمود في كل خصاله صل على
محمد وال محمد وافعل بي ما انت اهله وانت محمود الهي اتراك معذبي وقد عفرت لك
في التراب خدي اتراك معذبي وحبك في قلبي اما انك ان فعلت ذلك بي جمعت
بيني وبين قوم طال ما عاديتهم فيك اللهم اني اسألك بكل اسم هو لك يحق عليك
فيه الاجابة للدعاء اذا دعيت به واسألك بحق كل ذي حق عليك وبحقك على جميع
من هو دونك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك واله الطاهرين ومن ارادني او اراد
احدا من اخواني بسوء فخذ بسمعه وبصره ومن بين يديه ومن خلفه وامنعه منه
بحولك وقوتك اللهم ما غاب عني من امري او حضرني ولم ينطق به لساني ولم
تبلغه مسألتي انت اعلم به مني فصل على محمد وال محمد واصلحه لي وسهله

يارب

يا رب العالمين ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما حملته
على الذين من قبلنا ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا
ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين
ماذا عليك يا رب لو ارضيت عني كل من له قبلي تبعة وادخلتني الجنة برحمتك وغفرت
لي ذنوبي فان مغفرتك للخاطئين وانا منهم فاغفر لي خطاياي يا رب العالمين اللهم
تحلم عن المذنبين وتعفو عن الخاطئين وانا عبدك الخاطئ المذنب الحقير الشقي الذي
قد اقرفتني ذنوبي واوبقتني خطاياي ولم اجد لها سادا ولا غافرا غيرك يا ذا الجلال
والاكرام الهي استعبدتني الدنيا واستخدمتني فصرت حيران بين اطباقها فيا من احصى
القليل فشكره وتجاوز عن الكثير فغفره بعد ان ستره ضاعف لي القليل في طاعتك
وتقبله وتجاوز عن الكثير في معصيتك فاغفره فانه لا يغفر العظيم الا العظيم يا
ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد واعني على صلوة الليل وصيام النهار
وارزقني من الورع ما يحجزني عن معاصيك واجعل عبادتي تلك ايام حيوتي واستعملني
ايام عمري بعمل ترضى به عني وزودني من الدنيا التقوى واجعل لي في لقائك
خلفا من جميع الدنيا واجعل ما بقي من عمري ردا لما مضى من اجلي ايقنت انك
انت ارحم الراحمين في موضع العفو والرحمة واشد المعاقبين في موضع النكال والنقمة مواضع
واعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة فاسمع يا سميع مدحتي واجب يا رحيم
دعوتي واقل يا غفور عثرتي فكم يا الهي من كربة قد فرجتها وغمة قد كشفتها وعثرة
قد اقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء قد فككتها الحمد لله الذي هدانا
لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا فاشهد لي
باني اشهد انك انت الله لا اله الا انت ربي وان محمدا رسولك نبيي وان الدين الذي

شرعت لي ديني وان الكتاب الذي انزلت عليه كتابي وان علي بن ابي طالب امامي وان الائمة
من آل محمد صلواتك عليهم اجمعين ائمتي اللهم اني احمدك وكفى بك شهيدا فاشهد لي
بانك انت الله المنعم علي لا غيرك لك الحمد بنعمتك تتم الصالحات لا اله الا الله والله
اكبر وسبحان الله وبحمده وتبارك الله وتعالى ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
ولا ملجا ولا منجا من الله الا اليه عدد الشفع والوتر وعدد كلمات ربي الطيبات
المباركات صدق الله وبلغ المرسلون ونحن على ذلك من الشاهدين اللهم صل
على محمد وآل محمد واجعل النور في بصري والنصيحة في صدري وذكرك بالليل
والنهار على لساني ومن طيب رزقك الحلال غير ممنون ولا محظور فارزقني اللهم
اني اسالك خير المعيشة معيشة اقوى بها على جميع حاجاتي واتوصل بها في الحيوة
الى آخرتي من غير ان تترفني فيها فاطغى واوسع علي من حلال رزقك وافض علي
من سيب فضلك نعمة منك سابغة وعطاء غير ممنون ولا تشغلني عنها عن شكر نعمتك علي
باكثار منها فتلهيني عجائب بهجتها وتفتنني زهرات زينتها ولا باقلال منها فيقصر بعملي
كده ويملا صدري همه بل اعطني من ذلك غنى من شرار خلقك وبلاغا انال به
رضوانك يا ارحم الراحمين اللهم اني اعوذ بك من شر الدنيا وشر اهلها وشر ما
فيها ولا تجعل الدنيا علي سجنا ولا تجعل فراقها لي حزنا اخرجني من فتنتها واجعل
عملي فيها مقبولا وسعيي فيها مشكورا حتى اصل بذلك الى دار الحيوان ومساكن الاخيار
اللهم واني اعوذ بك من ازلها وزلزالها وسطوات سلطانها ومن شر شياطينها
وبغي من بغى علي فيها فصل على محمد وآله واعصمني بالسكينة والبسني درعك
الحصينة واجنني في سترك الواقي واصلح لي وبارك لي في اهلي وولدي وما خولتني
اللهم صل على محمد وآل محمد وطهر قلبي وجسدي وزك عملي وتقبل سعيي واجعل

ما عندك خير لي سيدي انا من حبك جائع لا اشبع انا من حبك ظمآن لا اروى واشوقاه
الى من يراني ولا اراه يا حبيب من تحبب اليه يا قرة عين من لاذ به وانقطع اليه قد
ترى وحدتي من الآدميين ووحشتي فصل على محمد وآله واغفر لي وآنس وحشتي
وارحم وحدتي وغربتي اللهم انك عالم بحوائجي غير معلم واسع لها غير متكلف
فصل على محمد وآله وافعل بي ما انت اعلم به مني من امر دنياي وآخرتي اللهم عظم الذنب
من عبدك فليحسن العفو من عندك يا اهل التقوى واهل المغفرة اللهم ان عفوك عن
ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كبير
جرمي عند ما كان من خطائي وعمدي اطمعني في ان اسالك ما لا استوجبه منك الذي
رزقتني من رحمتك واريتني من قدرتك وعرفتني من اجابتك فصرت ادعوك آمنا
واسالك مستانسا لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك فيما قصدت فيه اليك فان ابطا
عني عتبت عليك بجهلي ولعل الذي ابطا عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور
فلم ار مولى كريما اصبر على عبد لئيم منك علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك وتتحبب الي
فاتبغض اليك وتتودد الي فلا اقبل منك كان لي التطول عليك ولم يمنعك ذلك
من الرحمة لي والاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك فصل على محمد وآله
وارحم عبدك الجاهل وعد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم يا جواد يا كريم
بعد ازان بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله بسم الله بسم عالم الغيب بسم من ليس في وحدانيته
شك ولا ريب بسم من لا فوت عليه ولا رغبة الا اليه بسم المعلوم غير المحدود والمعروف فوت
غير الموصوف بسم من امات واحيى بسم من له الآخرة والاولى بسم العزيز الاعز بسم
الجليل الاجل بسم المحمود غير المحدود المثني له على السراء والضراء بسم المذكور ظهائه
في الشدة والرخاء بسم المهيمن الجبار بسم الحنان المنان بسم العزيز من غير تعزز

التهجّد

وَالقَدَرِ مِن غَيرِ تَقَادُمٍ بَينَهُم مَن لَم يَزَلْ وَلَا يَزُولُ بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الحَيُّ القَيُّومُ الَّذِي
لَا تَأخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَومٌ **بعد از آن بگو** اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَصْلِحْنِي قَبلَ المَوتِ وَارْحَمْنِي عِندَ
المَوتِ وَاغْفِرْ لِي بَعدَ المَوتِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْطُطْ عَنَّا اَوزَارَنَا بِالرَّحْمَةِ وَارْجِعْ
بِنَا اِلَى التَّوبَةِ اللّهُمَّ اِنَّ ذُنُوبِي قَد كَثُرَتْ وَجَلَّتْ عَنِ الصِّفَةِ وَاِنَّهَا صَغِيرَةٌ فِي جَنْبِ عَفْوِكَ
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْفُ عَنِّي اللّهُمَّ اِنْ كُنْتَ ابْتَلَيْتَنِي فَصَبِّرْنِي وَالعَافِيَةُ اَحَبُّ اِلَيَّ اللّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَسِّنْ ظَنِّي بِكَ وَحَقِّقْهُ وَكَثِّرْ فِعْلِي وَاَعْطِنِي مِن عَفْوِكَ بِمِقدَارِ اَمَلِي وَلَا تُجَازِنِي
بِسُوءِ عَمَلِي فَتُهْلِكَنِي فَاِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَن مُجَازَاتِ مَن اَذنَبَ وَقَصَّرَ وَعَانَدَ وَاَتَاكَ عَائِذاً
بِفَضْلِكَ هَارِباً مِنكَ اِلَيكَ مُستَجِيراً بِمَا وَعَدتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّن اَحسَنَ بِكَ ظَنّاً اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي وَالجِلْدُ بَارِدٌ وَالنَّفَسُ دَارَّةٌ وَاللِّسَانُ مُنطَلِقٌ وَالصُّحُفُ مُنتَشِرَةٌ وَالاَقلَامُ
جَارِيَةٌ وَالتَّوبَةُ مَقبُولَةٌ وَالتَّضَرُّعُ مَرجُوٌّ قَبلَ اَن لَا اَقدِرَ عَلَى اسْتِغفَارِكَ حِينَ يَفنَى الاَجَلُ
وَيَنقَطِعُ العَمَلُ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَوَلَّنَا وَلَا تُوَلِّنَا غَيرَكَ اَستَغفِرُ اللهَ اسْتِغفَاراً
لَا يَبِيدُ عَدَدُهُ وَلَا يَنقَطِعُ اَمَدُهُ اِلَّا اللهُ المُستَغفَرُ بِهِ وَلَا يَبْدِي مَا وَرَائَهُ وَلَا وَرَاءَ
مَا وَرَائَهُ وَلَم يَأتِ بِهِ اَحَدٌ سِوَاهُ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اللّهُمَّ اِنِّي اَستَغفِرُكَ لِمَا وَعَدتُكَ
مِن نَفسِي ثُمَّ اَخلَفتُكَ وَاَستَغفِرُكَ لِمَا تُبتُ اِلَيكَ مِنهُ ثُمَّ عُدتُ فِيهِ وَاَستَغفِرُكَ لِكُلِّ خَيرٍ
اَرَدتُ بِهِ وَجهَكَ ثُمَّ خَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيسَ لَكَ وَاَستَغفِرُكَ لِكُلِّ نِعمَةٍ اَنعَمتَ بِهَا عَلَيَّ ثُمَّ قَوِيتُ
بِهَا عَلَى مَعصِيَتِكَ **مؤلف گوید** که این دعا را سید ازابی محمد هرون بن موسی تلعکبری رحمه الله تعالی
نقل نموده است و ظاهر آنست که از کتاب او نقل نموده باشد و این مجموع یک دعا
نباشد بلکه چند دعا و روایت مختلفه باشد و تلعکبری همه را نقل نموده مجموع را متصل بیکدیگر
نقل نموده باشد و ذکر سید در این مقام گفته که این دعا را اگر در روز اول بخوانی بجوی که در دعا
مذکورست بخوان و اگر در شب اول بخوانی بجای لفظ یومی هذا لیلتی هذه بخوانی پس سید
گفته که آنچه در خاطر من ترجیح یافته آنست که این دعا در روز باید خوانده شود و سبب این ترجیح
ظاهر اعدم احتیاج بلفظ دعا بتغییرات بنا بر این تقدیر و اگر در روز و شب هر دو خوانده شود
اولی است و باید دانست که در این شب و در روز دعاهای هر شبه و هر روزه و دعاهای مخصوصه

شب اول و روز اول را که بعد از این در ابواب آینده مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی با دعای جوشن کبیر
وصغیر که سابق برین مذکور شد نیز باید خوانده شود والله الموفق **باب سیزدهم**
در بیان اعمال هر شبه ماه است و در آن چند مقصد است **مقصد اول** در بیان نمازهای هر شبه
و در روایات و اخبار نیز مذکورست چند نمازست **اول** مشهور میان علمای شیعه رضوان الله
علیهم آنست که در ماه مبارک رمضان هزار رکعت نافله سنت است و احادیث متعدده بلکه مستفیضه
نیز بران دلالت میکند و اکثر آن روایت را شیخ طوسی علیه الرحمه در کتاب تهذیب ذکر نموده و ما
بجهت خوف اطناب ایراد ننمودیم ولیکن سند اکثر آن روایات ضعیف است و از بعضی اخبار دیگر خلاف
نیز ظاهر میشود چنانچه شیخ طوسی قدس الله روحه بسند صحیح از حلبی روایت نموده است که از حضرت
صادق صلوات الله علیه سؤال نمود از نافله ماه رمضان حضرت فرمود که سیزده رکعت
یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح و رسول خدا صلی الله علیه وآله چنین میکرد و من نیز
چنین میکنم و اگر غیر این نیکو بود و فضیلتی میداشت رسول خدا صلی الله علیه وآله او را ترک نمیفرمود
و بروایت صحیح دیگر نیز همین مضمون را از آنحضرت روایت نموده و این تتمه را در آخر آن مذکور است که اگر
فضیلتی میداشت رسول خدا صلی الله علیه وآله زیاده از سیزده رکعت نماز نافله میگذارد و بکردن آن
لایق تر و سزاوارتر بود و شیخ این دو روایت را حمل برین نموده که مراد اینست که آنحضرت این نافله را
بجماعت ادا نکرد و من نیز بجماعت ادا نمیکنم و مقصود رد بر اهل سنت است که این نافله را بجماعت میکنند
و علامه طاب ثراه گفته که مراد این است که نافله راتبه در این ماه زیاده نمی باشد و اگر زیاده میبود
آنحضرت بکردن آن اولی بود پس منافات ندارد که نافله غیر راتبه در این ماه زیاده از سایر اوقات
باشد و این هر دو وجه خالی از بعدی نیست ولیکن چون روایات دالّه بر آن زیاده از حد عدد
واحصا است طرح همه آنها جرأت و در نهایت اشکال است بنا بر این اقوی استحباب آنست و چون
این دو روایت بر خلاف آن ظاهر الدلالت وارد و بعضی از علما نیز بعدم شرعیت آن قایل
شده اند احوط آنست که این نماز را بنیت قربت بر تنهایی واقع سازد که اگر نافله در خصوص
این ماه سنت باشد آن محسوب شود و الا نافله مطلقا محسوب خواهد شد زیرا که نماز نافله
مطلقا مطلوب شارع افتاده و لهذا در حدیث وارد شده است که نماز خیر موضوعات
هر که خواهد کمتر بجا آورد و هر که خواهد بیشتر بکند و بنا بر این معتقد بر این نماز مترتب نمیشود
و دغدغه بدعت اصلا ندارد و نزاع بین الفریقین باین معنی مرتفع میکردد والله تعالی یعلم

وکیفیت تقسیم این نماز بر شبهای ماه موافق مشهور میان علما و مطابق اکثر روایات و اخبار آنست که هر شب
از ابتدای ماه بیست رکعت نماز بکنند هشت رکعت بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت بعد از نماز عشا
یا بر عکس بنا بر بعضی از روایات و در ده شب عشر آخر هر شب ده رکعت اضافه نمایند که سی رکعت شود
هشت رکعت بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت بعد از نماز عشا موافق اکثر روایات یا بر عکس
موافق بعضی از روایات و در هر یک از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت اضافه
نمایند که در شب نوزدهم صد و بیست رکعت و در هر یک از بیست و یکم و بیست و سیم صد و سی رکعت
بکنند تا هزار رکعت تمام شود و از روایت مفضل بن عمر ظاهر میشود که در این سه شب قدر زاید
بر صد رکعت را که آن بیست رکعت شب نوزدهم و شصت رکعت شب بیست و یکم و بیست و سیم است
که مجموع هشتاد رکعت بوده باشد توزیع و تقسیم نمایند بر جمعهای ماه باین طریق که در هر
جمعه ده رکعت نماز بکنند چهار رکعت بطریق نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و دو رکعت
بطریق نماز فاطمه صلوات الله علیها و چهار رکعت بطریق نماز جعفر طیار علیه السلام و در شب جمعه
که در عشر آخر ماه اتفاق افتد بیست رکعت بطریق نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
و بیست رکعت دیگر که میماند در عشیه همین جمعه که شب شنبه بوده باشد بعنوان نماز حضرت فاطمه
صلوات الله علیها بکنند و در این مقام تنبیه بر چند امر ضرور و لازم است اول آنکه متابعت ظاهر
لفظ این روایت مقتضی آنست که اگر در عشر آخر دو جمعه اتفاق افتد مخیر است در میان این دو جمعه
هر یک را که اختیار نماید در شب آن و عشیه آن این چهل رکعت را بکند و شیخ جلیل نبیل شیخ زین الدین
علیه الرحمه مضمون این روایت را نقل نموده و در نقل او چنین است که این چهل رکعت را در شب جمعه
آخر ماه و عشیه آن بکند و این اشتباه است بلکه در روایت چنانچه در کتاب تهذیب مذکور است
شب جمعه عشر آخر و عشیه آن وارد شده است و بنا بر این اگر دو جمعه اتفاق افتد میان این دو جمعه
مخیر خواهد بود چنانچه دانستی دوم آنکه اگر در اصل ماه مبارک رمضان پنج جمعه اتفاق افتد بنا
بر مقتضای ظاهر لفظ این روایت نیز باید که در تعیین چهار جمعه در میان پنج جمعه مخیر باشد
ولیکن جمعه خالی از این نماز میماند و قسطی برای آن نخواهد بود و شیخ زین الدین علیه الرحمه گفته که محتمل است
که برای جمعه آخر قسطی قرار ندهد بلکه اکتفا به بیست رکعت که در شب و بیست رکعت که در عشیه اش
بجا آورده میکند و محتمل است که ده رکعت از آن چهل رکعت را در روز جمعه آخر و سی رکعت دیگر را
در شب آن و عشیه آن بکند یا این طریق که چهارده رکعت در شب آن و شانزده رکعت در عشیه آن را

بر عکس

بر عکس بکند و مخفی نماند که بنای کلام شیخ رحمه الله در این مقام نیز بر اشتباه سابق است که در روایت
شب جمعه آخر و عشیه آن مذکور شده و چنین نیست بلکه شب جمعه عشر آخر وارد شده است چنانچه
دانستی با آنکه مستندی برآنچه شیخ ذکر نموده اصلا مذکور نیست نزد این روایت و نزد دیگران سیم
آنکه مقتضای جمع میان این روایت و روایات دیگر آنست که آدمی مخیر باشد در این هشتاد رکعت
که در این سه شب از با اضافه صد رکعت بکند تا توزیع بر جمعات نماید بتفصیل مذکور و شق ثانی
ظاهر افضل است زیرا که از روایات بسیار ظاهر میشود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر یک
از سه شب اکتفا بصد رکعت میفرمود چهارم مجموع این هزار رکعت هر دو رکعت بیک سلام است
چنانچه در نوافل چنین است مگر در موضع مخصوصی چند و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد
اقلا یکنوبت است و اگر زیاده از یکنوبت بخوانند تا ده نوبت افضل است ولیکن بطریقی که در روایت مفضل
بن عمر وارد شده است که حضرت صادق علیه السلام با او فرمود که در هر این نمازها یعنی نافله ماه رمضان بعد از
حمد قل هو الله احد اگر خواهی یکنوبت و اگر خواهی سه نوبت و اگر خواهی پنج نوبت و اگر خواهی هفت نوبت
و اگر خواهی ده نوبت و اگر هشتاد رکعت را توزیع بر جمعات نماید بطریق مسطور مضمون این روایت مخصوص
خواهد بود بهشتاد رکعت مذکور زیرا که اینها بطریق نماز حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه و حضرت
جعفر صلوات الله علیهم باید کرده شود و در بعضی از اینها سورهای دیگر غیر قل هو الله احد باید خوانده شود
و در بعضی قل هو الله احد زیاده بر ده بار خوانده میشود و چون طریق نماز جعفر در اعمال ماه شعبان بتفصیل
مذکور شده در این مقام بذکر کیفیت نماز حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه صلوات الله علیهما اکتفا
مینمائیم اما کیفیت نماز حضرت امیر المؤمنین پس ابن بابویه و عیاشی و شیخ طوسی و دیگران رضی الله
عنهم بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که چهار رکعت
نماز بگذارد یعنی بدو سلام و در هر رکعت بعد از سوره فاتحه پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند چون
فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شود و سید و شیخ از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بجا آورد از گناهان بیرون آید
مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و حاجتهای او برآورده شود و در هر رکعتی یکنوبت سوره
حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند و چون فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح آنحضرت است
سُبحانَ مَن لا تَبیدُ مَعالِمُهُ سُبحانَ مَن لا تَنقُصُ خَزائِنُهُ سُبحانَ مَن لا اضمِحلالَ لِفَخرِهِ سُبحانَ
مَن لا یَنفَدُ ما عِندَهُ سُبحانَ مَن لا انقِطاعَ لِمُدَّتِهِ سُبحانَ مَن لا یُشارِکُ اَحَداً فی اَمرِهِ

سبحان من لا اله غيره پس ابيد عا را بخواند يا من عفى عن السيئات ولم يجاز بها ارحم عبدك يا الله
يا الله نفسي نفسي انا عبدك يا سيداه انا عبدك بين يديك يا رباه بك الهي بكينونتك يا املاه يا
رحماناه يا غاياتاه عبدك عبدك لا حيلة له يا منتهى رغبتاه يا مجري الدم في عروق
عبدك يا سيداه يا مالكاه ايا هواه ايا هواه يا هواه عبدك لا حيلة لي ولا غنى بي عن نفسي ولا
استطيع لها ضرا ولا نفعا ولا اجد من اصانعه تقطعت اسباب الخدائع عني واضمحل كل
مظنون عني افردني الدهر اليك فقمت بين يديك هذا المقام يا الهي بعلمك هذا كان كله
فكيف انت صانع بي وليت شعري كيف تقول لدعائي اتقول نعم ام تقول لا فان قلت
لا فيا ويلي يا ويلي يا عولي يا عولي يا عولي يا شقوتي يا شقوتي يا شقوتي يا ذلي يا ذلي يا ذلي
الى من وممن او عند من او كيف او ماذا او الى اي شيء الجأ ومن ارجوا ومن يجود علي
بفضله حين ترفضني يا واسع المغفرة وان قلت نعم كما هو الظن بك والرجاء لك فطوبى
لي انا السعيد وانا المسعود فطوبى لي وانا المرحوم يا مترحم يا مترئف يا متعطف يا متجبر
يا متملك يا مقسط لا عمل لي مع نجاح حاجتي اسألك باسمك الذي جعلته في مكنون
غيبك واستقر عندك فلا يخرج منك الى شيء سواك اسألك به وبك وفيه
فانه اجل واشرف اسمائك لا شيء لي غير هذا ولا احد اعود علي منك يا كينون
يا مكون يا من عرفني نفسه يا من امرني بطاعته يا من نهاني عن معصيته ويا مدعو
ويا مسؤل يا مطلوبا اليه رفضت وصيتك التي اوصيتني بها ولم اطعك ولو اطعتك
فيما امرتني لكفيتني ما قمت اليك فيه وانا مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين ما
رجوت يا مترحم لي اعذني من بين يدي ومن خلفي ومن فوقي ومن تحتي ومن كل جهات
الاحاطة بي اللهم بمحمد سيدي صلى الله عليه وآله وبعلي وليي صلوات الله عليه
وبالائمة الراشدين عليهم السلام اجعل علينا صلواتك ورأفتك ورحمتك واوسع
علينا من رزقك واقض عنا الدين وجميع حوائجنا يا الله يا الله يا الله انك على كل شيء قدير

پس حضرت

پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند واین دعا را بخواند هیچ گناهی میان او وحق تعالی نماند
مگر اینکه امرزیده شود وبدانکه در روایت مفضل بن عمر که نوزیع هشتاد رکعت بر جمعها دارد کیفیت این
نماز مذکور است واین دعا ها نیست ولیکن چون در روایات دیگر مذکور است بهتر انست که خوانده شود
واما کیفیت نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها پس سید ابن طاوس قدس سره بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود که مادرم فاطمه صلوات الله علیها دو رکعت نماز میکرد
که جبرئیل علیه السلام تعلیم او کرده بود ودر رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر ودر رکعت
دوم صد مرتبه سوره توحید میخواند وچون سلام میگفت این دعا را میخواند سبحان ذي العز
الشامخ المنيف سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم سبحان ذي الملك الفاخر القديم سبحان
من لبس البهجة والجمال سبحان من تردى بالنور والوقار سبحان من يرى اثر النمل في الصفا
سبحان من يرى وقع الطير في الهواء سبحان من هو هكذا لا هكذا غيره وسید گفته است که در
روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را که بعد از هر نماز
خوانده میشود بخواند وبعد از ان صد مرتبه صلوات بر محمد وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم بفرستد وشیخ
رحمه الله در مصباح این نماز را مجمل روایت کرده است وگفته است که چون سلام بگوید تسبیح فاطمه را
بخواند واین دعا را بخواند یعنی دعائی که پیش مذکور شد پس گفته است که سزاوار است برای کسی که این نماز را
بکند واز این دعا فارغ شود انکه زانوها وذراعهای خود را برهنه کند وبسجده رود وجمیع مساجد
سبعه را بخاک برساند که جامه درمیان مانع نباشد ودعا کند وحاجت خود را از خدا طلب نماید
ودر سجده این دعا را بخواند يا من ليس غيره رب يدعى يا من ليس فوقه اله يخشى يا من ليس دونه
ملك يتقى يا من ليس له وزير يؤتى يا من ليس له حاجب يرشى يا من ليس له بواب يغشى
يا من لا يزداد على كثرة السؤال الا كرما وجودا وعلى كثرة الذنوب الا عفوا وصفحا
صل على محمد وآل محمد وافعل بي كذا وكذا وبجای وافعل بی کذا وکذا حاجتهای خود را یاد
کند ودر روایت مفضل نیز کیفیت این نماز مذکور است وبعد از نماز غیر تسبیح فاطمه صلوات الله
علیها چیزی دیگر مذکور نیست بحسب ظاهر اینست ودر ان روایت باین نحو است الله اکبر
سی وچهار مرتبه وسبحان الله سی وسه مرتبه والحمد لله سی وسه مرتبه وظاهر این عبارت
مقتضی انست که ترتیب بهمین نحو باشد واین مخالف ترتیب مشهوری است که بعد از فرایض خوانده
میشود وعبارات که هر انچه در این روایات وکلام سید وشیخ مذکور است بعمل اورد

که در شب جمعه عشر آخر بطریق نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه میکند بر پنج نماز آنحضرت
بر میکرده و بیست رکعت دیگر را که در عشیهٔ این جمعه بعنوان نماز حضرت فاطمه صلوات الله
علیها میکند بدو نماز آنحضرت بر میکرده پس باید بعد از هر یک از اینها ادعیه و سایر اعمال مذکوره را
بجا آورد والله تعالی هو الموفق **پنجم** تاکید در باب صد رکعت که در سه شب کرده میشود
زیاده از باقی است در روایات وارد شده است و همچنین تاکید در باب دویست رکعت دو شب
آخر زیاده از صد رکعت شب اول است چنانچه بعد از این در بیان اعمال آن شبها روایات آن
مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی **ششم** شیخ شهید طاب ثراه در کتاب ذکری گفته است
که اگر چیزی از این نوافل در شب فوت شود مستحب است که آن را در روز قضا کنند و ظاهر آنست
که روایتی در این باب بنظر او رسیده باشد **هفتم** ظاهر اقوال علما اینست که این نافله مستحب است
مطلقا نسبت بهمه کس خواه روزه باشد و خواه بسبب عذری افطار کرده باشد و سندی
برای این اگرچه بنظر نرسید ولیکن اگر بقصد قربت واقع سازد مثاب و ماجور خواهد بود
هشتم بدانکه این نماز را بعنوان فرادی باید کرد و جماعت کردن بدعت است و اهل سنه
آن را بجماعت میکنند و آن را صلوة تراویح مینامند و تمام قرآن مجید را تقسیم بر این نماز میکنند
چنانچه تمام قرآن در این نماز ختم میشود و این بدعت و حرام است چنانچه شیخ طوسی رضی الله عنه
در حدیث طولانی از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که چون شب اول
ماه مبارک رمضان داخل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز مغرب را گذارد پس چهار رکعتی
که هر شب بعد از مغرب میکرد ادا فرمود پس بعد از آن هشت رکعت نماز بجا آورد پس چون نماز
عشا را ادا فرمود دو رکعت نشسته بعد از آن کرده برخواست و دوازده رکعت نماز دیگر کرد
و بعد از فراغ داخل خانهٔ مقدسه گردید پس مردم چون این را دیدند از آنحضرت سؤال نمودند
از این نماز حضرت فرمود که این نماز را بجهة فضیلت ماه مبارک رمضان بر سایر ماهها کردم
پس چون شب دیگر شد و حضرت مشغول این نماز گردید مردم در پشت سر آنحضرت صف کشیدند
که این نماز را با آنحضرت بجماعت بکنند پس حضرت روی مبارک را بجانب ایشان گردانید
و فرمود ایها الناس این نماز نافله است و بجماعت نباید کرد از پی هر یک از شما این نماز را
بتنهائی بکنید و بدانید که جماعت در نافله نمی باشد پس مردم متفرق شدند و هر یک بتنهائی
این نماز را کردند و احادیث بر این مضمون بسیار است **نهم** از حدیث سابق مفهوم میشود

که دوازده

که دوازده رکعت بعد از عشا باید بعد از نماز وتیره باشد و این معنی مخالف است با آنچه شیخ رحمه الله
در کتاب مصباح ذکر نموده که در بیست شب اول که اکتفا باین بیست رکعت میکنی بعد از آن
دو رکعت نشسته را بکن و متابعت این روایت شاید اولی باشد **و بدانکه** این حدیث منافی
با روایات دیگر که دلالت میکند بر آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله وتیره را نمیکرده و نمیخوابیده
شب اکتفا میفرموده است و شاید که وجه جمع میان آنها این باشد که گاهی آنحضرت وتیره
ترک میفرموده باشد و ایضا از این حدیث مفهوم میشود که کردن این نوافل در مسجد
افضل باشد والله تعالی یعلم **دهم** بدانکه بعد از هر دو رکعت از این نماز دعای مختصری
و دعاهای طولانی در اخبار وارد شده است **اما دعای مختصر** پس سید ابن طاوس طاب ثراه
در کتاب اقبال از رجاء بن یحیی بن سامان نقل نموده است که گفت بیرون آمد از خانهٔ
سیدنا امام حسن عسکری علیه السلام توقیعی بآنکه بعد از هر دو رکعت نافلهٔ ماه
رمضان این دعا را بخوان اللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَ
فِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ
حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي طَاعَتِكَ
وَتُوَسِّعَ لِي فِي رِزْقِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **اما دعاهای طولانی** پس در تتمه ادعیه بیست رکعت
هر شب را مذکور میسازیم سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال و شیخ طوسی قدس الله
روحه در کتاب تهذیب الاحکام و مصباح بسند خود از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام روایت کرده است که دو رکعت اول را بکن و بعد از آن این دعا را بخوان
اللّٰهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ
فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَخْرِجْنِي
مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
و سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره
رضی الله عنه نقل نموده که بعد از این دو رکعت این دعا را بخوان اللّٰهُمَّ هَذَا شَهْرُ
رَمَضَانَ وَهَذَا شَهْرُ الصِّيَامِ وَهَذَا شَهْرُ الْقِيَامِ وَهَذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ وَهَذَا
شَهْرُ التَّوْبَةِ وَهَذَا شَهْرُ الرَّحْمَةِ وَهَذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَهَذَا شَهْرُ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ

وهذا شهر العتق من النار وهذا شهر رمضان الذي نزلت فيه القرآن اللهم صل على
محمد وآل محمد واعني على صيامه وقيامه وسلمه لي وتسلمه مني وسلمني فيه واعني فيه بافضل
عونك ووفقني فيه لطاعتك وطاعة رسولك عليه السلام وفرغني فيه لعبادتك
ودعائك وتلاوة كتابك واعظم لي فيه البركة وارزقني فيه العافية واصح فيه
بدني واوسع فيه رزقي واكفني فيه ما اهمني واستجب فيه دعائي وبلغني فيه رجائي
اللهم صل على محمد وآل محمد واذهب عني فيه النعاس والكسل والسامة والفترة والقسوة
والغفلة والغرة اللهم صل على محمد وآل محمد وجنبني فيه العلل والاسقام والاوجاع
والاسقام والهموم والاحزان والاعراض والامراض والخطايا والذنوب واصرف
عني فيه السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء انك سميع الدعاء
اللهم صل على محمد وآل محمد واعذني فيه من الشيطان وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه
ونفثه ووسوسته وتثبيطه ومكره وحيلته وخدعه وامانيه وغروره وخيله ورجله
وشركائه واعوانه واخوانه واشياعه واتباعه واوليائه وجميع مكائده (وحبائله وحيله)
اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني فيه قيامه وصيامه وبلوغ الامل فيه وفي
قيامه واستكمال لما يرضيك عني صبرا واحتسابا ويقينا وايمانا ثم تقبل ذلك
مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني
فيه الصحة والفراغ والحج والعمرة والجد والاجتهاد والتوبة والقربة والنشاط
والانابة والرغبة والرهبة والرقة والخشوع والتضرع وصدق النية
والوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك والثقة بك والورع عن
محارمك وصالح القول ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعاء (مع صالح)
ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان

بل

بل بالتعهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك ووعدك يا ارحم الراحمين
اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه
افضل ما تعطي اولياءك المؤمنين من الهدى والرحمة والمغفرة والخير والحنان والاجابة (المقربين)
والعون والغنم والعصمة والعافية والمعافاة الدائمة والعتق من النار والفوز بالجنة
وخير الدنيا والاخرة واصرف عني شر الدنيا والاخرة برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم
صل على محمد وآل محمد واجعل دعائي اليك فيه واصلا وخيرك الي فيه نازلا وعملي
فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الاكثر وحظي
فيه الاوفر اللهم صل على محمد وآل محمد ووفقني فيه لليلة القدر على افضل حال يحب
ان يكون عليها احد من اوليائك وارضاها لك ثم اجعلها لي خيرا من الف شهر
وارزقني فيها افضل ما رزقت احدا ممن بلغته اياها واكرمته بها واجعلني فيها من
عتقائك وطلقائك من النار وسعداء خلقك الذين اغنيتهم واوسعت عليهم في الرزق
وصنتهم من بين خلقك ولم تبتلهم وممن مننت عليه برحمتك ومغفرتك ورافتك وتحننك
واجابتك ورضاك ومحبتك وعفوك وعافيتك وطولك وقدرتك لا اله الا انت برحمتك
يا ارحم الراحمين اللهم رب الفجر وليال عشر ورب شهر رمضان وما انزلت فيه من القرآن
ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ورب
موسى وعيسى ورب محمد خاتم النبيين صل على محمد وآل محمد واجعلهم ائمة يهدون
بالحق وبه يعدلون وانصرهم وانتصر بهم واجعلني من انصار رسولك عليه وعليهم
السلام واتباعهم في الدنيا والاخرة واسالك بحقهم عليك وبحقك العظيم ان تنظر
الي نظرة منك رحيمة ترضى بها عني رضا لا تسخط علي بعده ابدا واعطني جميع سؤلي
ورغبتي وامنيتي وارادتي واصرف عني جميع ما اكره واحذر واخاف على نفسي وما
اخاف وعن اهلي ومالي وذريتي الهي اليك فررت من ذنوبي فاوني تائبا وتب
علي مستغفرا فاغفر لي متعوذا فاعذني مستجيرا فاجرني مستسلما فلا تخذلني راهبا

فاتيتك راغبا فشفعني سائلا فاعطني مصدقا فتصدق علي متضرعا اليك فلا تخيبني يا قريب
يا مجيب عظمت ذنوبي وجلت فصل على محمد وال محمد وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل
بي ما انا اهله اللهم صل على محمد وال محمد وانزل علي وعلى والدي واهل بيتي واهل حزانتي
واخواني المؤمنين من رزقك ورحمتك وسكينتك ومحبتك وتحننك وبرزقك الواسع
الهنيء المريء ما تجعله صلاحا لدنيانا واخرتنا يا ارحم الراحمين اللهم وما كانت لي اليك
من حاجة انا في طلبها والتماسها شرعت فيها او لم اشرع سألتكها نطقت انا بها او لم انطق — او لم اسألكها
وانت اعلم بها مني فاسالك بحق نبيك محمد وعترته الاولياء قضائها الساعة الساعة
وقضاء جميع حوائجي كلها صغيرها وكبيرها انك على كل شيء قدير واسالك يا الله
بعزتك التي انت اهلها وبرحمتك التي انت اهلها ان تصلي على محمد وال محمد وان
تغفر لي ذنوبي كلها قديمها وحديثها ومن ارادني بخير فارده بخير ومن ارادني بسوء
فارده بسوء في نحره واعوذ بك من شره واستعين بك عليه اللهم احفظني من بين
يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي واجعلني في حفظك وفي جوارك وكنفك
عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك نبی دو ركعت ديكر ابكن وشيخ طوسي قدس سره در كتاب
مذكور از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روايت كرده است كه بعد از اين دو ركعت اين دعا
بخوان الحمد لله الذي علا فقهر والحمد لله الذي ملك فقدر والحمد لله الذي بطن فخبر
والحمد لله الذي يحيي الموتى وهو على كل شيء قدير الحمد لله الذي تواضع كل شيء لعظمته — ويميت الاحياء
والحمد لله الذي ذل كل شيء لعزته والحمد لله الذي استسلم كل شيء لقدرته
والحمد لله الذي خضع كل شيء لملكته والحمد لله الذي يفعل ما يشاء ولا يفعل ما
يشاء غيره اللهم صل على محمد وال محمد وادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وال محمد
واخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا وال محمد صلى الله عليه وعليهم السلام ورحمة الله
وبركاته وسلم كثيرا وسند در كتاب مذكور از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره
رضي الله عنه نقل نموده است كه بعد از اين دو ركعت اين دعا را بخوان يا موضع كل شكوى

السائلين ويا منتهى رغبة الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا جار المستجيرين ويا خير
من رفعت اليه ايدي السائلين ومدت اليه اعناق الطالبين انت مولاي وانا عبدك
واحق من سئل العبد ربه ولم يسئل العباد مثلك كرما وجودا انت غايتي في رغبتي
وكالئي في وحدتي وحافظي في غربتي وثقتي في طلبتي وناجحي في حاجتي ومجيبي في
دعوتي ومصرخي في ورطتي وملجائي عند انقطاع حيلتي اسالك ان تصلي على محمد وال
محمد وان تغفر لي وتنصرني وترفعني ولا تضعني وعلى طاعتك فقوني وبالقول الثابت
ثبتني وقربني اليك وادنني واجتبني واستصفني واستخلصني واصنعني واصطنعني و — تغمد لي
زكني وارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا يملكهما غيرك واجعل غنائي فيما رزقتني — واجعلني غنيا
وما ليس لي بحق فلا تذهب اليه نفسي وكفني من رحمتك واتني ولا تحرمني ولا تذلني
ولا تستبدل بي غيري وخير الثواب فاجعل سروري وخير المعاد فاجعل معادي ومقري
من رحمتك الكريم فانلني ومن ثياب الجنة فالبسني ومن الحور العين فزوجني وتولني
يا سيدي ولا تولني غيرك واعف عني كلما سلف مني واعصمني فيما بقي من عمري وآمن
علي وعلى والدي وقرابتي ومن كان مني بسبيل في الدنيا والاخرة فان ذلك كله بيدك
وانت واسع المغفرة ولا تخيبني يا سيدي ولا تؤذ بيدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي
وتنجب لي ما سالتك وصل على محمد عبدك ورسولك وال محمد الهي انت رب شهر رمضان
الذي نزلت فيه القران وافترضت فيه على عبادك الصيام فصل على محمد وال محمد
وارزقني حج بيتك الحرام من عامنا هذا ومن كل عام واغفر لي تلك الامور العظام
فانه لا يغفرها غيرك يا رحمن يا علام نبی دو ركعت ديكر ابكن وشيخ طوسي رضي الله عنه
در كتاب مذكور از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روايت كرده است كه بعد از اين دو ركعت
اين دعا را بخوان اللهم اني اسالك بمعاني جميع ما دعاك به عبادك الذين اصطفيتهم

لفضلك الآملون على برك المحبون بعينك المستجيرون بدينك المعللون به الواصفون
لعظمتك المتنزهون عن معاصيك الداعون الى سبيلك السابقون في علمك الفائزون المنزهون
بكرامتك ادعوك على مواضع حدودك وكمال طاعتك وعما يدعوك به ولاة امرك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله وسيد
کتاب مذکور از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره اسید عادل بعد از این دو رکعت نقل نموده
اللهم اني اسألك برحمتك التي وسعت كل شيء وبعزتك التي قهرت كل شيء و
بجبروتك التي غلبت كل شيء وبقدرتك التي لا يقوم لها شيء وبعظمتك التي ملأت
كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء وبنور وجهك الذي اضاء له كل شيء يا اقدم
قديم في العزة والجبروت ويا راحم كل مسترحم ويا راحة كل محزون ويا مفرج كل ملهوف
اسألك باسمائك التي دعاك بها حملة عرشك ومن حول عرشك وباسمائك التي دعاك باسمائك
بها جبرئيل وميكائيل واسرافيل ان تصلي على محمد وآل محمد وان ترضى عني رضا لا تسخط
علي من بعده ابدا وان تمد لي في عمري وان توسع علي في رزقي وان تصح لي جسمي وان
تبلغني املي وتقويني على طاعتك وعبادتك وتلهمني شكرك فقد ضعف عن نعمائك
شكري وقل على بلوائك صبري وضعف عن اداء حقك عملي وانا من قد عرفت سيدي
الضعيف عن اداء حقك المقصر في عبادتك الراكب لمعصيتك فان تعذبني فاهل ذلك
انا وان تعف عني فاهل العفو انت الهي الهي ظلمت نفسي وعظم عليها اسرافي وطال لها
انهماكي وتكاشفت ذنوبي وتظاهرت سيئاتي وطال بها اغتراري ودام للهو اتباعي
الهي الهي غرتني الدنيا بغرورها فاغتررت ودعتني الى الغي بلهوها فاجبت وصرفتني
عن رشدي فانصرفت الى الهلاك بقليل حلاوتها وتزينت لي لاركن اليها فركنت
الهي الهي قد اقترفت ذنوبا عظاما موبقات وجنيت على نفسي بالذنوب المهلكات

وتتابعت

وتتابعت مني السيئات وقلت مني الحسنات وركبت من الامور عظيما واخطأت خطأ
جسيما واسأت الى نفسي حديثا وقديما وكنت في معاصيك ساهيا لاهيا وعن طاعتك متوانيا ونائيا
ناسيا فقد طال عن ذكرك سهوي وقد اسرعت الى ما كرهت بجميع جوارحي الهي قد انعمت علي
فلم اشكر وبصرتني فلم ابصر واريتني العبر فلم اعتبر واقلتني العثرات فلم اقصر وسترت مني
العورات فلم استتر وابتليتني فلم اصبر وعصمتني فلم اعتصم ودعوتني الى النجاة فلم
اجب وحذرتني المهالك فلم احذر الهي الهي خلقتني سميعا فطال لما كرهت سماعي
وانطقتني فكثر في معاصيك منطقي وبصرتني فعمي عن الرشد بصري وجعلتني سميعا
بصيرا فكثر فيما يرديني سمعي وبصري وجعلتني نهوضا بوطء اقدام فيما نهيتني عنه قبضي وبسطي
وجعلتني ساعيا متقلبا فطال فيما يرديني سعيي وتقلبي وغلبت علي شهواتي وعصيتك
بجميع جوارحي فقد اشتدت اليك فاقتي وعظمت اليك حاجتي فاشتد اليك فقري
فباي وجه اشكو اليك امري وباي لسان اسأل حوائجي وباي يد ادفع اليك
وعني وباية نفس اقول اليك فاقتي وباي عمل ارغب اليك حزني وفقري ام بوجهي الذي
قد حبا اوه منك يا سيدي ام بقلبي الذي قد اكثر ابائه منك مولاي ام لساني الناطق
كثيرا مما كرهت يا رب ام بيدي الساكن فيه حب معاصيك يا الهي ام بعملي المخالف لمحبتك
يا خالقي ام بنفسي الناذكرة لطاعتك يا رازقي فانا الهالك ان لم ترحمني وانا الهالك
ان كنت تصديت علي بادلائي والعول لي من ذنوبي وخطيئتي واسرافي على نفسي فمن
استغيث فيغيثني ان لم تغثني يا سيدي والى من اشكو فيرحمني ان كنت اعرضت عني
يا سيدي ومن ادعو فينفعني لي ان صرفت وجهك الكريم عني يا سيدي والى من
اتضرع فيجيبني ان كنت سخطك سخطت علي فلم تجبني يا سيدي ولم تجرني ومن اعتصم
فيعصمني يا سيدي ان لم تعصمني وعلى من اتوكل فيحفظني ويكفيني ان تخذلتني يا سيدي

وبمن استشفع فيشفع لي ان كنت قد اغضبتك يا سيدي والى من التجئ والى من افر ان كنت
قد غضبت علي يا سيدي الهي الهي ليس الا اليك منك فراري وليس الا منك قراري
منجاي واليك ملجاي وليس الا بك اعتصامي وليس الا عليك توكلي ومنك رجائي
وليس الا رحمتك وعفوك ينقذني وليس الا رافتك ومغفرتك تنجيني انت يا سيدي
اماني مما اخاف ومما لا اخاف برحمتك فآمني فانت يا سيدي رجائي مما احذره ومما
لا احذره بمغفرتك فنجني وانت يا سيدي مستغاثي مما تورطت فيه من ذنوبي فاغثني
وانت يا سيدي مشتكاي مما تضرعت اليك فارحمني وانت يا سيدي منجاي من
عذابك الاليم فبعزتك فاجرني وانت يا سيدي كهفي وناصري وملجاي فلا تضيعني وانت
يا سيدي الحافظ لي والذاب عني والرحيم بي فلا تبتليني سيدي فمنك اطلب حاجتي
فاعطني سيدي واياك اسال رزقا واسعا فلا تحرمني سيدي وبك استهدي فاهدني
ولا تضلني سيدي ومنك استقيل فاقلني عثرتي سيدي واياك استغفر فاغفر لي
ذنوبي سيدي وقد رجوت غناك لي برحمتك فاغنني سيدي وقد رجوت رحمتك لي
بمنك فارحمني سيدي وقد رجوت اجارتك لي بفضلك فاجرني سيدي وقد رجوت
عفوك عني بحلمك فاعف عني سيدي وقد رجوت تجاوزك عني برحمتك فتجاوز عني
سيدي وقد رجوت تخليصك اياي من النار فخلصني سيدي وقد رجوت ادخالك اياي
الجنة بجودك فادخلني سيدي وقد رجوت اعطاءك املي ورغبتي وطلبتي في امر دنياي
وآخرتي بكرمك وجودك فلا تخيبني الهي ان لم اكن اهل ذلك منك فانك اهله وانت
لا تخيب من دعاك ولا تضيع من وثق بك ولا تخذل من توكل عليك فلا تجعلني
اخيب من سالك في هذه الليلة ولا تجعلني اخسر من سالك في هذا الشهر ومن
علي بالاجابة والقبول والعتق من النار والفوز بالجنة واجمع لي خير الدنيا

والآخرة واغفر لي ذنوبي وعيوبي وآثامي وظلمي وتفريطي واسرافي على نفسي واحبس عني
كل ذنب يحبس عني الرزق او يحجب دعائي عنك او يرد مسالتي دونك او يقصر بي عن بلوغ
املي او يعرض بوجهك الكريم عني فقد اشتدت بك ثقتي يا سيدي واشتد لك دعائي
وانطلق بدعائك لساني فاشرح لمسالتك صدري لما رجوتني ووعدتني على لسان نبيك
الصادق عليه السلام وفي كتابك فلا تحرمني يا سيدي لقلة شكري ولا تضيعني
يا سيدي لقلة صبري واعطني يا سيدي لفاقتي وفقري فارحمني يا سيدي لذلي
وضعفي وتمم يا سيدي احسانك لي ونعمك علي واعطني يا سيدي الكثير من خزائنك
وادخلني يا سيدي الجنة برحمتك واسكني يا سيدي الارض بخشيتك وادفع عني يا
سيدي بمنك فارزقني يا سيدي ودك ومحبتك ومودتك والراحة عند الموت
والمعافاة عند الحساب وارزقني الغنا والعفو والعافية وحسن الخلق واداء الامانة
وتقبل صومي وصلواتي واستجب دعائي وارزقني الحج والعمرة من عامي هذا وابدا ما
ابقيتني فصل على خير خلقك محمد وآل محمد وطلب كن حاجات خود را و دو ركعت ديگر بكن
وشيخ طوسي قدس الله روحه در كتاب مذكور از حضرت صادق عليه السلام روايت نموده است
كه بعد از اين دو ركعت اين دعا بخوان يا ذا المن لا من عليك يا ذا الطول لا اله الا انت
ظهر اللاجين ومامن الخائفين وجار المستجيرين ان كان في ام الكتاب عندك اني
شقي او محروم او مقتر علي رزقي فامح من ام الكتاب شقائي وحرماني واقتار
رزقي واكتبني عندك سعيدا موفقا للخير موسعا علي في رزقك فانك قلت في كتابك
المنزل على نبيك المرسل صلواتك عليه وآله يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده
ام الكتاب وقلت ورحمتي وسعت كل شيء وانا شيء فلتسعني رحمتك يا
ارحم الراحمين وصل على محمد وآل محمد ودعا كن بهر چه خواهي وسجده كن كه در كتاب مذكور است

تقصير

كتاب ابن ابي قره رحمه الله اين دعا را بعد از اين دو ركعت نقل نموده است الهي لو جللتني ذنوبي
والم ينفعني عملي وابليت بخطيئتي فيا ويلي والعول لي مما خفت على نفسي مما ارتكبت جوارحي
والويل والعول لي ام كيف انت عقوبة ربي فيما اجترات به على خالقي فيا ويلي والعول
لي عصيت ربي بجميع جوارحي ويا ويلي والعول لي اسرفت على نفسي واثقلت ظهري
بجريرتي ويا ويلي بغضت نفسي الى خالقي بعظيم ذنوبي يا ويلي صرت كان لا عقل
لي بل ليس لي عقل ينفعني ويا ويلي اما تفكرت فيما اكتسبت وخفت مما عملت يدي
ويا ويلي عميت عن النظر في امري وعن التفكر في ظلمي ويا ويلي ان كان عقابي مذخورا
لي الى آخرتي ويا ويلي ويا عولي ان اوتي بي يوم القيمة مغلولة يدي الى عنقي ويا
ويلي ويا عولي ان بذرت النار جسدي وعركت مفاصلي ويا ويلي ان نقل بي
ما استوجبته بذنوبي ويا ويلي ان لم يرحمني سيدي ويعف عني الهي ويا ويلي لو علمت
الارض بذنوبي لساخت بي يا ويلي من فعلي القبيح وعملي الخبيث وفضائح جرائري
ويا ويلي لو ذكرت للارض ذنوبي لا ابتلعتني ويا ويلي ليت الذي كان خفت
نزل بي ولم اسخط الهي ويا ويلي اني لمفتضح يوم القيمة بعظيم ويا ويلي ان اسود
يوم القيمة في الموقف وجهي ويا ويلي ان تصفق على رؤس الخلائق ظهري ويا
ويلي ان نوديت او حوسبت او جوزيت بعملي ويا ويلي والعول لي ان لم يرحمني
ربي يا مولاي قد حسن ظني بك لما اخرت من عقابي يا مولاي فاعف عني
فاغفر لي وتب علي واصلحني يا مولاي وتقبل مني صومي وصلواتي واستجب
لي دعائي يا مولاي وارحم تضرعي وتلويذي وبؤسي ومسكنتي يا مولاي
ولا تخيبني ولا تقطع رجائي ولا تضرب بدعائي وجهي وصل على محمد
وال محمد وارزقني الحج والعمرة في عامي هذا وابدا ما ابقيتني وشيخ طوسي عليه الرحمه

درکتاب

در كتاب مذكور گفته كه پس سجده كن و در سجده اين دعا را بخوان اللهم اغنني بالعلم وزيني
بالحلم وكرمني بالتقوى وجملني بالعافية يا ولي العافية عفوك عفوك من النار
وچون سر از سجده بر داري اين دعا را بخوان يا الله يا الله يا الله اسالك بلا اله الا انت
باسمك بسم الله الرحمن الرحيم يا رحمن يا الله يا رب يا قريب يا مجيب يا بديع السموات والارض
يا ذا الجلال والاكرام يا حنان يا منان يا حي يا قيوم اسالك بكل اسم هو لك تحب
ان تدعا به وبكل دعوة دعاك بها احد من الاولين والاخرين فاستجبت له ان تصلي
على محمد وال محمد وان تصرف قلبي الى خشيتك ورهبتك وان تجعلني من المخلصين و
تقوي اركاني كلها لعبادتك وتشرح صدري للخير والتقى وتطلق لساني لتلاوة
كتابك يا ولي المؤمنين وصل على محمد وال محمد و دعا كن بانچه خواهي پس نماز عشا را بكن وچون
فارغ شدي از ان دو ركعت ابن عياش را بكن و شيخ طوسي نور الله تربته در كتاب مذكور گفته كه
بعد از اين دو ركعت اين دعا را بخوان اللهم اني اسالك بجمالك وجلالك وكمالك
وعظمتك ونورك وسعة رحمتك وباسمائك وعزتك وقدرتك ومشيتك ونفاذ
امرك ومنتهى رضاك وشرفك وكرمك ودوام عزك وسلطانك وفخرك وعلو
شانك وقديم منك وعجيب اياتك وفضلك وجودك وعموم الائك رزقك
وعطائك وخيرك واحسانك وتفضلك وامتنانك وشانك وجبروتك واسالك
بجميع مسائلك ان تصلي على محمد وال محمد وتجيرني من النار وتمن علي بالجنة وتوسع
علي من الرزق الحلال الطيب وتدرا عني شر فسقة العرب والعجم وتمنع لساني
من الكذب وقلبي من الحسد وعيني من الخيانة فانك تعلم خائنة الاعين وما
تخفي الصدور وترزقني في عامي هذا وفي كل عام الحج والعمرة وتغض بصري و
تحصن فرجي وتوسع رزقي وتعصمني من كل سوء يا ارحم الراحمين وسيد در كتاب

مذکور از کتاب ابن ابی قره بعد از این دو رکعت این دعا را نقل فرموده اند اللهم انی اسألك من بهائك بابهاه وكل بهائك بهي
اللهم واسألك ببهائك كله اللهم اني اسألك من جمالك باجمله وكل جمالك جميل
اللهم واسألك بجمالك كله اللهم اني اسألك من جلالك باجله وكل جلالك جليل
اللهم واسألك بجلالك كله اللهم اني اسألك من عظمتك باعظمها وكل عظمتك عظيمة
اللهم واسألك بعظمتك كلها اللهم اني اسألك من نورك بانوره وكل نورك نير
اللهم واسألك بنورك كله اللهم اني اسألك من رحمتك باوسعها وكل رحمتك واسعة
اللهم واسألك برحمتك كلها اللهم اني اسألك من كمالك باكمله وكل كمالك كامل
اللهم واسألك بكمالك كله اللهم اني اسألك من كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة
اللهم واسألك بكلماتك كلها اللهم اني اسألك من اسمائك باكبرها وكل اسمائك كبيرة
اللهم واسألك باسمائك كلها اللهم اني اسألك من عزتك باعزها وكل عزتك عزيزة
اللهم واسألك بعزتك كلها اللهم اني اسألك من مشيتك بامضاها وكل مشيتك ماضية
اللهم واسألك بمشيتك كلها اللهم اني اسألك بالقدرة التي استطالت على كل شيء وكل قدرتك
اللهم واسألك بقدرتك كلها اللهم اني اسألك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ
اللهم واسألك بعلمك كله اللهم اني اسألك من قولك بارضاه وكل قولك رضي
اللهم واسألك بقولك كله اللهم اني اسألك من مسائلك باحبها اليك وكل مسائلك اليك حبيبة
اللهم واسألك بمسائلك كلها اللهم اني اسألك من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف
اللهم واسألك بشرفك كله اللهم اني اسألك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم
اللهم واسألك بسلطانك كله اللهم اني اسألك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر
اللهم واسألك بملكك كله اللهم اني اسألك من منك باقدمه وكل منك قديم
اللهم واسألك بمنك كله اللهم اني اسألك من آياتك باعجبها وكل آياتك عجيبة

اللهم واسألك بآياتك كلها اللهم اني اسألك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل
اللهم واسألك بفضلك كله اللهم اني اسألك من رزقك عام اللهم واسألك برزقك كله
اللهم اني اسألك من عطائك باهناها وكل عطائك هنيئة اللهم واسألك بعطائك كلها
اللهم اني اسألك من خيرك باعجله وكل خيرك عاجل اللهم واسألك بخيرك كله
اللهم اني اسألك من احسانك باحسنه وكل احسانك حسن اللهم واسألك باحسانك كله
اللهم اني اسألك بما انت فيه من الشؤون والجبروت اللهم واسألك بكل شأن وبكل جبروت وحده
اللهم اني اسألك بما تجيبني به حين اسألك يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحيم يا ذا الجلال
والاكرام ان تصلي على محمد وآل محمد وان ترزقني حج بيتك الحرام في عامي هذا وفي كل عام
وزيارة قبر نبيك عليه السلام وتختم لي بخير يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك ان
تصلي على محمد وآل محمد عبدك المجتبى وامينك المصفى ورسولك المصطفى ونجيبك
دون خلقك ونجيك من عبادك ونبيك بالصدق وحبيبك المفضل على رسلك
وخيرتك من العالمين النذير البشير السراج المنير وعلى اهل بيته الابرار المطهرين
الاخيار وعلى ملائكتك الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى انبيائك
الذين ينبئون بالصدق عنك وعلى رسلك الذين خصصتهم بوحيك وفضلتهم على
العالمين برسالاتك وعلى عبادك الصالحين الذين ادخلتهم في رحمتك وعلى
جبرئيل وميكائيل واسرافيل وملك الموت ومالك خازن النار ورضوان خازن الجنة
وروح القدس والروح الامين وحملة عرشك المقربين وعلى منكر ونكير وعلى
الملكين الحافظين علي وعلى الكرام الكاتبين بالصلوة التي تحب ان يصلي
بها عليهم اهل السموات والارضين صلوة كثيرة طيبة مباركة زاكية طاهرة نامية
كريمة فاضلة تبين لهم بها فضلهم على الاولين والآخرين اللهم واعط

محمدا صلى الله عليه وآله واهل بيته الطيبين الوسيلة والشرف والفضيلة والدرجة
الكبيرة واجزه مع كل ظلمة زلفة ومع كل كرامة كرامة ومع كل وسيلة وسيلة
ومع كل فضيلة فضيلة ومع كل شرف شرفا حتى لا تعطي ملكا مقربا ولا نبيا مرسلا
الا دون ما تعطي محمدا وآل محمد يوم القيمة اللهم اجعل محمدا ادنى المرسلين منك
مجلسا وافسحهم في الجنة منزلا واقربهم وسيلة وابينهم فضيلة واجعله اول
شافع ومشفع واول قائل وانجح سائل وابعثه المقام المحمود الذي يغبطه
به الاولون والآخرون يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تسمع صوتي وتجيب دعوتي وتنجح طلبتي وتقضي حاجتي وتقبل توبتي وتنجز لي
ما وعدتني وتقيلني عثرتي وتغفر ذنبي وتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي
وتعفو عن جرمي وتقبل علي ولا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني ولا
تبتليني وترزقني من اطيب الرزق واوسعه ولا تحرمني وتقضي عني ديني وتعتق
عنقي وتضع عني وزري ولا تحملني ما لا طاقة لي به يا سيدي وتدخلني في كل
خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد وتخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد
وتجعلني واهل بيتي وذريتي واخواني معهم في الدنيا والآخرة اللهم اني ادعوك
كما امرتني فصل على محمد وآل محمد فاستجب لي كما وعدتني انك سميع الدعاء قريب
مجيب اللهم اني اسألك يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحيم يا ذا الجلال والاكرام
ان تصلي على محمد وآل محمد وتجعلني من حجاج بيتك الحرام وزوار قبر نبيك عليه السلام
في عامي هذا وفي كل عام وتختم لي بخير يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تجمع لي في مقعدي هذا ما اؤمله في هذا الشهر للدين والدنيا
ومن علي بالزيادة والنقصان من فضلك ما لا يخطر ببالي ولا ادعوه مما تصلح

بر

به امر ديني ودنياي وتجعل ذلك كله في عافية وتصرف عني انواع البلاء يا ارحم الراحمين
وحوائج خود را سؤال ميكني پس دو ركعت نماز ميكني وشيخ طوسي قدس الله سره در كتاب مذكور
از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه بعد از اين دو ركعت اين دعا بخوان اللهم اني
اسألك حسن الظن بك والصدق في التوكل عليك واعوذ بك ان تبتليني ببلية تحملني
ضرورتها على التعوذ بشيء من معاصيك واعوذ بك ان تدخلني في حال كنت اكون فيها
في عسر او يسر اظن ان معاصيك انجح لي من طاعتك واعوذ بك ان اقول قولا حقا من
طاعتك التمس به سواك واعوذ بك ان تجعلني عظة لغيري واعوذ بك ان يكون
احد اسعد بما اتيتني به مني واعوذ بك ان اتكلف طلب ما لم تقسم لي وما قسمت
لي من قسم او رزقتني من رزق فآتني به في يسر منك وعافية حلالا طيبا واعوذ بك من كل
شيء زحزح بيني وبينك او باعد بيني وبينك او نقص به حظي عندك او صرف بوجهك
الكريم عني واعوذ بك ان تحول خطيئتي او ظلمي او جرمي او اسرافي على نفسي واتباع
هواي واستعجال شهوتي دون مغفرتك ورضوانك وثوابك ونائلك وبركاتك
وموعودك الحسن الجميل على نفسك وسيد در كتاب مذكور از كتاب ابن ابي قرة رحمة الله عليه
ابن دعا را بعد از اين دو ركعت نقل نموده است اللهم اني اسألك بانه لا اله الا انت وبانه
لا اله الا انت يا لا اله الا انت واسألك بجلالك لا اله الا انت يا لا اله الا انت و
اسألك بجمالك لا اله الا انت يا لا اله الا انت واسألك بعظمتك لا اله الا انت يا لا اله الا
انت واسألك بنورك لا اله الا انت يا لا اله الا انت واسألك برحمتك لا اله الا انت
يا لا اله الا انت واسألك بكمالك لا اله الا انت يا لا اله الا انت واسألك باسمائك
لا اله الا انت يا لا اله الا انت واسألك بعزتك لا اله الا انت يا لا اله الا انت واسألك
بقدرتك لا اله الا انت يا لا اله الا انت واسألك بسلطانك لا اله الا انت يا لا اله الا انت

علي التعوذ على التعرض

وبأسمائك الحسنى كلها لا اله الا انت

وأسألك بعلوّ لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت وأسألك بإيابك لا إله إلا أنت يا لا إله إلا
أنت وأسألك بمشيئة لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت وأسألك بعلم لا إله إلا أنت
يا لا إله إلا أنت وأسألك بقرب لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت وأسألك بملك
لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت وأسألك بفضل لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت
وأسألك بكرم لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت وأسألك بنعمة لا إله إلا أنت
يا لا إله إلا أنت أن تصلّي على محمّد وآل محمّد وأن تمدّ لي في عمري وتوسّع عليّ في
رزقي وتصحّ لي جسمي وتبلّغ بي أملي اللهمّ إن كنت عندك من الأشقياء فامحني
من الأشقياء واكتبني من السعداء فإنّك قلت يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده
أمّ الكتاب. دعاء خواهی طلبی پس دو رکعت دیگر بگذار که شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب
مذکور گفته است که بعد از این دو رکعت این دعا بخوان اللهمّ إنّي أسألك بعزائم مغفرتك
وبواجب رحمتك السلامة من كلّ إثم والغنيمة من كلّ برّ والفوز بالجنّة والنجاة من مواجب / والعتق
النار اللهمّ دعاك الداعون ودعوتك وسألك السائلون وسألتك وطلب
الطالبون وطلبت إليك اللهمّ أنت الثقة والرجاء وإليك منتهى الرغبة
والدعاء في الشدّة والرخاء اللهمّ فصلّ على محمّد وآل محمّد واجعل اليقين في قلبي
والنور في بصري والنصيحة في صدري وذكرك بالليل والنهار على لساني ورزقاً وشكرك تم
واسعاً غير ممنون ولا محظور فارزقني وبارك لي فيما رزقتني واجعل غناي في نفسي
ورغبتي فيما عندك برحمتك يا أرحم الراحمين. و سيد در کتاب مذکور از کتاب ابن أبي قرّة
این دعا را بعد از این دو رکعت نقل نموده است يا لا إله إلا أنت ربّ كلّ شيء ووارثه
يا إله الآلهة الرفيع جلاله يا الله المعبود المحمود في كلّ فعاله يا الله الرحمن بكلّ
شيء والرؤوف بروح رحيم يا الله يا قيّوم فلا يفوته شيء ولا يؤوده يا الله الواحد الأحد

أنت قبل كلّ شيء وآخره يا الله الدائم بلا زوال ولا يفنى ملكه يا الله الصمد في غير
شبه ولا شيء كمثله يا الله الباري لكلّ شيء فلا شيء يكون كفوه يا الله
الكبير الذي لا يهتدي القلوب لكنه عظمته يا الله البديء البديع المنشئ الخالق
لكلّ شيء على غير مثال امتثله يا الله الزاكي الطاهر من كلّ آفة بقدسه يا الله الكافي
الرازق لكلّ ما خلق من عطايا فضله يا الله النقيّ من كلّ جور لم يرضه ولم يخالطه
فعاله يا الله المنّان ذو الإحسان والجود وقد عمّ الخلائق منّه يا الله الحنّان الذي
وسعت كلّ شيء رحمته يا الله الذي خضع العباد كلّهم وهيبته يا الله الخالق لمن في
السماوات والأرض وكلّ إليه معاده يا الله الرحمن بكلّ مستصرخ ومكروب وغياثه
يا الله لا تصف الألسن كنه جلاله وعزّه يا الله المبدئ الأشياء لم يستعن في
إنشائها بأحد من خلقه يا الله العلّام الغيوب الذي لا يؤوده شيء من حفظه يا الله
المعيد الباعث الوارث لجميع خلائقه يا الله الحكيم ذو الآلاء فلا شيء يعدله من
خلقه يا الله الفعّال لما يريد العوّاد بفضله على جميع خلقه يا الله العزيز المنيع الغالب
على خلقه فلا شيء يفوته يا الله العزيز ذو البطش الشديد الذي لا يطاق انتقامه
يا الله القريب في ارتفاعه العالي في دنوّه الذي ذلّ كلّ شيء لعظمته يا الله نور كلّ
شيء وهداه الذي فلق الظلمات نوره يا الله القدّوس الطاهر من كلّ شيء فلا شيء
يعادله يا الله القريب المجيب العالي المتداني دون كلّ شيء قربه يا الله الشامخ فوق
كلّ شيء علوّه وارتفاعه يا الله المبدئ الأشياء ومعيدها ولا تبلغ الأوقات كلّ
ثنائه يا الله الماجد الكريم العفوّ الذي وسع كلّ شيء عدله يا الله العظيم ذو العزّة
والكبرياء فلا يذلّ استكباره يا الله ذا السلطان القاهر الذي لا يطيق الألسن وصف
آلائه وثنائه صلّ على محمّد وآل محمّد واجعل فيما تقضي وتقدّر من الأمر المحتوم

المبدئ / ثانية

وفيما تفرق من الامر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد و لا يبدل ان تجعلني
من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم واجعل فيما تقضي و تقدر ان
تطيل عمري و توسع في رزقي وان تؤدي عني امانتي اللهم ارزقني حج بيتك
و زيارة قبر نبيك عليه السلام في عامي هذا في يسر منك و عافية و حوائج خود را سوال كن
بس دو ركعت ديگر بكن و شيخ طوسي طيب الله مضجعه در كتاب مذكور گفته كه بعد از اين دو ركعت
اين دعا را بخوان اللهم صل على محمد و ال محمد و فرغني لما خلقتني له و لا تشغلني بما
قد تكفلت لي به اللهم اني اسالك ايمانا لا يرتد و نعيما لا ينفد و مرافقة
نبيك محمد صلواتك عليه و اله في اعلى جنة الخلد اللهم اسالك رزق اني
يوم بيوم لا قليلا فاشقى و لا كثيرا فاطغى اللهم صل على محمد و ال محمد
و ارزقني من فضلك ما ترزقني به الحج و العمرة في عامي هذا و تقويني به على
الصوم و الصلوة فانك انت ربي و رجائي و عصمتي ليس لي معتصم الا انت و لا
رجاء غيرك و لا منجا منك الا اليك فصل على محمد و ال محمد و اتني في الدنيا
حسنة و في الاخرة حسنة و قني برحمتك عذاب النار و سيد در كتاب مذكور از كتاب
ابن ابي قره رضي الله عنه بعد از اين دو ركعت اين دعا را نقل نموده است اللهم اني بك
و منك اطلب حاجتي و من طلب حاجة الى احد فاني لا اطلب حاجتي الا منك
وحدك لا شريك لك و اسالك بفضلك و رحمتك و رضوانك ان تصلي على
محمد و ال محمد و اهل بيته و ان تجعل لي في عامي هذا الى بيتك الحرام سبيلا حجة
مبرورة متقبلة زاكية خالصة لك تقر بها عيني و ترفع بها درجتي و تكف
بها سمعي و ترزقني ان اغض بصري و ان احفظ فرجي عن جميع محارمك
و معاصيك حتى لا يكون شيء آثر عندي من طاعتك و خشيتك و العمل

بما احببت و الترك لما كرهت و نهيت عنه و اجعل ذلك في يسر و يسار و عافية في بدني
و جسدي و مالي و ولدي و اهل بيتي و اخواني و ما انعمت به علي و خولتني فاسالك
ان تجعل وفاتي قتلا في سبيلك مع اوليائك تحت راية نبيك صلواتك عليه و اله و اسالك
ان تقتل بي اعداءك و اعداء رسولك و اسالك ان تكرمني بهوان من شئت من خلقك
و لا تهني بكرامة احد من اوليائك و اجعل لي مع الرسول سبيلا حسبي الله ما شاء الله
توكلت على الله و لا حول و لا قوة الا بالله دو ركعت نماز ديگر بكن و شيخ طوسي طاب ثراه
در كتاب مذكور گفته كه بعد از ان اين دعا را بخوان اللهم لك الحمد كله و لك الملك كله و اليك
يرجع الامر كله علانيته و سره و انت منتهى الشان كله و بيدك الخير كله اللهم اني
اسالك من الخير كله و اعوذ بك من الشر كله اللهم صل على محمد و ال محمد و رضني واله
بقضائك و بارك لي في قدرك حتى لا احب تعجيل ما اخرت و لا تاخير ما عجلت اللهم
و اوسع علي من فضلك و ارزقني بركتك و استعملني في طاعتك و توفني عند انقضاء
اجلي و على سبيلك و لا تول امري غيرك و لا تزغ قلبي بعد اذ هديتني و هب لي من
لدنك رحمة انك انت الوهاب و سيد در كتاب مذكور از كتاب ابن ابي قره رحمه الله اين دعا را
بعد از اين دو ركعت نقل نموده است اللهم رب شهر رمضان الذي انزلت فيه القران
و افترضت على عبادك فيه الصيام صل على محمد و اهل بيته و ارزقني حج بيتك الحرام
في عامي هذا و في كل عام و اغفر لي الذنوب العظام فانه لا يغفرها غيرك يا رحمن يا علام
اللهم صل على محمد و اهل بيته و افتح مسامع قلبي لذكرك و اجعلني اصدق بكتابك
و اؤمن بوعدك و اوفي بعهدك و ارزقني من خشيتك ما اهرب به منك الى اليك
اللهم صل على محمد و اهل بيته و ارحمني رحمة تسعني و عافية تجللني و ارزقني رزقا
تغنيني و فرج عني فرجا يعمني يا اجود من سئل و يا اكرم من دعي و يا ارحم

من استرحم ويا ارأف من عفا ويا خير من اعتمد اذ عوله لهم لا يفرجه غيرك ولكرب
لا يكشفه سواك ولغم لا ينفسه الا انت ولرحمة لا تنال الا منك ولحاجة
لا تقضى الا بك فكما كان من شانك ما اذنت لي فيه من مسألتك ورحمتني به
من ذكرك فصل على محمد وآل محمد وفرج عني الساعة الساعة وخلصني من كل
ما اخاف على نفسي فانك ان لم تتداركني منك برحمة تخلصني بها لم اجد احدا غيرك
يخلصني ومن لي سواك انت انت انت لي يا ستار يا مولاي العواد بالمغفرة وانا العواد
بالمعصية وانا الذي لم ازل اتيك قبل معصيتي ولم ادرك على شهوتي فلا يمنعك
من اجابتي سترك علي وقبيح فعلي وعظيم جرمي بل تفضل علي برحمتك ومن علي بمغفرتك
وتجاوز عني بعفوك واستجب لي دعائي وعرفني الاجابة في جميع ذلك برحمتك
واسالك سيدي التشديد في امري والنجح في طلبتي والصلاح لنفسي والفلاح
لديني والسعة في رزقي وارزاق عيالي والافضال علي والقنوع بما قسمت لي اللهم
اقسم لي الكثير من فضلك واجر الخير على يدي ورضني بما قضيت علي وافض لي
بالغنى وقوني على صيام شهري وقيامه انك على كل شيء قدير يا ارحم الراحمين
وصلى الله على خير خلقه محمد وآل محمد وحوائج خود را سؤال كن پس دو ركعت نماز بكن
وشيخ طوسي رضي الله عنه در كتاب مذكور گفته است كه بعد از اين دو ركعت اين دعا را بخوان كه از
ابو حمزه ثمالي منقولست كه گفت ابتدا دعا را از حضرت امام محمد باقر عليه السلام اخذ نمودم و آنحضرت
ابتدا بدعای جامع مینمود و دعا اينست بسم الله الرحمن الرحيم
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله آمنت بالله
وبجميع رسل الله وبجميع ما انزلت به جميع رسل الله وان وعد الله حق ولقاءه
حق وصدق الله وبلغ المرسلون والحمد لله رب العالمين وسبحان الله كلما
سبح الله شيء وكما يحب الله ان يسبح والحمد لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله ان

يحمد ولا اله الا الله كلما هلل الله شيء وكما يحب الله ان يهلل والله اكبر كلما كبر الله
شيء وكما يحب الله ان يكبر اللهم اني اسالك مفاتيح الخير وخواتيمه وسوابغه وفوائده وشرائعه
وبركاته مما بلغ علمه علمي وما قصر عن احصائه حفظي اللهم صل على محمد وآل محمد
وانهج لي اسباب معرفته وافتح لي ابوابه وغشني بركات رحمتك ومن علي بعصمة
عن الازالة عن دينك وطهر قلبي من الشك ولا تشغل قلبي بدنياي وعاجل معاشي
عن آجل ثواب آخرتي واشغل قلبي بحفظ ما لا تقبل مني جهله وذلل لكل خير لساني وطهر
قلبي من الرياء والسمعة ولا تجره في مفاصلي واجعل عملي خالصا لك اللهم اني اعوذ بك
من الشر وانواع الفواحش كلها ظاهرها وباطنها وغفلاتها وجميع ما يريدني به الشيطان
الرجيم وما يريدني به السلطان العنيد مما احطت بعلمه وانت القادر على صرفه عني اللهم
اني اعوذ بك من طوارق الجن والانس وزوابعهم ومكايدهم ومشاهد الفسقة من الجن وبوائقهم وبواعثهم
والانس وان استزل عن ديني فتفسد علي آخرتي وان يكون ذلك منهم ضررا علي في معاشي
او يعرض بلاء يصيبني منهم لا قوة لي به ولا صبر لي على احتماله فلا تبتليني يا الهي بمقاساته
فيمنعني ذلك من ذكرك ويشغلني عن عبادتك انت العاصم المانع والدافع الواقي من ذلك
كله اسالك اللهم الرفاهية في معيشتي ما ابقيتني معيشة اقوى بها على طاعتك
وابلغ بها رضوانك واصير بها منك الى دار الحيوان غدا ولا ترزقني رزقا يطغيني
ولا تبتليني بفقر اشقى به مضيقا علي اعطني حظا وافرا في آخرتي ومعاشا واسعا
هنيئا مريئا في دنياي ولا تجعل الدنيا علي سجنا ولا تجعل فراقها علي حزنا
اجرني من فتنتها واجعل عملي فيها مقبولا وسعيي فيها مشكورا اللهم ومن ارادني بسوء سليما
فارده ومن كادني فكده واصرف عني هم من ادخل علي همه وامكر بمن مكر بي فانك فيها
خير الماكرين وافقا عني عيون الكفرة الظلمة الطغاة الحسدة اللهم صل على محمد

وآله وانزل علی منک سکینة والبنی وارزقنی درعک الحصینة واحفظنی بسترک
الواقی وجللنی عافیتک النافعة وصدق قولی وفعالی وبارک لی فی اهلی وولدی
ومالی وما قدمت واخرت وما اغفلت وما تعمدت وما توانیت وما اعلنت وما
اسررت فاغفر لی یا ارحم الراحمین وصل علی محمد وآله الطیبین الطاهرین کما انت اهله
یا ولی المؤمنین وسید در کتاب مذکور از کتاب ابن ابی قره رضوان الله علیه این دعا را بعد از این
دو رکعت نقل نموده است اللهم انی اسألک مسألة المسکین المستکین وابتغی الیک ابتغاء
البائس الفقیر واتضرع الیک تضرع المظلوم الضریر وابتهل الیک ابتهال المذنب الذلیل
الضعیف واسألک مسألة من خضعت لک نفسه وذلت لک رقبته ورغم لک
انفه وعفر لک وجهه وسقطت لک ناصیته وهملت لک دموعه واضمحلت عنه
حیلته وانقطعت عنه حجته وضعفت قوته واشتدت حسرته وعظمت ندامته
فصل علی محمد وآل محمد وارحم المضطر الیک المحتاج الی رحمتک بحقک العظیم یا عظیم
یا عظیم یا عظیم صل علی محمد وآل محمد واغفر لی ولوالدی ولجمیع المؤمنین والمؤمنات
واعطنی فی مجلسی هذا فکاک رقبتی من النار واوسع علی من رزقک الحلال المفضل
واعطنی من خزائنک وبارک لی فی اهلی ومالی وولدی وجمیع ما رزقتنی وارزقنی
الحج والعمرة فی عامی هذا فی اسبغ النفقة واوسع النعمة واجعل ذلک مقبولا مبرورا
خالصا لوجهک الکریم یا کریم یا کریم اکفنی مؤنة اهلی ونفسی وعیالی وغرمائی
وجیرانی وجمیع ما اخاف عسره ومؤنة خلقک اجمعین واکفنی شر فسقة العرب و
العجم وشر الصواعق والبرد وشر کل دابة انت آخذ بناصیتها انک علی کل
صراط مستقیم یا کریم یا کریم افعل بی ذلک برحمتک وهب لی حقک وتغمد
ذنوبی بمغفرتک ولا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة انک

[...] گناه او را بیامرزد سیم ایضاً صاحب کتاب صراط الزاهدین روایت کرده است از حضرت امیر المؤمنین
که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله گفت که هر که در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان بعد از نماز
نماز خفتن دو رکعت نماز بکند در هر رکعت الحمد یکبار و قل هو الله احد سه بار و در بعضی روایات
وارد شده که چون از نماز فارغ شود هفتاد نوبت استغفار کند بحق آن خداوندی که مرا بحق [...]
فرستاده واین فقیر وابش نوبت مکرر فرمود که خدای تعالی هفت هزار مغفرت را امر کند که برای او حسنات
بنویسند و سیئات محو کنند و درجات بلند گردانند تا آمدن ماه رمضان دیگر و در جنتهای
فردوس بنشانند و قصرها بنا کنند در بهشت و بنویسند برای او ثواب هفتاد هزار حج و ثواب آزادی
هفتاد هزار بنده دوم سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال گفته که نمازهای بسیار در
از شبهای این ماه وارد شده است و چون اعتماد و وثوق بر سند آنها نداشتم ذکر ننمودم سیم شیخ طوسی
قدس الله روحه در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت
کرده است که آنحضرت به جمیل بن صالح فرمود که اگر توانی در ماه رمضان و غیر آن از ماههای
دیگر در هر شبانروزی هزار رکعت نماز بجا آوری بکن بدرستی که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه در هر شبانروزی هزار رکعت نماز میکرد و ایضاً از آنحضرت روایت
کرده است که به ابو بصیر فرمود که ماه رمضان را حرمت زیادی هست که ماههای دیگر با آن شباهت
ندارد پس هر قدر که توانی نماز تطوع در شب و روز آن بکن و اگر توانی در هر شبانروزی هزار
رکعت نماز بکن بدرستی که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در آخر عمر شریف در هر
شبانروزی هزار رکعت نماز میگذارد والله تعالی هو الموفق مقصد دوم در بیان
هر شبه اعمال و ادعیه وارد شده است و آنها چند چیز است اول سید ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از
بعضی از آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین روایت کرده است که هر که این دعا را در هر شب از
ماه رمضان بخواند گناهان چهل ساله او آمرزیده شود و دعا اینست اللهم رب شهر رمضان
الذی انزلت فیه القرآن وافترضت علی عبادک فیه الصیام صل علی محمد وآل محمد
وارزقنی حج بیتک الحرام فی عامی هذا وفی کل عام واغفر لی تلک الذنوب العظام
فانه لا یغفرها غیرک یا رحمن یا علام دوم ابن بابویه علیه الرحمة چنانچه سید از او در کتاب
اقبال نقل نموده از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که از دعاهای هر شب ماه رمضان

ابدعاست اللهم اني اسألك فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم في الامر الحكيم في القضاء
الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم
المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر في الامر الحكيم
في القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تصلي على محمد وال محمد وان تطيل عمري
هر شب — سیم ايضا در كتاب مذكور بسند خود از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه از جمله
دعاهاي هر شبه ماه رمضان اين دعاست اللهم اني اسألك ان تجعل فيما تقضي وتقدر
من الامر المحتوم في الامر الحكيم من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج
بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عن سيئاتهم وان تجعل
فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري في خير وعافية وتوسع في رزقي وتجعلني ممن تنتصر به
لدينك ولا تستبدل بي غيري مؤلف گويد كه ممكن است كه اين دعا دعاي سابق بحسب باشد
واختلاف از نقل رواة ناشي شده والله تعالى يعلم چهارم ايضا بسند در كتاب مذكور گفته كه از جمله
دعاهاي هر شبه اين ماه اين دعاست اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين فارفعنا
هر شب — وبكاس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك فزوجنا ومن الولدان
فاكسنا — المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس
والحرير والاستبرق فالبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلا في سبيلك فوفق
يا خالق السمع والبصر — لنا وصالح الدعاء والمسألة فاستجب لنا واذا جمعت الاولين والاخرين يوم القيمة
فارحمنا وبراءة من النار فاكتب لنا وفي جهنم فلا تغلنا وفي عذابك وهوانك فلا
تبتلنا ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا ومع الشياطين فلا تجعلنا وفي النار على وجوهنا
فلا تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا
بلا اله الا انت — انت بحق لا اله الا انت فنجنا پنجم ايضا بسند صحيح و ديگران در كتابهاي مذكور از
كتاب محمد بن ابي قرة نقل نموده اند كه او بسند خود از ابو عمرو سكوني روايت كرده است

لم تكن

كه گفت از احمد بن محمد بن عثمان بغدادي سوال كردم كه من بخوانم كتاب ادعيه ماه رمضان را
كه عموي او محمد بن عثمان عمري رضي الله عنه كه از نواب حضرت صاحب الامر صلوات الله عليه
ميخوانده پس او كتابي كه جلد او سرخ بود بمن داد و من دعاهاي بسيار از آن كتاب نقل
واز جمله اين دعا بود و در عنوان آن دعا چنين بود كه بخوان اين دعا را در هر شبي از شبهاي ماه
رمضان بدرستي كه دعاي در اين ماه را ملائكه ميشنوند و استغفار مي نمايند براي صاحبان دعا — دعاي افتتاح
اينست اللهم اني افتتح الثناء بحمدك وانت مسدد للصواب بمنك وايقنت انك انت
ارحم الراحمين في موضع العفو والرحمة واشد المعاقبين في موضع النكال والنقمة
واعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة اللهم اذنت لي في دعائك ومسئلتك
فاسمع يا سميع مدحتي واجب يا رحيم دعوتي واقل يا غفور عثرتي فكم يا الهي من كربة
قد فرجتها وهموم قد كشفتها وعثرة قد اقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء
قد فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك في الملك
ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله بجميع محامده كلها على جميع نعمه كلها
الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه ولا منازع له في امره الحمد لله الذي لا شريك له
ولا شبيه له — في خلقه ولا شبيه له في عظمته الحمد لله الفاشي في الخلق امره وحمده الظاهر بالكرم
مجده الباسط بالجود يده الذي لا تنقص خزائنه ولا تزيده كثرة العطاء الا جودا
وكرما انه هو العزيز الوهاب اللهم اني اسألك قليلا من كثير مع حاجة بي اليه
عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير اللهم ان عفوك
عن — عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن
كثير جرمي عندما كان من خطائي وعمدي اطمعني في ان اسألك ما لا استوجبه
منك الذي رزقتني من رحمتك واريتني من قدرتك وعرفتني من اجابتك فصرت
ادعوك امنا واسألك مستانسا لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك فيما قصدت

بعواقب اليك فان ابطا عني عتبت بجهلي عليك ولعل الذي ابطا عني هو خير لي لعلمك بعاقبة
مولاي الامور فلم ار مولى كريما اصبر على عبد لئيم منك علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك
وتتحبب الي فاتبغض اليك وتتودد الي فلا اقبل منك كان لي التطول عليك ثم لم
فلم يمنعك ذلك من الرحمة لي والاحسان الي والتفضل علي بجودك وكرمك فارحم
عبدك الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم الحمد لله مالك الملك
مجري الفلك مسخر الرياح فالق الاصباح ديان الدين رب العالمين الحمد لله على حلمه بعد
القادر علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد لله على طول اناته في غضبه وهو قادر على
ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق فالق الاصباح ذي الجلال والاكرام والفضل
والاحسان والانعام الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي
شبيه ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده قهر بعزته الاعزاء
وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه
ويستر علي كل عورة وانا اعصيه ويعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة
هنيئة قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد اراني فاثني عليه
حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذي لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله
ولا يخيب امله الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين
ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف اخرين والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين
الظلمة مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد
المؤمنين الحمد لله الذي من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها
وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان
هدانا الله الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم

ويميت

ويميت الاحياء ويحيي الموتى وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم
صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وامينك وصفيك وحبيبك وخيرتك من خلقك
وحافظ سرك ومبلغ رسالاتك افضل واحسن واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب
واطهر واسنى واكثر ما صليت وباركت وترحمت وتحننت وسلمت على احد من عبادك
وانبيائك ورسلك وصفوتك واهل الكرامة عليك من خلقك اللهم صل على
علي امير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين عبدك ووليك واخي رسولك وحجتك
على خلقك وايتك الكبرى والنبا العظيم وصل على الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء
سيدة نساء العالمين وصل على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن والحسين سيدي
شباب اهل الجنة وصل على ائمة المسلمين علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد
وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والخلف
الهادي المهدي حججك على عبادك وامنائك في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم
وصل على ولي امرك القائم المؤمل والعدل المنتظر وحفه بملائكتك المقربين احففه
وايده بروح القدس يا رب العالمين اللهم اجعله الداعي الى كتابك والقائم
بدينك واستخلفه في الارض كما استخلفت الذين من قبله مكن له دينه الذي ارتضيته فاعزز
له ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه واعز به وانصره واعزز به
وانتصر به وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا واجعل له من لدنك سلطانا نصيرا
اللهم اظهر به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة احد من
الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها
النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا بها
كرامة الدنيا والاخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم

بِهِ شَعْثَنَا وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنَا وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنَا وَاَعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنَا وَاَغْنِ
بِهِ عَائِلَنَا وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنَا وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا وَبَيِّضْ
بِهِ وُجُوهَنَا وَفُكَّ بِهِ اَسْرَنَا وَاَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا وَاَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا
بِهِ سُؤْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ آمَالَنَا وَاَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ
وَاَوْسَعَ الْمُعْطِينَ اِشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَاَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ
مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ اِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا
اِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ اَللَّهُمَّ اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ اِمَامِنَا
وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانِ حَقٍّ
تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ششم کلینی و ابن بابویه و سید ابن طاوس قدس الله ارواحهم و دیگران بسندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده اند که یکی از اصحاب آنحضرت بخدمت او عرض نمود که چگونه بدانم که شب قدر در هر سالی می باشد فرمود که چون ماه مبارک رمضان داخل شود در هر شبی سوره دخان را صد نوبت بخوان پس چون شب بیست و سیم شود نظر خواهی کرد با آنچه سؤال نمودی و تصدیق آن خواهی نمود **هفتم** ایضا از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که شخصی فرمود که هرگاه ماه رمضان داخل شود هر شب سوره انا انزلناه را هزار مرتبه بخوان و چون شب بیست و سیم داخل شود دلرا محکم کن و گوشهای خود را بکشا تا عجایب بسیار بشنوی **مولف گوید** که سید و بعضی دیگر از علما از این دو حدیث چنین فهمیده اند که این دو سوره بعد از شب بیست و سیم نیز تا آخر ماه در هر شبی باید خوانده شود و محتمل است که مراد این باشد که تا شب بیست و سیم خوانده شود و بعد از آن ضرور نباشد والله تعالی یعلم

تذنیب بدانکه بعضی از ادعیه هر شبه چیزی چند است که در هر شب و هر روز باید خوانده شود و آنها چند چیز است **اول** سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق و امام موسی کاظم صلوات الله علیهما روایت کرده است که ایشان فرمودند که در تمام

ماه مبارک رمضان بعد از هر نماز واجب این دعا باید خوانده شود اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ
الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ مَا اَبْقَيْتَنِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَسَعَةِ رِزْقٍ وَلَا
تُخْلِنِي مِنْ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ وَالْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَفِي جَمِيعِ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَكُنْ لِي اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ
مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ
بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ
فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي وَتُؤَدِّيَ عَنِّي اَمَانَتِي وَدَيْنِي آمِينَ
رَبَّ الْعَالَمِينَ **نهم** ایضا سید در کتاب مذکور گفته که میخوانی در عقب هر نماز خواه نماز جمعه باشد خواه نماز اخفاتی این دعا را يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ اَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ
وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْعَلِيمُ وَهَذَا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ
الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ
هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا
خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ فَيَا ذَا الْمَنِّ وَلَا يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنَّ عَلَيَّ بِفَكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فِيمَنْ
تَمُنُّ عَلَيْهِ وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **مولف گوید** که کفعمی علیه الرحمه در کتاب جنة الامان این دعا را از کتاب فردوس برای هر روز این ماه نقل نموده و چون ضبط سید زیاده از کفعمی است اعتماد بر نقل سید بیشتر است والله تعالی یعلم **سیم** کفعمی علیه الرحمه در جنة الامان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در هر ماه رمضان بعد از هر نماز فریضه این دعا را بخواند حق تعالی گناهان او را بیامرزد تا روز قیامت و دعا اینست اَللَّهُمَّ اَدْخِلْ عَلَى اَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ
اَللَّهُمَّ اَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اَللَّهُمَّ اَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اَللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ اَللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ
كُلِّ مَدِينٍ اَللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ اَللَّهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَرِيبٍ اَللَّهُمَّ فُكَّ كُلَّ اَسِيرٍ

اللهم اصلح كل فاسد من امور المسلمين اللهم اشف كل مريض اللهم سد فقرنا بغناك اللهم
غير سوء حالنا بحسن حالك اللهم اقض عنا الدين واغننا من الفقر انك على كل شيء
قدير **جهارم** كلينى رضى الله عنه بسند خود از ابو بصير روايت كرده است كه حضرت صادق عليه السلام
در ماه مبارک رمضان اين دعا را ميخواند اللهم انى بك ومنك اطلب حاجتى
بك ومنك اطلب حاجتى ومن طلب حاجته الى الناس فانى لا اطلب حاجتى الا منك وحدك
لا شريك لك واسالك بفضلك ورضوانك ان تصلى على محمد وآل محمد وعلى اهل بيته
وان تجعل لى فى عامى هذا الى بيتك الحرام سبيلا حجة مبرورة متقبلة زاكية خالصة
لك تقر بها عينى وترفع بها درجتى وترزقنى ان اغض بصرى وان احفظ فرجى وان اكف
بها عن جميع محارمك حتى لا يكون شيء آثر عندى من طاعتك وخشيتك والعمل بما
احببت والترك لما كرهت ونهيت عنه واجعل ذلك فى يسر ويسار وعافية وما انعمت
به على واسالك ان تجعل وفاتى قتلا فى سبيلك تحت راية نبيك مع اوليائك
واسالك ان تقتل بى اعداءك واعداء رسولك واسالك ان تكرمنى بهوان من
شئت من خلقك ولا تهنى بكرامة احد من اوليائك اللهم اجعل لى مع الرسول سبيلا
حسبى الله ما شاء الله **مؤلف گوید** كه سيد در كتاب اقبال اين دعا را از آنحضرت روايت كرده كه با بو بصير
فرمود كه در شبهاى ماه مبارک رمضان بعد از مغرب براى طلب حج بيت الله الحرام اين دعا را بخوان
وكفعمى در جنة الامان گفته كه ابو الفتوح كراجكى در كتاب روضة العابدين گفته كه سنت است
كه در هر روز از ماه رمضان ودر شب ولكن اين دعا بايد خوانده شود واين دعا عابد حج ناميده
ميشود وچون روايت كلينى مقيد بوقت خاصى نيست بهتر آنست كه اين دعا در هر روز وهر شب بعد از
مغرب خوانده شود تا عمل بهمه روايات شده است والله تعالى يعلم **پنجم** در هر روز وهر شب پنجاه
مرتبه از سوره حمد وآية الكرسى وقل يا ايها الكافرون وقل هو الله احد ومعوذتين را سه نوبت
بخوان پس سه نوبت بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا
قوة الا بالله العلى العظيم وسه نوبت اللهم صل على محمد وآل محمد وسه نوبت اللهم
اغفر للمؤمنين والمؤمنات وچهارصد نوبت استغفر الله واتوب اليه بگو واين عمل فضيلت

عظيم

عظيم وثواب بسيار دارد چنانچه در باب بيستم از اعمال ماه رجب كه در بيان اعمال مشتركه ماه رجب وماه شعبان
وماه رمضانست مذكور شد **منه** روايت اين عمل چنانچه در فقره اول سابق ذكر يافت حديثى است كه شيخ
رحمه الله در كتاب اعلام الدين وكفعمى عليه الرحمه در كتاب بلد الامين از حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه
روايت كرده اند كه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود كه هر كه در هر روز وهر شب از ماه رجب وماه شعبان وماه
مبارک رمضان اين عمل را بجا آورد بحق آنكه نفس من در قبضه قدرت اوست كه هرگاه اين اعمال را
بجا آورد وچيزى را از اينها از او فوت نشود حق تعالى گناهان او را بيامرزد اگرچه مانند قطرات باران
وبرگ درختان وكف درياها باشد ودر روز عيد فطر از جانب حق تعالى منادى ندا كند
كه اى بنده من تويى ولى من ودوست من حقا واز براى توست نزد من بيست كرامت تو پيش
بهر حرفى شفاعتى در برادران وخواهران خود بحق آنكه مرا بحق وراستى مبعوث گردانيده
كه هر كه بخواند اين سوره ها را وبعمل آورد اين عمل را در روزها وشبهاى اين سه ماه اگرچه در تمام
عمر يكمرتبه باشد حق تعالى باو عطا فرمايد بهر حرفى هفتاد هزار حسنه كه هر حسنه سنگين تر باشد
از كوههاى دنيا وبرآورد براى او هفتصد حاجت در وقت قبض روح او وهفتصد حاجت
در وقت پرواز نمودن نامه هاى عمل وهفتصد حاجت در وقت گذشتن از صراط وهفتصد حاجت
در وقت برپا شدن ميزان واو را در ساية عرش خود جا دهد وحساب او را آسان گرداند
واو را هفتاد هزار ملک مشايعت نمايند تا به بهشت داخل شود ودر آنجا مهيا شده باشد براى او
چيزى چند كه هيچ ديده نديده باشد وهيچ گوشى نشنيده باشد **ودیگر** از دعاهاى مكرر ادعيه
عشر آخر شهر رمضان المبارک است كه بايد در هر شب از شبهاى عشر سيم ماه مبارک رمضان خوانده شود
چنانچه سيد ابن طاوس نور الله مرقده در كتاب اقبال بسند خود از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده
كه آنحضرت در هر شب از شبهاى عشر سيم ماه رمضان اين دعا را ميخواند اللهم انك قلت فى
كتابك شهر رمضان الذى انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان
فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فيه من القرآن وخصصته بليلة القدر وجعلتها
خيرا من الف شهر اللهم وهذه ايام شهر رمضان قد انقضت ولياليه قد تصرمت

وقد ضربت بالحي منه الى ما انت اعلم به مني واحصى لعدده من الخلق اجمعين فاسألك
بما سألك به ملائكتك المقربون وانبيائك المرسلون وعبادك الصالحون ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تفك رقبتي من النار وتدخلني الجنة برحمتك وان تتفضل
علي بالامن يوم الخوف من كل هول اعددته ليوم القيمة الهي واعوذ بوجهك الكريم
وبجلالك العظيم ان ينقضي ايام شهر رمضان ولياليه ولك قبلي تبعة او ذنب تؤاخذني
به او خطيئة تريد ان تقتصها مني لم تغفرها لي سيدي سيدي سيدي اسألك
بلا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان كنت رضيت عني في هذا الشهر فازدد
عني رضا وان لم تكن رضيت عني فمن الآن فارض عني يا ارحم الراحمين يا الله
يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد **ونیز بگو**
يا ملين الحديد لداود عليه السلام يا كاشف الضر والكرب العظام عن
ايوب عليه السلام اي مفرج هم يعقوب عليه السلام اي منفس غم يوسف
عليه السلام صل على محمد وآل محمد كما انت اهله ان تصلي عليهم اجمعين
وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله **مولف گوید** که اگر یا
ملين الحديد را تا آخر سه مرتبه بگوید شاید کافی باشد واگر زیاده بگوید بهتر است
سیم ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه روایت کرده است که آنحضرت در هر شب از شبهای عشر آخر ماه رمضان
این دعا را میخواند اعوذ بجلال وجهك الكريم ان ينقضي عني شهر
رمضان او يطلع الفجر من ليلتي هذه ويبقى لك عندي تبعة او ذنب
تعذبني عليه يوم القاك **چهارم** سید ابن باقی رحمه الله در کتاب اختیار
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که در هر شب از شبهای
عشر آخر ماه رمضان بعد از هر نماز از نمازهای واجبی و سنتی این دعا را بخوان

اللهم ادّ عنا حق ما مضى من شهر رمضان واغفر لنا تقصيرنا فيه وتسلمه منا مقبولا
ولا تؤاخذنا باسرافنا على انفسنا واجعلنا من المرحومين ولا تجعلنا من المحرومين
پس بدانکه هر که این عمل را بجا آورد حق تعالی بیامرزد هر گناهی را که در آنماه کرده باشد
و او را در بقیه ایام ماه از گناه نگاه دارد **مقصد سیم** در بیان آداب سحور و مطالب نفیسه
دو مائده بیان میشود **مائده اول** در بیان فضیلت سحور محمد بن یعقوب کلینی و ابن
بابویه و شیخ طوسی رضی الله عنهم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت
کرده اند که مستحب است برای بنده که سحور را ترک نکند **وایضا** از آنحضرت روایت کرده اند
که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که یاری کنید بخوردن سحور بر روزه و داشتن روز
و بخواب قیلوله بر عبادت کردن شب **وایضا** از آنحضرت از پدران بزرگوارش روایت
کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که سحور سبب برکت است پس فرمود که آن
بزرگوار پیغمبر بود که امت من ترک نکنند سحور را هر چند بجرعه های آب خنکی باشد
و کلینی و شیخ طوسی و شیخ مفید قدس الله ارواحهم از آنحضرت روایت کرده اند که حضرت
رسالت صلی الله علیه وآله فرمود که سحور کنید هر چند بشربت آبی باشد بدرستی که صلوات
الهی برای سحور کنندگانست و ابن بابویه و شیخ مفید رحمهما الله علیهما از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که بدرستی که حق تعالی
و ملائکه صلوات میفرستند بر سحور کنندگان و استغفار کنندگان در سحرها پس هر یک
از شما سحور کنید هر چند بشربت آبی باشد **وایضا** از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده اند که اگر مردم سحور کنند و بعد از آن بچیزی دیگر افطار نمایند قسم بخدا
که قادر می باشند بر روزه تمام عمر **تنبیه** بدانکه فضیلت سحور در ماه مبارک
رمضان زیاده از سایر اوقات است و ترک آن مکروه است و در غیر این ماه
جایز است و فضیلتی ندارد چنانکه کلینی رضی الله عنه از یحیی بن القاسم روایت

در بیان آداب سحور

کرده است که گفت پرسیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از سحور کردن برای کسی
که اراده روزه داشته باشد که آیا بر او واجب است یا نه فرمود باکی نیست که سحور نکند نخورد
اگر خواهد اما روزه در ماه مبارک رمضان افضل آنست که سحور بخورد و من دوست میدارم
که او ترک نکند وایضاً از سماعه روایت کرده است که گفت از آنحضرت پرسیدم از سحور کردن
کسی که روزه خواهد بدارد فرمود که اما در ماه رمضان پس فضیلت در خوردن سحور است
هر چند شربت آبی باشد و در روزه تطوع پس هر که خواهد سحور بخورد و هر که سحور نکند
باکی نیست مؤلف گوید که حکمت در این باب ظاهر آنست که در ماه مبارک رمضان
چون سی روز متعاقب روزه گرفته میشود ضعف در مزاج بیشتر بهم میرسد لهذا تاکید
زیاد در باب سحور که باعث تقویت مزاج و بدنست وارد شده است و روزه
تطوع چون غالب آنست که یک روز یا دو روز بیشتر نیست و بسبب آن ان قدر ضعف
بهم نمیرسد پس اگر سحور نخورد قصوری ندارد و دور نیست که در روزه سنت ماه
شعبان هرگاه کسی ماه شعبان را تمام روزه بدارد تاکید خوردن سحور زیاده از تطوع
باشد والله تعالی یعلم مائده دویم در بیان آنچه سحور بآن کنند و آنها چنانچه
از روایات ظاهر میشود چند چیز است اول آب چنانچه در احادیث سابقه
مذکور شد دویم خرما چنانچه سابق مذکور شد و بعد از این نیز مذکور میشود
سیم قاووت چنانچه شیخ طوسی رضی الله عنه از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که بهترین سحور شما خرما و قاووت است و شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب
مقنعه گفته است که در روایت وارد شده است که بهترین سحورها خرما و قاووت است
برای آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله بآنها سحور میفرموده است و مخفی نماند که از احادیث مذکوره
ظاهر میشود که خرما از همه افضل است و بعد از آن قاووت و بعد از آن آب و اگر همه را جمع نماید
افضل است والله تعالی یعلم مقصد چهارم در بیان ادعیه وقت سحر و آنها چنانچه از تتبع روایات

ظاهر

دعای مباهله در سحرهای ماه رمضان

ظاهر میشود چند دعاست اول سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال بسند خود از کتاب علی بن حسن
فضال و کتاب ابن ابی قره روایت کرده است که ایوب بن یقطین بخدمت حضرت امام رضا
علیه السلام عریضه نوشت و التماس نمود که آنحضرت این دعا را برای او بنویسد حضرت قبول فرمود و
دعا را نوشت و در جواب نوشت که این دعای حضرت امام محمد باقر علیه السلام است در سحرهای ماه
مبارک رمضان و پدرم بمن خبر داد که آنحضرت میفرمود که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد
حق تعالی و سرعت اجابت او هر آینه بر سر این دعا با یکدیگر مقاتله نمایند بشمشیرها و لیکن
حق تعالی مخصوص میگرداند برحمت خود هر که را میخواهد و جدم میفرمود که اگر سوگند یاد نمایم
که اسم اعظم الهی در این دعا داخل است هر آینه راست گفته‌ام پس هرگاه این دعا را بخوانی بخشوع بخوان
و در دعا کردن که این دعا از مکنون علم ما است و کتمان کنید آنرا مگر از اهلش که منافقین و مکذبین
و جاحدین از اهل این دعا نیستند و این دعا همانست که بدعای مباهله و دعای السحر
اللهم انی اسألک من بهائک بابهاه و کل بهائک بهی اللهم انی اسألک ببهائک کله
اللهم انی اسألک من جمالک باجمله و کل جمالک جمیل اللهم انی اسألک بجمالک کله
اللهم انی اسألک من جلالک باجله و کل جلالک جلیل اللهم انی اسألک بجلالک کله
اللهم انی اسألک من عظمتک باعظمها و کل عظمتک عظیمة اللهم انی اسألک بعظمتک کلها
اللهم انی اسألک من نورک بانوره و کل نورک نیر اللهم انی اسألک بنورک کله
اللهم انی اسألک من رحمتک باوسعها و کل رحمتک واسعة اللهم انی اسألک برحمتک کلها
اللهم انی اسألک من کلماتک باتمها و کل کلماتک تامة اللهم انی اسألک بکلماتک کلها
اللهم انی اسألک من کمالک باکمله و کل کمالک کامل اللهم انی اسألک بکمالک کله
اللهم انی اسألک من اسمائک باکبرها و کل اسمائک کبیرة اللهم انی اسألک باسمائک کلها
اللهم انی اسألک من عزتک باعزها و کل عزتک عزیزة اللهم انی اسألک بعزتک کلها
اللهم انی اسألک من مشیتک بامضاها و کل مشیتک ماضیة اللهم انی اسألک بمشیتک کلها
اللهم انی اسألک من قدرتک بالقدرة التی استطلت بها علی کل شیء و کل قدرتک مستطیلة

اللّهمّ انّی اسألک بقدرتک کلّها اللّهمّ انّی اسألک من علمک بانفذه وکلّ علمک نافذ
اللّهمّ انّی اسألک بعلمک کلّه اللّهمّ انّی اسألک من قولک بارضاه وکلّ قولک رضیّ
اللّهمّ انّی اسألک بقولک کلّه اللّهمّ انّی اسألک من مسائلک باحبّها الیک وکلّ مسائلک
اللّهمّ انّی اسألک بمسائلک کلّها اللّهمّ انّی اسألک من شرفک باشرفه وکلّ شرفک شریف
اللّهمّ انّی اسألک [illegible] اللّهمّ انّی اسألک من سلطانک بادومه وکلّ سلطانک
اللّهمّ انّی اسألک [illegible] انّی اسألک من ملکک بافخره وکلّ ملکک فاخر
اللّهمّ انّی اسألک بملکک کلّه اللّهمّ انّی اسألک من علوّک باعلاه وکلّ علوّک عال
اللّهمّ انّی اسألک بعلوّک کلّه اللّهمّ انّی اسألک من منّک باقدمه وکلّ منّک قدیم
اللّهمّ انّی اسألک بمنّک کلّه اللّهمّ انّی اسألک من آیاتک باکرمها وکلّ آیاتک کریمة
اللّهمّ انّی اسألک بآیاتک کلّها اللّهمّ انّی اسألک بما انت فیه من الشأن والجبروت و
اسألک بکلّ شأن وحده وجبروت وحدها اللّهمّ انّی اسألک بما تجیبنی حین اسألک
فاجبنی یا الله وافعل بی کذا وکذا و بجای کذا وکذا حاجات خود را طلب نماید که بر آورده
تنبیه سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال
گفته که در اصل کهنه از اصول اصحاب ما رضوان الله علیهم این دعا را برای سحر ماه مبارک دیدم
یا مفزعی عند کربتی ویا غوثی عند شدّتی الیک فزعت وبک استغثت وبک
لذت لا الوذ بسواک ولا اطلب الفرج الّا منک فاغثنی وفرّج عنّی یا من یقبل الیسیر
ویعفو عن الکثیر اقبل منّی الیسیر واعف عنّی الکثیر انّک انت الغفور الرّحیم اللّهمّ
انّی اسألک ایمانا تباشر به قلبی ویقینا حتّی اعلم انّه لن یصیبنی الّا ما کتبت لی ورضّنی
من العیش بما قسمت لی یا ارحم الرّاحمین یا عدّتی فی کربتی ویا صاحبی فی شدّتی
ویا ولیّی فی نعمتی ویا غایتی فی رغبتی انت السّاتر عورتی والآمن روعتی والمقیل
عثرتی فاغفر لی خطیئتی یا ارحم الرّاحمین سحر ایضا سید در کتاب اقبال از ان حضرت

عنوان تسبیح را برای سحر ماه مبارک رمضان نقل نموده است سبحان من یعلم جوارح القلوب
سبحان من یحصی عدد الذّنوب سبحان من لا تخفی علیه خافیة فی السّموات والارضین
سبحان الرّبّ الودود سبحان الفرد الوتر سبحان العظیم الاعظم سبحان من لا یعتدی
علی اهل مملکته سبحان من لا یؤاخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الحنّان المنّان
سبحان الرّؤوف الرّحیم سبحان الجبّار الجواد سبحان [illegible] سبحان البصیر العلیم
سبحان البصیر الواسع سبحان الله علی اقبال النّهار [illegible] علی ادبار النّهار سبحان
الله علی ادبار اللّیل واقبال النّهار وله الحمد والمجد والعظمة والکبریاء مع
کلّ نفس وکلّ طرفة عین وکلّ لمحة سبق فی علمه سبحانه ملء ما احصی کتابک
سبحان زنة عرشک سبحانک سبحانک سبحانک سحر ایضا شیخ طوسی در کتاب مصباح
وسید ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال بسند خود از ابو حمزه ثمالی روایت کرده اند که
حضرت سید السّاجدین صلوات الله وسلامه علیه در اکثر اوقات شبهای ماه مبارک رمضان
مشغول نماز می بود وچون سحر میشد این دعا را میخواندند و دیگران نیز این دعا را از آنحضرت
برای سحر ماه مبارک رمضان روایت نموده اند ودعا اینست الهی لا تؤدّبنی بعقوبتک
ولا تمکر بی فی حیلتک من این لی الخیر یا ربّ ولا یوجد الّا من عندک ومن این لی
النّجاة ولا تستطاع الّا بک لا الّذی احسن استغنی عن [illegible] برحمتک ولا الّذی
اساء واجترأ علیک ولم یرضک خرج عن قدرتک یا ربّ یا ربّ یا ربّ
بک عرفتک وانت دللتنی علیک ودعوتنی الیک ولو لا انت لم ادر ما
انت الحمد لله الّذی ادعوه فیجیبنی وان کنت بطیئا حین یدعونی والحمد لله الّذی
اسأله فیعطینی وان کنت بخیلا حین یستقرضنی والحمد لله الّذی اناديه کلّما
شئت لحاجتی واخلو به حیث شئت لسرّی بغیر شفیع فیقضی لی حاجتی والحمد
لله الّذی ادعوه ولا ادعو غیره ولو دعوت غیره لم یستجب لی دعائی والحمد لله الّذی

وكلني اليه فاكرمني ولم يكلني الى الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبب الي
وهو غني عني والحمد لله الذي يحلم عني حتى كاني لا ذنب لي فربي احمد شيء عندي
واحق بحمدي اللهم اني اجد سبل المطالب اليك مشرعة ومناهل الرجاء اليك
مترعة والاستعانة بفضلك لمن املك مباحة وابواب الدعاء اليك للصارخين
مفتوحة واعلم انك للراجي بموضع اجابة وللملهوفين بمرصد اغاثة وان في اللهف
الى جودك والرضا بقضائك عوضا عن منع الباخلين ومندوحة عما في ايدي المستاثرين
وان الراحل اليك قريب المسافة وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الامال دونك
وقد قصدت اليك بطلبتي وتوجهت اليك بحاجتي وجعلت بك استغاثتي وبدعائك
توسلي من غير استحقاق لاستماعك مني ولا استيجاب لعفوك عني بل لثقتي بكرمك
وسكوني الى صدق وعدك ولجائي الى الايمان بتوحيدك ويقيني بمعرفتك
مني ان لا رب لي غيرك ولا اله الا انت وحدك لا شريك لك اللهم انت القائل
وقولك حق ووعدك صدق واسألوا الله من فضله ان الله كان بكم رحيما وليس من
صفاتك يا سيدي ان تامر بالسؤال وتمنع العطية وانت المنان بالعطيات على
اهل مملكتك والعائد عليهم بتحنن رافتك الهي ربيتني في نعمك واحسانك
صغيرا ونوهت باسمي كبيرا فيا من رباني في الدنيا باحسانه وتفضله ونعمه
واشار لي في الاخرة الى عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي دليلي عليك وحبي لك
شفيعي اليك وانا واثق من دليلي بدلالتك وساكن من شفيعي الى شفاعتك
ادعوك يا سيدي بلسان قد اخرسه ذنبه رب اناجيك بقلب قد اوبقه جرمه
ادعوك يا رب راهبا راغبا راجيا خائفا اذا رايت مولاي ذنوبي فزعت واذا
رايت كرمك طمعت فان عفوت فخير راحم وان عذبت فغير ظالم حجتي يا الله في

فصل على محمد وال محمد

جرأتي على مسألتك مع اتياني ما تكره جودك وكرمك وعدتي في شدتي مع قلة حيائي
رافتك وقد رجوت ان لا تخيب بين ذين وذين منيتي فحقق رجائي واسمع دعائي يا خير
من دعاه داع وافضل من رجاه راج عظم يا سيدي املي وساء عملي فاعطني من عفوك
بمقدار املي ولا تؤاخذني باسوء عملي فان كرمك يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك
يكبر عن مكافاة المقصرين وانا يا سيدي عائذ بفضلك هارب منك اليك متنجز ما
وعدت من الصفح عمن احسن بك ظنا وما انا يا رب وما خطري هبني بفضلك وتصدق
علي بعفوك اي رب وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك فلو اطلع
اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته لا لانك اهون
الناظرين الي واخف المطلعين علي بل لانك يا رب خير الساترين واحلم الاحلمين
واكرم الاكرمين ستار العيوب غفار الذنوب علام الغيوب تستر الذنب بكرمك
وتؤخر العقوبة بحلمك فلك الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك بعد قدرتك
ويجرئني على معصيتك حلمك عني ويدعوني الى قلة الحياء سترك علي ويسرعني على
التوثب على محارمك معرفتي بسعة رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حي يا قيوم
يا غافر الذنب ويا قابل التوب يا عظيم المن يا قديم الاحسان اين سترك الجميل اين
عفوك الجليل اين فرجك القريب اين غياثك السريع اين رحمتك الواسعة اين
عطاياك الفاضلة اين مواهبك الهنيئة اين صنايعك السنية اين فضلك العظيم
اين منك الجسيم اين احسانك القديم اين كرمك يا كريم به وبمحمد وال محمد
عليهم السلام فاستنقذني وبرحمتك فخلصني يا محسن يا مجمل يا منعم
يا مفضل لست اتكل في النجاة من عقابك على اعمالنا بل بفضلك
علينا لانك اهل التقوى واهل المغفرة تبدي بالاحسان نعما وتعفو عن الذنب

كرماً فما ندري ما نشكر اجميل ما تنشر ام قبيح ما تستر ام عظيم ما ابليت واوليت ام كثير
ما منه نجيت وعافيت يا حبيب من تحبب اليك ويا قرة عين من لاذ بك وانقطع اليك
انت المحسن ونحن المسيئون فتجاوز يا رب عن قبيح ما عندنا بجميل ما عندك واي جهل
يا رب لا يسعه جودك او اي زمان اطول من اناتك وما قدر اعمالنا في جنب نعمك وكيف
نستكثر اعمالا نقابل بها كرمك بل كيف يضيق على المذنبين ما وسعهم من رحمتك
يا واسع المغفرة ويا باسط اليدين بالرحمة فوعزتك يا سيدي لو نهرتني ما برحت من
بابك ولا كففت عن تملقك لما انتهى الي من المعرفة بجودك وكرمك وانت
الفاعل لما تشاء تعذب من تشاء بما تشاء كيف تشاء وترحم من تشاء بما تشاء كيف
تشاء ولا تسأل عن فعلك ولا تنازع في ملكك ولا تشارك في امرك ولا تُعاد ولا
تضاد في حكمك ولا يعترض عليك احد في تدبيرك لك الخلق والامر تبارك الله
رب العالمين انت احسن الخالقين ورب العالمين يا رب هذا مقام من لاذ بك
واستجار بكرمك والف احسانك ونعمك وانت الجواد الذي لا يضيق عفوك ولا ينقص
فضلك ولا تقل رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القديم والفضل العظيم والرحمة
الواسعة افتراك يا رب تخلف ظنوننا او تخيب امالنا كلا يا كريم فليس هذا ظننا
بك ولا هذا طمعنا فيك يا رب ان لنا فيك املا طويلا كثيرا ان لنا فيك رجاء
عظيما عصيناك ونحن نرجو ان تستر علينا ودعوناك ونحن نرجو ان تستجيب لنا
فحقق رجاءنا مولانا فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا ولكن علمك فينا وعلمنا
بانك لا تصرفنا عنك حثنا على الرغبة اليك وان كنا غير مستوجبين لرحمتك فانت
اهل ان تجود علينا وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما انت اهله وجد
علينا فانا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا

وامسينا ذنوبنا بين يديك نستغفرك اللهم منها ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم ونعارضك
بالذنوب خيرك الينا نازل وشرنا اليك صاعد ولم يزل ولا يزال ملك كريم
ياتيك عنا في كل يوم بعمل قبيح فلا يمنعك ما ياتي منا من ذلك ان تحوطنا
برحمتك وتتفضل علينا بآلائك فسبحانك ما احلمك واعظمك واكرمك مبدئا
ومعيدا تقدست اسماؤك وجل ثناؤك وكرم صنائعك وفعالك انت الهي
اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو العفو العفو
سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا بذكرك واعذنا من سخطك واجرنا
من عذابك وارزقنا من مواهبك وانعم علينا من فضلك وارزقنا حج بيتك
وزيارة قبر نبيك صلواتك ورحمتك ومغفرتك وبركاتك ورضوانك عليه
وعلى اهل بيته انك قريب مجيب اللهم وارزقنا عملا بطاعتك وتوفنا على
ملتك وسنة نبيك صلى الله عليه وآله رسولك عليه السلام اللهم صل على
محمد وآله واغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا واجزهما بالاحسان
احسانا وبالسيئات غفرانا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات
الاحياء منهم والاموات وتابع بيننا وبينهم بالخيرات اللهم اغفر لحينا
وميتنا وشاهدنا وغائبنا ذكرنا وانثانا صغيرنا وكبيرنا حرنا وعبدنا
كذب العادلون بالله وضلوا ضلالا بعيدا وخسروا خسرانا مبينا اللهم صل
على محمد وآل محمد واختم لي بخير واكفني ما اهمني من امر دنياي وآخرتي ولا
تسلط علي من لا يرحمني واجعل علي منك واقية باقية ولا تسلبني صالح
ما انعمت به علي وارزقني من فضلك رزقا واسعا حلالا طيبا اللهم واحرسني
بحراستك واحفظني بحفظك واكلاني بكلاءتك وارزقني حج بيتك الحرام في

عامنا هذا وفي كل عام ما ابقيتنا وارزقني زيارة قبر نبيك والائمة عليهم السلام
ولا تخلني يا رب من تلك المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة اللهم تب علي حتى لا
اعصيك والهمني الخير والعمل به وخشيتك بالليل والنهار ابدا ما ابقيتني يا رب
العالمين اللهم اني كلما قلت قد تهيأت وتعبأت وقمت للصلوة بين يديك ونا
جيتك القيت علي نعاسا اذا انا صليت وسلبتني مناجاتك اذا انا ناجيتك مالي كلما
قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوابين مجلسي عرضت لي بلية ازالت قدمي
وحالت بيني وبين خدمتك سيدي لعلك عن بابك طردتني وعن خدمتك نحيتني او
لعلك رايتني مستخفا بحقك فاقصيتني او لعلك رايتني معرضا عنك فقليتني او
لعلك وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني او لعلك رايتني غير شاكر لنعمائك فحرمتني
او لعلك فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني او لعلك رايتني في الغافلين فمن رحمتك
ايستني او لعلك رايتني آلف مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني او لعلك لم تحب ان
تسمع دعائي فباعدتني او لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني او لعلك بقلة حيائي
منك جازيتني فان عفوت يا رب فطالما عفوت عن المذنبين قبلي لان كرمك
اي رب يجل عن مجازات المذنبين وحلمك يكبر عن مكافات المقصرين وانا عائذ
بفضلك هارب منك اليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن احسن بك ظنا الهي
انت اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقايسني بعملي او ان تستزلني بخطيئتي وما
انا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك يا سيدي وتصدق علي بعفوك وجللني
بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك سيدي انا الصغير الذي ربيته وانا الجاهل
الذي علمته وانا الضال الذي هديته وانا الوضيع الذي رفعته وانا الخائف الذي
امنته وانا الجائع الذي اشبعته والعطشان الذي ارويته والعاري الذي

صلواتك عليه وآله
تخلني يا رب من تلك المواقف الشريفة والمشاهد الكريمة
تعبيت
جيتك
الكذابين
لجرائي بجرائي
غفرت
عارف
متنجز منتجز

كسوته والفقير الذي اغنيته والضعيف الذي قويته والذليل الذي اعززته والسقيم
الذي شفيته والسائل الذي اعطيته والمذنب الذي سترته والخاطئ الذي اقلته
وانا القليل الذي كثرته والمستضعف الذي نصرته وانا الطريد الذي آويته
انا يا رب الذي لم استحيك في الخلاء ولم اراقبك في الملاء انا صاحب الدواهي العظمى
انا الذي على سيده اجترى انا الذي عصيت جبار السماء انا الذي اعطيت على معاصي
انا الذي حين بشرت بها خرجت اليها اسعى انا الذي امهلتني فما ارعويت وسترت علي
فما استحييت وعملت بالمعاصي فتعديت واسقطتني من عينك فحلمك امهلتني
وبسترك سترتني حتى كانك اغفلتني ومن عقوبات المعاصي جنبتني حتى كانك استحييتني
الهي لم اعصك حين عصيتك وانا بربوبيتك جاحد ولا بامرك مستخف ولا لعقوبتك
متعرض ولا لوعيدك متهاون ولكن عرضت وسولت لي نفسي وغلبني هواي واعانني
عليها شقوتي وغرني سترك المرخى علي فقد عصيتك وخالفتك بجهدي فالآن من
عذابك من يستنقذني ومن ايدي الخصماء غدا من يخلصني وبحبل من اتصل ان انت
قطعت حبلك عني فواسوأتا على ما احصى كتابك من عملي الذي لولا ما ارجو
من كرمك وسعة رحمتك ونهيك اياي عن القنوط لقنطت عندما اتذكرها
يا خير من دعاه داع وافضل من رجاه راج اللهم بذمة الاسلام اتوسل اليك
وبحرمة القرآن اعتمد عليك وبحبي للنبي الامي القرشي الهاشمي العربي التهامي
المكي المدني ارجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس ايماني ولا تجعل ثوابي
ثواب من عبد سواك فان قوما امنوا بالسنتهم ليحقنوا دمائهم فادركوا ما املوا وانا امنا
بك بالسنتنا وقلوبنا لتعفو عنا فادرك بنا ما املنا وثبت رجاءك في صدورنا
ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب فوعزتك

فلك الحمد
على المعاصي جليل الرشا
علت فما باليت
جاهل
خطيئته
فواسفاه فواسوأتاه
وبحب النبي مصباح منهاج
صلواتك عليه وآله
مصباح منهاج
فادركنا ما نرجو

لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما أُلهم قلبي من المعرفة بكرمك
وسعة رحمتك الى من يذهب العبد الا الى مولاه والى من يلتجأ المخلوق الا الى خالقه
الهي لو قرنتني بالاصفاد ومنعتني سيبك من بين الاشهاد ودللت على فضائحي
عيون العباد وامرت بي الى النار وحلت بيني وبين الابرار ما قطعت رجائي
منك وما صرفت وجه تاميلي للعفو عنك ولا خرج حبك من قلبي انا لا انسى اياديك
عندي وسترك علي في دار الدنيا يا سيدي صل على محمد وال محمد واخرج حب الدنيا
من قلبي واجمع بيني وبين المصطفى واله خيرتك من خلقك وخاتم النبيين محمد
صلى الله عليه واله وانقلني الى درجة التوبة اليك واعني بالبكاء على نفسي فقد
افنيت بالتسويف والامال عمري وقد نزلت منزلة الايسين من خيري فمن يكون اسوء
حالا مني ان انا نقلت على مثل حالي الى قبر لم امهده لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح
لضجعتي ومالي لا ابكي ولا ادري الى ما يكون مصيري وارى نفسي تخادعني وايامي
تخاتلني وقد خفقت عند راسي اجنحة الموت فما لي لا ابكي ابكي لخروج نفسي ابكي لظلمة قبري
ابكي لضيق لحدي ابكي لسؤال منكر ونكير اياي ابكي لخروجي من قبري عريانا ذليلا
حاملا ثقلي على ظهري انظر مرة عن يميني واخرى عن شمالي اذ الخلائق في شان غير
شاني لكل امرئ منهم يومئذ شان يغنيه وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة مستبشرة
ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة سيدي عليك معولي ومعتمدي
ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي تصيب برحمتك من تشاء وتهدي بكرامتك
من تحب فلك الحمد على ما نقيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط لساني افبلساني
هذا الكال اشكرك ام بغاية جهدي في عملي ارضيك وما قدر لساني يا رب
في جنب نعمك واحسانك الي الا ان جودك بسط املي وشكرك قبل عملي سيدي

يا سيدي
في الاصفاد
صلواتك
وسلم
قبري وقد
فوق
ثقلي
ترهقهم قترة
والذلة
برحمتك
اللهم
الهي جودك

اليك رغبتي ومنك رهبتي واليك تاميلي وقد ساقني اليك املي وعليك يا واحدي
عكفت همتي وفيما عندك انبسطت رغبتي ولك خالص رجائي وخوفي وبك انست محبتي
واليك القيت بيدي وبحبل طاعتك مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك
بردت الم الخوف عني فيا مولاي ويا مؤملي ويا منتهى سؤلي صل على محمد وال محمد وفرق
بيني وبين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتك فانما اسالك لقديم الرجاء فيك وخوفي اليك
وعظيم الطمع منك الذي اوجبته على نفسك من الرافة والرحمة فالامر لك وحدك
لا شريك لك والخلق كلهم عيالك وفي قبضتك وكل شيء خاضع لك تباركت يا رب
العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت حجتي وكل عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك اياي
لبي فيا عظيم رجائي ولا تخيبني اذا اشتدت فاقتي اليك ولا تردني لجهلي ولا تمنعني
لقلة صبري واعطني لفقري وارحمني لضعفي سيدي عليك معتمدي ومعولي
ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي وبفنائك احط رحلي ولجودك اقصد طلبتي وبكرمك
اي رب استفتح دعائي ولديك ارجو فاقتي وبغناك اجبر عيلتي وتحت ظل عفوك
قيامي والى جودك وكرمك ارفع بصري والى معروفك اديم نظري فلا تحرقني بالنار
وانت موضع املي ولا تسكني الهاوية فانك قرة عيني يا سيدي لا تكذب ظني باحسانك
ومعروفك فانك ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فانك العارف بفقري الهي قد دنا اجلي
ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف اليك بذنبي وسائل عللي الهي ان عفوت فمن اولى
منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت
كربتي وفي القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي واذا نشرت للحساب بين يديك ذل موقفي
واغفر لي ما خفي على الادميين من عملي وادم لي ما به سترتني وارحمني صريعا على الفراش
تقلبني ايدي احبتي وتفضل علي ممدودا على المغتسل يغسلني صالح جيرتي وتحنن

اليك علقت
اليك همتي
علقت
لك
فيك
عيالك
لا ترحمني
عظيم رجائي لكل
رجائي
فلا تخيبني اذا اشتدت
اليك فاقتي
حيا فاقتي وبغناك
ولا تحرقني
عملي
في الحكم منك اللهم
فارحم
تقلبني

وخصني منك بخاصة ذكرك ولا تجعل شيئاً مما اتقرب به في آناء الليل واطراف النهار
رياء ولا سمعة ولا اشراً ولا بطراً واجعلني لك من الخاشعين اللهم واعطني السعة في الرزق
والامن في الوطن وقرة العين في الاهل والمال والولد والمقام في نعمك عندي والصحة في — نعمتك
الجسم والقوة في البدن والسلامة في الدين واستعملني بطاعتك وطاعة رسولك محمد واهل — صلى الله عليه وآله
بيته صلواتك عليه وآله وسلم ابداً ما استعمرتني واجعلني من اوفر عبادك عندك نصيباً
في كل خير انزلته وتنزله في شهر رمضان في ليلة القدر وما انت منزله في كل
سنة من رحمة تنشرها وعافية تلبسها وبلية تدفعها وحسنات تتقبلها وسيئات تجاوز
عنها وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وارزقني رزقاً واسعاً من فضلك — حلالاً طيباً
الواسع الطيب واصرف عني يا سيدي الاسواء واقض عني الدين والظلامات حتى لا — اتأذى
اتأذى بشيء منه وخذ عني باسماع وابصار اعدائي وحسادي والباغين علي وانصرني — اعدائي وابصار حسادي
عليهم واقر عيني وفرح قلبي واجعل لي من همي وكربي فرجاً ومخرجاً واجعل من ارادني — وحقق ظني
بسوء من جميع خلقك تحت قدمي واكفني شر الشيطان وشر السلطان وسيئات عملي
وطهرني من الذنوب كلها واجرني من النار بعفوك وادخلني الجنة برحمتك وزوجني من
الحور العين بفضلك والحقني باوليائك الصالحين محمد وآله الابرار الطيبين الطاهرين
الاخيار صلواتك عليه وعليهم وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة الله وبركاته — صلوات الله / اجسادهم وارواحهم
الهي وسيدي وعزتك وجلالك لئن طالبتني بذنوبي لاطالبنك بعفوك ولئن
طالبتني بذنوبي بلؤمي لاطالبنك بكرمك ولئن ادخلتني النار لاخبرن اهل النار
بحبي لك الهي وسيدي ان كنت لا تغفر الا لاوليائك واهل طاعتك فالى من يفزع
المذنبون وان كنت لا تكرم الا اهل الوفاء بك فبمن يستغيث المسيئون الهي ان
ادخلتني النار ففي ذلك سرور عدوك وان ادخلتني الجنة ففي ذلك سرور نبيك

على محمولاً قد تناول الاقرباء اطراف جنازتي وجُد علي منقولاً قد نزلت بك وحيداً
في حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد غربتي حتى لا استأنس بغيرك يا سيدي فانك
ان وكلتني الى نفسي هلكت سيدي فبمن استغيث ان لم تقلني عثرتي فالى من افزع ان فقدت
عنايتك في ضجعتي والى من التجئ ان لم تنفس كربتي سيدي من لي ومن يرحمني ان لم ترحمني
وفضل من اؤمل ان عدمت فضلك يوم فاقتي والى من الفرار من الذنوب اذا انقضى اجلي — فقدت عظم املك
سيدي لا تعذبني وانا ارجوك اللهم حقق رجائي وآمن خوفي فان كثرة ذنوبي لا ارجو — الهي
فيها الا عفوك سيدي انا اسالك ما لا استحق وانت اهل التقوى واهل المغفرة فاغفر لي — لها
والبسني من نظرك ثوباً يغطي علي التبعات وتغفرها لي ولا اطالب بها انك ذو من قديم — الذنوب
وصفح عظيم وتجاوز كريم الهي انت الذي تفيض سيبك على من لا يسألك وعلى الجاحدين — لم يسألك
بربوبيتك فكيف سيدي بمن سالك وايقن ان الخلق لك والامر اليك تباركت
وتعاليت يا رب العالمين الهي وسيدي عبدك ببابك اقامته الخصاصة بين يديك
يقرع باب احسانك بدعائه ويستعطف جميل نظرك بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك
الكريم عني واقبل مني ما اقول فقد دعوت بهذا الدعاء وانا ارجوا ان لا تردني معرفة — دعوتك
مني برأفتك ورحمتك الهي انت الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك نائل انت كما تقول
وفوق ما نقول اللهم اني اسالك صبراً جميلاً وفرجاً قريباً وقولاً صادقاً واجراً عظيماً — يقول القائلون
واسالك يا رب من الخير كله ما علمت منه عبادك الصالحون يا خير من سئل ويا اجود — صل على محمد وآل محمد
من اعطى اعطني سؤلي في نفسي واهلي وولدي ووالدي واهل حزانتي واخواني فيك — ووالدي وولدي
وارغد عيشي واظهر مروتي واصلح جميع احوالي واجعلني ممن اطلت عمره وحسنت
عمله واتممت عليه نعمتك ورضيت عنه واحييته حيوة طيبة في ادوم السرور
واسبغ الكرامة واتم العيش انك تفعل ما تشاء ولا تفعل ما يشاء غيرك اللهم

وخصني

وانا والله اعلم سرور نبيك احب اليك من سرور عدوك اللهم اني اسالك ان تملأ قلبي
حبا لك وخشية منك وتصديقا بكتابك وايمانا بك وفرقا منك وشوقا اليك يا ذا الجلال
والاكرام حبب الي لقاءك واحبب لقائي واجعل لي في لقائك الراحة والفرج و
الكرامة اللهم الحقني بصالح من مضى واجعلني من صالح من بقي وخذ بي سبيل الصالحين
واعني على نفسي بما تعين به الصالحين على انفسهم واختم عملي باحسنه واجعل ثوابي
عليه الجنة برحمتك يا رب العالمين واعني على صالح ما اعطيتني وثبتني يا رب ولا
تردني في سوء استنقذتني منه اللهم اني اسالك ايمانا لا اجل له دون لقائك احيني
ما احييتني عليه وتوفني اذا توفيتني عليه وابعثني اذا بعثتني عليه وابرئ قلبي من الرياء
والشك والسمعة في دينك حتى يكون عملي خالصا لك اللهم اعطني بصيرة في دينك
وفهما في حكمك وفقها في علمك وكفلين من رحمتك وورعا يحجزني عن معصيتك وبيض
وجهي بنورك واجعل رغبتي فيما عندك وتوفني في سبيلك وعلى ملة رسولك صلى الله عليه
وآله اللهم اني اعوذ بك من الكسل والفشل والهم والفقر والحزن والجبن والبخل
والغفلة والقسوة والذلة والمسكنة والفقر والفاقة وكل بلية والفواحش ما
ظهر منها وما بطن واعوذ بك من نفس لا تقنع ومن بطن لا يشبع وقلب لا يخشع ودعاء
لا يسمع وعمل لا ينفع وصلوة لا ترفع واعوذ بك يا رب على نفسي وولدي وديني ومالي
وعلى جميع ما رزقتني من الشيطان الرجيم انك انت السميع العليم اللهم انه لا يجيرني
منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا فلا تجعل نفسي في شيء من عذابك ولا تردني
بهلكة ولا تردني بعذاب اليم اللهم وتقبل مني واعل كعبي وذكري وارفع
درجتي وحط وزري ولا تذكرني بخطيئتي واجعل ثواب مجلسي وثواب
منطقي وثواب دعائي رضاك عني والجنة واعطني يا رب جميع ما سألتك

وزدني

وزدني من فضلك اني اليك راغب يا رب العالمين اللهم انك انزلت في كتابك العفو
وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا فاعف عنا فانك اولى بذلك منا وامرتنا
ان لا نرد سائلا عن ابوابنا وقد جئتك سائلا فلا تردني الا بقضاء حاجتي وامرتنا بالاحسان
الى ما ملكت ايماننا ونحن ارقاؤك فاعتق رقابنا من النار يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي
عند شدتي اليك فزعت وبك استغثت ولذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج الا منك
فاغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عني الكثير
انك انت الرحيم الغفور اللهم اني اسالك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم
انه لن يصيبني الا ما كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا ارحم الراحمين
شيخ طوسي رحمه الله عليه در مصباح و سيد بن طاوس طاب ثراه در اقبال و كفعمي در جنة الامان
و ديگران در كتب ادعيه گفته اند كه در هر شب ماه رمضان اين دعا را بخوان يا عدتي في كربتي ويا صاحبي
في شدتي ويا وليي في نعمتي ويا غياثي في رغبتي انت الساتر عورتي والمؤمن روعتي
والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي اللهم اني اسالك خشوع الايمان قبل خشوع الذل
في النار يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا من يعطي
من سأله تحننا منه ورحمة ويبتدئ بالخير من لم يسأله تفضلا منه وكرما
بكرمك الدائم صل على محمد واهل بيته وهب لي رحمة واسعة جامعة ابلغ بها خير
الدنيا والآخرة اللهم اني استغفرك لما تبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك
لكل خير اردت به وجهك فخالطني فيه ما ليس لك اللهم صل على محمد وآل محمد
واعف عن ظلمي وجرمي بحلمك وجودك يا كريم يا من لا يخيب سائله ولا ينفد
نائله يا من علا فلا شيء فوقه ودنا فلا شيء دونه صل على محمد وآل محمد وارحمني
يا فالق البحر لموسى الليلة الليلة الليلة الساعة الساعة الساعة اللهم طهر قلبي من
النفاق وعملي من الرياء ولساني من الكذب وعيني من الخيانة فانك تعلم خائنة

وما تخفي الصدور يا رب هذا مقام العائذ بك من النار هذا مقام المستجير بك من النار هذا
مقام المستغيث بك من النار هذا مقام الهارب اليك من النار هذا مقام من يبوء لك
بخطيئته ويعترف بذنبه ويتوب الى ربه هذا مقام البائس الفقير هذا مقام الخائف
المستجير هذا مقام المحزون المكروب هذا مقام المحزون المغموم المهموم هذا مقام الغريب
الغريق هذا مقام المستوحش الفرق هذا مقام من لا يجد لذنبه غافرا غيرك ولا لهمه
مفرجا سواك يا الله يا كريم لا تحرق وجهي بالنار بعد سجودي وتعفيري بغير من مني
عليك بل لك الحمد والمن والفضل علي ارحم اي رب اي رب اي رب تا نفس منقطع شود
ضعفي وقلة حيلتي ورقة جلدي وتبدد اوصالي وتناثر لحمي وجسمي وجسدي ووحدتي
ووحشتي في قبري وجزعي من صغير البلاء اسألك يا رب قرة العين والاغتباط
يوم الحسرة والندامة بيض وجهي يا رب يوم تسود فيه الوجوه وآمني من الفزع الاكبر
اسألك البشرى يوم تقلب فيه القلوب والابصار والبشرى عند فراق الدنيا الحمد لله
الذي ارجوه عونا في حياتي واعده ذخرا ليوم فاقتي الحمد لله الذي ادعوه ولا ادعو
غيره ولو دعوت غيره لخيب دعائي الحمد لله الذي ارجوه لا ارجو غيره ولو رجوت غيره
لاخلف رجائي الحمد لله المنعم المحسن المجمل المفضل ذي الجلال والاكرام ولي كل
نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة اللهم صل على
محمد وآل محمد وارزقني اليقين وحسن الظن بك واثبت رجاءك في قلبي واقطع رجائي
عمن سواك حتى لا ارجو غيرك ولا اثق الا بك يا لطيفا لما يشاء الطف لي في جميع احوالي
بما تحب وترضى يا رب اني ضعيف على النار فلا تعذبني بالنار يا رب ارحم دعائي
وتضرعي وخوفي وذلي ومسكنتي وتعويذي وتلويذي يا رب اني ضعيف عن طلب
الدنيا وانت واسع كريم واسألك يا رب بقوتك على ذلك وقدرتك عليه

(في الهامش: ولا لضعفه مقويا الا انت — التفضل — بلغ — فراق خ ل)

وغناك

وغناك عنه وحاجتي اليه ان ترزقني في عامي هذا وشهري هذا ويومي هذا وساعتي هذه
رزقا تغنيني به عن تكلف ما في ايدي الناس من رزقك الحلال الطيب اي رب منك
اطلب واليك ارغب واياك ارجو وانت اهل ذلك لا ارجو غيرك ولا اثق الا بك يا
ارحم الراحمين اي رب ظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني وعافني يا سامع كل صوت ويا جامع
كل فوت ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه الظلمات ولا تشتبه عليه الاصوات
ولا يشغله شيء عن شيء اعط محمدا صلى الله عليه وآله افضل ما سألك وافضل ما سئلت
وافضل ما انت مسؤول له الى يوم القيمة وهب لي العافية حتى تهنئني المعيشة واختم لي
بخير حتى لا تضرني الذنوب اللهم رضني بما قسمت لي حتى لا اسأل احدا شيئا اللهم صل على
محمد وآل محمد وافتح لي خزائن رحمتك وارحمني رحمة لا تعذبني بعدها ابدا في الدنيا والآخرة
وارزقني من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا لا تفقرني الى احد بعده سواك تزيدني
بذلك شكرا واليك فاقة وفقرا وبك عمن سواك غنى وتعففا يا محسن يا مجمل
يا منعم يا مفضل يا مليك يا مقتدر صل على محمد وآل محمد واكفني المهم كله واقض لي
بالحسنى وبارك لي في جميع اموري واقض لي جميع حوائجي اللهم يسر لي ما اخاف تعسيره
فان تيسير ما اخاف تعسيره عليك يسير وسهل لي ما اخاف حزونته ونفس عني ما اخاف ضيقه
وكف عني ما اخاف غمه واصرف عني ما اخاف بليته يا ارحم الراحمين اللهم املأ
قلبي حبا لك وخشية منك وتصديقا بكتابك وايمانا بك وفرقا منك وشوقا اليك
يا ذا الجلال والاكرام اللهم ان لك حقوقا فتصدق بها علي وللناس قبلي تبعات فتحملها
عني وقد اوجبت لكل ضيف قرى وانا ضيفك فاجعل قراي الليلة الجنة يا وهاب
الجنة يا وهاب المغفرة ولا حول ولا قوة الا بك شرح شيخ طوسي رضوان الله عليه در
کتاب مصباح گفته که عنوان در بحر نیم دعای ادریس علیه السلام راو سید ابن طاوس رضی الله عنه
در کتاب اقبال گفته و در شرح سند آنرا عادت بدر که این دعای است که حق تعالی بحضرت ادریس

(في الهامش: سألك خ ل — لك مصباح)

عطا فرموده و ابتدا با افضل دعاهاست و دعا اینست سبحانك لا اله الا انت يا رب كل شيء ووارثه
يا اله الالهة الرفيع جلاله يا الله المحمود في كل فعاله يا رحمن كل شيء وراحمه
يا حي حين لا حي في ديمومة ملكه وبقائه يا قيوم فلا يفوت شيئا علمه ولا يؤوده يا واحد
الباقي اول كل شيء وآخره يا دائم بغير فناء ولا زوال لملكه يا صمد في غير شبه ولا — من غير شبه
شيء كمثله يا بارئ فلا شيء كفوه ولا مداني لوصفه يا كبير انت الذي لا تهتدي
القلوب لعظمته يا بارئ النفوس بلا مثال خلا من غيره يا زاكي الطاهر من كل
آفة بقدسه يا كافي الموسع لما خلق من عطايا فضله يا نقيا من كل جور لم يرضه
ولم يخالطه فعاله يا حنان الذي وسعت كل شيء رحمته يا منان يا ذا الجلال
والاكرام قد عم الخلائق منه يا ديان العباد فكل يقوم خاضعا لرهبته يا خالق — يا ذا الاحسان قد عم الخلائق منه امال
من في السموات والارضين فكل اليه معاده يا رحمن وراحم كل صريخ ومكروب
وغياثه ومعاذه يا بار فلا تصف الالسن كنه جلال ملكه وعزه يا مبدئ البرايا
لم يبغ في انشائها اعوانا من خلقه يا علام الغيوب فلا يؤوده من شيء حفظه يا معيد — البرايا
اذا افنا اذا برز الخلائق لدعوته من مخافته يا حليم ذا الاناة فلا شيء يعدله — معيد ما افناه
من خلقه يا محمود الفعال ذا المن على جميع خلقه بلطفه يا عزيز المنيع الغالب
على امره ولا شيء يعدله يا قاهر ذا البطش الشديد انت الذي لا يطاق انتقامه
يا متعالي القريب في علو ارتفاع دنوه يا جبار المذلل كل شيء بقهر عزيز سلطانه
يا نور كل شيء انت الذي فلق الظلمات نوره يا قدوس الطاهر من كل سوء
ولا شيء يعدله يا قريب المجيب المتداني دون كل شيء قربه يا عالي الشامخ في
السماء فوق كل شيء علو ارتفاعه يا بديع البدائع ومعيدها بعد فنائها بقدرته
يا جليل المتكبر على كل شيء فالعدل امره والصدق وعده يا مجيد فلا

يبلغ

يبلغ الاوهام كل شأنه ومجده يا كريم العفو والعدل انت الذي ملأ كل شيء عدله — شأنه ومجده
يا عظيم ذا الثناء الفاخر والعز والكبرياء فلا يذل عزه يا عجيب فلا تنطق الالسن بكل
آلائه وثنائه اسالك يا معتمدي عند كل كربة وغياثي عند كل شدة بهذه
الاسماء امانا من عقوبات الدنيا والآخرة واسالك ان تصرف عني بهن كل
سوء ومخوف ومحذور وتصرف عني ابصار الظلمة المريدين بي السوء الذي
نهيت عنه من شر ما يضمرون الى خير ما لا يملكون ولا يملكه غيرك يا كريم اللهم
لا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني ولا تخيبني وانا ارجوك — فيظفروني
ولا تعذبني وانا ادعوك اللهم اني ادعوك كما امرتني فاجبني كما وعدتني
اللهم اجعل خير عمري ما ولي اجلي اللهم لا تغير جسدي ولا ترسل حظي
ولا تسوء صديقي اعوذ بك من سقم مضرع وفقر مدقع ومن الذل وبئس الخذل
اللهم سل قلبي عن كل شيء لا اتزوده اليك ولا انتفع به يوم القاك من حلال
او حرام ثم اعطني قوة عليه وعزا [illegible] عز ومعقالا ورضاك فيه يا ارحم — معنيا لمعقالا
الراحمين اللهم لك الحمد على عطاياك الجزيلة ولك الحمد على تلك المتواترة
التي بها دافعت عني مكاره الامور وبها آتيتني مواهب السرور مع تمادي في الغفلة
وما بقي في من القسوة فلم يمنعك ذلك من فعلي ان عفوت عني وسترت ذلك
علي وسوغتني ما في يدي من نعمك وتابعت علي من احسانك وصفحت لي عن
قبيح ما افضيت به اليك وانتهكته من معاصيك اللهم اني اسالك بكل — اقضيت
اسم هو لك يحق عليك فيه اجابة الدعاء اذا دعيت به واسالك بكل ذي
حق عليك وبحقك وعلى جميع من هو دونك ان تصلي على محمد عبدك و
رسولك وآل محمد ومن اراد بي سوءا فخذه بسمعه وبصره ومن بين يديه — وعلى الرود

وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَامْنَعْهُ مِنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا مَنْ لَيْسَ مَعَهُ
رَبٌّ يُدْعَى وَيَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ خَالِقٌ يُخْشَى وَيَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ إِلٰهٌ يُتَّقَى وَيَا مَنْ لَيْسَ
لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى وَيَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى وَيَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُنَادَى وَيَا مَنْ
لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ الْعَطَاءِ إِلَّا كَرَماً وَجُوداً وَعَلَى تَتَابُعِ الذُّنُوبِ إِلَّا مَغْفِرَةً وَعَفْواً
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ
أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ **باب سیوم** در بیان اعمال مکرره هر روز ماه مبارک رمضان
فلنذکر چنانچه از تتبع احادیث و اخبار ظاهر میشود چند امر است **اول** قیلوله کردن و این عبارت است
از خواب کردن در روز و آن در رجحانست قریب بظهر محمد بن یعقوب کلینی رفع الله درجته و دیگران از حضرت
ابی الحسن علیه السلام روایت کرده است که فرموده که قیلوله کنید بدرستی که حق تعالی اطعام میکند
صایم را و سیراب میفرماید او را در خواب **مؤلف گوید** که مراد از اطعام و شراب صایم در خواب
آنست که چون بسبب خواب قوتی برای صایم بهم میرسد چنانچه از طعام و شراب نیز بهم میرسد پس گویا
که طعام و شراب خورده است **دوم** بوی خوش بکار بردن ابن بابویه رحمه الله علیه در کتاب
علل الشرایع و ثواب الاعمال از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بکار برد در اول
روز در حال روزه عقل او هرگز زایل نشود و کلینی رضی الله عنه بسند خود از حسن بن راشد
روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام هر گاه روزه میداشت خود را خوشبو
میکرد و میفرمود بوی خوش تحفه صایم است و ایضاً در کتاب خصال از محمد بن میمون روایت
کرده است که حضرت امام حسین علیه السلام نیز در حالت روزه بوی خوش بکار میبرد و میفرمود
بوی خوش تحفه صایم است **مؤلف گوید** که دو حدیث آخر چون مقید بوقت خاصی نیست دلالت
میکند بر آنکه بکار بردن بوی خوش در همه اوقات روزه نیکوست و حدیث اول دلالت بر خصوص
اول روز میکند و شاید مراعات حدیث اول افضل باشد زیرا که از آن ثواب باقی میماند
و در تمام اوقات روزه با بوی خوش می باشد و بدانکه در این مقام اشکالی موجه میشود که بچه جهة
بوی خوش سنت گردیده و بوییدن گلها و ریاحین نیز اگر چه خوش بو میکند و جواب این شبهه
چنانچه بخاطر فاتر این قاصر میرسد آنست که چون بسبب روزه دهان صایم بد بو میشود باین سبب
بوی خوش سنت گردیده تا آنکه مردم از نکهت او تنفر ننمایند و بوییدن ریاحین و گلها آن قدر تأثیری در دفع
این معنی ندارد و اثر آن در دهن باقی نمی ماند بدهن بغیر لذت عاجلی که از آن حاصل میشود دیگر
ثمره ندارد و اجتناب از اکثر لذات در حالت روزه مطلوبست چنانچه در باب اول از این

اللّهم هذا الدعاء ومنك الاجابة وهذا الجهد وعليك التكلان ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم کفعمی

خزینه مذکور شد که حضرت صادق علیه السلام در حالت روزه هیچ گلی را نمی بوئید و میفرمود که کراهت دارم
که روزه خود را بلذت مخلوط سازم و در خصوص نرگس در حدیث وارد شده است که آن گل عجمانست
و شیخ مفید علیه الرحمه گفته که پادشاهان عجم در هر سال روز مخصوصی را روزه میداشته اند و در آن
روز نرگس بسیاری میبوئیده اند و میگفته اند که دفع گرسنگی و تشنگی میکند لهذا آل محمد صلی الله علیه وآله
مخالفت ایشان نموده اند و بعضی گفته اند با آنکه ممکن است که بعضی از اجزاء صغیره از آنها جدا شود و به
دماغ بالا رود پس بنا بر این جهات بوییدن ریاحین مکروه و تعطیر بروغنها و امثال آن سنت گردید
والله تعالی یعلم و بدانکه بهترین تعطیرات آنست که روغن خوشبو را بمحاسن بمالند و جامها نیز خوشبو
کنند و برای زنان سنت است که گیس خود را تر شانه کنند چنانکه ابن بابویه رضوان الله علیه در
کتاب خصال از محمد بن میمون روایت نموده است که حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه میفرمود
که تحفه صایم آنست که ریش خود را بروغن خوش بو معطر سازد و جامهای خود را بمجمره بخور دهد
که خوشبو شود و تحفه زن صایم آنست که گیس خود را شانه کند **سیوم** تصدق چنانچه سید بن
طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از علی بن اسمعیل میثمی نقل نموده است که او از حضرت
سید الساجدین صلوات الله وسلامه علیه روایت کرده است که چون ماه رمضان داخل میشد
آنحضرت در هر روز از روزهای آن ماه یک درهم تصدق میفرمود **چهارم** در هر روز ما بین
نماز عصر و نماز شام این دعا را بخوانند أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ غَفَّارُ الذُّنُوبِ
وَأَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ ظَالِمٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ مَوْتاً وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُوراً و این دعا در روزهای
ماه رجب و شعبان نیز باید خوانده شود و روایت این در خزینه اول در اعمال مشترکه ماه رجب
و شعبان و ماه رمضان گذشت **پنجم** شیخ طوسی رحمه الله علیه و سید ابن طاوس نور الله مرقده
در کتاب مصباح و اقبال گفته اند که از جمله دعاهای هر روز این ماه این دعاست اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اللّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عَامٌّ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اللّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِأَهْنَئِهِ وَكُلُّ عَطَائِكَ هَنِيءٌ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَائِكَ
كُلِّهِ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عَاجِلٌ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ
كُلِّهِ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ إِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ وَكُلُّ إِحْسَانِكَ حَسَنٌ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِحْسَانِكَ
كُلِّهِ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ فَأَجِبْنِي يَا اللهُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ
الْمُرْتَضَى وَرَسُولِكَ الْمُصْطَفَى وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ دُونَ خَلْقِكَ وَنَجِيبِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ

عطایاک نسخه
عطائک هنیئ نسخه

نبيك ومن جاء بالصدق من عندك وحبيبك المفضل على رسلك وخيرتك من العالمين
البشير النذير السراج المنير وعلى اهل بيته الابرار الطاهرين وعلى ملائكتك الذين استخلصتهم
لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى انبيائك الذين ينبؤن عنك بالصدق وعلى رسلك
الذين اختصصتهم بوحيك وفضلتهم على العالمين برسالاتك وعلى عبادك الصالحين
الذين ادخلتهم في رحمتك الائمة المهتدين الراشدين واوليائك المطهرين وعلى جبرئيل
وميكائيل واسرافيل وملك الموت ورضوان خازن الجنان ومالك خازن النيران وروح
القدس والروح الامين وحملة عرشك المقربين وعلى ملكين الحافظين علي بالصلوة
التي تحب ان تصلي بها عليهم اهل السموات واهل الارضين صلوة طيبة كثيرة
زاكية مباركة نامية ظاهرة باطنة شريفة فاضلة تبين بها فضلهم على الاولين
والاخرين اللهم اعط محمدا الوسيلة والشرف والفضيلة واجزه عنا خير ما جزيت
نبيا عن امته اللهم اعط محمدا صلى الله عليه وآله مع كل زلفة زلفة ومع كل وسيلة
وسيلة ومع كل فضيلة فضيلة ومع كل شرف شرفا اللهم اعط محمدا وآله يوم القيمة
افضل ما اعطيت احدا من الاولين والاخرين اللهم اجعل محمدا صلى الله عليه وآله ادنى
المرسلين منك مجلسا وافسحهم في الجنة عندك منزلا واقربهم اليك وسيلة واجعله
اول شافع واول مشفع واول قائل وانجح سائل وابعثه المقام المحمود الذي يغبطه به
الاولون والاخرون يا ارحم الراحمين واسالك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تسمع صوتي
وتجيب دعوتي وتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي وتنجح طلبتي وتقضي حاجتي وتنجز لي
ما وعدتني وتقيل عثرتي وتقبل مني وتغفر لي ذنوبي وتعفو عن جرمي وتقبل علي ولا
تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني ولا تبتليني وترزقني يا ارحم الراحمين
من اطيب رزقك واوسعه ولا تحرمني جنتك يا رب واقض عني ديني وضع عني

وعلى مالك خازن النار ورضوان خازن الجنان الجنة وعلى الملائكة المقربين

تعطي

وترحمني

حرامي

من الرزق الطيب الواسع

وزري

وزري ولا تحملني ما لا طاقة لي به يا مولاي وادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا
وآل محمد واخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد صلواتك عليه وعليهم اجمعين
والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني
يا كريم و[illegible] و بعد از آن بگو اللهم اني اسالك قليلا من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة
وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير فامنن علي به انك على كل شيء قدير
امين يا رب العالمين مولف گويد كه اين دعا را شيخ طوسي رحمه الله در مصباح وسيد ابن باقي در كتاب
اختيار وكفعمي در جنة الامان نيز ذكر نموده اند وليكن كفعمي در حواشي جنة الامان ذكر نموده
كه سيد ابن طاوس اين دعا را در كتاب عمل شهر رمضان نيز ذكر نموده اند و گفته است كه در هر وقت
از اوقات اين ماه خواهي بخوان و روز اگر خواهي اين دعا بخوان و اين نحو الفاظ اين را بالخير خود در
اقبال و ديگران در كتب خود مذكور نموده اند والله تعالى العليم ششم سيد ابن باقي طاب ثراه
در كتاب اختيار گفته كه در روايتي وارد شده كه هر كه اين دعا را در هر روز از ماه مبارك بخواند
حق تعالى گناهان چهل ساله او را بيامرزد و دعا اين است اللهم رب شهر رمضان
الذي انزلت فيه القرآن وافترضت على عبادك فيه الصيام ارزقني حج بيتك الحرام
في هذا العام وفي كل عام واغفر لي الذنوب العظام فانه لا يغفرها غيرك يا
ذا الجلال والاكرام مولف گويد كه در غير كتاب اختيار از كتب ادعيه علما اين دعا را براي روز هاي
اين ماه منظور نشده وسيد ابن طاوس اين دعا را براي هر شب با همين ثواب
روايت كرده چنانچه سابق مذكور شد وظاهر اين با في شب و روز اشتباه نموده باشد
والله تعالى العليم هفتم علامه [illegible] طاب ثراه در كتاب منهاج الصلاح گفته كه مستحب است كه در
هر روز از ماه مبارك رمضان هفتاد نوبت اين دعا را بخواند سبحان الضار النافع سبحان
القابض الباسط سبحان القاضي بالحق سبحان الرفيع الودود سبحان الفرد الوتر
سبحان العلي الاعلى سبحانه وبحمده وتعالى مولف گويد كه اگر چه اين دعا را بروايت
نسبت نداده وليكن ظاهر حال آنست كه حديثي در اين باب بنظر او رسيده باشد هشتم
سيد ابن طاوس رضي الله عنه در كتاب اقبال گفته كه اين دعا را يافتم در رمضان ادعيه هر روز
ماه مبارك رمضان [illegible] و ترتيب عظيم الشأن و در آن كتابي كه اين ادعيه در آن
نوشته بود كه اين دعا از اسرار دعوات و مضمون اجابات است و دعا اين است [illegible] اللهم

انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی سه مرتبه بگو اللهم انی اسالک
من بهائک بابهاه وکل بهائک بهی اللهم انی اسالک ببهائک کله اللهم انی
اسالک من جلالک باجله وکل جلالک جلیل اللهم انی اسالک بجلالک کله
اللهم انی اسالک من جمالک باجمله وکل جمالک جمیل اللهم انی اسالک بجمالک کله
بس بگو اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی سه نوبت بس بگو
اللهم انی اسالک من عظمتک باعظمها وکل عظمتک عظیمة اللهم انی اسالک بعظمتک کلها
اللهم انی اسالک من نورک بانوره وکل نورک نیر اللهم انی اسالک بنورک کله
اللهم انی اسالک من رحمتک باوسعها وکل رحمتک واسعة اللهم انی اسالک برحمتک کلها
بس بگو اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی سه نوبت بس بگو
اللهم انی اسالک من کمالک باکمله وکل کمالک کامل اللهم انی اسالک بکمالک کله
اللهم انی اسالک من کلماتک باتمها وکل کلماتک تامة اللهم انی اسالک بکلماتک کلها
اللهم انی اسالک من اسمائک باکبرها وکل اسمائک کبیرة اللهم انی اسالک باسمائک کلها
بس بگو اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی سه نوبت بس بگو
اللهم انی اسالک من عزتک باعزها وکل عزتک عزیزة اللهم انی اسالک بعزتک کلها
اللهم انی اسالک من مشیتک بامضاها وکل مشیتک ماضیة اللهم انی اسالک بمشیتک کلها
اللهم انی اسالک بقدرتک التی استطلت بها علی کل شیء وکل قدرتک مستطیلة اللهم انی اسالک بقدرتک کلها
بس بگو اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی سه نوبت بس بگو
اللهم انی اسالک من علمک بانفذه وکل علمک نافذ اللهم انی اسالک بعلمک کله
اللهم انی اسالک من قولک بارضاه وکل قولک رضی اللهم انی اسالک بقولک کله
اللهم انی اسالک من مسائلک باحبها الیک وکل مسائلک حبیبة اللهم انی اسالک بمسائلک کلها

بس بگو اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی سه نوبت بس بگو
اللهم انی اسالک من شرفک باشرفه وکل شرفک شریف اللهم انی اسالک بشرفک کله
اللهم انی اسالک من سلطانک بادومه وکل سلطانک دائم اللهم انی اسالک بسلطانک کله
اللهم انی اسالک من ملکک بافخره وکل ملکک فاخر اللهم انی اسالک بملکک کله
بس بگو اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی سه نوبت بس بگو
اللهم انی اسالک من علائک باعلاه وکل علائک عال اللهم انی اسالک بعلائک کله
اللهم انی اسالک من منک باقدمه وکل منک قدیم اللهم انی اسالک بمنک کله
اللهم انی اسالک من آیاتک باعجبها وکل آیاتک عجیبة اللهم انی اسالک بآیاتک کلها
بس بگو اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی سه نوبت بس بگو
اللهم انی اسالک من فضلک بافضله وکل فضلک فاضل اللهم انی اسالک بفضلک کله
اللهم انی اسالک من رزقک باعمه وکل رزقک عام اللهم انی اسالک برزقک کله
اللهم انی اسالک من عطائک باهناه وکل عطائک هنیء اللهم انی اسالک بعطائک کله
اللهم انی اسالک من خیرک باعجله وکل خیرک عاجل اللهم انی اسالک بخیرک کله
اللهم انی اسالک من احسانک باحسنه وکل احسانک حسن اللهم انی اسالک باحسانک کله
اللهم انی اسالک بما تجیبنی به حین اسالک ادعوک فاجبنی یا الله نعم دعوتک یا الله
اللهم انی اسالک بما انت فیه من الشؤون والجبروت اللهم انی اسالک بکل شان وحده وجبروت وحدها
اللهم انی اسالک بشانک وجبروتک کلها اللهم انی اسالک بما تجیبنی به حین اسالک
به فاجبنی یا الله صل علی محمد وآل محمد وطلب کن هر حاجتی که داری بس بگو اللهم صل
علی محمد وآل محمد وابعثنی علی الایمان بک والتصدیق برسولک والولایة لعلی بن ابی
طالب علیه السلام والائتمام بالائمة من آل محمد والبراءة من اعدائهم فانی قد رضیت

بذلك يا رب اللهم صل على محمد وآل محمد واسالك خير الخير رضوانك والجنة
واعوذ بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني من
كل مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن كل
شر ومن كل مكروه ومن كل مصيبة ومن كل آفة نزلت او تنزل من السماء الى
الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي
هذه السنة اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي من كل سرور ومن كل بهجة
ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة
ومن كل رزق واسع حلال طيب ومن كل نعمة ومن كل حسنة نزلت او تنزل من
السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا
الشهر وفي هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك
وحالت بيني وبينك او غيرت حالي عندك فاني اسالك بنور وجهك الكريم
الذي لم يطفأ وبوجه حبيبك محمد صلى الله عليه وآله وبوجه وليك علي المرتضى المصطفى
وبحق اوليائك الذين انتجبتهم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ولوالدي
وما ولدا وللمؤمنين والمؤمنات وما توالدوا ذنوبنا كلها صغيرها وكبيرها وان تختم
لنا بالصالحات وان تقضي لنا الحاجات والمهمات وصالح الدعاء والمسالة ما تحب
لنا بحق محمد وآله اللهم صل على محمد وآل محمد امين امين امين ما شاء الله كان
لا حول ولا قوة الا بالله سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين
والحمد لله رب العالمين ودست خود را دراز كن وكردن را بطرف دوش چپ ميل ده وكريه كن
واكر كريه ات نيايد خود را بكريه بينداز وبكو يا لا اله الا انت اسالك بحق من حقه
عليك عظيم يا لا اله الا انت اسالك ببهاء لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسالك
بجلال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسالك بجمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت

اسالك

اسالك بنور لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسالك بكمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسالك
بعزة لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسالك بعظمة لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسالك بعظيم
بقول لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسالك بشرف لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسالك
بعلاء لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسالك بلا اله الا انت يا لا اله الا انت يا رباه يا رباه
وكلمه يا رباه را مكرر بكو بقدر يك نفس منقطع شود پس وتمام را بلند كن وكردن را بطرف دوش چپ ميل ده وبكو
وبكو يا سيداه يا مولاياه يا غياثاه يا ملجاه يا منتهى غاية رغبتاه يا ارحم الراحمين اسالك
فليس كمثلك شيء واسالك بكل دعوة مستجابة دعاك بها نبي مرسل او ملك مقرب
او عبد مؤمن امتحنت قلبه للايمان واستجبت دعوته منه واتوجه اليك بمحمد
نبيك نبي الرحمة صلى الله عليه وآله واقدمه بين يدي حوائجي يا محمد يا رسول الله
صلى الله عليه وآله بابي انت وامي اتوجه بك الى ربك وربي واقدمك بين يدي
حوائجي يا رباه يا رباه اسالك بك فليس كمثلك شيء واتوجه اليك بمحمد صلى الله
عليه وآله حبيبك وبعترته الهادية واقدمهم بين يدي حوائجي واسالك اللهم
بحياتك التي لا تموت وبنور وجهك الذي لا يطفأ وبعينك التي لا تنام واسالك
بحق من حقه عليك عظيم ان تصلي على محمد وآل محمد مثل كل شيء وبعدد كل شيء
وعدد كل شيء وزنة كل شيء وملأ كل شيء اللهم اني اسالك ان تصلي على
محمد عبدك المصطفى ورسولك المرتضى وامينك المصطفى ونجيبك دون خلقك
وحبيبك وخيرتك من خلقك اجمعين النذير البشير السراج المنير وعلى اهل
بيته الطيبين الطاهرين المطهرين الاخيار الابرار وعلى ملائكتك
الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى انبيائك الذين ينبئون
بالصدق عنك وعلى عبادك الصالحين الذين ادخلتهم في رحمتك الائمة

يا رباه يا رباه يا الله يا سيداه وكلمه يا الله يا رباه مكرر بكو بقدر يك نفس منقطع شود پس بكو

المهتدين الراشدين المطهرين وعلى جبرئيل وميكائيل واسرافيل وملك الموت
ورضوان خازن الجنة ومالك خازن النار والروح القدس وحملة العرش ومنكر
ونكير وعلى الملكين الحافظين علي بالصلوة التي تحب ان تصلي بها عليهم صلوة كثيرة
طيبة مباركة زاكية نامية طاهرة شريفة فاضلة تبين بها فضلهم على
الاولين والاخرين اللهم اني اسالك ان تسمع صوتي وتجيب دعوتي وتغفر ذنوبي
وتنجح طلبتي وتقضي حاجاتي وتقبل توبتي وتنجز لي ما وعدتني وتقيلني عثرتي
وتتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي وتعفو عن جرمي وتقبل علي ولا تعرض عني
وترحمني ولا تعذبني وتعافيني ولا تبتليني وترزقني من اطيب الرزق واوسعه
واهنأه وامرأه واسبغه واكثره ولا تحرمني يا رب النظر الى وجهك الكريم والفوز
بالجنة والعتق من النار واقض عني يا رب ديني واماناتي وضع عني وزري ولا تحملني
ما لا طاقة لي به يا مولاي وادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وآل محمد
واخرجني من كل سوء اخرجتهم منه ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا
والاخرة پس بگو اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني سه نوبت
پس بگو اللهم اني اسالك قليلا من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه
قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير فامنن به علي انك على كل شيء قدير
اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين فارفعنا وبكاس من معين من
عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين
كانهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس
والحرير والاستبرق فالبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلا في سبيلك
مع وليك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسألة فاستجب لنا يا خالقنا اسمع

واستجب

واستجب لنا واذا جمعت الاولين والاخرين يوم القيمة فارحمنا وبراءة من النار وامانا
من العذاب فاكتب لنا وفي جهنم فلا تجعلنا ومع الشياطين في النار فلا تقرنا وفي
هوانك وعذابك فلا تقلبنا ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا وفي النار على وجوهنا
فلا تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت
بحق لا اله الا انت فنجنا اللهم اني اسالك ولم يسئل مثلك وارغب اليك ولم
يرغب الى مثلك يا رب انت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين اسالك
اللهم بافضل اسمائك كلها وانجحها يا الله يا رحمن وباسمك المخزون المصون الاعز
الاجل الاعظم الذي تحبه وتهواه وترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق
عليك يا رب ان لا تحرم سائلك اللهم اني اسالك بكل اسم هو لك دعاك به عبد
هو لك في بر او بحر او سهل او جبل او عند بيتك الحرام او في شيء من سبلك فادعوك
يا رب دعاء من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه وضعف كدحه واشرفت على الهلكة
نفسه ولم يثق بشيء من عمله ولم يجد لما هو فيه سادا ولا لذنبه غافرا ولا لعثرته
مقيلا غيرك هاربا اليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستنكف ولا مستكبر ولا متكبر
ولا متجبر ولا متعظم بل بائس فقير خائف مستجير اسالك يا الله يا رحمن يا حنان يا
منان يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام ان تصلي على محمد وال محمد صلوة
كثيرة طيبة مباركة نامية زاكية شريفة اسالك اللهم ان تغفر لي في شهري
هذا وترحمني وتعتق رقبتي من النار وتعطيني فيه خير ما اعطيت احدا من خلقك
وخير ما انت معطيه ولا تجعله اخر شهر رمضان صمته لك منذ اسكنتني ارضك
الى يومي هذا بل اجعله علي اعمه نعمة واعمه عافية واوسعه رزقا واجزله واهناه
اللهم اني اعوذ بك وبوجهك الكريم وملكك العظيم ان تغرب الشمس من يومي

او ينقضي بقية هذا اليوم او تطلع الفجر من ليلتي هذه او تخرج هذا الشهر ولك قبلي تبعة
او ذنب او خطيئة تريد ان تقايسني بها او تؤاخذني بها او توقفني بها موقف
خزي في الدنيا والآخرة او تعذبني يوم القاك يا ارحم الراحمين اللهم اني ادعوك
لهم لا يفرجه غيرك ولرحمة لا تنال الا بك ولكرب لا يكشفه الا انت ولرغبة
لا تبلغ الا بك ولحاجة لا تقضى دونك اللهم فكما كان من شانك ما اردتني
به من مسألتك ورحمتني به من ذكرك فليكن من شانك الاستجابة لي فيما
دعوتك به والنجاة لي فيما فزعت اليك منه يا ملين الحديد لداود يا كاشف
الضر والكرب العظام عن ايوب ومفرج غم يعقوب ومنفس كرب يوسف
صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة
اللهم انت ثقتي في كل كرب ورجائي في كل شدة وانت لي في كل امر
نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل
فيه الصديق ويشمت فيه العدو وانزلته بك وشكوته اليك رغبة منك
مني فيه اليك عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيتنيه فانت ولي كل نعمة وصاحب
كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق من شيء
اللهم عافني في يومي هذا حتى امسي اللهم اني اسالك بركة يومي هذا
وما نزل فيه من عافية ومغفرة ورحمة ورضوان ورزق واسع حلال تبسطه علي
وعلى والدي وولدي واهلي وعيالي واهل حزانتي ومن احببت واحبني وولد
ولدي اللهم اني اعوذ بك من الشك والشرك والحسد والبغي والحمية والغضب
اللهم رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش
العظيم صل على محمد وآله واكفني المهم من امري بما شئت وكيف شئت بي بجاه

سوره حمد وآية الكرسي را دو بكو اللهم انك قلت لنبيك صلى الله عليه وآله ولسوف يعطيك
ربك فترضى اللهم ان نبيك ورسولك وحبيبك وخيرتك من خلقك لا يرضى
بان تعذب احدا من امته دانت بموالاته وموالاة الائمة من اهل بيته وان كان
مذنبا خاطئا في نار جهنم وعذابها وهبني لمحمد وآل محمد يا ارحم الراحمين يا جامعا
بين اهل الجنة على ما الف من القلوب وشدة المحبة ونازع الغل من صدورهم وجاعلهم
اخوانا على سرر متقابلين يا جامعا بين اهل طاعته وبين من خلقها له ويا مفرج
حزن كل محزون ويا مونس كل غريب يا راحمي في غربتي وفي كل احوالي بحسن الحفظ
والكلاءة لي يا مفرج ما بي من الضيق والخوف صل على محمد وآل محمد واجمع بيني و
بين احبتي وساداتي ومواليي يا مؤلفا بين الاحباء صل على محمد
وآل محمد ولا تفجعني بانقطاع رؤية محمد وآل محمد عني ولا بانقطاع رؤيتي عنهم
فبكل مسائلك يا رب ادعوك الهي فاستجب دعائي اياك يا ارحم الراحمين اللهم اني
اسالك بانقطاع حجتي ووجوب حجتك ان تغفر لي اللهم اني اعوذ بك من خزي يوم
الحشر ومن شر ما يبغي من الدهر ومن شر الاعداء وصبغة الفناء وعضال الداء وخيبة الرجاء
وزوال النعمة وفجاءة النقمة اللهم اجعل لي قلبا يخشاك كانه يراك الى يوم يلقاك
نم سيد ابن طاوس قدس الله نفسه در كتاب اقبال بسند خود از حضرت صادق عليه السلم
روايت كرده است كه آنحضرت عليه السلم با ابو بصير فرمود كه در هر روزى از روزهاى ماه مبارك
اين تسبيح را بخوان وشيخ طوسى رحمه الله در كتاب مصباح وسيد ابن باقى طاب ثراه در كتاب اختيار
وكفعمى رضى الله عنه در جنة الامان نيز اين تسبيح را براى هر روز اين ماه نقل نموده اند وليكن
سيد در اقبال گفته كه روايت شيخ طوسى در مصباح مشتمل بر بعضى از زياديها هست كه
در روايت ابو بصير مذكور نيست ودر روايت ابن باقى وكفعمى با روايت شيخ مطابق است
وتسبيح اينست وآن تسبيح ده جزو دارد وجزو اول سبحان الله بارئ النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور

فاجرني يا رب من

صغيره

تسبيح روز ماه

سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى
وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله السميع الذي
ليس شيء اسمع منه يسمع من فوق عرشه ما تحت سبع ارضين ويسمع ما في ظلمات
البر والبحر ويسمع الانين والشكوى ويسمع السر واخفى ويسمع وساوس الصدور ولا
يصم سمعه صوت دوم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق
الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى
سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته
سبحان الله رب العالمين سبحان الله البصير الذي ليس شيء ابصر منه يبصر من فوق
عرشه ما تحت سبع ارضين ويبصر ما في ظلمات البر والبحر لا تدركه الابصار
وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير لا تغشى بصره الظلمة ولا يستتر منه بستر
ولا يواري منه جدار ولا يغيب منه بر ولا بحر ولا يكن منه جبل ما في اصله ولا قلب
ما فيه ولا جنب ما في قلبه ولا يستتر منه صغير لصغره ولا يخفى عليه شيء في الارض
ولا في السماء هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم
سيم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها
سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله
خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته
سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي ينشئ السحاب الثقال ويسبح الرعد
بحمده والملائكة من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء ويرسل
الرياح نشرا بين يدي رحمته وينزل الماء من السماء بكلماته وينبت النبات بقدرته
ويسقط الورق بعلمه سبحان الله الذي لا يعزب عنه مثقال ذرة في الارض ولا في السماء

يغشى
يستتر
ويرسل
سبط الرزق

ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين خامس سبحان الله بارئ النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق
الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله
مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض
الارحام وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال
سواء منكم من اسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب بالنهار
له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من امر الله سبحان الله الذي
يميت الاحياء ويحيي الموتى ويعلم ما تنقص الارض منهم ويقر في الارحام ما يشاء
الى اجل مسمى سادس سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق
الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى
سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله
مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله مالك الملك يؤتي الملك
من يشاء وينزع الملك ممن يشاء ويعز من يشاء ويذل من يشاء بيدك الخير
انك على كل شيء قدير يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل ويخرج الحي
من الميت ويخرج الميت من الحي ويرزق من يشاء بغير حساب سابع سبحان الله
بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله
جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء
سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب
العالمين سبحان الله الذي عنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في
البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب

بيده
وهو

ولا يابس الا في كتاب مبين هم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله
خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب و
النوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله
مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي لا يحصي مدحته القائلون
ولا يجزي بآلائه الشاكرون والعابدون وهو كما قال وفوق ما نقول والله كما
اثنى على نفسه ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض
ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم هم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله
فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما يلج
في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما ينزل من السماء
وما يعرج فيها عما يلج في الارض وما يخرج منها ولا يشغله علم شيء عن علم شيء ولا
يشغله خلق شيء عن خلق شيء ولا حفظ شيء عن حفظ شيء ولا يساويه شيء ولا
يعدله شيء ليس كمثله شيء وهو السميع العليم هم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان
فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله فاطر السموات والارض
جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء
ان الله على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا
مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم هم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله

يقول القائلون

ما يلج في الارض وما يخرج منها عما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله

البصير

سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب
والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد
كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما في السموات وما في الارض
ما يكون من نجوى ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنى من ذلك
ولا اكثر الا هو معهم اينما كانوا ثم ينبئهم بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل شيء عليم
سبحان الله الذي بنعمته تتم الصالحات الدعا ايضا سيد در كتاب اقبال گفته
که صلوات بر رسول خدا و اهل بيت طاهرين او صلوات الله عليه و عليهم اجمعين در هر روز از ماه
رمضان اينست و شيخ طوسي در كتاب مصباح و سيد ابن باقي در كتاب اختيار و كفعمي در جنة الامان
گفته اند که در عقب تسبيحات سابق مذکور شد اين صلوات را بخوان و صلوات اينست
ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما
لبيك يا رب وسعديك اللهم صل على محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد
كما صليت وباركت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد اللهم سلم على محمد وآل محمد
كما سلمت على نوح في العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد كما شرفتنا به اللهم صل
على محمد وآل محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد وآل محمد وابعثه مقاما محمودا
يغبطه به الاولون والاخرون وعلى محمد وآله السلم كلما طلعت شمس او غربت على
محمد وآله السلم كلما طرفت عين او برقت على محمد وآله السلم كلما طرفت عين او ذرفت
على محمد وآله السلم كلما ذكر السلم السلام على محمد وآله السلم كلما سبح الله ملك
مقرب او قدسه السلم على محمد وآله في الاولين والسلام على محمد وآله في الاخرين
والسلام على محمد وآله في الدنيا والاخرة اللهم رب البلد الحرام ورب
الركن والمقام ورب الحل والحرام ابلغ محمدا نبيك وآله عنا السلام اللهم اعط محمدا
من البهاء والنضرة والسرور والكرامة والغبطة والوسيلة والمنزلة والمقام

صلوات مروية

اللهم وبحمدك اللهم امنن على محمد وآل محمد كما مننت على موسى وهرون

السلم على محمد وآله ورحمة الله وبركاته وافضل تحية على اهل الحكم والسلام

رمضان

والشرف والرفعة والشفاعة عندك يوم القيمة افضل ما تعطي احداً من خلقك واعط
محمداً وآله فوق ما تعطي الخلائق من الخير اضعافاً كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم
صل على محمد وآل محمد اطيب واطهر وازكى وانمى وافضل ما صليت على احد من الاولين
والآخرين وعلى احد من خلقك يا ارحم الراحمين اللهم صل على علي امير المؤمنين
صلوات الله عليه ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في
دمه اللهم صل على فاطمة بنت نبيك محمد صلى الله عليه وآله والعن من آذى نبيك
فيها اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين ووال من والاهما وعاد من عاداهما
وضاعف العذاب على من شرك في دمائهما اللهم صل على علي بن الحسين امام المسلمين
ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم
صل على محمد بن علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
على من شرك في دمه وهو ابرهيم بن الوليد اللهم صل على جعفر بن محمد امام
المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه
وهو المنصور اللهم صل على موسى بن جعفر امام المسلمين ووال من والاه
وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه وهو الرشيد اللهم صل على علي بن
موسى الرضا امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك
في دمه وهو المأمون اللهم صل على محمد بن علي امام المسلمين ووال من والاه و
عاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه وهو المعتصم اللهم صل
على علي بن محمد امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على
من شرك في دمه وهو المتوكل اللهم صل على الحسن بن علي امام المسلمين ووال
من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه وهو المعتمد والمعتضد

صلى الله عليه وآله

وصي رب العالمين صلوات الله عليه وآله السلام

اللهم ... ووال من والاها وعاد من عاداها وضاعف العذاب على من ظلمها

من قتله وهو الوليد

ظلمه

اللهم صل على الخلف من بعده امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وعجل
فرجه اللهم صل على الطاهر والقاسم ابني نبيك اللهم صل على ام كلثوم ابنة نبيك
والعن من آذى نبيك فيها اللهم صل على رقية ابنة نبيك والعن من آذى نبيك فيها
اللهم صل على ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك في اهل بيته اللهم مكن لهم في الارض
اللهم اجعلنا من عددهم ومددهم وانصارهم على الحق في السر والعلانية اللهم اطلب
بذحلهم ووترهم ودمائهم وكف عنا وعنهم وعن كل مؤمن ومؤمنة بأس كل باغ
وطاغ وكل دابة انت آخذ بناصيتها انك اشد بأساً واشد تنكيلاً تمام شد عبارت
شيخ وابن باقي وكفعمي واما در اقبال ابن زيادتيها هست پس بعد از ان ميگوئي يا من ادعوا يا عدتي
في كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي ويا غايتي في رغبتي انت الساتر عورتي
والمؤمن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي يا ارحم الراحمين وبعد از ان ميگوئي
اللهم اني ادعوك لهم لا يفرجه غيرك ولرحمة لا تنال الا بك ولكرب لا يكشفه
الا انت ولرغبة لا تبلغ الا بك ولحاجة لا يقضيها دونك اللهم فكما كان من شأنك
ما اذنت لي به من مسألتك ورحمتني به من ذكرك فليكن من شأنك سيدي الاجابة
لي فيما دعوتك وعوائد الافضال فيما رجوتك والنجاة مما فزعت اليك فيه فان لم اكن اهلاً
ان ابلغ رحمتك فان رحمتك اهل ان تبلغني وتسعني وان لا اكن للاجابة اهلاً
فانت اهل الفضل ورحمتك وسعت كل شيء فلتسعني رحمتك يا الهي يا كريم
اسألك بوجهك الكريم ان تصلي على محمد واهل بيته وان تفرج همي وتكشف كربي
وغمي وترحمني برحمتك وترزقني من فضلك انك سميع الدعاء قريب مجيب
پانزدهم سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال كه محمد بن يعقوب كليني وعلي بن عبد
الواحد نهدي رضي الله عنهما از حضرت سيد الساجدين صلوات الله وسلامه عليه روايت
نموده اند كه آنحضرت اين دعا را ميخوانده اند وحضرت امام محمد باقر عليه السلم در هر روز از ماه

اللهم ... القاسم والطاهر وابرهيم

الخيرة من

يقضيها الا انت

الاجابة

مبارك رمضان این دعا را صحیح اند این سید گفته که در بعضی روایات این دعا بعضی از الفاظ و فقرات زیاد
و در بعضی کم است و انچه را ما ذکر می نمائیم بیکی از ان روایات این است کلام سید و در این باب و
تفصیل این مقام انست که بغیر کلینی و سید ابن طاوس این دعا را دیگران نیز نقل نموده اند مثل ابن بابویه
رحمه الله در کتاب من لا یحضره الفقیه و شیخ طوسی رحمه الله در کتاب مصباح و سید ابن باقی طاب ثراه در کتاب
اختیار و کفعمی رضی الله عنه در کتاب جنة الامان و کلینی قدر قلیلی از این دعا را ذکر نموده و مع ذلك
با روایت دیگران در بعضی از مواضع مخالفت است و ابن بابویه اگرچه بهمان قدر روایت نموده لیکن
در چند موضع با روایت کلینی مخالفت وارد و روایت ابن باقی و کفعمی با روایت شیخ مطابق است چون
اکثر ادعیه را از مصباح شیخ نقل نموده اند و این سه نفر اگرچه تمام دعا را نقل نموده اند لیکن روایت
ایشان با روایت سید بسیار مخالفت وارد و چون روایت شیخ بنظر سید رسیده و مع ذلك از ان
بروایت دیگر عدول نموده با این جهت ظاهر انست که روایت سید اصح باشد لهذا ما نیز در این کتاب روایت
سید را مذکور میسازیم و ان اینست اللهم هذا شهر رمضان وهذا شهر الصيام وهذا
شهر القيام وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا
شهر العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فيه ليلة القدر التي هي خير من الف شهر اللهم
فصل على محمد وآل محمد وسلمه لي وتسلمه مني واعني عليه بافضل عونك ووفقني فيه لطاعتك
وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك واعظم لي فيه البركة واحسن لي فيه
التوبة واحسن لي فيه العافية واصح فيه بدني واوسع لي فيه رزقي واكفني فيه ما اهمني
واستجب فيه دعائي وبلغني فيه رجائي اللهم صل على محمد وآل محمد واذهب عني فيه النعاس
والكسل والسامة والفترة والقسوة والغفلة والغرة اللهم صل على محمد وآل محمد
وجنبني فيه العلل والاسقام والهموم والاحزان والاعراض والامراض والخطايا
والذنوب واصرف عني فيه السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء
انك سميع الدعاء اللهم صل على محمد وآل محمد واعذني فيه من الشيطان الرجيم
وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسواسه وتثبيطه وبطشه وكيده ومكره وحيله
وخدعه وامانيه وغروره وفتنته وخيله ورجله واعوانه وشركه واتباعه

الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان
شيخ مصباح اختيار كفعمي

واخوانه واحزابه واشياعه واوليائه وجميع شركائه وكيده اللهم صل على محمد وآله
وارزقني تمام صيامه وبلوغ الامل فيه وفي قيامه واستكمال ما يرضيك عني صبرا وايمانا
ويقينا واحتسابا ثم تقبل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم يا رب العالمين
اللهم صل على محمد وآله وارزقنا فيه الحج والعمرة والجد والاجتهاد والقوة والنشاط
والانابة والتوفيق والقربة والخير المقبول والرغبة والرهبة والتضرع و
الخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل
عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول ومقبول السعي ومرفوع العمل
ومستجاب الدعاء ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا سقم ولا غفلة
ولا نسيان بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك ووعدك
برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي فيه افضل ما تقسمه
لعبادك الصالحين واعطني فيه افضل ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة
والتحنن والاجابة والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة والعتق من النار والفوز
بالجنة وخير الدنيا والاخرة اللهم صل على محمد وآله واجعل دعائي فيه اليك واصلا
ورحمتك وخيرك الي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه
مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الاكثر وحظي فيه الاوفر اللهم صل على محمد وآله
ووفقني فيه لليلة القدر على افضل حال تحب ان يكون عليها احد من اوليائك وارضاها
لك ثم اجعلها لي خيرا من الف شهر وارزقني فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك
من النار وسعداء خلقك بمغفرتك ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على
محمد وآله وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضى
اللهم رب الفجر والليالي العشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان وما انزلت فيه من القرآن

وشركائه وجميع كائده
صل على محمد وآل محمد
وارزقني
والرهبة والرغبة
والتوكل
آل محمد
يا العشر

ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وجميع الملائكة المقربين ورب ابرهيم واسمعيل واسحق
ويعقوب ورب موسى وعيسى ورب جميع النبيين والمرسلين ورب محمد صلى الله عليه وآله
خاتم النبيين صلواتك عليه وعليهم اجمعين واسالك بحقك عليهم وبحقهم عليك وبحقك
العظيم عليهم لما صليت عليه وعليهم اجمعين ونظرت الي نظرة رحيمة ترضى بها عني رضا
لا تسخط علي بعده ابدا واعطيتني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي وصرفت
عني ما اكره واحذره واخاف على نفسي وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني
وذريتي اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فصل على محمد وال محمد فآونا تائبين وتب علينا
مستغفرين وصل على محمد وال محمد واغفر لنا متعوذين وصل على محمد وال محمد واعذنا
مستجيرين وصل على محمد وال محمد واجرنا مستسلمين وصل على محمد وال محمد ولا تخذلنا راهبين
وصل على محمد وال محمد وامنا راغبين وصل على محمد وال محمد وشفعنا سائلين وصل
على محمد واله واعطنا انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك
واحق من سال العبد ربه ولم يسئل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين
ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا كاشف
كرب المكروبين ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين ويا الله
المكنون من كل عين المرتدي بالكبرياء صل على محمد وال محمد واغفر لي ذنوبي و
عيوبي واسائتي وظلمي وجرمي واسرافي على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا يملكهما
لا يملكها غيرك واعف عني واغفر لي كلما قد سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من
عمري واستر علي وعلى والدي وولدي وقرابتي واهل حزانتي ومن كان مني بسبيل
من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والاخرة فان جميع ذلك كله بيدك وانت واسع
المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي ولا يدي الى نحري

تسخط
واخواني
مستسلمين
ما
وما لما الداعين وناصر المستغيثين ويا رب المستغفرين ويا رب ربنا فارج هم المهمومين
وقرابتي

حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع ما سالتك وتزيدني من فضلك فانك على كل شيء
قدير ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء
والالاء اسالك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل
الملائكة والروح فيها فاسالك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في
السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي
يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك وترضى بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة
وفي الاخرة حسنة وقني عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة
والروح فيها فصل على محمد وال محمد واخرني الى ذلك وارزقني فيها ذكرك وشكرك
وطاعتك وحسن عبادتك وصل على محمد وال محمد بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين
يا احد يا صمد يا رب محمد وال محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعدائهم
بددا واحصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة
يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البدئ البديع الذي ليس كمثله شيء
ولا قبلك شيء والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت وانت كل يوم في شان
انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسالك ان تصلي على محمد وال محمد
وان تنصر خليفة محمد ووصي محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد عليهم السلام
اعطف عليهم نصرك يا الله لا اله الا انت بحق لا اله الا انت واجعلني معهم وجيها
في الدنيا والاخرة واجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين
وكذلك نسبت نفسك يا سيدي باللطف بلى انك لطيف فصل على محمد واله
والطف لي انك لطيف لما تشاء اللهم صل على محمد واله وارزقني الحج والعمرة
في عامي هذا وتطول علي بقضاء حوائجي للاخرة والدنيا [illegible]

كلها
في هذه الليلة
صل على محمد وال محمد
اللطيف
آل محمد
وفي كل عام

استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي
قريب مجيب استغفر الله ربي واتوب اليه انه كان غفارا رب اغفر لي وارحمني وانت
ارحم الراحمين ربنا اني عملت سوءا وظلمت نفسي فصل على محمد وآل محمد واغفر لي انه لا يغفر الذنوب
الا انت استغفر الله الذي لا اله الا انت هو الحي القيوم واتوب اليه واين استغفار را هم بايد
سه نوبت بگويي پس بگويي استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم العظيم الغافر
للذنب العظيم واتوب اليه واين استغفار را نيز سه نوبت بگويي پس بگويي استغفر الله انه
الله كان غفورا رحيما واين استغفار را هم سه بار بگو پس بگو اللهم صل على محمد وآل محمد
واجعل لي فيما تقضي وتقدر من الامر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد
ولا يبدل ان تصلي على محمد وآل محمد وتكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور
سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم ان تجعل فيما تقضي وتقدر ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تطيل عمري وتوسع رزقي وتؤدي عني امانتي وديني آمين يا
رب العالمين اللهم اجعل لي من امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن
حيث لا احتسب واحرسني من حيث احترس ومن حيث لا احترس اللهم صل على محمد
وآل محمد وسلم تسليما كثيرا كثيرا مولف گويد كه سيد ابن باقي رضي الله عنه در كتاب اختيار و كفعمي
جنة الامان بعد از آنكه اين دعا را ذكر كرده اند گفته اند كه ميگويي يا ذا الذي كان قبل كل شيء
وخلق كل شيء ثم يبقى ويفنى كل شيء يا ذا الذي كان قبل كل شيء وخلق كل شيء
ثم يبقى ويفنى كل شيء يا ذا الذي ليس في السموات العلى ولا في الارضين السفلى
ولا فوقهن ولا بينهن ولا تحتهن اله يعبد غيره لك الحمد حمدا لا يقوى على احصائه
الا انت فصل على محمد وآل محمد صلوة لا يقوى على احصائها الا انت و معلوم نيست كه
اين فقير وارد بعضي از روايات تتمه اين دعا يافته اند يا دعاي عليحده است كه در هر روز بايد خواند

در بيان افطار

والله تعالى يعلم وهو الموفق **باب شانزدهم** در بيان احكام متعلقه بافطار والوان
نعمتهاي آن بر سبيل بسط چهار سفره بيان ميشود **سفره اول** در بيان وقت افطار بدانكه در سفره اين
خزينه مذكور شد كه وقت افطار مغرب است و دخول مغرب بنا بر اقوى پنهان شدن قرص آفتاب
و بنا بر مشهور زوال حمره از طرف مشرق و ظهور آن در سمت مغرب واحوط رعايت قول مشهور است
و بهتر آنست كه نماز را مقدم دارد و مكروه دو صورت **اول** آنكه جمعي انتظار او كشند چنانچه كليني
و ابن بابويه و شيخ طوسي قدس الله اسرارهم بسندهاي معتبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
عليه روايت كرده اند كه شخصي از آن حضرت از وقت افطار پرسيد كه پيش از نماز است يا بعد از آن فرمود
كه اگر جمعي انتظار او برند و ترسد كه مانع افطار ايشان شود با ايشان افطار كند واگر نه اول نماز
كند و بعد از آن افطار كند و شيخ طوسي بسند خود از حضرت امام محمد باقر عليه السلام روايت كرده
كه اول نماز كن و بعد از آن افطار كن واگر با جمعي روزه افطار داشته باشي مخالفت ايشان مكن
و اول افطار كن و آخر نماز كن والا ابتدا بنماز كن و راوي گويد كه از سبب اين پرسيدم فرمود براي آنكه
دو واجب در اين وقت جمع شده است پس با فضل آنها كه نماز است ابتدا كن پس فرمود كه اگر
نماز كني در حالتي كه روزه باشي ثواب آن براي تو نوشته شود و عمل تو بروزه ختم شود نزد من
بهتر است **دوم** آنكه گرسنگي يا تشنگي بر او غالب شده باشد و مانع حضور قلب او در نماز
باشد چنانچه شيخ طوسي و سيد ابن طاوس طاب ثراهما بسند خود از حضرت صادق صلوات الله عليه
روايت نموده اند كه مستحب است براي صايم كه اول نماز كند اگر قدرت بر آن داشته باشد و شيخ
مفيد رضي الله عنه در كتاب مقنعه ذكر نموده اند كه در بعضي از روايات وارد شده است كه اگر تمكن
از نماز داشته باشي و توانايي كه نماز را با حدود آن از روي حضور قلب اطمينان ادا كني نماز را بر افطار مقدم دار
واگر نفس تو معارضه نمايد و خواهش با فطار كند و مانع حضور قلب تو گردد اول افطار كن **مولف گويد**
كه شيخ مفيد بعد از ذكر اين حديث گفته كه تقديم افطار بر نماز در اين صورت مشروطست بآنكه
افطار را طول ندهد كه وقت نماز بگذرد و پوشيده نماند كه در صورت اول نيز هرگاه موافقت رفقا
با كردن نماز در وقت فضيلت جمع شود بهتر آنست كه تعجيل در نماز كند واگر نه هر دو صورت بعد از
انقضاء وقت فضيلت ميسر نشود افضل تاخير نماز است از وقت فضيلت و بدانكه مراد از نماز
نماز مغرب است و تقديم نماز عشا ضرورت نيست زيرا كه وقت آن وسيع است و نوافل مغرب را
نيز اگر با حضور قلب تواند كرد و انتظار رفقا مانع نباشد نيز مقدم ميدارد و الا بعد از افطار اگر وقت

باقی است میکند والا قضا میکند و بدانکه اگر شخصی نذر افطار کرده باشد یا شخصی وعدهٔ افطار از کسی
گرفته باشد و آن چنان بفعل می آید که او را بخانه برد و طعامی حاضر کند و در حضور او بخورد یا در
خارج چیزی باو دهد و در حضور او بخورد بی دغدغه بری الذمه میشود و آنکه وعدهٔ افطار
با کسی کرده باشد می باید که در خانهٔ او یا در خارج در حضور او اول شام از مال او افطار نماید
اگرچه بشربتی از آب یا دانهٔ از خرما باشد تا خلف وعده نشود و این احوط است و می باید افطار
نکند مگر از مال آن کس که با او وعدهٔ افطار کرده است و اگر افطار کرده بخانهٔ او رود اگرچه بشربتی از آب باشد
دغدغه خلف وعده میشود و خلاف است که خلف وعده حرام است یا مکروه ظاهر اکثر احادیث
حرمت است و از هشام بن سالم منقولست که شنیدم که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرمودند
که وعدهٔ که مؤمن با برادر مؤمن میکند بمنزلهٔ نذریست که کفاره ندارد و منقولست که حضرت رسول خدا
صلی الله علیه واله فرمودند که هر که ایمان دارد بخدا و روز قیامت باید که بوعدهٔ خود وفا کند و منقولست که
حضرت رسول صلی الله علیه واله فرمودند که علامت منافق سه چیز است هرچه گوید دروغ گوید و
امانت خیانت میکند و خلف وعده میکند والله تعالی یعلم سفرهٔ دوم در بیان چیزی که
افطار بان کنند بدانکه در افطار ابتدا نمودن بچند چیز فضیلت دارد اول خرما چنانچه سید ابن طاوس
قدس الله روحه در کتاب اقبال از رسول خدا صلی الله علیه واله روایت کرده است که هر که بخرماهای
حلالی افطار نماید ثواب نمازش چهارصد برابر مضاعف میشود و کلینی رضی الله عنه و دیگران بسندهای
بسیار از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله
علیه واله در فصل رطب برطب و در فصل خرما بخرما افطار میفرمود و احادیث دیگر نیز در باب
فضیلت افطار بخرما وارد شده و بعد از آن مذکور میشود ان شاء الله تعالی دوم حلوا و مراد
از حلوا چیزیست که با شیرینی پخته شده باشد و شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب مقنعه از
حضرت صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که آدمی چون روزه میدارد چشمهایش
از جای خود حرکت میکند و چون افطار میکند بحلوا بجای خود عود میکند و بعضی از
روایات آن بعد از این مذکور میشود ان شاء الله تعالی سیم مویز انگور چنانچه شیخ طوسی رحمه الله
از جابر انصاری روایت کرده است که گفت از حضرت امام محمد باقر علیه السلام شنیدم که رسول خدا
صلی الله علیه واله افطار میفرمود بدو سیاه که آن خرما و مویز و آب است چهارم شکر چنانچه شیخ
طبرسی رحمه الله در کتاب مکارم الاخلاق گفته است که در حدیث وارد شده است که رسول خدا

صلی الله علیه واله بخرما افطار میفرمود و اگر شکر یافت نمیشد بآب نیز افطار میفرمود و بعضی از احادیث
دیگر بعد از این مذکور میشود ان شاء الله تعالی پنجم شیر چنانچه شیخ طوسی و دیگران بسندهای
بسیار از حضرت صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم اجمعین روایت کرده اند
که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را خوش می آمد و سنت کرده بود افطار نمودن بشیر ششم آب نیم گرم
چنانچه ابن بابویه رحمه الله علیه در کتاب ثواب الاعمال بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که اگر شکر یا خرما ابتدا نمی نمود و اگر هیچیک را نمی یافت بآب نیم گرم افطار میکرد و میفرمود
که آب نیم گرم پاک میکند معده و جگر را و دهان را خوش بو و دندانها را محکم میکند و قوت میدهد
حدقه را و بینائی را زیاد میکند و گناهان را میشوید و عروق را ساکن میگرداند و صفرای غالب
فرو می نشاند و قطع میکند بلغم را و اطفاء حرارت معده میکند و صداع را برطرف میکند و ایضا بسندهای معتبر
بسندهای بسیار از آنحضرت منقولست که افطار کردن بآب گناهان دل را می شوید و شیخ مفید
در کتاب مقنعه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت بشخصی فرمود که
بحلوا افطار کن و اگر نیابی بآب افطار کن که آب پاک کننده است و از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که اگر گروه مردم سحور بخورند و بغیر آب بچیزی دیگر افطار نکنند تمام عمر را روزه
میتوانند داشت و ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از جابر انصاری روایت کرده است که حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه واله بدو سیاه افطار میفرمود راوی گوید که
پرسیدم که دو سیاه کدام است فرمود که خرما و آب و رطب و آب است هفتم آب سرد چنانچه
شیخ مفید طاب ثراه در کتاب مقنعه ذکر نموده که در روایتی وارد شده است که در افطار نمودن
بآب سرد فضیلت زیادی هست زیرا که صفرا را ساکن میگرداند هشتم قاووت چنانچه از حضرت
صادق صلوات الله علیه منقولست که فرمود روزی قنبر غلام حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه برای افطار آنحضرت انبانی سربمهری آورد که در میان آن قاووت بود پس مردی عرض نمود
که یا امیر المؤمنین صلوات الله علیک آیا این بخلست که بر طعام خود مهر میزنی حضرت تبسم فرمود و گفت
دوست نمیدارم که در شکم من داخل شود طعامی که ندانم از کجا بهم رسیده است مؤلف گوید
که از روایات مذکوره ظاهر میشود که افطار نمودن بخرما و حلوا افضل از سایر چیزها هست و تفضیل
خرما بر حلوا یا حلوا بر خرما محل اشکالست چه بعضی از روایات بر اول و بعضی بر ثانی دلالت
دارد چنانچه بر متامل پوشیده نیست و همچنین ظاهر میشود که افطار نمودن بشیرینی مطلقا

که رسول خدا صلی الله علیه واله وقت افطار ابتدا بحلوا میفرمود و گاه ابتدا بخرما

افضل است از غیر آن و بعد از آن آب نیم گرم و شیر و شاید که آب نیم گرم افضل از شیر باشد و بعد از آن آب نبات
و قاووت و مختلفات که اختلاف روایات باعتبار اختلاف احوال مزاج بوده باشد چه هرگاه صفرا
مثلا بر مزاج غالب بوده باشد افطار بآب گرم اولی باشد و اگر صفرای غالبی نباشد افطار بشیرینی افضل
باشد و اگر صفراوی مزاج نیز در اول افطار بشیرینی قلیلی که ضرری بآن مترتب نشود ابتدا نماید
و بعد از آن آب گرم را بیاشامد شاید بهتر باشد والله تعالی یعلم **تتمه** بدانکه تصدق نمودن
در وقت افطار ثواب عظیم دارد چنانچه از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقولست که هر که در وقت
افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی حق تعالی گناهان او را بیامرزد و ثواب یک بنده
آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود و از حضرت امام زین العابدین صلوات الله
علیه منقولست که روزی که آنحضرت روزه میداشت مقرر فرموده که گوسفندی را در دیگی می پختند
و چون شام میشد روی مبارک را بر آن دیگ میداشت و از بوی آن قوت می یافت پس کاسهای
بسیار می طلبید و میفرمود که پر کنید برای آل فلان و آل فلان و از برای فقرا و همسایگان قسمت میفرمود
و خود نان و خرما می طلبید و بآن افطار میفرمود و بدانکه در باب ثواب افطار فرمودن مؤمنین
احادیث بسیار وارد شده است که در مقصد چهارم از این باب انشاء الله تعالی مذکور خواهد شد
مقصد سیم در بیان ادعیه افطار و آنها چند دعاست **اول** سید ابن طاوس قدس الله
روحه در کتاب اقبال بسند خود از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که ای ابا الحسن اینک ماه
مبارک رمضان رو کرده است پس پیش از افطار این دعا را بخوان بدرستی که جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد
و گفت ای محمد صلی الله علیه و آله هر که در ماه مبارک رمضان پیش از آنکه افطار کند این دعا را
بخواند حق تعالی دعای او را مستجاب گرداند و روزه و نماز او را قبول کند و ده دعای او را
بعزت اجابت مقرون سازد و گناه او را بیامرزد و اندوه و شدت را از او زایل گرداند
و حوائج او را بر آورد و او را بمطلوب او برساند و عمل او را با اعمال پیغمبران و صدیقان بالا برد
و در روز قیامت بیاید و روی او نورانی تر از ماه شب چهارده بوده باشد پس از جبرئیل
علیه السلام پرسیدم که آن دعا کدام است گفت بگو اللّهمّ ربّ النور العظيم وربّ الكرسيّ
الرفيع وربّ البحر المسجور وربّ الشفع الكبير والنور العزيز وربّ التوراة والانجيل
والزبور والفرقان العظيم انت اله من في السموات واله من في الارض لا اله فيهما غيرك

در تصدق نمودن در وقت افطار

دعای افطار

وانت

وانت جبار من في السموات وجبار من في الارض لا جبار فيهما غيرك وانت ملك من في السموات
وملك من في الارض لا ملك فيهما غيرك اسألك باسمك الكبير ونورك ووجهك المنير
وبملكك القديم يا حي يا قيوم يا حي يا قيوم يا حي يا قيوم اسألك باسمك الذي اشرق
به كل شيء وباسمك الذي اشرقت به السموات والارض وباسمك الذي صلح به
الاولون وبه يصلح الآخرون يا حيا قبل كل حي ويا حيا بعد كل حي يا حي لا اله
الا انت صل على محمد وآل محمد واغفر لي ذنوبي واجعل لي من امري يسرا وفرجا
قريبا وثبتني على دين محمد وآل محمد وعلى هدى محمد وآل محمد وعلى سنة محمد وآل محمد
عليه وعليهم السلام واجعل عملي في المرفوع المتقبل وهب لي كما وهبت لاوليائك
واهل طاعتك فاني مؤمن بك ومتوكل عليك منيب اليك مع مصيري اليك
وتجمع لي ولاهلي ولولدي الخير كله وتصرف عني وعن ولدي واهلي الشر كله
انت الحنان المنان بديع السموات والارض تعطي الخير من تشاء وتصرفه عمن تشاء
فامنن علي برحمتك يا ارحم الراحمين **دوم** ايضا سيد در كتاب مذكور از حضرت امام زين
العابدين صلوات الله عليه روايت كرده است كه هر كه سوره انا انزلناه را در وقت افطار و در وقت
سحر بخواند از براى او ما بين شام و سحر ثوابي باشد مانند ثواب كسي كه در خون خود غلطيده باشد
در راه خدا **سيم** ايضا سيد در كتاب مذكور گفته كه در بعضي از كتب اصحاب ما يافتيم اين حديث
كه از حضرت رسالت صلى الله عليه وآله منقولست كه هيچ بنده نيست كه روزه بدارد و در وقت افطار
اين دعا را بخواند مگر آنكه بيرون ميرود از گناهان مانند روزي كه از مادر متولد شده باشد و دعا
اينست يا عظيم يا عظيم انت الهي لا اله لي غيرك اغفر لي الذنب العظيم انه لا يغفر الذنب
العظيم الا العظيم **چهارم** ايضا سيد در كتاب مذكور بسند خود از حضرت صادق عليه السلام
از پدران بزرگوار خود عليهم السلام روايت نموده است كه رسول خدا صلى الله عليه وآله هرگاه افطار
ميفرمود اين دعا را ميخواند اللهم لك صمنا وعلى رزقك افطرنا فتقبله منا ذهب الظمأ
وابتلت العروق وبقي الاجر **پنجم** ايضا سيد در كتاب مذكور بسند خود از آنحضرت

يا حي يا حي

الذي لا اله غيرك

روایت کرده است که ابو بصیر فرموده که هر روزی از ماه مبارک رمضان اگر روزه میداری در نزد افطار
این دعا را بخوان الحمد لله الذی اعاننا فصمنا ورزقنا فافطرنا اللهم تقبله منا واعنا
علیه وسلمنا فیه وتسلمه منا فی یسر منک وعافیة الحمد لله الذی قضی عنی یوما من شهر
رمضان **ششم** ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امام موسی کاظم از پدران بزرگوارش
صلوات الله علیهم روایت کرده است که چون روزه باشی وشام شود در نزد افطار بگو اللهم
لک صمت وعلی رزقک افطرت وعلیک توکلت که نوشته میشود برای تو ثواب هر که آن روز را
روزه داشته باشد **هفتم** ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه هرگاه خوان طعام را نزد آن حضرت
می گذاشتند بدو زانو می نشست واین دعا را میخواند اللهم لک صمنا وعلی رزقک افطرنا
فتقبله منا انک انت السمیع العلیم **هشتم** ایضا سید در کتاب مذکور بسند خود از حضرت
امام محمد باقر صلوات الله علیه از پدر بزرگوارش از جده عالیمقدارش از حضرت امام حسن صلوات الله
علیهم اجمعین روایت کرده است که از برای هر صائمی نزد افطارش دعای مستجابی هست پس چون
لقمه اول را که خواهی تناول نمائی بگو بسم الله یا واسع المغفرة اغفر لی پس سید گفته که در روایت
دیگر چنین وارد شده بسم الله الرحمن الرحیم یا واسع المغفرة اغفر لی بدرستی که هر که این دعا را
نزد افطار بخواند آمرزیده شود **نهم** ایضا سید در کتاب مذکور از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله
روایت نموده است که آنحضرت هرگاه بعضی از لقمه را تناول میفرمود این دعا را میخواند اللهم لک الحمد
اطعمت وسقیت وارویت فلک الحمد غیر مکفور ولا مودع ولا مستغنی عنک **دهم** ایضا
سید در کتاب مذکور از یکی از ائمه علیهم السلام روایت کرده است که نزد فراغ از طعام این دعا را بخوان
الحمد لله الذی اطعمنی فاشبعنی وسقانی فارونی وصاننی وحمانی الحمد لله الذی
عرفنی البرکة والیمن بما اصبته وترکته منه اللهم اجعله هنیئا مریئا لا وبیا
ولا دویا وابقنی بعده سویا قائما بشکرک محافظا علی طاعتک وارزقنی رزقا دارا
واعشنی عیشا قارا واجعلنی بارا واجعل ما یتلقانی فی المعاد مبهجا سارا برحمتک
مؤلف گوید که در دو روایت آخر اگر چه مطلق اکل وارد شده وخصوص افطار مذکور نیست
لکن از ظاهر عبارت دعا اختصاص آن بافطار ظاهر میشود وبدانکه سید در کتاب مذکور
گفته که لفظ دعای چهارم وپنجم وششم وهفتم اقتضا میکند که اینها بعد از افطار خوانده شود

دگویا

وگویا از لفظ لک صمنا وامثال آن از الفاظی که بصیغه ماضی در این چهار دعا وارد شده
ودلالت بر انقضای روزه وافطار واکل وشرب میکند این معنی را استنباط نموده وبگمان این حقیر
نکته این ادعیه نیز قبل از افطار باید خوانده شود والفاظ مذکوره دلالت بر تاخر اینها از وقت افطار
نمیکند چه لفظ صمنا وامثال آن انقضای زمان صوم دلالت میکند نه انقضای افطار ولفظ افطرنا
وامثال آن محمول بر مجاز مشارفت است وچون وقت افطار بسیار نزدیک شده است فرموده است
که بروزی تو افطار نمودیم وتشنگی رفت ورگها تر شد واجر باقی ماند وباقی فقرات والا بر تحقق افطار
نیز باین معنی محمول است وچگونه چنین نباشد وحال آنکه در روایت اول از این چهار دعا فرموده که چون
حضرت رسول صلی الله علیه وآله افطار میفرمود این دعا را میخواند ودر روایت دوم وسوم فرموده که
در نزد افطار این دعا را بخوان واین عبارات ظاهر در آنست که این ادعیه قبل از افطار متصل بافطار
خوانده شود ودر روایت آخر هر چند این معنی ظاهرتر است چه در آن مذکور است که چون خوان طعام را
میگذاشتند حضرت بدو زانو می نشست واین دعا را میخواند واین معنی مقتضی آنست که آنحضرت قبل
از افطار متصل بآن این دعا را میخوانده است ومؤید اینست آنکه روایت فرموده شیخ طوسی بسند خود
از حضرت صادق صلوات الله علیه از پدر بزرگوارش علیهما السلام روایت کرده است که قنبر آزاد کرده حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه انائی که قاووت در آن بود برای افطار آنحضرت آورد وچون
حضرت اراده فرمود که از آن تناول نماید این دعا را خواند ودعای آخر را ذکر نموده وبر چنین تعبیری سید
نیست که لفظ این روایت صریح است در آنکه این دعا باید قبل از افطار متصل بآن خوانده شود وتحقیق
اینمقام آنست که الفاظ روایات ادعیه افطار مختلف است ودر بعضی صریحا مذکور است که قبل از
افطار خوانده شود مانند دعای اول از ادعیه افطار پس آن باید که البته قبل از همه ادعیه خوانده
شود واگر قدری فاصله واقع شود ضرر ندارد ودر بعضی وارد شده که در نزد افطار یا وقت افطار
خوانده شود مانند این چهار دعا ودو دعای قبل از اینها واین قسم باید متصل بافطار قبل از آن
خوانده شود وفاصله عرفیه واقع نشود لیکن اگر دعای دیگر بعد از آن خوانده شود خصوصا هرگاه
کوتاه باشد ضرر ندارد ودر دعای هشتم وارد شده که چون لقمه اول را خواهی تناول نمائی
این دعا را بخوان پس باید این دعا بعد از همه ادعیه خوانده شود وفاصله اصلا واقع نشود اما دعای
نهم پس بعد از خوردن لقمه ودعای آخر بعد از فراغ از مجموع طعام باید خوانده شود چنانچه
در روایت اینها صریحا مذکور است والله تعالی یعلم **تتمیم** بدانکه آداب وادعیه بسیار

تتمه

برای مطلق چیزی خوردن در روایات و اخبار وارد شده است چنانچه اکثر آنها در کتاب حلیة المتقین
تالیف جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله روحه مذکور است و سید ابن طاوس طاب ثراه
در اینموضع از کتاب اقبال نیز بعضی از آنها را ذکر نموده و آنها اگرچه مخصوص افطار نیست لیکن
ماه مبارک رمضان چون بمزید فضیلت ممتاز است و مراعات آداب حسنه و اعمال مستحسنه در آن
ثوابش زیاده از سایر ماهها است و ما نیز در اینمقام اختصار را ذکر نموده ذکر می نمائیم سید بسند خود
از حضرت امام حسن مجتبی علیه افضل التحیة والثنا روایت کرده است که در مائده دوازده خصلت است
که هر مسلمانی واجب است که آنها را بداند چهار از آنها واجب است و چهار سنت و چهار تادیب اما
آن چهار واجب پس دانستن آنکه این طعام از محللات است و راضی بودن بقسمت حق تعالی و
گفتن بسم الله و شکر حق تعالی بجا آوردن و اما آن چهار سنت وضو ساختن قبل از اکل و نشستن بر
جانب چپ و چیزی خوردن به سه انگشت و پاک کردن انگشتان بدهان است و اما چهار تادیب
پس چیزی خوردن از پیش خود و کوچک برداشتن لقمه و نیکو خائیدن آن و کم نظر کردن بروی
اهل مجلس است و ایضاً بسند خود از یکی از ائمه علیهم السلام روایت کرده است که نزد تناول طعام ابتدا
بخوان الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم و یجیر ولا یجار علیه و یستغنی و یفتقر الیه
اللهم لک الحمد بما رزقتنی من الطعام والادام فی یسر و عافیة من غیر کد منی و مشقة
بسم الله خیر الاسماء بسم الله رب الارض والسماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء
فی الارض ولا فی السماء و هو السمیع العلیم اللهم اسعدنی من مطعمی هذا بخیره و اعذنی
من شره و امتعنی بنفعه و سلمنی من ضره و بدانکه سید برای تناول نمودن طعام دعائی خود تالیف
نموده و در کتاب اقبال ذکر کرده است و چون ادعیه منقوله در این باب بسیار است ما از آنها بهمین اکتفا نمودیم

سفره چهارم در بیان ثواب افطار فرمودن روزه داران کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی قدس الله ارواحهم
و دیگران بسندهای بسیار روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که افطار فرماید
در ماه مبارک رمضان مؤمن روزه داری را برای او نزد حق تعالی باشد ثواب آزاد کردن بنده و آمرزش
گناهان گذشته او پس شخصی عرض نمود که یا رسول الله صلی الله علیه و آله همه ما بر آن قادر نیستیم
فرمود که حق تعالی کریم است و این ثواب را عطا می فرماید بکسی که قادر نباشد مگر بر چشانیدن اندک
شیری که بآن صائمی را افطار فرماید یا شربتی از آب شیرین یا چند دانه خرما اگرچه یک دانه خرمای
ضعیفی باشد چه هرگاه قادر بر زیاده از آن نباشد و در حدیث دیگر وارد شده که هر که در ماه مبارک

در آداب طعام خوردن

من طعامی و ادامی

در فضیلت افطار دادن

رمضان بخوراند روزه داری را تا سیر شود حق تعالی از حوض کوثر شربتی باو بیاشاماند که بعد از آن
هرگز تشنه نشود تا داخل بهشت شود و مانند کسی باشد که بنده آزاد کرده باشد و کلینی و ابن بابویه
و شیخ مفید و شیخ طوسی رضوان الله علیهم و دیگران رحمهم الله از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
از پدر بزرگوارش صلوات الله علیهما روایت کرده اند که آنحضرت بسدیر فرمود که آیا میدانی چه شبهاست
این شبها گفت بلی فدای تو باد پدر و مادرم این شبهای ماه مبارک رمضان است پس در آنها چه باید کرد
فرمود که آیا می توانی در هر شب از شبهای این ماه ده بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کنی گفت پدر و مادرم
فدای تو باد مال من بآن وفا نمیکند پس آنحضرت کم می نمود تا بیک بنده رسید و در هر مرتبه سدیر
میگفت که قادر نیستم پس حضرت فرمود که آیا قادر نیستی که افطار فرمائی هر شب مرد مسلمانی را عرض
نمود که بلی می توانم و به ده کس نیز قادرم فرمود که منهم نیز همین را از تو اراده نمودم ای سدیر افطار فرمودن تو
برادر مسلم را برابری میکند با آزاد کردن بنده از فرزندان اسمعیل علیه السلام و شیخ مفید و ابن بابویه
رضی الله عنهما از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده اند که ثواب افطار فرمودن برادر مؤمن و
خوشحال ساختن او عظیم تر است از ثواب روزه تو پس فرمود که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
میفرمود که هر بنده مؤمنی که افطار فرماید مؤمن دیگر را در ماه مبارک رمضان حق تعالی بسبب
این بنویسد برای او ثواب کسی را که سی بنده آزاد کرده باشد و کسی که در تمام این ماه هر شب مؤمنی را افطار
فرماید بنویسد حق تعالی برای او ثواب کسی را که سی بنده آزاد کرده باشد و باین سبب برای او
یک دعای مستجاب باشد و کلینی و شیخ طوسی رحمهما الله و دیگران از حضرت امام موسی کاظم صلوات
الله علیه روایت کرده اند که افطار فرمودن برادر مؤمن روزه دار افضل است از آنکه خود روزه بداری
و شیخ طوسی رحمه الله بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله فرمود که هر که افطار فرماید روزه داری را برای او مانند ثواب آن صایم باشد
بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و ثواب اعمال خیری که بسبب قوت آن طعام کند برای او نیز باشد
و ابن بابویه رحمه الله علیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که افطار فرمودن
مرد مؤمنی را در خانه خود محبوب تر است بسوی من از آنکه آزاد کنم چنین و چنین بنده از فرزندان
اسمعیل علیه السلام و ایضاً از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی برای مؤمن در دنیا سه فرح و شادی هست ملاقات
نمودن برادران مؤمن و افطار فرمودن روزه داران و مشغول تهجد بودن در آخر شب والله تعالی

در اعمال شب اول ماه رمضان

هو الموفق **باب چهاردهم** در بیان اعمال شبها و روزهای این ماه بترتیب **شب اول**
این شبی است در نهایت برکت و فضیلت و در روایت معتبری وارد شده است که صحف ابراهیم
علیه السلام در این شب نازل شد و بهتر است که در اوایل این شب شروع بتلاوت قران مجید نماید
چنانچه در احکام تلاوت قران مذکور شد و اعمال این شب چند چیز است **اول** مقاربت نمودن
با زنان ابن بابویه رضوان الله علیه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه روایت نموده است که مستحب است برای مرد که در شب اول ماه رمضان با اهل خود مقاربت نماید
مؤلف گوید که سید نیز این روایت را در اقبال نقل نموده و گفته است که حکمت در این باب ممکن است
که این باشد که در اول ماه قوت شهوانی منکسر شود و خلوص نیت کامل شود تا از روی فراغبال
متوجه طاعات و عبادات تواند شد یا از راه ان باشد که در صدر اسلام مقاربت با زنان در روز
و شب ماه رمضان هر دو حرام بود و بعد از چندگاه که بدین منوال گذشت حق تعالی از روی لطف
و رحمت باین امت مقاربت در شبهای این ماه را حلال کرد و باشد که حق تعالی دوست میدارد که بندگان
مبادرت و تعجیل نمایند در چیزی چند که حق تعالی رخصت در انها داده چنانچه دوست میدارد مبادرت
در واجبات را لهذا در شب اول اینمعنی مستحب کردیده یا از راه انکه این شب چون شب شریفی است
و مقاربت با زنان از سنن رسول خدا صلی الله علیه و آله است پس بهتر انست که احیای سنت انحضرت
در این شب شریف واقع شود و تحقیق انانکه وجه اخر بسیار بعید است و وجه اول محتمل است
و وجه اوسط اقرب است والله تعالی یعلم **دویم** غسل کردن چنانچه سید ابن طاوس برد الله
مضجعه در کتاب اقبال از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود غسل مستحب است
در شب اول و شب نیمه ماه رمضان و ایضا سید رحمه الله در کتاب اقبال گفته که دیدیم در کتابی
که بگمان فقیر من تالیف جعفر بن احمد قمی رحمه الله علیه است حدیثی منقول از حضرت صادق علیه السلام
که هر که خواهد از حکه و خارش محفوظ ماند پس در شب اول این ماه غسل کند تا انکه تا ماه رمضان اینده
ایمن گردد از ان و ایضا از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان
در نهر جاری و بریزد بر سر کف اب بریزد با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان اینده و ایضا
سید در کتاب مذکور نقل نموده که در حدیث وارد شده که در هر شب از شبهای طاق ماه رمضان
غسل مستحب است و در بعضی از انها بخصوص نیز غسل وارد شده چنانچه در این شب ذکر شد
و در موضع هر یک نیز مذکور میشود ان شاء الله و در دهه اخر این ماه در شبهای جفت نیز غسل

سنت است و در روایتی ان در شب بیست و یکم مذکور میشود و در شبهای طاق این دهه نیز غسل سنت موکد است
چنانچه والد علامه ام طاب ثراه در کتاب ذریعة النجاح نقل نموده و در بعضی از انها بخصوص سنت
موکد واقع شده است و ان شاء الله اشاره بان خواهد شد و جد علامه ام مولانا محمد باقر قدس الله
روحه در کتاب زاد المعاد ذکر نموده که در روایتی وارد شده که در جمیع این ماه در هر شب غسل مستحب است
مؤلف گوید که سید در کتاب مذکور گفته است که وقت این غسل اول شب است یا قبل از نماز مغرب چنانچه
در روایتی وارد شده است یا میان نماز مغرب و عشا چنانچه در روایت دیگر وارد شده و کافی
این غسل برای تمام شب و شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب مسار الشیعه گفته است که بعد از غروب
افتاب در وزیش با بد این غسل کرده شود **سیم** شیخ شهید طاب ثراه در کتاب اربعین از رسول خدا
صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام
در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد پانزده نوبت حق تعالی ثواب صدیقان
و شهیدان را باو عطا فرماید و گناهان او را مرزید و در روز قیامت از فائزان و رستگاران باشد
مؤلف گوید که این حدیث حدیث طویلی است مشتمل بر بیان نماز برای هر شبی از شبهای این ماه و کفعمی
در جنة الامان نیز تمام این حدیث را نقل نموده و در بعضی از مواضع سهو در نقل نموده است
و ما اشاره بمواضع سهو او می نمائیم از انجمله در این موضع کفعمی سوره قل هو الله احد را بیست نوبت
نقل نموده و این سهو است چنانچه از رجوع بکتاب اربعین ظاهر میشود و از غرایب انست که در حواشی
جنة الامان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در شب اول ماه چهار رکعت نماز بکند
هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد پانزده نوبت ثواب انرا
احصا نکند مگر حق تعالی **و مخفی نماناد** که این همان نماز است که در اربعین مذکور است ولیکن
کفعمی چون سوره توحید را بیست و یکنوبت دید اشتباه این نماز را مغایر ان نماز دانسته ثانیا
نقل نموده است **چهارم** سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال باسند خود از حضرت
امام زاده عبد العظیم روایت کرده است که گفت در شبی که هلال ماه مبارک رمضان را دیدیم
با حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه نماز را گذاردیم و چون انحضرت از نماز فارغ شد و نیت
روزه کرده دستهای مبارک را بلند کرد و این دعا را خواند اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبِيرَ وَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتُجِنُّ الضَّمِيرُ وَهُوَ
اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ نَوَى فَعَمِلَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ شَقِيَ فَكَسِلَ وَلَا
مِمَّنْ هُوَ عَلَى غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ اَللّٰهُمَّ صَحِّحْ أَبْدَانَنَا مِنَ الْعِلَلِ وَأَعِنَّا عَلَى مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا
مِنَ الْعَمَلِ حَتَّى يَنْقَضِيَ عَنَّا شَهْرُكَ هٰذَا وَقَدْ أَدَّيْنَا مَفْرُوضَكَ فِيهِ عَلَيْنَا اَللّٰهُمَّ

أعِنّا على صيامِه ووَفِّقنا لقيامِه ونشِّطنا فيه للصلوة ولا تحجُبنا من القراءة وسهِّل لنا
إيتاء الزكوة اللهمّ لا تُسلِّط علينا وَصَبًا ولا تعبًا ولا سقمًا ولا عطبًا اللهمّ
ارزقنا الإفطار من رزقك الحلال اللهمّ سهِّل لنا ما قسمتَه من رزقك ويسِّر
ما قدَّرتَه من أمرك واجعله حلالًا طيّبًا نقيًّا من الآثام خالصًا من الآصار
والأجرام اللهمّ لا تُطعِمنا إلّا طيّبًا غيرَ خبيثٍ ولا حرامٍ واجعل رزقك لنا
حلالًا لا يشوبُه دَنَسٌ ولا أسقامٌ يا من علمُه بالسرّ كعلمِه بالإعلان يا متفضّلًا على
عبادِه بالإحسان يا من هو على كلّ شيءٍ قديرٌ وبكلّ شيءٍ عليمٌ خبيرٌ ألهِمنا ذكرَك و
جنِّبنا عسرَك وأنِلنا يسرَك واهدِنا للرشادِ ووفِّقنا للسدادِ واعصِمنا من البلايا
وصُنّا عن الأوزارِ والخطايا يا من لا يغفرُ عظيمَ الذنوب غيرُه ولا يكشفُ السوءَ إلّا هو
يا أرحمَ الراحمين وأكرمَ الأكرمين صلِّ على محمّدٍ وأهلِ بيتِه الطيّبين واجعل صيامَنا
مقبولًا وبالبرّ والتقوى موصولًا وكذلك فاجعل سعيَنا مشكورًا وقيامَنا مبرورًا
وقراءتَنا مرفوعًا ودعاءَنا مسموعًا واهدِنا للحسنى وجنِّبنا العسرى ويسِّرنا لليسرى
وأعلِ لنا الدرجاتِ وضاعِف لنا الحسناتِ واقبَل منّا الصومَ والصلوةَ واسمع
منّا الدعواتِ واغفِر لنا الخطيئاتِ وتجاوَز عنّا السيّئاتِ واجعلنا من العاملين
الفائزين ولا تجعلنا من المغضوبِ عليهم ولا الضالّين حتّى ينقضي شهرُ رمضانَ
عنّا وقد تقبّلتَ فيه صيامَنا وقيامَنا وزكّيتَ فيه أعمالَنا وغفرتَ فيه ذنوبَنا
وأجزلتَ فيه من كلِّ خيرٍ نصيبَنا فإنّك الإلهُ المجيبُ والربُّ الرقيبُ وأنت
بكلِّ شيءٍ محيطٌ **مؤلّف گويد** كه محتمل است كه آنحضرت اين دعا را بعد از نماز شام بي‌فاصله
خوانده باشد يا بعد از تعقيبات و نوافل خوانده باشد و شايد احتمال ثاني اظهر باشد
مخفي شيخ طوسي و ابن طاوس طاب ثراهما در كتاب مصباح و اقبال بسند خود از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله عليه روايت كرده اند كه آنحضرت در شب آخر ماه شعبان
و شب اول ماه رمضان اين دعا را ميخوانده اللهمّ إنّ هذا الشهرَ المباركَ الذي أنزلتَ فيه القرآن

دعاى اول ماه رمضان

Margin: غدرك ن ل / يسرك ن ل

وجعلتَه هدًى للناسِ وبيّناتٍ من الهدى والفرقانِ فقد حضرَ فسلِّمنا فيه وسلِّمه لنا وتسلَّمه
منّا في يسرٍ منك وعافيةٍ يا من أخذَ القليلَ وشكرَه وسترَ الكثيرَ وغفرَه اغفر لي الكثيرَ
من معصيتك واقبل منّي اليسيرَ من طاعتك اللهمّ إنّي أسألك أن تجعلَ لي إلى كلِّ خيرٍ
سبيلًا ومن كلِّ ما لا تحبُّ مانعًا يا أرحمَ الراحمين يا من عفا عنّي وعمّا خلوتُ به من السيّئات
يا من لم يؤاخذني بارتكابِ المعاصي عفوَك عفوَك عفوَك اللهمّ إنّي أسألك الراحةَ
عند الموتِ والعفوَ عند الحسابِ عظُمَ الذنبُ من عبدِك فليحسُن العفوُ من عندِك يا أهلَ التقوى
ويا أهلَ المغفرةِ عفوَك عفوَك اللهمّ إنّي عبدُك وابنُ عبدِك وابنُ أمتِك ضعيفٌ فقيرٌ
إلى رحمتِك وأنت منزِّلُ الغنى والبركةِ على العبادِ قاهرٌ قادرٌ مقتدرٌ أحصيتَ أعمالَهم
وقسمتَ أرزاقَهم وجعلتَهم مختلفةً ألسنتُهم وألوانُهم خلقًا من بعدِ خلقٍ لا يعلمُ العبادُ
علمَك ولا يقدِّرُ العبادُ قدرَك وكلُّنا فقيرٌ إلى رحمتِك فلا تصرِف وجهَك عنّي واجعلني
من صالحي خلقِك في العملِ والأملِ والقضاءِ والقدرِ إلهي أبقِني خيرَ البقاءِ وأفنِني خيرَ
الفناءِ على موالاةِ أوليائِك ومعاداةِ أعدائِك والرغبةِ إليك والرهبةِ منك والخشوعِ
والوقارِ والتسليمِ لك والتصديقِ بكتابِك واتّباعِ سنّةِ رسولِك صلواتُك عليه وآله
اللهمّ ما كان في قلبي من شكٍّ أو ريبةٍ أو جحودٍ أو قنوطٍ أو فرحٍ أو مرحٍ أو بذخٍ أو بطرٍ
أو فخرٍ أو خيلاءَ أو رياءٍ أو سمعةٍ أو شقاقٍ أو نفاقٍ أو كبرٍ أو فسوقٍ أو عصيانٍ أو عظمةٍ
أو شيءٍ لا تحبُّ فأسألك يا ربِّ أن تبدِّلني مكانَه إيمانًا بوعدِك ووفاءً بعهدِك ورضًا
بقضائِك وزهدًا في الدنيا ورغبةً فيما عندَك وأثرةً وطمأنينةً وتوبةً نصوحًا
أسألك ذلك يا ربَّ العالمين إلهي أنت من حلمِك
تُعصى فكأنّك لم ترَ ومن كرمِك وجودِك تُطاعُ فكأنّك لم تُعصَ وأنا ومن لم يعصِك
سكّانُ أرضِك فكُن علينا بالفضلِ جوادًا وبالخيرِ عوّادًا يا أرحمَ الراحمين وصلِّ على

Margin: وسلِّمنا فيه ن ل / وشكر الكثير / اقبل منّي اليسير / يا من لا يؤاخذني / يا كريم / التجاوز / إلهي وعظتني فلم أتّعظ وزجرتني عن المعاصي فلم أنزجر فما عذري فاعفُ عنّي يا كريم عفوَك عفوَك / نفرًا ن / عنّي وجهك واجعلني اللهمّ / والوفاء ن / أنبيائك ن ل / كفرٍ ن ل / تبدلني ن ل / أثرةً ن ل / تعصى ن ل / وصلّى الله على محمّد وآله

محمد صلوة دائمة لا تحصى ولا تعد ولا ينقد قد رها غيرك يا ارحم الراحمين **ششم** كليني رضي الله عنه
در كتاب كافي و سيد طاب ثراه در كتاب اقبال از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده اند كه چون
شب اول ماه رمضان داخل شود اين دعا را بخواند اللهم رب شهر رمضان منزل القرآن فان
هذا شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن وانزلت فيه ايات بينات من الهدى والفرقان
اللهم ارزقنا صيامه واعنا على قيامه اللهم سلمه لنا وسلمنا فيه وتسلمه منا في يسر منك
وعافية ومعافات واجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم وفيما تفرق من الامر الحكيم
في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور
حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر
ان تطول لي في عمري وتوسع علي من الرزق الحلال **هفتم** ايضا سيد در كتاب اقبال از
حضرت رسالت صلى الله عليه وآله روايت كرده است كه آنحضرت در شب اول ماه رمضان اين دعا را ميخواند
الحمد لله الذي اكرمنا بك ايها الشهر المبارك اللهم فقونا على صيامنا وقيامنا وثبت اقدامنا
وانصرنا على القوم الكافرين اللهم انت الواحد فلا ولد لك وانت الصمد فلا شبه لك
وانت العزيز فلا يعزك شيء وانت الغني وانا الفقير وانت المولى وانا العبد وانت الغفور
وانا المذنب وانت الرحيم وانا المخطئ وانت الخالق وانا المخلوق وانت الحي وانا الميت
اسالك برحمتك ان تغفر لي وترحمني وتجاوز عني انك على كل شيء قدير **هشتم**
ايضا سيد در كتاب مذكور گفته كه در بعضي از كتب دعوات اين دعا را يافتم كه بايد در شب اول ماه
خوانده شود اللهم اني اسالك سؤال المسكين وابتغي اليك ابتغاء البائس الفقير
واتضرع اليك تضرع الضعيف الضرير وابتهل اليك ابتهال المذنب الذليل الصغير
واسالك مسالة من خضعت لك نفسه وذلت لك رقبته ورغم انفه وعفر لك
وجهه وسقطت لك ناصيته وهملت لك دموعه واضمحلت عنه حيلته وانقطعت
عنه حجته وضعفت عنه قوته واشتدت فاقته وعظمت ندامته فصل على محمد

وال محمد وارحم المضطر اليك المحتاج الى رحمتك بحقك العظيم يا عظيم صل على محمد وال
محمد واغفر لي ولوالدي ولكافة المؤمنين والمؤمنات واعطني في مجلسي هذا فكاك
رقبتي من النار واوسع علي من رزقك الحلال المفضل واعطني من خزائنك وبارك لي
في اهلي ومالي وجميع ما رزقتني وارزقني الحج والعمرة في عامي هذا في اوسع النعمة واسبغ
النفقة واجعل ذلك مبرورا متقبلا خالصا لوجهك الكريم يا كريم يا كريم
ثم ارزقني الحج والعمرة في كل عام ما ابقيتني وادرر علي من رزقك الحلال
في سعة من فضلك وزيادة من رحمتك وتمام من نعمتك وكمال من معافاتك يا كريم يا كريم
يا كريم اكفني مؤنة نفسي واهلي وعيالي ومؤنة من يؤذيني ويحاذيني وغرمائي وجميع
ما احاذر واكفني مؤنة خلقك اجمعين واكفني شر فسقة الجن والانس وشر فسقة
العرب والعجم وشر الصواعق والبرد وشر كل دابة انت اخذ بناصيتها انك
على صراط مستقيم يا كريم يا كريم صل على محمد وال محمد وهب لي حقك
وصل على محمد وال محمد وهب لي حقك وصل على محمد وال محمد وبارك لي فيما اتقيني
وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب وصلى الله على محمد وعلى اهل بيته
وسلم ودعاكن و حاجت خود را طلب **نهم** كفعمي طاب ثراه در كتاب جنة الامان گفته كه
هر روز و شب اول ماه اين دعا را بايد خواند و دعاي اللهم منك اطلب حاجتي كه از جمله
دعاهاي هر روز و هر شب مذكور شد نقل نموده است **دهم** ايضا سيد ابن باقي قدس الله
روحه در كتاب اختيار از كتاب بلغة المقيم و زاد المسافر من معالم الدين كه تاليف ابو عبد الله
صفواني رضي الله عنه است نقل نموده كه رسول خدا صلى الله عليه واله اين دعا را در شب اول ماه
ميخواند اللهم انت الواحد فلا ولد لك وانت الصمد فلا شبه لك وانت العزيز فلا
لعز منك وانت الغفور فلا شبه لك وانت الرحيم وانا المخطئ وانت الخالق وانا
المخلوق وانت الحي وانا الميت اسالك برحمتك ان تصلي على محمد واله وان تغفر لي
وترحمني وتجاوز عني انك على كل شيء قدير **مولف گويد** كه اين حديث طولاني است

مشتمل بر هر دعا براي هر شبي دعاي مخصوصي چنانچه هر يك در محل خود مذكور خواهد شد و سيد ابن
طاوس نيز در بعضي از شبها ايندعا را در اقبال ذكر نموده است چنانچه اشاره بان نيز ميشود **يازدهم**
زيارت حضرت امام حسين عليه السلام سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال بسند خود از حضرت
صادق عليه السلم روايت كرده است كه از انحضرت پرسيدند كه ايا براي زيارت حضرت امام حسين
عليه السلم وقتي هست كه افضل از ساير اوقات باشد فرمود كه زيارت كنيد انحضرت را در هر وقتي كه خواهيد
بدرستي كه زيارت انحضرت خيري است بهم شده هر كه بسيار زيارت كند خير بسيار و در يافته است
و هر كه كم كند كم يافته است و قصد كنيد زيارت انحضرت را در اوقات شريفه بدرستي كه ثواب اعمال
صالحه در انها مضاعف است و در ان اوقات شريفه ملائكه از اسمان نازل ميشوند براي زيارت
انحضرت پس پرسيدند از فضيلت زيارت انحضرت در ماه مبارك رمضان فرمود كسي كه از روي
خشوع و پشيماني از گناهان و استغفار و توقع اجر و ثواب نزد قبر انحضرت حاضر شود در يكي
از سه شب از شبهاي ماه مبارك رمضان كه ان شب اول و شب نيمه و شب اخر است گناهان و خطاهاي
بريزد چنانچه برگ خشك بسبب باد تند از درخت فرو ريزد و مانند روزي شود كه از مادر متولد شده باشد
و با وجود اين مانند ثواب كسي كه در ان سال حج و عمره كرده باشد براي او باشد و دو ملك كه صداي ايشانرا
هر صاحب حيواني بغير از انس و جن شنوند او را ندا كنند يكي گويد اي بنده خدا پاك شدي عمل را از سر گير
و ديگري گويد اي بنده خدا اجابت دعوت خدا كردي پس بشارت باد ترا بمغفرت و تفضل الهي
مولف گويد كه اگر چه اين روايت مخصوص كسي است كه نزد مرقد مطهر ان بزرگوار حاضر باشد
ليكن ظاهر انست كه اگر كسي در بلاد بعيده باشد نيز از ان فضيلت عظمي محروم نگردد و چون زيارت
مخصوصي در اين شب وارد نشده پس اگر كسي توفيق حضور مشهد مشرف انحضرت را در اين شب
نيابد بزيارات مطلقه زيارت نمايد و اگر دور باشد بزيارات بعيده منقوله كه يكي از انها در اعمال
ماه رجب مذكور شد زيارت نمايد و بدانكه در اين شب ادعيه دخول و دعاي جوشن كبير و صغير
و اعمال هر شب و هر روزه كه همگي مذكور شد بايد خوانده شود و الله تعالي هو الموفق **روز اول**
و اعمال اين روز چند امر است **اول** شيخ مفيد رضي الله عنه در كتاب مقنعه چنانچه سيد در اقبال
از او نقل نموده است گفته كه چون فجر روز اول ماه رمضان طالع شود ايندعا را بخوان اللّهم قد
حضر شهر رمضان و قد افترضت علينا صيامه و انزلت فيه القران هدي للناس و
بينات من الهدي و الفرقان اللّهم اعنّا علي صيامه و تقبّله منا و تسلّمه منا و سلّمه لنا

في يسر منك و عافية انك علي كل شيء قدير **مولف گويد** كه شيخ مفيد عليه الرحمه در كتاب مسار
الشيعه گفته است كه در روز اول ماه رمضان بعد از نماز صبح دعاي مخصوص موظف مشهوري كه از
ائمه از ال محمد عليهم السلم روايت شده است بايد خوانده شود و دعا را ذكر نموده و ظاهر انست كه مراد او
ايندعاي مذكور باشد و الله تعالي يعلم **دويم** ايضا سيد در كتاب مذكور نقل نموده است كه در روز اول
انماه ايندعا را بخوان اللّهم يا ربّ اصبحت لا ارجو غيرك و لا ادعو سواك و لا ارغب الّا اليك
و لا اتضرّع الّا عندك و لا الوذ الّا بفنائك اذ لو دعوت غيرك لم يجبني و لو رجوت غيرك
لاخلف رجائي و انت ثقتي و رجائي و مولاي و خالقي و بارئي و مصوّري ناصيتي بيدك
تحكم في كيف تشاء لا املك لنفسي ما ارجو و لا استطيع دفع ما احذر اصبحت مرتهنا بعملي
و اصبح الامر بيد غيري اللّهم اني اصبحت اشهدك و كفي بك شهيدا و اشهد ملائكتك
و حملة عرشك و انبيائك و رسلك علي اني اتولّي من تولّيته و اتبرّء ممن تبرّات
منه و اومن بما انزلت علي انبيائك و رسلك فافتح مسامع قلبي لذكرك حتي اتبع
كتابك و اصدّق رسلك و اومن بوعدك و اوفي بعهدك فان امر القلب بيدك
اللّهم اني اعوذ بك من القنوط من رحمتك و الياس من رافتك فاعذني من الشك و الشرك
و الريب و النفاق و الرياء و السمعة و اجعلني في جوارك الذي لا يرام و احفظني من
الشك الذي صاحبه سبهان اللّهم و كلّ ما قصر عنه استغفاري من سوء لا
تعلمه غيرك فعافني منه و اغفره لي فانك كاشف الغم مفرّج الهمّ رحمن الدنيا
و الاخرة و رحيمهما فامنن عليّ بالرحمة التي رحمت بها ملائكتك و رسلك و اوليائك من المؤمنين و المؤمنات اللّهم ربّ هذا اليوم و ما انزلت فيه من بلاء
او مصيبة او غم او همّ فاصرفه عني و عن اهل بيتي و ولدي و اخواني و معارفي
و من كان مني بسبيل من المؤمنين و المؤمنات اللّهم اني اصبحت علي كلمة الاخلاص
و فطرة الاسلام و ملّة ابرهيم و دين محمد صلواتك عليه و اله اللّهم احفظني و رحّبني

علیها

دعای روز اول ماه رمضان

رسولك

سبحانه

على ذلك ووفقني عليه وابعثني يوم تبعث الخلائق فيه واجعل اول يومي هذا صلاحا
واوسطه فلاحا واخره نجاحا برحمتك فاني اسألك خيره وخير اهله واعوذ بك
من شره وشر اهله ومن سمعه وبصره ويده ورجله كن لي عنه حاجزا عز جارك وجل
ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اني اسألك ان ترزقني مواهب الدعاء في دبر كل
صلوة واسألك خير يومي هذا وفتحه ونصره ونوره وهداه ورشده وتبراه اصبحت
بالله الذي ليس كمثله شيء ممتنعا وبعزة الله التي لا ترام ولا تضام معتصما وبسلطان الله الذي
لا يقهر ولا يغلب عائذا من شر ما خلق وذرا وبرا ومن شر ما يكون بالليل ويخرج
بالنهار ومن شر ما يخرج بالليل والنهار ومن شر الجن والانس ومن شر كل ذي سلطان
او غيره ومن شر كل دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم مؤلف گويد
كه سيد در عنوان اين دعا گفته كه اين فصل از دعا از جمله سي فصل دعائي است كه براي هر روزي
دعائي است واگرچه بروايت نسبت نداده ولكن ظاهر آنست كه منقول باشد وما هر يك را
در محل خود مذكور ميسازيم سيم سيد ابن باقي طاب ثراه در كتاب اختيار اين دعا را براي
روز اول ايشان نقل نموده است اللهم اني اسألك يا من ليس كمثله شيء ويا من ليس
في السموات العلى ولا في الارضين السفلى ولا فوقهن ولا تحتهن ولا بينهن اله يعبد
غيرك وحدك لا شريك لك يا واحدا بغير تشبيه يا باقيا الى غير غاية يا جبارا في سلطانه
يا كبيرا في كبريائه يا قدوسا في اسمائه يا كريما في عطائه يا جليلا في بهائه يا حميدا
في افعاله يا ملكا في ابتدائه واقتداره يا عاليا في احصائه يا غالبا في ارتفاعه
يا عزيزا في امتناعه يا جوادا في افضاله يا ذا السلطان الشامخ يا ذا العز الباذخ العالي
يا ذا الملك الفاخر يا ذا البهاء الزاهر يا من به تحسن الظنون يا ذا الجود والكرم والمن والكبرياء
يا باقيا لا يموت يا صمدا لا يطعم يا قيوما لا ينام يا بصيرا لا يرتاب يا حافظا لا يجهل يا واسعا
لا يتكلف يا غنيا لا يفتقر يا منيعا لا يرام يا عزيزا لا يضام يا قويا لا يغلب يا حيا دائما لا

يتكلم

يتكلم يا محتجبا لا يرى يا جبار السموات والارض يا نور السموات والارض يا اكرم الاكرمين
يا اجود الاجودين يا ارحم الراحمين يا غياث المستغيثين يا ولي المؤمنين يا عز الناصرين
والذاكرين يا سبيل الصالحين يا مفرجا عن المكروبين يا اكثر الراغبين اليه يا غوث
الملهوفين يا خير من دعاه الداعون اسألك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعلني
عندك من اعظم عبادك اليوم فيما تقسمه من نور تهدي به ورحمة تنشرها ورزق
تبسطه وضر تكشفه وبلاء تصرفه وفتنة تكفيها وثواب تكتبه وامر تسهله انك
على كل شيء قدير يا ارحم الراحمين مؤلف گويد كه سيد ابن باقي نيز در عنوان اين دعا گفته است كه
اين دعا از جمله سي فصل دعائي است كه براي هر روزي
دعائي علحده هست ونيز اگرچه بروايت نسبت نداده ولكن ظاهر اينست كه منقول باشد وما هر يك را
در محل خود مذكور ميسازيم چهارم صاحب كتاب ذخيره ذكر نموده كه ابن عباس از رسول خدا
صلى الله عليه واله روايت نموده است كه هر كه در روز اول ماه رمضان اين دعا را بخواند حق تعالى
باو هزار هزار حسنه عطا فرمايد وهزار هزار درجه براي او بلند كرداند وهزار هزار گناه از او محو
فرمايد ودعا اينست اللهم اجعل صيامي فيه صيام الصائمين وقيامي فيه قيام القائمين
ونبهني فيه عن نومة الغافلين وهب لي جرمي فيه يا اله العالمين مؤلف گويد
كه اين حديث طويلي است مشتمل بر سي دعا براي هر روزي دعاي مخصوصي چنانچه هر يك
مذكور ميشود وسندش غير معتبر واز تاليف وترصيف فقراتش ظاهر ميشود كه از
معصوم منقول نباشد ولكن چون ماه مبارك رمضان وقت دعا است در هر حال نيز در تاليف
ادعيه مرخص است خواندن آن بدين نيت بهتر است پنجم غسل نمودن سيد ابن طاوس طاب ثراه
در كتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه روايت نموده است كه مختصر
از بدن از بزرگوارش از حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليهم روايت فرموده كه هر كه در
روز اول سال در آب جاري غسل كند وسي كف از آب بر سر بريزد دواي دردهاي آن سال
باشد وبدرستي كه اول هر سالي روز اول از ماه مبارك رمضان است مؤلف گويد كه انچه
در اخبار ظاهر شده كه اول هر سالي روز اول ماه مبارك رمضان است اگر از تتمه حديث باشد
دلالت بر مدعا دارد ولكن محتمل است كه اين كلام سيد باشد بنا بر اين محتمل است كه اين عمل

دعای روز اول
غسل روز اول ماه

در روز اول محرم یا روز نوروز باید واقع شود واگر در هر سه روز کرده شود بهتر است و بدانکه سید
در اینمقام گفته که ممکن است که بخاطر کسی خطور کند و استبعاد نماید که چگونه ریختن یک کف آب
بر سر این مرتبه می تواند بخشید که در تمام سال آن شخص مبتلا بآزاری نشود و گفته که جواب این
اشکال آنست که در لطف و کرم بی منتهای حق تعالی چنان اقتضا می کند که جزاهای عظیم
مانند خلود بهشت و لذات عظیمه را بر اعمال قلیله بندگان کرامت فرماید پس ممکن است
که در دار دنیا نیز جزای این عمل قلیل را عافیت در تمام سال کرامت فرموده باشد والله تعالی یعلم

در فضیلت استعمال گلاب

ششم استعمال گلاب سید در کتاب مذکور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است
که هر که یک کف از گلاب بر صورت خود بزند در این روز از مذلت و فقر ایمن باشد و هر که قدری
از گلاب بر سر خود بریزد در آن سال از مرض برسام ایمن باشد پس ترک مکنید بجهة امری
که وصیت نموده امام بشما مؤلف گوید که سید علیه الرحمة واکثر علما این حدیث را بر استعمال گلاب
در روز اول ماه رمضان حمل نموده اند و بگمان این شکسته بی وجرات بجهة آنکه روز
اول ماه رمضان در روایت اصلا مذکور نیست بنا بر این ظاهر آنست که مراد این باشد که در هر روزی
هر که گلاب بر صورت زند از مذلت و فقر ایمن باشد واگر بر سر بریزد در بقیه آن سال
یا از آن روز تا مثل آن روز از سال آینده که مجموع یکسال شود از مرض برسام ایمن باشد
والله تعالی یعلم شب دویم واعمال آن چند چیز است اول شیخ مفید قدس الله سره
در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه واله روایت نموده که هر که در این شب چهار
رکعت نماز بکند و در هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره انا انزلناه
فی لیلة القدر بیست نوبت حق تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد و روزی او را
وسیع گرداند و کفایت کند از او بدی آن سال را دویم سید ابن طاوس علیه الرحمة

دعای شب دوم

در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره این دعا را برای این شب نقل نموده
اللهم انت الرب وانا العبد قضیت علی نفسك الرحمة وانت الغنی وانت
الصادق لنا اذ یداك مبسوطتان تنفق کیف تشاء لا یلحقك سائل ولا
ینقصك نائل ولا یزیدك کثرة السؤال الا عطاء وجودا اسألك قلبا وجلا
من مخافتك ادرك به جنة رضوانك واصوبه فی سبیل من احببته وارضاك

عملا

عملا ارضيته في ثوابك حتى تبلغني بذلك ثقة المؤمنين بك وامان الخائفين
منك اللهم وما اعطيتني من عطائك فاجعله شغلا فيما تحب اللهم انك
قصمت الجبابرة بجبروتك وبسطت كفك على الخلائق واقمت انك حي
قيوم وكذلك انت تقطع حيل المبطلين ومكرهم دونك اللهم صل
على محمد واله وارزقني موالاة من واليت ومعاداة من عاديت وحبا لمن احببت
وبغضا لمن ابغضت حتى لا اوالي لك عدوا ولا اعادي لك وليا اشكو اليك
يا رب خطيئة اعشت بصري واظلمت على قلبي وفي طريق الخاطئين صرعتني
فهذه يدي رهينة في وثاقك بما جنيت على نفسي وهذه رجلي موثقة في حبالك
باكتسابي فلو كان مهربي الى جبل لجئني او مغارة تواريني او بحر ينجيني لكنت
العائذ بك من ذنوبي استعيذك عياذة مهموم حزين كئيب يرهب نار السموم
اللهم يا مجلي عظائم الهموم فرجني حل عني همة الهموم واجرني من نار تقصم
عظامي وتحرق احشائي وتفرق قواي اللهم ارزقني صبر آل محمد واجعلني انظر
امرهم واجعلني من انصارهم واعوانهم في الدنيا والآخرة اللهم احيني محياهم
وامتني مماتهم اللهم اعطهم سؤلهم في وليهم وعدوهم اللهم رب السبع المثاني
والقرآن العظيم ورب جبرئيل وميكائيل اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تقبل صومي وصلواتي [illegible] اللهم اني اعوذ بك في
هذا الشهر العظيم من كل ذنب يحبس رزقي او يحجب مسئلتي او يبطل صومي
او يصدني بوجهك الكريم عني اللهم صل على محمد وآله واغفر لي ما لا يضرك
واعطني ما لا ينقصك في هذه الليلة فاني فقير الى رحمتك سیم ایضا سید در
اقبال وابن باقی در اختیار از رسول خدا صلی الله علیه واله این دعا را برای این شب روا

وما زويت عني فاجعله فراغا لي فيما تحب

عوده اند یا اله الاولین والاخرین واله من بقی واله من مضی رب السموات السبع ومن
فیهن فالق الاصباح وجاعل اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا لک الحمد ولک الشکر
ولک المن ولک الطول وانت الواحد الاحد الصمد اسالک بجلالک سیدی وجمالک
مولای ان تصلی علی محمد وال محمد وان تغفر لی وترحمنی وتجاوز عنی انک انت
العفور الرحیم روز دوم واعمال آن چند چیز است اول سید ابن طاوس رحمه الله در اقبال
گفته که از جمله دعاهای روز دوم ماه مبارک رمضان این دعاست اللهم الیک غدوت
بحاجتی وبک انزلت الیوم فقری ومسکنتی فانی لمغفرتک ورحمتک ارجی منی لعملی
ومغفرتک ورحمتک اوسع لی من ذنوبی کلها اللهم فصل علی محمد وال محمد وتول
قضاء کل حاجة لی بقدرتک علیها وتیسیرها علیک وفقری الیک فانی لم اصب خیرا
قط الا منک ولم یصرف عنی سوء قط غیرک ولا ارجو لامر اخرتی ودنیای سواک
یوم یفردنی الناس فی حفرتی وافضی الیک باکرم اللهم من تهیا وتعبا واعد
واستعد لوفادة الی مخلوق رجاء رفده وطلب نائله وجائزته فالیک یا رب
تعبئتی واستعدادی رجاء رفدک وطلب نائلک وجائزتک فلا تخیب دعائی
یا من لا یخیب علیه السائل ولا ینقصه نائل فانی لم اتک ثقة بعمل صالح عملته
ولا لوفادة الی مخلوق رجوته اتیتک مقرا بالاسائة علی نفسی والظلم لها معترفا
بان لا حجة لی ولا عذر اتیتک ارجو عظیم عفوک الذی عفوت به علی الخاطئین
فلم یمنعک طول عکوفهم علی عظیم الجرم ان عدت علیهم بالرحمة فیا من رحمته
واسعة وعفوه عظیم یا عظیم یا عظیم یا رب لن یرد غضبک الا حلمک ولا ینجی
من سخطک الا التضرع الیک فهب لی یا الهی فرجا بالقدرة التی تحیی بها
میت البلاد ولا تهلکنی غما حتی تستجیب لی دعائی وتعرفنی الاجابة

دعای روز دوم — افضی — علوت — ینجی

وارزقنی

وارزقنی طعم العافیة الی منتهی اجلی ولا تشمت بی عدوی ولا تسلطه علی ولا تمکنه
من عنقی الهی ان وضعتنی فمن ذا الذی یرفعنی وان رفعتنی فمن ذا الذی یضعنی وان
اهلکتنی فمن ذا الذی یعرض لک فی عبدک او یسالک عن امره وقد علمت انه لیس
فی حکمک ظلم ولا فی نقمتک عجلة وانما یعجل من یخاف الفوت وانما یحتاج الی
الظلم الضعیف وقد تعالیت عن ذلک علوا کبیرا فصل علی محمد وال محمد وانصرنی
واهدنی وارحمنی وارزقنی وارفعنی واعفنی واغفر لی وتب علی واعصمنی واستجب لی
فی جمیع ما سالتک واردته بی وقدره لی ویسره وامضه وبارک لی فیه وتفضل علی
به واسعدنی بما تعطینی منه وزدنی من فضلک الواسع سعة من نعمک الدائمة
وواصل لی ذلک کله بخیر الاخرة ونعیمها یا ارحم الراحمین دوم سید ابن باقی قدس سره
روحه در اختیار این دعا را برای روز دوم نقل نموده است اعلم وان الله علی کل شیء قدیر
ولا اله الا الله رب العرش العظیم اللهم انی اسالک فی یومی هذا وفیما قبله وفیما
بعده العفو یا خیر من اعتمد علیه المعتمدون ویا خیر من قصده القاصدون
ویا خیر من هرب الیه الهاربون یا خیر من ساله السائلون یا خیر من جاد فی
المجتهدین یا خیر الرازقین یا ذا القوة المتین یا ولی الذاکرین یا خیر المسئولین
یا منقذ الغرقی یا منجی الهلکی یا اسمع السامعین ویا ابصر الناظرین یا امان
الخائفین یا صریخ المستصرخین یا ملجا اللاجئین یا رازق المقلین یا غافر ذنوب
المذنبین یا مطلق المسجونین یا من یعفو عن المسیئین یا زائد الشاکرین یا معذب
الکافرین یا سبیل الصالحین یا اعلم العالمین یا احکم الحاکمین یا من لا تفنیه
الدهور والسنون یا بار المؤمنین یا جبار المتوکلین یا قدوسا فی السموات و
یا قدوسا فی الارضین یا عظیما فی العالمین یا من لا یصرف البلیات یا من هو عالم الخفیات

تمکنه — اعلموا — المجتهدین — الهلکی — یا بار بالمؤمنین

يا من يؤتي بالحسنات يا منزل البركات يا رب السموات يا مفرج الكربات يا محيي
الاموات يا بارئ النسمات يا من لا تشتبه عليه اللغات يا معطي المسألات
يا قابل التوبات يا رافع الدرجات يا من خضعت لامره الامواج المتلاطمات
يا من يسبحه الحيتان السابحات يا من اطاعته الرياح العاصفات يا من بقدرته
تجري الجوار المنشئات يا من يسمع ويرى المناجات يا من بنعمته تتم الصالحات
يا ذا المن والعطيات يا من جل عن الصفات وعظم وتعالى عن الشبهات يا من
يعلم ما في البر والبحر والفلوات يا ذا الفضل والكرامات اسألك ان تصلي
على محمد وآل محمد الطاهرين وتغفر لي مغفرة عزما جزما لا تغادر لي ذنبا ولا تكتب
بعدها علي حسابا وان ترضى عني في يومي هذا رضا لا تغضب علي بعده وان
تغفر لي ما تقدم من ذنبي وما تأخر وان تقيني من العذاب الادنى ومن العذاب
الاكبر وان تعطيني قوة في عبادتك وبصرا في كتابك وفقها في حكمك وتبيض
وجهي بنورك وتجعل رغبتي في لقائك وغناي في عطائك وترغبني فيما
عندك انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله الطاهرين وسلم **سیم**
صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله
فرمود که هر که این دعا را در روز دوم ماه مبارک رمضان بخواند حق تعالی عطا فرماید باو
بعدد هر گامی که در تمام عمر خود برداشته باشد ثواب عبادت یکساله را اگر در روزهای آن
روزه باشد و شبهای آنرا همه بعبادت بر پا داشته باشد و دعا **اینست** اللهم قربني فيه
الى مرضاتك وجنبني فيه من سخطك ونقماتك ووفقني فيه لقراءة كتابك
برحمتك يا ارحم الراحمين **شب سیم** واعمال آن چند چیز است **اول** احیا داشتن
آن بعبادت چنانچه بعد از این حدیث مذکور میشود **دوم** غسل زیرا که از شبهای طاق است
چنانچه سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال گفته که در حدیث وارد شده است که در هر
شبی از شبهای طاق ماه رمضان غسل مستحب است **سیم** شیخ شهید طاب ثراه

سخطك

اسألك يا اله العالمين ويا خير الناصرين برحمتك يا ارحم الراحمين

در کتاب

در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب ده رکعت
نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد پنجاه نوبت
منادی از جانب حق تعالی ندا کند که بدرستی که فلان پسر فلان آزادکردهٔ خداست از آتش
جهنم و درهای آسمان برای او گشوده شود تا هر دعا که کند باجابت مقرون گردد و هر که
این شب را بعبادت احیا کند حق تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد **چهارم** سید ابن طاوس
قدس الله روحه در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره این دعا را برای این شب
نقل نموده اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح قلبي لذكرك واجعلني اتبع كتابك
واومن برسولك واوفي بعهدك وابتغي رحمتك وتقبل صومي اللهم اني اتقرب
اليك في هذا الشهر الشريف العظيم بجودك وكرمك واتقرب اليك بملائكتك
وانبيائك ورسلك واتقرب اليك بالمستحفظين اولهم واخرهم واسألك ان
تصلي على محمد وآل محمد وتغفر لي الذنوب جميعا الساعة الساعة الليلة الليلة
و در شبهای خود را ملتزم کن و سعی کن که آنرا از جملهٔ عادت جاری خود **پنجم** سید در اقبال
و ابن باقی در اختیار این دعا را از حضرت رسالت صلی الله علیه وآله برای این شب روایت
کرده اند يا اله ابراهيم واله اسحق واله يعقوب والاسباط رب الملائكة
والروح السميع العليم الحليم الكريم العلي العظيم لك صمت وعلى رزقك افطرت
والى كنفك اويت واليك انبت واليك المصير وانت الرؤف الرحيم فقوني
على الصلوة والصيام ولا تخزني يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد **روز سیم**
سید ابن طاوس رحمه الله در اقبال گفته که در روایتی وارد شده که در این روز انجیل بر حضرت
عیسی علیه السلام نازل شد و بنابرین سبب زیادتی احترام آن میکرده و اعمال آن چند امر است
اول سید در کتاب مذکور از جمله دعاهای این روز این دعا را نقل نموده است
يا من يحل به عقد المكاره ويا من يفثأ به حد الشدائد ويا من يلتمس منه
المخرج الى محل الفرج ذلت لقدرتك الصعاب وتسببت بلطفك الاسباب
وجرى بطاعتك القضاء ومضت على ارادتك الاشياء فهي بمشيتك

دون قولك مؤتمرة وبإرادتك دون وحيك منزجرة انت المدعو للمهمات نهيك
وانت المفزع في الملمات لا يندفع منها الا ما دفعت ولا ينكشف منها
الا ما كشفت وقد نزل بي يا رب ما قد تكادني ثقله والم بي ما قد
بهظني حمله وبقدرتك اوردته علي وبسلطانك وجهته الي ولا مصدر
لما اوردت ولا مورد لما اصدرت ولا صارف لما وجهت ولا فاتح لما
اغلقت ولا مغلق لما فتحت ولا ميسر لما عسرت ولا معسر لما يسرت ولا
ناصر لمن خذلت ولا خاذل لمن نصرت فصل على محمد وال محمد وافتح لي يا رب
باب الفرج بطولك واكسر عني سلطان الهم بحولك وانلني حسن النظر فيما شكوت
واذقني حلاوة الصنع فيما سألت وهب لي من لدنك فرجا هنيئا واجعل لي
من عندك مخرجا وحيا ولا تشغلني بالاهتمام عن تعاهد فروضك واستعمال سنتك
فقد ضقت لما نزل بي ذرعا وامتلأت بما حدث علي هما وانت القادر
على كشف ما منيت به ودفع ما وقعت فيه فصل على محمد وال محمد
وافعل بي ذلك وان لم استوجبه منك يا ذا العرش الكريم والسلطان العظيم
يا خير من خلونا به وحدنا ويا خير من اشرنا اليه بكفنا نسألك اللهم
ان تلهمنا الخير وتعطيناه وان تصرف عنا الشر وتكفيناه وان تدحر
عنا الشيطان وتبعده وان ترزقنا الفردوس وتحلناه وان تسقينا
من حوض محمد وال محمد صلواتك عليه واله وتوردناه ندعوك يا ربنا
تضرعا وخفية ورغبة ورهبة وخوفا وطمعا انك سميع الدعاء وصلى الله
على محمد واله اللهم اني اسألك بحرمة من عاذ بك منك ولجأ الى عزك
واستظل بفيئك واعتصم بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا ويا فكاك
الاسارى انت المفزع في الملمات وانت المدعو للمهمات صل على محمد

وال

وال محمد واجعل لي فرجا ومخرجا ورزقا واسعا بما شئت اذا شئت كيف شئت يا ارحم وارزقني
الراحمين دوم سيد ابن باقي در اختيار اين دعا را براي اين روز نقل نموده است
اللهم اني اسألك يا ميسر كل عسير ويا من هو حسن التدبير ويا من لا يحتاج
الى التفسير ويا من هو اكبر من كل كبير يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا تغيير
صاحبة له ولا ضد ولا ند ولا معين يا جابر العظم الكسير يا معين البائس الفقير ولا ظهير
يا خالق الشمس والقمر المنير يا سالك الفلك المدير يا رازق الطفل الصغير
اسألك ان تفتح مسامع قلبي لذكرك واتباع كتبك والتصديق بانبيائك
والوفاء بعهدك والايمان بوعدك فاني يا الهي بنورك اهتديت وبفضلك
استغنيت وبك اصبحت وامسيت الهي ذنوبي بين يديك استغفرك منها واتوب
اليك اللهم لا تؤخرني في الاشرار ولا تكثرني اهل النار واحيني حيوة
طيبة وتوفني وفاة طيبة كريمة والحقني بالابرار اللهم اني استغفرك
لذنوبي واعرض عليك حوائجي واسألك فوق رغبتي وارغب اليك
في التجاوز عن ظلمي لنفسي وان تجعل غناي وهداي في نفسي وان تتقبله مني تقبل
وتبلغني تمامه وتتمه لي وتكفلني من الاثم فيه لعزك العظيم برحمتك يا
ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واله الطاهرين سيم صاحب كتاب
ذخيره از ابن عباس روايت كرده است كه حضرت رسالت صلى الله عليه واله فرمود كه
هر كه در روز سيم ماه رمضان اين دعا را بخواند حق تعالى براي او در جنة الفردوس
خانه بنا كند از در سفيد كه در بالاي آن هفتاد هزار غرفه باشد از نور ساطع
ودر پائين آن خانه نيز مانند آن غرفها باشد ودر هر غرفه هزار هزار سرير باشد
وبر هر سريري حوريه نشسته باشد وداخل شود بر او هر روز هزار ملك از جانب
حق تعالى با هديها وتحفها ودعا اينست اللهم ارزقني فيه الذهن

یا علی یا — نزلته

والتنبيه واعذني فيه عن السفاهة والتمويه واجعل لي نصيبا من كل خير تنزل فيه
يا اجود الاجودين شب چهارم واعمال آن چند چیز است اول شیخ شهید قدس الله روحه
در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این شب هشت
رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی حمد یکمرتبه و سوره انا انزلناه فی لیلة
القدر بیست مرتبه حق تعالی عمل او را در این شب بالا برد با عمل هفت پیغمبر که تبلیغ
رسالت پروردگار خود نموده باشد دوم سید طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب
عمل شهر رمضان ابن ابی قره آورده اند دعا را برای این شب نقل نموده است الهي ما عملت
من حسنة فلا حمد لي فيه وما ارتكبت من سوء فلا عذر لي فيه الهي اعوذ بك
ان اتكل على ما لا حمد لي فيه او ارتكب ما لا عذر لي فيه الهي استغفرك مما
تبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك مما وعدتك من نفسي ثم اخلفتك فيه
استغفرك مما اردت به وجهك الكريم فخالطني ما ليس لك رضا واستغفرك
لكل نعمة انعمت بها علي فتقويت بها على معاصيك واستغفرك لكل ذنب
اذنبته ولكل خطيئة ارتكبتها ولكل سوء اتيته يا الهي واسألك
ان تصلي على محمد وآل محمد وتهب لي برحمتك كل ذنب فيما بيني وبينك وان
تستوهبني من خلقك وتستنقذني منهم ولا تجعل حسناتي في موازين
من ظلمته واسأت اليه فانك على ذلك قادر يا عزيز وكل ذنب انا عليه مقيم
فانقلني عنه الى طاعتك يا الهي كل ذنب اريد ان اعمله فاصرفه عني وردني
الى طاعتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك باسمائك التي ليس فوقها شيء
بالله الرحمن الرحيم الذي لا يعلم كنه ما هو الا انت ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تغفر لي ما سلف من ذنوبي وتعصمني فيما بقي من عمري وتعطيني جميع
سؤلي في ديني ودنياي وآخرتي ومثواي يا ارحم الراحمين سوم ایضا سید ابن
طاوس وابن باقی قدس الله روحهما در اقبال واختیار آورده اند دعا را برای این شب از رسول

بجودك يا احكم الحاكمين برحمتك يا ارحم الراحمين

خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده اند یا رحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما ویا جبار الدنیا
ویا مالک الملوک ویا رازق العباد هذا شهر التوبة وهذا شهر الثواب وشهر الرجاء
وانت السميع العليم اسألك ان تجعلني في عبادك الصالحين الذين لا خوف عليهم
ولا هم يحزنون وان تسترني بالستر الذي لا يهتك وتجللني بعافيتك التي لا
ترام وتعطيني سؤلي وتدخلني الجنة برحمتك وان لا تدع لي ذنبا الا غفرته
ولا هما الا فرجته ولا كربة الا كشفتها ولا حاجة الا قضيتها بحق محمد
وآل محمد انك انت الاجل الاعظم روز چهارم واعمال آن چند چیز است اول
سید ابن طاوس طاب ثراه در اقبال آورده اند دعا را برای این روز نقل نموده است یا کهفي
حين تعييني المذاهب ويا ملجاي حين تقل بي الحيل ويا بارئ خلقي رحمة بي وكنت عن
خلقي غنيا يا مؤيدي بالنصر على اعدائي ولولا نصرك اياي لكنت من المغلوبين
ويا مقيل عثرتي ولولا سترك عورتي لكنت من المفضوحين ويا مرسل الرياح
من معادنها ويا ناشر البركات من مواضعها ويا من خص نفسه بالشموخ والرفعة
فاولياؤه بعزته يتعززون ويا من وضع نير المذلة على اعناق الملوك فهم قهره
من سطواته خائفون اسألك باسمك الذي هو من نورك واسألك بنورك الذي
هو من كينونتك واسألك بكينونتك التي هي من كبريائك واسألك بكبريائك
التي هي من عظمتك واسألك بعظمتك التي هي من عزتك واسألك بعزتك التي
لا ترام وبقدرتك التي خلقت بها خلقك فهم لك مذعنون وباسمك الاجل الاعظم
المبين ان تصلي على محمد وآله وان تقضي عني ديني وتغنيني من الفقر وتمتعني بسمعي وبصري
وتجعلهما الوارثين مني وان ترزقني من فضلك الواسع من حيث احتسب ومن حيث
لا احتسب فانه لا حول ولا قوة الا بك يا الله يا رب صل على محمد وآل محمد واغفر لي

وَلِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **دوم** سيد ابن باقی در اختيار آورده كه دعا بوالي ابن روز
نقل نموده است اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ يَا مَنْ هُوَ اَكْبَرُ وَاَبْصَرُ وَاَخْبَرُ وَاَقْدَمُ وَاَقْدَرُ وَاَظْهَرُ وَاَنْوَرُ

اصبر وخير

وَاَنْكَرُ وَاَسْتَرُ وَاَنْحَرُ وَاَنْصَرُ وَاَعَزُّ وَاَكْبَرُ وَاَسْمَعُ وَاَقْنَعُ وَاَعْلٰى وَاَرْفَعُ وَاَخْلَفُ وَاَعْطَفُ
وَاَرْئَفُ وَاَمْجَدُ وَاَحْمَدُ وَاَكْمَلُ وَاَفْضَلُ وَاَشْفَقُ وَاَرْفَقُ وَاَصْدَقُ وَاَرْحَمُ وَاَجَلُّ
وَاَعْظَمُ وَاَحْكَمُ وَاَقْوَمُ وَاَقْدَمُ وَاَمْلَكُ وَاَرْزَقُ وَاَقْبَضُ وَاَبْسَطُ وَاَسْبَغُ وَاَحْفَظُ وَاَغْنٰى
وَاَقْنٰى وَاَعْلٰى وَاَوْفٰى وَاَبْلٰى وَاَعْطٰى وَاَنْمٰى وَاَكْلٰى وَاَسْخٰى وَاَهْدٰى وَاَرْشَدُ وَاَعَزُّ وَاَجَلُّ وَ
اَقْرَبُ وَاَغْلَبُ وَاَهْيَبُ وَبِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلٰى مَنْ صَامَ لِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي
هٰذَا الشَّهْرِ مُنْذُ فَرَضْتَهُ وَعَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلٰى اُمَّتِهِ اَنْ لَا تَدَعَ لِي

نبيك

ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا غَمًّا اِلَّا نَفَّسْتَهُ وَلَا عُسْرًا اِلَّا يَسَّرْتَهُ وَلَا فَسَادًا
اِلَّا اَصْلَحْتَهُ وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا مَرَضًا اِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا عَيْبًا اِلَّا سَتَرْتَهُ اَللّٰهُمَّ
اصْرِفْ عَنِّي فِتْنَةَ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَالْبَلْوٰى وَالْبَلِيَّاتِ وَاغْفِرْ لِيَ الْمُوبِقَاتِ وَاَنْجِحْ

فيه

لِيَ الطَّلِبَاتِ وَارْفَعْ لِيَ الدَّرَجَاتِ وَوَفِّقْنِي لِلصَّالِحَاتِ وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّاتِ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِلِينَ عَدْلًا مُخْلِصًا اَلَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ
يَا مَنْ آيَاتُهُ لَا تُحْصٰى وَيَا مَنْ ذِكْرُهُ لَا يُنْسٰى وَيَا مَنْ نِعْمَتُهُ لَا تُنْفٰى يَا مَنْ عَلٰى فَاسْتَعْلٰى يَا مَنْ
عَلَا فَتَعَالٰى يَا اَهْلَ الْفَضْلِ وَالْآلَاءِ يَا رَبَّ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ يَتَلَأْلَأُ اَسْاَلُكَ بِمَا مَدَحْتُكَ
بِهِ مِنْ اَسْمَائِكَ فِي يَوْمِي هٰذَا وَنَاجَيْتُكَ بِهِ فِي هٰذَا الشَّهْرِ الْمَيْمُونِ الْمَفْرُوضِ الْمُبَارَكِ
وَبِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلٰى اَوْلِيَائِكَ وَاَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ اَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
وَتُصْلِحَ لِيَ الشَّانَ وَتَهَبَ لِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْاَمْنَ وَالْعَافِيَةَ وَالْغِنٰى وَالْمَغْفِرَةَ
اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ **سيم** صاحب كتاب ذخيره
از ابن عباس روايت كرده است كه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود كه هر كه در روز چهارم ماه

مبارك رمضان اين دعا را بخواند حق تعالى در جنة الخلد هفتاد هزار سرير با و عطا فرمايد كه بر هر سريرى
حوريه نشسته باشد و دعا **اين** اَللّٰهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلٰى اِقَامَةِ اَمْرِكَ وَاَذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ

ارزقني

وَاَوْزِعْنِي فِيهِ اَدَاءَ شُكْرِكَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ **شب پنجم** و اعمال آن چند چيز است **اول** عمل
زيارت كه از بنهاي طاقت **دوم** شيخ شهيد طاب ثراه در كتاب اربعين از رسول خدا صلى الله عليه وآله
روايت كرده است كه هر كه در اين شب دو ركعت نماز بكند در هر ركعتى حمد يكنوبت و سوره قل هو الله
احد پنجاه نوبت و چون از نماز فارغ شود صد نوبت اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بگويد در
بهشت عنبر سرشت فرداي روز قيامت رفيق و مصاحب من كه محمدم صلى الله عليه وآله و علي بن
ابي طالب عليه السلم خواهد بود **سيم** سيد ابن طاوس رضي الله عنه در كتاب اقبال از كتاب
عمل ماه رمضان ابن ابي قره رضوان الله عليه اين دعا را براي اين شب نقل نموده است اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاَسْمَائِكَ خَيْرِ الْاَسْمَاءِ الَّتِي تُنَزِّلُ بِهَا الشِّفَاءَ وَتَكْشِفُ بِهَا الْاَدْوَاءَ اَنْ تُصَلِّيَ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُنَزِّلَ مِنْكَ عَافِيَةً وَشِفَاءً وَتَدْفَعَ عَنِّي بِاَسْمِكَ كُلَّ سُقْمٍ وَبَلَاءٍ
وَتَقَبَّلَ صَوْمِي وَتَجْعَلَنِي فِيمَنْ صَامَ وَقَامَ وَرَضِيتَ عَمَلَهُ وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ صَامَتْ جَوَارِحُهُ
وَحَفِظَ لِسَانَهُ وَفَرْجَهُ وَتَرْزُقَنِي عَمَلًا تَرْضَاهُ وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِالصَّمْتِ وَالسَّكِينَةِ وَوَرَعًا
يَحْجُزُنِي عَنْ مَعْصِيَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **چهارم** سيد ابن طاوس در اقبال و سيد ابن باقي در
اختيار اين دعا را براي اين شب از رسول خدا صلى الله عليه وآله روايت كرده اند يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ
وَيَا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوٰى وَيَا رَائِيَهُ وَيَا شَدِيدَ الْقُوَّةِ اَنْتَ النُّورُ فَوْقَ النُّورِ وَنُورُ كُلِّ
نُورٍ فَيَا نُورَ كُلِّ نُورٍ اَسْاَلُكَ اَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبَ اللَّيْلِ وَذُنُوبَ النَّهَارِ وَذُنُوبَ السِّرِّ وَذُنُوبَ
الْعَلَانِيَةِ يَا قَادِرُ يَا قَدِيرُ يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا وَدُودُ يَا عَفُوُّ يَا رَحِيمُ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ وَ
قَابِلَ التَّوْبِ شَدِيدَ الْعِقَابِ ذَا الطَّوْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ تُحْيِي وَتُمِيتُ وَتُمِيتُ
وَتُحْيِي وَاَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاعْفُ عَنِّي وَارْحَمْنِي
اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ **روز پنجم** و اعمال آن چند چيز است **اول** سيد ابن طاوس در اقبال
اين دعا را براي اين روز نقل نموده است اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْزِعْ مَا فِي قَلْبِي مِنْ حَسَدٍ

اوغلٍّ اوغشٍّ اوفتنةٍ اوفرحٍ اومرحٍ اوبطرٍ اواشرٍ اوخيلاءٍ اوشكٍّ اوريبةٍ اونفاقٍ اوشقاقٍ
اوغفلةٍ اوقطيعةٍ اوجفاءٍ اوما تكرهه مما هو في قلبي اللهمّ ارزقني التثبّت في امري
والمشاورة مع اهل النصيحة والمودة لي والتواضع في قلبي والتماس البركة في ما انعمت
به عليّ اللهمّ ارزقني سلامة الصدر والسكينة الى ما تحبّ وترضى اللهمّ ارزقني
شرح الصدر وانفساحه لما تحبّ وترضى ونور القلب ونعمته لما تحبّ وترضى وزكاء
القلب وتوقّده فيما تحبّ وترضى وحسن الامن وايمانه بما تحبّ وترضى يا من بيده صلاح
القلب اصلحه لي يا من بيده سلامة القلب فاجعله سالما لي وارزقني ما سألتك وتفضّل
عليّ بما لم اسأل اللهمّ ارزقني من فضلك وسعتك وجودك وكثرة نائلك ما انت
اهله اللهمّ اعفني عن طلب ما لم تقدّره لي وسهّل سبيل ما رزقتني منه وسقه
اليّ في عافية ويسر ورحمة ولطف ولا تعسّره لي اللهمّ لا تنزع منّي صالحا اعطيتنيه
ولا توقعني في شرّ استنقذتني منه واكفني بره منك من جميع خلقك اللهمّ صلّ على
محمّد وآل محمّد ومتّعنا باسماعنا وابصارنا واجعلهما الوارثين منّا فانّه لا حول ولا
قوّة الّا بك دوم سيد ابن باقي رحمه الله در اختيار آنيد عا را براي اين روز نقل نموده
اللهمّ انّي اسألك بلا اله الّا انت يا لا اله الّا انت ان تصلّي على محمّد وآل محمّد واهل
بيته الاخيار وان تتوب عليّ في هذا الشهر كما تبت على ابينا آدم عليه السلام وان
تنجيني من كربات الدنيا كما نجّيت نوحا عليه السلام من الكرب العظيم وان تبارك
لي في هذا الشهر كما باركت على ابرهيم وآل ابرهيم انّك حميد مجيد وان ترضى عنّي فيه
كما رضيت عن اسمعيل عليه السلام وان تصرف عنّي الفحشاء كما صرفت عن يوسف عليه السلام
وان تمنّ عليّ بالفضل كما مننت على موسى عليه السلام وان تتقبّل منّي كما تقبّلت
من داود عليه السلام وان تستجيب دعائي كما استجبت لزكريا عليه السلام وان

نكشف

نكشف
تكشف عنّي الضرّ كما كشفته عن ايوب عليه السلام وان تنجيني من الآفات كما نجّيت ذا النون
من بطن الحوت عليه السلام وان ترفع لي ذكري لا منادكا كما رفعت لادريس عليه السلام
مكانا عليّا وان توفّقني للصالحات كما وفّقت شعيبا عليه السلام وان تلهمني كما الياس
عليه السلام وان تهب لي بركته ومنّه من لدنك سلطانا نصيرا كما وهبت لسليمان
ملكا عظيما عليه السلام وان تكرمني كما اكرمت عيسى بن مريم عليهما السلام وان تهديني
كما هديت نبيّنا محمّدا صلّى الله عليه وآله وان تعتقني فيه من النار بمسئلتي ايّاك برحمتك
وان تجعلني كما تحبّ وترضى في جميع الامور انّك على كلّ شيء قدير وصلّى الله على
محمّد وآله الطاهرين سيّم صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس روايت كرده است كه رسول خدا
صلّى الله عليه وآله فرمود كه هر كه اين دعا را در روز پنجم ماه رمضان بخواند حق تعالى در جنّة
المأوى هزار هزار كاسه با وعطا فرمايد كه در هر كاسه هزار رنگ از طعام باشد و دعا اينست
اللهمّ اجعلني فيه من المستغفرين واجعلني فيه من عبادك الصالحين القانتين
واجعلني فيه من اوليائك المتّقين برأفتك يا ارحم الراحمين شب ششم واعمال آن
چند چيز است اوّل شيخ شهيد طاب ثراه در كتاب اربعين از رسول خدا صلّى الله عليه وآله
روايت كرده است كه هر كه در اين شب چهار ركعت نماز بكند در هر دو ركعت بيك سلام در هر ركعتي
حمد بخواند و سوره تبارك الذي بيده الملك بخواند پس گويا شب قدر را دريافته است دوم
سيد ابن طاوس رحمه الله در اقبال از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قرّه رضي الله عنه اين دعا را
براي اين شب نقل نموده است اللهمّ لك الحمد واليك المشتكى اللهمّ انت الواحد القديم
والآخر الدائم والربّ الخالق والديّان يوم الدين تفعل ما تشاء بلا مغالبة وتعطي
من تشاء بلا منّ وتصنع ما تشاء بلا ظلم وتداول الايّام بين الناس يركبون طبقا عن
طبق اسألك يا ذا الجلال والاكرام والعزّة التي لا ترام واسألك بالله واسألك

المقرّبين
ارحم الراحمين

يا رحمن اسالك ان تصلي على محمد وال محمد وان تعجل فرج ال محمد وفرجنا بفرجهم وتقبل
صومي واسالك خير ما ارجو واعوذ بك من شر ما احذر ان انت خذلت فبعد المجد
وان انت عصمت فبتمام النعم يا صاحب محمد صلى الله عليه واله يوم حنين وصاحبه
ومؤيده يوم بدر وخيبر والمواطن التي نصرت فيها نبيك عليه واله السلام
يا مبير الجبارين ويا عاصم النبيين اسالك واقسم عليك بحق يس والقران الحكيم
وبحق طه وسائر القران العظيم ان تصلي على محمد وال محمد وان تحصر بي عن الذنوب
والخطايا وان تزيدني في هذا الشهر العظيم تاييدا تربط به على جاشي وتشد به
على خلتي اللهم اني ادرأ بك في نحور اعدائي لا اجد لي غيرك ها انا ذا بين
يديك فاصنع بي ما شئت لا يصيبني الا ما كتبت لي انت حسبي ونعم الوكيل
سيم سيد ابن باقي رحمه الله عليه در اختيار اين دعا را براي اين شب از حضرت رسالت
صلى الله عليه واله روايت نموده است اللهم انت السميع العليم وانت الواحد الكريم
وانت الاله الصمد رفعت السموات بقدرتك ودحوت الارض بعزتك وانشات
السحاب بوحدانيتك واجريت البحار بسلطانك يا من سبحت له الحيتان في البحور
والسباع في الفلوات يا من لا يخفى عليه خافية في السموات السبع والارضين السبع
يا من تسبح له السموات السبع والارضون السبع ومن فيهن يا من لا يموت ولا
يبقى الا وجهه الجليل الجبار صل على محمد واله واغفر لي وارحمني واعف عني
انك انت الغفور الرحيم **روز ششم** شيخ مفيد قدس الله روحه السعيد در كتاب مسار الشيعه
گفته كه در اين روز تورية بر حضرت موسى عليه السلام نازل شده و در اين روز در سال دويست و يك
هجري مامون ملعون با حضرت امام رضا صلوات الله عليه بخلافت بيعت نمود و اين روز
شريفيست كه سرور مومنين در آن متجدد شده و مستحب است در آن تصدق و اعانت ساكين
و بسيار شكر كردن حق تعالى بجهة آنكه حق آل محمد عليهم السلام در اين روز ظاهر گردانيد

وبيني منافقين را بر خاك مالند و در كتاب تواريخ شرعيه بيعت آنحضرت را بر پنجم ماه در اين روز
نقل نموده و ظاهر آنست كه در باب صدقه حديثي بخصوص وارد شده باشد و چون تصدق
و شكر الهي در ايام متبركه عموما فضيلت دارد شيخ نيز در اين روز آنرا ذكر نموده و چون اين روز
مزيد اختصاصي با آنحضرت هست زيارت آنحضرت از دور يا نزديك و در روز مناسبات و اعمال
آن چند امرات **اول** سيد ابن باقي رحمه الله گفته كه در روايتي وارد شده كه در اين روز دو ركعت
نماز بايد كرد و شود در هر ركعتي حمد يكنوبت و سوره قل هو الله احد بيست و پنج نوبت بجهة آنكه
در اين روز فضيلت حضرت امام رضا صلوات الله عليه ظاهر شده است **دوم** سيد دراقبال
اين دعا را براي اين روز نقل نموده است يا خير من وجهت اليه وجهي يا خير من شكوت
اليه وحدتي يا خير من خصصت اليه بصري يا خير من ناجيته في سري يا خير
من بسطت اليه يدي يا خير من رجوته في حاجتي يا خير من فكرت فيه بقلبي
يا خير من اشرت اليه بكفي اجعل افضل صلواتك على افضل خلقك محمد
واله عليه وعليهم السلام واجعلهم واياي وما تفضلت به عليهم وعلينا
في كنفك وحرزك وكفايتك وكلائتك وسترك الواقي من كل سوء ومخوف
في الدنيا والاخرة فانا قد استغنينا واعتصمنا وتعززنا بك وانت الغالب
غير المغلوب ورمينا كل من اراد اهل بيت محمد واشياعهم واحبائهم بسوء
او بخوف او باذى بلا اله الا الله الحليم الكريم وبلا اله الا الله العلي العظيم وبلا
اله الا الله رب السموات السبع وما فيهن ورب الارضين وما فيهن وما بينهن ورب
العرش العظيم **سيم** سيد ابن باقي قدس الله روحه در اختيار اين دعا را براي اين روز
نقل نموده است اللهم ربي والهي وسيدي وثقتي ورجائي واملي وموضع
شكواي ومن اليه ملجاي ومن هو ثقتي في كل احوالي اني اصبحت وبي
اليك فاقة ولي اليك حاجات ولك عندي طلبات وانا مرتهن بما اجترحت فيها

وبما رزقتك به من المعاصي ومخالفة ما امرتني به وتائب اليك منها فاغفرها لي من لدنك
بعظيم عفوك وسعة رزقك ورحمتك وجودك وكرمك ومغفرتك كلها قديمها
وحديثها سرها وعلانيتها خطاها وعمدها مغفرة عزما جزما الا اكتسب بعدها
خطأ ولا اكتسب على بعدها ذنبا ولا اثما يا نفسي في شدتي ويا مونسي في وحدتي
وكالئي في وحشتي يا قديم العفو يا حسن البلاء يا الهي واله الخلق اجمعين اللهم
اني عبدك العليل الذليل الخائف المستجير المحتاج اليك المضطر في كل
احواله اليك خالفته باحتمال الخطايا سرا وعلانية انا شر عبد وانت خير رب ومولى
انت العواد بالمغفرة وانا العواد بالمعصية انا المستوجب لبوائق سخطك وزوال
نعمك اسالك يا الهي بضيائك وبهائك والائك وكبريائك واسمائك الحسنى
كلها وكلماتك التامات كلها واياديك القديمة عندي ان تصلي على محمد
وال محمد الاخيار وان تعتق رقبتي من النار انك على كل شيء قدير وصلى الله
على محمد واله الطاهرين وسلم چهارم صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس روايت كرده است
كه رسول خدا صلى الله عليه واله فرمود كه هر كه در اين روز اين دعا را بخواند حق تعالى در بهشت
باو چهل هزار شهر عطا فرمايد كه در هر شهري هزار هزار خانه باشد و در هر خانه هزار هزار
تخت باشد كه طول هر تختي هزار ذرع باشد كه بر هر تختي حوري نشسته باشد كه او را هزار
گيسو باشد كه هر گيسوي او را ملكي بر دارد و دعا اينست اللهم لا تخذلني فيه
بتعرض معصيتك ولا تضربني بسياط نقمتك وزحزحني فيه من موجبات سخطك
بمنك واياديك يا منتهى رغبة الراغبين شب هفتم واعمال آن چند چيز است اول
غسل زيرا كه از شبهاي طاق است دوم شيخ شهيد قدس الله نفسه در كتاب اربعين از رسول
صلى الله عليه واله روايت كرده است كه هر كه در اين شب چهار ركعت نماز بكند بهر ركعت

بيك سلام

بيكسلام در هر ركعتي حمد يكنوبت و سوره انا انزلناه سيزده نوبت حق تعالى در جنت عدن قصري
براي وي بنا كند و در امان الهي باشد تا ماه رمضان آينده سيم سيد ابن طاوس رضوان الله عليه
در اقبال از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره رحمه الله اين دعا را براي اين شب نقل نموده است
يا صريخ المستصرخين ويا مفرج كرب المكروبين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا كاشف
الكرب العظيم يا ارحم الراحمين صل على محمد وال محمد واكشف كربي وهمي وغمي
فانه لا يكشف ذلك غيرك وتقبل صومي واقض لي حوائجي وامتني على الايمان
بك والتصديق بكتابك ورسولك وحب الائمة المهديين اولي الامر الذين امرت
بطاعتهم فاني قد رضيت بهم ائمة اللهم صل على محمد وال محمد وادخلني في كل خير
ادخلت فيه محمدا وال محمد واجعلني معهم في الدنيا والاخرة ومن المقربين اللهم
صل على محمد وال محمد وتقبل صومي وصلواتي ونسكي في هذا الشهر رمضان
المفترض علينا صيامه وارزقني فيه مغفرتك ورحمتك يا ارحم الراحمين چهارم
ايضا سيد ابن طاوس روح الله روحه در اقبال و ابن باقي طاب ثراه در اختيار از رسول خدا
صلى الله عليه واله اين دعا را براي اين شب روايت كرده اند يا من كان ويكون وليس كمثله شيء
يا من لا يموت ولا يبقى الا وجهه الجبار يا من يسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته
يا من اذا دعي اجاب يا من اذا استرحم رحم يا من لا يدرك الواصفون صفته من عظمته
يا من لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير يا من يرى
ولا يرى وهو بالمنظر الاعلى يا من لا يعجزه شيء ولا فوقه احد يا من بيده نواصي العباد
اسالك بحق محمد صلى الله عليه واله عليك وحقك على محمد ان تصلي على محمد
وال محمد وان ترحم على محمد وال محمد كما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم وال
ابرهيم في العالمين انك حميد مجيد مولف گويد كه بعضي از فقرات اين دعا در اختيار
ابن باقي موجود نيست و ظاهر انست كه ساقط شده باشد روز هفتم و اعمال آن چند چيز است

اول سید در اقبال اینـدعا را برای این روز نقل نموده است اللهم انت ثقتی حین یسوء ظنی
باعمالی وانت املی عند انقطاع الحیل منی وانت رجائی عند تضایق حلول البلاء
علی وانت عدتی فی کل شدیدة نزلت بی وفی کل مصیبة دخلت علی وفی کل
کلفة صارت علی وانت موضع کل شکوی ومفرج کل بلوی انت لکل عظیمة
ترجی ولکل شدیدة تدعی الیک المشتکی وانت المرتجی للاخرة والاولی
اللهم ما اکبر همی ان لم تفرجه واطول حزنی ان لم تخلصنی واعز حسناتی
واخف میزانی ان لم تثقله وازل لسانی ان لم تثبته واوضع جدی ان لم تقل عثرتی
انا صاحب الذنب الکبیر والجرم العظیم انا الذی بلغت بی سوء نیتی وکشف قناعی
ولم یکن بینی وبینک حجاب یواری منک فلو عاقبتنی علی قدر جرمی لما فرجت
عنی طرفة عین ابدا اللهم انا الذلیل الذی اعززت وانا الضعیف الذی قویت
وانا المقر الذی سترت فما شکرت نعمتک ولا ادیت حقک ولا ترکت معصیتک
یا کاشف کرب ایوب وسامع صوت یونس المکروب وفالق البحر لبنی اسرائیل ومنجی موسی
ومن معه اجمعین اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل لی من امری
فرجا ومخرجا ویسرا برحمتک یا ارحم الراحمین دوم سید ابن باقی طاب ثراه در اختیار
اینـدعا را برای این روز نقل نموده است لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل
شیء قدیر لا اله الا الله وحده لا شریک له ولا نعبد الا ایاه لا اله الا الله وحده
لا شریک له وسبحان الله وبحمده لا اله الا الله الها واحدا ونحن له مسلمون اللهم انت
العالم بما ظهر منی وخفی عن خلقک ولولا سترک لی وتحننک علی لکنت من
المفضوحین سیدی اوقرتنی بالنعم واوقرت صحیفتی ذنوبا نظرت الی بکرمک

ولم

ولم انظر لنفسی بسوء رأیی فکم من ذنب عظیم وخطیئة موبقة احصیت علی فی سواد
اللیل وضوء النهار استحیی من ذکرها انتهیة بین یدیک فبئس العبد انا لنفسی ونعم
الرب انت لی تدعونی فاولی عنک کان لی التطول علیک فاسئلک یا الهی بالقدرة
التی قدرت بها علی ذنوبی وباحصائها وبالرحمة التی سترت بها ما قبح من ذنوبی
ان تصلی علی محمد واهل بیته الاخیار وتعتقنی من النار فی یومی هذا من شهرک
المیمون المعصوم وان تختم لی فی هذا الیوم بخیر مع المؤمنین والمؤمنات الاحیاء
منهم والاموات بما انت اهله حتی افوز یا مولای بحسن توکلی علیک ولما جرت
عادتک مع امثالی من خلقک وان ترزقنی الامن والعافیة والغنی والمغفرة
انک علی کل شیء قدیر یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین
وسلم کثیرا سیم صاحب کتاب نخبه از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله
علیه وآله فرمود که هر که در روز هفتم ماه رمضان اینـدعا را بخواند حق تعالی با و در بهشت
عطا کند آنچه را بشهدا و سعدا و اولیا عطا فرماید و دعا اینست اللهم اعنی علی صیامه
وقیامه وجنبنی فیه من هفواته واثامه وارزقنی فیه ذکرک وشکرک بدوامه
بتوفیقک یا ولی المؤمنین شب هشتم واعمال آن چند امر است اول شیخ شهید طیب الله
تربته در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده است که هر که در این شب
دو رکعت نماز بکند در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد یکنوبت و بعد از نماز
هزار مرتبه سبحان الله بگوید هشت در بهشت بر روی او مفتوح شود و داخل بهشت شود
از هر دری که خواهد مؤلف گوید که در این موضع نیز کفعمی در جنة الامان سهو نموده و
سوره قل هو الله احد را یازده نوبت نقل نموده است وگویا جهت سهو آنست
که لفظ احد در قل هو الله احد را متصل بلفظ عشر خوانده واحد عشر گمان نموده است
ونظیر این سهو از او در صلوات لیالی رجب در خزینه اول گذشت والله تعالی العالم
دوم سید ابن طاوس قدس الله روحه در اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره

ابن دعا را براي اين شب نقل نموده است اللهم اني اسألك الصلوة على محمد وآل محمد والغناء
من العيلة والامن من الخوف اللهم اني اسألك النعيم المقيم الذي لا يحول ولا يزول
يا الله يا نور النور لك التسبيح سبحانك لا اله الا انت لك الكبرياء سبحانك بسم الله
الرحمن الرحيم سبحان الله وبحمده محمد رسول الله صلى الله عليه وآله اللهم صل على
محمد وآل محمد وتقبل صومي ولا تنكس رأسي بين يدي محمد وآله صلواتك عليهم
فقد بلغوا ونصحوا اللهم صل على محمد وآل محمد وابعثني على الايمان بك والتصديق
بكتابك ورسولك اللهم اني اسألك بركة شهرنا هذا وليلتنا هذه واسألك من
كل خير انزلته وانت منزل فيها مغفرة ورضوانا ورزقا واسعا وابسط علي وعلى
عيالي وولدي واهلي وجميع المؤمنين والمؤمنات انك على كل شيء قدير اللهم
اني اعوذ بك من زوال نعمتك واعوذ بك من شر كتاب قد سبق سيم سيد ابن طاوس
وسيد ابن باقي طاب ثراهما در اقبال واختيار از رسول خدا صلى الله عليه وآله اين دعا را براي
اين شب روايت نموده اند اللهم هذا شهرك الذي امرت من عبادك بالدعاء
وضمنت لهم الاستجابة والرحمة وقلت واذا سألك عبادي عني فاني
قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان فادعوك يا مجيب دعوة المضطرين ويا
كاشف السوء عن المكروبين ويا جاعل الليل سكنا ويا من لا يموت اغفر لمن
يموت وقدرت وخلقت وسويت فلك الحمد اطعمت وسقيت وآويت
ورزقت فلك الحمد اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد في الليل اذا يغشى
وفي النهار اذا تجلى وفي الاخرة والاولى وان تكفيني ما اهمني وتغفر لي
انك انت الغفور الرحيم مؤلف گويد كه روايت ابن باقي اندك تفاوتي با روايت
ابن طاوس دارد وبعضي از فقرات نيز در ان روايت موجود نيست وظاهرا ساقط
شده باشد روز هشتم واعمال ان چند امر است اول سيد در اقبال

براي

براي اين روز اين دعا را نقل نموده است اللهم اني لا اجد من اعمالي عملا اعتمد
عليه واتقرب به اليك افضل من ولايتك وولاية رسولك وآل رسولك الطيبين
صلواتك عليه وعليهم اجمعين اللهم اني اتقرب اليك بمحمد وآل محمد واتوجه
بهم اليك فاجعلني عندك يا الهي بك وبهم وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين
واني قد رضيت بذلك منك تحفة وكرامة فانه لا تحفة ولا كرامة
افضل من رضوانك والتنعم في دارك مع اوليائك واهل طاعتك اللهم اكرمني
بولايتك واحشرني في زمرة اهل ولايتك اللهم اجعلني في ودائعك التي لا تضيع
ولا تردني خائبا بحقك وحق من اوجبت حقه عليك واسألك ان تصلي
على محمد وآل محمد وتعجل فرج آل محمد وفرجي معهم وفرج كل مؤمن ومؤمنة برحمتك
يا ارحم الراحمين روز نهم سيد ابن باقي در اختيار اين دعا را براي اين روز نقل نموده است
الحمد لله الفاشي في الخلق حمده الظاهر بالكرم مجده الباسط بالجود يده الذي لا تنقص
خزائنه ليعتز فضله وكرم عطاياه ولا يزيده العطايا الا جودا وكرما وتفضلا
واحسانا وهو العزيز الحكيم الكريم الوهاب العظيم اللهم لك الحمد كنت ربنا
كائنا غير مكون وحدك لا احد معك يبقى كبقائك بل تبقى ابدا ويفنى ما سواك
ولك الخلق والامر تبارك الله رب العالمين الحمد لله الذي لا مضاد له في
ملكه ولا شبيه له في صفته ولا منازع له في امره ولا نظير له في سلطانه ولا
شريك له في خلقه يرث الارض ومن عليها بيده الخير وهو على كل شيء قدير
الهي انا الذي بارزتك بسيئاتي وكشفت قناعي ولم تكن بيني وبينك ستر
نوادبي ولا حجاب يحجبني الهي فما احسن بلائك عندي واظهر نعمائك علي
واكثر اياديك لدي ان شكرتها عرفت واجب حقها الهي خلقتني بتقديري

وصورتني فاحسنت وانعمت فاسبغت ورزقتني فوفرت واعطيت فاجزلت بلا
استحقاق مني لذلك بعمل ولكن ابتدأت بالكرم والجود فلك الحمد لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الظالمين يا عفو اللهم انك عفو تحب العفو فاعف عني
يا عفو في هذه الدنيا وتكرم علي وارزقني الامن والعافية والغنى والمغفرة
انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد واله الطاهرين سيم صاحب كتاب ذخيره
از ابن عباس روايت كرده است كه رسول خدا صلى الله عليه واله فرموده كه هر كه اين دعا را در
اين روز بخواند عمل او با عمل هزار صديق بالا رود ودعا اينست اللهم ارزقني فيه
رحمة الايتام واطعام الطعام وافشاء السلام ومجانبة اللئام وصحبة الكرام
وارزقني فيه آملي برحمتك يا ارحم الراحمين
بطولك يا ملجأ الاملين شب نهم واعمال آن چند امر است اول غسل زيرا كه از شبهاي طاق است
دويم شيخ شهيد قدس الله روحه در كتاب اربعين از رسول خدا صلى الله عليه واله روايت
نموده است كه هر كه در اين شب ميان نماز شام وخفتن شش ركعت نماز بكند هر دو ركعت
بيك سلام در هر ركعتي حمد يكنوبت واية الكرسي هفت نوبت وبعد از نماز پنجاه نوبت
اللهم صل على محمد وال محمد بگويد ملائكه عمل او را با عمل صديقان وشهدا وصالحان
بالا برند سيم سيد ابن طاوس قدس الله روحه در كتاب اقبال از كتاب عمل شهر رمضان
ابن ابي قره رضي الله عنه اين دعا را براي اين شب نقل نموده است اللهم لك الحمد لا
اله الا انت ربي وانا عبدك امنت بك مخلصا لك ديني اصبحت على عهدك و
وعدك ما استطعت اتوب اليك من سوء عملي واستغفرك لذنوبي التي لا
يغفرها الا انت صل على محمد وال محمد وتقبل صومي وتفضل علي وبلغني
انسلاخ هذا الشهر يا خير المولى يا موضع كل شكوى ويا سامع كل نجوى
ويا شاهد كل ملأ ويا عالم كل خفية ويا كاشف ما يشاء من بلية خليل
ابراهيم ونجي موسى ومصطفى محمد صلى الله عليه ادعوك دعاء من اشتدت فاقته

وضعفت

وضعفت قوته وقلت حيلته دعاء الغريب الغريق المضطر البائس الفقير الذي لا يجد
لكشف ما هو فيه من الذنوب الا انت فصل على محمد وال محمد وفرج عني واكشف ما بي من ضري
وتقبل صومي وصلواتي في هذا الشهر العظيم وصلى الله على محمد واله الطاهرين چهارم
سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال وسيد ابن باقي در كتاب اختيار از رسول خدا صلى الله عليه واله
اين دعا را براي اين شب روايت نموده اند يا سيداه ويا رباه ويا ذا الجلال والاكرام يا ذا العرش
الذي لا ينام ويا ذا العز الذي لا يرام يا قاضي الامور يا شافي الصدور واجعل لي من امري
فرجا ومخرجا واقذف رجاءك في قلبي حتى لا ارجو احدا سواك عليك سيدي توكلت واليك
مولاي انبت واليك المصير اسالك يا اله الالهة ويا جبار الجبابرة ويا كبير الاكابر انت الذي
من توكل عليه كفاه وكان حسبه وبالغ امره عليك توكلت فاكفني واليك انبت فارحمني
واليك المصير فاغفر لي ولا تسود وجهي يوم تسود وجوه وتبيض وجوه انك انت العزيز
الحكيم وصل اللهم على محمد وال محمد وارحمني وتجاوز عني انك انت الغفور الرحيم
روز نهم واعمال آن چند امر است اول سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال اين دعا را براي
اين روز نقل نموده است اللهم اغفر ذنبي واعظم عملي واهد قلبي واشرح صدري ويسر لي
امري وجود فهمي وخفف وزري وامن خوفي وثبت حجتي واربط جاشي وبيض وجهي
وارفع جاهي وصدق قولي وبلغ حديثي وعافني في عمري وبارك لي في منقلبي واعصمني في
جميع احوالي واوسع علي في رزقي وسهل علي مطالبي واعطني من جزيل عطائك وافضل
ما اعطيت احدا من خلقك وتجاوز عن جميع ما عندي بحسن لطفك الذي عندك اللهم
لا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من عنقي ولا تفضحني في نفسي ولا تفجعني في جاري وهب
لي يا الهي عطية كريمة رحيمة من عطائك الذي لا فقر بعده فقد ضعفت قوتي وانقطع
عن الخلق رجائي فقد رتك يا رب ان ترحمني وتعافيني كقدرتك على ان تعذبني وتبليني

فاجعل يا مولاي فيما قضيت تعجيل خلاصي من جميع ما انا فيه من المكروه والمحذور والمشقة
وعافني منه كله الهي لا ارجو لدفع ذلك عني احدا من خلقك فكن يا ذا الجلال والاكرام عند
احسن ظني بك وامنن علي بذلك وعلى كل داع دعاك به يا مولاي من المؤمنين وانت
سيدي امرت بالدعاء وضمنت لمن شئت الاجابة ووعدك الحق الذي لا خلف له
دهم سيد ابن باقي طاب ثراه در كتاب اختيار اين دعا را براي اين روز نقل نموده است اللهم
صل على محمد وآل الطاهرين وافتح لي في يومي هذا منك ابواب الرحمة اللهم فانك تحب
الصلوة على محمد وقد سالتك الصلوة عليه في يومي هذا فانجح لي فيه ثم فانجح لي في
نفسي صالح ما ادعوا به في يومي هذا وما قبله وما بعده وفي شهري هذا كما انتجبت لي في
محمد صلى الله عليه وآله اللهم اعل على البنيان بنيانه واتم له منزلته وزكه واجعله
مقبول الشهادة مرضي المقالة كما حكم وعدل وجهد ولم يقصر ونصح لامته وجاهد
في سبيلك وصبر على حسن بلائك حتى اتاه اليقين صلى الله عليه وآله الهي انا الذي لم ازل
اذنب وتغفر لي واخطأ وتحسن الي انا الذي حملت الذنوب انا الاسير ببليتي انا المجدد
خطيئتي انا المنقطع في وفادتي وقفت نفسي بين يديك موقف الاذلاء موقف المذنبين المجترئين
عليك المستخفين بحقك ووعدك الناقضين لعهدك موقف من اسلمته ذنوبه وتبرأ
منه خليله وقريبه الهي فارحم اليوم تضرعي وعبرتي واقلني زلتي واجعلني بعد البلاء
وسوء المنقلب حسن الظن بك حين اقوم بين يديك يا مالك رقي ارحمني انك على كل
شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيم صاحب كتاب خزائن از ابن عباس
روايت كرده است كه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود كه هر كه اين دعا را در اين روز بخواند ثواب
هزار نبي اسرائيل با او كرامت شود ودعا اينست اللهم اجعل لي فيه نصيبا من رحمتك الواسعة
واهدني فيه لبراهينك الساطعة وخذ بناصيتي الى مرضاتك الجامعة بمحبتك يا

امل المشتاقين

يا امل المشتاقين شب دهم واعمال آن چند چيز است اول شيخ شهيد طاب ثراه در كتاب اربعين از رسول خدا
صلى الله عليه وآله روايت نموده است كه هر كه در اين شب بيست ركعت نماز بكند هر دو ركعت بيك سلام
در هر ركعتي حمد يكنوبت وسوره قل هو الله احد سي نوبت حق تعالى روزي او را وسيع گرداند واز جمله
رستگاران وفائزان باشد در روز قيامت مؤلف گويد كه كفعمي عليه الرحمه در جنة الامان در اين
موضع نيز سهو در نقل كرده وسوره قل هو الله احد را سي ويكمرتبه نقل نموده ومنشأ اشتباه همان
معنونات كه مكرر گذشت كه لفظ احد در قل هو الله احد را متصل بلفظ ثلثين خوانده است والله
تعالى يعلم دوم سيد ابن طاوس رحمه الله در كتاب اقبال از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره رضوان الله
اين دعا را براي اين شب نقل نموده است يا خير من سئل ويا اوسع من اعطى ويا خير مرتجى
صل على محمد وآل محمد واوسع علي من فضلك وافتح لي باب رزقي من عندك انك على كل
شيء قدير وتقبل صومي وتفضل علي اللهم رب شهر رمضان وما انزلت فيه من القرآن
والبركات اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد وان ترزقني حب الصلوة والصيام
والحج والعمرة وصلة الرحم وتحبب الي كلما احببت وتبغض الي كلما ابغضت اللهم
انك تكفلت برزقي ورزق كل دابة يا خير مدعو ويا خير مسئول ويا خير مرتجى ويا اوسع
من اعطى صل على محمد وآل محمد وارزقني السعة والدعة والسعادة في هذا الشهر العظيم
يا ارحم الراحمين سيم سيد ابن طاوس در كتاب اقبال وسيد ابن باقي در اختيار اين دعا را
از رسول خدا صلى الله عليه وآله براي اين شب روايت كرده اند اللهم يا سلام يا مؤمن يا مهيمن
يا جبار يا متكبر يا احد يا صمد يا واحد يا فرد يا عفو يا رحيم يا ودود يا حليم مضى من الشهر
المبارك الثلث ولست ادري سيدي ما صنعت في حاجتي هل غفرت لي ان انت غفرت
لي فطوبى لي وان لم تكن غفرت لي فواسوأتاه فمن الآن سيدي فاغفر لي وارحمني
وتب علي ولا تخذلني واقلني عثرتي واسترني بسترك واعف عني بعفوك وتجاوز
عني بقدرتك انك تقضي ولا يقضى عليك وانت على كل شيء قدير روز دهم شيخ مفيد
قدس الله روحه در كتاب مسار الشيعه ذكر نموده كه در اين روز از سال دهم بعثت سه سال
پيش از هجرت خديجه كبرى صلوات الله عليها رحلت نمود واعمال آن چند امر است

اول سید ابن طاوس رضوان الله علیه در کتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است
اللهم یا من بطشه شدید وعفوه قدیم وملکه مستقیم ولطفه شدید یا من ستر علی القبیح
وظهر بالجمیل ولم یعجل بالعقوبة ویا من اذن للعباد بالتوبة یا من لم یهتک الستر لذی
الفضیحة یا من لا یعلم ما فی غد غیره یا جابر کل کسیر یا ماوی کل هارب یا غاذی ما فی بطون
الامهات یا سیدی انت لی فی کل حاجة نزلت بی صل علی محمد وآل محمد واکفنی ما اهمنی
وارزقنی من رزقک الواسع رزقا حلالا طیبا یا حی یا قیوم برحمتک استغیث فاک
اسری واصلح لی شانی کله ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا ما ابقیتنی برحمتک یا
یا ارحم الراحمین دوم سید ابن باقی قدس الله نفسه در کتاب اختیار این دعا را برای این روز نقل
نموده است الحمد لله الذی من توکل علیه کفاه الهی انعمت علی فلم اشکر
وبصرتنی فلم ابصر ووعظتنی فلم اذکر واقلت العثرات فلم اقصر وسترت العورات
فلم استتر وهذا شهر رمضان شهر الصیام قیام من تحت الیه الاصوات فی المحافل بصنوف
اللغات یسئلونک العفو بالمناجات اللهم وحاجتی الیوم الیک عتق رقبتی من النار
وان تقبلنی علی ما کان منی یا ملجا کل لاجئ وولی کل ناج من احسن یا مولای
فبرحمتک فاز ومن اساء فبخطیئته یهلک الهی فلا تهلکنی وانت مولای ومنک
کان رجائی یا ملجائی الهی قد یرحم عبد مخلوق لمخلوق مثله فانا عبدک وانت
مولای وخالقی فارحمنی یا الهی کما رحم مخلوق لمخلوق اللهم انی اسئلک ان تصلی
علی محمد وآله وان تحمل خطیئتی وتاخذ الی الخیر بناصیتی اللهم اعطنی فی یومی هذا
افضل ما اعطیت احدا من عبادک الصالحین وحجاج بیتک الکرام والمعتمرین انک
ارحم الراحمین الهی وسیدی انی منی احسن الثناء لانی بلائک عندی احسن البلاء
الهی کانی بنفسی وانا واقف بین یدیک وقد اظلنی حسن التوکل علیک فانظر الی
برحمتک فی ذلک الوقت نظرة افوز بها بین یدیک مغفورا لی اللهم وهذا الدعاء
الذی یامرتنا به وعلیک الاجابة کما ضمنت یا عدل یا وفی علینا المسئلة وعلیک

لا ناجی تقلبنی / تقلبنی

العطیة وهذا الطلب وعلیک النجاح وهذا الجهد وعلیک التکلان یا ارحم الراحمین یا اکرم الاکرمین
یا منتهی رغبة الراغبین والطالبین والنبیین انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد وآله
الطاهرین سیم صاحب کتاب فی خبر از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود
که هر که در این روز این دعا بخواند هر چیز از برای او استغفار نمایند حتی آفتاب وماهتاب وستارگان
وکوهها ودرختان وجمیع موجودات ودعا اینست اللهم اجعلنی فیه من المتوکلین علیک
واجعلنی فیه من الفائزین الیک واجعلنی فیه من المقربین لدیک باحسانک یا غایة الطالبین
شب یازدهم واعمال آن چند چیز است اول غسل زیرا که از شبهای طاق است دوم شیخ شهید روح الله
روحه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده است که هر که در این شب دو رکعت
نماز بکند در هر رکعتی حمد یکنوبت وسوره انا اعطیناک الکوثر بیست نوبت گناه آن روز را برای او
ننویسند یعنی در آن روز هیچ گناهی از او صادر نشود هر چند که شیطان نهایت سعی نماید در صدد گناه
سیم سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال گفته که در کتب عتیقه اصحاب ما رضوان الله علیهم
دعاهای شبهای ماه رمضان را دیدیم وچند دعا از آن ساقط شده بود وبقیه را نقل نمودیم واز آن جمله
دعای شب یازدهم است ودعا اینست سبحانک لا اله الا انت الباری الواحد القهار الذی
خلقنی ولم اک شیئا بمشیته وارانی فی نفسی وفی کل شیء من مخلوقاته وصنعه الدلایل
البینة النیرة علی قدرته الذی فرض الصیام علی عبده لیصلح به شانی ویعدل عنی
اوزاری ویذکرنی بما الهوت عنه من ذکره ویوجب لی الزلفی بطاعة امره اللهم سیدی
انت مولای ان کنت جدت علی بصالح فیما مضی منه ارتضیته فزد لی وان کنت قد فت
ما اسخطک فاقلنی اللهم ملکنی من نفسی فی الهدی ما انت اهله املک وقدنی من العدول
بها الی ارادتک علی ما انت علیه اقدر وکن مختارا لعبدک ما یسعده بطاعتک ویجنبه بالتقوی
بمعصیتک حتی یفوز فی المعصومین وینجو فی المقبولین ویوافق الفائزین الذین لا خوف
علیهم ولا هم یحزنون وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما کثیرا چهارم ایضا سید در کتاب
مذکور از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رضی الله عنه این دعا را برای این شب نقل نموده که
یا من یکفی کل مؤنة یا جواد یا ماجد یا احد یا واحد یا صمد یا من لم یتخذ صاحبة ولا ولدا
ولم یکن له کفوا احد یا من لم یلد ولم یولد صل علی محمد وآل محمد وتقبل

النبیین / بحمک یا ارحم الراحمین / یا اکرم الاکرمین

تفرقت

صومي واعني عليه وعلى ما بقي من شهري اللهم اني امسيت لا املك ما ارجو ولا استطيع
دفع ما احاذر الا بك واصبحت مرتهنا بعملي وامسى الامر والقضاء بيدك يا رب فلا فقير
افقر مني فصل على محمد وال محمد واغفر لي يا رب ظلمي وجرمي وجهلي وجدي وهزلي وكل
ذنب لي نكبته وبلغني وارزقني خير الدنيا والاخرة في هذا الشهر العظيم في غير مشقة
مني ولا تهلك روحي وجسدي في طلب ما لم تقدره لي برحمتك يا ارحم الراحمين
نهم سيد در كتاب اقبال وابن باقي در كتاب اختيار از رسول خدا صلى الله عليه واله اين دعا را براي
اين شب نقل نموده اند اللهم اني استانف العمل وارجو العفو وهذه اول ليلة من ليالي
الثلثين ادعوك باسمائك الحسنى واستجير بك من نارك التي لا تطفا واسالك ان
تقويني على قيامه وصيامه وان تغفر لي وترحمني انك لا تخلف الميعاد اللهم برحمتك
التي وسعت كل شيء تتم الصالحات وعليها اتكلت وانت الصمد الذي لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا احد صل على محمد وال محمد واغفر لي وارحمني وتجاوز عني انك
انت التواب الرحيم روز يازدهم واعمال ان چند امر است اول سيد ابن طاوس رحمه الله عليه
در كتاب اقبال اين دعا را براي اين روز نقل نموده است اللهم بيدك مقادير الدنيا والاخرة
وبيدك مقادير الغنى والفقر وبيدك مقادير الخذلان والنصر اللهم بارك لي
في ديني ودنياي وبارك لي في اخرتي واولاي وبارك لي في اهلي ومالي وولدي
وبارك لي في سمعي وبصري ويدي ورجلي وجميع جسدي وبارك لي في عقلي وذهني
وفهمي وعملي وجميع ما خولتني اللهم واوسع علي من رزقك الحلال وفك رقبتي
من النار وادخلني برحمتك دار القرار اللهم اني اعوذ بك من اهوال الدنيا والاخرة
وبوائق الدهر ومصيبات الليالي والايام اللهم ان كنت غضبت علي وانت
ربي فلا تحله بي يا رب المستضعفين ومن شر الجن والانس فكلني وانت ربي
فلا تكلني الى عدوي ولا الى صديقي وان لم تكن غضبت علي فما ابالي غير ان

عافيتك اوسع لي واهنا لي الهي اعوذ بنور وجهك الذي اشرقت به السموات والارضون
وكشفت به الظلمة عن عبادك من ان تحل بي سخطك لك العتبى حتى ترضى واذا
رضيت وبعد الرضا ولا حول ولا قوة الا بك دوم سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اختيار
اين دعا را براي اين روز نقل كرده الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين اللهم اني اسالك
بكل اسم هو لك سميت به نفسك واسالك باسمك المكنون المخزون في علم الغيب عندك
واسالك باسمك الاعظم العظيم الذي حقا عليك ان تستجيب لمن دعاك به واسالك
بكل حرف انزلته على موسى كليمك وبكل حرف انزلته على عيسى روحك وكلمتك
وبكل حرف انزلته على محمد صلى الله عليه واله صفيك وبكل دعوة دعاك
بها احد من ملائكتك ورسلك وسائر خلقك فاستجبت لهم ان تجعل قولي ونشاطي — مولى ل / ونشطي ل
وادلاجي وغدوتي ورواحي ومنقلبي ومثواي وصباحي ومسائي فيما تحب من قول
وعمل واسالك اللهم يا رب ان تجعل في قلبي خشوع المتقبلين وخوف الخائفين — المتقلبين خ ل
ورهبة الراهبين وصدق الصادقين ويقين المؤمنين حتى تبلغني درجة الاحياء — بها ل
المرزوقين في الدرجات العلى من جنات النعيم اللهم وكما فرضت هذا الشهر الشريف
علي فتقبله مني يا مولاي باحسن قبول وزيني فيه بزينة الايمان واجعلني فيه من
الاتقياء الاخيار الهداة الابرار وفك رقبتي من النار وارزقني رضاك والجنة وجنبني
سخطك والنار وارحمني فانت اهل الرحمة وتفضل علي فانت اهل الفضل والتفضل
واعطني حوائج الدنيا والاخرة والامن والعافية والغنى والمغفرة وخلصني من مظالم العباد — واعطني ل
واجعلني من الزهاد والعباد الكارهين للدنيا الراغبين في الاخرة انك على كل
شيء قدير وانت ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واله الطاهرين سيم صاحب كتاب ذخيره
از ابن عباس روايت كرده است كه رسول خدا صلى الله عليه واله فرمود كه هر كه اين دعا را در اين روز بخواند [illegible]

برای او ثواب حج مقبولی که با رسول خدا صلی الله علیه واله کرده باشد که برابری میکند با هفتاد هزار حج
که با غیر پیغمبر بجا آورده باشد و هفتاد عمره که با اهل بیت آنحضرت کرده باشد که برابری میکند با
هفتاد هزار عمره که با غیر ایشان کرده باشد و دعا این است اللهم حبب الی فیه الاحسان
وکره الی فیه الفسوق والعصیان وحرم علی فیه السخط والنیران بعونک یا غوث
المستغیثین اللهم صل علی محمد وال محمد شب دوازدهم واعمال آن چند امر است اول
شیخ شهید طاب ثراه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه واله روایت کرده است که هر که در این
شب هشت رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره انا انزلناه فی
لیلة القدر سی نوبت حق تعالی ثواب شاکرین را با و عطا فرماید و در روز قیامت در زمره صابرین
محشور شود دوم سید ابن طاوس در اقبال از آن کتاب عتیق که بعضی از دعای آن ساقط شده
این دعا را برای این شب نقل نموده است سبحانک ایها الملک القدیر الذی بیده الامور
ولا یعجزه ما یرید ولا ینقصه العطاء والمزید اللهم ان کانت صحیفتی مسودة بالذنوب الیک
فانی اعول فی محوها فی هذه اللیالی البیض علیک وارجو من الغفران والعفو ما هو بیدک
فان جدت به علی لم ینقصک وفزت وان حرمتنیه لم یزدک وعطبت اللهم فوفقنی بما
سبق لی من الحسنی بشهادة الاخلاص لک وبما جدت به علی من ذلک وما کنت لاعرفه
لولا تفضلک تحطک وانبئی به رضاک وعصمتک ووفقنی لاستیناف ما یزکو لدیک
من العمل وجنبنی الهفوات والزلل فانک تمحو ما تشاء وتثبت وعندک ام الکتاب وصلی الله
علی محمد النبی واله وسلم کثیرا سیم ایضا سید در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن
ابی قره این دعا را برای این شب روایت کرده است اللهم انی اسألک بمعاقد العز من عرشک
ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم وکلماتک التامة التی لا یجاوزهن بر
ولا فاجر فانک لا تبید ولا تنفد ان تصلی علی محمد وال محمد وتقبل منی ومن جمیع
المؤمنین والمؤمنات صیام شهر رمضان وقیامه وتفک رقابنا من النار اللهم
صل علی محمد وال محمد واجعل قلبی بارا وعملی سارا ورزقی دارا وحوض نبیک علیه

بعونک بعفوک برحمتک یا ارحم الراحمین
مسودة
فوفقنی
وانلنی

واله السلام لی قرارا ومستقرا وتعجل فرج ال محمد فی عافیة یا ارحم الراحمین چهارم
ایضا سید در کتاب اقبال و ابن باقی در اختیار این دعا را برای این شب از حضرت رسول صلی الله
علیه واله روایت کرده اند اللهم انت العزیز الحکیم وانت الغفور الرحیم وانت العلی العظیم
لک الحمد حمدا یبقی ولا یفنی ولک الشکر شکرا یبقی ولا یفنی وانت الحی الحلیم اسألک
بنورک وبوجهک الکریم وبجلالک الذی لا یرام وبعزتک التی لا تقهر ان تصلی علی محمد
وال محمد وان تغفر لی وترحمنی انک انت ارحم الراحمین روز دوازدهم شیخ مفید قدس الله سره
در کتاب مسار الشیعه نقل نموده است که در این روز نازل شد انجیل بر حضرت عیسی علیه السلام
و در این روز رسول خدا صلی الله علیه واله عقد اخوت فیما بین هر دو نفر از صحابه بست وحق
با حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه صیغه اخوت خواند و اعمال آن چند چیز است اول
سید ابن طاوس نور الله مضجعه در کتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است
اللهم غارت نجوم سمائک تا آخر اللهم انی استودعک واستحفظک بان لا اله الا انت
الحی القیوم والنور القدوس نفسی وروحی ودینی ومحیای ومماتی وانفس اهل
بیت محمد وانفس اشیاع محمد وجمیع ما تفضلت به علی وعلیهم حیا ومیتا وشاهدا
وغائبا ونائما ویقظانا وقائما وقاعدا ومتحفظا ومتهاونا بنورک وجهک الکریم الجلیل
الرفیع العظیم القائم بالقسط لا اله الا الله العزیز الحکیم وبمحمد واله الطیبین صلواتک
علیه وعلیهم اجمعین یا ولی النبیین والمرسلین وملائکتک المقربین صلواتک علیهم
یا رب العالمین وببیتک المعمور والسبع المثانی والقرآن العظیم وبکل من یکرم علیک
من جمیع خلقک یا سیدی مع ما تفضلت علیهم وعلینا فاجعلنا فی حماک الذی
لا یستباح برحمتک یا ارحم الراحمین مؤلف گوید که ظاهر امراد سید از دعای اللهم
غارت نجوم سمائک دعائی است که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه آنرا در جوف
شبها میخواند و آن دعا این است الهی غارت نجوم سمائک ونامت عیون انامک وهدأت اصوات

الطاهرین
وببیتک المعمور

عِبَادِكَ وَانْعَامِكَ وَغَلَقَتِ الْمُلُوكُ عَلَيْهَا أَبْوَابَهَا وَطَافَ عَلَيْهَا حُرَّاسُهَا وَاحْتَجَبُوا عَمَّنْ
يَسْأَلُهُمْ حَاجَةً أَوْ يَنْتَجِعُ مِنْهُمْ فَائِدَةً وَأَنْتَ إِلَهِي حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا
نَوْمٌ وَلَا يَشْغَلُكَ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ أَبْوَابُ سَمَائِكَ لِمَنْ دَعَاكَ مُفَتَّحَاتٌ وَخَزَائِنُكَ غَيْرُ
مُغَلَّقَاتٍ وَأَبْوَابُ رَحْمَتِكَ غَيْرُ مَحْجُوبَاتٍ وَفَوَائِدُكَ لِمَنْ سَأَلَكَ غَيْرُ مَحْظُورَاتٍ بَلْ هِيَ
مَبْذُولَاتٌ إِلَهِي أَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا تَرُدُّ سَائِلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ سَأَلَكَ وَلَا تَحْتَجِبُ عَنْ أَحَدٍ
مِنْهُمْ أَرَادَكَ لَا وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَلَا تَخْتَزِلُ حَوَائِجَهُمْ دُونَكَ وَلَا يَقْضِيهَا أَحَدٌ
غَيْرُكَ اللَّهُمَّ وَقَدْ تَرَانِي وَوُقُوفِي وَذُلَّ مَقَامِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَعْلَمُ سَرِيرَتِي وَتَطَّلِعُ
عَلَى مَا فِي قَلْبِي وَمَا يَصْلُحُ بِهِ أَمْرُ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ اللَّهُمَّ إِنَّ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَأَهْوَالَ الْمَطْلَعِ
وَالْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ نَغَّصَنِي مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي وَأَغَصَّنِي بِرِيقِي وَأَقْلَقَنِي عَنْ وِسَادِي
وَمَنَعَنِي رُقَادِي كَيْفَ يَنَامُ مَنْ يَخَافُ مَلَكَ الْمَوْتِ فِي طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَطَوَارِقِ النَّهَارِ
بَلْ كَيْفَ يَنَامُ الْعَاقِلُ وَمَلَكُ الْمَوْتِ لَا يَنَامُ لَا بِاللَّيْلِ وَلَا بِالنَّهَارِ وَيَطْلُبُ رُوحَهُ
بِالْبَيَاتِ وَفِي آنَاءِ السَّاعَاتِ دوم سید ابن باقی رضی الله عنه در کتاب اختیار ایراد
برای این روز نقل نموده است اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ أَنْ تَرْزُقَنِي الثَّبَاتَ
عَلَى دِينِكَ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَتَنْصُرَنِي فِيهِ وَتُوَفِّقَنِي لَهُ وَتَأْخُذَ بِقَلْبِي إِلَيْهِ وَتَعْدِلَ
عَمَّا سِوَاهُ وَتَعْصِمَنِي عِصْمَةَ الْأَبْرَارِ وَتَجْعَلَنِي مِنَ الْمُصَدِّقِينَ بِكِتَابِكَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِسُنَّةِ
نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي
أَبَدًا وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا وَلَا تَنْزِعْ مِنِّي صَالِحًا أَعْطَيْتَنِي وَافْتَحْ مَسَامِعَ
قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَاجْعَلْنِي أُومِنُ بِوَعْدِكَ وَأُوفِي بِعَهْدِكَ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قَبُولَهُ وَالْوَفَاءَ
بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَتَهُ وَيُمْنَهُ وَخَوَاتِيمَ الْخَيْرِ فِيهِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُهَيِّئَ لِي
مِنْ أَمْرِي يُسْرًا وَرُشْدًا وَمِرْفَقًا وَأَنْ تَهْدِيَنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَخَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا

وَخَيْرٌ مَرَدًّا وَخَيْرٌ آمَالًا وَخَيْرٌ آجَالًا وَخَيْرٌ عَاجِلًا وَأَنْ تَخْتِمَ لِي بِالْخَيْرِ وَتَرْزُقَنِي
رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَتُعِيذَنِي مِنْ سَخَطِكَ وَالنَّارِ وَتُعْطِيَنِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَالْأَمْنَ وَالْعَافِيَةَ وَالْغِنَى وَالْمَغْفِرَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَأَنَا إِلَيْكَ يَا رَبِّ فَقِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ حَقِيرٌ وَعِنْدَكَ يَسِيرٌ فَتَفَضَّلْ
عَلَيَّ بِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ عَلَيْهِ
تَوَكَّلْتُ وَبِهِ أَسْتَعِينُ وَهُوَ ثِقَتِي وَنِعْمَ الْمُعِينُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که این دعا را در این روز بخواند کناهان کذ
و آینده او آمرزیده شود و حق تعالی بثبات او را در اجتناب از کناهان کند
اللَّهُمَّ زَيِّنْ لِي فِيهِ السِّتْرَ وَالْعَفَافَ وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَافِ
وَحَلِّنِي فِيهِ بِحُلِيِّ الْفَضْلِ وَالْإِنْصَافِ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ
شب سیزدهم این شب اول لیالی بیض ایام است و باین جهت مزید فضیلت
و برکت ممتاز است و اعمال آن چند امر است اول غسل کردن که اکثر ایرادهای
طاقات است دوم دو رکعت نماز کند و در هر رکعتی بعد از حمد سوره یٰسٓ
و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد را بخواند و این عمل را ثواب عظیم
دارد و روایت این در باب سیزده از طرفین اول کردیدیات اعمال عشر که
ماه رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان مذکور شد سیم شیخ شهید
طاب ثراه در کتاب اربعین از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت
نموده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام
در هر رکعتی حمد یک مرتبه و سوره قل هو الله احد سی بیست و پنج مرتبه بکذرد بر
صراط مانند برق جهنده چهارم سید ابن طاوس قدس الله سره در کتاب
اقبال از کتاب جنتی بعضی از اصحاب کرام بعضی از سهای ساقط
شده این دعا را برای این شب نقل نموده است اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَجَّ
فَلَا يَعْجَلُ وَيَحْلُمُ فَلَا يَجْهَلُ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ مِنْ تَوْحِيدِهِ بِأَعْظَمِ الْمِنَّةِ

وَنَدَبْتَنِي مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ إِلَى خَيْرِ الْمِهْنَةِ وَأَمَرْتَنِي بِالدُّعَاءِ فَدَعَوْتُهُ فَوَجَدْتُهُ غَنِيّاً فَأَعِنِّي شَدَائِدِي
وَأَدْرِكْهُ لَمْ يَسْعُدْنِي بِالْإِجَابَةِ حِينَ بَعُدَ مَدَاهُ وَلَا أَحْوَجَنِي إِلَى الْإِنْتِيَاشِ لَمَّا عَمَّتْ مَا لَا أَرْضَاهُ
أَقَالَنِي عَثْرَتِي وَقَضَى لِي حَاجَتِي وَتَدَارَكَ فَنَائِي وَعَجَّلَ سَعَتِي فَزَادَنِي خِبْرَةً بَعْدَ رُؤْيَتِهِ
وَعِلْماً بِنُفُوذِ مَشِيَّتِهِ اللَّهُمَّ إِنَّ كُلَّمَا جُدْتَ بِهِ عَلَيَّ بَعْدَ التَّوْحِيدِ دُونَهُ وَإِنْ كَثُرَ وَعَنْ مَا ذُكِرَ
وَإِنْ كَبُرَ لِأَنَّ جَمِيعَهُ نَعِيمُ دَارِ الْفَنَاءِ الْمُمْتَحَنَةِ وَهُوَ النِّعْمَةُ لِدَارِ الْبَقَاءِ الَّتِي لَيْسَتْ بِمُنْقَطِعَةٍ
فَيَا مَنْ جَادَ بِذَلِكَ عَلَيَّ مُخْتَصّاً لِي بِرَحْمَتِهِ وَوَفِّقْنِي لِلْعَمَلِ بِمَا يَقْتَضِي حَقَّ بَذْلِكَ فِي هِبَتِهِ اللَّهُمَّ
بَيِّضْ أَعْمَالِي بِنُورِ الْهُدَى وَلَا تُسَوِّدْهَا بِتَخْلِيَتِي وَرُكُوبِ الْهَوَى فَأَطْغَى فِيمَنْ طَغَى وَأُقَارِفَ
مَا يُسْخِطُكَ بَعْدَ الرِّضَا وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً
كَثِيراً **سيم** ایضاً سید در کتاب مذکور این دعا را برای این شب ذکر کرده است یَا اللهُ یَا رَحْمٰنُ
یَا رَبُّ یَا اللهُ یَا مُهَیْمِنُ یَا اللهُ یَا رَبُّ یَا مُتَکَبِّرُ یَا اللهُ یَا رَبُّ یَا مُتَعَالِ یَا اللهُ یَا رَبُّ یَا مُعِیدُ یَا اللهُ
یَا رَبُّ یَا ذَا الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ یَا اللهُ یَا رَبُّ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ یَا اللهُ یَا رَبُّ یَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِیلَ
وَسَتَرَ الْقَبِیحَ یَا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ بِالْجَرِیرَةِ یَا مَنْ لَمْ یَهْتِكِ السِّتْرَ یَا کَرِیمَ الْعَفْوِ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ
یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ یَا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ یَا خَلِیلَ إِبْرٰهِیمَ وَنَجِیَّ مُوسٰی وَمُصْطَفٰی مُحَمَّدٍ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعْتِقْنِی مِنَ النَّارِ فِی هٰذَا الشَّهْرِ الْعَظِیمِ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ
لَكَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وسؤال کن هرچه خواهی وگمان داشته باش که حق تعالی برای تو مستجاب میکند
آن را ان شاء الله تعالی **مؤلف گوید** که ظاهر آنست که این دعا را ابن سید از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره
رضی الله عنه نقل نموده باشد ولیکن در اینمقام تصریح باینمعنی نکرده است والله تعالی یعلم **سیم**
ایضاً سید در کتاب مذکور وابن باقی در کتاب اختیار از رسول خدا صلی الله علیه و آله اسناد داده
برای این شب روایت نموده اند یَا جَبَّارَ السَّمٰوَاتِ وَجَبَّارَ الْأَرَضِینَ وَمَلَکُوتَ السَّمٰوَاتِ
وَمَلَکُوتَ الْأَرَضِینَ وَغَفَّارَ الذُّنُوبِ وَالسَّمِیعَ الْعَلِیمَ الْغَفُورَ الْحَلِیمَ الرَّحِیمَ الصَّمَدَ
الْعَزِیزَ الَّذِی لَا شَبِیهَ لَكَ وَلَا وَلِیَّ لَكَ أَنْتَ الْعَلِیُّ الْأَعْلٰی وَالْقَدِیرُ الْقَادِرُ وَأَنْتَ

التواب

التَّوَّابُ الرَّحِیمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِی وَتَرْحَمَنِی إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ
ماه رمضان این روز نیز چون اول ایام بیضات بزید فضیلت ممتاز است و اعمال آن چند چیز است
اول سید ابن طاوس نور الله مضجعه در کتاب اقبال اسناد داده برای این روز ذکر نموده است
اللّٰهُمَّ إِنِّی أَدِینُكَ بِطَاعَتِكَ وَوِلَایَتِكَ وَوِلَایَةِ مُحَمَّدٍ نَبِیِّكَ وَوِلَایَةِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ حَبِیبِ
نَبِیِّكَ وَوِلَایَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ سِبْطَیْ نَبِیِّكَ وَسَیِّدَیْ شَبَابِ أَهْلِ جَنَّتِكَ وَأَدِینُكَ یَا رَبِّ
بِوِلَایَةِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِیِّ بْنِ مُوسٰی وَمُحَمَّدِ بْنِ
عَلِیٍّ وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَسَیِّدِی وَمَوْلَایَ صَاحِبِ الزَّمَانِ أَدِینُكَ یَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ
وَوِلَایَتِهِمْ وَبِالتَّسْلِیمِ بِمَا فَضَّلْتَهُمْ رَاضِیاً غَیْرَ مُنْکِرٍ وَلَا مُسْتَکْبِرٍ عَلٰی مَعْنٰی مَا أَنْزَلْتَ فِی کِتَابِكَ اللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادْفَعْ عَنْ وَلِیِّكَ وَخَلِیفَتِكَ وَلِسَانِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالْمُعَظِّمِ لِحُرْمَتِكَ
وَالْمُعَبِّرِ عَنْكَ وَالنَّاطِقِ بِحُکْمِكَ وَعَیْنِكَ النَّاظِرَةِ وَأُذُنِكَ السَّامِعَةِ وَشَاهِدِ عِبَادِكَ وَحُجَّتِكَ عَلٰی
خَلْقِكَ وَالْمُجَاهِدِ فِی سَبِیلِكَ وَالْمُجْتَهِدِ فِی طَاعَتِكَ وَاجْعَلْهُ فِی وَدِیعَتِكَ الَّتِی لَا تَضِیعُ وَأَیِّدْهُ
بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَأَعِنْهُ وَأَعِنْ عَنْهُ وَاجْعَلْنِی وَوَالِدَیَّ وَمَا وَلَدَا وَوُلْدِی مِنَ الَّذِینَ یَنْصُرُونَهُ
وَیَنْتَصِرُونَ بِهِ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ اشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنَا اللّٰهُمَّ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَدَمْدِمْ
بِمَنْ نَصَبَ لَهُ وَاقْصِمْ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ حَتّٰی لَا تَدَعَ عَلَی الْأَرْضِ مِنْهُمْ دَیَّاراً **مؤلف گوید** که اسناد این دعا چون
مشتمل بر اسامی مبارکه ائمه علیهم السلام است پس ظاهر آنست که این دعا و سایر ادعیه که سید در این قبیل
ایراد نموده است از حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه منقول باشد و محتمل است که تالیف یکی از علما
رضوان الله علیهم بوده باشد چنانچه عادت ایشان بوده که ادعیه اخترع تالیف می نموده اند
والله تعالی یعلم **دوم** سید ابن باقی نور الله مرقده در کتاب اختیار اسناد داده برای این روز ذکر نموده
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَصَلَّی اللهُ عَلٰی أَنْبِیَائِهِ وَمَلَائِکَتِهِ اللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذَا
الْیَوْمِ الْکَرِیمِ مِنَ الشَّهْرِ الشَّرِیفِ الْعَظِیمِ إِنِّی أَسْأَلُكَ أَنْ تَعُودَ عَلٰی إِسَاءَتِی بِإِحْسَانِكَ وَعَلٰی سَفَهِی بِحِلْمِكَ
وَعَلٰی ذُنُوبِی بِمَغْفِرَتِكَ وَعَلٰی سَیِّئَاتِی بِتَجَاوُزِكَ وَعَلٰی إِفْرَاطِی بِصَفْحِكَ وَعَلٰی ضَعْفِی بِعَوْنِكَ
وَعَلٰی فَقْرِی بِغِنَاكَ وَسَعَتِكَ وَعَلٰی بُؤْسِی بِفَضْلِكَ وَعَلٰی قُنُوطِی بِعِبَادَتِكَ وَعَلٰی عُسْرِی

عجزی

بتيسيرك وانك يا رب ذو الفضل العظيم والبلاء الحسن الجميل والفعل الكريم يا ارحم الراحمين
وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين **سيم** صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس روايت نموده
كه حضرت رسالت پناه صلى الله عليه وآله وسلم فرمود كه هر كه در اين روز اين دعا را بخواند حق تعالى
بعدد هر سنگ وكلوخي حسنه و درجه در بهشت باو عطا فرمايد و دعا اينست اللهم طهرني
فيه من الدنس والاقذار وصبرني فيه على كائنات الاقدار ووفقني فيه على التقى و
صحبة الابرار بعونك يا قرة عين المساكين **چهارم** خواندن دعاي مجير كفعمي رضي الله عنه در كتاب
جنة الامان وكتاب بلد الامين روايت نموده است كه جبرئيل عليه السلام نازل شد بر رسول خدا صلى الله
عليه وآله در وقتي كه آنحضرت در مقام ابرهيم عليه السلام مشغول نماز بود واين دعا را براي
آنحضرت آورد وگفت اين دعا را هر كه در روز سيزدهم وچهاردهم وپانزدهم ماه مبارك رمضان
بخواند گناهان او آمرزيده شود هر چند بعدد قطرهاي باران وبرگ درختان وريگ بيابان
بوده باشد واين دعا بر حجرها ومنازل بهشت نوشته شده است ومن بسبب فضيلت اين دعا
وقوت اين بسوي آسمان بالا مي روم وبزمين فرود مي آيم وهر كه محافظت نمايد بر خواندن اين دعا
ايمن خواهد بود از هر آفتي ودر روز قيامت رفيق تو خواهد بود در بهشت وروي او مانند
ماه شب چهارده نوراني خواهد بود وكسي كه سه روز روزه بدارد واين دعا را هفت نوبت بخواند
وبر پشت خود بخواب رود تو را در خواب مي بيند وكسي كه ده نوبت اين دعا را بخواند مبعوث ميشود
در روز قيامت در حالتي كه سوار باشد بر براقي از نور كه زينش از زبرجد سبز باو داده باشند ومي آيد
تا آنكه در پيش عرش حق تعالى مي ايستد واهل موقف گمان مي كنند كه او يكي از پيغمبران است واگر همه
درياها مداد شود ودرختان قلم شود وهمه جن وانس وملائكه بنويسند كاتب كردند احصاي نتوانند نمود
ثواب اين دعا را وخواندن اين دعا بيمار را شفا مي بخشد وقرض دار را ادا مي نمايد وفقير را غني ميكند
وبنده را آزاد مي سازد وغم را زايل ميكند واندوه را مي برد واز جور سلطان ومكر شيطان نجات ميدهد
وهر كه چيزي از او گم شود يا مال او را دزد ببرد پس چهار ركعت نماز بگذارد بدو سلام ودر هر ركعتي
حمد يك نوبت وسوره قل هو الله احد يازده نوبت بخواند وبعد از فراغ اين دعا را بخواند واگر نتواند
خواند رو بسر خود بگذارد وبخواند كه حق تعالى آن گم شده را باو بر گرداند ومال او پيدا شود واگر مومني
اين دعا را از روي اخلاص بر مرده بخواند زنده شود يا بر كوهي بخواند از هم بپاشد وكسي كه اين دعا را براي
حاجتي بخواند برآورده ميشود يا براي دشمني بخواند منكوب ومخذول ميگردد ومن ضامنم براي كسي
كه اين دعا را ده نوبت بخواند كه حق تعالى او را بآتش جهنم عذاب نكند پس حفظ كن اين دعا را اي محمد
صلى الله عليه وآله كه اسم اعظم الهي در اين دعاست وتعليم مكن اين دعا را بكسي كه تقوي وپرهيزكاري

نداشته باشد

في هذا اليوم

بعزتك يا موئل

شرح دعاي مجير

نداشته باشد كه مبادا اين دعا را براي مطلب باطلي بخوانند ومستجاب شود پس حضرت فرمود كه اي برادر من جبرئيل
بدرستي كه من عاجز مي شوم از بيان فضيلتهاي اين دعا كفعمي گفته كه اين دعا دعاي مجير ناميده ميشود واسماي
حسناي الهي كه خلايق باينها خلق شده اند در اين دعا داخل است **ودعا اينست** بسم الله الرحمن الرحيم
سبحانك يا الله تعاليت يا رحمن اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا رحيم تعاليت يا كريم اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا ملك تعاليت يا مالك اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا قدوس تعاليت يا سلام اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا مؤمن تعاليت يا مهيمن اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا عزيز تعاليت يا جبار اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا متكبر تعاليت يا متجبر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا خالق تعاليت يا بارئ اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا مصور تعاليت يا مقدر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا هادي تعاليت يا باقي اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا وهاب تعاليت يا تواب اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا فتاح تعاليت يا مرتاح اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا سيدي تعاليت يا مولاي اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا قريب تعاليت يا رقيب اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا مبدئ تعاليت يا معيد اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا حميد تعاليت يا مجيد اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا قديم تعاليت يا عظيم اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا غفور تعاليت يا شكور اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا شاهد تعاليت يا شهيد اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا حنان تعاليت يا منان اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا باعث تعاليت يا وارث اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا محيي تعاليت يا مميت اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا شفيق تعاليت يا رفيق اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا انيس تعاليت يا مونس اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا جليل تعاليت يا جميل اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا خبير تعاليت يا بصير اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا حفي تعاليت يا ملي اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا معبود تعاليت يا موجود اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا غفار تعاليت يا قهار اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا مذكور تعاليت يا مشكور اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا جواد تعاليت يا معاذ اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا جمال تعاليت يا جلال اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا سابق تعاليت يا رازق اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا صادق تعاليت يا فالق اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا سميع تعاليت يا سريع اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا رفيع تعاليت يا بديع اجرنا من النار يا مجير

دعاي مجير

سبحانك يا فعّال تعاليت يا متعال اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا قاضي تعاليت يا راضي
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا قاهر تعاليت يا ظاهر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا عالم
تعاليت يا حاكم اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا دائم تعاليت يا قائم اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا عاصم تعاليت يا قاسم اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا غني تعاليت يا مغني اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا وفي تعاليت يا قوي اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا كافي
تعاليت يا شافي اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا مقدم تعاليت يا مؤخر اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا اول تعاليت يا آخر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا
ظاهر تعاليت يا باطن اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا رجاء تعاليت يا مرتجى اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا ذا المنّ تعاليت يا ذا الطول اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا
حي تعاليت يا قيوم اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا واحد تعاليت يا احد اجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا سيد تعاليت يا صمد اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا قدير تعاليت
يا كبير اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا والي تعاليت يا عالي اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا علي تعاليت يا اعلى اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا ولي تعاليت يا مولى
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا ذارئ تعاليت يا بارئ اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا خافض تعاليت يا رافع اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا مقسط تعاليت
يا جامع اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا معز تعاليت يا مذل اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا حافظ تعاليت يا حفيظ اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا قادر تعاليت
يا مقتدر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا عليم تعاليت يا حليم اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا حكم تعاليت يا حكيم اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا معطي تعاليت يا
مانع اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا ضار تعاليت يا نافع اجرنا من النار يا مجير

سبحانك

سبحانك يا مجيب تعاليت يا حبيب اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا عادل تعاليت يا فاضل
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا لطيف تعاليت يا شريف اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا
رب تعاليت يا حق اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا ماجد تعاليت يا واحد اجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا عفو تعاليت يا منتقم اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا واسع تعاليت
يا موسع اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا رؤف تعاليت يا عطوف اجرنا من النار يا
مجير سبحانك يا فرد تعاليت يا وتر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا مقيت تعاليت يا
محيط اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا وكيل تعاليت يا عدل اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا مبين تعاليت يا متين اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا بر تعاليت يا ودود
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا رشيد تعاليت يا مرشد اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا نور تعاليت يا منور اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا نصير تعاليت يا ناصر اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا صبور تعاليت يا صابر اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا محصي
تعاليت يا منشي اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا سبحان تعاليت يا ديّان اجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا مغيث تعاليت يا غياث اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا فاطر تعاليت يا حاضر
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا ذا العز والجمال تباركت يا ذا الجبروت والجلال
سبحانك يا لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه
من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وصلى الله على محمد وآله اجمعين والحمد لله رب العالمين
وحسبنا الله ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم **مؤلف گويد**
كه ظاهرا مراد از زير سر گذاشتن آنست كه دعا در وقت خواب است كه كاغذي كه اين دعا بر آن نوشته باشند
در زير سر گذارند و بخوانند **شب چهاردهم** اين شب دوم از ليالي بيض است و فضل آن در
سابق گذشت و اعمال آن چند امر است **اول** چهار ركعت نماز هر دو ركعت بيك سلام در هر ركعت
بعد از حمد سوره يس و تبارك و قل هو الله احد و ثواب آن در باب سيم از [illegible] ذكر شد

دوم شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت
نموده است که هر که در این شب شش رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یک نوبت
وسوره اذا زلزلت سی نوبت حق تعالی سکرات مرگ وهول منکر ونکیر را برو آسان نماید سیم
سید ابن طاوس عظم الله رتبته در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که بعضی ادعیه آن ساقط شده این دعا
برای این شب نقل نموده است سبحان من یحیی علی برحمته فوسعها بمشیته ثم یقضها الی نعم یقضیها
وابادیه ولیبین فیها للناظرین آثر صنیعه وللمتاملین دقایق حکمته اشهد ان لا اله الا
هو وحده لا شریک له متفردا بخلقه بغیر معاین وجاعلا جمیع افعاله واحدا بلا ظهیر
عرفته القلوب بضمایرها والافکار بخواطرها والنفوس بسرایرها وطلبته التحصیلات
ففاتها واعترضته المعقولات فاطاحها فهو القریب السمیع والحاضر الدافع اللهم هذه
اضوء وانور لیلة من شهرک وادنیها واحصاها لضوء بدرک بسطت فیها لوامعه
وانتجعت فی ارضک شعاعه وهی اللیلة سبعین مضیا من الصیام واول سبعین
بقیا من عدد الایام اللهم فوسع لی فیها نور عفوک وابسطه وامحص عنی ظلم تخلفک
واقبضه اللهم ان جودک ونعمتک یصلحان رجائی وان صیانتک ومحاسنک یکنفا نعمتک
بالحی وما انت بضری منتفع فاتهمک بالتوفر علی ما تنفعک ولا بما ینفعنی مضرور
فاستخیلک من التماس مضرتک فکیف تخل من لا حاجة به الی عفو معبود علی
عبده مضطر الی عفوه ام کیف تسمح وقد جاد له بهدایته ان تخلیه وتجمح
سبل ضلالته کلا انک الاکرم یا مولای من ذاک وارئف واحنا واعطف
اللهم اطو هذه اللیلة بعمل لی صالح ترضی مطاویه وسبحنی فی آخری بمناشره
وامضاها بالعفو عنی فی اول الشهر وآخره یا ارحم الراحمین یا رحمن یا رحیم وصلی
الله علی محمد النبی وآله وسلم کثیرا چهارم ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب عمل
شهر رمضان ابن ابی قره این دعا برای این شب نقل نموده یا الله یا رحمن یا رحیم یا علیم یا حی یا قیوم

اللهم انی لا اسالک بعملی شیئا انی من عملی خائف انما اسالک برحمتک ما اسالک فصل علی
محمد وآله وهب لی من طاعتک ما یرضیک عنی وتقبل صومی وتفضل علی برحمتک یا
ارحم الراحمین وارحمنی برحمتک اللهم انی ادعوک واسالک باسمائک الحسنی وباسمک
العظیم ووجهک الکریم وروحک القدوس وکلامک الطیب وملکک الدائم
العظیم وسلطانک المنیر وقرآنک الحکیم وعطائک الجلیل الجزیل وباسمک الذی اذا
دعیت به اجبت واذا سئلت به اعطیت ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تعتقنی
من النار فی هذا الشهر المبارک فانی فقیر مسکین الی رحمتک یا ارحم الراحمین
پنجم ایضا سید در کتاب مذکور وسید ابن باقی در کتاب اختیار این دعا را برای این شب
از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده اند یا ولی الاولیاء وجبار الجبابرة ویا
اله الاولین والآخرین انت خلقتنی ولم اک شیئا وانت امرتنی بالطاعة فاطعت
سیدی جهدی فان کنت توانیت او اخطات او نسیت فتفضل علی سیدی ولا تقطع
رجائی وامنن علی بالرحمة واجمع بینی وبین نبی الرحمة محمد بن عبد الله صلی الله علیه
وآله واغفر لی انک انت التواب الرحیم روز چهاردهم این روز دو عمل دارد غسل و باقی
بنهج فضیلت خصا یافته واعمال آن چند امر است اول سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب
اقبال این دعا را برای این روز ذکر نموده است اللهم لا تؤدبنی بعقوبتک ولا تمکر بی فی حیلتک
من این لی الخیر ولا یوجد الا من عندک ومن این لی النجاة ولا تستطاع الا بک لا
الذی احسن استغنی عن عونک ولا الذی اساء خرج من قدرتک یا رب یا رب بک عرفتک وانت
دللتنی ولولا انت ما دریت ما انت الحمد لله الذی ادعوه فیجیبنی وان کنت بطیئا
حین یدعونی والحمد لله الذی اساله فیعطینی وان کنت بخیلا حین یستقرضنی
والحمد لله الذی وکلنی الیه فاکرمنی ولم یکلنی الی الناس فیهینونی

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَحَبَّبَ اِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي اَللّٰهُمَّ لَا اَجِدُ شَافِعًا اِلَيْكَ اِلَّا مَعْرِفَتِي بِاَنَّكَ اَفْضَلُ
مَنْ قَصَدَ اِلَيْهِ الْمُضْطَرُّونَ وَاَسْاَلُكَ مُقِرًّا بِاَنَّ لَكَ الطَّوْلَ وَالْقُوَّةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُدْرَةَ اَنْ تَحُطَّ
عَنِّي وِزْرِيَ الَّذِي قَدْ حَنَى ظَهْرِي وَتَعْصِمَنِي مِنَ الْهَوَى الْمُسَلَّطِ عَلَى عَقْلِي وَتَجْعَلَنِي مِنَ الَّذِينَ
انْتَجَبْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ **دوم** سید ابن باقی رفع الله درجته در کتاب اختیار این دعا را برای این روز
ذکر نموده است اَللّٰهُمَّ اِنَّ رَحْمَتَكَ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِي وَعَطِيَّتَكَ اَفْضَلُ مِنْ مَسْاَلَتِي فَبِرَحْمَتِكَ يَا اِلٰهِي وَبِكَرَمِكَ
وَعِزَّتِكَ وَارْتِفَاعِ مَكَانِكَ وَجَلَالِ وَجْهِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَسَعَةِ فَضْلِكَ اَعْطِنِي
خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ فِي هٰذَا الشَّهْرِ الْكَرِيمِ وَارْزُقْنِي فِيهِ شُكْرًا وَاسْتَعْمِلْنِي فِيهِ بِطَاعَتِكَ حَتّٰى
اَكُونَ يَوْمَ فَاقَتِي غَنِيًّا فِي لَحْدِي اِذَا اُفْرِدْتُ فِيهِ اٰمِنًا مِنْ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَاَكُونَ قَبْلَ مَوْتِي الْمَغْبُوطَ
فِي دَارِ الدُّنْيَا بِسَعَةِ الرِّزْقِ وَصَلَاحِ الشَّاْنِ اَللّٰهُمَّ بِكَ اَرْجُو بُلُوغَ رِضَاكَ لَا بِعَمَلِي وَاَنْتَ يَا اِلٰهِي
مِنْ كُلِّ شَيْءٍ حَسْبِي فَاَنْتَ يَا اِلٰهِي لَا شَرِيكَ لَكَ وَاَنْتَ يَا اِلٰهِي بِي رَؤُوفٌ يَا رَبِّ فَلَكَ اَسْلَمْتُ وَجْهِي
فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ عَلَى ذٰلِكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي وَاِلَيْكَ رَغْبَتِي وَدُعَائِي وَاَنْتَ بِحَاجَتِي
عَالِمٌ غَيْرُ مُعَلَّمٍ وَاَسْاَلُكَ يَا اَللّٰهُ اَنْ تَجْعَلَنِي فِي هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي
فِي اَسْمَاءِ الْاَبْرَارِ وَالْاَخْيَارِ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَذٰلِكَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِينَ **سیم** صاحب کتاب بحر المعارف از ابن عباس روایت نموده است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در این روز این دعا را بخواند پس گویا با پیغمبران و شهیدان
و صالحان روزه داشته باشد و دعا اینست اَللّٰهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ وَاَقِلْنِي فِيهِ
مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ وَلَا تَجْعَلْنِي غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْاٰفَاتِ بِعِزَّتِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ **چهارم**
خواندن دعای مجیر چنانچه در روز سیزدهم مذکور شد **شب بیست و هم** این شب آخر لیالی بیض
نیمهٔ این ماه و با این جهت مزید فضیلت و برکت ممتاز و افضل از دو شب سابق است و اعمال وارده
چنانچه از تتبع روایات ظاهر میشود چند چیز است **اول** غسل زیرا که از شبهای طاقت و مخصوص
این شب نیز وارد شده چنانچه در شب اول گذشت و ایضاً شیخ مفید و دیگران نیز گفته‌اند که در این شب
غسل مستحب است و سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است

فیه غرضا عرضة ... الخطیئات ... بعزتک ... المسلمین

کرد در این شب غسل مستحب است و نیز روایتی سید در اعمال شب اول مذکور نموده که غسل در این شب و شب اول سنت است
مستحبات **دوم** شش رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره یس و تبارک و قل
هو الله احد را هر یک یک نوبت بخوانند و روایت آن در مفتاح جزء اول مذکور شد **مؤلف گوید** که سید ابن طاوس
طاب ثراه در کتاب اقبال در این موضع سهو نموده و سوره تبارک را در لیالی بیض ایشان نقل نموده با آنکه
در عمل ماه رجب هر سه سوره را نقل نموده است والله تعالی العالم **سیم** ایضاً سید در کتاب مذکور
گفته که در اصل کهنه از اصول اصحاب ما رضوان الله علیهم دیدیم که از حضرت صادق علیه السلام از پدران
بزرگوارش از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و علیهم اجمعین روایت نموده که رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود که هر که در شب نیمهٔ ماه مبارک رمضان صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام
در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد ده نوبت حق تعالی ده ملک را فرو فرستد که شر دشمنان
او را از جن و انس از او دفع نمایند و سی ملک فرو فرستد در هنگام وفات او که او را بشارت بر بهشت
دهند و سی ملک را که او را از آتش جهنم ایمن کردانند پس سید گوید که این نماز را ابن ابی قره رحمه الله نیز
در کتاب خود ذکر نموده و در روایت او چنین است که هر که این نماز را بکند عزیز تا در خواب بر بیند صد ملک را
که سی نفر از ایشان او را بشارت بر بهشت دهند و سی نفر ایمن کردانند او را از آتش جهنم و سی نفر که او را
نگاه دارند از خطایا و معاصی و ده نفر که دفع کید اعادی از او بکنند و شیخ طوسی رضی الله عنه
در کتاب تهذیب نیز نقل نموده است **چهارم** شیخ شهید طاب الله تربته الزکیه در کتاب ربیع از
رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که در این شب چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت
بیک سلام و در دو رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد را صد نوبت و در دو رکعت آخر بعد
سوره قل هو الله احد را پنجاه نوبت بخواند حق تعالی گناهان او را بیامرزد هر چند بعدد ریگ دریاها
و ریگ بیابان عالج و ستارهای آسمان و برگ درختان باشد **پنجم** سید ابن طاوس رفع الله
درجته در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که بعضی از دعای آن ساقط شده این دعا را برای این شب
نقل نموده سُبْحَانَ مُقَلِّبِ الْقُلُوبِ وَالْاَبْصَارِ سُبْحَانَ مُقَلِّبِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَخَالِقِ الْاَزْمِنَةِ
وَالْاَعْصَارِ الْمُجْرِي عَلَى مَشِيَّتِهِ الْاَقْدَارَ الَّذِي لَا بَقَاءَ لِشَيْءٍ سِوَاهُ وَكُلُّ شَيْءٍ تَعْتَوِرُهُ الْفَنَاءُ
غَيْرَهُ فَهُوَ الْحَيُّ الْبَاقِي الدَّائِمُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ قَدِ انْتَصَفَ شَهْرُ الصِّيَامِ بِمَا مَضٰى
مِنْ اَيَّامِهِ وَانْجَذَبَ اِلَى تَمَامِهِ وَاخْتِتَامِهِ وَمَا لِي عُدَّةٌ اَعْتَدُّ بِهَا اِلَّا الْاَعْمَالُ الصَّالِحَاتُ لِنَعُولَ عَلَيْهَا

بك ورجائي لك فامّا رجائي فبكثرة على صفوة الخوف منك وامّا ايماني فلا تضيّع
عندك وهو بتوفيقك اللهمّ فلك الحمد حين لم تفكّك يدي عند التماسك بالعروة
الوثقى ولم تنفني بغفار فيما فيمن اعتوره الشقاء اللهمّ فانصفني من شهواتي فالملك
منها الشكوى ومنك عليها اولى العدوى فانّك تشاء وتقدر واشاء ولا اقدر
ولست الهي وسيدي محجوبا ولكن مسؤلا ترجى ومحذورا تتّقى تختصّ فيننا وبيدك حلو
ومرّ القضاء اللهمّ فاذقني حلاوة عفوك ولا تجرّعني غصص سخطك وصلّى الله على
محمد وآله الطاهرين يا ارحم الراحمين **ششم** ايضا سيد در كتاب مذكور از كتاب عمل شهر رمضان
ابن ابي قره رضي الله عنه اين دعا را براي اين شب نقل نموده است يا من اظهر الجميل وستر
القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة
يا باسط اليدين بالرحمة ويا صاحب كل نجوى ومنتهى كل شكوى يا مقيل العثرات
يا مجيب الدعوات يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا ربّاه يا سيّداه يا مولاه يا غاية
رغبتاه اسئلك ان تصلّي على محمد وآل محمد ولا تشوّه خلقي في النار پس حاجات خود را
سؤال كن كه برآورده ميشود ان شاء الله تعالى ابن سيد گفته كه زيادة واين زيادتي را ذكر نموده اللهمّ
يا مفرّج كل همّ يا منفّس كل كرب ويا صاحب كل وحيد ويا كاشف ضرّ ايوب وسامع صوت
يونس المكروب وفالق البحر لموسى وبني اسرائيل ومنجي موسى ومن معه اجمعين
اسئلك ان تصلّي على محمد وآل محمد وان تيسّر لي في هذا الشهر العظيم الذي
يعتق فيه الله من تاب وتغفر فيه الذنوب ما اخاف عسره وتسهّل لي ما اخاف حزونته
يا غياثي عند كل كربتي ويا صاحبي عند شدّتي يا عصمة الخائف المستجير يا رازق البائس
الفقير يا مغيث المقهور الضرير يا مطلق الكبل عن الاسير ومخلّص المسجون المكروب
اسئلك ان تصلّي على محمد وآل محمد وتجعل لي من جميع امري فرجا ومخرجا ويسرا

عاجلا يا ارحم الراحمين **مؤلف گويد** كه معلوم نميشود از كلام سيد كه اين زيادتي در روايت نقل
ابن ابي قره بوده كه اين زياده تتمه دعاي سابق باشد يا آنكه اين زيادتي دعاي ديگر است وبر هر
تقدير بهتر انست كه بعد از دعاي سابق اين دعا خوانده شود **هفتم** سيد ابن طاوس در كتاب اقبال وسيد ابن باقي
در كتاب اختيار اين دعا را براي اين شب از رسول خدا صلى الله عليه وآله روايت نموده اند الحنّان انت
سيدي المنّان انت مولاي الكريم انت سيدي العفوّ انت مولاي الحليم انت سيدي الوهّاب
انت مولاي العزيز انت سيدي القريب انت مولاي الواحد انت سيدي القاهر انت مولاي
الصمد انت سيدي العزيز انت مولاي صلّ على محمد وآله واغفر لي وارحمني وتجاوز
عنّي انّك انت الاعزّ الاجلّ الاعظم **هشتم** زيارت حضرت امام حسين عليه السلام وروايات
آنكه در اعمال شب اول مذكور شد وآن روايت اگرچه مخصوص كسي است كه نزد مرقد منوّر آن امام مطهّر
حاضر باشد وليكن بهتر انست كه ساكنين بلاد بعيده نيز از فضيلت محروم نباشند وچون زيارت
مخصوصي در روايت ذكر نشده از نزديك ودور بزيارات مطلقه منقوله زيارت نمايند **نهم**
سيد ابن طاوس قدس الله روحه در كتاب اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر صادق
در حديث طولاني روايت كرده است كه كسي بخدمت آن بزرگوار عرض نمود كه چه ميفرمائيد در
باره كسي كه در نزد قبر شريف حضرت امام حسين عليه السلام حاضر باشد در شب نيمه ماه مبارك
رمضان پس حضرت فرمودند به كسيكه نزد قبر مبارك آن امام رفيع الشان در شب نيمه رمضان
بعد از نماز عشا غير از نماز شب ده ركعت نماز بكند هر دو ركعت بيك سلام در هر ركعتي حمد
يكنوبت وسوره قل هو الله احد ده نوبت وپناه برد بحق تعالى از آتش جهنم حق تعالى او را از جمله
آزاد شدگان از آتش جهنم بنويسد ونميرد تا در خواب ببيند ملكي چند را كه او را ببهشت بشارت دهند
ميدهند وملكي چند را كه از آتش جهنم او را ايمن ميگردانند **مؤلف گويد** كه اين عمل مخصوص كسي است كه در
كربلاي معلّى حاضر باشد **روز پانزدهم** اين روز از ايام بيض وروز نيمه ماه است وبا اين جهت فضيلت عظيم
دارد وشيخ مفيد رضي الله عنه در كتاب مسار الشيعه ذكر نموده است كه در اين روز در سال سيم
از هجرت حضرت امام حسن مجتبى صلوات الله عليه متولد شد ودر سال صد ونود وپنج از هجرت
حضرت امام محمد تقي صلوات الله عليه متولد شد واين روز سرور مومنانست ومستحب است در آن تصدّق

کردن وتعجیل او بردن خیرات وبسیاری شکر حق تعالی بجهة ظاهر شدن حجت خداوند عالمیان
خلیفهٔ مؤمنان وفرزند پیغمبر آخر الزمان وظاهر است که روایتی در این باب بنظر او نرسیده باشد
بلکه بجهة برکت اعمال این روز همهٔ اعمال الخیر در ان فضیلت دارد وچون این روز باین دو امر
منسوب است زیارت ایشان نیز در ان مناسب است واعمال آن چند امر است **اول** سید ابن طاوس
در کتاب اقبال اسند عا برای این روز ذکر نموده است یا ذا المنّ والاحسان یا ذا الجلال
والاکرام یا ذا الجود والافضال یا ذا الطول یا لا اله الا انت ظهر اللاجین وامان الخائفین
ان کنت کتبتنی فی ام الکتاب شقیا فاکتبنی عندک سعیدا موفقا للخیر وامح اسم الشقاء
عنی فانک قلت فی الکتاب الذی انزلت علی نبیک صلواتک علیه واله یمحو الله ما یشاء
ویثبت وعنده ام الکتاب اللهم ارزقنی طیبا واستعملنی صالحا اللهم امنن علی بالرزق
الواسع الحلال الطیب برحمتک تکون لک المنة علی وتکون لی غنی عن خلقک خالصا
لیس لاحد من خلقک منه من غیرک واجعلنا فیه من الشاکرین ولا تفضحنی یوم التلاقی
اللهم انی اسالک السعة فی الدنیا واعوذ بک من السرف فیها واسالک الزهد فی الدنیا
واعوذ بک من الحرص علیها واسالک الغنی فی الدنیا واعوذ بک من الفقر فیها اللهم
ان بسطت علی فی الدنیا فزهدنی فیها وان قترت علی رزقی فلا ترغبنی فیها **دوم**
سید ابن باقی رفع الله درجته در کتاب اختیار اسند عا برای این روز ذکر نموده است اللهم
یا واهب الخیرات هب لی شوقا الی لقائک من عذابک وحبا لک واجلالا لذکرک
وتوفیقا لوجهک الهی ما کان من امر هو اقرب الی طاعتک وابعد من معصیتک و
ارضی لنفسک واقضی لحقک واوفی بعهدک وابلغ لمحبتک واقرب للحلول فی جنتک
وخیر فی المعاد الیک وامن لی من فزع یوم القیمة فافتحه لی بیسر منک واعتق علیه
وادللنی الیه ووفقنی له وخذ بناصیتی ویدی وقلبی الیه اللهم وهذا یوم النصف
من شهرک المکرم المشرف المعظم فخص نبینا محمدا صلی الله علیه واله بکرامة الدنیا

والاخرة واعتقنی فیه من النار واعط نفسی تقواها فی کل یوم مما یرضیک عنی واعط
محمدا وال محمد وشیعتهم والمسلمین والمسلمات خیر الدنیا والاخرة اللهم اغفر لی وارحمنی
وتب علی واقبله منی واعصمنی ومکنی فیه عن عظیم الاوزار وسیئات الاعمال ووسع
علی من فضلک وجملنی وزینی وحببنی واصلح کل فاسد منی وصل علی ملائکتک
المقربین وانبیائک المرسلین واغفر لی ولوالدی وولدی والمؤمنین من عبادک
الصالحین والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات واختم لنا فی هذا الیوم بما
ختمت به لاهل طاعتک وانبیائک ورسلک وخیار خلقک ونجنا من النار بعفوک
ورافتک ورحمتک التی وسعت کل شیء وارزقنی حوائج الدنیا والاخرة والامن
والعافیة والغنی والمغفرة واصلح لی دینی واجعلنی کما تحب وترضی وخلصنی من مظالم
الدنیا واهلها انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد واله الطاهرین **سیم**
صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که هر که در این روز اسند عا نماید حق تعالی
هشتاد حاجت از حوائج دنیا وبیست حاجت از حوائج آخرت او را بر آورد ودر جنة الفردوس
هزار شهر ببخشد در جوار پیغمبران از نور درخشنده برای او بنا کند که در هر شهری هزار غرفه
باشد ودر هر غرفه هزار هزار حجره باشد ودر هر حجره چیزی چند باشد که نفسها بان خواهش
داشته باشد وچشمها از آنها لذت برد وان شخص در ان شهرها مخلد شود **و دعا** اللهم اجعل
فیه طاعة الخاشعین واشغل فیه قلبی لانابة المخبتین بامنک یا امان الخائفین
چهارم خواندن دعای مجیر ودر روز سیزدهم مذکور شد **شب شانزدهم** واعمال آن چند امر است
اول شیخ شهید رحمه الله تعالی غفرانه در کتاب اربعین از حضرت رسالت صلی الله علیه واله روایت
نموده است که هر که در این شب دوازده رکعت نماز بگذارد در هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت
حمد یک نوبت وسورهٔ الهیکم التکاثر یک نوبت چون از قبر بیرون اید تر وتازه وباواز بلند
ندا کند که اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله تا وارد بهشت شود بی حساب
مؤلف گوید که کفعمی در این موضع در جنة الامان نیز سوره نقل نموده است وسورهٔ الهیکم التکاثر

دوازده نوبت نقل نموده است دوم سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب عتیقی
که دعاهای بعضی از شبهای ماه از آن ساقط شده این دعا را برای این شب نقل نموده است
اللهم لا اله الا انت تعبد بتوفیقک وتمجد بحمدک لانک اربت عبرک وظهرت غیرک وبقیت
آثار الماضین عظة للباقین والشهوات غالبة واللذات مجاذبة تغترّ من امرک
وتنهیک تبع الاختیار والعمی عن الابصار وتمیل عن الرشاد وتنافر طرق السداد
فلو عجلت لانتقمت وما ظلمت لکنک تمهل عودا علی بدئک بالاحسان وتنظر تعمدا
للرافة والامتنان فکم ممن انعمت علیه ومکنته ان یتوب کفر الحوب وارشدته
الطریق بعد ان توغل فی المضیق فکان ضالا لولا هدایتک وطالحا حتی تخلصته
ولا املک وکم ممن وسعت له فطغی وراخیت له فاستشری فاخذته اخذة الانتقام
وجدیته جذا الصرام اللهم فاجعلنی فی هذه اللیلة ممن رضیت عمله وغفرت
زلله ورحمت غفلته واخذت الی طاعتک ناصیته وجعلت الی جنتک اوبته
والی جوارک رجعته وصلی الله علی محمد وآله وسلم یا ارحم الراحمین سیم ایضا سید
کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قرة رحمه الله تعالی این دعا را برای این شب نقل نموده
اللهم انت الهی ولی الیک حاجة وبی الیک فاقة ولا اجد الیک شافعا ولا مستغربا
اوجه فی نفسی ولا اعظم رجاء عندی منک فی تعظیم ذکرک وتفخیم اسمائک وانی
اقدم الیک بین یدی حوائجی بعد ذکری نعماک علی باقراری لک ومدحی ایاک و
ثنائی علیک وتقدیسی مجدک وتسبیحی قدسک الحمد لک بما اوجبت علی من شکرک
وعرفتنی من نعمائک والبستنی من عافیتک وافضلت علی من جزیل عطیتک فانک
قلت سیدی انت لئن شکرتم لازیدنکم ولئن کفرتم ان عذابی لشدید وقولک
صدق ووعدک حق وقلت سیدی وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها وقلت ادعونی

تضرعا وخفیة وقلت ادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین اللهم انی
اسالک قلیلا من کثیر مع حاجة بی الیه عظیمة وغناک عنه قدیم وهو عندی کثیر
وهو علیک سهل یسیر اللهم ان عفوک عن ذنبی وتجاوزک عن خطیئتی وصفحک
عن ظلمی وسترک علی قبیح عملی وحلمک عن کبیر جرمی عندما کان من خطائی وعمدی
اطمعنی فی ان اسالک ما لا استوجبه منک فصرت ادعوک آمنا واسالک مستانسا
لا خائفا ولا وجلا مدلا علیک فیما قصدت فیه الیک فان ابطا عنی عتبت بجهلی
علیک ولعل الذی ابطا عنی هو خیر لی لعلمک بعاقبة الامور فلم ار مولی کریما
اصبر علی عبد لئیم منک علی یا رب انک تدعونی فاولی عنک وتتحبب الی فاتبغض
الیک وتتودد الی فلا اقبل منک کان لی التطول علیک ثم لا یمنعک ذلک
من الرحمة لی والاحسان الی والتفضل علی بجودک وکرمک فصل علی محمد وآله
وارحم عبدک الجاهل وعد علیه بفضل احسانک وجودک انک جواد کریم چهارم
سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال و سید ابن باقی قدس الله روحه در کتاب اختیار
این دعا را برای این شب از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده اند یا الله یا الله یا الله
یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحمن
یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا غفور یا
غفور یا غفور یا غفور یا غفور یا غفور یا غفور یا غفور یا رؤف یا رؤف یا
رؤف یا رؤف یا رؤف یا رؤف یا رؤف یا رؤف یا حنان یا حنان یا حنان
یا حنان یا حنان یا حنان یا حنان یا حنان یا علی یا علی یا علی یا علی یا علی
یا علی یا علی صل علی محمد وآله انک انت العفو الرحیم روز نهم واعمال
آن چند امر است اول سید ابن طاوس رفع الله رتبه در کتاب اقبال این دعا را

براي اين روز ذكر نموده است اللهم اغفر لي ذنبي واوسع علي رزقي وبارك لي فيما رزقتني
ولا تحوجني الى احد سواك اللهم ارزقنا من فضلك وبارك لنا في رزقك واغننا عن خلقك
ولا تحرمنا رغدك اللهم انا نسئلك السعة من طيب رزقك والعون على طاعتك والقوة
على عبادتك اللهم عافنا من بلائك وارزقنا من فضلك واكفنا شر خلقك
دويم سيد ابن باقي سقى الله ثراه در كتاب اختيار ايدعا براي اين روز ذكر نموده است اللهم يا من
انزل القرآن مصدقا لما بين يديه وانزل التورية والانجيل من قبل هدى للناس وانزل
الفرقان يا من يصوركم في الارحام ما يشاء كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم يا مالك الملك
تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير
انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت
وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب يا من اصطفى آدم ونوحا وآل ابراهيم
وآل عمران على العالمين ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم يا من ان تك حسنة يضاعفها
ويؤت من لدنه اجرا عظيما يا من له ما في السموات وما في الارض وما بينهما وما تحت
الثرى وكان الله غنيا حميدا يا من يشهد بما انزل اليه بعلمه والملائكة يشهدون
وكفى بالله شهيدا يا من يداه مبسوطتان ينفق كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم الحق
اللهم اني اسألك بما مدحت به نفسك وبعظيم اسمائك ان تتقبل صلواتي ونسكي
وقيامي وصدقتي وتضرعي اليك وخضوعي بين يديك في يومي هذا وفي شهري
هذا وفي ما قبله وفيما بعده وتوفني خير ما توفيت عبادك الصالحين برحمتك يا ارحم
الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيم صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس
روايت نموده است كه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده كه هر كه در اين روز ايدعا بخواند
حق تعالى با وعطا فرمايد در روزي كه از قبر خود بيرون آيد نوري درخشنده كه بر روشني آن راه رود
وحلة كرامت پوشد وشربتي كه سوال شود واز شراب بهشت سيراب شود ودعا اينست اللهم

ووفقني

والاخرين
برحمتك يا ارحم الراحمين

ووفقني فيه لعمل الابرار وجنبني فيه مرافقة الاشرار وآوني برحمتك دار القرار بالهيتك
يا اله الاولين شب شانزدهم اين شب مزيد فضيلت مخصوص است زيرا كه در اين شب مسلمانان وكفار
بيكديگر رسيدند در بدر ودر صبح بعد از آن در ميان ايشان جنك واقع شد وحق تعالى بپيغمبر فتح
ونصرت كرامت فرمود واعمال اين چند امر است اول غسل زيرا كه از شبهاي طاق است ومخصوص
اين شب نيز فضيلت وارد دويم شيخ شهيد قدس الله روحه در كتاب اربعين از رسول خدا
صلى الله عليه وآله روايت نموده است كه هر كه در اين شب دو ركعت نماز بكند ودر ركعت اول حمد
وهر سوره كه خواهد يكنوبت ودر ركعت دويم حمد وسوره قل هو الله احد صد نوبت بخواند
وچون سلام گويد صد نوبت لا اله الا الله بگويد حق تعالى ثواب هزار هزار حج وهزار هزار عمره وهزار
هزار جهاد با وكرامت فرمايد سيم سيد ابن طاوس در كتاب اقبال از يكي از ائمه عليهم السلام روايت
كرده است كه فرمود در اين شب گروه مسلمانان وكفار در بدر بيكديگر رسيدند وحق تعالى نعمتهاى
عظيم خود را درباره دوستان خود ظاهر گردانيد ودعاي در اين شب اين دعا است يا صاحب محمد
صلى الله عليه وآله يوم حنين ويا مبير الجبارين ويا عاصم النبيين اسألك بيس والقرآن الحكيم وبطه
وساير القرآن العظيم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تهب لي الليلة تاييدا تشد به عضدي
وتسد به خلتي يا كريم انا المقر بالذنوب فافعل بي ما تشاء لن يصيبني الا ما كتبت لي
عليك توكلت وانت حسبي وانت رب العرش الكريم اللهم اني اسألك خير المعيشة
ابدا ما ابقيتني بلغة الى انقضاء اجلي اتقوى بها على جميع حوائجي واتوصل بها اليك من غير
ان تفتنني باكثار فاطغى او تقتير علي فاشقى ولا تشغلني عن شكر نعمتك واعطني غنى عن
شرار خلقك واعوذ بك من شر الدنيا وشر ما فيها اللهم لا تجعل الدنيا لي سجنا ولا
تجعل فراقها لي حزنا اخرجني عن فتنتها اذا كانت الوفاة خيرا لي من حياتي مقبولا
عملي الى دار الحيوان ومساكن الاخيار واعوذ بك من ازلها وزلزالها وسطوات سلطانها
وبغي بغاتها اللهم من ارادني فارده ومن كادني فكده واكفني هم من ادخل علي همه
وصدق قولي بفعلي واصلح لي حالي وبارك لي في اهلي ومالي وولدي واخواني اللهم

مامضى من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري حتى القاك وانت عني راض وحوائج خود را
سؤال كن وبعد از آن بسجده برو ودر سجده اين دعا را بخوان سجد وجهي الفاني البالي الموقوف
المحاسب المذنب الخاطي لوجهك الكريم الباقي الدائم الغفور الرحيم سبحان ربي الاعلى
وبحمده استغفر الله واتوب اليه پس سيد گفته زيادة وابن زيادتي را ذكر نموده است اللهم
رب هذه الليلة العظيمة لك الحمد كما عصمتني من مهاوي الهلكة والتمسك بحبال
الظلمة والجحود لطاعتك والرد عليك امرك والتوجه الى والزهد فيما عندك والرغبة
فيما عند غيرك منا مننت به علي ورحمة رحمتني بها من غير عملي ولا استخفاف لما
صنعت بي واستوجب مني الحمد على الدلالة على الحمد واتباع اهل الفضل والمعرفة
والنصر بابواب الهدى ولولاك ما اهتديت الى طاعتك ولا عرفت امرك ولا سلكت
سبيلك فلك الحمد كثيرا ولك المن فاضلا وبنعمتك تتم الصالحات مؤلف گويد
گر از كلام سيد معلوم نميشود كه اين زيادتي تتمه روايت سابق يا دعاي ديگر است كه بروايت
ديگر وارد شده يا تاليف سيد يا غير او از علمات و نيز معلوم نميشود كه در سجده بايد خواند
يا نه وبهتر آنست كه در سجده بعد از دعاي سابق خوانده شود تا عمل بجميع احتمالات شده باشد
چهارم ايضا سيد در كتاب اقبال از كتاب عتيق كه دعيه بعضي از سهما از آن ساقط شده
اين دعا را براي اين شب نقل نموده است سبحان العزيز بقدرته المالك بغلبته لا
يخرج شيء عن قبضته ولا امر الا بيده الذي يجود مبتدئا وسؤلا وينعم متفضلا
هو الحميد المجيد نحمده بتوفيقه نعمة بذلك جلة لا نحصى ونجله بالآئه وبيده الآلائه
فاياديه لا تكافى والحمد لله الذي يملك الملك الكبير ويعز الاعزاء ويذل الاذلين
اللهم ان هذه الليلة ليلة سبع عشرة وهي اول عقود الاعداد وسبع وهي بذر
الاحاد لاحقة بعقب سابقه وبك لمن امضاهن هو بغير حق لك يا مولاه فضالك
ولا يقرب اليك ارضاك وانا احد اهل الويل صدتني عنك بطنة الماكل والمشارب

وعزني بك امر المشارب وسعة المذاهب واجتذبتني الى لذاتها سنتي وركبت الوطية
اللذيذة من غفلتي فاطرحني عن الاعتراف وانعقد بي وانقبض بي على الاستبصار واحفظني من
يد الغفلة وسلمني الى اليقظة بسعادة منك عصيتها وعصيتها الى وسبق وجهي لديك
ويزلفني عندك يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد النبي وآله وسلم پنجم سيد ابن طاوس
نور الله مرقده در كتاب اقبال وسيد ابن باقي رفع الله درجته در كتاب اختيار اين دعا را براي
اين شب از حضرت رسالت صلى الله عليه وآله روايت نموده اند اللهم هذا شهر رمضان الذي
انزلت فيه القرآن وامرت بعمارة المساجد والدعاء والصيام والقيام وضمنت لنا فيه
الاستجابة فقد اجتهدنا وانت اعنتنا فاغفر لنا فيه ولا تجعله آخر العهد منا واعف
عنا فانك ربنا وارحمنا فانك سيدنا واجعلنا ممن ينقلب الى مغفرتك ورضوانك انك
انت الاجل الاعظم شب هفدهم واعمال آن چند امر است اول سيد ابن طاوس اجله الله
جنة الفردوس در كتاب اقبال اين دعا را براي اين روز نقل نموده است اللهم لا تكلني الى نفسي
طرفة عين ابدا ولا تحوجني الى احد من خلقك واثبت قلبي على طاعتك اللهم اعصمني
بحبلك وارزقني من فضلك ونجني من النار بعفوك اللهم اني اسألك تعجيل ما تعجيله
خير لي وتأخير ما تأخيره خير لي اللهم ما رزقتني من رزق فاجعله حلالا طيبا في يسر
منك وعافية اللهم سد فقري في الدنيا واجعل غناي في نفسي واجعل رغبتي فيما
عندك اللهم ثبت رجاءك في قلبي واقطع رجائي عن خلقك حتى لا ارجو احدا غيرك
يا رب العالمين اللهم وفي سفري وفي اهلي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي وفي
نفسي فذللني وفي اعين الناس فعظمني واليك يا رب فحببني وفي صالح الاعمال
فقوني وبسوء عملي فلا تبسلني وبسريرتي فلا تفضحني وبقديم ذنوبي فلا تخذلني
واليك يا رب اشكو غربتي وبعد داري وقلة معرفتي وهواني على الناس يا ارحم الراحمين

دوم سید ابن باقی حشره الله مع الابرار در کتاب اختیار این دعا را برای این روز ذکر نموده است
اللهم قنی عذابک یوم تبعث عبادک واعذنی من عقابک وسوء حسابک اللهم انی
اسالک حسن المآب وحسن الثواب والامن یوم العقاب والتسامح یوم الحساب یامن
خالق السموات والارض وجعل الظلمات والنور یامن یعلم السر والجهر ویعلم ما تکسبون
یامن یسکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم یامن یقضی بالحق وهو خیر
الفاصلین یامن عنده مفاتح الغیب لایعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر ویامن
له الملک وهو اسرع الحاسبین اللهم انی اسئلک بما مدحت به نفسک وسالتک
به ان لاتدع لی ذنبا الا غفرته ولاعیبا الا سترته ولا غما الا فرجته ولا هما
الا کشفته ولا امرا الا اصلحته ولاحزنا الا اذهبته ولا سقما الا شفیته ولا حاجة
الا قضیتها ولا امانة الا ادیتها ولا فاقة الا سددتها ولا عورة الا سترتها
ولا ضیعة الا حفظتها ولا کربة الا فرجتها ولا عثرة الا اقلتها واجعلنی
من عتقائک فی هذا الیوم من النار برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی سیدنا
محمد واله الطاهرین سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است که رسول خدا صلی الله
علیه واله فرمود که هر که در این روز این دعا را بخواند آمرزیده شود هر چند از خاسران و زیان
کاران باشد ودعا اینست اللهم واهدنی فیه لصالح الاعمال واقض لی فیه الحوائج والامال
یامن لایحتاج الی التفسیر والسؤال یا عالما بما فی صدور العالمین صل علی محمد
واله الطاهرین شب هجدهم واعمال آن چند چیزاست اول شیخ شهید احل الله علی غرف
الجنان در کتاب اربعین از حضرت رسالت صلی الله علیه واله روایت نموده است که هر که در این
شب چهار رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یک نوبت وسوره انا اعطیناک
الکوثر بیست وپنج نوبت ملک موت در هنگام قبض روح او را بشارت دهد که حق تعالی
از او راضی وخوشنود است دوم سید ابن طاوس رحمه الله در کتاب اقبال از کتاب عتیقی

اهدنی فیه / هذا الیوم [illegible] العالمین

کرادعیه

کرادعیه بعضی از شیعیان ساقط شده این دعا را برای این شب نقل نموده است لا اله الا الله
وحده لاشریک له فی ملکه ولا منازع فی قدرته احصی کل شیء عددا وخلقه
وجعل له امدا فکل ما یری وما لا یری هالک الا وجهه له الحکم والیه ترجعون
سبحان الله الذی قهر کل شیء بجبروته واستولی علیه بقدرته وملکه بعزته
سبحان خالقی ولم اک شیئا الذی کفلنی برحمته وغذانی بنعمته ومنح لی فی
عطیته ومن علی بهدایته بما الهمنی من وحدانیته والتصدیق بانبیائه وجاءنی
بآیاته وبکتبه المنزلة علی بریته الموجبة لحجته الذی لم نجد لنبی بجحود ولم یبلغنی
الی عنود وجعل من اکارم انبیائه صلی الله علیهم ادومتی ومن افاضلهم نعتی
ولخاتمهم صلی الله علیه واله عوتی اللهم لاتبعد للعبی ما اعززت ولا تضعنی بعد
ان رفعت ولا تخذلنی بعد ان نصرت واطو فی مطاوی هذه اللیلة ذنوبی
مغفورة وادعیتی مسموعة وقرباتی مقبولة فانک علی کل شیء قدیر وصلی الله
علی محمد النبی واله وسلم تسلیما سیم ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب عمل
شهر رمضان ابن ابی قره رحمه الله این دعا را برای این شب نقل نموده است اللهم لک الحمد
کما حمدت نفسک وافضل ما حمدک الحامدون من خلقک حمدا یکون ارضی الحمد
لک واحق الحمد عندک واوجب الحمد الیک وافضل الحمد لدیک واقرب الحمد منک
واوجب الحمد جزاء علیک حمدا لایبلغه وصف واصف ولایدرکه نعت
ناعت ولا وهم متوهم ولا فکر متفکر حمدا یضعف عنه کل اثر ممن فی
السموات والارضین وینقص عنه وعن حدوده ومنتهاه جمیع المعصومین
للموکدین الله اخذت میثاقهم فی کتابک الذی لایغیر ولا یبدل
حمدا ینبغی لک ویدوم معک ولا یصلح الا لک حمدا یعلو حمد کل حامد وشکر کل

عوتی ...

بنا كل شاكر حمداً يبقى مع بقائك ويزيد اذا رضيت وينمى كلما شئت حمداً خالداً دائماً مع خلودك
وثناءً نامياً مع دوامك كما فضلتنا على كثير من خلقك ولما وهبت من معرفتك وصيام شهر
رمضان اللهم اني اسألك بمقام محمد وبمقام انبيائك عليه وعليهم السلام ان تصلّي
على محمد وآل محمد وتتقبّل صومي وتصرف الىّ والى اهلي وولدي واهل بيتي ومن
يعنيني امره والى جميع المؤمنين والمؤمنات من فضلك ورحمتك وعافيتك ونعمتك
ورزقك الهنيء المريء لما تجعله صلاحاً للدنيا وقواماً لاخرتنا **چهارم** سيد ابن طاوس
در كتاب اقبال و سيد ابن باقي در كتاب اختيار اين دعا را بروايت ابن شاذ از حضرت رسالت صلى الله عليه وآله
روايت نموده اند الحمد لله الذي اكرمنا بشهرنا هذا وانزل علينا فيه القرآن وعرّفنا
حقه والحمد لله على البصيرة فنوّر وجهك يا الهنا واله آبائنا الاولين ارزقنا فيه التوبة
ولا تخذلنا ولا تخلف ظننا انك انت الجليل الجبار **روز هجدهم** اعمال ان چند امر
اول سيد ابن طاوس رضوان الله عليه در كتاب اقبال اين دعا را بروايت ابن روح ذكر نموده است
اللهم ان الظلمة كفروا بكتابك وجحدوا آياتك وكذّبوا رسلك وشرعوا غير دينك
وسعوا بالفساد في ارضك وتعاونوا على اطفاء نورك وشاقّوا ولاة امرك ووالوا
اعدائك وعادوا اوليائك وظلموا اهل بيت نبيك اللهم فانتقم منهم واصبب عليهم عذابك
واستاصل شأفتهم اللهم انهم اتخذوا دينك دغلاً ومالك دولاً وعبادك خولاً فاكفف
بأسهم واوهن كيدهم واشف منهم صدور المؤمنين وخالف بين قلوبهم وشتّت امرهم
واجعل بأسهم بينهم واسفك بايدي المؤمنين دماءهم وخذهم من حيث لا يشعرون اللهم
صلّ على محمد وآل محمد انا نشهد يوم القيمة ويوم حلول الطامة انهم لم يذنبوا لك ذنباً
ولم يرتكبوا لك معصية ولم يضيعوا لك طاعة وان مولانا وسيدنا صاحب الزمان
الهادي المهدي التقي النقي الزكي الرضي فأسألك بنا على يديه منهاج الهدى والحجة

اللهم

العظمى

العظمى وقوّنا على متابعته واداء حقه واحشرنا في اعوانه وانصاره انك سميع الدعاء
نوزدهم سيد ابن باقي حشره الله مع الائمة الاطهار در كتاب اختيار اين دعا را بروايت ابن روح ذكر نموده است
اللهم اني اسألك اذ وفقتنا لصيام هذا الشهر فاطعناك ودعوتنا فاجبناك بتوفيق منك
لنا وامرتنا بالصلوة على نبيك فقلت ان الله وملائكته يصلّون على النبي يا ايها الذين
آمنوا صلّوا عليه وسلّموا تسليماً اللهم فصلّ عليه اذ هديتنا به من الضلالة وانقذتنا به
من الهلكة اللهم اجزه خير ما جزيت نبياً عن امته وخير ما جزيت راعياً عن رعيته وصلّ
اللهم عليه انت وملائكتك وانبياؤك ورسلك وعبادك واهل طاعتك من اهل السموات
والارض اللهم ابعثه مقاماً محموداً يغبطه به الاولون والآخرون اللهم بيّض وجهه
واوضح حجّته وتقبّل شفاعته وعظّم برهانه اللهم اقرّ في القيمة عينه وعين ذريته
واهل بيته وامته اللهم وارزقني في سنتي هذه النظر الى بيتك الحرام وادخل الركن والمقام
وآثار انبيائك عليهم السلام والزيارة الى قبر نبيك محمد المصطفى عليه وآله السلام اللهم اجعله
اقرب النبيين منك منزلاً واعظمهم عندك رجاءً وشرفاً واعلاهم لديك درجة وحرفاً اللهم
ارني في القيمة وجهه النضر الاظهر سيد المرسلين وولي المؤمنين وامام المتقين نبي الرحمة
اتى بالحق بشيراً ونذيراً وداعياً الى الله باذنه وسراجاً منيراً اللهم استعملني على طاعتك
في سنته وتوفني مغفوراً لي على ملته وابعثني على شريعته واحشرني في زمرته وارزقني مرافقته
وادخلني الجنة في شفاعته اللهم وكما جعلتني من امته ولم تضلّني ومننت عليّ بدينه دين
ابرهيم خليلك وعلى ملته صلى الله عليه وآله وسلم وبلّغتني هذا الشهر وفرضته على رأفة
ورحمة منك فأسألك بشرف نبيك محمد صلى الله عليه وآله يوم يجمع الخلائق لفصل القضاء
ان تعتقني في يومي هذا من النار وتغفر لي مغفرة عزماً جزماً وترزقني خير الدنيا
والآخرة والامن والعافية والغنى والمغفرة برحمتك يا ارحم الراحمين انك على كل شيء

قدیر وصلّی الله علی سیّدنا محمّد وآله الطاهرین سیّم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است
که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که در این روز نماز گزارد حق تعالی باو ثواب هزار نعمت
کرامت فرماید ودعا اینست اللّهمّ نبّهنی فیه لبرکات اسحاره ونوّر قلبی فیه بضیاء
انواره وخذ بکلّ عضو عضو منّی الی اتّباع آثاره بنورک یا منوّر قلوب العارفین شب نوزدهم
از لیالی قدر و بعد از شب بیست ویکم و بیست وسیم اشرف از سایر شبهاست و در ابواب سابقه مذکور شد
که شب قدر از این سه شب بیرون نیست و احادیث بسیار در باب فضیلت شب قدر عموماً و فضیلت هر یک
از لیالی ثلثه خصوصاً وارد شده است اما احادیث عامه پس بعضی از آنها در ابواب سابقه مذکور شد
و برخی بعد از این در ضمن اعمال مذکور میشود ان شاء الله تعالی وایضاً سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب
اقبال از منصور بن حازم روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که شبی
که در آن شب هر امر حکیمی مفروق میگردد و مقدّر میشود و در آن شب نازل میشود تا آخر در آن سال
تا مثل آن شب واقع خواهد شد از خیر و شر و روزی و موت و حیوة و در آن شب نوشته میشوند
حاجیان مکه پس هر که در آن شب نوشته شود البته بحج میرود هر چند فقیر و بیمار باشد و کسی که نوشته نشده
نمیتواند که بحج رود هر چند مالدار و صحیح باشد و امّا احادیث وارده در خصوص این شب پس بعضی از آنها
نیز در ابواب سابقه گذشت و بعضی بعد از این مذکور میشود ان شاء الله تعالی وایضاً سید طاب ثراه در کتاب
مذکور بسند خود از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که چون شب نوزدهم
ماه مبارک رمضان در آید نوشته شوند حاجیان و نوشته شود اجلها و روزیهای خلایق و حق تعالی
مشرف شود بر بندگان پس بیامرزد هر مؤمنی را مگر کسی را که مسکر آشامیده باشد یا رحم مؤمنی را قطع
نموده باشد وایضاً در کتاب مذکور از عبدالله بن سنان روایت کرده است که گفت از حضرت صادق
علیه السلام سؤال نمودم از شب نیمه شعبان حضرت فرمود که چیزی در این باب نزد من نیست ولیکن هرگاه
شب نوزدهم ماه رمضان داخل شود در آن شب روزیها تقسیم میشود و اجلها نوشته میشود
و نوشته شوند حاجیان بیت الله بیرون می آید و حق تعالی مشرف میشود بر حال بندگان پس می آمرزد
هر که را میخواهد مگر شراب خواره را پس چون شب بیست وسیم داخل شود حل میشود هر امر حکیمی و منتهی
میشود راوی گوید که عرض کردم که این امور بسوی که نازل میشود فرمود که بسوی صاحب شما نازل
میشود واگر نبود در این شب بنا شد صاحب شما این امور را نخواهد دانست مؤلف گوید
که سید بعد از نقل این دو روایت گفته است که این حدیث مخالف است با حدیثی که در باب شب نیمه شعبان

وارد شده است

وارد شده است که تقدیرات در آن شب واقع میشود و در بیان رفع منافات دو وجه گفته است
اوّل آنکه ابتدای تقدیرات در شب نیمه شعبان و اصل تقدیرات در این شب واقع میشود دوّم
آنکه تقدیرات امور بعضی از مردم در شب نیمه شعبان و تقدیرات همه مردم در این شب واقع شود
و این دو وجه بعید است و تحقیق این مقام در معارج متعلقه بشب قدر بتفصیل سابق ذکر یافت
و شیخ طبرسی رضی الله عنه در کتاب مجمع البیان از حسان بن علی روایت کرده است که گفت از حضرت صادق
پرسیدم از شب قدر فرمود طلب کن آن را در شب نوزدهم و شب بیست ویکم و شب بیست وسیم وامّا
اعمال این شب پس بر دو قسم است قسم اوّل اعمال مشترکه فیما بین این سه شب و آنچه که در شب قدر
وارد شده که آنها نیز در هر سه شب باید کرده شود و آنها چند چیز است اوّل احیا داشتن سید بن
طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب کنز الیواقیت که تألیف ابی الفضل هروی است نقل نموده
که او از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که شب قدر را احیا کند حق تعالی بگرداند
از او عذاب را تا سال آینده وایضاً از کتاب مذکور نقل نموده که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هر که شب قدر را احیا نماید گناهان او آمرزیده شود هر چند بعدد ستارگان آسمان و سنگینی کوهها
و کیل دریاها باشد و بعضی از احادیث این مطلب بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی دوّم
غسل زیرا که هر یک از لیالی افراد است و در این سه شب نیز تأکید بیشتر است چون غسل در شب قدر
فضیلت بسیار دارد و در هر یک از این سه شب احتمال شب قدر داده می رود چنانچه ابن بابویه رحمه الله
در کتاب عمل شهر رمضان بسند خود از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت کرده است
که هر که غسل کند در شب قدر و احیا بدارد آن را تا طلوع فجر از گناهان خود بیرون آید و بخصوص هر یک
از این سه شب نیز غسل وارد شده چنانچه حمیری در قرب الاسناد از عبدالله بن بکیر روایت کرده است
که گفت سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام از غسل در ماه مبارک رمضان در اول شب فرمود غسل کن
در شب نوزدهم و بیست ویکم و بیست وسیم از ماه مبارک و در این روایت مذکور است که اول وقت
غسل اوّل شب است و اجمعینی بتفصیل در شب اول ماه گذشت وایضاً سید ابن طاوس طاب ثراه در
کتاب اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود
که پدرم صلوات الله علیه غسل میکرد در شب نوزدهم و بیست ویکم و بیست وسیم و بیست وچهارم
وایضاً سید رحمه الله در کتاب مذکور بسند خود از ابن ابی یعفور روایت کرده است که گفت از حضرت
صادق علیه السلام پرسیدم از غسل در ماه مبارک رمضان فرمود که غسل کن در شب نوزدهم و بیست ویکم

وبیست و یکم و بیست و هفتم و بیست و نهم سیم تصدق کردن و بعضی احادیث آن در ابواب سابقه
مذکور شد و ایضا سید در کتاب اقبال از کتاب کنز الیواقیت نقل نموده که از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
منقولست که حضرت موسی علیه السلام با جناب حق تعالی مناجات نمود که خداوندا قرب و نزدیکی ترا میخواهم
حق تعالی فرمود که قرب من برای کسی است که در شب قدر بیدار باشد پس حضرت موسی علیه السلام گفت خداوندا
رحمت ترا میخواهم فرمود که رحمت من برای کسی است که رحم بر مساکین نماید در شب قدر حضرت موسی علیه السلام
گفت که خداوندا گذر کردن بر صراط را میخواهم فرمود که این برای کسی میسر است که تصدق کند
بصدقه در شب قدر حضرت موسی علیه السلام گفت که بار خدایا درختهای بهشت و میوههای آنرا
میخواهم فرمود که این برای کسی است که تسبیح الله در شب قدر بگوید موسی علیه السلام گفت پروردگارا
نجات از آتش جهنم را میخواهم فرمود که این برای کسی است که در شب قدر استغفار نماید موسی علیه السلام
گفت خداوندا رضا و خوشنودی ترا میخواهم فرمود که این برای کسی است که دو رکعت نماز کند در شب قدر
چهارم صد رکعت نماز از جمله هزار رکعت نافله ماه رمضان که در هر یک از این سه شب باید کرده شود
چنانچه در باب یازدهم از این خزینه مذکور شد و در باب خصوص صد رکعت در هر یک از این سه شب
تاکیدش زیاده از سایر شبها وارد شده بلکه باید که اگر ایستاده نتواند نشسته بکند و اگر نشسته نتواند خوابیده
بکند چنانچه شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
روایت کرده است که با ابو بصیر فرمود که در بیست شب از ماه مبارک رمضان هر شبی هشت رکعت بعد از
نماز مغرب و دوازده رکعت بعد از نماز عشا بکن پس چون در آید شبی که در آن امید هست بجا آور
یعنی شب قدر پس صد رکعت نماز بکن و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد را ده نوبت بخوان
ابو بصیر گفت که فدای تو شوم اگر ایستاده نتوانم چکنم فرمود که نشسته بکن ابو بصیر گفت اگر نشسته نتوانم
چکنم فرمود که بر پشت خوابیده در فراش خود بکن و در این نماز در هر رکعت یکمرتبه قل هو الله احد
اکتفا نمودن که ده مرتبه و بیست و هفت مرتبه نیز وارد شده چنانچه روایات آن در اول
باب یازدهم در بیان نماز هزار رکعت و کیفیت تقسیم آن بر شبها مذکور شد و بدانکه در سابق
مذکور شد که از مختارات بیان آنکه هشتاد رکعت وظیفه این سه شب را در این سه شب با آن
صد رکعت بکند چنانچه در شب نوزدهم صد و بیست رکعت و در هر یک از بیست و یکم و بیست و سیم
صد و سی رکعت بکند یا در این سه شب اکتفا بصد رکعت نماید و هشتاد رکعت را توزیع بر
جمعهها نماید بر تفصیل مذکور در سابق و نیز گذشت که شب ثانی افضلست پس اگر شب ثانی را

اختیار نماید تمام این صد رکعت را بعد از فراغ از نماز عشا و وتیره میکند و بعد از هر دو رکعت از بیست رکعت اول
دعائی که شیخ طوسی قدس الله روحه برای بیست رکعت هر شب روایت کرده است و در باب یازدهم
بتفصیل گذشت میخواند و بعد از هر دو رکعت از هشتاد رکعت بقیه ادعیه که شیخ نیز روایت کرده و مذکور
خواهد شد انشاء الله تعالی میخواند و اگر شب اول را اختیار نماید که در شب نوزدهم صد و بیست رکعت و در
هر یک از بیست و یکم و بیست و سیم صد و سی رکعت را بکند پس از احادیث و اخبار ظاهر میشود که
بیست رکعت شب اول و سی رکعت دو شب دیگر هر دو در این صورت جزو وقت باید کرده شود آیا بعد از
مغرب و عشا بدستور سایر شبها باید کرده شود یا آنکه نیز مانند صد رکعت بعد از فراغ از عشا
باید کرده شود و دعائی نیز برای این بقیه در روایات مذکور نیست سوای دعای مختصری که بعد
از هر دو رکعت از مجموع هزار رکعت باید خوانده شود و پیشتر گذشت لهذا اولی اختیار شب ثانی
که افضلست و اما دعاهای هشتاد رکعت پس بعد از فراغ از نماز عشا و وتیره بیست رکعت را
با دعاهائی که سابق گذشت بجا می آورد پس دو رکعت دیگر میکنی و بعد از آن این دعا که شیخ
طوسی طاب ثراه در کتاب تهذیب نقل نموده است میخوانی یَا حَسَنَ الْبَلَاءِ عِنْدِي يَا قَدِيمَ الْعَفْوِ
عَنِّي يَا مَنْ لَا غَنَاءَ لِشَيْءٍ عَنْهُ يَا مَنْ لَا بُدَّ لِشَيْءٍ مِنْهُ يَا مَنْ مَرَدُّ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ يَا مَنْ مَصِيرُ
كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ تَوَلَّنِي سَيِّدِي وَلَا تُوَلِّ أَمْرِي شِرَارَ خَلْقِكَ أَنْتَ خَالِقِي وَرَازِقِي يَا مَوْلَايَ
فَلَا تُضَيِّعْنِي پس دو رکعت دیگر میکنی و بعد از آن این دعا که شیخ طوسی در کتاب تهذیب ذکر نموده
میخوانی اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ
فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ أَوْ أَنْتَ مُنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِي بِهِ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا أَوْ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ أَوْ
ضُرٍّ تَكْشِفُهُ أَوْ بَلَاءٍ تَرْفَعُهُ أَوْ سُوءٍ تَدْفَعُهُ أَوْ فِتْنَةٍ تَصْرِفُهَا وَاكْتُبْ لِي مَا كَتَبْتَ
لِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا مِنْكَ الثَّوَابَ وَأَمِنُوا بِرِضَاكَ عَنْهُمْ مِنْكَ الْعَذَابَ يَا كَرِيمُ
يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَبَارِكْ لِي فِي كَسْبِي وَقَنِّعْنِي
بِمَا رَزَقْتَنِي وَلَا تَفْتِنِّي بِمَا زَوَيْتَ عَنِّي پس دو رکعت دیگر میکنی و بعد از آن این دعا که شیخ طوسی رحمه الله
در کتاب تهذیب نقل نموده است میخوانی اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَصَبْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَاقْبَلْ
يَا سَيِّدِي تَوْبَتِي وَارْحَمْ ضَعْفِي وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاجْعَلْ لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ نَصِيباً وَإِلَى

لکل
شرّ
آل محمد
ذنبی
ومن الاباء
فاقبل

كل خير سبيلا اللهم اني اعوذ بك من الكبر ومواقف الخزي في الدنيا والاخرة اللهم صل
على محمد وآل محمد واغفر لي ما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري واورد علي
اسباب طاعتك واستعملني بها واصرف عني اسباب معصيتك وحل بيني وبينها
واجعلني واهلي وولدي في ودايعك التي لا تضيع واعصمني من النار واصرف عني
شر فسقة الجن والانس وشر كل ذي شر وشر كل ضعيف او شديد من خلقك وشر
كل دابة انت آخذ بناصيتها انك على كل شيء قدير پس دو رکعت دیگر بگذارد و بعد از
ان این دعا را که شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب تهذیب ذکر نموده است بخواند اللهم
انت متعال الشان عظيم الجبروت شديد المحال عظيم الكبرياء قادر قاهر قريب
الرحمة صادق الوعد وفي العهد قريب مجيب سامع الدعاء قابل التوبة محص
لما خلقت قادر على ما اردت مدرك من طلبت رازق من خلقت شكور ان شكرت
ذاكر ان ذكرت فاسئلك يا الهي محتاجا وارغب اليك فقيرا واتضرع اليك خائفا
وابكي لك مكروبا وارجوك ناصرا واستغفرك ضعيفا واتوكل عليك محتسبا واسترزقك
متوسعا واسالك يا الهي ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ذنوبي وتتقبل
عملي وتيسر منقلبي وتفرج قلبي اسالك ان تصدق ظني وتعفو عن خطيئتي وتعصمني
من المعاصي الهي ضعفت فلا قوة لي وعجزت فلا حول لي الهي جئتك مسرفا على نفسي
مقرا بسوء عملي قد ذكرت غفلتي واشفقت مما كان مني فصل على محمد وآل محمد
وارض عني واقض جميع حوائجي من حوائج الدنيا والاخرة يا ارحم الراحمين پس دو رکعت
دیگر بگذارد و بعد از ان این دعا را که شیخ طوسی رحمه الله در کتاب تهذیب نقل نموده
بخواند اللهم اني اسالك العافية من جهد البلاء وشماتة الاعداء وسوء القضاء
ودرك الشقاء ومن الضرر في المعيشة وان تبتليني ببلاء لا طاقة لي به او تسلط
علي طاغيا او تهتك لي سترا او تبدي لي عورة او تحاسبني يوم القيمة مقاصا احوج

ما الکون

ما اكون الى عفوك وتجاوزك عني فاسالك بوجهك الكريم وكلماتك التامة ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تجعلني من عتقائك وطلقائك من النار اللهم صل على محمد
وآله وادخلني الجنة واجعلني من سكانها وعمارها اللهم اعوذ بك من سفعات
النار اللهم صل على محمد وآله وارزقني الحج والعمرة والصيام والصدقة لوجهك
پس بسجده میرود و در سجود این دعا را که شیخ طوسی قدس الله روحه القدوسی در کتاب تهذیب ذکر
نموده است بخواند يا سامع كل صوت يا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه الظلمات
ويا من لا تتشابه عليه الاصوات ولا تغلطه الحاجات يا من لا ينسى شيئا لشيء ويا من
لا يشغله شيء عن شيء اعط محمدا افضل ما سالك وافضل ما سئلت له وافضل ما
انت مسؤول له واسالك ان تجعلني من عتقائك وطلقائك من النار اللهم صل
على محمد وآله واجعل العافية شعاري ودثاري ونجاة من كل سوء يوم القيمة پس
دو رکعت دیگر بگذارد و بعد از ان این دعا را که شیخ طوسی رحمه الله در کتاب تهذیب ذکر نموده است بخواند
انت الله لا اله الا انت رب العالمين وانت الله لا اله الا انت العلي العظيم وانت الله
لا اله الا انت العزيز الحكيم وانت الله لا اله الا انت الغفور الرحيم وانت الله
لا اله الا انت الرحمن الرحيم وانت الله لا اله الا انت مالك يوم الدين وانت الله
لا اله الا انت منك بدء الخلق واليك يعود وانت الله لا اله الا انت خالق الجنة
والنار وانت الله لا اله الا انت خالق الخير والشر وانت الله لا اله الا انت
لم تزل ولا تزال وانت الله لا اله الا انت الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد ولم
يولد ولم يكن له كفوا احد وانت الله لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة
الرحمن الرحيم وانت الله لا اله الا انت الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز
الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون وانت الله لا اله الا انت الخالق البارئ

المصوّر لك الاسماء الحسنى يسبّح لك ما في السموات والارض وانت العزيز الحكيم وانت الله
لا اله الّا انت والكبرياء رداؤك پس صلوات بفرستی بر محمد وآل محمد صلّى الله عليه وعليهم و دعا كنى
بانچه دوست میداری پس شیخ گفته كه این از حضرت صادق عليه السلام منقولست وان حضرت فرموده
كه هیچ مؤمنی نیست كه این دعا را بخواند و حاجت خود را سؤال كند و روی را بحق تعالی نماید
مگر آنكه حق تعالى حاجت او را بر می‌آورد و اگر شقی باشد امید دارم كه سعادتمند شود و این كلام شیخ
دو احتمال دارد اول آنكه دعای آخر از آنحضرت منقول باشد و بنابراین دعاهای پیش از این
دعا باین روایت منقول نخواهد بود دوم آنكه همه دعاهای سابق از آنحضرت منقول باشد
واحتمال ثانی اظهرست و سید ابن طاوس قدس الله روحه در كتاب اقبال نیز این دعا را
از شیخ نقل نموده و در شرح این دعا گفته كه من در دو روایت دیگر از غیر ادعیه ماه رمضان
این دعا را دیده‌ام و در آن دو روایت مالك الخير والشر بدل خالق الخير والشر بوده پس دو ركعت دیگر را
بگذاری و بعد از این دعا آنكه شیخ طوسی رحمه الله در كتاب تهذیب از حضرت امام محمد باقر عليه السلام
روایت نموده است بخوانی لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب
السموات السبع ورب الارضين السبع ورب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين
اللهم انی اسالك بدرعك الحصينة وبقوتك وعظمتك وسلطانك ان تجيرني
من الشيطان الرجيم ومن شر كل جبار عنيد اللهم انی اسالك بحبی اياك وحبی
رسولك وحبی اهل بيت رسولك صلواتك عليه وعليهم يا خيرا لي من ابي وامي
ومن الناس جميعا اقدر لي خيرا لي من قدرتي لنفسي وخيرا لي مما يقدر لي ابي وامي
انت جواد لا تبخل وحليم لا تجهل وعزيز لا تستذل اللهم من كان الناس ثقته
ورجاءه فانت ثقتي ورجائي اقدر لي خيرها عاقبة ورضني بما قضيت لي
اللهم صل على محمد وآل محمد والبسني عافيتك الحصينة وان ابتليتني فصبرني والعافية
احب الي وسيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال نیز این دعا را بروایت شیخ نقل نموده و بعد از آن گفته است كه من در كتاب عتیقی از مؤلفات بعضی از علما دیدم كه حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
در دعای خود میفرموده كه اللهم ان ابتليتني فصبرني والعافية احب الي

وظاهر امر آنست كه دفع اشكالی هست كه بر فقره آخر متوجه میشود زیرا كه معنی فقره وان ابتليتني تا آخر
آنست كه اگر مرا به بلائی مبتلا فرمائی پس صبر بمن كرامت فرما ولیكن من عافیت را دوست تر میدارم
و این معنی منافات دارد با رضا داشتن بقضاء الهی زیرا كه رضا بقضای حق تعالی مقتضی آنست كه
اگر حق تعالی بلا را برای آدمی خواهد آدمی نیز بلا را دوست تر از عافیت بدارد و جواب این اشكال
آنست كه رضا بقضای الهی مقتضی آنست كه آدمی دست از خواهش طبع بدارد و خواهش الهی را بر خواهش
خود ترجیح دهد و این معنی منافات ندارد با آنكه عافیت بالذات محبوب آدمی بوده باشد و لهذا این فقره
شریفه در كلام حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه كه تمام اوقات عمر شریف خود دست از عافیت
و خواهش نفس خود برداشته بود نیز وارد شده است والله تعالی یعلم پس دو ركعت دیگر را بگذاری
و بعد از آن این دعا را كه شیخ طوسی قدس الله روحه در كتاب تهذیب از حضرت صادق علیه السلام
از پدران بزرگوارش علیهم السلام از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه روایت كرده است بخوانی اللهم
انك اعلمت سبيلا من سبلك فجعلت فيه رضاك وندبت اليه اولياءك وجعلته اشرف
سبلك عندك ثوابا واكرمها لديك مآبا واحبها اليك مسلكا ثم اشتريت فيه من
المؤمنين انفسهم واموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيلك فيقتلون ويقتلون
وعدا عليك حقا فاجعلني ممن اشترى فيه منك نفسه ثم وفى لك ببيعه الذي
بايعك عليه غير ناكث ولا ناقض عهده ولا مبدل تبديلا الا استنجازا لوعدك و
استيجابا لمحبتك وتقربا به اليك فصل على محمد وآله واجعله خاتمة عملي وارزقني
فيه لك وفاء وبه شهادة توجب لي به الرضا وتحط عني به الخطايا في الاحياء
المرزوقين بايدي العداة العصاة تحت لواء الحق وراية الهدى ماضيا على نصرتهم قدما
غير مول دبرا ولا محدث شكا اعوذ بك عند ذلك من الذنب المحبط للاعمال پس دو ركعت
دیگر را بگذاری و بعد از آن این دعا را كه شیخ طوسی قدس الله سره در كتاب تهذیب از حضرت صادق
از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم روایت كرده است بخوانی اللهم انی اسالك برحمتك التي لا
تنال منك الا بالرضا والخروج من معاصيك والدخول في كل ما يرضيك والنجاة من كل

بها منّي عمد او زلل بها

وزلةٍ والمخرج من كل كبيرة والعفو عن كل سيئة يأتي بها منّي خطوات نيات أن أسألك
خوفا و يعينوني به على حدود رضاك واسالك الاخذ باحسن ما اعلم والترك لشرّ ما اعلم
والعصمة ان اعصي وانا اعلم واخطئ من حيث لا اعلم واسالك السعة في الرزق والزهد
فيما هو وبال واسالك المخرج بالبيان من كل شبهة والفلج بالصواب في كل حجة والصدق
فيما علي ولي وذلل باعطاء النصف من نفسي في جميع المواطن كلها في الرضا والسخط و
التواضع والقصد وترك قليل البغي وكثيره في القول مني والفعل وتمام النعمة في جميع
الاشياء والشكر لك عليها حتى ترضى وبعد الرضا والخيرة فيما يكون فيه الخيرة بميسور جميع
الامور لا بمعسورها يا كريم پس دو ركعت بكزار مسكيني وبعد از ان اين دعا را كه شيخ طوسي طيّب الله
رمسه در كتاب تهذيب از حضرت امام حسين از حضرت امير المومنين صلوات الله عليهما روايت
كرده است بخوان الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيد المرسلين محمد بن عبد الله المنتجب
الفاتق الراتق اللهم فخص محمدا صلى الله عليه واله بالذكر المحمود والحوض المورود اللهم
اعط محمدا صلواتك عليه واله الوسيلة والرفعة والفضيلة وفي المصطفين محبته
وفي المقربين كرامته اللهم اعط محمدا صلواتك عليه واله من كل كرامة افضل
تلك الكرامة ومن كل نعيم اوسع ذلك النعيم ومن كل عطاء اجزل ذلك العطاء
ومن كل يسر انضر ذلك اليسر ومن كل قسم اوفر ذلك القسم حتى لا يكون احد من خلقك
اقرب منه مجلسا ولا ارفع منه عندك ذكرا ومنزلة ولا اعظم عليك حقا ولا اقرب
وسيلة من محمد صلواتك عليه واله امام الخير وقائده والداعي اليه والبركة على جميع
العباد والبلاد ورحمة للعالمين اللهم اجمع بيننا وبين محمد واله في برد العيش وبرد الروح
وقرار النعمة وشهوة الانفس ومنى الشهوات ونعيم اللذات ورجاء الفضيلة وشهود الطمانينة
وسودد الكرامة وقرة العين ونضرة النعيم وبهجة لا تشبه بهجات الدنيا نشهد انه

قد بلّغ الرسالة وادى النصيحة واجتهد للامة واوذي في جنبك وجاهد في سبيلك وعبدك
حتى اتاه اليقين فصل اللهم عليه واله الطيبين اللهم رب البلد الحرام ورب الركن
والمقام ورب المشعر الحرام ورب الحل والحرام بلغ روح محمد صلواتك عليه واله عنا
السلام اللهم صل على ملائكتك المقربين وعلى انبيائك ورسلك اجمعين وصل اللهم
على الحفظة الكرام الكاتبين وعلى اهل طاعتك من اهل السموات السبع واهل الارضين
من المؤمنين اجمعين وچون از اين دعا فارغ شدي بسجده برو ودر سجود اين دعا را كه شيخ طوسي
كتاب تهذيب نقل نموده است بخوان اللهم اليك توجهت وبك اعتصمت وعليك توكلت
اللهم انت ثقتي وانت رجائي اللهم فاكفني ما اهمني وما لا يهمني وما انت اعلم به مني
عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك صل على محمد وال محمد وعجل فرجهم پس سر از سجده
بردار واين دعا را كه شيخ طوسي در كتاب تهذيب نقل نموده است بخوان اللهم اني اعوذ بك من كل شيء
زحزح بيني وبينك او صرف به عني وجهك الكريم او نقص من حظي عندك اللهم
فصل على محمد وال محمد ووفقني لكل شيء يرضيك عني ويقربني اليك وارفع درجتي
عندك واعظم حظي واحسن مثواي وثبتني بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الاخرة ووفقني
لكل مقام محمود تحب ان تدعى فيه باسمائك وتسأل فيه من عطائك رب لا تكشف عني
سترك ولا تبد عورتي للعالمين وصل على محمد وال محمد واجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء
ودعا را اعلام مسكني يعني تتمه اين دعا را كه در دعاهاي شبهاي عشر اخر وارد شده است بخوان وآيت
وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وهب لي يقينا تباشر به
قلبي وايمانا يذهب بالشك عني ورضني بما قسمت لي واتني في الدنيا حسنة وفي الاخرة
حسنة وقني عذاب النار وارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة والانابة اليك
والتوبة والتوفيق لما وفقت له شيعة ال محمد يا ارحم الراحمين ولا تفتني بطلب ما زويت

عني بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق منك واسع بحلالك عن حرامك وارزقني العفة
في بطني وفرجي وفرج عني كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر
على افضل ما رآها احد ووفقني لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام وافعل بي
كذا وكذا وبجاي وافعل بي كذا وكذا حاجات خود را طلبد پس بگويد الساعة الساعة
با نفس منقطع شود پس دو ركعت ديگر را بكني وبعد از آن اين دعا را كه شيخ طوسي رضي الله عنه در كتاب
از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روايت كرده است بخواني اللهم انت ثقتي في كل
كرب وانت رجائي في كل شدة وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة
كم من كرب يضعف عنه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل عنه القريب وتشمت
به العدو وتعييني فيه الامور انزلته بك وشكوته اليك راغبا اليك فيه عمن سواك
ففرجته وكشفته وكفيته وشكوته وكفيتنيه فانت ولي كل نعمة وصاحب كل
حاجة ومنتهى كل رغبة لك الحمد كثيرا ولك المن فاضلا پس شيخ كفعمي كه اين دعا از حضرت
صادق صلوات الله وسلامه عليه منقولست وآنحضرت فرموده كه حضرت رسالت پناه صلى الله
عليه وآله دو روز جمعه اين دعا را خواند پس دو ركعت ديگر را بكني وبعد از آن اين دعا را
كه شيخ طوسي طاب ثراه در كتاب تهذيب از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است بخواني
يا من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يهتك الستر ولم يؤاخذ بالجريرة يا عظيم العفو يا حسن
التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى ومنتهى كل شكوى
يا مقيل العثرات يا كريم الصفح يا عظيم المن يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا رباه
يا سيداه يا املاه يا غاية رغبتاه اسألك بك يا الله الا تشوه خلقي بالنار وان تقضي لي
حوائج آخرتي ودنياي وتفعل بي كذا وكذا وبجاي يفعل بي كذا وكذا حوائج خود را
طلب كن پس صلوات بفرست بر محمد وآل محمد صلى الله عليه وعليهم ودعا كن بهر چه خواهي پس دو ركعت
ديگر را بكني وبعد از آن اين دعا را كه شيخ طوسي رضوان الله عليه در كتاب تهذيب از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله عليه روايت كرده است بخواني اللهم خلقتني فامرتني
ونهيتني ورغبتني في ثواب ما به امرتني ورهبتني عقاب ما عنه نهيتني وجعلت لي عدوا

يكيدني

يكيدني وسلطته مني على ما لم تسلطني عليه منه فاسكنته صدري واجريته مجرى الدم
مني لا يغفل ان غفلت ولا ينسى ان نسيت يؤمنني عذابك ويخوفني بغيرك ان هممت
بفاحشة شجعني وان هممت بصالح ثبطني ينصب لي بالشهوات ويعرض لي بها وان
وعدني كذبني وان مناني قنطني وان اتبعت هواه اضلني والا تصرف عني كيده
يستزلني والا تفلتني من حبائله يصدني والا تعصمني منه يفتني اللهم فصل على
محمد وآل محمد واقهر سلطانه عني بسلطانك عليه حتى تحبسه عني بكثرة الدعاء لك مني
فافوز في المعصومين منه بك ولا حول ولا قوة الا بك پس دو ركعت ديگر را بكني وبعد از
آن اين دعا را كه شيخ طوسي روح الله روحه القدوسي در كتاب تهذيب از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله وسلامه عليه روايت كرده است بخواني يا اجود من اعطى ويا خير من سئل ويا ارحم
من استرحم يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا من
لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد ويقضي ما احب يا من يحول
بين المرء وقلبه يا من هو بالمنظر الاعلى يا من ليس كمثله شيء يا سميع يا بصير صل على محمد
وآله واوسع علي من رزقك الحلال ما اكف به وجهي واؤدي به عني امانتي
واصل به رحمي ويكون عونا لي على الحج والعمرة پس دو ركعت ديگر را بكني وبعد از آن اين
دعا را كه شيخ طوسي قدس سره الشريف در كتاب تهذيب از حضرت امام رضا صلوات الله عليه وعلى
آبائه الطاهرين روايت كرده است بخواني اللهم صل على محمد وآله في الاولين وصل على محمد
وآله في الآخرين وصل على محمد وآله في الملأ الاعلى وصل على محمد وآله في النبيين والمرسلين
اللهم اعط محمدا صلى الله عليه وآله الوسيلة والشرف والفضيلة والدرجة الكبيرة
اللهم اني آمنت بمحمد صلى الله عليه وآله وسلم ولم اره فلا تحرمني يوم القيمة رؤيته
وارزقني صحبته وتوفني على ملته واسقني من حوضه مشربا رويا لا اظمأ بعده ابدا

إنك على كل شيء قدير اللهم كما آمنت بمحمد صلواتك عليه وآله ولم أره فعرفني في الجنان
وجهه اللهم بلّغ روح محمد عني تحية كثيرة وسلاما پس دعا كن بانچه خواهي پس بسجده برو و در
سجود اين دعا از كرشيخ طوسي رحمه الله در كتاب تهذيب نقل نموده است بخوان اللهم إني أسألك يا سامع
كل صوت ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه الظلمات ولا تتشابه عليه الأصوات
ولا تغلطه الحاجات يا من لا ينسى شيئا لشيء ولا يشغله شيء عن شيء أعط محمدا وآل
محمد صلواتك عليه وعليهم أفضل ما سألوا وخير ما سألوك وخير ما سئلت لهم وخير
ما أنت مسؤول لهم إلى يوم القيمة پس از سجده برخيز و دعا كن بانچه خواهي پس دو ركعت ديگر بكن
وبعد از اين دعا از كرشيخ طوسي طاب ثراه در كتاب تهذيب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
عليه نقل نموده است كه ازو پرسيدند از سيد رسول خدا صلى الله عليه وعليهم روايت كرده است بخوان اللهم
لك الحمد كله اللهم لا هادي لمن أضللت ولا مضل لما هديت اللهم لا مانع لما أعطيت
ولا معطي لما منعت اللهم لا قابض لما بسطت ولا باسط لما قبضت اللهم لا مقدم لما أخرت
ولا مؤخر لما قدمت اللهم أنت الحليم فلا تجهل اللهم أنت الجواد فلا تبخل اللهم أنت
العزيز فلا تستذل اللهم أنت الحليم فلا ترام اللهم أنت ذو الجلال والإكرام صل على
محمد وآل محمد و دعا كن بانچه خواهي پس دو ركعت ديگر بكن و بعد از ان اين دعا از كرشيخ طوسي
رفع الله درجته در كتاب تهذيب از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روايت كرده است بخوان
اللهم إني أسألك العافية من جهد البلاء وشماتة الأعداء وسوء القضاء ودرك الشقاء
ومن الضر في المعيشة وأن تبتليني ببلاء لا طاقة لي به أو تسلط علي طاغيا
أو تهتك لي سترا أو تبدي لي عورة أو تحاسبني يوم القيمة مناقشا أحوج ما أكون إلى
عفوك وتجاوزك عني فيما سلف اللهم إني أسألك باسمك الكريم وكلماتك التامة
أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعلني من عتقائك وطلقائك من النار پس دو ركعت ديگر

مسكين

مسكيني و بعد از ان اين دعا از كرشيخ طوسي رحمه الله عليه در كتاب تهذيب از حضرت امام موسى كاظم
صلوات الله عليه روايت كرده است بخوان اللهم لا إله إلا أنت ولا أعبد إلا إياك ولا أشرك
بك شيئا اللهم إني ظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني إنه لا يغفر الذنوب إلا أنت اللهم صل على محمد
وآل محمد واغفر لي ما قدمت وما أخرت وما أعلنت وما أسررت وما أنت أعلم به مني وأنت
المؤخر اللهم صل على محمد وآل محمد ودلني على العدل والهدى والصواب وقوام الدين اللهم
واجعلني هاديا مهديا راضيا مرضيا غير ضال ولا مضل اللهم رب السماوات السبع ورب الأرضين
السبع ورب العرش العظيم اكفني المهم من أمري بما شئت وكيف شئت وصل على محمد وآل محمد وصلوات
بفرست بر محمد و آل او صلى الله عليه وعليهم و دعا كن بانچه دوست ميداري پس دو ركعت ديگر بكن و بعد از ان
اين دعا از كرشيخ طوسي رحمه الله در كتاب تهذيب ذكر نموده است بخوان يا الله ليس يرد غضبك
إلا حلمك ولا ينجي من عذابك إلا التضرع إليك فهب لي يا إلهي من لدنك رحمة تغنيني
بها عن رحمة من سواك بالقدرة التي بها تحيي ميت البلاد وبها تنشر ميت العباد
ولا تهلكني غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني الاستجابة في دعائي وأذقني طعم
العافية إلى منتهى أجلي ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي اللهم إن وضعتني
فمن ذا الذي يرفعني وإن رفعتني فمن ذا الذي يضعني وإن أهلكتني فمن ذا الذي
يحول بيني وبينك أو يتعرض لك في شيء من أمري وقد علمت يا إلهي أن ليس في حكمك
ظلم ولا في نقمتك عجلة إنما يعجل من يخاف الفوت وإنما يحتاج إلى الظلم الضعيف
وقد تعاليت يا إلهي عن ذلك علوا كبيرا فلا تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا
ومهلني ونفسني وأقلني عثرتي ولا تبتليني ببلاء على أثر بلاء فقد ترى ضعفي
وقلة حيلتي أستجير بك اللهم فأجرني وأستعيذ بك من النار فأعذني وأسألك
الجنة فلا تحرمني و شيخ در كتاب مصباح بعد از اين دو ركعت دعاي سابق را كه اول ان دعاي اللهم
لا إله إلا أنت تا آخر است نقل نموده و اين دعا را بعد از دو ركعت سابق بر اين دو ركعت نقل

(Margin notes, right page: أبلغ — لهم خير ما سئلت — المنيع)
(Margin notes, left page: وأنت المقدم — الّفه — يا الله يا الله)

نموده‌اند و بالجمله ترتيب مصباح در اين مقام بر عکس ترتيب کتاب تهذيب است و سيد در اقبال
و علامه در کتاب منهاج الصلاح و ابن باقي در کتاب اختيار نيز موافقت با کتاب مصباح نموده‌اند
بجهت آنکه ايشان اعمال را از کتاب مصباح نقل نموده‌اند و ظاهرا شيخ در مصباح سهو در نقل
نموده باشد زيرا که ظاهر است که شيخ اين اعمال را در مصباح از کتاب تهذيب نقل نموده باشد
و بالجمله متابعت کتاب تهذيب اولى است و اگر کسى بعد از هر يک از دو دو رکعت هر يک از اين
دو دعا را بخواند تا عمل بهر دو کتاب کرده باشد بهتر است والله تعالى يعلم پس دو رکعت ديگر را
بکنى و بعد از آن اين دعا را که شيخ طوسى رضى الله عنه در کتاب تهذيب نقل نموده است بخوانى
اللهم ان عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك عن ظلمي وسترك على قبيح
عملي وحلمك عن كثير جرمي عندما كان من خطائي وعمدي اطمعني في ان اسألك
ما لا استوجبه منك الذي رزقتني من رحمتك واريتني من قدرتك وعرفتني من
اجابتك فصرت ادعوك آمنا واسألك مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك فيما
قصدت فيه اليك فان ابطأ عني عتبت بجهلي عليك ولعل الذي ابطأ عني هو
خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى كريما اصبر على عبد لئيم منك علي يا رب
انك تدعوني فاولي عنك وتحبب الي فاتبغض اليك وتتودد الي فلا اقبل منك
كان لي التطول عليك ثم لم يمنعك ذلك من الرحمة لي والاحسان الي والتفضل
علي بجودك وكرمك فارحم عبدك الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم
پس چون از اين دعا فارغ شدى بسجده برو و در سجود اين دعا را که شيخ طوسى رحمه الله در کتاب
تهذيب نقل نموده است بخوان يا كائنا قبل كل شيء ويا كائنا بعد كل شيء ويا مكون
كل شيء لا تفضحني فانك بي عالم ولا تعذبني فانك علي قادر اللهم اني اعوذ بك
من العديلة عند الموت ومن سوء المرجع في القبور ومن الندامة يوم القيمة
اللهم اني اسألك عيشة هنيئة وميتة سوية ومنقلبا كريما غير مخز ولا فاضح

پس سر از سجده

پس سر از سجده بردارد و دعا کن با آنچه خواهى پس دو رکعت ديگر را بکنى و بعد از آن اين دعا را که شيخ طوسى
عطر الله مرقده در کتاب تهذيب از حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه يا امام جعفر صادق
صلوات الله عليه روايت کرده است بخوانى اللهم اني اسألك بان لك الحمد لا اله الا انت المنان
بديع السموات والارض ذو الجلال والاكرام اني سائل فقير وخائف مستجير وتائب
مستغفر اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر لي ذنوبي كلها قديمها وحديثها وكل
ذنب اذنبته اللهم لا تجهد بلائي ولا تشمت بي اعدائي فانه لا دافع ولا مانع
الا انت پس دو رکعت ديگر را بجا مى‌آورى و بعد از آن اين دعا را که شيخ طوسى رحمه الله در کتاب
تهذيب از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام روايت کرده است بخوانى اللهم اني
اسألك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت
لي والرضا بما قسمت لي اللهم اني اسألك نفسا طيبة تؤمن بلقائك وتقنع بعطائك
وترضى بقضائك اللهم اني اسألك ايمانا لا اجل له دون لقائك تتوفاني ما
ابقيتني عليه وتحييني ما احييتني عليه وتوفني اذا توفيتني عليه وتبعثني اذا بعثتني
عليه وتبرئ به صدري من الشك والريب في ديني پس دو رکعت ديگر را بگذارى و بعد
از آن اين دعا را که شيخ طوسى قدس الله روحه الشريف در کتاب تهذيب از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله عليه روايت کرده است بخوانى يا حليم يا كريم يا عالم يا عليم يا قادر يا قاهر
يا مولياه — يا خبير يا لطيف يا الله يا رباه يا سيداه يا مولاه يا رجاياه فاسألك ان تصلي على
محمد وآل محمد واسألك نفحة من نفحاتك كريمة رحيمة تلم بها شعثي وتصلح
بها شأني وتقضي بها ديني وتسعني بها وعيالي وتغنيني بها عن من سواك
يا من هو خير لي من ابي وامي ومن الناس اجمعين صل على محمد وآل محمد وافعل
ذلك بي الساعة انك على كل شيء قدير پس دو رکعت ديگر را بکنى و بعد از آن اين دعا

كرشيخ طوسي رضي الله عنه در كتاب تهذيب نقل نموده است ميخواني اللهم ان الاستغفار مع الاصرار
لوم وترك الاستغفار مع معرفتي بكرمك عجز فكم تتحبب الي بالنعم مع غناك
عني واتبغض اليك بالمعاصي مع فقري اليك يا من اذا وعد وفا واذا توعد عفا صل
على محمد وآل محمد وافعل بي اولى الامرين بك فانك من شانك العفو وانت ارحم
الراحمين اللهم اني اسالك بحرمة من عاذ بذمتك ولجا الى عدلك عزك واستظل
بفيئك واعتصم بحبلك يا جزيل العطايا يا فكاك الاسارى يا من سمى نفسه من جوده
الوهاب صل على محمد وآل محمد واجعل لي يا مولاي من امري فرجا ومخرجا ورزقا
واسعا كيف شئت وانى شئت وبما شئت وحيث شئت فانه يكون ما شئت اذا
شئت كيف شئت پس دو ركعت ديگر را مي‌كني وبعد از ان اين دعا را كه شيخ طوسي طاب ثراه در
كتاب تهذيب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه روايت نموده است ميخواني
اللهم اني اسالك باسمك المكتوب في سرادق المجد واسالك باسمك المكتوب في
سرادق البهاء واسالك باسمك المكتوب في سرادق العظمة واسالك باسمك
المكتوب في سرادق الجلال واسالك باسمك المكتوب في سرادق العزة واسالك
باسمك المكتوب في سرادق القدرة واسالك باسمك المكتوب في سرادق السرائر
السابق الفائق الحسن النضير ورب الملائكة الثمانية ورب العرش العظيم
وبالعين التي لا تنام وبالاسم الاكبر الاكبر الاكبر وبالاسم الاعظم الاعظم الاعظم
المحيط بملكوت السموات والارض وبالاسم الذي اشرقت له السموات والارض
وبالاسم الذي اشرقت به الشمس واضاء به القمر وسجرت به البحار ونصبت
به الجبال وبالاسم الذي قام به العرش والكرسي وباسمائك المكرمات المقدسات
المكنونات المخزونات في علم الغيب انك عندك اسالك بذلك كله ان تصلي

كان
بك، منك
نشاء

على محمد وآله ودعا مي‌كني با نچه ميخواهي پس چون از دعا فارغ شدي بسجده برو ودر سجود اين دعا را
كه شيخ طوسي رضي الله عنه در كتاب تهذيب نقل نموده است بخوان سجد وجهي اللئيم
لوجه ربي الكريم سجد وجهي الحقير لوجه ربي العزيز الكريم يا كريم يا كريم بكرمك
وجودك اغفر لي ظلمي وجرمي واسرافي على نفسي پس سر از سجده بردار ودعا كن با نچه
دوست ميداري پس دو ركعت ديگر را مي‌كني وبعد از ان اين دعا را كه شيخ طوسي در كتاب
تهذيب از حضرت امام محمد باقر عليه يا امام جعفر صادق صلوات الله عليه روايت كرده
ميخواني اللهم لك الحمد بمحامدك كلها على نعمائك كلها حتى ينتهي الحمد الى ما تحب وترضى
اللهم اني اسالك خير ما ارجو واعوذ بك من شر ما احذر وشر ما لا احذر
اللهم صل على محمد وآل محمد واوسع لي في رزقي وامدد لي في عمري واغفر لي ذنبي
واجعلني ممن تنتصر به لدينك ولا تستبدل بي غيري پس دو ركعت ديگر را مي‌كني وبعد از ان
اين دعا را كه شيخ طوسي طاب ثراه در كتاب تهذيب نقل نموده است ميخواني اللهم صل
على محمد وآل محمد واقسم لنا من خشيتك ما يحول بيننا وبين معاصيك ومن طاعتك
ما تبلغنا به جنتك ومن اليقين ما تهون به علينا مصيبات الدنيا ومتعنا باسماعنا
وابصارنا وانصرنا على من عادانا ولا تجعل مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا
اكبر همنا ولا تسلط علينا من لا يرحمنا پس دو ركعت ديگر را مي‌كني وبعد از ان اين دعا را
كه شيخ طوسي در كتاب تهذيب نقل نموده است ميخواني اللهم ذنوبي تخوفني منك
وجودك يبشرني عنك فاخرجني بالخوف من الخطايا واوصلني بجودك الى
العطايا حتى اكون غدا في القيامة عتيق كرمك كما كنت في الدنيا ربيب نعمك
فليس ما تبذله غدا باعظم مما قد منحته اليوم من الرجاء ومتى خاب في فنائك
امل ام متى انصرف بالرد عنك سائل الهي ما دعاك من لم تجبه لانك قلت

مصائب
الهي
من الخائب

ادعونی استجب لکم وانت لاتخلف المیعاد فصل علی محمد وال محمد بالاهه واستجب دعائی

پس دو رکعت دیگر بکذارد بعد از ان این دعا را که شیخ طوسی رفع الله درجته در کتاب تهذیب

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت نموده است بخواند اللهم بارك لی فی

الموت اللهم اعنی علی سکرات الموت اللهم اعنی علی غم القبر اللهم اعنی علی ضیق

القبر اللهم اعنی علی ظلمة القبر اللهم اعنی علی وحشة القبر اللهم اعنی علی اهوال

یوم القیمة اللهم بارك لی طول یوم القیمة اللهم زوجنی من الحور العین پس دو رکعت

دیگر بکذارد و بعد از ان این دعا را که شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب تهذیب نقل نموده است

بخواند اللهم لابد من امرك ولابد من قدرك ولابد من قضائك ولاحول ولا

قوة الا بك اللهم فما قضیت علینا من قضاء او قدرت علینا من قدر فاعطنا

معه صبرا یقهره ویدمغه واجعله لنا صاعدا فی رضوانك ینمی فی حسناتك

حسناتنا وتفضیلنا وسوددنا ومجدنا ونعمائنا وکرامتنا فی الدنیا والاخرة

ولاتنقص من حسناتنا اللهم وما اعطیتنا من عطاء او فضلتنا به من فضیلة

او اکرمتنا به من کرامة فاعطنا معه شکرا یقهره ویدمغه واجعله لنا صاعدا

فی رضوانك وفی حسناتنا وسوددنا وشرفنا ونعمائك وکرامتك فی الدنیا والاخرة

اللهم لاتجعله لنا اشرا ولا بطرا ولا فتنة ولا مقتا ولا عذابا ولا خزیا فی الدنیا

والاخرة اللهم انا نعوذ بك من عثرة اللسان وسوء المقام وخفة المیزان اللهم

صل علی محمد وال محمد ولقنا حسناتنا فی الممات ولاترنا اعمالنا علینا حسرات ولا

تخزنا عند قضائك ولاتفضحنا بسیئاتنا یوم نلقاك واجعل قلوبنا تذکرك ولا

تنساك وتخشاك کانها تراك حتی تلقاك وصل علی محمد واله وبدل سیئاتنا

حسنات واجعل حسناتنا درجات واجعل درجاتنا غرفات واجعل غرفاتنا

عالیات

عالیات اللهم واوسع لفقیرنا من سعة ما قضیت علی نفسك اللهم صل علی محمد وال محمد

ومن علینا بالهدی ما ابقیتنا والکرامة ما احییتنا والکرامة اذا توفیتنا

والحفظ فیما بقی من عمرنا والبرکة فیما رزقتنا والعون علی ما حملتنا والثبات

علی ما طوقتنا ولاتؤاخذنا بظلمنا ولاتقایسنا بجهلنا ولاتستدرجنا بخطایانا

واجعل احسن ما نقول ثابتا فی قلوبنا واجعلنا عظماء عندك وفی انفسنا اذلة

وانفعنا بما علمتنا وزدنا علما نافعا اعوذ بك من قلب لایخشع ومن عین لاتدمع

ومن صلوة لاتقبل اجرنا من سوء الفتن یا ولی الدنیا والاخرة پس هرگاه از این دعا فارغ شود

بسجده برود و در سجود این دعا را که شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر

صادق صلوات الله علیه روایت کرده است بخواند سجد وجهی لك تعبدا ورقا لا اله

الا انت حقا حقا الاول قبل کل شیء والاخر بعد کل شیء ها انا ذا بین یدیك

ناصیتی بیدك فاغفر لی انه لایغفر الذنوب العظام الا انت فاغفر لی فانی مقر

بذنوبی علی نفسی ولایدفع الذنب العظیم غیرك پس از سجده بر دارد و بر خیزد و چون

درست ایستاد این دعا کند با مجرد درست ایستادن پس دو رکعت دیگر بکذارد و بعد از ان این

دعا را که شیخ طوسی رحمه الله تعالی در کتاب تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است

بخواند اللهم انت ثقتی فی کل کربة وانت رجائی فی کل شدة وانت

لی فی کل امر نزل بی ثقة وعدة کم من کرب یضعف عنه الفؤاد وتقل فیه الحیلة

ویخذل عنه القریب ویشمت به العدو وتعیینی فیه الامور انزلته بك وشکوته

الیك راغبا الیك فیه عمن سواك ففرجته وکشفته وکفیتنیه فانت ولی کل

نعمة وصاحب کل حاجة ومنتهی کل رغبة فلك الحمد کثیرا ولك المن فاضلا

پس دو رکعت دیگر بکذارد و بعد از ان این دعا را که شیخ طوسی در کتاب تهذیب از حضرت

صادق علیه السلام روایت کرده است وآنحضرت امر بخواندن این دعا فرموده است میخوانی اللّهمّ
انّک تنزّل فی اللّیل والنّهار ما شئت فصلّ علی محمّد وآله وانزل علیّ وعلی اخوانی واهلی وآل محمّد
وجیرانی برکاتک ومغفرتک والرّزق الواسع واکفنا المؤن اللّهمّ صلّ علی محمّد جیرانی
وآل محمّد وارزقنا من حیث نحتسب ومن حیث لا نحتسب واحفظنا من حیث نحتفظ
ومن حیث لا نحتفظ اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد واجعلنا فی جوارک وحرزک
عزّ جارک وجلّ ثناؤک ولا اله غیرک پس دو رکعت دیگر امیکنی وبعد از آن این دعا
کر شیخ طوسی قدّس الله نفسه الزّکیّة در کتاب تهذیب از حضرت امام رضا صلوات الله علیه
روایت نموده است وآنحضرت علیه السّلام فرموده است که این دعای عافیت است میخوانی
یا الله یا ولیّ العافیة والمنّان بالعافیة ورازق العافیة والمنعم بالعافیة والمتفضّل
بالعافیة علیّ وعلی جمیع خلقه رحمن الدّنیا والآخرة ورحیمهما صلّ علی محمّد رحمن الدّنیا ورحیمهما
وآل محمّد وعجّل لنا فرجا ومخرجا وارزقنا العافیة ودوام العافیة فی الدّنیا
والآخرة یا ارحم الرّاحمین پس دو رکعت دیگر امیکنی وبعد از آن این دعا را کر شیخ طوسی
در کتاب تهذیب از ائمه علیهم السّلام روایت نموده است میخوانی اللّهمّ انّی اسألک
برحمتک الّتی وسعت کلّ شیء وبقوّتک الّتی قهرت کلّ شیء وبجبروتک الّتی
غلبت کلّ شیء وبقوّتک الّتی لا یقوم لها شیء وبعظمتک الّتی ملأت کلّ وبعزّتک
شیء وبعلمک الّذی احاط بکلّ شیء وبوجهک الباقی بعد فناء کلّ شیء
وبنور وجهک الّذی اضاء له کلّ شیء یا نور یا نور یا اوّل الاوّلین یا منّان
ویا آخر الآخرین ویا الله یا رحمن یا الله یا رحیم یا الله اعوذ بک من الذّنوب
الّتی تحلّ النّقم واعوذ بک من الذّنوب الّتی تورث النّدم واعوذ بک
من الذّنوب الّتی تحبس القسم واعوذ بک من الذّنوب الّتی تهتک العصم واعوذ

بک من الذّنوب الّتی تمنع القضاء واعوذ بک من الذّنوب الّتی تنزل البلاء واعوذ بک العطاء
من الذّنوب الّتی تدیل الاعداء واعوذ بک من الذّنوب الّتی تحبس الدّعاء واعوذ
بک من الذّنوب الّتی تعجّل الفناء واعوذ بک من الذّنوب الّتی تقطع الرّجاء واعوذ
بک من الذّنوب الّتی تورث الشّقاء واعوذ بک من الذّنوب الّتی تظلم الهواء واعوذ
بک من الذّنوب الّتی تکشف الغطاء واعوذ بک من الذّنوب الّتی تحبس غیث السّماء
پس دو رکعت دیگر امیکنی وبعد از آن این دعا را کر شیخ طوسی رحمه الله تعالی در کتاب تهذیب از ائمه
علیهم السّلام روایت کرده است میخوانی اللّهمّ انّک حفظت الغلامین لصلاح ابویهما ودعاک لصلاح
المؤمنون فقالوا ربّنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظّالمین اللّهمّ انّی انشدک بحقّک وانشدک
بنبیّک نبیّ الرّحمة وانشدک بعلیّ وفاطمة وانشدک بحسن وحسین صلواتک علیه وعلیهم
اجمعین وانشدک باسمائک واذکارک کلّها وانشدک باسمک الاعظم الاعظم الاعظم
الّذی اذا دعیت به لم تردّ ما کان اقرب من طاعتک وابعد من معصیتک واوفی
بعهدک واقضی لحقّک فاسألک ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تنظّفنی لک وان وان شئت قلت له
تجعلنی لک عبدا شاکرا اجد من خلقک من تعذّب غیری ولا اجد من یغفر لی الّا انت
عن عذابی غنیّ وانا الی رحمتک فقیر انت موضع کلّ شکوی وشاهد کلّ نجوی
ومنتهی کلّ حاجة ومنجی من کلّ عثرة وغوث کلّ مستغیث فاسألک ان تصلّی علی منجح
محمّد وآل محمّد وان تعصمنی بطاعتک من معصیتک وبما احببت عمّا کرهت وبالایمان
عن الکفر وبالهدی عن الضّلالة وبالیقین عن الرّیبة وبالامانة عن الخیانة وبالصّدق
عن الکذب وبالحقّ عن الباطل وبالتّقوی عن الاثم وبالمعروف عن المنکر وبالذّکر
عن النّسیان اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد وعافنی ما احییتنی والهمنی الشّکر
علی ما اعطیتنی وکن بی رحیما وعلیّ عطوفا یا کریم پس چون فارغ شدی از این دعا به سجده برو

ودر سجود اید عا را کہ شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب تهذیب نقل نموده است بخوان اللهم صل علی
محمد وآل محمد واعف عن ظلمی وجرمی بحلمك وجودك یا رب یا كریم یا من لا یخیب سائله
ولا ینفد نائله یا من علا فلا شیء فوقه ویا من دنا فلا شیء دونه صل علی محمد وآل محمد
ودعا کن بانچه دوست میداری پس دو رکعت دیگر را بگذار و بعد از آن این دعا را کہ شیخ طوسی
در کتاب تهذیب ذکر نموده است بخوان یا عماد من لا عماد له ویا ذخر من لا ذخر له ویا سند
من لا سند له یا غیاث من لا غیاث له یا حرز من لا حرز له یا كریم العفو یا حسن البلاء
یا عظیم الرجاء یا عون الضعفاء یا منقذ الغرقی یا منجی الهلكی یا مجمل یا منعم یا مفضل
انت الذی سجد لك سواد اللیل ونور النهار وضوء القمر وشعاع الشمس ودوی الماء
وحفیف الشجر یا الله یا الله لك الاسماء الحسنی لا شریك لك یا رب صل علی محمد وآل محمد
ونجنا من النار بعفوك وادخلنا الجنة برحمتك وزوجنا من الحور العین بجودك
وصل علی محمد وآل محمد وافعل بی ما انت اهله یا ارحم الراحمین انك علی كل
شیء قدیر ودعا کن بانچه دوست میداری پس دو رکعت دیگر را بگذار و بعد از آن این دعا را کہ شیخ
طوسی در کتاب تهذیب نقل نموده است بخوان اللهم انی اسالك باسمائك الحمیدة
الكریمة التی اذا وضعت علی الاشیاء ذلت لها واذا طلبت بها الحسنات ادركت
واذا اردت بها صرف السیئات صرفت اسالك بكلماتك التامات التی لو ان ما فی
الارض من شجرة اقلام والبحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله ان الله
عزیز حكیم یا حی یا قیوم یا كریم یا علی یا عظیم یا ابصر المبصرین ویا اسمع السامعین
یا اسرع الحاسبین ویا احكم الحاكمین ویا ارحم الراحمین اسالك بعزتك واسالك
بقدرتك علی ما تشاء واسالك بكل شیء احاط به علمك واسالك بكل حرف
انزلت فی كتاب من كتبك وبكل اسم دعاك به احد من ملائكتك ورسلك

وانبیائك

وانبیائك ان تصلی علی محمد وآل محمد ودعا کن بانچه خاطرت رسد پس دو رکعت دیگر را بگذار دیگر
و بعد از آن این دعا را کہ شیخ طوسی در کتاب تهذیب نقل نموده است بخوان سبحان من اكرم
محمدا صلی الله علیه وآله سبحان من انتجب علیا صلوات الله علیه سبحان من خص الحسن والحسین
صلوات الله علیهما سبحان من فطم بفاطمة صلوات الله علیها من احبها من النار سبحان من
خلق السموات والارض باذنه سبحان من استعبد اهل السموات والارضین بولایة محمد
وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم سبحان من خلق الجنة لمحمد وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم
سبحان من یورثها محمدا وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم وشیعتهم سبحان من خلق النار
لاجل اعداء محمد وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم سبحان من یملكها محمدا وآل محمد صلی الله
علیه وعلیهم سبحان من خلق الدنیا والآخرة وما سكن فی اللیل والنهار لمحمد وآل محمد صلی الله
علیه وعلیهم اجمعین الحمد لله كما ینبغی لله ولا حول ولا قوة الا بالله كما ینبغی لله وصلی الله علی محمد وآله
وعلی جمیع المرسلین حتی یرضی الله اللهم من ایادیك وهی اكثر من ان تحصی ومن نعمك وهی
اجل من ان تغادر ان یكون عدو فی عدوك ولا اصبر لی علی اناتك فعجل هلاكهم وبوارهم
ودمارهم پس دو رکعت دیگر را بجا می آوری و بعد از آن این دعا را کہ شیخ طوسی طاب ثراه در کتاب تهذیب
نقل نموده است بخوان بسم الله الرحمن الرحیم اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم
اللهم انی اعهد الیك فی دار الدنیا انی اشهد ان لا اله الا انت وحدك لا شریك لك وان محمدا عبدك
ورسولك وان الدین كما شرعت والاسلام كما وصفت والكتاب كما انزلت والقول كما حدثت
وانك انت انت الله الحق المبین جزی الله محمدا صلی الله علیه وآله خیر الجزاء وحیا الله محمدا
وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم بالسلام پس دو رکعت دیگر را بگذار و بعد از آن این دعا را کہ شیخ طوسی
قدس الله روحه القدوسی در کتاب تهذیب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه
روایت کرده است کہ آن حضرت علیه السلام میفرمود کہ هرگاه فارغ شوی از این نمازها این دعا را بخوان

نورها لمحمد وآله

الله اكبر كما ینبغی لله ولا اله الا الله كما ینبغی لله وسبحان الله كما ینبغی لله

وآل محمد

عليهم السلام

اللّهم اني ادينك بطاعتك وولايتك وولاية رسولك وولاية الائمة من اوّلهم الى اخرهم علي وفاطمة
والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمّد بن علي وجعفر بن محمّد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى
ومحمّد بن علي وعلي بن محمّد والحسن بن علي والحجة بن الحسن صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين
اللهمّ اني ادينك بطاعتهم وولايتهم والرّضا بما فضّلتهم به غير منكر ولا مستكبر على معنى ما انزلت
في كتابك على حدود ما اتانا فيه وما لم ياتنا مؤمن مقرّ بذلك مسلّم راض بما رضيت به يا رب
اريد به وجهك والدار الاخرة مرهوبا ومرغوبا اليك فيه فاحيني ما احييتني عليه وامتني
اذا امتّني عليه وابعثني اذا بعثتني على ذلك وان كان منّي تقصير فيما مضى فاني اتوب اليك
منه وارغب اليك فيما عندك واسئلك ان تعصمني من معاصيك ولا تكلني الى نفسي طرفة
عين ابدا ما احييتني ولا اقلّ من ذلك ولا اكثر ان النفس لامّارة بالسوء الا ما رحمت
يا ارحم الراحمين واسئلك ان تعصمني بطاعتك حتى تتوفّاني عليها وانت عنّي راض وان
تختم لي بالسعادة ولا تحوّلني عنها ابدا ولا قوة الا بك پس دعا كن بانچه دوست ميداري وچون از
دعا فارغ شوي بسجده برو و در سجود اين دعا را كه شيخ طوسي طاب ثراه در كتاب تهذيب از حضرت صادق
صلوات الله عليه روايت كرده است بخوان سجد وجهي البالي الفاني لوجهك الدائم العظيم العزيز
سجد وجهي الفقير لوجهك الغني الكريم رب اني استغفرك مما كان واستغفرك مما يكون
رب لا تجهد بلائي رب لا تسئ قضائي رب لا تشمت بي اعدائي رب انه لا دافع
ولا مانع الا انت رب صلّ على محمّد وال محمّد بافضل صلواتك وبارك على محمّد وال محمّد
بافضل بركاتك اللّهم اني اعوذ بك من سطواتك واعوذ بك من نقماتك واعوذ بك من
جميع غضبك وسخطك سبحانك انت الله رب العالمين پس شيخ رحمه الله گفته كه اكثر مستحب است
كه بعد از هر دو ركعت دعاي انا انزلناه في بخواني پس بعد از هر ده ركعت دعاي آن بخوان والله تعالى هو الموفق
تحميم سيد ابن طاوس قدس الله روحه در كتاب اقبال از كتاب كنز اليواقيت نقل نموده

كه از روي

متكبر

منه

مسلم لك

عليه

بالله

كه اين مرد از خدمت آنحضرت رفت واين عمل را بجا آورد وبعد از اندك زماني قرض او ادا شد وباد شاه
با او با صلاح آمد ومخفي نماناد كه جز واخر اين عمل بنوعي كه بطريق ثاني وثالث ومفيد بوقت خاصي
وبرهر تقدير در اين سه شب نهايت اهتمام در اين عمل لازم است وبجهت جمع نمودن طريق اول
با يكي از دو طريق اخر است والله تعالى هو الموفق **هشتم** زيارت حضرت امام حسين عليه السلام
صاحب كتاب كامل الزيارة وسيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال بسند خود از حضرت امام
جعفر صادق عليه السلام روايت كرده اند كه چون شب قدر شود كه حكم كرده ميشود در ان هر امر محكمي
منادي از بطنان عرش ندا كند كه بدرستي كه حق تعالى آمرزيده است هر كس را كه در اين شب بوده نزد
قبر حضرت امام حسين عليه السلام **واما كيفيت زيارت** آنحضرت عليه السلام در شب قدر پس شيخ مفيد
وسيد ابن طاوس وشيخ شهيد قدس الله ارواحهم در كتابهاي مزار خود گفته اند كه از جمله زيارات مخصوص
آنحضرت زيارت شب قدر وروز عيد ماه رمضان وروز عيد قربان است پس هر گاه در اين اوقات
اراده زيارت آنحضرت نمائي پس برو نزد مشهد مقدس آنحضرت بعد از آنكه غسل كرده باشي وپاكترين جامهاي
خود را پوشيده باشي وچون نزد قبر مبارك باستي روي خود را بجانب قبر بكن وقبله را در ميان كتفها
بگير وبگو السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين السلام عليك يا ابن الصديقة
الطاهرة فاطمة سيدة نساء العالمين السلام عليك يا مولاي يا ابا عبد الله ورحمة الله وبركاته
اشهد انك قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وتلوت
الكتاب حق تلاوته وجاهدت في الله حق جهاده وصبرت على الاذى في جنبه محتسبا
حتى اتاك اليقين اشهد ان الذين خالفوك وحاربوك والذين خذلوك والذين قتلوك
ملعونون على لسان النبي الامي وقد خاب من افترى لعن الله الظالمين لكم من الاولين
والاخرين وضاعف عليهم العذاب الاليم اتيتك يا مولاي يا ابن رسول الله زائرا عارفا
بحقك مواليا لاوليائك معاديا لاعدائك مستبصرا بالهدى الذي انت عليه عارفا
بضلالة من خالفك فاشفع لي عند ربك پس بر روي قبر خود را بينداز وگونه صورت خود را
بر ان بگذار وبرگرد بنزد سر مبارك وبگو السلام عليك يا حجة الله في ارضه وسمائه صلى الله
على روحك الطيب وجسدك الطاهر وعليك السلام يا مولاي ورحمة الله وبركاته

زيارت حضرت امام حسين عليه السلام

پس بایستد خود را بر روی قبر بیندازد و کوید خود را بر آن مکبّاً و منحرف شو بنزد سر مبارک و دو رکعت نماز کن و بعد از هر قدر نماز که خواهی بکن پس برو بنزد پاهای قبر و علی بن الحسین صلوات الله علیه را زیارت کن بآن نحو که السّلام علیک یا مولای وابن مولای ورحمة الله وبرکاته لعن الله من ظلمک ولعن الله من قتلک وضاعف علیهم العذاب الالیم و دعا کن بانچه خواهی پس زیارت کن شهدا را در حالتی که منحرف شده باشی از نزد پاهای قبر بجانب قبله پس بکو السّلام علیکم ایّها الصّدّیقون السّلام علیکم ایّها الشّهداء الصّابرون اشهد انّکم جاهدتم فی سبیل الله وصبرتم علی الاذی فی جنب الله ونصحتم لله ولرسوله حتّی اتیکم الیقین اشهد انّکم احیاء عند ربّکم ترزقون فجزاکم الله عن الاسلام واهله افضل جزاء المحسنین وجمع الله بیننا وبینکم فی محلّ النّعیم پس بنزد قبر عبّاس بن امیر المؤمنین علیه السّلام برو و چون نزد قبر بایستی بکو السّلام علیک یا ابن امیر المؤمنین السّلام علیک ایّها العبد الصّالح المطیع لله ولرسوله اشهد انّک قد جاهدت ونصحت وصبرت حتّی اتیک الیقین لعن الله الظّالمین لکم من الاوّلین والآخرین والحقهم بدرک الجحیم **مؤلف کوید** که مؤلف مزار کبیر رحمه الله روایتی کرده باب زیارت از حضرت صادق صلوات الله علیه نقل نموده از آن روایت ظاهر میشود که این زیارت از جملهٔ زیارات مطلقه و اختصاص باوقات مذکوره ندارد ولکن چون سید و شیخ مفید و شیخ شهید از جملهٔ زیارات مخصوصه نقل نموده اند متابعت ایشان مستحسن و بهتر آنست که در این اوقات زائر باین زیارت عمل نماید و جمعی که در بلاد بعیده باشند بزیارات مطلقه بعیده زیارت نمایند و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مرده و اذکار و صلوات بر محمّد و آل محمّد صلی الله علیه و آله بانچه میسّر شود و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخواند **اما قسم دوم** در بیان اعمال مختصه باین شب و آنها چنانچه از تتبّع روایات ظاهر میشود چند چیز است **اوّل** سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال ذکر نموده است که در روایتی وارد شده است که در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان صد نوبت استغفار و صد نوبت لعن بر قاتل حضرت امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه فضیلت عظیم دارد **مؤلف کوید** که در استغفار استغفر الله ربّی واتوب الیه کافی

واکر واتوب الیه را ضم کند اتمّ است و در لعن اللّهم العن قاتل امیر المؤمنین علیه السّلام کافی است و اکر بکوید اللّهمّ العن قتلة امیر المؤمنین بهتر است چنانچه جدّ علامه ام در زاد المعاد فرموده **دوم** شیخ شهید طاب ثراه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که هر که در این شب بخواند رکعت نماز بکند در هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یک نوبت و سورهٔ اذا زلزلت پنجاه نوبت مثل کسی باشد که صد حج و صد عمره کرده باشد و حق تعالی سایر اعمال او را نیز از او قبول فرماید **سیم** سید ابن طاوس قدّس الله روحه در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که از علمای بعضی از نسخها از آن ساقط شده است دعا برای این شب نقل نموده اللّهمّ لک الحمد علی ما وهبت لی من انطواء ما طویت من شهری وانّک لم تخترنی فیه اجلی ولم تقطع عمری ولم تبلنی بمرض یضطرّنی الی ترک الصّیام ولا بسفر یحلّ لی فی الافطار فانا اصومه فی کفایتک ووقایتک اطیع امرک واقتات رزقک وارجو وأؤمل تجاوزک فاتمم اللّهمّ علیّ فی ذلک نعمتک واجزل به منّتک واسلخه عنّی بکمال الصّیام وتمحیص الآثام وبلّغنی آخره بخاتمة خیر وخیرة یا اجود المسئولین ویا اسمح الواهبین وصلّی الله علی محمّد وآله الطّاهرین **چهارم** ایضاً سید در کتاب مذکور از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قرّه رحمه الله تعالی این دعا را برای این شب نقل نموده است یا ذا الّذی کان قبل کلّ شیء ویا ذا الّذی لیس فی السّموات العلی ولا فی الارضین السّفلی ولا فوقهنّ ولا بینهنّ ولا تحتهنّ اله یعبد غیره لک الحمد حمداً لا یقوی علی احصائه الّا انت فصلّ علی محمّد وآل محمّد صلوة لا یقدر علی احصائها الّا انت فصلّ علی محمّد وآل محمّد صلوة لا یقدر علی احصائها الّا انت **پنجم** ایضاً در کتاب مذکور این دعا را از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه برای این شب روایت نموده است اللّهمّ اجعل فیما تقضی وتقدّر من الامر المحتوم وفیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر وفی القضاء الّذی لا یردّ ولا یبدّل ان تکتبنی من حجّاج بیتک الحرام المبرور حجّهم المشکور

سيئهم المغفورة ذنوبهم المكفرة عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري
وتوسع علي في رزقي وتفعل بي كذا وكذا وبجاي تفعل بي كذا وكذا حاجات خود را بطلبد
مؤلف گويد كه سيد بعد از ذكر اين دعا گفته كه اين دعا از جمله دعاهاي هر شب ماه است چنانچه
در محل خود مذكور شد ولكن چون اندك تفاوتي در ميان اينها هست بهتر است كه بجهة طرفين
خوانده شود ششم ايضا سيد در كتاب مذكور اين دعا را براي اين شب نقل نموده است
اللهم اني امسيت لك عبدا داخرا لا املك لنفسي ضرا ولا نفعا ولا اصرف عنها
سوء اشهد بذلك على نفسي واعترف لك بضعف قوتي وقلة حيلتي فصل على
محمد وال محمد وانجز لي ما وعدتني وجميع المؤمنين والمؤمنات من المغفرة في هذه
الليلة واتمم علي ما اتيتني فاني عبدك المسكين المستكين الضعيف الفقير
المهين اللهم لا تجعلني ناسيا لذكرك فيما اوليتني ولا غافلا لاحسانك فيما
اعطيتني ولا ايسا من اجابتك وان ابطات عني في سراء كنت او ضراء او شدة
او رخاء او عافية او بلاء او بؤس او نعماء انك سميع الدعاء هفتم ايضا سيد در كتاب
مذكور از رسول خدا صلى الله عليه وآله اين دعا را براي اين شب روايت نموده است سبحان من لا يموت
سبحان من لا يزول ملكه سبحان من لا يخفى عليه خافية سبحان من لا تسقط ورقة
الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين
الا بعلمه وبقدرته فسبحانه سبحانه سبحانه سبحانه سبحانه سبحانه وسيد ابن
طاوس در كتاب اختيار نيز اين دعا را براي اين شب نقل نموده ولكن چون اختلافي
زيادي با روايت سيد داشت آن را نيز نقل مي نمائيم سبحان من لا يموت سبحان من لا يزول سبحان
من لا يخفى عليه خافية سبحان من لا تسقط ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات
الارض ولا رطب ولا يابس الا يعلمه وقدره فسبحانه فسبحانه فسبحانه فسبحانه ما اعظم
شانه واجل سلطانه اللهم صل على محمد واله واجعلنا من عتقائك وسعداء

خلقك

خلقك بمغفرتك انك انت الغفور الرحيم سوم نوزدهم اين روز نيز بفضيلت ممتاز است
زيرا كه روز قدر نيز بفضيلت شب قدر را دارد چنانچه سيد ابن طاوس رفع الله قدره در كتاب اقبال
بچند سند از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه روايت كرده است كه روز قدر مانند
شب قدر است در فضيلت و اعمال الان چنانچه از تتبع كتب اخبار ظاهر ميشود چند امر است اول
سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال اين دعا را براي اين روز نقل نموده است اللهم اني
اسالك بانك لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان محمدا صلواتك عليه وآله عبدك و
رسولك وبانك احد صمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد وبانك جواد ماجد
رحمن الدنيا والاخرة تعطي من تشاء وتحرم من تشاء ان تصلي على محمد وال محمد
وان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور
حجهم المبسوط رزقهم المحفوظين في انفسهم واديانهم واهاليهم واولادهم وان
تجعل ذلك في عامي هذا وفي كل عام ابدا ما ابقيتني في يسر منك وعافية وصحة من
جسمي ونية خالصة لك وسعة في ذات يدي وقوة في بدني على جميع اموري اللهم
من طلب حاجته الى احد من المخلوقين فاني لا اطلب حاجتي الا منك وحدك لا شريك
لك اسالك ان تصلي على محمد وال محمد واسالك ان تجعل لي ان اغض بصري وان
احفظ فرجي وان اكف عن محارمك وان اعمل ما احببت وان ادع ما سخطت دوم
سيد ابن باقي طاب ثراه در كتاب اختيار اين دعا را براي اين روز نقل نموده است اللهم اني
اسالك يا من قوله الحق يوم ينفخ في الصور عالم الغيب والشهادة وهو الله العليم الخبير
فالق الاصباح وجاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم
يا من حرم الفواحش ما ظهر منها وما بطن والاثم والبغي بغير الحق يا من خلق السموات
والارض ثم استوى على العرش يا من له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين
يا من تجلى للجبل فجعله دكا اسالك اللهم بما ناجيتك به من مدحتك ودعوتك

بمان ترزقني القبول والرحمة في هذا اليوم وفيما قبله وفيما بعده وتجعل عملي
صالحا مقبولا زاكيا تبيض به وجهي وتكرم به منزلتي وتحسن به مثواي
وتتمم به فوزي وتلقني به حجتي وتعطيني به سؤالي وتنجي به نفسي وتنصرني — تلقنني
به على عدوي وتجمع به شملي وتلم به شعثي وترد به الغي وتصلح به امري وترفع
به شهادتي وتزكي به عملي وتلهمني به رشدي وتعصمني به من كل سوء في الدنيا
والآخرة وترزقني به الجنة وتفك به رقبتي من النار انك على كل شيء قدير
وهو عليك يسير وعندك حقير يسير برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على سيدنا
محمد وآله الطاهرين سيم صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس روايت نموده است كه رسول خدا صلى الله
عليه وآله فرمود كه هر كه در اين روز اين دعا را بخواند ملائكه آسمانها و زمين براي او استغفار نمايند
ودعا كه اين دعا اين است اللهم وفر فيه حظي من بركاته وسهل سبيلي الى حيازة خيراته — أمانيه
ولا تحرمني القليل من حسناته يا هاديا الى الحق المبين بيست وهشتم واعمال آن چند چيز است — تحرمني وارزقني من قبول حسناته بحبك يا ارحم الراحمين
اول شيخ شهيد قدس الله روحه در كتاب اربعين از رسول خدا صلى الله عليه وآله روايت
نموده است كه هر كه در اين شب هشت ركعت نماز بكند هر دو ركعت بيك سلام ودر هر ركعتي بعد
حمد هر سوره كه خواهد بخواند گناهان كند شتر وابنده او آمرزيده شود دوم سيد ابن طاوس
روح الله روحه در كتاب اقبال از كتاب عتيقي كه از غير بعضي از شيعه از آن ساقط شده اين دعا را
براي اين شب نقل نموده است اللهم انت ربي لا اله لي غيرك اوحده ولا رب لي سواك اعبده
انت الواحد الاحد الصمد لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفوا احد وكيف يكون كفو
من المخلوقين ومن المرزوقين للرازق ومن لا يستطيعون نفعا ولا ضرا ولا يملكون — الخالق
موتا ولا حيوة ولا نشورا هو مالك ذلك كله بعظمته وبجبروته ويبتلي به ويعافي
منه لا يسئل عما يفعل وهم يسئلون الهي وسيدي ما غبت شهر الصيام الحاجب الفناء
وانت الباقي واذن بالانقضاء وانت الدائم وهو الذي عظمت حقه فعظم

وكرمته

وكرمته فكرم وان لي فيه الزلات كثيرة والهفوات عظيمة ان فاصبتني بها كان شهر — صفيتني
شقاوتي وان سمحت لي بها كان شهر سعادتي اللهم وكما اسعدتني بالاقرار بربوبيتك
ميديا فاسعدني برحمتك ورأفتك وبحبك وسماحتك سعيدا فانك على كل
شيء قدير وصلى الله على محمد وآله وسلم كثيرا سيم ايضا سيد در كتاب مذكور
از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره رضي الله عنه اين دعا را براي اين شب نقل نموده است
اللهم كلفتني من نفسي ما انت املك به مني وقدرتك اعلى من قدرتي فصل
على محمد وآل محمد واعطني من نفسي ما يرضيك عني وخذ لنفسك رضاها من نفسي الهي
لا طاقة لي بالجهد ولا صبر لي على البلاء ولا قوة لي على الفقر فصل على محمد وآل محمد
ولا تحظر علي رزقك في هذا الشهر المبارك ولا تلجئني الى خلقك بل تفرد يا سيدي
بحاجتي وتول كفايتي وانظر في اموري فانك ان وكلتني الى خلقك تجهموني وان
الجأتني الى اهلي حرموني ومقتوني وان اعطوا اعطوا قليلا نكدا ومنوا علي كثيرا
وذموا طويلا فبفضلك يا سيدي فاغنني وبعظمتك فانعشني وبسعتك فابسط يدي
وبما عندك فاكفني يا ارحم الراحمين چهارم ايضا سيد در كتاب مذكور از رسول خدا صلى الله
عليه وآله اين دعا را در اين شب روايت كرده است استغفر الله مما مضى من ذنوبي فانسيتها
وهي مثبتة علي يحصيها على الكرام الكاتبون يعلمون ما تفعلون واستغفر الله — ما افعل
من موبقات الذنوب واستغفره من مقطعات الذنوب واستغفره مما فرض علي فتوانيت
واستغفره من نسيان الشيء الذي باعدني من ربي واستغفره من الزلات والضلالات
ومما كسبت يدي واومن به واتوكل عليه كثيرا واستغفره واستغفره واستغفره
واستغفره واستغفره واستغفره واستغفره بيست ونهم واعمال آن چند چيز است اول
سيد ابن طاوس رحمه الله تعالى در كتاب اقبال اين دعا را براي اين روز نقل نموده است

اللهم اني اسألك باسمك المخزون الطاهر المطهر يا من استجاب لابغض خلقه اليه اذ قال
انظرني الى يوم يبعثون فاني لا اكون اسوء حالا منه فيما سألتك فاستجب لي دعوتك
واعطني يا رب ما سألتك اني اسألك يا سيدي ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعلني
ممن تنتصر به لدينك وتقاتل به عدوك في الصف الذي ذكرت في كتابك كانهم بنيان
مرصوص مع احب خلقك اليك في احب المواطن لديك اللهم وفي صدور الكافرين
فعظمني وفي اعين المؤمنين فجللني وفي نفسي واهل بيتي فذللني وحبب الي من احببت
وبغض الي من ابغضت ووفقني لاحب الامور اليك وارضاها لديك اللهم اني منك
اليك افر وليس ذلك الا من خوفي عدلك واياك اسألك لانه ليس احد الا ويدركك
ولا اقدر ان استتر منك في ليل ولا نهار وانا عارف بربوبيتك مقر بوحدانيتك
احطت يا الهي خبرا باهل السموات واهل الارض لا يشغلك شيء عن شيء لا اله الا
انت انك على كل شيء قدير دوم سيد ابن باقي رضي الله عنه در كتاب اختيار ابتدا
براي اين روز نقل نموده است اللهم اني اسألك يا من احق الحق بكلماته وقطع دابر
الكافرين يا من يحول بين المرء وقلبه يا من يقبل التوبة عن عباده ويأخذ الصدقات
يا من اشترى من المؤمنين انفسهم واموالهم بان لهم الجنة يا من من على النبي والمهاجرين
والانصار والذين اتبعوه باحسان يا من جعل الشمس ضياء والقمر نورا وقدره
منازل يا من له العزة جميعا وهو السميع العليم يا من يحكم بالحق وهو خير الحاكمين
يا من يعلم ما يسرون وما يعلنون وهو عليم بذات الصدور يا من اقام السموات والارض
في ستة ايام وكان عرشه على الماء يا قريب يا مجيب يا من هو على كل شيء قدير — حفيظ يا رحيم
يا حفيظ يا رحيم يا ودود يا من له غيب السموات والارض واليه يرجع الامر كله يا من
لا ييأس من رحمته وروحه الا القوم الكافرون اسألك بما ناجيتك به من حدك — ييأس

يا من لا يخلف الميعاد يا من لا تضره الذنوب يا من لا تنقصه المغفرة اعطني خير ما سألت
وخير ما قلت وخير ما ظهر وخير ما بطن وخير ما غاب وخير ما شهد وخير ما تعلم وخير
ما تقضي في العلم والاجل والامل وخير الحيوة وخير الممات وخير القضاء وخير — والحياء
القدر وخير المسائل وخير الاجابة وخير الثواب وخير العطاء وخير الليل و
خير النهار وخير الدنيا وخير الاخرة واجعل ذلك في يسر منك وعافية فانه
لا مانع لما اعطيت ولا معطي لما منعت اللهم واجعلني اطلب بما عندي رضوانك
والنعيم المقيم الذي لا يزول واحشرني على ولاية نبيك واهل بيته الطاهرين يا
ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد واله الطاهرين
سيم صاحب كتاب في خبر از ابن عباس روايت كرده است كه رسول خدا صلى الله عليه واله فرمود
كه هر كه در اين روز اين دعا را بخواند براي او بعدد هر كه ماه رمضان را روزه داشته باشد
ثواب عبادت شصت ساله مقبول نوشته شود و دعا اينست اللهم افتح لي فيه
ابواب الجنان واغلق عني فيه ابواب النيران ووفقني فيه لتلاوة القرآن
يا منزل السكينة في قلوب المؤمنين شب بيست و يكم اين شب افضل از شب نوزدهم و — برحمتك يا ارحم الراحمين
احتمال شب قدر در اين شب زياده از شب نوزدهم است چنانچه سيد ابن طاوس قدس الله
نفسه در كتاب اقبال بسند خود از حمران روايت كرده است كه گفت سؤال نمودم از حضرت
امام جعفر صادق عليه السلام از شب قدر حضرت فرمود كه شب قدر در شب بيست و يكم
ماه رمضانست و ايضا از عبد الواحد بن مختار انصاري روايت كرده است كه گفت
بخدمت حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه عرض كردم كه خبر ده مرا از شب قدر
فرمود كه طلب كن او را در شب بيست و يكم و بيست و سيم ماه رمضان پس عرض كردم كه
تعيين كن او را براي من فرمود كه چه ميشود ترا اگر مشقت بيندازي خود را در دو شب
و اعمال اين بر سه قسم است قسم اول اعمال مشتركه ميان سه شب و آنها بتفصيل در شب
نوزدهم مذكور شد و اما غسل در اين شب تأكيدش زياده بر شب نوزدهم است زيرا
كه از جمله شبهاي عشر آخر ماه است و غسل در هر شب از آنها سنت است چنانچه

دو قسم سیم مذکور میشود ان شاء الله تعالی و مخصوص این شب نیز غسل وارد شده چنانچه سید ابن طاوس
طاب ثراه در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که غسل درین شب
سنت و بکیم سنت است در روایات دیگر در شب نوزدهم گذشت **قسم دوم** اعمال مختصر باین
شب و انها چنانچه از تفحص احادیث ظاهر میشود چند چیزاست **اول** شیخ شهید قدس الله روحه
در کتاب اربعین از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که درین شب
هشت رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و هر سوره که میخواهد
آسمانهای هفتگانه برای او گشوده شود و دعای او مستجاب گردد **دوم** سید ابن طاوس رفع الله
قدره در کتاب اقبال از کتاب عتیقی که از غیر بعضی از سنهما از ان ساقط شده است این دعا را
برای این شب نقل نموده است لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ مُدَبِّرُ الاُمُورِ وَمُصَرِّفُ الدُّهُورِ وَخالِقُ
الاَشْياءِ جَمِيعاً بِحِكْمَتِهِ دالَّةٌ عَلى اَزَلِيَّتِهِ وَقِدَمِهِ جاعِلُ الحُقُوقِ الواجِبَةِ لِماَ يَشاءُ
رَأْفَةً مِنْهُ وَرَحْمَةً لِيَنالَ بِها سائِلٌ وَيَأْمُلَ اِجابَةَ دُعائِهِ بِها آمِلٌ فَسُبْحانَ مَنْ خَلَقَ
الاَسْبابَ الْيَوْمَ كَثِيرَةٌ وَالْوَسائِلَ اِلَيْهِ مَوْجُودَةٌ وَسُبْحانَ اللهِ الَّذِي لايَعْتَوِرُهُ فاقَةٌ
وَلاتَسْتَذِلُّهُ حاجَةٌ وَلاتُطِيفُ بِهِ ضَرُورَةٌ وَلايَحْذَرُ اِبْطاءَ رِزْقِ رازِقٍ وَلاسَخَطَ
خالِقٍ فَاِنَّهُ القَدِيرُ عَلى رَحْمَةِ مَنْ هُوَ بِهذِهِ الخِلالِ مَعْهُودٌ وَفِي مَضائِقِها مَحْصُورٌ
يَخافُ وَيَرْجُو بِيَدِهِ الاُمُورُ وَاِلَيْهِ الْمَصِيرُ وَهُوَ عَلى مايَشاءُ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ
عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ مُؤَدِّي رِسالَتِهِ وَمُوضِحِ الدَّلالَةِ اَوْصَلَ كِتابَكَ وَاَسْبَغَ
نَوالَكَ وَاَنْهَجَ سَبِيلَ حَلالِكَ وَحَرامِكَ وَكَشَفَ عَنْ شَعائِرِكَ وَاَعْلامِكَ فَاِنَّ هذِهِ
اللَّيْلَةَ الَّتِي سَمَّيْتَها بِالقَدْرِ وَاَنْزَلْتَ فِيها مُحْكَمَ الذِّكْرِ وَفَضَّلْتَها عَلى اَلْفِ شَهْرٍ وَهِيَ
لَيْلَةُ مَواهِبِ الْمَقْبُولِينَ وَمَصائِبِ الْمَرْدُودِينَ فَيا خُسْرانَ مَنْ باءَ فِيها بِالخَطِيئِ وَيا وَيْحَ
مَنْ خَطِئَ فِيها بِرَحْمَتِهِ اَللّٰهُمَّ فَارْزُقْنِي قِيامَها وَالنَّظَرَ اِلى ماعَظُمَتْ مِنْها مِنْ عَيْنِ
حُضُورِ اَجَلٍ وَلاتُرْبَةٍ وَلاانْقِطاعِ اَمَلٍ وَلافَوْتِهِ وَوَفِّقْنِي فِيها لِعَمَلٍ تَرْفَعُهُ
وَدُعاءٍ تَسْمَعُهُ وَتَضَرُّعٍ تَرْحَمُهُ وَشَرٍّ تَصْرِفُهُ وَخَيْرٍ تَهَبُهُ وَغُفْرانٍ تُوجِبُهُ وَرِزْقٍ تق

وَدَيْنٍ تُطَهِّرُهُ وَاِثْمٍ تَغْسِلُهُ وَدَيْنٍ تَقْضِيهِ وَحَقٍّ تَحَمَّلُهُ وَتُؤَدِّيهِ وَصِحَّةٍ تُتِمُّها وَعافِيَةٍ
تُنَمِّيها وَاَشْغالٍ تَلُمُّها وَاَمْراضٍ تَكْشِفُها وَضَيْعَةٍ تَكْنُفُها وَمَواهِبَ تَكْنُفُها وَمَصائِبَ تَغْفِرُها
وَاَوْلادٍ وَاَهْلٍ تُصْلِحُهُمْ وَاَعْداءٍ تَغْلِبُهُمْ وَتَقْهَرُهُمْ وَتَكْفِي ما اَهَمَّ مِنْ اَمْرِهِمْ وَتَقْدِرُ عَلى
قُدْرَتِهِمْ وَتَسْطُو ابْطالَهُمْ وَتَصُولُ عَلى صَوْلاتِهِمْ وَتَغُلُّ اَيْدِيَهُمْ اِلى صُدُورِهِمْ وَتَحْرُسُ
عَنْ مَكارِهِي النِّيَمُ وَتَرُدُّ رُؤُسَهُمْ عَلى صُدُورِهِمْ اَللّٰهُمَّ سَيِّدِي وَمَوْلايَ اَكْفِنِي البَغْيَ
وَمَصارِعَ الغَدْرِ وَمَعاطِبَهُ وَاكْفِنِي سَيِّدِي شَرَّ عِبادِكَ وَاكْفِ شَرَّ جَمِيعِ عِبادِكَ وَانْشُرْ
عَلَيْهِمُ الخَيْراتِ مِنِّي حَتّى تُنْزِلَ عَلَيَّ فِي الآخِرِينَ وَاذْكُرْ والِدَيَّ وَجَمِيعَ المُؤْمِنِينَ وَالمُؤْمِناتِ
بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ وَمَغْفِرَتِكَ ذِكْرى سَيِّدٍ قَرِيبٍ لِعَبِيدِهِ وَاِمائِهِ فارَقُوا الاَحْياءَ
وَخَرَسُوا عَنِ النَّجْوى وَصَمُّوا عَنِ النِّداءِ وَحَلُّوا اَطْباقَ الثَّرى وَمَزَّقَهُمُ البِلى اَللّٰهُمَّ
اِنَّكَ اَوْجَبْتَ لِوالِدَيَّ عَلَيَّ حَقّاً وَقَدْ اَدَّيْتُهُ بِالاِسْتِغْفارِ لَهُما اِلَيْكَ اِذْ لاقُدْرَةَ لِي
عَلى قَضائِهِ اِلّا مِنْ جِهَتِكَ وَفَرَضْتَ لَهُما فِي دُعائِي فَرْضاً قَدْ اَوْفَدْتُهُ عَلَيْكَ اِذْ جَعَلْتَ
لِيَ القُدْرَةَ عَلى واجِبِها وَاَنْتَ تَقْدِرُ وَكُنْتُ لااَمْلِكُ وَاَنْتَ تَمْلِكُ اَللّٰهُمَّ لاتُخَلِّ
بِي فِيما اَوْجَبْتَ وَلاتُسْلِمْنِي فِيما فَرَضْتَ وَاَشْرِكْنِي فِي كُلِّ صالِحِ دُعاءٍ اَوْجَبْتَهُ
وَاَشْرَكْتَ فِي صالِحِ دُعائِي جَمِيعَ المُؤْمِنِينَ وَالمُؤْمِناتِ اِلّا مَنْ عادى اَوْلِيائَكَ وَحارَبَ
اَصْفِيائَكَ وَاَعْقَبَ بِسُوءِ الخِلافَةِ اَنْبِيائَكَ وَماتَ عَلى ضَلالَتِهِ وَانْطَوى فِي غَوايَتِهِ
فَاِنِّي اَبْرَءُ اِلَيْكَ مِنْ دُعاءٍ لَهُمْ اَنْتَ القائِمُ عَلى كُلِّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ غَفّارُ الصَّغائِرِ
وَالذُّنُوبِ بِالكَبائِرِ لااِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمِينَ فَاَنْتَ عَلى رَأْفَتِكَ
يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيراً **سیم** سید ابن طاوس
طاب ثراه در کتاب اقبال و سید ابن باقی علیه الرحمه در کتاب اختیار از حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله این دعا را برای این شب روایت نموده اند اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لاشَرِيكَ

واشهد ان محمدا عبده ورسوله واشهد ان الجنة حق والنار حق وان الساعة آتية لا ريب
فيها وان الله يبعث من في القبور واشهد ان الرب ربي لا شريك له ولا ولد له
ولا والد له واشهد انه الفعال لما يريد والقادر على كل شيء قدير والصانع لما
يريد والقاهر من يشاء والرافع من يشاء مالك الملك ورازق العباد الغفور الرحيم
العليم الحليم اشهد اشهد اشهد اشهد اشهد اشهد اشهد اشهد **چهارم** محمد بن يعقوب كليني وشيخ
طوسي وعلامه حلي وسيد ابن طاوس قدس الله ارواحهم وديگران نيز اين دعا را در شبهاي عشر
آخر ماه مبارك رمضان روايت نموده در هر شبي دعاي مخصوصي وسيد در كتاب اقبال گفته
كه اين ادعيه بطريق متعدده از ائمه عليهم السلام رسيده واز آنجمله روايتي است كه ابن ابي قره
رحمة الله عليه در كتاب عمل شهر رمضان نقل نموده است وآن اتم است واكمل ساير طرق ومشتمل
بر زيادتيهاي بسيار هست وباين جهت در كتاب اقبال اين طريق را ذكر نموده لهذا ما نيز در اين
كتاب اين طريق را ذكر مي نمائيم ابن ابي قره در كتاب خود بسند خود از عمر بن يزيد روايت كرده
كه حضرت امام جعفر صادق عليه السلام باو فرمود كه در شب اول از شبهاي عشر آخر ماه رمضان اين
دعا را بخوان يا مولج الليل في النهار ويا مولج النهار في الليل ومخرج الحي من الميت ومخرج الميت
من الحي يا رازق من يشاء بغير حساب يا الله يا رحمن يا الله يا رحيم يا الله يا الله يا الله يا الله
يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسالك
باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح
من كل امر حكيم فصل على محمد وآل محمد واجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء
واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا
يذهب الشك عني ورضا بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقني عذاب النار وارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة والانابة
اليك والتوبة والتوفيق لما تحبه وترضاه ولما وفقت له شيعة آل محمد عليه

وعليهم السلام

وعليهم السلام يا ارحم الراحمين ولا تفتني بطلب ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني
يا رب برزق منك واسع بحلالك عن حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج
عني كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر على افضل ما رآها
احد ووفقني لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتك عليه وعليهم وافعل بي كذا وكذا
وبجاي وافعل بي كذا وكذا حوائج خود را طلب نمايد پس بگويد الساعة الساعة تا نفس بك
سو بلكه سيد گفته كه اين زيادتي بغير روايات است واين دعا را ذكر نموده اللهم صل على محمد
وآل محمد واقسم لي حلما يسد عني باب الجهل وهدى تمن به علي من كل ضلالة وغنى
تسد به عني باب كل فقر وقوة ترد بها عني كل ضعف وعزا تكرمني به عن كل
ذلة ورفعة ترفعني بها عن كل ضعة وامنا ترد به عني كل خوف وعافية تسترني
بها من كل بلاء وعلما تفتح لي به كل يقين ويقينا تذهب به عني كل شك ودعاء
تبسط لي الاجابة في هذه الليلة وفي هذه الساعة الساعة الساعة يا كريم وخوفا
تنشر لي به كل رحمة وعصمة تحول بها بيني وبين الذنوب حتى افلح بها بين المعصومين
عندك برحمتك يا ارحم الراحمين **مؤلف گويد** كه محتمل است كه دعاي آخر تاليف سيد باشد عابد
ومراد او اين باشد كه مطالب خود را كه بجاي وافعل بي كذا وكذا طلب ميكند باين عبارت طلب
وممكن است كه مراد اين باشد كه در روايات ديگر غير روايت ابن ابي قره اين تتمه نيز براي اين دعا
وارد شده است واحتمال اول اظهر است وبدانكه از كلام سيد رحمه الله در اين مقام ظاهر ميشود
كه دعاهائي كه از كتاب ابن ابي قره رحمه الله در شبهاي دو عشر اول اينجا نقل نموده تا اينجا
منقطع شده ودر عشر سيم اين ادعيه كه بقيه آنها مذكور ميشود خواهد شد ان شاء الله تعالى بروايت
ديگر وارد شده است **قسم سيم** چيزي چند كه در هر شب از شبهاي عشر سيم بايد كرده شود و
آنها چند چيز است **اول** غسل جنابت سيد ابن طاوس رحمه الله در كتاب اقبال از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله عليه روايت كرده كه حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله در هر شب از
شبهاي دهه آخر ماه غسل ميفرمودند **دوم** ادعيه هر شب از شبهاي عشر سيم ماه مبارك رمضان

كردد مقصد وتمره در بيان ادعيه هر شب از شبهاء كذشت **فايده** بدانكه بهتر آنست كه در اين شب و شب بيست و سيم
اول شب شروع بخواندن دعاهاي منقوله كند تا نصف شب وبعد از نصف شب نمازهاي مرويه را
بجا آورد چنانچه كليني رضي الله عنه در كتاب كافي از فضيل بن يسار روايت كرده است كه حضرت
امام محمد باقر عليه السلام چون شب بيست و يكم و بيست و سيم ماه رمضان مي شد مشغول دعا ميكرد
تا نصف شب وچون شب نصف ميشد مشغول نماز ميشد **روز بيست و يكم** اين روز در فضيلت
مانند شب است چنانچه در روز نوزدهم مذكور شد واعمال اين چند چيز است **اول** سيد ابن طاوس
قدس الله نفسه در كتاب اقبال بسند خود از حماد بن عثمان روايت كرده است كه گفت داخل شدم
در شب بيست و يكم ماه مبارك رمضان بر حضرت صادق عليه السلام پس حضرت بمن فرمود كه اي
حماد آيا غسل كردي گفتم بلي فداي تو شوم پس حصيري طلبيد وبمن فرمود كه نماز كن پس حضرت
نماز كرد ومن نماز كردم تا از جميع نمازها فارغ شديم پس شروع بدعا كرد ومن آمين مي گفتم
تا صبح طالع شد پس اذان واقامه گفت وبعضي از غلامان خود را طلبيد وخود پيش ايستاد
وما در عقب او ايستاديم ونماز صبح را ادا فرمود ودر ركعت اول حمد وسوره انا انزلناه في
ليلة القدر ودر ركعت ثاني حمد وسوره قل هو الله احد خواند پس چون از تسبيح وتمجيد
وتقديس وثناء بر حق تعالى وصلوة بر رسول خدا صلى الله عليه وآله ودعا براي
جميع مؤمنين ومؤمنات ومسلمين ومسلمات از اولين وآخرين فارغ شديم آنحضرت
بسجده افتاد ويكساعت طولاني صداي نفس حضرت را شنيديم ونفهميديم كه چيزي
ميفرمود وبعد از آن شنيديم كه اين دعا را در سجده ميخواند لا اله الا انت مقلب القلوب
والابصار لا اله الا انت خالق الخلق بلا حاجة فيك اليهم لا اله الا انت مبدئ
الخلق لا ينقص من ملكك شيء لا اله الا انت باعث من في القبور لا اله الا انت
مدبر الامور لا اله الا انت ديان الدين لا اله الا انت جبار الجبابرة لا اله الا
انت مجري الماء في النبات لا اله الا انت مكون طعم الثمار لا اله الا انت
محصي عدد القطر وما تحمله السحاب لا اله الا انت محصي عدد ما تجري به الرياح
في الهواء لا اله الا انت محصي ما في البحار وفي اطباق الثرى اسألك باسمك الذي
سميت به نفسك او استأثرت به في علم الغيب عندك واسألك بكل اسم سماك

من رطب ويابس لا اله الا انت محصي ما يدب في ظلمات البحار صح

به احد

به احد من خلقك من نبي او صديق او شهيد او احد من ملائكتك واسألك باسمك
الذي اذا دعيت به اجبت واذا سئلت به اعطيت واسألك بحقك على محمد و
اهل بيته صلواتك عليهم وبركاتك وبحقهم الذي اوجبته على نفسك
وانلتهم به فضلك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك الداعي اليك باذنك وسراجك
الساطع بين عبادك في ارضك وسمائك وجعلته رحمة للعالمين ونورا استضاء به
المؤمنون فبشرنا بجزيل ثوابك وانذرنا الاليم من عقابك اشهد انه قد جاء
بالحق من عند الحق وصدق المرسلين واشهد ان الذين كذبوه ذائقوا العذاب الاليم
اسألك يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه يا سيدي يا سيدي يا سيدي يا مولاي
يا مولاي يا مولاي اسألك في هذه الغداة ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعلني
من اوفر عبادك وسائليك نصيبا وان تمن علي بفكاك رقبتي من النار يا ارحم
الراحمين واسألك بجميع ما سألتك وما لم اسألك من عظيم جلالك ما لو علمته
لسألتك به ان تصلي على محمد واهل بيته وان تأذن لفرج من فرجه فرج اوليائك
واصفيائك من خلقك وبه تبيد الظالمين وتهلكهم عجل ذلك يا رب العالمين
واعطني سؤلي يا ذا الجلال والاكرام في جميع ما سألتك لعاجل الدنيا وآجل
الآخرة يا من هو اقرب الي من حبل الوريد اقلني عثرتي واقلبني بقضاء حوائجي
يا خالقي ويا رازقي ويا باعثي ويا محيي عظامي وهي رميم صل على محمد وآل محمد واستجب
لي دعائي يا ارحم الراحمين پس چون فارغ شد سر از سجده برداشت پس من عرض كردم كه فداي
تو شوم در اين دعا از خدا خواستي فرج كسي را كه بفرج او بركزيدكان حق تعالى ودوستان او حاصل شود
آيا آن كس تو نيستي فرمود كه نه آن شخص قائم آل محمد عليهم السلام است پس عرض نمودم كه آيا
براي خروج او علامتي هست فرمود بلي از جمله علامات خروج او كرفتن آفتاب است
در وقت طلوع آن بمقدار دو ثلث ساعت از روز وكرفتن ماه در بيست وسيم ماه وفتنه

علامات خروج امام زمان علیه السلام

که بر اهل مصر بلا نازل شود و راه ایشان بسته شود و باین علامات اکتفا کن و منتظر صاحب خود باش
در شب و روز پس بدرستی که حق تعالی در هر روزی در کاری است و هیچ کاری او را باز نمیدارد
از کار دیگر زیرا که او پروردگار عالمیانست و دوستان خود را از همه چیز نگاه میدارد و ایشان
از او خائف و ترسانند مؤلف گوید که از شرح این حدیث شریف چند چیز ظاهر میشود که ذکر او
ضرور و لازم است اول آنکه استماع قراءت مصلی بر غیر ماموم واجب نباشد و کلیه وجوب
استماع که از آیه کریمه فاذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا ظاهر میشود بعموم باقی نباشد
زیرا که حضرت حماد را امر فرموده که در جنب آنحضرت مشغول نماز گردید و چون نماز در شب
کرده شده ظاهر است که قراءت آن جهر شده باشد لکن اینمعنی نظر بعموم آیه کریمه و بعضی
از روایات دیگر خلاف احتیاطاست و احوط استماع قراءت است در هر حال دوم
آنکه در این شبها نماز مقدم بر دعاهای آنها باشد و اینمعنی مخالفت است با حدیثی که در اعمال
شب این روز مذکور شد که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این شب دعاها را در اول شب میخواند
و بعد از نصف شب مشغول نماز میشد و محتملست که بعضی از دعاها باید در اول شب
تا نصف شب خوانده شود و بعد از نصف شب نمازها کرده شود تا حوالی صبح و بعضی از
دعاهای دیگر که مانده باشد خصوصاً دعاهای سحر که وقت آنها بعد از نصف شب است
قریب بصبح خوانده شود و در این صورت دفع تنافی میان این دو حدیث میشود و عمل بهر دو
متیسر میشود سیم آنکه هر گاه احدی دعاهای این شب را بلکه هر دعائی را بخواند و دیگران
آمین بگویند از ایشان مجزی باشد چهارم آنکه بعد از اقامه نماز حرف زدن مقصور نداشته باشد
هر گاه متعلق بامر نماز باشد زیرا که حضرت بعد از اقامه غلامان خود را برای نماز طلبید و
دور نیست که حضرت باشاره و ایماء غلامان را طلبیده باشد پنجم آنکه در این روز خواندن
سوره انا انزلناه در رکعت اول نماز صبح اولی باشد هر چند در این روز بحسب ایام هفته سوره
مخصوصه مستحب باشد مانند دوشنبه و پنجشنبه که سوره هل اتی در آنها مستحب است بلکه
جمعه در صبح آن روز نیز بنهایت تاکید دارد و محتملست که سر اینمعنی مناسبت این سوره
شریفه با این روز بوده باشد والله تعالی یعلم حقایق الامور دوم ایضا سید در کتاب مذکور
اسناد عارا برای این روز نقل نموده است سبحان الله السمیع الذی لیس شیء اسمع
منه یسمع من فوق عرشه ما تحت سبع ارضین ویسمع ما فی ظلمات البر والبحر

ویسمع

ویسمع الانین ویسمع السر ویسمع وساوس الصدور ویعلم خائنة الاعین وما تخفی
الصدور ولا یصم سمعه صوت سبحان الله باری النسم سبحان الله المصور سبحان
الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب
والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله
مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سیم سید ابن باقی قدس الله نفسه در کتاب
اختیار اسناد عارا برای این روز نقل نموده است یا من رفع السماء بغیر عمد ترونها
ثم استوی علی العرش یدبر الامر ما من شفیع الا من بعد اذنه یا من یعلم ما تحمل من انثی کل انثی
وما تغیض الارحام وما تزداد وکل شیء عنده بمقدار عالم الغیب والشهادة
الکبیر المتعال یا من یسبح له الرعد بحمده والملائکة من خیفته یا من بذکره تطمئن
القلوب یا من یمحو ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب یا من لا معقب لحکمه
وهو سریع الحساب یا من یعلم ما تخفی وما تعلن وما یخفی علی الله من شیء فی الارض نخفی نعلن
ولا فی السماء یا من جعل فی السماء بروجا وزینها للناظرین یا من خلق الانسان
من نطفة فاذا هو خصیم مبین یا من جعل اللیل والنهار خلفة لمن اراد ان یذکر
او اراد شکورا یا من یسجد له ما فی السموات والارض من دابة والملائکة وهم لا
یستکبرون یا من یامر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء
والمنکر والبغی یا من هو مع الذین اتقوا والذین هم محسنون اللهم انی اسالک
بما ناجیتک به من مدحتک فی یومی هذا وفیما قبله وفیما بعده بما لو علمته لسالتک
به من اسمائک العظام لهب خوف العاملین وعمل الخائفین وخشوع العابدین
وعبادة الخاشعین ویقین المتوکلین وتوکل المؤمنین وانابة المخبتین
وسائر ما سالک عبادک الصالحون وما اعطیتهم النبیین والائمة الطاهرین

والملائكة المقرّبين واصلح لي نفسي القاسية وقلبي الفاسد وعقلي الناقص وفكّ عنقي
من النار وادخلني الجنة والامن في الدنيا والآخرة واغنني عن خلقك كلّهم بفضلك
يا ارحم الراحمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين **چهارم** صاحب كتاب دعوات
از ابن عباس روايت كرده است كه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود كه هر كه در اين روز اين
دعا را بخواند حق تعالى دل او را نوراني گرداند و روي او را سفيد كند و بر روي صراط بگذرد
مانند برق جهنده **ودعا اينست** اللهم اجعل لي فيه الى مرضاتك دليلا ولا تجعل للشيطان فيه
عليّ سبيلا واجعل الجنة لي منزلا ومقيلا يا قاضي حوائج الطالبين **پنجم** محمد بن يعقوب
كليني رحمه الله عليه در كتاب كافي بسند خود از اسيد بن صفوان كه از جمله صحابه رسول خدا
صلى الله عليه وآله است روايت نموده كه در روزي كه حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه از
دنيا رحلت فرموده همچنانكه بر فور گرفت و مردم همگي دهشت نمودند مانند روزي كه رسول
خدا صلى الله عليه وآله رحلت فرموده بود پس مردي آمد گريان و بسرعت مي شتافت و ميگفت
انا لله وانا اليه راجعون امروز خلافت پيغمبري منقطع گرديد تا آنكه بر در حجره كه حضرت
امير المؤمنين عليه السلام در آن حجره بود ايستاد و گفت رحمك الله يا ابا الحسن كنت
اوّل القوم اسلاما واخلصهم ايمانا واشدّهم يقينا واخوفهم لله واعظمهم عناء
واحوطهم على رسول الله صلى الله عليه وآله وآمنهم على اصحابه وافضلهم مناقب
واكرمهم سوابق وارفعهم درجة واقربهم من رسول الله صلى الله عليه وآله واشبههم
به هديا وخلقا وسمتا وفعلا واشرفهم منزلة واكرمهم عليه فجزاك الله
عن الاسلام وعن رسوله وعن المسلمين خيرا قويت حين ضعف اصحابه وبرزت
حين استكانوا ونهضت حين وهنوا ولزمت منهاج رسول الله صلى الله عليه
وآله اذ همّ اصحابه وكنت خليفته حقا لم تنازع ولم تضرع برغم المنافقين
وغيظ الكافرين وكره الحاسدين وصغر الفاسقين فقمت بالامر حين فشلوا

على فيه للشيطان
الطالبين

ونطقت

ونطقت حين تتعتعوا ومضيت بنور الله اذ وقفوا فاتبعوك فهدوا وكنت اخفضهم صوتا
واعلاهم قنوتا واقلّهم كلاما واصوبهم نطقا واكبرهم رايا واشجعهم قلبا واشدّهم
يقينا واحسنهم عملا واعرفهم بالامور كنت والله يعسوبا للدين اولا وآخرا الاول حين
تفرّق الناس والآخر حين فشلوا كنت للمؤمنين ابا رحيما اذ صاروا عليك عيالا فحملت
اثقال ما عنه ضعفوا وحفظت ما اضاعوا ورعيت ما اهملوا وشمّرت اذا اجتمعوا و
علوت اذ هلعوا وصبرت اذ اسرعوا وادركت اوتار ما طلبوا ونالوا بك ما لم يحتسبوا
كنت للكافرين عذابا صبّا ونهبا للمؤمنين عمدا وحصنا فطرت والله بنعمائها وفزت
بحبائها واحرزت سوابقها وذهبت بفضائلها لم تفلل حجتك ولم يزغ قلبك
ولم تضعف بصيرتك ولم تجبن نفسك ولم تخن كنت كالجبل لا تحركه العواصف
وكنت كما قال عليه السلام امن الناس في صحبتك وذات يدك وكنت كما قال عليه السلام
ضعيفا في بدنك قويا في امر الله متواضعا في نفسك عظيما عند الله كبيرا في الارض
جليلا عند المؤمنين لم يكن لاحد فيك مهمز ولا لقائل فيك مغمز ولا لاحد فيك
مطمع ولا لاحد عندك هوادة الضعيف الذليل عندك قوي عزيز حتى تاخذ
له بحقه والقوي العزيز عندك ضعيف ذليل حتى تاخذ منه الحق والقريب و
البعيد عندك في ذلك سواء شانك الحق والصدق والرفق وقولك حكم
وحتم وامرك حلم وحزم ورايك علم وعزم فيما فعلت وقد نهج السبيل وسهل
العسير واطفئت النيران واعتدل بك الدين وقوي بك الاسلام وظهر امر الله
ولو كره الكافرون وثبت بك الاسلام والمؤمنون وسبقت سبقا بعيدا واتعبت
من بعدك تعبا شديدا فجللت عن البكاء وعظمت رزيتك في السماء وهدّت
مصيبتك الانام فانا لله وانا اليه راجعون رضينا عن الله قضاءه وسلّمنا لله

ولو اتبعوك لهدوا
اذ تخشعوا
اذا اجتمعوا
عينا وحصنا
بنعمائها
تخن
فعلت

امره فوالله لن يصاب المسلمون بمثلك ابدا كنت للمؤمنين كهفا وحصنا وفئة راسيا وعلى الكافرين غلظة وغيظا فالحقك الله بنبيه ولا احرمنا اجرك ولا اضلنا بعدك شب بيست ودوم واعمال مخصوصه ان بغير انچه در ليالي عشر اخر وارد شده وگذشت چند چيز است اول غسل چنانچه گذشت كه در هر شب از شبهاى دهه اخر ايشان غسل مستحب است دوم شيخ شهيد طاب ثراه در كتاب اربعين از رسول خدا صلى الله عليه واله روايت نموده است كه هر كه در اين شب هشت ركعت نماز بكند هر دو ركعت بيك سلام در هر ركعتى حمد و هر سوره كه ميسر شود داخل بهشت شود از هر درى كه خواهد سيم سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال از كتاب عتيقى كه ادعيه بعضى از شبها از ان ساقط شده اين دعا را براى اين شب نقل نموده است سبحان من تبهر قدرته الافكار وتملأ عجائبه الابصار الذي لا ينقصه العطاء ولا تعترض جوده الذكاء الذي انطق الالسن بصفاته واقتدر بالفعل على مفعولاته وادخل في صلاحهما الفساد وعلى مجتمعها الشتات وعلى منتظمها الانفصام ليدل المبصرين على انها فانية من صنعة باق مخلوقة من انشاء خلق لا ابقاء ولا دوام الا له الواحد الغالب الذي لا يغلب والمالك الذي لا يملك الحمد لله الذي بلغني ليلة طويت يومها على صيام ورزقت فيه اليقظة من المنام وصدقت رب العزة بالقيام برحمة منه تخصني ونعمة تبلغني وحتى تغشني واساله اتمام ابتدائه وزيادة لي من احتبائه فانه المليك القدير وصلى الله على محمد واله وسلم كثيرا

بلغت

دعاى شب بيست و دوم از عشر اخر

چهارم ايضا سيد در كتاب مذكور ذكر نموده كه ابن ابى قرة رحمه الله در كتاب عمل شهر رمضان بسند خود از عمر بن يزيد روايت كرده كه حضرت امام جعفر صادق عليه السلام با و فرمود كه شب دويم از شبهاى عشر اخر ماه رمضان اين دعا را بخوان يا سالخ الليل من النهار فاذا نحن مظلمون ومجري الشمس لمستقرها ذلك بتقديرك يا عزيز يا عليم ومقدر القمر

منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور كل نور ومنتهى كل رغبة وولي كل نعمة يا الله يا رحمن يا رحيم يا قدوس يا واحد يا صمد يا فرد يا مدبر الامور ومجري البحور وباعث من في القبور ويا ملين الحديد لداود عليه السلام يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء والنعماء اسالك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح من كل امر حكيم فصل على محمد وال محمد واجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي واتني في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقني عذاب النار وارزقني فيها يا رب ذكرك وشكرك والرغبة والانابة اليك والتوبة والتوفيق لما وفقت له شيعة ال محمد يا ارحم الراحمين ولا تفتني بطلب ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق منك واسع بحلالك عن حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج عني كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر على افضل ما رآها احد ووفقني لما وفقت له محمدا وال محمد عليه وعليهم السلام وافعل بي كذا وكذا وحاجات خود را طلب نمايد بجاى كذا وكذا وافعل بي كذا وكذا وبعد از ان بايد برين دعا نمايد كه ابن زياد در غير روايت ساعة تا نصف شب نيز سنت كه برين دعا را نقل نموده است يا ظهر اللاجين صل على محمد وال محمد وكن لي حصنا وحرزا يا كهف المستجيرين صل على محمد وال محمد وكن لي كهفا وعضدا وناصرا ويا غياث المستغيثين صل على محمد وال محمد وكن لي غياثا ومجيرا ويا ولي المؤمنين صل على محمد وال محمد وكن لي وليا ويا مجري عصص المؤمنين صل على محمد وال محمد واجر غصتي ونفس همي واسعدني في هذا الشهر العظيم سعادة لا اشقى بعدها يا ارحم الراحمين

مؤلف گوید که این زیادتی محتمل است که تالیف سید باشد یا در روایت دیگر دعای سابق موجود بوده
چنانچه در شب بیست و یکم نیز نظیر این مذکور شد **بیست و نهم** ایضا سید در کتاب مذکور و ابن باقی
رحمه الله در کتاب اختیار از رسول خدا صلی الله علیه وآله اسند داده‌اند برای این شب روایت نموده‌اند
جبّارٌ غفّارٌ قاهرٌ سميعٌ عليمٌ عفوٌّ رحيمٌ غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب فالق
الحبّ مولج الليل في النهار ومولج النهار في الليل ومخرج الحيّ من الميّت ومخرج الميّت
من الحيّ ورازق العباد بغير حساب يا جبّار يا جبّار يا جبّار يا جبّار يا جبّار يا جبّار يا جبّار
روز بیست و نهم اعمال آن چند چیز است **اول** سید ابن طاوس رحمة الله علیه در کتاب اقبال این دعا
برای این روز نقل نموده است سبحان الله البصير الذي ليس شيء أبصر منه يبصر من فوق
عرشه ما تحت سبع أرضين ويبصر ما في ظلمات البرّ والبحر لا تدركه الأبصار وهو
يدرك الأبصار وهو اللطيف الخبير لا تغشى بصره الظلمات ولا يستتر عنه ستر ولا يواري
منه جدار ولا يغيب عنه برّ ولا بحر ولا يكنّ منه جبل ما في أصله ولا قلب ما فيه ولا يستتر منه صغير
ولا كبير ولا يستخفي منه صغير لصغره ولا يخفى عليه شيء في الأرض ولا في السماء هو الذي
يصوّركم في الأرحام كيف يشاء لا إله إلا هو العزيز الحكيم ذلك الله سبحان الله
بارئ النسم سبحان الله المصوّر سبحان الله خالق الأزواج كلّها سبحان الله جاعل
الظلمات والنور سبحان الله فالق الحبّ والنوى سبحان الله خالق كلّ شيء سبحان الله
خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله ربّ العالمين **دوم**
سید ابن باقی رحمه الله مع الابرار در کتاب اختیار اسند داده‌اند برای این روز نقل نموده است
اللهمّ إنّي أسألك يا من تسبّح له الأرضون السبع ومن فيهنّ وما بينهنّ وما تحتهنّ يا من
لم يتّخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له وليّ من الذلّ
وكبّره تكبيرا يا من أنزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا قيّما يا من لا يشرك
في حكمه أحدا يا من نادى موسى من جانب الطور الأيمن وقرّبه نجيّا يا من رفع إدريس
مكانا عليّا يا من له ما في السموات وما في الأرض وما بينهما وما تحت الثرى

يا نعيم

يا من يعلم السرّ وأخفى وأنت الله لا إله إلا أنت لك الأسماء الحسنى يا من أعطى كلّ شيء
خلقه ثمّ هدى يا من خشعت لك الأصوات فلا تسمع إلا همسا اللهمّ إنّي أسألك
بما ناجاك به مدحتك في يومي هذا طلبا لعفوك وخوفا من عذابك ورجاء لما
عندك وطمعا في إحسانك ورغبة في رضاك وسعة في رزقك وتفضّلا أن تصلّي
على محمّد وأهل بيته الطاهرين وتؤنس وحشتي وتصل وحدتي وتعزّ ذلّتي وتستر
عورتي وتجبر فاقتي اللهمّ أنت رجائي وثقتي فأعنّي على من ظلمني وانصرني على
من بغى عليّ وأراد ريبتي واحفظني في نفسي ومالي وديني وأهلي وولدي وأعتقني
من النار وارزقني الجنّة والأمن في الدنيا والآخرة ولا تحوجني إلى غيرك بفضلك
المبذول وإحسانك المأمول إنّك على كلّ شيء قدير وهو عليك يسير وصلّى الله
على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين **سیم** صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده
که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده که هر که اسند داده در این روز بخواند حق تعالی سکرات مرگ
و سؤال منکر و نکیر را بر او آسان کند و او را ثابت بدارد بر قول ثابت **و دعا اینست** اللهمّ
أنزل عليّ فيه من بركاتك ووفّقني فيه لموجبات مرضاتك وأسكنّي فيه بحبوحة
جنّاتك يا مجيب دعوة المضطرّين **شب بیست و سیم** این شب فضل از شب سابق و مدخلیت
آن در شب قدر زیاده از آن روشن است و روایت بسیار دلالت می‌کند بر آنکه این شب واقعا
شب قدر است چنانچه سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال اسند داده از سفیان ابن السمط
روایت کرده است که گفت بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه علیه
عرض نمودم که در میان بیست شب قدر را برای من جدا کن فرمود که شب بیست و سیم است و ایضا
در کتاب مذکور از ابن حمزه انصاری روایت کرده است که او می‌گفت که از رسول خدا صلی الله
علیه وآله شنید که می‌فرمود که شب قدر شب بیست و سیم است **و بلا نکر** این شب را لیلة الجهنی
می‌نامند و ابن جهم حدیثی است که سید در کتاب اقبال اسند داده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت نموده است که فرمود که یکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه وآله که در حوالی مدینه
طیبه سکنی داشت و بجهنی معروف بود بخدمت آنحضرت علیه السلام آمد و عرض نمود

که پیامبر رسول الله صلی الله علیه و آله بدرستی که من شتر و گوسفند فراوان و غلامان بسیار دارم و باین جهت
اشتغال من بسیار و همیشه برای عبادت بمدینه نمیتوانم آمد و میخواهم که یک شب را برای من در ماه
مبارک رمضان تعیین بفرمائی که در آن شب بمدینه بیایم و بنماز حاضر شوم پس حضرت او را بنزد
خود طلبید و سخنی آهسته در گوش او گفت پس حضرت امام محمد باقر صلوات الله و سلامه علیه
فرمود که جهنی هر سال چون شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان میشد با اهل و اولاد و غلامان
و شتران و گوسفندان خود داخل مدینه میشد و در آن شب در مدینه بعبادت الهی مشغول بود
و چون صبح میشد با اهل و متعلقان بجای خود معاودت می‌نمود پس حضرت فرمود که اسم جهنی
عبد الرحمن بن انیس انصاری بود **و بدانکه** بهتر آنست که این شب را در مسجد احیا بدارند و اعمال
وارده را در آن در مسجد بعمل آورند چنانچه سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب مذکور بسند خود
از جمیل و هشام و حفص روایت کرده است که گفتند در سالی از سالها حضرت صادق صلوات الله
علیه را بیماری شدید عارض شد پس چون شب بیست و سیم شد غلامان خود را امر فرمود تا آن
حضرت را بمسجد بردند و تمام آن شب را در مسجد گذرانیدند **و اما اعمال این شب** پس آن نیز بر سه قسم است
و دو قسم آن که اعمال مشترکه میان سه شب و اعمال مشترکه لیالی عشر اخیر است بتفصیل سابق مذکور شد
لهذا در اینمقام بذکر قسم سیم که آن اعمال مختصه این شب است اکتفا می‌نمائیم و آنها چنانچه
از تتبع کتب اخبار ظاهر میشود چند چیز است **اول** غسل بدانکه در این شب دو غسل مستحب است
یکی در اول شب و یکی در آخر شب و یک غسل آن از اعمال مشترکه سه شب است چنانچه در شب نوزدهم
با روایات آن بتفصیل گذشت و یک غسل دیگر آن از اعمال مختصه این شب است چنانچه سید رحمه الله
در کتاب اقبال بسند خود از برید بن معویه عجلی روایت کرده که گفت که حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله و سلامه علیه را دیدم که در شب بیست و سیم دو غسل فرمودند یکی در اول شب و یکی در
آخر آن **دویم** تلاوت سوره عنکبوت و سوره روم چنانچه سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب
اقبال بطرق متعدده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده است که آنحضرت
با ابی بصیر فرمود که هر که سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم بخواند پس بخدا سوگند ای ابو محمد
که او از اهل بهشت است و استثنا نمیکنم هرگز از آن و قسم بر آن یاد نمیکنم و نمیترسم که حق تعالی برای قسمم
بر من گناهی بنویسد و بدرستی که برای این دو سوره نزد حق تعالی منزلت عظیمی هست **سیم**
خواندن سوره دخانست و سند او در اعمال هر شب ماه مبارک گذشت و چون از جمله اعمال روایت
این شب است ما در اینجا ایراد می‌نمائیم چنانچه کلینی و ابن بابویه و سید ابن طاوس قدس الله روحهم

اعمال شب قدر

و دیگران بسندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده اند که یکی از اصحاب
آنحضرت بخدمت او عرض نمود که چگونه بدانم که شب قدر در هر سالی می‌باشد فرمود که چون ماه مبارک
رمضان داخل شود در هر شبی سوره دخان را صد نوبت بخوان پس چون شب بیست و سیم شود نظر خواهی کرد
بانچه سؤال نمودی و تصدیق آن خواهی نمود **چهارم** خواندن سوره انا انزلناه هزار نوبت چنانچه سید
رحمه الله نیز در کتاب مذکور بطرق بسیار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که اگر مردی در
شب بیست و سیم ماه رمضان سوره انا انزلناه را هزار نوبت بخواند هر آینه صبح میکند در حالتی که
سخت باشد یقین او باعتراف نمودن بانچه مخصوص ما است و نمی‌باشد این معنی مگر از راه چیزی که آنرا
در خواب ببیند **مؤلف گوید** که خواندن این سوره هزار نوبت در هر شب نیز وارد شده چنانچه
در اعمال هر شب انشاء الله سابق مذکور شد و در روایت که لفظ هر شب از این حدیث ساقط شده باشد زیرا که
حکایت دیدن خواب با تاکد استحباب احیای این شب منافات دارد چنانچه بر متأمل خبیر پوشیده نیست
مگر آنکه مراد این باشد که بعد از این شب خوابی خواهد دید که موجب شدت یقین او گردد و هر مقداری
از قرآن که ممکن شود در این شب بخوانند و دعاهای صحیفه کامله بخوانند خصوصا دعای مکارم الاخلاق
و دعای توبه والله تعالی یعلم **پنجم** شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب اربعین از حضرت خاتم
المرسلین صلی الله علیه و آله الی یوم الدین روایت کرده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز بکند
هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد هر سوره که میسر شود درهای آسمانهای هفتگانه برای
او گشاده شود و دعای او مستجاب گردد **ششم** ایضا سید در کتاب مذکور از کتاب عتیقی که ادعیه
بعضی از شبها از آن ساقط شده است این دعا را برای این شب نقل نموده است اللّهمّ ان کان الشکّ
فی انّ لیلة القدر فیها او فیما تقدّم منها واقع فانّه منک و فی وحدانیتک و فی کتبک
الاعمال الزائلة و فی ایّ اللیالی تقرّب منک العبد لم تبعده و قبلته و اخلص فی
سؤالک لم تردّه و اجبته و عمل الصالحات شکرته و رفع الیک ما یوصلک ذخرته
اللّهمّ فاسلک بی فیها بالعون علی ما یزلف لدیک و خذ بناصیتی الی ما فیه القربی
الیک و اسبغ من العمل فی الدارین سعیی و وفّق لی من جودک لی بخیر ما اعطیتنی
و ابن علیّ من ذنوبی بالتوبة و من خطایای بسعة الرحمة و اغفر لی فی هذه اللیلة
و لوالدیّ و لجمیع المؤمنین و المؤمنات غفرانا منزّها عن عقوبة الضعفاء رحیم
بذوی الفاقة و الفقراء جار علی عبیده شفیق بخضوعهم و ذلّتهم و رفیق لا ینقصه الصدقة

عَلَيْهِمْ وَلَا بِفَقْرِهِ مَا يُغْنِيهِمْ مِنْ صَنِيعَةِ اللَّئِيمِ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنِي وَدَيْنَ كُلِّ مَدْيُونٍ وَفَرِّجْ عَنِّي
وَعَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَاصْلِحْنِي وَوُلْدِي وَاصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ وَانْفَعْ مِنِّي وَاجْعَلْ فِي
الْحَلَالِ الطَّيِّبِ الْهَنِيءِ الْكَثِيرِ السَّائِغِ مِنْ رِزْقِكَ عَيْشِي وَمِنْهُ لِبَاسِي وَفِيهِ مُنْقَلَبِي
وَاقْبِضْ عَنِ الْمَحَارِمِ يَدَيَّ مِنْ غَيْرِ قَطْعٍ وَلَا شَدٍّ وَلِسَانِي مِنْ غَيْرِ خَرَسٍ وَاذُنِي مِنْ غَيْرِ
صَمَمٍ وَعَيْنِي مِنْ غَيْرِ عَمًى وَرِجْلِي مِنْ غَيْرِ ضَمَانَةٍ وَفَرْجِي مِنْ غَيْرِ اجْمَالٍ وَبَطْنِي مِنْ غَيْرِ
وَجَعٍ وَسَائِرَ اعْضَائِي مِنْ غَيْرِ خَلَلٍ وَارِدْنِي عَلَيْكَ يَوْمَ وُقُوفِي بَيْنَ يَدَيْكَ خَالِصًا
مِنَ الذُّنُوبِ نَقِيًّا مِنَ الْعُيُوبِ لَا اسْتَحِي مِنْكَ بِكُفْرَانِ نِعَمٍ وَلَا اقْرَارٍ بِشَرِيكٍ لِلْحُجَّةِ الْقُدْرَةِ
وَلَا بِارْتِهَاجٍ فِي فِتْنَةٍ وَلَا تَوَرُّطٍ فِي دِمَاءٍ مُحَرَّمَةٍ وَلَا بَيْعَةٍ اطَوِّقُهَا عُنُقِي لِاحَدٍ
مِمَّنْ فَضَّلْتَهُ بِفَضِيلَةٍ وَلَا وُقُوفٍ تَحْتَ رَايَةِ غَدْرَةٍ وَلَا اسْوَدِّ الْوَجْهِ بِالْايْمَانِ
الْفَاجِرَةِ وَالْعُهُودِ الْخَائِنَةِ وَانِلْنِي مِنْ تَوْفِيقِكَ وَهِدَايَتِكَ مَا انَالُ بِهِ سُبُلَ طَاعَتِكَ
وَرِضَاكَ يَا ارْحَمَ الرَّاحِمِينَ **هفتم** ایضا سید در کتاب مذکور معتبد ابن باقی در کتاب اختیار
از رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را برای این شب روایت کرده اند سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ
الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الرُّوحِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْعَرْشِ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ
رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْارَضِينَ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْبِحَارِ وَالْجِبَالِ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ تُسَبِّحُ
لَهُ الْحِيتَانُ وَالْهَوَامُّ وَالسِّبَاعُ وَالْاقْلَامُ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ سَبَّحَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ
سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ عَلَا فَقَهَرَ وَخَلَقَ فَقَدَّرَ سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ
سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ **هشتم**
ایضا سید طاب ثراه در کتاب مذکور ذکر نموده که ابن ابی قرة رضی الله عنه در کتاب عمل
شهر رمضان بسند خود از عمر بن یزید روایت نموده است که حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه با و فرمود که در شب بیست و سیم از شبهای عشر آخر ماه مبارک رمضان این دعا را بخوان
يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ الْفِ شَهْرٍ رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ

سلامتی بدل

احبالی بدل

دعای ... هشتم

والظلم

وَالظُّلَمِ وَالْانْوَارِ وَالْارْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا قَيُّومُ
يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْارْضِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْاسْمَاءُ الْحُسْنَى
وَالْامْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ وَالنَّعْمَاءُ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
انْ كُنْتَ قَضَيْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ مِنْ كُلِّ امْرٍ حَكِيمٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَاجْعَلِ اسْمِي فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاسَاءَتِي
مَغْفُورَةً وَانْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَايمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا
قَسَمْتَ لِي وَآتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ وَارْزُقْنِي
فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ وَالْانَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ يَا ارْحَمَ
الرَّاحِمِينَ وَلَا تَفْتِنِّي بِطَلَبِ مَا زَوَيْتَ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَاغْنِنِي يَا رَبِّ بِرِزْقٍ مِنْكَ
وَاسِعٍ بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَارْزُقْنِي الْعِفَّةَ فِي بَطْنِي وَفَرْجِي وَفَرِّجْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَلَا
تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي وَوَفِّقْ لِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ عَلَى افْضَلِ مَا رَآهَا احَدٌ وَوَفِّقْنِي لِمَا وَفَّقْتَ
لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا **مؤلف گوید** که بجای وافعل بی
کذا و کذا حوائج خود را بطلبد و کلمه الساعه را مکرر بگوید تا نفس تنگ شود و محتمل است
که کلمه اللیلة و الساعة را هر یک مکرر بگوید تا نفس تنگ شود و احتمال آخر اظهر است **نهم**
ایضا سید در کتاب مذکور این دعا را برای این شب نقل نموده است اللَّهُمَّ امْدُدْ لِي فِي عُمْرِي
وَاوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَاصِحَّ جِسْمِي وَبَلِّغْنِي امَلِي وَانْ كُنْتُ مِنَ الْاشْقِيَاءِ فَامْحُنِي مِنَ الْاشْقِيَاءِ
وَاكْتُبْنِي مِنَ السُّعَدَاءِ فَانَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمْحُو اللَّهُ
مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ امُّ الْكِتَابِ **دهم** ایضا سید طاب ثراه در کتاب مذکور این دعا را
برای این شب ذکر نموده است اللَّهُمَّ انِّي امْسَيْتُ لَكَ عَبْدًا دَاخِرًا لَا امْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا
فَقْرِي وَمَسْأَلَتِي تَسَعُنِي اللَّيْلَةَ رَحْمَتُكَ وَعَفْوُكَ فَانَا الْيَ رَحْمَتِكَ ارْجَى مِنِّي لِعَمَلِي

ورحمتك ومغفرتك واوسع من ذنوبي واقض لي كل حاجة هي لي بقدرتك على ذلك
وتيسيره عليك فاني لم اصب خيرا الا منك ولم يصرف عني احد سوءا قط غيرك
وليس لي رجاء لديني ودنياي ولا لآخرتي ولا ليوم فقري يوم ادلى في حفرتي
وتفردني الناس بعملي غيرك يا رب **يازدهم** ايضا سيد در كتاب مذكور اين دعا را براي اين شب نقل نموده است
اللهم اجعلني من اوفر عبادك نصيبا من كل خير انزلته في هذه الليلة وانت منزله
من نور تهدي به او رحمة تنشرها او رزق تقسمه او بلاء تدفعه او ضر تكشفه واكتب
لي ما كتبت لاوليائك من الصالحين الذين استوجبوا منك الثواب وامنوا برضاك عنهم
منك العقاب يا كريم يا كريم صل على محمد وآل محمد وافعل بي ذلك برحمتك يا ارحم
الراحمين **دوازدهم** ايضا سيد در كتاب مذكور اين دعا را براي اين شب نقل نموده است
اسألك مسألة المسكين المستكين وابتهل اليك ابتهال المذنب البائس الذليل
مسألة من خضعت لك ناصيته واعترف بخطيئته ففاضت لك عبرته وهملت
لك دموعه وضلت حيلته وانقطعت حجته ان تعطيني في ليلتي هذه مغفرة ما
مضى من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري وارزقني الحج والعمرة في عامي هذا
واجعلها حجة مبرورة خالصة لوجهك وارزقنيه ابدا ما ابقيتني ولا تخلفني
عن زيارتك وزيارة قبر نبيك محمد صلواتك عليه وآله الهي واسألك ان تكفيني
مؤونة خلقك من الجن والانس والعرب والعجم ومن كل دابة انت آخذ بناصيتها
انك على صراط مستقيم اللهم اجعل لي فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم وفيما
تفرق من الامر الحكيم في هذه الليلة في القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني
من حجاج بيتك الحرام في عامي هذا المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم
المكفر عنهم سيئاتهم وان تطيل عمري وتوسع في رزقي وارزقني ولدا بارا الخ

على كل شيء قدير وبكل شيء محيط **سيزدهم** ايضا سيد در كتاب مذكور اين دعا را براي
اين شب ذكر نموده است اللهم اني اسألك سؤال المسكين المستكين وابتغي اليك ابتغاء البائس
الفقير واتضرع اليك تضرع الضعيف الضرير وابتهل اليك ابتهال المذنب الذليل
واسألك مسألة من خضع لك نفسه ورغم لك انفه وعفر لك وجهه وخضعت لك
ناصيته واعترف بخطيئته وفاضت لك عبرته وانهملت لك دموعه وضلت
عنه حيلته وانقطعت عنه حجته بحق محمد وآل محمد عليك وبحقك العظيم عليهم ان تصلي
عليهم كما انت اهله ان تصلي على نبيك وآل نبيك وان تعطيني افضل ما اعطيت
السائلين من عبادك الماضين من المؤمنين وافضل ما تعطي الباقين من المؤمنين
وافضل ما تعطيه من اوليائك الى يوم الدين ممن جعلت له خير الدنيا وخير الآخرة
يا كريم يا كريم واعطني في مجلسي هذا مغفرة ما مضى من ذنوبي واعصمني فيما
بقي من عمري وارزقني الحج والعمرة في عامي هذا متقبلا مبرورا خالصا لوجهك يا
كريم وارزقنيه ابدا ما ابقيتني يا كريم يا كريم يا كريم واكفني مؤونة نفسي واكفني مؤونة
عيالي واكفني مؤونة خلقك واكفني شر فسقة العرب والعجم واكفني شر فسقة الجن
والانس واكفني شر كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم
چهاردهم ايضا سيد در كتاب مذكور نقل نموده كه ابن ابي قره رضي الله عنه در كتاب عمل
شهر رمضان بسند خود از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه آن حضرت بعمر بن يزيد
فرمود كه اين دعا از جمله دعاهاي شب قدر است اللهم اجعل فيما تقضي وفيما
تقدر من الامر المحتوم وفيما تفرق من الامر الحكيم في ليلة القدر من القضاء
الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام في عامي هذا المبرور حجهم
المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقدر وفيما تقضي ان
تطيل عمري وتوسع لي في رزقي **مؤلف گويد** كه اين دعا در هر شب از شبهاي ماه و در خصوص

شب نوزدهم بین شبهای دیگر وارد شده و سابق مذکور شد و لیکن فی الجمله اختلافی در عبارات
هر یک از روایات هست پس بهتر آنست که در این شب نوزدهم بهر دو طریق خوانده شود روز
بیست و یکم این روز در فضیلت مانند شب آنست و اعمال آن چند چیز است اول سید ابن طاوس
در کتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است سبحان الذی ینشئ السحاب الثقال
ویسبح الرعد بحمده والملائکة من خیفته ویرسل الصواعق فیصیب بها من یشاء ویرسل
الریاح بشرا بین یدی رحمته وینزل الماء من السماء بکلماته وینبت النبات بقدرته
ویسقط الورق بامره سبحان الله باری النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق
الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی
سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته
سبحان الله رب العالمین سه نوبت دوم سید ابن باقی رحمه الله مع موالیه الاطهار
در کتاب اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است اللهم انی اسالک یا من جعل اللیل
لباسا والنوم سباتا وجعل النهار نشورا یا من ارسل الریاح نشرا بین یدی رحمته
وانزل من السماء ماء طهورا یا من جعل فی السماء بروجا وجعل فیها سراجا وقمرا منیرا
یا من مرج البحرین وجعل بینهما برزخا وحجرا محجورا یا من جعل اللیل والنهار خلفة
لمن اراد ان یذکر او اراد شکورا یا من اوحی الی موسی ان اضرب بعصاک البحر فانفلق
فکان کل فرق کالطود العظیم یا من جعل الارض قرارا وجعل خلالها انهارا وجعل
لها رواسی وجعل بین البحرین حاجزا یا من یجیب المضطر اذا دعاه ویکشف السوء
اسالک یا الله بما ناجیتک به فی یومی هذا ان تصلی علی محمد وآله الطاهرین واجعل
لی من امری مخرجا ومن امری یسرا ومن همی فرجا وارزقنی من حیث احتسب ومن
حیث لا احتسب فانک تاتی بالیسر بعد العسر وبالرخاء بعد الشدة وبالعافیة بعد
البلاء وبالرحمة بعد القنوط وبالغنی بعد الفقر واسالک یا رب حبک وحب من یحبک

واحب

والحب عملا یقربنی الی حبک برحمتک یا ارحم الراحمین انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی
سیدنا محمد وآله الطاهرین سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا
صلی الله علیه وآله فرمود که هر که در این روز این دعا را بخواند بر روی صراط بگذرد مانند برق جهنده
با پیغمبران و شهیدان و صالحان و دعا اینست اللهم اغسلنی فیه من الذنوب وطهرنی
فیه من العیوب وامتحن فیه قلبی بتقوی القلوب یا مقیل عثرات المذنبین شب بیست و دوم
و اعمال آن چند امر است اول غسل و غسل اگرچه از جمله اعمال مشترکه لیالی عشر اخیره است لیکن
در این شب مخصوص شده کذا است چنانچه سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال بسند خود از جعفر
صادق صلوات الله علیه روایت نموده است که آنحضرت بعبد الرحمن بن ابی عبدالله فرمود که
شب بیست و چهارم ماه رمضان غسل کن چه میشود که تو بعد دو شب غسل کرده باشی مولف گوید
شب بیست و چهارم است دوم شیخ
کرده و شب در کلام حضرت علیه السلام ظاهرا اشاره به شب بیست و سوم و بیست و چهارم است
قدس الله روحه در کتاب ربیعین از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در این
شب هشت رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میخواهد بخواند مانند
کسی باشد که حج و عمره کرده باشد سیم سید ابن طاوس قدس الله سره در کتاب اقبال از کتاب عتیق که
ادعیه بعضی از شبها از آن ساقط شده این دعا را برای این شب نقل نموده است الحمد لله شفعا و وترا
الشفع والوتر من هذه اللیالی المبارکات وعلی ما سخی واعطانی فیهن من الخیرات وتصدق
به علی ووهبه لی من الباقیات الصالحات الذی صومنی لیاجرنی وفطرنی علی ما رزقنی
فکل من غیره ومنه ومحض اختیاره ونظره بعینه سبحانه سید الاحد بیدی من الوطئات
وخصنی عن الخطیئات وکفانی المهمات واغنانی عن المخلوقین ولم یجعل بینی الی الرزق
وشهر ذکری فی العالمین وجعل اسمی فی المذکورین ولم یشفنی بعجب یحطنی عن درجات
رفیعة فیهوی بی الی ظلم غضبه ونقمته ولا ابلانی باستحلال ینزع عنی ملابس رحمته
ویعوضنی لبوس الذل من سخطه ایاه اشکر وله اعبد ومنه ارجو لتمام المزید ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد النبی وآله وسلم تسلیما چهارم ایضا سید
در کتاب مذکور ذکر نموده که ابن ابی قرة رضی الله عنه در کتاب عمل شهر رمضان بسند خود از عمر بن یزید

دعای شب چهارم از عشر اخر

روایت نموده است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه با و فرمود کرد این شب این دعا را بخوان
یا فالِقَ الْاِصْباحِ یا جاعِلَ اللَّیْلِ سَکَناً وَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ حُسْباناً یا عَزیزُ یا عَلیمُ یا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ
وَ الْقُوَّةِ وَ الْحَوْلِ وَ الْفَضْلِ وَ الْاِنْعامِ وَ الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ یا اَللهُ یا رَحْمنُ یا اَللهُ یا فَرْدُ
یا اَللهُ یا وِتْرُ یا اَللهُ یا ظاهِرُ یا اَللهُ یا باطِنُ یا اَللهُ یا حَیُّ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ
یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ لَکَ الْاَسْماءُ الْحُسْنی وَ الْاَمْثالُ الْعُلْیا وَ الْکِبْرِیاءُ وَ الْآلاءُ وَ النِّعَمُ
اَسْاَلُکَ بِاسْمِکَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ اِنْ کُنْتَ قَضَیْتَ فی هذِهِ اللَّیْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلائِکَةِ
وَ الرُّوحِ مِنْ کُلِّ اَمْرٍ حَکیمٍ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلِ اسْمی فِی السُّعَداءِ وَ رُوحی مَعَ
الشُّهَداءِ وَ اِحْسانی فی عِلِّیّینَ وَ اِسائَتی مَغْفُورَةً وَ اَنْ تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ
قَلْبی وَ ایماناً یُذْهِبُ بِالشَّکَّ عَنّی وَ تُرْضِیَنی بِما قَسَمْتَ لی وَ آتِنی فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَ قِنی عَذابَ النّارِ وَ ارْزُقْنی یا رَبِّ فیها ذِکْرَکَ وَ شُکْرَکَ وَ الرَّغْبَةَ وَ الْاِنابَةَ
اِلَیْکَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفیقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ شیعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَ لا تَفْتِنّی بِطَلَبِ
ما زَوَیْتَ عَنّی بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ وَ اَغْنِنی یا رَبِّ بِرِزْقٍ مِنْکَ واسِعٍ بِحَلالِکَ عَنْ حَرامِکَ
وَ ارْزُقْنِی الْعِفَّةَ فی بَطْنی وَ فَرْجی وَ فَرِّجْ عَنّی کُلَّ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ لا تُشْمِتْ بی عَدُوّی وَ
وَفِّقْ لی لَیْلَةَ الْقَدْرِ عَلی اَفْضَلِ ما رَآها اَحَدٌ وَ وَفِّقْنی لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ
عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ وَ افْعَلْ بی کَذا وَ کَذا السّاعَةَ السّاعَةَ تا نفس تنك شود و بجای وافعل
بی کذا و کذا حوائج خود را طلب بر سید طاب ثراه گفته که ابن زیاد بی بغیر روایت
و این دعا را ذکر نموده است اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ یا سَیِّدی سُؤالَ مِسْکینٍ فَقیرٍ اِلَیْکَ خائِفٍ
مُسْتَجیرٍ اَسْاَلُکَ یا سَیِّدی اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُجیرَنی مِنْ خِزْیِ الدُّنْیا
وَ مِنْ عَذابِ الْآخِرَةِ وَ تُضاعِفَ لی فی هذِهِ اللَّیْلَةِ وَ فی هذَا الشَّهْرِ الْعَظیمِ عَمَلی وَ تَرْحَمَ
مَسْکَنَتی وَ تَجاوَزَ عَمّا اَحْصَیْتَهُ عَلَیَّ وَ خَفِیَ عَنْ خَلْقِکَ وَ سَتَرْتَهُ عَلَیَّ مَنّاً مِنْکَ

وتسلمني

وَ تُسَلِّمَنی مِنْ تَبِعَتِهِ وَ فَضیحَتِهِ وَ عارِهِ فی عاجِلِ الدُّنْیا فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ذلِکَ وَ عَلی کُلِّ حالٍ وَ اَسْاَلُکَ
یا رَبِّ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تُتِمَّ عَلَیَّ سَتْرَ ذلِکَ فِی الْآخِرَةِ وَ تُسَلِّمَنی مِنْ فَضیحَتِهِ وَ عارِهِ بِمَنِّکَ
وَ اِحْسانِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ مؤلف گوید که نظیر این با تاویلات در لیالی سابقه مذکور شد
بیست و نهم ایضا سید در کتاب مذکور و ابن باقی در کتاب اختیار از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
این دعا را برای این شب روایت نموده اند اَللّهُمَّ اَمَرْتَ بِالدُّعاءِ وَ ضَمِنْتَ الْاِجابَةَ فَدَعَوْناکَ وَ نَحْنُ
عِبادُکَ وَ بَنُو اِمائِکَ نَواصینا بِیَدِکَ وَ اَنْتَ رَبُّنا وَ نَحْنُ عِبادُکَ وَ لَمْ یَسْاَلِ الْعِبادُ مِثْلَکَ وَ لَمْ یُرْغَبْ
اِلَیْکَ وَ لَمْ یُرْغَبْ اِلَی الْخَلائِقِ اِلی مِثْلِکَ یا مَوْضِعَ شَکْوَی السّائِلینَ وَ مُنْتَهی حاجَةِ الرّاغِبینَ
وَ یا ذَا الْجَبَرُوتِ وَ الْمَلَکُوتِ وَ یا ذَا السُّلْطانِ وَ الْعِزِّ یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا بارُّ یا رَحیمُ یا حَنّانُ
یا مَنّانُ یا بَدیعَ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ یا ذَا الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ یا ذَا النِّعَمِ وَ الطَّوْلِ الَّذی لا یَرامُ
صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عَلی آلِهِ وَ اغْفِرْ لی اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ روز بیست و چهارم واعمال آن چند
اول سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل نموده است سُبْحانَ
الَّذی یَعْلَمُ ما تَحْمِلُ کُلُّ اُنْثی وَ ما تَغیضُ الْاَرْحامُ وَ ما تَزْدادُ وَ کُلُّ شَیْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدارٍ عالِمِ الْغَیْبِ
وَ الشَّهادَةِ الْکَبیرِ الْمُتَعالِ سَواءٌ مِنْکُمْ مَنْ اَسَرَّ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ وَ مَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّیْلِ وَ
سارِبٌ بِالنَّهارِ مُمیتِ الْاَحْیاءِ وَ مُحْیِی الْاَمْواتِ وَ یَعْلَمُ ما تَنْقُصُ الْاَرْضُ مِنْهُمْ وَ یُقِرُّ فِی الْاَرْحامِ
ما یَشاءُ اِلی اَجَلٍ مُسَمًّی سُبْحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبْحانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحانَ اللهِ خالِقِ
الْاَزْواجِ کُلِّها سُبْحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَ النُّورِ سُبْحانَ اللهِ فالِقِ الْحَبِّ وَ النَّوی
سُبْحانَ اللهِ خالِقِ کُلِّ شَیْءٍ سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما یُری وَ ما لا یُری سُبْحانَ اللهِ مِدادَ کَلِماتِهِ
سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمینَ دوم سید ابن باقی حشرهم الله مع الابرار در کتاب اختیار این دعا را
برای این روز نقل نموده است اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ یا مَنْ لَهُ الْحَمْدُ فِی الْاُولی وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُ
الْحُکْمُ وَ اِلَیْهِ یُرْجَعُ الْاَمْرُ کُلُّهُ یا مَنْ هُوَ اَعْلَمُ بِما فِی الصُّدُورِ مِنَ الْعالَمینَ یا مَنْ بِیَدِهِ الْخَلْقُ

بذات

وهو اهون علیه وله المثل الاعلی فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم یا من احسن کل شیٔ
خلقه وبدأ خلق الانسان من طین یا من هو الحق ویهدی السبیل یا من ردّ الذین کفروا
بغیظهم لم ینالوا خیرا وکفی الله المؤمنین القتال وکان الله قویا عزیزا یا من یعلم ما فی
الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها وهو الرحیم الغفور اسألک
ما اوجبت علی نفسک لمن سألک وبایمانک کلها وبما اجبتک به فی یومی هذا ان تثبّتنی
حتی لا ازلّ وان تهدینی حتی لا اضلّ وان تمنعنی ان اجهل او یجهل علیّ وان اتّبع
فی سفل عدم ولا تقوّینی علی ظلم احد ولا تجعلنی من القوم الظالمین ولا تجعلنی مع اولیاء
لک عدوّا واعادی لک ولیّا او ارضی لک سخطا او اسخط لک رضی او افضی لک طالبا
او اجیب داعیا الی ضلالة او اکذّب داعیا الی الحقّ واجحد بآیاتک او یحلّ بی سخطک
او اتّبع هوای بغیر هدی منک او اقول للذین کفروا هؤلاء اهدی من الذین آمنوا
سبیلا واسألک یا ربّ ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد الاخیار وتحرّم جسدی علی النار واهل بیته
وتجعلنی یا ربّ من الابرار انّک رؤوف رحیم برحمتک یا ارحم الراحمین انّک علی کلّ
شیٔ قدیر وصلّی الله علی سیّدنا محمّد وآله الطاهرین **سیم** صاحب کتاب ذخیره از ابن عبّاس
روایت کرده است که رسول خدا صلّی الله علیه وآله فرمود که هر که روز بیست و چهارم ماه رمضان
روزه بدارد واین دعا را بخواند حق تعالی باو عطا فرماید بعدد هر موئی که در سر و جسد او هست
هزار خادم و هزار غلام که آنها مانند یاقوت و مرجان باشند **و دعا اینست** اللّهمّ انّی اسألک
فیه ما یرضیک واعوذ بک فیه ممّا یؤذیک واسألک التوفیق فیه لان اطیعک ولا اعصیک
یا عالما یا اجود السائلین **بیست و پنجم** واعمال آن چند چیز است **اوّل** غسل کردن این شب که
مخصوص سنّت مؤکّد است چنانچه سیّد ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال بسند خود از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود که پدرم صلوات الله علیه
غسل میکرد در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و بیست و پنجم **بعد** شیخ مفید قدّس الله روحه

[illegible]

در کتاب اربعین از رسول خدا صلّی الله علیه وآله روایت نموده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز بکند
هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد ده نوبت حق تعالی برای او ثواب
عبادت کنندگان ثبت نماید **سیم** ایضا سیّد طاب ثراه در کتاب مذکور از کتاب عمل شهر رمضان
ابن ابی قرّه رحمه الله نقل نموده است که او بسند خود از عمر بن یزید روایت نموده است که حضرت
صادق علیه السلام باو فرمود که در شب بیست و پنجم از بیست و یکم تا آخر ماه رمضان این دعا را بخوان یا جاعل
اللیل لباسا والنهار معاشا والارض مهادا والجبال اوتادا یا الله یا قاهر یا الله یا جبّار یا الله
یا سمیع یا قریب یا مجیب یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی
والامثال العلیا والکبریاء والآلاء والنعماء اسألک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم
ان کنت قضیت فی هذه اللیلة تنزّل الملائکة والروح فیها من کلّ امر حکیم
ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تجعل اسمی فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی
فی علّیّین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشکّ
عنّی وترضینی بما قسمت لی وآتنی فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنی عذاب النار
وارزقنی یا ربّ فیها ذکرک وشکرک والرغبة والانابة الیک والتوبة والتوفیق
لما وفّقت له شیعة آل محمّد یا ارحم الراحمین ولا تفتنّی بطلب ما زویت عنّی بحقّ الذی
فوّتّک واغننی یا ربّ برزق منک واسع بحلالک عن حرامک وارزقنی العفّة فی بطنی
وفرجی وفرّج عنّی کلّ همّ وغمّ ولا تشمت بی عدوّی ووفّق لی لیلة القدر
علی افضل ما رآها احد ووفّقنی لما وفّقت له محمّدا وآل محمّد علیهم السلام وافعل بی
کذا وکذا الساعة الساعة تا نفس تنگ شود بعوض وافعل بی کذا وکذا حوایج خود را
طلب نماید سیّد رحمه الله گفته که ابن زیاد بی بغیر روایت است واسناد دعا را نقل نموده است اسألک
ان تجعل لی الثواب بافضل ما ارجو من رحمتک وتصرف عنّی کلّ سوء فانّی لا استطیع
دفع ما احاذر الّا بک امسیت مرتهنا بعملی وامسی الامر والقضاء فی یدیک

دعای شب بیست و نهم

فلا فقیر افقر منی فصل علی محمد وال محمد واغفر لی ظلمی وجرمی وجهلی وجدّی وهزلی
وکل ذنب لی ارتکبته ولیغنی رزقی بغیر مشقة منی ولا تهلک روحی وجسدی فی
طلب ما لم تقدر لی یا ارحم الراحمین مؤلف گوید که نظیر این با تاویل آن در لیالی سابقه
مذکور شد **چهارم** ایضا سید در کتاب مذکور و ابن باقی در اختیار از رسول خدا صلی الله
علیه واله اسند عا برای این شب روایت کرده اند تبارک الله احسن الخالقین خالق الخلق
ومنشئ السحاب وامر الرعد ان یسبح له تبارک الذی بیده الملک وهو علی کل شیء
قدیر الذی خلق الموت والحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملا تبارک الذی نزل
الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیرا تبارک الذی ان شاء جعل لک خیرا من ذلک
جنات تجری من تحتها الانهار ویجعل لک قصورا تبارک الله احسن الخالقین
روز بیست و نهم واعمال آن چند چیز است **اول** سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال
اسند عا برای این روز نقل نموده است سبحان الذی یعلم ما فی السموات وما فی الارض
ما یکون من نجوی ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنی من ذلک ولا
اکثر الا هو معهم این ما کانوا ثم ینبئهم بما عملوا یوم القیمة ان الله بکل شیء علیم
سبحان الله باری النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها
سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق
کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله
رب العالمین **دوم** سید ابن باقی حشره الله مع الصالحین الاخیار در کتاب اختیار این
دعا برای این روز نقل نموده است اللهم انی اسالک یا من سخر لداود الجبال والان
له الحدید یا من یمسک السموات ان تقع علی الارض الا باذنه یا من یمسک السموات السماء ان
والارض ان تزولا یا محیی الموتی ونکتب ما قدموا واثارهم وکل شیء احصیناه

فی امام مبین یا من خلق الازواج کلها مما تنبت الارض ومن انفسهم ومما لا یعلمون یا من
یحیی العظام وهی رمیم یا من من علی موسی وهرون ونجاهما من الکرب العظیم یا من
سبقت کلمته لعباده المرسلین والمؤمنین یا من اتی داود الحکمة وفصل الخطاب
یا من سخر لسلیمان الریح تجری بامره رخاء حیث اصاب یا من غافر الذنب وقابل
التوب شدید العقاب ذی الطول لا اله الا هو الیه المصیر یا من یعلم خائنة الاعین
وما تخفی الصدور اللهم انی اسالک بما ناجیتک به فی یومی هذا رجاء عفوک ان
تعفو عنی وتفتح لی ابواب الخیر کلها بکرمک والرحمة والمغفرة بجودک وان توفقنی
الی احب الاعمال الیک وان ترشدنی الی مرضاتک عندک وتکفینی ما لک وان تسددنی الی حسن
القول عندک وان تحشرنی یوم القیمة مع خیر خلقک وتجعل محمدا واهل بیته الطاهرین
شفعائی وتجعلنی من حزبهم وموالیهم وترزقنی خیر الدارین وتصرف عنی شر ما تقینی وشر
ما انکره من احد من خلقک انک علی کل شیء قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله
علی سیدنا محمد واله الطاهرین **سیم** صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت کرده است که
رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود که هر که این روز از روزه بدارد دو اسند عا انجو اند حق تعالی بنا کند
برای او در سایه عرش خود صد براح که بر سر هر براحی خیمه باشد وباو بگویند که ای بنده من ساکن شو در
زیر عرش من ومخور غم ایام سیبب اعمالی که کرده در ایام گذشته **و دعا این است** اللهم اجعل
سعیی فیه مشکورا وذنبی یعفوک فیه مغفورا وعیبی بجودک فیه مستورا یا سامع اصوات المبتهلین
شب بیست و نهم واعمال آن چند چیز است **اول** غسل چنانچه گذشت که در هر شب از شبهای دهه
اخر ماه غسل سنت است **دوم** شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب اربعین از رسول خدا
صلی الله علیه واله روایت نموده است که هر که در این شب هشت رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد را صد نوبت بخواند اسمانهای هفتگانه برای او مفتوح
شود بالنجر برای او هست نزد حق تعالی از زیارتهای ثواب **سیم** سید ابن طاوس روح الله
روحه در کتاب اقبال از عمل شهر رمضان ابن ابی قره رضی الله عنه نقل نموده که او میبند خود از

یا سمیع الاصوات ... ما انکرهم

عمر بن یزید روایت کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام با و فرمود که در شب بیست و سوم از شبهای عشر
اخر ماه مبارک رمضان این دعا را بخوان یا جاعل اللیل والنهار آیتین یا من محی آیة اللیل وجعل مجیی دعای شب بیست و سوم
آیة النهار مبصرة لتبتغوا فضلاً منه ورضوانا یا مفصل کل شیء تفصیلاً یا الله یا واحد
یا الله یا وهاب یا الله یا جواد یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنى
والامثال العلیا والکبریاء والآلاء والنعماء اسألک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم
ان کنت قضیت فی هذه اللیلة تنزل الملائکة والروح من کل امر حکیم فصل علی محمد وآله
واجعل اسمی فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة
وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب بالشک عنی وترضینی بما قسمت لی
وآتنی فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنی عذاب النار وارزقنی یا رب فیها ذکرک
وشکرک والرغبة والانابة الیک والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد
علیه وعلیهم السلام وافعل بی کذا وکذا الساعة الساعة تا نفس منقطع شود و بجای و افعل
بی کذا وکذا حوائج خود را طلب کن پس سید گفته که این دعا زیاده است و این دعا را نقل نموده
اللهم انک عیرت اقواما علی لسان نبیک صلی الله علیه وآله فقلت ادعوا الذین زعمتم
من دونه لا یملکون کشف الضر عنکم ولا تحویلا فیا من لا یملک کشف الضر عنهم ولا عنکم
تحویلا غیره صل علی محمد وآل محمد واکشف ما بی من مرض وحوله عنی وانقلنی فی
هذا الشهر العظیم من ذل المعاصی الی عز طاعتک یا ارحم الراحمین مؤلف گوید که نظر
با توجیه ان سابقا مذکور شد چهارم ایضا سید در کتاب مذکور و ابن باقی در کتاب اختیار
از رسول خدا صلی الله علیه وآله این دعا را برای این شب روایت نموده اند ربنا لا تزغ قلوبنا
بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب ربنا اننا سمعنا منادیا
ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا

وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیامة انک لا تخلف
المیعاد ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین
من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا
فانصرنا علی القوم الکافرین روز بیست و سوم و اعمال آن چند چیز است اول سید ابن طاوس
طاب ثراه در کتاب اقبال این دعا را برای این روز ذکر نموده است سبحان الله مالک الملک
تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک
الخیر انک علی کل شیء قدیر تولج اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج الحی
من المیت وتخرج المیت من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب سبحان الله باریء النسم
سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور
سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری
سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سه نوبت دویم سید ابن باقی رحمه الله
مع الاولیاء الاخیار در کتاب اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است اللهم انی اسألک
یا من قضی سبع سموات طباقا واوحی فی کل سماء امرها یا من ینزل الغیث من بعد ما
قنطوا وینشر رحمته وهو الولی الحمید یا من یعلم سر عباده ونجواهم ورسله لدیهم یکتبون
یا من له الکبریاء فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم یا من یحیی ویمیت ربنا ورب
آبائنا الاولین یا من اهلک القری وصرف الآیات لعلهم یرجعون یا من رضی عن المؤمنین
اذ یبایعونک رسوله تحت الشجرة فعلم ما فی قلوبهم فانزل السکینة علیهم واثابهم فتحا یبایعون
قریبا یا من ارسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله وکفی بالله شهیدا
اسألک یا الهی بما مدحتک به ان تصلی علی خیرتک من خلقک واهل بیته الاطهار الاخیار
الابرار ومن آمن بهم وصدقهم وعمل بطاعتهم وان تعطف علیهم ببرکاتک

وتوسع علي من رزقك وفضلك وتتم علي من نعمتك وتهنئني بكرامتك وتجعلني من الشاكرين لك فهواي اليك وحبي وتوكلي عليك وذلي لك وخضوعي بين يديك وحوائجي كلها اليك ومقضية عندك ولذلك فلا ملجأ ولا منجا منك الا اليك وان تتم احسانك الي بفكّ رقبتي من النار وان تحشرني مع اهل بيت نبيك الاخيار الابرار انك على كل شيء قدير وهو عندك يسير وانا الى احسانك فقير وصلى الله على سيدنا محمد واله الطاهرين

سيم صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس روايت كرده است كه رسول خدا صلى الله عليه واله فرمود كه هر كه اين دو شب را روزه بدارد و اين دعا را بخواند پروردگار عالميان با او سخن گويد در روز قيامت و بگويد كه اي بنده من مترس و دلگير مباش بدرستي كه حق را امر نموده‌ام **و دعا اينست** اللهم اجعلني فيه محبا لاوليائك ومعاديا لاعدائك مستنا بسنة خاتم انبيائك يا عاصم قلوب النبيين

شب بيست وهفتم و اعمال آن چند چيز است **اوّل** غسل بخصوص اين شب زياده از اكثر بدهم شب از شبهاي عشر اخر وارد شده مؤكد است چنانچه سيد ابن طاوس قدس الله روحه در كتاب اقبال بسند خود از ابن ابي يعفور روايت كرده است كه گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه پرسيدم از غسل در ماه مبارك رمضان فرمود كه غسل كن در شب نوزدهم وبيست ويكم وبيست وهفتم وبيست ونهم **دويم** ايضا در كتاب مذكور بسند خود از زيد بن علي بن الحسين عليهم السلام روايت كرده است كه شنيدم از پدرم حضرت سيد الساجدين صلوات الله عليه كه در شب بيست وهفتم ماه رمضان از اول شب تا اخر مكرر اين كلمات را ميفرمود اللهم ارزقني التجافي عن دار الغرور والانابة الى دار الخلود والاستعداد للموت قبل حلول الفوت **سيم** شيخ شهيد قدس الله نفسه در كتاب اربعين از حضرت خاتم النبيين صلى الله عليه واله الطاهرين روايت كرده است كه هر كه در اين شب چهار ركعت نماز بكند هر دو ركعت بيك سلام و در هر ركعتي بعد از حمد سوره تبارك الذي بيده الملك را يكنوبت بخواند و اگر اين سوره در حفظ نداشته باشد سوره قل هو الله احد را بيست و پنج نوبت بخواند حق تعالى او را و پدر و مادر او را بيامرزد **چهارم** سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال از كتاب عتيقي بعضي از اصحاب اين دعا را براي اين شب نقل نموده است الحمد لله الذي خلق بدائعه بقدرته وملك الامور بعزته وعدل فلا يجور وانصف فلا يحيف وكيف يجور ويحيف على من سماه بالضعف وقرعه بالفقر ونبهه على الغناء الاكبر من رضوانه ودعاه الى الحظ الاوفر من غفرانه واسرع له الى ذلك السبيل وامره

ان يلحقها بصالح العمل لم يتهم بالشفوة من امر بالرحمة وبالجود على العبيد بل اوجب العقاب على فاسقهم والثواب لمن نهاهم من هو اشفق عليهم من ام الفروخ على فرخها تعالى الله عما يقول الظالمون علوا كبيرا سبحان من صومني من الطعام والشراب ومن فرقه بما يورطني في اليم العذاب فخلصني من العقاب بصيام واجب لي الثواب بصيام لي الحمد لله على ان هداني وعافاني وكفاني كما يتحقق الجواد الكريم يا ارحم الراحمين صلى الله على محمد وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين وسلم تسليما كثيرا **پنجم** ايضا سيد در كتاب مذكور از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره رضي الله عنه نقل نموده كه او بسند خود از عمر بن يزيد روايت نموده است كه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله وسلامه عليه با و فرمود كه در شب هفتم از شبهاي عشر اخر ماه رمضان اين دعا را بخوان يا ماد الظل ولو شئت لجعلته ساكنا ثم جعلت الشمس عليه دليلا ثم قبضته اليك قبضا يسيرا يا ذا الحول والطول والكبرياء والالاء لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة يا رحمن يا رحيم يا لا اله الا انت يا ملك يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء والنعماء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح من كل امر حكيم فصل على محمد واله واجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب بالشك عني وترضيني بما قسمت لي واتني في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقني عذاب النار وارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة والانابة اليك والتوبة والتوفيق لما وفقت له شيعة ال محمد يا ارحم الراحمين ولا تفتني بطلب ما زويت عني بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق منك واسع بحلالك عن حرامك وارزقني العفة في بطني وفرجي وفرج

وممتحنا

عظمائي

دعاى شب هفتم از عشر اخر

عني كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر على افضل ما رآها احد
ووفقني لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام وافعل بي كذا وكذا ويحاجي
وافعل بي كذا وكذا حوائج خود را طلب نمايد پس بگويد الساعة الساعة تا نفس تنگ شود يعني
گفتن كه اين دعا زيادتي است و اين دعا را نقل نموده است اللهم اني اسالك واقسم عليك
بكل اسم هو لك سميت به احدا من خلقك او استاثرت به في علم الغيب عندك واسالك
باسمك الاعظم الذي حق عليك ان تجيب من دعاك به ان تصلي على محمد وآل محمد
وتسعدني في هذه الليلة سعادة لا اشقى بعدها ابدا يا ارحم الراحمين مؤلف گويد
كه نظر ابن بابويه بيان گذشت ششم ايضا سيد در كتاب مذكور وابن باقي در كتاب اختيار
اين دعا را از حضرت رسول صلى الله عليه وآله وسلم براي اين شب روايت نموده اند ربنا
اننا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا
على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد ربنا امتنا اثنتين واحييتنا
اثنتين فاعترفنا بذنوبنا فهل الى خروج من سبيل ربنا اصرف عنا عذاب جهنم
ان عذابها كان غراما ربنا هب لنا من ازواجنا وذرياتنا قرة اعين واجعلنا للمتقين
اماما ربنا عليك توكلنا واليك انبنا واليك المصير ربنا لا تجعلنا فتنة للذين
كفروا ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا
للذين آمنوا ربنا انك رؤف رحيم روز بيست و هفتم واعمال آن چند چيز است اول سيد بن
طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال اين دعا را براي اين روز نقل نموده است سبحان الذي بيده
مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها
ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين سبحان الله بارئ
النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل
الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء
سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين

سه نوبت دوم ابن باقي حشره الله في زمرة الاخيار در كتاب اختيار اين دعا را براي اين روز نقل نموده است
اللهم اني اسالك يا من خلق الزوجين الذكر والانثى من نطفة اذا تمنى يا من اهلك عادا
الاولى وثمود فما ابقى وقوم نوح من قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى يا من فتح ابواب السماء
بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر يا من يسر القرآن للذكر فهل
من مدكر يا من نجى آل لوط بسحر نعمة من عنده يا من خلق كل شيء بقدر يا من اخذ الفرعون
اخذ عزيز مقتدر يا من رفع السماء ووضع الميزان يا من وضع الارض للانام يا من يسبح
له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم يا من هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو
بكل شيء عليم اللهم اني اسالك بما ناجيتك به من مدحتك في يومي هذا ان تصلي على محمد
وعترته الطاهرة وان تفك رقبتي من النار يا من اياديه ونعمه لا تحصى بعدد ولا تكافى
بعمل الحمد لله الذي خلقني ولم اك شيئا مذكورا وفضلني على كثير من خلق في الرزق
والحمد لله واستغفر الله من كل ذنب واساله في يومي هذا وساعتي هذه وزماني ان يمن
علي بالعفو من عذابه والاقالة من عقابه والقبول لما افترض علي وان يؤتيني خير الدنيا
والآخرة والامن والعافية والغنى والمغفرة انك على كل شيء قدير وصلى الله على
سيدنا محمد وآله الطاهرين سيم صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس روايت كرده است كه رسول
خدا صلى الله عليه وآله فرمود كه هر كه اين روز را روزه بدارد و اين دعا را بخواند پس گويا اطعام نموده
هر گرسنه را و سيراب نموده باشد هر تشنه را در دار دنيا و گويا گرامي نموده باشد هر مؤمن و ذريه مؤمن
و دعا اين است اللهم امنحني خير فضل ليلة القدر وصير اموري فيه من العسر الى اليسر
واقبل معاذيري وحط عني الوزر يا رؤفا بعباده الصالحين شب بيست و هشتم واعمال آن
دوم چند چيز است اول غسل چنانچه گذشت كه در هر شب از شبهاي دهه آخر ماه غسل مستحب است
شيخ شهيد قدس الله سره در كتاب اربعين از حضرت رسالت صلى الله عليه وآله روايت نموده

کرهر کرد در این شب شش رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد ده مرتبه آیة الکرسی
و ده مرتبه سوره انا اعطیناک الکوثر و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و چون سلام دهد صد نوبت
صلوات بر رسول خدا و آل او صلی الله علیهم اجمعین بفرستد حق تعالی او را بیامرزد مؤلف گوید
که محتمل است که صلوات بعد از هر دو رکعت باشد یا بعد از تمام شش رکعت سیم سید ابن طاوس
طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رضی الله عنه نقل نموده که او بسند خود
از عمرو بن یزید روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه باو فرمود که در بیست
هشتم از شبهای عشر آخر ماه رمضان این دعا را بخوان یا خازن اللیل فی الهواء و خازن النور
فی السماء و یا مانع السماء ان تقع علی الارض الا باذنه و حابسهما ان تزولا یا علیم یا عظیم
یا الله یا قریب یا باعث من فی القبور یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله لک الاسماء
الحسنی و الامثال العلیا و الکبریاء و العظمة و الآلاء و النعماء اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم
ان کنت قضیت فی هذه اللیلة تنزل الملائکة و الروح من کل امر حکیم فصل علی محمد
و آل محمد و اجعل اسمی فی السعداء و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین و اسائتی مغفورة
و ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی و ایمانا یذهب بالشک عنی و ترضینی بما قسمت لی و آتنی فی الدنیا
حسنة و فی الآخرة حسنة و قنی عذاب النار و ارزقنی یا رب فیها ذکرک و شکرک و الرغبة
و الانابة الیک و التوبة و التوفیق لما وفقت له شیعة آل محمد یا ارحم الراحمین و لا تفتنی
بطلب ما زویت عنی بحولک و قوتک و اغننی یا رب برزق منک واسع بحلالک عن حرامک
و ارزقنی العفة فی بطنی و فرجی و فرج عنی کل هم و غم و لا تشمت بی عدوی و وفق
لی لیلة القدر علی افضل ما رآها احد و وفقنی لما وفقت له محمدا و آل محمد علیهم السلام
و افعل بی کذا و کذا و بجای و افعل بی کذا و کذا حوائج خود را طلب نماید پس بگوید الساعة الساعة
تا نفس منقطع شود پس سید گفته که این دعا زیاده است و این دعا را ذکر نموده است اسئلک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تهب لی قلبا خاشعا و لسانا صادقا و جسدا صابرا و تجعل ثواب
ذلک الجنة یا ارحم الراحمین مؤلف گوید که نظر این با توجیه آن سابق مذکور شد چهارم ایضا

دعای شب بیست هشتم

یا علیم

در کتاب مذکور

نموده که

در کتاب مذکور و ابن باقی در کتاب اختیار این دعا را از حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای این شب روایت
آمنا بالله و کفرنا بالطاغوت آمنا بمن لا یموت آمنا بمن خلق الشمس و القمر و النجوم و الجبال و الشجر
و الدواب و خلق الجن و الانس آمنا بما انزل الینا و انزل الیکم و الهنا و الهکم واحد و نحن له مسلمون
آمنا برب هرون و موسی آمنا برب الملائکة و الروح آمنا بالله وحده لا شریک له آمنا بمن انشأ
السحاب و خلق العذاب و العقاب آمنا آمنا آمنا آمنا آمنا آمنا بالله روز بیست هشتم و اعمال آن
چند چیز است اول سید ابن طاوس قدس الله روحه در کتاب اقبال این دعا را برای این روز نقل کرده است
سبحان الذی لا یحصی مدحته القائلون و لا یجزی بآلائه الشاکرون العابدون و هو کما قال
و فوق ما نقول و الله کما اثنی علی نفسه و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه
السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم سبحان الله باری النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات و النور سبحان الله
فالق الحب و النوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری و ما لا یری سبحان
الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سه نوبت دوم سید ابن باقی رضی الله عنه در کتاب
اختیار این دعا را برای این روز نقل نموده است اللهم انی اسئلک یا من کتب لاغلبن انا و رسلی
ان الله قوی عزیز یا الله الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر الخالق الباری
المصور لک الاسماء الحسنی یسبح لک ما فی السموات و الارض و انت العزیز الحکیم یا من اید
الذین آمنوا علی عدوهم فاصبحوا ظاهرین یا من بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته
و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة یا خیر الرازقین یا من له الملک و الحمد و هو علی کل
شیء قدیر یا من خلق الموت و الحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملا و هو العزیز الغفور
اللهم انی اسئلک بما ناجیتک به فی یومی هذا و شهری هذا الذی عظمته و شرفته
و کرمته ان تصلی علی محمد و اهل بیته الطاهرین الاخیار من خلقک و ان تصلی

روز بیست نهم

علی ما کان منی فقد تعلم حاجتی واعطنی سؤلی ورغبتی فانت عالم بما فی نفسی فاغفر لی
ذنوبی واقض لی سائر حوائجی واصلح لی شانی وارزقنی خیر الدنیا والاخرة وفك
رقبتی من النار وهب لی رضوانك والجنة فان ذلك علیك یسیر وانت علی کل شیء
قدیر وانا الیك فقیر وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین **سیم** صاحب کتاب ذخیره
از ابن عباس روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که این روز را روزه
بدارد و این دعا را بخواند حق تعالی با و نصیب وافری از ثواب عطا فرماید که اگر بنا ها کنند
چهل هزار برابر دنیا باشد **ودعا اینست** اللهم وفر حظی فیه من النوافل واکرمنی فیه
باحضار المسائل وقرب فیه وسیلتی الیك من بین الوسائل یا من لا یشغله
الحاح الملحین **شب بیست و نهم** واعمال آن چند چیز است **اول** غسل مخصوص این شب زیاده از
آنکه در هر شب از شبهای عشر آخر وارد شده مؤکد است چنانچه روایت آن در شب بیست و هفتم
مذکور شد **دوم** شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب اربعین از رسول خدا صلی الله علیه وآله
روایت نموده است که هر که در این شب دو رکعت نماز بکند در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله
احد را بیست مرتبه بخواند از جمله مرحومان کرده و کتاب اعمال آن بعلیین بالا برده شود **سیم**
سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب عمل شهر رمضان ابن ابی قره رضی الله عنه نقل
نموده اند که او بسند خود از عمر بن یزید روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام با و فرمود که در
شب نهم از شبهای عشر آخر ماه رمضان این دعا را بخوان یا مکور اللیل علی النهار ومکور النهار
علی اللیل یا علیم یا عظیم یا عظیم یا رب الارباب وسید السادات لا اله الا انت یا من هو
اقرب الی من حبل الورید یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله لك الاسماء الحسنی
والامثال العلیا والکبریاء والآلاء والنعماء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحیم
ان کنت قضیت فی هذه اللیلة تنزل الملائکة والروح من کل امر حکیم فصل علی
محمد وآله واجعل اسمی فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی
مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب بالشك عنی وترضینی بما
قسمت لی وآتنی فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنی عذاب النار وارزقنی یا رب فیها ذکرك

النبی وآله وسلم

بعض نسخ الرحیم الراحمین

دعای شب نهم از عشر آخر

وشکرك

وشکرك والرغبة والانابة الیك والتوبة والتوفیق لما وفقت له شیعة آل محمد یا ارحم
الراحمین ولا تفتنی بطلب ما زویت عنی بحولك وقوتك واغننی یا رب برزق منك واسع
بحلالك عن حرامك وارزقنی العفة فی بطنی وفرجی وفرج عنی کل همی وغمی ولا تشمت
بی عدوی ووفق لی لیلة القدر علی افضل ما رآها احد ووفقنی لما وفقت له محمدا
وآل محمد علیه وعلیهم السلام وافعل بی کذا وکذا ویجای کذا وکذا حوائج خود را طلب کند
و بگوید الساعة الساعة تا نفس تنگ شود **مولف گوید** که سید در این مقام زیادتی بغیر روایت
نقل کرده است **چهارم** ایضا سید در کتاب مذکور و ابن باقی در کتاب اختیار از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله این دعا را برای این شب روایت کرده اند توکلت علی السید الذی لا یغلبه
احد توکلت علی الجبار الذی لا یقهره احد توکلت علی العزیز الرحیم الذی
یراك حین تقوم وتقلبك فی الساجدین توکلت علی الحی الذی لا یموت توکلت علی
من بیده نواصی العباد توکلت علی الحلیم الذی لا یعجل توکلت علی العدل
الذی لا یجور توکلت علی الصمد الذی لم یلد ولم یولد توکلت علی القادر القاهر العلی
الصمد توکلت توکلت توکلت توکلت توکلت توکلت توکلت توکلت
روز بیست و نهم واعمال آن چند چیز است **اول** سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال
این دعا را برای این روز نقل نموده است سبحان الله الذی یعلم ما یلج فی الارض وما
یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها ولا یشغله ما ینزل من السماء وما یعرج فیها
عما یلج فی الارض وما یخرج منها ولا یشغله ما یلج فی الارض وما یخرج منها عما ینزل من
السماء وما یعرج فیها ولا یشغله علم شیء عن علم شیء ولا یشغله خلق شیء عن خلق
شیء ولا حفظ شیء عن حفظ شیء ولا یساویه شیء ولا یعدله شیء لیس کمثله شیء
وهو السمیع البصیر سبحان الله باریء النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج
کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق بنویت
کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین

دعاء سیدابن باقی حشره الله مع الصدیقین الاطهار در کتاب اختیار اسناد دعائی برای این روز نقل
نموده است اللهم انی اسالک یا من هو اعلم بمن اهتدی واسالک یا من خلق سبع سموات طباقا
وجعل القمر فیهن نورا وجعل الشمس سراجا یا من لا یوجد من دونه ملتحدا یا من احاط
بما لدیه واحصی کل شیء عددا یا اهل التقوی یا اهل المغفرة یا من هو قادر علی ان یحیی
الموتی یا من اعد للکافرین سلاسل واغلالا وسعیرا یا مرسل المرسلات والعاصفات
والناشرات والفارقات والملقیات ذکرا یا من خلق الارض کفاتا احیاء وامواتا
وجعل فیها رواسی شامخات واسقی عباده ماء فراتا اسالک بانک انت الله الاول و
الاخر والظاهر والباطن وانت بکل شیء علیم وبما سالک به السائلون من عبادک
الصالحین ان ترزقنی فعل الخیرات والعمل الصالح واجتناب الفواحش وما الاثم منی
یا من لا یعجزه شیء اراده ویا من لا یتعاظمه غفران الذنوب العظام یا من یقبل العاثرین
ویعفو عن المذنبین ویتکرم علی المسیئین ویفتح باب التوبة للخاطئین ارحمنی فانک
ارحم الراحمین واعتقنی فی یومی هذا من النار انک علی کل شیء قدیر وصلی
علی سیدنا محمد النبی وآله الطاهرین سیم صاحب کتاب ذخیره از ابن عباس روایت نموده است
که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که این روز را روزه بدارد واین دعا را بخواند حق تعالی
در بهشت هزار شهر از طلا ونقره وزبرجد ومروارید باو عطا فرماید ودعا اینست اللهم
غشنی فیه بالرحمة وارزقنی فیه التوفیق والعصمة وطهر قلبی من غیابات التهمة یا رحیما
بعباده المذنبین سیم این شب بسیار با برکت وفضیلت است سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب
اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود که حضرت
سید الساجدین صلوات الله علیه چون ماه مبارک رمضان داخل میشد هیچ غلامی وکنیزی را
بجهت تقصیراتی که از ایشان ظاهر میشد وهر گناهی که میکردند در کتابی ثبت میفرمود ومینوشت که فلان
غلام یا فلان کنیز در فلان وقت چنین گناهی کرده تا چون شب آخر ماه مبارک رمضان میشد ایشان را
می طلبید ودر حضور ایشان را جمع میفرمود وآن کتاب را با ایشان می نمود وبهر یک میفرمود
که ای فلانی تو فلان گناه را کردی ومن ترا تادیب ننمودم آیا بخاطر داری میگوید بلی یا ابن رسول الله
صلی الله علیه وآله تا آنکه همه این سخن را میفرمود وایشان اعتراف بگناهان خود می نمودند پس آنحضرت

والفارقات

الصالحون وارزقنی

مغابات
غیابات
المومنین

ودرمیان ایشان می ایستاد ومیفرمود که صداهای خود را بلند کنید وبگوئید که یا علی بن الحسین بدرستی
که پروردگار تو احصا فرموده است بر تو هر چه کرده چنانچه بر تو احصا کرده بر ما هر گناهی را که کرده ایم
ونزد حق تعالی کتابی هست که ناطق است بر تو بحق وهیچ صغیره وکبیره نیست که تو آنرا کرده باشی مگر
آنکه حق تعالی آنرا احصا فرموده وحاضر خواهی یافت هر چه را کرده نزد حق تعالی چنانچه ما حاضر
یافتیم هر چه را کرده ایم نزد تو پس عفو کن ودرگذر چنانچه امید عفو داری از پادشاه عفو کننده و
چنانچه میخواهی که خداوند عالم از تو عفو فرماید پس از ما عفو کن تا بیابی او را عفو کننده از تو
ورحم کننده بتو وآمرزنده برای تو وپروردگار تو هیچ کس را ظلم نمیکند چنانچه نزد تو کتابی هست
که ناطق بحق است بر ما وهیچ صغیره وکبیره نیست که ما کرده ایم مگر آنکه کتاب تو آنرا احصا کرده است
ای علی بن الحسین بیاد آور خواری ومذلت خود را در برابر خداوند حاکم عادل تو که بقدر حبه خردلی
ظلم نمیکند وهر چه کرده هر چند بقدر خردلی باشد آنرا در قیامت حاضر میگرداند وحساب میکند
وشاهد وگواه است بر آنها وبس است او برای حساب خلایق وگواه بودن کردههای ایشان پس عفو کن
ودرگذر ای علی بن الحسین تا عفو کند ودرگذرد مالک تو بدرستی که پروردگار تو میفرماید ولیعفوا
ولیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم یعنی باید که عفو کنید ودرگذرید آیا دوست نمیدارید
که خدا بیامرزد شما را وآنحضرت او را بلند تلقین ایشان میفرمود وایشان او را بلند میگفتند
وخود در میان ایشان ایستاده بود ومیگریست ونوحه میکرد ومیفرمود کلماتی چند که مضمونش
اینست که خداوند امر فرموده ما را که عفو کنیم ودرگذریم از کسی که بر ما ظلم کرده باشد وما ظلم کرده ایم
بر نفس خود وعفو کرده ایم از کسی که بر ما ظلم کرده چنانچه امر کرده بودی پس تو نیز عفو کن از ما بدرستی
که تو بعفو کردن سزاوارتری از ما واز جماعتی که ایشان را امر کرده بعفو خداوند امر فرموده ما را که
رد نکنیم سائلی را از در خانه خود وبدرستی که ما آمده ایم بدرگاه تو سؤال کننده ومسکین وبیچاره وبر
درگاه تو ایستاده ایم ودر ساحت کرم تو فرود آمده ایم وطلب میکنیم از تو احسان ترا وکرم وعطای ترا
پس عطا کن بما وناامید مگردان ما را بدرستی که تو اولی بعطا کردن وناامید نکردنی از ما واز
جماعتی که امر فرموده ایشان را بعطا کردن وناامید نکردن سائلان خداوندا بپوشتر کرم کرده پس کرامی
مرا چون از سؤال کنندگان توایم وبپوشتر احسان ونیکی کرده پس مرا مخلوط کن در زمره گروهی که بایشان
عطا کرده ای خداوندکریم پس رو بایشان میکرد ومیفرمود که من از شما عفو کردم پس آیا شما عفو کردید
از من ودرگذشتید از بدی که بشما کرده ام بدرستی که من بد مالکی ظالمی بودم برای شما ومالک من

کریم و بخشاینده و عادل و نیکوکار و صاحب تفضلات پس ایشان همگی میگفتند که عفو کردیم از تو
ای سید ما و هرگز بدی نسبت بما از تو صادر نگردیده پس میفرمود که بگوئید خداوندا عفو کن از علی بن
الحسین چنانچه او عفو کرد از ما و آزاد کردان او را از آتش جهنم چنانچه او ما را از بندگی آزاد کرد
و چون میگفتند خداوندا امین میفرمود پس با ایشان میفرمود که بروید که عفو کردم از شما و آزاد کردم شما را
باامید آنکه حق تعالی عفو فرماید از من و آزاد کرداند مرا از آتش جهنم و چون روز عید فطر میشد جایزهای
نیکو با ایشان عطا میفرمود آنقدر که غنی میشدند و بدرستی که هیچ سالی نبود مگر آنکه در شب آخر ماه رمضان
بیست بنده یا بیشتر یا کمتر آزاد میکرد و میفرمود که حق تعالی در هر شب از ماه رمضان در وقت افطار
هفتاد هزار هزار کس را که مستوجب جهنم شده باشد از آتش جهنم آزاد میکرداند و چون شب آخر میشود
مثل همه در تمام آن ماه آزاد کرده از آتش جهنم آزاد میکرداند و بدرستی که من میخواهم که حق تعالی ببیند
مرا که در دنیا چند بنده آزاد کرده‌ام شاید که مرا از آتش جهنم آزاد کرداند پس حضرت صادق علیه السلام فرمود
که آنحضرت هرگز خادمی را بیش از یکسال خدمت نمیفرمود و هر خادمی را اگر در اول سال یا در میان
سال میخرید چون شب عید میشد او را آزاد میکردانید و در سال دوم خادمان دیگر میخرید و باز
در شب عید فطر آزاد میکرد و پیوسته چنین می‌نمود تا از عالم فنا رحلت نمود و بسیار غلامان
سیاه میخرید با آنکه احتیاجی با ایشان نداشت و ایشان را بعرفات حاضر میکردانید و چون از عرفات
روانه میشد همگی ایشان را آزاد میکردانید و جایزه‌ها با ایشان عطا میفرمود از مال خود **مؤلف گوید**
که این حدیث شریف دلالت میکند بر آنکه در این شب دعا و تضرع و استغاثه و استغفار و تصدق
و بنده آزاد کردن ثواب عظیم و اجر جزیل دارد **و بنابراین** سید و سایر علما از این حدیث چنین
فهمیده‌اند که در شب آخر ماه رمضان حضرت بندگان خود را حاضر میساختند و ایشان را
بکیفیت مذکوره در این حدیث آزاد میفرموده و والد علامه ادام الله ظلاله الی یوم القیامة در بعضی
از تعلیقات خود نوشته که ظاهر این حدیث دلالت میکند بر آنکه مراد شب عید بوده باشد
والله تعالی یعلم **واما اعمال این شب** پس چند چیز است **اول** بنده آزاد کردن چنانچه از حدیث
سابق موافق فهم سید و سایر علما معلوم میشود **دوم** غسل چون شب آخر از عشر آخر ماه است
و در هر شب از شبهای آن غسل مستحب است **سیم** شیخ شهید قدس الله روحه در کتاب اربعین از رسول
خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که در این شب دوازده رکعت نماز بکند هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله احد بیست نوبت بخواند و صد نوبت صلوات

بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و آل او صلی الله علیهم اجمعین بفرستد حق تعالی خاتمه او را برحمت ختم نماید
مؤلف گوید که محتمل است که صد نوبت صلوات را در هر رکعتی بعد از اتمام سوره قل هو الله احد باید
بخواند یا بعد از سلام هر دو رکعتی باید بخواند یا بعد از تمام دوازده رکعت بخواند و احتمال آخر شاید
اظهر باشد **چهارم** سید ابن طاوس قدس الله نفسه الزکیة در کتاب اقبال از کتاب حسنی که تألیف
جعفر بن محمد دوریستی است نقل نموده است که او بسند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت
نموده است که هر که در شب آخر ماه مبارک رمضان ده رکعت نماز بکند و در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره
قل هو الله احد ده نوبت بخواند و در هر یک از رکوع و سجود سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
والله اکبر ده نوبت بگوید و بعد از هر دو رکعت تشهد بخواند و سلام بگوید و چون سلام رکعت آخر را
بگوید هزار نوبت استغفار بکند و بعد از آن بسجده رود و در سجده بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال
والاکرام یا رحمن الدنیا و الاخرة و رحیمهما یا ارحم الراحمین یا اله الاولین و الآخرین
اغفر لنا ذنوبنا و تقبل منا صلواتنا و صیامنا و قیامنا پس آنحضرت فرمود که بآن خدائی که مرا بحق
به پیغمبری مبعوث گردانیده است که جبرئیل خبر داد مرا از اسرافیل از خداوند عالمیان که این شخص
سر از سجده بر نمیدارد تا آنکه می‌آمرزد او را حق تعالی و قبول میفرماید از او ماه رمضان را و در میگذرد
از گناهان او هر چند هفتاد گناه کرده باشد که هر گناهی عظیم تر از جمیع گناهان بندگان باشد
و قبول فرماید اعمال جمیع اهل کوره را که این مرد در آن سکنی دارد پس حضرت بجبرئیل علیه السلام
فرمود که ای جبرئیل حق تعالی قبول میفرماید از او خصوص ماه رمضان را و از اهل بلاد او عموما
پس جبرئیل علیه السلام گفت بلی قسم بآن خدائی که ترا مبعوث گردانیده است که بجهت کرامت این شخص
و زیادتی منزلت او نزد خدا حق تعالی قبول میفرماید از او و از ایشان نمازها و روزها و عبادتهای
ایشان را و گناهان ایشان را می‌آمرزد و دعای ایشان را مستجاب میگرداند پس حضرت فرمود که قسم بآن
خدائی که مرا بحق مبعوث گردانیده است که هر که این نماز را بکند و این استغفار را بکند حق تعالی
قبول میفرماید نماز او را و روزه او را و عبادت او را و می‌آمرزد او را و دعای او را مستجاب میکند
زیرا که حق تعالی در کتاب خود میفرماید و استغفروا ربکم انه کان غفارا یعنی طلب مغفرت
نمائید از پروردگار خود بدرستی که او آمرزنده و غفار است و در جای دیگر میفرماید و استغفروا
ربکم ثم توبوا الیه یعنی استغفار کنید پروردگار خود را پس توبه کنید بسوی او و در جای دیگر
میفرماید و الذین اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا الله فاستغفروا لذنوبهم و من

يغفر الذنوب الا الله يعني آن جماعتي كه هرگاه فاحشه وگناهي كردند يا ظلم بر نفس خود كردند يا گناه معصيتي
مرتكب شدند خدا را بياد مي آورند پس استغفار مي نمايند براي گناهان خود وكه مي آمرزد گناه را بغير
ودرجاي ديگر ميفرمايد واستغفروا ربكم ثم توبوا اليه يمتعكم متاعا حسنا الى اجل مسمى ويؤت كل ذي
فضل فضله يعني استغفار نمائيد پروردگار خود را پس توبه بر كنيد بسوي او تا الكه عطا فرمايد بشما متاع نيكوئي
تا هنگام اجل تمام برده شده وبدهد بهر صاحب زيادتي وفضلي فضل او را ودرجاي ديگر فرموده
واستغفره انه كان توابا يعني استغفار كنيد حق تعالى را بدرستي كه او قبول كننده توبه است
پس حضرت فرموده كه اين عاز هديه ايست از جانب خداوند عالميان نسبت بمن برتمام و امت من از
مردان و زنان بر پيغمبران پيش از من وغير ايشان اين را عطا نفرموده است **پنجم** ايضا سيد در
كتاب مذكور گفته كه در روايتي وارد شده كه در شب آخر ماه مبارك رمضان سوره انعام وكهف ويس را
بخوان وهزار نوبت استغفر الله ربي واتوب اليه بگو **ششم** ايضا سيد رحمه الله در كتاب مذكور
از كتاب عتيق بعضي از اصحاب اين دعا را براي شب سي ام نقل نموده است الحمد لله الذي كمّل
صيامي ايام شهره الشريف من غير افطار واقبل بوجهي فيه الى طاعته من غير ادبار
واستنهضني اليه للاعتراف بذنوبي من غير اضرار واوجب لي بانعامه علي الاقالة من العثار
ووفقني للقيام في لياليه داعيا وله مناديا استوهب واستمنح العيوب واتقرب
باسمائه واستشفع بآلائه واتذلل بكبريائه وهو تبارك اسمه في كل ذلك
يصرفني بقوة الرجاء والتامل عن الشك في رحمته لتضرعي الى التحصيل بثقة
بجوده ورأفته وتبغيا لاشفاقه وعطفه اللهم هذا شهرك وقد كمل ومضى وهذا
الصيام قد تم وانقضى قدم بكره وقدومه عكين ما في النفوس من لذاتها ونفوذها
من مفارقة عاداتها فما ودعنا حتى ذللها بطاعته واخضعها الى طلب رحمته
فكان نهاره صياما نزكي لديك وليله قياما يوفد عليك واذهب القلوب
وعادك الذنوب واخضع الخدود ودفع اليك الراحات واسدى العبرات
بالنحب والزفرات اسفا على الزلات واعترافا بالهفوات واستقالة للعثرات
فرحمت وعطفت وسترت وغفرت واقلت وانعمت فغادرنا حينما لوفا
وتركنا وقادما بكرم فراقه فعليه السلام من شهر ودعنا بحجة او عنده

ونحن

ويبعد منك قربه وغنم من فضلك اجتلبه وفضائح تقدمت عندك هدمها وقبائح
محاها ونشرها وخيرات نشرها ومنافع ثمرها ومنن منك وفرها وعطايا اكثرها ودائع
مفارق خلقت خيراته واسعد بركاته وجاد بعطاياه اللهم فلك الحمد مني حمد
من لا يجاوز نفسه من تقدم جزعها منه ولا يجحد نعمك في الدنيا فديته ومحوته
عن سائل لك ان تعرض عما اعتمدته فيه ولم تعتمده من ذلك اعراض المتجافي العظيم
ان تقبل علي فيه بما تقربت به اقبال الراضي الكريم ان تنظر الي بنظره البر الرؤف
الرحيم اللهم عقب علي بغفرانك في عقباه وامني من عذابك ما اخشاه وقني — ووفقني له
من صنوفه ما اتوقاه واختم لي من خاتمته بخير تجزل عنه عطيتي وتشفع فيه ما اتى
وتكتبه فاتحتي وتنفي به شقوتي وتقرب به سعادتي وتملأ يدي من خيرات
الدارين بافضل ما ملأت يد سائل عود حبيت به امل امل وتمنحني في والدي
وفي جميع المؤمنين والمؤمنات الغفران والرضوان وتذكرهم منك باحسان
تبل ارواحهم سنة رضوانك وتوصل اليها لذة غفرانك وترعاها في رياض جنان
بين ظلال اشجارها وجداول انهارها وجني ثمارها وكثير خيراتها واستواء اقواتها
وصنوف لذاتها وسابغ بركاتها واحينا لورود هذا الشهر عائدا في قابل
عاما بعد عام اوزارنا وآثامنا الى القربات منك سبيلا وعليها دليلا واليها
سبيلا يا اقدر القادرين ويا اجود المسئولين اللهم ان كلما لفظت به اليك حمدا
وثناء لك من تمجيد وتحميد ووصف لقدرتك واقرار بوحدانيتك وارضاك من تصبحي
اليك ومن اقبالي بالثناء عليك فهو بتوفيقك فلك الحمد يا قاضي ما يوحشك وان
كان من اثر نعمك لا انكافيك ثم بهداية محمد نبيك صلى الله عليه وآله وسفارته
وارشاده ودلالته فقد اوجبت له بذلك من الحق عندك وعلينا ما نتقرب به

واوعزت فيه الينا اللهم فكما جعلته لهدايتنا علما واليك لنا طريقا وسلما ومن تخطك
ملجأ ومعتصما وفينا شفيعا مقدما ومشفعا مكرما وكان لامكافات لدا الامك
ولا اتكال من مجازاته الا عليك وكنا عن حقه بانفسنا واموالنا مقصرين وكان
فيها من الزاهدين وعنها من الراغبين ولسنا الى تاديته بواصلين ولا عليها بقادرين
فجزاؤه عنا بافضل صلواتك واطيب تحياتك اللهم صل عليه صلوة عدده منك
لشرايف حبواتك وكرايم عطياتك وموفور خيراتك ومعمور هباتك صلوة تكثر
وتكثف حتى لا تنقطع ولا تضعف صلوة لا تتدارك وتتصل حتى لا تنجل ولا
تنفصل صلوة تتوالى وتتسق حتى تتشعب ولا تفترق صلوة تدوم وتتوالى و
تتضاعف وتتكاثر وزن الجبال وتعداد الرمال صلوة تجاري النيران في افلاكها
والقدرة التي قامت باسماكها صلوة تنافي الرياح والنجوم والشموس والغيوم وورق
الشجر والفاظ البشر وتسبيح جميع المخلوقين من الماضين والباقين ومن يخلق الى يوم الدين
ثم استوعبها تعادت العاملين الذي ليس له فناء ولا احد ولا انتهاء اللهم فاوصل
ذلك اليه والى اهل بيته الطاهرين والى ابائه واباء ابرهيم واسمعيل واسحق والى
جميع النبيين والشهداء والصالحين والى جبرئيل وميكائيل وحملة عرشك والملائكة
صلى الله عليه وعليهم اجمعين وحسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
دعای نهم از عشر آخر
هفتم ايضا سيد رحمه الله در كتاب مذكور از كتاب عمل شهر رمضان ابن ابي قره رضي الله عنه
نقل نموده كه او بسند خود از عمر بن يزيد روايت كرده است كه حضرت صادق عليه السلم با و فرمود كه در شبهاي
از شبهاي عشر اخر ماه مبارك رمضان اين دعا را بخوان الحمد لله لا شريك له الحمد لله لا شريك له
الحمد لله لا شريك له الحمد لله كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله وكما هو اهله يا قدوس يا سبوح
يا منتهى التسبيح يا رحمن يا فاعل الرحمة يا الله يا عليم يا الله يا عظيم يا الله يا كبير

يا الله

يا الله يا لطيف يا الله يا جليل يا الله يا سميع يا الله يا بصير يا الله يا الله يا الله يا الله
يا الله يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء في
السماء اسالك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة
والروح من كل امر حكيم فصل على محمد واله واجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء
واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه
الشك عني وترضيني بما قسمت لي واتني في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقني عذاب النار
وارزقني يا رب فيها ذكرك وشكرك والرغبة والانابة اليك والتوبة والتوفيق لما
تحبه وترضاه ولما وفقت له شيعة ال محمد يا ارحم الراحمين ولا تفتني بطلب ما زويت
عني بحولك وقوتك واغنني يا رب برزق منك واسع بحلالك عن حرامك وارزقني العفة
في بطني وفرجي وفرج عني كل هم وغم ولا تشمت بي عدوي ووفق لي ليلة القدر
على افضل ما راها احد ووفقني لما وفقت له محمدا وال محمد عليه وعليهم السلام وافعل
بي كذا وكذا وبجاي وافعل بي كذا وكذا حوايج خود را مسئلت نمايد پس بگويد الساعة الساعة
تا نفس منقطع شود پس سيد رحمه الله گفته كه بسيار بگو در اين شب در حالتي كه ايستاده ونشسته باشي ودر
حالتي كه در قيام و ركوع و سجود باشي يا مدبر الامور يا باعث من في القبور يا مجري البحور
يا ملين الحديد لداود عليه السلام صل على محمد وال محمد وافعل بي كذا وكذا وبجاي وافعل
بي كذا وكذا حوايج خود را طلب وبگو الساعة الساعة الليلة الليلة تا نفس منقطع شود پس سيد
طاب ثراه گفته كه اين زيادتي بغير روايت است واين دعا را نقل نموده است اللهم صل على
محمد وال محمد واجعلني من اوفر عبادك نصيبا من كل خير انزلته في هذه الليلة
او انت منزله من نور تهدي به او رحمة تنشرها او رزق تقسمه او بلاء ترفعه او مرض
تكشفه واكتب لي فيها ما كتبت لاوليائك الصالحين الذين استوجبوا منك الثواب

وامنوا برضاك عنهم العذاب يا كريم صل على محمد وآل محمد وافعل بي ذلك برحمتك وارزقني بعد انقضاء شهر رمضان العصمة والتوبة والانابة والتمسك بولاية محمد وآل محمد ومن علي ابدا ما ابقيتني بذكرك وشكرك للرغبة للثبات والثبات على دينك والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام اللهم انك قلت في كتابك المنزل وقولك الحق شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن وهذا شهر رمضان وقد تصرمت لياليه وايامه فاسالك بوجهك الكريم وكلماتك التامة وبحق محمد وآل محمد ان كان بقي علي ذنب واحد لم تغفره لي او تريد ان تحاسبني عليه او تعاقبني عليه او تقايسني به او يطلع فجر هذه الليلة او ينصرم هذا الشهر الا وقد غفرته لي يا ارحم الراحمين اي ملين الحديد لداود عليه السلام اي كاشف الكرب صل على محمد وآل محمد واستجب دعائي واعطني سؤلي واجعل جميع هواي لي تحت الامام رضيته واجعل جميع طاعتك لي رضا وان خالف ما هويت على ما احببت او كرهت حتى اكون لك في جميع ما امرتني متابعا مطيعا سامعا وعن كل ما نهيتني عنه منتهيا وفي كل ما قضيت علي ولي راضيا وعلى كل ما انعمت به علي شاكرا وفي كل حالاتي لك ذاكرا من حال عافية او بلاء او شدة او رخاء او سخط او رضا الهي تصل على محمد وآل محمد وانظر الي في جميع اموري نظرة رحيمة شريفة كريمة تقويني بها على ما امرتني به وتسددني لها ولجميع ما كلفتني فعله وتبديني لها بصرا ويقينا في جميع ما عرفتني من الائك عندي وانعامك علي واحسانك الي وتفضلك اياي الهي حاجتي العظمى التي ان قضيتها لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني اسالك فكاك رقبتي من النار يا سيدي ارحمني من السلاسل والاغلال والسعير ارحمني من الطعام الزقوم وشراب الحميم ارحمني من جهنم ان عذابها كان غراما انها ساءت مستقرا ومقاما لا تعذبني وانا استغفرك ولا تحرمني وانا اسالك اسالك الجنة

وما فيها

وما فيها واعوذ بك من النار وما جمعت اللهم فزوجني من الحور العين واجعلني ممن يأتي اسنابوم القيمة اني لما انزلت الي من خير فقير اللهم صل على محمد وآل محمد وابدأ بمحمد وآل محمد في كل خير من خير الدنيا والآخرة **مؤلف گويد** که در این مقام تنبیه بر چند امر ضرورت **اول** آنکه ظاهر آنست که دعای یا مدبر الامور تا آخر جزو دعای اول نباشد بلکه آن دعای علی حده باشد که در شب آخر وارد شده باشد و چون در اواخر این دعا نیز وافعل بی کذا وکذا واقع شده و طلب حوائج بقاری دعا حواله شده که بهر لفظی که خواهد حوائج خود را طلبد و در اصل حاجت تفصیلی نیا لهذا سید در این مقام تغییر اسلوب سابق نموده دعای زاید بغیر روایت را بعد از دعای اول ذکر نموده بلکه این هر دو دعا که قاری انها محتاج تالیف دعائی برای حوائج است ذکر نموده و این معنی مؤید احتمال دوم است که در اول این مقام مذکور نمودیم **دوم** آنکه سید در شرح دعای دوم ذکر نموده که در حالت قیام و رکوع و سجود این دعا را بسیار بخوان ظاهر آنست که مراد قیام و رکوع و سجود نماز باشد و مخفی نماناد که در نماز واجب خواندن آن محل اشکال با بعد و در نمازهای سنت نیز تا نص مخصوصی وارد نشده باشد مشکل است ولیکن ظاهر آنست که در این باب روایتی بنظر سید با ابن ابی قره رحمهما الله تعالی رسیده باشد **سیم** آنکه در شرح دعای دوم محتمل است که اللیلة باید مکرر گفته شود تا نفس منقطع شود با هر یک از الساعة واللیلة باید مکرر گفته شود والله تعالی یعلم **هشتم** ایضا سید در کتاب مذکور و سید ابن باقی در کتاب اختیار این دعا را از رسول خدا صلی الله علیه واله برای این شب روایت نموده اند ربنا فاتنا الشهر المبارك الذي امرتنا فيه بالصيام والقيام فلا تجعله آخر العهد منا ربنا فاغفر لنا ما تقدم من ذنوبنا وما تاخر ربنا ولا تخذلنا ولا تحرمنا المغفرة واعف عنا واغفر لنا وارحمنا وتب علينا وارزقنا وارزق منا واجعلنا من اوليائك المتقين برحمتك يا ارحم الراحمين **روز سیم** واعمال آن چند چیز است **اول** سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از نسخه عتیقه از کتب دعوات این دعا را برای روز آخر ماه مبارك رمضان نقل نموده اللهم انك ارحم الراحمين لا اله الا انت تفضلت علينا فهديتنا ومننت علينا فعرفتنا واحسنت الينا فاعنتنا على اداء ما افترضت علينا من صيام شهرك شهر رمضان فلك الحمد بمحامدك كلها على جميع نعمائك كلها حتى ينتهي الحمد الى ما تحب وترضى وهذا

اخر يوم من شهر رمضان فاذا انقضى فاختمه لنا بالسعادة والشهادة والرحمة والمغفرة والرزق
الواسع الكثير الطيب الذي لا حساب فيه ولا عذاب عليه والبركة والفوز بالجنة والعتق
من النار لا تجعله اخر العهد منه واهله علينا بافضل الخير والكرامة والسرور على وعلى
اهلي وولدي وذريتي يا كريم اللهم هذا شهر رمضان الذي نزلت فيه القرآن هدى
للناس وبينات من الهدى والفرقان وقد تصرم فاعوذ بوجهك الكريم ان تغيب
الشمس من هذا اليوم او يطلع الفجر من هذه الليلة ولك قبلي ذنب او تبعة تريد ان
تعذبني عليها يوم القاك اي ملين الحديد لداود اي كاشف الكرب العظام صل
على محمد وعلى اهل بيت محمد وهب لي فكاك رقبتي من النار وكل تبعة وذنب لك
قبلي واختم لي بالرضا عني والجنة يا الله يا ارحم الراحمين صل على محمد وعلى اهل
بيت محمد وهب لي فكاك رقبتي من النار وكل تبعة وذنب لك قبلي واختم لي بالرضا عني
والجنة يا ارحم الراحمين صل على محمد وعلى اهل بيته المباركين الاخيار وسلم تسليما

دعای روز سیم

دعا ايضا سيد در كتاب مذكور گفته كه در كتب دعوات اين دعا را براي روز سيم ماه رمضان
يافتم سبحان الله رب السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث
ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة
فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم سبحان الله باري
النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق
ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سيم سيد ابن باقي
حشره الله مع الائمة الابرار الاطهار در كتاب اختيار اين دعا را براي روز سيم و سيان نقل نموده
اللهم اني اسألك بحق الاسم الذي قلت للسماء كوني فقامت واسألك بحق الاسم

الذي

الذي به تمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنك واسألك بحق الاسم الذي دعاك به آدم
فاقلت عثرته ورحمت عبرته واسألك بالاسم الذي دعتك به حواء على المروة
فاستجبت لها واسألك بالاسم الذي دعاك به نوح فنجيته ومن معه في الفلك العظيم
واسألك بالاسم الذي دعاك به شعيب فنجيته من الرجفة واسألك بالاسم الذي
دعاك به صالح فانجيته من الصيحة واسألك بالاسم الذي دعاك به اسمعيل فنجيته
من الذبح واسألك بالاسم الذي دعاك به موسى فكلمته على جبل طور سيناء واسألك
بالاسم الذي دعاك به ايوب فكشفت عنه البلاء واسألك بالاسم الذي دعاك به فنجيته
يونس من بطن الحوت واسألك بالاسم الذي دعاك به محمد صلى الله عليه وآله يوم الغار
واسألك بحق الكرام الكاتبين وبحق جبرئيل وميكائيل واسرافيل ان تستجيب لي
فيما سألتك به من اول الشهر الى هذا اليوم وان تعتق رقبتي من النار وتحرم جسدي
على النار انك ارحم الراحمين اللهم واقبلني بفضل منك على ما كان مني تفضلا
منك علي اللهم لا تقطع فيه رجائي ولا تخيب فيه سعيي ودعائي ولا تجهد فيه
بلائي بعد صومي له ولا تشمت بي فيه اعدائي انك انت الله لا اله الا انت سيدي
مولاي وغاية طلبتي ورضائي اللهم الهمني في ساعتي هذه الطمأنينة بعفوك عني
وقبولك لي على ما كان مني حتى اعلم انك قد رحمتني وغفرت لي وتكرمت وتفضلت
وتطولت ومننت على عبدك الذي خلقته وانت مولاه ومنجاه وملجاه وغايته ومنتهى
رغبته اللهم اجعلني ممن فاز فيه من عبادك الصالحين بقبولك اياه اللهم لا تردني
خائبا وانت قادر على اجابتي وتقضي حاجتي اللهم لا تجعله اخر العهد مني به اللهم
واحيني الى مثله سنين ودهورا عليك السلام يا شهر رمضان اللهم يا صادق الوعد
لا تجعل شهر رمضان اخر العهد مني به استودعك الله يا شهر رمضان دعة راض مرضية

مقبولة اللهم يا رب لا تخرجه عني بيأس من رحمتك لي وعفوك عني اللهم حقق ظني الحسن
فيك يا من لا تنتهي عليه الظنون يا من لا ينتهي من ذكره يا جوادا في عطيته يا كريما
في جوائزه يا محسنا في عفوه يا واسعا في رحمته يا سمحا في تجاوزه قد ناجيتك في أيامه كلها
متوسلا برحمتك الى عفوك وبجودك الى كرمك وبطولك الى احسانك ارزقني
حلاوة الرحمة ولا تجعل عند انصرافه في قلبي منه حسرة اللهم اذقني لذة القبول وطيب
العفو اللهم اشرب قلبي لذة الاجابة حتى اعلم انك قد رحمتني تفضلا منك علي
وامتنانا يا رباه يا سيداه يا مولاه يا من اذا توكل عليه العبد كفاه يا قريبا اذا دعي يا
مجيبا اذا نودي اللهم واجز شهرك العظيم عنا ما انت اهله اللهم زده شرفا وبهجا وتلالؤا
وكرامة وزلفا اللهم انه قد فرح عن قلوبنا واضاءت به ابصارنا وقلت به خطايانا
اللهم فلك الحمد على حلوله ولك الحمد عند قدومه وقفوله وتمامه وكماله ومعونتنا
عليه حتى تهنئنا برضاك اللهم فلك الحمد على ظعنه اللهم وصل على خير خلقك عبدك
محمد صلى الله عليه وآله رسولك واهل بيته صفوتك وخيرتك وعلى جميع انبيائك ورسلك
وحملة عرشك كما تحب الصلوة عليه انك حميد مجيد وانت على كل شيء قدير غفر الله
في هذا العام وفي هذا الشهر وفي هذا اليوم وفي هذه الساعة لصوام شهر رمضان
من المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم اللهم واحينا الى مثاله حيوة طيبة واغفر لنا ذنوبنا وتقبل
منا صالح اعمالنا وتسامح لنا وتكرم علينا وتجاوز عنا وهب لنا رضاك والجنة واعذنا
من سخطك والنار وارزقنا الحج الى بيتك الحرام وزيارة قبر نبيك محمد صلى الله عليه وآله
ومشاهد الائمة عليهم السلام من اهله من اهل بيته واحشرنا في زمرتهم واجعلنا من شيعتهم
ووفقنا لطاعتهم وانهم الباب اليك وبهم يا رب نرجو عفوك وارزقنا الامن والعافية

والعفو والمغفرة انك على كل شيء قدير وانت اكرم الاكرمين وخص النبي محمدا وآله
بافضل الصلوة والتسليم يا ارحم الراحمين **جهارم** صاحب كتاب ذخيره از ابن عباس روايت كرده
كه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده كه هر كه اين روز را روزه بدارد و اين دعا را بخواند حق تعالى او را كرامي
دارد بكرامي داشتن پيغمبران **ودعا اينست** اللهم اجعل صيامي فيه بالشكر والقبول على ما ترضاه
ويرضاه الرسول محكمة فروعه بالاصول بحق محمد وآله الطاهرين الاخيار الابرار صلى الله عليهم
ختام بدانكه تصدق كردن در آخر ماه مبارك رمضان فضيلت عظيم دارد چنانچه ابن بابويه
رضوان الله عليه در كتاب ثواب الاعمال بسند خود از انس بن مالك روايت كرده است كه رسول خدا
صلى الله عليه وآله فرموده كه هر كه ماه رمضان را روزه بدارد و ختم نمايد از اصبد قه و صبح روز عيد عجلي
بيرون رود با غسل برميگردد در حالتي كه امرزيده شده باشد **مؤلف گويد** كه تصدق اگر در آخر
روز آخر واقع شود چنانچه متصل بغروب آفتاب باشد بهتر است و اگر بر آخر روز بيست ونهم نيز
تصدق بكند بجهت احتياط نقصان ماه بهتر است والله تعالى يعلم **باب باب دهم** در بيان
دعاهاي وداع ماه مبارك رمضان **بدانكه** وداع انبياء سنت مؤكدات براي الطاف الله تعالى است
روزه و عبادت انبياء بر ما كران و دشوار نبوده و پيوسته خواهان و مشتاق او بوديم و از مفارقت
بسيار آزرده و محزون و هر بنده كه لذت عبادت الهي و فضل و رحمت غير متناهي او را در يافته
و فوايد آن را در دنيا و عقبى و لذات آن را لا تعد و لا تحصى شناخته و چاشني مناجات با قاضي
الحاجات را چشيده و بعطاهاي بي منتهاي معطي السؤالات رسيده است بايد هموار عاشق عبادت
و بندگي خدا باشد و عبوديت و عبادت خود را براي معبود و معشوق حقيقي خود خالص كرداند
تا بحصول درجات عاليات و وصول بمثوبات بلا نهايات فايز و بآن وسيله محرم سرادقات
قربات حضرت فايز الجود على البريات گردد و نعم ما قال **شعر** تو چه داني قدر مرا فكندگي كه بعد
خدائي بود بندگي پس بايد انبياء كثير البركات را بخوبي وداع كند كه عزيزترين دوستان را در هنگام
مفارقت وداع ميكنند و وداع او مانند وداع كسي باشد كه از محبوب و معشوق خود جدا ميشود
و بي از جداي او حزين و غمگين مي باشد و معلومات كه غلامي كه از خدمت آقاي خود شاد
و خوشحال باشد و از ترك خدمت دلگير باشد مثل غلامي نيست كه از ترس خدمت كند و بآن راضي نباشد
و در وقت وداع و خواندن دعاهاي وداع علما خلاف كرده اند كه آيا در شب آخر بايد خواند يا در
يا در روز آخر بدانكه آخر روز آخر و اكثر شب آخر را بهتر ميدانند مانند سيد ابن طاوس قدس الله سره و جمعي ديگر تا
اقبال و جد علامه در زاد المعاد و والد علامه در ذخيرة النجاح قدس الله اسرارهم الشريفة

هر چند بجهة نخواندن در روز آخر وا نیز کرده اند و مستند ایشان حدیثی است که شیخ طبرسی رحمه الله
در کتاب احتجاج و شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب غیبت روایت کرده اند که محمد بن عبد الله بن جعفر
حمیری عریضه بخدمت مولای خود حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه نوشت و از آنجناب مسئله
چند سؤال نمود از آنجمله آنکه وداع ماه مبارک رمضان در چه وقت باید واقع شود زیرا که اصحاب
ما در این باب خلاف کرده اند بعضی میگویند که در شب آخر وداع کرده میشود و بعضی دیگر میگویند
که در روز آخر چه میفرمایید آنحضرت در جواب توقیع مبارک فرمودند که عمل در ماه رمضان در
شبهای آن می باشد و وداع در شب آخر واقع میشود و در توقیع این تتمه نیز بود که اگر می ترسند
که ماه ناقص باشد وداع را در دو شب بعمل آورند و مؤید مضمون این است آنچه در شرح دعای
سیم صحیفه مذکور است که در شب آخر خوانده شود و در ضمن دعای سیم و بعضی از ادعیه وداع
نیز اشعاری بشب دارد و حق اینست و بهتر آنست که وداع را در شب و روز آخر هر دو بلکه عصر
روز آخر بعمل آورند و اگر بترسند که ماه ناقص باشد در دو شب و در دو روز وداع نمایند زیرا که حقیقت
وداع از شخصی اظهار ندامت از مفارقت و رغبت بمصاحبت اوست و این معنی چنانچه در شب آخر
حاصل است چون مکرر میشود در روز آخر نیز بعمل می آید و آنچه در حدیث وارد شده که بنای
اعمال بر شبهاست پس باید که وداع در شب واقع شود بنا بر زیادتی اهتمام و غلبه و اکثریت است
چون فراغ بال در شب زیادتر است اهتمام در آن بیشتر فرموده اند و لهذا غازهای نافله روزه
اینماه با ادعیه آن در شب واقع شده و آنچه در ایام نیز اعمال بسیار از ادعیه و غیره وارد شده
پس وداع اعمال ایام نیز در روز آخر مناسب است و لهذا وداع برای روز جمعه آخر اینماه نیز وارد شده
بلکه هر چه بغروب نزدیکتر است وداع در آنوقت مناسب تر است چون قرب بزمان مفارقت
و جدائی است و در بعضی از ادعیه فی الجمله اشعاری نیز بوداع روز دارد و ممکن است که ادعا
کنیم ظاهر بودن عنوان دعای صحیفه کامله را در وداع روز چنانچه بعضی از محدثین از عنوان
دعای دخول صحیفه ظهور خواندن آنرا در روز فهمیده اند والله تعالی یعلم و اما دعاهای وداع
و آنها چنانچه از تتبع کتب ادعیه ظاهر میشود چند دعا است اول سید ابن طاوس روح الله روحه
در کتاب اقبال از کتاب حسنی که تالیف جعفر بن محمد دوریستی است نقل نموده که او بسند خود از جابر بن
عبد الله انصاری روایت کرده است که گفت داخل شدم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جمعه
آخر ماه مبارک رمضان پس چون نظر مبارک حضرت بر من افتاد فرمود که ای جابر این جمعه آخر ماه رمضان است

پس او را وداع کن و بگو اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا إِيَّاهُ فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِي مَرْحُوماً
وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْرُوماً پس بدرستیکه هر که اینرا بخواند ظفر می یابد بیکی از دو خوبی یا باینماه میرسد
یا مرد یا بمغفرت و رحمت الهی یا و میرسد **دوم** دعای چهل و پنجم صحیفه کامله است و شیخ طوسی در
مصباح و کفعمی در جنة الامان و بلد الامین و سید در اقبال نیز این دعا را ایراد نموده اند و در روایت
ایشان با روایت صحیفه کامله اختلافی در دارد و ما روایت سید را که در اقبال نقل نموده است ایراد مینمائیم

اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرْغَبُ فِي الْجَزَاءِ وَيَا مَنْ لَا يَنْدَمُ عَلَى الْعَطَاءِ وَيَا مَنْ لَا يُكَافِي عَبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ
هِبَتُكَ ابْتِدَاءٌ وَعَطِيَّتُكَ تَفَضُّلٌ وَعُقُوبَتُكَ عَدْلٌ وَقَضَاؤُكَ خِيَرَةٌ
إِنْ أَعْطَيْتَ لَمْ تَشُبْ بِمَنٍّ وَإِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنْعُكَ بِتَعَدٍّ تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ
وَأَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ وَتُكَافِي مَنْ حَمِدَكَ وَأَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ تَسْتُرُ
عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ وَتَجُودُ عَلَى مَنْ لَوْ أَرَدْتَ مَنَعْتَهُ وَكِلَاهُمَا
أَهْلٌ مِنْكَ لِلْفَضِيحَةِ وَالْمَنْعِ غَيْرَ أَنَّكَ بَنَيْتَ أَفْعَالَكَ عَلَى التَّفَضُّلِ وَأَجْرَيْتَ
قُدْرَتَكَ عَلَى التَّجَاوُزِ وَتَلَقَّيْتَ مَنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ وَأَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ
لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ تَسْتَنْظِرُهُمْ بِأَنَاتِكَ إِلَى الْإِنَابَةِ وَتَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ
لِكَيْلَا يَهْلِكَ عَلَيْكَ هَالِكُهُمْ وَلِئَلَّا يَشْقَى بِنِعْمَتِكَ شَقِيُّهُمْ إِلَّا عَنْ
طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِ وَبَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ كَرَماً مِنْ فِعْلِكَ يَا كَرِيمُ
وَعَائِدَةً مِنْ عَطْفِكَ يَا حَلِيمُ أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَاباً إِلَى عَفْوِكَ
سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ وَجَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلاً مِنْ وَحْيِكَ لِئَلَّا
يَضِلُّوا عَنْهُ فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَجَلَّ اسْمُكَ تُوبُوا إِلَى اللّٰهِ تَوْبَةً
نَصُوحاً عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْبَابِ يَا سَيِّدِي
بَعْدَ فَتْحِهِ وَإِقَامَةِ الدَّلِيلِ عَلَيْهِ وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ تُرِيدُ

بهم في متاجرك وفوزهم بزيادتك فقلت تبارك اسمك وتعاليت من جاء بالحسنة فله
عشر امثالها ومن جاء بالسيئة فلا يجزى الا مثلها وقلت مثل الذين ينفقون اموالهم
في سبيل الله كمثل حبة انبتت سبع سنابل في كل سنبلة مائة حبة وما انزلت من نظائرهن
في القرآن وانت الذي دللتهم بقولك الذي من غيبك الذي فيه حظهم على ما لو
سترته عنهم لم تدركه ابصارهم ولم تعه اسماعهم ولم تلحقه اوهامهم فقلت
تباركت وتعاليت اذكروني اذكركم ولئن شكرتم لازيدنكم وادعوني استجب لكم
وقلت من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له فذكروك وشكروك ودعوك
وتصدقوا لك وفيها كانت نجاتهم من غضبك وفوزهم برضاك ولو دل مخلوق
مخلوقا من نفسه على مثل الذي دللت عليه عبادك منك كان محمودا فلك الحمد
ما وجد في حمدك مذهب وما بقي للحمد لفظ تحمد به ومعنى ينصرف اليه يا من تحمد الى
عباده بالاحسان والفضل وغمرهم بالمن والطول ما افشى فينا نعمتك واسبغ علينا
منتك واخصنا ببرك هديتنا لدينك الذي اصطفيت وملتك التي ارتضيت وسبيلك
الذي سهلت وبصرتنا ما يوجب الزلفة لديك والوصول الى كرامتك اللهم وانت جعلت
من صفايا تلك الوظائف وخصائص تلك الفروض شهر رمضان الذي اختصصته من
سائر الشهور وتخيرته من جميع الازمنة والدهور وآثرته على جميع اوقات السنة بما انزلت
فيه من القرآن وفرضت فيه من الصيام واجللت فيه من ليلة القدر التي هي خير من الف
شهر ثم آثرتنا به على سائر الامم واصطفيتنا بفضله دون اهل الملل فصمنا بامرك نهاره
وقمنا بعونك ليله متعرضين بصيامه وقيامه لما عرضتنا له من رحمتك وتسببنا اليه من
مثوبتك وانت المليء بما رغب فيه اليك الجواد بما سئلت من فضلك القريب الى من حاول
قربك وقد اقام فينا هذا الشهر مقام حمد وصحبنا صحبة مبرور واربحنا افضل ارباح

العالمين

العالمين ثم قد فارقنا عند تمام وقته وانقطاع مدته ووفاء عدده فنحن مودعوه وداع من
عز فراقه علينا وغمنا واوحشنا انصرافه عنا ولزمنا له الذمام المحفوظ والحرمة
المرعية والحق المقضي فنحن قائلون السلام عليك يا شهر الله الاكبر ويا عيد اوليائه الاعظم
السلام عليك يا اكرم مصحوب من الاوقات ويا خير شهر في الايام والساعات السلام
عليك من شهر قربت فيه الآمال ونشرت فيه الاعمال السلام عليك من قرين جل قدره
موجودا وافجع فقده مفقودا السلام عليك من شهر الف آنس مقبلا فسر واوحش
منقضيا فمض السلام عليك من ناصر اعان على الشيطان وصاحب سهل سبل الاحسان
السلام عليك ما اكثر عتقاء الله فيك وما اسعد من رعى حرمتك بك السلام عليك
ما كان امحاك للذنوب واسترك لانواع العيوب السلام عليك ما كان اطولك على
المجرمين واهيبك في صدور المؤمنين السلام عليك من شهر لا تنافسه الايام
ومن شهر هو من كل امر سلام السلام عليك غير كريه المصاحبة ولا ذميم الملابسة
السلام عليك كما وفدت علينا بالبركات وغسلت عنا دنس الخطيئات السلام عليك
غير مودع برما ولا متروك صيامه سأما السلام عليك من مطلوب قبل وقته ومحزون
عليه قبل فوته السلام عليك كم من سوء صرف بك عنا وكم من خير افيض بك علينا
السلام عليك وعلى ليلة القدر التي جعلها الله خيرا من الف شهر السلام عليك
وعلى فضلك الذي حرمناه وعلى ما كان من بركاتك سلبناه السلام عليك
ما كان احرصنا بالامس عليك واشد شوقنا غدا اليك اللهم انا اهل هذا الشهر الذي
شرفتنا به ووفقتنا بمنك له حين جهل الاشقياء وقته وحرموا لشقائهم فضله
وانت ولي ما آثرتنا به من معرفته وهديتنا له من سنته وقد تولينا بتوفيقك
صيامه وقيامه على تقصير وادينا فيه قليلا من كثير اللهم فلك الحمد اقرارا

بالاساءة واعترافنا بالاضاعة ولك من قلوبنا عقدة الندم ومن السنتنا صدق الاعتذار
فأجرنا على ما اصابنا فيه من التفريط اجرا نستدرك به الفضل المرغوب فيه ونعتاض به من
انواع الذخر المحروص عليه واوجب لنا عذرك على ما قصرنا فيه من حقك وابلغ باعمارنا
ما بين ايدينا من شهر رمضان المقبل فاذا بلغتناه فاعنا على تناول ما انت اهله من العبادة
وادنا الى القيام بما يستحقه من الطاعة واجر لنا من صالح العمل ما يكون دركا لحقك
في الشهرين من شهور الدهر اللهم وما الممنا به في شهرنا هذا من لمم او اثم او واقعنا
فيه من ذنب واكتسبنا فيه من خطيئة عن تعمد منا له او على نسيان ظلمنا فيه انفسنا
او انتهكنا به حرمة من غيرنا واسترنا بسترك واعف عنا بعفوك ولا تنصبنا فيه
لاعين الشامتين ولا تبسط علينا فيه السن الطاعنين واستعملنا بما يكون حطة
وكفارة لما انكرت منا فيه برأفتك التي لا تنفد وفضلك الذي لا ينقص اللهم
صل على محمد وآله واجبر مصيبتنا بشهرنا وبارك لنا في يوم عيدنا واجعله من خير
يوم مر علينا اجلبه للعفو وامحاه للذنب واغفر لنا ما خفي من ذنوبنا وما علن
اللهم صل على محمد وآله واسلخنا بانسلاخ هذا الشهر من خطايانا واخرجنا بخروجه من
سيئاتنا واجعلنا من اسعد اهله به واوفرهم قسما فيه اللهم ومن رعى حرمة
هذا الشهر حق رعايتها وحفظ حدوده حق حفظها واتقى ذنوبه حق تقاتها
او تقرب اليك بقربة اوجبت رضاك له وعطفت رحمتك عليه فهب لنا مثله
من وجدك واعطنا اضعافه من فضلك فان فضلك لا يغيض وان
خزائنك لا تنقص وان معادن احسانك لا تفنى اللهم اكتب لنا مثل اجور من صامه
او تعبد لك فيه الى يوم القيمة اللهم انا نتوب اليك في يوم فطرنا الذي جعلته
للمؤمنين عيدا وسرورا ولاهل ملتك مجمعا ومحتشدا من كل ذنب اذنبناه او سوء

اسلفناه

اسلفناه او خطرة شر اضمرناه او عقيدة سوء اعتقدناها توبة من لا ينطوي على رجوع الى ذنب
ولا يعود في خطيئة توبة نصوحا خلصت من الشك والارتياب فتقبلها منا وارض بها
عنا وثبتنا عليها اللهم ارزقنا خوف غم الوعيد وشوق ثواب الموعود حتى نجد لذة
ما ندعوك به وكآبة ما نستجيرك منه واجعلنا عندك من التوابين الذين اوجبت
لهم محبتك وقبلت منهم مراجعة طاعتك يا اعدل العادلين اللهم تجاوز عن
آبائنا وامهاتنا واهل ديننا جميعا من سلف منهم ومن غبر الى يوم القيمة اللهم
وصل على محمد نبينا وآله كما صليت على ملائكتك المقربين وانبيائك المطهرين
وعبادك الصالحين وسلم على آله كما سلمت على آل ... وصل عليهم اجمعين صلوة
تبلغنا بركتها وينالنا نفعها وتعم نائرها ويستجاب لها دعاؤنا انك اكرم من
رغب اليه واعطى من سئل من فضله وانت على كل شيء قدير

سيد ابن طاوس طاب ثراه در كتاب اقبال بسند خود از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه
روايت نموده است كه هر كه وداع كند ماه مبارك رمضان را در شب آخر بايد كه حق تعالى
حمد نمايد و بيش از آنكه صبح آن طالع شود و او در توبه ... روزي سفر نمايد و دعا اينست
اللهم لا تجعله آخر العهد من صيامي لشهر رمضان واعوذ بك ان يطلع فجر
هذه الليلة الا وقد غفرت لي چهارم ايضا سيد در كتاب مذكور گفته كه اين دعا را براي
وداع ماه رمضان در كتب دعوات يافتم الحمد لله الذي على نعمه المتظاهرة وآياديه الحسنة
الجميلة على ما اولانا وخصنا بكرامته ايانا وفضله وعلى ما انعم به علينا ونقضي
شهرنا المبارك مقضيا عنا ما افترض علينا من صيامه وقيامه اسالك ان تصلي
على محمد وآله الطاهرين الطيبين الذين اذهبت عنهم الرجس اهل البيت وطهرتهم
تطهيرا وان تتقبل منا وان ترزقنا ما نويناه فيه من الاجر وتعطينا ما املنا
ورجونا فيه من الثواب وان تزكي اعمالنا وتتقبل احساننا فانك ولي النعم

كلها واليك الرغبة بجودك وكرمك امين رب العالمين **پنجم** ايضا سيد در كتاب مذكور گفته كه از نسخهٔ عتيقه كه بخط رضي موسوي رضي الله عنه بود اين دعا را براي وداع ماه مبارك رمضان

يافتم اللهم اني اسألك بأحب ما دعيت به وارضى ما رضيت به عن محمد وعن اهل بيت محمد عليه وعليهم السلام ان تصلي عليه وعليهم ولا تجعل اخر وداع شهري هذا وداع خروجي من الدنيا ولا وداع اخر عبادتك ووفقني فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرا من الف شهر مع تضاعف الاجر والاجابة والعفو عن الذنب برضى الرب **ششم** كفعمي گفته كه در عقب اين وداع ابتدا بايد كرد به فتح شده و اين دعا را نقل نموده اللهم اني اسألك يا مبدي البلايا ويا مصوّر البرايا ويا خالق السماء ويا الٰه من بقي ومن مضى ويا من رفع السماء وسطح الارض وبانك تبعث ارواح اهل البلاء بقدرتك وسلطانك على عبادك وآياتك الاذلاء وبانك تبعث الموتى وتميت الاحياء وتحيي الموتى وانت رب الشعرى ومناة الثالثة الاخرى صل على محمد وعلى اهل بيت محمد صلوة تكون لك رضى ولهم فيئ عبترلته ومنزلتهم في هذا الشهر المبارك النهى والتقى والصبر عند البلاء والعون على القضاء واجعلني من اهل العافية والمعافاة وهب لي يقين اهل التقى واعمال اهل النهى فانك تعلم يا الٰهي ضعفي عند البلاء فاستجب لي في شهرك الذي عظمت بركته الدعاء واجعلني الٰهي في الدين والدنيا والاخرة مع من اتولى واتق ولا تلحقني بمن مضى من اهل الجحود في هذه الدنيا واجعلني مع محمد واهل بيته عليه وعليهم السلام في كل عافية وبلاء وكل شدة ورخاء احشرني معهم يوم تحشر الناس ضحى واصرف عني بمنزلته ومنزلتهم عذاب الاخرة وخزي الدنيا وفقرها وفاقتها والبلاء يا مولاياه يا ولي نعماه امين امين يا رباه پس صلوات بر محمد وبر اهل بيت وصلى الله عليه وعليهم بفرست وحوائج خود را طلب كه بر آورده ميشود انشاء الله

دعاي وداع

ششم كفعمي رضي الله عنه در كتاب جنة الامان و بلد الامين اين دعا را براي وداع نقل نموده است الحمد لله الذي بلغنا شهر رمضان واعاننا على صيامه وقيامه حتى تقضت اخر ليلة منه ولم يبتلنا فيه بارتكاب محرم ولا انتهاك حرمة ولا اكل ربا ولا بعقوق والدين ولا قطع رحم ولا بشيء من البوائق والكبائر وانواع البلاء التي قد بلي بها من هو خير مني اللهم فلك الحمد شكرا على ما عافيتني وحسن ما ابليتني الٰهي اثني عليك احسن الثناء لان بلاءك عندي احسن البلاء اوقرتني نعما واوقرت نفسي ذنوبا كم من نعمة لك يا سيدي اسبغتها علي لم اؤد شكرها وكم من خطيئة احصيتها علي استحيي من ذكرها واخاف جزائها واحذر معرتها ان لم تعف لي عنها اكن من الخاسرين الٰهي فاني اعترف لك بذنوبي واذكر لك حاجتي واشكو اليك مسكنتي وفاقتي وقسوة قلبي وميل نفسي فانك قلت فما استكانوا لربهم وما يتضرعون وها انا ذا قد استكنت لك وقعدت بين يديك مستكينا متضرعا اليك راجيا لما اريد من الثواب بصيامي وصلواتي وقد عرفت حاجتي ومسكنتي الى رحمتك والثبات على هداك وقد هربت اليك هرب العبد السوء الى المولى الكريم يا مولاي وتقربت اليك فاسألك بوحدانيتك لما صليت على محمد وآل محمد صلوة كثيرة كريمة شريفة توجب لي بها شفاعتهم في القيمة عندك وصليت على ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين واسألك بحقك عليهم اجمعين لما غفرت لي في هذا اليوم مغفرة لا اشقى بعدها ابدا انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله كثيرا ورحمة الله وبركاته **هفتم** محمد بن يعقوب كليني رضي الله عنه در كتاب كافي بسند خود از ابي بصير روايت كرده كه او از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام اين دعا را براي وداع ماه مبارك رمضان روايت نموده است اللهم انك قلت في كتابك المنزل على لسان نبيك المرسل صلواتك عليه وآله وقولك حق شهر رمضان الذي

دعاي وداع

انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان وهذا شهر رمضان قد تصرم
فاسألك بوجهك الكريم وكلماتك التامة وجلالك وبهائك وعلوك وارتفاعك فوق
عرشك ان تصلي على محمد وآل محمد وان كان بقي علي ذنب لم تغفره لي او تريد ان تعذبني
عليه او تقايسني به ان يطلع فجر هذه الليلة او يتصرم هذا الشهر الا وقد غفرته لي يا (او تحاسبني عليه)
ارحم الراحمين اللهم لك الحمد بمحامدك كلها اولها وآخرها ما قلت لنفسك منها وما
قال لك الخلائق الحامدون المجتهدون المعدودون المؤثرون في ذكرك والشكر لك (وشكرك)
الذين اعنتهم على اداء حقك من اصناف خلقك من الملائكة المقربين والنبيين
والمرسلين واصناف الناطقين المسبحين لك من جميع العالمين على انك قد بلغتنا شهر
رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك فبذلك
لك منتهى الحمد الخالد الدائم الراكد المخلد السرمد الذي لا ينفد طول الابد جل
ثناؤك اعنتنا عليه حتى قضيت عنا صيامه وقيامه من صلوة وما كان منا
فيه من بر او شكر او ذكر اللهم فتقبله منا باحسن قبولك وتجاوزك وعفوك
وصفحك وغفرانك وحقيقة رضوانك حتى تظفرنا فيه بكل خير مطلوب وجزيل
عطاء موهوب وتوقينا فيه من كل امر مرهوب وذنب مكسوب اللهم اني اسألك
بعظيم ما سألك احد من خلقك من كريم اسمائك وجزيل ثنائك وخاصة
دعائك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل شهرنا هذا اعظم شهر رمضان مر
علينا منذ انزلتنا الى الدنيا بركة في عصمة ديني وخلاص نفسي وقضاء حاجتي
وتشفعني في مسائلي وتمام النعمة علي وصرف السوء عني ولباس العافية لي وان
تجعلني برحمتك ممن خرت له ليلة القدر وجعلتها له خيرا من الف شهر في اعظم
الاجر وكرائم الذخر وطول العمر وحسن الشكر ودوام اليسر اللهم واسألك

برحمتك

برحمتك وطولك وعفوك ونعمائك وجلالك وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله
آخر العهد منا لشهر رمضان حتى تبلغناه من قابل على احسن حال وتعرفني هلاله مع الناظرين
اليه والمعترفين له في اعفى عافيتك وانعم نعمتك واوسع رحمتك واجزل قسمك اللهم
يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون هذا الوداع مني وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء
حتى ترينيه من قابل في اسبغ النعم وافضل الرجاء وانا لك على احسن الوفاء انك
سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي لك واستكانتي لك وتوكلي
عليك وانا لك مسلم لا ارجو نجاحا ولا معافاة ولا تشريفا ولا تبليغا الا بك ومنك
فامنن علي جل ثناؤك وتقدست اسماؤك بتبليغي شهر رمضان وانا معافا في كل
مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد لله الذي اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه
حتى بلغنا آخر ليلة منه وشيخ طوسی قدس الله سره در کتاب تهذیب بسند معتبر از ابی بصیر از امام جعفر
صلوات الله علیه همین دعا را روایت نموده و در روایت ابن زیاد موجود است اللهم اني
اسألك باحب ما دعيت به وارضى ما رضيت به عن محمد صلى الله عليه وآله ان تصلي على
محمد وآل محمد وان لا تجعل وداعي وداع شهر رمضان وداع خروجي من الدنيا ولا
وداع آخر عبادتك فيه ولا آخر صومي لك وارزقني العود فيه ثم العود فيه برحمتك
يا ولي المؤمنين ووفقني فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرا من الف شهر يا رب العالمين
يا رب ليلة القدر وجاعلها خيرا من الف شهر رب الليل والنهار والجبال والبحار
والظلم والانوار والارض والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن (يا رحيم)
يا قيوم يا بديع السماوات لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك
باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة
في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي

يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضى بما قسمت لي وان تؤتيني في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة وان تقيني عذاب النار اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من
الامر المحتوم وفيما تفرق من الامر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد
ولا يبدل ولا يغير ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم
المغفور ذنبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر ان تعتق رقبتي
من النار يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك ولم يسأل العباد مثلك جودا وكرما
وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك انت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة
الراغبين اسألك باعظم المسائل كلها وافضلها وانجحها التي ينبغي للعباد ان
يسألوك بها يا الله يا رحمن وباسمائك ما علمت منها وما لم اعلم وباسمائك الحسنى
وامثالك العليا وبنعمك التي لا تحصى وباكرم اسمائك عليك واحبها اليك
واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسيلة واجزلها منك ثوابا واسرعها
لديك اجابة وباسمك المكنون المخزون الحي القيوم الاكبر الاجل الذي تحبه
وتهواه وترضى به عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك ان لا تحرم سائلك
واسألك بكل اسم هو لك في التورية والانجيل والزبور والفرقان وبكل اسم دعاك
به حملة عرشك وملائكة سمواتك وجميع الاصناف من خلقك من نبي او صديق
او شهيد وبحق الراغبين اليك المتقربين منك المتعوذين بك وبحق مجاوري بيتك
الحرام حجاجا ومعتمرين ومقدسين والمجاهدين في سبيلك وبحق كل عبد متعبد
لك في بر او بحر او سهل او جبل ادعوك دعاء من قد اشتدت فاقته وكثرت
ذنوبه وعظم جرمه وضعف كدحه دعاء من لا يجد لنفسه سادا ولا لضعفه
ولا لذنبه غافرا غيرك هاربا اليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستكبر ولا مستنكف

خائفا

خائفا بائسا فقيرا مستجيرا بك اسألك بعزتك وعظمتك وجبروتك وسلطانك وبملكك
وبهائك وجودك وكرمك وبآلائك وحسنك وجمالك وبقوتك على ما اردت من خلقك
ادعوك يا رب خوفا وطمعا ورهبة ورغبة وتخشعا وتملقا وتضرعا والحافا والحاحا
خاضعا لك لا اله الا انت وحدك لا شريك لك يا قدوس يا قدوس يا قدوس يا الله يا الله
يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب يا رب اعوذ بك يا الله
الواحد الاحد الصمد الوتر الكبير المتعال واسألك بجميع ما دعوتك به وباسمائك التي
تملأ اركانك كلها ان تصلي على محمد وآل محمد واغفر لي ذنبي وارحمني واوسع علي
من فضلك العظيم وتقبل مني شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه ونوافله
واغفر لي وارحمني واعف عني ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك وعبدتك فيه
ولا تجعل وداعي اياه وداع خروجي من الدنيا اللهم اوجب لي من رحمتك ومغفرتك
ورضوانك وخشيتك افضل ما اعطيت احدا من عبادك فيه اللهم لا تجعلني آخر من
سألك فيه واجعلني ممن اعتقته في هذا الشهر من النار وغفرت له ما تقدم من ذنبه
وما تأخر واوجبت له افضل ما رجاك وامله منك يا ارحم الراحمين اللهم ارزقني
العود في صيامه لك وعبادتك فيه واجعلني ممن كتبته في هذا الشهر من حجاج بيتك
الحرام المبرور حجهم المغفور لهم ذنبهم المتقبل عملهم آمين آمين آمين رب العالمين
اللهم لا تدع لي فيه ذنبا الا غفرته ولا خطيئة الا محوتها ولا عثرة الا اقلتها
ولا دينا الا قضيته ولا عيلة الا اغنيتها ولا هما الا فرجته ولا فاقة الا سددتها
ولا عريانا الا كسوته ولا مريضا الا شفيته ولا داء الا اذهبته ولا حاجة من حوائج
الدنيا والآخرة الا قضيتها على افضل املي ورجائي فيك يا ارحم الراحمين اللهم
لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا ولا تذلنا بعد اذ اعززتنا ولا تضعنا بعد اذ رفعتنا

ولا تهنا بعد اذ اكرمتنا ولا تفقرنا بعد اذ اغنيتنا ولا تمنعنا بعد اذ اعطيتنا ولا تحرمنا
بعد اذ رزقتنا ولا تغير شيئا من نعمك علينا واحسانك الينا لشيء كان من ذنوبنا ولا
لما هو كاين منا فان في كرمك وعفوك وفضلك سعة لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا
وتجاوز عنا ولا تعاقبنا عليها يا ارحم الراحمين اللهم اكرمني في مجلسي هذا كرامة
لا تهينني بعدها ابدا واعزني عزا لا اذل بعده ابدا وعافني عافية لا تبتليني بعدها
ابدا وارفعني رفعة لا تضعني بعدها ابدا واصرف عني شر كل شيطان مريد
وشر كل جبار عنيد وشر كل قريب او بعيد وشر كل صغير او كبير
وشر كل دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم اللهم ما كان في
قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح او بذخ او بطر او خيلاء
او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او عصيان او معصية
او شيء لا تحب عليه وليا لك فاسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تمحوه من قلبي
وتبدلني مكانه ايمانا بوعدك ووفاء بعهدك ورضا بقضائك وزهدا في الدنيا ورغبة
فيما عندك وثقة بك وطمانينة اليك وتوبة نصوحا
اليك اللهم ان كنت بلغتناه والا فاخر عنا اجالنا الى قابل حتى تبلغناه في يسر
منك وعافية يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واله كثيرا ورحمة الله وبركاته

مؤلف گوید که محتمل است که دعای اخر جزو دعای اول باشد و از روایت کلینی رحمه الله ساقط
شده باشد و ممکن است که دعای علیحده باشد و در روایت شیخ ابی بصیر هر دو را روایت نموده
باشد والله تعالی یعلم هشتم سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال گفته که در کتب
عبادات
اینده عا را برای وداع ماه رمضان یافتم بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذي لا يدرك العلماء علمه ولا يستخف الجهال حلمه ولا يحسن الخلايق
وصفه ولا يخفى عليه ما في الصدور خلق خلقه من غير اصل ولا امثال بلا تعب

دعای وداع

تبتليني
شيء
مكانا بك
وصلى

ولا نصب ولا تعليم ورفع السموات الموعودات بلا اصحاب ولا اعوان وبسط الارض على
الهواء بغير اركان علم بغير تعليم وخلق بلا مثال علمه بخلقه قبل ان يكونهم كعلمه بهم بعد
تكوينه لهم لم يخلق الخلق لتشديد سلطان ولا لخوف من زوال ولا نقصان ولا استعان
بخلقه على ضد مكابر ولا ند مساور ما لسلطانه حد ولا لملكه نفاد تقدس بنوره قدسه
دنا فعلا وعلا فدنا فله الحمد حمدا ينتهي من سمائه الى ما لا نهاية في علائه حسن فعاله
وعظم جلاله واوضح برهانه فله الحمد زنة الجبال ثقلا وعدد الماء والثرى وعدد
ما يرى وما لا يرى الحمد لله الذي كان اذ لم تكن ارض مدحية ولا سماء مبنية ولا
جبال مرسية ولا شمس تجري ولا قمر يسري ولا ليل يدجي ولا نهار يضحي اكتفى بحمده
عن حمد غيره الحمد لله الذي تفرد بالحمد ودعا به فهو ولي الحمد ومنشئه وخالقه
وواهبه ملك فقهر وحكم فعدل واضاء فاستنار هو كهف الحمد وقراره ومنه
مبتداه واليه منتهاه استخلص الحمد لنفسه ورضي به ممن حمده فهو الواحد بلا شبيه
الدائم بلا مدة المنفرد بالقوة المتوحد بالقدرة لم يزل ملكه عظيما ومنه
قديما وقوله رحيما واسماؤه ظاهرة رضي من عباده بعد الصنع ان قالوا الحمد لله رب
العالمين والحمد لله مثل جميع ما خلق وزنته واضعاف ذلك اضعافا لا تحصى على
جميع نعمه وعلى ما هدانا واتانا وقوانا بمنه على صيام شهرنا هذا ومن علينا بقيام
بعض لياليه واتانا ما لم نكن اهله ولم نستوجبه باعمالنا فلك الحمد اللهم ربنا
فانت مننت علينا في شهرنا هذا بترك لذاتنا واجتناب شهواتنا وذلك من منك
علينا لا من منا عليك ربنا فليس اعظم الامرين علينا فليس نحول اجسامنا ونصب
ابداننا ولكن اعظم الامرين واجل المصائب عندنا ان خرجنا من شهرنا هذا
محققين الخيبة محرومين قد خاب طمعنا وكذب ظننا فيا من له صمنا

ووعده صدقنا وامره اتبعنا واليه رغبنا لا تجعل الحرمان حظنا ولا الخيبة جزاءنا فانك
ان حرمتنا فاهل ذلك نحن لسوء صنيعنا وكثرة خطايانا وان تعف عنا ربنا وتعف عنا
فانت اهل ذلك مولانا فطالما بالعفو عند الذنوب استقبلتنا وبالرحمة لدى استجابة
عقوبتك ادركتنا وبالتجاوز والستر عند ارتكاب معاصيك كافيتنا وبالضعف
والوهن وكثرة الذنوب والعود فيها عرفتنا وبالتجاوز والعفو عرفناك ربنا فمن علينا
بعفوك يا كريم فقد عظمت مصيبتنا وكثر اسفنا على مفارقة شهر كثير خير املنا فقد خفي علينا
على اي الحالات فارقنا وباي الزاد منه خرجنا باحتقاب الخيبة لسوء صنيعنا بجزيل عطا
نعمتك مولانا وسيدنا فعلى شهر صومنا العظيم فبه رجاؤنا السلام فلو عقلنا مصيبتنا
لمفارقة شهر ايام صومنا على ضعف اجتهادنا فيه لاشتد لذلك حزننا وعظم على ما فاتنا
فيه من الاجتهاد تلهفنا اللهم فاجعل عوضنا من شهر صومنا مغفرتك ورحمتك ربنا
وان كنت رحمتنا في شهرنا هذا فذلك ظننا واملنا وتلك حاجتنا فازدد عنا رضا
وان كنا حرمنا ذلك بذنوبنا فمن الان ربنا لا تفرق جماعتنا حتى تشهد لنا بعتقنا
وتعطينا فوق املنا وتزيد فوق طلبتنا وتجعل شهرنا هذا امانا لنا من عذابك
وعصمة لنا ما ابقيتنا وان انت بلغتنا شهر رمضان ايضا فبلغنا غير عائدين في شيء
مما تكره ولا مخالفين لشيء مما تحب ثم بارك لنا فيه واجعلنا اسعد اهله به وان
انت اجلتنا دون ذلك فاجعل الجنة منقلبنا ومصيرنا واجعل شهرنا هذا امانا لنا من اهوال
ما نرد عليه واجعل خروجنا الى مصلانا ومجمعنا خروجا من جميع ذنوبنا وولوجا في
سابغات رحمتك واجعلنا اوجه من توجه اليك واقرب من تقرب اليك وانجح من
سالك فاعطيته ودعاك فاجبته واقلبنا من مصلانا وقد غفرت لنا ما سلف
من ذنوبنا وعصمتنا في بقية اعمارنا واسعفتنا بحوائجنا واعطيتنا جميع خير الاخرة

والدنيا

والدنيا ثم لا تعدنا في ذنب ولا معصية ابدا ولا تطعمنا رزقا نكرهه ابدا واجعل لنا
في الحلال مفسحا ومتسعا اللهم وبنبيك الحبيب المكرم الراسخ له في قلوب امته خالص المحبة
لصفو نصحه لهم وشدة شفقته عليهم ولتبليغه رسالاتك وصبره في ذلك ومحنته
على المؤمنين من عبادك فاجزه اللهم عنا افضل ما جزيت نبيا عن امته وصل عليه
عدد كلماتك التامات انت وملائكتك وارفعه الى اعلى الدرج واشرف الغرف
حيث يغبطه الاولون والاخرون وانظر وجوهنا بالنظر اليه في جنانك واقر
اعيننا وانلنا من حوضه ريا لا ظما بعده ولا شقاء وبلغ روحه منك تحية وسلاما
منا مستشهدا له بالبلاغ والنصيحة اللهم وصل على جميع انبيائك ورسلك وبلغ
ارواحهم منا السلام وشهادتنا لهم بالنصيحة والبلاغ وصل على ملائكتك اجمعين
واجز نبينا عنا افضل الجزاء اللهم اغفر لنا ولمن ولدنا من المؤمنين والمؤمنات الاحياء
منهم والاموات وادخل على اسلافنا من اهل الايمان الروح والرحمة والضياء و
المغفرة اللهم انصر جيوش المسلمين واستنقذ اساراهم واجعل جائزتك لهم
جنات النعيم اللهم اطو لحجاج بيتك الحرام وعماره البعد وسهل لهم الحزن وارجعهم
غانمين من كل بر مغفورا لهم كل ذنب ومن اوجبت عليه الحج من امة محمد صلى الله
عليه واله فيسر له ذلك واقض عنه فريضتك وتقبلها منه امين رب العالمين
اللهم وفرج عن مكروب في امة احمد صلى الله عليه واله ومن كان منهم في غم او هم
او ضنك او مرض ففرج عنه واعظم اجره اللهم وكما سالناك فافعل ذلك بنا وبجميع
المؤمنين والمؤمنات واشركنا في صالح دعائهم واشركهم في صالح دعائنا اللهم
اجعل بعضنا على بعض بركة اللهم وما سالناك او لم نسالك من جميع الخير
كله فاعطناه وما تعوذنا بك منه او لم نتعوذ من جميع الشر كله فاعذنا منه برحمتك

وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار اللهم واجمع لنا خير الآخرة والدنيا
واعذنا من شرهما يا ارحم الراحمين **خزینهٔ چهارم از کتاب خزائن الجواهر النظامیه در بیان فضایل و اعمال ماه شوال**
واین خزینه نیز بچندین باب مفتوح میگردد **باب اول** در بیان فضیلت این ماه است بدانکه این ماه
در میان شهور متوسط است از شرف زیرا که بر ماههات و اول ماه حج است و در بیان وجه تسمیهٔ این ماه بشوال
در کتب علما دو وجه بنظر رسیده **اول** سید ابن طاوس قدس الله روحه الشریف در کتاب
اقبال از صاحب کتاب دستور المذکرین و منشور المتعبدین نقل نموده که او بسند خود از رسول خدا
صلی الله علیه و آله روایت نموده است که بخدمت آن بزرگوار عرض کردند که یا رسول الله صلی الله علیه و آله
شهر رمضان چه معنی دارد فرمود که حق تعالی گناهان مؤمنین را در این ماه که اخترها و امرزیده است
همه را برای ایشان پس عرض کردند که شوال چه معنی دارد فرمود که گناهان ایشان بر طرف شد پس باقی
نماند گناهی مگر آنکه آمرزیده شد **مؤلف گوید** که سید بعد از ذکر این روایت از صاحب کتاب مذکور
نقل نموده است که بنابر این شوال مشتق است از شال بمعنی ارتفع است و چون کسی که وظایف
تمام ماه مبارک رمضان را از طاعات و عبادات حسب الواقع بعمل آورد گناهان او همگی آمرزیده
میشود پس بعد از انقضاء ماه رمضان که مستلزم دخول ماه شوال است گناهان او همگی رفع شده
دوم صاحب کتاب صحاح گفته که شوال مشتق از شول بمعنی خفت و سبکی است و چون اعمال
این ماه قلیل و سبک است لهذا از باب اسم ناصیه انقدر الله تعالی یعلم **و بدانکه** روزهٔ این ماه نیز فضیلت
عظیم دارد چنانچه سید ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال از صاحب کتاب دستور المذکرین نقل
نموده که او بسند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که هر که روزه بدارد ماه رمضان
و ماه شوال و چهارشنبه وسط و پنجشنبه اول و آخر از ده ماه دیگر را داخل بهشت شود و ایضا بسند دیگر
روایت کرده است که عبید قریشی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال نمود که یا نبی الله تمام دهر را روزه
بدارم پس حضرت ساکت شد پس بار دیگر همین سؤال را نمود که یا نبی الله تمام دهر را روزه بدارم پس
حضرت ساکت شد و در مرتبه سیم فرمود که کی این سؤال را از من نمود عبید گفت یا رسول الله صلی الله
علیه و آله من سؤال نمودم پس حضرت فرمود که بدرستی که برای اهل تو حقی هست روزه بدار ماه رمضان
و ماه بعد از آن و چهارشنبه وسط و پنجشنبه اول و آخر ده ماه دیگر را هر گاه چنین کنی گویا تمام
سال را روزه داشته **مؤلف گوید** که مراد از روزهٔ این ماه بغیر روز عید است زیرا که روزهٔ آن حرام است

مستحب هلال

باجماع مسلمانان و در باب روزه شش روز بعد از عید خلاف است و بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی
باب مقدم در بیان آداب دیدن هلال این ماه است و آنچه در این باب در کتب علما بنظر رسیده دو وجه است
اول سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال برای دیدن هلال این ماه این دعا را ذکر نموده است
اللهم انك قد مننت علينا بضياء البصائر والابصار حتى عرفنا ما بلغتنا اليه من الاسرار
والاعتبار وشاهدنا هلال شوال وهو من شهور التعظيم والاجلال فصل على محمد وآل محمد
ووفقنا لمصاحبته بما يقربنا اليك وشرفنا فيه بتمام اقبالنا عليك واجعله لنا
من اهل السعود والاقبال في جميع الاحوال والاعمال والاقوال وكما خلعت علينا خلع
التوفيق للظفر بنصره وبره وخيره واجعل ساعاته واردة علينا بزيادات الاحسان الينا
حتى ندرك بتاييدك وعناياتك افضل ما ادركه احد فيه من مزيدك وعفوك وعافيتك برحمتك
وابدا بكل من تريد البداة به في الدعوات واشرك معنا من يعز علينا من الاهل وذوي المودات
والحقوق المحفوظات يا ارحم الراحمين **دوم** سید جلیل نبیل امیر محمد باقر داماد قدس الله روحه
در مجموعهٔ خود نوشته که در وقت دیدن هلال ماه شوال در انگشتری فیروزه نگاه کند **مؤلف گوید**
که چون این دو امر هیچیک در روایتی و حدیثی وارد نشده و ادعیه و آدابی که در دهر ماهی بعمل آن
در روایات معتبره وارد شده است بهتر آنست که بآنها عمل شود والله تعالی یعلم **باب سیم**

اعمال شب عید فطر

در بیان اعمال شب عید فطر **بدانکه** این شب در نهایت فضیلت و کمال حرمت است و یکی از لیالی
اربع سال بلکه افضل از همه است و بعد از شب قدر دیگر شبی بفضیلت این شب نیست و نماز و دعا
و تضرع و استغاثه و عبادت در آن ثواب عظیم دارد چنانچه در خزینهٔ سابق مذکور شد
این شب متمم شب قدر و باین جهت مدخلیت تمام در ربط عظیم به شب قدر دارد و حق تعالی ثواب
بندگان و روزه داران ماه مبارک رمضان را در این شب و روز آن عطا میفرماید و احادیث و اخبار
در فضیلت آن و ثواب عبادت آن بسیار است چنانچه اکثر آنها در ضمن اعمال مذکور میشود ان شاء الله
و اعمال این شب چنانچه از تتبع روایات ظاهر میشود چند امر است **اول** احیا داشتن آن بعبادت
چنانچه شیخ طوسی رضی الله عنه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از پدر بزرگوار خود
علیه السلام روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام خوش میآمد که در سالی چهار شب خود را
برای خدا فارغ سازد و بعبادت مشغول باشد شب اول رجب و شب نیمهٔ شعبان و شب عید

وشب عید قربان و ایضاً سید ابن باقی در کتاب اختیار و کفعمی در بلد الامین از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده اند که فرمود که سه شب است که سزاوار است که بندگان نخوابند در آنها و مشغول عبادت
حق تعالی باشند عرض کردند که کدام است آن شبها فرمودند که شب بیست و سیم ماه رمضان و شب عید
فطر و شب عید الغدیر و ایضاً شیخ صدوق ابن بابویه در ثواب الاعمال از رسول خدا صلی الله علیه و آله
روایت کرده است که هر که احیا کند شب فطر و عید را نمیرد دل او در روزی که دلها از آن بمیرند و در روایت دیگر
شب عید و شب نیمه شعبان مذکور است و بعضی از روایات این مطلب در شب اول رجب و شب نیمه
شعبان گذشت و بعد از این در شب عید قربان و در ضمن اعمال آن نیز مذکور میشود ان شاء الله تعالی
وبدانکه بهتر آنست که این شب را بعبادت در مسجد احیا نماید چنانچه سید ابن طاوس طاب ثراه
در کتاب اقبال از حضرت صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام روایت کرده است که حضرت
سید الساجدین صلوات الله علیه شب عید رمضان را تمام احیا میفرمود تا صبح و تمام این شب را
در مسجد بسر می برد و حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه میفرمود که ای فرزند این شب کمتر از شب
قدر نیست غسل و در این شب دو غسل مستحب است یکی در اول شب و یکی در آخر آن چنانچه
سید ابن باقی در کتاب اختیار و کفعمی در جنة الامان و بلد الامین و بعضی دیگر تصریح بآن نموده اند
و شیخ طوسی در مصباح و سید ابن طاوس در کتاب اقبال و دیگران غسل در این شب را مطلقا روایت
کرده اند و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که راوی عرض کرد که فدای تو شوم چه عمل نیز اولی است
که در شب عید بجا آورم فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل بکن و چون نماز شام و نافله آنرا
بجا آوری دستها را بر دار و بگو و تتمه عمل و تفصیل روایت آن در عمل پنجم مذکور خواهد شد
ان شاء الله تعالی مؤلف گوید که شیخ و ابن باقی و کفعمی و دیگران همگی وقت این غسل را بعد از غروب
آفتاب و قبل از نماز مغرب نقل کرده اند چنانچه در روایت مذکوره تصریح بآن شده است و ظاهر
سید ابن طاوس اینست که تمام اعمال این شب حتی نماز مغرب را با غسل دریابد و جمعی که تصریح بدو غسل کرده اند
گفته اند که غسلی دیگر در آخر شب بکن و در جای نماز خود بنشین تا صبح و سید ابن طاوس نیز آنست که تا
صبح با غسل باشد و نماز صبح را نیز با غسل دریابد و سید در کتاب مذکور گفته که در روایتی وارد شده است
که هرگاه شب عید معلوم باشد غسل را پیش از غروب باید کرد و در روایت مذکوره که مستند این حکم
مقید بوقتی نیست شاید حدیثی دیگر در این باب بسید رسیده باشد وبدانکه حدیثی که در آن تصریح
بدو غسل شده باشد بنظر این بی بضاعت نرسیده و سید در کتاب مذکور گفته که در روایتی

وارد شده است

وارد شده است که در آخرهای این شب غسل بکنند و از این نقل سید چنانچه بعضی فهمیده اند مفهوم میشود
که در این شب دو غسل مستحب باشد یکی در اول شب و یکی در آخر شب و بگمان این قاصر نقل سید
دلالت بر دو غسل ندارد چه محتمل است که مراد سید آن باشد که در روایتی وقت غسل شب عید
در آخر شب وارد شده و حدیثی در این باب بنظر سید رسیده باشد و هرگاه مراد سید دو غسل
می بود می بایست بگوید که در روایتی وارد شده که در آخر شب نیز غسل بکنند و مؤید این آنکه
سید استحباب غسل را نیز مطلقا نقل کرده و بعد از آن وقت آنرا نسبت بروایت داده که در روایتی
اول شب وارد شده و در روایت دیگر آخر آن و جد علامه ام قدس الله روحه نیز در کتاب زاد المعاد
استحباب غسل را در مطلق شب نقل کرده و وقتی از برای آن ذکر نکرده سیم آنکه مستحب مؤکد است
و ظاهر بعضی وجوب است که این تکبیرات را بعد از نماز شام و نماز خفتن و نماز صبح روز عید و نماز
عید بگوید و بعضی نماز ظهر و عصر را اضافه کرده اند چنانکه کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی شکر الله
مساعیهم الجمیله بسند کالصحیح از سعید نقاش روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
بمن فرمودند که بتحقیق که در فطر تکبیری هست و لیکن سنت عرض نمودم که در کجا سنت است
حضرت فرمودند که بعد از نماز شام و خفتن شب عید و صبح روز عید و نماز عید و بعد از آن
قطع میشود عرض نمودم که چگونه بگویم فرمودند که میگوئی الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله
اکبر و لله الحمد الله اکبر علی ما هدانا و در روایت ابن بابویه نیز این زیادتی هست والحمد
لله علی ما ابلانا این معنی قول خدای تعالی و لتکملوا العدة و لتکبروا الله علی ما هداکم یعنی آنکه
تمام و کامل گردانید عدد روزه را و تکبیر حق تعالی بگوئید برای آنکه شما را هدایت و راه نمائی
بحق فرموده است و ابن بابویه بعد از ذکر این روایت نقل کرده که در روایت غیر سعید منقول است که
این تکبیر را بعد از نماز ظهر و عصر روز عید نیز میگویند که مجموع شش نماز باشد و ظاهر مراد فقه
رضوی باشد چون در آنجا مذکور است که بعد از نماز ظهر و عصر نیز تکبیر بگوئید و ایضاً کلینی
در حدیث حسن کالصحیح از معویة بن عمار روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه فرمودند که تکبیر میگوئی در شب عید فطر و صبح آن چنانکه تکبیر میگوئی در عشر و در بعضی از نسخ
بجای العشر العیدات و سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از معویة نیز همچنین روایت کرده است
مثل آنچه در روایت سعید گذشت با اندک تغییری و در آن تصریح بسنت بودن شده است و آنچه
وارد شده در این باب و در کتب اصحاب بکیفیات دیگر نیز مذکور است و چون سندی برای آنها

[illegible]

بنظر نرسیده نقل نموده‌ام **مؤلف گوید** که در جامع بزنطی الله اکبر را اوّل سه نوبت مذکور است وجدّ
علّامه‌ام مولانا محمد تقی قدس الله روحه در شرح من لا یحضره الفقیه گفته که در تهذیب بخط شیخ نیز تکبیر سه مرتبه
منقولست و کیفیت تکبیری که ابن طاوس نقل نموده مطابق است با آنچه ابن بابویه روایت کرده
لیکن تکبیر قبل از عبارت علی ما هدانا در آن مذکور نیست و ظاهر از قلم ناسخین ساقط شده با آنچه
وارد شده در روایت دیگر کلینی که تکبیر میگوئی در شب فطر و صبح فطر مثل آنچه در عشر میگوئی
مراد آنست که تکبیر بگو در شب فطر بعد از دو نماز نماز مغرب و عشا و در صبح فطر بعد از دو نماز
نماز صبح روز عید و نماز عید که مجموع چهار نماز باشد چنانچه در روایت سعید نقاش چهار نماز
تصریح بآن شده مثل آنکه تکبیر میگوئی عقیب ده نماز در عید اضحی در شهرهای غیر منی و مراد به
نحر عید بجای عشر مراد ظاهر است والف لام عهد است یعنی عید اضحی نظر باشتهار آن در میان
اعیاد و تشبیه یا در اصل تکبیرات یا در کیفیت و بنا بر ثانی منافی نیست با زیادتی علی ما رزقنا
من بهیمة الانعام که در اضحی باید گفت زیرا که مراد آنست که تکبیر هر دو عید یک کیفیت است لیکن
مراعات مناسبت عید اضحی باید کرد که بگفتن علی ما رزقنا من بهیمة الانعام را تا آخر و بنا
بر آنچه گفتیم در توجیه لفظ عشر منافاتی باقی نمی‌ماند میان این خبر و خبر نقاش بهیچ وجه و مخفی
نماند و جدّ علامه‌ام مولانا محمد تقی مجلسی قدس الله روحه القدوسی در شرح من لا یحضره الفقیه
این حدیث را نقل نموده و در توجیه عشر گفته که محتملست که مراد عشر ذی الحجه باشد یا عشر آخر ماه
رمضان و تعیین تکبیر در آنها نیز مستحب باشد و مخفی نماند که هر دو وجه بعید است زیرا که تکبیر در این
دو موضع معهود نیست و مستندی برای استحباب تکبیر در این دو محل بنظر نرسید و در ضمن اعمال
در کتب اصحاب نیز نقل نشده و در کلام امام علیه السلام تعقید لازم می‌آید والله تعالی یعلم
فایده بدانکه استحباب این تکبیرات بعد از این چهار نماز مشهور میان اصحابست و از سید مرتضی
رضی الله عنه قول بوجوب نقل شده و ابن بابویه نماز عصر و ظهر را اضافه نموده است و ابن جنید
گفته که بعد از نوافل این چهار نماز نیز مستحب است و اقرب استحبابست بعد از چهار نماز زیرا که
دلیل بر وجوب معلوم نیست و در روایات مذکوره دلالت بر زیاده بر استحباب ندارد و در روایت
نقاش ظاهر بلکه نص در استحبابست و اگر حدیثی دال بر وجوب باشد محمول بر تاکید استحباب خواهد بود
جمعا بین الاخبار و برای قول ابن جنید اثری نیست مگر حدیثی که در باب عید اضحی وارد است
و در حکم خلاف اصل اکتفا بمورد نص میباید کرد و بالجمله اصح و اولی عمل بمضمون حدیث سعید

نقاش است

نقاش است که اصل در این باب و معمول به و مفتی به در سایر روایات است هر چند عمل بهر یک از اینها اگر بکند خوب است
زیرا که ذکر خدا بر همه وجه نیکوست و محقق در معتبر گفته که شکی نیست که این تکبیر تعظیم و ذکر الهی است
و ذکر خدای تعالی مستحب است مطلقا پس مضایقه نیست در زیاده و کمی آن والله تعالی یعلم **چهارم**
شیخ کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی قدس الله ارواحهم و سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال
از حسن بن راشد روایت کرده‌اند که گفت عرض کردم بخدمت حضرت صادق علیه السلام که مردم
میگویند که مغفرت الهی نازل میشود در ماه رمضان در شب قدر پس حضرت فرمود که ای حسن
کارکن مزد خود را بعد از فراغ از شغل میگیرد و فراغ روزه داران در شب عید است پس عرض نمودم
که فدای تو شوم برای ما چه عمل سزاوار است که در شب عید بجا آوریم فرمود که هرگاه آفتاب
غروب کند غسل کن و چون نماز مغرب و چهار رکعت نافله آنرا بجا آوری دستها را بردار و بگو
یَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یَا ذَا الْجُودِ یَا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرَهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِی کُلَّ
ذَنْبٍ أَحْصَیْتَهُ وَهُوَ عِنْدَکَ فِی کِتَابٍ مُبِینٍ پس بسجده برو و صد مرتبه بگو اتوب الی الله پس هر حاجت
خود را مسئلت کن برآورده میشود انشاء الله تعالی **مؤلف گوید** که دعای مذکور بموافق
روایت سید است و روایت کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی در تهذیب با روایت سید اختلافی
دارد لهذا در حاشیه این را متعرض شده و شیخ در مصباح و سید ابن باقی در کتاب اختیار و
کفعمی در جنة الامان و بلد الامین و علامه رحمه الله در منهاج الصلاح نیز این عمل را ذکر نموده
و دعا را نیز مختلف نقل نموده اند در اکثر نسخ مصباح و جنة الامان و بلد الامین و منهاج باین نحو است
یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ یَا ذَا الطَّوْلِ یَا مُصْطَفِیًا مُحَمَّدًا وَنَاصِرَهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِی
کُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَنَسِیتُهُ أَنَا وَهُوَ عِنْدَکَ فِی کِتَابٍ مُبِینٍ و همه خوبست و ظاهرا روایت سید
اصح است و اگر همه را بطریق خوانده شود بهتر است **و بدانکه** در روایت مذکوره واقع شده که این
عمل را بعد از نافله مغرب بجا آورد و سید ابن باقی و کفعمی در جنة الامان و بلد الامین نیز چنین
نقل نموده اند و در روایت کافی و ابن بابویه و شیخ وارد شده که بعد از نماز مغرب این عمل را بجا
آورد و در مصباح شیخ نیز چنین است و عمل بروایت سید بهتر است زیرا که هرگاه این عمل را
بعد از نافله بجا آورد صادق است که بعد از نماز مغرب واقع شده است و عمل بهر دو
نموده باشد با آنکه اگر بعد از مغرب بی فاصله این عمل کرده شود ممکن است وقت نافله مغرب بگذرد
و ظاهر آنست که این عمل بلا فاصله بعد از فراغ از نافله مغرب واقع شود چنانکه از روایات

در نماز شب عید فطر

ظاهر میشود والله تعالی یعلم **پنجم** سید ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال و کفعمی رحمه الله
در کتاب جنة الامان از حارث اعور روایت کرده اند که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
وسلامه علیه در شب عید فطر بعد از نماز مغرب و نافلهٔ آن دو رکعت نماز میکذارد و در رکعت اولی
بعد از حمد سوره قل هو الله احد صد نوبت و در رکعت دویم بعد از حمد سوره قل هو الله احد
یکنوبت میخواند و بعد از سلام بسجده می افتاد و صد نوبت اتوب الی الله میکفت و میفرمود که سوکند
بان خدائی که نفس من در قبضهٔ قدرت اوست که این نماز را نمیکند احدی که بعد از آن از حق تعالی
سؤال نماید چیزی را مگر آنکه باو عطا میفرماید هرچند گناهان او بعدد ریگ بیابان عالج بوده باشد
ششم سید در کتاب اقبال از کتاب هرون بن موسی تلعکبری نقل نموده است که او از حارث
اعور روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در شب عید فطر دو رکعت نماز میفرمود
و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد هزار نوبت و در رکعت دویم بعد از حمد سوره
قل هو الله احد را یکنوبت میخواند و بعد از سلام بسجده میرفتند و صد مرتبه اتوب الی الله میکفتند
و بعد از آن این دعا میخواندند یا ذا المن و الجود یا ذا المن و الطول یا مصطفی محمد صلی الله علیه و آله
صل علی محمد و آله و افعل بی کذا و کذا و بجای و افعل بی کذا و کذا حاجات خود را می طلبید و
سر از سجده بر میداشت روی مبارک را بجانب اصحاب میکرد و میفرمود که قسم بان خداوندی
که جان من در قبضهٔ قدرت اوست که نمیکند کسی این نماز را مگر آنکه حق تعالی عطا میفرماید
باو آنچه را سؤال نماید و بیامرزد او را حق تعالی هرچند گناهان او بعدد ریگ بیابان
عالج بوده باشد و ایضا از کتاب عمل شهر رمضان محمد ابن ابی قرة نقل نموده است که او از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
که هر که در شب عید فطر دو رکعت نماز بکذارد در رکعت اول حمد و سوره قل هو الله احد
هزار نوبت و در رکعت دویم حمد و سوره قل هو الله احد یکنوبت بخواند از حق تعالی چیزی
سؤال نمیکند مگر آنکه حق تعالی عطا میفرماید باو **مؤلف گوید** که این دو روایت در
کتاب جنة الامان کفعمی رضی الله عنه نیز مذکور است و روایت ثانی را با سید موافق نقل نموده
ولکن روایت اول با نقل سید در دو امر مخالفت دارد **اول** آنکه دعای آخر را نقل نموده
دویم آنکه این نماز را بعد از نافلهٔ مغرب قبل از نماز عشا نقل نموده و در نقل سید وقت آن
مطلق شب عید است و چون ضبط سید در نقل بیشتر است اعتماد بر او زیاده است و مؤید

نقل سید

نقل سید چند چیز میتواند شد **اول** مطابق بودن با روایت اخری **دویم** آنکه اگر بعد از نافلهٔ مغرب
بلا فاصله واقع سازد نظر بحال اکثر مردم نماز عشا از وقت فضیلت بیرون میرود **سیم** آنکه
علامه رحمه الله نیز در کتاب منهاج الصلاح این نماز را نقل نموده و گفته است که بعد از آنکه نمازهای
این شب را کرده باشی این نماز را بکن و ظاهرا بسبب ملاحظهٔ ضیق وقت نماز عشا و اطلاق روایت
این را ذکر نموده است و **بدانکه** ظاهر عبارت کفعمی آنست که این نماز با نماز سابق که صد نوبت سوره
قل هو الله احد دارد متحد است و اختلاف عدد سوره از سهو راویان ناشی شده است و گمان این
بضاعت آنست که سبب این اختلاف اختلاف احوال مردم است پس اگر کسی رغبت تمام داشته باشد
و کسالت او را عارض نشده باشد طریق دویم را که هزار قل هو الله دارد اختیار نماید و اگر کسالتی
بسبب مرض یا غیر آن داشته باشد طریق اولی را اختیار نماید که بالمره از این موهبت محروم نباشد
و از اسمعینی ره تقیید در طریق ثانی ظاهر میشود والله تعالی یعلم **هفتم** شیخ طوسی و سید ابن
طاوس و علامه حلی و کفعمی قدس الله ارواحهم و دیگران این دعا را برای این شب نقل نموده اند
یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا الله یا ملک یا الله یا قدوس یا الله یا سلام یا الله یا مؤمن یا الله
یا مهیمن یا الله یا عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله یا خالق یا الله یا باری
یا الله یا مصور یا الله یا عالم یا الله یا عظیم یا الله یا کریم یا الله یا حلیم یا الله یا حکیم
یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا واحد
یا الله یا ولی یا الله یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا الله یا سریع یا الله یا شدید
یا الله یا رؤف یا الله یا رقیب یا الله یا مجید یا الله یا جواد یا الله یا ماجد یا الله یا علی
یا الله یا حفیظ یا الله یا محیط یا الله یا سید السادات یا الله یا اول یا الله یا آخر یا الله یا ظاهر
یا الله یا باطن یا الله یا فاخر یا الله یا قاهر یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه
یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ربّاه یا الله یا ودود یا الله یا نور یا الله یا رافع یا الله یا مانع
یا الله یا فاتح یا الله یا نفّاع یا الله یا جلیل یا الله یا جمیل یا الله یا شهید یا الله یا شاهد یا الله
یا الله یا فاطر یا الله یا مطهر یا الله یا مالک یا الله یا مقتدر یا الله یا قابض یا الله یا باسط
یا الله یا محیی یا الله یا ممیت یا الله یا مجیب یا الله یا باعث یا الله یا معطی یا الله یا مفضل

سؤال

يا الله يا منعم يا الله يا محق يا الله يا مبين يا الله يا طبيب يا الله يا محسن يا الله يا مبدي
يا الله يا معيد يا الله يا باري يا الله يا بديع يا الله يا هادي يا الله يا كافي يا الله يا شافي
يا الله يا علي يا الله يا حنان يا الله يا منان يا الله يا ذا الطول يا الله يا متعالي يا الله يا عدل
يا الله يا ذا المعارج يا الله يا صادق يا الله يا ديان يا الله يا باقي يا الله يا ذا الجلال يا الله يا ذا الاكرام
يا الله يا معبود يا الله يا محمود يا الله يا صانع يا الله يا معين يا الله يا مكون يا الله يا فعال
يا الله يا لطيف يا الله يا جليل يا الله يا غفور يا الله يا شكور يا الله يا نور يا الله يا حنان
يا الله يا قديم يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه
يا الله يا رباه يا الله اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وتمن علي برضاك وتعفو عني
بحلمك وتوسع علي من رزقك الحلال الطيب من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب
فاني عبدك ليس لي احد سواك ولا احد اسئله غيرك يا ارحم الراحمين ما شاء الله
لا قوة الا بالله العلي العظيم پس بسجده میروی و میگویی یا الله یا الله یا ربّ یا الله یا ربّ یا الله
یا ربّ یا الله یا منزل البرکات بك تنزل کل حاجة اسألك بكل اسم في مخزون الغيب عندك
والاسماء المشهورات عندك المكتوبة على سرادق عرشك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تقبل مني شهر رمضان وتكتبني من الوافدين الى بيتك الحرام وتصفح لي عن الذنوب
العظام وتستخرج لي يا رب كنوزك يا رحمن مولف گوید که ظاهر عبارت ابن طاوس و کفعمی
و صریح علامه است که این دعا بعد از نماز هزار قل هو الله احد بیفاصله باید خوانده شود و ظاهر علامه
شیخ در مصباح است که بعد از عمل نجم که بعد از مغرب کرده میشود باید خوانده شود و پوشیده نماند
که روایت نماز هزار قل هو الله و روایت عمل نجم هیچیک مبتنی بر ذکر این دعا نیست بنا براین در هر
وقتی از اوقات که خوانده شود خوب است والله تعالی یعلم هشتم سید در کتاب اقبال از
کتاب ثواب الاعمال ابن بابویه رضی الله عنه و کفعمی در جنة الامان از کتب اکثر علما نقل نموده اند
که از رسول خدا صلی الله علیه وآله منقولست که هر که در شب عید رمضان ده رکعت نماز بکند هر دو رکعت
بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد ده نوبت و بجای تسبیح رکوع و سجود

بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و بعد از فراغ هزار مرتبه استغفر الله نماید
و بعد از آن بسجده شکر رود و این دعا را بخواند یا حي یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا رحمن الدنیا
والآخرة ورحیمهما یا ارحم الراحمین یا اله الاولین والآخرین اغفر لي ذنوبي وتقبل صومي
وصلوتي وقیامي سر از سجده بر ندارد مگر آنکه آمرزیده میشود و روزه او مقبول میشود و از گناهان
او درمیگذرد و در روایت کفعمی این زیادتی نیز هست که هر چند هفتاد گناه کرده باشد که هر یکی
از آنها اعظم از گناهان جمیع بندگان باشد و حق تعالی قبول فرماید اعمال اهل کوره او را و
قبول کند نماز و روزه و عبادت او را پس فرمود که این نماز هدیه و کرامتی است از جانب حق
تعالی برای من و امت من از مردان و زنان و عطا نفرموده است آنرا بیکی از پیغمبران پیش از من
مولف گوید که کفعمی رحمه الله تسبیحات اربع را در رکوع و سجود ده مرتبه نقل نموده و در روایت
چنانچه در اقبال مذکور است یکمرتبه است و ظاهر آنکه کفعمی اشتباه نموده است والله تعالی یعلم
نهم ابن بابویه در کتاب ثواب الاعمال و سید ابن طاوس در کتاب اقبال و کفعمی در جنة الامان
از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده اند که هر که در شب عید رمضان شش رکعت نماز بکند
هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و سوره قل هو الله احد پنج نوبت حق تعالی شفاعت
او را قبول فرماید در حق اهل بیت او هر چند مستوجب آتش جهنم شده باشند و در روایت کفعمی
این زیادتی هست که بخدمت آنحضرت عرض کردند که بچه جهة گناهکاران آمرزیده میشوند
فرمود جهة آنکه محسن و نیکوکار بشفاعت محتاج نیست بلکه شفاعت برای هالکان و زیانکاران
است مولف گوید که سید در کتاب مذکور گفته که این نماز و نماز سابق بلکه نماز با هزار
قل هو الله و دعائی که سابق ذکر شد باید بعد از نماز عشا آنها را بجا آورد و پوشیده نماند که در
روایات آنها چنانچه سید نیز نقل نموده این قید مذکور نیست دهم ایضا سید رضی الله عنه
در کتاب اقبال بسند مرسل روایت کرده است که هر که در شب عید فطر چهار رکعت نماز
بگذارد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعتی حمد یکنوبت و آیة الکرسی یکنوبت و قل هو الله
احد سه نوبت حق تعالی عطا فرماید باو بعدد هر رکعتی ثواب عبادت چهل سال و عبادت
هر که روزه داشته باشد و نماز گذارده باشد در ماه مبارک رمضان پس فضیلت بسیار دیگر
نیز برای این نماز بیان فرموده یازدهم در کتاب فقه رضوی بعد از امر بجد و جهد در دعا و
بیداری در این شب و ذکر نمازی که در عمل هفتم گذشت مذکور است که در روایتی وارد شده

سؤال
سؤال

کرد در این شب چهار رکعت نماز مکتی بدو سلام در هر رکعتی سوره حمد یکنوبت و سوره قل هو الله
احد صد نوبت **مولف گوید** که هر چند ذکر این عمل و روایت ان در کتب اصحاب بنظر این بی بضاعت
نرسیده لیکن چون کتاب مذکور نزد اکثر اصحاب معتبر و انتساب ان بجناب امام رضا علیه السلام
مشهور و مظنون ایشان میباشد لهذا ذکر این عمل در ان کتاب معتبر از روایات و کافی
از برای مستند و فضیلت این عمل و بجا اوردن در این شب با انکه از جزئیات که خدای
تعالی مقرر فرموده که هر گاه خواهند بجا اورند ثواب بسیار می یابند و هر گاه که بجا آورند
ثواب کمتر خواهند یافت **دوازدهم** کفعمی در جنة الامان و صاحب کتاب انیس العابدین
در کتاب مذکور و مولانا محسن کاشی در خلاصة الاذکار از جمله عمل این شب نقل نموده اند
که در هر شب عید و شب جمعه این دعا را ده مرتبه بخوانند اللهم یا دائم الفضل علی البریة
و یا باسط الیدین بالعطیة و یا صاحب المواهب السنیة صل علی محمد و آله خیر الوری
سجیة و اغفر لنا یا ذا العلی فی هذه العشیة برحمتك یا ارحم الراحمین و کفعمی
در حاشیه بلد الامین از کتاب فردوس در شب عید ده مرتبه خواندن این دعا را نقل نموده
و از صاحب کتاب مذکور نقل کرده که او گفته است که هر که بخواند این دعا را بنویسد خدای تعالی
از برای او در نامه عمل او هزار هزار حسنه و محو کند از او هزار هزار سیئه و بلند کند از برای
او هزار هزار درجه پس چون روز قیامت شود در مجلسهای حضرت ابرهیم علیه السلام
با او همنشین باشد **مولف گوید** که تا حال روایتی برای خواندن این دعا در شب عید بنظر
این قاصر نرسیده است و لیکن ذکر ثواب در حاشیه بلد الامین دلیل بر مروی بودن این است
و با انکه کفعمی این دعا را از اعمال شب عید فطر نقل نموده لیکن در عبارت او شب عید مطلق
و احتمال شب عید اضحی نیز دارد و اگر در شب عید اضحی هم خوانده شود بهتر است چنانچه بعضی
متاخرین در عمل سنه خود ذکر نموده اند بلکه اگر در اکثر اعیاد شریف بخوانند نظر بظاهر
لفظ عید مناسب است **سیزدهم** زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه
در این شب فضیلت بسیار دارد چنانچه سید ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب مصباح الزائر
از حضرت امام جعفر صادق و حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیهما روایت
کرده است که فرموده اند که هر که زیارت کند حضرت امام حسین صلوات الله علیه را در شب
نصف شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یکسال بنویسد حق تعالی در نامه عمل او

هزار حج

دعای شبهای جمعه

هزار حج مقبول و هزار عمره مقبوله و بر آورده هزار حاجت از حاجتهای دنیا و اخرت او را و ایضا
سید از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که سه شبات که هر که زیارت
کند حضرت امام حسین علیه السلام را در انشب محو میفرماید خدای تعالی گناهان گذشته و
اینده او را شب نیمه شعبان و شب بیست و سیم ماه رمضان و شب عید رمضان **واما کفعمی**
زیارت انحضرت در این شب شیخ مفید و سید ابن طاوس و شیخ شهید قدس الله ارواحهم در کتاب
مزار خود گفته اند که هر گاه در شب عید فطر یا عید قربان اراده زیارت انحضرت نمائی پس برو
نزد مشهد مقدس انحضرت و بایست نزد در روضه مقدسه و چشم خود را بجانب قبر مبارك بینداز
و بگو در حالتی که رخصت دخول طلبی یا مولای یا ابا عبد الله یا ابن رسول الله عبدك و ابن
امتك الذلیل بین یدیك و المصغر فی علو قدرك و المعترف بحقك جائك مستجیرا
بك قاصدا الی حرمك متوجها الی مقامك متوسلا الی الله تعالی بك ء ادخل یا مولای ء ادخل
یا ولی الله ء ادخل الیك یا ملائكة الله المحدقین بهذا الحرم المقیمین فی هذا المشهد پس اگر
دل تو خشوع بهم رساند و اشك از چشم تو بیرون اید ان علامت رخصت است پس اول پای
راست را داخل روضه کن و بگو بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله
اللهم انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین پس بگو الله اکبر کبیرا و الحمد
لله کثیرا و سبحان الله بکرة و اصیلا و الحمد لله الفرد الصمد الماجد الاحد المتفضل
المنان المتطول الحنان الذی من تطوله سهل لی زیارة مولای باحسانه و لم
یجعلنی عن زیارته ممنوعا و لا عن ذمته مدفوعا بل تطول و منح پس بیای چون بیا
در برو او وسط روضه مقدسه برسی بایست برابر قبر مقدس در حالی که با خضوع و گریه و تضرع باشی
پس بگو السلام علیك یا وارث ادم صفوة الله السلام علیك یا وارث نوح امین الله
السلام علیك یا وارث ابرهیم خلیل الله السلام علیك یا وارث موسی کلیم الله
السلام علیك یا وارث عیسی روح الله السلام علیك یا وارث محمد صلی الله
علیه و آله حبیب الله السلام علیك یا وارث علی حجة الله السلام علیك
ایها الوصی البر التقی السلام علیك یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور اشهد

المعروف

قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في الله حق جهاده
حتى استبيح حريمك وقتلت مظلوما بعد از ان باديت نزد سر آنحضرت در حالي كه دلت با خضوع حرمك
وچشمت گريان باشد بگو السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله السلام
عليك يا ابن سيد الوصيين السلام عليك يا ابن فاطمة سيدة نساء العالمين السلام
عليك يا بطل المسلمين يا مولاي اشهد انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة والارحام
المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك من مدلهمات ثيابها واشهد انك
من دعائم الدين واركان المؤمنين المسلمين ومعقل المؤمنين واشهد انك الامام البر
التقي الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام
الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا پس خود را بر روي قبر بينداز وبگو انا لله
وانا اليه راجعون يا مولاي انا موال لوليكم ومعاد لعدوكم وانا بكم مؤمن وبايابكم
موقن بشرائع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع يا مولاي اتيتك
خائفا فامني واتيتك مستجيرا فاجرني واتيتك فقيرا فاغنني سيدي ومولاي انت
مولاي حجة الله على الخلق اجمعين امنت بسركم وعلانيتكم وظاهركم وباطنكم
واولكم واخركم واشهد انك التالي لكتاب الله وامين الله الداعي الى الله بالحكمة
والموعظة الحسنة لعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به پس دو ركعت
نماز زيارت نزد سر آنحضرت بكن وچون سلام گفتي بگو اللهم اني صليت ولك ركعت ولك
سجدت وحدك لا شريك لك فانه لا يجوز الصلوة والركوع والسجود الا لك لانك
انت الله الذي لا اله الا انت اللهم صل على محمد وال محمد وابلغهم عني افضل السلام
والتحية واردد علي منهم السلام اللهم وهاتان الركعتان هدية مني الى سيدي
الحسين بن علي عليه السلام اللهم صل على محمد وعليه وتقبلهما مني واجرني عليهما

افضل املي ورجائي فيك وفي وليك يا ولي المؤمنين پس بازگرد واز روي قبر بپيدا بنزد پاي قبر رو وبگو
السلام على الحسين بن علي المظلوم الشهيد قتيل العبرات واسير الكربات اللهم اني اشهد
انه وليك وابن وليك وصفيك الثائر بحقك اكرمته بكرامتك وختمت له بالشهادة نبيك
وجعلته سيدا من السادة وقائدا من القادة واكرمته بطيب الولادة واعطيته مواريث
الانبياء وجعلته حجة على خلقك من الاوصياء فاعذر في الدعاء ومنح النصح
وبذل مهجته فيك حتى استنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر عليه من خيرته
غرته الدنيا وباع حظه من الاخرة بالارذل الادنى وتردى في هواه واسخطك واسخط
نبيك واطاع من عبادك اولي الشقاق والنفاق وحملة الاوزار المستوجبين النار
فجاهدهم فيك صابرا محتسبا مقبلا غير مدبر لا تاخذه في الله لومة لائم حتى سفك في فيك
طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم العنهم لعنا وبيلا وعذبهم عذابا اليما بعد از ان پايين
پاي قبر علي بن الحسين عليه السلام نزد پاي پدر خود وبگو السلام عليك يا ابن رسول الله السلام
عليك يا ابن خاتم النبيين السلام عليك يا ابن فاطمة سيدة نساء العالمين السلام عليك
يا ابن امير المؤمنين السلام عليك ايها المظلوم الشهيد بابي انت وامي عشت سعيدا وقتلت
مظلوما شهيدا پس زيارت كن قبور شهدا را وبگو السلام عليكم ايها الذابون عن توحيد الله
السلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار بابي انتم وامي فزتم فوزا عظيما بعد از ان برو بنزد
قبر عباس بن امير المؤمنين عليه السلام وبايست بر ابر قبر وبگو السلام عليك ايها العبد الصالح
والصديق المواسي اشهد انك امنت بالله ونصرت ابن رسول الله ودعوت الى سبيل الله
وواسيت بنفسك فعليك من الله افضل التحية والسلام پس بينداز خود را بر روي قبر وبگو
بابي انت وامي يا ناصر دين الله السلام عليك يا ناصر الحسين الصديق السلام عليك
يا ناصر الحسين الشهيد عليك مني السلام ما بقيت وبقي الليل والنهار پس دو ركعت نماز
نزد سر عباس بكن وبخوان دعائي كه بعد از نماز زيارت حضرت امام حسين صلوات الله عليه مذكور شد

پس بوکرد بروضهٔ حضرت امام حسین علیه السلام وهر قدر که خواهی بمان لیکن مستحبست که روضه را
خوابگاه خود نکردانی پس چون اراده وداع داشته باشی بایست نزد سر انحضرت وحال آنکه گریان
باشی وبگو السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَلا سَئِمٍ فَاِنْ اَنْصَرِفْ فَلا عَنْ
مَلالَةٍ وَاِنْ اُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللهُ الصّابِرِینَ یا مَوْلایَ لا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ
الْعَهْدِ مِنّی لِزِیارَتِکَ وَرَزَقَنِی الْعَوْدَ اِلَیْکَ وَالْمَقامَ فی حَرَمِکَ وَالْکَوْنَ فی مَشْهَدِکَ آمینَ
رَبَّ الْعالَمینَ پس ببوس ضریح انحضرت را وبدن خود را بران بمال که امان وحرزی خواهد بود
برای تو از آتش جهنم وبیرون بیا از روضهٔ مقدسه وپشت بقبر مکن وبگو السَّلامُ عَلَیْکَ یا باب
الْمَقامِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا شَریکَ الْقُرْآنِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ الْخِصامِ السَّلامُ عَلَیْکَ یا
سَفینَةَ النَّجاةِ السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا مَلائِکَةَ رَبّی الْمُقیمینَ فی هذَا الْحَرَمِ السَّلامُ عَلَیْکَ
اَبَداً ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ وبگو اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ
اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ پس برگرد بحالتی که مرحوم باشی وحظ وافری از ثواب خدا داشته باشی ان شاء الله
وسید رحمه الله گفته که هرگاه این زیارت را بکنی خواهی بود مثل کسی که خدا را در عرش او زیارت کرده
باشد مؤلف گوید که اگرچه اصحاب زیارات این زیارت را نسبت بروایت نداده اند ولیکن ظاهرست
که شیخ مفید وسید وشهید فی مستند نقل نکنند وروایت از نظر ایشان رسیده باشد پس هرگاه
در ان مکان شریف در این ایام حاضر باشند باین زیارت عمل نمایند وهرگاه در بلاد بعیده باشند
بزیارت مطلقه بعیده زیارت نمایند ودر اوقات بعضی از انها کذشت جهارم در
زکوة فطره بدانکه زکوة فطره از واجبات اکیده است واز مفروضات شدیده است وبی آن
با وجود تحقق شرایط ان چنانچه بتفصیل مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی گناه کبیره است وقبول روزه
ماه مبارک رمضان بان مشروطست چنانچه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که از
تمامی روزه گرفتن دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد وال محمد از تمامی نمازست
زیرا که هر که روزه بگیرد وزکوة فطره ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه عمدا ترک کند واگر صلوات
بر محمد وال او صلی الله علیه وعلیهم در تشهد نماز ترک نماید نمازش مقبول نیست وحق تعالی زکوة را
پیش از نماز ذکر کرده است در انجا که فرموده است قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَکّی وَذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّی یعنی بتحقیق

در اخراج فطره از مال خود

کرد رستکاری یافت

کرد رستکاری یافت کسی که زکوة فطره داد وبیاد آورد پروردگار خود را بان تکبیرات که مذکور شد در نماز
عید را بجا آورد چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال وسبب حفظ ان از تلف شدن وآفت رسیدن
میشود چنانچه در حدیث وارد شده است که هیچ مالی در دریا وصحرا تلف نمیشود مکر بسبب ندادن زکوة
همچنین زکوة فطره زکوة بدنست وبدن را از بخل وسایر کثافات معنویه پاکیزه میسازد ونیز سالم
دیگر انها را از بلاها نکاه میدارد چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
با معتب وکیل خرج خود فرمود که برو وفطره جمیع عیال ما وغلامان وکنیزان ما را بده وهیچیک از
ایشانرا ترک مکن که زکوة او را بدهی زیرا اگر یکی را ترک کنی میترسم که در عرض سال بمیرد وتفصیل
مباحث متعلقه بان در ضمن چهار مقصد بیان میشود مقصد اول در بیان معطی یعنی کسی که زکوة
فطره براو واجب میشود وباید که بمستحق بدهد بدانکه در وجوب زکوة فطره سه چیز شرطست اول
انکه مکلف باشد پس واجب نیست بر نابالغ ودیوانه وهمچنین کسی که از شام شب عید تا ظهر روز عید
بیهوش بوده است براو واجب نیست زیرا که عقل نیز از شرایط تکلیف است ودر زمان وجوب این شخص مفقود
واگر پیش از ظهر بهوش آید احوط انست که بدهد دویم آزادی پس واجب نیست بر بنده ودر حکم بنده است
مدبر وام ولد ومکاتب مشروط ومکاتب مطلق نیز اگر چیزی از او آزاد نشده باشد واگر قدری از او
آزاد شده باشد بقدر آزادی فطره براو واجب میشود وبقدر بندگی بر آقا واجبست واحوط در مکاتبات
مطلقات انست که خود بدهد باذن آقا یا آقا بدهد واو را اعلام نماید وهمچنین است حکم بندهٔ که بعضی
غیر کتابت بعضی از او آزاد شده باشد وبعضی بنده باشد سیم انکه غنی ومالدار باشد پس واجب
نیست بر فقیر واین شرط موافق قوی واشهر میان علما است ومراد از غنی بنابر مشهور انست که قوت
سالیانه خود وعیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او وعیال او بکند
وبعضی گفته اند که در شب عید زاید بر قوت خود وعیال خود بقدر فطره داشته باشد براو واجبست
واین احوط است اگرچه بنابر رای اکثر محققین از متاخرین در این صورت مستحبست نه واجب واگر
فقیر یک فطره را با عیال خود دست بدست بگردانند وبعد از ان بفقیر دیگر بدهند هم ثواب فطره دارند
وهرگاه شرایط مذکوره محقق شود واجبست که فطره را اخراج نماید از خود وانهر کسی که عیال او باشد
خواه نفقه آنها براو واجب باشد مانند زن وفرزند وپدر ومادر وغلام وکنیز یا نباشد مثل آنها که از راه
عیال کرده باشد ومتکفل احوال واخراجات ایشان کردیده باشد خواه آنها مکلف باشند یا غیر مکلف
بنده باشند یا آزاد مسلمان باشند یا کافر که فطره هم آنها بر این شخص که آنها عیال او بند واجبست وحاصل انست که

هرگاه شرایط وجوب فطره در کسی متحقق شد بر او واجب است که فطرهٔ خود و عیال خود را بدهد هر چند شرایط وجوب در عیال یافت نشود و بر فروع این مسئله چند چیز است **اوّل** آنکه در باب عیال بودن ضرور نیست که پیش از هلال شب عید عیال آن شخص باشد و در این باب خلافی در میان علما نیست و مشهور میان علما آنست که در وقت هلال عید هرگاه عیال او باشد فطرهٔ ایشان بر آن شخص واجب است و از کلام بعضی ظاهر میشود که عیال بودن در صبح روز عید کافی است بنا بر این احوط آنست که اگر کسی در صبح عید جمعی را داخل عیال خود نماید فطرهٔ ایشان را نیز بدهد و ایشان نیز اگر شرایط وجوب فطره را داشته باشند خود نیز بدهند **دوم** آنکه مهمان نیز در حکم عیال است و فطرهٔ او بر صاحب خانه است ولیکن در تحدید مهمانی و آنکه ضیافت بچه قدر متحقق میشود چند قول است بعضی تمام ماه رمضان را و بعضی نصف آخر ماه را و بعضی ده روز آخر را و بعضی دو شب آخر ماه را و بعضی شب آخر ماه را کافی دانسته‌اند و اشهر آنست که هرگاه مهمان در آخر روز آخر ماه رمضان داخل خانهٔ آن شخص شود فطرهٔ او بر صاحب خانه است و این قول احوط است و آیا شرط است که مهمان در خانهٔ صاحب خانه چیزی بخورد یا نه در این باب نیز دو قول است و احوط آنست که صاحب خانه فطرهٔ مهمان را بدهد هر چند مهمان چیزی نخورده باشد بلکه غیر مهمان نیز حکم مهمان دارد و حاصل آنست که احتیاط مقتضی آنست که هر کس پیش از شام شب عید داخل خانهٔ آدمی شود خواه مهمان و خواه غیر مهمان و خواه چیزی بخورد یا نخورد فطرهٔ او را صاحب خانه بدهد **سیّم** اگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه و کسوهٔ او را دهد و در خانهٔ دیگر باشد زکوة او بر معطی واجب نیست و همچنین اگر در شب عید پیش از شام جهت همسایها طعامی بفرستد یا فقیری را چیزی بدهد یا شخصی در ماه رمضان مهمان باشد و در شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام افطار کرده بخانهٔ او آید فطره بر او واجب نیست و اگر چیزی نخورده باشد و بعد از شام بیاید احوط آنست که خود و صاحب خانه هر دو بدهند **چهارم** بدانکه اگر مهمان و صاحب خانه هر دو فقیر و پریشان باشند بر هیچیک فطره واجب نیست بلی در این صورت مستحب است که یک فطره را دست بدست بگردانند و در آخر بمستحق دهند چنانچه گذشت و اگر صاحب خانه غنی و مهمان فقیر باشد فطرهٔ مهمان بر صاحب خانه است چنانچه گذشت و اگر صاحب خانه فقیر و مهمان غنی باشد در این صورت بعضی فطرهٔ مهمان را ساقط دانسته‌اند و احوط آنست که مهمان فطرهٔ خود را بدهد و اگر هر دو غنی باشند باز احوط آنست که فطرهٔ مهمان را هر دو بدهند بلکه هر غنی که داخل خانهٔ غنی شود پیش از شام شب عید این حکم دارد **پنجم** شوهر هرگاه غنی باشد و زوجه داخل عیال او باشد فطرهٔ او بر شوهر است و اگر عیال او نباشد

پس اگر

پس اگر واجب النفقه بر شوهر نباشد مثل آنکه ناشزه باشد یا صغیره باشد یا غیر مدخوله باشد و تمکین شوهر نکند پس اشهر میان علما عدم وجوب بر شوهر است و بعضی گفته‌اند که هرگاه شوهر غنی باشد فطرهٔ زوجه بر او واجب است خواه زوجهٔ دائمه و خواه منقطعه و خواه ناشزه و خواه غیر ناشزه و خواه نفقهٔ او بر شوهر واجب باشد یا نباشد و احوط رعایت این قول است و اگر واجب النفقه بر شوهر باشد و داخل عیال او نباشد مشهور میان علما وجوب بر شوهر است و بعضی بعدم وجوب قایل شده‌اند و در این صورت احوط آنست که اگر عیال دیگری نباشد خود و شوهر هر دو بدهند و اگر شوهر فقیر باشد پس اگر زوجه نیز فقیر است بر هیچیک واجب نیست و اگر زوجه غنی باشد در این چند قول است و احوط در این صورت آنست که زوجه اگر عیال دیگری نباشد فطره را خود بدهد خواه داخل عیال شوهر باشد یا نباشد و خواه واجب النفقهٔ او باشد یا نباشد **ششم** زوجهٔ مطلقهٔ رجعیه حکم زوجه دارد در وجوب نفقه و فطره بر زوج و زوجهٔ مطلقه بطلاق باین بر خود شوهر اجنبی است و هرگاه مطلقهٔ باین حامله باشد خلافی هست میان فقها که نفقه که لازم است بر شوهر از برای زوجه است یا از برای حمل هرگاه حکم کنیم بلزوم نفقه برای زوجه فطره واجب خواهد بود بر شوهر و اگر قایل شویم بآنکه نفقه برای حمل است فطره بر زوجه خواهد بود و احوط آنست که هر یک که بدهند باذن دیگری بدهند **هفتم** پدر و مادر و جد و جده هر چند بالا روند و فرزندان و فرزند زادگان هر چند پایین روند هرگاه فقیر باشند نفقهٔ ایشان بر آدمی واجب است پس اگر نفقهٔ او را خورند فطرهٔ ایشان بر او است و اگر عیال دیگری باشند فطرهٔ ایشان بر آن دیگر است و اگر واجب النفقهٔ او باشند و او بایشان نفقه ندهد مشهور میان علما آنست که فطرهٔ ایشان بر او واجب است و این احوط است و اگر فرزند غنی باشد و بالغ نباشد یا بالغ باشد اما دیوانه باشد و عیال هیچکس حتی پدر و مادر نیز نباشد زکوة او بر پدر و مادر واجب نیست بر خودش نیز واجب نیست زیرا که شرط تکلیف در او متحقق نیست **هشتم** غلام و کنیز اگر از جملهٔ عیال آقا باشند زکوة ایشان بر آقا واجب است و اگر عیال دیگری شوند بر آن دیگر واجب و اگر از کسب خود خورند بر آقا واجب است اگر حاضر باشند و زوجهٔ غلام حکم غلام دارد در باب نفقه و زکوة فطره بتفصیل مذکور و هرگاه از کسب غلام خورد نیز ظاهر آنست که آقا بدهد و اگر غلام و کنیز که گریخته باشند یا غایب شده باشند و خبر ایشان رسد که زنده‌اند مشهور میان علما آنست که بر آقا است و این احوط است و اگر خبر ایشان نرسد یا مدتی مدید باشد که غایب شده

جمعی گفته‌اند که فطره ایشان را آقا میدهد مادام که علم بموت ایشان بهم نرسانیده است و این نیز احوط است

نهم زکوة فطره بنده که مشترک باشد میان دو نفر یا بیشتر مشهور آنست که فطره او بر هر شریک است

بقدر حصه هر یک هرگاه از عیال آنها باشد یا عیال کسی نباشد و ابن بابویه گفته است که فطره بنده بر آقا

لازم نمیشود تا مالک نباشد تمام بنده را و حجت آن روایتی است که از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام مرویست و در آن مذکور است که هرگاه یک رأس تمام را مالک باشد فطره او را میدهد بنا بر این

هرگاه مثلا سه بنده میان سه مولی مشترک باشد و مساوی در شرکت باشند چون هر یک از شرکا

یک رأس را تمام مالک می‌شوند هر یک از شرکا فطره یک رأس را میدهند و اگر شرکا مساوی نباشند

بلکه هر یک از ایشان کمتر از یک رأس را مالک باشند هیچ یک چیزی بر ایشان نیست و عمل باین روایت

اگرچه قوتی دارد نظر بموافق بودن آن با اصل و معارض نداشتن لیکن احوط قول مشهور است

بالکه یکی از شرکا باذن سایر شرکا تمام را بدهند و اگر یکی از شرکا با غیری بتبرع او را در عیال خود

قرار دهند فطره او بر آن شخص است که آنها در عیال او محسوب باشند **دهم** هرگاه بنده که بعضی از او آزاد

شده باشد یا مولی بنا گذارده که یک روز مثلا برای آقا خدمت کند و یک روز برای خود و هلال عید

در نوبت یکی از اینها واقع شود در واجب بودن فطره بر آنکس که هلال در نوبت آن طالع شده میان

فقها خلافست احوط آنست که باذن یکدیگر بدهند **یازدهم** هرگاه آقا قبل از شام عید بنده را

بکسی ببخشد مشهور آنست که فطره غلام واجب نمیشود بر آنکس تا قبض نکند و بر واهب یعنی بخشنده

واجبست و در این صورت هرگاه واهب بمیرد هبه باطل میشود و زکوة فطره بر وارث

واهب واجب میشود و احوط آنست که در هر صورت باذن موهوب له باشد **دوازدهم** شخص

اگر آقا وصیت کند که این بنده بعد از من از فلان شخص باشد و آقا قبل از شام عید بمیرد اگر آن

قبول وصیت قبل از شام کرده است فطره بنده بر اوست و اگر بعد از شام قبول کرده فطره بنده

بر او واجب نیست و آیا فطره بنده در این صورت بر وارث است یا نه اشکالی دارد و احوط

آنست که هرگاه آن شخص علم بوصیت بهم رسانیده باشد زکوة بنده را بدهد **چهاردهم** هرگاه

طفلی پیش از شام شب عید بالغ شود یا دیوانه پیش از شام عاقل شود یا بنده پیش از شام آزاد شود

یا فقیر پیش از شام غنی شود و عیال دیگری نباشند فطره بر خودشان واجبست و اگر هر یک

از اینها بعد از شام تا ظهر روز عید واقع شود فطره مستحب است و همچنین اگر شخص مالک بنده شود

یا طفلی بهم رساند پیش از شام شب عید فطره بر آن شخص واجبست و بعد از شام تا ظهر روز عید

مستحبست

مستحب است **پانزدهم** کسی که فطره او بر دیگری واجب باشد و داند که آن دیگر فطره او را نمیدهد

از خود ساقط است و اگر داند که آن شخص نمیدهد یا آن شخص فقیر باشد احوط آنست که خود بدهد

مقصد دویم در بیان جنس فطره و مقدار آن بدانکه در باب جنس فطره در میان علما اختلافست

ابن بابویه رحمه الله و جمعی دیگر از علما گفته‌اند که فطره باید از چهار جنس داده شود و آنها گندم و جو

و خرما و مویز است و سید مرتضی رحمه الله گفته است که باید از شش جنس داده شود که آنها چهار جنس

مذکور با کشک و شیر است ولیکن گفته است که بهتر آنست که در هر بلدی هر یک از آنها که قوت غالب

آن بلد باشد بدهد و شیخ مفید طاب ثراه از هفت جنس گفته که آنها شش جنس سابق با برنج است

و شیخ طوسی رحمه الله نیز این قول را اختیار کرده است و گفته است که بغیر این هفت جنس چیز دیگر مجزی

نیست و اشهر میان علما آنست که از شش جنس گندم و جو و خرما و مویز و کشک و ذرت است

است باید داده شود و بعضی از متاخرین پنج جنس اگر گندم و جو و خرما و مویز و کشک باشد

لازم دانسته‌اند و غیر اینها را مجزی نمیدانسته و بعضی ذرت را نیز الحاق کرده‌اند و بعضی دیگر

برنج را در بلادی که قوت غالب ایشان برنج باشد مانند مازندران و گیلانات تجویز کرده‌اند

و منشا این خلاف اختلاف روایات و اخبارات و احوط قول بعضی از متاخرین است که بغیر از گندم

و جو و خرما و مویز و کشک جنس دیگر ندهند و در باب فضیلت اجناس مذکوره نیز خلافات

و بعضی از محققین متاخرین گفته‌اند که خرما افضل از همه است و بعد از آن هر چیز قوت غالب باشد

چنانچه مردم شهر چون قوت غالب ایشان نان گندم است بهتر آنست که گندم بدهند و مردم

دهات چونکه غالب نان جو میخورند جو بدهند و این قول مقرون باحتیاط و من حیث الدلیل

در نهایت قوتست خصوصا افضلیت خرما که در احادیث بسیار وارد شده است چنانچه کلینی و ابن

بابویه و شیخ طوسی قدس الله ارواحهم بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله

علیه روایت کرده‌اند که فرمود خرما در فطره افضل است از غیر خرما از جهت آنکه منفعت آن زودتر

بمستحق میرسد زیرا که در همان ساعت که بدستش آمد بعد از آن میخورد و ایضا شیخ طوسی از آن حضرت

روایت کرده است که اجناس فطره را بیان فرمود پس فرمود که خرما محبوب‌تر است نزد من

پس بدرستی که برای تو بعوض هر دانه نخل خرمائی در بهشت خواهد بود و ایضا از آن حضرت

روایت کرده است که فرمود که اگر یکصاع از خرما بدهم در فطره محبوب‌تر است نزد من از آنکه

یکصاع طلا بدهم و احادیث دیگر نیز در باب افضلیت خرما وارد شده است و در انقضا

در بیان جنس فطره و مقدار

کیفیت وزن فطره

بهمین قدر اکتفا شد **و اما مقدار فطره** پس آنست که از هر شخصی یکصاع است از اجناس مذکوره و صاع
نه رطل است و اکثر شیر دهند بعضی شش رطل و بعضی چهار رطل عراقی را کافی میدانند و بعضی
چهار رطل مدنی گفته اند و احوط آنست که کمتر از یکصاع ندهند و صاع موافق حساب مشهور
ظاهرا یکمن تبریزی و چهارده مثقال و ربع مثقالست و احوط یکمن و نیم تبریزیست و نهایت احتیاط
انست که یکمن شاه بدهند و در این مقام نیز تنبیه بر چند امر ضرور است **اول** آنکه بعضی از
فقها گفته اند که آرد گندم و جو و نان گندم و جو حکم گندم و جو دارد و اینها را نیز بفطره میتوان داد
و این قول محل تامل و توقف و خلاف احتیاطاتست بلکه اصل گندم و جو باید داده شود
دویم در مجزی بودن پنیر و دوغ و روغن بجای شیر هر گاه شیر جایز باشد سخنی هست چه
هر یک از اینها اسم خاصی دارند و شیر بر اینها اطلاق نمیشود و اقرب و اولی انست که باز آء هر یک
از اینها قیمت یکصاع از شیر بدهند **سیم** جایز نیست دادن رطب و انگور عوض خرما و مویز
و همچنین علما ذکر کرده اند که جایز نیست جنس معیوب و کرم خورده بجای جنس خوب بفطره دادن
چهارم اشهر میان علما و احوط آنست که از هر یک یکجنس داده شود مثلا یکمن گندم یا غیر ان
از اجناس دیگر بدهد و دو جنس را باهم ضم نکند مثلا اینکه نیم من گندم و نیم من جو از یک شخص
بدهد که این خلاف احتیاطات والله تعالی یعلم **پنجم** هر گاه مختلف باشد قوت دو مالک
بنده مثلا یک مالک گندم خورد و یکمالک جو بعضی جایز دانسته اند که مختلف بدهند
بانکه یکی گندم بدهد حصه خود را و دیگری جو و بعضی جایز ندانسته اند بلکه از یکجنس باید
بدهند و اقرب انست که مطلقا اختلاف جنس جایز است خواه از یک مالک باشد یا دو مالک
و خواه مخالف جنس قوت غالبش باشد یا موافق ان و خواه از جنس واحد باشد یا زیاده و لیکن
احوط انست که یکجنس باشد و قوت غالب باشد **ششم** اجماع علما منعقد است بر آنکه قیمت این
اجناس را میتوان داد خواه اجناس مزبوره یافت شود یا نشود چنانچه بسند صحیح منقولست که محمد بن
اسمعیل بن بزیع گفت که درهمی چند از خود و از غیر خود فرستادم بخدمت حضرت امام رضا
صلوات الله علیه و نوشتم که اینها فطره عیال من است پس حضرت بخط مبارک خود در جواب
نوشت که قبض کردم و قبول نمودم و بسند موثق منقولست که اسحق بن عمار گفت که بخدمت
حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که فدای تو شوم چه میفرمائی در باب فطره آیا جایز است
که نقره را بقیمت اجناس بدهند حضرت فرمود بلی نفع این بیشتر است هر چه میخواهد از آن بخرد

و در روایت دیگر فرمود که قیمت دادن در فطره باکی نیست و احادیث دیگر بر این مضمون بسیار است
و در این باب خلافی نیست و لیکن آیا قیمت باید از طلا و نقره باشد یا غیر ان نیز جایز است و در این
خلافست بعضی از علما گفته اند که قیمت دادن مطلقا جایز است خواه طلا و نقره و خواه زر
فلوس و خواه جنس دیگر و این قول محل تامل است و احوط انست که جنس ندهد بلکه زر فلوس نیز
ندهد و اکتفا بر اشرفی و نقره کند و شاید نقره دادن نیز اولی و احوط باشد والله تعالی یعلم
هفتم در صورتی که جایز باشد بقیمت جنسی که بر او واجبست که بفطره بدهد جنس دیگر
بدهد هر گاه نصف صاع از جنس دیگر بازاء قیمت یکصاع از جنسی که بر او واجبست بدهد
و مساوی باشند باهم در قیمت آیا جایز است یا آنکه چون جنس میدهد باید که یکصاع تمام باشد
در ان دو قولست شیخ شهید اول در کتاب بیان مجزی نمیداند و احوط در این صورت انست
که قیمت نقد بدهد مگر آنکه بفروشد نصف صاع را بمستحق بقیمت بازار و آن قیمت را بازاء
یکصاع از جنسی که بفطره باید بدهد محسوب دارد هر چند در محسوب ساختن دین بزکوة نیز
سخنی هست **هشتم** بعضی از علما قیمت هر صاعی را بیکدرهم شرعی و بعضی بچهار دانگ
نقد بر نموده اند و این دو قول بسیار ضعیف است و اقوی قول مشهور است که مراعات قیمت وقت
می باید کرد پس در این بلاد مانند اصفهان و نواحی ان چون غالب اوقات یکمن شاه گندم به صد دینار
یا اندکی زیاده بر انست باید نقد رو داده شود **مقصد سیم** در بیان مستحق زکوة فطره
بدانکه مشهور میان علما انست که زکوة فطره را بمستحق زکوة مال میتوان داد و ظاهر کلام شیخ مفید
رحمه الله انست که مخصوص بفقراست و بغیر ایشان از سایر اصناف مستحقین زکوة نمیتوان داد
و این احوط است و از چند حدیث ظاهر میشود که پریشانی مستحق فطره باید زیاده بر پریشانی مستحق
زکوة مال بوده باشد بنابر این احوط انست که نهایت احتیاج و اعسار داشته باشد و لیکن باید سائل
بکف نباشد و احوط انست که متظاهر بفسوق نباشد و صالح باشد و باطفال مؤمنان نیز میتوان داد
هر گاه پریشان بوده باشند و در این مقام نیز بیان چند مسئله ضرور است **اول** آنکه فطره غیر سید را بسید
نمیتوان داد و فطره سید را بسید و غیر سید هر دو میتوان داد زیرا که فطره از جمله اقسام زکوة است و زکوة
غیر سید بر سید حرام است **دویم** بدانکه شریف که مادر آن سید باشد و پدر غیر سید در سیادت ان بعضی
انکه خمس میتوان گرفت یا نه خلاف است هر چند مجب دلیل سیادت ان قوت دارد و لیکن احتیاط
در انست که فطره از سادات ندهند و فطره سادات را بان بدهند **سیم** بدانکه در سیادت

در معرفت احوال مستحقین زکوة فطره

سؤال

وغیر آن ظاهر آنست که حال معطی مناط است یعنی آنکه که زکوة فطره بر او واجب میشود مثلا هرگاه معطی
سید باشد و عیال او غیر سید فطرهٔ عیال حکم فطرهٔ سید دارد و هرگاه معطی غیر سید باشد و عیال او سید
فطرهٔ هم حکم فطرهٔ غیر سید دارد باعتبار آنکه فطرهٔ عیال بر عیال واجب نیست و وجوب تعلق میگیرد بمعطی
واو از مال خود میدهد بی مراعات حال سیادت وعدم آن تابع حال معطی است وآنکه زکوة غیر سید
بر سید حرام است در صورتی است که زکوة فطره بر غیر سید تعلق بگیرد و هرگاه معطی سید باشد و عیال
غیر سید چون بر معطی واجب است واز مال او اخراج میشود باین معنی که اگر زکوة عیال را ندهد ظاهر آنست
که مطلقا بر عیال وجوب ندارد و هرگاه عیال ندهند گناه کار نخواهند بود بلکه معطی چون نداده است
گناه دارد پس در این صورت زکوة سید خواهد بود و بر سادات و غیر سادات حلال خواهد بود ولیکن
چون حدیث صریح مخصوصی در این باب بنظر نرسید و فطره نیز از اصناف زکوة است و وارد شده
که زکوة از چرکهای دست مردم است و باین جهت بر بنی هاشم حرام است و در عرف میگویند که این
فطره از خود و این از عیال است و در بعضی از روایات این تفصیل نیز وارد شده است و شاید که
مراد از عیال بالاصالة منظور نظر شارع بوده باشد و وجوب فطره نیز بآن تعلق گیرد لهذا احوط
آنست که در هر دو صورت مذکوره یعنی در حالی که معطی سید باشد و عیال او غیر سید و عکس آن
فطرهٔ عیال را بسادات ندهند والله اعلم **چهارم** آنکه افضل آنست که خویشان را بر غیر خویشان
مقدم دارند اما احوط آنست که خویشان غیر واجب النفقه باشند و همچنین بهتر آنست که همسایگان
برثیان را بر غیر هما امکان ترجیح دهند و همچنین جماعتی را که افضل و اعلم و افقه باشند نسبت
بغیر ایشان بهتر اند و اگر تخصیص هر سه وصف جمع شده باشد یعنی خویشی و همسایه و اعلم
باشد بر همه کس مقدم است و اگر جمع نباشد اکثر گفته اند که خویش مقدم است و بعد از آن اعلم
والله تعالی یعلم **پنجم** آنکه مشهور میان علما آنست که جایز نیست که فقیر را کمتر از یک صاع
بدهند مگر آنکه فقرا بسیار باشند که در این صورت جایز است کمتر از یک صاع دادن بفقیری
هرگاه بهمه فقرا نرسد و سید مرتضی ادعای اجماع کرده و محقق در معتبر و بعضی از متأخرین
روایتی اگر وارد شده که کمتر از یک صاع بدهند حمل بر استحباب نموده و علی ای حال الاحوط آنست که
فقیر را کمتر از یک صاع ندهند و بیش که چند سر میتوان داد که مستغنی شود ولیکن اگر فقرا بسیار
باشند بهتر آنست که هر کس را کمتر بدهند **ششم** میباید که مستحق زکوة فطره مؤمن باشد یعنی شیعه
اثنی عشری باشد و در سایر فرق مخالفین میان فقها خلافست اکثر گفته اند که مانند زکوة

مالی جایز نیست دادن بآنها مطلقا خواه مؤمن موجود باشد یا نه و در حدیث صحیحی وارد شده که زکوة
فطره را بجماعت مذکوره میتوان داد و شیخ طوسی و بعضی دیگر قایل شده اند که در صورتی که مؤمن یافت
نشود مخصوص مستضعف بدهند و متمسک شده اند بچند روایت و آن روایات محمول بر تقیه میتوان بود
چنانچه بعضی حمل کرده اند و دلالت بر منع میکند روایت ابن ابی یعفور که عرض کرد بخدمت حضرت
صادق صلوات الله علیه که فدای تو گردم چه میفرمائی در باب زکوة بکی بدهم فرمود باصحاب خود شیعیان بده
و سه مرتبه اعاده سؤال کرده و حضرت همان جواب فرمودند هر چند ممکن است حمل این روایت بر
زکوة مالی لیکن ظاهر آن عموم است و علی ای حال احوط آنست که بسایر فرق مسلمین و مخالفین بلکه
مستضعفین ندهند **هفتم** باکلین بکف ندهند یعنی کسانی که مضایقه از سؤال ندارند تا شتر باشند
و دست خود را دراز کنند و مطالبه چیزی نمایند از جمعی که برایشان بگذرند و در روایت ابن ابی یعفور
سابق نهی از دادن بجماعت مذکوره وارد شده است **هشتم** تکلیف شرط نیست و باطفال مؤمنین
فطره میتوان داد هر چند پدر و مادر ایشان فاسق باشند و باطفال غیر ایشان نمیتوان داد بجهة آنکه
حکم اولاد حکم پدرهای ایشانست در کفر و ایمان نزد در سایر احکام مانند صلاح و عدالت و غیر آن
کردن مستحق فطره اکثر از علما معتبر دانسته اند و در باب آنکه بطفل میتوان داد یا بولی طفل میباید داد
هرگاه وصی داشته باشد یا بقایم مقام شرعی میان فقها خلافست ظاهر آنست که هرگاه متولی امر طفل
امین باشد میتوان داد که صرف معیشت طفل نماید یا بمجرد طفل بدهد و سعی نماید که صرف ما یحتاج
شرعی خود نماید و همچنین است حکم مجنون و سفیه و بمجرد سفیه میتوان داد والله تعالی یعلم و تفصیل
این مطالب در کتب مبسوطهٔ فقها در زکوة مالی بیان شده است **نهم** جمعی از فقها اعتبار عدالت
در مستحق کرده اند و بعضی گناه کبیره نکردن مناط دانسته اند و بعضی خلاف مروت را در عدالت اینجا معتبر
ندانسته اند و محقق و جمهور متأخرین غیر ایمان شرط دیگر نکرده اند و این اقرب است نظر بآیه و اکثر روایات
وبالجمله اولی و احوط آنست که فطره را بجمعی که متظاهر بفسوق باشند ندهند بلکه بکسانی که ظاهر الصلاح
باشند بدهند **دهم** مشهور بلکه اجماعی است که جایز نیست که فطره را از یک شهری بجائی دیگر که در
آنجا بمستحقین بدهند و حال آنکه در آن شهری که فطره بر آن واجب شده مستحقین موجود باشند یعنی
گناه کار خواهد بود هر چند ظاهر آنست که هرگاه بمستحقین آنجا برساند بری الذمه شده باشد
و هرگاه در این صورت نقل کند و در راه تلف شود ضامن خواهد بود فطره را میباید حبس فطره
با قیمت آن تا بمستحق برساند و جایز است نقل ببلد دیگر هرگاه در آن بلدی که وجوب فطره تعلق گرفته

مستحق نباشد و هرگاه تلف شود ضامن نخواهد بود **یازدهم** جمعی از فقها ادعای اجماع نموده اند
که مالک فطره میتواند خود فطره را قسمت نماید بمستحقین و با ایشان برساند خواه امام علیه السلام حاضر
باشد یا غایب و مستحب میدانند که در صورت حضور امام علیه السلام بآنحضرت برساند یا نایب خاصی که
آنحضرت صلوات الله علیه تعیین نموده باشد و در این عصرها که امام زمان صلوات الله علیه
غایب است و دست باو نمیرسد بنایب عام ایشان که فقهای شیعه که عارف بحلال و حرام خدای تعالی
باشد و عادل باشند بدهند زیرا که ایشان داناترند بمواقع آن و بهتر می شناسند مستحقین را و قاضی
ابن زهره در کتاب غنیة النزوع واجب دانسته بامام زمان علیه السلام یا نایب خاص ایشان دادن
در حال ظهور امام علیه السلام و بعد از آن بفقهای شیعه که امین باشند برسانند و احادیث بسیار
دلالت بر اول دارد و وجوبی که ابن زهره ادعا نموده حمل بر تاکید استحباب میتوان نمود و مجملا بهتر است
که در این زمانها بعالم فقیه امامی که اعتماد تمام باو باشد بدهند که او بمستحقین میرساند چون مصارف
را بهتر میداند **دوازدهم** بعضی از متاخرین از محقق در معتبر روایت کرده اند که او در زکوة
مالی تجویز کرده که بمحض ادعای فقیر فقر خود را بدون آنکه متهم بر فقر خود بجز بود و حال او معلوم نباشد
زکوة باو میتوان داد و ادعای اتفاق فقها را نموده و علامه نیز حکم مزکور را ذکر نموده و گفته
فرقی میان زکوة مال و فطره معلوم نیست و از کلام شیخ زین الدین در شرح لمعه معلوم میشود
که اکتفا بدعوای فقر میتوان کرد در صورتی که تفتیش از حال او متعسر باشد و احوط آنست که تا فقر
مستحق مظنون یا معلوم نشود باو ندهند و علی ای حال بعد از دادن هرگاه معلوم شود که آنکه فطره
گرفته مستحق نبوده از و پس میگیرد عین فطره را یا بدل آن را هرگاه ممکن باشد و اگر ممکن نباشد مجزیست اگر
داده بشرط آنکه تفتیش کامل از حال آن فقیر کرده باشد **مقصد چهارم** در بیان وقت اخراج
زکوة فطره بدانکه اول وقت بیرون کردن فطره بنابر مشهور میان علما اول شام شب عید است و پیش از
آن نمیتوان داد مگر آنکه بقرض بدهند و آخر بفطره محسوب دارند با فقیر و بعضی تجویز کرده اند با آنکه
از اول ماه رمضان تا آخر بعنوان فطره بدهند و این خلاف احتیاطات و در آخر وقت آن نیز میان
علما خلاف است مشهور آنست که آخر وقت آن نماز عید است و بعضی تا ظهر روز عید و بعضی دیگر
تا آخر روز میدانند و احوط آنست که در شب جدا کند و پیش از ظهر تا نماز عید بدهد و اگر صبح جدا کند
نیز خوبست و اگر پیش از نماز عید جدا کند هر وقت که میخواهد بمستحق برساند و لیکن بهتر آنست که
تاخیر نکند از ظهر روز عید بلکه از ظهر آن روز مگر آنکه مستحق حاضر نباشد و انتظار او بکشد یا عذری

در تعیین وقت اخراج جنس فطره

دیگر داشته باشد و اگر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط آنست که تا شام قصد ادا و قضا نکند
و اگر از روز عید بگذرد و جدا نکرده باشد نهایت احتیاط نیز در آنست که بقصد قربت بدهد
و قصد خصوص فطره نکند بلکه قصد وجوب و ندب و ادا و قضا نیز نکند یا باین قصد بدهد که
اگر فطره بر من واجب باشد قضا یا ادا فطره باشد و الا صدقه باشد قربة الی الله تعالی و در دفعها
نیز تعیین و تعیین چند امر ضرورست **اول** نیت واجب است در وقت جدا کردن فطره
از مال خود و اگر در وقت دادن بمستحق نیز نیت کند احوط است خصوصا هرگاه فاصله بسیار
شده باشد و در نیت همین کافیست که قصد کند از دادن زکوة اطاعت و فرمان بردار امر
الهی باشد و اگر نیت وجوب یا ندب و ادا یا قضا بکند بهتر است و اگر زکوة مال و زکوة فطره هر دو
در ذمه او باشد همین که در خاطرش باشد که این زکوة فطره است کافیست و در جائی
که وجوب و ندب ظاهر باشد قصد قربت تنها بکند یا تردید کند که اگر واجب باشد واجب
و الا سنت قربة الی الله تعالی و ظاهر آنست که اکتفا بنیت قربت در صورتی که وجوب یا ندب
معلوم باشد هم توان کرد و احوط آنست که در وقتی که بمستحق بدهد نیز نیت کند و بعضی از علما
متعلق باین مطلب کرده **دوم** بدانکه در اول وقت تعلق وجوب فطره خلاف است جمعی
گفته اند که واجب میشود فطره بغروب آفتاب از روز آخر ماه رمضان که اول شب عید باشد
و جمعی دیگر قایل شده اند که اول وقت وجوب طلوع صبح صادق است از روز عید و خالی
از قوتی نیست و علی ای حال احوط آنست که در شب جدا کند و قبل از نماز عید بدون عذر
بمستحق برساند **سیم** آیا جایز است دادن فطره را قبل از وقت وجوب در ایام ماه مبارک
رمضان بقصد فطره یا جایز نیست بلکه اگر خواهد بدهد می باید بصیغه قرض بدهد و بعد از آن
در وقت وجوب با مستحق بفطره محسوب دارد در میان فقها در این مسئله خلافست اکثر از ایشان
که از ایشانست شیخ مفید و شیخ طوسی در کتاب اقتصاد و ابو الصلاح و ابن ادریس قایل شده اند
که در وقت وجوب آن باید داد و پیش از آن جایز نیست دادن فطره مگر بعنوان قرض و شیخ طوسی در
اکثر از کتب خود غیر کتاب مذکور و صدوق ابن بابویه علیهما الرحمه جایز دانسته اند و گفته اند
که فطره را در اول ماه مبارک رمضان میتوان داد و محقق در معتبر و جمعی دیگر اختیار این مذهب
نموده اند و استدلال کرده اند بروایت صحیحه الفضلا از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر
صادق صلوات الله علیهما و در آن روایت تصریح فرموده اند که از روز اول ماه تا آخر ماه

میتوانند داد و در روز عید افضل است و دیگران این روایت را حمل نموده اند بر آنکه پیش از عید دادن
جایز است بعنوان قرض و ابن ابو جنید نظر بلفظ این حدیث تعدی دارد و عمل بمضمون حدیث خالی
از قوتی نیست ولیکن احتیاط در آنست که پیش از شام عید ندهند و اگر بدهند بعنوان قرض بدهند
و بعد از آن بفطره محسوب دارند **چهارم** بدانکه در آخر وقت وجوب فطره نیز فقها اختلاف کرده اند
اکثر بر آنند که آخر وقت وجوب آن نماز عید است حتی آنکه علامه رحمه الله در منتهی گفته است که جایز
نیست تاخیر فطره از نماز عید بدون عذر و اگر تاخیر کند گناه کار است و علامه رحمه الله در کتاب
مختلف این قول را اقرب دانسته و کلام علامه در منتهی بچند سطر فاصله بعد از قایل شدن بقول
اول دلالت میکند بر آنکه آخر وقت آخر روز عید است و سید محمد صاحب کتاب مدارک گفته است
که این قول خالی از قوتی نیست و احتیاط مقتضی آنست که اخراج فطره را از نماز عید نگذرانند
و هر گاه از وقت وجوب بگذرد نیت ادا و قضا نکند چنانچه بتفصیل گذشت **پنجم** هر گاه
از وقت وجوب بگذرد و فطره را از مال خود جدا کرده باشد و بمستحق نرسانیده باشد ظاهر کلام
فقها آنست که مطلقا خواه مستحق در وقت وجوب موجود بوده یا نبوده بعد از وقت واجب است
که بدهد به نیت ادا هر وقت که بدهد ادا خواهد بود و روایات نیز دلالت بر آن میکند لیکن در روایت
ابن ابی عمیر مذکور است که هر گاه جدا کرده باشی و انتظار مستحق بکشی باکی نیست تاخیر فطره و این روایت
اشعاری دارد بآنکه بدون عذر تاخیر جایز نیست لیکن افضل آنست که از اول وقت تاخیر کند
تا قبل از نماز عید و بعد از آن تا تواند تاخیر نکند مگر آنکه انتظار مستحق بکشد یا غیر آن **ششم**
هر گاه از وقت وجوب بگذرد و جدا نکرده باشد فقها در این مسئله نیز خلاف کرده اند و سه قول
قایل شده اند شیخ مفید و ابن بابویه و ابی الصلاح و ابن براج و ابن زهره و محقق در سه کتاب
که در این صورت فطره ساقط است و نمی باید داد چون عبادتیست در وقت خاص و چون از آن
وقت بگذرد دیگر لازم نیست که بدهد و ابن زهره ادعای اجماع کرده است بر این و شیخ طوسی و جمعی دیگر
واجب دانسته اند که بدهند به نیت قضا و علامه این مذهب را اختیار کرده است و ابن ادریس در سرایر
گفته که بعد از وقت هم به نیت ادا بدهد و این قول بسیار ضعیف و قول اول قوی و بهر تقدیر احتیاط
در دادن آنست که بعد از خروج وقت که میدهد نیت ادا و قضا نکند **هفتم** بعد از جدا کردن
در وقت وجوب هر گاه بی جهت دادن را بمستحق تاخیر کند و تلف شود ضامن خواهد بود و اگر ممکن
نبوده باشد دادن بمستحق بعلت نبودن مستحق یا غیر آن و تلف شود ضامن نخواهد بود

حکم روز عید فطر

باب پنجم در بیان احکام متعلقه بروز عید این روز از جمله اعیاد عظیمه مسلمانان
و در غایت فضیلت و برکت است محمد بن یعقوب کلینی رضی الله عنه در کتاب کافی بسند خود از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود که چون صبح روز عید فطر شود منادی
از جانب حق تعالی ندا کند که زود بشتابید بسوی جایزه های خود و ایضا بسند خود از جابر روایت نموده
که حضرت امام محمد باقر علیه السلم با او فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که چون روز اول ماه
شوال شود منادی ندا کند که ای گروه مؤمنان زود بشتابید بسوی جایزه های خود پس فرمود که
ای جابر جایزه های خداوند عالمیان مانند جایزه های این پادشاهان نیست پس فرمود که این روز روز
جوایز است و شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب امالی بسند خود از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا
صلی الله علیه و آله حدیث طولانی در بیان فضایل ماه مبارک رمضان بیان نمود از آنجمله فرمود که هر گاه
شب عید فطر شود و آن شب لیلة الجوایز نامیده میشود حق تعالی اجر عمل کنندگان در این ماه را عطا
فرماید بی حساب پس چون صبح روز عید فطر شود بهمه بلاد عالم ملائکه را فرستد پس ایشان فرود
می آیند بزمین و بر سر کوچها و بازارها می ایستند و میگویند ای امت محمد صلی الله علیه و آله بیرون
روید بسوی پروردگار کریمی که ثواب جزیل عطا میفرماید و گناه عظیم را محو میکند پس چون مردم
بمصلی رفتند حق تعالی بملائکه میفرماید که ای ملائکه من چیست جزای مزدور هر گاه کار خود را تمام
کرده باشد ایشان گویند که ای پروردگار ما و سید ما جزای او آنست که مزدش را تمام باو بدهند
پس حق تعالی فرماید که من شما را گواه میگیرم که ثواب روزه ایشان را در ماه مبارک رمضان و عبادت
ایشان را در آن ماه خشنودی و مغفرت خود قرار دادم پس میفرماید که ای بندگان من سؤال کنید از من
بعزت و جلال خودم سوگند که امروز در این مجمع برای آخرت و دنیای خود چیزی نمی طلبید مگر
آنکه از برای شما عطا میکنم و بعزت خودم قسم که می پوشانم بر شما گناهانی را که کرده اید و از من شرم
نکرده اید و رسوا نمیکنم شما را در میان جماعتی که مستحق حد بوده اند برگردید بجاهای خود
آمرزیده شده بدرستی که مرا از خود راضی کردید و من از شما راضی شدم پس ملائکه شاد و خوشحال
میشوند و بعضی از ایشان بعضی را تهنیت میگویند بسبب آنچه حق تعالی باین امت عطا میفرماید
در وقت افطار روز عید و بسند معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در یکی
از روزهای عید فطر خطبه خواند پس فرمود که ایها الناس بدرستی که این روز روزیست که نیکوکاران
ثوابهای بسیار میرسند و بدکرداران خاسر و زیان کار میگردند و این روز شبیه ترین روزهاست

بروز قیامت پس بیرون رفتن این روز از منازل خود بمصلی یادآورید بیرون رفتن از قبرها را بسوی
خداوند رحیم مهربان در روز قیامت و بمراجعت نمودن و بازگشتن بمنازل خود یادآورید بازگشتن خود را
بمنازلی که برای شما در بهشت مهیا یا در جهنم مهیا نموده ای بندگان خدا بدانید که کمتر چیزی که برای
مردان و زنان روزه دار میباشد آنست که ملکی ندا میکند در روز آخر ماه رمضان که بشارت باد
شما را ای بندگان خدا که حق تعالی آمرزید گناهان شما را پس نظر کنید که چگونه خواهید بود در ماه
رمضان آینده و سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از کتاب محمد بن عمران مرزبانی نقل نموده
که او بسند خود از حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه روایت نموده است که آنحضرت در روز
عید فطر از خانه بیرون آمد و دید که مردم میخندند پس فرمود که حق تعالی ماه مبارک رمضان را میدان
گردانیده است برای خلق خود که سبقت گیرند بسوی او پس گروهی سبقت گرفتند و فایز و رستگار
شدند و جماعتی تخلف نمودند و خایب و زیان کار گشتند پس عجب است از خنده کننده در این روزی که
رستگار میشوند در آن نیکوکاران و زیان کار میشوند در آن سبطالان و بخدا سوگند که اگر حجاب
از میان برخیزد هر آینه هر نیکوکاری مشغول شود بنیکی کردهای خود و بدکردار به بدیهای خود مشغول
گردد و موی خود را شانه نکند و جامهٔ خود را پاکیزه نسازد **واما اعمال این روز** پس از تتبع کتب اخبار
و ادعیه چند چیز ظاهر میشود **اول** سید ابن طاوس طاب ثراه در کتاب اقبال از ابن ابی قره

[illegible]

[illegible] ماه رمضان [illegible]

[illegible]

رمضان [illegible] سید ابن طاوس [illegible] در کتاب اقبال الاعمال [illegible] محمد بن [illegible]

[illegible] حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه روایت [illegible]

[illegible]

خاتمه در بیان اعمالی که اختصاص بماه مخصوصی از ماههای دوازده گانه ندارد و دران دو مقصدست
مقصد اول در بیان نماز آیات و دران دو مطلب است **مطلب اول** در بیان شرایط و وجوب آن
بدانکه این نماز بچند جهت واجب میشود **اول** گرفتن قرص آفتاب یا ماه خواه تمام آنها بگیرد یا بعضی و اول
وقت این نماز باجماع علما وقت شروع کردن قرص است بگرفتن و در آخر آن خلافست اشهر میان
علما آنست که آخر وقت آن اول شروع نمودن بانجلاست چنانچه اگر کسی نماز را تاخیر نماید تا شروع بانجلا
شود وقت نماز گذشته و باید بنیت قضا بکند و جمعی خصوصا متاخرین آخر وقت را آخر انجلا میدانند
و قول آخر اگرچه اقوی است لیکن احوط آنست که تاخیر ننماید بلکه قبل از شروع شدن بانجلا نماز را بکند
و اگر تاخیر کند مادام که تمام آن منجلی نشده باشد نماز را بنیت قربت واقع سازد و قصد ادا و قضا
نکند و اگر زمان کسوف و خسوف گنجایش نماز خفیف سبکی را نداشته باشد مشهور میان
علما آنست که نماز واجب نیست حتی آنکه از کلام بعضی مفهوم میشود که اگر شروع بنماز کرده باشد و در
اثنای نماز بر او معلوم شود که وقت گنجایش اتمام نماز را ندارد واجبست که نماز را قطع نماید و بعضی
گفته اند که اگر وقت گنجایش یک رکعت نماز داشته باشد واجبست که تمام نماز کرده شود و احوط رعایت قول
ثانی است بلکه اگر وقت گنجایش یک رکعت را نیز نداشته باشد احوط آنست که نماز بنیت قربت کرده شود و اگر
نماز تمام شود و هنوز شروع بانجلا نشده باشد بنا بر قول اول یا تمام قرص منجلی نشده باشد بنا بر قول
ثانی اشهر و اقوی آنست که مکرر کردن نماز مستحب است تا انقضاء وقت و بعضی از علما بوجوب تکرار
قایل شده اند و اگر بعد از منجلی شدن مطلع شود مشهور میان علما آنست که قضا واجب نیست مگر آنکه
تمام قرص گرفته باشد که در آن صورت قضا واجب میشود و بعضی مطلقا قضا را واجب دانسته اند
و این قول احوطست و بعضی دیگر گفته اند که اگر قرص ماه تمام بگیرد و صبح مطلع شود نماز را بجماعت قضا
میکند و اگر بعضی از قرص گرفته باشد و صبح مطلع شود نماز را فرادی یعنی به تنهائی قضا میکند و مستندی
برای این قول بنظر نمیرسد و اگر عمدا نماز را ترک کند یا فراموش کند مشهور آنست که مطلقا قضا میکند
خواه تمام قرص گرفته باشد یا بعضی و بعضی از فقها در صورت عمد و بعضی دیگر در صورت فراموشی
گفته اند که اگر تمام قرص گرفته باشد قضا میکند و اگر بعضی گرفته باشد قضا نمیکند و عمل بمشهور احوطست
مجملا بعد از وقت قضا احوطست خواه کل گرفته باشد یا بعض و خواه ترک نماز از روی عمد یا فراموشی
یا عدم علم باشد **دوم** زلزله یعنی لرزیدن زمین و مشهور میان اصحاب آنست که وقت آن موسع است
در تمام عمر و هر وقت بکند بنیت ادا میکند و بعضی آنرا واجب فوری میدانند و گفته اند که بعد از سکون

زلزله بلا فاصله واجب میشود و اگر تاخیر کند معاقب و آثم است لیکن هر وقت که بکند بنیت ادا
میکند مانند حج واجب که اگر از سال اول استطاعت تاخیر کند آثم هست اما بنیت ادا میکند و بعضی
گفته اند که مطلقا بنیت قضا میکند چون وقت آن گذشته است و احوط آنست که نیت قضا و ادا را
هیچیک نکند و بنیت قربت واقع سازد و بدانکه از کلام جمعی از فقها ظاهر میشود که اول وقت
این نماز بعد از سکون زلزله است زیرا که زمان اصل زلزله گنجایش نماز ندارد و این سخن محل اشکالست
زیرا که زمان زلزله بحسب شدت و خفت آن مختلف است و گاه هست که زمان آن زیاده از قدر نماز
میشود پس اگر کسی در حین زلزله قادر بر کردن نماز باشد اقوی و احوط آنست که تاخیر نکند و اگر در هر دو
وقت بکند رعایت هر دو قول نموده است **سیم** اخاویف آسمانی و آن هر علامتی است که از
جانب آسمان حادث شود که موجب خوف غالب مردم گردد مانند بادهای بسیار شدید که برخلاف
عادت بوزد خواه رنگین باشد و خواه نباشد و صاعقه های بسیار عظیم و رعدهای بسیار شدید
که زیاده از قدر متعارف باشد و تاریک شدن هوا یا سرخ و زرد شدن هوا یا از قدر عادت
مجملا هر علامت آسمانی که زیاده از قدر متعارف که موجب خوف عامه خلق باشد و مشهور و اقوی
در همه اینها وجوب نماز است و بعضی در خصوص بادهای هولناک و تاریکی هوا و بعضی در خصوص
باد سیاه بوجوب قایل شده اند و از کلام بعضی از فقها ظاهر میشود که این نماز مخصوص قسم اول است
که کسوف و خسوف است و در زلزله و اخاویف سماوی اصلا نماز واجب نیست و قول مشهور اقوی و
احوطست و در اینجا نیز مشهور آنست که اگر وقت گنجایش نماز سبکی نداشته باشد واجب نیست و بعضی
مطلقا واجب دانسته اند و احوط کردن آنست بنیت قربت که وقت گذشته باشد و اگر مطلع نشود تا
وقت بگذرد قضا واجب نیست مطلقا موافق مشهور میان علما و بعضی احتمال وجوب قضا داده اند
و احوط در این صورت نیز بجا آوردن است بنیت قربت و اگر عمدا ترک کند یا فراموش کند اشهر
وجوب قضاست و بعضی در صورت فراموشی قایل بسقوط شده اند و احوط کردنست بنیت قربت
مطلب دوم در بیان کیفیت این نماز است بدانکه این نماز را بچند طریق میتوان کرد و ما بذکر دو طریق
اکتفا مینمائیم **اول** آنکه در کسوف و خسوف اول نیت کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن میکنم
ادا از جهت آنکه واجبست قربة الی الله تعالی و اگر بعد از وقت باشد بعوض ادا قضا اعتبار کند
و اگر در صورتی باشد که وجوب آن معلوم نباشد ادا و قضا و وجوب را هیچیک قصد نکند بلکه
بقصد قربت بکند باین نحو که این نماز را میکنم قربة الی الله تعالی و در زلزله احوط آنست که ادا و قضا

نیت نکند و اگر در همه صور حتی اخاویف سماوی نیت را بقصد قربت کند مثل آنکه نیت کند که فلان
نماز را میکنم قربة الی الله تعالی ظاهرا کافی است بلکه در همه عبادات موافق تحقیق نیت قربت کافی
و وجوه دیگر در کار نیست پس تکبیر احرام بگوید و حمد و هر سوره که خواهد بخواند پس برکوع رود و پس سر بردارد
و سنت است که در سر برداشتن الله اکبر بگوید پس دیگر حمد و همان سوره یا سوره دیگر را بخواند
و سنت است که در این وقت بعد از سوره قنوت بخواند پس برکوع رود و باز سر بردارد و الله اکبر بگوید
و حمد و سوره بخواند و بی قنوت برکوع رود و باز سر بردارد و الله اکبر بگوید و حمد و سوره و قنوت را سنت است
بخواند و برکوع رود و باز سر بردارد و الله اکبر بگوید و حمد و سوره بخواند و بی قنوت برکوع رود و از این
رکوع که رکوع پنجم است چون سر بردارد سنت است که سمع الله لمن حمده بگوید و بعد از آن تکبیر سجود بگوید
و بسجود رود و پس برخیزد و رکعت دوم را مانند رکعت اول بجا آورد لیکن قبل از رکوع اول قنوت
نخواند و قبل از رکوع دوم قنوت بخواند و باز قبل از رکوع سیم قنوت نخواند و قبل از چهارم بخواند
و قبل از پنجم بخواند و در این رکعت نیز الله اکبر بعد از سر برداشتن از چهار رکوع سنت است چنانچه
سمع الله لمن حمده در سر برداشتن از رکوع آخر سنت است و بعد از رکوع پنجم بسجده رود و بعد از
دو سجده تشهد بخواند و سلام بگوید و این طریق اسهل و افضل طرق است طریق دوم آنکه
بعد از تکبیر احرام حمد و بعضی از سوره را بخواند و برکوع رود و چون سر بردارد بعضی دیگر از همان سوره را
بخواند و حمد را اعاده نکند و برکوع رود و همچنین تا پنج رکوع تمام چنانچه قبل از رکوع پنجم آن سوره
تمام شود و همچنین رکعت ثانی را باین دستور بکند و در این صورت سوره حمد در هر رکعتی یک مرتبه
خوانده میشود و سوره مناسب این طریق سوره که کمتر از پنج آیه نباشد و اگر سوره مبارکه انا انزلناه
فی لیلة القدر یا قل هو الله احد یا قل اعوذ برب الفلق و امثال آنها که پنج آیه است خوانده شود
آسان تر است و در این طریق نیز پنج قنوت بنحوی که در طریق سابق مذکور شد سنت است و همچنین
در سر برداشتن از چهار رکوع اول هر یک از رکعت اول و دوم الله اکبر و در سر برداشتن رکوع پنجم
هر یک سمع الله لمن حمده سنت است و این طریق مسلک ثالث طرق است پس اگر وقت وسیع باشد
طریق اول را و اگر تنگ باشد طریق دوم را اختیار نماید و بعضی از سوره دیگر هست که خالی
از اشکالی نیست لهذا آنها را مذکور ننموده و اما مستحبات این نماز پس چند امر است اول
آنکه بجماعت کرده شود خصوصا هرگاه تمام قرص گرفته باشد دوم آنکه اگر وقت وسعت داشته باشد
نماز را طول بدهد و بهتر آنست که در اول وقت شروع نماید و بقدر طول بدهد که در آخر وقت فارغ شود

و اگر پیشتر

و اگر پیشتر فارغ شود مکرر نماز را بکند تا آخر وقت سیم با وسعت وقت سورهای طولانی
بخواند و اگر سوره یس و سوره نور را که مخصوص در روایت وارد شده بخواند شاید بهتر باشد و بعضی
گفته اند که اگر نماز را به تنهائی بکند سوره طولانی بخواند و اگر بجماعت بکند سوره مختصر را بخواند و الله یعلم
چهارم رکوع و سجود را بقدر قرائت طول بدهد با آنکه ذکر این نماز را مکرر بخواند اگر وقت وسیع باشد
و بعضی از مستحبات در ضمن بیان کیفیت این نماز مذکور شد و بدانکه اگر وقت این نماز با وقت نماز
شبانروزی اتفاق افتد هر یک که وقتش تنگ باشد آنرا مقدم میدارد و اگر وقت هر دو تنگ باشد
نماز شبانروزی را مقدم میدارد و مشهور آنست که این نماز در این وقت ساقط است و احوط آنست که
بعد از شبانروزی این نماز را به نیت قربت بکند و اگر وقت هر دو وسیع باشد مشهور آنست که در
تقدیم و تأخیر مخیر است و احوط تقدیم نماز شبانروزی است و اگر در وقت نماز شب اتفاق افتد
این نماز چون واجب است البته آنرا مقدم میدارد و اگر وقت نماز شب بعد فجر باشد آخر آنرا
قضا میکند و الله تعالی یعلم تتمه جد علامه ام مولانا محمد باقر مجلسی قدس الله سره
در بعضی از مؤلفات خود گفته اند که اگر در ایام زلزله مکرر این آیه را بخوانند مناسب است ان الله
یمسک السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود
و الله تعالی هو الموفق مقصد دوم در بیان فضایل و اعمال روز نوروز است و در آن نیز دو مطلب
مطلب اول در بیان آنچه در روایات معتبره در این باب وارد شده است بدانکه در باب تعیین روز
نوروز در میان علما خلافست بعضی دهم ماه ایار از ماههای رومی و بعضی دیگر نهم شباط گفته اند
و مشهور روز اول تحویل آفتاب به برج حمل است چنانچه اگر قبل از ظهر تحویل واقع شود آن روز نوروز است
و اگر بعد از ظهر تحویل شود روز بعد نوروز است و این قول اقرب بصواب و اضبط در حساب است
اگر بنای اعمال را در این روز گذارند بهتر است و اگر در هر یک بعمل آورند عمل بهمه شده خواهد بود و تحقیق
این مطلب علی التفصیل مناسب این مقام است و بالجمله بنا بر همه اقوال این روز بسیار شریف و با برکت است
چنانچه باسانید معتبره از معلی بن خنیس که از خواص حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بوده است
منقول است که گفت در روز نوروز بخدمت آن حضرت رفتم فرمود آیا میشناسی این روز را گفتم فدای
تو شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم می نمایند و در این روز تحفها و هدیها برای یکدیگر میفرستند
حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه کعبه که در مکه معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر

نقل روایت در فضیلت نوروز

براي امر قديمي كه تقدير حكيم انرا از براي تو تا بفهمي انرا كفتم اي سيد و اقاي من دانستن اين بركت نما
محبوب تر است نزد من از انكه مردكان من زنده شوند و دشمنان من بميرند حضرت فرمود كه اي معلي
بدرستي كه روز نوروز روزي است كه حق سبحانه و تعالى در اين روز پيمان بندكان را كرفت از ارواح
ايشان در روز الست كه او را بيكانكي بپرستند و براي او شريكي قرار ندهند و در بندكي و پرستش
هيچ چيز را شريك او نكردانند و ايمان بياورند به پيغمبران و رسولان و حجتهاي او بر خلق و امامان و پيشوايان
دين و ائمه معصومين صلوات الله عليهم اجمعين و اين اول روزيست كه در ان افتاب طلوع كرده
و بادهاي ابستن كننده درختان وزيده است و كلها و شكوفهاي زمين افريده شده است و در اين
روز كشتي حضرت نوح عليه السلم بعد از طوفان بر كوه جودي قرار كرفته است و اين روزيست كه حق
تعالى حيات بخشيد چندين هزار كس را كه از مرك كريختند يعني از طاعون و بيكبار خداوند قهار
همه را ميرانيد پس بعد از مدتي كه استخوان شده بودند پيغمبري از پيغمبران خدا بر اين استخوانها كذشت
پروردكار خود سؤال كرد كه او بنمايد كه چكونه اين استخوانهاي پوسيده زنده ميكرداند پس حق تعالى
وحي فرستاد بسوي او كه اب بريز بر اين استخوانهاي ايشان در همان جاهاي خود كه هستند پس چنين كرد
وهمه بقدرت الهي زنده شدند و اين اول سال فرس عجم است و باين سبب سنت شد كه در اين روز
اب بر يكديكر بريزند يا اب بر خود بريزند و غسل كنند و حق تعالى در قران مجيد اشاره باين قصه نموده
در انجا كه فرموده الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا
ثم احياهم و بعضي از ان كفته اند كه ان پيغمبر حضرت حزقيل عليه السلم بوده حضرت فرمود كه ايشان سي هزار كس
بودند و فرمود كه در اين روز جبرئيل عليه السلام بر حضرت رسول صلى الله عليه واله بوحي نازل
شده يعني نوروز موافق روز مبعث بوده كه بيست و هفتم ماه رجب است و فرمود كه اين روزيست
كه حضرت رسالت پناه صلى الله عليه واله بتهاي كفار قريش را در مكه شكست و حضرت ابرهيم عليه السلم
نيز در اين روز بتهاي كفار را شكست و اول اشاره است بانكه سني و شيعه روايت كرده اند
بسيار كه شبي حضرت رسالت صلى الله عليه واله حضرت امير المومنين عليه السلم را با خود بمسجد الحرام اورد
و حضرت امير را امر كرد كه بر دوش انحضرت بالا رفت و بتهاي كفار را از بالا بزير اورد و شكست پس مراد انست
كه در شب اين روز بوده و فرمود كه در اين روز حضرت رسول صلى الله عليه واله امر كرد اصحاب خود را
كه بيعت كنند با امير المومنين صلوات الله عليه و اقرار كنند كه او پادشاه مومنانست يعني روز غدير
اين روز بوده يا ان روز كه سركردهاي صحابه را كفت برويد و بر علي سلام كنيد و بكوئيد السلام عليك

يا امير المومنين

يا امير المؤمنين اين روز بوده و فرمود كه در اين روز حضرت رسول صلى الله عليه واله حضرت امير صلوات الله عليه را
بوادي جنيان فرستاد كه از ايشان بيعت از براي او بكيرد و فرمود كه در اين روز حق خلافت با امير المؤمنين
صلوات الله عليه بركشت و بار ديكر بعد از كشته شدن عثمان با انحضرت بيعت كردند و در اين روز حضرت
امير عليه السلم با خارجيان نهروان جنك كرد و بر ايشان ظفر يافت و سركردهاي ايشان را كه ذو الثديه
بود كشت و در اين روز قايم ال محمد صلوات الله عليه ظاهر خواهد شد و در اين روز امامان ديكر
بدنيا رجعت خواهند كرد و در اين روز قايم ما ظفر خواهد يافت بر دجال و در كناسه كه محله ايست از
محلات كوفه او را بدار خواهد كشيد و در هيچ روز نوروزي نيست مكر انكه ما انتظار فرج مي كشيم
زيرا كه ان از روزهاي ما و روزهاي شيعيان ما است انرا عجمان حفظ كردند و حرمت انرا رعايت
كردند و شما عربان انرا ضايع كرديد پس حضرت فرمود بمعلي كه چون روز نوروز شود غسل بكن و پاكيزه
ترين جامهاي خود را بپوش و بخوشبوترين بوهاي خوش خود را خوشبو كردان و در ان روز روزه بدار
و چون از نماز پيشين و پسين و نافلهاي انها فارغ شوي چهار ركعت نماز بكذار يعني هر دو ركعت بيك سلام
و در ركعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و در ركعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره
قل يا ايها الكافرون و در ركعت سيم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد و در ركعت چهارم
بعد از حمد ده مرتبه سوره قل اعوذ برب الناس را بخوان و بعد از ان بسجده شكر برو و اين دعا را
بخوان اللهم صل على محمد وال محمد الاوصياء المرضيين وصل على جميع انبيائك و
رسلك بافضل صلواتك وبارك عليهم بافضل بركاتك وصل على ارواحهم
واجسادهم اللهم بارك على محمد وال محمد وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته وكرمته
وشرفته وعظمت خطره اللهم بارك لي فيما انعمت به علي حتى لا اشكر احدا
غيرك ووسع علي في رزقي يا ذا الجلال والاكرام اللهم ما غاب عني فلا يغيبن عني
عونك وحفظك وما فقدت من شيء فلا تفقدني عونك عليه حتى لا اتكلف ما لا
احتاج اليه يا ذا الجلال والاكرام وفقره يا ذا الجلال والاكرام را بسيار بكو و در بعضي از روايات
بعد از يا ذا الجلال والاكرام اين تتمه نيز هست وصلى الله على سيدنا محمد واله الطيبين الطاهرين
والحمد لله رب العالمين چون اين عمل را بجا اوري كناهان پنجاه ساله تو امرزيده شود مقصد دوم
در بيان انچه در كتب غير معتبره مذكور است و انها چند چيز است اول حديثي كه علامه امام مولانا محمد باقر
مجلسي طاب ثراه در كتاب زاد المعاد كفته كه در غير كتب مشهوره روايت كرده اند كه در وقت تحويل افتاب بحمل

بسیار بخوانند و بعضی سیصد و شصت و شش مرتبه گفته‌اند یا محول الحول و الاحوال حول حالنا
الی احسن الحال و بروایت دیگر یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول
الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال و سید جلیل نبیل میر محمد باقر داماد قدس سره
روحه روایت ما هر را نقل نموده و در آخر آن یا عزیز یا غنی نیز هست و در بعضی از مجموعها که بنظر
رسیده زیارتی در اول و آخر هست یا من بحو یا مفتح الابواب و یا مسبب الاسباب و یا
مقلب القلوب و الابصار و یا مدبر اللیل و النهار و یا محول الحول و الاحوال حول حالنا
الی احسن الحال یا عزیز یا غنی یا غیاث المستغیثین یا دلیل المتحیرین یا راحم المساکین
توکلت علیک یا رب و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم **دویم** ایضا جد علامه
طاب ثراه در کتاب مذکور گفته که بعضی روایت کرده‌اند که ابتدا عاد نیز در روز نوروز بعد از نماز
سیصد و شصت و شش است بخوانند اللهم هذه سنة جدیدة و انت ملک قدیم اسئلک خیرها
و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها و استکفیک مؤنتها و شغلها یا ذا الجلال
و الاکرام و در بعضی از مجموعها بنظر رسیده که در وقت تحویل سیصد و شصت نوبت آیة الکرسی تا
العلی العظیم بخوانند و بعد از آن ابتدا عاد اسیصد نوبت بخوانند اللهم هذه سنة جدیدة
و انت ملک قدیم اسئلک بخیرک و حسن عمل یقربنی الیک یا ذا الجلال و الاکرام
و ظاهر اداین نقل از لفظ دعا چیزی ساقط شده باشد و در مجموعه دیگر بنظر رسیده که از رسول
خدا صلی الله علیه و آله منقول است که هر که در اول سال ابتدا عاد ابخواند و در مجموعه دیگر که بنظر رسیده
هفت نوبت بخواند حق تعالی دو ملک را با او موکل میگرداند که محافظت نمایند او را تا آخر سال
و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت الابدی القائم الحی الکریم الحنان المنان
اللهم هذه سنة جدیدة و انت ملک قدیم اسئلک فیها العصمة من الشیطان و النجاة
من النیران و العون علی هذه النفس الامارة بالسوء و الاشتغال بما یقربنی لدیک یا
ذا الجلال و الاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین **سیم** سید جلیل امیر محمد باقر داماد رحمه
نقل نموده که در وقت تحویل سی و هفت نوبت ابتدا عاد ابخوانند بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم بارک لنا فی هذه السنة و بلغنا من اول هذه السنة الی آخرها سالمین و احفظنا
من شر الظالمین بحق حفظتها من کل شیطان رجیم و بحق سلام قولا من رب رحیم
و بحق فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین و بحق محمد صلی الله علیه و آله و سلم

والائمة المعصومین الهادین المهدیین یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال یا مقلب
القلوب و الابصار یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین اغثنی یا مغیث یا مغیث یا مغیث
و اغوثاه و اغوثاه و اغوثاه و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد یا الله یا الله یا الله
یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم **چهارم** در مجموعه بنظر رسیده که هر که در اول صبح
روز نوروز چهارده نوبت یا وهاب و دو نوبت یا ودود بگوید تا روز نوروز دیگر مطالب او موافق خواه
میسر گردد **پنجم** امیر محمد باقر داماد قدس الله روحه نقل نموده که در وقت تحویل دو رکعت نماز بکند
در هر رکعتی حمد یک مرتبه و هر سوره که خواهند **ششم** در بعضی از رسایل مذکور است که در این روز
سوره بنی اسرائیل و سوره نوح و سوره سبح اسم و سوره سال سائل و سوره سبح اسم و سوره انا انزلناه را
بخوانند که تا آخر سال محفوظ مانند از بلاها **هفتم** امیر محمد باقر داماد طاب ثراه نقل نموده و در
مجموعه بنظر رسیده که در وقت تحویل هفت نوبت سوره فاطر را بخوانند **هشتم** ایضا در بعضی رسایل
مذکور است که چون روز نوروز شود بعد جماعتی که در مجلس تحویل حاضر اند انار شیرین که بزرگ
باشد بستانند و انار ترش نیز مجرب است و اگر انار یافت نشود حب نبات بگیرند و چهل و یک نوبت
سوره یس را بر آن بخوانند خواه یک کس چهل و یک نوبت را بخواند و خواه جمعی و هر یک نوبت که بخوانند
با دو انار بدمند و باید اندکی پیش از تحویل شروع نمایند و چون سال تحویل گردد آن انار ها را پوست کنند
تناول نمایند و نگذارند که یک دانه از آن انار ضایع شود و باید پوست آن انار را دفن کنند و در آب روان
اندازند و در وقت خواندن سوره یس اندکی سر راخ در انار کنند و بخوانند مشغول شوند و چون این
عمل را بجا آورند بعد از هر دانه از آن انار مرضی دفع شود از هر که آن را بخورد و تا سال دیگر از آفات
و بلیات در حفظ و امان حق تعالی بوده باشد از برکت سوره یس و دیگر فواید بسیار در آن مرتب
و میر محمد باقر داماد طاب ثراه نیز این عمل را نقل نموده و عدد خاصی بر آن انار و سوراخ کردن انار
در وقت خواندن سوره یس و حب نبات بعوض انار را نقل ننموده و ایضا خوردن انار در وقت تحویل
در کلام او مذکور نیست بلکه ظاهر حال آنست که بعد از تحویل هر وقت که باشد می توان خورد **نهم** ایضا
در بعضی از رسایل مذکور است و میر محمد باقر داماد طاب ثراه نیز نقل نموده که در وقت تحویل
این هفت آیه را که اول آنها حرف سین است با مشک و زعفران بظرف چینی بنویسند و با گلاب یا عرق
بیدمشک یا آب بشویند هر کس از آن آب بخورد در آن سال از امراض و رنجها محفوظ باشد و اگر کسی
او را بکند زهر بوی کارگر نکند بقدرت حق تعالی **و آیات سبعه اینست** بسم الله الرحمن الرحیم

سلامٌ قولاً من ربٍّ رحیم ۱ ۰ سلامٌ علی نوحٍ فی العالمین ۲ ۰ سلامٌ علی ابرهیم ۳ ۰ سلامٌ علی موسی وهرون ۴ ۰
سلامٌ علی الیاسین ۵ ۰ سلامٌ علیکم طبتم فادخلوها خالدین ۶ ۰ سلامٌ هی حتی مطلع الفجر ۷ ۰ **دهم**
امیر محمد باقر داماد قدس سره نقل نموده که این طلسم را با مشک و زعفران بر کاغذی نویسند و با خود نگاه دارند
و در بعضی از مجموعها که بنظر رسیده طلسم را بر نحو [illegible] **وطلسم اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] **یازدهم** در مجموعه بنظر رسیده که منقولست
در روز نوروز اینها را با مشک و زعفران بر روی کاغذی بنویسند و آنرا در ظرفی که آب داشته باشد اندازند
هر که از آن آب بیاشامد تمام آن سال از صحت و سلامت و خوشی وقتی گذراند و از جمیع آفتها و بلاها و شداید
و مکروهات در حفظ حق تعالی بوده باشد و دولت و حشمت او روز بروز زیاده شود و ابواب فتوحات
و خیرات بروی گشاده شود و کارهای او بسهولت آماده گردد و بر اعداء خود نصرت و ظفر یابد و دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم ربی الله ربی الواحد ربی الحی القیوم ربی الذی یحیی و یمیت ربی الواحد القهار
حسبنا ربنا حسبی ربی اللهم انا نعوذ بک من الطعن و الطاعون و الوباء و البلاء و موت الفجاءة
و سوء القضاء و شماتة الاعداء و من شر ما سبق ربنا اصرف عنا العذاب انا مؤمنون حسبنا الله
و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد
و عترته الطاهرین **دوازدهم** در جامع ابن بیطار مذکور است که صاحب فلاحت نبطیه از قول
حضرت آدم علیه السلام نقل کرده که هر که در روز تحویل نیم مثقال تخم [illegible] را با نیم مثقال قند سفوف ساخته
بخورد و بر این مداومت نماید تا روز تحویل آفتاب بسرطان در آن سال هیچ قسم کوفتی بهم نرساند و اگر
هر سال این کار بکند عمر او بصد و بیست سال برسد و اصلا در قوای او سستی و ضعف بهم نرسد **سیزدهم**
ایضا از صاحب فلاحت نبطیه نقل نموده که هر که در این روز یک مثقال مخلصه کوفته بخورد و تا سه روز
مداومت نماید در آن سال هیچ زهری بآن کارگر نشود و گفته که این از مجربات است چنانچه شخصی در سالی
بآن عمل نموده و در آن سال چند نوبت باو زهر دادند که از آنجمله یکمرتبه ده دانگ و نیم الماس و یکمرتبه
یک زهره افعی بود و برو او کار نکرد **چهاردهم** در بعضی از رسایل مذکور است که در روز نوروز از
پوشیدن جامه زرد و سیاه و بنفش و عنابی حذر باید کرد که باعث مفلسی و اندوهگی است بلکه جامه
سفید یا سبز یا آل یا کبود باید پوشید که باعث غنا و توانگری و صحت بدنست در آن سال چنانچه در این ابیات
که منسوبست بسلطان المحققین خواجه نصیر طوسی قدس الله روحه بنظم آمده **شعر**
بوقت گردش سال ای یگانه دوران ۰ نصیحتی کنم ار بشنوی و دریابی ۰ چهار رنگ مپوش و چهار رنگ بپوش

کزان چهار

که زان چهار شوی خوار و زین چهار آبی ۰ بپوش جامه سبز و سفید و آل و کبود ۰ مپوش زرد و سیاه و بنفش و عنابی ۰
که زین چهار شود قامت تو خم چه کمان ۰ و زان چهار شود چهره تو عنابی ۰ **پانزدهم** در مجموعه
بنظر رسیده که منقولست که هر که این کلمات را در روز شنبه بعد از نوروز بنویسد و با آب پاک بشوید و بخورد
آن سال از درد چشم ایمن باشد **و کلمات اینست** الم المص الر المر کهیعص طه طسم طس یس ص حم عسق
ق ن **تحقیق** بدانکه آنچه در این مقصد مذکور شد در کتب معتبره مسطور نیست و بعضی از آنها را بزرگان
نسبت داده اند و بعضی را بدون نسبت بروایت نقل نموده اند و آنها بر سه نوع است **نوع اول**
آنچه از قبیل ادعیه و اذکار و نماز و نوشتن دعا و طلسم و اشباه این باب است و این قسم را اگر چه بروایت
نسبت نداده اند لیکن ظاهر حال آنست که ماخوذ از روایتی و حدیثی باشد و حدیث آن از میان رفته باشد
یا از کتب عامه و اهل سنت اخذ نموده باشند بنابراین نقل این قسم از اعمال ممکن است که بمنزله روایت باشد
و چون در مستحبات عمل بروایات ضعیفه میتوان کرد ممکن است که بجا آوردن این اعمال مجوز باشد خصوصا
آنچه از آیات و سور قرآنی باشد و لهذا امیر محمد باقر داماد در باب خواندن سوره یس با اسناد بحدیث صحیح خذ من
القرآن ما شئت لما شئت متمسک شده تجویز آن نموده است پس هر یک از این اعمال را بجا آورد بقصد آنکه
قرآن و دعا در هر وقت نیکوست خصوصا اوقات شریفه و این وقت از جمله آنهاست **نوع دوم**
چیزی چند است که ظاهر حال آنست که روایتی در آن باب وارد نشده بحسب طب منافع بدنی دارد مانند
خوردن دارها [illegible] با قند و مخلصه و بعمل آوردن این قسم نیکوست لیکن احوط آنست که مراعات مناسبت با مزاج
هر شخص بشود که مبادا مناسب نباشد و ضرر نماید **نوع سوم** چیزی چند است که ظاهر حال آنست که آنها
نیز مستند بروایتی نباشد و مستند بعلم نجوم باشد مانند حذر کردن از جامه زرد و سیاه و بنفش
و عنابی و پوشیدن جامه سفید یا سبز یا آل یا کبود و مراعات این نوع
تابع حقیقت و بطلان علم نجوم است و علی ای تقدیر
مراعات آن ضرری ندارد والله تعالی
اعلم

کتبه العبد الاثم الجانی ابن محمد رضا محمد رضا الاصفهانی المشهور الملقب با[illegible] کاشانی فی شهر جمادی [illegible] سنه ۱۲۳۶(؟)

